



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



# جائیت و اہمیت

سیدنا امیر المومنین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# جنایت و هابیت

نویسنده:

حسن میردامادی

ناشر چاپی:

بنیاد معارف اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۴	جنایت وهابیت
۱۴	مشخصات کتاب
۱۴	مقدمه
۱۷	فصل اول: روایت شاهدان عینی
۱۷	اشاره
۱۹	آتش گلوله برای حجاج - سید رضا موسی کاظمی
۲۲	آثار توطئه - سید عبدالله نورحسینی
۲۴	آمادگی پلیس سعودی برای کشتار - مهدی پاکدل
۲۷	آنچه من دیدم
۴۰	آن روز از میان دریای خون گذشتیم - عباس خ
۴۸	آنها به همه ظلم می کنند - مهدی صداقتی
۵۰	آل سعود یا آل آمریکا؟ - سید اسدالله نبوی
۵۴	آن شیرزن که بود؟ - ماشاالله غریب
۵۹	ابولهب خادم حرمین - غلامحسین اکرادلو منجیلی
۶۳	اثر لکه های خون پاک نمی شود - فهیمی کورو - روزنامه زمان ترکیه
۱۱۳	اعلام خبر سقوط هلی کوپتر ... - محسن انسی
۱۱۹	افشاگری علماء مسلمین لبنان
۱۲۱	انتخاب خوب ایرانیان - حاجی اسدالله - هند
۱۲۵	اهانت به مقدسات وهابها - سیدحسن میردامادی
۱۳۰	برای پلیس سعودی همه چیز ... - محمد مهدی پور اردبیلی
۱۳۵	به آتش کشیدن پرچم آمریکا وحمله پلیس - عبدالرضا ابراهیم
۱۳۶	بیداری حجاج خارجی - احمد رضا یمینی
۱۳۸	بیداری مسلمین - محمد کاظم کمال - قاین

- ۱۳۹ ..... بی رحمی بیداد می کرد - محمد هادی اینانلو
- ۱۴۲ ..... به هیچکس رحم نکردند
- ۱۴۴ ..... بیست شب در زندان
- ۱۴۷ ..... پاهای گمشده - جانباز احسان بهرامی
- ۱۴۹ ..... پدر سه شهید - رحمان تیموری همدان
- ۱۵۱ ..... پرتاب زباله بر سر مردم - تقی مهدیه نجف آبادی
- ۱۵۲ ..... پیام پلیس سعودی - علی اکبر خالقی
- ۱۵۵ ..... پیش بینی سعودیها برای محو آثار جنایت، - حجت الاسلام احمدی
- ۱۵۸ ..... توطئه ارباب و نوکر - حسین رحمتی - مرند
- ۱۵۹ ..... توطئه همه جانبه - دکتر حسین مظفری
- ۱۷۲ ..... جرم مسلمانان در مکه... - مولوی حافظ
- ۱۷۳ ..... جمعه خونین - احمد رضا کریمیان
- ۱۷۷ ..... جنایت آل سعود - حجت الاسلام معصومی
- ۱۷۷ ..... جنایت پلیس سعودی - علی آبادی □ مجروح
- ۱۸۳ ..... حجاج در میدان شکار تک تیراندازان ... - حسام الدین معمار
- ۱۹۶ ..... حج مادریک شهید
- ۱۹۹ ..... حریم خونین حرم - علی اصغر نادری
- ۲۰۳ ..... حماقت های تبلیغاتی آل سعود - مصطفی رجائی
- ۲۰۶ ..... حمایت آل سعود از مجاهدین ... - هاشمی لولنجی
- ۲۰۹ ..... حمله پلیس علت ازدحام جمعیت - کرامت نیکنام
- ۲۱۰ ..... حيله سعودیها - عزت الله فنائی
- ۲۱۱ ..... خادم کاخ سفید - اسماعیل گندمی
- ۲۱۲ ..... خشم حجاج غیر ایرانی - اصغر رضانی
- ۲۱۳ ..... خیابان پر از جنازه - فاطمه مرادخانی
- ۲۱۴ ..... خیابان غم انگیز - سیدجواد رضوی پور
- ۲۱۹ ..... در میدان معاهده و شارع حرم همه

- ۲۲۷ ..... در زندان آل سعود - محمدرضا هدایتی
- ۲۳۱ ..... دفاع از منافع شیطان - حسن باقری
- ۲۳۴ ..... روایت فاجعه - احمد مجیدی پیرسقا - دانشجو
- ۲۷۴ ..... روایت فاجعه - یک زائر فیلیپینی مجروح
- ۲۷۶ ..... سمیه ها - فاطمه فخاریان - سمنان
- ۲۷۹ ..... شام غریبان - مصطفی کواکبیان
- ۲۸۳ ..... شجاعت زنان ایرانی - جمشید کرمی
- ۲۸۶ ..... شرطه های چاقوکش - حسین نمازی - بندرعباس
- ۲۹۰ ..... شکست قداست حرم با شلیک گلوله - دکتر تقی بنگاش - پیشاور
- ۳۰۱ ..... شکسته شدن حریم خدا
- ۳۰۵ ..... شلیک گلوله ها - حاج آقا تقوائی
- ۳۰۷ ..... شهدا بر سنگفرش خیابان - دادعلی مشهدی
- ۳۰۸ ..... شهر امن - جعفر سبحانی
- ۳۰۹ ..... صبر حجاج ایرانی - محمد شیدا
- ۳۱۲ ..... صحنه های دلخراش - روح الله صفری
- ۳۱۴ ..... عاشقان امام امت - محمد رضانی محلاتی
- ۳۱۸ ..... عطش خونخواری - احمد صابری
- ۳۱۹ ..... عین واقعه کربلا بود - قربانعلی امیری
- ۳۲۱ ..... فاجعه خونین - احمد کتابی
- ۳۲۲ ..... فریاد استغاثه - سیدعبدالله نورحسینی
- ۳۲۴ ..... فریاد مظلومیت - ناصر جان نثاری
- ۳۳۰ ..... قربانگاه خونین - علی رحمانی
- ۳۳۲ ..... قطع دست - حسن وردیانی
- ۳۳۳ ..... قلب سیاه آل سعود - سیدمحمد حائری
- ۳۳۶ ..... قلب های سوخته - حاج محمد نمازی
- ۳۳۹ ..... کاغذ رنگی رمز عملیات خونین مکه - اکبر سلیمانی

- ۳۴۵ ..... کعبه محل قیام مسلمین جهان - محمد حسن دلیر
- ۳۵۰ ..... کعبه مذبح عشاق - فتوت نصیری
- ۳۵۴ ..... کعبه یکتا مرکز شکستن بتها - سید احمد هاشمی نژاد
- ۳۵۷ ..... کودکان انقلابی - دکتر عروجی
- ۳۵۸ ..... گلوله باران حجاج بی دفاع - محمد حسن اجاقی
- ۳۶۰ ..... گزارش جنایت - محمد آخوند عابدی
- ۳۶۱ ..... لباس مهمانی
- ۳۶۷ ..... محاصره برای قتل عام زائران - شمس - مجروح حادثه
- ۳۷۲ ..... محاصره در بین مأمورین - عزت الله عبدالله خانی
- ۳۷۴ ..... محبت های یک خانواده عرب
- ۳۷۵ ..... مردم حجاز بیدارند - عباس بدخشان
- ۳۷۸ ..... مسئله اصلی ادای وظیفه است
- ۳۷۹ ..... مظلومیت محض - علی بلوکی یزدی
- ۳۸۱ ..... مقتل مکه - فخرالدین حجازی
- ۳۸۵ ..... مکه چگونه به خون رنگین شد؟ - گزارشگر ویژه العالم
- ۳۹۷ ..... مهر و تسبیح کربلا - محمود امیری
- ۳۹۹ ..... ندامت یک شرطه - احمد متقی
- ۴۰۱ ..... وحشت شرطه ها از نماز - غلامعباس میرزائی
- ۴۰۳ ..... ومن دخله کان آمنا - سید محمد حسین حسینی
- ۴۰۷ ..... هجوم وحشیانه - محمدعلی امینیان
- ۴۱۲ ..... هدف رژیم سعودی قتل عام بود - ایوب صلاح - ترکیه
- ۴۲۷ ..... یکشب در اسارت وهابیان - سیدباقر میردامادی
- ۴۳۲ ..... فصل دوم: اخبار - تحلیلها موضع گیریها سخنرانیها و پیامها
- ۴۳۲ ..... اشاره
- ۴۳۴ ..... مقدمه فصل دوم
- ۴۳۶ ..... پیام نماینده امام به حجاج



- پیام حجت الاسلام والمسلمین کروی به محضر امام ..... ۴۳۷
- حکم تاریخی امام امت ..... ۴۳۹
- پیام رئیس جمهور ..... ۴۴۴
- پیام رئیس قوه قضائیه ..... ۴۴۵
- فاجعه کشتار از زبان سرپرست حجاج ایرانی ..... ۴۴۶
- جزئیات کشتارمکه معظمه - خبرنگار کیهان ..... ۴۴۸
- قتل عام زائران به خبرنگار صدا و سیما ..... ۴۴۹
- گزارش خبرنگار کیهان ..... ۴۵۰
- گزارش صدای جمهوری اسلامی ..... ۴۵۴
- فیلم سیمای جمهوری اسلامی ..... ۴۵۶
- گفتگو با نخستین گروه حجاج ایرانی در فرودگاه ..... ۴۵۷
- جلسه فوق العاده هیئت دولت ..... ۴۶۰
- اعلام عزای عمومی از سوی دولت ..... ۴۶۲
- احضار کاردار سعودی در تهران به وزارت خارجه ..... ۴۶۴
- اظهارات سخنگوی وزارت خارجه ..... ۴۶۴
- ملاقات گروهی از مجاهدین افغانی با حجت الاسلام کروی ..... ۴۶۵
- آیت الله خامنه ای: انتقام حادثه خونین کشتار حجاج ..... ۴۶۶
- پیام وزیر کشور ایران به وزیر کشور عربستان ..... ۴۷۵
- اردن مراکش و عراق از جنایت رژیم فهد حمایت کردند ..... ۴۷۷
- تامین امنیت توسط یک ژنرال آلمانی !! ..... ۴۷۸
- رژیم آل سعود سربازانی را که ..... ۴۷۹
- استفاده پلیس سعودی از کلت، تفنگ و گلوله های انفجاری ..... ۴۸۰
- اظهارات سرپرست بیمارستان ایرانی در مکه ..... ۴۸۱
- گزارش مسئول ستاد حج مکه ..... ۴۸۲
- مصاحبه با نماینده امام ..... ۴۸۷
- گزارش واحد تحلیل و خبر بعثه امام ..... ۴۸۸

- کتمان جنایات و تحریف حقایق توسط رادیو تلویزیون سعودی ..... ۵۰۴
- نقش گردان ۱۰۱ ویژه اردن در قتل عام مکه فاش شد ..... ۵۰۷
- سخنگوی وزارت خارجه سیر تبلیغات رژیم سعودی ..... ۵۰۸
- سرپرست ستاد پزشکی حج ابعاد دیگری از جنایت ..... ۵۱۲
- مدرسین حوزه علمیه قم خواستار خلع ید حکام آمریکائی ..... ۵۱۵
- اطلاعیه دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه ..... ۵۱۶
- بیانیه علماء و طلاب عربستانی مقیم قم ..... ۵۱۶
- تلگرام آیت الله ملکوتی ..... ۵۱۸
- تلگراف آیه الله خاتمی ..... ۵۱۹
- بیانیه جمعیت زنان جمهوری اسلامی ..... ۵۱۹
- اطلاعیه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ..... ۵۲۰
- دیدگاه روحانیون اهل سنت ..... ۵۲۲
- پیام امام جمعه سنندج به امام جمعه مدینه منوره ..... ۵۲۲
- پیام روحانیون اهل سنت دهگلان ..... ۵۲۸
- پیام سرپرست حوزه علمیه اهل سنت خواف ..... ۵۲۸
- پیام روحانیون تربت جام ..... ۵۲۹
- پیام روحانیون سرخس ..... ۵۳۰
- پیام روحانیون مرکز بخش در میان ..... ۵۳۰
- اطلاعیه حوزه علمیه حضرت بلال اهل سنت مشهد ..... ۵۳۰
- قطعه نامه پایانی کنگره بررسی قداست و امنیت حرم ..... ۵۳۲
- سخنران رئیس مجلس شورای اسلامی در کنگره ..... ۵۳۵
- امام : جنایت تاریخی شکستن احترام حرم امن الهی ..... ۵۳۷
- آیت الله خامنه ای : جمعه خونین مکه یک عاشورا و محرم دیگری است ..... ۵۳۹
- پیام امام امت به ایثارگران ..... ۵۴۰
- امام : این ننگ است برای مسلمین که حرمت کعبه شکسته شود و... ..... ۵۴۲
- بخشی از سخنرانی آیت الله خامنه ای در سازمان ملل متحد ..... ۵۴۹

- رئیس مجلس : مشابهت جنایات آل سعود و یزیدیان ..... ۵۵۰
- حجت الاسلام والمسلمین هاشمی : همدستی آمریکا و عربستان در فاجعه ..... ۵۵۴
- سخنان آیت الله صانعی ..... ۵۵۸
- عزیمت حجاج ایرانی به مدینه ..... ۵۶۱
- جلوگیری رژیم سعودی از عزیمت سرپرست حجاج ایرانی ..... ۵۶۲
- مأموران رژیم سعودی وسائل پزشکی هیات ایرانی را ضبط و توقیف کردند ..... ۵۶۵
- مقامات سعودی از سفر سرپرست حجاج ایرانی به مدینه جلوگیری کردند ..... ۵۶۶
- حجت الاسلام والمسلمین کروبلی به کشور بازگشت ..... ۵۶۷
- نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی ابعاد جدیدتری از ..... ۵۶۹
- فصل سوم: راهپیمائی و مراسم ..... ۵۷۴
- اشاره ..... ۵۷۴
- مقدمه فصل سوم ..... ۵۷۶
- مردم خواستار قاطعیت در برابر ..... ۵۷۸
- تسخیر سفارت کویت ..... ۵۸۱
- کشف مشروبات الکلی از سفارتخانه های کویت و عربستان ..... ۵۸۲
- حمله به سفارت فرانسه ..... ۵۸۲
- هجوم به سفارت رژیم عراق ..... ۵۸۲
- تظاهرات میلیونی مردم خشمگین ..... ۵۸۳
- قطعه نامه تظاهرات میلیونی ..... ۵۸۶
- تظاهرات صدها تن از علماء و طلاب غیر ایرانی ..... ۵۸۸
- راهپیمایی بزرگ مردم تهران ..... ۵۹۰
- سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی در راهپیمائی ..... ۵۹۵
- راهپیمائی و اجتماع زنان بسیجی ..... ۶۰۴
- واکنشهای گسترده جهانی علیه جنایت هولناک ..... ۶۱۷
- انعکاس فاجعه قتل عام مکه در جهان اسلام ..... ۶۲۱
- لبنان نظر ۵۰ شخصیت ..... ۶۲۳

- ۶۲۸ ..... دعوت حجت الاسلام والمسلمین کروی برای برگزاری اربعین
- ۶۲۸ ..... اعلام آمادگی گسترده اقشار مختلف مردم
- ۶۳۰ ..... شعارهای راهپیمایی اربعین شهدای مکه مکرمه
- ۶۳۲ ..... راهپیمایی میلیونی اربعین شهدای مکه
- ۶۳۵ ..... میلیونها مسلمان عدم صلاحیت حکام آمریکائی آل سعود را
- ۶۳۸ ..... قطعنامه راهپیمایی
- ۶۴۱ ..... آیت الله خامنه ای : ایجاد فاجعه مکه به منظور مبارزه با انقلاب اسلامی بود
- ۶۴۶ ..... مراسم اربعین شهدای مظلوم مکه در گوشه و کنار جهان
- ۶۵۲ ..... فصل چهارم: شهدا و جانبازان
- ۶۵۲ ..... اشاره
- ۶۵۴ ..... مقدمه فصل چهارم
- ۶۵۶ ..... تشکیل ستاد پیگیری وزارت خارجه
- ۶۵۶ ..... تعلل و کارشکنی حکام سعودی از انتقال شهدا و
- ۶۵۷ ..... کردار جمهوری اسلامی ایران در عربستان علت تأخیر
- ۶۶۰ ..... اظهارات نخست وزیر پیرامون انتقال شهدای حج
- ۶۶۱ ..... گزارش لحظه به لحظه از هواپیمای حامل شهدا و مجروحین
- ۶۶۴ ..... ورود نخستین کاروان شهداء و مجروحین
- ۶۶۷ ..... نخست وزیر: حادثه عظیم مکه مقدمه اتفاقات تازه است
- ۶۷۰ ..... پیکر پاک ۴۹ شهید دیگر
- ۶۷۱ ..... کاروان ویژه بنیاد شهید با تقدیم شش شهید و ۵ مفقود
- ۶۷۳ ..... گفتگوی کیهان با چند تن از جانبازان
- ۶۷۵ ..... گزارش روزنامه جمهوری اسلامی از ورود کاروان ویژه
- ۶۷۷ ..... ۲۰۳ تن از شهدای فاجعه مکه شناسائی شدند
- ۶۸۱ ..... تشییع جنازه باشکوه اولین شهیدان مکه
- ۶۸۱ ..... تشییع شهداء جمعه خونین مکه در شهرستانها
- ۶۸۴ ..... ۵۹ نفر از بستگان شهدای فاجعه خونین مکه برای شناسائی

- ۶۸۵ ..... اجساد مطهر ۵۹ تن از شهدای جمعه خونین مکه به تهران انتقال یافت
- ۶۸۸ ..... اجساد پاک و مطهر ۵۴ تن از شهدای فاجعه جمعه ... تشییع شد
- ۶۸۹ ..... جوان ترین شهید جمعه خونین مکه
- ۶۹۴ ..... شهداء فاجعه
- ۷۰۷ ..... فهرست مطالب
- ۷۲۲ ..... درباره مرکز

## جنایت وهابیت

### مشخصات کتاب

سرشناسه : میردامادی، حسن، - ۱۲۸۰

عنوان و نام پدیدآور : جنایت وهابیت / حسن میردامادی

مشخصات نشر : قم - بنیاد معارف اسلامی با همکاری حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، ۱۳۶۹.

مشخصات ظاهری : [۶۹۹] ص

شابک : ۱۵۰۰ریال

وضعیت فهرست نویسی : فهرست نویسی قبلی

یادداشت : کتابنامه

موضوع : واقعه مکه، ۱۳۶۶ - وهابیت

شناسه افزوده : حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت

رده بندی کنگره : BP۲۶۲/۲ م ج ۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۶۱

شماره کتابشناسی ملی : م ۶۹-۲۵۳۳

### مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم فاجعه جنایت هولناک آل سعود در کنار خانه امن الهی جدای از توطئه جهان خواران علیه انقلاب اسلامی و سرکوب حرکت مظلومانه امت اسلام برای احقاق حقوق از دست رفته مسلمانان نیست و در این راستاست که این جنایت قابل درک و لمس است.

رژیم جنایتکار آل سعود پس از دست یازیدن به آن کشتار وحشیانه در بونهای تبلیغی خود رسید که ایرانیان برای خرابکاری آمده بودند و تصمیم به خراب کردن کعبه و بردن کعبه به تم!! را داشتند و دهها اتهام واهی دیگر از رسانه های گروهی وابسته به دلارهای نفتی پراکنده شد.

آن روز تلخ در همان روز پایان رسید لیکن آثار و تبعات آن تا ابد باقی خواهد ماند و آیندگان تاریخ از ما خواهند پرسید که

چه اتفاقی در آن روز افتاده است؟ وهدف چه بود؟ آیا آنچه آل سعود دروغ پرداز گفتند صحیح بود یا خیر؟ بهترین کس برای گواهی در برابر دیده آیندگان ، شاهدان عینی آن جنایت هولناک می باشند که خود در صحنه حضور داشته و از ابتدا تا انتها مسائل را لمس نموده، انگیزه راهپیمایی و هدف آن را شناخته و شعارهای مشخص شده را سر داده اند .

ص: ۱

این کمترین بند<sup>۱</sup> ناچیز خدا که خود حضور در آن صحنه داشت بر همین اساس تصمیم بر آن گرفت ناخاطرات پراکنده آن شاهدان عینی را جمع آوری نموده و در اختیار تاریخ قرار دهد بر این اعتقاد که همانگونه که تاریخ عاشورا از زبان چند حاضر در صحنه برای ما باقی مانده و مظلومیت حسینی در برابر جنایت یزیدی به حد امکان قابل لمس است اگر خاطره شاهدان نیز در اختیار افراد بصورت مجموعه ای باشد همین حالت را خواهد داشت و مردم آینده بخوبی خواهند فهمید که واقعیت آن روز چیست.

پس از آنکه خاطرات جمع آوری شد برخی حوادث و موضعگیریها و برخوردهای مردمی نیز دیده شد که آوردن آنان نیز مفید بنظر رسید و لذا از میان مطبوعات گردآوری و بصورت فصل بندی در پایان کتاب قرار گرفت.

اگرچه این حرکت زحمات بسیار و شبانه روزی را در برداشت لیکن اعتراف دارم دارای نقائص و اشتباهاتی است که امیدوارم بزرگان با عفو و اغماض خویش بخشیده و با تذکر راهنمایی نمایند.

والسلام سیدحسن میردامادی

ص: ۲



## فصل اول: روایت شاهدان عینی

اشاره

ص: ۳



روز جمعه با همراهان بطرف محل برگزاری مراسم براه افتادیم تا به جمعیت حاضر در مراسم برسیم ما در نزدیکی پل حجون مستقر شدیم، در آن هنگام نماینده امام سخنرانی میکرد و سپس ترجمه آن به عربی و بعد دستور حرکت داده شد. راهپیمائی بی نظیر و باشکوهی بود، و شعار الله اکبر، لا اله الا الله، محمد رسول الله - مرگ بر آمریکا، الموت لروسیا راهپیمائی به م پیش می رفت، چند دقیقه ای نگذشته بود که من متوجه شدم جمعیت ایستاده و کم کم فشرده و می شوند در این حال صدائی از بلندگو می آمد که خونسردی خود را حفظ کنید باز هم بی خیال ایستادم گمانم به درگیری نمی رفت دائماً توصیه میشد (میرویم بسوی مسجد الحرام\* در صفوف مسلمین برای نماز) در این هنگام از بلندگوئی که اعلام می نمود پلاکاردها و پرچم ها را زمین بگذارید نظرم را جلب کرد، کمی شک کردم، خودم را مقداری بلند کرده و\* روی پا ایستاده و به جلو نگاهی انداختم، منظره هولناکی را مشاهده کردم، پلیس های سعودی بی شرمانه مردمی را که یک چوب کبریت هم در دست نداشتند می زدند و چنان عده\* پلیس ها زیاد بود که مهلت تکان خوردن به مردم مظلوم و بی دفاع را نمی داد، در آن هنگام به به زدن اکتفا نمی کردند و آن جنایتکاران که چفیه قرمز داشتند و از بالای ساختمانها و بلندیها و هم پل ها سطلهای پر از شن و گاهی خود سطل را بر سر مردم می کوبیدند و چنان از قبل تدارک دیده بودند که بلوکهای سیمانی فشرده، بطری و سنگ بشدت مثل باران بر روی مردم می ریختند، در این بین جانبازان پایمال می شدند، زنها را دیدم که بر روی هم ریخته بودند، تعدادی از معلولین را از روی سر مردم به عقب راهپیمائی منتقل میکردند فرصت فکر کردن نبود عمال سعودی مجروحین را که روی چرخ بودند می زدند، بعضی از مجروحین را با لگدبر پشت چرخ آنها میزدند و واژگون می کردند و یا با چوب بر سر و روی نیمه جان آنها می کوفتند از این رو خیلی نگران بودم و از رفتار گرگ صفتان خون آشام رنج می بردم، فشار جمعیت چنان شده بود که دستهایم در لابلای مردم گیر کرده بود و هیچگونه اختیاری از خود نداشتم، سیل مهمانان خدا مثل موج دریا گاهی به آنطرف و گاه بطرف دیگر و هر دفعه ای چندین پیرمرد و پیرزن بر روی زمین می افتادند، چیزی نگذشت که من با آنکه نسبتاً حدود ۳۹ سال داشتم پر استقامت را از دست دادم و این بار در بین موج جمعیت بر زمین افتادم، البته نه روی زمین بلکه طبقه چهارم جمعیت و در این حال چند نفری هم روی پشت و پاهایم را فشار میدادند، در

لحظه های اول که هنوز احساس درد و فشار نمی کردم از سینه روی مردم افتاده نگاهم بر سطح زمین افتاد که پیرمردها صورتشان روی آسفالت و در حالیکه یا حسین یا علی، ای خدا کمک: کنید می گفتند از دهان و بینی آنها خون جاری و خفه می شدند وحشت عجیبی داشتم، طاقتم تمام شده بود فریاد کشیدم برادر از روی پشتم بلند شو کمرم شکست! در جواب می شنیدم بخدا نمی توانم روی من هم نشسته اند؟ کم کم سینه ام تنگ می شد نفس در قلبم می پیچید مرگ خودم را نزدیک می دیدم همسر و هفت فرزندم جلو نظرم مجسم بودند، ناگاه فریاد کشیدم یا امام زمان به فریاد این مسلمانان بی گناه برس یا امام زمان کمک کن: در این صدای چوبها و باطومها بر سر برادران که روی من ما بودند می خورد و خون از بالا، روی من می چکید دیگر فکر کردم من هم کارم تمام است، ان ناگاه بارم سبک شد برخاستم دیدم پلیس ها برای لحظه ای صحنه را خالی کرده و عقب نشینی کردند در این بین طولی نکشید خودم را جمع و جور کرده و در بین کشته ها و مجروح ها بدنبال و همراهانم می گشتم دو پیرمرد که آنها را نمی شناختم از میدان بدر برده و از صحنه دور کردم، به سختی مجروح شده بودند. خون از اندامشان جاری بود آن وقت بفکر فرار افتادم اما منظره د دلخراشی را دیدم، خانمی در وسط خیابان با علامت دست تمنای کمک داشت، بسویش دویدم آنوقت دوباره حمله از طرف وحشی های سعودی شروع شد وجدانم قبول نمی کرد آن خانم را تنها رها کنم، رفتم بالین سرش هرچه کوشیدم نتوانستم او را از زمین بلند کنم بازوهایش از خون خیس شده بود دستم می لغزید نسبتاً قوی هیکل و سنگین بود، به هر حال او را روی زمین نشاندم با تمام قدرت از زمین بلندش کردم و بداخل زنان بردم، در این لحظه راه بر من بسته شد در لابلای خانمها گرفتار شدم، فریاد خانمها و گریه و نگرانی فضا را گرفته بود، صحنه عجیبی به نظرم میرسید به وسط خیابان که نگاه میکردی پوشیده از جنازه و زخمی بود، صحرای کربلا عیناً تجدید شده بود.

بدن امام حسین و یارانش در میان شمشیر شکسته ها پنهان بودند زینب شمشیرها را عقب می زد یکی یکی برادر و برادر زاده ها را پیدا می کرد واقعه به همان صورت بلکه شدیدتر و بی رحمانه تر، بدنهای زائران خدا پوشیده از سنگ و چوب و قمقمه و دم پائی و بطری شده به بود، خون در لابلای شکاف آسفالت خیابان جاری بود در این بین فکر کردم درگیری کمی سبک شده اما بر عکس این بار نه سبک بلکه ترسناکتر و وحشیانه تر، گاز اشک آور و گلوله خیلی بکار بردند تا آن وقت هم زیاد نگران نبودم، لحظه ای نکشید کتک کاری از طرف خانمها به من

فصل اول نزدیک می شد، عجیب هولناک بود با چشم خود دیدم که سعودیهای کثیف بی شرمانه و به بی رحمانه با عصای معلولین با دو دست محکم بر صورت زنها می کوبیدند و نقش بر زمین میکردند، ای کاش به زدن تنها قانع بودند وقتی خانمی بر زمین می غلطید نفر بعدی باهر وسیله ای که در دست داشت بر مغز نیمه جان او می کوبید تا از دنیا برود، باور کنید با قلم و زبان ونوشتن و گفتن آن میسر نیست، قتل و جنایت و خون ریزی بی سابقه بود. وحشیانه ترین برخورد در دنیای بشریت، خیلی مشکل است درک آن ، باور کنید اگر عکسی از لحظه واقعی درگیری در دست باشد کمتر کسی است که قدرت دیدن آن را داشته باشد. یکی از ساواکی های بی رحم عصایی را هدف سر من نمود، در آن حال یکی از برادران که قدش از من بلندتر بود، بسرش اصابت کرد و به سختی مجروح شد. عصای دومی را که بلند کرد من از فرصت استفاده کرده از دست او به وسط خیابان دویدم، برادری گوشه پیراهن مرا گرفته بود و بدنبال من با هم می دویدیم، آن موقع من از ترس گلوله کمی خم شده بودم اما غافل از آنکه گلوله ها از بالا- بر روی مردم شلیک می شد، هنوز نصف عرض خیابان را طی نکرده بودم که ناگاه فشنگی از بغل سر من گذشت و به برادری که مجاور من می دوید اصابت کرد و در جاجان سپرد. آن موقع حسابی دست و پای خود را گم کرده بودم عده زیادی از برادران محاصره شده و بودند فرصت فکر کردن نبود به جمعی که آنطرف خیابان بودند پیوستم، همه بیمناک ونگران در پشت ماشینهایی که پارک شده بود سنگر گرفته بودند تا از گلوله در امان باشند، در آن هنگام تیر باری بالای سر ما را نشانه گرفته بود و سیمان های سر در مغازه ها را سوراخ میکرد طوریکه تکه های سیمان بر سر ما فرو می ریخت، آنها به گمان آنکه دست به کاری بزنیم در میان ما که تقریباً حدود ۴۰ نفر بودیم گاز خفه کننده سمی انداختند و گاز اشک آور هم بود، کمی چشمهایمان می سوخت و تمام می شد ولی این بار چنان نفس میگرفت بعد سر و گردن را می سوزانید و همه را دچار سرفه عجیبی کرده بود که واقعا کشنده بود مدت ۱۵ دقیقه روی زمین پر بی اراده بودیم کم کم هوا روبه تاریکی میرفت خودمان را بلند کردیم مثل نابینایان دست همدیگر را گرفته راه می رفتیم با این حال هم به مردم رحم نمی شد در حالیکه عده ای قصد عبور از کوچه باریکی که منتهی به کوه می شد را داشتیم، چند نفرمان دچار ضربت چوب شدند خلاصه کوه را بالا رفتیم، در خانه ای بر روی ما باز شد و برادر مجروحی را مسلمین ساکن کوهها بردند و سر او را پانسمان کردند. مدتی بالای کوه ماندیم و دیگر غیر از آژیر آمبولانس و رفت و آمد ماشین خبری نبود، گفتیم چند نفری از کوه پائین بیایم ولی در راه یکی از کوچه ها با

برادری پاکستانی روبرو شدیم و آدرس از او پرسیدیم گفت اگر از این جا پائین بروید شمارا و می زنند. حالا ساعت ۱۱ شب بود به حرف او گوش نکردیم رفتیم به آخر کوچه نرسیده به دنبال ما حمله کردند، دوباره از کوه بالا رفتیم و پای من از شیشه خرده پر شده بود و سنگهای کوه خیلی پاهایم را آزار می داد، به هر حال از یال شمال کوه به طرف عزیزیه رفتیم و در آنجا با وسیله ای از طرف کمیته گمشدگان به محل خود بازگشتیم. وقتی به مسافرخانه آمدم ۱۹ تن از همراهانم نبودند، کم کم تا دو روز بعد در بیمارستانها پیدا شدند و یکی از برادران که نجفعلی اشکستانی نام داشت برای همیشه از ما جدا شده بود تا اینکه پس از گذشت چند روز جنازه وی و پیدا شد و به زادگاهش فرستادند.

### آثار توطئه - سید عبدالله نور حسینی

سیدرضا موسی کاظمی محمدی - نائین روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۱۶ آذر ۱۳۶۶ آثار توطئه بعد از ظهر جمعه ما با کلیه برادران و خواهران کاروان بسوی محل راهپیمائی حرکت کردیم، در موقع رفتن متوجه شدیم که هیچکس محل برگزاری مراسم را نمیداند چرا که ما کمتر از یک روز بود که به مکه رسیده بودیم و هیچکدام از خیابانها را نمی شناختیم و مقداری و دیرتر از دیگران از منزل حرکت کرده بودیم، در خیابانها هم هیچکس را ندیدیم همه قبل از ما رفته بودند، خلاصه گفتیم میرویم تا پیدا کنیم، پس از گذراندن چند کوچه و خیابان به نزدیکی نیک تونل رسیدیم و متوجه شدیم که تعداد زیادی اتومبیل در جلوتونل صف کشیده اند برادران گفتند حتماً از این طرف اگر برویم به محل برگزاری راهپیمایی خواهیم رسید چرا که ترافیک به خاطر این است که پشت جمعیت قرار گرفته اند.

کمی به جلو رفتیم و موقعی که به اول تونل رسیدیم متوجه شدیم که مسئله چیز دیگری است، تعداد زیادی پلیس جلو اتومبیل ها ایستاده اند و درب اتومبیلها هم بسته بود و همه رفته بودند، مامورین به طور عجیبی به ما نگاه میکردند بچه ها همه در فکر فرو رفته و میگفتند حتماً بک حيله ای در کار است چرا که این یک ترافیک حقیقی نیست بلکه یک ترافیک مصنوعی میباشد. در داخل تونل هیچ اتومبیلی نبود از تونل که خارج شدیم باز هم صف طویل اتومبیلها.

و پیدا شد.

و از کنار صف اتومبیلها حرکت کردیم تا اینکه به خیابان مسجد الحرام محل برگزاری مراسم

فصل اول راهپیمائی رسیدیم، در اطراف بعثه شماره دو و نزدیکی پل حجون تعداد بسیار زیادی پلیس آماده ایستاده اند و در داخل تعدادی از ساختمانها هم مستقر شده بودند. مغازه ها همه بسته بودند تمام راههای ورودی و خروجی به مسجد الحرام مثل همین خیابان که ما از آن عبور کرده و بودیم بصورت ترافیک مصنوعی بسته شده بود حتی کوچه های سه متری هم مملو از اتومبیل بود من و دوستانم خیلی نگران شده بودیم و می گفتیم این حتماً یک توطئه ای است، سریع به طرف چند تن از برادران مسئول انتظامات راهپیمائی رفتیم و جریان را به آنها گفتیم ولی آنها و گفتند هر سال به همین صورت است و موقعی که راهپیمائی شروع شود مامورین به کنار میروند و راه باز خواهد شد. و ما هم به راهپیمائی ادامه خواهیم داد، ما هم گفتیم که انشاء الله به همین صورت باشد و مسئله خاص پیش نیاید و آماده شدیم جهت راهپیمائی بسوی مسجد الحرام که و پس از پایان ترجمه سخنرانی نماینده امام به زبان عربی راهپیمائی شروع شد. پس از چند دقیقه راهپیمائی به نزدیکی مامورین رسیدم و پس از چند لحظه توقف کوتاه حرکت بسوی مسجد الحرام با شعار الله اکبر شروع شد.

بالاخره آن توطئه بزرگ دشمن که قبلاً برنامه ریزی شده بود آغاز شد و آنها با باطوم و سنگهای و بزرگ سطلهای خاک و شن و بالاخره گلوله های آتشین به جان میهمانان خدا افتادند و قتل عام به کردند، زائرین خدا را کشتند، اصحاب یاوران پیامبر خدا را کشتند، سربازان امام زمان را و...

ای ملت مسلمان ای سربازان امام زمان (عج) مواظب توطئه و حيله های دشمنان خدا هر باشید. مگر نبودند دشمنان حضرت علی (ع) که قرآن ها را سر نیزه کردند و یاران علی را فریب دادند و مگر نبودند این سعودیهای جلاد و خون آشام که با مکر و حيله در مدینه منوره با ما بخوبی رفتار کردند، مزاحم راهپیمائی و دعای کمیل ما نشدند، اعلامیه های براءت را تا آخرین روز که ایرانی ها در مدینه بودند پاره نکردند، ولی بعد چه شد! توطئه خودشان را ایفا نمودند و هزاران زائر خدا را به خاک و خون کشیدند، انا الله و انا الیه راجعون پس ای مردم شریف مسلمان، ای یاوران حسین در همه جا و همیشه آماده و هوشیار باشید، دشمنان اسلام بیش از حد حيله گزند باید در همه جا مواظب توطئه های آنان باشیم. انشاء الله به امید پیروزی اسلام و مسلمین بر تمام مشرکین جهان.

سید عبدالله نورحسینی - آستانه اشرفیه روزنامه جمهوری اسلامی سه شنبه ۲۶۶ آبان ۱۳۶۶

آمادگی پلیس سعودی برای کشتار کعبه این پناهگاه امن خدائی در طول تاریخ چندین بار مورد هجوم جنایتکاران قرار گرفته تا دهن کجیشان نسبت به خدای کعبه را باثبات رسانند ولی هیچ باری به این شدت و قساوت نبوده است که این بار بدست داعیه داران خدمت بحرم و کلیدداران کعبه این چنین حرمت حرم در ماه حرام در هم شکسته شد و میهمانان خدا بر سر سفره امن خدا قتل عام شدند.

روز جمعه بود طبق معمول همه ساله ادای واجب راهپیمائی بسوی میدان معابده حرکت کردیم ساعت ۵ بعد از ظهر بود که بمحل نام برده رسیدیم . ستونهای نظامی تا بن دندان مسلح طبق معمول همه ساله اطراف میدان و خیابانهای منتهی به میدان را محاصره کرده بودند، مردم دسته دسته بدون توجه به پلیس وارد میدان معابده می شدند و در کناری مینشستند و به سخنرانی گوش می دادند.

هیچ چیز تازه بچشم نمی خورد جز اینکه احساس می شد راهپیمائی آن شور و حماسه سابق را ندارد و پلیس حجاز هم دارد با اینگونه مراسم خو می کند، دلیلش هم اینکه امسال نه تنها مزاحم پرچمها و پلاکاردها نشدند بلکه خیابانها را هم برای ما خلوت کرده اند. میدان معابده از جمعیت موج می زند، پرچم لا اله الا الله محمد رسول الله ، الموت لامریکا، النصر الاسلام، کران تا کران جمعیت را مزین نموده اشکها بر گونه ها جاری است و همگان یکپارچه گوشند و پیام روحبخش امام را در می نیشند، پیام عبرتی ترجمه شد و به کالبدهای مرده جهانیان جان تازه بخشید.

سخنرانی نماینده محترم امام به دو زبان فارسی و عربی قرائت شد و فریاد «واالسلامه که فلسفه حج است انسانها را تکان داد و در ادامه مراسم برائت از مشرکین پرچم شیطان بزرگ به آتش کشیده شد و از بلندگو اعلام شد که جهت ادای فریضه مغرب با برادران اهل سنت بسوی حرم روانه شویم. تاکنون هیچ حادثه غیر عادی پیش نیامد جز اینکه بک آمبولانس هلال احمر سعودی صفوف جمعیت را شکافت در حالیکه آژیر می زدراننده اش گفتیم آژیر نزن تا راه را برایت باز کنیم بمیان جمعیت رفت و ماموریتش که همانا کسب خبر و ایجاد شکاف در میان جمعیت بود اجرا کرد و بازگشت .

جمعیت با آرامش و متانت خاصی بسوی کعبه معبود براه افتادند، پیشاپیش جمعیت زنهاو جانبازان انقلاب و نمایندگان مجلس و تنی چند از شخصیتهای کشور بودند، ماشین حامل



فصل اول و بلندگو هم در جلو راه می رفت از پل هوایی حجون گذشتیم در حالیکه شعارهای یوم الحج الاکبر نهتف الله اکبر، لا اله الا الله محمد رسول الله، صهیون صهیون جیش محمد قادمون .

در لبنان لبنان ضد الظلم والعدوان، افغان ضد الروس والطغیان ویاد پیغمبر ویاران را در شعب \* ابوطالب زنده می کرد و مکه شور و هیجان روزی را داشت که بتها از بالای کعبه فرو می ریخت و فریاد توحیدیش همچون پتکی کوبنده بر فرق ابوجهل و ابولهب بود، فرزندان ابوجهل نتوانستند این ندا را تحمل کنند، داشتند از بغض می ترکیدند، دست بکار انتقام شدند.

جمعیت صد هزار نفری داشت بطرف بعثه شماره دو نزدیک می شدند جائیکه هر سال پرچمها را در آنجا بزمین می نهادیم، جائیکه قرار بود تا همانجا راهپیمائی کنیم، که ناگاه با ستونهای نظامی مستقر در عرض خیابان مواجه شدیم، گفتن «ارجع» همان و وارد آمدن باطوم بر فرقها همان چماق بدستها از راه رسیدند و شروع کردند با چوپ سرهای جمعیت را هدف قراردادن بلندگو که تنها وسیله ارتباط ما با نماینده حضرت امام بود با فریاد توجه توجه ایها المسلمون قطع شد، دیگر مردم ندانستند که وظیفه چیست؟ مقاومت؟ مقابله بمثل؟ پیشروی؟ بازگشت؟ خواهی نخواهی انبوهی از جمعیت در عین بلا تکلیفی جهت حفظ زنها و جانبازان لازم دیدند که بطرف پل حجون مبدأ جمعیت برگردند، که پس از چندی معلوم شد مبدأ جمعیت هم بهمین صورت است و از چهار طرف مسلمین در محاصره اند دیگر کسی از، خود اراده ای ندارد، سنگ، آجر و بلوک سیمانی از بالا- روی سرها بی وقفه فرو می ریزد، چماق بدستها امان نمی دهند، بر اثر فشار جمعیت تعدادی از خواهران و برادران بزمین می خورند و در زیر دست و پاله می شوند، کم کم گازهای خفه کن و شلیک گلوله شروع شد و تعدادی بر اثر گلوله بخاک افتادند و تعدادی بر اثر سنگ و چوب و تعدادی هم خفه شدند.

و این چنین حرمت حرم بدست عمال خادم الحرمین ! کلیدداران کعبه در هم شکسته شد و دشمن برای خرسند نمودن آمریکا نهایت قساوت و وحشیگری را بخرج داد و تنها برهان روشن، بر این وحشیگری اینکه :

۱- چندین بار آمبولانس حامل مجروحین را مورد حمله قرار دادند و از جمع آوری مجروحین ممانعت بعمل آوردند.

۲- حجاب از سر زنها فرو افتاد و زنها در زیر پاهاله می شدند و هنوز این قوم به قساوت و توحش ادامه می دادند.

۳- پس از پایان درگیری بوسیله کامیون اجساد و مجروحین را گرد آوردند و چه بسا مجروحی

که علامت اصابت گلوله در بدنش بود او را می کشتند یا عضو مورد اصابت را قطع می نمودند .

۴- در حدود سی صد نفر از مصدومین و مجروحین را از محل حادثه دستگیر نموده و به جای نامعلومی می بردند و آنها هر چه اظهار تشنگی می کردند کسی جوابشان را نمی گفت بلکه بر عکس از مامورین خودشان جلوروی تشنگان مجروح با نوشابه سرد پذیرائی می کردند.

۵- موجودی ته جیب دستگیرشدگان را به سرقت بردند پس از اتمام غائله هر جا ایرانیان را در و خلوت گیر می آوردند با چوب و سنگ بر آنها حمله می بردند.

۶- جلو پلیس راه مدینه تا ۲۴ ساعت هم شده که زائرین را در وسط آفتاب داغ با لب تشنه به بیجهت معطل می کردند.

۷- کامیون حامل زائرین و اسباب آشپزخانه را به بهانه بازرسی تخلیه نموده و پهن می کردند و م تا دو نفر خدمه با کامیون دوباره آنها را بار بزند و...

و با این همه وحشیگری و جنایت و خوش خدمتی به ارباب و آمادگی از پیش برای آفریدن این و صحنه تکاندهنده تلویزیون سعودی چنین وانمود کرد که گویا خلق الساعه است و پلیس سعودی و هم هیچ اطلاعی از قبل نداشته و فقط عکس العملی بوده که پلیس در مقابل حمله ایرانیان بدیگر هم حجاج کشورهای دیگر انجام داده در حالی که ادله چندی در دست است که حکام حجاز خود را و از پیش برای دامن زدن به چنین جنایت بزرگی آماده کرده بودند از آنجمله می توان این موارد را نام برد:

۱- هنگام حمله آنقدر سنگ و بلوکه و چوب و شیشه بکار گرفتند که جز با آماده سازی قبلی و قابل توجه نبود .

۲- بلندگوی رژیم از صبح بی در پی اعلام می کرد همه مسلمانان از این خیابانها بکنار روند.

۳- بهمه هیئتهای پزشکی کشورهای اسلامی از پیش ابلاغ شده بود که روز جمعه نباید مجروح ایرانی را بپذیرند.

۴- یک نفر عراقی را اجیر کرده بودند که جلوهتل ما فحاشی نماید تا شاید زمینه درگیری پیش " بیاید ما خونسردی به خرج دادیم ، عراقی به راننده ما گفت فردا کتک حسابی به ایرانیها هم می زنیم.

هر ۵ مجروح تصادفی ایرانی را به بیمارستان «الزاهر» مکه می بردند از پذیرفتن او امتناع

فصل اول می‌ورزیدند با خود می‌گویند جمعه بنا است بیمارستان پر از مجروح ایرانی شود.

و اینها ادله دیگری است که همه دال است بر اینکه رژیم حجاز از مدتها پیش خود را برای هم چنین روزی آماده می‌کرد و تبلیغات دروغین هم که شروع شد فیلمهای آنرا از پیش آماده هم داشتند.

وسیعلم‌الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون والسلام حاج مهدی پاکدل روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۶ مهر ۱۳۶۶ آنچه من دیدم در اینکه حج عملی است دارای جنبه‌های عبادی سیاسی کوچکترین شکی نیست و این بعد عظیم دین مبین اسلام همه ساله در ایام مخصوص خود از طرف صدها هزار مسلمان بجا آورده میشود که از اقصی نقاط جهان در مکه گرد کعبه این خانه الهی جمع شده‌اند. حج قبل از اینکه یک عمل فردی باشد و بطور تنهائی بجا آورده شود، یک عمل گروهی است که دارای بعد سیاسی میباشد، در واقع یک نوع نمایش قدرت است در برابر کلیه طواغیت، کفار و ظالمان زمان.

اینکه در ایام بخصوص مسلمانان جهان در نقاط دور و نزدیک در یک نقطه گرد هم می‌آیند یکی از علل مهمش این است که با برقراری ارتباط و تماس نزدیک از مسائل و مشکلات همدیگر اطلاع پیدا کرده و با مشورتهای متقابل در صدد چاره‌جویی برای آن باشند و این اصل و اور مسلم است که تاکنون همه رهبران واقعی مسلمین به آن اذعان داشته‌اند.

ولی متأسفانه باید گفت که همچون دیگر احکام الهی حج نیز تاکنون از حملات و وحشیانه \* دشمنان اسلام بخصوص منافقین و زراندوزان مسلمان نما در امان نمانده و بر اثر توطئه و تلقینات \* دشمنان از خط اصلی خود منحرف گشته بود چرا که یک حج دارای ابعاد مختلف سیاسی و عبادی بهیچ وجه مطابق میل منفعت پرستان نیست. باید قبول کرد که نمایندگان و رهبران راستین مسلمانان جهان در مرکز وحی و قیام الهی گرد هم آیند و با الهام گرفتن از تعالیم عالی و اسلام در صدد رفع و چاره‌جویی مشکلات جهان اسلام بر بیایند و با این کارشان دست دشمنان و را از منافع مسلمین قطع نمایند. البته که این موضوع برای دشمنان اسلام قابل قبول نمی‌باشد و لذا با کوشش و نیرنگهای خود بالاخره موفق به انحراف حج از مسیر واقعی خود شدند. تا ..

جنایت و هابیت اینکه همزمان با پیروزی انقلاب کبیر اسلامی در ایران برهبری حضرت امام خمینی و با غلبه به حق بر باطل، حج بار دیگر همچون دوران خود حضرت رسول اکرم (ص) بطور واقعی مطرح پر گشته و هویت واقعی خود را باز می یابد.

همزمان با این بیداری، این سؤال پیش آمد که چرا مرکز قیام بصورت محل خفتگان در به آمده است، مگر نه این است که خداوند تبارک و تعالی کعبه را مرکز قیام قرار داده است، پس چرا چطور میشود تحمل کرد که مسلمانان از اقصی نقاط جهان گرد هم بیایند و در محل وحی و پیام، بی خبر از هم و حتی در مقابل هم فقط و فقط مشغول انجام یک سری اعمال باشند که از و چه روح و حکمت واقعی آن کوچکترین اطلاع ندارند. بهر حال جای شکر است که در سایه ی انقلاب اسلامی و به لطف پروردگار متعال حج نیز ارزشهای اسلامی و مقام واقعی خود را باز و مییابد یکی از این ارزشها و سنت رسول الله (ص) اعلام برائت از مشرکین خدا و رسولش در ایام حج میباشد، چرا که خداوند در قرآن بوضوح اعلام داشته است که خدا و رسولش در ایام حج .

از مشرکان بیزاری جویند.

حال که خدا و رسولش در ایام بخصوص از کسی و یا کسانی اعلام بیزاری میکنند ما مسلمانان چرا این کار را نکنیم که ادعای ایمان و اعتقاد به یگانگی خدا و پیامبری رسولش .

داریم. لذا هر مسلمانی که جهت انجام حج وارد مکه میشود و حج عمره خود را بجا می آورد وظیفه دارد که خود را آماده حج اکبر نماید و برای این کار نیز ابتدا باید مقدمات آن را که اعلام بر بیزاری از مشرکین یکی از آنها میباشد ، بجا بیاورد.

در حال حاضر و در زمان خودمان اعلام برائت از مشرکین به معنی موضعگیری قطعی جهان اسلام در برابر استکبار و شیاطین شرق و غرب و اساسی ترین اصل سیاست خارجی امت اسلامی در برابر کفار و مشرکین و منافقین است. بر اساس دستور خداوند این اصل اساسی به باید توسط مسلمانان اعلام گردد که به نمایندگی از امت اسلامی و جهت انجام حج اکبر در مکه و گرد هم آمده اند. آنانیکه می پندارند در شهر مکه هیچ نوع راهپیمائی ، حتی اعلام برائت از و مشرکین نباید صورت گیرد، از دو حال خارج نیستند یا نادانند و جاهل و از مسائل اساسی اسلام هم بی خبرند و یا مغرضند و با سرپوش گذاشتن بر حقایق اسلام دنبال اهداف شوم خودند والا مره مسلمان عاقل و فهمیده ای بخوبی میدانند که اعلام انزجار از وضعی که بر مسلمانان جهان ، از جنایت بی حد و حصر استکبار جهانی غرب و شرق بخصوص از جنایاتی که در کشورهای اسلامی از جمله در افغانستان، عراق، لبنان، فلسطین اشغالی بر مسلمانان وارد میشود از ب

فصل اول الزامات میباشد. مگر ممکن است اینهمه جنایات آمریکا و اسرائیل را در فلسطین اشغالی، پ لبنان، عراق و ایران مشاهده نمود و فریاد اعتراض برنیاورد؟ چگونه ممکن است جنایات و بهم وحشیگریهای شوروی در افغانستان را دید و در مقابلش ساکت ماند؟ بهر حال جای بسی تاسف است که مسلمانان جهان در مرکز وحی و قیام الهی بخواهند این وظیفه خود را بجا بیاورند و پی رژیمهای به اصطلاح اسلامی از آن ممانعت بعمل بیاورند. این اجتماع بزرگ و باشکوه چه و زیبایی دارد برای جهان اسلام که دولت عربستان با آن مخالفت میکند؟ کسانی که می پندارند حج فقط دارای جنبه عبادی است و نباید مسائل سیاسی آمیخته آن باشد، سخت در اشتباهند، به حج داری ابعاد سیاسی هم میباشد و لذا اگر بخواهیم فقط بعد عبادی حج را بجا بیاوریم و به بعد هم سیاسی آن توجه نداشته باشیم، قطعاً آن حج، آن عبادت ناقص خواهد بود. اما چه میتوان کرد که رژیمهای به اصطلاح اسلامی و مدافع منافع اسلام با تحریک دشمنان اسلام و استکبار و جهانی بهیچ وجه حاضر نیستند اجازه بدهند در محل وحی و در ایام حج یک چنین حرکتی از:

سوی مسلمانان جهان صورت گیرد و فاجعه دلخراش جمعه خونین مکه نمونه ای بارز از این و نیت شوم و غیر انسانی استکبار جهانی و رژیم های مرتجع منطقه بخصوص رژیم ضد اسلامی آل سعود میباشد.

این فاجعه در عین حال عدم صلاحیت رژیم سعودی در اداره حرمین شریفین را بوضوح به ثبوت میرساند. با اینکه قبلاً نیز عدم صلاحیت سعودیها در کنترل مکه و مدینه این دو شهر به چم مقدس مسلمانان جهان روشن بود، ولی همزمان با این فاجعه بیش از پیش به ثبوت رسید و لازم پد است که مسلمانان بیشتر در فکر اداره این دو مرکز الهی از سوی نمایندگان کل مسلمانان جهان باشند. دیگر نباید اجازه داد که یک مشت آدم سفاک و شرابخوار و خود فروخته حاکمیت این و هم بلاد را بدست گرفته و هر دیوانگی را که بخواهند بر علیه مسلمانان جهان اعمال نمایند. بخدا به سوگند هنگامیکه برای اولین بار وارد شهر مدینه و مکه شدم از مظلومیت این دو شهر مقدس اسلام جا خوردم، دل هر بیننده ای را میسوزاند شهری که میبایست با فرهنگ و معماری اسلامی به تزیین یابد، شاهد هستیم که چگونه آثار اسلامی خراب گردیده و ساختمانهایی بر اساس \* فرهنگ و معماری غرب جایگزین آن میگردد. محلی که باید در اطرافش فقط و فقط بر اساس و روشهای اسلامی رفتار شود، هر حاجی زائر به روشنی مشاهده می نماید که چطور دورتادور در حرم شریف محل فساد است از محل کازینو و کاباره ها سخن بگوئیم یا از مغازه های فروشنده به پ نوارهای ویدیویی و آهنگهای مبتذل خارجی که ویتترین فروشگاه خود را با عکسهای مفسدین پر ب

شب ساعت حدوداً ۱۲ هنگامیکه ، با چند نفر از دوستان عازم حرم شریف بودیم در خیابان و حرم ۵۰۰ متری کعبه با کمال تعجب مشاهده کردیم که هشت نفر از آقایان سعودی در جلوی یک مغازه ویدئو فروشی زمین نشسته و با سر و صدا دارند قمار بازی میکنند و جالب اینکه برای و مردم شهر مکه این کار خیلی عادی بود و جلب توجه دیگران را نمی نمود چند دقیقه به این هم صحنه دلخراش خیره گشتم و بعد که دیدم کاری از دستم بر نمی آید گفتیم خدایا خودت اصلاح کن! در راهپیمائی برائت از مشرکین و یا فاجعه مکه المکرمه با توجه به اینکه من با پروازهای مدینه قبل عازم عربستان بودم ندیده اند تا آن را یافتم که در تظاهرات وحدت در مدینه که بنا به دعوت نماینده حضرت امام خمینی و با شرکت ، ده ها هزار و مسلمان ایرانی و غیر ایرانی باشکوه خاصی برگزار گردید شرکت نمایم براساس اعلام قبلی هنگامیکه با گروهی از مسلمانان ترکیه مقیم اروپا خواستیم در تظاهرات شرکت نمایم با کمال تعجب دیدیم پلیس سعودی جلویمان را گرفت و مانع ورودمان به داخل جمعیت شد. وقتی که علت این کار را پرسیدیم گفتند که اینجا محل اجتماع ایرانیهاست و شما باید از راه دیگر به منزل خودتان بروید بهر حال پلیس سعودی نتوانست مانع شرکت مادر تظاهرات گردد. علی رغم کلیه توطئه ها و نیرنگهای دشمنان اسلام بخصوص و پلیس سعودی راهپیمائی وحدت در مدینه با شکوه و عظمت برگزار گردید و با نظم خاص به به پایان رسید. در پایان نیز همه شرکت کنندگان در راهپیمائی به نماز جماعت در مسجد النبی (ص) شرکت نمودند .

تظاهرات مدینه علاوه بر اینکه در بین سایر مسلمانان جهان یک جنبش و آگاهی بوجود آورده شده بود، در عین حال ترس و وحشت به دل رژیم آل سعود انداخت. به این خاطر در واقع بعد از و راهپیمائی وحدت مدینه رژیم آل سعود بنا به دستورات آمریکا مصمم به جلوگیری و راهپیمائی برائت از مشرکین در مکه بود.

در مکه ، هنگامیکه از سوی دفتر نماینده حضرت امام خمینی روز و ساعت شروع راهپیمائی و مسیر راهپیمایی اعلام شد و این موضوع به اطلاع مسلمانان زائر خانه خدا رسید، فعالیتهای مشکوک مأمورین رژیم سعودی نیز آغاز گشت . از همان اول صبح روز جمعه که قرار بود و در راهپیمائی برائت از مشرکین برگزار گردد، پلیس و نظامیان سعودی در اطراف خیابانهای مسیر ان.

و فصل اول در راهپیمائی با آرایش خاصی صف کشیده و ماشینهای بزرگ رو پوشیده در محل‌های مخصوصی و قرار گرفته بود. بقول یکی از علمای ترکیه که جان سالم از فاجعه مکه بدر برده بود، هر کس این \* و نقل و انتقالات نظامیان سعودی را مشاهده میکرد خیال مینمود که رژیم سعودی وارد جنگ با یک و هر کشور دیگری شده و در کشور حالت فوق العاده اعلام شده است، آقایانی که سالهای قبل نیز به هم مکه مشرف شده بودند اظهار تعجب نموده و می گفتند که سالهای قبل پلیس سعودی مسیرهای به راهپیمائی را برای اتومبیل‌ها باز میگذاشته و بدینوسیله سعی بر ایجاد ناهماهنگی و اغتشاش و مینمود، ولی امسال کلیه مسیرهای راهپیمایی برای عبور اتومبیل‌ها بسته شده بود حتی آن روز هم و با اینکه تظاهرات بعدازظهر قرار بود از ساعت ۴/۵ شروع شود ولی از اول صبح مغازه‌های ده و مسیر تظاهرات تعطیل بود و مسلم بود که بنا به درخواست پلیس سعودی دست به این کار زده و بودند والا حجاج محترم خیلی خوب میدانند که کسبه مکه حتی تانیمه‌های شب حاضر به هم تعطیل مغازه‌های خود نیستند بخصوص در ایام حج که روز تعطیلی برای آنها معنی و مفهومی \* ندارد.

متأسفانه آنروز تا قبل از آغاز مراسم راهپیمائی برائت از مشرکین زیاد موفق نشدم در بیرون، به در خیابانها بگردم و فعالیتهای پلیس سعودی را بیشتر از نزدیک ببینم. علتش نیز این بود که پیام \* حضرت امام خمینی را توسط یکی از برادران ایرانی تأمین نموده و نمیخواستم زائرین ترک زبان و هر بیت الحرام از این فیض عظیم بی بهره بمانند و لذا قبل از آغاز مراسم مشغول ترجمه پیام پر امام به زبان ترکی استانبولی بودم، تا اینکه یکی از برادران در اطاق را باز نموده و اطلاع داد که مراسم در حال شروع شدن است.

بنده کارها را ردیف نموده و جهت شرکت در مراسم از محل اقامت‌مان بیرون آمدم، چون محل اقامت‌مان درست در مرکز مراسم واقع شده بود، یک دفعه خود را در بین موج جمعیت یافتم. چون با بعضی از برادران ترکیه‌ای قرار گذاشته بودیم که همدیگر را ببینیم من بطرف محل قرار ملاقات حرکت کردم، در مسیر با تعداد زیاد حجاج ترکیه برخورد داشتم که از مناطق و شهرهای مختلف ترکیه آمده بودند و همگی از این اجتماع پرشور اظهار خوشحالی می کردند و قتیکه برای آنان توضیح میدادم که رژیم آل سعود با اینکه خود را دشمن صهیونیستها جلوه می دهد ولی تا بحال علاوه بر اینکه حتی یک تیر به طرف رژیم اشغالگر صهیونیستی هم نیانداخته، حتی از هر گونه حرکت ضد صهیونیستی جلوگیری می نماید، و نیز در نظر داشت هم و این راهپیمائی برائت از مشرکین را که بنا به حکم صریح قرآن کریم برگزار می گردد مانع از

و برگزاری آن شود، همه تعجب میکردند و عمق توطئه و تبلیغات دشمنان اسلام را بیش از پیش درک میکردند اکثرشان به یک صدا اعلام میکردند که رژیم سعودی صلاحیت اداره حرمین شریفین را ندارد و این دو بلد مقدس اسلامی میبایست از سوی هیئتی متشکل از کل نمایندگان مسلمین اداره شود.

مراسم برائت از مشرکین با قرائت آیاتی چند از قرآن کریم آغاز گردید و با پیام امام خمینی و سخنرانی حجت الاسلام مهدی کروبوی ادامه یافت و بعد از شعارهایی علیه آمریکا و شوروی و رژیم اشغالگر صهیونیست راهپیمائی آغاز گردید و از طرف هیئت برگزاری مراسم نیز توصیه شد که هر کجا اذان مغرب خوانده شد راهپیمائی نیز در همانجا خاتمه یافته و برادران و خواهران میبایست در نماز جماعت شرکت نمایند.

و پس از آغاز راهپیمائی بنده سریعاً خود را به قسمت جلورساندم تا با برادرانی که قرار گذاشته بودم ملاقات نمایم که بعلت ازدیاد جمعیت موفق به اینکار نشدم، ولی همانطوریکه در جلو بودم چند لحظه به راهپیمایان نگاه کردم، آن انسجام و نظم که وجود داشت بصورت یک شکوه و عظمت خاصی جلوه می نمود، در صف جلو معلولین روی چرخها و پشت آنان تعدادی از علمای ایرانی و غیر ایرانی شرکت داشتند و چون خیابان حرم بصورت بلوار هست در قسمت چپ خیابان خواهران و در قسمت راست آن برادران بانظم در حال حرکت بودند.

راهپیمایان به یک صدا شعارهایی را تکرار می نمودند که از بلندگوها پخش میگردد. بنده نیز چند لحظه بعد خود را در بین راهپیمایان یافتم و همگام با دیگران قدم بر می داشتم. کمی عقبتر در بین جمعیت ماشینی را دیدم که چند نفر از فیلمبرداران و خبرنگاران صدا و سیمای جمهوری اسلامی مشغول فیلمبرداری و تهیه گزارش از صحنه بودند، تقریباً جلوی مسجد جن هم رسیده بودیم و داشتیم به آرامی پیش میرفتیم.

و در این میان برادران انتظامات کوشش فراوانی برای حفظ نظم داشتند و توصیه های مکرر جهت پرهیز از شعارهای متفرقه ... در طول راه ماشینهای آتش نشانی و پلیس و نظامیان در حال آماده باش توجه همه را جلب میکرد، کسی نمیدانست که این همه نیروی امنیتی و نظامی به چه منظور در کنار خیابان صف



فصل اول کشیده اند، مگر رژیم سعودی در سالهای پیش تظاهرات وحدت در مدینه را با آن نظم و آرامش، باچشمهای خود مشاهده نموده بود که حالا- اینچنین وحشت زده نیروهای خود را به حال آماده باش در آورده و منتظر است، همه فهمیده بودند نقشه ای در کار است ولی نمیدانستند \* چه نقشه ای! در این بین ۳ فروند هلی کوپتر و یک هواپیمای شناسائی مدام در بالای سرمان در حال پرواز بودند بنده با مشاهده این صحنه ها این سؤال را از خودم کردم که مگر اینجا حرم امن الهی نیست؟ مگر اینجا متعلق به همه مسلمین نیست؟ اگر اینطور است پس اینهمه سرباز مسلح به سلاحهای آخرین سیستم ساخت آمریکا و غرب در شهر امن مکه چه کار دارند، دنبال چه هدفی هستند؟ مگر میخواهند باسلاحهای ساخت دشمنان اسلام، مرکز وحی و امن الهی را در برابر زائرین دست خالی خدا محافظت نمایند.

راستی اینها چه میخواهند و دنبال چه هدفی هستند؟ بنده این سؤال را توسط یکی از برادران که عربی را خیلی خوب تکلم می نمود از یکی از همین سربازها کردم، طرف ابتدا به هیچ وجه حاضر به حرف زدن با من نشد و وقتی که دید ما اصرار میکنیم و دست بردار نیستیم، با حالت التماس از ما خواهش کرد که موقعیتش بخاطر ارتباط با ما در خطر است و فوراً از کنارش دور شویم. و ما هم دیگر زیاد اصرار نکردیم و دور شدیم.

کمی پائین تر از مسجد جن مسجد کوچکی بود که تقریباً نزدیکیهای آن رسیده بودیم که متوجه شدیم پلیس سعودی با حالت خشونت آمیز جلو مردم را گرفته و اجازه نمی دهند از آن جلوتر بروند. جمعیت پشت سر بدون اطلاع از این موضوع به جلو می آمدند و تراکم رفته رفته بیشتر میشد و بنده چون نمیخواستم در بین شلوغی قدرت حرکت از من سلب گردد، خود را کمی بالاتر به قسمت پل حجون کشیدم و از تراکم نسبتاً خارج شدم. در قسمت جلو دیگر تراکم به حد آخر رسیده و حرکت راهپیمایان متوقف گردیده بود بطوریکه چرخهای مجروحین و معلولین نیز در وسط جمعیت مانده وزن و مرد قاطی هم شده بودند. چندی نگذشته بود که از ! بلندگوی مسجد کوچک، که در واقع دستور حمله به زائران خدا بود، صدائی بس زشت به گوش رسید: اقتلوا الشیعه ... اقتلوا المجوسین الا-یرانیین همزمان با این دستور از ساختمانهای اطراف سنگ، آجر، شیشه و کپسولهای آتش نشانی یک دفعه شروع به ریختن کرد مردم اصلاً انتظاریک چنین وحشیگری را نداشتند، به این خاطر در مرحله اول برای دور شدن از کنار ساختمانها عقب نشینی کردند و در حین عقب نشینی افراد مسن زیر پا افتاده و دیگر موفق نشدند از جا برخیزند .

و اصولاً اینکه دولت سعودی اعلام نموده که ایرانیان ایجاد درگیری نموده و به نیروهای پلیس و و حمله کرده اند، احمقیشان از همینجا معلوم میشود، چرا که حجاج بیت الله الحرام اگر واقعاً و قصد ایجاد درگیری را داشتند به هیچ وجه معلولین و زنان را در قسمت جلو حرکت در و نمیآوردند و دست خالی به معرکه نمی رفتند، اصولاً نه محل ، محل درگیری بود نه وقت و وقت و درگیری، به لحاظ اینکه شهر شهر امن بود و ایام ایام حرام، حجاج بیت الله الحرام با خیال و راحت و احساس امنیت میخواستند که درد دل خود را فریاد بزنند. از کجا میتوانستند حدس بزنند که نوکران استکبار جهانی با یاری جستن از تکنولوژی اربابان شیطان صفت خود، به اینچنین جنایتی را بیار خواهند آورد.

به هر حال مأمورین رژیم آل سعود بعد از آغاز حمله به بهانه اینکه بین حجاج ایرانی و دیگر کشورها درگیری بوجود آمده است دست به اسلحه برده و بصورت رگبار و یا تک تیر زائران بیت الحرام را هدف قرار دادند، حجاج نمیدانستند به کدام سمت پناه ببرند زیرا به هر سوئی ا رو می آوردند با پلیس مسلح سعودی روبرو میشدند خود بنده ابتدا از قسمت بالای پل حجون و خواستم از محاصره پلیس خارج گردم ولی یک دفعه با تعداد زیادی پلیس روبرو گشتیم که داخل و هر کوچه مخفی شده بودند، دیگر چاره نداشتیم جز تسلیم به تقدیر الهی زیرا مرگ راتا چندقدمی خود می دیدیم و باورمان شده بود که در این توطئه از قبل تهیه گشته، همه زوار قتل عام خواهند شد، به هر سو که برمی گشتم دور و برم پر از مجروح بود، همه خون آلود در این لحظه یکی از هم برادران ایرانی تیر خورده و نقش بر زمین شد، بنده به اتفاق چند نفر دیگر شتابان ایشان را به هم و دوش گرفته و کمی پائین تر به وسط جمعیت بردیم تا توسط آمبولانس از محل حادثه دور شود که یکباره اطراف ما پر از دود سیاه شد، ابتدا خیال کردیم گاز اشک آور است ولی نه... نه ...

و گاز اشک آور اینچنین نبود همه داشتند خفه میشدند، هر کجای بدنمان باز بود، گوئی سوزن و فرو میبردند، دیگر از نفس افتاده بودیم، چشم چشم را نمیدید، از همه فریاد و ناله ای بلند بود، و همه خدا خدا میگفتند تقریباً چند دقیقه این وضع ادامه داشت و بعد یواش یواش تاثیر گاز برطرف شد و کمی هوای آزاد بما رسید، بعدا فهمیدیم که آن گاز اشک آور نبود، گاز خفه کن میگفتند و براستی هم خفه کن بود و در اطرافمان چند پیر مرد و پیر زن را دیدیم که زمین افتاده و و دارند جان میدهند، دیگر قدرت نفس کشیدن از آنان سلب شده بود، بعد آنها را نیز از محل و پر حادثه کمی عقب تر بردیم و تحویل برادران امدادگر دادیم. نمی دانم از کجای حادثه برایتان

فصل اول تعریف کنم. از شهادت حجاج در داخل مسجد جن بگویم و یا از نقش بر زمین شدنشان در مواجهه با نیروهای سعودی که به اعتقاد عده ای از برادران جهت تحقق این توطئه از دیگر به کشورهای مرتجع عرب اون شده بودند.

و وقتی این اوضاع را دیدم چند حادثه بسیار مهم صدر اسلام کاملاً جلوی چشم ظاهر گردید که دشمنان قسم خورده اسلام چگونه در خط آبا و اجدادشان قدم بر میدارند و همان و سنتهای دوران جاهلیت را دوباره میخواهند جایگزین ارزشهای والای اسلامی بگردانند. اول \* اینکه در خیابان و کوچه های مکه همانطوریکه مشرکین و کفار بنا بر دستور و طرح ریزی ابولهب و ابوجهل، حضرت رسول اکرم (ص) را سنگباران می نمودند، بر سرشان آشغال می ریختند هم اکنون نیز بنا بدستور ابولهب ها و ابوجهل های زمانمان که شیطان بزرگ آمریکا باشد، نوکران حلقه بگوششان راه حجاج بیت الله الحرام را مسدود نموده و از بالای ساختمان هاسنگ، آجر، شیشه و چیزهای دیگر میریختند. آن روز مشرکین قریش در یک جا جمع شده و تصمیم و گرفتند که کمیته ای متشکل از نمایندگان همه قبائل مامور کشتن پیامبر اسلام گردد و امروز نیز می بینیم که نوکران حلقه بگوش اجانب که دشمنی آنان با اسلام به ثبوت رسیده و نیاز به ادله و مدرکی ندارد، همچون فهد و حسین، حسن و صدام و مبارک چگونه در برابر اسلام دست به توطئه چینی میزنند و با تشکیل نیروهای مشترک اقدام به قتل عام زائرین خانه خدا که در واقع مهمان خدا هستند، می نمایند.

و مسئله ی دیگری که هر بیننده را بخود جلب کرد تکرار حادثه ی شعب ابی طالب بود.

و همانطوریکه مشرکین قریش پیامبر اسلام و فرزندان عبدالمطلب را در دره ایکه بعدها بنام شعب بن ابی طالب معروف گشت، تحت محاصره داشتند و اجازه ارتباط با بیرون را ندادند، در حادثه جمعه خونین مکه نیز شاهد نمونه کوچک آن بودیم، بطوریکه مامورین رژیم آل سعود با بستن به کلیه راهها، حجاج محترم خانه خدا را در جلوی پل حجون که درست روبروی شعب بن ابی طالب قرار گرفته حدود ۶ ساعت تحت محاصره گرفته و همه نوع هتک حرمت را در حق مهمانان بیدفاع خانه خدا بعمل آوردند. آیا این حوادث چه میخواهد برای ما بگوید، از این حوادث ما چه نتیجه ای میتوانیم بگیریم، چگونه ممکن است کسانی که خود را خادم الحرمین مینامند بیایند اینچنین جنایتی را در حق زائرین بیت الحرام نمایند و علناً حرمت خانه خدا را بشکنند، آیا اینان واقعا خائن الحرمین نیستند که در حق حرمین چنین بی حرمتی را بعمل آوردند؟ آیا دیگر وقت آن نیست که همه مسلمین جهان دست بدست هم داده و ریشه این تکه کند که چه که به خونه و

شجره فاسد را از جا بکنند و دست دشمنان اسلام را از این بلاد مقدسه کوتاه نمایند و با تشکیل پر هیئتی متشکل از کل نمایندگان واقعی مسلمین، اداره حرمین شریفین را شخصا زیر نظر .

بگیرند. یقین داریم که این خونهای پاک و مظلومی که در مکه مکرمه به زمین ریخته شدند، بر زمین نخواهند ماند و دیر یا زود جباران آل سعود را از مسند قدرت و ستم به زیر خواهند کشید. به همانطوریکه مکه و مدینه اختصاص به ملت واحد ندارد و مال همه مسلمین است، این حادثه نیز به تمام مسلمین مربوط است چرا که در این حادثه نه تنها از مسلمانان ایرانی شهید شدند و ایرانیان قربانی دادند، دیگر مسلمانان نیز در این حادثه شهید گشته اند، بنده خودم مشاهده و نمودم که افغانیان مجاهد که سالهاست در برابر روسهای اشغالگر مبارزه مینمایند و حالا جهت انجام فریضه الهی به مکه مشرف شدند، مورد هجوم وحشیانه ی مامورین رژیم آل سعود قرار گرفتند و جرمشان نیز این بود که در این راهپیمایی اعلام نمایند که از روسیه که سالهاست شدیدترین ظلم را در حق مردم بیدفاع و مظلوم افغانستان بعمل می آورد اعلام بیزاری نمایند و به از دیگر مسلمانان طلب مساعدت کنند. منتهی چیزی که هست این است که دشمنان اسلام بسر کردگی شیطان بزرگ آمریکا و نوکران حلقه بگوش آنان در منطقه سعی بر نسبت دادن این که حوادث به ایران را دارند و با این بهانه در تظاهرات مکه نیز هدف اصلی، حجاج ایرانی بود. به علت این امر مسلمین وحشتی است که انقلاب اسلامی برهبری امام خمینی در دل دشمنان اسلام ایجاد کرده است. ولذا میخواهند صدای بیداری و آزادی مسلمانان را در هر کجای دنیا حتی در شهر امن الهی خفه نمایند. ولی غافل از اینکه این خونهای گرانقدر که کعبه را رنگین + ساخته است بطور یقین روی زمین نخواهند ماند و دیر یا زود پایه های لرزان ظلم و بی عدالتی را فرو خواند ریخت.

دیگر همه جا در محاصره نیروهای مسلح، و پلیس مخفی سعودی قرار داشت هر کسی به میخواست خود را از این محاصره خارج نماید حتماً کتک سختی میخورد. آنانیکه مسلح بودند با اسلحه هایشان و آنانیکه اسلحهای سرد داشتند باهمان اسلحه تظاهر کنندگان را مورد حمله و قرار می دادند و صحنه براستی یک صحنه کشت و کشتار بود.

در اینجا نکته ای که قابل ذکر است، حمله مامورین رژیم آل سعود به آمبولانسها و خبرنگاران ایرانی بود. با حیرت و تعجب مشاهده کردم که پلیس و مزدوران سعودی چگونه و مجروحین را از داخل آمبولانس بیرون کشیده و باباطومهای چوبی و برقی کتک شان و می زندند. در این هنگام دوتن از حجاج ترکیه را که از آشنایانم بودند دیدم که یکی از آنها از من

فصل اول با ناحیه سر و صورت و دیگری از ناحیه پاسخت مجروح شده اند بطوریکه یکی از آنها به تنهایی نمیتوانست راه برود، وقتیکه چشمشان به من افتاد یکی از آنها گفت فلانی چرا اینجا ایستاده ای؟ برو دنبال پناهگاه! این ظالمان به هیچ کس رحم ندارند! هر کسی جلویشان باشد و میکشند، بروخودت را نجات بده وقتی این سخنان را شنیدم گفتم فلانی تودیگر چرا؟! بر فرض بنده خودم را مخفی کنم، کجا میتوانم بروم، زیرا وقتی که مسلمین در حرم امن خدا به اینچنین مورد هجوم قرار گیرند و قتل عام شوند، آیا در جای دیگر که زیر سلطه این خودفروخته ها هست میتوان احساس امنیت کرد؟ چشمهای طرف پر از اشک بود، حرفهای بنده را تصدیق کرده و میگفت درست است ولی چه کنم در برابر این فاجعه، این کشت و کشتار نه و این مهمانان خدا که بر اثر اصابت تیر به روی زمین می افتند.

در این هنگام شاهد درگیری پلیس سعودی و راننده یک آمبولانس سعودی شدم که پلیس درصدد جلوگیری از حمل حجاج مجروح توسط آمبولانس بود این درگیری منجر به کتک خوردن و راننده و کمک راننده شد. واین، اوج فصاحت و وحشیگری رژیم سعودی را نشان میدهد که هر چیزی را که احساس میکنند ممکن است در ارتباط با سلامت ضیوف الرحمن، این مهمانان هم خدا باشد مورد هجوم خود قرار می دهد.

افراد مسن و سرشناس را می دیدم که خون آلود و نگران داخل محاصره اینور و آنور میروند. لحظاتی به صحنه نگاه کردم و بعد دست به آسمان بلند کردم و گفتم خدایا مگر اینان چه گناهی کردند و جرمشان چیست که اینچنین مورد بی رحمی قرار گرفتند، مگر اینان برای جنگ و درگیری اینجا آمده بودند؟ پس سلاحشان کو؟ کسی که از پیش برای کاری آماده گشته باشد مسلم لوازمش را نیز همراه دارد ولی من دست اینها چیزی نمی بینم که بعنوان وسیله دفاعی تلقی گردد.

و ماکت قدس را که از سوی راهپیمایان حمل میشد دیدم که از طریق مامورین سعودی به آتش هم کشیده شد، با خود فکر کردم دیگر قدس چرا؟ مگر اینها سالها جهت آزادی قدس و فلسطین ادعای رهبریت مبارزه بر علیه صهیونیسم را نداشتند؟ حالا چه شده که این چنین مثل حیوانات وحشی به هر سو حمله مینمایند و در این بین باخشم حتی ماکت قدس را نیز به آتش بهم می کشند؟ مگر راهپیمایان چه شعار میدادند جز آزادی قدس و فلسطین اشغالی از زیر سلطه ی صهیونیسم؟ و ... ولی نه... نه...! این مزدوران و خود فروختگانی که خود را حاکم سرزمینهای

اسلامی می دانند و خادم الحرمین میمانند، هیچگاه دوست و یاور مسلمین و دشمن صهیونیسم نبودند. آیا تاکنون اتفاق افتاده که حتی یک تیر به طرف صهیونیسم شلیک نمایند؟ و به چه علت و دلیل اینها را میتوان مسلمان و آزادیخواه نامید جز اینکه تاریخشان پر از خیانت و م وحشیگری است. نه بخدا قسم همه این رژیمهای مرتجع منطقه و سردمداران آنها از یک و و قماش هستند و همه آنها دست نشانده و نوکر دشمنان اسلام هستند و مسلم است که استکبار و جهانی از آنها انتظار خوش خدمتی دارد که کشتار زائران خانه خدا نمونه ای از این خوش خدمتی آنان است.

حدود ساعت ۸ شب بود که بنده با راهنمایی یکی از دوستان از داخل ساختمان فلسطینیان از محاصره پلیس بیرون رفته و از درب عقب ساختمان به پشت رستم. حجاج ترکیه بخصوص زنان را میدیدم که از خود ایرانیان که بزرگترین ضربه را دریافت کرده بودند، بیشتر ناله و فغان و میکردند و به سر و صورتشان می زدند. من سعی کردم کمی آرامشان کنم. همه آنها به رژیم و مأمورین سعودی نفرین می کردند. پرسیدم که آیا از شما نیز کسی آسیبی دیده یا نه؟ جواب نفی دادند ولی اظهار داشتند که ای کاش ما هم میمردیم و شاهد این فجایع و هتک حرمت به هم حریم خانه امن الهی نمیشدیم. کمی درباره حوادث به آنها توضیح داده و از آنها خواستم که و بعنوان وظیفه شرعی خود باید این جنایت رژیم سعودی مکه را به گوش مسلمانان منطقه خود .

برسانند و توضیح دهند که شاهد چه جنایت و فاجعه بزرگی بودند. سپس از آنها خداحافظی کرده و به طرف محل اقامت خود براه افتادم، گوئی دنیا به سرم فرو ریخته بود و جز کشت و کشتار و هیچ چیز دیگری نمی بینم. مردم را میدیدم که حتی داخل کوچه اینطرف و آنطرف فرار لگو میکردند، وقتی کمی جلو رفتم مأمورین رژیم سعودی را دیدم که حتی داخل کوچه بعضی از نقطه ها را سد کرده و حملات خود را بر علیه حجاج ادامه میدهند بالاخره از کوچه پس کوچه و بو گریزهای زیاد به محل اقامت رسیدیم. در هتل بود که بنده لحظه ای به وضع خود نگاه کردم و پاره بشم از لباسم را خون آلود دیدم. یک دفعه داخل هتل سر و صدا بر پا شد و بعد متوجه شدیم که پلیس جو سعودی میخواسته به داخل هتل یورش ببرد که با هوشیاری برادران به موقع بستن درها مأمورین و سعودی موفق به انجام کاری نشدند. ساختمان پر شده بود از زن و مرد کتک خورده و مجروح، ب عده ای از مجروحین جراحت سطحی داشتند و یکی دو نفر نیز تیر خورده بودند. همه چهره ها و و نگران بودند، عده ای از مادر پیرشان نگران بودند، عده ای نیز از پدر پیرشان.

به یکی از آشنایان روحانی اهل ترکیه تعریف میکرد که حدود ساعت ۱۲ شب همانروز از حرم

فصل اول شریف بیرون آمده و بدون اطلاع از حوادث قصد رفتن به محل اقامت داشته که یک باره با صحنه های عجیب و روبرو گشته. او خیال کرده که آنجا یک جنگ تمام عیار صورت گرفته است و وحالاً وقت جمع آوری غنایم است. می گوید مامورین و اشخاص به ظاهر شخصی در قسمت روبروی مسجد جن که دیگر کاملاً از تظاهر کنندگان تخلیه شده بود. سخت مشغول جمع کردن اشیاء با ارزش بودند که از تظاهر کنندگان بجای مانده حتی بعضاً انتخاب نیز و میکردند. ایشان میگویند وقتیکه این صحنه جانگداز را دیدم، گفتم خدایا اینان مگر خیال و میکنند به جنگ چه کسی رفتند که حالا اینچنین با غرور و پیروزی در مقابل مهمانان بیدفاع، مشغول چپاول اموال حجاج بیت الله الحرام هستند ...

هر فردای فاجعه جمعه خونین مکه وقتیکه به حرم میرفتیم دیدیم که مامورین سعودی هنوز هم به مشغول پاک کردن خونهای هستند که روز پیش با کشتن حجاج بیت الحرام بر زمین ریخته هم بودند. جالب بود که کلیه شعارهاییکه روز قبل حین راهپیمائی بر در و دیوار چسبیده شده بود از هم قبیله، الموت لامریکا، و الموت لاسرائیل، و الموت الروسیه بوسیله رنگ پاک شده بود.

نگاهی به روزنامه های سعودی انداختم صحنه سوزاندن پرچم آمریکا را که از دور عکسبرداری شده بود حجاج ایرانی مسئول آتش زدن ساختمانهای دولت معرفی شده بود. زهی و هم بیشر می و حماقت زیرا هر کسی غیر واقعی بودن آن را در وهله اول می فهمید. تلویزیون سعودی نیز همان شب برنامه ای که از قبل تهیه شده بود به مرحله اجرا گذاشت تکه های خیلی و جزئی و بریده از تظاهرات را نشان داد. آتش زدن یک موتورسیکلت را نشان داد و...

و اما چه باید کرد و اما چه باید کرد. با توجه به اینکه چهره پلید رژیم آل سعود با این جنایت اخیر خود کاملاً مشخص شده است و با توجه به شکستن حریم مقدس بیت الله الحرام و به خون کشیده شدن این مکان مقدس آنهم در ایام حرام آیا وظیفه ما مسلمین چیست؟ باز هم باید دست روی به دست هم بگذاریم و ناظر این مصیبتها باشیم؟ قطعاً بعد از این رژیم خونخوار آل سعود عمر طولانی نخواهد داشت و جزای خود را بس سنگین باز پس خواهد داد و بگونه ای گور خود را گم و خواهد کرد که خودش نیز متوجه نخواهد بود.

هم ملت های مسلمان دیگر معنی خادم الحرمین را خیلی خوب میدانند و فهمیدند که خادم الحرمین بودن یعنی عامل قتل عام ضیوف الرحمن بودن. دیگر زمان آن رسیده است که ملت های مسلمان دست در دست هم داده و این جرثومه فساد را از این سرزمین های با از بین

## آن روز از میان دریای خون گذشتیم - عباس خ

به امید آن روز و پیروزی حق بر باطل در کلیه جبهات بخصوص جبهه های جنگ بر علیه صدام کافر .

یک حاجی مسلمان روزنامه جمهوری اسلامی از چهارشنبه ۱۸ آذر تا دوشنبه ۲۳ آذرماه ۱۳۶۶ آنروز از میان دریای خون گذشتیم حج باشکوه و با عظمت امسال، حجتی نبود که بدون پرداخت تاوانی سنگین پایان یابد، و لازم بود متناسب باشکوه آن «بهایش» نیز پرداخته شود و این «بها، رایاران و فرزندان ابراهیم خلیل در آن روز خونین و سیاه پرداختند .

پیش از این فاجعه، زائران ایرانی ، توانسته بودند تا حدود زیادی، پیام انقلاب اسلامی را در سطح گسترده ای به حجاج دیگر کشورها رسانده و ابعاد حقیقی واقعی حج را به نمایش با گذارند.

مراسم دعای کمیل در دو نوبت و در سطحی گسترده و باشکوه و عظمت خاصی در مدینه النبی و در مقابل بقیع برگزار گردید. در این مراسم که با مقدماتی به زبان عربی پیرامون به ولایت اهل بیت و القائنات وهابیت و نیز با شعارهایی علیه استکبار همراه بود، شرکت حجاج \* غیر ایرانی و به خصوص حجاج کشورهای حوزه خلیج فارس واقعاً چشمگیر بود و علیرغم و مشکلات امنیتی فراوانی که رژیم سعودی برایشان ایجاد میکرد با شیوه های خاص حضور یافته و شدیداً تحت تاثیر قرار میگرفتند.

راهپیمائی وحدت که در مدینه برگزار شد جلوه خاص داشت و به حق نمایشگر وحدت اسلام بود که بدون هیچ حادثه ای در مقابل هزاران هزار زائر غیر ایرانی انجام گرفت.

موفقیت حجاج ایرانی در آزاد سازی دستگیر شدگان شب جمعه خونین (پنجشنبه شب) که با یورش گارد ویژه عربستان به درب ورودی بعثه حضرت امام و دستگیری عده ای از حجاج ایرانی صورت گرفت باعث تجمع حجاج ایرانی مقابل بعثه و تحصن آنان تا پاسی از شب گردید که پس از مذاکرات ممتد و مراسم دعای کمیل که برای نخستین بار در مکه به صورت به



در فصل اول و گروهی اجرا میشد دستگیر شدگان بالاخره آزاد شده و با صلوات به جمع معترضین و بازگشتند. مجموعه موفقیتها و عوامل ذکر شده فوق از سویی و از سوی دیگر شکست فضاحت بار آمریکا و متحدینش یعنی انگلستان و فرانسه در خلیج فارس و آسیب پذیری ناوگانهای .

آمریکایی در منطقه همچنین تلاش برای حفظ پرستیژ عربستان و اثبات برتری آن نسبت به کشورهای کوچک حوزه خلیج فارس مجموعاً عواملی بودند که آمریکا را واداشت که عربستان را وارد صحنه نماید.

البته بسیار طبیعی و روشن بود که بالاخره روزی، اسلام آمریکایی با تمام قوا در مقابل اسلام اصیل و انقلابی قرار گیرد و چهره مزورانه و دروغین خود را نشان دهد. اما هیچگاه انتظار \* نمی رفت که این مقابله به این صورت و در حرم امن الهی صورت گیرد و بدینسان و با مقدمات و عوامل فوق حادثه فضاحت بار و اندوهگین جمعه خونین مکه بوجود آید.

لازم است پیش از پرداختن به اصل حادثه، اشاره شود که در این مدت دستگاه تبلیغاتی و داخلی و خارجی عربستان همچون سالهای گذشته، بسیج کامل شده و به چاپ گزارشهای ویژه ای از خدمات ویژه تر!! خادم الحرمین!! به حجاج کشورهای مختلف مشغول بودند.

گزارشهای مصور و رنگی از اقدامات امراء سعودی به توصیه و تحت عنایت خادم الحرمین، در حفظ امنیت و ضیوف الرحمن، در قالب طرحهای ویژه امنیتی، طرحهای عمرانی و خدماتی، دید و بازدیدها با رؤسای بعثه کشورهای دوست، قدردانی و تشکر حجاج از اقدامات عظیم سعودی ها در آسایش حجاج و...

ناگفته نماند که ائمه جمعه و جماعات و دیگر وعاظ السلاطین نیز سخت در تکاپوی توجیه حجاج و برحذر داشتن آنان از کارهای شرک آمیز و حرام آلود و بدعت ساز همچون دخالت به در امور سیاسی و شرکت در راهپیمائی و... بودند.

روزنامه عکاظ نیز با انتشار نشریه به زبانهای اردو و فارسی و... در تیراژ بسیار وسیع و در جاهای مخصوص وسط میداين و خیابانهای مکه و مدینه با تابلوی تحت عنوان «رایگان، ی ایرانیان را دعوت به خواندن و برداشتن روزنامه می کرد.

نایف بن عبدالعزیز، وزیر کشور و جلالد معروف امسال نیز طبق معمول از وظیفه خود در حفظ و حراست از امنیت حجاج و سرکوب و ممانعت با هر آنچه امنیت حجاج را به خطر و دور بیندازد سخن می گفت. و در اظهارات خود تأکید کرد: مادامی که سمینار «رابطه العالم و الاسلامی» برگزار می شود دیگر نیازی به برگزاری سمینار از کشورهای دیگر نیست!

نهایه علیرغم اظهارات فوق که در سالهای اخیر روال تشریفاتی به خود گرفته است و علیرغم و اینکه راهپیمایی براءت از مشرکین و شعار «مرگ بر آمریکا، برای آنها حل نشده و جا نیفتاده و است (بگفته مسئولین سعودی وزیر حج و اوقاف سعودی و بعدها نماینده اش با مسئولین بعثه حضرت امام به گفتگو نشسته و بر سر مسیر راهپیمایی نیز توافق حاصل میشود که مسئولین به آن هم اشاره کرده اند.

راهپیمایی مکه با دقت زاید الوصفی برنامه ریزی شده بود و با عظمت و شکوه خاصی نیز برگزار گردید که جدا علیرغم کمبود امکانات و مشکلات فراوان در خور ستایش و یادآور تظاهرات منظم و منسجم میلیونی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بود.

حجاج نیز قبلاً توسط روحانیون و رابطین توجیه و رعایت نظم و عدم درگیری و... به آنها به تذکر داده شده بود نکات ضروری و لازم نیز در خبرنامه روز قبل از راهپیمایی همراه با کروکی م محل استقرار خواهران و برادران منتشر شده بود (خبر نامه نشریه روزانه ای است که توسط بعثه م و حضرت امام چاپ و در همان روز در اختیار کلیه کاروانهای ایرانی گذاشته میشود)..

نیروهای نظامی عربستان نیز از حدود ساعت ۱ بعد از ظهر در خیابانهای محل تجمع و مسیر راهپیمایی آرایش نظامی خود را شروع کرده بودند پلیس راهنمایی تا شعاع بسیار زیادی تردد هم \* هر گونه اتومبیل را ممنوع کرده بود. جرثقیل اتومبیلهای پارک شده را به محل های دیگر منتقل م و میکرد تا مبادا بعدها این اتومبیل ها بعنوان سپری در مقابل گلوله هایشان مورد استفاده قرار و گیرد!!) و تا آنجا که ممکن بود با جوی که ایجاد کرده بودند، مردم را از تردد در آن منطقه باز هم می داشتند. صاحبان هتل ها و محل اسکان حجاج را از تردد و باز گذاشتن دربهای ورودی و بر حذر میداشتند و بسته بودن مغازه های مسیر راهپیمایی کاملاً غیر معمول بود هر چند مسائل دیگر طبیعی و همانند سالهای پیش به نظر میرسید.

رفته رفته بر تعداد نیروهای نظامی افزوده میشد و صدها اتوبوس مملو از نیروهای ویژه و مجهز به انواع سلاحها گویا منتظر فرمان در کنار خیابانها توقف داشتند، ماشین های آب پاش و پر ضد شورش نیز در اماکن مخصوص موضع گرفته بودند.

به خاطر می آورم که در این لحظه با خبرنگار مجله العالم «چاپ لندن، برخورد کردم او که از حرم مقدس بر می گشت با شگفتی اظهار داشت، عربستان تمام نیروهای سه گانه اش را در به و مکه آورده و در اطراف حرم مستقر ساخته است، اما از آنجا که سالهای پیش نیز عربستان دست هم به چنین کارهایی میزد برایم طبیعی بود.

نزدیک ساعت (۴/۵) بعد از ظهر (ساعت شروع برنامه) خیابانهای اطراف بعثه حضرت امام مملو از جمعیت بود و گروه گروه نیز از راههای دور با پوسترها و پلاکاردهای متنوع و با شور و شعف خاصی در تلاش بودند تا خود را به صفوف راهپیمایی برسانند.

و برنامه با تلاوت آیاتی پیرامون برائت از مشرکین آغاز و با دادن شعارهایی به زبان عربی علیه آمریکای جنایتکار و شوروی متجاوز و اسرائیل غاصب و نیز تذکرات لازم پیرامون راهپیمایی و فزاینده‌ای از پیام مهم حضرت امام به زائرین بیت الله الحرام ادامه پیدا کرد و با سخنان نماینده محترم حضرت امام حجت الاسلام والمسلمین کروبی پایان یافت و مردم به حرکت به سوی مسجد الحرام دعوت شدند و در این هنگام با ابراز احساسات و تکبیر راهپیمایان و شور و شعف خاص پرچم آمریکا به آتش کشیده شد.

حرکت صفوف بهم فشردن راهپیمایان با شکوه بسیاری به همراه بود، در ابتدای صف م راهپیمایان جانبازان جنگ تحمیلی با نظم خاصی قرار داشتند و بعد از آنها خانواده معظم شهدا و در میان راهپیمایان هزاران افغانی و لبنانی و عراقی و نیز حجاجی از کشورهای خلیج فارس و در حرکت بودند. همچنین هزاران نفر از حجاج کشورهای دیگر کنار خیابان ها، پیاده روها، و بم روی پل حجون و از پنجره های ساختمان های مشرف بر خیابان بزرگ مسجد الحرام که از مهمترین خیابانهای مکه مکرمه است با شور و اعجاب و نگاه های تحسین برانگیزی نظاره گر این حرکت خروشان بودند.

هیچگاه فراموش نمی کنم شور و استقبال حجاج سرزمین اشغالی فلسطین و حجاج اردنی را که این ها هنگام عبور راهپیمایان از مقابل ساختمانهایشان با احساسات و شور و شعف دست و تکان داده و علامت پیروزی نشانمان میدادند. و با دیدن ماکت عظیم قدس که بر دوش و راهپیمایان قرار داشت اشک شوق میریختند و ایرانیان را آزاد کنندگان راستین قدس می نامیدند.

حس کنجکاوی مرا واداشت تا راهپیمایان را ترک نموده و از سه راه سلیمانیه دیدن کنم (این و جا همان محل پایان راهپیمایی توافق شده است.) من خودم شاهد بودم و خدا را بر این امر گواه میگیرم که برادران انتظامات با تشکیل یک کمربند محکم به یک فاصله ۱۰ متری با نیروهای انتظامی عربستان ایجاد کرده بودند و مرتباً حجاج را از هر گونه عملی بر حذر میداشتند.

به جمعیت همچنان در حال حرکت بود که شعار سراسری قطع و به زبانهای عربی و فارسی خبر سقوط یک هلیکوپتر آمریکایی را در خلیج فارس اعلام کردند که جمعیت با تکبیر و مرگ بر

آمریکا، احساسات تنفر آمیز خود را از شیطان بزرگ ابراز داشت.

چند ثانیه پس از این خبر و درحالیکه جمعیت به حرکت خود ادامه میداد ناگهان مشاهده کردم، عده ای از نیروهای امنیتی آل سعود با لباسهای شخصی روی پشت بام یک پارکینگ، و چهار طبقه مستقر، وسنگهای بزرگ، میله های آهنی و سطل های مملو از شن را بر سر جمعیت رها میکردند. راهپیمایان نیز یکی پس از دیگری نقش بر زمین می شدند. صحنه دردناکی بود. انسان یکباره به یاد اجداد این قوم می افتد که اینگونه خاک و سنگ بر سر پیامبر عظیم الشان اسلام می ریختند و دندان ایشان را شکستند.

و در همین حال پلیس و نیروهای نظامی با باطومهای برقی و چوبی به مردم یورش بردند.

جانبازان از روی چرخهای طبی شان بر زمین افتاده بودند. و بدون داشتن هیچگونه وسیله و دفاع، آماج حملات سرکوبگرانه پلیس قرار میگرفتند.

و حجاج که به هیچ وجه چنین احتمالی را نمی دادند و یکه خورده بودند با تکبیر به مقاومت و و دفاع از خود پرداختند، اما طولی نکشید که متوجه شدیم از همه سو در محاصره صد در صد قرار \* گرفته ایم و هر لحظه عرصه این محاصره تنگ تر میشود. در همین حال پرتاب گاز اشک آور و خفه کننده به همراه گلوله باران منطقه آغاز شد. لحظات سختی بود، پیرمردان و پیرزنان یکی پس از دیگری بر زمین می افتادند و جوانان دنبال مسئولین در پی کسب تکلیف بودند، چرا که مرتب بر عدم درگیری سفارش می شد. عزیزان جانباز همچنان وضع رقت باری داشتند جمعیت لحظه به لحظه فشرده تر میشد و گروه گروه روی هم می افتادند و با هم گره میخوردند.

تاثیر گازهای سمی بر راهپیمایان که غالباً افراد مسنی بودند وحشتناک بود این ها خود را بالا و پائین می انداختند و دنبال قطره آبی بودند و با آتش زدن یک تکه مقوا سیل جمعیت به آنطرف سرازیر میشد تا مقداری از اثر گازهای فوق خنثی گردد. پرتاب کپسولهای گاز سمی ادامه داشت \* ام و صفیر گلوله فضای مکه را پر ساخته بود. مردم سرگردان اینطرف و آنطرف میدویدند و ماشین های آب پاش جمعیت را با فشار زیاد به این سو و آن سو پرتاب می کردند.

و حملات پلیس نیز از هر طرف ادامه داشت، که پس از مدتی موفق شدند جمعیت را قیچی کرده و آنها را گروه گروه ساخته و به محاصره کامل خود در آورند.

که یک صحنه دلخراش را هرگز فراموش نمی کنم، وارد کوچه بسیار باریکی شدیم که بعداً فهمیدیم به دامنه کوه ختم می شود و بن بست است. نیروهای سعودی نزدیک کوچه آمده بودند و حجاج هراسان و مضطرب در حال زمزمه شهادتین و توبه و انابه به طرف بیرون هجوم

فصل اول آوردند. آنان به حق گلوله های آتشین مزدوران را بر گازه های سمیشان ترجیح میدادند. در حین خروج از کوچه که با فشار و فشردگی فوق العاده ای همراه بود، عده ای از برادران در وسط کوچه بر سر بلندی رفته و با علامت دست از مردم میخواستند خارج نشوند و به ته کوچه برگردند.

و اما دیگران خیال می کردند که این دعوت به خاطر وجود پلیس بوده است ولی هنگام خروج از کوچه و قدم گذاشتن بر بدن دهها نفر مرد وزن متوجه شدیم که علت دعوت به عقب چه بوده است.

آری عده ای از آنان جان سپرده بودند وعده ای با بدنهای کبود وله شده جان میدادند. آن طرف را می دیدم ، یک زائر که گلوله خورده بود کمک می خواست و پیوسته خون از بدنش جاری بود، اما راههای کمک رسانی را بسته بودند. آنقدر خون از او رفت تا جان به جان آفرین تسلیم کرد. مزدوران آل سعود بر پیکرهای مطهری که مدتها بود به لقاء الله پیوسته بودند آنقدر می کوبیدند و آنها را لگدمال میکردند که به راستی انسان به یاد لگدمال کردن پیکر پاک شهدای کربلا توسط یزیدیان می افتاد.

آمبولانسهای ایران در میان جمعیت بود اما آنها را از کار انداخته بودند و رانندگانشان را مجروح ساخته بودند. همانطوریکه قبلا- یادآور شدم جمعیت در چند گروه به محاصره کامل هم در آمده بود، همه طعم مرگ را چشیده بودند، پیرمردان و پیرزنان از حال رفته به نماز جماعت و ایستادند. نمازهای طولانی که شاید ترحم آن جانیان را جلب نمایند و به خاطر نماز دست از کشتار بردارند، اما باز بیهوده بود، هلیکوپترها و هواپیماهای دو موتوره بر فراز مردم همچنان در پرواز بودند و همه چیز را کنترل و هدایت میکردند.

حجاج کشورهای دیگر که ساختمانها و هتلهایشان در محوطه خیابانهای مسیر راهپیمایی بود درب ها را بر روی زائران خانه خدا باز گذاشته بودند و به مجروحین و مصدومین زنان و مردان پناه میدادند، اردنی ها و فلسطینی ها و ترکها دوستی و همنوازی را به اوج خود رسانده بودند، فلسطینی ها ساختمان های عظیمی در اختیار داشتند که گنجایش عادی آنها ۵ هزار نفر بود. ساختمان های فوق جدیدالاحداث بوده و سازمان حج ایران و در صدد اجاره آنها بود که بر اثر فشار دولت عربستان و به علت موقعیت استراتژیک آنها و هم قرار داشتن در کنار خیابان اصلی از اجاره آن به ایرانیها خودداری شد و به خاطر برافراشتن \* پرچم اردن بر فراز آنها به اجاره اردنی ها و فلسطینی هایی که بالاچار از راه اردن و تحت اشراف سازمان حج اردن می آمدند در آمده بود .

این جنایت ساعتها ادامه داشت و اواخر شب بود که مزدوران راه باریکی به عرض دو متر باز و کردند تا همگی متفرق شوند. این کوچه باریک توسط نیروهای خون آشام آل سعود ایجاد شده بود و دیواری ایجاد کرده بودند و با چشمانی شیطانی همه چیز را زیر نظر داشتند و گوئی هنوز سیراب نشده اند و تشنه خون هستند.

و منظره دلخراشی بود، فرصتی دست داد که لحظاتی چند به ماحصل این فاجعه نظر افکنم، صحنه، صحنه یک جنگ واقعی بود. خیابان وسیع و عریض مسجدالحرام انباشته از هزاران وسیله شخصی راهپیمایان بود، چادرهای خواهران، کفش، دمپایی، عینک، قمقمه و دیگر وسایل شخصی در دریایی از خون شناور و صدها جسد مطهر در سطح خیابان پراکنده بود. پیراهنهایمان را بالا میزدیم و خداگواه است که از میان خونها رد میشدیم، عده ای هنوز رمقی داشتند و با صدای آهسته و دور از چشم پلیس، کمک میخواستند و گویی در آرزوی پایان حشاشان بودند، اما افسوس.

شام غریبان بود. با دیدن قرآن و کتاب مفاتیح خونین در سطح خیابانها، حادثه ۱۷ شهریور ما که اوج قساوت رژیم سفاک ستم شاهی بود، کوچک مینمود. جانیمان پس از بیرون راندن مردم، ساعتها متمادی پس از آن شب سیاه آثار جرم را بر طرف میساختند.

آن شب به «محل مرکزی امداد گمشدگان» ایرانی رفتم صحنه های دلخراشی بچشم می می خورد صدها نفر با لباسهای خونین در پی دوستان و همراهانشان می گشتند. هیچکس از سرنوشت دیگری خبر نداشت اطاقهای ساختمان مملو از مجروحین و مصدومین بود، ناله های دلخراشی به آسمان می رفت و ابستگان مجروحین به شدت این سو و آن سو در جستجوی پرستاری پزشکی میگشتند. آژیر آمبولانسها تا پاسی از شب در خیابان های مکه طنین افکن، ثم بود، زنگ تلفنهای امداد یک لحظه قطع نمی شد، مرتب تماس گرفته می شد و آن طرف خط با زبان فارسی تقاضای کمک داشت.

.. آقا به داد مجروحین مان برسید، آدرسمان، عزیزیه، کوچه...

... آقا شما را به خدا خونریزیها بسیار شدید است، افراد از شدت جراحت جان هم می دهند... و تنها کاری که از برادران امداد بر می آمد کمک خواستن از بیمارستان و بل و درمانگاههای ایرانی بود.

\* اما بیمارستانها اعلام میکردند که به هیچوجه مجروح نفرستید جانداریم بر پشت بام نیز مجروحین بستری هستند، وسط راه مجروحین را دستگیر می کنند نفرستید، خودمان دکتر و

فصل اول پرستار اعزام می کنیم. آن شب با همان سنگینی سپری شد.

حجاج به شدت از آنچه رخ داده بود متأثر بودند و واقعه را باور نداشتند و واقعا باور کردنی هم نبود. همه جا سخن از قساوت آل سعود و همه جا سخن از مظلومیت حجاج ایرانی بود و سخن از همیاری و کمکهای حجاج کشورهای دیگر. پارچه سیاه رنگی بر فراز ساختمانهای ایرانیان هم نصب شده بود. آوای قرآن از بلندگوی ساختمانهای بعثه عزای عمومی را اعلام می داشت.

فردای آن روز بود متوجه شدم که چرا حضرت امام آیه «ومن یخرج من بیته مهاجرا الی الله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله» را برای پیامشان به حجاج بیت الله الحرام انتخاب رده بودند. من قبل از فاجعه بارها و بارها در این فکر بودم که امام اینبار چرا آیه ای غیر معمول رای مراسم حج انتخاب نموده اند.

\* مزدوران آمریکا و حکام سعودی صحنه اول را به خوبی اجرا کرده بودند و اینک منتظر صحنه نوم بودند. روز بعد صحنه دوم نیز با صدور اطلاعیه های شماره ۱ و ۲ و ۳... وزارت کشور عربستان آغاز شد (... ایرانیان هرج و مرج طلب میخواستند درب های مسجدالحرام را بر روی زائران خانه خدا ببندند، قسمتی از کعبه را به آتش بکشند، امام مسجدالحرام را به قتل رسانند و آنگاه قبله را به طرف قم تغییر دهند!!) مقایسه بسیار جالب باصحنه پس از عاشورای حسینی است.

سیل تلگرامهای تبریک رؤسا و ملوک به خاطر سرکوبی یاغیان! سرازیر شد، از صدام آغاز به ولمک حسین و ملک حسن ادامه و به مبارک ختم می شد.

و وعاظ السلاطین نیز وارد صحنه شده بودند، رئیس دانشگاه الازهر و مفتی رسمی مصر که عود امضاء کننده قرارداد ذنت بار کمپ دیوید است فتوای ممانعت ایرانیان از انجام حج را و مادر کرد!! و مطبوعات و دستگاه های تبلیغاتی آل سعود به کار افتادند و همه چیز را وارونه جلوه دادند.

استکبار خبری نیز هماهنگ به یاری آنها شتافت و جشن پیروزی برگزار کردند.

و مکروا و مکر الله والله خیر الماکرین، ولیکن صبح پیروزی و نصرالهی نزدیک است که الیس الصبح بقریب عباس دخ کیهان چهارشنبه ۴ شهریور ۱۳۶۶

آنها به همه ظلم می کنند من در صف اول و روی صندلی چرخدار بودم، مقداری که جلو آمدیم سرپل پرچم آمریکا را به آتش زدند، وقتی روبروی مسجد جن رسیدیم انتظامات سعودی جلوی ما را گرفتند و چند دقیقه \* و معطل کردند تا خوب جمعیت فشرده شد، بعدا با باطومهایشان میزدند به سپرهای خود و ایجاد : سرو صدا کرده و یک چیزی هم میگفتند، کم کم جلو آمدند و با باطومها زدند بر سر و کله هم برادران صف اول، ما مقداری کشیدیم عقب (چند متر) بعد چند نفر باطوم های گارد را گرفته ا و پلیس را از این کار منع کردند ولی آنها که دیدند با باطوم نمیتوانند مقابله کنند تیراندازی و و انداختن گاز اشک آور را شروع کردند، با اسلحه هایی که مثل «یوزی» بود. ولی خشابها تمام هم شدنی نبود. هر چه ما نگاه کردیم که کی تمام میشود تیرهاش تمام نشد و این تیرها نیز دو زمانه عمل میکرد، اول اصابت می کند و بعد داخل بدن منفجر میشود که من چند نفر از برادران را دیدم که به همین شکل به شهادت رسیدند آنها را بستند به رگبار).

در همان درگیری یکی از مامورین سعودی به من حمله کرد و نمیدانم با باطوم زد یا با تیر به و پای من که بزمین خوردم، بعد که خواستم بلند شوم دیدم پای چپم شکسته (البته پایم مصنوعی و و بود) خلاصه خودم را به ماشینی که روی آن شعار میدادند رسانده و سوار شدم، ولی فشار جمعیت بقدری بود که نه تنها ماشین نمی توانست حرکت کند بلکه موتور ماشین نیز بر اثر فشار روشن نمیشد ، خلاصه مامورین ماشین را گرفتند و اول یک گاز سفید رنگ داخل ماشین خالی کردند که انگار گلو را فشار میداد البته چند نفر از مجروحین و معلولین و پیرمردها هم داخل این و



فصل اول ماشین بودند. شرط ها بعد از خالی کردن گاز با باطوم به ماشین حمله کردند و هر چه به زبان عربی میگفتیم بابا اینها معلول و مجروحند! به خرجشان نمیرفت، مثلاً پیرمردی که از سرش و خون میرفت باطوم را به شکمش فرو کردند و با چوبهای ۲ متری به جان ما افتادند که ما اشهدمان و را گفتیم ولی به لطف خدا و اینکه روی سرمان طاق ماشین بود به سرما آسیبی نرسید. ولی به بدنمان خیلی آسیب رسید.

و خلاصه ما گفتیم اینها ما را میکشند، چون از چهره هایشان و اینکه با غضب دندانهایشان را فشار میدادند معلوم بود. در همین موقع از بلندگوی مسجد صدا بلند شد که من چند کلمه عربی میدانستم میگفت «بکشید شیعیان را خونشان مباح» و ما هم که دیگر امیدی نداشتیم و در این افکار بودیم که چند نفر از برادران حدود ۲۰ متر آنها را به عقب نشینی دعوت کردند و ما هم از این فرصت استفاده کردیم و از ماشین پایین آمدیم و من لنگان لنگان خودم را عقب کشیدم و از بالا هم مثل باران سنگ، شیشه و آجر و با این سطلهای آتش نشانی که من خود و شاهد بودم یک نفر از آنها شن خالی کرد و بعد خود سطل را می انداخت پائین و یک صحنه ای به بسیار بدی دیدم و آن پرتاب یک موزائیک از بالا بود که سر یکی از زائر آن را تا فرقیش شکافت.

بعد دو تا از برادران کمک کردند زیر بغلم را گرفتند و بردند، در یک راه یک قطعه چوب پیدا هم کرده و مرا روی آن نشانند و همه کمک میکردند تا مرا از معرکه خارج کنند و هر چه من هم می گفتم مرا رها کنید بروید سراغ دیگران، گوش نمی کردند. به آخر پل «حجون» که و رسیدیم، دیدم از آن طرف هم دارند حمله می کنند و می آیند، خلاصه دوباره فشار عجیبی و بر من وارد شد در حال بیهوش شدن بودم، از برادران خواهش کردم که مرا رها کنند و بروند که همین کار را هم کردند. من کنار جدول خیابان نشستم و از حال رفتم، کمی بعد که حالم بهتر شد دیدم دارند نارنجک پرتاب می کنند که بعد از انفجار ترکش های آن به طرف جمعیت پخش میشد و خیلی ها را زخمی می کرد ولی نمی کشت.

خلاصه آنجا به یاد زمان پیغمبر(ص) افتادم که چقدر به حضرت اذیت کردند و در آنجا دست به دامان امام زمان (عج) شدم و گفتم: یا امام زمان من نمی خواهم زیر دست و پا از بین بروم! و در همین لحظه دیدم چند نفر از ساواکیهای رژیم سعودی که مشخص بودند. از نوع و لباس و با چوبهائی که داشتند. به سر بچه هائی که مجروح و زخمی بودند می کوبیدند و این مثل م تیر خلاص بود، حدود ۵۰ متر با من فاصله داشتند. دوباره شهادتین خود را خواندم که در همین موقع اذان مغرب را گفتند و آنها ایستادند به نماز - کمرشان را بزنند. من هم بلند شدم و به طرف

جنایت و هابیت یکی از چرخهایی که مال جانبازان بود رفته و سوار شدم و آهسته آهسته به طرف حرم رفتهم خیابان پر از چادر، کفش و قمقمه و دیگر اشیاء حجاج بود، این منظره هارا اصلاً باور نمی‌کنم. فکر می‌کنم خواب دیده‌ام، چون این قدر این نامردها به ما ظلم کردند که فکر، نکنم هیچ ظالمی در دنیا چنین کرده باشد.

آبولانسهای سعودی مجروحین، زخمیها و مصدومین را سوار نمی‌کردند و من دیدم و یکی از برادران لبنانی که دستش قطع بود، به جان وی افتادند تا از پا در آمد و آنها حتی به کسی هم که دو پا نداشت رحم نکردند و من فکر می‌کنم آنها بیشتر قصد کشتن معلولین و مجروحین را داشتند و هیچ زمان تاریخ به یاد ندارد و نخواهد داشت که این همه ظلم و ستم و جنایت از یک و رژیم بر مردم بی دفاع آن هم زائرین خانه خدا انجام دهند.

مهدی صداقتی - اصفهان روزنامه جمهوری اسلامی چهارشنبه ۴ شهریور ۱۳۶۶ \* آل سعود یا آل آمریکا قبل از اجرای مراسم دعای کمیل و راهپیمایی وحدت در مدینه منوره، مسئولان بعثه حضرت امام مدظله العالی با همکاری مدیران کاروانها افراد انتخابی جهت انتظامات را به هم جلسه ای دعوت و ضمن آموزش توجیهی و تعیین وظایف و مسئولیتهای هر گروه موکدا توصیه نمودند که برادران انتظامات از ایجاد هر گونه حساسیت و تحریک پلیس سعودی و نهایتا ایجاد و هرگونه درگیری شدید پرهیز نمایند .

لکن پلیس سعودی یکی دو روز قبل از مراسم با یک صحنه سازی که ظاهر جهت جلوگیری از حملات احتمالی زوار ایرانی بود مبادرت به کشیدن دیوار از طریق نصب بلوکهای سیمانی و پر سیم خاردار، در فاصله چند متری ساختمان پلیس نمود، ولی به لطف خداوند، برنامه ها با م نظم و آرامش فوق العاده چشمگیری اجرا و چون نیروی انتظامی مدینه مداخله ای نکرد برنامه ها بخوبی به پایان رسید تشکیلات و سازماندهی ماموران انتظامی با بازو بندهای مربوط به حفاظت و سقایه الحاج و مامورین آبرسانی و استقرار آنها در خیابانهای مورد نظر مدینه منوره و همچنین برقراری سیستم صوتی در زمانی بسیار کوتاه و بدنبال آن حضور گسترده و منظم زائران ایرانی در مراسم دعا و تظاهرات خیلی حیرت انگیز بود. در مکه معظمه هم نظیر مدینه، جلسه آموزش توجیهی برای و

به فصل اول و افراد انتظامات تشکیل شد و مسئولان متذکر شدند که جو مکه با مدینه تفاوت دارد لذا برادران باید بیشتر مراقبت کنند که هیچگونه بهانه ای جهت ایجاد درگیری به پلیس مکه که خشن تر هستند ندهند و حتی اگر برادری، از نیروی پلیس به ناحق هم کتک خورد بخاطر خدا تحمل نماید و از هر گونه مقابله و درگیری جدا اجتناب کند.

و شب قبل از اجرای مراسم راهپیمائی، بنده باتفاق چند نفر از همسفران از هتل محل اقامت به واقع در «عزیزیه ۹ تا حرم که مسافت نسبتاً زیادی است پیاده طی کردیم تا محل بعثه امام و و همچنین استقرار مامورین انتظامات خودمان را شناسائی کنیم. آن شب اوضاع و احوال شهر عادی نبود، چرا که در خیابانهای نزدیک «بعثه» و «ستاد گم شدگان» ایرانی پلیس سعودی با و ماشین آلات و جرثقیلها و ساز و برگ نظامی مشغول آرایش بود. برداشت ما از آن وضعیت و تحرکات نیروی پلیس این بود که بمنظور جلوگیری از ایجاد اغتشاش و بی نظمی احتمالی و برنامه ریزی می کنند.

در حدود ساعت ۴ بعد از ظهر روز جمعه خونین مکه، افراد انتظامی با بازوبندهای خود در در اطراف خیابان های مورد نظر و همچنین در جدول وسط خیابان مستقر شدند و در ساعت ۴/۲ و بعد از ظهر تدریجاً جمعیت تظاهر کننده ایرانی در دو باند خیابان به تفکیک زن و مرد و با در دست هم داشتن پلاکاردهای خود شروع به راهپیمائی کردند. ابتدا آقای مرتضائی فر شعار «لا اله الا الله» - «الله اکبر» - «الموت لامریکا» - «الموت لروسیا» - «الموت لاسرائیل» را از بلندگوی ساختمان بعثه فریاد کرده و مردم هم آنها را با خشم و نفرت تکرار کردند، پرچم آمریکا در پشت بام ساختمان مقابل بعثه به آتش کشیده شد، فراهائی از پیام مهم حضرت امام به حجاج ایرانی قرائت شد و سپس جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا کروبی سخنرانی کردند و ترجمه بیانات ایشان به زبان عربی پخش شد. در این هنگام که نزدیک اذان مغرب بود آقای مرتضائی فر از مردم و راهپیمایان خواستند باشتاب بسمت حرم حرکت کنند تا بموقع به صفوف برگزار کنندگان نماز جماعت به پیوندند. در همین موقع خبر سقوط یک فروند هلیکوپتر آمریکائی بر روی ناو آمریکائی و بدرک واصل شدن سرنشینان هلیکوپتر اعلام شد که زائرین با فریاد تکبیر ابراز خوشحالی کردند.

همچنان بهمراه مردم بسمت حرم در حرکت بودم، ناگهان دیدم از بالای پل هوائی عابر پیاده معروف به «حجون» که مشرف به «شعب ابیطالب» میباشد سنگ، پاره آجر و بطری خالی بر سر زن و مرد که بسمت حرم راهپیمائی میکردند پرتاب میشد و در یک لحظه عده ای از آنها آغشته

بخون شدند. افرادی که در نزدیکی پل حجون بودند با ملاحظه این ماجرا از ادامه حرکت بسمت و حرم بازماندند و در جهت مخالف یعنی بسمت ساختمان بعثه تغییر مسیر دادند. از آنطرف به زائرینی که در قسمت بالای خیابان و نزدیک بعثه بودند با توجه به تذاکرت کلی آقای پم مرتضائی فرمبنی بر حفظ خونسردی و حرکت تندتر بسمت حرم جهت شرکت در نماز و جماعت مغرب، با عجله به سوی حرم می‌رفتند. در اینجا بود که دو رودخانه از امواج انسانها با پی هم تلاقی و برخورد نمودند که نتیجتاً حملات مستمر نظامیان سعودی نظم را بر هم زد و خواهران و برادران با فشارهای بسیار زیادی مواجه شدند، بگونه ای که اختیار هر گونه حرکت از افراد سلب شد و تنها موج جمعیت گهگاه عده ای را به اینطرف و آنطرف می کشاند. م در خیابان بالاتر از بعثه تیراندازی بسمت مردم و همچنین شلیک گاز خفه کننده شدت بهم گرفت. کمی بالاتر از آن هم با ماشین تانکر آب جوش بسوی مردم آب می پاشیدند و بالاخره ازدحام و فشار جمعیت بحدی رسید که اگر زن و مردی در اثر هجوم به زمین میافتاد تقریباً بهم برخاستن او محال بنظر می رسید و احتمالاً زیر دست و پای دیگران از بین می‌رفت. عمق فاجعه هم بقدری دردناک بود که بسیاری از ضیوف الرحمن در حرم امن الهی مورد ضرب و شتم ایادی و شیطان قرار گرفتند و عده ای ضمن نگاههای استمداد آمیز در حضور عده کثیری مسلمان هموطن مظلومانه جان دادند در حالیکه تقریباً همه علی رغم میل باطنی خود در وضعیتی قرار هم گرفته بودند که قادر به کمک و نجات هم کیش خود نبودند.

و در حریم خانه خدا صید و شکار نه تنها در ایام مناسک حج و برای افراد محرم، بلکه در تمام هم ایام سال و برای همه افراد حرام است، مع الوصف چطور این مدعی دروغین و کذاب خادم هم \* حرمین الشریفین! جرئت کرد میهمانان خانه خدا را در مکه به جرم فریاد براءت از کفار و مشرکین که مظهر کامل آنها در زمان حاضر آمریکا، شوروی و اسرائیل است قتل عام نماید، و خدا عالم است مگر براءت از مشرکین حکم خدا نیست؟ حضرت امام با الهام از کلام الله مجید و احادیث معصوم علیهم السلام در پیام مهم خودشان بعنوان حجاج، بعد سیاسی حج و براءت از کفار و مشرکین را از ارکان حج قلمداد و آنرا مورد تاکید قرار دادند، بهمین جهت زائرین ایرانی اعم از زن و مرد و حتی در برخی موارد افراد سالخورده و بیمار با احساس به مسئولیت و بعنوان یک تکلیف الهی عمدتاً در تظاهرات و راهپیمائی براءت شرکت نموده بودند.

پس از اینکه آتش خشم و کینه وهابیهای ضد اسلام و انسانیت، از کشتن و مجروح نمودن هم

فصل اول مسلمانان بی گناه و بودن تعدادی از آنها فرو نشست، ملاحظه شد که کف خیابان و پیاده رو و پوشیده و مملو است از چادرهای مشکی زنان، قمقمه های آب، کفشها، دمپایی ها و چترها هم و غیره که حکایت از نهایت خوی ددمنشی حکام سعودی میکرد. منظره واقعا دلخراشی بود مضافاً اینکه جنازہهای بخون خفته شهدا و همچنین مجروحین حادثه اعم از زن و مرد توسط و مردم در حال انتقال بود عده ای هم با دیدگان مضطرب و کنجکاو بدنبال همسران و همراهان گمشده خود می گشتند که تحمل این حالت انتظار و جستجو واقعا بسیار غم انگیز بود.

و تمام شواهد و قرائن حاکی از این بود که حکام سعودی قطعاً با برنامه ریزی و تدارکات قبلی هم نقشه شوم این توطئه را کشیده و مرتکب چنین جنایت سبعانه نسبت به میهمانان خدا شدند.

\* باریدن سنگ، پاره آجر، بطری خالی از بالای پل «حجون» و همچنین ساختمان ۴ طبقه پارکینگ اتومبیل بر سر و روی زوار ایرانی اتفاقی نبود. شلیک گلوله های گرم بطور مستقیم بسوی زوار ایرانی بدون برنامه ریزی نبود. مردم را در محاصره گاز خفه کننده و تانکر آب جوش قرار دادن هم تصادفی نبود.

تلاش نیروی پلیس برای جلوگیری از ورود زائران سایر کشورها در داخل صفوف راهپیمایان ایرانی نیز طبق دستور و برنامه از پیش تدوین شده با هدف قتل عام زائرین طراحی شده بود.

و هنگامیکه برادران انتظامی قبل از شروع حمله پلیس مبادرت به توزیع اعلامیه به زبانهای \* انگلیسی - عربی و غیره مینمودند، شاهد بودم که اعلامیه ای به یک مسلمان پاکستانی که خارج \* از صف تظاهر کنندگان و در کنار یک پلیس ایستاده بود ارائه شد، آن برادر پاکستانی پس از مرور و اجمالی صفحه اول اعلامیه با اضطراب به پلیس خیره شد و بی اختیار خواست اعلامیه را به او هم بدهد که با اشاره پلیس به داخل صفوف ایرانیان وارد و آنرا به همان برادر توزیع کننده اعلامیه مسترد نمود و خارج شد.

و ضمن فهد به شیوه سنوات قبل توسط نماینده خود مجلدات قرآن چاپ سعودی ها را در فرودگاه جده به زائرینی که در حال بازگشت به وطن خود بودند هدیه میکرد که خوشبختانه با توجه به تاکیدات روحانی گروه و مدیر کاروان زائرین کاروان ما از قبول هدایای مذکور که در واقع پر قرآن معاویه و عمروعاص بود خودداری کردند، البته این امر به ذائقه آنها خوش نیامد و هنگام بازگشت در فرودگاه جده بعناوین مختلف از انجام هر گونه شکنجه و عذاب روحی زوار ایرانی دریغ نکردند. گفتنی است که باند فرودگاه جده هنگام مراجعت پوشیده شده بود از تانک،

زره پوش و نیروهای رنجر کلاه قرمز مسلسل بدست و آماده شلیک رگبار به سوی زائرین ایرانی. و سید اسدالله نبوی روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۱۴ شهریور ۱۳۶۶ \* آن شیر زن که بود؟ منزل ما در «عزیزیه» واقع شده بود. طبق هماهنگی که از قبل جهت راهپیمائی شده بود از ساعت ۲/۳۰ بعد از ظهر با شعارها و پلاکاردها و عکسهای حضرت امام از منزل بیرون آمدیم.

چون جمعیت در طول مسیر بسیار زیاد بود و وسایط نقلیه کشش آنهمه جمعیت را نداشت لذا آنها که توان پیاده روی داشتند حدود ۶ کیلومتر را پیاده طی کردند. در بین راه کاروانهای حجاج ایرانی و غیر ایرانی به صفوف ما اضافه میشدند.

این صفوف خود بخود در طول خیابان به یک راهپیمائی حدود ۶ کیلومتری مبدل شده بود.

آنهايي که توانائی پیاده روی نداشتند با وسیله نقلیه خود را به محل راهپیمائی رساندند، در طول با مسیر اتوبوسها و ماشین ها سریعاً در رفت و آمد بودند جمعیت همه بسوی محل راهپیمائی در حرکت بودند.

صحنه بسیار جالبی که در حین راهپیمائی مشاهده میشد و مرا بیاد سالهای شروع انقلاب اسلامی در کشورمان می انداخت. این بود که در روزهای آخر حکومت رژیم شاه مقبور و بسیاری از ماشینها، عکس حضرت امام را بروی شیشه های خود نصب کرده بودند و در اینجا من بوضوح میدیدم که بر روی شیشه اتوبوسها، ماشینها و حتی حجاج کشورهای خارجی عکس ایشان را نصب کرده بودند.

ضمناً کرایه ما از منزلمان که در عزیزیه بود تا محل راهپیمائی حدود ۵ ریال سعودی میشد که در این روز بسیاری از ماشینها بخاطر همراهی و همبستگی با حجاج ایرانی برای راهپیمائی براءت از مشرکین چیزی بابت هزینه رفت و آمد دریافت نکرده بودند.

خود را به مقابل بعثه حضرت امام رسانیدیم. اینجا مبدأ راهپیمائی بود. انواع واقسام پلاکاردها در محکومیت آمریکا و اسرائیل و دیگر تجاوزگران با خط های بزرگ و بسیار زیبا نوشته شده بود. عکس های حضرت امام به چهره تظاهر کنندگان جلوه ای دیگر بخشیده بود.

عکسهای شهید خالد اسلامبولی و سلیمان خاطر بیش از هر چیز دیگر در نظر حجاج مسلمان

فصل اول کشورها بخصوص برادران و خواهران مصری جلب نظر میکرد.

و در کنارم یک مسلمان خارجی که دو کودک ۸ ساله همراه او بود قرار داشت. ملیتش را سؤال هم کردم و او گفت که اهل مصر هستم. ناخودآگاه و بی اختیار عکس شهید سلیمان خاطر را به او نشان دادم و گفتم در اخبار اخبار استکباری دنیا آمده بود که وقتی سلیمان خاطر بسوی اسرائیلیان آتش گشوده بود در حالت طبیعی نبوده است. (من این سؤال را از این مسلمان هم مصری کردم تا بینم نظر او پیرامون شهید خاطر چگونه است).

او از این جمله من حالت تعجب در چهره اش ظاهر شد و با انکاری قوی گفت، نه این بک و دروغ محض است. او (سلیمان خاطر) یک مجاهد بود که بر اساس برنامه ای که تنظیم کرده بود هم این عمل انقلابی را انجام داد. سپس اشاره به دو فرزندش کرد و گفت: این دو کودک پیرو راه سلیمان خاطر و خالد اسلامبولی خواهند بود و آنها را همانند آن دو مجاهد، بزرگشان خواهم کرد و باید که ادامه دهنده راه شهید سلیمان خاطرها و شهید اسلامبولی ها باشند.

هم از صحبتهای او به وجد آمدم و دستش را بگرمی فشردم و برایش آرزوی پیروزی کرده و از او از خداحافظی کردم، پیام حضرت امام و سخنرانی نماینده محترم امام پایان رسید و دستور حرکت به راهپیمایان داده شد. با شعارهای قوی و کوبنده مردم به همراه سایر حجاج دنیا براه هم افتادیم. وقتی که از مقابل ساختمانها و هتلها حجاج کشورهای خارجی عبور میکردیم هم بوضوح میدیدم که سایر حجاج هماهنگ با شعارهایی که از بلندگوها پخش میشد با ما همراهی هم میکردند و آنها نیز با فریاد برائت خود را از مشرکین و کافرین اعلام میکردند.

و وقتی مقابل پل «حجون» رسیدیم درگیری آغاز شد. به یکباره بارانی از سنگ و چوب و بلوک های سیمانی بر سر حجاج شرکت کننده در راهپیمائی ریخته شد. خدایا چه می بینم چه شده است؟ آخر اینها را برای چی بر سر این حجاج مظلوم میریزند مگر جرمشان چیست؟ از ابتدای راهپیمایی مشخص بود که پلیس تاندان مسلح عربستان آغازیک درگیری و سازماندهی شده را تدارک میدید. در این اثنا بود که دیدم تعدادی از حجاج مجروح که اکثریت آنها را پیر مردان و پیر زنان تشکیل میدادند با سر و صورت مجروح و خون آلود به عقب بر و میگشتند. خدایا چه می بینم؟ خدایا اینجا حرم امن توست؟ خدایا تو در قرآن به این شهر امن قسم یاد کرده ای، «وهذا البلد الامین».

به یکباره به فکر فرو رفتم. خدایا چه می بینم؟ مکه شهر امن توست! در طول تاریخ تاکنون و این بلا را به شهر مکه نیاوردند حسین (ع) از مکه بیرون رفت تا خونی در این شهر مقدس ریخته و

نشود. چه شده است؟ آخر مگر چه خبر است که حکام جنایتکار سعودی اینگونه حرمت این .

خانه مقدس را میشکند؟ من نمیدانستم چه باید بکنم. سرم گیج رفته بود، منتظر بودم تا بینم از بلند گوها چه هم دستوری میدهند تا آنرا اجرا کنیم و با این جانیان که در طول تاریخ روی هر جنایتکاری را سفید و کردند و جایی برای ادامه حیات خود در این دنیا باقی نگذارند، مقابله کنیم، که ناگهان به بلند گوها قطع شد و درگیری که با چوب و باطوم و ضرب شتم شروع گردیده بود با تیراندازی به اوج خود رسید و درگیری مسلحانه کماندوهای سعودی آغاز گردید، یک طرف لشکر جرار و معاویه تا دندان مسلح، قرار داشت و طرف دیگر یک عده پیرمرد و پیرزن، مادران و خواهران شهدا و بالاخره عده ای جوان که دست و پای خود را در راه اسلام و انقلاب داده اند، و بر روی چرخهاسوارند، آری جانبازان عزیز انقلاب اسلامی که شهیدان زنده تاریخ ما هستند.

جمعیت را مسلحانه و با تیراندازی متراکم کردند و گازهای خفه کننده را بروی افراد بی سلاح و دست خالی انداختند.

کشتار جمعیت ادامه داشت که دیگر قلم نمیتواند این جنایت را بر روی صفحات تاریخ و بیاورد. آیندگان باید بنشینند و نظاره کنند و از این مقدار که بر روی صفحات تاریخ آمده استفاده کنند و حساب خود را با فرقه وهابی تسویه نمایند. و باید که تا ابد به حیات ننگین آل سعود و فرقه وهابیت پایان دهند باری فشار جمعیت بحدی شد که دیگر غیر قابل تحمل بود. اینجا بود که جوانان دست بکار شدند و با یک هجوم حلقه محاصره کماندوهای جنایتکار سعودی را در هم شکستند تا مردم بتوانند از این وضع نجات پیدا کرده و به هتل خود بروند.

درگیری و مقاومت حدود ۱/۵ ساعت بطول کشید. دیگر تمام کماندوها دقیقا سازماندهی شده و در تمام خیابانهای شهر مکه مستقر شده بودند. اینجا بود که جوانان تلاش کردند تا زنان را از معرکه خارج نمایند مخصوصا مجروحینی که به حالت اغما بر کف خیابانها افتاده بودند.

تعدادی از مجروحین را به یک کوچه که عرض آن کمتر از ۲ متر و پیچ در پیچ و در مجاورت بعثه بود انتقال داده بودند. به کوچه رفتم و حدود ۵۰ نفر از مجروحین را بر روی یک سکو که گویا متعلق به یکی از قهوه خانه های مکه بود دیدم. مجروحین فریاد میزدند و طلب آب میکردند هر کس در بی چیزی بود. یکی بدنبال مادرش میگشت و دیگری سراغ همسرش را میگرفت و دقایقی زنی بدنبال چادرش میگشت، چادرش، عفافش، زندگی و حیاتش.



فصل اول در این کوچه غوغا برپا بود هر کس مشغول کاری بود و من هم مشغول باندپیچی و بستن زخمهای مجروحین شدم، زنان را از این کوچه به کاروانهایشان راهنمایی میکردند.

در این گیرودار بودم که ناگهان چشمم به یک منظره متحیر کننده خورد. چه خبر است؟ کیست؟ چه کسی بسوی من می آید؟ چه می بینم خدایا؟ این زن کیست زینب است؟ نه.

آسیه است؟ نه. نسیمه است؟ نه. حلیمه است؟ نه. خدایا این زن کیست که بطرف من می آید؟ کیست او؟ آری او یکی از هزاران زن حجاج ایرانی است که برادر مجروح خود را بر به دوش کشیده و بطرف من می آورد و از من خواست تا جراحات برادر مجروحش را مداوا کنم.

چه خبر است؟ صحنه کربلاست. صحنه جنگهای صدر اسلام است. در آنجا زنان در رکاب پیامبر کمک به مجروحان جنگ میکردند. تاریخ دارد تکرار میشود. ای تاریخ شاهد باشد، ای قلم بنویس، بنویس که شیرزنان ایرانی اسوه ای از شیرزنان کربلا و صدر اسلام هستند. بنویس که اینان نمونه های جامعه زن مسلمان ایرانی هستند.

از آن شیرزن دلاور تقاضا نمودم و گفتم که شما نروید ما می رویم و بقیه مجروحان را هم می آوریم. اما او گفت که اگر شما بروید آنها رحمتان نمیکند و همه اتان را میکشند. ولی بامن هم کاری ندارند. دو مجروح در ۲۰۰ متری اینجاست می روم و آنها را می آورم.

با او تا تقاطع کوچه و خیابان رفتم اما پلیس مقابل کوچه مستقر شده بود. از رفتن مامانعت کرد ولی این شیر زن به تنهایی رفت و این دو مجروح را به کوچه آورد. در دل بر احوالات او حسرت خوردم و از دید گانم اشک جاری گردید. خدایا اینان که هستند؟ خدایا در چه زمانی و در چه مکانی هستم؟ یک بار دیگر صحنه های تاریخی صدر اسلام تکرار میشد. مانده بودم و نمیدانستم چه کنم. در دلم این شیرزن را تحسین کردم و بر شجاعت و ایثار او آفرین گفتم و از اینکه چنین بزرگوارانی در میهن اسلامی ما هستند به وجود آنها افتخار کردم.

بنا تا ساعت تقریباً ۱۰ شب مجروحینی را که میتوانستیم از دست عمال رژیم آل سعود بگیریم و به بیمارستان و درمانگاه های هلال احمر انتقال دادیم و من هم جهت کمک به کار امدادگران به یکی از درمانگاهها رفتم. در راه به شهر مکه مینگریستم یک طرف کفشها و پیراهنها و لباس ها و چادرهای حجاج، و طرف دیگر خون مظلوم آنها ریخته شده بود.

ققممهاها، مقنعه ها و چادرهای زنان همه بر کف خیابانها بود. صحنه بسیار سنگین و غم انگیزی بود. یادآور شام غریبان عاشورا بود. بغض گلویم را گرفته بود، خشم و کینه ام نسبت به این عمال کثیف آمریکا بیش از پیش گردیده بود. آخر آنها با یک عده انسان که حرفی

جز گفتن مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل نداشتند چگونه مقابله کردند؟ سراسر وجودم پر از آتش بود. نفرتم نسبت به آل سعود بیش از حد شده بود. دلم \* و میخواست به حساب یک یک این جنایتکاران برسم و گلوی آنها را با دستهای خود بفشارم و برای همیشه به حیات ننگین شان پایان دهم. این جانیان با ما چه کردند؟ مگر جرممان چه بود؟ به درمانگاه رفتم در آنجا همه مشغول کار بودند. دکترها، پرستارها امدادگران و کادر هم و پزشکی همه بدون لحظه ای فوت وقت به مداوا و درمان مجروحین اشتغال داشتند. در اینجا بود که تلاش و ایثارگری آنها مرا به یاد شبهای عملیات در جبهه هایمان انداخت که در آن شبها چگونه دکتران و پرستاران متعهد و ایثارگر کشورمان به یاری رزمندگان مجروح می شتابند و هم آنها را تحت درمان قرار میدهند و جا دارد که در اینجا از همه آنها بخاطر آنهمه زحمات و تلاش های شبانه روزی شان تقدیر و تشکر کنم.

ساعت ۱/۵ نیمه شب که از درمانگاه به کاروانم بازگشتم. در راه در مقابل یکی از هم کاروانهای کویتی ها ایستادم تقریباً حدود ۷۰ نفر دم درب هتل نظاره گر رفت و آمد آمبولانسها بودند. با لباس خون آلوده به آنها گفتم: این بود جزای گفتن مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل و و مرگ بر شوری؟ آنها (سعودی ها با ما اینگونه مقابله کردند. آنچنان با سخنانم آنان را هم تحت تاثیر قرار دادم که حجاج کویتی مشتتهایشان را گره کرده و دستشان را به علامت پیروزی \* برایم بلند کردند و فریاد بر آوردند که والموت لفهد، و این اولین بار بود که در کشور حجاز از زبان حجاج کویتی این کلمه را شنیدم و از این موضوع بسیار خوشحال شدم و تمام ناراحتی و خستگی که بابت این درگیری در بدنم مانده بود از تن بیرون رفت و شادمان به کاروانم بازگشتم.

حاج ماشالله غریب - شاهیان، روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه ۱۲ مهر ۱۳۶۶ هم

ابولهب، خادم حرمین ساعت ۴ بعد از ظهر روز جمعه مورخه ۶۶/۵/۹ بود، به محل راهپیمائی برائت از مشرکین شعب ابوطالب رسیدیم و از آنجا بطرف بعثه امام با شعارهای «الله اکبر» و «لا اله الا الله» و «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر شوروی» و «مرگ بر اسرائیل»، «یا ایها المسلمون اتحدوا اتحدوا بهمراه و دیگر برادران و خواهران ایرانی و غیر ایرانی حرکت نمودیم، من و همراهانم که از شهر منجیل گیلان به راهپیمائی رفته بودیم، پلاکاردی که در آن آمریکا و مرتجعین منطقه را در رابطه غارت نفت مسلمین تهیه شده بود حمل میکردیم، به نزدیکیهای بعثه امام که رسیدیم، به سخنان حضرت حجه الاسلام والمسلمین حاج آقا کروبی نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی گوش فرادادیم، بعد از آن ترجمه همان مطلب به زبان عربی قرائت گردید.

راهپیمائی بطرف حرم شروع شد، و به راهپیمائی ادامه دادیم. تا به پل «حجون» رسیدیم از بلندگوهای مسیر راهپیمایی اعلام میشد که: (برادران و خواهران قدمها را سریع تر بردارند تا به به نماز جماعت مسلمین برسیم «نماز مغرب») پل حجون را رد شدیم و از پل هوائی پیاده رو هم رد شدیم، حدود سی متر مانده به مسجد جن متوجه شدم که جمعیت فشرده تر شد و از قسمت جلو و عقب بما فشار وارد میشود، در همین موقع دیدم از ساختمان سفیدی که سمت چپ مسیر راهپیمائی بود بوسیله سنگ و آجر و چوب و بلوک سیمانی و حتی بطری های آب پلاستیکی و لوله آب بر سر برادران بی دفاع پرتاب میکنند.

مسیر راهپیمائی بصورت بلوار بود از قسمت راست خواهران و از قسمت چپ برادران بطرف حرم در حرکت بودند، برادران جانباز هم در قسمت جلوبا چرخهای خود در حرکت بودند ناگهان متوجه قسمت خواهران شدم، و دیدم برادری دست خون آلود خود را بالا برده و و الله اکبر سر می دهد، بعد از آن برادری را بر روی دستها بلند کرده بودند که سخت مجروح شده بود، تراکم جمعیت بقدری بود که در اثر فشار جمعیت از پشت و جلو همه ما بر روی هم انباشته شدیم، من که در زیر همه و بر روی شکم روی آسفالت افتاده بودم، با شنیدن تیراندازی بچیزی جز مردن فکر نمی کردم، تا اینکه بعد از دقایقی که برادران را از هم جدا کردند، منم از زمین برخاستم و دیدم خواهران بر روی هم انباشته شده اند، آنها را نیز از هم جدا کردیم در اثر شلیک گلوله و گاز خفه کننده بعضی از آنها شهید و بعضی مجروح شده بودند که همه مجروحین و شهدا را به پشت صحنه درگیری انتقال دادیم. در قسمت چپ بلوار بطرف بعثه ات

امام، دیوار بلندی بود و ماخواهران را بطرف آن دیوار هدایت نمودیم تا در اثر سنگباران و مجروح نشوند.

عملیات امداد بصورت خودکار ادامه داشت از طرفی هم مقاومت برادران دلیر و شجاع سخت ادامه داشت، ملت بزرگ ایران قبل از انقلاب از این حوادث در زمان شاه خائن بسیار مشاهده نموده اند، صحنه همان صحنه ها بود، رژیم آل سعود میخواست کاری را انجام دهد که در جمعه خونین ۱۷ شهریور ایران رخ داده بود، باز هم جمعه بود، باز هم تمام کفر در مقابل هم تمام اسلام ایستاده بود، مقاومت و پایداری ادامه داشت.

در همین موقع پیرزنی را دیدم با قد خمیده که حدود ۶۰ سال داشت درحالیکه خون از سر و به صورتش می ریخت بمن مراجعه نمود و گفت: «پسرم مرا بین در و دیوار گذاشتند و زدند» ناگهان دست راستم را به شانه چپ او گذاشتم و عرض کردم عیبی ندارد مادر، (اینها حضرت فاطمه (س) را هم بین در و دیوار گذاشتند و زدند) پیرزن با شنیدن این جمله خیلی خوشحال شد و پر و بطرف بعثه امام به حرکت افتاد، لحظه ای بفکر رفتم و عرض کردم خدایا! جان همه و موجودات عالم به قربانت که چه عظمتی به ائمه اطهار(ع) داده ای که با شنیدن نام آن بزرگواران پیران، جوان میشوند و مجروحان شفا میابند؟ انتقال مجروحین به پشت صحنه درگیری ادامه داشت، شدت خشم سعودیها بقدری زیاد هم بود که حتی آمبولانسهای ایرانی مملو از مجروحین را به رگبار گلوله می بستند، ساعت حدود م ۷۷۲ بعدازظهر بود ساکنین یکی از ساختمانها که فلسطینی بودند و اشک از چشمانشان و میریخت، درب ساختمان را باز نمودند و به ما پناه دادند، من مجروحین را به داخل ساختمان هدایت می کردم از پشت سر پلیس با پرتاب سنگ به مجروحین حمله میکرد و آنها را به مورد ضرب و شتم قرار میداد، برادران و خواهران فلسطینی مجروحین را مداوا میکردند و منم و که گاز اشک آور خورده بودم را مداوا کردند، به بالکن ساختمان آمدم تا از جریان باخبر شوم، ۴ دیدم این جانیان از خدا بی خبر برادری را با چوب و باطوم می زنند و در آخر وقتی آن برادر از دست آنها خلاص شد توسط گاز خفه کننده او را از پای در آوردند.

به پائین ساختمان آمدم و دیدم برادران مجروح را در محوطه ای جمع آوری نموده اند. و هم عده ای از برادران هم آنها را توسط آمبولانسها انتقال میدهند، منم مشغول امداد شدم تا این که مسئول اداره کل حج و اوقاف گیلان را دیدم که در پی جستن مادر پیرش بود، باتفاق هم به طرف بعثه امام براه افتادیم، دیدیم تعدادی از برادران و خواهران که بدرجه رفیع شهادت نائل

آمده بودند (حدود ۶۰ نفر را در وسط بلوار گذاشته اند و ما هم به جستجو پرداختیم تا از همراهان اطلاعاتی بدست آوریم. بطرف بعثه براه افتادیم، جلوی بعثه امام که رسیدیم با هم هم بلندگو برداران و خواهران را به صبر و آرامش دعوت می کرد، جمعیت جلوی بعثه بی اندازه زیاد بودند هر کسی می جستن دوست و همراه خود بود، منم که پرچی در دست داشتم، و آن پرچم هم مال یکی از کاروانهای گیلان بود بالای دست بردم و افراد گم شده گیلان از آن طریق م م بمن مراجعه نمودند و آنها را تحویل ستاد گمشدگان دادم و این کار تا ساعت ۱۱ شب ادامه هم داشت.

من خواهرانی را دیدم با لباسهای ترکیه فکر کردم اینها ترک هستند بعد معلوم شد که خیر اینها و ایرانی و اهل گیلان هستند، پرسیدم پس لباسهای خودتان چه شده، گفتند خواهران ترکیه ما را به منزل خود بردند و لباسهای خودشان را بما دادند تا پلیس سعودی شناسائی نکند و بما اذیت و و آزار نرساند.

ساعت ۱۱۷ بود از ستاد گمشدگان بطرف منزل راه افتادیم، مامورین سعودی بوسیله لودر و کامیون خیابانها را پاکسازی میکنند تا از رسوائی که بر پا کرده اند کسی با اطلاع نشود حال آنکه همه مردم از این جریان سخت ناراحت بودند حتی مردم مکه .

بمنزل که رسیدیم دیدم همسرم و همراهان منتظر من هستند دیدم یکی از برادران بنام حاج قربانعلی حسینی منجیلی که با هم پلاکارد را برداشته بودیم سخت از ناحیه سر مجروح و شده جریان را جويا شدم گفت من شاهد بودم یکی از شرطه های سعودی باطوم را بالا برده و و میخواهد بر سر خواهری بزند من باطوم را گرفتم تا نگذارم به او آسیبی وارد شود پلیس دیگر از پشت سر بمن حمله کرد و مرا مجروح کرد.

و رژیم سفاک آل سعود با این عمل ددمنشانه خود خواست کاری انجام دهد تا شاید دل اربابش و و آمریکای جنایتکار را خوش کند و با این حرکات ضد انسانی و اسلامی جلوی صدور انقلاب هم اسلامی ایران را بگیرد، غافل از اینکه انقلاب اسلامی ایران سالها پیش صادر شده چرا که اگر صادر نمی شد ملت مظلوم دنیا امروزه علیه استکبار و استبداد و ظلم قیام نمی کردند، دنیا به هم در این حقیقت و مظلومیت انقلاب و مردم همیشه در صحنه آن پی برده که هر جا ظلمی باشد، قیام خواهد کرد، مسلمانان تحت ستم دنیا انقلاب اسلامی ایران برهبری امام عظیم الشان خود : امام خمینی، راه و روش آزاد زیستن را می آموزد و مسلم است تا وقتی که ظلم و ستم هست، و وقیام علیه آن هم وجود خواهد داشت.

رژیم آل سعود در خانه امن الهی مرتکب اعمالی شد که گذشتگان و ابناء اجدادش انجام و داده بودند، در همین شعب ابوطالب بود که رسول بزرگوار اسلام حضرت محمد(ص) و \* اصحاب وفادارش را به محاصره در آوردند، در همین مکه بود که سنگ بر پیشانی مبارک آن حضرت کوبیدند و خاکستر بر سر مبارکش ریختند امروز همین ابوسفیان ها و ابولهب ها و ابو جهل هاویزیدیان زمان هستند که بعنوان خادم الحرمین ! مردم مسلمان و بی دفاع از زن و مرد، پیر و جوان را در خانه امن الهی بخاک و خون کشیدند و بشهادت رساندند.

عده ای از برادران ما در راهپیمایی برائت از مشرکین مسئول آب دادن مردم بودند «سقاء و به پلیس های رژیم آل سعود که در اطراف مسیر راهپیمایی ایستاده بودند به میدادند، درست مثل زمان پیشوایشان امام حسین(ع) در صحرای کربلا، امام حسین(ع) به امه نمایش دستور دادند به این قوم آب بدهید (آل یزید) اصحاب بآنها آب دادند حتی اسبان آنها را هم سیراب و کردند، اما در عوض آنها یاران امام را روز عاشورا که روز جمعه هم بوده به درجه شهادت رساندند و حتی به طفل شش ماهه آن حضرت رحم نکردند و او را هم به درجه شهادت رساندند.

در خاتمه از همه امت واحده اسلام در سراسر جهان می خواهم این عمل ضد انسانی و ناجوانمردانه آل سعود را که خود را خادم الحرمین مینامد که در واقع خائن الحرمین است و محکوم نمایند و شورائی را جهت اداره حرمین شریفین از همه کشورهای اسلامی انتخاب نمایند تا انشاء الله دست جنایتکاران از حرم امن الهی کوتاه گردد به امید آنروز .

غلامحسین اکرادلو منجیلی به روزنامه جمهوری اسلامی پنج شنبه ۲۸ آبان ۱۳۶۶ بهم

## اثر لکه های خون پاک نمی شود - فهمی کورو - روزنامه زمان ترکیه

اثر لکه های خون پاک نمی شود روز جمعه ۹ مرداد ماه برابر ۳۱ ژوئیه وقتیکه خبر گزاریهای دنیا خبر کشته شدن صدها تن از زائران خانه خدا در نتیجه یک عربده جوئی را با عناوین درشت و بوق و کرنا بااطلاع مشترکین خویش رساندند. تنها مسلمانان بودند که از این خبر بلرزه در آمدند. یک میلیارد مسلمان دنیا بخاطر وجود یکی از خویشان و آشنایان خود در مکه بیش از بقیه نگران شدند. نگرانی و ناراحتی آنها بیش از همه از ریخته شدن خون در مکان های مقدس بود.

اکنون نیز علیرغم گذشت یک ماه از این حادثه از ناراحتی دنیای اسلامی چیزی کاسته نشده است، عربستان سعودی و ایران بعنوان طرف های اصلی این حادثه خونین، به تبلیغات و هم وسیعی در جهت متهم کردن همدیگر در این رابطه دست زده اند از اظهارات منابع خبری این دو هم کشور میتوان درک کرد که هنوز فکر و اندیشه مسئولین فرقی باروز اول نداشته و اظهارات، توضیحات و چگونگی جریان حادثه از آغاز تا انتها با همدیگر متفاوت بوده و ضد هم میباشند.

این وضع نیز که بخاطر پوشاندن واقعیتهاست، باعث ناخشنودی بیشتری میگردد.

بررسی اوضاع جزو مسئولیتهای ما است و این روزنامه صرفاً بمنظور باخبر کردن مسلمانان از آنچه پیرامونشان جریان دارد و با همین هدف منتشر میشود و بویژه چون مسائل مسلمانان را مورد بحث و گفتگو قرار میدهد نمیتواند در برابر رویدادهای مکه بی تفاوت باقی بماند. چنانچه علیرغم چهار روز تعطیلات عید قربان در کشورهای عربی و کشورهاییکه جمعیت آنها را اهل سنت تشکیل میدهند، بمناسبت عید قربان چهار روز تعطیلی دارند. مترجم) نا بامروز در این روزنامه پیرامون حادثه دهها هزار کلمه خبر، تفسیر و مصاحبه منتشر شده است. و برای آخرین بار نیز در سلسله مقالات خود تحت عنوان در مکه چه اتفاقی افتاده که بصورت مصاحبه با سفرای کشورهای ذیربط بود نظریات و و بیانات سه شاهد عینی را که یکی از آنها روزنامه نگار بود درج کردیم. از نامه های خوانندگان روزنامه فهمیدیم که آن سلسله مقالات تا اندازه ای توانسته اند ذهن خوانندگان را روشن کرده و باعث شوند مسلمانان تا اندازه ای با چگونگی بروز درگیری، توسعه و کشتار حجاج آشنا هم شوند، فقط همین مقدار و نه بیش از آن...

زمانیکه مقالات ما در حال چاپ ودرج در صفحات روزنامه بود، رسیدن یک دعوتنامه برای ما، امکان شنیدن ماقع جریان از زبان وزیر کشور عربستان سعودی و مسئول امنیت داخلی آن و

و کشور را فراهم آورد. روز سه شنبه گذشته نایف بن عبدالعزیز، وزیر کشور عربستان و برادر ملک بهم فهد پس از حضور در سالن کنفرانس که در آن نمایندگان رسانه های گروهی در شهر جده اجتماع کرده بودند، چگونگی جریان رویداد را از دید رژیم متبوع خود تشریح نمود و به سؤالات حاضرین پاسخ داد. همچنین طی این کنفرانس دو فیلم ویدئویی و آنچه که در این مورد در مطبوعات مختلف دنیا بچاپ رسیده و مورد تفسیر قرار گرفته بود، برای نمایندگان رسانه ها به نمایش گذاشته شد.

همچنین فعالیتهای سفرای عربستان در واشنگتن و بن که برای روشن ساختن اذهان عمومی به آمریکا و آلمان غربی بعمل آمده بود، برای مدعوین بیان گردید. پیام امام خمینی رهبر ایران و خطاب به زائران آن کشور و اسناد و مطالبی که در مطبوعات ایران درج گردیده بود، بااطلاع هم خبرنگاران رسید. پس از آن مقالات آندسته از روزنامه نگارانی که پس از حادثه به ایران سفر کرده بودند، مورد بررسی قرار گرفت. متن سخنرانی نماینده دائمی ایران در سازمان ملل بدقت مطالعه و مورد ارزیابی قرار گرفت و اطلاعات موجود در مورد محل وقوع حادثه نیز روی نقشه هم پیاده شد.

حال چرا به این پاورقی جدید خود نام اثر لکه خون پاک نمیشود، داده ایم. علت آن نیز اینست که ما معتقدیم حادثه تأثیر خود بر مسلمانان را بجا گذاشته تا مدتهای مدیدی نیز همچنان باقی خواهد ماند.

باز هم تعجب ما فروکش نکرد در کاخ کنگره باشکوه جده کنفرانسهای جهانی ترتیب می یابد. اداره پست و تلگراف و به تلفن عربستان سعودی بمنظور رفع هر نوع مشکلات مخابراتی آخرین پدیده های تکنولوژی در صنعت مخابرات را در این کاخ گرد آورده بود. تلکسهای آخرین مدل، وسایل فاکس، تلفنهای در راه دور، ماشین تحریرهای الکترونیک برای استفاده روزنامه نگاران مهیا بودند.

سالن بزرگ کاخ کنگره نیز با تمام تجهیزات آماده برگزاری کنفرانس شده بود. در قسمت در بالای سالن یک میز بسیار بزرگ قرار داده شد و یک تریبون نیز در گوشه سالن وجود داشت.

جنب و جوش عجیبی بچشم میخورد. سالن که بشکل یک آمفی تئاتر کوچک بنا گردیده از شدت تمیزی برق میزد. اکثر حاضران در سالن بزبان عربی آشنائی نداشتند لذا امکانات ترجمه سریع پیش بینی شده و کسانیکه افراد درون سالن را میدیدند فوری می فهمیدند که اینان کاری جز نهیه خبر و گزارش ندارند و هر کدام یک روزنامه نگار هستند.



حاضرین دویست تن بودند که نیمی از آنها بنا بدعوت وزارت اطلاعات عربستان سعودی به جده آمده بودند. نمایندگان رسانه های خارجی با دریافت بلیطهای درجه یک هواپیما از هم سفارتخانه های عربستان سعودی در خارج از کشور به این کنفرانس آمده بودند و در هتل باشکوه هایت رگنستی، جده مستقر شده بودند. این خبرنگاران که یک روز قبل از ورودشان به جده در لندن، واشنگتن، پاریس، بن، اسلام آباد، بمبئی و آنکارا مشغول کارهای روزمره خود م بودند، با رسیدن این دعوتنامه ویژه دست از کار برداشته و عازم این کشور شده بودند. اما هنوز و نتوانسته بودند بهت و حیرت خود را که ناشی از این دعوت نابهنگام بود، از خود دور سازند.

و آنها در حالیکه گوشی ها را بگردن انداخته و دستگاههای ضبط و دوربینهای عکاسی را بدست هم داشتند، با تعجب بدور و بر خود نگاه میکردند.

به علت تعجب آنها صرفا از این دعوت نابهنگام نبود، بلکه خسته بودند و این از سیمای آنان و چشمان بیخواب آنها معلوم بود. آنها هنوز از حوادث خونین کعبه که بیش از یک ماه از آن میگذشت متعجب بودند و میدانستند که هنوز واقعیتهای مشخص نشده و نقطه های ابهام بیشتری وجود دارد. بالاخره پس از یک ماه بیاناتی در جهت پایان دادن به تمام شایعات بعمل خواهد آمد و خواهند توانست از سرنخ های بسیار مهم حادثه که ملک فهد بن عبدالعزیز با احساس به افتخار از عنوان خود یعنی خادم الحرمین شریفین در جلسه دیروز هیات دولت اظهار داشته است آگاه بشوند و بدینوسیله با استفاده از دستگاههای فوق مدرن مخابراتی آماده در سالن کنفرانس گزارشات جامعی برای خبرگزاریهای خود که تشنه اخبار و گزارشهای تازه ای هستند، و مخابره خواهند کرد.

وزراء میآیند با چشم ها در انتظار ورود وزیر کشور عربستان به صحنه است. سروصدائی که در بیرون از سالن بوجود می آید نوید بخش آمدن نایف بن عبدالعزیز وزیر کشور به محل کنفرانس و آغاز آن در ساعت ۱۴ مییاشد. ابتدا روزنامه نگاران سعودی که وی را می شناسند و پس از آن هم روزنامه نگاران خارجی به تاسی از سعودیها از جای خود برخاسته و منتظر نشستن نایف بن عبدالعزیز در جای خود میشوند.

در کنار نایف وزیر کشوریك وزیر دیگرونیز الشاعر وزیر اطلاعات که در این مدت کوتاه توانسته اینهمه روزنامه نگار را در شهر جده گرد آورد، قرار داشتند. هر دو وزیر در طول کنفرانس و فقط به شنیدن سخنان وزیر کشور اکتفا کردند. فردی پشت میکروفون قرار گرفته و پس از تشکر

و از شرکت کنندگان در کنفرانس از نایف بن عبدالعزیز تقاضا میکند پشت میکروفون قرار گیرد. پ ساعت دقیقا ۱۴ را نشان میدهد و سعودی ها در اولین قول (یعنی برگزاری کنفرانس راس ساعت) خود موفق هستند.

نایف بن عبدالعزیز وزیر کشور طی سخنرانی مقدماتی نیم ساعته خودتائیری عمیق بر روی روزنامه نگاران بویژه روزنامه نگاران خارجی میگذارد. وزیر کشور عربستان در بخش اولیه سخنان خود همان حرفهائی را بزبان می آورد که هر مقام و مسئول سعودی در فرصتهای بدست آمده میتواند آنها را تکرار نماید و ایران را متهم به توطئه و فتنه سازد. وزیر کشور نیز همانند دیگران اتهامات وارده بر رژیم کشور خویش را رد کرد اما نتوانست در سخنرانی های چند ساعته خود سرنخ تازه ای به روزنامه نگاران که رنج سفر چندین ساعته را تحمل کردند نشان دهد.

علیرغم این امر در متن قرائت شده بوسیله وزیر کشور بخش های جالب توجهی بچشم میخورد. در صدر این بخشهای مهم، مذاکراتی که در مراسم حج سالجاری پیرامون تظاهرات سیاسی بین ایرانیان و مقامات سعودی بعمل آمده (و ما نیز در این پاورقی سعی کردیم که این مذاکرات را به تائید افراد دیگری برسانیم) وجود داشت. وزیر پس از اعلام اینکه ایرانیان گوش و شنوا برای هشدارهای مقامات سعودی مبنی بر عدم برگزاری تظاهرات نداشتند، سعی کرد این \* رفتار ایرانیان را با دو دلیل زیر تبیین نماید:

۱- ایرانیان خیال میکرده اند صبر چندین ساله سعودیها بدلیل ضعف آنهاست و سعودیها در مقابل ایرانیان در خود احساس ضعف میکنند. لذا تصور میکردند هر کاری را حتی در کعبه نیز میتوانند انجام دهند.

۲- ایران اصولا نسبت به پادشاهی سعودی موضع خصمانه ای دارد و اقدامات این رژیم را تائید نمیکند.

وزیر کشور سعودی: در مراسم حج جائی برای تظاهرات نیست شاهزاده نایف در سخنان نیم ساعته مقدماتی خود مطالب زیر را بصورت بندهایی بیان داشت و در مورد آنها به تفصیل به صحبت پرداختن ۱- لطف خداوندیست که با قراردادن اماکن مقدس در این کشور ما را به فیض خدمت به مین شریفین نائل کرده است.

۲- خداوند در مراسم حج به آرامش و سکون کامل امر فرموده است.

۳- پادشاهی عربستان تلاش میکند که مراسم حج با تمام جزئیاتش بمرحله اجرا در آید.

۴- مراسم حج، زمان راهی برای انجام فعالیتهای سیاسی نیست.

۵- بجز ایرانیان همه کس دیگری با رفتار غیر اسلامی خود آرامش مراسم حج را بر هم نمیزند.

۶- عربستان سعودی اهمیت زیادی به امنیت خاک کشور خود میدهد.

۷- در طول ۶۴ سال یعنی زمانیکه حاکمیت حجاز بدست خانواده عبدالعزیز افتاده است آرامش و سکون حج بر هم نخورده بود.

اقدامات امنیتی بعمل آمده کاملاً بجا و ضروری بوده است.

وی ضمن قرائت هریک از بندهای فوق به متهم کردن رژیم تهران بدلیل ایجاد درگیری پر میپرداخت.

پیام وزیر کشور عربستان سعودی اضافه نمود: ایرانیان قبل از آمدن به اینجا طرح ها و نقشه های خود را پی ریزی کرده و هدفی جز بر هم زدن ثبات کشور و منطقه نداشتند.

به وی در بخش پاسخ به سئوالات خبرنگاران از یک کشور خارجی بعنوان یک قدرت خارجی به نام برد و بر همکاری این کشور با ایران در تهیه طرح و نقشه ایرانیان تأکید ورزید.

برادر ملک فهد در پایان سخنان خود گفت: هر کشوری حق دارد از امنیت، ثبات و حاکمیت و کشور خود دفاع نموده و آنرا حفظ کند و طبیعی است که فرزندان راستین کشور پادشاهی م سعودی برای انجام این حق قانونی خود تلاش بیشتری کردند و از جان خود مایه گذاشتند. حفظ این شهر مقدس یعنی خانه خدا و حفظ تمامیت ارضی، امنیت و ثبات و حاکمیت کشور وظیفه و هر شهروند سعودی است تا زمانیکه در قلب فرزندان وطن چنین احساس و وظیفه ای وجود دارد به هیچ کشوری نمیتواند تحت سلطه بیگانگان در آید.

نایف بن عبدالعزیز برادر ملک فهد وزیر کشور و مرد قدرتمند عربستان سعودی در طول سخنرانی طولانی خود بیش از یکی دو بار اعلام داشت حاضران در سالن جزئیات رویدادهای و ۳۱ ژوئیه شهر مکه را میدانند. وی بدون اینکه خود متوجه باشد، بهت و حیرت روزنامه نگاران:

را که برای تهیه گزارشات واقعی از چگونگی رویداد تا جده آمده بودند و گوششان پر از شایعات درست و نادرست بود را دو چندان کرد روزنامه نگاران حاضر در کاخ کنگره شهر جده بر خلاف تصور نایف بن عبدالعزیز وزیر و کشور عربستان، پیرامون رویدادهای شهر مکه در روز جمعه ۳۱ ژوئیه ۱۹۸۷ تصویری

مشخص و کامل نداشتند. میتوان انتظار داشت که اظهارات مقامات سعودی و ایرانی کاملاً و بایکدیگر ضد و نقیض بود. اما وجود برخی تناقضات، حتی در بیانات مقامات سعودی نیز و افکار همه را مشوش میساخت برای کسانی که در پی درک واقعیت ها بودند، مصاحبه مطبوعاتی نایف عبدالعزيز وزیر کشور عربستان و برادر ملک فهد یک فرصت بسیار عالی و غیر و قابل دسترس بود.

مهمترین و بزرگترین مانع برای روزنامه نگاران حاضر در سالن کنفرانس همچنانکه تصور میرفت محدودیت های مقرر در مصاحبه نبود، بلکه سعودیها که ویزای ورود به کشور خود را به آسانی در اختیار روزنامه نگاران مخالف تشکیل این نوع مصاحبه های مطبوعاتی نمیگذارند، به علیرغم اینکه بیش از صد روزنامه نگار را بخرج دولت عربستان به این مصاحبه دعوت کرده اند، شرایط محدود کننده ای نیز برای طرح سئوالات از طرف روزنامه نگاران قائل نگردیده اند. هرکس میتواند سئوال دلخواه خود را مطرح سازد. البته اگر همکاران عرب به آنها چنین اجازه ای را میدادند. زیرا روزنامه نگاران دعوت شده به کنفرانس نیز برخی روزنامه نگاران پاکستانی از زمان مقرر برای طرح سئوالاتشان فقط در جهت اظهار تشکر از :

مقامات آل سعود و محکوم کردن جرم بزرگ حجاج ایرانی در ایجاد درگیری استفاده کردند. و در جریان این مراسم تقدیر و تشکر نماینده روزنامه ردی زایت، چاپ آلمان سئوالی را مطرح ساخت که همه در انتظار طرح آن بودند:

والاحضرت موضوعی که کنجکاوی ما حاضرین در این سالن، را بخود معطوف داشته هم است چگونه رویداد مکه در روز ۳۱ ژوئیه مییاشد. در آنروز چه اتفاقی افتاد؟ آیا بروی هم حجاج بهر دلیلی آتش گشوده شد؟ آیا امکان جلوگیری از ایجاد درگیری وجود نداشت؟ و برای جلوگیری از این قبیل رویدادها در سالهای آتی چه نوع تدابیری اتخاذ خواهید کرد و نظریات رژیم در این مورد چیست؟ بدنبال طرح این سئوال از طرف خبرنگار روزنامه آلمانی دی رایت آن دسته از روزنامه نگاران خارجی که از دست همتایان عرب و پاکستانی خود به تنگ آمده و خود را اسیر توطئه های تقدیر از و تشکر آنها میدیدند، نفس عمیقی کشیدند و احساس راحتی نمودند.

شاهزاده نایف نیز میدانست که چشم همه ناظران به دهان وی دوخته شده و لذا باید با دقت بیشتری پاسخ های لازم را بدهد.

وزیر کشور عربستان اظهار داشت: ایرانیان همانند سالهای قبل، امسال نیز بدون هر

مجوزی دست به راهپیمائی زده و علیرغم اینکه هیچگونه اجازه ای برای راهپیمائی نداشتند در شهر مدینه به راهپیمایی پرداختند و قصد داشتند در مکه نیز همان کار را بکنند. علیرغم تلاش زیاد نیروهای امنیتی، تظاهرات مکه بخون آغشته شد و گناهکار اصلی نیز ایرانیان هستند که بجای آنکه راهپیمائی خود را در نقطه های تعیین شده پایان برسانند، قصد ادامه آن تاکعبه را داشتند. حجاج ایرانی در ساعت ۱۸/۰۰ از فاصله ۱/۵ کیلومتری بسوی حرم حرکت در آمدند. نیروهای امنیتی انتظار داشتند که راهپیمائی در نقطه مشخص شده پایان برسد. اما در ساعت ۱۸/۳۰ ایرانیان بسوی یکی از خیابانهای منتهی به کعبه حرکت کردند. نیروهای امنیتی نیز مجبور به اعمال خشونت شدند و از آنها خواستند که به عقب بازگردند. در اینجا ایرانیان با بطری و چاقو به سربازان حمله کردند هدفشان حرم شریف بود. اما موقعی که دیدند افراد پلیس و از جای خود حرکت نمی کنند مجبور به بازگشت شدند. در این میان بر اثر وحشت و اضطرابی و که در بین حجاج بوجود آمده بود بعضی از زائران زن و نیز کودکان کشته شدند. ایرانیان حتی و عده ای از افراد پلیس را نیز بقتل رساندند. نیروهای امنیتی بجای تدابیر امنیتی شدیدی برای پر مقابله با ایرانیان اتخاذ نمایند، پیوسته امکان زیارت حرم و امکان عبادت را فراهم کرده بودند. و شاهزاده نایف گشودن آتش بطرف حجاج را تکذیب کرده و میگفت اگر سربازان بسوی ۷۰ و هزار تن تظاهر کننده شلیک میکردند اوضاع در هر حال چنین نمیشد. البته این را اضافه کرد که هم اگر لازم میشد افراد پلیس میتوانند برای حجاج تیراندازی کنند.

این داستان چگونگی رویداد مکه از قول شاهزاده سعودی بود که البته خود بدان اعتقاد و داشت. این نوع توضیحات به کلی مغایر و متفاوت با مطالبی است که تا به امروز در مورد هم رویدادهای حج، شنیده و خوانده شده و یا بر زبان مقامات سعودی جاری شده است.

در برنامه تلویزیونی که بصورت زنده در شب سوم ماه اوت ۱۹۸۷ از تلویزیون آمریکا پخش هم و گردید، شاهزاده بندر بن سلطان در پاسخ به این سؤال «سام دونالدموه مجری برنامه که در هم مکه چه اتفاقی افتاد؟ چنین اظهار داشت:

پر شب بخیر سام، آنچه که روز جمعه در مکه بوقوع پیوست، تماما یک تراژدی بود. بخشی از هم به حجاج ایرانی و یا تمام آنها وقتیکه قصد حمله به مسجد مقدس را داشتند، بسوی حجاج کشورهای دیگر و نیروهای امنیتی ما هجوم بردند. زمانیکه پلیس جهت متفرق کردن جمعیت در درگیری مداخله نمود، ایرانیان بطرف آنها هجوم برده و به پلیس حمله کردند، و به این ترتیب و پر بعلت بروز ترس و وحشت در بین حجاج عده ای از آنها زیر پای جمعیت مانده و بقتل رسیدند.

و ما معتقدیم این حادثه یک تراژدی تمام معنا بوده که عمداً بوجود آمده است. آنها که دست به چنین جنایتی زدند، پاسداران انقلاب ایران بودند که باتفاق حجاج ایرانی به مکه آمده بودند.

مجری برنامه می‌رسد که آیا در این جریان سلاح‌های اتوماتیک بکار رفته است یا نه؟ شاهزاده بندر بن سلطان در پاسخ می‌گوید:

سام، با قاطعیت می‌گویم که خیر، اسلحهای بکار نرفته است. اگر نیروهای امنیتی ما از سلاح‌های اتوماتیک و یا هفت تیر استفاده می‌کردند، این تعداد مجروح یا کشته نمی‌شدند.

و بدین ترتیب شاهزاده بندر بن سلطان اولین مقام مسئول عربستان بود که برای اولین بار اعلام و داشت پاسداران انقلاب عاملین جنایت بوده‌اند. ایرانیان نیز همانند شاهزاده بندر نماینده م ریاض در واشنگتن می‌توانند ادعا کنند که در صورت دخالت پاسداران انقلاب کسی از نیروهای امنیتی نمی‌توانست جان سالم بدر برد هم نمی‌دانم آیا خوانندگان نیز همانند ما تفاوت‌های بسیار جزئی و مهم در این اظهارات را درک می‌کنند یا نه؟ چه در اظهارات شاهزاده بندر در مورد حادثه که چند روز پس از آن اعلام شد و چه در اطلاعاتی که سفیر عربستان در آلمان، یکماه بعد از وقوع حادثه داد و یا در سخنانی که وزیر به کشور عربستان در شهر جدّه خطاب به روزنامه نگاران بیان داشت اختلاف و تفاوت‌های بسیار و مهمی بچشم می‌خورد.

اصولاً در دست هر کدام از سخنران یک نوع سناریوی تهیه شده در ریاض قرار دارد، اما هر چقدر که از زمان حادثه بیشتر می‌گذرد و سخنرانان متنوع‌تر میشوند، در سناریوها نیز، های تازه به صحنه‌های جدیدتر دیده می‌شود.

به نظرتان نسبت به رمان‌های پلیس چیست؟ اینجانب بنظر شخصی خودم یک خواننده بسیار خوب رمان‌های پلیسی هستم و هنوز که هنوز است کتاب‌های جدید پلیسی را با خود تهیه کرده می‌خوانم و یا بنا به توصیه دوستان مورد اطمینانم رمان‌های پلیسی را پس از اکتیاع و به مطالعه می‌کنم.

گاهی در نیمه‌های شب از خواب بیدار شده و در مخیله خود به جستجوی عامل یک جنایت می‌گردم.

در بین کتاب‌های پلیسی، رمانی بیشتر از بقیه مورد توجه و تحسین قرار می‌گیرد که در آن جنایتی در برابر دیدگان عموم اتفاق افتاده، سرنخ‌ها بوضوح دیده می‌شود اما قاتل مجهول میماند و چنین جنایتی بخوبی به قلم در می‌آید، بویژه نویسندگان انگلیسی استاد این نوع

از همان روز اول که خواستم با رویداد مکه خود را مشغول نمایم، تشخیص دادم این قضیا هم شباهت عجیبی به رمان های پلیسی انگلیسی دارد. طبق ارقام اعلام شده از جانب ما سعودی ها تعداد شرکت کنندگان در راهپیمائی ۷۰ هزار تن بوده و نزدیک به دو میلیون حاجی نیز در اطراف ناظر و شاهد راهپیمائی بوده اند و در چنین اوضاع و احوالی بیش از ۴۰۰ تن جان به باخته اند. اما مسئول اینهمه کشتار هنوز بدرستی و آشکار معلوم نگردیده است. مگر کشته :

شدگان در مقابل چشمان آنهمه انسان شهادت را پذیرا نشدند؟ در یک تظاهرات هفتاد هزار و نفری چگونه نمیشود معین کرد که بروی مردم آتش گشوده شده است یا نه؟ در حالیکه تهران و گلوله های بدست آمده از اجساد کشته شدگان را به نمایش میگذارد، مسئولین عربستان به سعودی ادعا میکنند پلیس آن کشور تیراندازی نکرده است؟ آنهمه انسان در این ازدحام و و شلوغی و سروصدا کجا بودند. کسی نیست که حادثه را پیگیری کرده و با چشمان خود حادثه را به دیده باشد؟ البته که چنین کسانی وجود دارند. چنانکه حجاج ایرانی پس از رفتن بکشور خود آنچه را که در عربستان بر سرشان آمده بود، تعریف کردند، رادیو تلویزیون ایران نیز در این مورد برنامه های به زیاد پخش کردند. اطلاعات حجاج ایرانی در مورد رویداد حج نیز به تفصیل در ماهنامه گیریشیم، بچاپ رسید (سپتامبر ۱۹۸۷).

اینکه ایران یکی از طرفین حادثه بود و توضیحات حجاج ایرانی طبعاً علیه عربستان میباشد لذا ما بهتر آن دیدیم که از بازگویی مشاهدات حجاج ایرانی در این مقاله صرفنظر نمائیم. بر این اساس می بایست از شاهدان عینی تر که بنظر میرسد در بین حجاج تعدادشان کم نبود استفاده میکردیم. بنابر این همانند یک کارآگاه زبده بدنبال کسانی که این جنایت تمام، را دیده و که بودند، راه افتادم و سعی کردم آنها را پیدا نمایم. و پیدایشان نیز کردم. بعبارت دیگر عده ای از به آنها مرا پیدا کردند. در حال حاضر سه شاهد عینی موثق وجود دارد. دو نفرشان امسال از ترکیه \* به حج رفته بودند و نفر سوم یک روزنامه نگار مشهور پاکستانی است. این سه تن حادثه مکه را از نه همان دقایق اول تا پایان دیده و شاهد کشته شدن حجاج بوده اند. توضیحات آنها برای این هم سؤال که «روز ۳۱ ژوئیه در مکه چه اتفاقی افتاد؟» پاسخی کافی شد.

بغیر از این سه شاهد زنده، عده ای نیز بودند که اطلاعاتی در مورد حادثه داشتند و یا پس از وقوع حادثه به محل شتافته و به مجروحین کمک کرده بودند. اما بخشی از توضیحات آنها بدور و

از منطق بود و هیچگونه هماهنگی با قضیه نداشت. عده ای نیز آشکارا از یکی از طرفین و جانبداری کرده و به طرف مقابل اتهامات ناروایی نسبت میدادند. به سخنان این نوع افراد نیز گوش دادم اما نظریاتشان را ارزیابی نکردم.

توضیحات سلیمان ارسلانتاش معنی و مفهوم پیداشدن یک شاهد عینی از حجاج ترک، شرکت این افراد در اجتماع و تظاهرات و راهپیمائی روز ۳۱ ژوئیه بود. آنان یا از روی کنجکاوی و یا بدلیل حساسیتی که برای شنیدن آنچه در سخنرانیها عنوان میشود در سایه اعلامیه هائیکه یکروز قبل در میان مردم توزیع شده بود و یا بنا بتوصیه یک دوست دیگر به اجتماع ایرانیان رفته و از ابتدای وقوع حادثه تا پایان آن شاهد همه وقایع بوده اند.

اولین شاهد عینی آقای سلیمان ارسلانتاش می باشد. وی در آنکارا به شغل تجارت مشغول بوده و بعضی مواقع در نشریه راقتباس، پیرامون سیاست خاورمیانه تفسیرهایی مینویسد. وی در سال ۱۹۴۶ در شهر ماراش، متولد شده و امسال باتفاق مادر و همسرش در به مراسم حج شرکت کرده بود.

سلیمان ارسلانتاش پس از اقامه نماز عصر بعزت کنجکاوی در اجتماع ایرانیان شرکت هم می کند. او از منابع گوناگون، پیرامون این اجتماع و راهپیمائی که در سالهای قبل نیز برگزار م میشده، اطلاعاتی کسب کرده بود. و امسال که خود به حج رفته بود میخواست بچشم خویش چگونگی برگزاری این مراسم را ببیند. قبل از اینکه مراسم راهپیمائی شروع شود از اینکه میدیده پلیس در اطراف محل در حال یکسری اقدامات بازدارنده میباشد، تعجب کرده است.

وی میگوید و از اینکه می دیدم برای آنهائیکه صرفا جهت شرکت در این اجتماع تنها یک راه عبور را باز گذاشته اند. نگران شدم، وی بخوبی بیاد دارد که در ساختمان های اطراف مکان تظاهرات افراد در هیئت های متفاوت با مسلمانان دیده بود. اما در آن موقع اهمیت چندانی بان نداده و تنها به نشان دادن آنان پ به افراد دور و بر خود اکتفا کرده بود.

بگفته سلیمان ارسلانتاش اکثریت شرکت کنندگان در اجتماع را ایرانیان تشکیل میداده اند .

وعده قلیلی از غیر ایرانی ها از قبیل خود وی نیز از سایر کشورهاو بصورت نوعی تماشاگر در به آنجا حضور داشتند. پس از سردادن شعارها، پرچم آمریکا باتش کشیده شد و سخنرانی ها و بعمل آمد و موقعیکه ساعت ۱۸ رانشان میداد، راهپیمائی آغاز شد.



سخنان وی در مورد نظم و انضباط راهپیمائی با آنچه که بخشی از آنرا در فیلمهای ویدئویی دیده و یا از دیگران شنیده بودیم، مطابقت داشت. در صفوف مقدم راهپیمائی معلولین جنگ با و صندلی های متحرک خود و یا معلولینی که با دست نداشتند و با یک پایشان را از دست داده بودند. به کمک چوب های زیر بغل حرکت می کردند. زنان در سمت راست صفوف راهپیمائی و مردان در سمت چپ قرار گرفته بودند. و بدین ترتیب مردان انتهای صف قرار داشتند، وی میگوید که مردان درست صد متر دورتر از ماکت بزرگ مسجدالاقصی راهپیمائی میکردند.

وی دیده است که در زیر اولین پل که کمیته راهپیمائی در آنجا قرار داشت بوسیله شلنگ و بسوی جمعیت آب پاشیده شده است اما جوانان عاملین را از محل دور کرده اند. اما وی نتوانسته است افرادی را که از ساختمان های اطراف توسط آینه نور به چشم راهپیمایان می تابانیدند، ببیند. این مطلب را هم دیگر شاهد عینی اظهار داشت و هم خود من در سفر به جده در فیلم های ویدئویی که برای ما نمایش دادند، دیدم، ضمن او دیده بود که از دو سمت راست و چپ راهپیمایی فیلم گرفته شده است.

حاج سلیمان ارسلانتاش پس از آن اینگونه توضیح میدهد: صفوف راهپیمایان در حالیکه همچنان به سمت جلو در حرکت بود زمانیکه درست مقابل مسجد رسید از دو سمت راست و هم چپ بویژه از سوی پارکینگ چندین طبقه هدف پرتاب سنگ واقع گردید. نمیدانم که این عمل بدستور مقامات بوده و یا اینکه مردم بمیل و اراده خود دست باین عمل زده اند. ایرانیان روی زمین نشستند. باران سنگ شدت گرفت. جوانان نیز شروع بمقابله کردند. من درست در وسط م این درگیری مانده بودم ، بعضی از معلولین باچوب زیر بغل های خود با پلیس درگیر شده بودند. در دست سربازان چوب و سنگ دیده میشد و جلیقه ضد گلوله به تن داشتند و به سپر نیز مجهز بودند. جوانان ایرانی نزدیک به ده دقیقه با سربازان سعودی درگیر شدند. اگر سربازی از نیروهای آل سعود کشته شده باشد همان موقع بوده است. من شاهد بودم که سربازانی که با زیر پیراهن و شورت در حال فرار هستند. بالای سر ما هلیکوپترها پرواز میکردند. نمیدانم آنها بودند و یا سربازان ، فقط دیدم که بمب های دودزا بمیان جمعیت پرتاب شد. پس از اینکه بمب ها منفجر شدند بین زنان وحشت عجیبی بوجود آمد...

هنگام رعب و وحشت تعداد زیادی از زنان جان خود را از دست دادند. بدنبال آن مشاهده نمودم که نیروهای کمکی زیادی به محل حادثه آورده شد و سربازان سعودی همزمان با آن شروع و

و به تیراندازی نمودند که تعدادی از آنها هوائی بوده و بیشترشان مستقیماً بسوی حجاج هدفگیری میشد. من صحنه های تیراندازی سربازان سعودی بسوی حجاج را با چشم خود مشاهده کردم، با گوشه های خود شنیدم و با بینی خود آنرا تنفس نمودم.

نکته مهمی که میبایست در توضیحات آقای ارسلاتاش آن توجه کرد مرحله آغاز حادثه است. بناگهان از کنار و از پارکینگ بر روی مردم سنگ پرتاب گردیده و وحشت و اضطرابی بین به مردم از انفجار بمب های دودزا نیز که سمت پرتاب آن نامعلوم بوده، بوجود میآید و تیراندازی نیز شده است.

توضیحات «سائم آلتون باشه دومین شاهد عینی حادثه اهل آنکارا میباشد. وی که در بخش صنایع کار میکند میگوید از یکی از دوستان شنیدم که یک راهپیمائی دیگر همانند راهپیمائی چند روز پیش از آن که در مدینه برگزار شد در شهر مکه برگزار خواهد شد و بخاطر اینکه این راهپیمایی در مورد بیت المقدس و افغانستان بود در آن شرکت کردم. در اطراف ماکت بسیار عظیم مسجدالاقصی مسلمانان سنی مذهب زیادی از کشورهای دیگر دیده میشدند. وی از میان اینان تنها میتواند از شیخ سعید شعبان رهبر اهل تسنن لبنان نام ببرد.

اسائم آلتون باشه قبل از وقوع حادثه چیز غیر عادی ندیده است. اما دیده است که از ساختمان شهرداری واقع در روبرویی بچشم راهپیمایان توسط آینه نور تابیده میشود و دوربین ها پر مشغول فیلمبرداری هستند... شعارها گفته میشود، پرچم آمریکا بآتش کشیده شده و راهپیمائی شروع میگردد.

صد هزار تن در مسیر راهپیمائی در حال حرکت بودند، روبروی جمعیت دو پل قرار دارد و در زیر پل دوم راهپیمائی پایان خواهد گرفت و راهپیمایان متفرق خواهند شد. اصولاً بعد از پل و محلات مسکونی مکه قرار دارد و همه به منازل خود خواهند رفت. قبل از رسیدن به پل دوم، روی پل اول سربازان کاملاً شاهراه اصلی را پر کردند. سربازان مسلح بودند و در دست آنها کیسه هائی بچشم میخورد. ما از خودمان پرسیدیم که این عمل چه مفهومی میتواند داشته و باشد؟ اما نتوانستیم در آن موقع پاسخی برای این سؤال خود داشته باشیم.

سربازان جلوی ما را گرفتند و ما نتوانستیم عبور نمائیم، درست در این بحبوحه بسوی ما بمب های گاز پرتاب کردند. چیزی شبیه یک بطری کوچک پرسی کولا بود، اما خیلی مؤثر و بود. کسی که این بمب ها جلو پایش منفجر میشد، بمانند دیوانگان فرار میکرد. زیرا قدرت و

و تنفس را از وی سلب میکرد. پرتاب این بمب ها همچنان ادامه داشت. ما به عقب برگشتیم و اما مگر میشود صد هزار تن بیک لحظه به عقب باز گردند؟! آنهائیکه در صفوف بعدی بودند و و بخيال اینکه در صفوف مقدم بر روی راهپیمایان تیراندازی میشود، بمانند امواج دریا به عقب هم کشانده شدند.

بعد از آن را خود میتوانید تصور کنید، من شاهد وحشت مردم و کشته شدن تعداد زیادی از محتاج بودم. عده ای نیز در موقع فرار بر اثر اصابت سنگ بسر و رویشان بر روی زمین افتاده بودند.

بدین ترتیب مانیز برای اولین بار شنیدیم که در حادثه مکه از اسلحه استفاده شده است.

تفاوت بین توضیحات گوناگون مشاهده میشود که هر دو شاهد عینی در بیانات خود پیرامون یک حادثه جزئیات متفاوت از مهم را بر زبان آورده اند. اما باید گفت که حاج سائم آلتون باش بنا بگفته خودش در صفوف اول راهپیمائی و در بین جمعیت قرار داشته است. وی درست ۱۰۰ متر دورتر از صف، مقدم م راهپیمائی و آنجائیکه ماکت مسجدالاقصی حمل میشده و در کنار ماکت راهپیمائی میکرده است.

به این بود مشاهدات عینی دو زائر ترک که یکی صرفا بخاطر کنجکاوی و دیگری بخاطر هم علاقه ای که به مسئله بیت المقدس داشته در این راهپیمائی شرکت کرده بودند. ضمنیک شاهد عینی دیگر از پاکستان نیز داریم. او شاهد تمام جریانات بوده و بعنوان یک روزنامه نگار، و راهپیمائی را ارزیابی کرده و ضمنا بعد از حادثه نیز جریانات پشت پرده رویداد را بررسی کرده و مسائل جالبی را کشف کرده است. نام این همکار مطبوعاتی مارمشاهد حسین» میباشد.

و شاهد حسین یک روزنامه نگار مشهور و معتبر پاکستانی است. وی با رژیم ضیاء الحق و دارای رابطه بسیار خوبی میباشد. وقتی آن رویداد خونین در مکه اتفاق افتاد او برای تهیه گزارش از مراسم حج سالجاری در عربستان بسر میبرد. شاهد حسین از نزدیک تظاهرات را پیگیری نمود، درگیری را دید و بعد از حادثه نیز علل ووقوع آنرا بررسی نمود. روزنامه نگار و پاکستانی برای بازگوئی مشاهدات خود بافکار عمومی جهان یک مقاله مفصل با تمام جزئیاتش به رشته تحریر در آورد. این مقاله وی در روزنامه واشنگتن پست و سپس روزنامه انترنشنال هرالد تریبون نیز درج گردید.

اهمیت توضیحات شاهد حسین در این بوده که بعضی از نکات مهم پیرامون این حادثه

خونین را که تا آنروز مجهول مانده بود آشکار مینماید. این روزنامه نگار پاکستانی در سلسله مقالات خود بیش از همه بر دو نکته تاکید دارد، که این دو نکته همیشه از طرف مقامات سعودی و مصرانه انکار میشده است. این دو نکته مهم برگزاری اجتماع و تظاهرات بدنبال اخذ مجوز\* لازم و تیراندازی پلیس بسوی تظاهر کنندگان بوده است. وی در تحقیقات خود به وضوح و با ذکر نام محل، این دو نکته مهم را باثبات میرساند.

با مشاهد حسین حوادث آنروز را اینگونه بیان میکند:

شهر مکه از سال ۱۹۸۳ به اینطرف صحنه تظاهرات حجاج ایرانی شده است. جهت برگزاری تظاهرات امسال حجاج ایرانی در روز جمعه ۳۱ ژوئیه، یک سلسله مذاکرات مهم بین عربستان سعودی و ایران انجام شد. در این مذاکرات از طرف عربستان عبدالواسع، وزیر امور مهم حج عربستان و معاون وی دهاشم قاشقچی، و از طرف ایران نیز آقای مهدی کروی و معاون وی جهانگیری و محمدعلی هادی نماینده مجلس شرکت داشتند.

سعودی ها ابتدا سعی کردند ایرانیان را از برگزاری تظاهرات منع سازند و یادآور شدند که به مراسم حج حتما باید طبق احکام واجب دینی بعمل آید و از هر گونه فعالیت سیاسی در آن خودداری شود. پاسخ ایرانیان نیز چنین بود که در اسلام دین و سیاست لازم و ملزوم همدیگر هم بوده و ترتیب دادن چنین تظاهراتی مسلمانان را از مشکلات فراوانی که با آن روبرو هستند، آگاه میسازد و تظاهرات امسال نیز همانند تظاهرات سالهای گذشته خواهد بود و هیچ تفاوتی با گذشته نخواهد داشت.

بعقیده جهانگیری نظر سعودی ها نسبت به برگزاری تظاهرات مثبت بود و آنان شرایط مطرح شده از طرف ایران را قبول کردند. در این مذاکرات مسیر راهپیمایی، مکان آغاز و پایان راهپیمایی، روز و ساعت راهپیمایی و متن نوشته های روی پلاکاردها و شعارها مورد بحث و پر گفتگو قرار گرفت (مورد تازه در تظاهرات امسال، آتش زدن پرچم آمریکا بود). قرار شد و تظاهرات در ساعت ۱۶/۳۰ شروع و در ساعت ۱۸/۳۰ در مقابل ساختمان پست و تلگراف در فاصله ۱/۵ کیلومتری کعبه پایان برسد. ایرانیان تصور میکردند تظاهرات به هنگام غروب و خورشید یعنی در ساعت ۱۹/۱۵ پایان خواهد رسید.

هم از تحقیقات و بررسی های روزنامه نگار پاکستانی در محل وقوع حادثه چنین می آید که بین هم ایرانیان و مقامات سعودی در مورد راهپیمایی در مکه مذاکرات بسیار جدی بعمل آمده و هم سعودیها پس از شکست در قانع کردن ایرانیان در مورد عدم انجام تظاهرات و راهپیمایی، در و

تعیین مسیر راهپیمائی و نیز اتخاذ تدابیر لازم برای هر چه آرامتر برگزار شدن تظاهرات و جلوگیری از اتفاقات ناگوار را به کار عمل داشته اند.

از تحولات فوق میتوان نتیجه گرفت که هر دو طرف در جریان مذاکرات سعی زیادی در جهت جلوگیری از وقوع هر نوع حادثه ناگوار در تظاهرات مبذول داشته و از طرف مقابل خواسته اند که در برابر مشکلات صبور بوده و تحمل هر نوع مسئله ای را داشته باشند.

شرایط تازه دو روز قبل از برگزاری مراسم، شعارهائیکه می بایست در راهپیمائی ایراد گردد در چهار چوب شرایط قبلی گنجانده شد سپس متن شعارها در بولتن های خبری روزانه که هر روز در مکه چاپ میشد، منتشر و در بین مردم توزیع گردید و نسخه ای از آن نیز برای مقامات سعودی ارسال شد. در بین شعارهای تأیید شده در مذاکرات بین ایرانیان و سعودی ها شعار «مرگ بر آمریکا، مرگ بر شوروی، و مرگ بر اسرائیل، نیز دیده میشد. یکروز قبل از برگزاری راهپیمائی معاون وزارت امور حج عربستان و جواهری از مسیر راهپیمائی بازدید کردند. اما پنجشنبه شب معاون وزیر امور حج عربستان با سه شرط کاملاً جدید نزد ایرانیان آمد. اولین شرط، محدود کردن تعداد تظاهر کنندگان بود (ایرانیان پیش بینی کرده بودند که تعداد تظاهر کنندگان همانند سال گذشته چیزی حدود صد هزار نفر خواهد بود. شرط دوم این بود که حجاج کشورهای دیگر نبایستی در تظاهرات شرکت نمایند. و شرط سوم گویا آن بود که نبایستی از طرف ایرانیان هیچ نوع اقدامی در جهت ترغیب شهروندان سعودی به شرکت در تظاهرات و هم راهپیمائی بعمل آید. در صورت تمایل آنها به شرکت در تظاهرات نیز باید از شرکت آنها جلوگیری شود، که هر سه شرط نیز با مخالفت ایرانیان روبرو شد. این شرایط تازه سعودیها در آخرین لحظات نمایانگر وحشت و ترس آنها از تکرار تظاهرات ایرانیان بود که هر سال ابعاد هم جدیدی بخود میگیرد. بویژه در زمینه برقراری تماس شهروندان سعودی با کل مسلمانان دنیا و آشنائی با موضعگیری سیاسی آنها، که عربستان سعودی را که هنوز بصورت یک جامعه بی خبر از همه چیز میباشد، تهدید میکند. در بخشهای آینده باین موضوع مجدداً اشاره هم خواهیم کرد.

در تظاهرات امسال بغیر از ایرانیان حدود ۵۰۰ تن غیر ایرانی شرکت کرده بودند که میتوان در اینجا به بعضی از افراد حزب الله لبنان، مجاهدین افغان، چند نفری از جبهه آزادیبخش مورو که در فلیپین مبارزه می نمایند، دو خواهرزاده نخست وزیر سودان ، بعضی از اعراب و م

عده ای از حجاج پاکستانی، هندی و بنگالی اشاره کرد.

بعد از اقامه نماز جمعه از ساعت ۱۳/۳۰ به بعد نیروهای امنیتی آل سعود که کلاه خود به برداشتند درون خودروهای زرهی در مسیرهای برگزاری تظاهرات مستقر شدند برای و فیلمبرداری از تظاهرات و راهپیمایی در هفت نقطه از محوطه راهپیمایی هفت دستگاه ها فیلمبرداری نصب گردید و هلیکوپترها مدام در آسمان در حال گشت بودند.

شرکت کنندگان در تظاهرات در مقابل ساختمان محل اقامت هیات رسمی حج ایران اجتماع کردند و تظاهرات رسماً راس ساعت ۱۶/۳۰ با تلاوت قرآن کریم آغاز گردید. پس از آن برهبری آقای مرتضائی فر که در ایران بعنوان وزیر شعار مشهور گردیده است علیه سه شیطان یعنی آمریکا، شوروی و اسرائیل شعارهایی ایراد شد در مورد مسائل فلسطین، لبنان و افغانستان که از مسائل عمده مسلمانان دنیاست در این تظاهرات سخنانی ایراد شد. سپس و آقای مهدی کروبی نماینده رسمی آیت الله روح الله خمینی برای حاضران سخنرانی کرد.

زمانیکه ساعت ۱۸/۳۰ را نشان میداد پس از باتش کشیدن پرچم آمریکا تظاهر کنندگان در خیابان وسیع مسیر راهپیمایی براهپیمایی پرداختند. در یک سمت شرکت کنندگان زن با هم چادرهای مشکی سنتی خود و در سمت دیگر معلولین جنگ با صندلی های چرخدار خود در هم حرکت کردند. مردان ایرانی در حالیکه دست در دست همدیگر داده بودند حدود یک کیلومتر راهپیمایی کردند. از بلندگوهای اطراف مسیر راهپیمایی هنوز صدای وزیر شعار ایران که با صدای خود مردم را به جوش و خروش و امیداشت شنیده میشد.

ساعت ۱۸/۴۵ از پشت بلندگو صدای مرتضائی فر بگوش رسید که میگفت لطفا توجه فرمائید، لطفا توجه فرمائید یک اطلاعیه مهم بدست ما رسیده است. وی سپس با صدائی گرفته چنین گفت: بلطف پروردگاریک فروند هلیکوپتر آمریکایی در خلیج (فارس) منهدم شده به است. الله اکبر. این خبر صبح آنروز بوسیله رادیو بی بی سی به سراسر جهان مخابره شده بود. و ده دقیقه بعد هنوز صفوف اول راهپیمایی به ۵۰۰ متری محل خاتمه راهپیمایی نرسیده بودند که از طرف پلیس امنیتی سعود که در مدخل خیابان منتهی به کعبه مستقر شده بود، متوقف .

شدند. مردم قصد پیشروی کردند. اما پلیس باخشونت از آنها خواست بعقب بازگردند. آنها متقابلاً بهمدیگر بدو بیراه گفتند. اعصاب دو طرف تحریک شده بود، پلیس و تظاهرکنندگان شروع به هل دادن همدیگر کردند. در همان موقع از سمت چپ شلوغی یعنی از طبقات دوم سوم پارکینگ اتوموبیل بسوی تظاهرکنندگان سنگ و آجر پرتاب گردید (ایرانیان مدعی شدند و

که پرتاب کنندگان سنگ و آجر قبلا- در پارکینگ مستقر شده و چنین بنظر میرسد که آنها عوامل عراق بوده اند. اوایل موقعی که بسوی حجاج ایرانی سنگ و آجر پرتاب میشد پلیس سعودی اندکی عقب نشست. ایرانیان با شکستن چوبهائی که توسط آنها پلاکاردها را حمل میکردند بطرف سعودیها حمله بردند. پس از آن نیروی امنیتی مجهز به بمب های حاوی گاز اشک آور وارد معرکه شدند و تظاهرکنندگان شروع به عقب نشینی کردند. اما نیروهای امنیتی تمام راههای خروجی را مسدود کرده بودند. در این میان تنها راه نجات تظاهرکنندگان نشستن روی زمین و یا پناه بردن به منازل اطراف مسیر راهپیمائی بود.

عده ای را دیدم که بر اثر اصابت گلوله کشته شده بودند گرچه با چشمانم تیراندازی پلیس سعودی بسوی تظاهرکنندگان را ندیدم امامی شنیدم که مردم برای اینکه مجروح نشوند به هر جایی پناه میبردند. پس از اینکه در عرض یک ساعت همه همه چیز پایان رسید، مجروحین را دیدم که از ناحیه سینه و دست و پا زخمی شده بودند و بسوی بیمارستان ها برده میشدند.

: ساعت ۲۱/۰۰ از خیابان مسجد الحرام تا محل شروع تظاهرات پیاده روی کردم در طول راه و ۲۰ جسد متعلق بزنان را که چادرهایشان آغشته بخون بود شمارش کردم. آنها را با کامیون و و وانت بمحل دیگری منتقل میکردند. مأمورین داشتند پرچم ها، تکه های لباس، کفش و گلوله های پلاستیکی ۷۶ میلی متری را از روی زمین جارو کرده و خیابان را پاکسازی میکردند.

نیمه های شب دیگر منظره صحنه درگیری حالت عادی بخود گرفته بود.

برای چنین تظاهراتی که در مدت بسیار کوتاهی پایان رسید این تعداد کشته و مجروح بسیار زیادی است بر اساس آمار سعودی ها ۲۷۵ ایرانی، ۴۲ غیر ایرانی و ۸۶ شهروند سعودی بقتل رسیده اند. اما ایرانیان معتقدند که تعداد ایرانیان کشته شده بیش از ۴۰۰ تن میباشد بگفته ایرانیان در حدود چهار هزار نفر مجروح و کشته و ۵۰ نفر نیز مفقودالثر هستند.

علت بالا بودن تعداد کشته ها نرساندن بموقع مجروحین به بیمارستان ها بوده است و اینکه آنها در اثر شدت خونریزی فوت کرده اند. مقامات سعودی پس از اینکه نتوانستند از عهده درمان و بستری کردن مجروحین برآیند دست کمک به سوی دکترهای پاکستانی که در بیمارستانهای مدینه و مکه مشغول کار هستند، دراز کردند.

مقامات ایرانی مستقر در مکه همچنین ادعا کردند که در مکه بدون هیچ دلیلی از طرف پلیس و

پربازداشت شده بودند. دو روز بعد که با آیت الله کربوبی در مقر خویش ملاقات کردم وی را بی اندازه ناراحت و عصبانی می دیدم. وی سعودیها را متهم به جنایت در برابر خانه خدا می کرد و اظهار داشت که همه چیز قبلاً طرح ریزی شده بود.

سعودی ها بدون شك بخاطر خشونت زیادی که در مقابل تظاهرکنندگان از خود نشان داده اند مقصر هستند. البته باید گفت ایرانیان نیز خطاهائی داشته اند. زمانیکه تظاهر کنندگان بوسیله پلیس سعودی متوقف شدند کسی از رهبران در آنجا نبود که مردم را راهنمایی کند در حالیکه همگی رهبران در صفوف عقب جای گرفته بودند. بالا رفتن بحران در منطقه هم وحساسیت سعودی ها در مقابل تظاهرات سیاسی باید هشدار میسرشد برای ایرانیان که نبایستی موجب تشدید تشنج ناراحتی مقامات سعودی گردند.

چنین بنظر میرسد که ایرانیان بیش از حد بخود اطمینان داشتند و مطمئن بودند که کسی جرئت دخالت در کارهای آنها را ندارد و سعودی ها نیز در این هوس بودند که باید به ایرانیان که هر سال مسائلی را در آن کشور بوجود می آوردند درس خوبی بدهند. بخاطر اینکه درهای مکه بر روی روزنامه نگاران خارجی بسته بود، لذا مقامات سعودی ارقام و آمار خود را اعلام داشتند و رویداد را بوسیله یک فیلم که تنها منعکس کننده جریان بود، در معرض دید رسانه ها گذاشتند.

(۲۴ اوت ۱۹۸۷ اینترنت نشنال هرالد تریبون).

مطالب فوق را از مقاله مشاهد حسین روزنامه نگار پاکستانی که در واشنگتن پست وهم اینترنت نشنال هرالد تریبون منتشر شده بود منعکس کردیم و بخاطر اینکه به تمام موضوعات مورد اختلاف اشاره کرده بود، لازم ندیدیم که این مطالب را با جزئیات کامل باستحضار شما خوانندگان روزنامه برسانیم.

آری دو ترک ویک پاکستانی بعنوان شاهدان عینی، مشاهدات خود را بدینگونه بیان داشتند. حادثه مکه بدون شك بهمین صورت در تاریخ به ثبت خواهد رسید. اما اهمیت حادثه بدلیل موقعیت و جایگاه ویژه مکه در بطن اسلام، ابعاد بیشتری خواهد یافت.

در جریان بررسی چگونگی وقوع این حادثه خونین آنهم در ۱/۵ کیلومتری کعبه که دنیای بک میلیارد نفری مسلمانان را غرق در ماتم و افسوس کرده است، انسان با دو نکته مهم هم روبروست اول عامل اصلی بروز حادثه و دوم استفاده، و یا عدم استفاده نیروهای امنیتی عربستان از سلاحهای گرم.

و این دو مورد مهم پیوسته موجب مطرح شدن سئوالهایی میگردد که در تمام طول این تحقیقات



پر مارا بخود مشغول داشته است. حتی پس از گذشت یکماه از روی حادثه و شنیدن آن از زبان طرفین اصلی درگیری غیر ممکن است بتوان بین اظهارات مسئولین آل سعود و رژیم ایران پیرامون این دو موضوع هماهنگی برقرار کرد. عبارت صحیح تر در حالیکه ایرانیان ادعا و میکنند عاملین اصلی بروز حادثه مأمورین امنیتی عربستان بوده اند، رژیم عربستان سعودی ضمن رد این ادعای ایرانیان حجاج ایرانی را متهم به ایجاد درگیری کرده و مداخله سربازان را هم صرفاً جهت تأمین امنیت و حفظ جان حجاج غیر ایرانی و شهروندان سعودی قلمداد هم می نمایند. آنها همچنین تیراندازی مأمورین بسوی حجاج را قویاً تکذیب می نمایند.

علت انکار استفاده از نیروی قهریه چه میتواند باشد؟ در هر چهار گوشه دنیا پلیس بمنظور تأمین نظام کلی جامعه در حوادث جاری جامعه دخالت کرده و در صورت لزوم به زور نیز متوسل هم میشود. چون سعودی های ایرانیان را متهم به آغاز درگیری و حمله به پلیس آن کشور کرده اند و برای یکبار هم شده نمیخواهند یک گام پس بگذارند و بگویند که ما لازم دیدیم خشونت بخرج بدهیم و در نتیجه با اینکار خود باعث میشوند: این جریان بصورت یک حادثه اسرار آمیز جلوه و نماید. نایف بن عبدالعزیز، برادر ملک فهد وزیر کشور عربستان سعودی در مصاحبه مطبوعاتی خود در شهر جدّه وقتی در برابر خبرنگاران می گوید در صورت لزوم البته از اسلحه استفاده میکردیم، منکر استفاده از عنصر «خشونت و زوره میگردد. پس چه دلیلی وجود دارد و که مسئولین سعودی علیرغم این همه کشته و مجروح در بیان این مطلب که «خشونت بخرج ندادیم، اینقدر اصرار ورزند؟ خونریزی در حرم، حرام است پاسخ به این سؤال به موقعیت ویژه حریم حرم، که حادثه در آنجا بوقوع پیوسته باز میگردد. در صحبتهای خود با سفیر عربستان در آنکارا پیرامون حوادث مکه بایشان یادآور شدم در فقه اسلام حرم از موقعیت ویژه ای برخوردار است بطوریکه حتی اگر یک گناهکاری و یا مجرمی به آنجا پناهنده شود، تا زمانیکه در آنجا بسر میبرد از هر گونه تعرضی مصون میباشد.

عبدالعزیز محی الدین خواجه « سفیر عربستان در پاسخ اظهار داشت: در فقه اسلام چنین قاعده ای وجود ندارد. مگر چنین چیزی امکان دارد؟ در این صورت تمام دزدان، قاتلان به م هم آنجا خواهند آمد تا از پنجه عدالت فرار نمایند. هرکسی در هر کجا که دستگیر شد، باید مجازات شود. حرم نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست. مکه و مدینه در شهر مقدس هستند.

حفاظت این دو شهر وظیفه ما میباشد. هیچ چیز نباید بر ادای این وظیفه مقدس کوچکترین و

از سخنان سفیر عربستان که اهل مکه میباشد، چنین بر می آید که تربت های مقدس در این م هر زمینه از هیچگونه موقعیت و امتیاز ویژه ای برخوردار نیستند. در صورتیکه تمام کتابهای فقهی که به آنها دسترسی داریم از این ویژگی خاص در شهر مقدس صحبت میکنند. در روزنامه ازمان مورخ ۲۸ اوت ۱۹۸۷ در یک مقاله تحلیلی بنام «حرم و مکه، این واقعیت مورد تأیید قرار گرفته است.

عمر بیلمن، دانشمند مسلمان در کتاب خود بنام ترجمه و تفسیر ترکی قرآن کریم، (جلد اول □ صفحه ۴۰۲) آیه ۹۷ سوره آل عمران را اینگونه تفسیر مینماید: در آن خانه آیات ربوبیت و موید است آنجا مقام ابراهیم خلیل است هر که در آنجا داخل شود ایمن باشد و مردم را حج و هم زیارت آن خانه واجب است و هر کسی که توانائی یافته بر آن راه یابد و هر که کافر شود تنها به خود زیان رسانیده که خداوند از اطاعت خلق بی نیاز است. از حضرت عمر روایت شده است و هم که من اگر در کعبه با قاتل پدرم و خطاب، روبرو شوم تا زمانیکه از آنجا بیرون نرفته است با وی به کاری نخواهم داشت. بعقیده امام اعظم شخصی که اعدام و کشته شدن وی از نظر دین و قانون واجب است اگر به حرمین شریفین پناهنده شود، کسی نمی تواند بوی تعدی نماید. فقط نبایستی بوی خورد و خوراک داد و باید وی را مجبور به خروج از آنجا کرد.

ماوردی، دانشمند علوم سیاسی اسلام در کتاب خود بنام احکام السلطانیه، (صفحه ۱۸۵) چنین نوشته است. مکه و اطراف آن از طرف الله محلهای امن اعلام شده اند.

اسیدقطب» نیز در فی ظلال القرآن (جلد دوم - صفحه ۳۶۷) چنین رقم زده است. آنجا محل پناه بردن هر پناه آوری بود. در روی زمین هیچ جای دیگر مثل آن وجود ندارد. از زمان حضرت ابراهیم و اسماعیل (س) اینجا چنین مکانی بوده است. حتی در دوران جاهلیت امراب نیز چنین خصوصیتی داشت. آری حرمت این مکان حتی در آن دوران نیز مقدس \* شمرده است.

بگفته حسن بصری و دیگران اگر فردی قتل میکرده و سپس بر روی دوش خود خرقهای میانداخته و وارد حرم میشده پسر مقتول تا زمانیکه قاتل پدرش در آنجا متحصن بوده با وی هم کاری نداشته است. رسول اکرم (ص) در یک حدیث میفرماید: «جنگ در اینجا تا قبل از من برای کسی حلال نشده بود. برای من نیز تنها برای چند ساعت از یک روز مشخص حلال گردید. این حرمت مقرر از طرف الله را تا روز قیامت حفظ خواهیم کرد.»

از این مطالب چنین بر می آید که مکه و اطراف آن از حرمنی ویژه برخوردار است و درگیری و کشمکش در آن ممنوع بوده و هر گناهکاری که به آنجا پناهنده شود، در امان خواهد بود. هم خونریزی در آنجا حتی قبل از اسلام نیز ممنوع بوده است.

اما حرام بودن خونریزی و ایجاد درگیری در منطقه حرم بدان معنی نیست که در تاریخ اسلام در آنجا درگیری وجود نداشته است. در یک مقاله تحقیقاتی که چند سال پیش نگاشتم یاد آور شده بودم که بدلیل وجود رقابتهای سیاسی و تجاری در مکه، علیرغم حرام بودنش در گریهائی در آنجا بوقوع پیوسته است. در آن تحقیقات که در سمینار جهانی حج در اوت سال ۱۹۸۲ در لندن عرضه کرده بودم (مراسم و تشکیلات حج تحت حکومت عثمانی، حج در کانون توجه) علیرغم تمام تدابیر امنیتی در شهر مکه نیز در گریهائی بوجود آمده، قیامهائی دیده شده و حتی یکبار نیز بدلیل درگیری که در مکه بوجود آمده بود ۱۸ بار اذان خوانده نشده حتی گلوله ای که از طرف یک شورش در آنجا شلیک شده بود به حجرالاسود اصابت کرده بود. قبل از دوران حکومت سلاطین عثمانی نیز همین اعمال خشونت بار در کعبه دیده شده بود. مثلاً در زمان مراسم حج یکی از حجاج که قصد از بین بردن رقبای سیاسی خود را داشت، به حرم حمله کرده و کعبه را خراب کرده بود. اما همچنانکه مقامات رژیم سعودی اعلام داشته اند در تاریخ ۶۴ ساله سلطنت خاندان سعود کسی بیاد ندارد که در کعبه خونریزی شده باشد. بعبارت دیگر تا سال ۱۹۷۹ حادثه ای از این قبیل دیده نشده است. در ماه نوامبر سال ۱۹۷۹، کعبه شاهد یک حادثه خونین دیگری بود که هنوز جزئیات آن و چگونگی جریان حادثه همچنان در پرده ابهام باقی مانده است. یک جوان عرب بنام محمد بن عبدالله کتانی که همراه ۳۰۰-۲۵۰ نفر از هم دوستان خود به کعبه پناهنده شده بود از منارهای مسجدالحرام رژیم آل سعود را بباد انتقاد گرفته و اقدامات دولت را محکوم میکرد. کتانی که از افراد گروهی بنام واخوانه بود که ۶۴ سال قبل از این خانواده عبدالعزیز را به سلطنت نشانده بودند. نتوانست در این عملیات خود که پایه های رژیم آل سعود را به لرزه در آورده بود، موفق گردد. رژیم آل سعود به تنهایی نتوانست از پس این جوان رشید انقلابی بر آید لذا دست کمک به کشورهای عربی دراز کرد و با هم همیاری آنها این مشکل خود را رفع نمود. کتانی بوسیله رژیم آل سعود یک فرد دیوانه قلمداد هم شد و در پایان عملیات، کتانی و دوستانش اعدام گردیدند.

عملیات ۱۹۷۹ کعبه در عربستان سعودی نقطه عطفی مهم بحساب می آید. همچنانکه در و بحثهای آینده این سلسله مقالات توضیح خواهیم داد رژیمی که تمام این اعمال و اقدامات خود هم

د را مطابق با اسلام دانسته و ادعا مینماید احکام دین اسلام را در کشورش به اجرا در میاورد، از بهم اینکه خود را متهم به بی دینی و مذهبی می بیند و نمیتواند کعبه این قبله آمال مسلمانان دنیا را بخوبی حفظ نماید، بی اندازه متأثر بوده و خود را باخته است.

عربستان سعودی که هنوز نتوانسته خود را از شوک حمله به کعبه در سال ۱۹۷۹ نجات دهند، اینبار موقعیکه نزدیک به دو میلیون مسلمان شرکت کننده در حج مشغول فرائض دینی خود هستند، با حادثه روبرو میگردد و خونریزی در آنجا بدرستی که فاجعه ای است که بر قلب تمام مسلمانان زخم عمیقی میگذارد. علیرغم اینکه مسئولین اظهار داشته اند در صورت لزوم میتوانستیم برای حجاج آتش بگشائیم اما دلیل قاطع تمام ادعاهائی که در این مورد بعمل می آید همین امر است.

البته در این میان، عده ای بودند که اظهار داشتند در کعبه و اطراف آن خون ریخته شده است هم وعده ای نیز از انفجار بمبهای دودزا سخن گفتند.

در فیلمهای تهیه و مونتاز شده بوسیله فیلمبرداران سعودی صحنه هائی حاکی از تیراندازی و وجود ندارد و صدای گلوله نیز شنیده نمیشود. اما در بعضی موارد دود ناشی از انفجار گلوله بچشم میخورد. در مقابل در فیلمهای تهیه شده از طرف ایرانیان صداها کاملاً مشخص میباشد.

اصولاً تشخیص این مسئله باید بسیار آسان باشد. زیرا اگر از سلاح استفاده شده است و گلوله ها هنوز در بدن کشته ها و مجروحین وجود دارد. تحقیقات یک هیات بیطرف میتواند این حقیقت پوشیده را برملا سازد، تشکیل یک چنین هیتی بجای پرداختن به شایعات و صحبتهای په درگوشی، کمکی برای آشکار شدن حقایق خواهد بود.

اگر چه ادعا شده است چنین هیتی تشکیل شده و در محل وقوع حادثه به بازرسی و بررسی پرداخته است، اما شاهزاده بندر بن سلطان سفیر عربستان در واشنگتن و یکی از اعضای م خاندان سلطنتی چهار روز پس از حادثه در مصاحبه ای با تلویزیون آمریکا چندین بار گفت: از ۴۴ کشور ۴۴ نماینده را به بیمارستانها بردیم که در روی اجساد کشته ها و بدن مجروحین به بررسی پرداختند و هیچگونه علامتی حاکی از استفاده سربازان سعودی از اسلحه پیدا نکردند.

صدای گلوله و دود ناشی از انفجار آن آیا سربازان سعودی بطرف مردم تیراندازی کردند یا نه؟ شاهدان عینی بخاطر اینکه با و جناح های مختلف راهپیمایی در ارتباط بوده اند در این مورد همه اتفاق نظر دارند. گرچه آنها و

هم میگویند که با گوش خود صدای گلوله را شنیده و کسانی را که در اثر اصابت گلوله مجروح شده و بر روی زمین افتاده بودند، را دیده اند، اما من در تحقیقاتی که بعمل آوردم نتوانستم مسلم بدانم که چنین هیئتی تشکیل شده است یا نه، لذا تنها کاری که در این مورد میماند اینست که پ اجساد کشته شدگان و مجروحین به ایران برسد و در آنجا روی این مسئله تحقیق شود.

ایران برای نشان دادن ابعاد جنایت کعبه در تهران یک کنفرانس جهانی مطبوعاتی ترتیب و داد. من از تشکیل این کنفرانس بی خبر بودم و لذا نتوانستم در آن شرکت نمایم. از طرف ه رئیس هلال احمر ایران و مسئولین دیگر به شرکت کنندگان در کنفرانس مطبوعاتی اطلاعاتی داده شده و روزنامه نگاران با مجروحین ملاقات کردند. ضمناً اجساد کشته شدگانی را که از عربستان آورده شده بودند، به نمایش گذاشتند. در آن زمان من در آنکارا از یک روزنامه نگار و سوئسی که در کنفرانس مطبوعاتی ایران شرکت کرده بود، پرسیدم که آیا روی اجساد آثار په گلوله را دیده است یا نه؟ وی گفت که روی اجساد آثار گلوله بوضوح دیده میشد که در دیدار با و مجروحین نیز جراحتهای ناشی از اصابت گلوله جلب نظر میکرده است. از این روزنامه نگار و سوئسی پرسیدم که از کجا فهمیده این اجساد، اجساد کشته شدگان حادثه مکه بوده است؟ وی در پاسخ اظهار داشت:

موقعیکه هواپیما اجساد کشته شدگان را از عربستان به تهران می آورد همگی ما در فرودگاه به تهران بودیم، تابوتها از هواپیما پائین آورده شده و روی وانت بارها گذاشته شدند. با هم بدنبال آنها به محل مقرر رفتیم. در محلی که ما را به آنجا بردند تابوتها در برابر چشمان ما باز شدند به ما اجازه دادند که اجساد را از نزدیک ببینیم جای سوراخهای ناشی از اصابت گلوله کاملاً به مشخص بود. من مطمئن شدم که در این حادثه از اسلحه استفاده شده است ایرانیان اجساد را برای تحقیق به یک موسسه بهداشتی آلمانی واگذار کردند. گزارش این موسسه بیطرف بهداشتی از این قرار بود: «مرگ بخشی از کشته شدگان بر اثر اصابت گلوله بوده است».

مقامات عربستان سعودی ادعا میکنند ایرانیان به همراه خود چاقو، چوب و وسائل برنده از این قبیل داشتند و در فیلمی که تهیه کرده بودند این وسائل بدست آمده را نشان دادند. اما مدعی پر نشدند که ایرانیان نیز مجهز به اسلحه گرم بوده اند.

در طول اقامت ما در عربستان سعودی، یک پاورقی جدید در روزنامه انگلیسی زبان سعودی لئو گارت بچاپ رسید. نویسنده مقاله مشاهدات خود را از یک روستائی واقع در نزدیکی ریاض

هم برشته تحریر در آورده بود و از اینکه در روستاها کارهای مهم و تکنیکی در دست بیگانگان میباشد، اظهار ناراحتی و گله کرده بود. عدم فعالیت خود سعودیها و اتکاب بر ثروت زیاد و هر کاری را بعهدہ خارجی ها گذاشتن، سبب شده است که روستاهای عربستان سعودی بیشتر تبدیل به مراکز اقامت بیگانگان شود.

چنین وضعی را میتوان در اکثر کشورهای عربی حوزه خلیج (فارس) مشاهده کرد و اصولاً همچنین سیاستی نه برای آنها و نه برای عربستان سعودی راه چاره نیست. حال نظری به آمار و سرشماری داشته باشیم. بر اساس سرشماری سال ۱۹۷۴ کل جمعیت کشور هفت میلیون و سیزده هزار نفر میباشد. ۷۳ درصد جمعیت یعنی پنج میلیون و یکصد و بیست و هشت هزار نفر در شهرها و روستاها مقیم هستند و بقیه در کوچ میباشند نتایج سرشماری سال ۱۹۷۶ اعلام هم نگردید و کسی هم اهمیتی برای سرشماری سال ۱۹۷۴ نائل نیست. زیرا همه مطمئن هستند و با اینکار برای آنست که کسی از تعداد فزاینده خارجیان و نیز کل جمعیت شیعه مذهب منطقه شرق عربستان با خبر نشود. تعداد کارگران خارجی در سال ۱۹۸۴ نزدیک به ۲۶۶۰۰۰۰ نفر بود. علیرغم اینکه در سالهای اخیر عده ای از کارگران به کشورهای خود بازگشته اند، بعدهای نیز اجازه داده شده تا همسر و فرزندان خود را همراه بیاورند. بنظر میرسد تعداد کارگران خارجی در سالجاری بیش از ۳/۵ میلیون نفر باشد.

در عربستان سعودی به هر کجا که قدم میگذارید، احتمالاً در مقابل خود یک خارجی را خواهید دید در هواپیمائی عربستان سعودی اکثر خلبانان و مهمانداران خارجی هستند، اغلب آنها را نیز شهروندان ترک تشکیل میدهند. در هتلها مسئول اطلاعات، مامورین نظافت هتل و گارسونهای رستوران و کلا همگی پرسنل هتل خارجی هستند. عده ای از خارجیان کم و بیش و به زبان عربی آشنائی دارند. بعد از اتمام کنفرانس مطبوعاتی جهت ارائه گزارش مصاحبه به و آنکارا به مسئول تلکس مراجعه کردم وی نیز پاکستانی بود.

و در هتل های جده، هتل محل اقامت خبرنگاران، سه رستوران وجود دارد. در یکی از آنها با غذاهای چینی، در دیگری غذاهای ژاپنی و در سومی نیز بعضی شبها با غذاهای ایتالیائی از مشتریان پذیرائی میشد. در اینجور اماکن امکان دیدن یک شهروند سعودی وجود ندارد.

مردم تنبل شده اند وجود بیگانگان و امکانات فراهم شده از طرف دولت، مردم آن کشور را بسوی تنبلی مفرط و

سوق داده است، حتی حرفه تجارت که سعودیها در انجام آن وارد هستند، در چند سال اخیر بدست عده ای خارجی تبعه عربستان سعودی افتاده است. بهمان اندازه که احتمال دارد صاحب مغازه یک سعودی باشد. احتمال ترک بودن وی نیز وجود دارد.

یک شهروند سعودی با وجود در آمدی هنگفت بصورت یک مصرف کننده در آمده و خود را از صحنه سیاست دور نگهداشته است. رفاه اقتصادی مردم عربستان در پی برنامه های م اصلاحی ملک فیصل در سال ۱۹۶۲ و در آمد هنگفت نفت، سرمایه گذاریهای اساسی، خدمات زیربنای تاسیسات بهداشت و توسعه امکانات آموزشی سیر صعودی پیدا کرده است. و تا زمانیکه این سطح زندگی ادامه داشته باشد، نباید انتظار داشت که مردم عادی کشور دست به ی طغیان زده و شکایتی داشته باشند.

تأمین تداوم این وضع تنها هدف قطعی رژیم ریاض میباشد. برای جلوگیری از انتقال تحولات منفی بوجود آمده در سطح بین المللی بمردم تلاش زیادی مبذول میشود. ثروت پم بدست آمده در دوره بی ثباتی نیمتها کمک زیادی به عمران کشور نمود. در آمد ارزی حاصله ما از نفت در سال ۱۹۸۱ حدود ۱۱۰ میلیارد دلار کاهش یافته است. لذا در طرحهای عمرانی پنج هر ساله که از سال ۱۹۷۰ بمرحله اجرا در آمده بر اثر همین کاهش در آمد، نارسائی هائی بوجود آمده است. اما علیرغم این امر، اثرات منفی آن هنوز بر اوضاع اقتصادی مردم و اجرای پروژه های عظیم متوقف مانده و از مناقصات کشور که هدفشان جز تأمین چند صد میلیون دلار برای فلان شاهزاده سعودی نبود، دیگر در مسیر بین جده و مکه و در سمت راست جاده ساختمانهای سر بفلک کشیده ای دیده میشود که دولت آل سعود برای سال دو هزار بنا کرده هم است که بصورت قرعه بافراذبی مسکن تحویل خواهد شد اما بخاطر اینکه هنوز از آنها استفاده ای بعمل نمی آید، محکوم به تخریب شده اند.

اگرچه بی ثباتی موجود در بازارهای جهانی نفت، کاهش درآمدهای ارزی و کمک یکصد میلیارد دلاری به رژیم عراق در جنگ با ایران دولت را مجبور به صرفه جوئی در مخارج جاری کشور کرده است، اما نفت، این نعمت خدادادی برای عربستان سعودی یک نعمت بسیار بزرگ بحساب می آید، مقدار نفت موجود در معادن نفتی آن کشور در پایان سال ۱۹۸۵ نزدیک به ۱۷/۱۵ میلیون بشکه تخمین زده شده است. این مقدار در حقیقت یک سوم ذخائر ۱ نفت منابع نفتی جهان را تشکیل میدهد. بخش عظیمی از این نفت عربستان در مناطق شرقی و و کشور یعنی جاییکه ساکنین آنرا شیعیان عرب تشکیل میدهند، قرار دارد. از این منطقه و از دریا

هم نفت مشهور آرامکوه استخراج میگردد. مدتی پیش زمانیکه شایعه حمایت عربستان سعودی از نهضت اسلامی ترکیه بر سر زبانها بود نام «آرامکو» پیوسته بگوش میرسید. این نام که در احوادث سالجاری بعنوان حربه مؤثر کسانیکه مدام از «رابطه الاسلام، سخن میگفتند، در آمد، خلاصه نام شرکت نفتی عرب و آمریکا، میباشد ۹۷ درصد نفت خام و تمام گاز مایع عربستان سعودی بوسیله شرکت آرامکو استخراج میشود. این شرکت که برای اولین بار در سال ۱۹۳۸ دست به اکتشاف نفت در عربستان زد امروز برای تمام پرسنل خود از کارگر عادی گرفته تا مهندسین و کارشناسانش شهرکهای بزرگی با تمام امکانات رفاهی تاسیس کرده است. سهام و آرامکو که در اوایل متعلق به شرکتهای نفتی آمریکا بود، پس از مذاکرات طولانی بمرور بدست خود سعودیها افتاد و دولت برای اولین باریک عرب را بعنوان مدیر عامل آرامکو برگزید.

به برکنار کردن احمد زکی یمانی پس از ۲۶۶ سال خدمت در وزارت نفت بعنوان تمایل این کشور در تغییر سیاست آن در درون اوپک تلقی گردید. اطلاع حاصل شد انتخاب رهشام ناظره بجای یمانی نتیجه توافق بر سر یک سری درگیریهای بسیار جدی سیاسی در درون حکومت بوده است.

اگر چه برای بی خبر ماندن افکار عمومی هر نوع اقدامی به عمل میاید، اما بودجه عربستان سعودی که هر سال بیش از ارقام پیش بینی شده بود، با کسری بودجه در سالهای اخیر زنگ خطر هم را بصدا در آورد، در پی جنگ سال ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل افزایش قیمت نفت پس از تحریم نفتی بسرکردگی ملک فیصل کشور را از نظر اقتصادی باوج بسیار خوبی روبرو ساخته بود.

در آمد نفتی کشور که تا سال ۱۹۸۱ نسبت به سال قبل افزایش قابل ملاحظه ای داشت، موجب اجرای برنامه های دراز مدت عمرانی وزیر بنائی کشور شد. کاهش بودجه سال ۱۹۸۱-۸۲ سبب ایجاد موازنه شد. و در درآمدهای سالهای ۸۴-۱۹۸۳ برای اولین بار با کسری روبرو شد (۳۵ میلیارد لیره استرلینگ) و در سالهای بعد نیز این کسری بودجه همچنان سیر نزولی خود را طی میکرد. بودجه سال ۸۷-۱۹۸۶ همچنانکه قبلا- وعده داده شده بود در ماه مارس ۱۹۸۶ اعلام نگردید و سبب آن، عدم برخورد قطعی درآمدها اعلام شد. بخش عظیم بودجه صرف مخارج دفاعی میشود انتظار میرود در هزینه های جاری بودجه سال ۱۹۸۷، ۶ درصد کاهش بوجود آید.

مؤسسه خدماتی که بدهکاری خود را پرداخت نکرده است در این میان عربستان صحنه بروز یک سلسله مسائلی میگردد که بی سابقه بوده است. و



بانکهای محلی نتوانستند وام پرداختی به شرکت هواپیمایی عربستان سعودی را باز پس بگیرند لذا بنا به تصویب دولت بازپرداخت بدهی شرکت هواپیمایی عربستان سعودی به بانکها هم یکسال به تعویق افتاد.

کاهش درآمدهای نفتی و کسری بودجه چندین ساله، روی ذخائر موجود در بانکهای غربی و نیز اثر گذاشت. بخشی از کسری بودجه در مواردی که درآمدها افزایش داشته باشد با استفاده از ارزهای خارجی برطرف میشود. ذخائر ارزی خارجی در سپتامبر سال ۱۹۸۲، به میزان ۴۵ میلیارد دلار بوده است. اسامان یعنی بانک مرکزی سعودی در فوریه سال ۱۹۸۶، میزان ذخیره ارزی را ۱۰۰ میلیارد دلار اعلام کرد. اما بخاطر اینکه این ذخائر در کوتاه مدت قابل پرداخت هم نبوده و بصورت اعتبارات و یا عایدات برای مؤسسات مالی جهانی میباشد که عربستان نیز عضو آنها است لذا امکان استفاده از آنها چندان هم آسان نیست.

عربستان سعودی بصورت لکوموتیو، مکانیزم سرمایه داری تحت سلطه آمریکا در دنیا در هم آمده است. این کشور ۸/۸۹۰ میلیون دلار به بانک بین المللی و ۹/۴۴ میلیون دلار به بانک عمران آسیا کمک کرده است. میزان موجودی عربستان در صندوق بین المللی پول که ترسیم کننده اقتصاد ترکیه است، غیر قابل تصور میباشد. عربستان سعودی از سال ۱۹۷۴ با افزودن سرمایه خود در صندوق بین المللی پول بصورت بزرگترین مشترک صندوق در آمد عربستان سعودی با داشتن یک نماینده دائمی در صندوق بین المللی پول بین کشورهای صاحب نام عضو این شرکت از نظر سرمایه گذاری در ردیف ششم قرار دارد. | بر برای شهروندان عربستان سعودی یعنی نسلی که از شتر سواری کم کم به کادیلاک سواری هم روی آورده و از آن نیز به هواپیما سواری رسیده استفاده از انواع تکنولوژی موجود در دنیا هم بصورت عادت در آمده است. تا زمانیکه امکانات رفاهی، اجتماعی و فرهنگی از طرف هم دولت فراهم گردد، سیاست نبایستی امر مهمی بحساب آید. برای سعودیها گوش دادن به هم مسائلی از قبیل سوء استفاده و غیره چندان مهم نیست. اما حادثه روز ۳۱ ژوئیه در مکه برای شهروندان سعودی بعنوان یک مسئله حاد جلوه گر نمود و سر آنان را بدرد آورد. لازم به ذکر هم است که کاهش درآمدهای دولت بر طرف شدن کسری بودجه را با مشکلاتی روبرو میسازد. و هم اگر در واردات صرفه جوئی نشود، این امر بر زندگی روزانه مردم تأثیر خواهد گذاشت و در آن صورت چه خواهد شد، پیش بینی آن بی اندازه مشکل است.

حادثه را یکبار دیگر بیاد شما بیاندازم. ایرانیان از سال ۱۹۸۲ به اینطرف در هر موسم دست به تظاهرات میزنند، تظاهرات مدینه بدون هیچ حادثه ای با تمام میرسد. برای تظاهرات مکه نیز و به مقامات سعودی، ابتدا در مقام اعتراض برمیآیند سپس نیز اجازه شفاهی میدهند. و در روز هم جمعه ۳۱ ژوئیه تظاهراتی با شرکت ۷۰-۱۰۰ هزار نفر از حجاج ایرانی و سایر کشورها برگزار میگردد. لازم بیادآوریم که اکثریت شرکت کنندگان در تظاهرات را ایرانیان تشکیل و هم میدادند. در طول مراسم برنامه طبق قرار قبلی اجرا میشود. سخنرانیها بعمل میآید، شعارها به گفته میشود. سپس نیز در مسیر مشخص شده راهپیمایی آغاز میشود. یک کیلومتر مانده به خط و پایان راهپیمایی پلیس راه را مسدود میکند و از ساختمانهای اطراف به روی تظاهرکنندگان سنگ هم و بطری پرتاب میشود. (لطفأ یادداشت کنید که آغاز کنندگان این رویداد افراد مجهولی بودند که بروی تظاهرکنندگان سنگ پرتاب کرده اند). زمانیکه ایرانیان نیز مقابله به مثل میکنند در خاکهای مقدس خون ریخته شده و بیش از ۴۰۰ تن جان خود را از دست میدهند.

هم این حادثه به این دلیل در یک مکان بسیار مقدس و در موسم انجام فرائض دینی در حضور میلیونها مسلمان بوقوع پیوسته، نایستی موجب خوشایند طرفین باشد. اما ما با کنار گذاشتن تبلیغاتی که علیه ایران انجام میگردد و اثرات آن میخواهیم بدانیم تأثیرات این حادثه بر پادشاهی عربستان سعودی و جامعه آن کشور چه بوده است؟ در نظر اول میتوان ادعای موجود مبنی بر اثرات منفی این حادثه روی عربستان سعودی را بعنوان یک ادعای قوی پذیرفت. اگر بدرستی سعودیها به تنهایی و یا به اتفاق یکی از متحدان و پر خود فاجعه مکه را طرح ریزی کرده و به مرحله اجرا گذاشته باشند، باید اثرات آنرا نیز محاسبه و میکردند. اما بنظر میرسد که مسئله به آن اندازه که تصور میروند، آسان نباشد.

ابعاد اثرات حادثه این فاجعه رژیم آل سعود و جامعه عربستان را بیش از آنکه پیش بینی میشود، تکان داده است. برای درک آن لازم نیست با چندین نفر به صحبت بنشینیم و پس از پیدا کردن چند نفر و خوش قلب و خوش طینت از میان مسئولین آنها را وادار به اعتراف نمائیم. اصلاً در جوامع بسته ای همچون عربستان سعودی موفقیت در چنین کاری غیر ممکن است. افراد هنوز آنقدر هم با سعه صدر ندارند که با بیگانگان در مورد مسائل کشورشان به صحبت بنشینند.

به همین دلیل بابعضی افراد که قبلاً می شناختم و با چند نفر از اتباع ترکیه که در عربستان و سعودی انجام وظیفه می نمایند، صحبت کردم. ابتدا روزنامه ها و مجلات سعودی را که پس هم

از بروز حادثه صفحات خود را تماماً به این مسئله اختصاص داده بودند مطالعه کردم. پس از و همه اینها معتقد شدم که عربستان سعودی از حادثه مکه شدیداً احساس ناراحتی میکند.

اولین علت این ناخشنودی همانطور که حدس زده میشود دین است. در بخش پیشین مقاله این عامل را تشریح کردم. بر اساس موقعیت ویژه مکه در فقه اسلامی دست زدن به اعمالی که هم منجر به ایجاد درگیری در حرم شد و علاوه بر آن استفاده از اسلحه که منجر به کشتار شود، برای هم یک رژیم که تمام مشروعیت خویش را در اسلامی بودن خود میدانند، یک عمل بسیار شنیع و سنگینی است. روزهای اول پس از وقوع حادثه همچون روزهای بعد از حمله مسلحانه به کعبه و در سال ۱۹۷۹ سعودیها تصور میکردند پس از حادثه در کنار مردم قرار خواهند گرفت. و دیگر صدای مخالفی شنیده نخواهد شد. اما خیلی زود دریافتند که این بار جریان به گونه دیگری و است و باز کردن درها بر روی رسانه ها و تمایل به دادن نوعی اطلاعات نتیجه این بینش باید هم باشد.

باید مورد تقدیر قرار داد هر کسی هر چه میخواهد بگوید، اما رژیم سعودی برای اماکن مقدس موجود در کشورشان هم اهمیت ویژه ای قائل هستند، فعالیت آنها در جهت تامین آسایش اینهمه زائر خانه خدا و تهیه اقامتگاه برای آنان قابل تقدیر میباشد. تامین اقامتگاه با تمام تسهیلات برای نزدیک بدو میلیون و به زائر در طول اقامت چند روزه شان و نقل و انتقال آنها به مراکز و مکانهای مقدس مذهبی نباید کار آسان و بی زحمتی باشد. اهمیتی که رژیم عربستان سعودی برای امور حج (بمنظور جلب \* و حمایت دنیای اسلام در سطح جهانی) قائل است. امری طبیعی بوده اما از نظر سعودیها تامین و به این نوع تسهیلات از جنبه حمایت داخلی نیز بی اندازه ضروری است. عدم تامین امنیت حجاج در موسم حج میتواند هم مفهوم از دست رفتن اعتبار در برابر دنیای اسلام و هم خدشه دار شدن مشروعیت رژیم آل سعود در داخل را داشته باشد. برای رژیم کشوری مثل عربستان سعودی که روی چوب موازنه های حساسی قرار دارد، چنین مخاطره و پذیرفتن به خطری، امری نیست که به آسانی بتوان آنرا پذیرفت، آخرین تبلیغات و ارائه اطلاعات سعودیها را باید از این زاویه مشاهده کرد.

این تبلیغات همچنانکه قدرت دولت پادشاهی عربستان سعودی را در تامین امنیت اماکن مقدس موجود در خاک خود نشان میدهد سعی دارد با بلند کردن صدای خود لزوم اتخاذ تدابیر به لازم برای مقابله با عوامل تهدید کننده امنیت کشور را بگوش جهانیان برساند. اما یک اشتباه از

این تبلیغات، عدم محاسبه این خونریزیها در مراسم حج سال جاری است.

حتی اگر فرض نمائیم که ادعاهائی که از این قبیل که ایران با خون ریزی در یک زمان و مکان و حرام پای خود را از حد و موقعیت خود فراتر نهاده، درست باشد، باز هم میبایست مقامات سعودی، در جهت پایان بخشیدن، به تظاهرات بدون هر گونه خونریزی، نرمش زیادی از خودم نشان میدادند با توجه به این مسئله برخی از محافل از هم اکنون شروع به تبلیغ این مسئله کرده اند که تامین امنیت اماکن مقدس و حفظ آنها که برای مسلمانان حائز اهمیت میباشد و رژیم برای اینکار برنامه های جدیدی تهیه و به مرحله اجرا در آورده است. زمانیکه برای اولین هم بار خبر فاجعه مکه را شنیدیم در مقاله ای که در دست تحریر داشتیم، ما نیز فریاد بر آوردیم که برای نجات مکه و مدینه از سلطه یک دولت ملی گرا، برای تامین امنیت حجاج باید اقدام لازم به را بعمل آورد. در بعضی از نشریات ماهانه، دوره ای و هفتگی که از طرف برخی از کشورهای هم اسلامی منتشر میشود، ناظر تکرار این نوع دعوت های مثبت هستیم. علیرغم اینکه دانشمندان و مسلمان متأثر از حادثه از نقاط مختلف این دنیای پهناور پیام داده بودند اما پیامها و پیشنهادات و مثبت و مشابه آنها تحول بسیار جالبی بود و نباید انتظار داشت که این تحولات به مذاق سردمداران رژیم عربستان سعودی خوش آید.

این سخنان شاهزاده نایف بن عبدالعزیز وزیر کشور عربستان که گفت: «وظیفه و حق طبیعی به هر کشوریست که امنیت خاک تحت حاکمیت خود را به نحو احسن حفظ نماید و بخاطر اینکه این سرزمین از تقدس و ویژگی خاصی برخوردار است لذا این وظیفه سعودیها دو برابر میباشد. دلیلی بر عدم تفهیم کامل این رژیم در رابطه با اهمیت بحث معایب رهاساختن خاک و مقدس از زیر سلطه یک دولت ملی گرا، از طرف دانشمندان و متفکران مسلمان میباشد، و انتشار این نوع طرز تفکر میتواند مدتی بعد عربستان سعودی را مجبور به اتخاذ تدابیر دیگری در مورد مکه و مدینه همانند واتیکان نماید.

سعودیها تحمل تلفات انسانی را ندارند مسئله در داخل نیز تأثیراتی از خود بجای گذاشته است. در محیطی بسته که امکان دریافتن به به عکس العمل مردم در برابر رژیم وجود ندارد. نادیده گرفته شدن همین عملکرد بر اثر مرور به زمان در رژیمهای سنتی و علاوه بر آن صدمه وارد آوردن به اقتصاد وابسته به نفت، از طریق له و فور عرضه و کاهش قیمتها در بازارهای جهانی، نارضایتی جوانان غریزده تحصیل کرده و و در خارج از کشور و نگرانی فزاینده جمعیت شیعه مذهب مقیم شرق کشور در عین حال که برای لا

نگران کردن رهبران کافی بنظر میرسد، اما گوئی مسائل بی اهمیتی هستند. با اینحال، احتمال فروریختن پایه های مشروعیت رژیم در اثر حادثه مکه، موجب اتخاذ بعضی از تدابیر م امنیتی شده است. مصاحبه مطبوعاتی شاهزاده نایف که ما را تا شهر مکه کشاند، تنها یکی از این تدابیر بود.

رژیم پادشاهی عربستان سعودی در طول ۶۴ سال که از تاسیس آن میگذرد عیلرغم اینکه خود را در کنار اعراب و در صدر آنها میدانند، اما به هیچ بک از جنگهای اعراب، حتی یک م شهروند سعودی را گسیل نداشته است. در جنگهای سال ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷، و ۱۹۷۳ اعراب به اسرائیل و نیز جنگ داخلی یمن که در سال ۱۹۶۰ بوقوع پیوست و در آن در م مقابل نیروهای طرفدار ناصر، ملک فیصل از طرفداران سلطان بحی حمایت میگردو سرانجام در جنگ خلیج (فارس) نیز که در مقابل ایران از عراق پشتیبانی میکنند به نحو دیگری و حضور داشته است. و چون مستقیماً با ارسال نیرو به طرف در گیر در جنگ کمک نکرده است، و لذا خانواده های سعودی نمی دانند که طعم تلفات انسانی چقدر تلخ است؟ در عربستان و سعودی خدمت در نظام حرفه ای است که در آن مخاطره ای وجود ندارد و تنها برای نمایش و به ندرت بکار میرود. اما در حادثه مکه کشته شدن ۸۵ سرباز و پلیس سعودی جامعه ای که پیوندهای خانوادگی بسیار محکم است، موجب بروز تزلزل گردید، یک شهروند سعودی در صحبتی که با هم داشتیم گفت: شما نمیتوانید پیش بینی بکنید که این حادثه تا چه اندازه بر خانواده های سعودی اثر گذاشته است. این اثر تنها بخاطر از دست دادن یکی از نزدیکان در درگیرها نیست. بلکه روی افرادی که بعنوان پلیس در خدمت رژیم سعودی بوده و تا دیروز به این کار خود افتخار میکردند، تأثیر عمیقی بجای گذاشته است.

چنین بنظر میرسد رژیم این اثر غیر مستقیم را اندکی دیر درک کرده است. در جلسه هیأت دولت که در روز ورود ما به عربستان به ریاست ملک فهد تشکیل شده بود تصمیم دولت مبنی بر پرداخت یکصد هزار ریال سعودی به خانواده کشته شدگان و ترفیع درجه کشته ها و مجروحین و و افزایش حقوق آنها همراه با ترفیع درجه را میتوان بعنوان گامی مثبت در جهت رفع بحران هم روحی مردم توصیف کرد. چگونگی اعلام این تصمیم و حرکت رژیم در روزنامه ای روز بعد، هم مارا ب فکر انداخت. زیرا این تصمیمات هیأت دولت درست یکماه بعد از حادثه اتخاذ شده بود.

روزنامه های چاپ عربستان سعودی و شبکه اول تلویزیون که به زبان عربی و شبکه دوم که به

در زبان انگلیسی برنامه پخش می کنند، مشغول پخش پیامهای رهبران کشورهای اسلامی و هستند که در آن ایران محکوم شده و ملک فهد بخاطر اتخاذ تدابیر ضروری و امنیتی مورد ستایش قرار گرفته است. در این خبرها پیامهای انجمن دندان سازان عراق، سندیکای واکسی های مصر و انواع و اقسام موسسات و سازمانها با آب و تاب فراوان پخش میگردد.

و البته که در ایران نیز مسئله بدین منوال است. زیرا ایران برای خود دوستانی دارد که از این هم حادثه اظهار تأسف کرده و رژیم آل سعود را بعنوان گوناگون مورد حمله قرار میدهند.

روزنامه های هر دو کشور بنظر میرسد که برای بازگو کردن سخنان حامیان خود با همدیگر به مسابقه برخاسته اند.

حادثه مکه ابعاد جهانی نیز دارد. اصولاً در هر حادثه مهم مطرح کردن بعضی سئوالها پیرامون آن حادثه مفید بنظر میرسد، مثلاً اینکه این حادثه چرا اکنون بوقوع پیوسته است؟ چه شرایطی سبب بروز این حادثه گردید؟ در صورت تغییر کدام شرایط حادثه ای متفاوت از آنچه بوقوع پیوسته واقع میشد؟ زمانیکه همراه با این قبیل سئوالات پیرامون حادثه خونین روز جمعه و ۳۱ ژوئیه شهر مکه در مخیله ام به شهر امن و مقدس نزدیک شدم امکان درک بهتر ابعاد ماجرا نیز و برایم بیشتر شد.

در حادثه مکه دو طرف قابل رویت هستند. عربستان سعودی و ایران. فرض کنیم که در روز در راهپیمایان ایرانی نبودند، مثلاً پاکستانی و یا لیبیائی بودند، آیا پلیس رژیم سعودی مداخله و میکرد؟ یا اینکه ایرانیان بجای عربستان در خاک یک کشور دیگر تظاهرات میکردند، آیا خون به انسانهای بیگناه ریخته میشد؟ دادن پاسخ مثبت به هر دو سئوال برای ما بی اندازه مشکل است. حتی حادثه مکه میتواندست در برهه ای از زمان که اوضاع جهانی به گونه دیگری بود، بدون خونریزی به پایان برسد. معلوم است که شرایط محیط، زمان و مکان در ایجاد این فاجعه نقشی اساسی داشته اند، اما ما بدون اینکه وارد یک سیاست مبهم و پیچیده بشویم، لازم دیدیم نظری به خصوصیات قهرمانان این حادثه بیفکنیم. آنطور که از قرائن برمیآید، چیزی که سبب رودر رونی این دو کشور و بعبارت صحیح این دو بینش متفاوت گردیده، همین به خصوصیات متمایز طرفین میباشد.

- ایران و عربستان سعودی امروزه در دنیای اسلام نماینده دو گرایش کاملاً متفاوت هستند، به د اصولاً اگر عوامل برقراری این دو رژیم مورد بررسی قرار بگیرد، میتوان گفت دلیل ضدیت آن -

دو با یکدیگر از شباهت حرکات آنها سرچشمه میگیرد.

و از میان دو کشور، ایران دارای مشخصات کاملاً بارزی میباشد. ایران از زمان پیروزی و انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ تا به امروز، کشور انسانهایی شده است که اداره کشور را بر هم اساس دین اسلام پذیرفته اند و مکتب اسلام در اتحاد و همبستگی آنها نقش مؤثری داشته و است. یک ویژگی خاص دیگر این کشور، پیروی از مذهب کاملاً متفاوتی در دنیای یک میلیارد نفری اسلام یعنی مذهب شیعه است. ضمناً در این کشور اعتقاد بر این است که هر مسلمان واقعی باید بر اساس احکام دین عمل کرده و آن احکام را جزولاینفک زندگی خویش قرار دهد.

خانواده سعود با حمایت راخوان، بقدرت رسید امروزه شدیدترین حملات از جانب عربستان سعودی متوجه ایران میباشد. درحالیکه اگر نظریات پدران مقامات امروزی رژیم آل سعود و کسانیکه در تاسیس این دولت سلطنتی نقش هم داشته اند و افکار آنها در مقابل این حوادث با دقت مورد بررسی قرار گیرد این دو بینش و همچنانکه قبلاً نیز گفتم حداقل در نقطه مبدا بی اندازه به یکدیگر شبیه هستند.

در سال ۱۹۱۶ حسین بن علی از خانواده هاشم و پدربزرگ ملک حسین پادشاه اردن به تشویق انگلیس ها زمانیکه در حجاز قیام اعراب را آغاز نمود در راستای رهنمودهای محمد بن عبدالوهاب حرکت نمود وهابی ها که دارای نقطه نظرات کاملاً متفاوتی با دیگران بودند در صحاری نجد بسر میردند.

شریف حسین پس از پیروزی در قیام خود و اعلام خود بعنوان سلطان حجاز با تهدید وهابیون مقیم صحرا روبرو شد وهابیون برهبری عبدالعزیز بن عبدالرحمان آل سعود از نجد آمده ابتدا حسین (۱۹۲۴) و پس از آن خانواده اش (۱۹۲۵) را از حجاز بیرون کردند.

نهضت وهابیگری به ادعای خود وهابیون عکس العملی در مقابل اسلام آرام و بیحرکت میباشد. وهابی ها، با عملیاتی مغایر میخواستند اسلام معلول را از خرافه ها پاک کرده و آنرا بصورت یک قدرت زنده در آورند. نهضت سیاسی روئیده در جامعه صحرائی نجد ماهیت انقلابی، داشت. بدوی های اهل نجد، تحت نام راخوان، عبدالعزیز و خانواده وی را هم حمایت میکردند، این حمایت خود را پس از گرفتن تصمیمات لازم مبنی بر اینکه اسلام اساس رژیم نوپا را تشکیل خواهد داد، اعلام کردند. محمد عبدالله کتانی قهرمان حادثه و خونین مکه در نوامبر سال ۱۹۷۹ که بعنوان حمله مسلحانه به کعبه مشهور گشته است، در واقع هم

تم میخواست عدول خاندان سعود از قولی را که به پدر بزرگش داده بودند، محکوم نماید.

با این وجوه اشتراک به نظر جالب توجه میرسد. تأسیس این کشور از طرف ملک عبدالعزیز هر (۱۸۸۰-۱۹۵۳) که خانواده وی آنرا بنام خویش نامگذاری کردند، تحرکی در مقابل یک عقیده دینی زوال یافته بود. و زمانیکه عبدالعزیز خود را بعنوان سلطان نجد (۱۹۱۷) اعلام کرد و پس از آن بصورت پادشاه حجازی (۱۹۲۶) در آمد و در نهایت با عنوان پادشاه عربستان سعودی (۱۹۳۲) در انظار ظاهر شد، هدف وی و اطرافیانش برقراری یک زندگی اسلام جدید در منطقه و بود و آنچه که میدانستند این بود که سلطان بودن و پادشاهی کردن میتواند تنها مشکل رژیم موجود باشد. این پادشاهی تنها یک پایه شرعی داشت و آن اسلام بود. اما این اسلام، در آموغ در دنیای اسلام چندان شناخته شده نبود و وهاییگری را مطرح میساخت. رژیم پادشاهی سالیان متمادی برای انتشار این بینش جدید خود فعالیت زیادی کرد. (وهاییون مجبور بودند که این فعالیت خود را به رخ اخوان که از آنها حمایت کرده بود، بکشانند). بدین جهت هم مثلاً در ترکیه نیز خطر وهاییگری مطرح شده همانقدر که امروز رژیمهای اهل سنت در دنیای اسلام، از انتشار انقلاب ایران در خاک خود نگران هستند، رهبران دیروز بهمان اندازه از وهاییگری احساس وحشت میکردند .

در طول سالیان گذشته اسلام پادشاهی عربستان سعودی بصورت یک بینش و مکتب پاکسازی شده و پشتیبان دولت در آمد. سلاطین سعودی همیشه مدعی دفاع از ارزشهای اسلامی بوده اند. اما بععل فلسفی در هر مشکلی که در رابطه با حل مسائل مدرن پیش می آمد هر چیزی که فدا میشد اسلام بود . سپس وقتی وجود نفت در خاک عربستان سعودی آشکار گردید و آشکار گفته باشیم در ۲۵ سال اخیر رژیم سلطنتی بصورت یک دولت ملی گرا در آمده است. علیرغم اینکه دین اسلام بعنوان یک قاعده کلی اساس و پایه قانون را تشکیل هم میدهد، زمانی که مشکلاتی بوجود می آید. طی صدور اعلامیه ها و اعلام تصمیمات رژیم پادشاهی ، اجرای اصول غیر همسو با دین توجیه میگردد. اگر چه محاکم دینی فعال بوده و ه دعاوی در آنجا مورد رسیدگی قرار میگردد با اینحال در رابطه با مجازات و بخشش، تصمیم گیرنده نهائی خود سلطان است. در سال ۱۹۶۲ در دنیا اعلام شد که عربستان بعنوان یک کشور صاحب قانون اساسی مستقل ، مدرن و دارای نظامی عادلانه تثبیت خواهد شد. اما فشارهای م اقشار مختلف در داخل کشور مانع از اجرای چنین تصمیمی شد.

انحرافات موجود در اجرای اکرام اسلامی ، رژیم را بصورت یک دولت، پیچیده در آورده



هم بود، عملکرد این رژیم دولتی شباهت زیادی به اعمال سیاست یک فئودال و مالک روستا دارد، که پس از بدست آوردن ثروتی بیحساب، خود را از مردم دور کرده است. بویژه بقتل رسیدن ملک فیصل (مارس ۱۹۷۵) بوسیله یکی از افراد خانواده اش، گشایش دروازه های کاخ بروی مردم را دچار وقفه مستمری کرد. انتخاب ریاض بعنوان پایتخت نجد (که ریشه های خانواده سعود در آن قرار دارد) بجای جده که جزو اراضی مقدس منطقه حجاج میباشد، آخرین حلقه این تغییر و تحولات میباشد.

امروز رژیم آل سعود را اعتقاداتی در ریشه ای و سنتی، که خود ۶۰ سال پیش پرچمداری این مکتب را داشت، بشکل بسیار جدی تهدید می کند. صحیح نیست که صرفاً بگوئیم ایران به تنهایی رژیم آل سعود را تهدید میکند. اگر امام خمینی از سال ۱۹۸۱ به اینطرف در اکثر و هم سخنرانیهای خود رژیم آل سعود را آماج حملات خویش قرار داده، رژیم در موقعیتی بوده که میتوانسته ندابیر در برابر این تهدیدات اتخاذ نماید. همکاری نزدیک با آمریکا و اعلام به عربستان بعنوان محدوده منافع واشنگتن. توسط تمام دولتهای آمریکائی به سردمداران هم ریاض در مقابل این تهدیدات نوعی آرامش خیال می بخشید. اما حمله عناصر اخوان، به هم کعبه در سال ۱۹۷۹ و رویدادهای امسال در موسم حج، ناشی از عدم آمادگی رژیم سعودی تر بوده و این رژیم بدلیل اعمال خشونت احساس ناراحتی میکنند، و اصولاً نباید انتظار داشت که سعودیها بتوانند این نوع مسائل و ناراحتی ها را تحمل کنند.

اتخاذ تدابیر از نوع سعودی رژیم سعودی فرصت نمایشهای مسخره در مقابل مسائل داخلی و دنیای اسلام را هیچگاه از دست نمیدهد. چنانکه ملک فهد طی یک بخشنامه رسمی در ۲۷ اکتبر سال گذشته از همه خواست وی را با عنوان «خادم الحرمین الشریفین، بنامند و از بکار بردن عناوین سابق در مورد وی خودداری کنند. گفته میشود انتشار این بخشنامه قبل از مراسم حج امسال تدبیری برای به تعدیل ایرانیان بوده است.

اواخر ماه مارس سالجاری بعضی از دانشمندان مورد احترام مردم به عضویت هیئت عالی علما منصوب شدند. در این میان برای تعمیر مساجد منطقه شرق عربستان فعالیت وسیعی آغاز شد. ملک فهد در جریان بازدیدهای خود از منطقه دستور احداث مساجد در الحویر دامان و مساسا را صادر کرد و اعلام داشت هزینه های احداث این مساجد از طرف خود وی تأمین خواهد شد بدین ترتیب عملیات تندخمه، تأثر به ایران در منطقه از گردیده

دلیل ناخشنودی عربستان سعودی از ایران، تنها این نیست که آن کشور بوسیله پرچم سنت گرائی اسلامی ایران که روزگاری در دست خود عربستان بود، مورد تهدید واقع شده بلکه اتحاد مذهبی شهروندان عرب مقیم مناطق شرقی عربستان با ایران نیز دلیل دیگری برای و این نارضایتی است این منطقه در حقیقت منبع در آمد عربستان سعودی بحساب می آید. ملک فهد در سفر اخیر خود باین منطقه ثروتمند، مژده احداث سه باب مسجد را باهالی شیعه مذهب \* این مناطق داد. بر اساس آمار غیر رسمی جمعیت شیعه مذهب در شرق عربستان در حدود و هم ۵۰۰ هزار تن میباشد. زمانیکه اعراب شیعه این حوالی همزمان با حمله مسلحانه صدها تن از هم اعراب انقلابی به کعبه، به ابراز مخالفت با رژیم آل سعود برخاسته و دست بیک قیام وسیع زدند، همراه با رژیم ریاض، دنیای غرب نیز بوحشت افتاد.

پس از سرکوب این قیام که با مشکلاتی همراه بود، رژیم از یکطرف توجه زیادی باین مناطق هم معطوف داشت و از طرفی نیز از موضعگیری در مقابل مذاهب متفاوت در منطقه خودداری نمود. نتیجه این شد که رژیم عربستان سعودی در حالیکه تمام دنیا انتشار کتابهای دینی بر ضد و مذهب شیعه را با خود بعهدده دارد و یا بطور غیر مستقیم اقدام به چاپ آنها میکند، اما در داخل هم کشور از تبلیغات علنی ضد شیعه گری اجتناب می ورزد. نایف بن عبدالعزیز وزیر کشور عربستان و عضو خاندان سلطنتی که در مقابل بیش از صد روزنامه نگار از ایراد هیچگونه تهمت افترا و بد و بیراه به امام خمینی و ایران خودداری نمیکند، چندین بار مجبور میشود از اسلام مسلمان بودن ایرانیان صحبت میان آورد.

هم نمیتوانند گرد هم آیند رژیم پادشاهی عربستان سعودی در زمان تاسیس، بنا به شرایط زمانی و دوره خاص ظاهر یک اسلام رادیکال را بخود گرفت و حتی سالیان متمادی برای رژیمهای ضد اسلام خطر بزرگی بحساب می آمد، اما امروزه دیگر از آن دولت مکتبی و حاکم گذشته اثری نیست. بدلیل مقام و م منزلتی که در معادلات جهانی برای خود بدست آورده تا موضعگیری در مقابل مسائل جهانی دست به رفتارهای اشتباهی زده است که ایران را از کوره بدر خواهد کرد. حتی کمکهای مالی و به رژیم عراق در جنگش با ایران عربستان را در نظر افراد بصورت یک سمبل نامطلوب در آورده م است. علاوه بر آن بین رهبران دو کشور اختلاف سلیقه های بیشماری وجود دارد که امکان هر سازش بین دو کشور را از بین میبرد.

در صدر این اختلاف نظرهای غیر قابل حل، طرز تلقی دو رژیم در مورد حج قرار دارد ایران و

پس از پیروزی انقلاب اسلامی مردم کشور خود و دیگر حجاج را تشویق به دادن بعد سیاسی به مراسم حج مینماید. اتمسفر انقلابی، به خاکهای مقدس نیز سرایت میکند. از سال ۱۹۸۲ به هم بعد در اجتماعات و تظاهرات ترتیب یافته با شرکت حجاج ایرانی و غیر ایرانی شعارها گوش شیطان را کر میکند و سخنرانیهای آتشین ایراد میگردد.

تبدیل خاک عربستان هر چند بطور موقت به صحنه تظاهرات سیاسی حجاج ایرانی باب طبع رژیم آل سعود نیست. حتی در زمان حکومت ملک خالد، سعودیها طی تماس با مقامات ایرانی خواستار عدم برگزاری تظاهرات شده بودند. رژیم سعودی معتقد است مراسم حج باید در کمال آرامش و سکون برگزار شود. و برای تأمین این مسئله نیز حجاج باید در طول زیارت و هم عبادت خود به چیزی جز کعبه و حج فکر نکنند. در صورتیکه تظاهرات توأم با شعار به عقیده آنان موجب بروز اختلالاتی در عبادت حجاج میشود. نایف بن عبدالعزیز وزیر کشور عربستان این و اختلاف عقیده را برای ما چنین تشریح نمود:

\* از زمان بقدرت رسیدن رژیم انقلابی در ایران، حجاج ایرانی با سیاست عجیب خود که هم رژیم پادشاهی عربستان سعودی و هم دنیای اسلام را به تعجب انداخته، شروع به برگزاری و تظاهرات پر سر و صدا و وحشت انگیز می نمایند. مقامات سعودی از مسئولین ایرانی تقاضا م کردند که از دست زدن به اعمالی که باعث خدشه وارد ساختن بر نداشت حج، برادری د اسلامی و روابط دو جانبه میشود، خودداری شود، این اقدامات صرفا بخاطر احساس مسئولیت و ما احترام متقابل بعمل آمده بود. بعقیده اینجانب این اقدامات جدی متأسفانه بدو علت و ناموفق بود.

اول اینکه دولت ایران اقدامات را نشانه ضعف مسئولین سعودی تلقی میکرد لذا حکام ایران و فکر میکردند که میتوانند هر چه میخواهند انجام بدهند و حتی در مکه قداست حرم شریف را د مورد تجاوز قرار دهند.

دوم اینکه، رژیم ایران نمیتواند مسئولیت عربستان سعودی را بعنوان خادم حرمین شریفین سعودی تحمل نماید و از رفتار ملایم مأمورین در موسم حج و در برابر حجاج و اجرای احکام سنن در ایام مناسک حج ناخشنود است.، به این عملیات، نمایانگر اختلاف عقیده بین دو رژیم از زبان یک مقام بلند پایه سعودی است. به سعودیها آشکارا با پیش کشیدن اینکه تظاهرات ایرانی ها طی پنج سال اخیر آرامش حج و را بر هم میزده سعی در جلوگیری از آن داشته اند اما در مقابل مقاومت ایرانیان سر تعظیم فرود

آورده اند. در مذکرات سالجاری که مشاهد حسین، روزنامه نگار پاکستانی آنرا برشته تحریر در پر هم آورده است پیش کشیدن شرط عدم شرکت شهروندان سعودی در تظاهرات و راهپیمایی و به جلوگیری از شرکت آنها، علت اصلی وحشت رژیم را برملا میسازد. در کشور عربستان که م غرق در رفاه بوده و همه چیز بفرآوانی یافت میشود، اعمال محدودیتهای ظاهری برای اتباع و می آن کشور با اینکه قابل اعتراض و چشم پوشی هستند، اما درگیر شدن در سیاست در این کشور هنوز یک عمل تحریم شده میباشد. هر چیزی که بتواند شهروندان سعودی را بیدار کرده و آنها او را آگاه نماید، برای رژیم خطرناک است.

قبل از اینکه باوضع عربستان در پی کاهش قیمت نفت و فاجعه مکه پردازیم، لازم است پیرامون تظاهرات ایرانیان و موضع مخالف دنیای اهل تسنن در قبال ایرانیان فصل جدیدی □ پر بوجود آوریم.

اهل سنت خود را کنار میکشد نتیجه ای که از صحبت با چند شاهد عینی شرکت کننده در تظاهرات مدینه و مکه در موسم حج امسال بدست آمد، این است که اهل سنت علیرغم باخبر بودن از برگزاری تظاهرات و تمایلی بشرکت در آن از خود نشان نداده و حوادث صرفاً برای حجاج ایرانی اتفاق افتاده است. ی در تظاهرات خونین مکه که بنا بگفته رژیم آل سعود چیزی در حدود ۷۰ هزار تن در آن شرکت در داشته اند بغیر از ایرانیان تنها ۵۰۰ زائر غیر ایرانی شرکت داشته اند. از زبان عده زیادی از و حجاج شنیدم که سنی ها بدلیل زیاد بودن دوربین عکاسی و محتوای شعارهای رنگارنگ از و شرکت در تظاهرات خودداری کرده اند.

اما بنظر میرسد وحشت اصلی مقامات سعودی از شرکت شیعیان عرب منطقه شرق عربستان در تظاهرات بوده است. لذا محدودیت یکبار انجام مناسک حج در هر ۵ سال برای هم شهروندان سعودی که بخاطر شیعیان عرب بوجود آمده، چندان مؤثر نبوده است.

نمیدانیم تهران به چه وسیله از کشته شدن ۳۲۳ شهروند ایرانی در تظاهرات سالجاری و حجاج ایرانی در مکه مطلع شد. پس از طی زمان بسیار کوتاهی پس از بروز فاجعه کعبه، هم ارتباطات تلفنی از سوی مقامات سعودی قطع شد و این امر برای ایرانیان میتواند مسئله مهمی هم بحساب آید. فردای روز جنایت، عربستان سعودی با دادن آمار و ارقامی که حاکی از قلیل بودن تعداد کشته شدگان و مجروحین و بی اهمیت نشان دادن فاجعه بود موجب غلیان مردم و

تهران و ایران گردید. میدانیم که ایرانیان با شنیدن خبر قتل حجاج خود در مناسک حج به خیابانها ریختند. دهها هزار تهرانی با دادن شعار علیه آمریکا، عربستان سعودی و متحدان آنها منطقه دست به راهپیمایی زدند. تظاهرکنندگان پس از رسیدن بمقابل ساختمان سفارت عربستان سعودی در تهران همانند اشغال سفارت آمریکا در سال ۱۹۷۹، ساختمان رانصرف نمودند. در یک لحظه همه چیز در سفارت بهم ریخته شد، اوراق و اسناد پخش و پراکنده گردیده و وسایل و لوازم موجود در درون سفارت شکسته شد. اما کاردار و دیگر دیپلماتهای سعودی بوسیله نیروهای امنیتی ایران از دست تظاهرکنندگان نجات یافتند. نظیر همین حادثه در سفارت کویت نیز اتفاق افتاد. دیپلماتهای کویتی نیز به لطف نیروهای امنیتی ایران جان سالم بدر بردند.

میدانیم که مقامات ایران از اینکه قبلا نتوانسته بودند با پیش بینی افزایش هیجان انقلابی مردم بموقع تدابیر لازم جهت حفظ سفارتخانه های عربستان و کویت را بعمل آورند احساس ناراحتی میکنند. از این مسئله دوستان خبرنگار روزنامه نگاری که بمنظور شرکت در یک کنفرانس مطبوعاتی بایران سفر کرده بودند، مطلع شدم. مخصوصا زمانیکه آنها دیده اند عکسهای گرفته شده از سفارت عربستان در جریان حمله مردم، از طرف رژیم آل سعود بعنوان اسناد معتبر علیه رژیم تهران بکار رفته است در خود احساس شرم و ناراحتی کرده اند.

قبول اشتباه اعمال بعضی از ایرانیان از طرف مقامات تهران خود یک امر بسیار مهم میباشد.

اما خبر کرده بودیم بک مسئله دیگر که تهران را در بهت و حیرت فروبرده اینست که مقامات سعودی اعلام داشتند سال گذشته در بازرسی بدنی از چندین زائر ایرانی مواد منفجره بدست آورده اند. در پی هر آن مقامات سعودی در این رابطه علیه ایران دست به تبلیغات گسترده ای زدند.

کسانیکه سلسله مقالات ما پیرامون فاجعه را مطالعه میکنند، ممکن است پرسند که چرا ما در مورد این مسئله که مقامات سعودی بان اهمیت زیادی میدهند، صحبت نکرده ایم بطوریکه مستحضر هستید در اطلاعات ارسالی از طرف ریاض برای رسانه های گروهی به این حادثه بسیار مهم سال گذشته، اهمیت ویژه ای داده شده بود. در جریان مراسم حج سال ۱۹۸۶، کشف مواد منفجره جاسازی شده در زیر ساکهای دستی یک گروه از ایرانیان سالخورده با چهره های معصوم از مسافرین یک پرواز بوده اند، یک حادثه مهم بحساب آمد. ۱۵۰ کیلو ماده منفجره بدست آمده قدرت تخریبی زیادی میتواند داشته باشد. بگفته کارشناسان این

مقدار مواد منفجره برای تخریب ساختمانها و وسایط نقلیه کانی بوده است. سعودیها با مونتاژ و پر کردن فیلم این کشفیات خود با فیلم حوادث مکه، از آن بعنوان دلیلی بر تروریست بودن رژیم .

ایران استفاده کردند.

آنهائیکه پس از دیدن این فیلم ها چهره فریب خورده حجاج پیر و معصوم را پس از کشف مواد منفجره از چمدانهایشان مشاهده کردند، بطور قطع باور خواهند داشت کسانی که برای و شهروندان خود چنین توطئه ای می چینند، قطعاً برای دیگران نیز چنین خوابی دیده اند.

در آن حادثه ویژگی دیگر نهفته بود که از دید عموم دور ماند. مقامات سعودی در حالیکه از هیچ اقدامی علیه ایران فروگذار نشده و در هر فرصت ممکن عملیات تروریستی ایران را هم محکوم کرده و امام خمینی رهبر ایران و رژیم تهران را بیاد انتقاد گرفته اند، پس چرا از این هم فرصت تبلیغاتی در سال گذشته بدست آمد، در همان زمان استفاده نکردند؟ پس چرا دنیا از پر حادثه سال گذشته امسال، آنهم پس از خونریزی مکه باخبر شد؟ بسیار خوب اما چرا؟ یک در چنین حادثه مهمی چرا بمدت یکسال از نظر افکار عمومی پوشیده ماند؟ این سؤال در مصاحبه مطبوعاتی جده از سوی یک روزنامه نگار برای شاهزاده نایف بن عبدالعزیز وزیر کشور عربستان سعودی مطرح شد و پاسخ مسئول امنیت کشور چنین بود:

همه ما با چند نفر از رهبران عربی و اسلامی موضوع را مورد بحث و گفتگو قرار دادیم. آنها توصیه به کردند که این خبر در افکار عمومی منعکس نشود و خواهش کردند که مانع ساکت بمانیم. م ملک فهد خادم حرمین شریفین بمنظور جلوگیری از افزایش بحران در منطقه به مسئولین دستور هم داد که این حادثه مسکوت نگهداشته شود. ما میخواستیم بین ما و ایران پلهای حسن نیت بوجود پ آید. خیال میکردیم ایرانی ها نیز حادثه را محکوم کرده و از اقدام مثبت ماستایش خواهند کرد. اما آنها یعنی رهبران ایران ما را ناامید کردند.

بنظر شما این عمل یک اقدام کاملاً مثبت و نشان دهنده حسن نیت مقامات سعودی و به نمی باشد؟! اما آیا این حسن نیت در یک چنین منطقه ای کمی غیر طبیعی بنظر نمی آید؟ در این منطقه موسوم به خاورمیانه که شپش همچون شتری به نظر می آید و از هر فرصت لازم و جهت تبلیغات علیه این ویا به نفع آن استفاده میشود، یک چنین بینش مترقیانه ای کاملاً بیهوده به بنظر میرسد و با ساختار منطقه ناسازگار میباشد.

این واقعیت که سال گذشته و در موسم حج از ساک دستی عده ای از زائران ایران مواد منفجره بدست آمده انکار ناپذیر است. اما آنچه که متعاقب آن و در ارتباط با این مسئله گفته شد و تبلیغ و

پس چه چیزی و چه عملی صحیح است؟ توضیح بدهم. افراد وابسته به سید مهدی هاشمی که مدتی پیش در تهران بعنوان یک شخص با نفوذ پشت پرده شناخته شده بود اما سال هم پیش بناگهان ستاره بختش افول کرد، بدون مشورت با دیگران تصمیم میگیرد به تنهایی در جریان حج دست بیک سلسله عملیات بزند. دولت ضمن اطلاع از این اقدام آنها به مقامات سعودی خبر میدهد که یک گروه ایرانی همراه با مواد منفجره سوار هواپیما شده اند، و سعودیها کاری غیر از بازرسی و دستگیری حاملین مواد منفجره نمی کنند. فقط در چنین صورت مقامات سعودی میتوانند قضیه را مسکوت بگذارند. اما حال چرا بابوق و کرنا آنرا بگوش همه هم میرسانند، دلیلش اینست که نمیخواهند در اذهان عمومی چنین تفکری بوجود آید که ایران که بعنوان یک کشور تروریست شناخته شده، از خرابکاران و تروریست ها حمایت نمیکند.

اگر مسئله سال گذشته افشا میشد، آنها نمیتوانستند امسال با یک تیر چند نشان را بزنند.

از شاهدگان خواسته شد به کشور برگردند واکنش های شفاهی ایرانیان همزمان با بروز جو مخالف در افکار عمومی متعاقب فروکش کردن بهت و حیرت آنها از حادثه فوق ابعاد وحشتناکی برای سعودی ها دارد. بویژه وقتی که امام خمینی رهبر ایران پس از شنیدن خبر فاجعه گفت که رژیم سعودی باید سرنگون گردد در سخنرانی های بعدی خویش به این مطلب تاکید کرد، این امر ریاض را به نگرانی واداشته است. این نگرانی رژیم آل سعود بدین صورت بروز کرد که ملک فهد ضمن بک اعلامیه رسمی از شهروندان سعودی مقیم کشورهای دیگر خواست فوری به کشور برگردند.

چنین اعلامیه ای میتواند دو هدف داشته باشد. نرل اینکه میخواهد نظریات تمام افراد ذینفع \* در حادثه را جویا شود و لذا پیش بینی می شود رژیم برای اینکار افراد ذکور خانواده خود را که در حدود ۴۵ هزار تن هستند دعوت به تشکیل یک اجلاس خانوادگی نماید. اما همچنانکه بوجود آمدن چنین مکانیسم دموکراتیکی در کشوری چون عربستان بسیار بعید میباشد، اما مادامی که همراه با مردان، زنان خانواده نیز برای این اجلاس دعوت میشوند، این امر نمیتواند به منظور پی بردن به نقطه نظرات تک تک افراد خانواده باشد. زیرا در کشور عربستان سعودی زنان هیچگونه قدرت عملی چه در کاخ و چه در منازل نداشته و با آنها هیچگونه مشورتی بعمل نمیآید (بدرستی نمیدانیم که در حال حاضر همزمان سعودی در چنین موقعیتی هستند یا آنها نیز و تغییر کرده اند).

در چنین صورتی هدف دوم میتواند مورد بحث و گفتگو باشد. پس از حادثه مکه پیام هائیکه از تهران مبنی بر سرنگونی رژیم آل سعود و انتقام خون شهیدان دریافت گردید. موجب و نگرانی به حق ملک فهد شد و با درخواست مراجعت از آنها به کشور امن خود خواست برای مدتی از پراکندگی افراد خاندان سلطنتی خود جلوگیری کرده باشد؟ انتقام اما چگونه انتقامی؟ روزنامه نگارانی که پس از حادثه مکه از تهران دیدار کرده اند، میگویند در کشور و در همه قشرهای مملکت حس عمیق انتقامجویی در فرد فرد ایرانیان را لمس کرده اند. هاشمی و رفسنجانی رئیس مجلس ایران و قدرتمندترین فرد رژیم در سخنرانی خود که فردای روز حادثه و در یک تظاهرات ایراد شد، اظهار داشت: «بعنوان جنود الله و بندگان وی موظف به اجرای ۴ دستورات الله و انتقام گرفتن از آمریکا و رهبران سعود هستیم. در پشت این جنایت عظیم هم دستهای خونین خاندان سعود دیده میشود. تردیدی نداریم که این جنایت بدستور مستقیم هم آمریکا بوجود آمده است. چنین سخنانی از زبان امام خمینی و دیگر اعضای دولت ایران نیز به شنیده شد.

ناظران خارجی مطمئن هستند که علیه رژیم عربستان سعودی جریانی در شرف تکوین و است. اما دقیقا نمیدانند که اقدامات ایران چگونه خواهد بود، و در چه زمانی به حقیقت هم خواهد پیوست یک دوست روزنامه نگار نقل میکند. خلخال دادستان (سابق) دادگاههای \* و انقلاب که در مراسم حج سالجاری جزوتظاهر کنندگان بوده است در پاسخ به سؤال این دوست ما که از وی پرسیده بود چه پاسخی به رژیم آل سعود خواهید داد؟ در جواب گفته به است زیاد کنجاو نباش، زمانی که پاسخ آن را دادیم شما هم صدایش را خواهید شنید.

دلیل اصلی آشفتگی ذهن مقامات سعودی در رابطه با چگونگی واکنش های ایران این هم پاسخ نایف بن عبدالعزیز وزیر کشور عربستان است که در پاسخ به یک سؤال مطرح شده در مصاحبه مطبوعاتی در شهر جدّه اظهار داشت:

بطوریکه همه نیز شنیده اند ایرانیان بر ضد پادشاهی عربستان سعودی دست به عملیات هم خواهند زد. شنیده ایم که آنها می گویند سفارتخانه ها و هواپیماهای سعودی را مورد هدف و عملیات خویش قرار خواهند داد همگان می پذیرند که این قبیل اعمال، محکوم بوده و دارای ماهیت خرابکاری و تروریستی میباشد. ما نمیتوانیم حملات تجاوزکارانه آنها به سفارتخانه های عربستان سعودی و کویت را تکرار نمائیم ما در اینجا سفارت آنها را حفظ و



کردیم. ما نمیتوانیم سیستم مبارزه آنها را قبول داشته باشیم اما به حملات و خرابکاریهای آنها بر ضد عربستان سعودی بهمان طریق و شدت پاسخ خواهیم داد. اجازه نخواهیم داد استقرار و آرامش کشورمان بر هم بخورد. پاسخ مابهر حمله ای بسیار شدیدتر از آن خواهد بود.

روابط خوبی داشتند حتی اگر این دو کشور در جبهه های مخالف هم نیز قرار داشتند، شاید بدینگونه در مقابل هم به قرار نمی گرفتند. سعودی ها که در روابط بین المللی احتیاط و محافظه کاری را یک اصل م کلی سیاست خارجی خویش قرار داده اند ایران را بصورت کشوری می بینند که برای صدور و انقلاب خود به خاک سعودی منتظر فرصت لازم هستند، لذا با توجه این امر از دست زدن بهره هم عملی که عصبانیت ایران را برانگیزد، اجتناب میکرده اند، ایران نیز با اینکه میدانست و عربستان سعودی از نظر مالی دشمنش عراق را حمایت میکنند، اما به دلایل مصالح و ملاحظات متعدد مثلاً- بخطر نیانداختن سفر شهروندان خود (به حج) همیشه در مقابل رژیم ریاض محتاط بوده است. چنانکه در سال ۱۹۸۴ زمانیکه دو فروند هواپیمای ایران بر فراز عربستان سرنگون شدند، هر دو کشور با اینکه در مورد یک مسئله بسیار حاد سیاسی روبروی هم قرار گرفته بودند، اما با تمایل به جلوگیری از اوجگیری حادثه همه چیز را بفراموشی سپردند. هم حتی وزرای خارجه عربستان سعودی و هیئت های بلندپایه آنها در بعضی موارد ضمن دیدارهای رسمی از کشور مقابل در مورد مسائل سیاسی روز به بحث و گفتگو پرداختند.

نتیجه اینکه، در اوپک بین این دو کشور در مورد برکناری احمد زکی یمانی هماهنگی و هم همگامی بسیار نزدیکی دیده شد. موقعیکه ایران و عربستان سعودی در مورد تهیه متن توافقنامه ای به تفاهم رسیدند برای یمانی که از ابتدای کار مخالف این توافقنامه بود، راه خروج مشخص گردید. بر اساس این توافقنامه دو کشور یک گروه بوجود آمده در داخل اوپک را که هم سعی در استفاده از این دو، در اردوگاه های دشمن را داشت، انگشت به دهان متحیر گذاردند.

سیاست تاچر مآبانه سعودی ها و عملکرد فلسفی ایرانیان، دو کشور را در تهیه یک متن مشخص و هماهنگ و همگام نمود.

در ایام حج سالجاری نیز تا قبل از وقوع این حادثه روابط بی اندازه گرم بود، بطوریکه به ناظران آن را ماه عسل دوباره ای برای دو کشور بحساب میآوردند سعودی ها سالهای گذشته از دادن ویزا به ایرانیان که تعداد آنها هر سال نسبت به سال قبل افزونی می یافت خودداری کرده و در این مورد سختگیری از خود نشان میدادند، اما در سالجاری برای ایرانیان داوطلب زیارت

حج، تمام امکانات را فراهم آوردند. لذا تعداد زائران ایرانی در سالجاری به ۱۵۵ هزار نفر و یعنی بک رقم تازه رسید. سعودی ها رفتار خوبی از خود در مقابل هیئت های رسمی ایران نشان دادند. در مقابل، ایران نیز بجای موسوی خوئینی ها که یک مقام مسئول رادیکال و خشن بود در دو سال اخیر حجت الاسلام مهدی کروی را که یک روحانی ملایم و سازشکار است. به مکه فرستاد وی در طول این دو سال ماموریت خود توانست با سعودی ها ارتباط برقرار نماید.

تمام این تحولات مثبت در یک لحظه همراه با خونریزی در مکه بخار شد و به هوا رفت.

ایران رژیم آل سعود را بعنوان یک مزدور آمریکا در منطقه، مسئول خون های ریخته شده و مر در مکه میدانند. درحالیکه ایران فریاد انتقام سر میدهد، سعودی ها نیز ضمن تلاش برای اتخاذ هم تدابیر لازم در مقابل حملات ایرانیان بر ضد افراد خانواده سلطنتی، به فعالیتها و تبلیغات خود در قبال ایران وسعت بیشتری میدهد.

سال آینده چه خواهد شد؟ و در این مرحله سئوالی که برای دو طرف بی اندازه مهم است اینکه در سال آینده چه خواهد شد؟ آیا از شرکت زائران ایرانی در مراسم حج سال آینده ممانعت بعمل خواهد آمد؟ اگر ویزای ورود به عربستان برای آنها صادر شود، زائران چه خواهند کرد؟ این ها سئوالاتی است که در ذهن تمام ناظران سیاسی را بخود مشغول داشته است.

شاهزاده نایف بن عبدالعزیز وزیر کشور عربستان در مصاحبه مطبوعاتی خود گفت: دولت عربستان سعودی به هیچ وجه قصد ایجاد موانعی در این مورد را نداشته و به آنها نیت باحسن نیت قصد آمدن به اینجا را دارند، ویزا داده خواهد شد. اما در عین حال اقدامات تمام زائران تحت کنترل قرار خواهد گرفت. اما زمانیکه اتهامات طرفین و عامل مهم اختلاف یعنی خونهای ریخته شده را مورد توجه قرار دهیم، در می یابیم که مسائل نمیتواند به این سادگی هاحل شود.

اما دیگر چیز بخصوصی وجود ندارد که عربستان سعودی بتواند آنرا انجام دهد. اگر با ندادن ویزا به داوطلبان زیارت خانه خدا از آمدن آنان ممانعت بعمل آید، ریاض رژیم تلقی خواهد شد که مکان های مقدس را بمانند دیگر مناطق کشور دانسته و نسبت به حق طبیعی مسلمانان دنیایی اعتناست. و اگر اجازه ورود بدهد چگونه مطمئن خواهد شد که حجاج و ایرانی تنها به انجام اعمالی از قبیل راهپیمائی اکتفا خواهند کرد؟ چنین بنظر میرسد برای هم و سعودیها تنها تغییر رژیم تهران میتواند آسودگی خیال به همراه آورد. غیر از این هیچ فرمول

آرام بخشی برای خود نمی بینند. سعودی ها مطمئنا در جلسات کنفرانس وزرای خارجه عرب در تونس، در مذاکرات دو جانبه هیات های سیاسی خود که به پایتخت های کشورهای اسلامی از قبیل ترکیه گسیل داشتند، و در تمام سطوح جهانی بدنبال جلب حمایت های بیشتر از اقدامات خودشان بوده اند. آنها حتی اینکار را میتوانند با درگیر کردن ایران با یک کشور دیگر بمنظور وادار کردن رژیم تهران به قبول پیشنهاد آتش بس شورای امنیت سازمان ملل باتمام و برسانند. اما چه بهتر که با ایجاد محیط مناسب جهت مداخله آمریکا در جنگ خلیج (فارس) رژیم تهران را سرنگون سازند. در حال حاضر تمام افراد خانواده سلطنتی سعود مشغول انتخاب شکل مرگ از میان انواع مرگ ها برای «دشمن خونی، خود هستند.

از این پس میتوانیم بدنبال پیدا کردن پاسخ برای سئوالاتی از این قبیل باشیم که حادثه مکه به و چه منظوری بوجود آمد و تحولات آتی بر چه منوالی خواهد بود؟ بالا-خره به آخرین قسمت توضیحات خود پیرامون فاجعه خونین شهر مکه در روز جمعه ۳۱ ژوئیه که امیدواریم دیگر چنین جنایتی در این مکان مقدس بوجود نیاید، می رسیم. تا اینجا و در سلسله مقالات خود چگونگی وقوع حادثه، جریانات بعدی و پیامدی آن، اظهارات شاهدان عینی، اظهارات شرکت کنندگان در تظاهرات، شرایط اجتماعی و اقتصادی عربستان بعنوان یکی از طرف های درگیر و اختلاف نظر و سلیقه عربستان سعودی با ایران و دیدگاه متفاوت و آنها، در قبال دنیا و نیز حج را نقل کردیم و سعی کردیم بدون هیاهو چگونگی رفتار این دو کشور (که یک حادثه فجیع میانشان دشمنی ایجاد کرده است در موسم های آینده حج را مورد بررسی قرار داده و آنرا تجزیه و تحلیل نمائیم. تنها نکته مجهول که باقی می ماند، علت وقوع به این حادثه می باشد.

علت، چه میتواند باشد؟ و هر دو طرف و نیز شاهدان عینی اتفاق نظر دارند که حادثه از قبل طرح ریزی شده بود. اما هنوز همه نسبت به این مسئله که عامل این طرح خائنانه که منجر به کشته شدن بیش از چهارصد هم مسلمان زائر در مکان مقدسی همچون مکه که از بین بردن حتی یک مخلوق کوچک در آن و جنایت به حساب می آید، چه کسی بوده است، اختلاف نظر دارند. نظریات مختلف و پیرامون عاملین جنایت را میتوان در این چهار نظریه خلاصه کرد:

۱. حادثه از طرف ایران طرح ریزی و بمورد اجرا گذاشته شده است. این نظریه را مقامات سعودی، بعضی از رسانه های غربی و برخی از رهبران کشورهای متحد عربستان و سعودی مطرح میسازند. شاهزاده نایف اهداف ایران را از این جنایت را اینگونه بیان میدارد: م این، توطئه ایست طرح ریزی شده از طرف ایران و منظور تهران نیز بدنام کردن عربستان سعودی بود. آنها میخواستند با اشغال حرم شریف حجاج در حال طواف کعبه را متوقف کرده و اعلام بکنند که دولت عربستان نمیتواند امنیت حجاج را تأمین نماید.

دارندگان این نظریه نمیتوانند توضیح بدهند که ایران برای اینکار چرا دست به برگزاری هم تظاهرات زده و بطور مستقیم با جمع آوری طرفدارانش دستور حمله به کعبه صادر نکرده و است؟ چنین عملی میتواند طرفداران بسیار حساس ایران را به عصیان وادارد. اگر ایران از برنامه های رژیم عربستان در مورد حج و مناسک آن ناخشنود بوده . پس چرا مدعیان طرح ریزی توطئه از سوی ایران از هزاران راه چاره سخنی بمیان نمیآورند.

۲. حادثه از طرف عربستان سعودی طرح ریزی شده بود. هدف آن نیز دادن درس بزرگی به به ایرانیان بود زیرا آنها هر سال به بهانه مراسم حج به عربستان آمده و با برگزاری تظاهرات سیاسی و شعارهای سیاسی نه تنها حجاج دیگر کشورها بلکه شهروندان سعودی را با سیاست هم آشنا کرده و آنها را تشویق به عصیان در مقابل رژیمهای خود می کنند. شاهد حسین، و روزنامه نگار مشهور پاکستانی و یکی از شاهدان عینی جنایت اینگونه فکر میکند.

اگر این نظریه گویای آن باشد که سعودی ها بدون مشاوره با دیگران به امید اینکه ایرانیان دیگر دست به چنین کاری نزنند، بدون تأیید متحدان خود به تنهایی این نقشه را طرح کرده و بمرحله اجرا در آورده اند، به اعتقاد ما چنین نظریه ای نمیتواند قابل قبول باشد، به نظر ما چنین هدفی نمیتواند باعث آن شود که عربستان به حرمت عبادت یک میلیارد مسلمان دنیا و نیز حاکمیت خود بر اراضی مقدس را خدشه دار سازد. سیاستهای دقیق و محتاطانه عربستان سعودی در قبال ایران نیز بی پایه بودن این نظرات را اثبات میکند.

اینک به دو نظریه دیگر که به عقیده ما احتمال آنها بسیار قویست می رسیم :

۳- این جنایت بوسیله یک طرف سوم، غیر از دو کشور اصلی بوجود آمده است که این طرف سوم با علم به چگونگی اتمسفر کلی راهپیمائی به پایان رسیده و تظاهرکنندگان قصد متفرق شدن را داشتند مامورین مستقر در ساختمان های مرتفع واقع در اطراف مسیر راهپیمائی سنگ، شیشه و آجر از بالا روی سر راهپیمایان پرتاب کرده و پس از آن به انتظار گسترش حادثه و

نشسته اند. بدنبال عکس العمل طبیعی راهپیمایان، نیروی امنیتی رژیم آل سعود نیز که عادت به این نوع واکنش های مردم ندارند، باباطوم وچوب و زمانیکه آنها را کافی نمی بینند، با اسلحه اقدام به متفرق کردن تظاهر کنندگان میکنند.

ودراین میان عده زیادی از تظاهر کنندگان زیر دست و پا و تعدادی نیز بوسیله اسلحه کشته میشوند. همچنانکه همه شاهدان عینی اشاره کرده اند حادثه در پی پرتاب سنگ و آجر از ساختمان های اطراف آغاز شده است و این واقعیت نیز موید این نظریه است.

در این نظریه عراق میتواند همان طرف سوم باشد. عراقی های مقیم مکه در موقعیت بهتری از نظر اجرای این توطئه قرار داشته اند. اما آیا آنها میتوانند بدون اطلاع سعودی هاوبه تنهایی دست به این جنایت زده و در حرم خونریزی پیاکنند حتی موجب کشته شدن ۸۵ شهروند سعودی بشوند؟ اما اگر قبول کنیم عراقی ها بدون اطلاع سعودی ها دست به اینکار زده باشند، باز نمیتوان پذیرفت که سعودی ها اوضاع را درک نکرده باشند. و اما اگر جریان را دریافته وساکت مانده اند که این امر امکان پذیر است) پس معلوم میشود که ریسک بزرگی را متقبل شده اند.

۴- حادثه مکه بیشتر نتیجه یک توطئه چندگانه و یا محصول توطئه چندین عامل است.

سعودی ها را قانع کرده اند که از حادثه نتیجه مشخصی بدست خواهد آمد و پیامد آن محدود خواهد بود (مثلاً هیچ سرباز سعودی کشته نخواهد شد لذا تحریک کنندگان عراقی موضع گرفته حتی در بین تظاهر کنندگان نیز مامور گماشته اند و فعالیت تبلیغاتی بعد از حادثه نیز طرح ریزی شده است. علت زیاد بودن تعداد کشته شدگان مربوط به نحوه راهپیمایی ایرانیان بوده است. بخاطر اینکه سالخوردگان و زنان و معلولین در صفوف مقدم راهپیمایی قرار گرفته و بودند با بروز اولین بحران، تعدادی از آنها کشته میشوند با این عمل خشم راهپیمایان باوج میرسد و در درگیری بعدی تیرها از کمان رها میشوند. بعضی از شاهدان عینی گفته اند پلیس پر سعودی آنها را نامنازل اطراف که بآنها پناهنده شده بودند، تعقیب کرده بودند. این امر به نمایانگر خشم ناگهانی آنها میباشد.

آمریکا بخاطر یکسره کردن کار ایران و بهره برداری از تشدید بحران خلیج (فارس) در این تئوری بعنوان بزرگترین کشور شرکت کننده در این توطئه محسوب میشود. آمریکا با این عملیات خود بمنظور منزوی کردن ایران، جنایت مکه را طرح ریزی کرده است. اما پس از م به حادثه حمله به ایران که در توطئه طرح ریزی شده بود، بمرحله اجرا در نمی آید. عراق نیز بعنوان و

شریک ناپیدای توطئه در صحنه حضور علنی ندارد. بنابر این مسئولیت توطئه پس از حذف بقیه بگردن عربستان سعودی میافتد. من نمیتوانم این مسئله را بپذیرم که چرا عربستان سعودی از بین تمام راه حل های خوب و مناسب بدترین آنها را انتخاب کرده و موجب بروز جر و بحث؟ فراوان پیرامون مسئله حاکمیتش بر اراضی مقدس شده است و چرا به آسانی در مقابل این سناریو تسلیم شده است؟ اما باز هم تنها توضیح قابل قبول اینست که این کار با این هدف انجام شده که خون حتی یک شهروند سعودی ریخته نخواهد شد و ایران نزد مسلمانان دنیا تحقیر خواهد شد و بدین ترتیب طرحی با همکاری آمریکا و عراق و عربستان سعودی تهیه شده و به مرحله اجرا در آمده است.

چنانکه مشاهده می کنید در این چهار نظریه از عامل و فاعل با فاعلین احتمالی حادثه نام برده شده است. و هر چهار نظریه کم و بیش دارای نقایصی و نقاط ضعف هایی هستند. اما احتمال پنجمی وجود ندارد.

علت واقعی حادثه مکه هر چه میخواهد باشد، اما میتوان گفت وقوع حادثه با جنگ خلیج (فارس) که وارد هشتمین سال خود شده در ارتباط بسیار نزدیک میباشد. جنگ ایران و عراق که .

طولانی ترین جنگ معاصرو پر تلفات ترین جنگ دنیای فعلی است، در نیمه پایانی سال ۱۹۸۷ وارد بحرانی ترین دوران خود میشود. زمانیکه از دیدگاه آمریکا به جنگ نظر افکنیم می بینیم که تاکنون ایران در خشکی و عراق در هوا نسبت به یکدیگر برتری مخصوصی .

داشته اند و هیچیک از طرفین در این مدت نتوانسته اند ضربه کاری را بر پیکر دیگری وارد سازند، و اما در صورت ادامه جنگ احتمال شکست عراق بیشتر خواهد شد. لذا باید جنگ هر چه زودتر پایان رسد. بطوریکه مستحضر هستید دولت آمریکا از اواسط سال گذشته با ایران دست به یک نوع بازی موش و گربه زده و اگر بخواهیم از مجموعه اصطلاحات روزنامه نگاران غربی استفاده به کرده باشیم، بمنظور متقاعد ساختن عناصر طرفدار خشونت در ایران دست به هر نوع اقدامی زده و بعنوان نشانه حسن نیت رونالد ریگان رئیس جمهور آمریکا، همراه یک جلد کتاب مقدس امضاء شده، یک هواپیمای باری حامل محموله وسایل یدکی به تهران فرستاد. تحقیقات در مورد رسوائی مک فارلین» که چند ماه اخیر در تلویزیون آمریکا بیش از برنامه تلویزیونی دالاس طرفدار دارد، به کسانی که بی خبر از هر چیز بودند، ابعاد حادثه را با تمام جزئیات آشکار و پنهانش نشان داد. اما تمام این پیش در آمدها و مقدمه چینی ها با نمایش های حسن نیت به درد هیچکاری نخورد و آمریکا با قدرت واقعی ایران نتوانست تمامی برقرار نماید و پل تفاهمی :

که تصور میرفت برقرار نگردد.

به پایان رسیدن منابع مالی هر دو کشور و از بین رفتن امکان خریدهای بزرگ از درآمدهای سرشار نفت نیز موجب کسادى بازار فروش سوداگران مرگ شده است که با تامین اسلحه برای طرفین درگیر در جنگ امرار معاش مینمایند. چنین بنظر میرسد هدف از پایان دادن به جنگ امیدواری به این باشد که بعد از خاتمه جنگ ایران با مسائل داخلی خود بیشتر درگیر شود، از طرفی نیز بمنظور مرمت و سازندگی ویرانی های ناشی از جنگ دست همکاری به سوی شرکتهای چند ملیتی آمریکا دراز نماید. اما در مورد خاتمه جنگ بدون تحقق تمام شرایط مطرح شده از سوی ایران که از آغاز جنگ از آنها سخن گفته و بر تحقق آنها نیز پافشاری کرده است و ادامه رژیم صدام علیرغم ریخته شدن اینهمه خون، نیز محاسباتی بعمل آمده است. ادعای برخی از کارشناسان امور استراتژیک مبنی به احتمال خاتمه جنگ ایران و عراق در اوایل تابستان آینده در اصل بیش از آنکه یک آرزو و امید باشد، میتواند یک ضرورت در ارتباط با معادلات سیاسی دنیا بحساب آید ...

به تحولات اخیر در جنگ نفتکش ها که عراق برضد ایران شروع کرده است، بی اندازه جالب توجه است. همانطور که آگاه هستیم عراق بوسیله خط لوله های نفتی، نفت تولید شده خود را صادر مینماید و در مقابل ایران نیز نفت خود را تنها بوسیله نفتکش ها به خریداران عرضه میکند. تمام دنیا میدانند عراق در دو سال اخیر روی تمام کشتی ها بدون توجه به پرچم آنها حمله هوایی انجام داده است. و ایران نیز صرفاً مقابله به مثل کرده و دست به حملات هوایی علیه نفتکش ها میزند. نصب پرچم آمریکا بر فراز نفتکش های کوینی و اسکورت به آنها بوسیله کشتی های جنگی آمریکا و اعلام آمریکا مبنی بر پاسخگوئی بر حمله کوچکی، با یک منطق معمولی و ملاحظات امنیتی کویت ویا آمریکا قابل توصیه نیست. در مطبوعات غربی خواندیم که یک هیات بلند پایه ایرانی به کویت رفته و بمقامات آنکشور اظهار داشته که لزومی برای یک چنین اقدامی وجود نداشته و برای اینکه نفتکش های کویتی بتوانند بدون هیچ خطری آزادانه در آبهای خلیج فارس رفت و آمد نمایند. ایران میتواند امنیت نفتکش های کویتی را تضمین نماید.

و علیرغم این پیشنهاد هیچگونه تغییری در اوضاع بوجود نیامد، بر عکس نصب پرچم آمریکا بر نفتکش های کویتی هدف دیگری را آشکار ساخت. ما این وضع را با به تصویر کشیدن گرگی که به منظور خوردن بره اوضاع را آشفته میکند، نشان دادیم.

و حمله به کشتی آمریکائی استارک در شانزدهم ماه مه که منجر به کشته شدن ۳۷ ملوان گردید بک اقدام غیر عاقلانه و بی منطق بود. اگر چه در جریان مداخله نظامی ترکیه در سال ۱۹۷۴ در قبرس هواپیماهای نیروی هوایی ترکیه اشتباهاً یک ناو جنگی ترک بنام «خوجاتپه» را غرق کردند و حتی پس از گذشت پنج ساعت از غرق شدن آن «خودی» بودن کشتی معلوم نگردیده بود، و این واقعه برای ما بسیار جالب و ویژه است. در تکنولوژی کامپیوتری امروزی جایی برای این نوع اشتباهات وجود ندارد. حمله به کشتی استارک و اینکه چرا بعداً افشاء شد که عامل حمله و عراق بوده است، در اصل جزئی از یک توطئه طرح ریزی شده بود که بدینوسیله میخواستند حمله را بگردن ایران انداخته و در نتیجه آمریکا را مجبور به دخالت در جنگ نمایند و اگر در .

جریان حمله اشتباهات واضحی دیده نمیشد شاید این نقشه نیز تماماً و موبمو اجرا میشد و آنچه که نباید بشود، میشد.

اما موقعی که توطئه حمله به استارک نقش بر آب شد نقشه دیگران این بود که با استفاده از و راههای متفاوت آمریکا را مجبور به دخالت در جنگ کنند. نصب پرچم روی نفتکش های :

کویت و اعلام اینکه هر نوع حمله ای تلافی خواهد شد نیز بخشی از این توطئه بود.

حادثه مکه میتواند بخشی از سناریوی خاتمه جنگ با شدیدترین ترتیب که مطابق این سناریو .

آمریکا و متحدانش مسیر جنگ خلیج (فارس) را می بایست بنفع عراق تغییر دهند و یا حداقل آرزوی پیروزی ایران را در نطفه خفه نمایند. با اینکه در جنگ تحول قابل بحثی بوجود نیامد و نصب پرچم نیز موجب تغییراتی اساسی نشد اما شورای امنیت سازمان ملل باتفاق آراء (از پ زمان تاسیس اسرائیل تاکنون دیده نشده است که دو ابرقدرت بدین سرعت در مورد مسئله ای و اتفاق نظر داشته باشند). لایحه آتش بس فوری بین دو کشور را تصویب کرد و خاویر پرز دکوتیار دبیر کل سازمان ملل بمنظور اجرای تصمیمات شورای امنیت دست به یک سری و فعالیت سیاسی زد. در اجلاس وزرای خارجه کشورهای عربی در تونس اعلام گردید کشورهای :

عربی در صورت عدم قبول پیشنهاد آتش بس شورای امنیت از طرف ایران روابط سیاسی خود با تهران را قطع خواهند کرد. در نتیجه با علم باینکه ایران در جهت این اقدامات قدم مثبتی .

بر نخواهد داشت، خواستند ایران را عامل اصلی فاجعه مکه و تنها عامل خونریزی قلمداد نمایند.

لازم به گفتن نیست که حادثه مکه همچنانکه محافل بسیاری ادعا کرده اند و ما نیز آنرا قابل بل قبول می بینیم، در صورتی که جزئی از یک توطئه چندگانه بوده باشد، میتواند ایران محاصره



شده در خلیج (فارس)، تحریک شده در آبهای خلیج فارس و منزوی شده در نتیجه تبلیغات را بعنوان عامل خونریزی حرم شریف و یک قدرت تروریست در برابر دیدگان مسلمانان جهان تحقیر و خوار نماید. از همان روز اول که با شنیدن خبر فاجعه مکه بشدت دچار شوک شدیم، و دست به تحقیقات وسیعی پیرامون این رویداد عظیم زدیم و این نظریه آخر را از سایر نظریات و قابل قبول ترپنداشتیم، اما این نظریه نیز یک نقطه ضعف دارد و آن اینست که هنوز در مورد نقش سعودیها در این سناریو متقاعد نشده ایم. آنها چگونه راضی شده اند در اماکن مقدس اسلام که از طرف خداوند در سرزمین آنها به امانت نهاده شده است و در برابر دیدگاه مسلمانان، اینهمه خون ریخته شود؟ وقتی ما بر این سلسله مقالات خود عنوان اثر لکه خون پاک نمیشود، را نهادیم در ذهنمان پیوسته باد اماکن مقدس و ارزش آنها نزد تمام مسلمانان دنیا و اینکه بعنوان اولین قبله برای انسان ها مشهور گشته است، نقش می بست و اینکه خون های ریخته شده در آنجا بعنوان میراث حضرت ابراهیم به مسلمانان هرگز از فکر کسی بیرون نخواهد رفت. در اینجا میگویم اگر سعودی ها حتی از این احساس درونی و عمیق ما بی خبر باشند باز هم آیا فکر نخواهند کرد که اثر لکه خون برای همیشه باقی خواهد ماند! و یا اینکه اصلاً در فکر چنین مسائلی نبوده و نخواهند بود .

پایان نوشته : فهمی کور و از : روزنامه «زمان، چاپ ترکیه روزنامه جمهوری اسلامی پنجشنبه ۲۴ دی ۱۳۶۶ روزنامه جمهوری اسلامی چهارشنبه ۷ بهمن ۱۳۶۶ خبر سقوط هلی کوپتر آمریکایی و آغاز حمله پلیس سعودی ساعت ۴/۳۰ بعدازظهر از منطقه غرب مکه (عزیزیه) بسمت معابده محل شروع راهپیمایی حرکت کردم. در مدینه حضور یکپارچه حجاج در راهپیمایی وحدت را دیده بودم ، تکرار راهپیمایی ، گرمای هوا، دوری راهها در مکه و... میتوانست از عوامل موثر در عدم شرکت حجاج در مراسم راهپیمایی باشد. اما آنچه در خیابان شاهد آن بودم برخلاف این تصور بود. وی

مرد و زن پیر و جوان دسته دسته مثل سیل بسمت بعثه سرازیر میشدند. تحمل گرما برای من که پیراهن خنکی به تن داشتم سخت بود. اما خواهران را میدیدیم که علیرغم پوشش زیادی که بحکم اعتقاد به مذهب و مکتب شان داشتند صبورانه میرفتند تا رسالت تاریخی خود را ادا بن کنند.

هر چه جلوتر میرفتم سیل جمعیت انبوه تر و خروشانتر می شد. من از لابلای جمعیت خود را جلو کشیدم. صف انبوه شرطه ها را در حاشیه خیابان مشاهده کردم. سیه چرده هایی که یا از سر بیکاری و نیازمندی و یا از سر غفلت بخدمت فرماندهان و حاکمان خود فروخته از خدا بی خبر در آمده بودند در نزدیکی بعثه در گوشه ای نشستیم.

سخنرانی تمام شد و جمعیت پیا خاست. فریادهای «الله اکبر، لا اله الا الله» و «محمد رسول .

الله ، فضای مکه را عطر آگین ساخت. میپنداشتم در عصر بعثت هستم و دعوت رسول الله با علنی شده و مسلمین شعار توحید و وحدت سر میدهند. در چهره برادر سیاه پوستی «بلال» را میدیدم . که در فریاد «لا اله الا الله و رهایی خود را از بندگی «امیه های زمان اعلام میداشت .

راهپیمایان بعد از ۱۴ قرن در پاسخ آنکه آیات برائت از مشرکین را در حج سال نهم هجرت بر مردم خواند بیزاری خود را از مشرکین اعلام داشتند و به نشانه آن پرچم ابر جنایتکار تاریخ را به آتش کشیدند. و با همین حال بسوی بیت الله الحرام روانه شدند.

مشتهای گره کرده، زمزمه زیر لب، شعارها، و چشمان گریان آنهایی که به تهدید از شرکت ( در راهپیمایی منع شده بودند و از پنجره ها و بالای پشت بامها سرک میکشیدند حکایت از آن میکرد که دلهای بسیاری از آنجا با جمع است . بر سرعتم افزودم تا بجلوی صف برسم . نمیدانم چرا؟ شاید میخواستم همه جای این سیل خروشان را ببینم. شاید جواب احساس دل را تا میدادم که میخواست هر چه بیشتر در این حرکت حضور داشته باشد و می اندیشید جلوبهتر است شاید میخواستم فریاد رهایی از بندگی بت های زمان را زودتر از دیگران بگوش عالمیان برسانم. راهرویی باز شد و برادران جانباز با چرخهایشان بجلو برده شدند. جمعیت با خروش - جلو میرفت .

بر خلاف سالهای قبل مسیر باز بود . دیگر از ماشینهای نیروهای نظامی در وسط خیابان خبری و نبود . دیگر همه ماشینهای غیر نظامی بمحل سخنرانی فرستاده نشده بودند که در راه بندان :

ساختگی بوق بزنند. لحظه ای ب فکر فرو رفتم که چرا؟ شاید تسلیم خواسته های ما شده باشند. هم مگر دیشب که دوستانمان را از جلوی بعثه گرفته بودند با تجمع و ایستادگی ما نبود که آزادشان

کردند. شاید موضوع دیگری باشد. خیر خوش سقوط یک فروند هلیکوپتر روی عرشه ناو جنگی آمریکا در خلیج فارس مجدداً ذهنم را معطوف جمعیت ساخت که با شور فراوان تکبیر میگفتند. خبر زبان عربی نیز بیان شد. ناگهان جمعیت متوقف شد شعار آنهایی که جلوتر بودند ضعیف و سپس قطع شد عده ای از پشت سرفریاد زدند که نایستید جلوتر بروید، و عده ای از جلو میگفتند: «راه بسته شده است. از زیر پل حجون گذشته بودیم. عده ای برگشتند .

کسی از جلو فریاد زد دارند میزنند به اطراف نگاه کردم پارکینگ چند طبقه سمت چپ خیابان و افرادی که از بالای آن به سمت جمعیت سنگ و چوب پرتاب میکردند نظرم را جلب کرد .

روی پنجه های پایم بلند شدم تا جلورا بهتر بینم . چوبها و باتومهایی بود که در هوا چرخ میخورد پائین می آمد. باران سنگ، تکه نبشی ، قوطی نوشابه و شیشه باریدن گرفته بود. جمعیت عقب آمد.

انبوه جمعیت که این راه بازگشت را پیش گرفته بود مانع از جلو رفتن میشد. صدایی بگوشم رسید که مردم را با توجه به پیام حضرت امام دعوت به آرامش میکرد. صدایی دیگر مردم را به نشستن دعوت میکرد. گاهی در میان جمعیت چشمم به افرادی می افتاد که مجروح شده و به شتاب به عقب بر می گشتند.

وضع بسرعت غیر عادی میشد پشت سر هم اتفاقات غیر منتظره پیش می آمد. صدای شلیک گلوله نیز بوضوح بگوشم میرسید. کسی داد میزد نترسید هوایی است. چشمم به : مجروح دیگری افتاد که دو نفر او را حمل میکردند. وی از ناحیه سر مجروح شده و لباسهایش غرق در خون بود .

نیمه راه مقابل هتل ایرانیها بودیم که جمعیت از این طرف هم به عقب برگشت فهمیدم که از پشت نیز به مردم حمله شده است. فشار جمعیت بحدی رسید که پاهای یکی از مجروحان که من نیز بکمکش شتافته بودم از دستمان رهاشد. در حالیکه دستهایش روی شانهِ هایشان بود متوقف شدیم به ناچار او را به گوشه ای برده و رهایش کردیم . از ازدحام جمعیت کاسته شد.

آمادگی مزدوران سعودی خیلی بیشتر از اینها بود عده دیگری از شرطه ها و عوامل آل سعود هم که به لباسهای شخصی ملبس بودند به طرف مردم هجوم آوردند. ماشینهای آب پاش نیز وارد صحنه شده بودند و هیچ راه گریزی برای مردم وجود نداشت. از جلو تا زیر حجون را ماموران سعودی اشغال کرده بودند. تنها گریزگاه مردم سه ساختمان بلند محل استقرار حجاج در غیر ایرانی بود. و در سمت دیگر خیابان خانه ها و ساختمانهایی بود که از در پشتی آنها عده ای

بکوه پناه برده بودند. هجوم دوباره شرطهها فشار بیشتری وارد میکرد. دمپائی ها بود که از پاها در می آمد چادرها از سر می افتاد. چوب پلاکاردهای روی زمین افتاده به پاها گیر می کرد. در و آن لحظه بر آنچه اکنون واقفم آگاه نبودم. نمیدانستم چه شده و تکلیف چیست. اطلاع نداشتیم که تیرها هوایی نبوده است. در آن شرایط و در آن مدت کوتاه امکان تحلیل مسایل وجود نه نداشت. فریاد میزدیم و از جوانها میخواستیم که راه را برای پیرمردها و زنها باز کنند.

غروب نزدیک شده بود. دریک هجوم دیگر جنایتکاران، به گوشه خیابان کشیده شدم در آنجا بود که برای اولین بار شاهد شهادت پیرمردانی بودم که زیر دست و پا خفه می شدند.

حلقه محاصره تنگ و تنگ تر میشد. جمعیت به روی هم می ریخت. من هرگز حالت چشمهای ملتمس جوانی را که زیر جمعیت افتاده بود و تقاضای کمک میکرد فراموش نمیکنم.

فشار جمعیت نگذاشت برگردم و به او کمکی کنم. گلوله ای در نزدیکی من شلیک شد و به زمین و خورده بخیال آنکه گاز اشک آور است دستم را با آب دهان خیس کردم و به چشمهایم مالیدم تا دچار ریزش اشک نشوم. اما اشکی از چشمم نیامد و بجای آن گلویم سوخت. خود را بکناری و کشیدم. حالت تهوع و سرگیجه داشتم. کسی بافندک کاغذی آتش زد و من صورتم را جلوم بردم و کمی حالم بهتر شد. حلقه محاصره از دو طرف تنگ تر میشد. بنظر میرسید که دیگر در ساختمانهای اطراف جایی برای پناه بردن نیست. در بین صفوف به زنی تنها برخوردم که با هم صلابت و آرامش کامل بر زمین نشسته بود. راه باریکی را به او نشان دادم و از او خواستم که به خود را نجات دهد اما او آنچنان جوابی بمن داد که خشکم زد این زن گفت: من پسر شجاعانه در جبهه ها جنگید و شهید شد. من نیز در اینجا می مانم تا قوت قلب برادران باشم. شما هم نگران من نباشید.

در تحسین اینهمه شجاعت و ایثار مبهوت بودم که به مغازه های خالی زیر آن سه ساختمان بلند رسیدم. مغازه های خالی که این انسانها کتاب وار داخل آن پناه گرفته بودند و جای و سوزن انداختن در آنها نبود، مادری صدایم زد و خواست که چادری برایش پیدا کنم براحتی از:

روی زمین چادری یافتم و به او دادم. گویی دژخیمان از جنایت سیراب شده و حملات را متوقف کردم بودند.

بسمت بعثه براه افتادم. چشمم به جنازه زنها که در کنار خیابان انباشته شده بود افتاد. اینک و ناظر گوشه ای از جنایت حاکمان وابسته آل سعود بودم. اگر چه به تنهایی مشرف شده بودم ولی هم در چهره همه آنها مادر و خواهر خود را میدیدم. چشم گرداندم. انبوهی از چادر مشکی، و

قمقمه، دمپایی، کفش و... در وسط خیابان دیده میشد.

بغض گلویم را میفشرد. خدایا عصر عاشورا در صحنه دشت کربلا بر زینب کبری چه گذشت؟ پروردگارا اینها به چه جرمی بدست دژخیمان پرپر شدند؟ صدای مردی مرا بخود آورد و این زن هنوز زنده است، بسمت او رفتم و آن مرد که گویا دنبال کسی میگشت سراغ دیگران رفت صدا زدم کمک کنید تا این زن را نجات دهیم. برادری قسم خورد که رمقی در بدنش نمانده است. از برادری خواستم کمک کند و او گفت که آمبولانسها می آیند و همه را هم می برند و بهتر است او را بر زمین بگذارید. این کار را کردم کمی به صورتش آب پاشیدم. در نقطه ای دیگر زن دیگری را دیدم که حدوداً ۵۰ سال سن داشت رمق باقیمانده فقط به او اجازه میداد ناله خفیفی از گلویش خارج نماید. کسی نمیدانست در بین اینهمه زن برآستی کدامیک زنده و کدامیک شهید شده است میبایست آنها را سریعاً به درمانگاه رساند و در اینصورت قطعاً عده ای زنده باقی می ماندند. به آن زن گفتم مادر بلند شو اما فشار و گاز خفه کننده و ... رمقی برایش نگذاشته بود. بلندش کردم. چادرش را بسرش کشیدم و کشان کشان او را به پشت سر شرطه ها که با وقاحت نظاره گر صحنه ها بودند رسانده و سوار آمبولانس ایرانیها کردم.

هم آمبولانسها بجلو راه پیدا کردند و تعدادی از آن زنها را سوار کرده بودند. در مراجعه آمبولانس های بعدی به آنها حمله شد. نه تنها راننده، که ماشین نیز از جمله آنها در امان.

نماند. اجبار آمبولانسهای بعدی برگشتند. گم کردن یکدیگر و گم شدن در خیابان، مساله پر اصلی بعد از موضوع مجروحین و شهدا بود. هر کس دنبال گمشده خود میگشت. تصمیم گرفتم به امداد گمشدگان بروم تا با کمک برادران امداد و رساندن حجاج به کاروان هایشان بر هم زخم حاصل کمی مرحم نهاده باشم. در راه به روحانی کاروانمان برخورددم که همسرش را گم کرده بود. دو نفری براه افتادیم به محل تهاجم آمدیم عده ای را دیدم که در وسط وسایل ریخته شده روی زمین دنبال چیزی میگشتند. شنیدیم که نمیگذارند طرف پل حجون برویم ناگزیر برگشتیم. در ساختمانهای مسیر سرمیکشیدیم ولی جوابی نمی یافتیم. برادری دیگر از کاروانمان که خواهر او نیز بکاروان برنگشته بود با دوستش بما ملحق شد. وقتی از آن جاهانا به امید شدیم آنها بسراغ بیمارستان رفتند. و من به سمت اداره گمشدگان روانه شدم. راهروها پر از مجروح بود به محل امداد برگشتم در آنجا بودم که خیر خوش برگشتن همسر روحانی کاروانمان را شنیدم. علیرغم گذشتن پاسی از شب شهر آرامش شبهای قبل خود را نداشت دلها در سینه ها قرار نمیگرفت.

بغض گلوها را می فشرد، افراد سریعاً با تقسیم کردن گمشدگان و گرفتن وسیله نقلیه آنها را :

به کاروانهایشان می‌رساندند، سری بکاروان خودمان زدم در اتاقمان پیرمردی را بستری کرده بودند که سرش چندین بخیه خورده بود، حال پیرمرد بد و پیدا بود که تحمل خونریزی و درد و برایش مشکل است. پاهایم دیگر نمی‌توانست بدنم را بکشد کمی نشستم. صحبت‌ها و حکایت از مبهوت ماندن همه از این جنایت میکرد، بانقل مشاهدات، کم‌کم عمق فاجعه خود را بیشتر نشان می‌داد که از خستگی خوابم برد. ساعت ۴/۳۰ صبح با صدای باز شدن .

در اتاق از جا پریدم یکی از هم‌اتاقیها بود با سرشکسته و بخیه خورده و لباس غرق خون.

کمکش کردم بعد از آوردن لباس و شستن خونها از آنچه در صف جلو دیده بود برایم تعریف کرد، وقتی موضوع برادری را تعریف کرد که زنش زیر جمعیت ملتمسانه از او کمک میخواست و به او بحالت خم شده دست او را میکشید و شرطها از پشت آنقدر بکمرش باتوم کوبیده بودند که بیهوش شده بود مثل پدر مرده‌ها بگریه افتادم و از کاروان بیرون زدم. از اینکه خوابم برده بود و احساس گناه میکردم در شهر با پاک کردن آثار جنایت تلاش کرده بودند وضعیت را بحالت عادی با در آورند. ولی این حادثه هیچگاه از خاطره‌ها بخصوص خاطره شاهدان صحنه‌ها محو نمی‌شود .

محسن انسی روزنامه کیهان دوشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۶۶ روزنامه کیهان سه شنبه ۲۴ شهریور ۱۳۶۶

ص: ۱۰۴

طی یک کنفرانس مطبوعاتی در لبنان انجام شد:

افشاگری علمای مسلمین لبنان در مورد فاجعه د و جمعه خونین مکه مکرمه تنی چند از علمای مسلمان لبنانی که اخیراً از سفر حج مراجعت کرده اند صبح دوشنبه دوم شهریور ۱۳۶۶ با برگزاری کنفرانس مطبوعاتی در بیروت، چگونگی کشتار حجاج بیت الله الحرام را تشریح و اهداف این توطئه بزرگ را فاش ساختند.

به گزارش واحد مرکزی خبر از بیروت در این کنفرانس مطبوعاتی که در مسجد الزهراء علیها سلام در غرب بیروت برگزار شد، سیدعباس موسوی، شیخ عقیف نابلسی، سیدابراهیم الامین، شیخ حسن ملک، شیخ نعیم قاسم، شیخ حسن سرور، شیخ علی طحینی و شیخ علی یاسین شرکت کردند و پس از تشریح ابعاد این جنایت وحشیانه به سئوالات خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ دادند. سیدابراهیم الامین پس از معرفی علمای شرکت کننده در این کنفرانس گفت: ما بنا به تکلیف شرعی و با در پیش گرفتن خط تولی نسبت به مؤمنین و تبری از کفار و منافقین این کنفرانس را برپا کردیم و امیدواریم با تشریح این جنایت که در تاریخ اسلام نمونه ندارد مسلمین را نسبت به عمق این فاجعه که حرمت بیت الله الحرام را هتک کرده آگاه و قدمی جهت روشنگری افکار مسلمین داشته باشیم.

سیدابراهیم الامین سپس با اشاره به راهپیمائی عظیم مدینه منوره افزود: پیش از برگزاری راهپیمائی برائت مشرکین در مکه مکرمه رژیم آل سعود خود را آماده اجرای این توطئه بزرگ و کشتار عظیم کرده بود و تخلیه خیابانها از مردم و اتومبیل، نصب آینه های مخصوص جلوگیری از فیلمبرداری و استقرار دسته های مختلف مزدوران امنیتی در ساختمانها و خیابانهای اطراف همه و همه این را ثابت می کنند الامین در تشریح چگونگی اجرای این فاجعه اضافه کرد پلیس حجاز که در ارتفاعات مستقر شده بود با تهیه سنگ و آهن پاره و سلاحهای گرم خود را پر آماده درگیری کرده بود و پس از شروع راهپیمائی به پرتاب سنگ و آهن پاره مبادرت کرد که در نتیجه آن معلولین و زنان که در مقدمه راهپیمائی بودند مورد اصابت قرار گرفتند. لذا جمعیت برای پرهیز از هر گونه درگیری بر روی زمین نشستند ولی ارتش با همکاری افراد سازمان امنیت :

حجاز تظاهرات را از همه طرف به محاصره در آورده و اقدام به تیراندازی و شلیک گازهای خفه و کن بسوی جمعیت نمود که در اینجا ماشاهدیک قتل عام واقعی و وقوع یک فاجعه هولناک و

بودیم.

شیخ عقیف نابلسی در تشریح این جنایت گفت: تاکنون جنایتهای وسیعی در حرم امن خدا در طول تاریخ انجام شده است ولی این جنایت با در نظر گرفتن حجم و زمان آن و در حق چه کسانی و در برابر انظار نمایندگان تمامی مسلمانان جهان بسیار هولناک و عظیم می باشد و در تاریخ حکومت جباران و ستمگران بر سر این سرزمین سابقه ندارد.

وی افزود: تنظیم کنندگان راهپیمایی با مسئولین حجاز از پیش توافق کرده بودند و راهپیمایان مومن شدیداً به نظم و آرامش پایبند بودند ولی رژیم آل سعود که بدستور آمریکا خود را آماده درگیری کرده بود تمامی مغازه داران را مجبور به بستن مغازه هایشان در مسیر راهپیمایی کرده و هم به مردم دستور داد تا فوراً منطقه را ترک کنند تا شاهدی بر این جنایت نماند غافل از اینکه دهها هزار حاجی غیر ایرانی در راهپیمایی شرکت داشته و این جنایت را مشاهده نمودند.

این روحانی لبنانی در ادامه اظهاراتش افزود: گذشته از همه این حقایق واقعیت را می توان و از تحرکات بیش از حد تبلیغات کفر جهانی و خود آل سعود بدست آورد، زیرا رژیم مزدور آل سعود چه در تفسیر علل واقعه و چه در ارائه آمار و ارقام در پنج روز اول پس از حادثه هر روز تغییراتی بوجود می آورد و چگونگی حادثه را بشکل دیگری بیان می کرد و ما که شاهدان و عینی این کشتار دست جمعی بودیم در شگفتیم که چگونه ابزارهای تبلیغاتی جهان اینقدر پست و رذل هستند که براحتی حقایق آشکار و روشن را وارونه جلوه می دهند.

سیدعباس موسوی از روحانیون سرشناس و مجاهد لبنان سپس به پرسش های خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ داد و گفت: تاریخ نشان می دهد هر کس که تاکنون به حرمین شریفین بی حرمتی کرده سرانجامی جز سقوط و خواری نداشته است و رژیم آل سعود که امسال این هم جنایت هولناک را در حق حجاج مختلف بلاد مسلمین انجام داده آینده تاریکی در انتظار دارد .

وی سپس خواهان تشکیل هیئتی از علمای مسلمین برای محاکمه این رژیم منافق شد.

سیدعباس موسوی در پاسخ به سؤال خبرنگار ما درباره اهداف آل سعود از این کشتار در م چهارچوب تحرکات اخیر استکبار جهانی در منطقه افزود: حج تاکنون تنها مناسک عبادی فردی بوده و مسلمانان هیچ سود جمعی از آن نمی برند ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران حج ماهیت سیاسی اجتماعی خود را بازیافت و هر ساله توفیقات روز افزونی در این مسیر داشته و است.

سیدعباس موسوی در ادامه بیاناتش افزود: امسال در مکه در کنار کنگره عظیم، کنفرانس



فلسطین و کنفرانس لبنان برپاشد و این دگرگونی ها در نگرش به فریضه حج آنرا به خطر حقیقی برای استکبار جهانی مبدل نموده و رژیم حجاز بفرمان آمریکا و ادار به ارتکاب چنین جنایتی کرد تا از گسترش روز افزون این ینش جلوگیری نمایند.

شیخ نعیم قاسم روحانی دیگر در پاسخ پرسش خبرنگاران خارجی درباره پیشنهاد وزیر اوقاف به بعضی از علما در محدود کردن تبلیغات در زمینه فاجعه مکه در جهت حفظ وحدت هم مسلمین گفت: آنانی که به این جنایت دست زدند هدفشان وحدت مسلمین نبود زیرا راهپیمایانی که مورد تیراندازی قرار گرفتند شعار یا ایها المسلمون اتحدوا اتحدوا سر میدادند و عدم افشای دست اندرکاران این کشتار عظیم خود جنایتی است که زمینه جنایتهای جدیدی را فراهم میکند و آنانی که این مسئله را مطرح میکنند یا جاهل اند و یا مزدور دربار آل سعود هستند.

سید ابراهیم الامین در پاسخ به همین پرسش گفت: بر هیچ کس پوشیده نیست که حجاز امروز اولین خاکریز و بزرگترین پایگاه استکبار غربی در منطقه است و همگان نیک میدانند که تمامی مزدوران منطقه بطور مستقیم و غیر مستقیم از سوی حجاز تغذیه مالی میشوند و پشتیبانی بی حد و حصر آل سعود از رژیم فالانژیست لبنان بهترین گواه این مطلب است و ما مسلمانان تکلیف داریم که در برابر این جنایت آشکار و تمامی جنایتهای پوشیده و پنهان این رژیم ساکت و ننشینیم و تمامی تلاش خود را در جهت از بین بردن این منافقان کوردل بکار گیریم در پایان این هم کنفرانس مطبوعاتی که نزدیک به دو ساعت بطول انجامید فیلمی از جنایت جمعه خونین مکه که در آن تیراندازی سربازان رژیم آل سعود بسوی راهپیمایان کاملاً ملاحظه میشد به نمایش گذاشته شد. و روزنامه جمهوری اسلامی سه شنبه ۳ شهریور ۱۳۶۶ انتخاب خوب ایرانیان ۳۱ جولای (ششم ذیحجه سال جاری مقدس ترین شهر از شهرهای مسلمین یعنی مکه و پر بعلت آشوب و شورش به آتش کشیده که در نتیجه آن صدها نفر کشته شدند. اصلاً چه شد؟، هم حقیقت چه بود؟، چه کسی غلط بود؟.

حاجی اسدالله که در آنجا وجود داشت بیانیه ای عینی را در این مورد عنوان می کند که ماسه هر نفر بودیم همه هندی تقریباً ساعت ۳ بعدازظهر بود که از مسجدالحرام بیرون آمدیم (خانه خدا هم در مکه بعد از نماز جمعه مورخ ۳۱ جولای) ما مرتباً هر روز برای نماز به مسجدالحرام م می رفتیم. اما این بار متوجه شدیم که مسئله ای است. خیابانی که بطرف مسجد جن

می رفت مملو از ماشینهای ارتش و کارمندان نظامی بود. فاصله تا مسجدالحرام یعنی کعبه ی تنها یک کیلومتر بود. حس کنجکاوی ما جلب شده بود و نمی دانستم که از کی پیرسیم . برای صرف ناهار به هتل پاکستانی رفتیم و پیشخدمت زود ناهار را آورد. وی گفت: امروز انتظار می رود که ایرانیان فعالیتهای وحشیانه ای بکنند! محیط متشنج بود و ما سؤال دیگری نکردیم.

این غیر قابل توضیح بود که کسی تصمیم شورش و آشوب را دارد. اما در حال علت حضور تعدادی غیر عادی از ماشین های ارتش و افراد نظامی برای چیست؟ آفتاب گرمی بود، سریع قدم می زدیم، محافظین ملی سعودی در همه جا حضور داشتند.

به آنها در محل تقاطع در خیابان متمرکز شده بودند. چند گروه از آنان (HELMETS کلاه آهنی) باطوم برقی به همراه داشتند. بسیاری از آنها مسلسل حمل می کردند. من در ماشین اسلحه را دیدم - تعداد زیادی از ماشین های ارتش و اتوبوس های مخصوص مهمانان سعودی پر از نظامی بود. هر چند متر ماشینهای گشتی و موتورسیکلت در حالت آماده باش بودند. مادر په مقابل خیابانهای مسجد جن ایستادیم ترافیک شدیداً بسته بود.

دست چپ خیابان به محل تجمع ایرانیان می رسید. یک کیلومتر دور بود. آنها در گروههای ۵۰ یا ۱۰۰ نفری از مناطق مختلف می آمدند آنان بلندگو در آن محل نصب کرده بودند که به خوبی سخنرانی فارسی رهبر آنها را شنیدم بسیاری از آنها را که می فهمیدیم در مورد اسرائیل و آمریکا و بیت المقدس بود و دیگر در مورد اتحاد مسلمانان دنیا. ما تصمیم گرفتیم کمی نزدیک تر شویم از خیابان بطرف جلو حرکت کردیم. ساعت ۵/۳۰ بود که ما به و نزدیک آنان رسیدیم و سخنرانی رهبر آنها به پایان رسیده بود. ملاحظه کردیم که آنان راهپیمائی را بطرف مسجد جن آغاز کردند. ما تصمیم گرفتیم که به روی پل برویم زیرا آنجا محل خوبی بود و راهپیمائی از زیر پل بود، ما برگشتیم به همان جا که صدها نفر ایستاده بودند و در گوشه ای منتظر ماندیم وزیر پنجره ساختمانی در نزدیکی خیابان که در دست راست سه پ خیابان بود که یکی از آنها بطرف کعبه می رفت ایستادیم . هر سه خیابان بسته بود و سربازان و در میدان بودند .

راهپیمایی در زیر پل ادامه داشت. هیچگاه جمعیتی به این اندازه ندیده بودم و تصورش هم نمی کردم هزارها هزار خانم در چادرهای سیاه در سمت چپ بودند مردها در دست راست و اشعار میدادند. شعار آنان مرا خیلی متأثر کرد صدائی که با مشت گره کرده همراه بود گوئی از خدا تقاضا می کنند. در یک صدا این شعار در مدح خدا بود و مدح پیامبر اکرم (ص) لعنت و و

نفرین بر آمریکا، اسرائیل، شوروی و در آخر تقاضا به اتحاد مسلمین، اتحاد کل ایرانیان، قیافه آنان و مشت گره کرده شان بطرف من تکان داده میشد. آنها واقعا خوب انتخابی کردند یعنی برای اینکار شهر مقدس و حج مقدس را برگزیدند تا به خدا شکایت کنند.

هم من گیج شده بودم چرا که با این راهپیمائی صلح آمیز و با امنیت خبر اینکه ایرانیان قصد آشوب و شورش و غارتگری و تاراج را دارند شایعه و دروغ بود. تعدادی مغازه در خیابان بسته بودند. چه غارت گری؟ من به این طرف و آن طرف نگاه کردم تا شاید جواب سئوالم را بیابم. چشمهایم بطرف صورتی متمرکز شد. قیافهای هندی بود. سومین نفر در دست راست من با احتیاط تمام از او پرسیدم این راهپیمائی تا به کجاست؟ وی بسیار راحت بود مثل اینکه هر سال این منظره را می دیده است. وی پاسخ داد تا آن میدان و با انگشت به آن طرف اشاره از کرد.

پرسیدم: چرا ارتش حضور دارد؟ وی گفت: زیرا نمی خواهند که اینان به کعبه برسند.

وی مرا مطمئن ساخت او دوسال بود که راهپیمائی را می دید. ایرانیان در این محل به دو خیابان میرسند و بعد هم میروند. وی پرسید: آیا شما فکر میکنید در این شهر مقدس درگیری و خواهد شد؟ (با لبخندی پرسید) به من نگاه کرد شاید حواس من جمع نیست این صحبتها خوب بود افراد طرف چپ من با نگاهی شک آلود مرا دیدند. ترسیدم و در اولین خط جمعیت وارد شدم، ترسیدم اما نمی دانستم که اتفاقی نخواهد افتاد اینجا شهری مقدس است و کشتن مورچه و یا سخن زشت گفتن از طرف خدا ممنوع شده است.

اکنون، من آغاز فاجعه را دیدم، لحظه ای بسیار تأسف انگیز در تاریخ اسلام سطل های خالی و کفش بطرف ایرانیان پرتاب میکردند و ایرانیان را **Spat** کردند از بالای منازل کثافت بر نم روی آنان ریخته می شد. ایرانیان بدون هیچ عمل متقابل به راهپیمائی ادامه می دادند.

هنگامی که جمعیت به نزدیک میدان رسید سنگ به طرفشان پرتاب شد و در نتیجه آن جا شلوغ شد. خصوصا خانم ها. به یادم نمی آید افرادی که کنارم بودند کجا رفتند. سه نفر بین صدها زن گیر افتادیم که داد و فریاد می کردند و قصد رسیدن به محل امنی را داشتند. ما هر سه دست همدیگر را گرفته بودیم اما با وجود آن در نتیجه موج خانم ها از همدیگر جدا شدیم بسیار مشکل است که این چند لحظه که سریع گذشت را مفصلا توضیح دهم صدای داد و با فریاد خانم ها را که شنیدیم خیلی ترسیدیم و میخواستیم فرار کنیم. خانم ها نیز میخواستند و فرار کنند. من در کنار دیوار ساختمانی بودم که خانم ها به صدائی دردآور به زمین و

می خوردند. من بازگشتم تا بینم چه شده مانند فیلمی ترسناک بود محافظین سعودی باروش وحشیانه خانم ها و مردها را می زدند که در نتیجه ضربه بیهوش می شدند.

هم صدای شلیک گلوله بگوش می رسید. من خانم هائی را می دیدم که یکی بعد از دیگری به زمین می خوردند محافظین اصلاً رحم نمی کردند. و خانم هائی را که به زمین خورده هم بودند زیر پا لگد و دیگران را تعقیب میکردند.

بار دیگر دیدم که چند ایرانی در سمت دیگر خیابان از محافظین تقاضای حمله نکردن، به با خانم ها را داشتند و در نتیجه لحظه بعد محافظین ملی رفتند. خود رفتند، اینگونه فرار کردند که مرگ در تعقیب آنان است من گیج بودم حواسم پرت شد چرا اینها که دست بالا را داشتند فرار میکنند همه چیز روشن شد چون صدای مسلسل را شنیدم. دیدم زن و مرد مانند بادام زمینی به زمین می خوردند برای دفاع در مقابل خط آتش ایرانیان دوسه مغازه شکستند و در آن پناه گرفتند.

موجی از خانم های مجروح در گوشه میدان مرا تکان داد. چند ایرانی این خانم ها را به هم به گوشه ای راهنمایی کرد. در این هنگام دومین صدای مسلسل بگوشم رسید. من در حالت فرار و عقب را نگاه می کردم بار دیگر خانم ها کشته می شدند. پشت در یک ساختمان پناه گرفتم و طوریکه توانستم قسمتی از خیابان را بینم. گلوله ای به دیواری که پشت آن ایستاده بودم و د اصابت کرد. در کوچه دیدم بسیاری از ایرانیان زن و مرد از همین کوچه فرار می کردند. اکنون خسته شده بودم زیرا در کوچه ای نامعلوم گم شده بودم و در این هنگام فاجعه دیگری را دیدم.

ایرانیانی که فرار می کردند توسط عده ای از مردم مکه مورد ضرب و شتم واقع می شدند.

خیلی تاریک بود من تنها قدم می زدم. قلبم از ترس تند تند می زد. در مورد دو دوست خود و نیز نگران بودم. ساعت ۱۰ شب بود که بالاخره به محل اقامت خود رسیدم. دوستانم در آنجا هم بودند یکی از ناحیه پشت و دیگری از سر مجروح شده بود.

نمی دانم چرا سعودیها به طرف ایرانیان شلیک می کردند، آیا ایرانیان علیه سعودیها شعار میدادند؟ نه! آیا ایرانیان غارتگری می کردند یا به طرف سعودیها حمله میکردند؟ نه! من و شاهدی عینی هستم که ایرانیان هیچ نکردند تاشلیک شد چرا این اتفاق افتاد؟ نمی دانم. آیا اختلاف سنی و شیعه بود نمی تواند باشد زیرا هزاران شیعه از پاکستان، هند و کشورهای دیگر بودند که هیچگونه ضرری به آنان نرسید داستانی قدیمی است که تکرار میشود. رئیس دستور می دهد و سربازان شلیک می کنند آنها نمی دانند که چرا دستور شلیک داده شد. هنگامیکه م

دستور توقف داد چه کسی می داند دومین کشتار و قتل عام کی و چگونه و کجا آغاز خواهدی اسدالله - هند روزنامه جمهوری اسلامی سه شنبه ۲۴ آذر و چهارشنبه ۲۵ آذرماه ۱۳۶۶ اهانت به مقدسات وهابیهها بسم الله الرحمن الرحيم جمعه ساعت چهار و نیم بعدازظهر از منزل بیرون آمدم و خودم را به جمعیت روبه ازدیاد روبروی بعثه حضرت امام خمینی دام ظلّه رساندم. از هر سوی خیابان جمعیت پلاکارد بدست و هم خود را به مقابل بعثه میرساند و تراکم وسیعی از انسانهای مخلص و باایمان ایجاد شده بود. هم هم زنان، مردان، پیرمردان و پیرزنان و جوانان در کلیه قسمتهای خیابان جمع بودند و انتظامات با بازوبند قرمز و آرم (لا-اله الا-الله) آرامش و نظم را برقرار میکرد. خواهرها یکطرف و برادرها و طرف دیگر. «سقایه الحاج» گروهی که برای آب دادن به حجاج تنظیم شده بود، کتری هاو هم پارچ های بزرگ آب یخ را در دست داشته و به راهپیمایان ، نیروهای نظامی سعودی، حجاج دیگر کشورها با خوشروئی آب تعارف میکردند، بلندگوی خیابان بسیار دقیق و با نظم بود. ابتدا و بخشهایی از پیام گهربار امام به زبان عربی برای مردم حاضر در صحنه که جمع کثیری از حجاج اردن، مصر، فلسطین، ترکیه ، پاکستان و .... در کنار راهپیمایان قرار داشتند قرائت شد.

### اهانت به مقدسات وهابیهها - سیدحسن میردامادی

سپس سخنرانی حجه الاسلام والمسلمین کربوبی شروع شد، برائت از مشرکین، اربابان زرو زور و تزویر از کنار خانه امن الهی ؟ متن سخنرانی ایشان بود، سخنرانی به عربی ترجمه و پخش شد. شعار آغاز گردید و فریاد کوبنده الله اکبر، لا اله الا الله ، اما این تنها یک شعار بی محتوی نبود، الله اکبر، خدا بزرگ و بزرگ و بزرگتر است از آنچه بتوان وصف کرد. و لا-اله الا-الله مرگ بر هر خدای دروغین جاوید خدای راستین و ترجمه گردید، پیام خدا به زبان هم «روز». قسمت اول لا اله الا الله یعنی نفی هر خدای دروغین فریاد برخاست الموت لامریکا...

الموت لاسرائیل ... الموت لروسیا... اهانت به مقدسات مشرکین شروع شد! آنها که کمال افتخار خویش را در پناه بردن به پرچم آمریکا میدیدند ناگهان شاهد به آتش کشیده شدن و پرچم آمریکا در میان قلب کشورهای اسلامی یعنی مکه مکرمه گردیدند! عجب اهانت بزرگی!

این جرئت و جسارت ادامه پیدا کند چه خواهد شد؟ ارباب چه خواهد گفت؟ ساعت از ۶ گذشته بود نزدیک نماز مغرب طبق معمول باید حجاج به مسجدالحرام برای اقامه نماز جماعت میرفتند و حرکت آرام و متین با فریادهای: یا ایها المسلمون اتحدوا اتحدوا...، خیر خیر یا صهیون جیش محمد قادمون... و در دست داشتن پلاکاردهای با شعار سیاسی اسلامی از قبیل خود را به سلاح و صلاح مجهز کنید خداوند تعالی با شماست)، (ای مسلمانان کفار را اولیاء (سرپرستان خود نگیرید)، (ما از ملت‌های مظلوم افغانستان، لبنان، فلسطین حمایت میکنیم)، (تنها راه آزادی قدس شریف مسلسلهای متکی به ایمان است .) و صدها پلاکارد دیگر به زبانهای زنده دنیا انگلیسی، عربی، اردو و ... در دستها.

بروی دوش تظاهر کنندگان ماکت بسیار زیبای قدس شریف بعنوان سمبل مظلومیت قرن و اخیر و اشغال قبله اول مسلمین حمل میشد، زنان و خاصه مادران شهدا در ابتدای صف و ش جانبازان عزیز بر روی چرخهای مخصوص در همان صف مقدم رسیدیم به مسجد جن، از پل پیاده رو نیز گذشتیم، بلندگوها اعلام کرد هم اکنون خبر رسید هلیکوپتر آمریکا که از روی ناو برخاسته بود در آبهای خلیج فارس سقوط کرده است.

فریاد و غریو شادی مردم با شعار الموت لامریکا برخاست، همه شاد بودند بجز آنها که صف هم در مقابل مردم بسته بودند.

پلیس سعودی با لباس مجهز کامل، کلاه رزم و سپر و سلاح و باطوم. پلیس مخفی سعودی در لباس مردم با چفیه قرمز مجهز به چوبهای ضخیم، آهن و سنگ در همه جا، پشت سر پلیسها با لباس فرم، بالای ساختمانهای چند طبقه آماده آماده. فریاد مردم که برخاست پلیس راه را بست، چوبها بالا-رفت و با تمسخر فریاد زدند... ها الموت لامریکا؟! لا اله الا الله؟! هم پائین آمد و بر سر روحانی که در جلو جمعیت حرکت میکرد فرود آمد.

چوب سنگین سختی بود اما عمامه روحانی ضربت اولیه چوب را گرفت. ناگهان هجوم آغاز شد، باطوم، چوب، آهن، سنگ از همه سو بر سر و روی تظاهر کنندگان صفوف مقدم که هیچ آمادگی نداشتند، بارید.

جانبازان بر زمین افتادند، زنان بی پناه در فشار جمعیت ماندند، ابتدا تصور میشد این هم مرتبه هم مثل سالهای سابق است که قدری درگیری خواهد بود. چند نفری زخمی میشوند و سپس راه باز میشود. پلاکاردها را جمع میکنیم و برای نماز به مسی حد میرویم اما اوضاع فرق ا

پلیس وحشی سعودی با لباس فرم و لباس شخصی به قصد کشت هر فردی را میزدند. هر کس را می‌گرفتند با چماق و باطوم آنقدر بر سر و رویش میکوبیدند تا یقین کنند که مرده است، و زنها و جانبازان که بر زمین افتاده بودند نیز از ضربات بی نصیب نماندند خشم آل سعود از و اهانت مردم ما به مقدسات آنان فزونی گرفته بود، آتش این خشم میخواست همه چیز را به بسوزاند لذا گلوله باران مردم نیز آغاز شد ماکت قدس زیر ضربات چوب ماموران سعودی تکه تکه شد، مردم ما هیچ آمادگی نداشتند حتی تصور نیز نمی‌کردند که درگیری است لذا در آن و ساعت اولیه همه فریاد میزدند (هیچ کس مقابله نکند) (مقابله کردن خلاف فرمان امام است).

درگیر نشوید) اما با گذشت نیم ساعت از ماجرا و قدری عقب نشینی مردم از جلوی صفوف که باعث فشرده شدن جمعیت شد و پلیس آل سعود هیچ راهی برای خلاصی نگذاشته بود، و جوانان غیور با دست خالی برای باز کردن راه و نجات مجروحین اقدام به عبور از صفوف پلیس سعودی کردند. فرار پلیس سعودی بسیار مفتضحانه بود و خنده دار پلیس تا دندان مسلح آل سعود از مقابل جمع قلیلی از جوانان آنچنان فرار می‌کرد که گوئی سربازان صدام هستند که به از جبهه جنگ می‌گریزند!! همین بخش آن قسمتی است که تلویزیون سعودی همیشه نشان می‌دهد که بگوید به پلیس ما حمله شده است حال آنکه این صحنه پس از نیم ساعت از حمله وحشیانه پلیس صورت گرفته است و در حقیقت اقدام برای باز کردن راه بود).

در قسمتی دیگر با ماشین آب پاش آب جوش بر سر مردم می‌ریختند، حزب الله حمله کرد لوله آب پاش را گرفت و مانع این اقدام پلیس شد. ناگهان آتش گلوله شعله ور شد مردم ابتدا تصور می کردند اینها گلوله های هوایی است اما چند لحظه ای نگذشته بود که خود نویسنده این سطور شاهد بودم که جوانی حدود ۲۵ ساله با قدی رشید و محاسنی زیبا در صورت ، تیری به قلبش خورد و بر زمین افتاد کار کمک رسانی به مجروحین ، کتک خورده ها و تیر خورده ها در امکان نداشت. راهها از همه طرف تحت کنترل بود صدای گلوله شهر را برداشته بود، رگبار مسلسلها ادامه داشت، از گازهای خفه کننده نیز استفاده کردند. مردم با استنشاق گازها بر زمین افتادند به حالت سرفه و سرگیجه، سپس آل سعود فاتحانه بر سر آنها می رسیدند و با چماق و باطوم میزدند و حتی بر جنازه ها نیز رحم نکردند، برادران حجاج اردنی و فلسطینی و ترکیه ای علی‌رغم تاکیدی که از قبل شده بود که هیچ کمکی به ایرانیها نکنید. درب هتل‌های

هر خویش را باز کردند، هتلهای بسیار بزرگی بود و جمعیت تظاهر کننده به داخل رفتند و پذیرائی با هم آب و نوشابه از مردم مظلوم ایران، مظلومین فلسطینی نمودند، زنهای فلسطینی گریه میکردند و میگفتند همینگونه با ما هر روز در فلسطین اشغالی برخورد میشود! خود من در کوچه ای پیچیدم، چند متر بیشتر نبود و بن بست، خانواده ای از مردم پاکدل هم عربستان درب را گشودند و ما را به داخل راه دادند، خانه ای دو طبقه، زنها و پیرمردها داخل آن منزل بودیم، ساعت از هشت و نیم گذشته بود، صدای تیراندازی قطع نمیشد بوی گاز فضا را گرفته بود. من از پنجره به قسمت عقب ساختمان رفتم و به بالای کوه رسیدم، از بالای کوه - مشرف به هتل فلسطینها - صحنه فاجعه کاملتر قابل مشاهده بود.

در همین حال مردم در صف متحد زیر سایه سرنیزه ها به اقامه نماز جماعت ایستادند، روبه خالق یکتا در حالی که کف خیابان را خون و جنازه، مجروح و شهید پر کرده بود وسایل مردم از قبیل کفش و کیف و ساک و چادر و عمامه و همه چیز در گوشه و کنار به تعداد بسیار بسیار زیاد ریخته شده بود.

صحنه نشانگر عصر عاشورا و فتح یزیدیان و غارت خیمه ها و آتش سوزی بود. پلیس هم سعودی پس از فتح!! قهرمانانه آتش بس اعلام کرد، پلیس سعودی خسته از زدن حجاج بی دفاع کم کم عقب نشینی کرد. ساعت از نه و نیم شب گذشته بود سه ساعت و اندی نبرد سخت، جانکاه و طاقت فرسا، ارتشی تا دندان مسلح با مردمی بی سلاح و بی پناه به پایان رسیده بود از کوه پائین آمدم خود را به جمعیت کتک خورده رسانده همراه آنان به راه افتادم.

خواهرانم را، مادرانم را دیدم، نه نالهای نه شکوه ای، فقط میگفتند چادر! چادر به ما بدهید؟ چرا که عمدتاً چادر آنها از سرشان افتاده بود.

وسط خیابان را جنازه های مطهر شهدا و مجروحین پوشانده بود و بوی خون از همه جا میآمد.

خسته و دلخسته از جنایت آل سعود، ورهروان راه یزید براه ادامه دادیم، کاروانها مملو از مجروح و مصدوم بود بخش کمی از شهدا را نیز آوردند حدود ۳۰ نفر، آژیر آمبولانسها و لحظه ای قطع نمیشد، آمبولانسهای هیئت پزشکی حج با شیشه های خورده شده از ضربات به پلیس؟! مجروحین را حمل میکرد، پلیس آل سعود نیز با آمبولانسهای خود به سرقت پر جنازه ها پرداخت و عده ای از مجروحین را نیز با خود برد که بعد نیز زندانی کرد.

مردان و زنان بسیاری در بدر بدنبال عزیزان خویش میگشتند مادرم کجاست؟ با همسر هم بودم الان نیست؟! خبری از پسرم ندارید؟! پدرم پیر مرد بود شما او را ندیدید؟



شب از نیمه گذشته بود، پلیس سعودی به همراه افراد لباس شخصی به جمع آوری غنایم جنگی پرداختند، کیف پول و قمقمه آب و کلمن و هر چه بدست آوردند برداشتند و بردند، دستگاههای از پیش تعیین شده برای از بین بردن آثار جنایت شروع به فعالیت کردند همه جا را تمیز کردند خیابانها را شستند نزدیک صبح دیگر در خیابان خبری نبود. صدای الله اکبر موذن از ماذنه برخاست مکه از خواب شبانگاهی بیدار شد، آفتاب از پشت کوهها طلوع کرد، دلهای مردم جهان نیز با شهادت این همه عزیز بیدار شد و صبح آزادی مسلمین با بیداری آنان تحقق هم خواهد یافت .

امروز صبح مسلمانان با بازگویی حادثه پرداختند، فلسطینها، اردنیها، مصریها ، ترکها، پاکستانیها همه و همه گفتند که آل سعود چه کردند گلوله باران ، چماق کشی، و تاریخ ثبت کرد که ملت مسلمان ایران و بقیه مسلمانان جهان در کنار کعبه فریاد برائت از مشرکین را سر دادند، این عمل توهین به مقدسات وهاییها بود و توهین به مقدسات مشتی حاکم غاصب بر سرزمین اسلامی مکه و مدینه بدستور اربابان خویش با همه وسائل، آتشی از خشم و کینه افروختند تا هم ریشه بت شکنی و بت شکنان را بسوزانند اما خداوند آتش را گلستان کرد که این سنت تاریخی خداوند است .

الیس الصبح بقریب سید حسن میردامادی روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۳۱ مرداد ۱۳۶۶

برای پلیس سعودی همه چیز در کشتار زائران خلاصه می شد ظهر روز جمعه بود، برادران هم اطاقی که از حرم بر می گشتند از تعطیلی تمامی مغازه های مسیر راهپیمایی و استقرار پلیس و نیروهای انتظامی در مسیر، خصوصاً ابتدا و انتهای خیابانی که قرار بود طی شود خبر آوردند. برای ما که در طول انقلاب و بعد از آن شاهد صحنه های بسیاری از نهضت شکوهمند مردم ایران بوده ایم استقرار پلیس و نیروهای تجهیز شده اصلاً دلهره و ترسی نداشت و تازه من شخصاً بسیار خوشحال بودم چرا که فکر میکردم شعارها و کلام پر صدق و صفای حجاج اثری هر چند ناچیز بر دلهای سیاه و زنگ گرفته آنها خواهد گذاشت.

نماز عصر را خواندیم و براه افتادیم. هنوز در راه بودیم و به محل تجمع و قراری که مقابل میدان معابده داشتیم نرسیده بودیم که حرکت کاروانهای ایرانی از خیابانهای مختلف به طرف به بعثه توجه همه حجاج را بخود جلب میکرد. وقتی از محل اقامتمان به طرف بعثه در حرکت و بودیم و در دسته ها و گروههای مختلف برای رسیدن به مراسم شتاب میکردیم نگاه حجاج دیگر به ما دوخته شده بود. زوار ایرانی در این راه با چه صمیمیت و صداقتی میرفتند و نگاه حسرت بار و حاجیان دیگر حکایت از قصه ها میکرد. قصه زنجیر و زور و زندان و ظلم بود که آنها را چه در هند مملکت خودشان و چه در اینجا از حرکت و شعار و فریاد برائت باز می داشت. بندرت آنها که جرات و جسارتی داشتند به کنار ما می آمدند و بسیاری از بالای پشت بام ها، از ایوانها و پنجره ها چشمشان به ما بود. من مطمئنم اکثر آنها حتی به عمرشان تظاهرات ندیده بودند و آنچنان در خفقان و فشار هستند که دیدن حتی یک صف تظاهرات و اجتماع آنها را به شوق و

می آورد و اشک در چشمشان حلقه می زند. منتها اگر در کنار مانمی آیند و شعار نمی دهند دلیلش همان جاسوسانی هستند که به شدت مراقیشان هستند. گرچه به آنها قبلا- ثم اخطار داده اند که مبادا با ایرانیها حرف بزنید، اما دل آنها با ماست. راستش عامه مردم خیلی م خوب زبان همدیگر را میفهمند و یک اشارت کافی است تا حدیث مفصلی را بهم بیاموزند.

هیچ یادم نمی رود که در مسجد النبی نشسته بودم یک خانم مسن ایرانی در صف بلافاصله پشت سر من نشسته بود و با یک زن که ظاهری عربی داشت سر صحبت را باز کرد. آنها چقدر ساده و صمیمی گفتگو می کردند. باور کنید همین حرکت انسانها و صحنه زیبای ارتباط قلبی و درونی حجاج پیام ما را می رساند و قلبهای آنها را تسخیر می کند و بهمین دلیل بود که پر سعودیها اینقدر وحشت داشتند تا مبادا حجاج دیگر ما را ببینند و آنها را از ایستادن در مسیر به راهپیمایی و حتی نگاه کردن از بام و پنجره ها هم منع کرده بودند.

از صف پلیس گذشتیم و داخل میدان معابده در انتظار شروع مراسم بودیم. افسران بظاهر و پر ارشد آستین ها را بالا زده و عصبی بودند و بطور مشخص میشد اضطراب و نگرانی را از غ چهره شان خواند. تعداد ماموران پلیس در مسیر راهپیمایی کم به نظر می رسید. (خیلی کمتر از آنچه در مدینه بود) و حال اینکه در دو طرف خیابان نیروی فوق العاده ای مستقر کرده بودند که هم هر لحظه به تعداد آن اضافه میشد.

حالا دیگر مراسم شروع شده بود و حجاج از راههای دور و نزدیک به جمع می پیوستند بعد از اینکه سخنرانی آقای کروی و ترجمه عربی آن تمام شد جمعیت با شعار از قبل تعیین شده بحرکت در آمد و پرچم طاغوت را آتش زدند من در آن موقع به پرچم نگاه نمی کردم. به هزاران حاجی عرب و آسیایی و آفریقایی نگاه میکردم که از بام و پنجره ها و یا در کنارمان چشمشان بما دوخته بود و آتش زدن پرچم آنها را بجنب و جوش در آورده بود و با حیرت و شعف آنرا نگاه می کردند. کاری که منتهای آرزوی آنها بود و هرگز جرات انجامش را نداشتند حالا داشت بدست ما عملی می شد و من مطمئنم این صحنه تاریخی در ذهن آنان خواهد ماند و در مملکت شان سینه سینه نقل می شود.

بعد از این توقف، دوباره به راه خود ادامه دادیم، هوا گرم بود. برآستی به مردمی که در آن هم گرما و شرایط سخت با چنان علاقه و صلابتی در حرکت بودند و با شور و حرارت شعار میدادند بایستی آفرین گفت. به شعارها و تظاهرات خودمان اصلاً توجهی نداشتم. چشم به خارجیهایی که داخل جمعیت یا در کنار ایستاده بودند دوخته بودم تا اثر این شعارهای داغ و

ناب را در چهره آنها بخوانم. من ۱۰ با ۱۵ متر با صاف اول فاصله داشتم. دیدم جمعیت و ایستاده و پلیس در چند ردیف جلوی آنها را سد کرده است. و این در حالی بود که هنوز به پایان و مسیر مسافتی مانده بود و ضمناً قرارمان این بود که تظاهرات با خواندن نماز مغرب ختم شود. به در همین مدت مردم هر لحظه به این خط میرسیدند و بر تعدادشان افزوده میشد و طبیعتاً به با یکدیگر فشرده تر و فضای ایستادن و تحرک کمتر و کمتر می گردید. که یکدفعه دیدم جمعیت و هم بهم‌دیگر پیچید صحنه‌هایی که از این قسمت از شروع حمله بخاطر دارم درست مانند چند عکس و اسلاید در ذهنم مانده که حتی همان موقع هم باور نمی کردم اینها واقعیت داشته باشد. در یک طرف آب جوش با فشار شدید جمعیت را پس میزد و از همان جهت صدای تک م هم تیر، نیز می آمد و باعث وحشت مردم می شد. در جهت دیگر باتوم‌ها را میدیدم که بالا و به به پایین می رفتند و بدون وقفه پیش می آمدند، خونی بصورت و لباسم پاشید دستم را به سرم بردم هیچ چیز نبود در کنارم برادری سرش شکافته بود، به بالا نگاه کردم باران سنگ و آجر و هم سطل آهنی بود که به پایین می بارید و آخرش یک تیر آهنی دانم لوله بزرگ آهنی بود که بنظرم چند متری طول داشت و به پایین پرتاب شد. ذهنم فقط از افتادنش در حالیکه بالای سرم بود مغشوش شد و دیگر نگاه نکردم تا وقتی خونها به آسمان پاشید و سرها شکافت دریافتم که به پایین رسیده .

در مقابلم یک لحظه معلولی را دیدم که پایش از ران قطع بود. پای مصنوعی اش را با .

در دست گرفته بود و در میان جمعیت فشرده و پرس شده بایک پا ایستاده بود. نفهمیدم که عاقبت هر چه بر سرش آمد و کجا بزمین افتاد. جهتی دیگر را دیدم پیرزنی خسته و رنگ پریده، عرق کرده و ونفس زنان تحت فشار جمعیت بیحال شده بود و آرام آرام بزیر میرفت من هرچه کردم دست و دراز کنم و او را نجات دهم دستم نرسید دیدم که رفت به زیر جمعیت. جهتی دیگر را دیدم شرطه‌ها و پلیس‌ها در طول مسیر از بالای پشت بام مغازه‌ها و بعضی دیوارها بنای فرار از داخل و جمعیت را گذاشتند و عملاً ما محصور شده و از پلیسی که در ابتدا و انتهای مسیر ویادر ساختمانها و جاهای مشخص جمع بودند ضربه می خوردیم.

یک گوشه دیگر را دیدم پیرزنی که سنگ به سرش خورده بود و خون مقنعه و چادر نمازش را هم سرخ کرده بود در حالیکه میلرزید و سرش را با یکدست گرفته بود داشت از فرط بیحالی به زیر میرفت که زیر بازویش را گرفتند و او را سرپا نگه داشتند. با جمعیت به کندی پس می رفتم و فقط صدای ناله و جیغ زنان و تکبیر مردان در گوشم مانده است . در یک سو چرخ دستی معلولین و

را دیدم که با فشار جمعیت به جلو خم می شد و حتی مراقبین او که سعی داشتند حداقل وی را بر روی دست بلند کنند این کار برایشان ممکن نشد و چرخ با آن برادر به زمین غلطید.

بک لحظه به صف پلیس نگاه کردم فقط صد قدم با من فاصله داشت و هنوز با شدت باتوم ها بالا و پایین می رفت و جلو می آمد هنوز بهت و ناباوری مرا و امی داشت که بی تفاوت باشم تعجب می کنم که چرا اصلاً ترس نداشتم. چند قدم جلوتر، خیابان کمی گشادتر شد و جمعیت نفس کشید و در میدانچه ای که آنجا بود پخش شد. اینجا یک صحنه خیلی جالب دیدم. عده ای از زنان روستایی که سالم و سرزنده بودند وقتی به فضای باز رسیدند در یک لحظه چادر را بدور کمر پیچیده و در پشت گردنشان گره زدند. بعضی ها می خواستند هم چوب های پلاکارد را بردارند که مسن ترها مانع شدند از طرفی بلندگو همه را به آرامش و عدم درگیری دعوت می کرد. در همین اوضاع و احوال حمله دیگر پلیس در جهت عکس قبلی شروع شد. این بار من آغاز حمله را با احساس دردی در کمر فهمیدم و دیدم که در پشت سرم یک پلیس باتوم به دست آماده حمله است. به جلو جهیدم. باز ذهنم عکسی از صحنه گرفت.

مرد جوانی را دیدم که پیر مرد سالخورده و خون آلودی را در آغوش گرفته و میرد و فکر می کرد که عرف و اخلاق در نظر این ارادل جایگاهی دارد و به صرف دیدن این پیرمرد زخمی با او کاری نخواهند داشت، که در همین اثنا پلیس سر رسید و با چند ضربه سرش را شکافت و پیکر نحیف پیرمرد بر زمین کوبیده شد. من با شلیک گلوله گاز اشک آور از بالای ساختمان روی برگردانده و بجلورفتم. تا بحال شنیده بودم گاز برای آن است که جمعیت متفرق شوند، ولی ما که در محاصره بودیم و هیچ مفری نبود نمی دانستیم چه باید کنیم. وقتی گاز پرتاب شد عده زیادی زیر دست و پا افتادند و من خودم را در کوچه بن بستی یافتم که به کوه ختم میشد. زخمیها را آب و دادیم و استراحتی کردیم و بعد از مدتها به خیابان که ظاهراً خلوت شده بود، آمدیم. دلگيرو مبهوت به مردم سرگردان و وحشترده پیوستم. کف خیابان از کفش و چادر و روسری و عینک و حتی کیف پول و دیگر وسایل شخصی پوشیده بود. کمتر کسی بود که ضربه یی نخورده باشد خصوصاً زنان که اغلب افتان و خیزان و اشکریزان، پای برهنه و یاسر بدون پوشش راه می آمدند.

حمله ای دیگر از طرف پل شروع شد. صدای رگبار مسلسل و تک تیراندازان وحشت زیادی ایجاد میکرد من که اصلاً تصور نمیکردم این رگبار حجاج را نشانه بگیرد. با اطمینان در وسط خیابان حرکت میکردم و حتی به برخی که بسیار وحشت زده بودند دلگرمی می دادم که این

تیرها هوایی است نترسید، آرام باشید و از این قبیل. که ناگهان دیدم به پای برادری در کنار من تیر خورد و پایش در ناحیه ران متلاشی شد و سفیدی استخوان شکسته اش نمایان گردید. من متعجب بودم از اینکه تیرها بطرف مردم است و وحشت زده از اینکه تیر فشنگ پای آن برادر رابه چنان وضع فجیعی در آورد. باز جمعیت به فشار و تکاپو افتاد، زنان و زخمیها به ساختمان اردنی ها و فلسطینی ها پناه بردند. عده ای از خانم ها از قبل در کوچه ای بن بست نزدیک همین ساختمان ها نشسته و پناه گرفته بودند و استراحت می کردند. در یک حمله و پیشروی مجدد پلیس، مردم در حالیکه غافلگیر شده بودند با فشار و حرکت اجتناب ناپذیر به داخل همان چه ای میریختند که عده زیادی زن در ابتدای آن برای استراحت نشسته بودند. و حالا زیر پای کسانی که از خیابان بالاجبار و تحت فشار به کوچه سرازیر بودند، له می شدند و چه بسیار از زنان و مردان که در این محل به شهادت رسیدند. وقتی فشار حمله کمتر شد اجساد شهدا را بیرون آوردند. و من که بخاطر حرفهام ضرورت احساس می کردم، برای نجات مجروحین و دادن کمکهای اولیه پزشکی به آنان به هلال احمر فلسطینی ها رفتم و شروع بکار کردم عده زیادی نفس نداشتند و با تنفس گاز خفه کننده و بعد هم زیر دست و پا بشدت مصدوم شده بودند. و من در چند دقیقه توانستم با دادن تنفس مصنوعی، و منظم حالت طبیعی را به چند زخمی برگردانم. در حالیکه با سرعت و شدت مشغول کار بودم یکدفعه بخود آمدم و دیدم کسی که مانند یک دستیار در کنارم کمک میکند زنی است عرب این زن یکریز دعا میخواند و گریه می کرد. وقتی توجه کردم دیدم زن جوانی است که لباس عربی دارد و ظاهر زنهای کویتی را داشت. معلوم بود که اطلاعات پرستاری دارد و خوب دستکاری میکرد. تمام صورتش را غیر از چشمانش پوشانیده بود در همین افکار بودم که گاز اشک آور تمام فضای سالن را پر کرد.

برادران خبر آوردند که داخل ساختمان اردنی ها هم گاز انداخته اند تا دیر وقت آنجا مشغول بودم همکاری و همدردی اردنی ها و فلسطینی ها و ترکیه ایها قابل توجه و دلگرم کننده بود حتی از آنها هم چند زخمی و شهید بچشم دیدم در طبقه همکف ساختمان اجساد شهدا را که اغلب زن بودند، ردیف کرده بودند که پلیس با آرام شدن اوضاع برای بردن آنها آمد اول مقاومتی از طرف ما شد که اجساد را ندهیم ولی باز وحشیگری کردند آنقدر این کلام «درگیر نشوید، تکرار میشد که کسی مقاومت نکرد و اجساد را بردند.

شب دیروقت بود که بطرف بعثه براه افتادیم تا اگر در خطر محاصره ویا تهاجم باشد آنجا حاضر باشیم در راه از داخل یک کوچه، نوجوان عرب زبانی که بعدا فهمیدم بحرینی است مرا

صدا زد و شرح ماجرا را پرسید، از تعداد شهدا و زخمیها پرسید، بسیار نگران بود. میگفت با اتومبیل از بحرین به همراه خانواده برای زیارت آمده اند و حالا از مادر و خواهرش که در تظاهرات بوده اند جدا شده و آنها را گم کرده است. به او امیدواری دادم و گفتم نگران نباشد، خداحافظی کرده بطرف بعثه رفتم در حالی که پای راستم میلنگید و کمرم بشدت درد میکرد و خودم هم در گرماگرم کار اصلاً نفهمیده بودم که چه شده است.

### به آتش کشیدن پرچم آمریکا و حمله پلیس - عبدالرضا ابراهیم

محمد مهدی پوراردبیلی روزنامه کیهان چهارشنبه ۱۸ شهریور ۱۳۶۶ روزنامه کیهان پنجشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۶۶ به آتش کشیدن پرچم آمریکا و حمله پلیس پس از اتمام سخنرانی آقای کروبی، ما شروع به راهپیمایی کردیم که متوجه شدیم جمعیت در حلقه محاصره پلیس قرار گرفته است، ما برگشتیم که زنها را نجات بدهیم دیدیم که از جلو دارند گاز اشک آور پرتاب، و آب می پاشند و هیچ راه فراری هم برای حجاج نگذاشته بودند.

ما از این شرطه ها خواهش کردیم اجازه بدهید ما از یک طرف برویم، گفتند محال است. حدود ده بیست تا زن خفگی بهشان دست داد و روی هم ریختند و داشتند جان می دادند، باز دوباره پائین رفتیم دیدیم به هیچ وجه اینها اجازه عبور نمی دهند و تیراندازی هم شروع شده بود و مردم زیر دست و پا له می شدند و چند تن از هموطنانمان هم تیر خورده و شهید شده بودند، ما سعی کردیم یکی دو نفر از افرادی را که روی زمین افتاده بودند و هنوز زنده بودند، نجات بدهیم و لذا آنها را در ملحفه پیچیدیم و به طرف آمبولانس بردیم که وقتی شرطهها فهمیدند ما داریم اینها را حمل می کنیم، شیشه های آمبولانس را خرد کردند و آن یکی دو نفر نیز به شهادت رسیدند و مجدداً گاز به طرف جمعیت پرتاب کردند که حدود بیست یاسی زن روی هم افتاده و خفه شدند.

من در حال کمک به مردم و راهنمایی آنها بودم که شرطهها وقتی متوجه شدند که من دارم - به مردم را راهنمایی می کنم، سه نفرشان مرا گرفته و دم یک مغازه ای که حدود بیست سی متر از جمعیت فاصله داشت، آوردند، دو سه نفر آمدند مرا نجات بدهند، نتوانستند، آنقدر باتون و توی مغز، پشت و... من زدند که خون فوران زد، دو نفر از پلیسها گفتند این خلاص، یعنی

این مرد، دوباره ده بیست تا جوانهایی که با ما بودند، آمدند که مرا نجات دهند، این شرطها دنبال آنها کردند و من مقداری از خونها را از جلوی چشمم پاک کردم و از جای خود برخاستم که ناگهان یکی از شرطها یک باطوم به دست چپم زد که دستم شکست و پس از چند لحظه یک تیر و به دست راستم زدند که من خودم را جلوی آمبولانس انداختم و دیگر نفهمیدم چه شد.

### بیداری حجاج خارجی – احمد رضا یمنی

باید بگویم که پس از اینکه ما پرچم آمریکا را آتش زدیم، پلیس با انواع وسایل و تجهیزات به ما حمله کرد و بسیار گاز اشک آور و نارنجک دودزا و غیره پرتاب و سپس شروع به تیراندازی به کردند که زنها همینجور روی هم ریخته بودند، و من فقط یک صحنه برایم خیلی وحشتناک است آن اینکه بالای قبرستان ابوطالب پلی است، تعداد زیادی زن رویهم ریخته بودند و ضجه و می زدند و تقاضای کمک می کردند و پلیس هم بر روی آنان گاز پرتاب کرده بود و هیچکس + قادر به کمک به آنها نبود و این بندگان خدا یکی پس از دیگری به شهادت رسیدند، هر موقع باد آن صحنه می افتم منقلب می شوم.

عبدالرضا ابراهیم - یکی از مجروحین و روزنامه رسالت پنج شنبه ۵ شهریور ۱۳۶۶ \* بیداری حجاج خارجی من به اتفاق ۱۷ نفر دیگر از برادران کاروان بعنوان مسئولین انتظامات انتخابات شده بودیم .

یکروز قبل از جمعه خونین ، در روز پنجشنبه به اتفاق سه تن از دوستان هم کاروانی در ساعت ۲۰ جهت زیارت خانه خدا حرکت نمودیم. و وقتی که به بعثه شماره دو امام رسیدیم. ملاحظه و کردیم که حجاج ایرانی و غیر ایرانی در جلوی بعثه امام تجمع نموده و شعارهایی علیه آمریکا و اسرائیل میدهند، وقتی علت را پرسیدیم گفتند که پلیس فاشیست عربستان به بعثه حمله ؟ نموده و تعدادی از کارکنان بعثه امام را با خود برده است و پلیس هم دورتادور حجاج را محاصره نموده است. ما نیز به بقیه حجاج پیوستیم. ساعتی بعد پس از خواندن دعای کمیل ۱۲ شب بود که کارکنان بعثه را آزاد نمودند.

روز جمعه ساعت سه بعدازظهر به محل راهپیمائی رفتیم و مسئولیت انتظامات منطقه خود را به عهده گرفتیم، مسئولین نیز بما تأکید میکردند که بهیچ وجه با عوامل سعودی درگیر نشویم و با احترام کامل با آنان برخورد نمائیم. در چندین مورد که آنها بدنبال بهانه میگشتند، با بوسیدن صورت آنها مانع از درگیری شدیم . با شروع برنامه ابتدا چندین شعار علیه آمریکا و اسرائیل



روسیه داده شد.

سپس پیام امام به زبان عربی قرائت گردید و پس از سخنان نماینده امام پرچم آمریکا و شکلک ریگان به آتش کشیده شد. در این حین مزدوران آمریکا از ساختمان روبرو با انداختن آینه بروی دوربینهای فیلمبرداری در ادامه مراسم اخلاص بعمل می آوردند.

پس از سخنرانی حاج آقا کربوبی اجازه راهپیمایی داده شد. و مسئولین تاکید نمودند که راهپیمایان سریعتر حرکت نمایند که تا نماز مغرب خود را به جلوی حرم برسانند و تأکید نمودند که هر جا صدای اذان شنیده شد همانجا آماده نماز باشند.

من جزو نفرات اول بودم. هنگامیکه از پل حجون گذشتیم (بالای پل مملو از مزدوران عربستان بود). از پارکینگ چهار طبقه ای که سمت چپ راهپیمایان بود همچنین از بالای پل، مزدوران آمریکا شروع به پرتاب سنگ و آجر نمودند که باعث شد مردم بطرف عقب برگردند. و مزدوران از پشت سر هم، راه را بسته و با شلیک گلوله و پاشیدن آب جوش مردم را به جلو متمایل مینمودند و پس از اینکه از عقب و جلو مردم را جمع نمودند از ساختمانهای اطراف شروع به پرتاب تیر آهن، کولر، سنگ و آجر و شیشه نمودند که بعلت تراکم جمعیت، هرشویی و که بر سر مردم میریخت تعدادی را به خاک و خون میکشید. حتی کوچه های دو سه متری را هم که وجود داشت بسته بودند، و هیچ راه فراری برای مردم نگذاشته بودند، انسان به عینه صحنه اسارت کربلایان را با چشم میدید. و همانطور که بر سر آنان خاکستر میریخت بر سر این ملت مظلوم آهن و کپسول گاز و شیشه و غیره میریختند. این نامردها حتی به زنان و پیران و زنان باردار و نیز رحم نمیکردند و اگر گیرشان میافتاد آنها را به قصد کشتن میزدند. من با چشم خود دیدم که پیرمردی را چنان زده بودند که دوچشمش از حدقه در آمده بود و بینی اش خرد شده بود. زنان را شد می دیدی که بعلت افتادن چادر از سرشان از گونی و پیراهن مردان برای پوشش خود استفاده و میکردند.

فردای آنروز دور تا دور حرم خدا بوسیله نظامیان گرفته و جلوی هر دری چندین مأمور ایستاده بود.

حتی وقتی میخواستیم آب زمزم بیاوریم جلوگیری مینمودند و با سر نیزه پلاستیکهای آب را سوراخ می نمودند. هر روز نظامیان خود را با تانک و نفربر در شهر رژه میبردند و شبانه به افرادی که تنها بودند حمله کرده و بعد از مضروب نمودن او فرار میکردند.

ساعت ۸ صبح جمعه ۲۳ مرداد ماه بود که به دروازه مدینه رسیدیم. و از ساعت ۸ صبح الی ان

ساعت ۱۶ به مدت ۸ ساعت ما را پشت دروازه مدینه نگاه داشته بودند و در آن گرمای مدینه پس و از ۸ ساعت معطلی بدون هیچ دلیل ما را رها نمودند. در داخل شهر مدینه در تمامی محله هایی و که حجاج ایرانی بودند پلیس سعودی بطور ۲۴ ساعت در حال آماده باش کامل بودند.

### بیداری مسلمین - محمد کاظم کمال - قاین

جلو بعثه امام را با توجه به اینکه از مسئولین ایرانی آنجا نبودند، ولی بوسیله نفربرهای آمریکائی حامل خمپاره انداز ۱۲۰ میلیمتری و تیربارهای کالیبر ۵۰ در محاصره داشتند. وحتى وقتی سوار هواپیما شدم از پنجره هواپیما دیدم که چندین مأمور سعودی دور تا دور هواپیما را در محاصره دارند.

ولی چیزی که گفتنی است از آن روز به بعد حجاج غیر ایرانی باماها بیشتر تماس میگرفتند و علاقه بیشتری جهت صحبت با ما نشان می دادند چون هر شب به حرم میرفتیم می دیدیم که حجاج غیر ایرانی از آن شب بیشتر جهت دیدن نماینده امام می آمدند. شاید این هم خواست خدا بود تا مظلومیت مردم ایران در برابر جهانیان بیشتر آشکار گردد.

احمد رضا یمنی روزنامه جمهوری اسلامی چهارشنبه ۲۵ شهریور ۱۳۶۶ بیداری مسلمین مکه شهر مقدس و بی نظیر، بهترین مکان مذهبی دنیا □ مامن کبوتران معصوم، شهری که خانه خدا را در خود جای داده در جمعه ای شلوغ و مملو از حجاج همه بلاد جهان نظاره گر تراکم جمعیت در منطقه ای بود که بعثه حضرت امام در آن جای گرفته بود، طنین شعارهای مقدس و ناخوشایند برای استعمارگران چنان محکم و قوی به اطراف پخش می شد که هر خوابیده در خواب خرگوشی در آن سرزمین را به بیداری سوق می داد و جمعیت انبوه دلسوخته و پاکدل با شعارهای ابراهیمی خود بت های قرن را نشانه گیری کرده و تن و روح آنان را با نهیب های خود آزرده و می لرزاندند. مگر نه این است که کفر جهانی با تلاشهای مستمر خودسرانی را بر اغلب کشورهای اسلامی گمارده که از کانال آنها لالائی خواب آور و مسخ کننده ای را در سرتاسر جهان اسلام می گستراند و این کوششهای مستمر و پوچ هر ساله در این مکان مقدس که از همه بلاد مسلمین نمایندگان و رسولانی در آن گرد می آیند با شعارها، علامیه ها و تماس گرفتند آنها با یکدیگر بر باد می رود، بر باد رفتن این تلاشها و بیدار شدن تدریجی مسلمانها یعنی از دست رفتن چپاولگری توسط استکبار و خوابیدن کارتلها و تراستها و...

و اما امسال هم همچون گذشته دریای جمعیت باشور و هیجانی مقدس گوش به سخنان نماینده حضرت امام و سپس سوزاندن پرچم آمریکا، سمبل استکبار جهانی و طاغوت و زورمداری و آنگاه حرکت سیل وارولی آرام و متین جمعیت بطرف مسجدالحرام بافریاد الموت لامریکا، «والموت لروسیا»، «والموت لاسرائیل»، ویا ایها المسلمون اتحادوا اتحادوا چنان جانانه و پرتین که جان آدمی را نوازش می داد و غروری مقدس فرا می گرفت. به در دوران بدون اونیفورم و اونیفورم پوش سعودی در بالای ساختمانها، اطراف خیابانها و در بالای ساختمانها، اطراف خیابانها و در همه جا دیده میشدند و باران سنگ و آجر و شیشه بر سر زائرین حرم بمنظور خوشحال کردن آمریکا و نوکرانش در منطقه، فرو می ریخت زائرین بیت الله عقب نشینی کردند اما از پشت هم این دیو صفتان از خدا بی خبر یورش آوردند همه راههای اصلی و فرعی بسته شده بود ناگهان به منظره عجیبی برخوردیم که باور کردنی نبود گویی خواب می بینم نامردهای کثیف، مزدوران آل سعود و بهتر که جهود، با تجهیزات کامل که هدیه استعمار بود به جمعیت عظیم خواهران که معصومانه در پناه ساختمانی بلند در کنار خیابان جمع شده بودند حمله ور شدند و در اینجا برادران حزب الله تاب تحمل نیاورده و فقط با طنین دشمن برانداز الله اکبر بر مزدوران آل سعود آنها را فراری دادند صدای تیراندازی از هر سو و هر لحظه شدت بیشتری می گرفت و خواهران و برادران چون برگ بر زمین می ریختند و جنایت و کشتار ادامه داشت تا آنکه پس از فراغت دژخیمان کیوتران حرم هر کدام پناهی و گریز گاهی پیدا کرده بودند .

حاج محمد کاظم کمال - قاین روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه ۵ مهرماه ۱۳۶۶ بی رحمی بیداد می کرد حدود ساعت سه بعداز ظهر بود که از منزل به طرف محل برگزاری مراسم حرکت کردیم بنده به عنوان انتظامات در حوالی پل «حجونه مامور بودم، جمعیت زیادی جلوی بعثه امام جمع شدند و به شعار پرداختند، شعارها حالت کوبنده ای داشت چرا که برای صهیونیستها و آمریکائیهها ناخوشایند بود ولی برای زخم دیده های فلسطینی و لبنانی و دردمندان افغانی و مصری و اردنی و... مرهم بود. شعارها در یک آن چهره ای را خشمناک مینمود و چهره ای را منبسط و شاد میگرداند. بعد از اتمام شعارها، حجت الاسلام کروبى نماینده امام سخنرانی

کردند سپس صحبت‌های ایشان به زبان عربی ترجمه شد و بعد از آن جمعیت فریاد الموت لامریکا، الموت لاسرائیل، الموت لروسیا سردادند، سپس توسط بلندگو از جمعیت زائران و خانه خدا دعوت شد که به آرامی تا مسجد الحرام راهپیمائی کنند و هر جا که در مسیر اذان شد جمعیت بایستند و نماز مغرب و عشا را بجای آورند.

اولین گروهی که به طرف مسجد الحرام راه افتادند برادران جانباز بودند که توسط صندلیهای چرخدار خودشان حمل میشدند، پشت سر آنها پیرمردها و پیرزنها و افرادی از خانواده شهدا بودند در مسیر راهپیمائی سعودیها بیش از هزار دوربین مشرف بر جمعیت کار گذاشته بودند و همه را زیر نظر داشتند. جمعیت در حالی که شعار میدادند «یا ایها المسلمون اتحدوا اتحدوا و هم پیش میرفتند و شعارهایی مبنی بر براءت از مشرکین سر میدادند علیه آمریکا و اسرائیل فریاد میکردند و تمامی نژادهای خداخواه را به وحدت و انسجام دعوت میکردند. بنده مامور بودم که بعنوان انتظامات کنار پل حجون باشم، همانجائیکه اطلاع داده بودند هر سال ماموران سعودی هم وارد عمل میشوند و جمعیت راهپیمائی را بدونیم میکنند تا از عظمت راهپیمائی بکاهند، در همانجا ایستاده بودم که ناگهان صدای تیری را شنیدم که بعدا به رگبار تبدیل شد. مردم به هر طرف میدویدند و مضطرب بودند هر کس دنبال جان پناه میگشت عده ای را با لباسهای خونین هم دیدم که از جلوی جمعیت به عقب می آورند، مجروحانی را دیدم که بر روی دست مردم به عقب آورده میشدند معلولان و جانبازانی را دیدم که قدرت فرار نداشتند و اکثراً یا شهید شده بودند و یا در زیر دست و پای جمعیت مضطرب و در زیر هجوم چکمه های ماموران آل سعود مصدوم و مجروح گردیده بودند.

پیرزنها و پیرمردهای شهیدی را دیدم که بر آسفالت داغ خیابان افتاده بودند و گروهی بادست پای تیر خورده در حالی که لباسهایشان غرقه به خون بود از جلوی جمعیت به عقب انتقال داده میشدند، صحنه، صحنه عجیبی بود، بیرحمی بیداد میکرد، عمال آل سعود باماشینهایشان به روی جمعیت می آمدند و عده ای را در زیر چرخهای ماشینشان له میکردند و به شهادت میرساندند ماشینهای آب پاش را دیدم که با فشار زیاد به روی جمعیت آب میریختند.

شرطه هایی دیگر از آل سعود را در لباس شخصی دیدم که دامنهایشان را پر از سنگ و آجر کرده بودند و به روی جمعیت پرتاب میکردند و یکی از آن سنگها هم به کمر من خورد.

جمعیت همینطور سراسیمه داشت به عقب میآمد، در حالیکه عده ای از مجروحین بدلیل در تیررس قرار داشتن مردم، روی زمین مانده بودند.

گازهای اشک آور یا خفه کننده را دیدم که ماموران آل سعود به میان جمعیت پرتاب میکردند. ماموران به ده متری من رسیدند، پیرزنی را دیدم دستش تیر خورده روی زمین افتاده و بی تابی میکند، رفتم جلو و کشیدمش از وسط جمعیت کنار که برادرهای دیگر به عقب منتقل کنند، بعد از آن دو سه جوان مجروح را دیدم، رفتم جلو یکی از آنها را آوردم عقب، همینکه برگشتم یکی دیگر از مجروحین را بیاورم تیر خوردم، تیر دو زمانه بود، از جلوی شکم خورد و از پشت شکم در آمد، استخوان پشتم را شکست و حدود یک متر به هوا پرتاب شدم، یکی از دوستان، مرا کشان کشان آورد عقب، سپس مرا به هتلی که متعلق به فلسطینیان بود بردند. در آنجا قریب به ۳۰ مجروح آورده بودند، که بد حالتترین آنها من بودم، حدود چهار نفر از هم مجروحین در اثر خونریزی به شهادت رسیدند.

ماموران سفاک آل سعود برق ساختمانهایی که مجروحین را میبردند قطع میکردند، من از درد مثل مار بخودم می پیچیدم از طرفی گازهایی که استشمام کرده بودم خیلی مرا می آزد.

تا ساعت ۱۰ شب یعنی حدود ۳ ساعت در همان حالت خون ریزی و درد بسر بردم، با اینکه به غم دوست همراهم گفته بودم کمرم را با پارچه ای محکم ببندد ولی خون بند نمی آمد.

و ساعت ده و نیم شب بود، ماموران به تمیز کردن خیابانها و جمع آوری اجساد مطهر شهدا م ویدنهای مجروحین پرداخته بودند، افرادی که در هتل بودند متوجه این مسئله شدند و مجروحین هتل را به کنار خیابان بردند به انتظار اینکه بیایند و بدن مجروح ما را بردارند و به مرکز درمانی ببرند. نیم ساعتی هم بر روی آسفالت گرم خیابان بودم، ساعت، یازده شب بود که اتومبیلی از هم ماموران آل سعود سر رسید و کنار ما ترمز کرد، آمدند پائین با اینکه متوجه شده بودند و ما مجروحیم همینطوری ما را روی همدیگر پرت میکردند به بیمارستانی که نامش را نمیدانم بردند و از آن میان مرا که سالم بسیار وخیم بود مستقیما به اطاق عمل بردند بعد بجای اینکه روده بزرگ مرا بدوزند یا بگذارند توی «کلوسترومی» و بگذارند بیرون، یکی هم از آنها را وصل کرده بودند و یکی همینطوری در شکمم رها کرده بودند، این مسئله بر شدت دردم افزوده بود و هر چه فریاد میکردم گوش نمیکردند.

آنها آنقدر ترس و وحشت داشتند که بالا سر هر مجروح سه نفر مسلح گمارده بودند، میخواستم بروم دستم را بشویم میگفتند نه از روی تخت تکان نخور! دو سه روز بعد، هلال احمر آمد و اسم و مشخصات گرفتند و سپس ما را به بخشی دیگر بردند؟ خیلی مقررات خشک داشتند. ساعت چهار و پنج روز سه شنبه بود آمدند و گفتند امروز

عصر شما به طرف تهران حرکت میکنید شنیدن این خبر مرا خیلی خوشحال کرد دو ساعت گذشت، آمبولانس آوردند و در هر آمبولانسی دوسه نفر مامور سعودی سوار شدند و ما را آوردند تا جده، در آمبولانس حالم داشت بهم میخورد میخواستم برای هواخوری بیرون بیایم بزور به داخل آمبولانس مرا هول دادند نیم ساعتی در فرودگاه جده بودیم سپس ماراسوار هواپیما کردند.

### به هیچکس رحم نکردند

بعد از ممانعتهای زیاد شب از یازده گذشته بود که هواپیما حرکت کرد و آمدیم ایران به بلافاصله مرا به بیمارستان «نجمیه» آوردند، یکی از دکترهای بیمارستان که بالای سر بنده آمد گفت شما را درست عمل نکردند سریعاً مرا برد اتاق عمل و کلوسترومی را آورد بیرون و چون خیلی از من خون رفته بود مرا فرستادند بیمارستان «بقیه الله».

۵ روز در بیمارستان بقیه الله بخش «آی سی یو» بودم و به لطف خداحالم بهتر شده و بهتر خواهد شد.

محمد هادی اینانلو روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه اول شهریور ۱۳۶۶ به هیچکس رحم نکردند مصاحبه با چند حاجی در فرودگاه اصفهان من هم مانند همه مسلمین جهت برائت از مشرکین به فرمان امام در راهپیمایی شرکت کرده به همراه جمعیت به سمت مسجدالحرام سرازیر شدم، ولی خدا را شاهد می گیرم آنچه این رژیم کثیف آل سعود بر ما کردند شمر بر اصحاب حسین (ع) نکرد، چرا که شمر «رو» در «رو» و جنگید و یکی یکی اصحاب را به جنگ طلیید و شهید نمود ولی یاران ما را با دست خالی بدون هم آگاهی آنهم یک عده پیر و جوان را قتل عام کرد و حتی بر جنازه های زنان و معلولین مارحم نکردند و از این بالاتر که زخمی ها را با اسلحه کمری به درجه شهادت رساندند، شما در کجای تاریخ سراغ دارید که در سرزمین مکه چنین کرده باشند، اگر اینها مرد بودند و راست می گفتند می خواستند اطلاع دهند. این پیر مرد که با صدای رسا و سوز دل سخن می گفت وی ادامه داد: چرا تا اسمی از آمریکا آمد و پرچم آمریکا آمد و پرچم این شیطان به آتش کشیده شد همانند سگی که پا روی دم آن گذاشته شود پارس کردند، جرم ما گفتن مرگ بر آمریکا بود؟ مگر غیر از این بود که بدستور قرآن برائت از مشرکین را فریاد می کردیم؟ پس چرا باید کشته هم

شویم کدامین وجدان آزاده است که این کشتار را محکوم نکند! | این پیرمرد دیگر طاقت نیاورد، با سوزدل به این خبیثان نفرین کرد و بادعابرای طول عمر امام بدون معرفی خود از ما جدا شد.

در جمع زائران از همین کاروان با برادری برخورد کردم که وی پیرامون کشتار وحشیانه آل پر سعود گفت: پس از سخنرانی و آتش زدن پرچم آمریکا رو به مسجد الحرام در حرکت بودیم که نزدیک پل «حجون» یک مرتبه باران سنگ و آجر و حتی چند قطعه آهن و آب جوش، سیمان، شن و... از ساختمان های فوقانی ریخته شد بر سر مردم. من تا چند لحظه شوکه شدم که چه خبر شده است که دیدم معلولین و زنان جلوی راهپیمائی همگی نقش بر زمین شده اند و فشار جمعیت از هر طرف راه را برای فرار بسته بود هر چه کردیم که جلو برویم تا حداقل یکی از عزیزان جانباذ را نجات دهم امکانش نبود، راههای نجات را بسته دیدم و شروع کردم به ذکر مصیبت امام حسین (ع) و شهادتین خود را زمزمه کردن، در دل به امام زمان (ع) توسل جستیم و بانذر طواف برای ایشان بناگاه از لطف خدا یکی از عصاهای جانباذان بدستم رسید این را حائل قرار داده و از ضربات باطوم های مامورین به سرم در امان ماندم، اگر چه چند ضربه محکم به بدنم اصابت کرد.

این جوان میگفت: حرکت سعودیها حساب شده و از طرف آمریکا بود زیرا غیر ممکن است آل سعود از خود استقلال تصمیم داشته باشد و اینها کوچکتر از آن هستند که فاجعه به این بزرگی را بدون پشتوانه ارباب انجام دهند و همین که آمریکا شرکت خود را در این فاجعه ماند تکذیب کرد، سند معتبر دخالت آمریکا در این قتل عام میباشد.

برادر سیدرضا فقیهی یکی دیگر از زائرین بود که پس از شرح حادثه، آنرا با شب عاشورا و صحرای کربلا مقایسه نمود و گفت وظیفه ما روحانیون است که بر سر منابر بعد از خواندن پر مصیبت امام حسین (ع) از مظلومیت زوار خانه خدا سخن گوئیم و تا ابد این صحنه ها را زنده نگه داریم وی از خاطرات خود چنین گفت:

من شاهد بودم وقتی که مامورین بی رحمی را به حد اعلا رساندند و به مجروحین حمله کردند خواهری چادر خود را دور کمر گره زد و با چوبی در مقابل مامورین تا دندان مسلح دفاع میکرد و من چند بار آنها را به عقب راند تا راه را باز کند ولی مامورین دیدند جلودار این شیرزن نیستند وی را به رگبار بستند و بعد هم دوستان ما گفتند که وی مادر شهید بود، خوب طبیعی است کسی که چهار فرزند خود را در راه خدا داده اجازه نمیدهد به حرم امن تجاوز نمایند و حتی اگر قرار باشد

یک تنه به مبارزه می‌رود و شهید می‌شود و دنیا باید بداند با چنین مردمی و چنین زنانی مواجه است، و من به چشم خود دیدم یک جوانی را آنچنان با باطوم زده بودند که دو دستش قطع شده بود و به دستهایش به گوشت و پوست آویزان بود ولی این برادر وقتی خواهری می‌خواست چادرش را پاره کند و دستش را ببندد به او گفت خواهرم تو حجابت را حفظ کن! دستهای من مهم نیست و من به یه کمکشان رفتم و با چفیه دستان این مجروح را بستم.

## بیست شب در زندان

در جمع زائران خواهری را معرفی کردند که بسیار کتک خورده بود و میگفت بدنش سیاه است. وی خود را به نام فاطمه جعفری معرفی کرد و گفت: ما همانند راهپیمائی مدینه شرکت نموده و پس از سخنرانی نزدیک حرم که شدیم از ساختمانهای بالا شروع کردند سنگ و آجر انداختن. بعضی از خواهران فریاد می‌زدند سوختم و آنها از بالا آب جوش ریخته بودند سرشان، در همین اثنا شرطهها حمله کردند، جمعیت زنها روی صندلی معلولها ریختند و بعد از کمی که جمعیت پراکنده شدند شرطه‌ها آمدند ما را از زیر صندلیها در آوردند در یک مسجد نزدیک همانجا زندانی کردند که زن و مرد قاطی بودند و بسیاری از برادرها از سر و کله شان خون می‌آمد و زنها چادر نداشتند. یک صحنه عجیبی بود بعد یک جوانی که از شانته اش خون می‌آمد به ما ۵ نفر که آخر مسجد نشسته بودیم گفت: مسجد الحرام را بلدید گفتم بله، وی درب عقب مسجد را با مهارت باز کرد و پس از بررسی که کسی سر راه ما نباشد ما را از مسجد فراری داد و بعد شنیدیم که به همین طریق خیلی‌ها از زندان مسجد فرار کرده‌اند.

خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی - اصفهان و روزنامه جمهوری اسلامی پنجشنبه ۵ شهریور ۱۳۶۶ بیست شب در زندان قرار بر این بود که بعد از خاتمه مراسم همه علائم را جمع آوری و خیلی آرام به طرف به مسجد الحرام برای اقامه نماز مغرب برویم. من خیلی سریع از مقابل بعثه حضرت امام به سمت مسجد الحرام حرکت نمودم و وقتی به انتهای راهپیمائی، زیر پل حجون رسیدم، دیدم هم که پلیس کثیف آل سعود میدان وسیعی برای خود فراهم کرده و قصد مانع شدن حرکت حجاجم سمت مسجد الحرام را دارد. در ذهن خودم گفتم شاید این نظر من باشد و آنها منظور دیگری دارند بالاخره از مقابل پلیس آل سعود گذشتم و روبروی مسجد جن قرار گرفته بودم که ناگهان



صدای تیراندازی بگوشم رسید. بلافاصله به داخل جمعیت برگشتم و دیدم که به وضع خیلی فجیع و اسفناکی مردم مجروح وزیر دست و پا افتاده اند که شروع به جمع آوری آنها کردم و این مسئله یکی دو ساعت بطول انجامید، عده زیادی به کوچه های مجاور و عده زیادی روی کوههای اطراف رفته بودند .

در همین حال ناگهان چند نفر سعودی با من روبرو شدند و از من سؤال کردند شما ایرانی هستید! گفتم بله! بلافاصله با زدن چوب و باطوم به سر و صورتم تقریباً مرا بیهوش و بی حال کردند، بعد از بستن دستهایم از پشت مراکشان کشان به سمت اتوبوسهائی که در زیر پل حجون برای اسیران ایرانی تدارک دیده بودند بردند، همینکه خودم را نزدیک رکاب اتوبوس دیدم و متوجه شدم که میخواهند من را هم اسیر بنمایند از خود تحرکی نشان دادم ولی متاسفانه چونکه دستهایم از پشت سر بسته بود، اینجا هم مجدداً مرا کتک زدند و به حال بیهوش مرا وارد اتوبوس نمودند، ابتدا چونکه اتوبوس از ایرانیها پر شده بود همه ما را روی هم انداختند و حدود سه ساعت تمام همه ما را در اتوبوس که در بها و شیشه هایش در آن هوای گرم بسته بود حبس هم نخوانده بعد از اینکه اتوبوسها از ایرانی ها پر شد ما را به مقصدی که مورد نظرشان بود، بعد از یک ساعت به خارج مکه در حیاط مدرسه ای پیاده کردند تعداد ما حدود یکصد نفر بود که به سلولهای متعدد تقسیم نمودند. آن شب بدلیل اینکه بعضی از ماها را کتک بسیار زیادی زده بودند و خسته و بی حال بودیم در نیمه های شب تعدادی از اسیرها را به بعضی از دلائل که مورد نظرشان بود از لحاظ جراحت و ناتوانی آزاد کردند و بازجوئی از همان شب آغاز گردید و ما به امید اینکه برای مراسم و مناسک منی و عرفات آزاد مینمایند و شاید یکی دو شب بیشتر زندانی ما طول نمی کشد و آزاد میشویم ، خوشحال بودیم، تا اینکه شبی که روز بعدش میبایستی کلیه حجاج به سرزمین منی و عرفات بروند پلیسها و مامورین امنیتی سعودی آمدند از ما فیلمبرداری و انگشت نگاری نمودند و تعداد زیادی دیگر را آزاد کردند بعد از آزادی آن عده دستهای ما را بسته و تعداد ما که به ۲۰ نفر تقلیل یافته بود به زندانی دیگر که آنهم خارج از مکه مکره بود بردند البته هنگامیکه خواستیم وارد این زندان شویم بقدری بوی تعفن از داخل به مشاممان میرسید که ناراحت کننده بود حدود چهار و پنج شبی هم در آن زندان بودیم و طبق معمول با بازجوئی و شکنجه همراه بود، بعد از اینکه کلا زندانی ما بیست نفر به ده شب رسیده بود در شب دهم بعد از تحقیقاتی که در بازجوئی ها نموده بودند مامورین امنیتی باتفاق پلیس آل سعود

آمدند و ۱۰ نفر به اسم قرائت و جدا نمودند که بعداً متوجه شدیم که آن ۱۰ نفر را آزاد نموده اند، از اینجا برخورد آنها با ما ده نفر منجمله حقیر عوض شد.

سروانی که مامور انتقال ما یا مامور نگه داری ما بود به نحو بسیار خشن و عصبانی اسم مرا خواند وقتی که من جواب دادم چنان مشت و سیلی به سر و صورت و بدنم زد که سرم تا ساعتها و گیج بود بلافاصله مرا از زمین بلند کرد و دستهایم و چشمهایم را بسته و با گذاشتن لوله اسلحه به سرم مرا به وضع بسیار خشنی حرکت داد در قلبم گفتم شاید امشب شب آخر زندگی من باشد :

ولی با تلاوت آیاتی که از قرآن مجید به حفظ داشتم خودم را تسلی و تسکین میدادم بالاخره متوجه شدم که ما ده نفر را سوار بر اتومبیلی نمودند و بعد از ساعتی که در حرکت بودیم مجدداً ما را در مکانی پیاده نمودند، چشمهایمان را باز نمودند من دیدم آنجا هم زندانی دیگر است، این زندان با زندانهای دیگر از همه نظر خصوصاً از نظر هوا خیلی فرق داشت، این زندان هیچگونه روزنه و ارتباطی با بیرون نداشت، در زندان بسته بود و رطوبت تا سقف زندان نم انداخته بود و کولر گازی و پنکه هم مداوم روشن بود در این زندان هم شروع کردند از همان شب بازجویی و شکنجه و عذاب روحی آغاز شد، خلاصه مدت زندانی ما ۱۰ نفر بیست شب بطول انجامید و در روز آخر مجدداً از ما عکسبرداری و انگشت نگاری نموده و دستهایمان را بسته سوار ماشینی که با بیرون هیچگونه ارتباطی نداشتیم کرده و مستقیم به فرودگاه جده آوردند.

روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه ۳ آبان ۱۳۶۶

ص: ۱۳۲

پاهای گمشده پس از استماع سخنرانی پر فیض نماینده حضرت امام در مکه معظمه شروع راهپیمایی بسمت حرم مطهر در حرکت بود به کنار مسجد جن که رسیدیم، یکی از افسران ارشد عربستان باطومی را که در دست داشت جهت جلوگیری راهپیمایی بسوی زائرین ایرانی می چرخاند. در همین حین چند تن از ساواکیهای عربستان که لباس شخصی بر تن داشتند از روی نرده هائی که و بین نظامیان و حجاج بود پریده و به طرف زائرین بیت الله الحرام حمله ور شدند که همین امر موجب درگیری شد. ظاهراً آنها از قبل طراحی کرده بودند که بظاهر پلیس میخواست مانع هم حمله آنها به ما گردد ولی آنها با اصرار و فشار حمله را آغاز کردند.

شعارهای راهپیمایی نیز چون پتکی آهنین بر مغز پوک مزدوران آمریکا (عربستان) فرود می آمد و باعث گردید پلیس عربستان بیشتر جری شود .

به این جانیان از خدا بی خبر که روی اجدادشان مثال ( ابوسفیانها و ابوجهلها) را سفید کردند و من که نظاره گر صحنه بودم بعید می دانم در طول تاریخ مکه این چنین جنایاتی انجام داده و باشند، به هر حال برادران سعی کردند یک آمبولانس دیگر را آوردند و ما وقتی راننده آمبولانس و را مشاهده کردیم دیدیم از خودمان مجروح تر است به هر حال ما جنازه را به بیمارستان و منتقل کردیم و در بین راه من از حال رفتم و وقتی به هوش آمدم دیدم روی تخت بیمارستان که .

مال خودمان بود هستم کاروان مایک شهید داشت بنام عباس امینی که پس از گذشت چند روز وبا تلاشی که کردیم جنازه غرقه بخون و بدن بدون دست او را در بیمارستان جده یافتیم اینطور که برادران هنگام مجروح شدن ایشان را دیده بودند گویا مزدوران حکام آل سعود با ساتور قصابی پر دست او را از بازو قطع کرده بودند.

و از این لحظه به بعد من به حالت اغماء افتادم و تا ساعت ۹ شب بیهوش بودم و روی دست برادران حمل می شدم و مرا ساعت ۱۰ شب به کاروان سندیج آورده و از آنجا به هتل و مجروحین بردند و تا ساعت ۱ نصف شب حکومت نظامی بود .

وقتی توسط پلیس گاز خفه کن بر داخل جمعیت انداخته شد و با سنگ پرتاب می شد و یا با باطوم مورد حمله قرار می دادند شعارهای براءت از مشرکین کوبنده تر میشد. من خودم برادری او را دیدم که از روی ماشین جمعیت را هدایت میکرد که با تیر سعودیها به شهادت رسید و از بالای و د که به بعد که که م

ماشین جسد مطهرش به داخل جمعیت پرتاب شد. جانبازی هم به همین نحو به شهادت رسید و و برادر جانبازی که با من بود مفقودالاثراثر گردید. یک خواهر که مادر دوشهید بود را به شهادت به رساندند و پدر شهیدان را باباطوم بشدت مضروب نموده و غرق بخون ساخته بودند.

در همان لحظات سخنرانی حجه الاسلام کروی نماینده حضرت امام، ملاحظه کردیم که ساواکیها و پلیس عربستان از ساختمان مقابل بعثه امام با آینه، نور به صورت و چشم نماینده به امام و به دورین فیلمبرداران ایرانی و خارجی منعکس می کردند تا نتوانند فیلمبرداری نمایند.

در زمان درگیری از پیش طراحی شده توسط حکام آل سعود، فشار جمعیت از یکطرف و به فشار پلیس از طرف دیگر و مضروب شدن حجاج باباطوم پلیس و گازهای خفه کننده ای که در - بین مردم می انداختند و تخته سنگ و سنگ و آهن و شیشه و سنگ مرمری که از پارکینگ ۵ طبقه کنار محل درگیری بسوی زائرین بیت الحرام پرتاب میشد، موجب گردید که بسیاری از و به خواهران و برادران زائر مجروح شده و بسیاری دیگر از پدران و مادران پیر و جانبازان انقلاب اسلامی زیر پای جمعیت به شهادت برسند. و من که در میان زائرین جانباز بودم توسط همراهان و از روی صندلی چرخدار برداشته شده و مرا در آغوش گرفتند که همین اثناء بر اثر فشار بیش از حد پلیس و مردم از بغل همراهان بر روی زمین و زیر دست و پای حجاج پرت شدم و زائرینی را ملاحظه نمودم که در حالیکه با باطوم پلیس بشدت مجروح و مصدوم شده بودند زیر پای م جمعیت له شده و به شهادت می رسیدند، و من با دیدن چنین صحنه های فجیع روی زانوهایم پر بلند شده و تا ۱۰ متری خود را بزور به جدول کنار خیابان رساندم. من که از همان ابتداء درگیری پر بر اثر فشار دو پای مصنوعیم جدا شده و از دست دادم، درحال خزیده خود را به این سو و آن سو می کشاندم. در همین موقع گازهای خفه کننده و اشک آور در بین ما انداختند که بر اثر فشار و بیشتر جمعیت و ناراحتی از گازها نتوانستم روی زانوهایم کنترل خود را حفظ کنم و بر روی و دیگران افتادم و در این حال پلیس های آمریکائی آل سعود با باطوم بشدت به کمرمان می زدند؟ همینکه سر را بلند کردم ناگهان سنگ بزرگی را در هوا مشاهده نمودم که از طرف پارکینگ ۵ طبقه ای پرتاب شد و بر روی خواهران و برادران حجاجمان افتاد، عده ای بشهادت رسیده و عده ای مجروح شدند.

جانباز احسان بهرامی - شهریار روزنامه جمهوری اسلامی سه شنبه ۳ شهریور ۱۳۶۶ و

پدر سه شهید در روز جمعه خونین پس از سخنرانی جناب آقای کروی نماینده محترم حضرت امام و قرائت بخشهایی از پیام سرنوشت ساز حضرت امام بزرگوارمان و ترجمه فارسی سخنرانی ها پر بزبان عربی راهپیمائی براءت از مشرکین در حدود ساعت ۵/۵ بعد از ظهر شروع شد و شعارها از طریق بلندگو پخش میشد و راهپیمایان بطور منظم و با روحیه ای باز مشغول حرکت بودند و قرار بر این بود که در پایان راهپیمائی در حریم امن الهی که فاصله چندانی با محل راهپیمائی نداشت نماز مغرب خوانده شود.

در جلوی صف خانواده محترم شهدا در حرکت بودند و بعد کاروان اصفهان و مشهد و یک آن هم از مازندران و پشت سر آنان کاروانهای همدان .

از پل حجون که عبور کردیم هنوز چند قدمی جلو نرفته بودیم که مشاهده شد صفوف در راهپیمائی را متوقف نموده اند که باین عمل اعتراض شد که چرا توقف کرده اید و اطلاع رسید نیروهای نظامی جلو را بسته اند و از حرکت راهپیمائی جلوگیری میکنند بلافاصله مشاهده شد از قسمت عقب هم شرطهها فشار می آوردند که نیروهای راهپیمائی عقب نشینی نکنند و در عین حال مشاهده شد که از ساختمانهای دو طرف خیابان مرتب سنگ و شیشه خالی و پاره سیمان و گلدان با گل و خاکروبه و آب جوش و آنچه در دسترس آنها گذارده شده بود بر سر مردم ریخته میشود .

مردم بخصوص زنان که اغلب و شاید اکثر آنان مسن بودند صدای فریادشان بلند شده که با زهرا و یا مهدی خفه شدیم ! یا خدا مردیم! فریاد برس خدایا چه کنیم ضمن اینکه مردم از چهار طرف محاصره شده بودند و راه گریز از هر طرف بسته بودند و کسی قادر نبود از محاصره خارج شود ناگهان صدای شلیک گلوله جنگی بلند شد، این که عرض کردم گلوله جنگی علت آن است که چون خودم سی سال در ارتش خدمت کرده ام کاملاً به صداهای گلوله جنگی و مانوری آشنا هستم، حتی صدای یک خواهر را شنیدم که گفت آخ سوختم، و بعد جان را تسلیم جان آفرین نمود.

بعد مشاهده کردم که یک جابجائی انجام شده و چندین نفر که بیشتر آنان زنان بودند نقش زمین شدند، محل که کمی خلوت شد من جلوی یک جانباز ایستاده بودم که سنگی به او اصابت نکند، در عین حال مشاهده شد یک شرطه باطوم بدست بطرفم میآید حساب کردم چنانچه برسد

من و این جانباز را خواهد کشت که بلافاصله تصمیم مقابله گرفتم و در حقیقت آماده دفاع از خود شدم لذا قبل از اینکه او باطوم خود را فرو بیاورد با پریدن به بالا سر باتوم را گرفتم و از فرود بر آمدن آن جلوگیری کردم و با تلاش و تقلا باطوم از دستش خارج کردم، با اینکه قادر بودم او را بزنم ولی خودداری نمودم و بیاد آوردم زمانیکه ما هم در لباس بودیم و اینگونه فرامین نادرست و خدانشناسی و ضد انسانی زیاد صادر میشد.

در همین حال شرطه دیگری باباطوم خود به من حمله ور شد و ضربهای شدید به پیشانی زد که دچار شوک شده و بزمین افتادم و در حالیکه قادر به حرف زدن و حرکت کردن نبودم احساس میکردم که چند نفر به شدت مرا کتک میزنند.

اگر اشتباه نکنم حدود پنج ساعت بی هوش روی اسفالت سوزان خیابان مکه معظمه افتاده بودم.

حدود ساعت ۱۰/۵ شب بود که مشاهده کردم شخصی میگوید: توزنده هستی! و مرا تکان می دهد ضربه ای که روی پیشانی راستم خورده بود کاملاً چشم راستم را خون گرفته بود ولی توانستم با استفاده از هر دو دستم چشم چپ را باز نمایم و شخصی را مشاهده کنم و چون دانستم ایرانی است از او سؤال کردم: برادر چه خبر است و چه شده؟ و او گفت گویا حافظه هم خود را از دست داده ای و مرا به کناری کشید و حدود نیم ساعت آنجا نشستیم و بعد بطرف شعب ابو طالب بالا رفتم و جوانی که او را نشناختم بادستمال پیشانی شکسته مرا بست و قدری که بالاتر رفتم فردی ایرانی جلو آمد و اظهار داشت من اهل ارومیه هستم و هتل ماهمین و نزدیکی است شما را آنجا میبرم باتفاق به هتل رفتیم و در آنجا دکتر و وسائل دارویی آماده بود ضمن تزریق آمپول و خوراندن چند قرص و کپسول و یک لیوان شربت پیشانی شکسته ام را پانسمان نمودند و دکتر اظهار داشت حتما باید به بیمارستان بروی. ضمناً در این هتل عده زیادی از مجروحین زن و مرد مورد پرستاری و درمان و پانسمان بودند که بتدریج عازم بیمارستان میشدند که فعالیت و زحمات این عزیزان که از اهالی ارومیه بودند خیلی با ارزش بود و جای تشکر دارد.

پس از مراجعه به هتل باتفاق برادر بزرگوار حاج رضا عزیزیان مصلح مدیر کاروان به هم به بیمارستان هلال احمر ایران مراجعه و دکتر چند بخیه به پیشانی من زدند. در ضمن برادر حاج آقا، عزیزیان به آقای دکتر که مشغول بخیه زدن بود اظهار داشتند که ایشان پدر سه شهید میباشد و عکس سه شهید که در جیب پیراهنم بود به آقای دکتر نشان دادند و عکس شهیدان بزرگوار و و

نه عزیزم روی سینه ام جا گرفت و عکاس عکسبرداری نمود و بعد عکس را در روزنامه جمهوری هم اسلامی روز سه شنبه ۶۶/۶/۱۰ مشاهده کردم.

و البته هر کس به حد فهم و درک خود روی جریان جمعه خونین مکه اظهار نظر کرد و گفتگویی بر داشته است آنچه بنظر حقیر آمده این است که در جوار خانه امن خداوند در جایی که حجاج اجازه ندارند حشراتی را که روی صورت آنها نشسته است دور نمایند چگونه سعودیها بخود قبولانند که آن طور وحشیانه با چوب و باطوم و سنگ و شیشه گلدان و سطل آشغال و آهن تکه تکه سیمان و آب جوش و از همه مهمتر گلوله گرم و وسائل آتش زا و مواد منفجره و گاز خفه د کننده به مردم بی دفاع حمله نمایند و آنچنان وضعی بوجود آوردند که مورد اعتراض همه قرار بگیرند.

هم آری مزدوران آمریکائی و سرسپردگان بی عاطفه که کمترین بوئی از انسانیت و شرف و هم وجدان انسانی نبرده اند آنطور وحشیانه به میهمانان خدا در حریم امن الهی حمله نمایند و به جرم اینکه میگویند «الله اکبر» و «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل، آنها را دسته جمعی به شهادت برسانند و نه شرمی از خدا داشته باشند و نه از ملت مسلمان دنیا از جمله ایران .

لازم بیادآوری است بعد از اینکه حدود ساعت ۱۲ شب از خیابان در زیر پل حجون عازم بیمارستان بودم مشاهده کردم که اجساد زیادی از حجاج در کف خیابان زیر دست پای □ شرطه های بی وجدان افتاده و از روی آنها راه میروند که اغلب زنان بودند که در موقع حمله وحشیانه پلیس سعودی حجاب آنان افتاده بود و وضع بسیار ناگوار و حزن آوری داشت که نه قدرت بیان آن را دارم و نه قلم قادر است به رشته تحریر در آورد.

یادآوری دیگر اینکه حدود ساعت چهار صبح که از بیمارستان عازم هتل بودم مشاهده کردم اجساد را بطور دسته جمعی داخل کامیون میگذارند و در سطح خیابان مقدار زیادی سنگ چوب و آهن و لباس و قمقمه چادر زنان، روسری، کفش و غیره ریخته شده بود که مامورین با سرعت مشغول جمع آوری آنها بودند.

رحمان تیموری - همدان روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه ۱۷ آبان ۱۳۶۶ پرتاب زباله بر سر مردم پس از اتمام سخنرانی آقای کروبی ما در صفوف جلوی جمعیت در حال راهپیمائی بودیم که پس از مدتی پلیس جلوی جمعیت را گرفت و مانع ایجاد کرد و بدنبال آن شروع به پرتاب گاز

پراشک آور و گازهای دیگر نمود که ما دیگر قادر به جلورفتن نبودیم و در این مکان عده ای از زنان و بعلت پرتاب گاز اشک آور و خفه کننده زیر دست و پا قرار گرفتند و در حال له شدن بودند که ما اقدام به کمک به آنها و نجات آنها از زیر دست و پا نمودیم که یکدفعه دیدیم از ساختمانهای به اطراف صندوقهای زیاله خیلی بزرگ و سنگ و چوب بر روی سر مردم شروع به ریختن کرد.

### پیام پلیس سعودی - علی اکبر خالقی

حجاج خیلی مقاومت می کردند و ما به مردم مرتب می گفتیم که مواظب باشید به آنها سنگ نزنید و درگیر نشوید و از ناحیه ما نباید اقدامی صورت گیرد، خلاصه اینکه پلیس مردم را در حلقه محاصره قرار داده بود و اجازه خروج به هیچکس نمی داد و از جلو گاز اشک آور و دیگر گازها پرتاب می کردند سپس شروع به تیراندازی کردند و در همین اثنا که مشغول نجات زنها از زیر دست و پای مردم بودیم یکدفعه یک سنگ به چشم اصابت نمود و دیگر من چیزی نفهمیدم .

تقی مهدیه نجف آبادی - مجروح روزنامه رسالت سه شنبه ۱۷ شهریور ۱۳۶۶ پیام پلیس سعودی در روز جمعه ساعت ۲/۳۰ در زیر پل «حجون» مقابل شعب ابیطالب به دیگر برادران ملحق شدم تا برای انتظامات خیابان مقابل مسجد جن آماده شویم، قبل از اینکه راهپیمائی شروع شود ساعت سه در کنار مسجد (جن) استقرار پیدا نمودیم و از ورود اتومبیلها به داخل محدوده هم هم راهپیمائی جلوگیری شد اما قبل از این مسئله مشاهده شده بود که در تونلهای جوار مسجد (جن) تعداد زیادی پلیس مسلح وجود دارد که بلافاصله با شروع برنامه راهپیمائی یک صف فشرده پلیس مسلح در مقابل پست و تلگراف - جنب بازار ابوسفیان - تشکیل شد و با گذشت زمانی کوتاه یک صف تبدیل به ۲ صف شد و در مقابل آنها پلیس ضد شورش قرار داشتند که مسلح به هر سپر و باطوم چوبی و برقی بودند و تعداد زیادی در اول تونل و سمت چپ خیابان در پشت و کینگ بعنوان پشتیبان قرار داشتند.

چهار قدر که از برنامه تظاهرات میگذشت اینها خود را آماده تر مینمودند و هم اینکه مجری و برنامه اعلام سخنرانی نماینده حضرت امام را نمود . حتی کاروانهای ایرانی که هنوز به جمعیت متصل نشده بودند - شعار صل علی محمدیار امام خوش آمد میدادند و سخنرانی جامع و و کوبنده نماینده حضرت امام و ترجمه فوری آن از بلندگوها پخش میشد و هشدارهای ایشان به هم



آمریکا و حامیان او و حضورش در خلیج فارس بر خشم پلیس فاشیست سعودی میافزود و هنگامیکه از بلندگو پایان برنامه اعلام شد از امت حزب الله دعوت شد تا برای نماز به هر مسجدالحرام بروند. ما در پیشاپیش جمعیت در صف مقدم حضور داشتیم. ماشین بلندگودار بعثه حضرت امام به پلیس سعودی چندین بار اعلام نمود که (برادران و خواهران شما میخواهند جهت اقامه نماز به مسجدالحرام بروند خواهشمندیم که برای آنها مسیر را باز کنید نه اینکه به هم این پیام توجه نمیکردند بلکه چندین قدم بجلو آمدند در یک صف فشرده که شانه به شانه در کنار هم قرار داشت.

مردم هم پیش رفتند تا نماز را در کنار دیگر مسلمانان در مسجدالحرام بجا آورند و لیکن با ممانعت پلیس روبرو شدند. ما که از انتظامات صف مقدم راهپیمایان بودیم به جمعیت دائما میگفتیم (بایستید تا دوبار پیام از بلندگو خوانده شود) ولی ناگهان هماهنگ و یکزمان تمام باطومها بالا رفت و بر سرهای پرشور ایرانیان فرود آمد، شاید اولین مجروح راهپیمائی مکه من بودم که ناگهان باطوم مأموری مغرور و خودفروخته بر سرم کوبیده شد و خون از سرم جاری شد ولی باز هم در جلوی مردم بودیم و روبروی ما پلیس و ما مردم را دعوت به آرامش میکردیم که ناگهان پلیس آل سعود به صف برادران جانباز شهیدان زنده - هجوم برد و آنها را مورد ضرب و شتم قرار داد. معلولی که دو پایش را در جنگ تحمیلی تقدیم اسلام کرده بود، مورد هجوم قرار گرفت و از چرخش به زمین افتاد و لیکن مرتب او را میزدند و در پشت سر معلولین، خواهران قرار داشتند که ناگاه متوجه شدیم که پلیس زنها را مورد ضرب قرار داده است. در فرصت هم کوتاهی که پیش آمد برادران ما توانستند با تلاش زیاد تعدادی از خانمها و معلولین را از معرکه نجات دهند و در این موقع پرتاب سنگ و چوب و آهن از بالای طبقات پارکینگ قطع شد و لیکن دوباره پلیس سعودی با قدرت بیشتر و نیروی بیشتری به مردم هجوم آورد و باز دوباره پرتاب سنگ هم از طبقات پارکینگ شروع شد. تعدادی از پلیس سعودی که با لباس شخصی بودند با چوب از پشت مسجد جن بیرون آمدند و زنها را مورد ضرب و جرح قرار دادند. یک صحنه دلخراش را که هرگز فراموش نمیتوان کرد، نرسیده به پل حجون ناگهان دیدم که تعداد زیادی زن و مرد به هم روی هم ریخته اند و پلیس هم آنها را با چوب و چماق میزند، آنهائیکه در زیر قرار داشتند در اثر فشار جان میدادند و آنهائیکه در بالا قرار گرفته بودند در اثر ضربات باطوم و چماق و سنگ مجروح و شهید میشدند.

در این موقع باز از ناحیه کمر چندین چوب و باطوم نصیبم شد و پایم از ناحیه زانو آسیب دید

وخون از پایم جاری شد، تعدادی از برادران اصرار داشتند که من زودتر بروم چون دیگر نمی توانم خودم را کنترل کنم. به پل حجون رسیدم سیل جمعیت به شارع حجون میریخت ناگهان نگاه کردم نزدیک ۷۰ الی ۸۰ هزار ایرانی بدون اینکه بدانند کجا میروند به خیابان حجون سرگردان بودند. من هنوز روی پل بودم مقابل شعب ابی طالب همانجا که پیامبر (ص) و علی (ع) و خدیجه (س) و فاطمه (س) سالها در محاصره بودند و حالا در همانجا وارثان آنها در محاصره هستند.

صدای شلیک گلوله فضای تمام شهر مکه شهر امن الهی را فرا گرفته بود هلیکوپترها در بالای سر راهپیمایان پرواز میکرد، ناگهان در مقابل هتل «اردنیها» و «لبنانیها» هم پلیس به مردم و حمله کرد ولیکن این یورش بسیار حساب شده بود زیرا میخواستند مسئولین را بکوبند به صف شخصیتها که از بعثه حضرت امام در حرکت بودند حمله شد با گاز خفه کننده و باطوم و چوب و سنگ هر کس که بر سر عمامه داشت بی نصیب نبود.

دیگر شب سفره خود را باز میکرد و روزی پرخاطره و پردرد برای اسلام را پشت سر میگذاشت، در بین ایرانیان جوانان حزب الله کویتی را دیدم که از ایرانیان دفاع میکردند و هم جوانان حزب الله لبنان جوانان پاکستانی و افغانی بسیار به مردم مظلوم و بی پناه کمک میکردند و در بین راه به چند جوان کویتی که با آنها از مدینه آشنا شده بودم گفت: (زودتر خیابان را ترک کنید که اگر شما را در بین ایرانیها دستگیر کنند اعدام میکنند) ولی آنها با شجاعت بسیار به سوی پلیس حمله میکردند. در اول خیابان «آندلس» به یکی از نمایندگان دوره اول مجلس برخورد کردم که بسیار صدمه دیده بود. عبا و عمامه و کفش نداشت و کمرش را چوبها و باطومها و سیاه کرده بودند.

شب بود که مرا به درمانگاه شماره پنج (هیئت پزشکی جمهوری اسلامی) بردند ولیکن اینقدر مجروح زیاد و پیرمردها که سر و رویشان را خون فرا گرفته بود که درمانگاه نخ بخیه نداشت و تا مجروح را پانسمان کنند و از سرها خون میریخت، مدتی در آنجا بودم ولیکن سودی نداشت و به پولی نداشتم که خود را به بیمارستان مرکزی جمهوری اسلامی ایران برسانم. از درمانگاه بیرون آمدم چند اتوبوس ارتش سعودی ایرانیهایی را که دستگیر کرده و دستهایشان را از پشت بسته هم بودند با اسکورت شدید پلیس سعودی به زندان می بردند. کمی ایستادم آمبولانس آمد که شمار تعدادی از مجروحین را به بیمارستان مرکزی برد. منم با اجازه راننده آمبولانس و مددکار که سوار شدم و نزدیک پل حجون هر لحظه در انتظار بودم که آمبولانس را نگه دارند و مجروحین را

دستگیر کنند و در زیر لب دعای توسل میخواندم و آیه «وجعلنا...» را. از پل حجون که پائین رفتیم خیابان مثل شام یازدهم محرم بود چادرها و کفشها و پیراهنهای خون آلود. قمقمه های آب . ساکهای حجاج مظلوم ایران سطح خیابان پوشانده بود و ایرانیها در سطح شهر در بدر، یکی بدنبال خانمش -و خانمی بدنبال شوهرش - جوانی در جستجوی مادری پیر و... شهر مکه کاملاً حکومت نظامی بود. از مقابل بعثه گذشتیم خاموش در محاصره - برقههای ساختمان بعثه حضرت امام را قطع کرده بودند و پلیس سعودی مانند «سوسک»، عرض خیابان را پوشانده بود، تا اول خیابان شیشه، پلیس زیاد بوده و از آنجا کمتر دیده میشد به بیمارستان مرکزی هم رسیدیم سرم را بخیه کردند و پانسمان شد باید از پایم عکسبرداری میکردند اما چون مجروح زیاد بود مددکاری مرا برد که در دفتر بیمارستان نامم را بنویسد وبعد مرا به خوابگاه بیمارستان و انتقال دهد، در وسط سالن بیمارستان از قصد گمش کردم و از بیمارستان بیرون رفتم به یکی از کاروانهای قم آدمم چند زن و یک مرد گم شده داشتند، زنها تا آخرین ساعات شب هنوز نیامده بودند.

صبح سؤال کردم زنها آمده بودند ولیکن پیرمرد گم شده کاروان مجروح بود و او را به زندان برده بودند و صبح زود آزادش کرده بودند اما با یک پیام شدید که بر این بود نتیجه آتش زدن پرچم آمریکا! «علی اکبر خالقی - قم روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۹ شهریور ۱۳۶۶ بینی سعودیها برای محو آثار جنایت پس از اعلام راهپیمائی برائت از طرف بعثه حضرت امام مدظله العالی در روز جمعه وظیفه خود دانستم طی جلسه ای تذکرات لازم را در رابطه با حفظ نظم و آرامش و خویشتن داری و با صبر و صلابت شرکت نمودن زائرین در راهپیمائی برائت متذکر گردم چون مسئولیت خطیری در رابطه با آموزشهای سیاسی و عبادی کاروان بعنوان روحانی کاروان بعهده داشتم، سپس بطرف محل راهپیمائی با زائرین حرکت کرده زمانی که نزدیک بعثه حضرت امام رسیدیم ، نماینده امام حضرت امام و سرپرست حجاج ایرانی حضرت حجت الاسلام کروبلی مشغول سخنرانی هم بودند و بعد ترجمه بیانات ایشان به زبان عربی از تریبون پخش شد و زائرین با شعارهای کوبنده

برائت از مشرکین و سر دادن شعار توحید و مرگ بر آمریکا پرچم آمریکای جنایتکاری را به آتش کشیدند.

راهپیمائی آغاز و از تریبون اعلام شد که هر وقت صدای اذان مسجد الحرام بگوش رسید کلیه زائرین موظفند پرچم و پلاکارتهای را جمع کرده و بصفوف جماعت ملحق شده و در نماز جماعت شرکت نمایند. شاید ده دقیقه از آغاز راهپیمائی نگذشته بود که بدون مقدمه پلیس جنایتکار سعودی با باطومهای برقی خود به زنان و جانبازان بی دفاع که در صف مقدم بودند حمله ور شدند و بیشرمانه آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند عده ای از زائرین با صدای تکبیر سائرین را به صبر و آرامش دعوت کردند بلکه آن بیشرمان شرم کنند و دست از جنایت بردارند ولی نه تنها شرم نکردند بلکه از تمام ساختمانهای اطراف سنگباران زائرین بی پناه آغاز شد و با سنگ و چوب، آجر و بلوک سیمانی و شیشه حتی سطل های پر از خاک و ماسه آتش نشانی ها حمله کردند و خون عده ای مظلوم را ریختند.

در کنار حرم امن خدا این فاشیستها، تمام راههای اطراف حتی کوچه پس کوچه ها بسته بود و حلقه محاصره آن به آن تنگ تر میشد و از سه طرف بر راهپیمایان حمله ور شدند و بعد از آنکه جمعیت را رویهم ریختند گاز خفه کننده و اشک آور بوسط جمعیت پرتاب کردند که در اثر آن تعداد زیادی از زنان و مردان بی پناه بشهادت رسیدند و بعد ماشین های آب پاش که ساعتها در مقابل آفتاب کاملاً داغ بود آب داغ بسر مردم ریختند و بعداً تیراندازی بصورت پراکنده شروع شد پس از چند لحظه زائرین خدا را برگبار بستند و صدها تن بشهادت رسیدند و هزاران تن مجروح شدند و حتی برادران امدادگر که سعی کردند مجروحین را بدرمانگاه برسانند قتل عام کردند خود اینجانب دهها جنازه غرقه بخون را دیدم که اکثر زن بودند زنان پاکستانی، افغانی، لبنانی و سایر کشورها در میان آنها بچشم می خورد.

این مزدوران اجانب قبلاً امکانات شستن خونهای زائران که بر خیابانها ریخته شده بود را تدارک دیده بودند و عده ای از مجروحین را که به بیمارستانهای سعودی برده بودند بزدان برده و تحت شکنجه قرار دادند و تا نزدیک صبح عده ای چماقدار اطراف حرم را محاصره کرده و ایرانیها را مورد ضرب و شتم قرار می دادند و این جانیان مرتکب جنایتی شدند که هیچیک از جنایتکاران تاریخ انجام نداده اند و این جنایت در تاریخ مکه از بدو خلقت تاکنون بی سابقه بوده و مطمئیم که این جنایت بدون پاسخ نخواهد ماند و انشاء الله همچنانکه خونهای پاک شهداء ۱۷ شهریور ریشه دو هزار و پانصد ساله ستم شاهی را از سرزمین ایران اسلامی از بیخ و

بن بر کند امیدواریم این خونهای پاک و مطهری که بناحق در کنار حرم الهی ریخته شد شعله های سوزانی شود تا ریشه حاکمان غاصب حجاز و خاندان کثیف آل سعود را بسوزاند و بخشکاند و به حرمین شریف از لوٹ وجود خائن الحرمین پاک گردد انشاء الله .

حجت الاسلام احمدی. ملایر و روزنامه رسالت دوشنبه ۱۶ شهریور ۱۳۶۶

ص: ۱۴۳

توطئه ارباب و نوکر وقتی ما از منزل به صورت گروهی به طرف بعثه امام محل شروع راهپیمائی می رفتیم ، یک و ماشین پلیس عربستان را دیدیم که به طور عمدی ماشین را به روی حجاج ایرانی راند و نزدیک هم بود که یک نفر را زیر ماشین بگیرد و ما از اینجا استنباط کردیم که وضع تقریباً غیرعادی است و از خشم مامورین دریافتیم که آنها دنبال بهانه هستند.

پس از سخنرانی آقای کربوبی و قرائت و ترجمه فرمان امام به عربی ، بلندگوی بعثه اعلام کردند که راهپیمائی بطرف حرم، شروع شود و گفتند که هر جا اذان مغرب شد همانجا حجاج نمازشان را اقامه کنند و تقریباً ۱۰ دقیقه از شروع راهپیمائی گذشته بود که از بلندگو اعلام کردند هم که یک هلی کوپتر آمریکا در خلیج فارس سرنگون شد، در این حال حجاج با شور و شوق وصف ناپذیر شروع به تکبیر گفتن و مرگ بر آمریکا و شوروی و اسرائیل کردند.

ما که چهار نفر از گروه خود جدا شده بودیم و به جلورفته بودیم نزدیک بل حجون بودیم که دیدیم از جلو مجروح می آورند و جراحات بیشتر مجروحان خیلی خیلی شدید بود بطوریکه یک و مجروح را من دیدم که دماغش کلا از بین رفته بود و ما که می خواستیم به جلو برویم گفتند هم بالای پارکینگ را که در جلو قرار داشت با سنگ آجر - شیشه، و آهن پر کردند و از بالا به روی بم حجاج می ریزند و از ساختمانهای اطراف نیز سنگ آجر و شیشه به روی حجاج می ریختند، حجاج که مجروح میشدند عمدتاً از خواهران و معلولین و جانبازان بودند، چون آنها در جلو حرکت میکردند و ما در این حال می خواستیم به عقب برگردیم ولی پلیس طوری محاصره کرده و بودند که اصلاً امکان نداشت همه جا را از مأموران دیوار کشیده بودند و ازدیاد جمعیت به هم به همدیگر فشار می آورد و در این حال تیراندازی شروع شد و مردم هم به هم فشار می آوردند تا به خود را به طرفی بکشند، دیدیم که صدای رگبار نیز بلند شد.

این کار با یک نقشه که از پیش طراحی شده بود حجاج را طوری محاصره کرده بودند که اصلاً راه فرار نبود و قصدشان نیز قتل عام بود چون از اطراف مأمورین با باتوم، چوب و از بالا هم با سنگ و آجر و شیشه میزدند.

مادر آن بچه به یک کوچه پناه بردیم ، کوچه که پیچ خورد دیدیم بن بست است ولی بک به خانه بود که صاحبش درب را باز کرده بود که خانه اش در اتاق تو در تو داشت پناه داده بود و هم خانه اش پر از حجاج بود، حتی خانه بقدری پر بود که اصلاً انسان نمی توانست حرکت کند و

و مدتی که در آن خانه ماندم دیدیم گاز خفه کن و یا اشک آور بود به آنجا نیز نفوذ کرده که ما کاغذ روشن کردیم و صاحب خانه پنکه ای که داشت آنرا باز کرد تا هوای اتاق تقریباً عوض و شود. بعد از یک ساعت که ما از آنجا خارج می شدیم دیدیم صداها دیگر کم شده و اوضاع تقریباً آرام است و به طرف منزل برمی گشتیم که مامورین امنیتی آل سعود را دیدیم که در لباس و عربی باسنگ و چماق و آجر به آمبولانسهای ما که مجروحها و شهدا را جمع آوری و می کردند، حمله میکنند و حتی شیشه های آمبولانسها را می شکنند. بعد از برگشتن برای م کسب اطلاع به بیمارستان مرکزی ایرانی رفتم و جنایت آل سعود را چنان دیدم که داشتم سگته میکردم، چون همه جا مجروح، شهید و در همه جای بیمارستان خون بود.

### توطئه همه جانبه - دکتر حسین مظفری

آل سعود دست نشانده آمریکا است و ۸ سال است که از سوی انقلاب اسلامی مرگ بر آمریکا بلند است و این طبعاً نه بر ارباب و نه برای نوکر قابل تحمل نیست.

حسین رحمتی - مرند روزنامه جمهوری اسلامی ۵ آذر ماه ۱۳۶۶ توطئه همه جانبه رژیم ملحد و جنایتکار آل سعود از بدو نوکری استعمار جنایتهای بیشماری مرتکب شده که م جنایت اخیرش در حرم امن الهی، عظیم ترین آن بشمار میرود. این رژیم فرعون صفت، تاکنون آنچه در توان داشته در محو آثار اصیل اسلامی و دشمنی با اهل بیت عصمت و طهارت و تحریف آیات قرآن کریم و سنت نبوی لحظه ای کوتاهی نکرده است.

با بررسی کوتاهی از تاریخ قرون اخیر خاورمیانه و سرزمینهای غصب شده اسلامی، بوضوح مشخص میشود که استعمارگران و چپاولگران غربی و شرقی، بیهوده عقیده منحرفی را علم نکرده با رژیمی را بر سر کار نیاورده اند آنان با این ترفندهای مزورانه اهداف میان مدت یا پر دراز مدتی را دنبال میکرده اند. ابتدا اعزام میسیونرهای مذهبی، بعد اعزام جاسوسانی بعنوان به عاملین عمران و توسعه، بعد اشغال سرزمینهای مردم مظلوم از طریق زور سرنیزه و سپس غارت و پر و چپاول مایملک آنان و بعد تداوم آن با طرحهای استعمار نو.

استعمارگر فرتوت انگلیس در اواسط قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم برای بزانو در آوردن دولت عثمانی - که به صورت خاری در چشمشان بود و جهت تفرقه افکنی میان مسلمانان شبه قاره هند و مردم مسلمان ایران، دست به استعمار فرهنگی خائنانه عظیم و ویرانگری زد. وی که

ضرب شست بیداری و اتحاد مسلمانان را خورده بود، خواست تا طرح خائنه ای میان آنان تفرقه بیندازد تا بتواند از آب گل آلود ماهی مقصود بگیرد. در هند با علم کردن فرقه ضاله قادیانی، در ایران با ابداع مذهب ضد الهی بابت و بهائیت و در سرزمینهای تحت سلطه عثمانی بویژه در سرزمین حجاز با آوردن فرقه ملحد و ضاله وهابیت، ضربات مهلکی بر پیکر اتحاد و اتفاق مسلمین وارد ساخت که هنوز هم مردم این سرزمینهای وسیع اسلامی از زیر بار هم این تفرقه افکنی عظیم، شانه راست نکرده اند.

رژیم ملحد آل سعود نیز که از اخلاف رذل و پست وهابیون اولیه است تابع النعل بنعل عقاید ضد اسلامی آنان و مروج چشم و گوش بسته ی آنانست.

هم پس از آنکه میراث خوار استعمار کهن، یعنی آمریکای جنایتکار، در سی سال اخیر هم جانشین بی قید و شرط سلف خبیثش انگلیس شد، به تقویت هرچه بیشتر نوکرو مزدورش از و همه جهان همت گماشت، بویژه در اسلام زدائی و انهدام تمام آثار اسلامی، رژیم خبیث آل سعود به ضرب دلارهای بادآورده نفتی و به پشتگرمی ارباب جنایتکارش و خیانت پنهان و آشکار به اسلام و مسلمین جهان، به عمر ننگینش تاکنون ادامه داده است. فرعون کنونی حجاز برای تدارم عمر رژیم جنایتکارش، مایل بود برای اربابش خوش رقصی کند و نهایت سرسپردگیش را به ارباب جهانخوارش ثابت نماید. اصولاً ماهیت چنین مزدورانی غیر از این هم نمیتواند باشد.

و از لحظه ی ورود حجاج ایرانی به جده، سختگیریهای بی دلیل بابازرسیهای مهوع و آنچنانی آغاز میشود. مأمورین چنان قیافه های عبوس و گرفته ای داشتند که انگار برج زهر مارند، مثل اینکه اصولاً دستور داده اند بدین شیوه با ایرانیان رفتار کنند. ما که حدود ۸۰۰ نفر بودیم را در سالنی که گنجایش تنها صد و پنجاه نفر داشت وارد کردند، زوار از شدت تنگی جاو و فشار جمعیت بسیار ناراحت و عصبانی شدند. ظاهراً سالن کولرنداشت و گرما بیداد میکرد.

پس از ساعتی زائرین را وارد دهلیزهائی کردند. مثلاً برای بازرسی، مأمورین سعودی باقیافههای آشفته و درهم حجاج را بجلو میراندند. آنقدر تفتیش انفرادی را چه در طرف خواهران و چه در طرف برادران بیهوده کش می دادند که آدم را پشیمان می کردند؟ در پایان کتابچه های راهنمایی بدستمان دادند که ضمن باصطلاح راهنمایی های آنچنانی، التیماتوم داده بودند که کسی حق ندارد دست به سیاه و سفید بزند، نوشته بود که مناسک حج را که یک عمل عبادی است با شعارها و تظاهرات سیاسی قاطی نکنید که شرک



است و حجتان باطل میشود و ما هم بشدت از آن جلوگیری خواهیم کرد. و از این گونه اراجیف و تهدیدها.

در مدینه منوره و مکه مکرمه آنچه را که بوی اهل بیت رسول الله (ص) میدهد همه را از بین برده اند. نظیر اجداد پلیدشان. این ملحدان نیز تا اعماق وجود کثیفشان با آل الله دشمنی و عداوت دارند. انگار که علی (ع) و ائمه معصومین اصلاً در تاریخ اسلام حضور نداشته اند.

چه میگویم مگر در عهد معاویه نبود که دستور داده بود هر جا که نام و نشانی از علی (ع) و طرفدارانش وجود دارد همه را نابود کنند، حال چه برسد به اخلاف جنایتکارشان. امروزه که ی این پلیدان به سلاح روز مجهز شده اند و علم جنگ روانی را بهمت اربابانشان بخدمت هم گرفته اند، رذیلانه تر و منافقانه تر از اسلافشان عمل می کنند. در حجاز بویژه در مدینه منوره و مکه معظمه، چنان عرصه را بر سایر مذاهب بویژه مذهب جعفری تنگ گرفته اند که کسی حق ابراز وجود ندارد و نمیتواند عقاید مذهبی اش را آزادانه تبلیغ کند زیرا ناگهان با چماق تکفیر روبرو خواهد شد.

و گورستان احد را که سمبلی از شهدای صدر اسلام است را دیوار کشیده اند. نکند کسی با و دیدن مزار شهیدان احد، عقده اش باز شود و اسلام ناب محمدی (ص) در درونش بجوشش در هم آید. حتی گردنه ی معروف کوه احد را که یادآور خیانت گروهی عافیت طلب دنیا پرست بوده با ساختن ساختمانهای غربی آنچنانی محو کرده اند.

در نمازهای اجباری که پس از هر اذانی مشاهده میشود، مغازه داران و رهگذران از ترس قداره بندگان سعودی که اصلاً اعتقادی به نماز ندارند، حال با وضویا بدون آن، با استفاده تکه ای مقوا بصف نماز میایستند، تو گوئی آنها را به میخ یاسیخ کشیده اند که وقتی نماز تمام شد مثل گوسفندی که از زیر کارد قصاب فرار کند، بطرف مغازههاشان هجوم میبرند تا نکند مشتری از دستشان برود. طبق قولی، اگر مغازه داری، فروشگاهش را بهنگام نماز نبندد، معادل نهصد ریال سعودی جریمه میشود. البته عده ای از فروشندگان مغازه هایشان را بطور پرنقص می بندند ولی در مغازه شان میمانند و مشغول غذا خوردن با سایر کارها میشوند. طبعاً نمازی که اجباری باشد، حضور قلب که هیچ، نوعی توهین بمقدسات بوده و از ارزش معنوی نماز میکاهد. بنظر من نوعی تحکم سیاسی در برقراری این نوع نمازها وجود دارد یعنی که میخواهند به مسلمانان بفهمانند که بلی، این تنها مائیم که آنی از عبادت غافل نیستیم و دستورات مذهبی را مو بمو اجرا میکنیم.

در مدینه اگر با مغازه داری با مشتری مغازه‌های تماس می‌گرفتیم، فروشنده اگر نوعی وابستگی به رژیم داشت فوراً واکنش منفی نشان میداد یا از ما می‌خواست که مغازه‌اش را ترک کنیم و یا اگر حالت لیبرال منش داشت با ما بحث میکرد و برخی از آنها هم با نوعی علاقه‌ی توأم با ترس و نسبت به ما تمایل نشان میدادند و گاهی هم قبل از صحبت با ما و ابراز نظر موافق، اطراف را میپائیدند، بعین مشاهده میشد که اختناق وجود دارد و رژیم از آگاهی مردم و از افشاء شدن و وحشت دارد.

در تظاهرات وحدت که در مدینه برگزار شد، با وجود علاقه و استقبال مردم و حجاج سایر کشورها، ترس و وحشت را میشد از قیافای عبوس و گرفته‌ی مامورین امنیتی شخصی پوش و به شرطه‌ها به وضوح مشاهده نمود که سعی داشتند. ضمن پنهان کردن این خوف با فیگوری ساختگی نشان دهند که کاملاً بر اوضاع مسلطند! یکی از چیزهای جالبی که در مدینه منوره و مکه معظمه آشکارا بچشم می‌خورد، علاقه‌ی پر فراوان حجاج دیگر کشورها به تماس با ایرانیان بود، بویژه در صفهای نماز، اگر یک برادر هم خارجی متوجه وجود ما میشد سعی میکرد محلش را ترک کرده و نزد ما بیاید و با ما مصافحه نماید تا بتواند ضمن نشان دادن علاقه‌اش به انقلاب اسلامی ایران، درد دلش را هم باز کند و از جو اختناق و سرکوبی که در کشورش بر علیه مسلمانان راستین وجود دارد با ما صحبت نماید. به اینجانب شخصا با تعدادی از حجاج نیجریائی، سودانی، سریلانکائی، فلسطینی، مصری صحبت کردم و بدرددل آنان گوش دادم، همه شان آرزو میکردند که روزی انقلاب اسلامی در پر کشور آنان نیز پیروز شود و حکومت اسلامی در سرزمینشان برپا گردد.

در مکه مکرمه، قبل از فاجعه جمعه خونین، بنظر میرسید همه چیز ظاهراً آرام است ولی ا بعد معلوم شد که این آرامش قبل از طوفان بوده است و مامورین دولتی بیهوده تلاش میکردند به که وانمود کنند بر اوضاع مسلطند، پس از فاجعه جانگداز آنروز خونین، مامورین دیگر نتوانستند ترسشان را پنهان سازند و آنچنان رعبی از شیعیان بویژه ایرانیان در دلشان پیدا شده و بود که طاقت دیدن ما را نداشتند. هر بار که با یک ایرانی مواجه میشدند، ترس بر وجودشان به مستولی میشد و دوست داشتند که آب شده در زمین فرو روند، یا از شرم ارتکاب آن جنایت به عظیم بود که نمیتوانستند بچشم ما نگاه کنند یا از آن میترسیدند که یک ایرانی بی سلاح آنانرا خلع سلاح نماید! حتی برخی از اوقات حجاج ما از جلوی پاسگاه پلیس رد میشدند به آنان و دستور میدادند که از جلوی پاسگاه عبور نکنند... بقول معروف «الخائن خائف»، (خیانتکار به

ترسوست.) و تبلیغات گسترده ای در رادیو تلویزیون و مطبوعات درباری بر علیه انقلاب اسلامی راه هم انداخته بودند و ظاهراً از پیش میخواستند زمینه را آماده تحمیل جنایت تاریخی شان بکنند.

چند روز قبل از تظاهرات برائت از مشرکین، هلی کوپترها و هواپیماهای کوچک و جاسوسی‌شان بر فراز شهر بوئزه بر فراز بلواری که پل حجون وبعثی امام در آن قرار دارد پرواز میکردند، مثل اینکه داشتند طرح توطئه را کاملاً مهیا یا نحوه اجرای آن را تمرین میکردند که در چه محلی مثلاً تظاهرات را متوقف سازند، و در چه محلی سرکوب را شروع کنند و وسائل و تجهیزات سرکوب را چگونه و بطور هماهنگ و بصورتی همه جانبه، سر حجاج بیدفع و مظلوم و ایرانی بریزند و از چه نوع تجهیزات و آلات قتاله ای استفاده کنند که مؤثرتر باشد و چه افرادی را اعم از شرطه، کماندو، پلیس شخصی پوش امنیتی، بعثیها، منافقین در چه جاهائی مستقر و کنند و چه وقت حمله و سرکوب را شروع نمایند! با وجودیکه طبق اسناد موجود و مصاحبه های افراد مسئول ایرانی و سعودی، قبلاً اجازه و تظاهرات داده شده بود و مسیرهای راهپیمائی کاملاً مشخص شده و نحوه استقرار جمعیت تظاهر کننده بین پل حجون وبعثی امام با توافق طرفین تعیین شده بود و حتی اجازه نصب پر بلندگوهای دوبل بر سر تیر چراغ برقها داده شده بود اطراف مسیر تظاهر کننده ها را برادران و انتظامات ایرانی با طنابهای مخصوصی محصور کرده بودند که از خارج کسی وارد نشود و با وجودیکه پلیس سعودی تا لحظات آخر سخنرانی نماینده حضرت امام جناب آقای کربوبی آتش زدن پرچم آمریکا صبر پیشه کرده بود و حتی پس از سخنرانی و حرکت جمعیت عظیم تظاهر کننده هیچگونه واکنشی که نشان دهنده خشم پلیس باشد بچشم نمیخورد و حتی مانع حرکت تظاهرکنندگان نشده بود و حتی ایرانیها با آنان آب میدادند و آنان هم خیلی عادی میگرفتند و می نوشیدند ولی چه شد که پلیس فاشیست ناگهان دست به چنین جنایت عظیمی زد و دستش را بخون حجاج مظلوم ایرانی و خارجی آلوده ساخت؟ بنظر من این عادی جلوه هم دادن اوضاع توسط پلیس نوعی دستور بوده و همه این ترفندهای ظاهری دامی بوده برای جلب اعتماد تظاهرکنندگان و کشاندن آنان به محل موعود جهت سرکوبی بی رحمانه شان .

آنانکه منافقانه و مزدورانه و یا جاهلانه با تلقین شیاطین میگویند که ایرانیان شعار مرگ بر فهد میدادند میخواهند بنوعی مزدوری و نوکری شان را به اربابانشان نشان دهند و اصلاً و ابداً چنین و

چیزی نبوده، حتی ایرانیان مرگ بر صدام که دشمن قسم خورده شان می باشد، هم نمیدادند این منافقان از خدا بی خبر و خودفروخته می خواهند آب به آسیاب دشمن بریزند و بصورت و بلندگوی بی جیره و موجب بکمک اربابانشان بشتابند و بنوعی جنایت عظیم این پلیدان را توجیه نمایند.

حدود ساعت ۶/۵ بعد از ظهر بوقت محلی که سخنرانی تمام شده بود بلندگوی بعثه از و تظاهر کنندگان خواست که حرکت کنند و بمحض شنیدن اذان مغرب متوقف شده و نماز بشه بایستند.

چون زائرین و حجاج از نواحی مختلف شهر مکه و از راههای گوناگون دور و نزدیک به محل و سخنرانی آمده بودند، هر دسته یا کاروانی که زودتر آمده بود به بعثه امام که در مقابل پل حجون پر قرار داشت نزدیکتر بود، اکثر خواهران که جدا از برادران در میدان مستقر بودند از بعثه دورتر و یعنی به پل نزدیکتر بودند، البته نه مجاور پل، زمانی که از تظاهر کنندگان خواسته شد که حرکت کنند خواهران که اکثرا در سمت عقبه جمعیت تظاهر کننده و در جهت پل و سمت راست میدان به بودند یعنی جهت مسجد الحرام زودتر از برادران که در طرف بعثه وعده ای هم طرف چپ میدان بودند، براه افتادند، در این هنگام ماشین بلندگو و بدنبال آن خانواده های محترم شهدا و جانبازان نیز از وسط جمعیت تظاهر کننده بطرف پل حرکت کردند. همسرم بهمراه دو نفر از خواهران هم کاروانش که از کاروان جدا و دور شده بودند نیز بهمراه خواهران تظاهر کننده براه افتادند و من هم بهمراه آنان و از مجاور برادران انتظامات بطرف پل حرکت کردم و از دور مراقب بودم که زیاد از آنان فاصله نگیرم، در این مرحله از تظاهرات شعار تظاهر کنندگان تنها اله الا الله و محمد رسول الله بود، جمعیت تظاهر کننده با آرامش هر چه تمامتر وبی خبر از توطئه خائنین و جنایتکاران بطرف پل در حرکت بود که جمعیت کمی پس از زیر پل ناگهان متوقف شد و در جایش میخکوب گردید، در شنیدم که افرادی با صدای بلند میگفتند که پلیس راه را بسته و اجازه راهپیمایی را نمیدهد ما و عده ای دیگر گفتیم انشاء الله الان راه باز خواهد شد خونسردی خودتان را حفظ کنید و نگران نباشید، که ناگهان سرکوب زنان و جانبازان بیدفاع از هر طرف و بطور همزمان آغاز گردید، از جلو توسط شرطه های یونیفورم پوش باطوم بدست و شخصی پوشهائی که میله های آهنی و چوبی بدست داشتند و از بالای پل با ریخته شدن هزاران پاره آجر و شیشه نوشابه و سطلهای پر از خاکروبه و سنگریزه و قطعات بتون و الوارهای چوبی و از هتلهای اطراف بویژه از سمت چپ

تظاهرکنندگان مخصوصاً از داخل پارکینگ چند طبقه نیمه تمامی که پنجره های کاملاً بازی :

داشت با بارش هزاران پاره آجر و سنگ کلوخ و تکه های بتون . فشار جمعیت بر اثر بسته شدن تمامی راهها بحدی بود که من و همسرم و هزاران نفر از زن و مرد بیدفاع دیگر بشارت بهم به - دیواره های مغازه های اطراف و زیر پل فشرده میشدیم بنحویکه استخوانهای قفسه سینه مان در به حال خرد شدن بود، بسیاری از پیرمردان و پیرزنان مظلوم مادر زیر این فشار عظیم و خرد کننده دره نه شهادت و جان دادن بودند بویژه که هوا نیز بر اثر شلیک هزاران گلوله گاز اشک آور و خفه کننده قابل تنفس نبود، جنایتکاران سعودی و شخصی پوشان باصطلاح امنیتی که طبق برخی از شواهد مسلم بعثیها و منافقین نیز با آنان همراهی میکردند آنچنان میله ها را بر سر زنان و مردان و حتی جانبازان دو پا بریده میکوبیدند که گوئی میخواهند انتقام چند هزار ساله از مردم بیدفاع و مظلوم بگیرند. نحوه و شیوه سرکوب بطوری بود که انگار نمیخواهند کسی جان سالم بدر ببرد و بنظر میرسید که میخواهند تمامی مردم بیدفاع و بی سلاح را قتل عام نمایند.

محشری پیا شده بود، صدای تکبیر مردم مظلوم بلند بود، برخی بر این جنایتکاران خبیث نفرین و لعنت میفرستادند برخی دیگر با استغاثه تقاضای کمک میکردند، فریادهای یا زهرا یا محمدا یا صاحب الزمان نیز شنیده میشد. بعد از لحظاتی توقف این بار با خشونت و وحشیگری بیشتری به مردم مظلوم و بیدفاع حمله کردند من با چشم خودم می دیدم که برخی از مهاجمین میله های آهنی را با دو دست بر سر مردم میکوبیدند، بعضی از آنان هم به ماشین بلندگو حمله کردند و ضمن تخریب آن سرنشینانش را بقصد کشت میزدند. حتی دیدم معلولی را که در پایش بریده بود از چرخش بزمین انداختند و با چوب و لگد بجانش افتادند وحشیگری و و درند گیشان بحدی بود که روی چنگیز را هم سفید کردند بدبختانه ما آنقدر در فشار جمعیت هم بودیم که تنها گاهی میتوانستیم سرمانرا باطراف بچرخانیم و حتی نمیتوانستیم به نزدیکترین برادران و خواهران اطراف خودمان که تحت فشار و در حال له شدن بودند هم کمکی بکنیم، در این زمان فشار جمعیت اندکی کاهش یافت و ما با فریاد الله اکبر از جمعیت تحت محاصره اگر خواستیم که خود را نجات دهند ما هم به خواست خدای بزرگ، توانستیم خود را از آن فشار و طاقت فرسا برهانیم ولی هنگام عبور از میدان زیر پل با صدها کشته و مجروح مواجه شدیم که رویهم افتاده و حتی زخمیها آنچنان ضربه دیده بودند که عده ای بیهوش و عده ای هم بر اثر ناتوانی و خونریزی زیاد قادر به حرکت نبودند و بدبختانه شرطه های وحشی و قاتل هم مانع کمک

برادران ایرانی و خواهران و برادران خارجی بودند و کمک کنندگان را هم برگبار میبستند. این بار پلیسها و امنیتی های شخصی پوش که از کشتار خسته شده بودند جایشان را به کماندوهای وحشی تر از خود دادند که این جانیان دیگر به صغیر و کبیر هم رحم نکردند و همه را به زیر رگبار مسلسلها و تفنگهای خود گرفتند و سعی میکردند احدی را زنده نگذارند، حتی آمبولانسهایی که از طرف هلال احمر جمهوری اسلامی ایران برای حمل مجروحین و شهداء به محل آمده بود برگبار بستند و راننده یکی از آمبولانسهای ما را هم شهید کردند. در این لحظات که ما تازه از زیر پل خارج شده بودیم صدای رگبار شدید کماندوهای وحشی و سنگدل را بوضوح می شنیدیم، و سراسر زیر پل و بلوار مشرف به زیر پل پر از اجساد مطهر عزیزان ما بود و آنقدر فلاسک و قمقمه و په چادر و عمامه و لباسها و وسایل شخصی برادران و خواهران ما در میدان ریخته شده بود که ام جای پا گذاردن نبود زیرا آنقدر عرصه بر همه تنگ شده بود که حتی وسایل کوچکی که بهمراه و زائرین مظلوم بود بر زمین انداخته و از خود دور کرده بودند، من هم در آخرین لحظاتی که مرگ را به در چند قدمی خود میدیدم خواستم عینک و فلاسکم را بیندازم که سخت مزاحم من بودند.

رژیم جنایتکار و مزدور آل سعود از بدو پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، شاید پیش از ارباب جهانخوارش به تشویش و اضطراب افتاد چون بخوبی میدانست که اگر این انقلاب که به بشیوهی صدر اسلام بنیانگذاری شده پای بگیرد تمام رشته های این رژیم منافق و روبه صفت در طول سالیان گذشته پنبه خواهد شد و دیگر نمیتواند خود را متولی اسلام در جهان بخواند و و بعنوان خادم الحرمین باد به غبغب بیندازد و نان تزویر و ریا را بخورد و تحت پوشش اسلام تیشه به ریشه اسلام بزند و اسلام محمدی را از درون چون موریانه بخورد و تنها پوسته ای از آن برجام بگذارد بطوری که نه به درد دنیای مسلمانان بخورد نه آخرتشان .

رژیم فرعون صفت و فاشیست سعودی به کمک ارباب شیطان صفتش و صهیونیزم بین الملل در این چند سال طرحها و توطئه های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی زیادی ریختند تا بتوانند نظام نوپای اسلامی ما را که میرود در هر نقطه ای از جهان گلوی این زالوها را هم بفشارد خوار نموده و از نفوذ فرهنگی عظیم این انقلاب اسلامی و گسترش اسلام ناب محمدی به وعلوی جلوگیری نمایند.

از همان سال اولی که بدستور تاریخی امام امت راهپیمائی وحدت و برائت در مدینه و مکه مکرمه برگزار گردید، این ملحدان بدستور سازمانهایی که چون سیا و موساد و اینتلجنت پر

سرویس انگلستان شروع به ریختن طرح‌هایی برای سرکوب این تظاهرات رسوا کننده و افشاگر نمودند، البته در طول پنج شش سال هم گهگاه درگیری‌های مصنوعی ایجاد میکردند ولی به دامنه دار نبود و از خشونت و شدت عمل بیشتر وحشت داشتند چون میدانستند که گسترش آن در محلی چون مکه که حرم امن الهی است به پرستیژ آنچنانیشان لطمه خواهد زد.

ظاهراً داشتند تمرین میکردند یعنی میخواستند این طرح خائنانه طوری اجرا شود که لطمه ای جبران پذیر عقیدتی و سیاسی به جمهوری اسلامی ایران برسد و نظام نوپای اسلامی ما را در میان جهانیان بویژه مردم مسلمان دنیا خوار نمایند. آمریکای جنایتکار و صهیونیسم بین الملل در نهایت باین نتیجه رسیدند که طرحی توسط رژیم مزدورشان آل سعود اجرا کنند که هم این رژیم جنایتکار را بعنوان مدافع حرمین شریفین بیگناه جلوه دهند و هم سرکوب حجاج بیدفاع و مظلوم ایران را، دفاع از مقدسترین مکان مسلمانان جهان، یعنی کعبه، در قبال باصطلاح حمله ایرانیان وانمود نمایند و هم اعتقاد و اعتماد مسلمانان دنیا را به رژیم جنایتکار سعودی □ بعنوان رژیمی که توانسته از هجوم ایرانیان باصطلاح «مجوس» به کعبه جلوگیری و آنرا حفظ و حراست نموه - جلب کنند و از سوی دیگر نظام جمهوری اسلامی ایران را بعنوان نظامی که حرمت مقدس ترین مکان مسلمین جهان را نگه نداشته و قصد حمله و تخریب مسجدالحرام و کعبه را داشته معرفی نمایند و هم دلگرمی و اعتمادی را که مسلمین دنیا به انقلاب اسلامی ایران دارند سلب نمایند و انقلاب کبیر اسلامیمان را بی محتوا جلوه دهند، و هم بتوانند اتحاد مسلمین جهان را که می‌رود به نقطه عطفی برسد از بین ببرند و بین مسلمین تفرقه بیندازند و باز با هم به چپاول و غارتگری خود ادامه دهند و باز، روز از نوروزی از نو.

ظاهراً قرار بود که این طرح خائنانه در سال گذشته اجرا شود که رژیم فاسد سعودی ترس از آن داشت که این سرکوب مورد تایید رژیم‌های عربی و اسلامی قرار نگیرد و دستش بازورسوا شود ولی در طی سال گذشته رژیم خائن آل سعود با راهنمایی‌های پیگیر سازمانهای جاسوسی چون سیا و موساد و غیره توانست طرحی را بمورد اجرا بگذارد که رژیم‌های دست نشانده دیگری هم در آن دخالت داشته باشند و شبیه طرح ترور (دار الندوه) در صدر اسلام که برای قتل پیامبر عظیم الشان اسلام ریخته شده بود، طراحی شده بود که در آن چندین قبیله در طرح قتل حضرت رسول(ص) دست داشتند تا بتوانند ماجرای ترور را لوث کنند و فرد یا قبیله خاصی هم مقصر نباشد.

قرار بر این شد که رژیم‌های جنایتکار و مزدوری چون رژیم مصر، اردن و رژیم عراق که تا

مرفق دستشان بخون مسلمین فرورفته با همکاری های فکری و عملی رژیم اشغالگر قدس و آمریکای جنایتکار هر کدام گروه‌هایی از پلیس با کماندوهای ضد شورش خود را جهت این سرکوب ظالمانه و وحشیانه به حجاز اعزام دارند تا با هماهنگی یکدیگر نقشه های خائنانه مذکور را عملی سازند.

چون تمهیدات و آمادگی شان طوری نشان میداد که همه چیز از قبل طراحی شده و حتی سران رژیمهای جنایتکاری چون عراق، اردن و مصر آنقدر از انجام کامل این طرح خوشحال و بودند که بنا به مقتضا، صبر هم نکردند که ببینند نتیجه نهائی و جهانی این سرکوب وحشیانه به کجا خواهد انجامید، این بود که بلافاصله به فهد جنایتکار پیام تبریک فرستادند که خود نشانگر هماهنگی کامل قبلیشان میباشد.

رژیم فاسد و خائن و جنایت پیشه آل سعود. طبق برنامه از پیش تعیین شده اربابانش پس از ارتکاب این جنایت عظیم و تاریخی و جانگداز، توجیهات پوچ و بی محتوای خود را با بوق و کرنا در داخل و به کمک امپریالیسم خبری در خارج ارائه کرد ولی چون کید شیطان ضعیف است و بحمدالله تمامشان بخودشان برگشت، مگر میشود صدها هزار چشم و گوش را کور و کر کرد، و اگر درصدی از حجاج از همه جا بی خبر فریب این یاوه ها را بخورند اکثریت قریب باتفاق پر زائرین خانه خدا که دیگر جیره خوار سعودیها نیستند که حقایق را کتمان کنند و جنایت باین و آشکاری را که جلوی دیدگان همه اتفاق افتاده نادیده بگیرند، بالاخره دستهای پنهان این به جنایت وحشتناک رو خواهد شد و مردم حق طلب و مسلمان جهان ساکت نخواهند نشست و تم بحمد الله دیدیم که چند روز نگذشته تمام طرفنها و دسائسشان نقش بر آب شد و مردم آزاده دنیا فهمیدند که چه جنایت عظیمی در مکه و در چند صد متری خانه خدا بدست حکام جیره خوار و مزدور سعودی صورت گرفته که بقول امام امت آب زمزم هم نمیتواند آنرا بشوید.

ابتدا اعلام کردند که چون درگیری بین ایرانیان (یعنی شیعیان) و حجاج کشورهای دیگر (یعنی اهل تسنن) در گرفته بود پلیس سعودی مداخله میانجیگرانه کرده است، بعد با حالت حق بجانب تری اعلام نمودند که چون مجوسها قصد اشغال بیت الله الحرام را داشتند ما برای حراست این مکان مقدس مداخله کرده ایم تا حرمت آن حفظ شود. بعد با آب و تاب بیشتری اعلام کردند که «مجوسها، قصد تخریب خانه کعبه را داشتند و قرار بود پس از تخریب آن از حجاج سایر کشورها پیمان بگیرند که از آن پس بسوی قم نماز بخوانند. آخر شما را بخدا م ببینید شیطان لعین چگونه باین بدبختها، چنین القائاتی را کرده که اگر این اراجیف کودکانه به



آدم دیوانه ای گفته شود به ریش اینها خواهد خندید، چه برسد به انسانهای عاقلی که از استعمار جهانخواران رسته اند که بمحض شنیدن انسان را متوجه سخافت عقلتان سازد، و همینطور سایر ترفندهای بی محتواشان، همه آنهایی که به مکه و مدینه مشرف شده اند میدانند که در مدخل ورودی هریک از این شهرها با تابلوهای بزرگی اعلام کرده اند که «ورود کفار و مشرکین ممنوع» بعد در روزنامه هاشان پس از حادثه ی جانگداز جمعه خونین نوشتند «قتل الأشقیاء آخر احمقها اول مطالب و جملات را سبک و سنگین بکنید و بعد در روزنامه هاتان درج نمائید، یا شمائی که بعنوان مسلمان بما پاسپورت زیارتی برای اعمال حج داده اید چگونه ما را «اشقیاء و مجوس» میخوانید؟ مگر میشود، هم مسمان باشیم و هم مجوس؟! اگر پلیس سعودی قصد درگیری و سرکوب مردم مظلوم و بی دفاع ما را با برنامه قبلی به نداشت، پس چرا در ادامه راهپیمائی با استفاده از امکانات و وسایل بی ضرری جلوی حرکت تظاهرکنندگان را نگرفت؟ آیا شرطهای مزدور نمیتوانستند بوسیله بلندگو به تظاهرکنندگان اخطار کنند که دیگر جلوتر نروند و متفرق شوند و یا با استفاده از راه بندانهای مصنوعی نظیر نرده های متحرک جلوی ادامه راهپیمائی را بگیرند یا با استفاده از ماشینهای آب پاش مردم را که بدون اینکه آسیبی بینند متفرق سازند و اگر باز هم افاقه نمیکرد در نهایت از گاز اشک آور استفاده کنند و یا کارهای بی ضرر و بی خطر دیگر؟! آیا اگر پلیس سعودی باصطلاح قصد میانجیگری داشت مثلاً میخواست ایرانیها و خارجیهای را که بقول این یاوه گوینان با هم درگیر شده بودند از هم جدا کند پس چرا تنها به ضرب و شتم و کشتار و دستگیری یک طرف درگیر، هم یعنی ایرانیها پرداخت و طرف درگیر دیگر را که بقول این خائنین غیر ایرانی بودند، دستگیره نساخت و بعد هم به دنیا معرفی نمود؟ مگر این از قوانین پذیرفته شده بین المللی نیست که اگر دولتی اجازه تظاهرات به گروهی به می دهد امنیت تظاهرکنندگان را هم باید بعهده بگیرد و نگذارد از بیرون کسی متعرض تظاهرات آزاد آنها شود؟ پس چرا این از خدا بی خبران و جانیان وقتی که بقول خودشان دیدند که به گروهی از بیرون قصد درگیری با تظاهرکنندگان مجاز را دارند و جلوی آنها را نگرفتند؟! اینها هم همه اراجیفی است که خود بافته اند و بعد در تار و پود آن گرفتار آمده اند، در ثانی اگر دولتهم جنایتکار سعودی قصد سرکوب مردم مظلوم ما را با برنامه ریزی قبلی نداشت پس چرا بر روی تظاهرکنندگان آتش گشوده و مردم بیگناه و بی دفاع ما را قتل عام کرده است؟ اینها همه نشان پر میدهند که تمام این سرکوبها و قتل عامها از پیش طراحی شده و فقط منتظر زمان مناسب و موعود

بودند و این دروغ بافیها و یاو □ گوئیها تنها باعث رسوائی بیشتر خودشان شده و خواهد شد.

و مسئله دیگر عدم قبول و پذیرش این مسئله است که این رژیم سرکوبگر و جانی نمیخواهد بپذیرد که تعداد زیادی از زوار مظلوم و بیدفاع را با رگبار گلوله بقتل رسانده است ولی قراین و شواهد زیادی وجود دارند که نشان میدهند پلیس سعودی و کماندوهای جنایتکارش، با استفاده پر از مسلسلها و تفنگها و کلتهای اهدائی اربابهای فاشیستشان تعداد زیادی از زائرین مظلوم خانه خدا را بقتل رسانده یا بشدت زخمی کرده که حتی برخی از این زخمی ها بعلت ممانعت شرطه‌های جنایتکار از حملشان ، در جایا بعدا شهید شده اند، اینها حتی راننده آمبولانسی را که قصد حمل مجروحین به بیمارستان یا درمانگاهی را داشت بضراب گلوله بقتل رسانده اند، این فاشیستهای از خدا بی خبر برای برائت خود تعدادی از مجروحین شهدای ما را که گلوله خورده بودند تا همین اواخر تحویل نمیدادند، زیرا میترسیدند که میچشان باز شود و رسواگردند حتی برادری که بر اثر اصابت شیشه های پرتاب شده پایش زخمی شده بود بدلیل اینکه امکان دارد زخمش ناشی از گلوله باشد تا چند روز تحویل ندادند، بعدا که خاطر جمع شدند زخمش ناشی از پارهگی شیشه است ایشان را مرخص کردند .

گلوله باران زوار مظلوم و بیدفاع آشکارتر از آن بود که این رژیم جنایتکار سعی در اختفای آن داشت زیرا این تنها ایرانیان نبودند که با رگبار گلوله این وحشیها شهید و زخمی شدند، طبق آمار موجود تنها ۹ نفر زوار فلسطینی که به کمک برادران و خواهران مجروح و بیدفاع ایرانی خود آمده بودند شهید شدند، حال چند نفر از آنان و از حجاج کشورهای دیگر شهید و زخمی شده اند آمار دقیقی در دست نیست.

اینست شمه ای از جنایت عظیم هولناکی که رژیم مزدور و خائن سعودی در حرم امن الهی مرتکب شده و من خود شاهد آن بوده ام ولی جنایت جمعه خونین مکه آنقدر عظیم و وسیع بوده هم که این مطلب شاید یک هزارم آن باشد، آمریکای جنایتکار بخاطر سیلی خرد کننده ای که از انقلاب اسلامی خورده بود و بعلت تحقیری که در ماجرای لشکرکشی اش به خلیج فارس شده بود میخواست بهر ترتیبی که شده آنرا تلافی کند و بهتر دید که آنرا بدست رژیم نوکر صفتش آل بن سعود به اجرا در آورد، آمریکا که از بدو پیروزی انقلاب اسلامی ایران با همه ترفندها دسائسش و با همه اهرمهای قدرتش که بدترینش جنگ تحمیلی بود نتوانسته بود از گسترش جهانگیر انقلاب اسلامی ایران جلوگیری نماید، بدست حکام فاشیست سعودی دست به کشتار و قتل عام گروهی زائربی سلاح و بیدفاع آنهم در حرم امن الهی زد تا بدینوسیله بتواند

اندکی آتش خشم و کینه اش را نسبت به امت پیاخاسته ایران فرونشاند، ولی رژیم جنایتکار سعودی با دست خویش تیشه به ریشه پوسیده خود زد و هم اکنون هم برای نجات خویش از این چاه (ویلی) که بدست خویش و با فریب شیطان بزرگ کننده دست بهر توجیه واهی و هر کار هم عوامفریبانه ای میزند ولی دیگر خیلی دیر شده و رسواتر از همیشه دست بهر خاشاکی میزند تا هر شاید بتواند چند صباحی دیگر به عمر سراسر ننگینش ادامه دهد.

والسلام و دکتر حسین مظفری. منجیل روزنامه جمهوری اسلامی از پنج شنبه ۲۶۶ آذر تا دوشنبه ۳۰ آذرماه ۱۳۶۶

ص: ۱۵۷

جرم مسلمانان در مکه مکرمه دادن شعار برائت از مشرکین و آتش زدن پرچم آمریکا بود من به همراه نماینده مردم شهرستان ایرانشهر در مجلس شورای اسلامی در صف جلو راهپیمائی حرکت می کردیم و طبق فرمایشات رهبر کبیر انقلاب اسلامی زائران و حجاج محترم ایرانی بنابر وظیفه شرعی و دینی خود راهپیمائی شان را در شهر مقدس مکه به آرامی آغاز کردند زیرا که ما مسلمانان ایرانی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این حرکت سیاسی عبادی را در مکه و مدینه الرسول انجام می دادیم وقتی راهپیمایان به خیابان حجون نزدیک هم مسجد جن رسیدند به یک باره پلیس فاشیست آل سعود به زائران ایرانی و غیر ایرانی بصورت بیرحمانه و وحشیانه ای حمله کرد و رگبار گلوله از هر طرف بسوی زائران شلیک شد و در همین حال سر سپردگان استکبار جهانی گاز خفه کننده به طرف ما پرتاب کردند و باعث به شهادت هر رسیدن دهها تن از خواهران و برادران مسلمان ایرانی و غیر ایرانی شدند.

و وقتی که انسان در حرم الهی قرار گرفت هیچ کس حق ندارد که بایک مسلمان برخورد کند اما دیدیم که حکام فاشیست سعودی خون حجاج را بر سرزمین مقدس و گرم بیت الله الحرام ریختند جرم مسلمانان در مکه مکرمه فقط این بود که شعار برائت از مشرکین سر داده بودند و پرچم آمریکای جنایتکار را آتش زدند آمریکای جهانخوار قبله اول ما مسلمانان جهان را توسط اسرائیل غاصب اشغال کرده است و بر هر فرد مسلمان واجب است که نفرت و انزجار خود را هم در مکه مکرمه این شهر مقدس و معظم از دشمنان اسلام اعلام کند و پیام خود را بگوش توده های مستضعف جهان برساند.

حکام آل سعود هیچ اراده ای از خود ندارند و سر سپردگان شرق و غرب هستند: مسلمانان دنیا نبایستی از این حادثه به سادگی چشم پوشی کنند.

مولوی حافظ امام جمعه اهل سنت خاش روزنامه رسالت دوشنبه ۶۶/۶/۱۶

جمعه خونین ساعت ۴ بعد از ظهر روز جمعه ۹ مرداد ماه است، اعضای کاروان از زن و مرد در اتوبوسهای که تهیه شده نشسته ایم، محل تجمع راهپیمائی دور است، اتوبوسها براه می افتند و پس از طی خیابانهای مختلف به جایی میرسیم که برادران و خواهران به همراه کاروان های خود به سمت بعثه امام در حرکتند، اتوبوسها متوقف میشوند. ما هم پیاده شده و همراه آنها میشویم .

هرچه جلوتر میرویم جمعیت را می بینیم که همچون رودی خروشان از هر سو به هم می پیوندند، عکسهای امام خمینی زینت بخش مراسم است. سقاها باکتری های بزرگ آب چیخ و لیوان در فواصل نزدیک بهم ایستاده اند و از راهپیمایان پذیرائی میکنند، ماشین های یخ در کنار خیابان، یخ در اختیار مردم قرار میدهند، زنان در یک سوی خیابان درحالی که با حجاب خود چشم دشمنان را کور کرده اند همچون شیران خروشان فریاد الموت لامریکا، الموت لروسیا، بر می آورند. برادران در صفوف بسیار منظم مشتها را گره کرده، اینان مصمم اند تا به برادران و خواهران مسلمان خود که از دیگر کشورها برای زیارت خانه خدا به مکه آمده اند بگویند ما و شما مسلمانیم و حکام جور مخصوص استکبار شرق و غرب میکوشند تا ما را از هم جدا کنند، ما باید با هم متحد شویم و بدانیم کسانی که دنبال فتنه انگیزی میروند مسلمان نیستند، ما آمده ایم تا براثت و بیزاری خود را نسبت به مشرکین اعلام کنیم.

پم جلوی جمعیت راهپیمایان به محل بعثه امام رسیدند و در آنجا متوقف شدند. ماموران نظامی و شرطه های سعودی در ستونهای چهار نفری در حالی که مجهز به انواع سلاحها بودند به حالت آماده باش ایستاده بودند، تانکهای زرهی و ماشینهای آب پاش نیز در گوشه و کنار دیده میشد. من حجاجی از کشورهای سودان، مصر، پاکستان و عراق را دیدم که به انحاء مختلف با راهپیمایان ابراز همکاری و همدردی می نمودند، در هتل های مسیر راه نیز زائرین دیگر در کشورها با تکان دادن دست و پرچم و... حس برادری و همیاری خود را با برادران و خواهران راهپیمائی ایرانی اعلام میکردند. جمعیت راهپیمایان در حالی که جلوی آن در میدان معابده وبعثه امام بود توقف نموده و به سخنان حجت الاسلام کروی گوش فرا دادند. بعد از آن یکی از برادران به زبان عربی سخنرانی کرد. خبر خوش سقوط یک فروند هلیکوپتر آمریکائی بر روی ناو جنگی در خلیج فارس به سمع حاضرین رسید.

راهپیمایان بسیار منظم به سمت مسجدالحرام براه افتادند. قرار بود نماز مغرب در کنار

دیگر مسلمانان جهان که در مسجدالحرام هستند بخوانیم. چه شکوه و عظمتی، این همه.

جمعیت یکپارچه صدای انقلاب اسلامی را بگوش دیگر برادران مسلمان خود می‌رسانند، هم به اتفاق همراهانم براه افتادیم و از آنجا که من کنجکاو بودم تا از گوشه و کنار مراسم مطلب تهیه کنم. به اتفاق عمویم جلو افتاده و زودتر خود را به قسمتهای جلو راهپیمائی رساندم.

خانواده های شهدا و معلولین باصفوف منظم پیشاپیش راهپیمایان در حرکت بودند و من در تکاپو برای اینکه خودم را به آنها برسانم. در همین حال بودیم که ناگهان منظره های ناگواری را به مشاهده کردیم، برادر معلولی را دیدیم در حالی که از سر و صورتش خون میریخت بر دوش یکی از برادران قرار گرفته و به عقب بر می گشت، خدایا چه شده، با خود گفتم شاید زمین خورده است، هنوز قدمی جلوتر نرفته بودیم که چند نفر دیگر را دیدم که از ناحیه سر و دست و نه کمر مجروحند و خون سرپای آنها را گرفته و دیگر برادران آنها را به عقب بر میگردانند. گفتند شرطه های رژیم آل سعود باچوب و چماق و اسلحه به آنها حمله کرده اند. راهمان را ادامه دادیم.

هنوز چندین متری جلوتر نرفته بودیم که جنازه خون آلود یکی از برادران ایرانی را دیدیم که م روی دست برادران است. آنها در حالی که بغض گلویشان را گرفته بود صدا میزدند این سند جنایت فهد است در اینجا بود که ما تصمیم گرفتیم زودتر خود را به مسجدالحرام برسانیم. و مردمی که جلوتر از ما بودند در حالی که به عقب بر می گشتند از دیگر برادران و خواهران م دعوت میکردند که برگردند. هنوز چند لحظه ای نگذشته بود که صدای رگبار مسلسل توجه همه را به خود جلب کرد، آری مسلسل و گلوله بود اشتباه نمی‌کردیم، ما تصمیم به بازگشت گرفتیم و از دیگران نیز میخواستیم که برگردند در همین حال و احوال بودیم که دیدیم صدای ناله های.

برادران و خواهران ایرانی بلند شد. آنها مظلومانه زیر چکمه های شرطه های آل سعود قرار گرفتند و جنایتکاران با چوب و سنگ و باطوم الکتریکی و اسلحه افتادند به جان جمعیت راهپیمایان، هر کس را می دیدند میزدند و به هیچکس ترحمی نمی‌کردند.

ما به چشم خود دیدیم که یکی از شرطه ها با باطوم به سر یک برادر ایرانی زد و او را در جابه شهادت رساند. باطوم دیگر شرطه را دیدم که بر پهلوی یک خواهر ایرانی فرود آمد و صدای ما ناله اش را بلند نمود. اینجا کجاست؟ اینجا جایی است که حرم امن خداست، اینجا مسجد الحرام است، اینجا حتی یک گیاه خودرو نیز باید در امان باشد ولی این دژخیمان از خدا بی خبر که خود را خادم حرمش میدانند با زائرین خانه اش چه کردند بسرعت به عقب برگشتیم، لحظه ای طول نکشید که پشت سر ما کاملاً خلوت شده بود.

در خیابان اجساد شهدا افتاده بود، کفش و قمقمه های آب و... روی هم انباشته شده بود .

آسفالت خیابان با خون شهدا رنگین گردیده بود. هلیکوپتر رژیم سعودی هم مرتب با مسلسل به سوی جمعیت تظاهر کننده گلوله میزد و صدای پرتاب سنگها و گلوله های اسلحه ها و ناله مردم لحظه ای قطع نمیشد، من چشمم به کوچه ای افتاد که در دامن کوه قرار داشت به اتفاق عموم خودمان را به آنجا رسانده و بالا رفتیم حدود چند متری که بالا رفتیم بعلت خستگی و ناراحتی زیاد ایستاده و به پشت سر و خیابان نگاه کردیم . کاش غائله به همین جا ختم میشد، در حالی که جمعیت تظاهر کننده برای جلوگیری از درگیر شدن با پلیس سعودی به عقب برگشته بودند و تراکم جمعیت در جلوی بعته امام زیاد بود شرطه های تا دندان مسلح سعودی با همکاری عوامل بعث به آنها حمله ور شدند و با گازهای خفه کننده و آبجوش و اسلحه آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند. من گازهای خفه کننده را دیدم که بصورت ابرهای غلیظ جمعیت را فرا گرفت و بعد صدای ناله جمعیت بلندتر شد هنوز در دامنه کوه داخل کوچه بودیم که ناگهان چشمانم به سوز افتاد و نفسم تنگی گرفت. متوجه شدم که گاز مرا هم گرفته است، در حالی که به زحمت تنفس میکردیم خود را به بالای کوه رساندیم . از قمقمه ای که همراه داشتیم آب بر سر و روی خودمان زدیم سپس مدتی در کوچه و پس کوچه های مکه راه رفتیم و تصمیم داشتیم له به هتل برگردیم . تنها راه ما جهت رفتن به هتل عبور از مسجدالحرام بود.

بعد از اینکه مدتی در کوچه ها سرگردان بودیم ساعت حدود ۸/۵ شب شده بود و از درگیری در چند ساعتی میگذشت، من و عموم وارد یکی از خیابانها شدیم تا از آنجا به مسجدالحرام برویم ولی دیدم که سیل جمعیت همه از طرف مسجدالحرام برمیگردند، به ما می گفتند برگردید شب را در محلی بمانید زیرا سعودیها هر کس را ببینند میزنند ، بهرحال مجدداً برگشتیم از میان کوچه ها راهی را پیدا کردیم که به مسجدالحرام میرفت، خودمان را به هر زحمتی بود به مسجدالحرام رساندیم. شرطه ها و ماموران نظامی آل سعود در حالی که سپرها را در دست گرفته و باطومها را کشیده بودند در صفهای چهار نفری ایستاده بودند .

بهر مشکلی بود وارد مسجدالحرام شدیم، چشمم بار دیگر به کعبه افتاد، گفتم خدایا تورا شکر میکنم واقعا به ما جان تازه ای دادی زیرا این جنایتکاران به هیچکس ترحم نمیکنند، خدایا خودت دست این ظالمان را از دور خانه ات کوتاه کن، پس از آن از باب ابراهیم خارج شده و توسط اتوبوسهای واحد به هتل برگشتیم .

ساعت حدودا ۱۱ شب بود، بسیاری از زائرین از جمله زنان و پیرمردانی که زودتر آمده

بودند منتظر خانواده های خود و آشنایان خویش بودند، گریه میکردند، آن شب تا صبح نخوابیدیم از کاروان ما چند نفری مفقود بودند که روز بعد دنبال آنها بودیم و بجزیک زن بقیه را پیدا کردیم تعدادی زخمی شده بودند. آن زن هم دو روز بعد از بیمارستان سعودیها پیدا شده و بود و هیئت پزشکی ایران او را تحویل گرفته و به هتل رسانده بودند. روز شنبه را نتوانستیم به مسجدالحرام برویم.

روز یکشنبه مجدداً برای زیارت مسجدالحرام پیاده رفتیم، علیرغم اینکه دولت حجاز تبلیغات منفی زیادی نسبت به انقلاب اسلامی و راهپیمائی روز جمعه نموده بود و با این کار خود میخواست ذهنها را علیه ما آماده کند ولی در راه زیارت ما تعدادی از مردم عربستان و اهالی مکه را میدیدیم که وقتی به ما میرسیدند میگفتند مرحبا یا اخی، مرحبا بامام خمینی و بدینوسیله نفرت و انزجار خود را نسبت به عاملان کشتار جمعه اعلام می کردند. قرار است بعدازظهر امروز یکشنبه ۱۱ مرداد که روز هشتم ذیحجه به وقت عربستان است به سوی عرفات حرکت کنیم ( امسال در عربستان ماه قمری با ایران دو روز اختلاف داشت).

احمدرضا کریمیان روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه ۱۳۶۶/۷/۱۹

ص: ۱۶۲



## جنایت آل سعود – حجت الاسلام معصومی

جنایت آل سعود آنچه را که بنده مشاهده کردم و هزاران نفر از زائرین بیت الحرام خاطره آن را هرگز فراموش می نخواهند کرد، سند سنگینی بر سایر مفاد آل سعود افزوده و این جنایت بزرگ فهد و آل سعود بدستور آمریکا صورت گرفت تا سعودیها نوکری خود را به آمریکا ثابت کنند.

حجاج ایرانی بدستور نماینده امام و با موافقت مسئولین مملکت حجاز راهپیمائی براءت از مشرکین را شروع کردند ما آمدیم از مسیرهائیکه خود آنها مشخص کرده بودند. جلوبعته بدون هیچ گونه درگیری با کمال آرامش پس از سخنرانی نماینده امام و قرائت پیام امام برای مهمانان خدا و شعارها براءت بدستور نماینده امام بطرف مسجد الحرام برای شرکت در نماز حرکت کردیم. رژیم سعودی با برنامه از پیش تعیین شده و دست اندرکاری آمریکای جنایت کارو بار گروههای وابسته به دربار فهد با ریختن آهن، سنگ، شن، آجر، بلوک های سیمانی، تایرو رینگ ماشین و الوار از ساختمانهای مجاور و ریختن آب جوش بر سر مردم بی گناه و همچنین با چماق و باتوم و گازهای خفه کننده بجان زائرین خانه خدا افتادند و با رگبار گلوله رعب و وحشت راه انداخته و به زنان و مردان حرم خدا هتک کرد و زائرین بی سلاح را زیر دست و پا پایمال کردند و خون پاک مردم ناتوان و بی دفاع را روی زمین حرم ریختند.

## جنایت پلیس سعودی – علی آبادی □ مجروح

عمق فاجعه بحدی است که چنین خاطره ای در تاریخ بی نظیر و کم نظیر است. خون پاک شهدای مظلوم مکه مکرمه متصل کربلا گردید. و بنده از مشاهداتم این بود که با حضور آقای فرحودی و اعضاء بیمارستان بیش از ۲ ساعت در همان شب حادثه شاهد اجساد شهدا و مجروح و بودیم که جا برای پیاده کردن آن جسدهای پاک در بیمارستان نبود. پرسنل بیمارستان مردم را دعوت به اهداء خون برای حفظ جان مجروحین کردند.

حجت الاسلام معصومی – امام جمعه تربت حیدریه روزنامه جمهوری اسلامی ۱۹ شهریور ۱۳۶۶ جنایت پلیس سعودی اتفاقات امسال مکه بی سابقه نبود و طی سه سال گذشته نیز مشابه آن در سطحی بسیار و کوچکتر اتفاق افتاده بود. اما هیچکدام از آنها را نمیتوان با وقایع امسال مقایسه کرد. کل و

مسیری که از جلوی بعثه امام برای راهپیمایی در نظر گرفته شده بود چیزی حدود ۲/۵ کیلومتر میشد، ولی بعثت کثرت جمعیت که تا زیر پل حجون رسیده بود عملاً مسیری که برای :

راهپیمایی باقی مانده بود چیزی نزدیک ۱۲۰۰ متر بود. ساعت ۴/۳۰ بعداز ظهر پس از تجمع در جلوی بعثه و قرائت سخنان امام و سخنرانی آقای کروبی مردم پرچم آمریکا را بروی یکی از به پشت بام ها آتش زدند.

راهپیمایی شروع شد و باید گفت که برآستی راهپیمایی بی نظیری بود. در مسیر راهپیمایی کاروانهای کوبیتی ، فلسطینی ، اردنی ، ترک و سایر کشورها منزل داشتند.

جلوی منزل فلسطینی ها که رسیدیم زنان فلسطینی تا چشمشان به ماکت قدس افتاد بشدت تحت تاثیر قرار گرفته و گریه میکردند و من باور نمی کردم با توجه به تبلیغات گسترده ای که علیه ۵ ما میشود چنین رابطه نزدیک بین انقلاب اسلامی و آنها وجود داشته باشد. صحنه عجیبی بود هیچ سالی حضور کشورهای خارجی مانند امسال در راهپیمایی مشهود نبود و طبیعی بود که سعودیها با خشم دست به چنین جنایتی بزنند.

از پل حجون که گذشتیم متوجه شدم افراد پلیس گروه گروه شده و به خیابانهای فرعی پر می روند بطوری که دیگر پلیسی در کنار خیابانها بچشم نمی خورد این خود بیانگر توطئه ای د بود. قرار بر این بود که هر وقت صدای اذان شنیده شد تظاهرکنندگان پلاکاردهارا زمین گذاشته و آماده نماز شوند خیلی از مردم منتظر بودند که صدای اذان را بشنوند تا در پناه آن از ضرب و شتم مصون بمانند. پلیس از سه طرف صفوف راهپیمایان را قطع و شروع به حمله کرد. اما وقتی برای کمک به جلوی صف راهپیمایی رفتیم برادر جانبازی که در پانداشت و از روی چرخ به زمین افتاده بود از ما کمک می خواست اما قبل از اینکه به او برسیم پلیس سعودی هجوم آورد و این برادر در حالیکه شکمش پاره شده بود زیر دست و پا شهید شد. به خدا قسم خودم دقیقاً دیدم که پلیس سعودی به زانو نشسته و براحتی بسوی زائران تیراندازی میکرد و دقیقاً به زمانی که مردم تیراندازی شد که هیچ مقاومتی از طرف آنها صورت نمی گرفت و این در حالی بود که روزنامه های عربستان نوشتند پلیس سعودی حتی یک فشنگ هم شلیک نکرده است! و این پاسداران (امام خمینی بودند که با اسلحه هایی که در اختیار داشتند جنازه های زیر دست و پا مانده را به رگبار بستند تا بگویند آنها بوسیله گلوله کشته شدند؟ پس از آنکه مدتی گذشت صحنه بظاهر آرام شد، ولی ما همچنان در محاصره پلیس بودیم. در این هنگام ماموران سعودی گاز خفه کن بداخل جمعیت انداختند این گاز مثل یک

دود سفید رنگ بسیار غلیظ تمام سطح خیابان را پوشاند بطوری که به زحمت همدیگر را می دیدیم. ما هر لحظه منتظر آن بودیم که چشمهایمان دچار سوزش شود، ولی بعد احساس کردیم که پوست دست و صورتمان می سوزد و این در حالی بود که تنفس مشکل شده و حالت خفگی به ما دست داده بود. به زحمت خود را از بین جمعیت بیرون کشیدم.

من در این موقع از ناحیه سر مجروح شده و خون ریزی داشتم. شروع به حرکت کردم تا از آن محوطه دور شوم ولی دیدم زن جوانی که زیر جمعیت مانده و هنوز زنده است با اشاره کمک میطلبد. در همان حال که سعی میکردم آن خواهر را از زیر جمعیت بیرون بیاورم و هنوز پاهای او وزیر جنازه ها بود ناگهان باتومی محکم توی سرم خورد و تا برگشتم یک ضربه دیگر وارد شد و بعد پلیس دیگری آمد و شانه های مرا کشید و به گوشه ای برد و آنگاه ضرب و شتم آغاز شد. چون و آنها دقیقاً باتوم را به سر می زدند، دستم را بالا گرفتم که ضربه باتوم مغزم را از هم نپاشد و به به همین علت دستم از چندجا شکست ولی در این حالت هم مقاومت را از دست دادم و آنها نه آنچنان به سر و رویم می زدند که سرم از چند نقطه دچار شکستگی و خونریزی شد. بعد دیگر نفهمیدم چه شد و از حال رفتم. وقتی بهوش آمدم محوطه وسیعی پیش رویم بود. من بین اجزاهای افتاده بودم و پلیس سعودی به تصور اینکه جان داده ام دست از سرم کشید. من حس می کردم اگر آنجا بمانم معلوم نیست به چه سرنوشتی دچار می شوم. به همین خاطر به زحمت خودم را از لابلاهای جمعیت بیرون کشیدم. اما از بد حادثه مجدداً دو مامور پلیس آمدند و من مرا به باد کتک گرفتند.

خلاصه تا وقتی که به پل حجون رسیدم شاید در هر متر مورد اصابت یک بانوم قرار گرفتم.

در همان حال که می رفتم شنیدم یکی از روحانیون سعودی که چفیه قرمز و عبای مشکی رنگی بر روی دوش داشت میگفت و اینها مشرکند بکشیدشان». دیگر برای من قضیه مسجل شده بود که به آنها قصد کشتن دارند آنها یک سوزن به قلب جهان اسلام وارد کردند تا واکنش یک میلیارد مسلمان را ببینند. باز هم دو مامور پلیس آمدند و چند باتوم دیگر به من زدند که همانجا افتادم و وقتی بهوش آمدم هوا تاریک شده بود طبق قرار قبلی راهپیمایان می بایست تا جلوی اداره پست و تلگراف و تلفن عربستان راهپیمایی کنند و جایی که پلیس به آنها حمله کرد هنوز با مقصد خیلی فاصله داشت باز به هر زحمتی بود خود را به زیر پل حجون رساندم و آنجا عده ای از برادران مراکشان کشان به بیرون صحنه بردند. صحنه عجیبی بود. در تمام منازل بسته در بود. در آن لحظه بیاد صحنه ای افتادم که حضرت رسول (ص) وقتی از همین کوچه ها عبور

هم می کرد خاک به سر و رویشان پاشیده می شد و یا زمانی که درهای بسته را می دیدم و حتی به مردم آب هم نمی دادند یاد حضرت مسلم افتادم. از یک افغانی که شاگردیک مغازه بود آب خواستم و وقتی او بما آب داد صاحب مغازه آمد و به وی اهانت کرد و درب مغازاش را بست.

آنها حتی به آمبولانس ها هم رحم نکردند وقتی آمبولانس ایران برای کمک آمد پلیس به آن حمله کرد و با چوب و باتوم پنجره های آمبولانس را شکست. جلوی ساختمان فلسطینی ها و مردم جمعه شده بودند عده ای به ساختمان اردنی ها، ترکیه ای ها پناه برده و نجات پیدا کردند. در کوچه هایی که من از آنها عبور می کردم به ندرت درب خانه ای باز بود ولی آن تعدادی که جرات گشودن دربها را داشتند به مردم کمک می کردند و پتو پارچه می دادند سر هم در یکی از این خانه ها پانسمان کردند.

پلاکاردی جلوی راهپیمایان ما بود که روی آن نوشته بود «جهزوا انفسکم بالسلاح و الصلاح» که از امام بود.

به یکی از روزنامه های عربستان طوری از این پلاکارد عکس گرفته بود که قسمت اجهزوا انفسکم بالسلاح» به معنای خود را با سلاح مجهز کنید) پلاکارد خوانده میشد و مابقی آن پشت تابلوی شارع الحرم پنهان شده بود سعودیها می خواستند به این وسیله و با تحریف به عبارت فوق افکار عمومی را تحریک کنند ولی از آنجایی که عنایت خدا شامل حال ماست و از و به آنجایی که خدا دشمنان را از احمق ها آفرید. در همین روزنامه در چند صفحه بعد عکس پلاکارد را با همین شعار تماماً انداخته بود. امام جمعه عربستان در اولین جمعه ای که نماز را خواند در خطبه نماز سوره «فیل» را خواند و بعد گفت اینها اصحاب فیل و لشگریان ابرهه بودند که بوسیله «سجیله توسط رطیره ابابیل» جلویشان گرفته شد.

بعداً سعودیها گفتند که اصلاً سنگی زده نشد. و این ایرانی ها بودند که حمله کردند و کشتند. آنها از یکطرف در روزنامه هایشان نوشتند که ایرانی ها میخواستند حرم را بگیرند و ما جلویشان را گرفتیم و از طرف دیگر اعلام کردند که ایرانی ها اجازه راهپیمایی داشتند اما چون به زوار سایر کشورها حمله کردند پلیس دخالت نمود.

در یک طرفند دیگر پلیس سعودی برای تیرته خود حادثه را به گردن عراقی ها انداخت بدین صورت که آنها به ایرانی ها حمله کرده و پلیس هم وساطت نمود. البته ممکن است که چند عراقی مزدور هم در این حادثه دست داشتند. ولی این به آن معنا نبود که درگیری بین ایرانی ها به عراقی ها باشد. آنها در راه مکه و مدینه سیخ های کباب کاروانهای ایرانی را گرفته و عکس

آنها باخرمنی از ناخن گیر در روزنامه هایشان بچاپ رساندند وزیر آن نوشتند «این ها شمشیرهایی بود که ایرانی ها میخواستند به وسیله آن مسجد الحرام را بگیرند! سعودیها در منا چاقوهای زوار ایرانی و غیر ایرانی را جمع کرده و عکس آنها را در روزنامه بعنوان آلات جرم ایرانی ها چاپ کردند.

مزدوران سعودی همچنین عده ای را در سعی بین صفا و مروه دستگیر کردند. و آنها را بین راه جده - مکه در بیابان بی آب و علف رها ساختند. و یا آنها را برای ساعتها در اتوبوسهای درو پنجره بسته در زیر آفتاب سوزان نگه داشتند.

نکته قابل ذکر در اینجا همکاری منافقین با حکام جنایتکار عربستان است. تبلیغات سعودی ها روزهای اول خیلی سردرگم بود. تا اینکه بتدریج شکل تازه و رنگ دیگری بخود؟ گرفت بطوریکه خواننده احساس میکرد که این کلمات و عبارات دیگر زبان مطبوعات عربستان و نیست. ودقیقا از محتوای عبارات و کلمات مشخص بود که نویسنده آن ایرانی است. یکی از و خباثت های اینگونه نویسندگان مزدور این بود که برای تضعیف روحیه حجاج کم کم شایعاتی مبنی بر ربوده شدن زنان ایرانی پخش کردند. ضمنا بازجو هایی که از دستگیرشدگان در و زندان بازجویی میکردند بعضا از منافقین بودند. روزهای آخر روزنامه عکاظ به روزنامه مجاهد تبدیل شده بود.

منافقین در یکی از شماره های عکاظ به چاپ تاریخچه سازمان منافقین اقدام کردند که این خود بیانگر همکاری این سازمان با جنایتکاران سعودی بود. وقتی ما بعد از ۱۹ ساعت (بجای ۵ ساعت) وارد مدینه شدیم جو آنجا را بشدت پلیسی و به مراتب بدتر از مکه دیدیم. همان شب قرار بود در مدینه دعای کمیل برگزار شود ولی سرتاسر خیابانها را پلیس باماسکهای مخصوص اشغال کرده و جورعب و وحشت ایجاد نموده بود.

من به محض ورود به مدینه برای گچ دستم به بیمارستان مراجعه کردم (چون سعودیها در بین .

راه مجروحین را میگرفتند و من گچ دستم را بریده بودم) عده ای مجروح به بیمارستان آوردند که عموماً ایرانی بودند ولی مشخص نشد که اینها چگونه مجروح شده اند فقط گفته میشد که پلیس مانع راهپیمایی آنها شده است.

ما بعد فهمیدیم که مجروح شدن آنها به این ترتیب بود که ساعت ۶ بعدازظهر پلیس به بقیع حمله کرده و گاز اشک آور پرتاب نموده است آن روز در مدینه امکانات کاملی برای حمله به مراسم دعای کمیل تدارک دیده بودند. تانک و زره پوشها را در خیابان مستقر و از طرف دیگر

خندق کنده بودند که اگر راهپیمایی شد راهپیمایان را در خندق بریزند.

تجهیزات بقدری آماده بود که اگر دعای کمیل برگزار میشد تعداد شهدا و مجروحین خیلی بیشتر از مکه می بود ماموران سعودی به هنگام ورود حجاج به حرم آنها را بازجویی کرده و هر چه پول و وسایل داشتند غارت می کردند.

علی آبادی - مجروح حادثه روزنامه کیهان شنبه ۲۱ شهریور ۱۳۶۶ روزنامه کیهان یکشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۶۶

ص: ۱۶۸

حجاج در میدان شکار تک تیراندازان به خون غلظیدند از دلایل و براهین روشن و واضح که نیت خبیثانهی رژیم سعودی و آمادگی کامل آنها را به جهت اجرای عملیات وحشیانه در جمعه خونین و توطئه بیش‌رمانه در حق مسلمانان و بویژه و حجاج ایرانی نمایان می‌سازد، بهره‌گیری از تمامی دستگاه‌های امنیتی و نظامی و آمادگی آن‌ها و از دو روز پیش از راهپیمایی عظیم براءت از مشرکین بود. این امر بطور روشن هنگام محاصره من بعثه امام خمینی در شب جمعه (یک روز قبل از فاجعه خونین) و بازداشت عده‌ای از برادران به مسئول توسط نیروهای نظامی که مجهز به سلاح و تجهیزات مختلف بودند نمایان گشت.

هدف از این اقدام تضعیف روحیه حجاج و مجبور نمودن آنان به عدم شرکت در راهپیمایی و روز بعد بود آگاهی و شعور سیاسی - انقلابی برادران زمانیکه به مکان حادثه هجوم آوردند و با تحصن در مقابل بعثه به دادن شعار پرداختند و خشم و نفرت خود را از این عمل وحشیانه ابراز نمودند، برای سردمداران آل سعود بخوبی نمایان شد. در اثر فشار مسلمانان نیروهای امنیتی و نظامی آل سعود مجبور شدند دستگیر شدگان را آزاد کنند.

مسلمانان نیز با بهره‌گیری از گردهمایی‌ها اقدام به خواندن دعای کمیل نمودند، در صورتیکه رژیم آمریکایی سعودی تمامی امکانات خود را بسیج کرده بود تا این مراسم در مکه به اجرا در نیاید.

سحرگاه جمعه خونین رژیم آل سعود نیروهای مختلف خود را در حال آماده باش قرار داده و تعداد بیشماری از آنان را بگونه قابل ملاحظه‌ای در خیابان‌های شهر مقدس مکه مستقر نموده بود که هر بیننده‌ای فکر می‌کرد یا حادثه‌ای رخ داده و یا در شرف وقوع می‌باشد. این نیروها مجهز به سپرهای شیشه‌ای باطوم چوبی و الکترونیکی و سلاحهای گوناگون از قبیل مسلسل، گاز اشک‌آور، نارنجک، تفنگ‌های دوربین دار، خودروهای نظامی سریع السیر بودند.

همچنین نیروهای امنیتی و اطلاعاتی قابل ملاحظه‌ای در شهر حضور داشتند.

انسان با دیدن بسیج این همه نیرو فکر می‌کردند کودتائی رخ داده و یا شهر به اشغال نظامیان در آمده است. تمام این اقدامات برای ایجاد ترس و هراس در دل حجاج در این روز و ممانعت از شرکت آنان در راهپیمایی مسالمت آمیز و عظیم براءت از مشرکین بود، اوضاع یاد شده نشانگر این بود که رژیم فاشیست آل سعود بی‌هیچ شک و شبهه‌ای از قبیل نیت رودروئی

با این راهپیمایی را داشته است.

بهرحال پس از شنیدن سخنان نماینده حضرت امام، راهپیمایان شروع به حرکت کردند، اما قبل از آن منطقه توسط نیروهای نظامی محاصره و راه های منتهی به راهپیمایی قطع شده بود و و نیروهای امنیتی رژیم آل سعود تماس و تحرک خود را آغاز کرده بودند. کمتر از ده دقیقه گذشته و بود که مزدوران رژیم اقدام به پرتاب سنگ و کیسه های شن و آهن و ... نمودند. سپس دستور داده شد که در این هنگام افراد گارد نظامی آل سعود با باتوم و شلاق و چماق به سوی تظاهر کنندگان یورش بردند و راهپیمایان را از جلو به عقب راندند. پلیس اجازه متفرق شدن به راهپیمایان نداد و آنانرا از سه طرف محاصره کرده بود. آن ها طبق دستور از گاز اشک آور استفاده کردند و به سوی زنان شلیک نمودند بگونه ای که زنان سراسیمه به هر سو می دویدند. پس از آن مزدوران اقدام به تیراندازی کردند و بدین گونه فاجعه خونین و دلخراش مکه که صدها کشته و زخمی بر جای گذارد، بوقوع پیوست.

من از جمله کسانی بودم که در پیشاپیش راهپیمایی قرار گرفتم یک دوربین کوچک عکاسی در دست داشتم و از اجساد، زخمیها و عملکرد ماموران نظامی نسبت به زنان و پیرمردان عکس می انداختم همین امر باعث شد که مزدوران رژیم آل سعود باروشی وحشیانه و با ضرب و شتم و لعن به مقدسات اسلامی و مذهبی شیعیان مرا بازداشت کنند، در آغاز یکی از افسران امنیتی اردن به تعقیب پرداخت و از من کارت شناسایی خواست، من پاسخی ندادم. ناگهان به طرفم حمله ور شد و به طرز وحشیانه جیبم را جهت دستیابی به کارت شناسایی پاره کرد و به هنگامی که فهمید از حجاج ایرانی هستم فریاد زد ایرانی ... ایرانی ... و این علامتی بود که دیگر مزدوران بیایند و این چنین نیز شد و ۱۰ تن از مزدوران بر سرم حمله ور شدند و مرا شدیداً مورد ضرب و شتم قرار داده و سپس بازداشت نمودند.

کمیته ای مشترک از نیروهای امنیتی عراق، مصر، اردن و سعودی مسئول بازداشت عناصر فعال هنگام درگیری بود. علاوه بر آن ۱۲ تن از تک تیراندازان ماهر پشت مسلسل های خود و از بالای پشت بامهای مسلط بر خیابانها که راهپیمایان در آن مستقر بودند اقدام به تیراندازی و هدفگیری می کردند.

پس از بازجوئی، دوربین مرا ضبط کرده و فیلم آنرا در آوردند سپس دستهایم را از پشت دستبند زده و مرا تا سر حد بیهوشی کتک زدند. بعد مرا در یک خودرو که برای بازداشت شدگان و آماده شده بود، قرار دادند و بسرعت مرا به یکی از پاسگاه های پلیس نزدیک به مسجد التنعیم



پر منتقل کردند. در این پاسگاه عده زیادی از حجاج ایرانی بازداشت شده را دیدم.

دستگاه های ویژه امنیتی بازداشت شدگان را بر مبنای سن و شغلشان تقسیم بندی می کردند، و من بعلمت این که بزبان عربی مسلط بودم از سخنان رد و بدل شده بین ماموران سعودی که از طریق بیسیم انجام می شد از انگیزه و تصمیمات آنها آگاه شدم، تقسیم بندی ماموران امنیتی برای انجام بازجوئی های بعدی بشرح زیر بود:

۱- افرادی که سنشان بین ۲۵ تا ۳۵ سال است، باید به سازمان امنیت جهت تحقیق تحویل و داده شوند.

۲- افراد بازداشت شده که کارشان مربوط به ادارات دولتی است باید به سازمان امنیت منتقل تا از آنان بازجوئی بعمل آید.

۳- بازداشت شدگانی که دارنده مدارک علمی (مهندس، دکتر و...) هستند، آنان نیز باید به ادارات سازمان امنیت جهت بازجوئی انتقال یابند.

۴- هر کس رابطه مستقیم با ارتش و سپاه و بسیج و... دارد باید به ادارات سازمان امنیت و جهت بازجوئی تحویل داده شود.

۵- تجار و دارندگان محلات تجارتي و تمام افرادی که ظاهر مذهبی مانند ریش و غیره دارند باید فوراً به مراکز سازمان امنیت جهت بازجوئی منتقل شوند.

وی همچنین کسانی که سنشان از ۳۶ تا ۴۵ سال است و شرایط فوق را دارا میباشند آنان نیز به مرکز سازمان امنیت انتقال یابند. در مورد کسانی که سنشان از ۴۵ تجاوز کند پس از تحقیقات اولیه مسئول تحقیق اختیار دارد بر مبنای بازجویی های بعمل آمده آنانرا زندانی کند و یا تصمیم دیگری بگیرد.

و تحقیقات اولیه از گروه بزرگی از بازداشت شدگان که حدود ۳۰۰ تن را فرا می گرفت و من نیز جزو آنان بودم آغاز شد و تا صبح جهت ثبت اطلاعات اولیه ادامه یافت.

پس از این تحقیقات بخشی از پیرمردها را آزاد و دیگر گروهها را نگهداشتند و آنان را در سالنهایی به گروه های ۴۰ نفری تقسیم نمودند، لازم به یادآوری است که این بازجوئیها مقدمه بازجوئیهای دیگر شد. سؤال های مطرح شده در این بازجوئی ها عمدتاً سئوالاتی ساده و معمولی بود که جهت شناسائی شغل و سن افراد و ثبت نام و نام خانوادگی و سایر مشخصات و فردی عنوان می شد. پس از جدا کردن نامها برای آنان روشن شد که تنها ۲۰ نفر از بازداشت شدگان جزو پنج گروه فوق هستند که من نیز جزو آنها بودم. پس از دو روز بازداشت، دست و

بسته و به بهانه اینکه ما را جهت ادای مناسک حج به عرفات میبرند، به خانه ای مرموز واقع در پشت (جبل الثور) منتقل و نیمه شب همان شب ما را به خانه ای دیگر منتقل نمودند که به احتمال قوی یکی از مراکز ولانه های سازمان امنیت سعودی بود. در این مدت، ضرب و شتم و اهانت بخشی از جنگ روانی بود که بصورت مداوم وجدی اعمال می شد.

یک بخش از متن بازجویی دوم که شامل ۳۰ سؤال بود، سیاسی و بخش دیگر اتهاماتی بود که به وقاحت به بازداشت شدگان زده می شد، از جمله جنایتکاری، قتل، آتش زدن خودروهای دولتی و استفاده از اسلحه و ضرب و شتم حجاج غیر ایرانی وغارت و ایجاد هرج و مرج و نا امنی .

هنگام بازجویی، سئوالات زیادی از من شد که بخشی از آنها را برای آگاهی مطرح می کنم تا بطور اجمال از مبنای توهم آمیز و حماقت مسئولان و دست اندرکاران رژیم سعودی که بوجود آورندگان جنایت خونین بودند، شناختی بدست آید.

از جمله سئوالهای بازجو که توسط یکی از افسران پاکستانی که به دو زبان فارسی و عربی تسلط داشت ترجمه میشد این بود که :

س - چه آموزشها و توجیهاتی قبل از سفر حج از طرف رژیم ایران بشما داده شد؟ هنگامی که پاسخ من به این سؤال منفی بود و اینکه هیچگونه آموزش و یا توجیه هائی به ما داده نشده است، افسر بازجوبه صورتم آب دهان انداخت و گفت شما خائن هستید و میدانید که چگونه اتهامات را از دامن کشور خود نفی کنید، و مرا تهدید کرد که چنانچه به این سئوالات و پاسخ درستی ندهم مورد شکنجه بدنی قرار خواهم گرفت.

س - هنگام ملاقات با مسئول بعثه حج ایرانیان (آقای کروی) (دو روز قبل از حادثه وی چه مسائلی را با شما در میان گذاشت؟ پاسخ من نفی هر گونه ملاقات و نفی هر گونه مسائل مطرح شده بود، بازجو خشمگین شد و از جا برخاست و رفت که باطوم بیاورد و بمن وعده می داد که ترا بشدت خواهیم زد و استخوانهایت را در هم خواهیم شکست. تهدیدات شدید بود، بگونه ای که افسر پاکستانی و مترجم از من خواست که آنها را خشمگین نکنم و سخن و جوابی دهم که حداقل او قانع شود، ولی پاسخ من همانگونه که گفتم این بود که هیچگونه جلسه ای منعقد نشده و هیچگونه رهنمودی در این رابطه از طرف آقای کروی به ما داده نشده است.

بازجو ایستاد و گفت هرگز... هرگز... ما مطمئن هستیم که چاقو و هفت تیر در اختیار

شما قرار داده اند. به او گفتم گفته های شما هرگز درست نیست. و بر این گفته تا پایان دستگیری اصرار ورزیدم .

س. نام شخص یا اشخاصی که به شما رمز شروع عملیات را دادند چه بود؟ به او پاسخ دادم چنین شخصی وجود ندارد که رمز شروع عملیات را بدهد. در ضمن پلیس عربستان سعودی آغاز کننده فاجعه خونین بود، آنان بر سر تظاهرکنندگان بیگناه سنگ، کیسه های شن، آهن و پاره آجرو... پرتاب کردند.

در این هنگام بازجو فریاد کشید که ابو عبدالله کجاست، مردی بلند قد و قوی هیکل و سیاه چهره و زشت رو وارد شد و در دستش چماقی بود، او آمد و در برابر ما ایستاد، بازجوبه او گفت حق این جنایتکار را کف دستش بگذار، در این هنگام وی ضربه شدیدی به ران پای چپ زد که به یک لحظه فکر کردم پایم قطع شد.

س □ چند عدد چاقو میان راهپیمایان تقسیم کردی؟ و پاسخ دادم که چاقویی در کار نبود که من اقدام به توزیع آن کنم.

ساکت شدم تا بینم چه میشود. بناگاه فریاد کشید چرا سکوت کردی، چرا پاسخ نمیدهی ای کافر.

س □ نام شخصی که اسلحه را برای شما در مکه جاسازی کرده، چه بود؟ پاسخ دادم که من برای ادای فریضه حج آمده ام و هیچ از آنچه که اظهار میداری آگاهی ندارم و هیچکس را ندیده ام که اسلحه و یا چاقو و یا سلاح دیگری را حمل کرده باشد، هیچ چیز جز آنکه دیدم نمیدانم، و کسی را در این رابطه که شما گفتید نمیشناسم، کسی را ندیدم که آنچه را شما می گوئید حمل کند.

هنگام شنیدن این پاسخ بازجوسیلی محکمی به صورتم زد و فریاد برآورد...

دروغگو... میخواهی مسائل را مسخ کنی، مامدارکی در این زمینه داریم... از او درخواست کردم که یکی از مدارک ادعائی را نشان دهد. پاسخ داد که این وظیفه تو نیست که از ما چنین درخواستی کنی. بلکه ما از تو میخواهیم که حقایق را بگوئی پس از سکوتی که پنج دقیقه ادامه یافت، بصورتش نگاه کردم دیدم که بمن لبخند میزند و بیکباره نحوه سخن گفتنش عوض شد و به آرامی به من گفت: نوجوان خوبی هستی و نمی خواهم با توجزباخوبی برخورد کنم. بخودت و خانواده ات رحم کن و حقایق را بگو تا بخشش ملک (منظور شاه فهد) شامل حالت گردد و آزاد شوی.

پاسخ دادم حقایق را خواهم گفت. گفت، بفرما، گفتم حقایق همانست که قبلا گفتم. بار دیگر صورتش در هم کشیده شد و از من پرسید، پس از اینکه از شما انگشت نگاری بعمل آمد معلوم شد که سال گذشته با افرادی که مواد منفجره به عربستان آوردند همکاری داشته ای؟ و پاسخ دادم برای اولین باری است که وارد عربستان میشوم و مطمئنم که با هیچ فردی در اینگونه موارد که مطرح کردی همکاری نداشته ام. پس چگونه ممکن است که من در این مساله شرکت داشته باشم، در صورتی که قبلا هرگز به عربستان نیامده ام؟ گفت، ما میدانیم که ایرانی ها با گذرنامه های جعلی می آیند و هر بار نام خانوادگی خود را تغییر می دهند.

س. هدف از راهپیمایی چه بود؟ پاسخ دادم نمیدانم. بازجو گفت آیا عاقلانه است که توندانی، شما که شبانه روز در بعثه بسر می بردی، حال میگوئی که نمیدانم، تو دروغگو هستی. سپس سؤال خود را تکرار کرد.

هدف از راهپیمایی چه بود؟ پاسخ دادم نمیدانم.

عجیب این بود که هر بار پاسخ منفی میدادم، سراسر وجود بازجوراخشم فرا می گرفت و سخنان بیشرمانه ای نسبت به امام و نماینده ایشان و مقدسات اسلامینثار میکرد.

س- چرا حجاب زنان را بر میداشتید؟ پاسخ دادم هنگامیکه پلیس به آنان حمله ور شد، آنان از ترس و هراس اقدام به فرار نمودند چادر و حجاب بعضی از آنان از سرهایشان افتاد. و ربطی به من ندارد. من چگونه این کار را بکنم که آنان هموطنم بودند و خواهران دینی ام به حساب می آیند. خشمگینانه گفت:

پلیس را متهم می کنی ... ها... سپس به من گفت نتیجه این حرفها و اتهامات را خواهیم دید.

س- چرا ماشین های دولتی را آتش زدید؟ هدف شما از این کار چه بود؟! پاسخ را صحیح درست و دقیق بده؟ پاسخ دادم اگر میخواهید پاسخ درست و صحیح داشته باشید. من این کار را نکردم. ولی اگر میخواهید پاسخ دروغ و جعلی داشته باشید. من ماشینها را آتش زدم. وقتی این پاسخ را دادم، دیدم جوابهایم را بدخواه خود ثبت می کند و نوشته هایش باگفته های من تفاوت دارد.

فهمیدم که میخواهد مرا متهم کند و آنرا بعنوان اعترافاتم بحساب آورد هنگامیکه اعتراض کردم، نظری بمن انداخت و گفت آیا تو زبان عربی بلد هستی؟ (او در کنارم نشسته بود و از من بازجویی میکرد، لذا شک کرده بود که من آنچه را که نوشته، خوانده ام از این مساله تعجب

کرده بود) به او گفتم عربی بلد نیستم فریاد برآورد و گفت بخدا دروغگو هستی، و سپس به طرح سئوالات بعدی از جمله محل سکونت در تهران. محل تولد در ماهشهر و... پرداخت.

مترجم گفت او در روستاهای اطراف ماهشهر بوده و زبان عربی بلد نیست.

س - شرکت در راهپیمایی برای ایرانیان اجباری یا اختیاری است، پیامدها و مجازات عدم شرکت در راهپیمایی از طرف رژیم ایران چیست؟ پاسخ دادم اختیاری است و دولت ایران هیچکس را مجبور نمیکند، شرکت مردم در راهپیمایی بر مبنای ایمان آنان به بعد سیاسی، شعائر الهی و بویژه مراسم حج است و من چیز دیگری نمیدانم. وی خنده ای سرداد و سپس فریاد کشید که جنایتکار، مجرم، ملعون. مترجم آنچه را که گفته بود ترجمه کرد. سکوت کردم البته من ترس و هراسی از فریادهایش نداشتم. و س مسائل نشریه خبری که به کاروانها توزیع میکردید چه بود و چه مسائلی را آماده چاپ داشتید؟ پاسخ دادم: من بیسوادم و خواندن و نوشتن نمیدانم، لذا نمیدانم که در این نشریه ها چه به نوشته اند.

بازجو گفت بخدا اگر این مرد بیسواد باشد پس من نیز بیسوادم، دروغ می گوید.

س - آیا آموزش نظامی دیده ای. اسلحه ای که با آن آموزش دیدی چه بود؟ پاسخ این بود که پدرم هنگامیکه من در سن ۱۰ سالگی بودم فوت کرد، افراد خانواده ام ۱۱ نفر میباشند، لذا از خدمت نظام وظیفه معاف شدم. چرا که تنها کسی از خانواده ام بودم که مسئولیت سرپرستی خانواده را بر عهده گرفتم، لذا با هیچگونه سلاح آموزش ندیده ام. و س آیا تاکنون به جبهه رفته ای؟ ج - هرگز به علتی که در سؤال فوق به آن اشاره شد... در واقع آنان با این سئوالها میخواستند پی ببرند شخص بازداشت شده به جبهه رفته است، اتهام جدیدی علیه او وارد کننده و آن شرکت در جنگ با عراق بوده و اینکه رژیم بعث کشوری عربی و برادر آنهاست. آنگونه که ادعا می کنند لذا کسی که در جبهه شرکت کرده باشد، بطور غیر مستقیم با آنان در جنگ است.

س آیا به جبهه های جنگ کمک کرده ای؟ چه مقدار از حقوقت در این زمینه توسط دولت کسر میشود؟ پاسخ دادم، جمهوری اسلامی ایران به ما مستضعفان کمکهای مادی و معنوی شایانی کرده

و بجای اینکه چیزی از ما بگیرد به ما کمک می کند. لذا کمکی به جبهه ها نکرده ام! به این سئوالهایی که من از تو کردم و تو نفی کردی... بشرط آنکه ۱۰ تن از شرکت کنندگان در راهپیمایی را نام ببری قبول می کنم... و گرنه مورد شکنجه قرار خواهی گرفت؟ پاسخ دادم: من کسی را نمیشناسم. گفت: ای دروغگو میخواهی نام دوستان شرکت کننده در راهپیمایی را نیاوری. سپس شدت به سرم زد و فریاد بر آورد، بخدا ترا خواهم کشت. ای خائن و سخنان زشتی نثارم کرد.

مترجم بمن گفت: نامهای دروغ به او بده، من سکوت کردم و بعد از آن نیز بازجوئها و وسئالات دیگری از من کردند و من در پایان بازجوئی بجای امضاء انگشت زدم بخاطر اینکه گفته بودم نوشتن و خواندن بلد نیستم.

و پس از پایان یافتن بازجوئی که بیش از سه ساعت به طول انجامید مرا به جای دیگری منتقل کردند تا مجدداً بازجوئی شوم. در بازجوئی بعدی تعداد سئالات ۴۰ مورد بود و پاسخ من هم ۴۰ بار قاطع تر از بازجوئی های قبلی.

من در مدتی که در اسارت ادارات امنیتی آل سعود بودم توانستم چهار روش دستگاه امنیتی آنها را جهت گرفتن اعتراف از زندانیان کشف نمایم:

۱- بازجوئی مستقیم از زندانی ۲- بهره گیری از شکنجه و جنگ روانی ۳- کنترل و مراقبت از زندانی در اتاقی که برای وی و دوستانش اختصاص داده اند.

۴- مجبور کردن زندانی به امضای اعترافنامه هایی که از پیش توسط افسران امنیتی (بازجوها) تهیه شده است.

آنها برای دستیابی به اطلاعات زندانیان از روشهای شیطانی استفاده میکنند. و اما درباره بند اول: دو نوع بازجوئی مستقیم وجود دارد، در نوع اول شخص را به اتاقی معمولی که بازجو در آن نشسته و مترجمی نیز در کنار او است برده و سئوال و جواب می کنند. سئوالهای مطرح شده در این نوع بازجوئی خیلی معمولی است همانگونه که در بازجوئی اولیه بامام صورت گرفت. اطلاعات اولیه درباره فرد بازداشت شده از زندانی اخذ می شود مانند: تاریخ و محل تولد، نام مادر و پدر و شغل و... جهت تکمیل پرونده. اما هیچگونه سئوالی درباره اتهامات وارده به زندانی مطرح نمی شود.

در صورتیکه در نوع دوم بازجوئی، سه بازجو بایک مترجم مراحل بازجوئی را در یک اتاق

مخصوص که دارای دوربینهای مخفی است و من تاکنون آنرا ندیده بودم آغاز می کند. در این نوع بازجویی زندانی را دست بسته در برابر بازجوها می نشانند، البته دستش را پس از نشستن بر صندلی مخصوص باز می کنند و با شروع بازجویی سیل سئوالات که هیچگونه ارتباطی به مساله اصلی ندارد به طرف زندانی سرازیر میشود البته پاسخها در پرونده فرد مزبور ضبط نمیشود. از جمله سئوالات مطرح شده این ها بود:

آیا هر روز اخبار گوش می کنی؟ آیا به اخبار خارجی گوش می دهی؟ ایستگاه های رادیویی که بطور مرتب گوش می کنی کدام است؟ آیا روزنامه و مطبوعاتی می خوانی؟ آیا برنامه های تلویزیون را می بینی؟ آیا صندوق پستی داری، شماره آن چند است و آیا نامه ای از خارج برایت ارسال می گردد؟ آیا مسافرت را دوست داری؟ میل داری به چه کشورهایی سفر کنی؟ چه ورزشهایی را دوست داری؟ و سئوالاتی از این سنخ که بازجو جهت منحرف و مشوش نمودن فکر زندانی مطرح می کند پس از آن سئوالات مخصوص بازجو مطرح می شود.

قبل از مطرح شدن سئوالها بازجو به مدح و ثنای زندانی پرداخته و می گویند: تو انسان خوب و راستگو و صادقی هستی و حرام است که فرد مؤمن دروغ بگوید و اینکه رژیم سعودی خیلی نسبت به حجاج و بویژه ایرانیان و حفاظت از آنان حساسیت دارد و مجدانه جهت آزادی شما کوشش می نماید. اما بشرط اینکه با ما همکاری کنی تا مسبین اصلی فاجعه را شناسائی نمائیم و دیگر سخنان فریبکارانه که فرد را جهت اعتراف و یا دادن اطلاعات بفریبند اما هنگامی که از دستیابی به اطلاعات و... ناامید می شوند شروع به فحاشی و ناسزاگوئی نموده تا بدینوسیله اعصاب زندانی را خرد نمایند. اما این فحاشیها و ناسزاگوئیها ترجمه نمیشود ولی من چون به زبان عربی مسلط بودم بخوبی سخنان بیشرمانه او را می فهمیدم.

اما روش دوم، که افسران بازجو جهت گرفتن اعتراف از زندانی بکار می گیرند، روش شکنجه است.

این روش راههای گوناگون و بیشماری دارد و هر جلادی برای رسیدن بههدفش که همانا گرفتن اعتراف است روش خاصی دارد.

اما تمام این روشها را میتوان در دو روش اصلی خلاصه کرد: ۱- روش شکنجه بدنی ۲- روش شکنجه روانی که بوسیله آن زندانی را از لحاظ روانی تحت فشار قرار میدهند تا اعتراف کند. روش دوم روشی بود که بازجوها برای گرفتن اعتراف از ما اعمال می کردند که در این رابطه به ذکر مثالهایی می پردازیم :

مثال اول : یکبار از مسئول زندانی که در آنجا بودیم درخواست تعدادی قرآن کریم جهت تلاوت آیات الهی نمودیم. وی پس از اینکه واژه قرآن را شنید، بی درنگ گفت: «بله چه میخواهید؟ ما درخواست خود را دوباره تکرار کردیم که وی خنده جنون آمیزی سر داد و با تعجب گفت: ما قرآن نداریم که به شما بدهیم! همه ماتعجب کردیم و گفتیم : قرآن، کتاب خدا، به استهزاء گفت: کتاب خدا را میشناسیم، اما شما مسلمان نیستید که قرآن بخوانید.

یکی از ما پرسید چرا؟ گفت شما ایرانیها کتابی دارید که به آن قرآن (امام خمینی می گوئید سپس افزود: آیا شما ادعا نمیکنید که رهبر شما، پیامبر شماست؟! و آیا شما ادعا نمی کنید که امام خمینی پیامبر شماست و در تظاهرات خود می گوئید: «لا اله الا الله (خمینی) رسول الله»! همگی ساکت ماندیم چرا که بحث با انسان نادانی همچو او سودی نداشت.

وی افزود : (امام خمینی پیامبر شماست و قرآن مخصوص دارد که در عربستان سعودی بک نسخه از آن نیست. و پرسید که آیا دوست دارید (۵) نسخه از آن را برایتان بفرستم؟ (۵ نسخه رابه این دلیل گفت که تعداد ما پنج نفر بود) سپس افزود: که همه ملت سعودی مسلمان هستند و به محمد پیامبر خدا و کتابش قرآن کریم ایمان دارند و خشمگینانه از اتاقمان خارج شد و به اتاق مجاور رفت.

(در اینجا باید اضافه کرد که رژیم آل سعود با صرف هزینه بسیار زیاد و با استفاده از فتاوی کذب آخوندهای درباری دست به تبلیغات گسترده ای زده تا اینگونه وانمود کند که قرآن های موجود در ایران با سایر قرآن ها تفاوت دارد و در آن تحریفاتی صورت گرفته است. آنها هم همچنین سعی دارند در افکار عمومی چنین القا کنند که ایرانی ها اسلام و پیامبر اکرم (ص) را قبول ندارند و...) مثال دوم : در یکی از شبها ساعت سه و نیم نیمه شب زندانبان آمد و نام مرا با فریاد صدا کرد و بگونه ای که ترس و هراس و خوف بر همگی مستولی شد، مرتب تکرار می کرد که یا الله



به زودباش. برخاستم و به سمت او رفتم، زندانبان بیدرنگ به دستم دستبند زد و مرا بدون اینکه اجازه دهد کفشایم را به پا کنم بدنبال خود کشاند وارد اتاق ویژه ای شدیم که با بیش از بیست چراغ پر نور روشن شده بود. در این اتاق دستگاه ها و تجهیزات ویژه و بعضی وسایل شکنجه همچون شلاق، کابل، طناب، میخ و چکش دیده می شد. پس از چند لحظه آن مامور مرا بر صندلی نشانده و خود خارج شد. و سپس یک نفر بازجو وارد اتاق شد و گفت: شب بخیر. من پر ساکت ماندم چرا که خود را ایرانی قلمداد نموده بودم و اینکه عربی بلد نیستم بازجو گفت: تو ایرانی هستی گفتم: ایرانی.

لذا مترجم را صدا کرد. و از او خواست تا از من درباره وضعیتم و اینکه آیا راحت هستم بانه سؤال کند. مترجم این عبارت را ترجمه کرد و من پاسخ کامل دادم، بازجو گفت از وی سؤال کن، آیا احتیاج به چیزی دارد که برایش بیاوریم. فکری کردم و گفتم اجازه دهید به کاروانم نامه ای بنویسم و به آنان بگویم که حالم خوب است و در بازداشت بسر می برم تا آنان هنگام و بازگشت به تهران خانواده ام را از نگرانی خارج سازند.

لبخندی زد و دستی بر سرم کشید و گفت: فرزندم خود را جزو فراموش شدگان بدان و این افکار را که به جمع خانواده ات باز خواهی گشت از سرت بیرون کن. ما از تو انتقام پلیسهای و کشته شده در جمعه گذشته (منظورش جمعه خونین) را خواهیم گرفت و شما اسیر مابشمار می آئید و به عراق تحویلتان خواهیم داد. بازجوبطور مکرر این جملات را بر زبان آورد و میگفت:

شما اسیر ما هستید چرا که در کشور ما با ما جنگیدید. لذا بفکر خانواده ات نباش و حالا برو و براحتی بخواب. وقتی او رفت در خود احساس نگرانی شدید کردم و مدام در فکر تهدیدات این زندانبان مرا بجای قبلی منتقل کرد. در اتاق دوستان با دلهره در انتظار بازگشتم بودند.

هنگامیکه جریان را برایشان تعریف کردم، هول و هراس در سیمای آنها نیز نمایان شد و هر کدام با تلخی گفتند که سرنوشت ما اعدام خواهد بود. لذا از آن لحظه با شنیدن هر صدایی همگی بسوی در می رفتیم. تا بدانیم در مورد ما چه تصمیمی خواهند گرفت.

هم پس از سه شب همان جریان در مورد دیگر برادران زندانی تکرار شد، و ما فهمیدیم که آنها هدفی جز جنگ روانی ندارند. لذا بخداوند پناه بردیم و در انتظار فرج و نجات ماندیم.

اما در رابطه بابت سوم، آنها به عمد ما را به جاهای مخصوص از جمله کاخهای بزرگ که دارای

امکانات و لوازم بسیار لوکس بود می بردند بطوریکه در عرض ۲۰ روز بازداشت ما را به هفت جا منتقل کردند. هر جا که ما را منتقل می کردند از جای قبلی شیک تر بود. اتاقها با قالیها و موکتهای گران قیمت فرش شده بود، و هر کدام دارای چند تخت خواب تمیز و راحت بود، این موضوع برای ما معمائی شده بود تا آخرین لحظه آنرا کشف نکردیم. در یکی از این اماکن که به گفته سعودیها در پشت «جبل الثور» در راه قدیم عرفات قرار داشت تصادفاً یک دوربین کوچک، په بشکل بلور را که در دیوار اتاق جاسازی شده بود کشف نمودیم و فهمیدیم توسط این عدسیها بطور دایم از بازداشت شدگان فیلم برداری میشود و هر گونه فعالیت زندانیان تحت نظر است. با این موضوع هنگامی کشف شد که یکی از برادران حوله خود را بدون اینکه از وجود دوربین آگاه باشد بر روی آن قرار داد. او فکر کرده بود که این برآمدگی جهت آویزان نمودن لباس و حوله است. اما پس از چند لحظه شخصی وارد اتاق شد و پرسید: چه کسی حوله را بر روی این بود اشاره به برآمدگی روی دیوار) قرار داده است؟ آن برادر بلند شد و گفت من . مرد عرب فریاد " برآورد و گفت کسی حق ندارد چیزی در این اتاق آویزان کند. سپس ما را از آن اتاق خارج و به جای دیگر منتقل کردند. در آنجا با برادران دیگری برخورد نمودم که یکی از آنان می گفت در هر دستشویی یک برآمدگی بر دیوار بوده که وقتی به آن دست زدم بیدرنگ یکی از افراد با اینکه درب دستشویی از داخل بسته بود، درب را باز و با فریاد مرا از این کار منع کرد و تهدید نمود در صورت تکرار مجازات های سختی اعمال خواهد شد.

پس از این ماجرا آگاه شدیم که ما را توسط دوربینهای مخفی جاسازی شده در دیوارها کنترل به می کنند و فعالیتهای زندانیان را تحت نظر دارند آنها وقتی فهمیدند که ما از این موارد اطلاع پیدا کرده ایم و مراقب هستیم تا کوچکترین اطلاعاتی به آنها ندهیم ما را به اداره مرکزی سازمان امنیت وابسته به شهر مکه مکرمه منتقل ساختند.

اما درباره مجبور نمودن زندانی به امضای اظهارات از قبل آماده شده . در این قسمت و روش کار آنها این بود که بازجو در پرونده هر کدام از ما اظهاراتی را که دلش میخواست می نوشت. این مساله در بازجویی سوم ما مشخص شد. مرا به اتاق بازجویی بردند و در بازجو در دو طرف من نشستند و شروع به پرسش کردند اما متاسفانه آنها پاسخهای مرا آنطور که می خواستند در پرونده می نوشتند و آنرا بعنوان اعتراف رسمی من قلمداد می نمودند.

پس از خاتمه بازجویی ، بمن دستور دادند که با انگشت پاسخهای خود را امضاء کنم (چرا که من اظهار کرده بودم که بیسوادم و خواندن و نوشتن بلد نیستم من قبول نکردم و از آنها

خواستیم که آنچه را که نوشته اند برایم بخوانند. اما آنها تهدید کرده و گفتند بهتر است که و امضاء کنی و گرنه ترا به جای دیگری منتقل خواهیم کرد. بطور خلاصه می توان از مجبور نمودن زندانیان به امضاء کردن این اعترافات موارد زیر را نتیجه گرفت:

۱- اظهار حسن نیت (قلابی خود)، و آزادی زندانیان علیرغم اعترافات نوشته شده و اینکه و سردمداران آل سعود حجاج ایرانی را خواهند بخشید! ۲- حفظ اسناد و مدارک ثبت شده ای که در آن ما حادثه مکه را محکوم نموده ایم و قبول این مساله که تقصیرها از ما بوده است.

۳- مطالب دروغین را بنام ماطرح و اتهاماتی بر ما چسبانده که بعدا بتوانند هر گونه تصمیمی را که بخواهند بگیرند.

۴- آنها می خواستند به محافل بین المللی بگویند که این اعترافات قلابی نشانگر و هوشیاری و دقت عمل عناصر امنیتی و اطلاعاتی سعودی در رودروئی با هر حادثه غیر منتظره در داخل کشور است. در صورتیکه حقیقت جز این است و آنان عاجزتر از این هستند که حتی و اطلاعات ساده را از زندانیان بگیرند.

۵- فریب ملت مسلمان حجاز مبنی بر این که رژیم سعودی در حادثه درگیر نشده است و انداختن تمامی پیامدها به گردن ایرانیان، چرا که خود ایرانیان زندانی اعتراف نمودند که عملیات تخریبی و درگیری را شروع کرده اند.

در اینجا نکته ای را باید یادآور شوم و آن اینکه در زندانها از ما عکس برداری و فیلم برداری می شد. هر زندانی را مجبور میکردند که نام و نام خانوادگی و سال تولد و محل تولد و آدرس محل کار و سکونت و نام سرشناس محله و سئوالاتی شبیه آن را جواب گوید تا در آینده بتوانند آنرا دستکاری کرده و در تلویزیون و محافل دیگر نمایش گذارند. و یا آنرا بعنوان مدرکی برای د هر مساله غیر منتظره آماده داشته باشند.

از آنچه که مطرح کردیم نادانی و حمایت خاندان آل سعود که بر حرمین شریفین تسلط دارند نمایان میشود.

روشهای تروریستی و وحشیانه ای که رژیم آل سعود نسبت به حجاج زندانی اعمال می کرد هیچ جای شک و شبهه باقی نمیگذارد که این رژیم مزدور لیاقت اداره خانه خدا و بارگاه پیامبر اکرم را ندارد. لذا از تمام مسلمانان می خواهیم که مسئولیت شرعی و تاریخی

خود را جهت قطع این شجره خبیثه بکار گیرند.

## حج مادریک شهید

حسام الدین معمار - زندانی روزنامه کیهان چهارشنبه ۱۱ شهریور ۱۳۶۶ حج مادر یک شهید همانگونه که نماینده حضرت امام در مصاحبه های مکرر خود اعلام کردند با توافق کامل وزارت حج و اوقاف سعودی مقرر گردید که راهپیمائی برائت از مشرکین از مقابل بعثه حضرت به امام شروع و پس از عبور از خیابانهای مسجدالحرام، تظاهرکنندگان طوری حرکت کنند که در موقع اقامه نماز مغرب در مسجدالحرام به صفوف نمازگزاران بپیوندند. در گوشه و کنار مکه دعوت عام از مسلمانان جهان جهت شرکت در راهپیمائی عظیم همه ساله برائت از مشرکین به په چشم میخورد. همانگونه که پیش بینی هم میشد دهها هزار نفر از مسلمانان ایرانی و سایر کشورهای جهان در موعد مقرر (عصر جمعه) در محل مزبور تجمع کرده بودند و سخنرانی پرشور حجت الاسلام کربوبی در دفاع از حقوق مسلمین و تجاوزات ابرقدرتها و دفاع از تضييع شد حق پایمال شده مستضعفین توسط آمریکای جنایتکار باعث شد که همه محرومین و مسلمانان و ستم کشیده که گوش به سخنرانی ایشان میدادند به وجد و شوق آیند که انقلاب اسلامی ایران به حق حامی محرومین جهان است سپس ترجمه سخنرانی ایشان توسط یکی از برادران به زبان ان عربی پخش شد و پس از اتمام راهپیمائی عظیم حجاج با آتش زدن پرچم شیطان بزرگ شروع گردید، در همین جا لازم است این نکته را متذکر شوم که وقتی پرچم آمریکا در حال سوختن بود فریاد «الله اکبر»، «الموت لامریکا» فضای شهر مکه را عطر آگین کرد.

پس از طی حدود ۲ کیلومتر، ناگهان از بالای ساختمان پارکینگ چند طبقه خیابان مسجدالحرام سنگ - ریگ - سطل پر از شن - شیشه و سنگ ساختمانی بر سر حجاج فرو ریخت، ناگهان همه حجاج متوجه بالای این ساختمان شدند که حدود ۵۰ نفر از عوامل اطلاعاتی عمال سفاک سعودی با وقاحت تمام و گستاخی شرم آوری، پشت به کعبه، قصد

هر کشتن مسلمانان را کرده بودند که چرا مسلمانان با هم یکی شده اند و بر سر آمریکا فریاد میزنند.

حدود ۲۰ دقیقه این عمل شنیع ادامه داشت که بلافاصله حجاج زیر آن ساختمان را تخلیه کرده و دیگر پرتاب سنگ آنها موثر نبود. باور کنید همین مدتی که پرتاب سنگ ادامه داشت بیش از صدها نفر مجروح و معلول که از سر و چشم و صورت و شانه هایشان خون سرازیر بود من شاهد آن بودم، بالاخره حجاج اطراف این ساختمان را تخلیه کردند که ناگهان شرطه های اولاد بر ندارند. مرد به روی زانو نشسته و شروع به تیراندازی نمودند و از این طرف هم باباطوم به سوی هم مجروحین حمله ور شدند که تعدادی از برادران را هم زخمی و مجروح کردند.

بعضی از برادران مجروح که پا نداشتند و پاهایشان قبلا- توسط نوکر دیگر آمریکای جنایتکار صدام لعین قطع شده بود، از روی صندلی چرخدار بر زمین افتادند، خدا میداند چه منظره رقت انگیزی بود، مجروحین روی آسفالت گرم به خود می پیچیدند و چرخهای بدون سرنشین در خیابانها سرگردان بودند. صدای الله اکبر و فریاد استغاثه حجاج علی الخصوص و خواهران همه جا را فرا گرفته بود. یکی از مجروحین را دیدم که پای مصنوعی او جدا شده بود و برای اینکه جان خود را نجات دهد روی دستهای خود کشان کشان به کنار خیابان در حرکت بود که ناگهان یکی از این حرامزاده های سعودی چنان باطومی بر سر او کوبید که در دم از حال رفت. | و در همین حال که ما شاهد این اوضاع بودیم، ناگهان ماشین آب جوش به سوی ثم تظاهرکنندگان با فشار زیاد شروع به پاشیدن آب کرد. خدا میداند وقتی آب با آن همه فشار بر سروروی من می ریخت، مثل سوزن داغ در پوست اثر میکرد. به اندازه ای فشار آب و گرمی آن زیاد بود که کمتر از آن سنگها نبود. با این عمل ننگ آور هم به اصطلاح خود گروه دیگری از حجاج را سرکوب کردند. حدود یک ساعت و نیم بود که از درگیری مامورین سعودی با زائران بیت الحرام گذشته بود که بیش از ۲۰۰ نفر از زوار را با تیر و سنگ و با باطوم به شهادت رسانیده بودند.

چه منظره عجیبی بود، جنازه ها وسط خیابان افتاده بود، دمپائی ها، لباسها، چادرها، پلاکاردها، چوب، سنگ همه در وسط خیابان با هم مخلوط شده بود، وجب به وجب خون مسلمانان بر آسفالت گرم خیابان ریخته بود. اکثر لباسهای حجاج خون آلود بود، سیمای مردم از فرط فشار و ترس و وحشت از جنایات نوکران حلقه بگوش آمریکا برافروخته، بهت زده و وحشت زده بود، یکی از برادران میگفت من خودم دیدم با ماشین از روی جنازهها حرکت میکردند و حتی یکی از برادران میگفت یکی از شرطه ها چند جنازه که روی زمین افتاده بود و

میخواست قساوت قلب خود را امتحان کند، بر روی آنها رگبار گلوله بست، مثل اینکه از جسد شهدا هم وحشت داشت! پاسی از شب گذشته بود، گروهی به ساختمانهای اطراف پناهنده شده بودند، هزاران نفر زخمی شده و صدها نفر شهید شده بودند. آذیر آمبولانس قطع نمیشد، صدها آمبولانس را بسیج کرده بودند تا جنایات آل سعود را سرپوش بگذارند و در تخلیه مجروحین و شهدا با سرعت کار میکردند من چندین آمبولانس را دیدم که هر کدام بیش از ده شهید و مجروح را حمل به میکرد. بعضی از مجروحین را دیدم که از سر و صورت آنها خون سرازیر شده بود و بر سقف آمبولانس سوار شده بودند تا به درمانگاه یا بیمارستانی حمل شوند. خلاصه چندین هزار نفر باقی مانده را هم تا جلو بعثه حضرت امام عقب راندند و محاصره را تنگ کردند. ساعت حدود .

۱۰/۵ شب بود که سه طرف شرطه ها ایستاده بودند که بالاخره پس از مدتی طرف میدان ، شیشه را خالی کردند و مابقی هم از آن طرف رفتند.

اوج جنایت خیلی است، شش ساعت جنایت، پرتاب گاز اشک آور پرتاب گاز خفه کننده به اینها هم بنوبه خود جای بسیار دارد که صحبت شود و چگونگی حمل بیش از ۴۰۰۰ مجروح که باور کنید کیسه شنی را هم اگر میخواستند وارد کامیون کنند اینگونه عمل نمیکردند. طوری با پیکرهای غرقه به خون میهمانان حرم امن الهی رفتار میکردند که اگر کسی هم نیمه جانی داشت .

او را در این برخورد آخر شهید کردند.

این مهم است که در حجاج روح همکاری، دوستی ، برادری به اوج اعلای خود رسیده بود و همه خود را اعضای یک پیکر میدانستند.

یکی از خاطرات که مرا خیلی تحت تاثیر قرار داد مشاهده این منظره بود که یکی از برادران را دیدم که خواهری را از معرکه دور میکرد، نزدیک من که رسید گفت برادر کمی کمک کن این خواهر از حال رفته و بیهوش شده تا ایشان را به درمانگاه برسانیم، این خواهر که از فشار و هجوم ستمگران به صفوف حجاج و فشردهگی تظاهر کنندگان لباسهای پاره شده بود فوراً کمی لباس بر او پوشانیدیم. سپس در حالیکه میخواستیم او را ببریم کمی چشمهایش را باز کرد. من خیلی و خوشحال شدم گفتم بگویا خدا، یا رسول خدا، راحت باش، دیگر شرطه نیست ما هم ایرانی هستیم سعی کن روی پای خودت بایستی او ناگهان بطور معجزه آسائی چشم خود را باز کردو نگاهی به آسمان کرد، سیمایش سرخ و بر افروخته بود، ناگهان با صدای بلند شروع به گریه کرد، چند دقیقه طوری گریه کرد که تمام صورتش را اشک فرا گرفت. یکی از برادران سعی

میکرد از گریه ایشان جلوگیری کند، من گفتم بگذار گریه کند پس از چند لحظه در حالی که و گریان بود لب باز کرد و چنین گفت، من دو فرزندم را بخاطر حفظ اسلام و ناموسم به جبهه م و فرستادم و شهید شدند. ای خدای کعبه آیا چگونه راضی شدی اینگونه ما را بی حیثیت کنی! و من به نیابت پسر شهیدم به مکه آمدم. ای خدا تقاص این جنایت سعود را بگیر! مگر من چه و گفته ام که این بلا را بر سر من آوردند! نعره این خواهر را با کمک یکی از برادران به یکی از کاروانهای ایرانی بردیم تا پس از استراحت او را به کاروان خودش منتقل کنند.

### حریم خونین حرم - علی اصغر نادری

در این میان فعالیت ستاد گم شدگان واقعاً قابل تقدیر است که شبانه روز در رسانیدن گم شدگان فعالیت میکرد.

مشاهدات عینی نماینده روزنامه جمهوری اسلامی در شیراز روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۶۶ حریم خونین حرم واجعل لی یدا علی من ظلمنی ولسانا علی من خاصمنی و هر کس در حقم ظلم و ستم کرد مرا بر او دست قدرت و نیروی انتقام عطا فرما و زبان مرا با خصم گویا گردان» آنروز مکه حال و هوای دیگر داشت، پیروان پیامبر به تبعیت از مولای خویش و امیر المومنین (ع) آماده میشدند تا فریاد برائت خویش را در مکه سر داده و به این سخن رهبر و به مراد خویش که فرمودند ... اعلان برائت از مشرکان از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج است» تحقق بخشند و مراسم راهپیمائی را هر چه باشکوهتر از سال قبل برگزار نمایند. راستی چه شیرین و لذت بخش است زمانی که انسان با الهام از عقیده هماهنگ با فطرت خویش، آهنگ علی (ع) را در راستای معتقدات خود داشته باشد و لذت بخش تر آنکه مسئولیت ابلاغ این پیام را بعهده بگیرد.

حجاج ایرانی از چنین روحیه ای برخوردار بودند .

شعارها، عکسها، ماکتها، پلاکاردها، بیرقها، پرچم ها، دست بدست میگشت و برای ۴ حمل این ارزشهای متعالی اسلام که ثمره شجره طیبه انقلاب اسلامی و حاصل خون هزاران شهید و مجروح در کوچه و خیابانهای شهرهای ایران بود، هر کس

روزهای داغ پر تب و تاب انقلاب را تداعی میکرد. جمعیت در اطراف بعثه امام هر لحظه افزوده میشد.

نماینده امام حجت الاسلام کروی به سخنرانی پرداخت در حین سخنرانی خطاب به با آمریکای جنایتکار فرمود «به یاری خداوند دندانهای آمریکا را در درون دهانش خواهیم ریخت مخه چنانچه آمریکائیهها به خلیج فارس وارد شوند و در آن یک گلوله شلیک کنند، خلیج فارس و گورستان آنها خواهد شد» نماینده امام سپس گفت: «چه ننگی! چگونه به پرچم آمریکا اجازه میدهند که روی نفتکش های مسلمین افراشته شود. سپس سؤال فرمود، «لاتتخذوا عدوی و با عدو کم اولیاء» «دشمنان مرا و خود را بدوستی نگیرید کجا رفت؟» سخنان کوبنده ایشان بزبان و عربی ترجمه شد. این عبارات هر کدام پتکی سنگین بود بر مغزهای علیل آل سعود نوکران جیره خوار استعمار آمریکا، کسانیکه واشنگتن را قبله آمال خویش برگزیده اند.

حدود ۲۰۰ هزار نفر انسان مسلم، مومن و معتقد در خیابان مسجدالحرام چون موجی به خروش در آمدند. و شعارهای کوبنده برائت از مشرکین و ظالمین و دشمنان اسلام و قرآن و در راس آنها آمریکا و شوروی و اسرائیل را سر میدادند. فریادها آنچنان رسا و رساتر میشد که سوزندگی آن فضای گرم و طاقت فرسای حجاز را در هم می شکافت و در کاخ ظلم و جور و حکام سعودی طنین می افکند و آرامش را از عیاشان کاخ نشین حاکم بر حجاز می ربود.

راهپیمائی از نظم و ویژه ای برخوردار بود و دست اندرکاران راهپیمائی با درایت و مدیریت خوبی مراسم را مد نظر داشتند. انتظامات، صفوف راهپیمائی را منظم میکرد و سامان میداد، این همه نظم و ترتیب و آرامش در راهپیمائی نشانه رشد اخلاقی، سیاسی و اجتماعی تظاهر کنندگان بود که دیدن این رشد سیاسی از یک ملت قهرمان و مسلمان قابل تحمل نی دشمنان اسلام نبود. حضور گسترده حجاج کشورهای دیگر از جمله پاکستان، هند، بنگلادش، ترکیه، افغانستان، لبنان و تعدادی از کشورهای خلیج فارس، آفریقا، اروپا به هم راهپیمائی جلوه خاص داده بود. حضور این مسلمانان در یک صف واحد لرزه بر اندام به ابرقدرتها می انداخت و مقدمه انسجام بیش از یک میلیارد مسلمان جهان و مرگ سلاطین و مستبد و کاخ نشینان جهانخوار را نوید میداد، و مجد و عظمت اسلام را پس از یک دوره رکود در هم پهنه جهان به عرصه ظهور می گذاشت که قلم از توصیف آن عاجز است، لحظه به لحظه این ج راهپیمائی و سخنان کوبنده امام که منشور بین الملل اسلام است تحقق می یافت. این راهپیمائی نمونه ای از ذلت و خواری ابرقدرتها در برابر ایمان راسخ و عزم استوار مسلمانان بود و



ماکت بزرگی از مسجدالاقصی که سمبل مبارزه مسلمانان مومن واقعی با رژیم اشغالگر قدس بود به راهپیمائی زینت خاصی میداد و به مردم مسلمان و آواره فلسطین امید پیروزی، وهاله ای از ناامیدی را بر چهره دلالان سیاسی که بنام مردم فلسطین، فلسطین را به ابرقدرتها می فروشد سایه می افکند. حضور دهها نفر از معلولین جنگ تحمیلی و حجاب کوبنده زنان به و حضور صدها روحانی از کشورهای مختلف همه و همه به شکوه این راهپیمائی می افزود، طول راهپیمائی حدود ۵ کیلومتر بود، پلیس عربستان و افراد گارد و نیروهای فوق العاده، مرکب بو از کماندوهای ورزیده با سلاح و کامیونهایشان در خیابان های منتهی به حرم مستقر شده بودند، عده زیادی نیز در پشت بام ساختمانهای اطراف دیده میشدند.

برادری به بالای ساختمان رفت (ساختمان متعلق پست و تلگراف عربستان) و پرچم آمریکا و را به آتش کشید بر شدت شعارها افزوده شد، وقتی راهپیمایان به پل «الحجون» نزدیک ۲ کیلومتری حرم رسیدند و هنوز حد مشخص شده در توافق نماینده امام و وزارت کشور عربستان و به پایان نرسیده بود که بهانه گیریهای پلیس سعودی شروع شد، ابتدا با گذاردن میله های آهنی از حرکت معلولین که در جلو جمعیت بودند ممانعت بعمل آوردند، آنگاه مامورین عربستان با + لباسهای مبدل از بالای ساختمانهای اطراف خیابان سنگ و چوب، آهن و سطلهای پر از شن، تکه های بلوک و آجر پاره بر روی راهپیمایان پرتاب کردند و همزمان با این حرکت نیروهای دیگری با باطومهای بلند به تظاهر کنندگان یورش آوردند. اما این تضيیقات نتوانست از موج بنیان کن راهپیمایان جلوگیری بعمل آورد.

ناگهان من دیدم ماشین های آب پاش و متعاقب آن گازهای خفه کننده به میدان آمدند، جمعیت را به عقب راندند، فشرده گی بیش از حد جمعیت و تلاش برای رهایی از این مهلکه خطرناک و گرمای طاقت فرسا موجب آن گردید تا زنان و پیرمردان و معلولین نتوانند جان سالم بدر برند، اما به نظر من این اقدامها نتوانست بطور کامل راهپیمائی را متوقف کند.

اما ناگهان سربازان مزدور رژیم آل سعود فرمان آتش دریافت کردند و صفوف راهپیمایان را به گلوله بستند، صدای گلوله از هر گوشه بگوش میر سید جمعیت فشرده میشد من در یک لحظه و خود را زیر پای جمعیت احساس کردم، تلاش نمودم بیرون بیایم، خواهری پایم را چسبیده بود و مرتب فریاد یا زهرا سر میداد و می گفت برادر کمک کن! هرچه فعالیت کردم نتوانستم کمکش کنم اشک از دیدگانم جاری شده بود، گفتم خواهر یا زهرا را ادامه بده که از تبار

زهرائی ، اینها سعودیها از تبار همان ابوسفیانها و ابولهب ها و ابوجهل ها هستند، خواهرم یا زهرا بگو مادر عمار را بیاد آور که چگونه شکنجه های اجداد این قداره بندان تاریخ را تحمل پیدا کرد، خواهرم اگر زنده ماندم فریاد مظلومیت تورا تا آنجا که در توان دارم بگوش خواهران و برادران تو میرسانم.

در خیابان به میدان جنگ مبدل شده بود، جنگی نابرابر در محل امن الهی ، جمعیت چون موجی فشرده و بی اراده به این سو و آن سو کشیده میشد، سربازان سعی داشتند جمعیت را در همین حالت به محاصره در آورند، نامردها از فاصله نزدیک گلوله های پلاستیکی که کشنده است و گلوله های خفیف و مسلسل بکار میبردند سر و صورت و سینه تظاهر کنندگان را به نیت کشت هدف قرار میدادند، آمبولانسهایی که برای حمل مجروحین به صحنه می آمدند مورد بر حمله این ددمنش ها قرار میگرفت، آمبولانسی که از ستاد پزشکی کشورمان در حجاز که توسط یکی از برادرانمان به داخل جمعیت هدایت میشد، مورد حمله قرار گرفت که راننده آن به شهادت رسید و آمبولانس نیز خرد گردید، آمبولانس های سعودی می آمدند و آژیر و می کشیدند جولان میدادند. اما مجرووحی را منتقل نمیکردند.

هلی کوپترهای سعودی از همان آغاز راهپیمایی بر فراز سرما در پرواز بود و عملیات را رهبری میکرد. تمام راههای اصلی و فرعی منتهی به محل راهپیمایی بسته بود، مادری را یافتیم که به کوچه ای باز میشد و آن کوچه به خیابان اصلی راه داشت، داخل کوچه شدیم و به سمت خیابان فرار کردیم ناگهان نزدیک خیابان حدود ۳۰ نفر از شرطه ها را دیدیم که راه را بسته اند و با باطومهای برقی آماده سرکوب ما هستند، تصمیم گرفتیم به عقب برگردیم که از پشت با انواع سلاحها به ما حمله ور شدند، یکی از آنان آب پاش فشار قوی در دست داشت و شلنگ آنرا بطرف من نشانه رفت و با صدای بلند گفت «رو» و متعاقب آن بقیه با باطوم ما را به دنبال کردند که مجبور شدیم از میان همان ۳۰ پلیس عبور کنیم، محاصره تنگ تر میشد. یکی از برادران دست چپش مورد اصابت یک گلوله قرار گرفت و خون از دستش جاری شد پلیس به من حمله کرد و با باطوم بر سرم کوفت که سرم شکافت و خون جاری شد، دستم را روی سرم گذاشتم روی زخمی که خون از آن جاری بود که با باطوم دیگری دستم نیز شکست. خیابانها مملو از پلیس بود، گوئی درجنگی تمام عیار بودند، حالت ضعف بما دست داده بود، صدای آمبولانس به گوشمان رسید، خودمان را به خیابان کشانیدیم، تعداد زخمی ها زیاد بود و ما خودمان را به آمبولانس رساندیم و پس از نیم ساعت که در راه بودیم ما را به بیمارستان نظامی

## حماقت های تبلیغاتی آل سعود – مصطفی رجائی

دو روز در بیمارستان بودیم، مرتب در صدد اذیت و آزار روحی ما بودند، تمام خدمه های بیمارستان افرادی غیر عرب بودند و امکانات و تجهیزات بیمارستان را به رخ ما پر می کشیدند، چند بار تصمیم به فرار گرفتیم که پس از بررسی مشخص شد بیمارستان در .

محاصره است، از فرار خودداری نمودیم تا پس از ده روز بدون راهنمایی و دست خالی که حتی یک ریال نیز همراه نداشتیم ما را در بیرون بیمارستان رها کردند.

الحمد لله الذی نجانا من القوم الظالمین العاقبه للمتقین حاج علی اصغر نادری خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی روزنامه جمهوری اسلامی سه شنبه ۲۴ شهریور ۱۳۶۶ حماقت های تبلیغاتی آل سعود دیدی که حرمت حرم کبریا شکست؟ قلب رسول خاتم و نور هدی شکست! کشتند زائران حرم در حریم امن آئین ذبح حج خدا در منی شکست یک هفته قبل از فاجعه خونین مکه در روزنامه عکاظ این مطالب توجه مرا جلب کرد... (مابا کسانیکه خدمات الحرمین را نفی می کند و امنیت شهرهای ما را بهم میزنند بشدت مقابله خواهیم کرد... دین در خدمت سیاست خیر! ولی سیاست در خدمت دین آری...) همان حرف معاویه که از شرارت های خود برای دوام حکومت خود استفاده میکرد و باز جمله دیگری به این مضمون (... اینها زائران ایرانی قبلا مزد خود را دریافت کرده اند...) در همان روزها با مسلمانان نیجریه، فیلیپین و سایر کشورها در مسجد النبی که صحبت میکردم بعضی از آنها صحبت هائی میکردند که حاکی از توطئه کشتار زائران بود. یکی از جوانان نیجریه میگفت: «دولت عربستان تبلیغ می کند که ایرانیها هر سال که به مکه می آیند جنگ بپا می کنند...» درست ۲ ساعت قبل از راهپیمائی براءت در مکه عبور کامیونهای پر از پلیس توجه مرا بخود ،

جلب کرد. آنها مجهز به تجهیزات انفرادی و کلاه کاسکت بودند وقتی به کاروانمان که کاروان بعثه امام بود برگشتم و موضوع را به یکی از برادران گفتم، اوباخونسردی جواب داد هر سال چنین برنامه هایی دارند، چیز مهمی نیست! دریک دبیرستان در نزدیکی میدان معاهده» تجمع پلیس مزدور حجاز وضعیت دیگری را غیر از وضعیت پارسال نشان میداد.

راهپیمائی از روبروی بعثه امام شروع شد پس از استماع سخنرانی آیت الله کروبى جمعیت به طرف مسجد الحرام به حرکت در آمد. سرکوجه ها بطور مخصوصی با کامیونهای نظامی بسته شده بود و عده ای جوان حجازی را میدیدم که می خواستند زمینه درگیری را بوجود بیاورند، آنها بطور مسخره آمیزی زائران ایرانی را بهم نشان میدادند و می خندیدند. برادران پاکستانی ، بنگلادشی ، نیجریه ای و مسلمانان سایر کشورها هم در این راهپیمائی شرکت کرده بودند. از قیافه پلیس آل سعود معلوم بود که افرادی را زیر نظر دارد و شناسائی می کند و در این بین ماموران امنیتی حجاز دیده می شدند که با آن چفیه های قرمز که بر سرشان کشیده اند برای به جمع آوری اعلامیه آمده بودند و آنها را از دست مسلمانان می گرفتند شاید انسان در آن موقع بیاد شمر و یزید و سایر خونخواران تاریخ می افتاد.

پرچم نحس آمریکا در روی پل حجون به آتش کشیده شد و باعث سرور و خوشحالی زائران ایرانی گردید. چهره مخوف مزدوران آل سعود را میدیدم که انگار پدرشان را کشته اند و یا به پدرشان حرف زشت زده اند انگار که صد سال است آمریکا برای آنها پدری مهربان بوده است .

در حالیکه جمعیت فریاد الموت لامریکا، الموت لاسرائیل را سر داده بودند بطرف هر مسجد الحرام در حرکت بودند من هم بخاطر اینکه به نماز جماعت برسم به همراهی چند تن که از برادران کاروان خودمان بر سرعت خودمان افزودیم. درست در جلو کاروان یک نفر از اهالی شهر کرد عکسی از امام خمینی در دست داشت که ماموران سر او را مجروح کردند و از حرکت کاروان جلوگیری کردند و سپس شروع به مجروح ساختن جمعیت نمودند.

چند نفر بچه ۱۵-۱۶ ساله بر سر زوار ایرانی سنگ پرتاب کردند که بعد از آن از یک ساختمان ۶ طبقه مزدوران پلیس آل سعود شروع به پرتاب سنگ به روی آنها کردند. سپس پر جمعیت بقدری بود که نمی شد خود را روی پا نگه داشت و دو-سه بار نزدیک بود بزمین بیفتم که مقاومت کرده و خود را روی پا نگه داشتم، در نزدیکی خودم یکی از برادران جانباز (عباس ایزدی را دیدم که روی زمین افتاده و قادر به ایستادن نیست. افسوس که نتوانستم برای او کاری و انجام بدهم چونکه سیل جمعیت مرا نیز به سوئی برد.

و در کنار خود زنانی را دیدم که گریه میکردند یا زهرا، یا حسین، یا امام زمان می گفتند و و بطور دلخراشی زیر دست و پاله می شدند. درست یادم نیست اما احتمالاً مدت نیم ساعت و فشار جمعیت را تحمل کردیم که تیراندازی مزدوران شروع شد اول فکر کردم هوائی است اما بعداً متوجه شدم که خیر! تیراندازی بطرف مردم بی دفاع است. از یک سوگاز خفه کننده و از سوی دیگر تیراندازی و از بالا نیز سیل بلوک و سنگ های بزرگ و سطل آتش نشانی، کولر، به زباله، تیر آهن و هر چه در دسترسشان بود از بالای آن ساختمان ۶ طبقه بر سر جمعیت پرتاب میکردند.

بالاخره پس از مدتی راهی باز شد و توانستیم خود را از معرکه به کناری کشیده و جان سالم د بدر برم، اما هرگز قیافه آن پیرزنی که چادر نمازی بسر داشت و جنازه اش بر روی خیابان افتاده بود از خاطر من نبرد. چهره آن برادران جانبازی که مظلومانه مضروب می شدند من اول تصمیم گرفتم به داخل یک هتل بروم اما یکدفعه بخاطر من رسید که ممکن است مزدوران ما را غافلگیر کنند ناچار گفتم از کنار پیاده رو میروم باداباد و توانستم جان سالم بدر برم.

مجروحین و جانبازها به اولین کاروان ایرانی ها انتقال داده شدند. روز بعد متوجه مجروحینی شدم که از علما بودند و آقای سبحانی را دیدم که بطور دلخراشی مضروب شده بود تمام پشت او از ضربه جور ستمکاران سیاه شده بود. رو به ایشان کردم و گفتم استاد اگر شما را شناخته بودند دخلت را می آوردند، و یکی از برادران گفت استاد! مزد نوشتن کتاب و آئین وهابیت را در این دنیا دریافت کردی! و او خیلی موقر جواب داد جلد دوم را نیز نوشته ام! از مجروحین دیگر میتوان از دکتر زندیه استاد دانشگاه نام برد که بطور خیلی بدی مجروح شده بود و میگفت خونهای لباسم را نمی شویم و میخواهم گواهی باشد برای کسانی که نمی خواهند حرف ما را باور کنند.

در منی بود که روزنامه عکاظ بدستمان رسید با عنوان: (... توطئه حمله به مسجدالحرام خنثی شد!...) (اینها موتور آتش میزنند و اسمش را می گذارند حج) درست در شب ماجرا امام جماعت مزدور مسجدالحرام سوره فیل را خوانده بود و اکنون در روزنامه هاما بعنوان اصحاب فیل و ابرهه معرفی شده بودیم، روزنامه را به آقای سبحانی دادم و گفتم استاد آنها اصحاب فیل بودند که با تانک آمده بودند یا ما؟ بی انصاف مانمی دانستند که ابابیل سنگهای کوچک را بر روی سر اصحاب فیل ریختند و این مزدوران بلوک و سطل های سنگین و خودشان را ابابیل می دانستند و ماموران خدا که برای نجات کعبه آمده بودند.

در گوشه دیگر روزنامه عکس امام عزیز را چاپ کرده بودند و با کمال وقاحت نوشته بودند خدا به پیامبرش دستور داد که بت ها را از مسجد الحرام بیرون ببرد و اینها در برابر کعبه بت بزرگ بیا می کنند... زهی خیال باطل و حماقت اینها که واقعا از حماقت دست همه احمق های دنیا را بسته اند.

### حمایت آل سعود از مجاهدین ... - هاشمی لولنجی

از منی که برگشتم آنها را می دیدم که با کمال بی شرمی ما را مسخره می کنند. روبروی بعثه چند بچه را دیدم که سخت متأثر شده بودند به آنها گفتم مرگ بر ملک فهد که زائران ایرانی را کشتند! اشک در چشموهای آنها حلقه زد و گفتند ما اهل یمن و مقیم اینجا هستیم.

در آخرین شب و در ساعت پرواز متوجه شدم که قرآن چاپ فهد به زائران داده نشده است .

از یکی از برادران درباره این موضوع سؤال کردم گفت به یک نفر از برادران که قرآن هدیه داده شده بود آنرا پس داده بود. مزدور آل سعود گفته بود هذا قرآن کریم و او در جواب گفته بود بل انت الخیث؟ مصطفی رجائی - نجف آباد - روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه اول آذر ۱۳۶۶ حمایت آل سعود از مجاهدین افغانی یک ادعای کذب است امسال با بیش از هزار نفر مهاجر و مجاهد افغانی وارد جده شدیم . برای پلیس سعودی خوش آیند نبود که افغانی ها با لباس محلی خود از طریق جمهوری اسلامی ایران وارد ن عربستان شوند و به همین خاطر با ما به خشونت رفتار کرده و زائران را ساعت ها برای بازرسی طول می کردند.

باید به این موضوع اشاره کرد که در مسایل مکه کوچکترین غفلت دهها سال راه ما را دور می سازد، همانطور که آل سعود بایک اشتباه صد سال راه ما را نزدیک ساخت.

مادر راهپیمائی برائت با لباس افغانی و پلاکاردهای مشخص شرکت کرده بودیم و دو تن از زائران ما که شهید شدند لباس افغانی به تن داشتند. آل سعود که به خاطر ترویج وهابیت بدروغ خود را حامی مجاهدین افغانستان می نامد با این جنایت کاملاً مشخص ساخت که وهابیون به هیچوجه حامی مسلمانان نبوده و هیچوقت از مسلمانان حمایت نخواهند کرد. کشتار مسلمین اعم از ایرانی یا افغانی ، لبنانی ، پاکستانی و... چهره واقعی وهابیت را به جهانیان معرفی

کرد. اگرچه ملت افغانستان نیز در کنار خواهران و برادران ایرانی خود به جرم شعار مرگ بر و شوروی و مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل شهید دادند اما خدا را شکر می کنم که با ریختن خون عزیزان ما الحاد و خباثت آل سعود افشا شد و ما امیدواریم این خون های بناحق ریخته شده، مذهب انگلی وهابی را ریشه کن کند و حرمین شریفین از دست این مزدوران آمریکا آزاد شود.

در نخستین برخورد با پلیس سعودی ما به خوبی احساس کردیم که آنها خود را آماده یک امر خطیر می سازند. سمپاشی ها و تبلیغات مسموم حکام سعودی از طریق رسانه های خبری و مساجد علیه زائران ایرانی و تشیع مبین آن بود که آل سعود زمینه را برای توجیه عمل بعدی مساعد می کند. و کشتار ایرانی ها از سوی دولت سعودی پیش بینی شده بود.

قبل از راهپیمایی به بیمارستانها و درمانگاههای سایر کشورها گفته بودند که مجروحین ایرانی را مداوا نکنند و دلیل دیگری که مشخص می کند آل سعود بدستور استکبار جهانی قصد کشتن تظاهر کنندگان را داشت این است که در سالهای گذشته ماشینهای پلیس و ماشینهای شخصی را در مسیر حرکت تظاهر کنندگان بصورت مانع پارک میکردند و مغازه ها در طول مسیر باز بود. اما امسال در میدان معابده و شارع الحرم علاوه بر آنکه ماشینها پارک نشده بود مغازه ها نیز تعطیل بودند و از عبور و مرور ماشین ها جلوگیری می شد ولذا این تحول بی سابقه مشخص می کرد که برنامه ای در کار است.

قرار بر این بود که تظاهر کنندگان بعد از راهپیمایی در نماز شرکت کنند از این رو پلیس راههای فرار را بدون سر و صدا و عکس العمل قبلی مسدود کرده بود. حمله سراسری نیروهای سعودی علیه ما مطابق دستور نظامی در یک زمان واحد آغاز شد و قبل از آن کوچک ترین حرکت نامطلوب از پلیس دیده نشده بود .

حکام سعودی ناجوانمردانه طوری برنامه ریزی کرده بودند که تظاهر کنندگان غافلگیر شوند. من تصور میکردم که شاید پاک سازی مسیر راهپیمایی از ماشین هارمها ساختن شارع الحرم ، در راستای صلح طلبی آل سعود در رابطه با جنگ باشد. اگر چه انتظار نداشتم که وهابیون آدم شده باشند. اما فکر میکردم که ممکن است مزورانه حسن نظر نشان داده که ثابت کند خواهان صلح هستند، اما بی خبر بودم که این یک توطئه است. درحالیکه معلولین، زنها، پیرمردان و خانواده معظم شهدا صفوف اول راهپیمایی را تشکیل می دادند پلیس مسلح جلو راهپیمایان را گرفت و همزمان با آن از یکطرف سنگ پرانی از چند ساختمان آغاز و از سوی

دیگر پلیس های مسلح دیگری نیز وارد صحنه شدند. آنها گاز خفه کن بر سر جمعیت شلیک کردند.

شهید شدن زنان در مکه تظاهرات خواهران دانشجوی افغانی را علیه روسیه متجاوز مجسم می کرد که هدف مسلسل کمونیستهای ملحد قرار گرفته و به خاک و خون غلطیدند.

جسد های پاک شهدا و مجروحین نیمه جان در بلوار شارع الحرم خاطره جنایت روسها را که زنان به و مردان بی دفاع افغانی را زنده بگور کردند و یا در روستاهای افغانستان زنان را در یک خانه با جمع کرده آن خانه را با نارنجک منفجر ساختند تداعی میکرد و لذا عمل کفر وهابیت را با عمل کفر کمونیسیم مشابه دیدم .

من به عنوان عضو شورای مرکزی جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان و به عنوان یکی از به اعضای شورای ائتلاف ۸ گروه اسلامی حاضر در هر دادگاه ذیصلاح شهادت دهم که بیشترین شهدای ما هدف گلوله های پلیس سعودی قرار گرفته اند آنها با سنگ و باطوم و نمیتوانستند ۳۲۴ نفر را شهید کنند. زائران خانه خدا که در میدان معابده و شارع الحرم حاضر بودند تا ساعت ۹ شب صدای تفنگ بگوششان میرسید.

جنایت آنها قابل انکار نیست و اگر آنان انکار کنند ما به حکم وظیفه اسلامی ناگزیریم مسئله رانا آزادی حرمین شریفین دنبال کنیم. ما معتقد به ولایت فقیه و امام بوده و دستور حمله به پلیس سعودی را نداشتیم . در جریان واقعه اگر یک اشاره از جانب آقای کروی مبنی بر کشتن هم مزدوران می شد ممکن بود که چند شهر سعودی به آتش کشیده شود. و در آنصورت پلیس و نمیتوانست حتی یک نفر ما را شهید کند.

حکام سعودی زائران مظلوم و مهاجر ما را شهید کردند و مرا با لباس افغانی در مدینه منوره دستگیر نمودند که با تلاش بعثه حضرت امام آزاد شدم .

ما می دانیم که زائران خانه خدا و ملت حجاز علیه ما قیام نکردند و افکار عمومی جهان جز مزدوران آل سعود در اختیار ماست. رژیم سعودی و رژیم کابل برای ما فرقی ندارد. همانطور که ما در افغانستان از خون شهدای خود دفاع می کنیم در عربستان نیز از خون شهدای خود و دفاع خواهیم کرد.

در حال حاضر شارع الحرم زیارتگاه دیگری چون بقیع برای مسلمین جهان شده و اگر قبلا برای انجام راهپیمایی می بایست اجازه گرفت سال آینده در سالگرد شهدای مکه چون روز پر عاشورا کسب اجازه لازم نیست و نیازی به مشورت ندارد.



بنابر این ما از هم اکنون میدان معاودة را میدان آزادی و خیابان شارع الحرم را خیابان آزادی نامگذاری می کنیم .

### حمله پلیس علت ازدحام جمعیت - کرامت نیکنام

هاشمی لولنجی - مجاهد افغانی روزنامه کیهان دوشنبه ۱۶ شهریور ۱۳۶۶ حمله پلیس علت ازدحام و روی هم ریختگی جمعیت بعد از شروع راهپیمائی یک مقدار که جلو رفتیم من دیدم که از بالای یک پارکینگ چهار طبقه، سنگ و سطل پر از خاک و نایلونهای پر از سنگ بر روی مردم پرت می کنند و سپس پلیس و هم به طرف مردم حمله کرد و وقتی پلیس حمله کرد خواهرها بطرف عقب برگشتند که این عقب گرد خواهرها و ازدحام جمعیت باعث شد عده ای روی هم بریزند و من خودم هم حدود صد تن از خواهرها را که روی هم افتاده بودند دیدم که تقاضای کمک می کردند. که من به اتفاق برادر دیگری در دست یکی از این خواهرها را گرفتیم که او را بیرون بکشیم و با اینکه آستینش کنده شده ولی هیچ تکانی نخورد و پس از مدتی که فشار جمعیت کم شد و یک مقداری مردم متفرق - شدند من دیدم که دو نفر از این خواهرها از جای خود بر نمی خیزند و وقتی چادرشان را کنار زدم دیدم هر دو سیاه و خفه شده و به شهادت رسیده بودند و در همین اثنا یک سوزش همراه با زوزه یک گلوله را در پایم احساس کردم و دیدم که مقداری از پای راستم کنده شده و از بین رفته است .

بهر ترتیبی بود مقداری جلوتر رفتم که به دلیل حمله پلیس مجدداً عده ای روی هم ریخته و من به آنطرف خیابان رفتم که ناگهان حدود هفت، هشت گاز اشک آور که حالت خفه کننده ای زیادی داشت و نوع مشابهش را قبل از انقلاب شاه استفاده می کرد بطرفمان پرتاب کرد که دیگر جلوی چشم خود را نمی دیدم و به سختی نفس می کشیدم و در این هنگام در یک آپارتمان را که باز بود وارد آن شدم که در آنجا چند تن از برادران افغانی با خوشروئی از ما استقبال کردند و پس از حدود دو ساعت توقف به بیمارستان رفتم.

کرامت نیکنام - مجروح روزنامه رسالت دوشنبه ۱۳۶۶/۶/۹

حیله سعودیها متأسفانه بعلت کشیک بودن، عصر جمعه مجبور بودم علیرغم میل باطنی در بیمارستان تو در محل کار باشم و توفیق حضور در راهپیمائی را پیدا نکنم.

بعد از ظهر جمعه هوای گرم مکه التهاب راهپیمائی و رفت و آمدهای کاروانها از جلو بیمارستان بطرف بعثه امام و فریاد کوبنده برائت از مشرکین آنها شکوه خاصی به مکه معظمه م داده بود. از اینکه نمیتوانستم هم گام با آنها و در کنار آنها باشم افسوس میخوردم. زمان به راهپیمائی ۴/۳۰ بعد از ظهر مشخص شده بود. کم کم راههای منتهی به طرف بعثه و محل برگزاری راهپیمائی و عبور کاروانها بسته میشد، بطوریکه اگر بیماری را باید مرخص میکردیم و در آن مسیر بود باید منتظر می ماندیم تا مسیر باز شود.

نزدیک اذان مغرب بود که جهت ترخیص بیماران به منطقه عزیزیه رفته بودم. پس از برگشت نزدیک بیمارستان متوجه صدای آژیر آمبولانس شدم. یکباره احساس کردم اتفاقی افتاده است. صدا هر لحظه رساتر و نزدیکتر میشد که با رسیدن به جلو درب بیمارستان اولین آمبولانس پر از مجروح وارد شد. سراسیمه از ماشین پیاده شدم و درب عقب آمبولانس را باز و نمودم. مجروحین و شهدا رویهم افتاده بودند و اولین شهید به سردخانه منتقل شد و مجروحین و هم به بخش رسانده شدند. باور کردنی نبود، صدای آژیر آمبولانس هایک لحظه قطع نمیشد و مستمر مجروح و شهید به بیمارستان میرساندند. جو بیمارستان یکپارچه تلاش و فداکاری بود. هر کس به شکلی دست بکار بود. ابتدا گیج بودم و نمیتوانستم وظیفه اصلی خود را انجام بدهم یا به کارهای دیگر برسم. بالاخره تصمیم گرفتیم تا آنجا که امکان دارد در رابطه با شهدا بعلت کمبود سردخانه تدارک دیده شود و با قرار دادن یخ در دفتر کار بیمارستان سردخانه ای تدارک دیده و شهدا را به سردخانه منتقل نماییم.

فاجعه بزرگ بود. ابتدا فکر میکردیم شهدا همین هستند که در ساعات اولیه به بیمارستان منتقل شده اند حدود ۱۰ نفر بیشتر نبودند ولی کم کم اضافه شد بشکلی که بیمارستان یک باره پر از مجروح شد. تمام بخشهای داخلی دفاتر کار پرسنلی، راهرو و حتی خوابگاههای محل - استراحت کادر پزشکی پر شد که تکافوی مجروحین نبود. این بود که دستور داده شد به ::

درمانگاههای موجود در مکه منتقل شوند.

عمق فاجعه زمانی روشن شد که متوجه شدم تعدادی از مجروحین و شهدایی که به .

بیمارستان برده شده، اندکی از کل مجروحین و شهدا هستند و اکثریت آنها از طریق سعودی به زندان و بیمارستانهای خود برده شده اند و پس از سه روز ازدحام مردم در جلوی بیمارستان و در بلا تکلیفی بسر بردن هیچ خبری از عده ای از حجاج نبود. هر کس به طریقی دنبال گمشده خود می گشت و ما هم جواب درستی که به این مردم مظلوم و متاثر بدهیم نداشتیم. واقعاً تحمل آن و خیلی مشکل بود.

### خادم کاخ سفید – اسماعیل گندمی

بالاخره با گرفتن آمار و نصب عکس شهدا در محل خوابگاه بیمارستان، بعد از چهار روز حالت عادی بنخود گرفت و بحمدالله اکثر مجروحین بیمارستان با تلاش صادقانه همه دست اندرکاران معالجه و مرخص شدند. جالب اینکه مامورین مزدور آل سعود با همه تبلیغات دروغین خود میخواستند عده ای از بیمارانی که در بیمارستان مکه فوت نموده بودند با شهدایی که توسط گلوله جان خود را از دست داده بودند تعویض کنند و ثابت کنند که تیراندازی نشده است اما موفق نشدند، این جنایت بی سابقه و فراموش نشدنی است و امید که دست این مزدوران از بیت الله الحرام کوتاه شود.

عزت الله فنائی - اراک روزنامه جمهوری اسلامی پنج شنبه ۱۴ آبان ۱۳۶۶ خادم کاخ سفید صبح روز جمعه را با شوق شرکت در تظاهرات براءت به عصر رساندیم تا آنکه کاروان بطور منظم با پلاکاردهای مختلف در براءت از مشرکین و ستمبهای استکبار، آمریکا، شوروی و اسرائیل به سمت بعثه امام بحرکت در آمد وقتی که وارد خیابان شدیم قطره ای از دریای جمعیت مشتاق شدیم، و پر شور و مواج به برادران و خواهران خود پیوستیم که از ترک و کرد و عرب و عجم و سیاه و سفید همه با هم میآمدند تا بیزاری خود را از هر چه رنگ غیر خدائی دارد اعلام نمایند.

پس از سخنرانی نماینده حضرت امام و ترجمه آن بزبان عربی سیل جمعیت بنا به توصیه نماینده امام آرام و متین با فریادهای دشمن شکن لا اله الا الله - الموت لامریکا. الموت لروسیا الموت لاسرائیل - تبت ید الکافرین من بلد المسلمین - بسوی بیت الله الحرام بحرکت در آمدتا نماز مغرب را با دیگر مسلمانان در کنار کعبه برگزار نماید و با اعلام خبر سقوط یک فروند از هلیکوپترهای شیطان بزرگ در خلیج فارس پرچم منفور آمریکا در نزدیکی پل حجون باآتش

## خشم حجاج غیر ایرانی - اصغر رضانی

در همین هنگام در زیر پل باران سنگ و شیشه و بلوکهای سیمانی کوچک و بزرگ از ساختمانهای دو طرف خیابان بر روی مردم بی پناه سرازیر شد و بدنبال آن چکمه پوشان وحشی آل سعود با باطوم و گاز اشک آور و خفه کن همچون سگان هار بجان مردم افتادند و بدنبال آن .

و تیراندازی شروع و لحظه ای قطع نمیشد من بچشم خود دیدم که تکه ای شیشه بزرگ از داخل م ساختمانی بلند بر روی مردم انداختند دیدم که خواهران دارند از بین می روند با هر زحمتی بود چند نفری را که روی زمین افتاده بودند نجات دادم تا آنکه تکه ای شیشه کف پای مرا برید و در اثر و خستگی و خونریزی زیاد از رمق افتادم گاز خفه کن نزدیک بود سبب خفگیم شود که توسط برادری نجات یافتم و پس از فرونشستن عطش خونخواری خونخواران پلید و مزدور سعودی به بیمارستان منتقل و درمان گردیدم و بدینسان حرم الهی رنگ خون گرفت و خادم الحرمین نهایت و خدمت را به اربابانش و حرم اصلیش کاخ سیاه واشنگتن بانجام رسانید.

حاج اسماعیل گندمی - قاین و روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه ۱۰ آبان ماه ۱۳۶۶ خشم حجاج غیر ایرانی روز جمعه خونین بود قبلا هماهنگی های لازم با مقامات کشوری و مأمورین امنیتی رژیم آل سعود شده بود قرار بود حجاج راهپیمائی براثت از مشرکین را انجام دهند.

مسیر راهپیمائی مشخص بود. مأمورین پلیس سعودی در دو طرف خیابان بر خلاف روزهای قبل که مسلح بودند بدون سلاح و تجهیزات فقط بصورت تشریفاتی ایستاده بودند و این ظاهر و قضیه بود کاروانهای حجاج ایرانی و غیر ایرانی از تمام بلاد مسلمانان یکی پس از دیگری در م میدان «معابده» جمع شدند همه چشم انتظار ورود نماینده محترم حضرت امام بودند. در جلو و بعته در میدان معابده یک اجتماع عظیم چند صد هزار نفری به چشم میخورد .

با ورود نماینده حضرت امام سخنرانی شروع شد و پیام حضرت امام بوسیله آقای کروی هم برای مسلمین جهان قرائت گردید و شعارهای کوبنده براثت از مشرکین «الموت لاسرائیل ، هم الموت لامریکا، الموت لروسیا» طنین انداز بود، مسلمانان شور و هیجان عجیبی داشتند و به و سمت پل «حجون» در حرکت بودند، پرچم آمریکا به آتش کشیده شد و ناگهان ریزش سنگ و

آهن آلات و سطلهای خاک از ساختمانهای بلند مجاور بر روی سر مردم باریدن گرفت، تیراندازی شروع شد و پلیس سعودی با بی رحمی بی سابقه ای زنان بی دفاع و معلولین جنگی را هدف قرار داد و مردم سراسیمه شدند راههای خروجی بسته شده بود همه در حالت بن بست قرار داشتند، هیچ کاری از کسی ساخته نبود، گازهای خفه کننده و اشک آور به طرف مردم پرتاب میشد و مردم شعار «وامحمداه سرداده بودند».

### خیابان پر از جنازه - فاطمه مرادخانی

و حتی من شاهد بودم که از داخل آمبولانسهای سعودی سنگ خالی کرده و به مردم میزدند، و بلوک های سیمانی پرتاب میکردند، تانکهای آب جوش به سمت مردم آب می پاشیدند و در هر یک لحظه مسلسلها بکار افتادند، در کنار خانه امن خدا زن و مرد و پیر و جوان را به خاک و خون کشیدند. من در جنگهای خیابانی و در جبهه های جنگ تحمیلی زیاد شرکت کرده ام، شناخت و اطلاعاتی دارم، برای من روشن بود که رژیم آل سعود از قبل آمادگی حمله را داشت و قصد و کشتن حجاج را کرده بود. حجاج ایرانی اجازه هیچ گونه مقاومتی نداشتند و مظلومانه مورد اصابت گلوله و ضربات باطوم و غیره قرار گرفته و تحمل می کردند، بعضی از حجاج کشورهای اسلامی تاب مقاومت را از دست داده و خشمگین بودند. من یکی از حجاج خارجی را دیدم که گلوی پلیس را گرفته بود و فشار می داد و به عربی می گفت شماها از یهود بدترید، چرا مسلمانان را می کشید! اما در همین هنگام چند پلیس دیگر رسیدند و چنان او را زدند که روی زمین افتاد.

انبوهی از چادرهای زنان و چرخهای معلولین در خیابان انباشته شده بود، من بارها در عملیات در جبهه شرکت کرده ام و صحنه های عجیبی دیده ام ولی این صحنه هیچ گاه از یادم نمی رود و چقدر جالب حضرت امام فرمودند که ما از این مسئله نمی توانیم بگذریم» من و مطالعاتی از جنگهای صلیبی و حمله مغولها و چنگیز و هیتلر دارم ولی هیچ گاه جنایات آنها به پای رژیم آل سعود از نظر وحشی گری نمی رسد. اصغر رضائی - تربت حیدریه روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۲۱ شهریور ۱۳۶۶ خیابان پر از جنازه من از بعثه امام بهمراه راهپیمایان برای نماز خواندن و به قصد زیارت عازم حرم مطهر و خانه خدا شدم. اولین پل را که پشت سر گذاشتیم و نزدیک پل دوم رسیدیم، ناگهان مشاهده کردم که از روی پل دوم ما را سنگباران میکنند، در همین حین تخته سنگ بزرگ سیمانی را از روی پل

برسر زائرین خانه خدا انداختند بطوریکه در یک لحظه سه نفر از برادران حجاج بیت الله الحرام بدرجه رفیع شهادت نائل آمدند و دهها نفر زخمی و مجروح شدند. امت اسلامی ما از این واقعه دلخراش مضطرب و هراسناک از ترس جان خویش به این سو و آن سو هجوم می آورد. بسیاری از مادران و خواهران و پدران پیر و جوان زیر پا له شدند. مردم همه به هر سو متفرق میشدند و ما که سه نفر بودیم همراه پانصد نفر از خواهران که ملتسمانه از ما طلب کمک میکردند، به کوچه ای پناه بردیم، ناگهان مشاهده کردیم که مامورین مزدور و سفاک سعودی کوچه را بسته اند و راه خروجی ندارد. یکی از برادران که بشدت مجروح شده بود به مسجدی که عربها در آن نماز خوانده و خارج میشدند، پناه برد. خواهران زائر ایرانی با گریه میگفتند (آنجا نرو ترا میکشند) برادر دیگر ایرانی گفت (بگذارید داخل شود و از دست سعودیان بی دین به خدا شکایت کند) در همین لحظه برادر مجروحمان که عربی هم بلد بود با گریه، فریاد میزد (این از خدا بی خبران ما را کشتند. چرا ما را می کشید! مگر ما چه گناهی مرتکب شده ایم! ما بقصد زیارت به خانه خدا آمده ایم! کجایند مسلمانان به فریاد ما برسند!) در اینجا بود که اعراب مجبور شدند آب و یخ به ما دادند. پس از آن قرار شد من به بعثه امام بیایم و خبر ماجرا را بدهم. پیاده و با پای برهنه راه را تا بعثه طی نموده و ماجرا را باز گفتم، از بعثه سه ماشین فرستادند تا ۲۵ نفر از مجروحان و ۲ نفر شهید که یکی مرد و دیگری زن بود را به بعثه آوردیم. و پس از تحویل دادن مجروحان ساعت ۱۲/۳۰ نصف شب پیاده و با پای برهنه از گوشه خیابان و با ترس و لرز حدود ۱۱ کیلومتر راه را آمده و خود را به محلمان (عزیزیه) رساندم. البته در راه یکی از برادران عرب که موتورسیکلت داشت مرا صدا کرد تا سوار کند.

من که او را نمیشناختم پیش نمی رفتم تا اینکه شعار «الموت لصلام» و «الموت لفهد» سر داد بعد سوار شدم او که بحال ما گریه میکرد ۶ کیلومتر مرا با موتور آورد و بقیه راه را پیاده آمدم و به مقصد رسیدیم، همسرم را گریان یافتم که او نیز در میان سایر خواهران مورد ضرب و شتم واقع شده بود و خیال میکرد من شهید شده ام و به حالم گریه میکرد. حاج نال . و روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه ۸ شهریور ۱۳۶۶ خیابان غم انگیز ساعت ۴ بعداز ظهر روز جمعه طبق برنامه قبلی که اعلام شده بود با تعدادی دیگر از برادران کاروان که بعنوان انتظامات تعیین شده بودند بسوی محل راهپیمائی حرکت کردیم. در مقابل

مسجد جن و پائین تر از پل حجون پارچه های قرمز رنگ مخصوص انتظامات را بر بازوهایمان بسته و بسوی آخرین نقطه تجمع حجاج حرکت کردیم. به آنجا که رسیدیم ستونی از پلیس و عربستان با باطوم و ضربه گیر ایستاده بودند، به محض رسیدن به آن مکان برادران انتظامات و ستونی منظم تشکیل داده و تا آخر برنامه که پیام حضرت امام، شعارهای راهپیمائی و سخنرانی حاج آقا کروبی بود در همانجا ایستادیم. بعد از اتمام سخنرانی و اعلام شعارها از طریق بلندگو دستور حرکت بسوی مسجد و شرکت در نماز مغرب به ما داده شد. در همین موقع کلیه برادران :

انتظامات دستها را زنجیر واربهام فشرده و با تکبیر بسوی جلو حرکت کردیم، البته ناگفته نماند که به ما گفته بودند همانند سالهای قبل فقط تکبیر بگوئید و حرکت کنید راه باز میشود.

حالا جمعیت از بالا حرکت کرده و بسوی پائین روانه شده اند و ما می بایستی هر چه زودتر و راه را باز می کردیم، ولی از همان ابتدای حرکت که به آرامش صورت میگرفت پلیس مزدور :

عربستان مانع حرکت شده و بطور شدیدی شروع به ضرب و شتم برادران با باطوم و دیگر وسایل و مجهزی که از قبل تدارک دیده بودند نمودند. ضمناً باطوم ها الکتریکی بود که وقتی به بدن و اصابت میکرد شوک الکتریکی ایجاد می نمود. دهها نفر از برادران شدیداً مجروح شده بودند و ما وقتی دیدیم که امکان حرکت به جلو نیست و پلیس قصد قتل عام جدی حجاج را دارد به عقب بازگشتیم برادران عزیز معلول را می دیدم که در زیر دست و پاله میشدند فشار جمعیتی که از بالا حرکت کرده بود از یکطرف و بازگشت ما هم از پائین ، یک فشار و تراکمی ایجاد کرده بود که امکان نفس کشیدن هم نبود، من که مقداری خود را به عقب کشیده بودم با چشمان خود می دیدم که چطور معلولین و دیگر برادران و خواهران را با تمام توان بر فرشان میکوبند و آنها را به شهادت میرسانند. جمعیت که در یک تنگنا و بن بست گیر کرده و دچار خفگی شدید شده بود همه با آخرین نفس فقط صدا میزدند یا امام زمان - یا حسین - یا زهرا بدادمان برس. من که دو دستم در اختیارم نبود و از فشار جمعیت نمیتوانستم آنها را بالا بیاورم، فقط توانستم سرم را بالا بیاورم که هوایی استنشاق کنم و خفه نشوم. صحنه عجیبی بود. چندین نفر را دیدم که از بالای به سر جمعیت بر سرودوش مردم راه میروند و خود را به آن طرف میرسانند گوئی قیامت اتفاق افتاده بود، هر کس در فکر چاره ای برای رهایی از این مخمصه بود، موج جمعیت ما را به هر و طرفی میکشاند، گاهی دهها و حتی صدها نفر بر روی هم می افتادند و دیگر امکان بلندشدنشان هم نبود. تعداد زیادی از خواهران را دیدم در کانالی که در کنار خیابان بود افتاده و و بیشتر آنها خفه شده و یا به شهادت میرسیدند. بعد از حدود نیم ساعت ماندن در این فشار و

تراکم به هزاران زحمت خود را بیرون کشیدم.

ولی بعد از بیرون آمدن دنده هایم آنچنان درد میکرد که نفسم بالا نمی آمد، صحنه هایی را که بعد از بیرون آمدن از تراکم و فشار مشاهده کردم هرگز فراموشم نمی شود و هنوز هم وقتی به یادم میاید زجرم میدهد، پدران و مادرانی که در زیر دست و پا مانده بودند و با آخرین رمق و و مانده در بدن استمداد میطلبیدند ولی با همه تلاش فقط دو سه نفری را بیرون کشیدم و بقیه در زیر دست و پا مانده و یکی بعد از دیگری شهید میشدند.

خلاصه به طرف پل حجون بازگشتم و از آنجا به طرف بعثه حضرت امام حرکت کردم، چند و قدمی از پل بالاتر نرفته بودم که از دو طرف بسر جمعیت سنگ و آجر و چوب و سطل و هر و وسیله ای که بدستشان می آمد بر سر جمعیت از بالای ساختمانهای چند طبقه فرو ۳ می ریختند، میتوان گفت از فشار و تراکم جمعیت هر چیزی که از بالا رها می شد خواه ناخواه و به سر و صورت و سایر اعضا بدن حجاج اصابت میکرد، فریاد زنها و گریه و نگرانی فضا را گرفته بود، حال دیگر از سه طرف در محاصره بودیم و راه فراری نبود، هر پناهی که می بافتی مقابلش سدی بود از شرطه‌های از خدا بی خبر، تنها راه باقیمانده حرکت به طرف بعثه امام بود، در همین موقعی که بالا می رفتیم شلیک گلوله شروع شد ابتدا گفتند هوایی است نترسید! ولی چندین نفر را دیدم که در جلوی چشمانم غرق در خون شدند و به لقاء الله پیوستند. مرگ خودم را هر لحظه به چشم می دیدم، من فقط ذکر شهادتین بر لبهایم جاری بود و بطرف بالا می دویدم در همین اثنا از طرف راست آبجوش را روی جمعیت باز کردند، حالا-دیگر هیچ راه گریزی باقی نمانده بود، من که دیگر قطع امید کرده بودم ناگزیر بطرف خانه هایی که در مسیر حرکتیم بود رفتم که ناگهان گاز خفه کننده از بالا بوسیله هلی کوپتر در میان جمعیت رها شد. از شدت خفگی گاز در خانه ای را زدیم که در را باز نکردند، بدر خانه دومی رفتیم ولی در را دوباره برویمان بستند، نهایتاً بطرف کوچه ای سرازیر شدیم که ناگهان پلیس مخفی با اسلحه کمری و جلوی من در آمدند.

هر لحظه مرگ را در جلو چشمانم می دیدم در آن کوچه تنگ و باریک اگر فقط دستشان بر ماشه میرفت همگی ما چند نفری که با هم می دویدیم قتل عام می شدیم، در حال دویدن که بودیم به یک درب چوبی رسیدیم که محکم با لگد به درب کوبیدیم و خود را به داخل خانه \* کشیدیم، تعداد افرادی که از قبل آنجا آمده بودند آنقدر زیاد بود که در آنجا هم دچار یک خفگی شدید شدیم من که بدنبال آب بودم تا به صورتم بزنم شاید اثر گاز بین برود ناگهان متوجه ؛



شدم که پنجره ای بطرف کوه باز میشود که بلافاصله از برادران جوانی که در آنجا بودند تقاضا کردم که به کوه برویم تا پیرمردان و افراد ضعیف تر خفه نشوند و همین کار را هم انجام دادند، با پای برهنه به کوه زدیم تا ساعت ۹/۴۵ دقیقه همان شب در کوه ماندیم و حدود ساعت ۱۰/۱۵ دقیقه بسمت پائین کوه حرکت کردیم و در آنجا به یک هتل که مربوط به حجاج ایرانی و بود برخوردیم و به داخل هتل رفتیم در آنجا صحنه عجیبی بود، تعداد زیادی از مجروحین را به و آنجا آورده بودند و جمعیت کثیری هتل را اشغال کرده بودند من که دلواپس همراهان و دیگر و برادران کاروان بودم تصمیم گرفتم به هر شکلی شده خود را به منزلمان برسانم، البته دیگر خیابان خلوت شده بود و فقط تعدادی از پلیس ها هنوز مانده بودند، تعدادی از برادران اصرار داشتند کسی بیرون نرود که دستگیر میکنند ولی من نمیتوانستم تحمل کنم و دل شوره عجیبی داشتم بالاخره از هتل خارج شدم و به خیابان آمدم صحنه غم انگیز و دلخراشی بود.

تمام خیابان مملو از کفش و دمپائی و چادر زنانه و پلاکارد و سنگ و چوب و قمقمه و بطری هم شده بود، خون در لابلای شکاف آسفالت خیابان جاری بود، صحنه مثل عصر عاشورا و شام غریبان بود، هنوز شهدا را جمع نکرده بودند و تعدادی از حجاج ایرانی در کنار جویها نشسته بودند، در همین موقع شهر یکپارچه صدای آمبولانسهایی شد که برای بردن مجروحین و شهدا می آمدند، البته شرطه ها باز هم مانع از بردن جسد ها میشدند که اگر زودتر منتقل میشدند شاید آمار تلفات کمتر میشد و در بین راه که به منزلمان می آمدم وضع عجیب و ناراحت کننده ای بود، هتلهای و کاروانهای ایرانی همانند عصر عاشورا بود هر کس بدنبال گمشده ای اور میگشت حقا که کربلائی دیگر بود همانند آوارگی اصحاب امام حسین (ع) در تاریخ کربلا از هر کجا که می گذشتی صدای ضجه و ناله خواهران ایرانی به گوش میرسید.

و از فردای همانروز رادیو و تلویزیون و مطبوعات عربستان اعلام کردند که حجاج ایرانی با اردنی ها درگیر شده اند و تعدادی از حجاج ایرانی کشته شده است ولی وقتی دیدند این به گفته شان بیخود و پوچ است چرا که حجاج دیگر کشورها از نزدیک عمق فاجعه را دیده بودند، لذا دوباره اعلام کردند که حجاج ایرانی میخواستند خانه خدا را اشغال کنند و حجرالاسود را به قم ببرند. الحق که معصوم درست فرمود: «خداوند دشمنان ما را از احمقها آفریده است».

خلاصه از هر طریقی وارد میشدند و تبلیغ میکردند اثری نداشت و نمیتوانستند به هیچ ۲۴ طریقی به این جنایت خویش سرپوش بگذارند، ضمنا از فردای آن فاجعه خونین تمام اطراف خانه خدا را از افراد مسلح پر کرده بودند، خانه خدایی که بلد امین و حرم امن ذکر شده با سلاح

محاصره شده بود.

خداوند بزرگ و صاحب کعبه بالاخره انتقامش را از این جانیان و فاسدان خواهد گرفت.

سیدجواد رضوی پور- یاسوج روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۱۴ آذر ۱۳۶۶ روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه ۱۵ آذر ۱۳۶۶

ص: ۲۰۴

در میدان معاهده و شارع حرم همه چیز غیرعادی بود از همان روزهای اول ورود حجاج ایرانی به مدینه منوره مشخص بود که نوع برخورد عمال رژیم آل سعود با زائرین مدینه الرسول با سالهای گذشته تفاوت دارد، در دومین روزی که به مدینه وارد شده بودیم پلیس در مقابل مقر چندین طبقه خود که در مجاورت قبرستان بقیع واقع بود دست به ایجاد موانع عبوری زد که در روزهای بعد این موانع به یک دیوار بتونی با ارتفاع نیم متر که روی آن تا ۲ متر تور سیمی قرار داشت تبدیل شد بطوری که در اثر این اقدامات یک باند خیابان کاملاً مسدود شده بود. این موانع از نوع حصارهایی بود که در مقابل کاخ اربابان آل سعود در واشنگتن و یا اطراف نیروهای مداخله گر در لبنان ایجاد میشود تا مورد عملیات استشهادی قرار نگیرند.

اولین دعای کمیل بخوبی برگزار شد و راهپیمایی وحدت باشکوه خاصی انجام گردید. پس از اتمام راهپیمایی وقتی به حرم مطهر رسول اکرم (ص) رسیدیم ماموران پلیس سه حلقه امنیتی ایجاد کرده بودند، حلقه اول نیروهای حامل باتوم و سپر و حلقه دوم با مسلسلهای کوچک و حلقه سوم با اسلحه های بلند ام ۱۶ که مسلح به سر نیزه بودند که با برخورد خیلی تند با راهپیمایان همراه بود.

نکته دیگر آنکه همانطوریکه اخبار خلیج فارس بدقت در روزنامه هایشان منعکس می شد، وغالباً تیر صفحه اول را داشت، افت و خیز این جریانات در چهره کسبه، پلیس و مسئولین سعودی نیز منعکس بود. خبر ورود کشتی های کویتی با پرچم آمریکا را با آب و تاب و عکس و تفصیلات در صفحه اول و در چند روز متوالی چاپ کردند و چند روز بعد خبر اصابت کشتی کویتی با مین را با عکس در صفحه اول چاپ کردند و خلاصه روزی که کشتی کویتی با پرچم آمریکا وارد خلیج فارس می شد رفتار پلیس تند و زننده بود و روزی که مین به کشتی کویتی برخورد کرد انگار مین به پیکره پلیس سعودی خورده بود.

دعای کمیل دوم هم برگزار شده و عازم مکه مکرمه شدیم. در اولین روزهای ورود به مکه شنیدیم که پیام مهم امام امت منتشر شده و بعضی ها آن را از رادیو تهران شنیده اند.

قسمتهایی از این پیام بیانگر آن بود که با پیامهای گذشته تفاوت دارد.

روز جمعه نهم شهریور ماه از سوی نماینده محترم حضرت امام بعنوان روز برگزاری

و تظاهرات براءت اعلام شد و روز چهارشنبه (دو روز قبل از راهپیمایی در خبرنگارانه مسیر راهپیمایی و پانزده توصیه برای راهپیمایان چاپ شد که سه یا چهار بند آن پیرامون حفظ آرامش و وعدم برخورد با پلیس سعودی بود .

روز جمعه شروع مراسم ساعت ۴/۳۰ بعد از ظهر اعلام شده بود. ولی با توجه به فاصله زیاد کاروانها تا محل بعثه (میدان معابده) از ساعت دو بعد از ظهر دسته دسته جمعیت در زیر و تابش شدید آفتاب بسوی وعده گاه در راه بودند. آنچه که در محل میدان معابده و شارع حرم به چشم میخورد و غیرعادی می نمود بسته بودن مغازه ها قبل از شروع مراسم بود. و اینکه برخلاف آنچه که در خبرنگارانه روز چهارشنبه ترسیم شده بود که باند سمت چپ خیابان به خانم ها و سمت راست به آقایان اختصاص دارد، اما باند سمت چپ را پلیس مسدود کرده و بود و مامورین انتظامات اجبار، همه را به باند سمت راست راهنمایی می کردند. و دیگر آنکه برخلاف سال قبل پلیسی که در طول مسیر در دو طرف راهپیمایان ایستاده بود نه سپر داشت و نه و باتوم و بالاخره آنکه در طول راهپیمایی هیچ نوع وسیله نقلیه ای در وسط و یا در کنار خیابان نبود.

گویی خیابان را جاروب کرده بودند.

حدود ساعت شش، بعد از اتمام سخنرانی نماینده امام در دو نقطه جمعیت پرچم شیطان بزرگ را به آتش کشید و راهپیمایی در میان شعارهای حجاج آغاز شد.

هم در صفوف اول جمعیت راهپیمایان بودم که به پل حجون رسیدیم و از بلندگو سقوط هلی کوپتر آمریکایی در خلیج فارس اعلام شد و مردم حدود چند دقیقه «الله اکبر» سر داده و غریو شادی می کشیدند. این خبر به عربی نیز اعلام شد و باز همان حالت شادی تکرار شد.

حالا به پل عابر پیاده حدود «مسجد توبه» رسیده بودیم ولی جمعیت جلو نمی رفت.

بلندگو اعلام می کرد که با توجه به اینکه در آستانه اذان مغرب هستیم برای نماز آماده می شویم پلاکاردها را جمع کنید، و به مسجد الحرام می رویم، ولی جایی نبود که ما بتوانیم بطرف حرم برویم پلیس هم از حدود ابتدای «بازار ابوسفیان، جلوتر آمده به چند متری صف انتظامات راهپیمایی رسیده بود و نهایتا پشت سرش یک میدان باز و خالی وجود داشت که عده ای با لباس عربی آمدند و جمع شدند و از آنجا شروع کردند به یک نوع همههمه و هوم پر کشیدن که بدنبال آن پلیس به خود آرایش نظامی گرفت و همزمان با آن از ساختمان پارکینگ و چهار طبقه و ساختمان سمت چپ خیابان که خود بر فراز پیاده رو بنا شده، باران سنگ و خاک و بطری شکسته بر سر جمعیت بهم فشرده باریدن گرفت و در اثر اصابت این اجسام باخیل و

راهپیمایان بود که عزیزان ما چون برگ خزان بر زمین می غلطیدند، مجروحین بلافاصله از سوی سایر راهپیمایان بر دوش گرفته شده و به پشت جمعیت برده می شدند. میهمانان خدا این چنین غافلگیر شده بودند و از طرفین مورد هجوم سنگ و بطری شکسته و از مقابل مورد هجوم باتوم پلیس وحشی آل سعود قرار گرفته بودند و مردم وحشت زده به هر طرفی می دویدند ولی چون همه راهها بسته بود به سمت عقب هجوم می آوردند.

هم این سرگردانی، خاص راهپیمایان نبود بلکه بعضی از راهنمایان نیز دچار آن شده بودند و از هم آن جمله اتومبیل بعثه که روی آن بلندگو نصب بود مرتبا به پلیس سعودی اعلام می کرد که و راهپیمایی ما تمام شده و قصد رفتن به سوی حرم را داریم.

در همین حال بود که در پیاده روی کنار خیابان چشمم به نماینده محترم حضرت امام که بادو سه نفر دیگر ناظر این صحنه ها بودند افتاد و به سرعت به طرف ایشان رفته و از ایشان سؤال کردم که تکلیف ما چیست؟ آیا اجازه می دهید که جلو برویم و در برابر پلیس به ایستیم، ایشان و گفتند من به سمت بعثه بر می گردم و آنجا برای مردم صحبت خواهیم کرد. از ایشان خواستم که با توجه به سردرگمی مردم و ماشین راهنما یکی از برادران همراه ایشان برای راهنمایی زائران بداخل ماشین بیاید و هنوز حرف من تمام نشده بود که از پیاده روی آن سمت خیابان جسم استوانه ای شکل سختی پرتاب شد و به صورت برادری که در کنار نماینده حضرت امام ایستاده بود خورد و عینک او به زمین افتاد... من که وضع را چنین دیدم و مشخص بود که این جسم را برای ایشان پرتاب کرده اند صحبت را قطع کرده و خواستم که سریع تر از آنجا دور شوند و چنین نیز شد. چند قدمی به پشت سر ایشان رفتم و سپس به سوی جمعیت باز گشتم.

مردم چنان در هم فشرده می شدند که امکان عبور و جلورفتن نبود، در همین حال گازهای خفه کننده و اشک آور به سوی جمعیت پی در پی شلیک می شد، بطرف پل حجون برگشتم متوجه بالای پل شدم که عده ای سنگ به پائین می زدند و برای آنکه جمعیت بتواند عبور کند خم عده ای نیز متقابلا از پائین سنگ بطرف آنها پرتاب کردند.

در پیاده رو مقابل پارکینگ بین برادرانی که رفته بودند سنگ پرنه های داخل پارکینگ را عقب و برانند با پلیس باتوم بدست، درگیری سختی پیش آمده بود و طی آن سرچند نفر از آنها بر اثر و برخورد با باتوم شکافته بود.

حالا صدای تیراندازی شدید به گوش می رسید، در صفوف جلو، جمعیت را به شدت می زدند و مجروح می کردند و شلیک گاز اشک آور و خفه کننده هم ادامه داشت، ولی من و

دچار خوش باوری شده بودم و تصور می کردم که تیرها هوایی است یعنی فکر نمی کردم که اینها اینقدر خبیث باشند که در حرم امن الهی روی میهمانان خدا شلیک کنند. در همین حال یکی از دوستان قوی جثه را دیدم که حال مساعدی نداشت و درخواست کمک می کرد زیر بازوی او را گرفته و تا اولین در ساختمان اردنیها و فلسطینی ها بردمش و هنگام بازگشت دیدم که پلیس به نزدیکی محل سکونت فلسطینی ها رسیده و قصد دارد راه ورود و خروج ساختمان را مسدود کند. چون می خواستم داخل مردم باشم و حدالامکان به جلو بعثه برسم داخل خیابان پریده، سعی کردم به سرعت خود را به آن طرف خیابان برسانم ولی چند متری که رفتم وسط خیابان در میان ازدحام و فشار جمعیت متوقف شدم و این در حالی بود که در چند متری من، در صف اول پلیس آل سعود وحشیانه بر سر جمعیت باتوم می زد و تیراندازی و پرتاب گاز اشک آور بطور مرتب ادامه داشت.

همچنین شرطه هایی که چند متری بیشتر با ما فاصله نداشتند جمعیت را زیر باران سنگ قرار داده بودند که در یک لحظه بر اثر اصابت یک سنگ بزرگ سرم گیج رفت، ولی سعی کردم تعادل خود را حفظ کنم و زیر دست و پا نیفتم. سعی کردم که از همان راه بازگشته و داخل ساختمان بروم اما آنها هم امکان پذیر نبود، متوجه شدم که از سرم خون می آید اما به هر زحمتی که بود فاصله وسط خیابان تا آخرین در ورودی ساختمان فلسطینی ها را در زیر باران سنگ و فشار زیاد جمعیت طی کردم.

وقتی از پله ساختمان بالا رفتم احساس کردم که زندگیم را باز یافته ام تمام سالن ها و پله های بین طبقات پر از میهمانان خدا بود که به حال نزار روی زمین افتاده بودند و بشدت از سرو صورتشان خون جاری بود. در طبقه پنجم مقداری آب نوشیدم و تشنگی چندین ساعته خود را فرونشاندم و سپس سر خون آلودم را با آب شستم، یکی از زائران افغانی که آنجا نشسته بود با سرشکسته گریه می کرد و از ظلم این ظالمین بخدا شکایت می کرد و می گفت در افغانستان هم ما را می کشند، اینجا هم ما را می کشند ولی اینجا وحشیانه تر و کینه توزانه تر از کفار افغانی و متجاوزین روسی ما را می کشند، چرا؟ چند دقیقه که گذشت برق ساختمان را قطع کردند. اطاقها و سالن ها مملو از زائرانی بود که با نور فندک محیط اطراف را روشن می کردند و زیر چنین نوری بود که جراحات را موقتا مداوا .

می کردند .

برای آنکه از اوضاع بیرون خبر داشته باشم وارد اطاق پنج مرد فلسطینی که پنجره ای بطرف .

خیابان داشت شدم و از آنجا نظاره گر خیابان که سطح آنرا لایه ای از دمایابی، چادر، قمقمه و سایر وسایل پوشانده بود شدم. اجساد شهدا در گوشه و کنار به چشم می خورد و مجروحین با فریادهای خود تقاضای کمک می کردند. اما پلیس و نیروهای امنیتی سعودی که گاهگاه کنار مجروحین رفت و آمد می کردند هیچگونه کمکی به آنان که در حال از بین رفتن بودند نمی کردند.

از سوی دیگر شدت گاز خفه کننده چنان بود که وقتی برای یک لحظه پنجره را باز کردم سرو صورتم که خیس بود شروع به سوزش کرد.

شاید قریب یک ساعت وضع ادامه داشت و اندک اندک افراد از گوشه و کنار براه افتادند، من هم در تاریکی طبقات را طی کرده و پائین رفتم حالا دیگر مردم در خیابان براه افتاده بودند به همراه چند نفر سعی کردیم داخل ساختمان اعلام کنیم که راه باز شده و افراد را برای رفتن به با مکانهایشان یاری نمائیم. در داخل خیابان پلیس نمی گذاشت زائران به مجروحین کمک کنند و آنها را داخل آمبولانس قرار دهند یا شهدا را جابجا نمایند و چند بار در حال کمک به مجروحین به افراد مختلف حمله ور شدند.

بطرف ساختمان امداد حرکت کردم و شهدای آن قسمت را به اتفاق دیگر برادران در وسط خیابان جمع کردیم صف شهدا تا مسافت زیادی در وسط خیابان ادامه داشت و در این جا بود که ابعاد جنایت آل سعود برایم بیشتر روشن تر شد.

به ساختمان امداد گمشدگان که رسیدیم آنجا از مجروح و خیل پیرمردان و زنان گم شده و نیز زنانی که چادر یا حجابی نداشتند موج می زد.

در سالهای گذشته پلیس آل سعود جهت جلوگیری از شکوه مراسم نیروهای ضد شورش و مجهز به وسایل پلیس ضد شورش را در طرفین راهپیمایان مستقر نموده تا با ایجاد رعب و وحشت از عظمت راهپیمایی کاسته و اهداف آمریکایی خود را محقق گردانند، ولی امسال آرایش پلیس سعودی از طرحی دیگر حکایت میکرد. استقرار نیروهای غیر مسلح در طرفین راهپیمایی به نسبتی محدودتر از سال پیش مشهود بود.

در حالیکه در قسمت جلو (سه راهی عبدالله بن زبیر) و انتهای راهپیمایی (مسجد ملک) نیروهای حرس الوطنی و نیروهای مخصوص به منظور اجرای طرحی از پیش تعیین شده و قتل عام مردم بی دفاع آرایش یافته بودند.

نکته دیگر راه بندان مصنوعی است که همه ساله پلیس با قرار دادن چهار ردیف نیروی و

مسلح در مقابل ماشینها از حرکت دسته جمعی راهپیمایان به سمت حرم مطهر جلوگیری مینمود در حالیکه امسال فاصله پلیس با راه بندان مصنوعی بیش از ۸۰ تا ۱۰۰ متر نبود و تنها یک ردیف پلیس مجهز به باتوم بلند و سپری کوتاه در جلو جمعیت صف آرائی کرده و چندین گردان نیروی احتیاط در خیابان عبدالله بن زبیر، شارع منتهی به تونل و پشت سر نیروهای پلیس مستقر بودند.

طی سالهای گذشته (۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵) هنگامی که راهپیمایان به اداره برق و بریدوهاتف صد متر جلوتر از صف پلیس در مراسم امسال) می رسیدند، فرمانده آنها به جلو آمده و پس از مذاکره با مسئولین راهپیمائی راه باریکی را جهت عبور جمعیت باز مینمود. به عنوان مثال در حج سال ۶۵ راهپیمائی براثت از مشرکین هنگامی که راهپیمایان به جلو صف پلیس رسیدند،

فرمانده آن به جلو آمده و دست یکی از مسئولین مراسم را گرفت و پس از عبور از ۴ ردیف پلیس به پشت نیروهای خود برد و اظهار داشت راه بسته است شما کجا میخواستید بروید؟ و سپس با اصرار مسئولین مراسم راه باریکی را جهت عبور مردم باز کرد. در حالی که امسال همان فرمانده در پشت سر نیروهای سرکوب گر ایستاده و از صحبت و مذاکره با مسئولین مراسم خودداری نموده، به همین دلیل به محض رسیدن جمعیت، پلیس، بورش و هجوم وحشیانه خود را به سمت راهپیمایان آغاز نمود.

تخلیه کامل ماشینها از محوطه اجتماع و مسیر راهپیمائی طی سالهای گذشته یکی از وسائل پلیس جهت برهم زدن مراسم ویا راهپیمائی حرکت ماشینها در صفوف به هم فشرده راهپیمایان بود. در سال ۶۲ باند سمت چپ خیابان مقابل بعثه م (واقع در شارع مسجد الحرام کنار مسجد جن) تا پایان مراسم باز بود و ماشین رفت و آمد میکرد.

در حالی که امسال تمامی راههای منتهی به محل مراسم حد فاصل مسجد ملک (ابتدای ملاوی) تا تقاطع شارع مسجد الحرام با عبدالله بن زبیر از هر گونه ماشین تخلیه شده بود. این برای ما جای شگفتی بود که چگونه پلیس از این امکان جهت کم کردن شکوه تظاهرات استفاده و نکرده و کل محوطه را از ماشین خالی نموده است. اما پس از هجوم وحشیانه پلیس بسوی مردم به بیدفاع و مظلوم، رمز این توطئه برای ما آشکار شد. پلیس به این دلیل محوطه را از ماشین خالی کرده بود که اولاً قدرت مانور داشته باشد. ثانياً مردم نتوانند از ماشین به عنوان سنگر در مقابل تیراندازی پلیس فاشیست استفاده کنند. ثالثاً با بودن ماشین در وسط خیابان امکان آتش سوزی ..



آن از سوی مردم بیدفاع کم نبود و یا ممکن بود از ماشینها بعنوان مانع در عرض خیابان جهت جلوگیری از حمله پلیس استفاده شود. رابعه آثار گلوله بر ماشینها سندی آشکار بر جنایت به روز افزون آل سعود می گردید.

محاصره جمعیت الف - بستن کوچه های اطراف محل مراسم و حضور مامورین امنیتی در کوچه ها به منظور ضرب و شتم مردم بیدفاع.

ب- محاصره صفوف راهپیمایان پس از عبور از مقابل بعثه حضرت امام ج- بستن خیابان حجون و جلوگیری از خروج مردم از معرکه .

ادعای پلیس جهت تفرق و پراکنده نمودن مردم و ممانعت از ورود به مسجدالحرام ایجاب می کرد که حمله از قسمت جلو آغاز گردد و در عین حال راه های زیادی را جهت فرار مردم در نظر بگیرند و در حالیکه کلیه راههای گریز را مسدود نموده و جمعیتی را که از زیر پل حجون به قصد خروج به بالای پل می رفتند با تمام توان از حرکت آنان ممانعت به عمل آورده و در همان حال یک عده اوباش و اراذل چماق بدست را در کوچه های اطراف مستقر نموده و به ضرب و شتم مردم پرداخته است، این طرح و برنامه آیا جز کشتن و قتل عام مردم بیدفاع هدفی دیگر را دنبال میکند؟ همه ساله نیروهای امنیتی عربستان در اطراف محل مراسم و در میان جمعیت به اذیت و آزار و جمع آوری اطلاعات و به نحوی جلوگیری از پخش اعلامیه و پیام حضرت امام مدظله العالی مشغول بودند.

امسال تعداد بسیار زیادی از این نیروها (چندین برابر سال های گذشته در ابتداء و انتهای مسیر راهپیمایی یعنی سه راهی عبدالله بن زبیر و پشت مسجد جن و همچنین در خیابان السقاف مستقر بوده و در طول مراسم هیچ تحرکی از خود نشان ندادند ولی به محض رسیدن راهپیمایان به پلیس و شروع حمله ماموران سعودی وارد معرکه شده و با چوبهای میخ دار (همانند گرز) در پناه پلیس به مردم بیدفاع حمله ور شدند. حتی تعدادی از آنان با کمال جسارت و گستاخی کلت کمری خود را از رو بسته بودند.

با این نیروها تا آخرین لحظات و تا پاسی از شب به همراه پلیس در خیابانها بوده و رفت و آمد مردم را تحت نظر داشتند و نقش عمده و بسزائی در دستگیری و ضرب و جرح مردم (بخصوص ایرانیها داشتند .

هنگامی که پلیس فشار را از دو طرف (جلو و عقب راهپیمائی) بر مردم زیاد کرد، جمعیت امر بسیار زیادی در یک محوطه کوچک متراکم شدند و در اثر همین تراکم بود که عده ای تعادل خود را از دست داده و به حالت نیمه جان بر روی زمین افتادند. پلیس فاشیست سعودی در محوطه ای و محدود که مردم بطور متراکم روی هم ریخته بودند، گاز خفته کننده شلیک کرد و همین مساله و باعث به شهادت رسیدن بسیاری از مردم خصوصاً خواهران رشید گردید.

اقدام به تیراندازی علیه مردم بیدفاع پلیس از قبل برای تیراندازی توجیه شده بود و این امر چیزی نبود که پلیس از روی ناچارو بدون برنامه به آن اقدام کرده باشد. بعد از هجوم اولیه پلیس به مردم و فشار بیش از حد به عده ای از جمعیت در مقابل مسجد جن و به شهادت رسیدن عده ای از مردم بیدفاع، پلیس و مجدداً با یک آرایش حساب شده به سوی مردم حمله ور شد و مردم را به عقب راند. درست در .

زمانی که پلیس کاملاً بر اوضاع مسلط شده بود تیراندازی به سمت مردم آغاز گردید .

آیا تیراندازی همراه با نشانه روی و استفاده از تیرهای دو زمانه برای متفرق ساختن مردم بود؟ آیا گماشتن تعدادی تک تیرانداز از قبل در ساختمان های اطراف محل مراسم و تیراندازی .

بر روی مردم جهت متفرق ساختن مردم بود؟ اور اگر تیراندازی به منظور متفرق ساختن مردم بیدفاع بود، پس چرا کلیه راههای گریز مردم از قبل مسدود شده بود ؟ اگر پلیس طبق یک برنامه از قبل طراحی شده جهت سرکوب مردم مظلوم و بی دفاع عمل نمیکرد، چرا مانع از تخلیه مجروحین و شهدا گردید؟ چرا از ورود آمبولانسهای هلال احمر جمهوری اسلامی به محوطه درگیری، جهت تخلیه و شهدا ممانعت بعمل آورد؟ چرا به آمبولانسهای حامل مجروحین حمله ور شده و تمامی شیشه های آنها را با چوب و باطوم خورد نمود؟ چرا شهدا و مجروحین را از دست مردم گرفته و افرادی را که جهت کمک به مجروحین تلاش میکردند، مورد ضرب و شتم قرار داد؟ یکی از مسئولین ستاد حج مکه و مدینه ی روزنامه کیهان یکشنبه ۲۹ شهریور ۱۳۶۶ خانم روزنامه کیهان دوشنبه ۳۰ شهریور ۱۳۶۶ روزنامه کیهان شنبه ۶ مهرماه ۱۳۶۶ و المانی

در زندان آل سعود پلیس سعودی قبل از راهپیمایی در خیابان‌ها مستقر شده بود، عده‌ای مسلح در خودروهای سربسته، عده‌ای با باطوم و کلاه‌های ایمنی نقابدار، عده‌ای با سپرهای دفاعی در دو طرف خیابان و در کل مسیر راهپیمایی ایستاده بودند. این منظره نشانگر چه بود؟ چه قصدی دارند؟

آیا برای حفظ نظم آمده‌اند! اما حس ششم از درون خبر میداد منظور نامشروعی دارند. یادم و آمد هرگاه از دشمن خطری احساس کردی بذکر خدا مشغول باش، به خواندن سوره‌های معوذتین و سوره تبت یدا مشغول شدم و مخصوصاً سوره تبت یدا را چندین مرتبه با صدای بلند که مامورین می شنیدند قرائت کردم.

بعدا بیکی از رفقا گفتم این سوره خیلی خاصیت دارد و دشمن را مغلوب میکند، بعد از طی مسافت چند صد متر به محلی که قرار بود بایستیم رسیدیم، پشت سر ما پلیس سعودی ایستاده.

بود و پشت سر آنها عابر پیاده و قسمتی از ساختمان مشرف به کوهی بود که بالای آن چند دستگاه ساختمان بنا شده بود و روبروی ما آنطرف خیابان صف انتظامات و صف پلیس سعودی و تانکرهای آب و در امتداد خیابان چند هتل چندین طبقه بود. راهپیمایان کم کم می آمدند تا آنجا که دیگر خیابان مملو از جمعیت شد با پلاکاردهای متعددی که روی آنها شعار مرگ بر آمریکا بود مخصوصاً خواهرها با رشادت و شجاعت دست‌ها را زیر چادر بامشت گره کرده در می آوردند و فریاد میزدند مرگ بر آمریکا! خودم دیدم که پلیس با تعجب و خیره خیره بهم نگاه میکند و در صف مقدم برادران جانباز معلول جنگی روی چرخها در حرکت بودند که این منظره نشانگر ظلم و بیداد ستمگران و متجاوزین بود. و مظلومیت امتی که برای آزادی و استقلالش قیام کرده بود.

راهپیمایی شکوه و عظمتی خاص و وصف ناپذیر داشت، آنهم در سرزمین خارج از ایران، سرزمین وحی در حرم کبرئیی. سخنرانی نماینده محترم امام شروع شد و شعار مرگ بر آمریکا مرتب از بلندگو پخش میشد و مرد و زن با صدای بلند فضای مکه را پر کرده بودند، در اواخر سخنرانی خبر سقوط یک فروند هلی کوپتر آمریکائی را بر عرشه ناو شنیدیم جمعیت فریاد میزدند الله أكبر. الله أكبر. مرگ بر آمریکا در خاتمه سخنرانی مسئول شعار مردم را برای حرکت هر چه سریع به طرف خانه خدا دعوت کرد.

چون نزدیک مغرب بود و سیل جمعیت بطرف پل حجون و شعب ابی طالب (ع) در حرکت

بودند، بعد از مدتی یکی دو نفر از طرف پل به طرف ما می آمدند که سر و صورت خونی، و یکی سرش را با چادری بسته بود و یکی دستش را روی چشمش که خون می ریخت گذاشته و بود. سؤال کردیم چه شده؟ گفت: پلیس درگیر شده و مردم را می زنند! همینطور هم دیدیم که یکی پس از دیگری می آیند. و سر شکسته و صورت خون آلود و دیدیم که مسیر راه و عوض شد و جمعیت بطرف عقب بر می گردند و با حالتی مضطرب و ناراحت و مایل را از دور و می دیدیم چون چند صد متر فاصله بیشتر نداشتیم و مردم روی پل ازدحام کرده بودند و می دویدند، بعد معلوم شد از روی پل و از داخل ساختمانهای اطراف بر سر مردم سنگ و می ریزند و بعلت درگیری و ازدحام جمعیت صفوف فشرده تر میشد تا آنجا که مردم در موقعیت و سختی گرفتار شدند و از رفت و آمد جمعیت جلوگیری بعمل آمده بود و از طرفی شلیک گلوله و پر از طرفی تانکرهای آب بروی مردم آب می پاشیدند، غوغائی شد و فریاد و سر و صدا فضا را پر م کرده بود کسی بکسی نبود، بلندگوها قطع شد.

جمعیت آنقدر فشرده شده بود که حتی نفس کشیدن مشکل بود، مرد و زن روی هم میریختند و و از روی بدن هم رد میشدند عده ای زیر دست و پا از بین میرفتند عده ای را با گلوله میکشند عده ای با گاز خفه کن از بین میرفتند ما که در کنار خیابان بعنوان انتظامات ایستاده بودیم منظره را میدیدیم، آخرالامر یکی از رفقا گفت برای چه ایستاده ای گفتم بینم چه میشود. تکلیف م چیست، گفت عده ای از کوه بالا می روند و دست مرا گرفت و کشید با سختی از لای جمعیت بطرف بالا رفتیم و از بالای کوه بطرف خیابان پشت کوه سرازیر شدیم پس از یکساعت راه به خیابان اصلی رسیدیم پلیس سعودی در خیابان ایستاده بود آمبولانسها آژیرکشان در حرکت هم بودند.

بنده که اولین مرتبه بود به مکه مشرف شده بودم از این واقعه تعجب کردم چون گفتند مکه خانه خدا و محل امن است و هر مجرمی هم به خانه خدا پناه آورد در امان است ولی دیدم که م خیابان مکه تبدیل به میدان جنگ شده و در همان موقع که از کوه بالا- میرفتم هر لحظه به خیابان هم نگاه می کردم ذکر خدا و امام زمان را به زبانم می آوردم و دعای فرج آقا امام زمان (عج) را میخواندم و میگفتم: خداوندا بفریاد این خواهر و مادرانی که در آن وسط مانده اند برس! و از طرفی بعلت گازهای خفه کننده چشمانمان میسوخت از آنجا به طرف محل اقامت رفتیم، ساعت ده بود همه ناراحت بودند بعضی از حجاج سرشان شکسته بود، یکی دستش ضرب دیده بود، یکی دنده اش ضرب دیده بود و به سختی نفس می کشیدند و یکی از برادران گفت دو

خواهر ایرانی را که در زیر پا و زیر لاشه چندین نفر افتاده بودند و نیمه نفسی داشتند نجات دادم .

فردای آن روز که برای طواف به خانه خدا رفتیم بر عکس روزهای قبل مامورین سعودی مسلح با بی سیم جلوی درهای خانه خدا ایستاده بودند و همه را تفتیش میکردند که اعلامیه ای یا بقول آنها وسائل تخریب همراه کسی نباشد مخصوصاً ایرانیها را بیشتر تحت نظر داشتند و شایع کرده بودند که ایرانیها میخواستند سنگ «حجر الاسوده را بدزدند و به ایران ببرند.

مامورین امنیتی در خیابانهای خلوت با وانت بار حرکت میکردند و با چوب بافراد پیاده میزدند و فرار میکردند و چند نفری را هم اینطور اذیت و آزار داده بودند. این بود وقایع مکه از دید بنده .

خاطره ای هم از مدینه منوره پس از ورود به مدینه منوره در عصر پنجشنبه ساعت ۴ بعدازظهر بعد از زیارت ائمه بقیع به حرم حضرت رسول رفتیم، در مقابل درب جبرائیل زیارت نامه خواندیم سپس وارد حرم شدیم و چون نزدیک مغرب بود و داخل مسجد هم پر از جمعیت بود در بیرون مقابل درب جبرائیل هم مردم صف جماعت تشکیل داده بودند ما هم در صفوف جماعت نشستیم. ناگهان پلیس و سعودی با سلاحهای سرد و گرم باطوم ، کلاه ایمنی از میان صفوف جمعیت بطرف محل تجمع و هم و صفوف نمازگزاران زن حرکت کردند و خودم با چشمم در دست آنها میل گردهائی از آهنی که سر آنها را مثل عصا کج کرده بودند، دیدم خانم ها از ترس پا بفرار گذاشتند و به محلی که ما بودیم آمدند، ما فکر کردیم آنها را زده اند ولی ترسیده بودند و آنها فکر کرده بودند ما میخواهیم دعای کمیل برقرار کنیم و آماده ضرب و شتم بودند و صفوف نماز بهم خورده و همه رفتند ما هم رفتیم.

در روزهای دیگر گاهی اوقات پلیس در خیابان با پرتاب ظرفهای پلاستیکی آب بطرف ما و میخواست مزاحمت ایجاد کند و ما را وادار بانجام کاری کنند و از خودشان عکس العمل نشان بدهند. ساعت پنج بعد از ظهر بود به تنهائی به طرف حرم پیامبر و قبرستان بقیع رفتم میل داشتم در خیابانهای مدینه این سرزمین خاندان پیامبر قدری گردش کنم سر راه یک مغازه ابزار فروشی بود من یک پیچ گوشتی خریدم به راه خود ادامه دادم، مغرب بود راه را عوضی رفته بودم یکی دو ساعت از اطراف نخلستانها رفتم از جلو مسجد و خیابان قبا سر در آوردم، منزل ما در ابتدای همین خیابان بود، در حال رفتن بودم که ماشین پلیس جلوی من ایستاد و یک نفر پائین آمد، بدستم نگاه کرد و گفت چیست؟ با اشاره گفتم وسائل کار! مثل اینکه مرا تعقیب میکردند چون ایرانیها را اذیت میکردند، لحظه ای نگذشت یک جیب دیگر آمد و دو پلیس با بی سیم پیاده

شدند و با این یکی صحبت کردند، بعد گفت ایرانی! بابی سیم جیب بامرکز پلیس تماس گرفتند مشخص شد که مرا خواهند برد اشاره کرد بمن و درب عقب ماشین را باز کرد من سوار شدم، در بین راه یک روزنامه باز کرد و چند عکس کارد میوه خوری بمن نشان داد و گفت شما ایرانیها با این ها به پلیس سعودی حمله کرده اید و آنها را مجروح نموده اید، گفتم والله کذب! این وسیله ای که من خریده ام اولاً آکبند است ثانیاً در مدینه خریده ام! با تمسخر دو مرتبه گفت آکبند! آکبند! ده دقیقه در راه بودیم بمحلی که معلوم نبود کجاست رسیدیم در عقب را باز کرد.

اشاره کرد بیا بیرون! بیک افسر ادای احترام کرد و صحبت کرد دفتری آورد اسم مرا پرسید و چند اسطر نوشت و باو داد دوباره سوار شدیم یک دور زد و دوباره پیاده شدیم داخل یک ساختمان رفتیم داخل اطاق شدیم، روی یک مبل نشستیم، پیچ گوشی را روی میز گذاشت لحظه ای بعد یک مرد میانسال که معلوم بود ایرانی است آوردند و پهلوی من نشست، پلیس آمد روی او را به طرف دیگر برگرداند که بمن نگاه نکنند، بعد اسم و نام پدر و فامیل مرا پرسید، بعد از آن مرد تازه وارد اسم و مشخصات پرسید و ثبت کردند ساعت ۹ شب بود که به اطاقی دیگر رفتم در این اطاق شخصی با لباس سفید عربی بود و یک چفیه راه راه قرمز بر سر داشت و اینها همه مامور پلیس بودند. و در پشت میزی نشسته بود. اسم و نام پدر و فامیل و تاریخ تولد و سن مرا پرسید بعد از چند دقیقه به اطاقی دیگر رفتم در اینجا شخصی با همان لباس سفید بلند عربی و .

یک چفیه سفید و قرمز در پشت میز نشسته بود.

من روی یک چهارپایه روبروی او نشستیم، یک نفر هم بعنوان مترجم کنار دست من نشسته:

بود. اول خود مترجم چند سؤال از من کرد. گفت شما را برای چه باینجا آوردند. گفتم در در خیابان جلو مرا گرفتند و بخاطر این پیچ گوشی مرا باینجا آوردند گفت شما کاری انجام میدادید؟ گفتم خیر در حال رفتن بطرف منزل (هتل) بودم. گفت شما ایرانیها در مکه می آئید و راهپیمائی میکند و مزاحمت ایجاد میکنید، خیابان بند می آورید و عبور و مرور را قطع میکنید! گفتم ماسالی یک مرتبه به مکه می آئیم و در یک روز آنهم دو ساعت برای اینکه اینجا محل شعائر اسلام است. آیا این کار گناه است و برائت از مشرکین گناه است. گفت شما که مسلمان هستید چرا مسلمان عراق را میکشید، گفتم آنها اول به کشور ما حمله کردند و کیلومترها از خاک کشور ما را گرفتند و تمام شهرهای ما را بمباران کردند و هم اکنون هم صحبت از صلح میکنند مرتب شهرها و روستاها را بمباران میکند و ما دفاع میکنیم.

محمد رضا هدایتی - اندیمشک روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه ۲۴ آبان ۱۳۶۶

دفاع از منافع شیطان روز براءت از مشرکین ساعت ۴ بعد از ظهر جمعه (میدان معابده مکه المکرمه) هرگز بخاطر نمی گذشت که جهت براءت از مشرکین چنین کنند؟! هرگز تجسم آنرا از قبل هم نمیتوانستم بکنم که چگونه و برای چه باید چنین کنند؟! خوابم نمی برد، تمامی اعضا و عضلاتم درد می کند، لباسهای خونی ام را شسته ام اما تصورش را نمی کردم که در اینجا هم باید شاهد وحشگیری و ددمنشی باشم؟! از محل استراحتگاه پشت مسجد امیر احمد واقع در شارع «رصیفه در طرف غرب مسجد الحرام آماده شدیم و با اتوبوس دو طبقه خط شماره ۱۸ که آخرین ایستگاهش حرم خدا و بود رهسپار شدیم .

پس از پیاده شدن با دیگر خواهران و برادران حجاج ایرانی بطرف شعب ابوطالب یادگار :

با گذشت زمان و رنجهای رسول الله (ص) و مسلمانان صدر اسلام، فاتحه ای خواندیم و با تشکل :

واقعا منظم با شعارهای : مرگ بر آمریکا، مرگ بر روسیه ، مرگ بر اسرائیل، تکبیر گویان و ندای قولوالا اله الا اله تفلحوا براه افتادیم، گویی صدر اسلام است و بانگ الله اکبر و ندای یا ایها المسلمون اتحدوا، اتحدوا وطنین آن لرزه بر اندام مشرکین انداخته، عجا که به تماشای ما گروههای بیشماری در بلندیها و بالای پلها و ساختمانها و آسمانخراش ها نشسته بودند، شاید و هم در کمین نشسته بودند! هلی کوپترهای نظامی در آسمان بالای سرمان مرتب گردش می کردند، شعارها بطور مرتب و با آهنگ جمعیت تکرار میشد «لا اله الا الله ، امریکا عدو الله»، «لا اله الا الله روسیه عدو الله»، «لا اله الا الله اسرائیل عدو الله ، والموت لامریکا، الموت لروسیه»، «والموت لاسرائیل»، «یا ایها المسلمون اتحدوا، اتحدوا و جمعیت جواب میداد .

و تمامی مسلمین را به اتحاد و اتفاق در مقابل ابرجنایتکاران دعوت می نمود، در میدان معابده و جنب بعثه حضرت امام خمینی نشستیم و به پیام حضرت امام امت بمناسبت روز براءت از مشرکین گوش فرا دادیم و پس از خاتمه پیام به سخنان نماینده حضرت امام حجه الاسلام کربوبی گوش فرا داده و پس از آن به ترجمه عربی آن گوش نمودیم و سپس اعلام شد که بر می گردیم تا نماز مغرب را با برادران اهل تسنن در حرم خدا بخوانیم. در حال و برگشت و با حالت صمیمانه و با آمادگی برای خواندن نماز بر می گشتیم که ناگهان از

ساختمان چندین طبقه کنار پل فلزی در ردیف پل «حجون» از خدا بیخبران نقشه پلیدشان را که ن با راهنمایی شیطان بزرگ ترتیب داده شده بود، ما را سنگباران نمودند و جمعیتی که با نظم و آرامش تمام می رفت که نماز مغرب را در کنار دیگر برادران مسلمان برگزار کنند از چندین با طرف در محاصره مأموران آل سعود که غرق در سلاح بودند قرار گرفتند، باطومهای چوبی و انواع دیگر گاز اشک آور، آبجوش و گازهای خفه کننده سمی و پس از آن شلیک گلوله ها بطور .

رگبار و تک تیر شروع شد و به جمعیتی که هرگز فکر نمیکرد این چنین در شهر نزول وحی در پ بلد امین، شهر نور، شهر خدا، اینطور با دست خالی مورد تهاجم وحشیانه مأمورین نظامی سعودی که حتما از قبل برنامه ریزی نموده بودند قرار بگیرند.

جمعیت بهم بر آمد، بهر طرف که می رفت مأمورین تا دندان مسلح سعودی یورش و می آوردند، جمعیتی که با اخلاص می رفت تا نماز مغرب ، را در شارع حرم بخواند...

قلبم گرفته و سینه ام سوزان و اشک ریزان از اینکه این صحنه های دلخراش را چگونه رقم بزنم، در صفحات خونرنگ تاریخ انقلاب اسلامی هیچ کجا را بهتر از میدان ۱۷ شهریور پیدا نکردم. ب تظاهرات آرام روز جمعه ۱۳۶۶/۵/۹ ( ۱۴۰۷/۱۲/۶ ) در حریم خانه خدا در شهر مکه رنگ خون گرفت و لاله های وطن پرپر شدند، در ایام حج و ماه ذیحجه چطور در کنار خانه خدا مهمانهای خدا را که تکبیرگویان برای نماز عشق آمده اند می کشند و چطور بزنان و مردان و بیدفاع مأمورین نظامی فهد ملعون وحشیانه حمله می کنند، آنهم جایی که گیاه و حیوان امنیت دارد چسان مسلمانان و حجاج ایرانی امنیت ندارند و مورد ضرب و شتم و کشتار قرار می گیرند. صحنه آنچنان تکان دهنده است که سیستم اعصاب مرا متشنج کرده است، این و از خدا بی خبران خود را خادمان حرمین شریفین می دانند، عجبا از این کور ذهنی که اینها و لیاقت و حمیت ندارند که نام انسان برویشان گذاشته شود، اینان برای دفاع از منافع شیطان بزرگ آمریکا و صهیونیست غاصب حاضر شدند که مهمانهای خدا را در حرم خانه خدا بیرحمانه و وحشیانه با سنگ و کارد و گلوله و گاز و آبجوش به قتل برسانند. گیج و منگ بودم، قلبم گرفته بود، پاهایم قدرت کشش بدنم را نداشت، مناظری که در نیمه شب به چشم میخورد و حاکی از مظلومیت خاص حجاج مسلمان ایرانی بود، سگهای هار رژیم مزدور فهد دسته دسته ها در قسمتهای مختلف و حساس شهر مکه موضع گرفته بودند و دندان نشان میدادند، عملا ما جمعیت مسلمان ایرانی نشان دادیم که هیچ چیز نمی تواند مانع از صدور انقلاب اسلامی باشد، و این جمله در ذهنم درخشید «بکشید ما را ملت ما بیدارتر می شود. اما راست قامتان و



جاودانه تاریخ خواهیم مانده. تنهای تنها در خیابان در آن نیمه شب، می دیدم که کف خیابان و از چادر مشکی و لباس و کفش و قممه و وسائل سقایت و پائی و دیگر وسائل بجامانده از پر جمعیت پر بود، در آن وقت شب ماشینها و خودروهای نظامی و پلیس و شهرداری بالودر - و کامیون زباله کشی و آب پاش مشغول جمع آوری و نظافت بودند که در واقع غارتگران هم منتریک چنین غنیمتی بودند؟! صحنه حاکی از تکراریک جنایت نابرابر بود. تمامی کفر در مقابل اسلام.

ساعت از نیمه شب گذشته بود که به باب ابراهیم (ع) رسیدم ، دلخسته و پریشان با جسمی کوفته و جراحت قلبی چند رکعت نماز خوانده و بدرگاه خداوند متوجه و متوکل، از آب زمزم نوشیدم و بطرف محل اصلی استراحتگاه حرکت نمودم حسن باقری- دبیر آموزش و پرورش روزنامه جمهوری اسلامی پنج شنبه ۱۲ آذر ۱۳۶۶

ص: ۲۱۹

روایت فاجعه و من یخرج من بیته مهاجرا الی الله ورسوله، ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله .

حماسه پرشکوه جمعه خونین ۶ ذیحجه ۱۴۰۷ در شهر خاطره ها و شهر رسالت «مکه و آنچنان عظیم و سریع گذشت که انگار در خوابی کوتاه بسر بردیم. هنوز زود است که بتوانیم عمق فاجعه را درک کنیم. همانطوریکه عاشورای سال ۶۱ هـ-ق حسین ابن علی (ع) تا سالهای سال نامفهوم و غیر قابل درک بود. از آنجائی که رسالت صدور انقلاب و مظلومیت امت و علی ابن ابی طالب بر دوش فرد فرد ماست، تصمیم به نگارش این خاطرات نمودم. تا شاید توانسته باشم آن دین حضور در مکه مکرمه سال ۱۴۰۷ هـق را ادا کرده باشم.

روز پنج شنبه ۵ ذالحجه در شهر مکه جنب و جوش فراوانی بخصوص در بعثه حضرت امام خمینی مشاهده میشد. هر کس خود را برای فردا جمعه آماده میکرد. خطاطان در نوشتن هم پلاکارد و پوستر از یکدیگر سبقت میگرفتند، افرادی که برای سقاییت و آبرسانی مشخص شده بودند در تهیه یخ و تانکرهای آب و لوازم مایحتاج فردا تلاش فراوانی میکردند. در بین تمام اماکن موجود در بعثه، یکی دفتر نماینده امام، آقای مهدی کروی از همه شلوغتر بود و دیگر اتاق صوت و تصویر که مسئولیت تنظیم بلندگوهای فردا را به عهده داشت. هر کس گمنام در تکاپوی مسئولیت خویش در رفت و آمد بود. انگار که این افراد را سالهای سال برای انجام چنین کارهایی آماده کرده بودند. صورتهای آنان گشاده و با لبانی متبسم گره های کار را یکی .

پس از دیگری باز می کردند. تا شاید آن طور که خداوند از آنان مسئولیت میخواهند به نحو احسن آن را انجام دهند.

اتاق تکثیر باصدای تق تق ماشین تحریر وزیراکس و غیره آواز صدور انقلاب را می فهماند. آوازی که آنچنان باصلابت و پر طنین است که همه استکبار عالم از آن وحشت دارند و خفاش گونه برای فرار از این آواز به کوره راههای خطرناک مرگ و زندگی هجوم برده و در تاریکی شب دست و پا می زنند و برای نابودی این آواز زیبا از هیچ جنایت و کشتاری فروگذار نکرده و نمی کنند و نخواهند کرد.

امروز با روزهای قبل خیلی فرق داشت چرا که تازه پیام تاریخی امام امت از تهران رسیده بود. پیامی که دنیا زود است آنرا بفهمد و درک کند. پیامی که هر سطر آن مسائل و معنی هائی

را در درون خود پنهان کرده بود. به اقرار بسیاری از مسئولین موجود در بعثه و روحانیون و سیاستمداران جمهوری اسلامی ایران کمتر کسی قادر بود که بگوید «من پیام امام را درک کرده ام، روحانیون و مسئولینی بودند که می گفتند، ما چندین بار این پیام ۳۵ صفحه ای امام را مطالعه کرده ایم، اما هر بار مطلب تازه ای از آن فهمیده و درک کرده ایم این پیام برای اولین بار بود که اینقدر مطالب فراوان و جدید را در خود گنجانده بود. پیامی که ۳۵ صفحه درج شده بود و تن انسان را میلرزاند به مسلمانان عزت و اقتدار می بخشید، به افراد مأیوس، امیدواری و توان مقابله با دشمن را می داد. به انسانهای آزاده، خط و روش مبارزه با خودکامان و دنیاپرستان و به ملت‌های آزادیخواه استقامت در برابر مصائب و به عدالت خواهان، روش عدالت طلبی و به جاهلان نحوه تحقیق و بررسی در مسائل را میداد پیامی که به عرفا درس عرفان و خود را ندیدن و دل از دنیا کردن را میداد. چه بگوییم که قلم عاجز است از توصیف کلمات ساده ولی پر محتوای این پیام. خدای را شکر که بر ما منت نهاد و چنین رهبر خردمند و سیاستمدار و خود ساخته و متواضع و صبور در مسائل و عالمی باعمل را نصیب این ملت کرد. و جای شکر و سپاس را که به این رهبر چنین امت ایثارگر و مطیع را قسمت نمود. چرا که بدون این رهبر چنین و ملتی نمیتوانست راه خود را به پیماید و بدون این امت چنین رهبری نمیتوانست به اهداف خویش برسد و جامعه توحیدی اسلامی را برقرار نماید.

اتفاق تکثیر باهر تلاشی بود پیام را تهیه و در بین کاروانهای موجود در مکه پخش کرد و این و امت مؤمن و حجاج واقعی بیت الله الحرام، از عبارت امام روحیه و توان مقابله با مصائب و سختیها را گرفتند و خود را برای فردائی پر حادثه آماده میکردند. دقائق به کندی می گذشت وانگار نمی خواست فردائی بوجود آورد.

بچه های بعثه تا صبح در تلاش و تکاپو بودند و در انجام کارها از یکدیگر سبقت میگرفتند همانطور که در جبهه ها برای مقابله با دشمن از یکدیگر سبقت می گیرند. درست این مطلب در ذهنها جا افتاده است که تمام دنیا جبهه است برای این ملت و هر قدمی که بخواهیم برای صدور انقلاب و حقانیت اسلام و تشیع برداریم رنجهای فراوان باید بکشیم، راه علی (ع) و حسین (ع) بیدار خوابیها و اسارتها و گرسنگیها و تشنگیها و ... به دنبال خود دارد. و این اول کار است.

از کاروانهای مختلف تعدادی از جوانان و خواهران انتخاب شده بودند تا فردا برای نظم و انضباط بیشتر راهپیمائی براءت از مشرکین، همکاری لازم را با بعثه انجام دهند. برای تمام این

افراد که بعنوان انتظامات مشخص شده بودند، بازوبندهای قرمز رنگی تهیه شده بود که بر روی :

آن با رنگ سفید کلمه مقدس «لا اله الا الله ، میدرخشید. برای هر کاری گروهی انتخاب و برای پ اداره و رهبری این گروه مسئولی مشخص تعیین شده بود. گروهی برای آبرسانی انتخاب شده به بودند که بر روی بازوبندهای آنها کلمه «سقاییت حاج، مشخص شده بود. گروهی برای انتظامات اطراف بعثه، گروهی برای انتظامات مسیر راهپیمائی تا پایان مسیر که مسجد الحرام به بود و عده ای نیز برای حمل و مراقبت از ماکت چوبین قدس که قرار بود فردا در بین جمعیت بحرکت در آید. من نیز جزو انتظامات زیر ماکت قدس بودم.

شب آرام آرام لباس خویش را از تن بیرون آورد. وشعاعهای خونین و پر التهاب خورشید و فضای شهر مکه را روشن نمود. صبحی که هرگز فراموش نخواهد شد. صبح روز ۶ ذالحجه سال ۱۴۰۷ ه.ق از طرفی مامورین امنیتی سعودی نیز این چند شبانه روز در تلاش بودند و فکرهای شوم خویش را در سر می پروراندند هیچ کس نمی دانست که چه خواهد شد. و تنها خداوند عالم الغیب والشهاده است. صاحب حرم میدانست که ساعاتی بعد چه انتظار این عاشقان حرم را خواهد کشید. مامورین حکومت سعودی دائماً با مسئولین جمهوری اسلامی مستقر در بعثه در تماس بودند. و هر بار وعده مساعدت و همکاری با راهپیمایان را میدادند. و حتی با نماینده وسرپرست حجاج ایرانی برای تعیین مسیر راهپیمائی به خیابانهای مسیر هم راهپیمائی رفته و مسیر را کاملاً مشخص کرده بودند. هنوز مسائل مبهم بود و هنوز هیچکس نمیدانست که آنها در ذهن خویش چه فکر شومی را دارند و برای فریب و دورنگی و تزویر چه و ریا کاری هائی را تدارک دیده اند. این کار آنها کاری نبود جدید باشد. چرا که سالهای قبل نیز بنا به امر امام خمینی مدظله العالی ، چنین راهپیمایی در مکه برگزار میشد. و مامورین امنیتی سعودی ابتدا مخالفت میکردند ولی بعداً راضی میشدند و طبق روال وابستگی و جیره خواری و خویش در پایان هر راهپیمائی مقداری درگیری بوجود می آوردند و چندین نفر را مضروب و مصدوم میکردند اما در آخر، مراسم انجام میشد و نماز مغرب در مسجدالحرام به جماعت برگزار میشد و پشت سر عالمان بی عمل و روحانیون درباری سعودی بفرمان امام و بخاطر وحدت مسلمین نماز را اقامه میکردند.

مسئولین جمهوری اسلامی نیز بر طبق سنوات قبل چنین فکری را میکردند. البته باید یادآور شوم که از پیام تاریخی امام چنین استنباط میشد که انگار ایشان میدانستند که فردا چه خواهد شد. چرا که با توجه به آیه شریفه و من یخرج من بینة مهاجرا الی الله و رسوله ، ثم یدرکه الموت و

وقد وقع اجره على الله که در ابتدا پیامشان درج شده بود. مسائل را برای همه روشن کرده بودند. اما چشم بصیرت میخواست، مسئله را زودتر درک کنیم که نداشتیم.

به هر صورتی بود خورشید روز جمعه ۶ ذالحجه سال ۱۴۰۷ مصادف با ۹ مرداد سال ۱۳۶ شهر مکه را روشن نمود. و آفتاب آرام آرام مسیر خود را بطرف وسط آسمان میپیمود ولی سوزانتر و پر حرارت تر از روزهای قبل. تمام کاروانها و اماکن وابسته به جمهوری اسلامی اعم از ستاد گمشدگان، بیمارستانها و درمانگاهها و سازمان حج و زیارت مستقر در مکه خود را برای راهپیمائی آماده میکردند. از طرف بعثه ساعت حرکت ۴ بعدازظهر اعلام شده بود. و هر کس که دوستان خود را ملاقات میکرد قرار امروز ساعت ۴ بعدازظهر جلوی بعثه امام گرامیداد. باید یادآور شوم که در مکه دو تبعه وجود داشت. یکی محل ملاقات و کارهای اداری بعثه که در هتل منصور مستقر بود و دیگر محل استراحت و خوابگاه افراد مستقر در بعثه. که در ساختمانی در میدان معاهده قرار داشت. شروع راهپیمائی از جلوی بعثه مستقر در میدان معاهده ما مسجد الحرام قرار بود انجام شود که در مراسم نماز مغرب شرکت کرده و مراسم ختم شود.

ساعت ۲ بعدازظهر پس از آنکه نهار را به اتفاق پدرم و دیگر دوستان کاروان در هتل مستقر در عزیزیه ۹ صرف کردم برای کمک کردن به دوستان دیگرم به طرف بعثه حرکت کردم. آفتاب سوزانتر از روزهای قبل، زمین مکه را میگداخت و سنگ فرشهای شهر، حرارتی معادل ۴۵ درجه سانتیگراد را در خود ذخیره مینمود. و کمتر کسی را در این ساعات روز میتوانستی در شهر ببینی. اما برای انجام کار محوله و پیشرفت امور در اجرای هر چه صحیح تر راهپیمائی که امام امت تعیین و تاکید فرموده بودند، منزل را ترک و از زیر کولرهای سرد بطرف خیابانهای گداخته و سوزان حرکت کردم.

هم هر قدمی که بر میداشتم شور و التهاب درونی من بیشتر و بیشتر میشد و انگار بار گناهانم کمتر و کمتر میشد. هر قدمی که در آن آفتاب برای رساندن پیام انقلاب برداشته میشد، برابر صدها قدمی بود که در داخل کشور ایران بایستی بر میداشتم چرا که در آنجا سرزمین وحی، بایستی پیام خویش را عملاً به حجاج دیگر کشورهای اسلامی ابلاغ می نمودیم. وسائل تبلیغی مادر درون کشور نسبت به استکبار جهانی بسیار ناچیز است و هیچگاه نمی توانستیم آنطور که واقعیت انقلاب است مردم مسلمان دیگر کشورها را در جریان مسئولیت خویش و ندای مظلومیت و حقانیت ایران که همان ندای واقعی اسلام است قرار دهیم.

چه بسیار روزهایی که حضرت رسول(ص) در این بیابانهای گداخته حجاز برای انجام

رسالت خویش گرما و سرما و تشنگی و گرسنگی را تحمل کرده بود. و چه بسیار ظهرها که اصحاب را در این سرزمین شکنجه و آزار میدادند که صدای لا اله الا الله و حقانیت کلمه توحید به گوش ملل مختلف نرسد. زهی خیال باطل که خداوند فرموده ران تنصروا الله ینصرکم و ما ینصركم و ما ینصركم و ما ینصركم، و همین است و جز این نیست.

اکثر کاروانهایی که مسیرشان دور بود. اتوبوس و ماشین تهیه کرده بودند که سر وقت و موعد - مقرر در راهپیمائی شرکت کنند. آنهائی که مسیرشان نزدیک بعثه بود در جلوی هتل و محل - استراحت خود و سائل تبلیغی و آب آشامیدنی تهیه میکردند تا به ندای رهبر کبیر خود که فرموده بود راهپیمائی برائت از مشرکین را هر چه باشکوهتر و منظم تر انجام دهید جواب لیبک چه بگویند. انتظامات سقایت که مسئولیت آبرسانی را به عهده داشت در طول مسیر راهپیمائی با استفاده از امکانات موجود در کاروانها، منبع های آب بایخ کافی تهیه کرده بودند و حدوداً هر ۲۰۰ متریک منبع آب یخ وجود داشت. چرا که در طول مسیر بر اثر ازدحام و حرارت طبیعی و جوی مکه باعث تشنگی فراوان زائران خانه خدا میشد. حدود ساعت ۲/۵ بعد از ظهر بود که توانستم خودم را به بعثه برسانم.

در طول مسیر ماشینهای ارتش مزدور سعودی ردیف شده بودند که با استفاده از آنها رعب :

و وحشت در دل زائران خانه خدا بیندازند. حتی تا چند کیلومتر اطراف بعثه را مامورین امنیتی - گماشته بودند و رفت و آمدهای حجاج را کنترل میکردند. تمام خیابانهای اطراف بعثه را، از ماشین های شخصی خالی کرده و تک و توکی اتوبوس شرکت واحد مشاهده میشد که زائران ایرانی و غیر ایرانی را به میدان معایده می رساندند. در داخل کوچه های فرعی آمبولانسهای - متعددی مشاهده میشد، من که برای اولین بار توانسته بودم به سفر حج مشرف شوم با استفاده از تجربیات خویش و آمادگی ذهنی قبلی و با استفاده از مشاهدات خود در سالهای قبل از صدا و :

سیمای جمهوری اسلامی فکر میکردم که این مسائل عادی است چرا که رژیم و وابسته به آمریکا و رژیم وهابی ، با این راهپیمائی مخالف است و این مزدوران از اربابان خود آمریکا و شوروی میترسند بنابراین باید چنین امکاناتی را برای سرکوب آماده نمایند. چیزی که برایم بسیار اهمیت داشت این بود که چرا اکثر مامورین سعودی دست خالی ایستاده بودند؟ و ندرتا، " افراد را با اسلحه میدیدم و بعضی نیز باطوم و سپر در دست داشتند. منظره ای در این میان مرا جلب توجه کرد و آن این بود که هنگامیکه افراد ارتش سعودی در میان آفتاب صف آرائی میکردند و با استفاده از تجهیزات خویش برای مقابله با راهپیمایان آماده میشدند.

انتظامات هائی را میدیدم که مسئول آبرسانی بودند و باکتریهای پر از آب سرد به مامورین سعودی آب می دادند. چه زیباست منظره لطف و محبت زائران ایرانی به مامورین سعودی و خشونت و تنیدی آنها نسبت به زائران ایرانی! اینجاست که معنای حقیقی شیعه معلوم میشود.

چرا که این زائران به حسین ابن علی (ع) اقتدا کرده بودند آری این زائران، زائران واقعی حرم امن خدا بودند. وقتی که به جلوی بعثه رسیدم، بازوبند خود را در دست چپ وصل نمودم و حالا رسماً عهده دار مسئولیتی بودم که قبول کرده و بایستی به به نحو احسن آنرا انجام دهم.

و در این میان افراد انتظاماتی که حدود ۵۰۰ نفر بودند و در جلوی بعثه مشغول کار بودند را بهم میدیدم که باچه شور و نشاطی در آن گرمای طاقت فرسا، کارهای محوله را به نحو احسن و انجام میدادند. صورتهای بشاش و خندان آنها، دل انسان را آرام میکرد و درست مطلب ان ام المؤمن اخ المؤمن» را در اذهان منقوش می ساخت. حاج آقا بخشی که پیر میدانهای نبرد هم بود و من بارها و بارها در عملیتهای مختلف در جبهه زیارتش کرده بودم را دیدم که یک گلاب پاش بزرگ در دست گرفته و گلاب به سر و صورت زائران خانه امن خدا می پاشد. وباصدای رسای خویش بچه ها را تشویق به صلوات می کند. و گهگاهی کلمه همیشگی خود را که «ماشاء الله حزب الله» را تکرار میکرد. و به بچه های خسته از گرما و کار روحیه و نشاط می بخشید. اطراف میدان معابده از مامورین امنیتی پر شده بود. ولی بنا به گفته بسیاری از افراد که در سالهای قبل در این مراسم باشکوه شرکت کرده بودند، این افراد بسیار کمتر از سالهای قبل بودند. چرا که در سالهای قبل در اطراف خیابانهای منتهی به بعثه چندین ردیف مامور ایستاده بود و امسال فقط یک ردیف مامور ایستاده بودند و جای تعجب و شک را بر می انگیخت.

در بالای ساختمان روبروی بعثه که از قرار معلوم ساختمان شهرداری مکه بود، مامورین سعودی ایستاده بودند و در دو طرف این ساختمان دوربینهای مدار بسته ویدئو نصب شده بود و از مردم و ساختمان بعثه فیلمبرداری میکرد. با این حال و احوال بچه های مخلص و با ایمان و شهادت طلب زائر خانه خدا، بادلای فولادین و عزمی استوار در پیشبرد امور محوله همچنان هم مشغول کار بودند. روبروی ساختمان بعثه محوطه کوچکی وجود داشت که چند عدد ماشین بعثه و سه تا ماشین که مخصوص صوت بود و بالای آنها بلندگو نصب شده بود به وضوح به چشم میخورد

کم کم ساعت شروع مراسم که ۴ بعد از ظهر بود فرا میرسید و جمعیت آرام آرام و با متانت دوم خاص خویش و روح انقلابی میدان معاهده را پر میکردند و در همین وقت در محوطه کوچک جلوی بعثه نجارها و کمک نجارها مشغول برپا کردن ماکت چوبین قدس بودند.

به حاج آقا مرتضائی فر که بنام وزیر شعار مشهور است در بالای طبقه سوم بعثه قرار گرفت. م ابتداء چند آیه از کلام الله مجید قرائت شد، آنگاه وزیر شعار در پشت تریبون قرار گرفت. و شروع به گفتن الله اکبر، لا اله الا الله والموت لامریکا، الموت لروسیا، الموت لاسرائیل - کرد. و اتاقهای بغل تریبون از خبرنگاران پر بود. بعضی از خبرنگاران بواسطه اینکه بعدا مورد اذیت و آزار پلیس سعودی قرار نگیرند. صورتهای خود را با چپیه یا دستمالهای معمولی پوشانده بودند. منظره بسیار جالبی که برای خیلی ها دیدنی بود این بود که افراد کودن و کم شعور سعودی روشی را که سالهای قبل ایرانیان برای متفرق کردن هلیکوپترهای آنها بکار می بردند. امسال بر علیه خود ما بکار گرفته اند و آن این بود که همانطوریکه گفتم روبروی ساختمان بعثه مرکز شهرداری شهر مکه قرار داشت. ساختمان نسبتاً مجلل و چندین طبقه. از درون اتاقهای و طبقه های فوقانی این ساختمان، افراد ساواکی سعودی شیشه های چندین متری برداشته بودند و نور خورشید را به درون اتاقهای بعثه می انداختند تا خبرنگاران نتوانند واقعیات موجود در راهپیمائی را آنطور که بود فیلمبرداری نمایند. زهی خیال باطل که خبر ندارند رالمؤمن کیس بچه های خبرنگار نیز بلافاصله چند عدد آئینه تهیه کردند و نوری را که به درون اتاقهایشان می تابید، مجدداً بطرف خودشان منعکس می کردند. و دوربینهای عکاسی در پشت آئینه ها قرار گرفت. گهگاهی آقای فخرالدین حجازی از بالای ساختمان به جمعیت نگاه می کرد. وی آقای مرتضائی فر همچنان با آن شور و التهاب همیشگی خویش دستهای خود را تکان می داد و شعار الموت لامریکا را سر میداد.

شعارها که قبلاً آماده و چاپ شده بود. در بین کاروانها دیروز پخش شده بود چرا که شاید بعضی از مزدوران سعودی و منافقین سوء استفاده می کردند و شعارهایی که در آن مقطع از زمان صلاح نبود می دادند و باعث تفرقه و اختلاف میشدند، بخاطر همین مسئله بعثه این کار را قبلاً انجام داده و شعارهای از پیش تهیه شده را در بین مردم تکثیر و نشر داده بود. کناره میکروفون موجود در روی بعثه، خبرنگار جمهوری اسلامی دیده می شد که با تمام سعی و کوشش خود مشغول ثبت وقایع و خاطرات همیشه جاودان روز ۶ ذی الحجه بود. درست در زیر ساختمان چندین نفر سیاهپوست آفریقائی مشاهده میشد که عکس امام امت را در دست گرفته



ویاشور و هیجان مخصوصی، شعارهایی را که از بلندگو پخش می شد از درون جان سر میدادند.

بعضی از مردم طاقت نیاوردند و مردان مسلمان سیاه را روی دستهایشان بلند کردند و به خبرنگاران نیز از او بعنوان سندی تاریخی که انقلاب ایران در جانهای مستضعفان رسوخ کرده و امام امت در جای جای این کره خاکی بعنوان رهبر مستضعفان شناخته شده بود معرفی نمایند.

هم در گوشه دیگر میدان معابد حاج آقا بخشی را میدیدم که با لباس سفید کفن گونه خود در حالی و پرچم سبز بزرگی را که بر روی آن با رنگ سفید نوشته شده بود لا اله الا الله محمد رسول الله به حرکت در می آورد. آری همان منظره هائی را که قبل از عملیاتهای جبهه مشاهده میکردیم، به آنجا نیز دوباره برایمان مرور می شد.

حالا میدان معابد مملو از جمعیت شده است در کنار ایرانیان حجاج نژادهای مختلف را می شد مشاهده کرد که با خلوص صادقانه خویش در راهپیمائی برائت از مشرکان شرکت کرده به بودند تا به ایرانیان بگویند رهان ای مردم شهادت طلب و شجاع ایران، ما نیز در کنار شما و ایستاده ایم و باید همصدا بر علیه استکبار جهانی قدم برداریم. با چند صلوات بلند، ماکت ها عظیم قدس که آماده شده بود به میان جمعیت آورده شد و افرادی که قرار بود آنرا حمل کنند. و هم در کنار آن قرار گرفتند.

در این وقت حاج آقا مرتضائی فر مردم را به استماع سخنان نماینده محترم امام امت حاج آقا کربوبی دعوت کرده و مردم در همانجا که ایستاده بودند نشستند. حرکت دو هلی کوپتر و یک هواپیمای دو موتوره در بالای سر تظاهرکنندگان باعث اذیت و آزار میشد.

آقای کربوبی با متانت و وقار خویش سخنان مبسوطی را قرائت کردند و با استناد به فرمایشات امام امت، دلیل برپایی این راهپیمائی را تشریح نمودند و برای رسیدن به جامعه اسلامی و اتحاد بین ملل مسلمان دنیا تأکید نمودند و راهپیمایان را به حفظ آرامش و نظم سفارش نمودند.

در این میان افراد خستگی ناپذیر سقاییت حاج، در آن گرما، به زائران خانه خدا آب میدادند چرا که شاید این آخرین آبی باشد که در این دنیا می نوشند و ساعتی بعد باید از دست علی ابن ابی طالب سیراب شوند. پرچمهای رنگین و پلاکاردهای متنوع که مضمونی بجز دشمنی با اسرائیل و آمریکا و شوروی وجود نداشت محفل حجاج را تزئین نموده و شور خاصی به جمعیت حاضر میداد.

بعد از سخنان آقای کربوبی یک نفر از برادران بعثه سخنان ایشان را به عربی ترجمه کرد و

برای حجاج عرب زبان قرائت نمود. تا آنها نیز از سخنان آقای کروبی استفاده کرده باشند. از درون ساختمانهای اطراف و مقابل بعثه، حجاج سایر کشورها را بوضوح میتوانستیم مشاهده و نگاه کنیم که سرهای خود را از پنجره بیرون آورده و ندرتا در بالای پشت بام ساختمانهایشان قرار ده گرفته و به ترجمه سخنان آقای کروبی گوش فرا میدادند در این میان چند نفر از حجاج ایرانی در بالای ساختمان مخابرات که بر روی آن کلمه البرق والبرید والهاتف نوشته شده بود و در گوشه ای، په از میدان معاهده قرار داشت رفتند و پرچمهای برائت از آمریکا و شوروی و اسرائیل را با تمام لای وجود بحرکت درآوردند.

بعد از اینکه ترجمه سخنان آقای کروبی تمام شد. دوباره آقای مرتضائی فر پشت تریبون و هم قرار گرفت و شعارهای الموت لاسرائیل، الموت لامریکا، افغان افغان، ضدروس والعدوان بم وخیبر خیبریا صهیون، جیش محمد قادمون، یا ایها المسلمون اتحدوا اتحدوا سرداد و جمعیت یکپارچه وباصدای جانسوز که از درونشان به نشانه اعتراض به عوامل استکبار و حکایت میکرد، جواب میدادند. آنگاه آخرین شعاری که از تریبون بلند شد. الموت لامریکا، یعنی شیطان بزرگ بود که با آتش گرفتن پرچم آمریکا در بالای ساختمان مخابرات همراه بود.

و در سمت دیگر نیز پرچم دیگری از آمریکا به آتش کشیده شد.

سپس حاج آقا مرتضائی فر جمعیت را به حرکت بطرف مسجدالحرام دعوت نمود و از پشت بلندگو کاملاً این سخن بگوش میرسید که ایشان به جمعیت می گفتند وقتی به اطراف مسجد الحرام رسیدید پرچمها را یکجا جمع کرده و در مراسم نماز جماعت مغرب و اور مسجد الحرام شرکت کنید و تنها شعارهایی که قبلاً چاپ و نشر داده شده است را سر دهید. به قبل از حرکت عمومی جمعیت آقای مرتضائی فر گفتند که زنها در جلو حرکت کنند و معلولین نیز در جلوی آنها چرا که آنها زودتر به مسجد الحرام برسند و گرمای کمتری را تحمل نمایند و مسیر کمتر و ازدحام جمعیت نیز طبیعتاً کمتر باشد و زنان و معلولین کمتر صدمه ببینند.

جمعیت آرام آرام بطرف مسجد الحرام حرکت کرد. از بلندگو شعارهایی بگوش میرسید و جمعیت یکپارچه آنها جواب میدادند. همینکه زنان در جلوی تظاهرات قرار گرفتند، مکت عظیم قدس در پشت سر آنها و سپس مردان در حرکت بودند. در هر گوشه این راهپیمائی شخصیتهایی برجسته از جمهوری اسلامی را میدیدم که بدون محافظ و نگهبان در بین مردم حرکت می کردند. چرا که در مکتب ما شیعیان آنقدر به حرم اهمیت داده شده است که حتی کندن درخت در حرم امن خدا، حرام و حمل سلاح و غیره و غیره که مفصلاً همه میدانند

بنابراین لزومی نداشت که برای شخصیت‌های برجسته و ممتازی همانند آیت الله جوادی آملی آیت الله غیوری، حجت الاسلام کروی، حجت الاسلام دری نجف آبادی محافظ تعیین کنند. آنها در حرم خدا قدم بر میداشند در حرمی که اولیاء الله قدم برداشته اند و از دیر زمان و تا آنجا که تاریخ در خود دیده است محل امن و محل پناه بوده است. و تمام قبایل دنیا از روز ازل تاکنون به دیده احترام خاص به کعبه و شهر مکه نگریسته اند.

در اطراف شارع مسجد الحرام که راهپیمایان حرکت می کردند، ساختمانهای فراوان و چندین طبقه ای مشاهده میشد که مسلمانان دیگر کشورها دستان خود را از پنجره بیرون آورده و باراهپیمایان همصدا وهم نفس میشدند و ابراز احساسات می کردند. چیزی که نباید فراموش شود این بود که از بدو شروع راهپیمائی یک هلی کوپتر رنجر در بالای تظاهرات بحرکت در آمده بود. کمی بالاتر از این هلی کوپتر، یک هلی کوپتر سفید مخصوص فیلمبرداری و عکاسی مشاهده میشد که دائما بالا و پائین می رفت. و در بالای هر دوی آنها یک هواپیمای کوچک سفید دو موتوره با صدای مخصوص خود شهر مکه را در زیر پوشش هوائی قرار داده بود. از قرائن موجود، هلی کوپتر رنجر، هلی کوپتر فرماندهی بود که افسران زمینی و ضد شورش مستقر در اطراف راهپیمایان را هدایت و فرماندهی میکرد. چرا که تا آخرین لحظه و تا غروب و تاریکی شب در بالای سر راهپیمایان حرکت می کرد.

آخرین جمله ای را که من از بلندگو شنیدم خبر سقوط یک فروند هلی کوپتر آمریکائی بر روی ناو هواپیمابر آمریکائی مستقر در خلیج بود. که باعث وجد و سرور حضار و زائران خانه خدا قرار گرفت و شعار الموت لامریکا از تمام وجود و از اعماق جان بیرون می آمد و دستها همراه صداهایشان به آسمان بلند می شد. مشتها گره کرده، انزجار و تنفر خود را از شیطان بزرگ آمریکا اعلام میکرد. من دیگر صدائی از بلندگو نشنیدم، جمعیت مانند موج خروشان به پیش می رفتند. آنچنان ازدحامی وجود داشت که هر کس فقط قادر بود چند متر اطراف خود را ببیند و بس. در اطراف هتلهای زائران بحرینی و فلسطینی و اردنی و قطری و ترکیه ای و ندرتا بعضی کشورهای دیگر مشاهده میشد. که آنها نیز فریاد بر می آوردند، و همصدا با راهپیمایان از مشرکان برائت می جستند.

هنگامیکه ماکت قدس روبروی قبرستان شعب ابی طالب قرار گرفت بسیاری از وقایع تاریخ در جلوی چشمانم ظاهر شد. و مانند فیلمی گذران، بی رحمی ها و شقاوتهای کفار مکه نسبت به پیامبر عظیم الشان اسلام را زنده می کرد. سنگ زدن کفار مکه به پیامبر اسلام،

خاکستر ریختن بر روی سر مبارک پیامبر و اهل بیت او، خدایا، چگونه است که بجز چند مقطع از زمان، بقیه این زمانها، خانه تو در دست دژخمیان و حکام جوروستم بوده است. خیابانها و مملو از جمعیت در رنگهای مختلف و نژادهای گوناگون، باروح اسلامی و اصالت محمدی، راهپیمائی را ادامه میدادند. در زیر پل حجون حدود ۵۰۰ نفر از مزدوران سعودی با چوب، باطوم و کلاه مخصوص ایستاده بودند و اطراف آنها ۳ دستگاه آمبولانس سعودی مشاهده میشد. قابل ذکر است که در خیابانهای اطراف و کنار خیابانها و پیاده روها پلیسهای ضدشورش در مقابل مردم بی دفاع صف آرائی میکردند. من از خستگی حمل ماکت، به بعضی از برادران انتظامات گفتم بچه ها را عوض کنید و آنها قبول کردند.

در همین حین دیدم جنب و جوشی در بین مردم برپاشده و هرکس نگران به یکدیگر نگاه می کند. کمی که دقت کردم دیدم دو نفر پیر مرد با سروصورت خونین به عقب برمیگردند و وقتی که علت را پرسیدم گفتند که روبروی مسجد درابت، (علم و پرچم) به مردم حمله کرده اند. چون این عمل را هر ساله پلیس مزدور سعودی انجام میداد و تعدادی از راهپیمایان را مجروح می ساخت. امری طبیعی بود. و بچه های انتظامات با تلاش خود مردم را به ادامه راهپیمائی دعوت میکردند و این دو پیرمرد را سوار آمبولانس ایرانی که مقابل شعب ابی طالب پارک کرده بود، کردند و آنها را به عقب برگرداند. هنوز التهاب در جمعیت نخواستیده بود و فشار جمعیت آنقدر بود که ناخواسته به جلو برده میشدیم ماکت نیز همراه جمعیت حرکت میکرد.

۵۰ قدم بیشتر از پل حجون عبور نکرده بودیم که فشار جمعیت بحدی رسید که برایم قابل تحمل نبود و ماکت درست در زیر پل هوائی قرار گرفت. سمت راست مسجد جن قرار داشت خودم رابه سختی به بالای یک ماشین که روبروی مسجد جن پارک کرده بود رساندم تا کمی جلوتر را و بینم که جلوچه خبر است.

من منظره بسیار عجیبی را دیدم و آن این بود که تعدادی حاجی و حاجیه روی سنگفرش خیابان افتاده بودند و پلیس سعودی با تمام قدرت باچوب باطوم آنها را مورد ضرب و شتم قرار میداد. هنوز این منظره را کاملاً درک نکرده بودم که دیدم از ساختمان طبقه پارکینگ سمت هر چپ تعدادی سیاهپوست و ساواکی سعودی که چپه قرمز به سر خود انداخته بودند سنگ و آجرپاره بطرف پائین پرتاب می کنند. فشار جمعیتی که از ترس درگیر شدن با پلیس عقب بر میگشتند. آنقدر زیاد بود که ماکت قدس از دست بچه ها خارج شد و بر روی سنگفرشهای خیابان سقوط کرد. جلوی ماکت حدود ۲۰۰ نفر مرد که عموماً پیرمرد و سالخورده دیده میشدند و

وجود داشته و بقیه زن که آنقدر زنان زیاد بودند که از کنترل خارج شده بودند. ساعت حدود بعدازظهر بود. آفتاب در حین غروب کردن بود. که ناگهان زمین و زمان بهم ریخت از هر گوشه چم فریاد یا زهرا، یا محمدا، یا حسین بگوش میرسید.

از ساختمانهای اطراف مانند باران سنگ و چوب و هرآنچه که باعث ضرب و شتم بود به پائین هم سقوط میکرد. حتی کولر شکسته. الوار - قالب یخ. آجرپاره - موزائیک سنگ و غیره، صدای تیر لحظه ای قطع نشد. و من که در بالای ماشین قرار گرفته بودم و بازوبند قرمز من هنوز در دست و چپم بود. مردم را با فریاد به عقب دعوت میکردم. صدای من مانند فریادی در مقابل رعد و برق هم آسمان در بین فریادها گم و گور میشد و هرکس مشغول نجات خود بود. فشار جمعیت باعث و تنگی نفس بسیاری شده بود و من که بالای ماشین بودم تقریباً تمام مردم را میدیدم.

تعدادی پیرزن با نگاههای معصومانه خود تقاضای کمک میکردند و من هیچ کاری از دستم برنمی آمد چرا که فشار و هجوم مردم برای برگشت به عقب فرصت هیچ کمکی را نمی داد. به هم دست تعدادی از پیرمردهایی که اطراف ماشین بودند را گرفتم و به بالای ماشین آوردم. ولی و مگر میشد جلوی هجوم مردم و پیرزنها و زنان بی دفاع که به عقب برمیگشتند را گرفت. هم منظره ای که بسیار غم انگیز بود این بود که تعدادی زن در بین فشار جمعیت آهنگ شهادتین را به هم لب داشتند و موی بر بدن راست میشد. چند متر پشت زنها کاملاً خالی بود اما تعدادی زن بر روی زمین افتاده بودند و از ضرب و شتم و پارگی سروشکم به خود می پیچیدند. پیرمردی را به دیدم که فرق سرش شکافته شده بود و با دستهای نحیف و لاغر خود طلب کمک و یاری را \* میکرد. پلیس سعودی با سپر کاملاً از یکدیگر حفاظت میکردند و تعدادی از آنها روی زمین نیم خیز شده بودند و بطرف مردم تیراندازی میکردند هر لحظه درد بود و فریاد و شهادتین و هره چند ثانیه فریاد یکی از حجاج را میشنیدم که احساس برخورد نیرویاسنگ و چوب و آهن را به میکرد. و بر روی زمین می افتاد. تنها کاری که می توانستم انجام دهم. نگاه کردن و ثبت این به جنایات بود. حدود یک ربع که گذشت جمعیت تقریباً کمتر شده بود و میتوانستم خودم را به زحمت از لابلای زنها و پیرمردها بطرف پلیس بکشانم. اطراف ماکت قدس از چادرهای خونین، کفشهای پاره و لنگه به لنگه و قمقمه و بادبزن پر شده بود و بر روی ماکت شکسته و خورد شده قدس تعدادی شهید افتاده بودند. شیون زنان به حدی بود که دل سنگ را آب میکرد. هره کس از دیگری طلب کمک و یاری میکردند. پلیس سعودی باباطوم های بزرگ و سپرهای بزرگ و کلاه کاسک و اسحله بطرف جلو حمله می آوردند و هر چند لحظه تعدادی را مجروح

میکردند و قدم قدم جلو می آمدند. نیم ساعت این حالت آن چنان سریع گذشت که انگار و چند ثانیه بیشتر نبود.

پلیس سعودی فقط با استفاده از اسلحه، و گاز خفه کننده و اشک آور پاسخ فریاد ایرانیان را میداد. تعدادی از بچه ها که قدرت بدنی بیشتری داشتند مشغول جمع آوری مجروحین و شهداء شدند و بقیه مراقب آنها بودند و بصورت چند ردیف دیوار گوستی از آنان حفاظت پر میکردند. مجروحین و شهداء یکی پس از دیگری به عقب برمیگشت و درست صحنه جنگ صدر اسلام را در ذهنها یادآور میشد. روبروی مسجد جن یکی از موتورهای سعودی را بچه ها و گرفتند و برای اینکه گازهای خفه کننده و اشک آور را خنثی نمایند. آنرا به آتش کشیدند.

تعداد افرادی که بالای پارکینگ بطرف مردم سنگ و چوب پرتاب میکردند کمتر شده بود وقتی به اطراف خودم نگاه کردم، منظره خون و غربت در هم آمیخته شده بود.

و در آن غروب آفتاب منظره کربلا در ذهنم مجسم گردید. هر کس مشغول کاری بود ...

روی زمین همه چیز در خون آمیخته شده بود. هر کس فریادی میکشید. زمین ناله میکرد. با آسمان گریه. فرشتگان خداوند آن ساعت بسیار کار داشتند. آنجا مرکز فرود فرشتگان مخصوص پذیرائی زائران بیت حق بود. چرا که اینان میهمان خداوند بودند اینها ضیوف الرحمن بودند و حالا خود صاحب حق به آنها می گفت ای زائر من نمی خواهد .

بروی خانه ام را زیارت کنی ، بیا پیش خودم. در کنار خودم باش . بیا در کنار شهداء کربلا باش.

بیا با رسول اکرم باش . قمقمه های آب هر کدام به گوشه ای پرتاب شده بودند من که هنوز درک و نکرده بودم در چه جنایتی از تاریخ قرار گرفته ام و جان سالم بدر برده بودم . با نگرانی به اطراف نگاه میکردم و دیوانه وار اینطرف و آنطرف می رفتم. و چیزی بجز صلوات یادم نمی آمد به به زبان بیاورم زبانم بند آمده بود نمی دانستم چکار کنم. من که در بسیاری از عملیاتهای منطقه وجبهه بودم و شهدای فراوانی را مشاهده کرده بودم و حتی بعضی از دوستان صمیمی من در بغل من جان داده بودند. اما این حالت برای من پیش نیامده بود که دست پاچه شوم . و ندانم چکار کنم . در جبهه جواب گلوله، گلوله بود، جواب مشت، مشت. آنجا در کشور خودم بودم انگار خاک وطن باعث آرامش من میشد. اما اینجا غریب و در شهر غربت نظاره گر شهید شدن هموطنانم بودم و کاری از دستم بر نمی آمد. چرا که آنان مجهز به تمام وسائل حفاظتی بودند.

روبروی مسجد جن یک کوچه چند متری وجود داشت که سربالائی بود. و آن کوچه به پشت پارکینگ منتهی میشد. در همین حین درگیری، ب ماشین آب پاش با آب گرم در آن گرما و م م

حرارت طاقت فرسا از میهمان خدا پذیرائی میکرد. جنایت را بحدی رسانده بودند که قابل ذکر و نوشتن نیستند. در گرمای ۴۵ درجه سانتیگراد مکه بر روی مردم بی دفاع و حق طلب که فریادی بجز برائت از مشرکان و اسرائیل غاصب بر زبان نداشتند با استفاده از تمام امکانات پیشرفته و وسائل ضد شورش، آب گرم با فشاری قوی پاشند. معنایش چیست؟ من برای اینکه از گزند آب گرم و سنگ مصون باشم خودم را به دیوار چسبانده بودم. و آرام آرام به عقب برمیگشتم جمعیت تقریباً متفرق شده بودند و آن فشار سابق وجود نداشت اما در دست مردم مجروح یا شهید را میشد دید که با خود حمل میکردند اما به کجا، نمی دانم؟ من هنوز تصور میکردم که پلیس از جلو به تظاهر کنندگان حمله کرده است و مردم می توانند از عقب با :

کنار و گوشه فرار نمایند اما وقتی دوباره به جلوی شعب ابی طالب رسیدم متوجه شدم خیر هم چنین نیست بلکه از همه طرف حمله کرده اند. چرا که وقتی من به جلوی شعب ابی طالب و رسیدم دیدم عده ای از زنان و مردان نگران از عقب بطرف جلوپناه می آورند. و برخورد این معده با افرادی که از جلوه عقب برمیگشتند باعث مجروح شدن وزیر دست و پا رفتن عده ای میشود. کنار شعب ابی طالب گوشه ای از دیوار پناه گرفته بودم و تنها صلوات بود که مرا یاری میکرد و بس.

حالا بالای پل حجون کاملاً میتوانستم ببینم. در بالای پل حجون چند نفر را دیدم که با به یکدیگر گلاویز شده اند و آنطور که من برداشت کردم. چند تا ساواکی سعودی با چند عرب از کشورهای دیگر گلاویز شده و حتی ساواکی های سعودی به آنها نیز رحم نکرده و به آنها یورش هم برده بودند.

در این مدت صدای تیراندازی لحظه ای قطع نمی شد جلوی شعب ابی طالب و روبروی هتل اردنیا تعداد زیادی از زائران را میتوانستم ببینم که هیچ راه فراری را نداشتند و می توانستند به جلو بروند و نه به عقب و نه به کوچه های اطراف.

مردم سراسیمه و نگران به یکدیگر نگاه می کردند در دست جوانان غیور و حق طلب شهدا و مجروحین حمل میشد ولی به کجا؟ نمی دانم، در آن چند لحظه انگار دنیا برایم تیره گشت و هیچ چیز را بیاد نمی آوردم .

آخر به چه گناهی بایست خون این زائران بر روی سنگفرشهای کعبه ریخته شود؟ منظره .

آنچنان دلخراش بود که همه گریه می کردند. بعضی از زنان را میدیدم که خود را به اولین آشنائی که میدیدند میرساندند و تقاضای کمک می کردند. اکثر زنان چادر بر سر نداشتند. اما

آنگونه که از زینب (س) یاد گرفته بودند با مقنعه یا روسری و کسانی که این دو تا را نداشتند دو و نفری به زیریک چادر رفته و حجاب خود را حفظ می کردند تقریباً اکثر زنان و پیرمردان کفش بر و پانداشتند چرا که اکثراً دمپایی به پا داشتند و بر اثر ازدحام و عقب و جلوشدن جمعیت و ندرت تا م دویدن باعث گم شدن کفششان میشد.

از لابلای شیشه شکسته ها و سنگ و چوب راه را باز کرده و اینطرف و آنطرف می رفتند و بعضی از پیرمردان که طاقتشان تمام شده بود کنار خیابان و پیاده روها نشسته و ذکر یا الله یا حسین، یا زهرا می گفتند که کاملاً بگوش میرسید. حکام آل سعود به این جنایات اکتفا نکرده شروع کردند به پرتاب گاز خفه کننده و در بعضی از جاها گاز اشک آور گازها را در وسط جمعیت میزدند که مردم از وسط به طرف بیرون فرار کنند و از بیرون جمعیت، باباطوم و شلیک گلوله باعث شهادت و مجروح شدن حجاج میشدند اور دنیا برایم تنگ شده بود انگار دیوانه شده بودم. چشمانم آنچنان متحیر شده بود که انگار در خواب بودم. شعاعهای آخر خورشید داشت از روی شهر کعبه مخفی میشد و میرفت این ب جنایت را با خود برای همیشه بیاد داشته باشد. شاید که خورشید از این منظره آنچنان خشمگین :

و نگران شده بود که طاقت دیدن بیشتر آنرا نداشت و زودتر از همیشه خود را مخفی کرد و شهر را می خواست به حال خود گذارد چرا که هنوز بعضی از شهیدان خجالت می کشیدند در بهم روشنائی روز با معبود خویش وصلت کنند. باخدای خویش راز و نیاز کنند و آخرین کلمات را در این دنیای فانی بزنند.

نمی دانم دلیلش چه بود که دقائق اینقدر سریع میگذشت؟ کمی که حالم جا آمد. مابین شعب ابی طالب و ساختمان اردنیهای کوچک وجود داشت برای مصون بودن از هر سنگ و چوبی خودم را داخل کوچک کردم و مقداری که از سربالائی کوچک جنب شعب ابی طالب بالا و رفتم افراد زیادی را دیدم که مانند من بطرف کوچک هجوم می آوردند و برای حفاظت خود در بد خانه ها را میزدند، در اکثر خانه ها بسته بود. و بعضی که باز بود چند نفر ایستاده بودند و اولین ها سئوالی که میکردند می گفتند ایرانی؟ اگر جواب منفی بود راه می دادند و اگر جواب مثبت بود با یک لحن تند و غضبناک می گفتند روح. روح، در آن لحظه احساس کردم که تنها راهی که برایم باقی مانده اینست که با استفاده از تعداد کلماتی که انگلیسی یاد داشتم خودم را غیر ایرانی معرفی کنم همین که تصمیم گرفتم درب منزل یکنفر را بزنم دیدم که از بالای کوچک تعدادی شرطه سعودی بطرف پائین می آیند و با مشت و لگد هر کس را که سرراشان بود چه و



ایرانی و چه غیر ایرانی از آنان پذیرائی میکردند.

کمی جلوتر در پشت ساختمان اردنیه خرابه ای وجود داشت که ساختمان متروکه ای بود.

به خودم را به زحمت به بالای آن رساندم و در کف خرابه گوشه دیوار دراز کشیدم که از دید شرطه‌ها و ساواکی‌ها مصون باشم. هوا کاملاً تاریک شده بود. چراغهای اطراف خیابانها خاموش و چراغ بعضی خانه‌ها روشن بود. در آنجا تنها چیزی را که میدیدم دیوار نیمه خرابه به آن خانه متروکه بود. که در آن دراز کشیده بودم. تنها راه ارتباط من با بیرون گوشه‌هایم بود که مرا از وضعیت بیرون آگاه میکرد. چند لحظه در فکر فرو رفتم و در حین فکر کردن صدای رگبارهای و متعدد و ندرتا فریادهای کمک و یا حسین زائران دلم را آزار میداد و مرا از تفکر کردن بخود معطوف میداشت لحظه ای بعد صدای تعدادی را شنیدم که درب خانه‌ها را می‌زنند و با فریاد دلخراش می‌گویند ایرانی ایرانی، آری این چنین بود برادر که حتی به منازلی که دلشان رحم هم آمده بود و ایرانیان را در خود پناه داده بود حمله می‌آوردند و پس از اخراج آنها، نمی‌دانم چه بلائی به سرشان می‌آوردند. چرا که فقط صدا بود که می‌توانستم بشنوم.

در آنجا بود که حضرت مسلم ابن عقیل یادم آمد. درب منازل را در کوفه می‌کوفت اما کسی او را راه نمی‌داد. و او سرگردان و غریب در کوچه‌های ناآشنای کوفه می‌چرخید و حال نوبت ما بود که در شهر غریب و دور از وطن به منازل پناه آوریم. در اینجا تنها خدا بود که زنده بودن با شهید شدن را رقم میزد.

بعضی از منازل دلشان به رحم می‌آمد و زائران بیت حق را در خود جای میدادند و حتی از آنان پذیرائی میکردند و بعضی دیگر بجای پذیرائی، به آنها فحش و ناروا نسبت می‌دادند و باچوب و لگد از آنان پذیرائی میکردند لحظات دردناکی بود. پس از چندین دقیقه طاقت نیاوردم که صدای زنان و پیرمردان را بشنوم و من بعنوان یک جوان ایرانی در گوشه ای از شهر غریب مکه مخفی شده باشم. هوا کاملاً تاریک و تنها هلال باریکی از ماه درون آسمان میدرخشید و شاهد جریانات خیابانهای مکه بود و بس، او بود که به تمام خیابانها می‌توانست بنگرد. چرا که در این واقعه هر کس به اندازه دید و وسعت عمل خویش میتواند بخاطر داشته باشد.

خودم را با زحمت از دیوار خرابه به پائین انداختم. منظره، درست منظره آوارگی اصحاب پیغمبر بود و بس. در آن ظلمت شب زنانی را میدیدم در کوچه‌ها پا برهنه و بدون چادر سرگردان و بدون پناه با چشمان معصوم و غربت بار خویش از هر کس که صدای ایرانی را میشنیدند،

پر طلب کمک می‌کردند. این منظره آنچنان در من تأثیر گذاشت که دیگر نتوانستم طاقت بیاورم و به ناخودآگاه کفشهای خودم را در آورده و به یکی از پیرزنان که با پاهای برهنه و خون آلود در کوچه های خاکی و بدون آسفالت و بالای کوههای اطراف مکه قدم بر می داشت تقدیم داشتم. اما او شیرزن بود و من در اشتباه بودم. من در خیال باطلی بودم، او طلب کمک برای هم نجات پاهای خون آلودش را نمی کرد، بلکه تقاضا میکرد که کسی پیدا شود به اوی چادر بدهد. و حجاب خویش را کامل نماید. آری این زنان پیروان زهرا(س) هستند، پیروان و زینب (س) بودند در فاجعه کربلا. از کتک خوردن نمی نالیدند، از بی چادری و بی عفتی هم می نالیدند، خلاصه بعد از اینکه این منظره دوباره مرا سرگردان و مدهوش نمود از پشت به ساختمان اردنیها وارد ساختمان شدم. ساختمان چندین طبقه اردنیها مملو از جمعیت بود اما آرام آرام خود را به خانه هایشان می رساندند. از لابلای ماشینهای موجود در پارکینگ هتل هم خودم را به مجاور خیابان رساندم و حالا میتوانستم دوباره منظره خیابان مسجد الحرام را بینم.

منظره ای که دوباره بسیار جای تعجب داشت.

این بود که از آن بالا- نظاره گر ماشینی بودم از نوع بنزده تن که درون آن پر از چوب و سنگ و آجر پاره بود و برای عمال غیر نظامی سعودی که در پناه شرطهها بطرف زائران بیت الله الحرام سنگ و چوب پرتاب میکردند سنگ و چوب می آورد. اینان قبلاً خود را کاملاً آماده کرده بودند که حجاج ایرانی را کاملاً سرکوب نمایند. و این سندی بود که قبلاً ماشینهائی را آماده کرده بودند تا اگر مزدوران سعودی، سنگ و چوب کم آوردند، آنها را بی نیاز نمایند. بعد از چند ساعت، حدود ساعت ۱۰ شب خودم را به بعثه امام در هتل منصور رساندم. هتل مملو از شهدا و مجروحین بود و فقط ۵ نفر بودیم که از حادثه جان سالم بدر برده بودیم و در داخل هتل قرار داشتیم با آن حالت، خداوند یاریمان کرد و مشغول پانسمن و دلداری مجروحین داخل هتل شدیم.

حدود ده روز است که از جنایت فجیع مکه میگذرد در این مدت حتی یک ثانیه غافل از روز جمعه نبودم و نیستم در هر مکانی که هستیم، صحبت از آن روز است، تمام صحبت حاجیان و بصورتی مربوط به آن روز تاریخی میشود خدایا امسال چه حجی است که ایرانیان انجام هم میدهند؟ حجی آغشته به خون، حجی که حجاج احرام تمتع را به احرام حرب با مشرکان تبدیل کرده اند آنهائی که برای چندمین سفر است به حج مشرف شده اند وقتی پای صحبتشان و می نشینم چیزهائی می شنوم که سرم به شدت درد میکند که از اینهمه تغییر و تحول در حج و

پر امسال، به اینهمه خودسازی و گذشت حجاج به روحیات و افکار حاجیان امسال باید غبطه م خورد. امسال چگونه به عرفات رفتیم. عرفاتی که شوهران همسر از دست داده به تنهایی حج را ادامه میدادند و شاید به نیابت از همسر شهیدشان شب را به صبح رساندند در آنجا زنانی را می میدیدم که مانند باران بهاری از فراق شوهرانشان گریه میکردند نه، نه برای از دست دادن و همسرشان بلکه فقط برای آن گریه میکردند که چرا خدا آنان را انتخاب نکرده که عرفات عشق سر کوی یار باشد.

وقتی زیارت عرفه حضرت ابی عبدالله حسین(ع) را در روز عرفه می خواندم چشمم به بعضی از معانی کلمات حضرت میافتاد و بلافاصله صحنه روز جمعه خونین جلوی چشمانم ظاهر میشد ظهر روز عرفه در بیابان عرفات صحرای محشر بود ولی چه محشری، محشری.

هم واقعی از مظلومیت و حقانیت خون زنان و مردان حق جو و حق طلب در حرم امن خدا. هرکس در گوشه ای از چادرهای سرزمین عرفات نشسته و سر در گریبان فروبرده بود و با خدای خویش راز و نیاز میکرد اما نه راز و نیاز برای رسیدن به زندگی مرفه و آسوده، نه برای امرار معاش بعد از و انجام حج، نه برای شفای خود و اقوام خویش، نه برای چیزهای اندک و سهل. بلکه با چشمان و گریان با خدای خود عهده میکرد که حافظ خون شهیدان مظلوم و غریب مکه باشد دعا برای شفای آنانی که سه روز پیش در زیر بارانی از سنگ و چوب و آهن در مکه سر و دست و پا نثار م کرده بودند، برای آنانی که با چرخهای خونین خود با حالتی عاشقانه احرام بسته و به عرفات آمده بودند.

برای شفای آن مردان و زنان که روی تخت آمبولانس در روز عرفه از دست حکام سعودی شکایت داشتند، آری برای مظلومیت حرم امن خدا گریه میکردند، چقدر زیبا بود آن لحظات ظهر روز عرفه، مجروحین روز جمعه خونین، با لباس احرام به میقات عشق آمده بودند. آمده بودند که دنیا بگویند که مائیم وارثان واقعی حج ابراهیم خلیل الرحمن، مائیم وارثان واقعی حج ائمه اطهار و حسین ابن علی سلام الله علیه. به هر ترتیبی بود، با صورتی بانداپیچی شده..

دستی آویزان بگردن، و با عصائی در زیر بغل دو حوله سفید آغشته بخون اما پاک و منزّه از هر آلودگی را به تن کرده بودند شاید بعضی از آنان فکر میکردند که حکام سعودی هنوز قصد.

کشتار را دارد و بایست برای شهید شدن آماده بود چرا که از گوشه و کنار صحبتها اینطور - می فهمیدم که همه و همه قبل از اینکه وارد سرزمین عرفات شوند ابتدا غسل شهادت کرده و بعد غسل حج تمتع را بجا آورده اند.

علمای شیعه میگویند که سرزمین عرفات، از مکانهایی است که اگر با خلوص قلب آمده باشی میتوانی امام زمان (عج) را بینی . آری من میتوانستم قسم بخورم که آنان امام زمان خو را دیدند و دستان شکسته و سر و صورتهای باندپیچی شده خود را به او نشان دادند و از او طلع تقاص کردند از امامشان پرسیدند چرا باید شیعه اینقدر مظلوم باشد که نتواند در حرم امه خداوندی کلمه توحید را بر زبان آورد. کلمه براءت از غیر خداوند را کلمه لا-حول ولاقوت الا بالله را، اما در مشعر و میقات دیگری از عشق به معبود آن شب حزن و اندوه بود. وی وقتی که صحرای عرفات را ترک کردیم با آنهمه خاطره، بایست تا طلوع فجر در صحرا مشعر می ماندیم شبی که فرشتگان خدائی ، لحظه ای غافل نبودند از اعمال حج ایرانیان، و کلمه «حجهم مقبول و سعیم مشکوره بر زبانشان جاری بود و هر کس در گوشه ای از صحراوم مشعر در آن بیابان ظلمانی و در آن تاریکی شب کلمه وصل را بر زبان جاری داشت شاید بعضیها از خداوند شکایت میکردند که «مگر مالیقت وصل تورا نداشتیم که زودتر از این خود را منزله و پاک کرده و اسم خود را جزو اولیاء الله و شهدا ثبت نمائیم، از آنجمله خود من که دله آنچنان گرفته بود که زبانم لال شده و فقط میتوانستم با چشم، حرف دل خود را به خدای خویش بزنم. خدایا چه شبها که برای حراست از نوامیس مسلمین و اطاعت از رهبر و دفاع مقدس از کشور ایران در مناطق عملیاتی بسر بردم چه دوستانی را که سر آنان را در لحظه شهادت بدامه گرفتم و از آنان طلب مغفرت و شفاعت کردم. چه مکانهای مقدسی که اولیائت آنجا شهید شده و این بنده سراپا گناه و تقصیر پای بر آن مکان گذاشته است چه سختیها و مشکلاتی را برای رضای تو تحمل کرده ام اما همه و همه برایم اینقدر سخت و طاقت فرسا نبود که در رونو جمعه خونین، آن مناظر جنایت، از جلوی چشمانم گذشت.

در مناطق عملیاتی جبهه ، شهدای فراوانی را دیده بودم بدنهای بدون سر، بدنهای پاره پاره شده بوسیله خمپاره و موشک، بدنهای بدون دست و پا، شکمهای دریده بوسیله تیرصدامیان خائن و مزدور، اما همه یک طرف و آن منظره زن مظلوم و معصوم و غریب درخون غلطیده مکه در طرف دیگر کاش نمی بودم و آن لحظه جنایت را نمی دیدم آری حتماً خداوند دارد مر آزمایش میکند که همان ای جوان ایرانی ، وای وارث خون شهداء ، وای ناظر مظلومیت شهن مکه ، بین که وارثان ابوسفیان چه بر روز مسلمانان آوردند و چه خونهای ناحقی در سرزمی مقدس ریختند خلاصه چه بگویم و از کجا بگویم و چگونه بگویم، آن احساس جنایت و هابیه ملحد و کافر مکه را .

بعد از مشعر، طلوع آفتاب بطرف مسلخ عشق منی روان شدیم. منی قربانگاه حاجیان، هم آنجا که باید برای رسیدن به کمال اطاعت از ابراهیم خلیل الرحمن و تقلید از نماینده او امام خمینی بت شکن داشته باشی این درخت تازه و نونهال اسلام را پاسداری کنی اما حاجیان ما، زودتر از وقت مقرر خون ریختند، به خون گوسفند اکتفا نکردند، خون خود را برهم روی سنگفرشهای مکه جاری ساختند که کلمه لا اله الا الله بماند و کلمه وحدانیت رسول اکرم کم چیزی بجز برائت از غیر خدای سبحان نبود و نیست برای همیشه زنده و پابرجا باشد، حاجیان امسال زودتر از وقت تعیین شده خود را مهیای رسیدن به معبود کردند کلمه الیهک اللهم لییک، لییک لا- شریک لک لییک را برای همیشه و در طول زمانهای آینده باخون قرمز خویش آراستند که در مسلخ عشق جز نکو را نکشند، روبه صفتان زشت خورا نکشند. از سرزمین مشعرتا منی کیلومترها راه بود کاروان ما قرار شد پیاده حرکت کند در طول راه مناظر آنچنان تاریخی است که باید مورخین بنویسند، همانطوریکه حاجیان سال ۵۶۱ ق. حج حسین بن علی (ع) را سینه به سینه نقل کردند حاجیان سال ۱۴۰۷ ه. ق نیز باید این فاجعه را سینه به سینه به فرزندان خود نقل کنند تا برای همیشه بماند که حکام آل سعود چه جنایتی را مرتکب شدند و چگونه حرمتی حرم را شکستند.

در بین راه مشعر نامنی، پلیسهای سعودی ایستاده بودند و با ماشینهای آخرین سیستم جلوی کاروانهای ایرانی رژه می رفتند. نمی دانم چه خیالی داشتند شاید میخواستند که ما را بترسانند که در بین راه شعار علیه غیر خدا را ندهیم! شاید میخواستند کمال بردگی و اسارت خود را بنمایش بگذارند که ما غلامان حلقه بگوش آمریکائیم اما در کمال تعجب میدیدند که حجاج محترم ایرانی با کمال متانت و وقار خاص خود بدون هیچگونه نگرانی و ترس شعار میدادند و خدای خود را صدا میزدند و با شعارهای لا اله الا الله و الله اکبر، لاحول ولاقوه الا باشیم به این سرزمین ملکوتی عظمت خاصی می بخشیدند.

سعودیها نمی دانند که ایرانیان در نمازهایشان از خداوند آرزوی شهادت را دارند، نمی دانند که اگر فرزند خانواده ای شهید شود روز بعد فرزند بعدی را به میدان میفرستند نمی دانند که در شب عملیات برای زودتر رسیدن به معبود از یکدیگر سبقت میگیرند، آنجا بود که با خدای خود عهد کردم که اگر توفیق داد و به ایران برگشتم. جزو اولین کسانی باشم که در جنگ احتمالی خلیج فارس اسلحه بدست گرفته و در پیشاپیش سلحشوران بسیج بجنگم. و آنجا بود که تصمیم مبارزه بر علیه وهابیت را تا آخر عمر گرفتم. آنجا بود که لباس رزم به

آمریکا و آل سعود را بتن کردم و اگر خداوند یاریم کرد هیچگاه از تن بیرون نخواهم آورد انشاء الله .

آیا شاه سعودی میخواهد ما را بترساند که دیگر جبهه نرویم؟ یا آنکه میخواهد در جلوی ما قدرت نمائی کند فهد لعنت الله علیه چگونه فکر میکنند؟ ما آنروزی که از شکم مادرانمان چشم بدنیا گشودیم. رهبرمان فرمود: «اینان حامیان اسلامند، اینان حامیان واقعی حسین (ع) و هستند». آری آنجا بود که مادرانمان ما را هدیه به اسلام کردند آنجا بود که مادرانمان به ه خداوند گفتند. «خدایا فرزندانمان را جزو جندالله قرار ده». و انشاء الله اینطور است و خواهد بوم بود.

اگر تا آنروز هنوز فکرم، فکر مصالحه با اعراب وابسته و مرتجعین عرب بود. دیگرنا هم آخرین ثانیه عمرم هیچگاه چنین فکری را نخواهم کرد و برای همیشه از ذهنم اینرا پاک کردم که او ما بتوانیم با آمریکا و یا فرانسه و یا انگلیس و یا هر قدرت بیگانه و خارجه، طرح دوستی و و به همکاری بریزیم. خدایا تو شاهد باش که جوانان ایران چگونه ندای «ولی ، تو در روی زمین را لولویک گفتند. خدایا مرا ثابت قدم گردان که شایستگی حفاظت و حراست از خون شهداء جمعه» خونین را داشته باشم.

آل سعود بداند که اگر تا قبل از جمعه خونین در ایران کسانی بودند که فکر دوستی با او را داشتند، دیگر هیچکس باقی نمانده، و با این عمل ننگین خود، جوانان ایرانی را بیشتر شیفته ها مبارزه کرد، اگر راست میگوید و میخواهد قدرت نمائی کند، بیاید خلیج فارس تا بگویم که بسیجیان چه کسانیند!!! بسیج مهد شهید است و هر روز که یکی از آنان شهید شود دیگری با مصمتر و قویتر خواهد شد.

حکام سعودی باید بداند که اگر در روز جمعه خونین و روزهای بعد از آن، جوانان ایرانی .

هیچ عکس العملی را از خود نشان ندادند بجز خون جگر خوردن و سکوت و در آن روز همیشه با زنده، عوامل کثیف استعمار از جمله پلیس مصر، کویت و عراق و در راس آنها پلیس ...

فاشیست سعودی دست به دست هم دادند و در جلوی چشمان جوانان ایرانی ، زنان معصوم و بر بی گناه و پیرمردان سالخورده را به رگبار مسلسل بستند و جوانان بجز جمع آوری جنازه های بنا مادران و همسران خود کار دیگری انجام ندادند. فقط دو دلیل داشت. اول آنکه آنجا حرم امن خدا بود و اگر هزاران نفر از ما آنجا کشته میشد به احترام حرم خدائی هیچ نمی گفتیم، چراکه ما مسلمان واقعی و پیروان راستین حضرت رسول اکرم (ص) هستیم. دوم، اطاعت از اوامر

ولی فقیه و رهبر عظیم الشان اسلام و تشیع حضرت امام خمینی بود که بحق نایب حضرت ولی عصر امام زمان (عج) روحی لمقدمه الفدا است. که به ایرانیان فرمودند: «آرامش خود را حفظ و می کنید و هیچ عکس العملی را از خود نشان ندهید. و گرنه مرتجعین منطقه بدانند این جوانان با دستان خالی آنها را تکه تکه می کردند و در جده و ریاض، کاخ حکام جور سعودی را بر سرشان خراب می کردند. آری در ذهن جوانان ایرانی آیه اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم برای همیشه حک شده است و هیچگاه بدون اجازه ولی امر خود حتی آب نخواهند خورد چه برسد به مبارزه در حرم امن خدائی .

امروز عید قربان است، بایست گوسفند کشت و سپس سر خود را تراشید، اما حاجیان ما، و هم بجای گوسفند کشتن خود را شهید ساخته بودند و بجای سر تراشیدن، سر خود را نثار کرده به بودند که حج واقعی اینست و غیر این نیست. امروز عید است و باید شادی کرد اما عیدی باقی نمانده است. با آنهمه شهید و شهیده چگونه میتوانیم شادی کنیم. چگونه میتوانیم جشن و بگیریم. تکلیف سکوت و آرامش است و بس، شبی که در منی مستقر بودیم در اطراف به خیمه های ایرانیان، بخصوص کاروان خودمان دیده بانی می کردیم. چرا که از طرف بعثه و گوشزد کرده بودند که شاید حکام سعودی خیالهای واهی دیگر داشته باشند و شاید مشکلاتی از قبیل آتش سوزی را در منی درست کنند و آنرا بگردن ایرانیان بیاندازند. به همین دلیل اکثر جوانان و افراد نیرومند و هوشیار ایرانی با کمال دقت و ظرافت افراد را تحت نظر داشتند.

هر روز دهم ذالحجه، کاروانها دسته دسته برای رمی جمره عقبه به آنجا میرفتند و در طول مسیر و به آل سعود و آل صباح و صدام لعنت می کردند. وقتی آنها سنگها را بطرف شیطان بزرگ پرتاب می کردند تمام کینه و دشمنی خود را نسبت به وهابیت بیاد می آوردند، حاجیان ایرانی پاک و منزّه شده بودند از هر آلودگی دنیوی، همه ذکر خدا میگفتند و با چشمان گریان برای شهیدان طلب و رحمت و مغفرت می کردند بخصوص شهدای جمعه خونین مکه، اعمال حج روز سیزدهم ذالحجه تمام شد. با تمام مشکلات و غریبی ها و سختیهای طول راه و کارشکنیهای سعودی و عمال آن در امر غذا رسانی و آبرسانی کاروانهای ایرانی در مدت اقامت در مکه.

بعد از فاجعه خونین، رئیس کاروانها و معاونین آنها کارشان چند برابر شده بود چرا که هم سعودیها بر سر مسائل کوچک، ایراد میگرفتند و کارشکنی می کردند و نمیگذاشتند بطور عادی آب و مواد غذایی در کاروانها پخش شود. مثلاً تانکرهای آب ساختمان را در وقت مقرر آب نمی کردند. در نتیجه ایرانیان ساعتها بدون آب در ساختمان بسر میبردند. یا ماشینهای غذایی م

کاروانها را بر سر مسائل کوچک و پیش پا افتاد توقیف میکردند. یا عدم اجازه حجاج ایرانی برای و تلفن زدن به ایران و بخصوص تهران که باعث نگرانی کل خانواده در ایران بود. با اضافه و گرفتن پول برای تلفن زدن به ایران، آنهم با هزار خواهش و اصرار، تازه اگر در هتل محلّ و استقرارمان تلفن وجود نداشت، و اینکه درب آسانسورها را می بستند و میگفتند آسانسور خراب است و حجاجی که مسیر طولانی بین حرم تا هتل را بسختی آمده بودند مجبور بودند چندین طبقه را از پله ها بالا بروند. البته باید یادآور شد که برای جوانان هیچ مسئله ای نبود. اما برای پیرزنان و پیرمردانی که سالخورده بودند و اکثر حجاج را تشکیل میدادند امر بسیار طاقت فرسائی بود و یا اینکه اتوبوسهای مسیر راه ایرانیان را کم کرده بودند و آنان مجبور بودند در آن و هوای گرم بصورت فشرده و طاقت فرسا، با ازدحام فراوان سوار اتوبوس شوند. و شاید دهها دقیقه در زیر آفتاب سوزان عربستان برای سوار شدن به اتوبوس صبر میکردند. تمام این قییل مشکلات را با کمال خونسردی و متانت سپری کردیم. حاجی واقعی شده بودیم و باید بازیمت قبر رسول اکرم (ص) و زیارت اهل قبور بقیع حج را کامل میکردیم.

در مدینه در روز ۱۶ ذالحجه برابر با ۲۰ مرداد ماه، آخرین روز است که در مکه هستیم و شاید این آخرین حج ما باشد که خداوند سعادت آنرا نصیب حجاج سال ۶۶ کرده است از آینده هیچ خبری نداریم و نمی دانیم حج سال آینده چطور برگزار خواهد شد رئیس کاروان آقای ایرانپور اعلام کرد که ساعت ۸ شب بطرف مدینه حرکت خواهیم کرد همه خودشان را برای مسافرت بطرف مدینه آماده میکردند آخرین زیارت خانه خدا را با شور و حال مخصوصی انجام دادیم زیارت وداع ما، مانند زیارت وداع علی ابن الحسین (ع) بود در طواف آخرباخدای خویش عهد کردم که تا تقاص خون مظلومان حج امسال را نگیرم لحظه ای آرام ننشینم تا امروز حتی و و یک ریال از ارز خود را خرید نکرده ام چرا که اصلاً پاهایم بطرف مغازه ها کشیده نمی شود دلم هم راضی نیست از کسانی که بر روی هم وطنانم سنگ و چوب پرتاب کرده اند جنس خریداری نمایم هر چند که از لحاظ شرعی هیچگونه منعی وجود نداشت خیلی از حجاج دیگر نیز خرید را تحریم کرده بودند.

اما در این میان عده ای از منافقان و دورویان که در همه اقشار و در همه اعصار بوده و هستند، اعمالی را انجام میدادند که باعث سرشکستگی ما میشد منافقانی که دل علی ابن ابیطالب (ع) پی را در مدینه خون کرده بودند و مولا علی (ع) درددل خود را به چاه میگفت حالا همان منافقان دل و



امت علی (ع) را خون کردند و آنها شکایت خود را نگه داشتند تا در مدینه به پیامبر اکرم بگویند آری اکنون معنای جمله «منافقان از کفار بدترنده را می فهمم کارشکنیها و اختلاف انداختن بین حجاج ایرانی از اعمال اصلی آنها بود برای نمونه هرروز در یک کاروان شنیده میشد که نمی گذارند به مدینه برویم یا از همه بدتر بعد از فاجعه، با اعمالی باعث بی آبرو کردن حاجیان ایرانی می شدند مثلاً در بازارهای مکه می گشتند و چند کیلو پسته و با انگشتر و یا تسبیح در دست میگرفتند و با صدای بلند تقاضای خرید میکردند حتی بعضی از مردم مکه به آنها میگفتند بگذارید خون حاجیان شما خشک شود بعد بیاید و خرید و فروش کنید این اعمال خلاف عرف و انسانیت باعث شده بود عده کثیری از حاجیان حتی لوازم مایحتاج خود را خرید و هم نکنند حتی چند نمونه از این منافقان در شکنجه و اذیت و آزار و بازپرسی شرکت کرده و با کمال ۴ بی شرمی هم وطنان خود را به زیر کتک و مشت و لگد قرار میدادند و میگفتند که پاسداری؟ بسیجی هستی؟ چرا به مکه آمده ای؟ شغل چیست؟ به امام خمینی) فحش بده!! بگو که و جبهه رفته ای یانه؟ منافقان ایرانی در کمال بی انصافی و نامردی باحکام جور سعودی همکاری میکردند که این عمل هم ریشه بودن آنها را بیان میکرد که سگ زرد برادر شغال است.

ساعت ۸ شب طبق قرار وارد هتل محل استقرارمان شدیم ۴ دستگاه اتوبوس جلوی ساختمان آماده بودند، شام بسیار مختصر و یک ساندویچ بیش نبود، کسانی که وسائل خرید بودند مشغول بار زدن اثاث خود بودند دوتا از راننده های ترکیه و دوتای دیگر عرب مصری بودند همه آماده بودند برای حرکت ابتدا راننده های ترک مانع بار زدن ساکهای دستی حاجیان شدند و می گفتند که ما حرکت نمی کنیم با هزار زحمت و مشقت آنها را اراضی کردیم که اینها ساک دستی هستند و هر اتوبوس طبق قرارداد ۲۵ کیلو بار مسافر را باید حمل نماید حدود ۳ ربع مشغول جروبخت با آنها بودیم. چند دقیقه رئیس کاروان با آنها صحبت کرد و سپس به ترتیب حاجیان دیگر بازیان و خواهش آنها را راضی کردند که هر چه زودتر حرکت کنیم که مسیر بین مکه و مدینه را در شب طی کنیم و از گرمای روز راحت باشیم بالاخره ساعت ۹ شب آنها راضی شدند. باید یادآور شوم که دوتای دیگر ماشینهای مصری همراه کاروان ما ماشینهای دیگر حجاج غیر ایرانی مملو از بار بود. و راننده های آنها کوچکترین اعتراضی نمیکردند و پ راننده های ترک دنبال بهانه می گشتند حالا از دست راننده ترک راحت شده بودیم که گرفتار □ راننده های عرب مصری شدیم. آنها می گفتند که چون شما یکساعت ما را علاف کرده اید و و از وقت مقرر در قرارداد گذشته است ما حرکت نمی کنیم. حدود نیم ساعت نیز گرفتار جرو و

بحث با آنها بودیم . تا اینکه قرار شد به مراکز اتوبوسها برویم و با شرکت حمل و نقل جمیل و خوقیر و شرکاء دوباره قرارداد بسته و تکلیف خودمان را روشن کنیم. راننده های اتوبوس ۱۶۰ نفر حاجی را دورتادور شهر می گرداندند تا اینکه بالاخره بعد از دو ساعت حدود ساعت ۱۱/۳۰ بود که به مرکز حمل و نقل جمیل خوقیر و شرکاء رسیدیم و چندین دقیقه نیز آنجا علاف و سرگردان شدیم. مسئله تاخیر در حرکت برای شرکت روشن شد و چهار اتوبوس و ساعت ۱۲ شب آماده حرکت شدند قبل از حرکت رئیس کاروان آقای ایرانیپور طبق روال همه هم ساله به تعداد افراد هر اتوبوس گذرنامه پخش کرد و قرار شد هر چهارتا اتوبوس با هم حرکت هم کنند که اگر در بین راه مسئله ای پیش آمد مسئولین کاروان آنرا حل نمایند.

هم از چهار اتوبوس موجود، ۲ تارا زنها سوار شده بودند و ۲ تارا مردها. در اتوبوس اول زنها، هم رئیس کاروان نشسته بود و در اتوبوس دوم زنها، یکی از خدمه کاروان بعنوان راهنما انجام هم وظیفه می کرد. قرار شد دو اتوبوس زنها در جلو و دو اتوبوس مردها دنبال آنها حرکت کنند.

باهر مکافاتی که بود اتوبوسها حرکت کردند راننده یکی از اتوبوسها گفت که من اتوبان مدینه را خوب بلد هستم و سه تا اتوبوس دنبال من حرکت کنند و همینطور شد. اما چشمتان روز بد نبیند بعد از ۳۰ کیلومتر که در یک اتوبان نامعلوم حرکت کردیم. معلوم شد که ما در اتوبان مکه. جده .

هستیم باید دوباره به مکه برمی گشتیم و مسیر راه مکه مدینه را می پیمودیم. حالا ساعت یک .

شب بود و هنوز ما در مکه بودیم . دوباره در خیابانهای مکه بدنبال راه مدینه می گشتیم. اتوبوس هر رئیس کاروان را نیز گم کرده بودیم و سرگردان و ناوارد در شهر غریب اینطرف و آنطرف می رفتیم. با این در به دری و آوارگی مشکل جدیدی بوجود آمد و آن این بود که در اتوبوسی که من سوار شده بودم یکی از برادران حاجی که در اثر ازدحام جمعیت روز جمعه خونین به درد کلیه مبتلا شده بود بر اثر گرمای داخل اتوبوس شروع به بی تابی کرد. و درد کلیه ایشان عود نمود. و مانند مار به خود می پیچید. گاهی وسط اتوبوس راه میرفت گاهی می نشست و تمام حاجیان داخل اتوبوس متوجه درد کلیه ایشان شده بودند. چون هوا گرم و کمی شرعی بود به راننده اتوبوس ما که مصری بود گفتم که کولر ماشین را روشن کن تا کمی از حرارت موجود در داخل اتوبوس کاسته شود ابتدا او بی محلی میکرد و به خواهش حاجیان اعتنا نمیکرد. وقتی که خیلی اصرار کردیم . پنکه ماشین را روشن نمود . گرمای داخل اتوبوس کمی کمتر شد. ولی مجبور بودیم شیشه های اتوبوس را باز کنیم . تا باد شرعی به سر و صورتمان بخورد. بعد از نیم و ساعت که از مکه بطرف مدینه حرکت کرده بودیم به محل تفتیش پلیس رسیدیم. صف تو را بر هم که با هم ب

اتوبوسها بالغ بر دو کیلومتر میشد. در آنجا اتوبوس رئیس کاروان را پیدا کردیم، آقای ایرانپور به ما گفت: پلیس سعودی میگوید که تمام گذرنامه های شما باید چک شود. این قانون فقط هم مخصوص ایرانیها بود. اتوبوسهای حامل حجاج غیر ایرانی با نشان دادن یک برگ و مهر کردن گذرنامه هایشان میتوانند با چند دقیقه معطلی ادامه مسیر دهند ولی اتوبوسهای حامل ایرانیها باید حداقل یک ساعت آنجا معطل شوند تازه اگر کسی آنجا پارتی یا آشنائی پیدا میکرد. وگرنه باید چند ساعت آنجا معطل میشدند و بعد ادامه مسیر میدادند. شانس کاروان ما این بود که یکی از پلیسهای آنجا با رئیس کاروان که سالها به مکه آمده بود آشنا در آمده و کار بازدید و چک کردن گذرنامه ها حدود یک ساعتی طول کشید و دوباره چهار تا اتوبوس بطرف مدینه حرکت کردند. قبل از حرکت مجدداً رئیس کاروان تمام اتوبوسها را جمع کرده و به تک تک راننده ها تذکر داد که هر چهار تا اتوبوس باهم حرکت کنند. و از یکدیگر سبقت نگیرند تا اگر دوباره مسئله ای پیش آمد همه کاروان با هم باشند.

با سلام و صلوات بعد از سپری کردن اینهمه علافی و سرگردانی حالا- تازه اول اتوبان مکه مدینه بودیم. باید مسیر ۴۵۰ کیلومتری را طی میکردیم. اتوبوسها آرام آرام مسیر راه را طی و میکردند ساعت دو بامداد را نشان میداد. چه خاطراتی را پیامبر از این راه داشت. چه سختی هائی را پیامبر و اصحاب با وفای او تحمل کرده بودند تا دین مبین اسلام بدون هیچگونه نی به من و تو ای برادر رسیده است.

حالا باید من و تو این سختیها را دنبال کرده تا به نسلهای آینده، اسلامان را منتقل کنیم.

چه تشنگیها و گرسنگیهای را حضرت سیدالشهداء(ع) و اهل بیت عصمت و طهارت در این راه کشیده و با کمال متانت و رضایت آنرا تحمل کرده بودند. چه خونهای که در این مسیر برای استقرار کلمه لا- اله الا الله ریخته شده است. چه بسیار اصحابی که در این راه شکنجه شدند و تو خون خود را در طبق اخلاص گذاشته و بی نام و نشان شهید شدند، تا حالا دین رسول اکرم به ما رسیده است و اکنون من و نوای حاجی با تقدیم ۴۰۰ شهید و هزاران مجروح این مسیر را داریم طی میکنیم و با خیال راحت برای زیارت قبر حضرت رسول اکرم محمد مصطفی (ص) در حرکتیم.

چه سعادت نصیبمان شده بود، باید به مدینه میرفتیم و شکایت خونهای به ناحق ریخته شهیدانمان در مکه را به پیامبر مان میکردیم، بعضی از افراد داخل اتوبوس از خستگی خوابیده بودند بعضی دیگر داشتند ذکر می گفتند. ومن طبق کتابهایی که قبلا خوانده بودم در فکر فرو

رفته و تاریخ را مرور می‌کردم. و گهگاهی به مسیر راه اتوبان نگاه می‌کردم و چند لحظه بعد به راننده اتوبوس که خوابش نبرد. هنگامیکه احساس خواب کردم مشغول صحبت کردن دست و پاشکسته عربی با راننده مصری شدم تا خوابم نبرد. بعضی از حقائق کشور و مردمان و جزئیات فاجعه مکه را برایش گفتم. وقتی به او گفتم که پلیس سعودی بر روی حجاج تیراندازی نموده است. با کمال تعجب به من نگاه می‌کرد و انگار حرف غیر مترقبه ای را برایش گفته ام.

تبلیغات مسموم و دروغ سعودی آنچنان وسیع بود که هیچکس باور نمی‌کرد که حجاج ما را به گلوله به شهادت رسانده اند. او بمن گفت مگر شما نمی‌خواستید خانه خدا را خراب کنید؟ مگر شما به مرکز پلیس حمله نکرده اید؟ و هزاران دروغ محض دیگر که روبه صفتان سعودی باهم استفاده از رادیو تلویزیون و جراید به خورد مردم بی سواد و ساده لوح داده بودند، و من برای تکه تکه سئوالاتش پاسخ مناسب داشتم. اما بازبان الکن و دست و پا شکسته عربی چگونه می‌توانستم حقائق را برایش روشن کنم. آنجا فهمیدم که انقلاب ما چقدر مظلوم است. هم و چگونه حقائق این انقلاب را معکوس به جهانیان مخابره میکنند و چگونه ذهن مردم عوام دنیا را بر علیه ما مسموم کرده اند و باید بدانیم که تبلیغات سراسر کذب و دشمنیهای آنان هر روز از روز پیش بیشتر و بیشتر میشود.

خفاشان شب پرست دنیا نمی‌گذارند نور صبح صادق به جهان بتابد و دنیا از منجلا ب جهل و فساد و تباهی نجات یابد چرا که اگر حقائق این انقلاب به سلامت بدست شیفتگان پویندگان عدالت برسد. کاخ ظلم و ستم بر سر کاخ نشینان ویران خواهد شد. آنها از هر لحظه فرصت استفاده خواهند کرد و در صدد ضربه زدن از لحاظ نظامی، اقتصادی، سیاسی و ازهم همه مهمتر از لحاظ عقیدتی و مکتبی، به این انقلاب هستند. برادر حالا- تکلیف من و تو چیست؟ چگونه باید عمل کنیم؟ چگونه باید حقائق را برای مردم دنیا بازگو کنیم؟ چه مسئولیتی به گردن من و تو نهاده اند؟ آیا خداوند روز قیامت ما را تویخ نخواهد کرد؟ آیا پیامبر اکرم از من و تو سؤال نخواهد کرد که چرا صدور انقلاب نکردید؟ آیا حضرت سیدالشهداء در صحرای محشر جلوی من و تو را نخواهد گرفت؟ این سئوالها را باید بنشینیم و برایش پاسخ پیدا کنیم. خوشا بحال کسانی که تکلیف خود را بخوبی شناختند و به آن عمل کردند و بقوله مرحوم دکتر شریعتی: «آنها که رفتند کار حسینی کرده اند و آنها که ماندند باید کاری زینبی کنند».

با هر مصیبتی که بود با تلاش و فکر زیاد مقداری از حقائق را برای راننده بازگو کردم و اهو

کمی قانع شد. بر روی تابلویی که در سمت راست اتوبان نصب شده بود و علامت «مدینه ۲۵۰ کیلومتر به چشم میخورد. سکوت داخل اتوبوس شروع شد. راننده در فکر فرو رفته بود هم شاید با خودش فکر میکرد که آیا حرفهای این جوان ایرانی راست است یا حرفهای رادیوها و و تلویزیون و جراید دیگر کشورهای عربی. نمیدانم چه فکر میکرد اما این را بوضوح میتوانستم بینم که بعد از گفتگوی بین من و او، تعداد سیگارهائی که می کشید بیشتر شده بود و دائما همسرش را می خاراند. و بعضی اوقات با نگاههای تعجب آمیز به من نگاه میکرد، خدا میداند که او چه فکر میکرد و چگونه حقائق را بررسی میکرد.

وقتی من کمی آرام گرفتم متوجه شدم که سه تا از اتوبوسها را گم کرده ایم و اتوبوس ما تنها هم در اتوبان حرکت میکند. وقتی علتش را از راننده سؤال کردم با حالتی مخصوص اظهار بی اطلاعی کرد. حال اتوبوس مانک و تنها مسیر راه بین مکه و مدینه را می پیمود. گاهی آرام و گاهی با سرعت حرکت میکرد. لحظات همچنان با تندی می گذشت. چشمانم از بی خوابی درد گرفته بود. نمی توانستم بخودم اجازه خوابیدن بدهم. چرا که من بغل دست راننده نشسته بودم. و می ترسیدم او نیز با من بخوابد. و جان ۴۵ مسافر اتوبوس در خطر باشد. رادیو را روشن کردم تا کمی از حالت بیخوابی فارغ شوم. اما به محض روشن کردن دیدم زن خواننده ای مشغول خواندن ترانه است. بلافاصله خاموش کردم.

کشوری که ادعای مسلمانی میکند. در ایام مراسم حج، ترانه های مبتذل از رادیو پخش میکند. چگونه مسلمانان دیگر کشورها به او خادم الحرمین بگویند! خادم الحرمین که دستش به خون حجاج آلوده است. خادم الحرمینی که کذب و افتراء و تهمت به آسانی و بدون هیچگونه پروائی میگوید. خادم الحرمینی که بجای رساندن احادیث و حقائق اسلام، آهنگهای مبتذل از مراکز صدا و سیمایش پخش میشود، خادم الحرمینی که بجای متوجه ساختن مسلمین به خطر اسرائیل غاصب، ایران اسلامی را محکوم میکند و حجاج این کشور رسول الله را به خاک و خون میکشد. چگونه خادم الحرمینی است؟ به گفته امام عزیزمان رخائن الحرمین» هستند اینها، حرمت حرم را شکستند اینها جنایتی کردند که حتی یزید و معاویه مرتکب آن نشدند. خیانتی که حتی اصحاب فیل تن به آن ندادند حالا آنها خودشان را رسوا کردند و معلوم گردید که چگونه تبلیغ اسلام میکنند و ندای اسلام دروغین سر میدهند همانطور که خوارج نهروان سر میدادند.

شفق، سیاهی شب را دریده بود و آرام آرام صبح نزدیک میشد. هنوز اتوبوس ماتک و تنها

مسیر راه را می پیمود. حدود سه ساعتی بود که در راه بودیم و هنوز ۲۰۰ کیلومتر از مسیر باقی مانده بود، حالا همه از خواب بیدار شده بودند و در اتوبوس با یکدیگر صحبت میکردند.

پدرم که مسئولیت روحانی کاروان را بعهده داشت در اتوبوس ما بود. پس از اینکه از خواب .

بیدار شدند به راننده گفتند که کنار یک قهوه خانه بایست تا حاجیان نمازهایشان را بخوانند چرا که اگر در بیابان باشیم دستشویی وجود ندارد و آب نیز بحد وفور موجود نیست ساعت ۵ بامداد بود که کنار قهوه خانه ای اتوبوس ایستادهمه حاجیان نماز صبحشان را خواندند. و منتظر حرکت شدند. راننده ابتدا گفت که من خسته ام و باید کمی استراحت نمایم. او رفت و حدود یک ساعتی استراحت کرد. پدرم و دیگران که کمی عربی بلد بودند به راننده گفتند که زودتر حرکت کنیم تا هوا بسیار گرم نشده به مدینه برسیم و کمتر گرمای مزده شویم. دوباره راننده گفت که من گرسنه ام باید صبحانه بخورم. حجاج کاروان قبول کردند که یکربع نیز بخاطر صبحانه راننده منتظر باشند. اما مگر این یکربع به سر آمد. خیر! حدود یکساعت و ربع صبحانه خوردن ایشان طول کشید.

ساعت ۷/۱۵ دقیقه صبح روز ۲۱ مرداد ماه برابر ۱۸ ذی الحجه است آفتاب کاملاً بالا آمده و هوا کم کم رو به گرما میرود حاجیان سوار اتوبوس شده اند و اتوبوس تک و تنها در مسیر و اتوبان قرار گرفته است، هنوز سه اتوبوس دیگر کاروان معلوم نبود که جلو بودند یا عقب هیچ خبری از آنها نداشتیم اتوبوس آرام آرام مسیر راه را طی میکرد بعضی حجاج که مسن بودند احساس بی تابی میکردند ۱۱ ساعت در اتوبوس هنوز به مقصد نرسیده ایم، ۱۵۰ کیلومتر دیگر باقی است تا به مدینه برسیم.

ساعت ۹/۳۰ دقیقه بود که به محل تفتیش مدینه رسیدیم یک صف طولانی اتوبوس سمت راست جاده را پر کرده بود فقط اتوبوسهای ایرانی بودند که باید در صف باقی می ماندند یک ساعت در صف اتوبوس ایستادیم حدود ۳۰۰ متر جلورفتیم راننده اتوبوس بدون اجازه از صف خارج شد و به خیال خود آمد که مقداری زودتر جلو برود که بلافاصله ماشین پلیس سعودی با بلندگو اعلام کرد که ماشین سبز رنگ برگرد آخر صف راننده اتوبوس با شنیدن صدای پلیس ماشین را سرونه کرد و ۳۰۰ متری که جلو آمده بودیم باز به عقب برگشتیم و آن یک ساعت جی معطلی در آفتاب هیچ شده بود دوباره در انتهای صف قرار گرفتیم.

هنوز ۲۰ دقیقه نگذشته بود که در اثر حرارت زیاد و روشن نکردن کولر اتوبوس یکی از حجاج اتوبوس، که درد کلیه داشت شروع به بی تابی کرد به راننده اتوبوس اینبار گفتم که با توجه به

اینکه شما عربی مسلط هستید به یکی از پلیسها جریان مریض داشتن اتوبوس ما را بگو شاید زودتر این حاجی مریض را به بیمارستان ببرند و یک آمپول مسکن به او تزریق گردد راننده به جای پرسیدن از پلیس دوباره مسیر اتوبوس را از صف اتوبوسهای به انتظار ایستاده بیرون آورد و هنوز چند متری اتوبوس حرکت نکرده بود که دوباره یکی از ماشینهای پلیس سعودی بالحن عربی به و راننده خطاب کرد که «برگرد عقب صافه راننده، اتوبوس را نگه داشت و جریان مریض بودن یکی از حجاج داخل اتوبوس را مفصلاً توضیح داد اما کو گوش شنوا! هرچه راننده میگفت آنها فقط یک جواب داشتند «برگرد عقب صاف، خلاصه دوباره سر اتوبوس بطرف عقب صاف کج شد.

حدود ساعت ۱۱ بود هنوز از آن سه اتوبوس دیگر خبری نبود سوخت اتوبوس رو به اتمام بود، راننده که خودش نیز خسته و فرسوده شده بود سر اتوبوس را بطرف مکه کج و راه مکه را در پیش گرفت همه به هم نگاه میکردند نمی دانستیم کجا میخواهیم برویم ناله و فریاد مریض داخل اتوبوس هم بر این حالت سردرگمی اضافه شده بود همه گیج بودند پدرم که تا آنموقع آرام بود، دیگر طاقت نیاورد و خطاب به راننده اتوبوس گفت کجا می رویم، راننده ابتدا جوابی نداد. دوباره پدرم سؤال را تکرار کرد. اینبار راننده با لحنی عصبانی گفت می رویم بنزین بنزیم، پدرم دیگر جرات نکرد که پرسد. «کجا بنزین بنزیم، این همه راه آمده بودیم دوباره برگردیم عقب؟ چندین کیلومتر بطرف مکه به عقب برگشتیم تا اینکه از دور پمپ بنزینی :

نمایان گشت و اتوبوس برای بنزین زدن داخل پمپ بنزین شد. ناگهان چشممان به دو تا از اتوبوسهای گم شده افتاد که آنها نیز برای بنزین زدن به اینجا آمده بودند همه خدا را شکر میکردند که لااقل رئیس کاروان را پیدا کرده ایم و او میداند که باید چکار کنیم.

آب داخل اتوبوس در حال تمام شدن بود. دو تا اتوبوس دیگر نیز وضع ما را داشتند از دیشب تا حالا هر که هر چه داشته بود مصرف کرده بود و گرسنگی کم کم داشت بر مشکلات دیگر اضافه میشد، بالای یکی از اتوبوسها مقداری نان و پنیر وجود داشت آنها را پائین آوردند و بین حجاج پخش کردند. از چهار تا اتوبوس کاروان، تنها یکی از آنها معلوم نبود که کجا رفته؟ و م آنهم یکی از اتوبوسهای زنها بود که از سرنوشت آن خبری نداشتیم. همه دعا میکردند که م اتوبوس زنها پیدا شود. آن عده از مردانی که با خانمهایشان آمده بودند و همسرانشان داخل م اتوبوس گم شده بود احساس بی طاقتی و نگرانی میکردند که نکند خدای نکرده در بین راه ی تصادف و یا مسئله دیگری برایشان بوجود آمده باشد. هر سه تا اتوبوس اینبار پشت سر هم

هم

حرکت کردند دوباره در پشت صف اتوبوسها به انتظار ایستاده قرار گرفتیم.

نزدیک یک ساعت و نیم در آن صف طولانی صبر کردیم تا اینکه به جلوی پلیس رسیدیم. ش طبق روال همه ساله رئیس کاروان گذرنامه های افراد را جمع آوری کرد و همراه بر گه خروجی از جم مکه نزد پلیس برد یکی از پلیسها گفت گذرنامه ها باید دست خود افراد باشد. باید افراد شناسائی شوند دوباره گذرنامه ها را به افراد برگردانند اما باید یادآور شوم که چون یکی از و اتوبوسهای ما گم شده بود. نزدیک چهل و هفت تا از گذرنامه ها جابجا شده بودند مثلاً گذرنامه به پدر دست پسرش و گذرنامه آقا دست خانمش بود این مشکلی بود که هیچ ترتیبی نمیشد آنرا حل کرد. مگر با پیدا شدن اتوبوس زنها نگرانی هر لحظه بیشتر و بیشتر میشد. آب داخل اتوبوس کاملاً تمام شده بود. هر چه رئیس کاروان تلاش میکرد که از سرنوشت اتوبوس دیگر کسب اطلاع کند. انگار زمین دهان باز کرده و اتوبوس زنها را در خود بلعیده بود. هیچ خبری هم وجود نداشت قرار شد اتوبوسی که گذرنامه هایشان جابجا شده بود صبر کند تا اتوبوس زنها پیدا م می شود. بدبختانه یا خوشبختانه گذرنامه من جزو جابجائی ها بود و بایستی باشیم صبر میکردم تا گذرنامه ام پیدا شود. فرد مریضی که داخل اتوبوس ما بود همراه با دو تا اتوبوس ها دیگر به مدینه فرستادیم و رئیس کاروان به یکی از خدمه بنام آقای قادری که جزو در اتوبوس تکمیلی بود گفت «وقتی رفتید مدینه ببینید اتوبوس زنها به مدینه آمده است یا خیر جواب برایم زود بیاور...»

نگرانی مردان لحظه به لحظه زیادتر میشد. سرنوشت ۴۷ زن ایرانی معلوم نبود چه ؟ شده است در این میان بعضی از افراد منافق که در بین همه جوامع وجود دارد بعضی شایعات و اکاذیب را نشر و پخش میدادند. که نگرانی حجاج را بیشتر و بیشتر میکرد. ملامتها و سرزنشها به همه و همه متوجه رئیس کاروان یعنی آقای ایرانپور بود. بنده خدا نمی دانست چکار کند از و یکطرف با مامورین سعودی جر و بحث داشت که بایستی جواب آنها را بدهد و از طرف دیگر جواب قانع کننده ای باید برای حاجیان نگران بخاطر اتوبوس گم شده پیدا کند. آفتاب کاملاً در ب[ا] وسط آسمان بود و شدت گرما بحدی طاقت فرسا بود که حرارتی که از زمین بلند میشد کاملاً با م چشم میتوانستیم ببینیم.

در این میان رئیس کاروان افرادی را مامور کرد که بروند و طول مسیر اتوبوسها را بگردند شاید به اتوبوس گم شده پیدا شود. ولی هیچ اثری از آنها نبود که نبود. هنگامیکه صدای اذان ظهر بلند به شد. همه پلیسهای سعودی دست از کار کشیدند و به اصطلاح رفتند نماز اول وقت بخوانند. از



یک طرف پلیسهای سعودی در زیر کانتینرهای کولردار و خنک مشغول نماز خواندن و در طرف دیگر حدود ۷۰ اتوبوس که همگی از امت رسول اکرم بودند در زیر آفتاب طاقت فرسای ظهر به در انتظار مهر خوردن گذرنامه هایشان بودند.

جالب اینجاست که فقط مامورین کنترل گذرنامه های ایرانی نماز را اول وقت می خواندند و مامورینی که مسئول کنترل گذرنامه های حجاج غیر ایرانی بودند هنوز سرکارشان بودند و به ترتیب جایشان را عوض میکردند. حجاج ایرانی داخل اتوبوسها نیز میخواستند نماز را اول .

وقت بخوانند اما با کدام آب؟ با کدام اجازه خروج از اتوبوس؟ مگر میشد از اتوبوس خارج شویم؟ حتی اجازه باز نگه داشتن درب اتوبوس را نمی دادند چه برسد به اجازه پائین آمدن و نماز خواندن فقط برای رفع حاجت میتوانستیم از اتوبوس خارج شویم از جلوی چشمان حجاج و ایرانی اتوبوسهای دیگر کشورها فقط با نشان دادن یک برگه خروج از مکه، به مسیر خود ادامه + میدادند و بطرف مدینه حرکت میکردند.

این مسئله چه حکایتی را بیان میکرد؟ چرا حجاج ایرانی باید در صفهای طویل المدت و بایستند و گذرنامه هایشان بازرسی و افراد شناسائی شوند؟ مگر حجاج ایرانی چه جرمی داشتند و دزدی؟ غارت؟ چپاول؟ خیانت؟ خیر فقط جرمشان این بود که فریاد براءت از مشرکین را سر داده بودند جرمشان مبارزه با غیر خدا بود، جرمشان گفتن کلمه لا اله الا الله بود.

نماز خواندن پلیس سعودی حدود یک ساعت بطول انجامید آیا نماز ظهر مسجدالحرام یکساعت طول میکشید؟ خیر، این ماجرا سر دراز دارد. به هر ترتیبی باید ایرانیان را اذیت و آزار داد از هر راهی باید برای آنان مشکل تراشی کرد؟ مسئله جابجائی گذرنامه ها فقط برای و کاروان ما نبود. بلکه بسیاری از کاروانها مشکل ما را داشتند. چرا که رئیس کاروانها طبق روال و همه ساله عمل میکردند. آنها که علم غیب نداشتند که بدانند امسال روش کار پلیس سعودی و عوض شده است. این مسئله راحتی در مکه به کاروانها نگفته بودند که باید گذرنامه هر کس دست خودش باشد. چرا این روش جدید تفتیش و بازرسی مخصوص ایرانیها بود؟ کشورهای دیگر مگر غیر ما بودند؟ نمی دانم خدا می داند.

با هر سختی بود نماز را کنار اتوبوس با تیمم خواندیم، برای اتوبوسهائی که مشکل ما را داشتند یک سرباز سعودی کاشته بودند که مشکل تراشی نماید و باعث اذیت و آزار حجاج شود. در هوای طاقت فرسا و سوزان مدینه و در اسارت پلیس بودیم و هیچ راه نجاتی وجود نداشت. پلیس سعودی حتی جواب این سؤال را که آیا اتوبوسی با این مشخصات از اینجا

عبور کرده باخیر را نیز نمی داد. ۴۷ نفر حاجی زن و مرد داخل اتوبوس بدون آب و غذا، بی خوابی دیشب، خستگی جسمانی در طول حرکت، ناراحتی فکری از جهت گم شدن و و اتوبوس زنها، گرمای کشنده داخل اتوبوس، همه دست به دست هم داده و اوضاعی نابسامان و دلخراش برایمان درست کرده بود. داخل اتوبوس ۶ زن و ۴۱ مرد وجود داشت در میان زنان و مردان تعدادی پیر زن و پیر مرد به چشم میخورد که با جسمی نحیف و بدنی خشک مشغول ذکر و گفتن بودند و از خدا طلب رهایی میکردند.

و تا ساعت ۱/۵ بعد از ظهر سه شیفت پلیس عوض شده بود و برای هر شیفت که مسئول مجزائی داشت باید علت ایستادن اتوبوس را تشریح می کردیم و وضعیت خودمان را برایشان می گفتیم و به سئوالشان پاسخ میدادیم، همانطوریکه قبلا گفتم این مسئله مخصوص کاروان ما نبود بلکه کاروانهای زیادی بودند که مشکل ما را داشتند. آنها نیز به سرنوشت ما دچار، شده بودند با اصرار فراوان، پلیسهای سعودی را راضی کردیم که از اتوبوس پائین بیائیم. و در هوای آزاد بنشینیم. بعضی از حاجیانی که سیگاری بودند. پشت سر هم سیگار می کشیدند و و کینه و دشمنی خود را سر سیگارها در می آوردند! من که جوانترین فرد کاروان بودم، طاقتم تمام شده بود دائم خودم را به عناوین مختلف سرگرم میکردم که گرسنگی و تشنگی بر من غالب هر نشود. هنوز از دو اتوبوس فرستاده شده به مدینه خبر نیامده بود که اتوبوس زنها مدینه رفته یا با یا خیر؟ و ساواکیهای سعودی با لباس شخصی در اطراف اتوبوس می گشتند و موارد مشکوک را و پر بازرسی می کردند! شانسی خوب یا بد یکی از ساواکیها، اطراف اتوبوس ما در حال گشتن و و مراقبت بود که مبادا کسی شورش کند! ناگهان چشمش به سیخهای کباب داخل اتوبوس افتاد.

بایک حالت عجیبی که انگار تا الان سیخ کباب ندیده، از اتوبوس بالا آمده و مستقیم رفت سراغ سیخهای کباب، اولاً مقداری به آنها نگاه کرد و سپس از اتوبوس خارج شد چشم شما روز بد نبیند که اول اسارت واقعی ما شروع شده بود، در مدت ۱۰ دقیقه منطقه اطراف اتوبوس مملو از پلیس و ساواکی شد. ابتداء یکی از آنها سیخهای کباب را به بیرون اتوبوس پرتاب کرد و همه به سیخهای کباب نگاه می کردند، نمی دانم چه فکر می کردند، شاید نمی دانستند که هر کاروانی برای پخت و پز کباب به سیخ کباب احتیاج دارد. سیخهای کباب را یکی یکی بر هم می داشتند و با دقت به آنها نگاه می کردند. و آنها را کج و راست می کردند. و با انگشت و نوک آنها را لمس می کردند که بفهمند چقدر آنها نیز هستند. یکعده می آمدند و آنها را و

و می دیدند و می رفتند عده بعد می آمدند و کار آنها را دنبال می کردند. در همین گیرودار یکی از پلیسهای سعودی جلو آمد و با لحن غضبناک و تند عربی به حاجیان کاروان گفت بروید داخل اتوبوس، همه در اطراف درب اتوبوس جمع شده بودند و یکی یکی بالا می رفتند در این چند تا از شرطه ها جلو آمدند و با فشار و هل حاجیان را بزور سوار اتوبوس کردند. سپس و به راننده اتوبوس که تا آن زمان در یکی از کانتینرها دراز کشیده بود گفتند درب اتوبوس را قفل کن و بیا پائین تا رئیس شرطه ها بیاید و تکلیف را روشن کند.

حدود نیم ساعت از این قضیه گذشت تا اینکه رئیس شرطهها آمد در این مدت اطراف اتوبوس را ساواکیها محاصره کرده بودند و به سربازها و درجه داران سعودی اجازه نزدیک شدن به اتوبوس را نمی دادند. در گرمای مرداد ماه حجاز داخل اتوبوسی که دربهای آن را بسته باشند و حتی اجازه باز کردن پنجره ها را به زحمت و سختی بدهند ۴۷ نفر تنفس کنند داخل یک محیط بسته، بدون آب، گرسنه، تشنه چه منظره ای بوجود خواهد آمد؟ منظره بسیار رقت بار اگر این عده از حجاج جوان بودند، برایم خیلی سخت و دلخراش نبود اما تنها جوان این و گروه من بودم و بقیه پیرمردان سالخورده و زنان مسن را تشکیل می دادند. بعضی از آنها من احساس تنگی نفس می کردند به سختی حرف می زدند آرام و بی حرکت روی صندلی نشسته و در انتظار بی پایان نجات بودند.

وقتی رئیس شرطهها آمد همه داخل اتوبوس بودیم. ولی از حرکات و قرائن موجود در خارج و اتوبوس مشخص شد که آنها تصمیم دارند اتوبوس را کاملاً بگردند ما مانند اسیر در چنگک آنها بودیم، هر کاری که دلشان می خواست می توانستند انجام دهند. آخرین قطرات آب زمزم قمقمه ها را به پیرمردان دادیم تا کمی از تشنگی رهائی یابند، عرق به شدت از سر و صورتمان جاری بود آنهایی که بادبزنی داشتند، با به حرکت در آوردن آن باعث جریان هوای داخل و اتوبوس میشدند اما آنها نیز بعلت گرسنگی و خستگی طاقت فرسا بعد از چند دقیقه خسته .

میشدند و بادبزنی را به دیگری میدادند.

لحظات به کندی می گذشت تا اینکه بالاخره ساعت ۲/۵ بعدازظهر درب اتوبوس بفرمان یکی از ساواکیها باز شد. باد گرمی که از خارج به داخل اتوبوس جریان پیدا کرد. نفس تازه ای به من و بقیه حجاج داد. اطراف درب را چهار نفر ساواکی احاطه کردند و یکی یکی پائین : می آمدیم و آنها تمام بدن را تفتیش کردند. هر کسی که از تفتیش آنها راحت میشد باید ۱۰ .

متری اتوبوس در زیر آفتاب می ایستاد لحظات بسیار کندی می گذشت نزدیک سه ربع ساعت تفتیش بدنی آنها بطول انجامید (زنها از تفتیش بدنی معاف بودند و این مدت را باید در زیر تابش مستقیم آفتاب می ایستادیم . کسی حق نداشت بنشیند و یا به این طرف و آنطرف برود .

پدر این میان تمام چاقوهای کوچک میوه خوری و ناخن گیرهای موجود در جیب افراد را بیرون آوردند حتی اعلامیه های منتشره از سوی بعثه امام را که حجاج در جیششان بود بیرون آوردند و بعنوان آلت حرب و مدرک جرم نگهداری کردند.

بعضی از افراد که بخاطر تراشیدن سر در اعمال حج آثار شکستگی و بخیه در سرشان وجود داشت این آثار کاملاً مشخص بودند یکی از این حجاج آقای ایوبی بود که سالهای قبل بر اثر تصادف در ایران سرش بخیه خورده و آثار پارگی سر کاملاً مشخص بود. همین که ایشان از اتوبوس پیاده شد انگار قاتل پدرشان را گرفته اند همه دور او جمع شدند و سر او را به یکدیگر نشان میدادند و سر ایشان مانند توپ والیبال اینطرف و آنطرف میشد. من نمی دانم چقدر پلیس سعودی کردن و نفهم است که جای بخیه و پارگی سالهای قبل را با بخیه و پارگی جدید و اشتباه میگیرد، خلاصه مسئله پارگی سر آقای ایوبی نیز مشکلی شده بود. بالاخره آنها طاقت نیاوردند و عقده کینه توزانه خود را سر ایشان در آوردند و بعد از بازرسی بدنی تعدادی مشت در سینه و شکم ایشان فرود آوردند.

بعد از بازرسی بدنی حالا- نوبت اثاثیه بود که باید تفتیش میشد. از شانس خوب یا بد ما اتوبوس حامل مقداری وسایل آشپزخانه کاروان بود. ابتدا درب صندوقهای بغل را باز کرده و تک تک ساکها را پائین می آوردند ساک هر کس را که پائین می آوردند از زیر تابش مستقیم آفتاب نجات پیدا میکرد چراکه بعد از پاره کردن ساک و ریختن وسایل آن به بیرون، میتوانستیم کنار اتوبوس در زیر سایه قرار بگیریم. اگر داخل ساک شکستی بود طبق قانون جبروزور محکوم به نابودی بود تمام کاردهای میوه خوری و وسایل مشکوک و مخرب !! مانند صابون، شامپو، کرم صورت و غیره مصادره میشد، هیچکس حق نداشت اعتراض کند.

ساعت ۴ بعد از ظهر تفتیش ساکها به انجام رسید، عکسهای، امام خمینی همه بعنوان سند جرم مصادره یا پاره میشد حالا نوبت اثاثیه خود کاروان که در بالای اتوبوس بارگیری شده بود چند نفر از پلیس سعودی بالای اتوبوس رفتند و طنابهای باربند را پاره کردند. سپس شروع به بازرسی وسایل کردند در بین وسایل آشپزخانه کاردهای گوشت خرد کنی چاقو تیز کن ، درفش یخ، دیده میشد، که همه را بعنوان آلت حرب مصادره کردند از بالای اتوبوس تعدادی وسایل

شکستی از قبیل جاروبرقی، تلویزیون و استکان و نعلبکی را به پائین انداختند، به چه دلیل؟ نمی دانم! بعد از اینکه تمام اتوبوس را زیر و رو کردند حاجیان تشنه و گرسنه و خسته را دوباره پر سوار اتوبوس کردند و درب اتوبوس را مجدداً قفل نمودند و گفتند کسی حق ندارد از اتوبوس و پیاده شود.

در طول این مدت، مناظر آنچنان دلخراش و اسف بار بود که قلم عاجز است از نوشتن، هر چقدر درباره آن بیشتر فکر می کنم. عجز خود را بیشتر می فهمم. منظره پیرمرد ۷۵ ساله کاروان که از شدت تشنگی در آن گرمای طاقت فرسا با رنگی پریده و صورتی سفید دستان نحیف و لاغر خود را به نشانه شکر و سپاس از خداوند بالا گرفته و با خدای خویش راز و نیاز می کرد هیچگاه از ذهنم خارج نمی شود ابتداء متوجه نمی شدم که او چه می گوید.

گوشه‌هایم را که تیز کردم و با دقت به لبانش نگریستم فهمیدم که در حال گفتن شهادتین است.

شاید با خود فکر میکرد که آخرین لحظات عمر را سپری میکند. کمی جلورفتم و به نشانه همدردی با او، گفتم: پدر جزاک الله خوشا به حالت که چنین صبور و مقاوم در برابر پلیس فاشیست سعودی استقامت کردی. صورت لاغروسفید خود را بطرفم برگرداند، به نشانه تشکر از من، تبسمی بر لبانش نقش بست و با صدای آرام اما مردانه گفت ما هنوز ایستاده ایم و هم خواهیم ایستاد. همانطوریکه امامان ایستاده است.

مدتی که در اتوبوس به انتظار خبر اتوبوسهای زنها بودیم مناظری از این قبیل در کاروانهای دیگر کاملاً مشاهده میشد. مثلاً حدود ساعت ۶ بعدازظهر دو اتوبوس از یک کاروان اهل سنت سیستان و بلوچستان که مانند کاروان ما جابجائی گذرنامه‌ها را داشت. برای ادای نماز عصر از اتوبوس هایشان پیاده شدند. وقتی که مشغول نماز خواندن شدند. پلیس سعودی با خشونت با آنها برخورد نمود و حتی تعدادی را مورد ضرب و شتم قرار داد. با خود میگفتم، اگر رژیم وهابی آل سعود با شیعیان علی ابن ابی طالب خشونت بخرج میدهد. و شیعیان را کافر و منحرف می پندارد. چرا با کسانی که سنی هستند اینطور برخورد میکند آنها که اینقدر به نماز و ۵ وعده اعتقاد دارند و مسلمانان را مقید به خواندن نماز در ۵ وقت میکنند. چرا از خواندن نماز اهل سنت ایرانیان جلوگیری بعمل آوردند؟ این مسئله آیا چیزی جز نفاق و دورویی است؟ آنان حتی از نام ایران وحشت دارند. چه برسد به مردم شجاع و غیور ایرانی.

حدود ساعت ۶/۵ بعدازظهر بود که فرستاده کاروان به مدینه مراجعه نمود. همه خوشحال بودیم که الحمدالله مسئله حل شده است. آقای قادری که حدود ساعت ۱۰ صبح با دو اتوبوس

دیگر به مدینه رفته بود بعد از ۸/۵ ساعت با حالتی خسته و ملول مراجعت نمود بنا به گفته ی و ایشان اتوبوس زنها ساعت ۶ صبح به مدینه رفته بود. اما چگونه؟ همه مانده بودند که چطور به زنها با گذرنامه غیر خودشان به مدینه رفته اند؟ گذرنامه های آنها در دست ما بود و گذرنامه های \* ما در دست آنها. تمام گذرنامه هائی را که آقای قادری با خود آورده بود مهر عبور به مدینه خورده بود .

نزدیک به ۴ شیفت پلیس تاکنون عوض شده بود و برای هر شیفت بایستی جریان را مجزا ما میگفتیم . رئیس کاروان با گذرنامه ها به دفتر رئیس پلیس رفت و تمام جریان را مفصلاً تشریح کرد اما هنوز آنها راضی نبودند که ما را آزاد کنند و دنبال بهانه می گشتند. یکی از آنها گفت:

باید بروید مدینه و اتوبوس زنها را بیاورید اینجا و دوباره ما آنها را شناسائی نمائیم.» هر چقدر رئیس کاروان بیشتر اصرار میکرد آنها کمتر توجه میکردند. قابل ذکر است هر شیفت پلیس که عوض میشد، ماموران گشت آنها، داخل اتوبوس ها میشدند و ظاهراً اتوبوس را بازرسی می نمودند و سپس از اتوبوس خارج میشدند. رئیس کاروان با حالتی ناامیدانه بطرف اتوبوس بازگشت و میخواست جریان را به اطلاع حجاج خسته و تشنه و گرسنه داخل اتوبوس برساند.

چند لحظه بر روی صندلی جلوی اتوبوس جهت استراحت نشست. آفتاب کاملاً غروب کرده بود نورافکنهای مقر پلیس، محوطه را روشن کرده بودند .

هنوز تعداد زیادی اتوبوس ایرانی برای رسیدن به مدینه در انتظار بودند در این هنگام فرشته نجاتی نمایان گشت. همه فکر میکردیم این افسر سعودی نیز مانند دیگران میخواهد اتوبوس را بازرسی کند. همراه او یک مأمور امنیتی با لباس عربی به چشم میخورد. با هم وارد اتوبوس شدند. ابتدا چند کلمه عربی با یکدیگر رد و بدل کردند و مأمور امنیتی از اتوبوس پیاده شد اما دور و بر ماشین راه می رفت و دائماً به این افسر سعودی نگاه میکرد. افسر سعودی ابتدا با لحن خشن و عصبانی گفت: رئیس کاروان کیه؟ آقای ایرانپور که جلوی اتوبوس نشسته بود خود را معرفی کرد. بار دیگر با منظره وحشتناک به رئیس کاروان گفت: «برو پائین». این اعمال بر ایم عادی شده بود چرا که مأمور سعودی وارد اتوبوس میشد چنین برخوردی را داشت. همه با حالتی نگران و دلواپس به رئیس کاروان نگاه میکردند از شدت ضعف، همه بر روی صندلیهایشان نشسته بودند، هیچ کس نای حرف زدن نداشت. افسر سعودی از اتوبوس پیاده شد و دور تا دور اتوبوس را با دقت بازرسی کرد. هیچکسی در اطراف اتوبوس به چشم نمی خورد این افسر با حالتی مضطرب و سراسیمه دوباره سوار اتوبوس شد و گفت: «درب را

بیندید، من که روی صندلی راننده نشسته بودم بلافاصله درب را قفل کردم.

این افسر کمی جلوتر آمد. بغض گلویش را گرفته بود و نمی توانست بدرستی حرف بزند.

هم رو به من کرد و گفت «شیعه»، من به علامت تصدیق سرم را تکان دادم. ناگهان چشمانش پر از اشک شد. صورتش بر افروخته و دستانش لرزان گشت آنگاه رو به حاجیان داخل اتوبوس کرد و گفت: «انا شیعه، علی ابن ابی طالب امامی، انا مسلم» این کلمات بریده بریده، برایم بسیار و ثقیل بود. نمی دانستم خواب می بینم یا بیدارم؟ خدایا این چه منظره ای است؟ چه می بینم؟ افسر سعودی و این کلمات؟ شاید کلک باشد؟ شاید فریب باشد؟ امانه، انگار واقعیت بهداشت، در بیداری بودم کلمات این افسر به دل انسان می نشست، راست میگفت. با حالتی نگران اطراف اتوبوس را نگاه میکرد که کسی نزدیک نشود. شروع کرد به صحبت اما عربی به منظور کلامش با توجه به حرکات دست و صورتش می فهمیدم. میگفت «شما ایرانیان به حق که هستید، امام خمینی رهبر من است، در مکه به شما ظلم کردند. اینجا نیز شما را در اسارت تنگنا قرار دادند، ایران پیروز است»، همچنین چندین عبارت دیگر که منظورش را نفهمیدم، سپس گفت «اگر ما شما را اذیت می کنیم مجبوریم چرا که برای هر افسر سعودی یک مامور امنیتی گماشته اند. سلام مرا به ایرانیان برسانید» کلمات منقطع منقطع بود. برق امید و صداقت در چشمانش می درخشید. آنچنان حرفهایش در من اثر کرد که ناخودآگاه بطرفش هجوم بردم او را در آغوش گرفتم. چشمان همه در حال گریه بود. صورتهای حاجیان بعلافت خوشحالی بر افروخته گشت و تا آن لحظه کسی تبسم نکرده بود. اشک شوق ناخواسته از چشمانم جاری گشت و انگشتی که هدیه پدرم بود از دستم در آوردم و به او دادم. بلافاصله در جیبش قرار داد و آخرین کلامی که از او شنیدم این بود «العفو، العفو، عفوا، آنگاه از اتوبوس پیاده شد و دوباره با صدای بلند گفت «درب را ببندید» سپس همراه رئیس کاروان که در این مدت پائین اتوبوس ایستاده بود بطرف مرکز پلیس حرکت کردند در تاریکی شب از جلوی چشمانم محو گشت.

چند دقیقه نگذشت که حاج آقای ایرانپور با حالتی خوشحال و مسرور بطرف اتوبوس میدوید. داخل اتوبوس شد و گفت «راحت شدیم، برویم مدینه، از قرار معلوم همان افسر کار را درست کرده و ترتیب حرکت ما را فراهم نموده بود، تمام این چند لحظه برایم کابوس بود باور نمیکردم چگونه ممکن است در بین اینهمه مزدور و نامرد. چنین مردانی وجود داشته باشند

ناگهان سخنان امام در جلوی چشمانم ظاهر گشت که فرموده بودند «مادر حجاز داریم کسانی را که حساب آل سعود را برسند، آری، حالا می فهمم چرا امام اینقدر راسخ و مطمئن صحبت میکردند آری اینان «حران لشگر سعودیند، همچنانکه حر در میان لشگریزید درخشید، این افسران سعودی نیز در دستگاه سلطنتی سعودی می درخشند و بانگ امید و آزادی و رهائی کعبه را به ارمغان می آورند اتوبوس، آرام آرام بطرف مدینه حرکت کرد ساعت ۷/۳۰ دقیقه را نشان میداد تا محل اقامتمان هنوز ۲۵ کیلومتر راه باقی مانده بود سخنان این افسر سعودی خستگی، تشنگی، گرسنگی را از خاطره ها برده بود تمام افراد مستقر در اتوبوس درباره او صحبت میکردند.

از دور گنبد سبز حضرت رسول اکرم (ص) به چشم خورد. از شوق فراوان، اشک چشمانم م را فرا گرفته بود و فقط با چشم می توانستم حرف بزنم حالا- نوبت شکایت ما بود که بایستی به پیامبر مان میکردیم. شکایت از دست این قوم شقی و خود فروخته از دست خاندانی که حرم امن خدا را با خون زائران رنگین کردند، از دست اینهمه شکنجه و شهادت و اسارت و... خدایا چشمانم بعد از عمری اسارت ۲۴ ساعت به حرم رسول اکرم منور شده است. فکر میکنم خداوند گناهام را بخشیده باشد. خدایا همانطور که سعادت زیارت خانه خودت و حرمه حضرت محمد مصطفی (ص) را نصیب کردهای سعادت دیدار خودت را در جبهه ها نصیبم گردان و مرا جزو اولیائت قرار ده واللهم اجعلنی من اولیائک فان اولیائک لاخوف علیهم ولا هم یحزنون» .

وقتی به درب هتل رسیدیم، همه کاروان به استقبالمان آمده بودند همه همدیگر را در بغل میگرفتند و از اینکه دوباره توانسته بودند سالم یکدیگر را ببینند خوشحال و مسرور بودند. خدمه کاروان با یک لیوان خاکشیر از ما پذیرائی کردند و سپس برای صرف شام و استراحت هر کس روانه اطاقش گشت و تا فردا ساعت ۵ بعداز ظهر کسی حال بیرون رفتن از هتل را نداشت.

در طول اقامت ۷ روزه در مدینه خاطرات فراوان و اذیت و آزارهای بی شماری توسط پلیس سعودی و عمال دست نشانده آنها انجام گرفت که خلاصه آنها را می توانم در ۱۳ مورد اشاره کنم.

۱- ضرب و شتم حجاج در شب جمعه روبروی قبرستان بقیع که باعث عدم برگزاری دعای کمیل شد.

۲- محاصره بعثه امام توسط تانکهای بی ام پی و خشایار و دستگیری تعدادی از اعضای



سازمان حج و زیارت .

۳- سرقت اموال ایرانیان در بدو ورود آنها به حرم پیغمبر و قبرستان بقیع توسط پلیس و ماموران امنیتی .

۴- زیر کردن زائران خانه خدا توسط ماشین و فرار بعد از تصادف مامورین سعودی.

۵- راه ندادن حجاج ایرانی به مغازه ها و توهین و اذیت آنها در مدت اقامت در هتلها .

۶- فروریختن سنگ و چوب و بعضا گلدان و کهنه کثیف بچه به سروصورت زائران حرم پیغمبر .

۷- توهین به مقام رهبری و تشیع در رادیو، تلویزیون و اکاذیب در روزنامه ها و مجلات مدینه .

۸- تشویق کودکان و مردم عوام جهت اذیت و آزار به زائران ایرانی هنگام رفت و آمد.

۹- اذیت زنان و بعضا گرفتن چادر و کیف پول آنها در مدت اقامت در مدینه .

۱۰- هجوم افراد پلیس به هتلهاى ایرانی جهت بازرسی و تفتیش اموال کاروان و بعضاً سرقت بعضی از آنها.

۱۱- عدم سوار کردن اتوبوس و تاکسی برای حاجیان ایرانی در مدت تشریف به حرم و مسجد قبا و دیگر اماکن مقدسه مدینه.

۱۲- دستگیری رئیس سازمان حج و زیارت و عدم انتقال نماینده امام حضرت حجت الاسلام کروبی به مدینه .

۱۳- کارشکنی و عدم انتقال به موقع حجاج به جده .

آری برادر اینچنین بود حج سال ۶۶ ه. ش و سيعلم الذین ظلمواى منقلب ینقلبون .

امید است توانسته باشم آن دین خود را ادا کرده و این خاطرات برای نسلهای آینده درس زندگی باشد و مورخین نسبت به جزئیات مکه و بخصوص مدینه بیشتر عنایت نمایند .

قابل ذکر است بیشتر عبارات و جملات در همان روزهای وقایع درج گردیده است .

چهارشنبه ۱۳۶۶/۷/۸ ه. ش برابر با ۶ صفر ۱۴۰۷ ه. ق حاج احمد مجیدی (پیر سقا) - دانشجوی دانشکده دامپزشکی ۱۴ شماره روزنامه جمهوری اسلامی از سه شنبه ۱۴ مهر ماه ۶۶ تا شنبه ۲ آبان ماه ۱۳۶۶

روایت فاجعه من در راهپیمایی روز ۶ ذیحجه شرکت داشته و در جلوی صفوف راهپیمایان حرکت می کردم. در این راهپیمایی شعارها فقط علیه آمریکا، روسیه و اسرائیل بود و ما هرگز درباره اعراب مرتجع نظیر کویت و عربستان چیزی نگفتیم. به عقیده من هدف رژیم عربستان از کشتار زائران بیت الله الحرام تضعیف امت اسلامی است.

مادر مراسم راهپیمایی پرچم آمریکا را آتش زدیم و پس از این کار بود که حرکت غیر عادی پلیس شروع شد.

ما روی پل بودیم و دیدیم که از ساختمان چهار طبقه به روی راهپیمایان سنگ پرتاب می کنند و در همان لحظه نیز پلیس وارد معرکه شد و صفوف تظاهر کنندگان را به دو قسمت تقسیم نمود و در اینجا بود که ما توسط پلیس به محاصره درآمدیم.

من در آن لحظه دیدم که مردی سرش توسط سنگ آسیب دید و بسختی مجروح شد.

من خودم نیز در آن میان مورد هجوم پلیس قرار گرفتم و یک باتوم به پشتم خورد. پس از هم حمله پلیس صحنه در هم ریخته و متشنج بود و هر کس سعی می کرد به نحوی خود را از انجام برهاند، من سه زن را هنگام حمله پلیس دیدم که در اثر ضربات باتوم و همچنین سنگ ها و اشیائی که از ساختمان چهار طبقه به آنها اصابت کرده بود رمقی برای حرکت و نجات جان خود نداشتند. یک زن را هم در حال ولا اله الا الله و اشهدان محمدا رسول الله ، گفتن دیدم. او در حال جان دادن بود.

من صدای شلیک گلوله ها را می شنیدم و دیدم که شانه زنی در اثر گلوله زخمی شده بود. تعداد زیادی فریاد می زدند و شعارهای الله اکبر می دادند. من هم در میان راهپیمایان بودم که ناگهان پلیس به طرفم آمد و یک لگد محکم به پایم زد بطوریکه بشدت به زمین خوردم پلیس های دیگر می آمدند تا مجدداً راهپیمایان را بزنند اما چون من خودم را به مردن زده بودم تم پلیس فکر کرد که جان داده ام و رفت.

بی هوا تاریک شده بود و من بخاطر دردی که در ناحیه پاداشتم قادر به حرکت نبودم همانطور که روی زمین و در میان دیگر مجروحین و شهدا افتاده بودم آمبولانس ایرانی سررسید و تعدادی از مجروحان را به بیمارستان برد، سینه خیز رفتم و در همان حال کوشش کردم تا مردی را که از ناحیه سینه زخمی شده بود از زمین بلند کنم و او را به آمبولانس برسانم، ووقتی سرگرم این کار

بودم. پلیس به طرف آمبولانس حمله کرد و شیشه های آن را شکست. ماموران پلیس سعودی حتی به مجروحین داخل آمبولانس نیز رحم ننموده و آنها را هم مورد ضرب و جرح مجدد قرار دادند و کلاه هر کسی را که به قصد کمک به مجروحان وارد صحنه می شد مورد حمله قرار می دادند.

من شخصاً دیدم که هیچ کدام از ایرانیها به طرف پلیس عربستان حمله نکردند، بلکه به عکس ماموران مخفی و مزدوران سعودی از بالا بطرف مردم سنگ پرتاب می کردند و در خیابان هم آنها را بشدت مضروب می کردند بنابر این چگونه ممکن است که ایرانیها بتوانند به پلیس حمله نمایند و من باور ندارم که به هیچ وجه حجاج ایرانی پلیس عربستان را به قتل رسانده باشند، این موضوع صحت ندارد و علاوه بر آن من ادعاهای وزیر کشور عربستان را که گفته است پلیس حتی یک گلوله شلیک نکرده بشدت رد می کنم من شخصاً با گوشه های خود و صدای شلیک گلوله ها را شنیدم و افرادی را که با گلوله مجروح شده بودند مشاهده کردم.

به دوستانم از من می پرسند که ایرانیها در موقع حمله رژیم عربستان چگونه برخورد کردند من می گویم آنها برای حفظ جان خود روی زمین دراز کش کرده بودند و روحیه شان بسیار خوب بود. آنها در حالیکه زیر ضربات باطومهای برقی ولگد ماموران پلیس سعودی بودند شعارهای هو الله اکبر می دادند و حجاج دیگر کشورها این اتفاقها را مشاهده می کردند.

در مورد تبلیغات دولت عربستان از دوستانم در عربستان سؤال کردم او گفت: ما تمام مطالب روزنامه های عربستان را می خوانیم ولی آنها را باور نمی کنیم و تصور این است که هیچکس هم باور نخواهد کرد. اکثر حجاج وقتی که به کشور خود نامه می نوشتند در پاسخ خانواده های خود راجع به ماجرای مکه حقایق را توضیح می دادند و من خودم نیز در نامه ای که به خانواده ام در مالزی نوشتم واقعیات را برای آنها منعکس کردم در همین زمینه چهار نفر از حجاج کشور ما (فیلیپین) به من نامه نوشته و من به آنها گفتم که در تظاهرات شرکت کرده بودم و آنچه که دولت عربستان می گوید صحت ندارد. البته آنها در نامه خود نوشته بودند که اگر ایرانیها حتی کار خلافی هم در تظاهرات کرده بودند، پلیس عربستان فقط باید آنها را دستگیری پراکنده می کرد.

من در مورد فاجعه مکه بسیار متأسفم و عقیده دارم که اینکار دولت آل سعود یکی از جنایات تاریخ محسوب میشود، مکه و مدینه محل های مقدسی هستند که بنابر اعتقادات اسلامی کشتن حیوانات نیز در آن جاها جایز نیست، چه رسد به انسانها. من عقیده دارم که بایستی رهبران

مذهبی جهان اسلام یک دادگاه تشکیل دهند بر اساس قوانین اسلامی آل سعود را به مجازات برسانند. این عنوان و خادم الحرمین» را که آل سعود برای خود انتخاب کرده است باید از آنها گرفت و اداره مکه و مدینه باید تحت نظارت امت اسلامی باشد، سعودیها لیاقت اداره حرمین شریفین را ندارند.

بک زائر فیلیپینی مجروح کیهان شنبه ۲۸ شهریور ۱۳۶۶ سمیه ها حدود ساعت ۴/۳۰ از محل اقامت کاروانمان که در اول خیابان «حج» از طرف شارع تنعیم» بود جهت شرکت در راهپیمایی براثت از مشرکین حرکت کردیم، حدود ساعت ۵ جلوی قبرستان ابوطالب رسیدیم که اواسط سخنرانی آقای کروبی بود. در همانجا مستقر شدیم و و بعد از اتمام سخنرانی و ترجمه آن به عربی آماده جهت حرکت بسمت مسجدالحرام شده و راهپیمایی آغاز گردید، شعارهایی توسط بلندگوهایی که حاکی از براثت از مشرکین بود سر داده ب شد، بعد از گذشتن از پل «حجونه پرچم آمریکا که سمبل شیطنت و شرک میباشد توسط برادران به آتش کشیده شد، در همین حال بعد از قدری تأمل نظر باینکه در سالهای گذشته بعد از راهپیمایی اتوبوسها و تاکسیهای سعودی از سوار کردن زائران ایرانی خودداری میکردند به یکی از همراهان گفتم که سریعتر حرکت کنیم که به صفوف اولیه برسیم تا بتوانیم زودتر به محل رسیده و از باب ابراهیم بطرف منزل برویم، با این قصد خود را به نزدیکی چرخهای برادران جانباز رساندیم که با مسدود بودن راه توسط ماموران امنیتی سعودی که مجهز به تجهیزات ضد شورش بودند مواجه شدیم و به شدت از حرکت راهپیمایان ممانعت کرده و سعی در تحریک راهپیمایان به ایجاد عکس العمل میشوند که خوشبختانه با بیداری و صبر اسلامی که در راهپیمایان بود این توطئه آنان خنثی شد .

در همین زمان توسط نمک و شیشه های نوشابه و سطلهای پر از شن و آجرهای سیمانی از طبقات فوقانی پارکینگ و ساختمانهای اطراف مورد حمله قرار گرفتیم و مأمورین امنیتی باباطوم چوب به صفوف راهپیمایان حمله ور شدند، یکی از برادران بابلندگو مردم را به مقاومت دعوت میکرد و من نیز به تصور اینکه مانند سالهای قبل درگیری جزئی پیش آمده و خاتمه می یابد به همراهم دلداری میدادم ولی در اثر فشار و محاصره سخت تا نزدیکیهای مسجد جن در محاصره شدید قرار گرفتیم و فشار شدیدی را متحمل میشدیم که بعضی از راهپیمایان جهت

رهایی از فشار به سایبانهائی که جلوی مغازه ها ایجاد شده بود پریده تا از پشت بامهاراه گریزی پیدا کنند، ولی مأموران در آن بامها حضور داشته و آنها را به سر دیگر راهپیمایان پرت میکردند.

در این زمان بود که فشار جمعیت و گرمای هوا و بوی خفه کننده ناشی از گازهای خفه کننده که توسط عمال آل سعود شلیک شده بود تنفس را مختل میکرد در همین بحبوحه سنگی نیز به سرم اصابت کرد و سرگیجه ای بمن دست داد، لکن متوجه شکسته شدن سر خود شدم، در این بین تعدادی از خواهران بیهوش شدند من ناگاه مشاهده کردم که تعدادی از خواهرها به حالت بیهوشی به زمین افتاده اند و فشار به حدی بود که امکان نجات آنان بسیار کم و یا غیر ممکن بود.

و بایک حرکت سریع دریک بلندی قرار گرفتم که دیدم نیروهای امنیتی خود را عقب کشیده و بلافاصله آماده شلیک گلوله شدند که در اثر تیراندازی مردم بسمت پل حجون فشار آوردند که من خود را بسمت حرم می کشاندم، زیر پای جمعیت افتاده در اینجا بود که در اثر فشارهای بیش از حد که به پهلو و شکم من وارد آمده بود شهادتین خود را بر زبان آوردم، در آن حال به یاد سمیه آن زن قهرمان و اولین شهید افتادم که بدست همین مزدوران در زیر شکنجه های سخت بخاطر اعلام کلمه توحید و براءت از مشرکین جان خود را در راه حق و معبودش سپرده بود.

من در اثر تلاش زیاد توانستم خود را برگردانم و پای یکی از برادران را که در حال رفتن بود گرفته و مجدداً به پا خواستم و بسمت حرم حرکت کردم در این موقع نیروهای امنیتی سعودی با چوپ و آجر به سمت من حمله ور شدند و با تجربه سرم کوفتند و با باطوم بر پیکرم زدند که از دست آنها نیز گریختم در اینزمان صدای تیراندازی شدید شنیده میشد که ناگاه در اطرافم مانند برگ خزان حجاج بر زمین می ریختند من در حال فرار متوجه برادر معدنی شدم که دو پای خود را از دست داده بود در حالت اغماء بود، خواهرانی که نقش بر زمین بودند و لباسها برتنشان دریده بوده و جان خود را تسلیم حق نموده بودند مشاهده کردم. چاره ای جز پناه آوردن به جایی را نداشتم چرا که شلیک گلوله همواره در تعقیبمان بود که ناگاه هتلی نظرم را جلب کرد به آن سمت دویدم و به داخل هتل پناه آوردم که بعد متوجه شدم هتل مربوط به الجزایری ها می باشد. آنان به ما پناه دادند و بتدریج تعدادی از مجروحین به داخل هتل آمده با می آوردند که در بین آنها یکی از خواهران که پایش توسط تیر مجروح شده بود به علت نبود امکانات پزشکی با مقنعه پای او را بستم تا از خونریزی بیشتر جلوگیری شود.

در حالیکه خود از ناحیه سر مجروح بودم و بدنم شدید کوفتگی داشت مشغول رسیدگی به

دیگر خواهران و برادران مجروح بودم که روحانی کاروان خودمان را که او نیز از ناحیه سر مجروح شده بود دیدم من چادر و کیف و کفش خود را از دست داده بودم و فقط با مقنعه و لباس معمولی بودم و برای رسیدگی به برادران معلول و مجروح که در آنجا بودند می بایست کوتاهی نمی کردم با این وضعیت از روحانی کاروان کسب تکلیف کردم ایشان گفتند از این حرفها گذشته و اشکالی ندارد.

بعد از گذشتن حدود نیم ساعت آمبولانسهای سعودی آژیرکشان جهت جمع کردن مجروحین به محل آمدند که به هتل نیز مراجعه کردند و کلیه زخمیها و مجروحین را با خود بردند که من خود را بین دیگر برادران و خواهران سالم مخفی کردم، حدود ساعت ۸/۵ شب به طرف بعثه حرکت کردم که در بین راه آمبولانسهای متعددی برخوردیم که زخمیها را جمع می کردند که دو آمبولانس در دو منطقه ایستاده می خواستند من و همراهانم را با خود ببرند که ما از رفتن خودداری کردیم تا خود را به بعثه مستقر در «فندق المنصوره رساندیم که در اینجا توسط برادران سرم پانسمان مقدماتی شد و می خواستند ما را به بیمارستان ایرانیان برسانند اما بعثت اینکه مجروحان بیشتری وجود داشت و جراحات آنان بیشتر بود از رفتن خودداری کردم و توسط اتومبیلی که از طرف بعثه تهیه شد حدود ساعت ۱/۵ نیمه شب به ستاد امداد هدایت شده و از آنجا توسط یکی از برادران استان خود که جهت پیدا کردن زائران به آنجا مراجعه کرده بود به کاروان بازگشتم.

البته باید یاد آور شوم که ملحفه ای در بعثه بعنوان چادر به ما دادند و باید کوردلان آل سعود و اربابان ملحد بدانند که امت مسلمان ایران همواره گوش به فرمان مرجع خود تا آخرین قطره با خون خود جهت اعتلای کلمه توحید ایستاده اند و در همین حادثه نیز اگر برادرانمان اجازه می داشتند کلیه مزدوران آنها را خلع سلاح می کردند و بلایی بر سر آنها می آوردند که در تاریخ بی سابقه باشد ولی افسوس که حرم امن الهی مانع این کار بود و لازم به یادآوریست که در زمان ستمشاهی که مقیم تهران بودم و توفیق شرکت در اکثر راهپیمائی تهران حتی جمعه خونین ۱۷ شهریور را داشتم ددمنشی و رذالت و پستی را در حد فاجعه جمعه خونین مکه ندیده بودم .

فاطمه فخاریان - سمنان روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه ۲۹ شهریور ۱۳۶۶

شام غریبان راهپیمائی برائت پس از سخنرانی نماینده محترم امام و قرائت بخش های مهمی از پیام تاریخی امام خمینی به زبان عربی حدود ساعت ۶/۳۰ بعد از ظهر بوقت محلی آغاز شد.

شعارها بطور هماهنگ از طریق بلندگو پخش میشد. راهپیمایان بطور منظم در حال حرکت بودند. از پل اول خیابان مسجد الحرام که خیابان کنار شعب ابی طالب، وصل میگردد گذشتیم نزدیک پل دوم که «حجون» نام دارد رسیدیم، بناگاه مشاهده کردم که عده ای از برادران شرکت کننده در راهپیمائی برمیگردند بدون هیچ اطلاعی از مواقع فریاد میکشیدم برادران ۲۲ راهپیمائی تمام نشده است چرا بر میگرددید که با مشاهده پرتاب قلوه سنگها و وسایل دیگر از ساختمان چند طبقه مربوط به پارکینگ اتومبیل، همه مسائل را یکجا فهمیدم و دانستم که درگیری بین برادران شرکت کننده در راهپیمائی و عده ای دیگر که به غلط در میان جمعیت شایع شده بود عراقی هستند ایجاد شده است، البته شخصا هیچ اعتقادی ندارم که آنها عراقی بودند و هیچ دلیلی هم بر این مطلب نمیتوان ارائه نمود بلکه آنها یک مشت مزدوران سر سپرده سعودی و وهابیهای بی عاطفه ای که کمترین بوئی از انسانیت و شرف و وجدان نبرده اند، بودند.

هجوم مزدوران سعودی در ابتدا از ۲ طریق بود، یکی مربوط به همان ساختمان پارکینگ میشد که همانند باران بر سر مردم بیدفاع قلوه سنگهای بزرگ پاره های آجر-لوله های فلزی، شیشه های نوشابه و سطل های شنی (که برای اطفاء حریق در ساختمان ها نگهداری میشود) و موزائیک ها میبارید و دیگری مربوط به حمله چماقدارانی میشد که با چوب و چماق به جان با مردم مظلوم و بیدفاع و خصوصا جانبازانی که در پیشاپیش راهپیمایان حرکت میکردند افتاده بودند که نه تنها با چماق که حتی با رعگالی که بر سر داشتند صدها نفر را با وحشیگری های خود مورد ضرب و شتم قرار میداند.

در همین حال شرطه های سعودی به پرتاب گاز اشک آور و خفه کننده که با دود بسیار غلیظی در آسمان مشاهده میشد مبادرت ورزیدند در یک لحظه مرگ را در برابر چشمانم احساس کردم، نه بخاطر پرتاب وسایل از ساختمان پارکینگ و نه هجوم یک مشت اراذل و اوباش و نه گاز خفه کننده بلکه بخاطر تراکم بیش از حد و وصف ناشدنی جمعیت زیر پل احساس خفگی میکردم. جمعیتی که بدون اطلاع از درگیری به راهپیمائی خود ادامه می دادند، با شنیدن خبر

سقوط یکی از هلیکوپترهای آمریکا در خلیج فارس، با شور هر چه بیشتر شعار الموت الامریکا» سر دادند و جمعیتی هم از پیرمردان و پیر زنان و زنان و مردانی که هراسان و وحشت زده از بارش وسایل از ساختمان ۵ طبقه‌های پارکینگ و ددمنشاهی چماق بدستان و گاز اشک آور و خفه کننده در حال فرار بوده و بر میگشتند، سنگ برای کشتن یک نفر کافی بود، هر بار که یکی از مزدوران عگالش را دور سر میچرخانید و بر سر یکی از راهپیمایان فرود می آورد کافی بود که بی استثنا فرقه را بشکافد و اینها بطور مرتب و با بی رحمی مخصوص خود از تمامی این وحشیگریها استفاده میکردند و اگر تصور نمائیم که امواج خروشان شرکت کننده در راهپیمائی که تنها جرمشان این است که «لا اله الا الله، میگویند هیچ وسیله دفاعی نداشته و بدون هیچ آمادگی قبلی میبایست همواره از سوی بی وجدانهای عاری از شعور انسانی مورد هجوم قرار گیرند، خواهیم فهمید که جمعیت چرا بر میگشت و آیا چاره ای جز بازگشت داشت؟ بهر حال من بهر طریقی که بود خود را از لابلای جمعیت به کناری کشیدم و شاهد صحنه های رقت باری شدم که هر لحظه یادم می آید بی اختیار اشک در چشمانم جمع میگردد شاید ۴ الی ۵ ردیف از انسانهای مظلوم و بی دفاع رویهم ریخته و دست و پا زده و در حال جان دادن بودند و هیچ راهی هم برای نجات آنها نبود و این خود مصیبتی بیشتر بود اگر هم میخواستی دست یکی از آنها را بکشی و از لابلای جمعیت رویهم ریخته بیرون بکشی جز آنکه دستش را میشکستی کار دیگری نمیتوانستی انجام دهی و تازه توهم زیر دست و پاله میشدی. چقدر از چادرها و روسری های زنان مظلوم کنار رفته بود و همین ها از تو تقاضای کمک میکردند و توجز فریاد «یا امام زمان کمکی بنما، هیچ جوابی نداشتی و ذکر این نکته ضروریست که بعضی از خواهران هنگامی که چادرشان کنار میرفت و یا روسریشان می افتاد، برای حفظ حجاب مجبور بودند که جانشان را مایه بگذارند و براستی که برای بعضی از این سمیه های زمان حفظ حجاب از حفظ جان مهمتر بود.

صحنه بسیار عجیبی بود شاید چندین نفر بطور کامل خفه شده و به لقاء الله پیوسته بودند و تحمل این صحنه ها حتی بر قسی ترین قلبها چنان اثری میگذاشت که صاحبان آنها بی اختیار و با فریادی بلند و اشکهای چون باران میگریستند و هر قدر صدايت را بلندتر می نمودی که :

(... برادران کمی عقب تر رفته و به طرف مسجدالحرام حرکت نمائید تا راه کمی باز شود...) نه تنها این تقاضا در میان آنهمه فریاد و ضجه ها و ناله ها هیچ اثری نمی گذاشت بلکه خودت را خسته کرده و لحظات کوتاهی بعد خودت همان فریادها و همان ضجه ها و همان



نالاه را داشتی. خلاصه قلم بسیار عاجزتر از آنست که مظلومیت بیش از حد شهدای گرانقدری که در همین رابطه به لقاءالله پیوستند را وصف نموده و گوشه ای از صحنه و خاکریز بوجود آمده از انسانهای مظلوم رویهم ریخته را بنمایانم.

هم در این لحظات با لطف الهی و با شعارهای «الله اکبر، عده ای از برادران حزب الله شرطه‌های بی لیاقت سعودی که پس از قتل عام مکه امثال صدام برای آنها پیام تبریک میفرستند که گوئی فتح بزرگی را به دست آورده اند حدود ۲۰۰ متری عقب رانده شدند و تا نزدیکی مسجد «جن» پا به فرار گذاشتند و همین حرکت باعث شد که جمعیت زیر پل کمی از هم پاشیده شود و اگر نبود این حرکت معلوم نبود که آمار شهدایمان چه مقدار باشد.

ناگهان تیراندازی به سمت زوار خدا در حرم امن الهی شروع شد! خودم شاهد پریر شدن چندین گل بودم که با گلوله های پلیس سعودی از پای در می آمدند و هیچ وسیله دفاعی نداشتند.

یک لحظه صدای تیراندازی قطع نمیشد و چندین هلیکوپتر برای ایجاد جو رعب و وحشت هرچه بیشتر بالای سر راهپیمایان در پرواز بودند.

با عنایت خداوند سبحان و بخاطر فرار شرطه‌های بزدل جمعیت زیر پل دیگر کاملاً متفرق شده بودند فقط جسدهای فراوانی میدیدی که بر زمین افتاده است. جانباзانی را میدیدی که چرخهای مخصوص خود را از دست داده بودند و در حالیکه پایشان قطع بود با دست و سینه خود را بجلو میبردند! جمعیت بسیار عظیمی را مشاهده میکردی که در خیابان کنار شعب ابیطالب در حال نجات خویش بودند و یا به ساختمانهای اردنی ها و فلسطینیها پناه برده بودند.

هزاران چادر و روسری و مقنعه و کفش و لباس عربی و عمامه و وسایل شخصی زنان وریال سعودی را مییافتی که گویا بر خیابان مسجد الحرام فرش جدیدی کشیده بودند؟ باصدها مجروح برخورد میکردی که یا بوسیله گلوله و یا باطوم و یا چماق و یا عگال زخم عمیقی برداشته و با بدن کاملاً خون آلود بوسیله دیگران در حال حمل و هدایت به سمت بعثه بودند.

در یک لحظه احساس کردم که درگیری تمام شد و تیراندازی شرطهها از پشت سر بخاطر متفرق نمودن جمعیت است ولی این از ساده اندیشی نشات میگرفت، زیرا بلافاصله دریافتم که هدف مزدوران سعودی اساساً سربازی و از بین بردن کسانیست که در راهپیمائی شرکت نموده و من فریاد برآت سر داده بودند چون حدود بیش از ۳۰۰ شرطه از مقابل به جمعیت هجوم آوردند، یعنی ما که بر خلاف جهت مسجدالحرام به سمت بعثه در حال حرکت بودیم ناگاه با بیش از ۳۰۰ نفر مواجه شدیم که باباطومهای لاستیکی و الکتریکی به مردم بیدفاع حمله ور شدند، و گاز

اشک آور نیز به سمت ما پرتاب شد و در این جا برادران حزب الله جهت خنثی نمودن گاز اشک آور که علاوه بر سوزاندن چشم تمامی بدن را میسوزاند اقدام به آتش کشیدن به پلاکاردهای راهپیمائی و وسایل شرطهها نمودند. یادم رفت بگویم که در هجوم اول برادران حزب الله به سمت شرطه ها یکی از سپرهای شرطه ها بدستم افتاد و همین ثابت مینمود که تا چه اندازه پلیس سعودی بی کفایت است.

چند نفر از حجاج ترکیه هنگامی که جنایات و وحشیگریهای سعودی را دیده بودند از بالای پل سه نفر از شرطه ها را پائین انداخته و آنها را بدرک فرستاده بودند و مجموعه اینها باعث شد که با فریاد خروشان الله اکبر مجدداً ولی اینبار بر خلاف جهت قبلی که به سمت مسجدالحرام بود به سمت بعثه حضرت امام شرطه ها عقب رانده شوند و شرطههای بزدل اینبار از آپاش هائی که با فشار زیاد و با آب جوش بکار گرفته میشد استفاده نمایند. اما باز هم فریادهای خروشان الله اکبر آپاشها را بر زمین گذاشته و فرار نمودند که توسط برادران حزب الله آپاشها علیه خود آنها بکار گرفته شد و در اینجا بود که از مقابل نیز تیراندازی شروع شد و نگارنده نیز از باطومه‌های الکتریکی بی نصیب نماند و چیزی همانند پتک بر گردنم فرود آمد، سرم گیج میرفت سپر را به سمت شرطه ها پرتاب و چوب پلاکارد را که تنها وسیله دفاعی ما بود به گوشه ای انداخته و خود را کنار کشیدم.

دیگر آخرین مقاومت‌های مردم مظلوم و بی‌دفاع هم در هم شکسته میشد، شرطه های سعودی جنایت را از حد گذرانند گلوله خورده ها را هم دوباره با باطومهائی که بر فرقشان فرو می آوردند با دناوت و رذالت فراوان مورد هجوم قرار میدادند، پیرمردها را با فجیع ترین وضع مورد ضرب و شتم قرار داده و جوانان را با گلوله از پای در می آوردند. به هیچکس رحمی نداشتند. زنان را با ناجوانمردانه ترین وضع کتک میزدند، جانبازان فداکار را هم از نظر دور نداشتند، برآستی که این صحنه خاطره شکنجه ها و زجرهای صدر اسلام را در ذهن تداعی میکرد.

اگر بلال حبشی و یاسر را در همین خیابان در زمان رسول الله (ص) با کینه توزانه ترین شیوه ها به شهادت رساندند، فرزندان ابولهب و ابوجهل ها و ابوسفیانها عینا همان شیوه ها را اما اینبار کمی پیچیده تر و شدیدتر برای مردمی که نمیخواهند زیر بار هیچ شرک و ظلمی رفته و میخواهند احکام الهی را تماماً اجرا نمایند تکرار نمودند. اگر سمیه را با فجیع ترین روشها به شهادت رساندند بیش از ۲۰۰ سمیه مردم انقلابی ایران تقدیم خداوند نمود. اگر خاکستر بر سر پیامبر اسلام یعنی پاکترین و شریفترین انسانها ریختند، فرزندانشان شن را با سطلش بر سر آزاده ترین و

وانقلابی ترین مردم ریختند و بدرستی که روی اجداد خود را سفید نمودند .

## شجاعت زنان ایرانی - جمشید گرمی

و هر لحظه محاصره تنگتر میشد که با اذان مغرب وهاییهای نادان و ددمنشان آمریکا موقتاً از تیراندازی و هجومشان دست کشیدند. یکی از روحانیون وسط خیابان نماز جماعت اقامه نمود . پس از نماز در خیابان درگیری تمام شده بود اما درون کوچه ها تا ساعت ۹ شب درگیری ادامه داشت.

یادم رفت بگویم هنگامی که یکی از آمبولانسهای مربوط به هیئت پزشکی جمهوری اسلامی جنازه ها و مجروحین را به سمت مسجدالحرام حمل میکرد جلادان سعودی به سمت این آمبولانس هجوم بردند که البته با شهامت راننده آمبولانس از معرکه گریخت، باهمان حال که پایم بدلیل اصابت سنگ بی حس شده بود و سرم گیج میرفت جنازه مطهر یکی از شهدا را به کمک یکی دیگر از برادران به سمت بعثه و از کوچه های اطراف آن حمل نمودم. واقعاً که شام پر غریبان پس از عصر عاشورا بود زیرا که همه با نگرانی از نزدیکان خود سؤال میکردند، مردانی را دیدم که تنها آرزویشان خبر سلامتی زنهایشان بود، زنانی را میدیدم که از شوهران خود سؤال میکردند اما همه از حیوان صفتی های شرطه ها در حیرت بودند. در اینجا باید از ایثارگریهای به مردم نیز سخن گفت که تا ۲ ساعت پس از نیمه شب به نقل و انتقال گمشدگان و مجروحین و شهدا مشغول بودند. بالاخره جمعه ۶ ذی الحجه ۱۴۰۷ باد آور مظلومیت همیشگی شهیدان بیدفاع ماست و قطعاً نقطه عطفی خواهد بود برای افشای هر چه بیشتر ماهیت پلید کاخ نشینان سعودی که با ضیوف الرحمن این چنین معامله نمودند.

بامید انتقام خونهای بناحق ریخته شهدای مظلوم جمعه خونین و سیاه مکه.

شنبه ۱۰ مرداد ۶۶ مصطفی کواکبیان روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۲ شهریور ۱۳۶۶ شجاعت زنان ایرانی روز جمعه بعد از ظهر بود که از گوشه و کنار مکه کاروانهای ایرانی بسوی میدان «معابده» براه افتادند. پیر و جوان با چهره هائی مصمم و قدمهائی استوار میرفتند تا همچون سالهای قبل بخروشنند و بر سر اهریمن نهیب زنند و با تجدید بیعت با رسول الله برائت از مشرکین نمایند.

در حدود ساعت ۵ بود که به نزدیکی میدان رسیدیم و هنوز سخنرانی نماینده امام پایان نرسیده بود، در سمت چپ برادران و سمت راست خواهران با شور و اشتیاق به بیانات نماینده

امام گوش فرا داده بودند و گاهی نیز با تکبیری دشمن شکن قلب مزدوران سعودی را به درد می آوردند، با اینکه چندمین سفر من به حج بود و سالهای قبل نیز در این اجتماع عظیم شرکت داشتم ولی حال عجیبی داشتم و دلم شور میزد. در چهره های نورانی زائران بیت الله که گاه از حجاج سایر کشورها هم در میان آنها بچشم میخورد و همه چیز را می شد بخوانی جز حدیث خون، خدای من خون در کعبه نه! ممکن نیست! درگیری جزئی؟ بله ممکن است چون سالهای قبل نیز حوادث کوچکی اتفاق میافتد ولی قتل عام در حرم امن خدا محال بنظر میرسید، دل شوره عجیبی بمن دست داده بود وقتی سخنان حاج آقا کروبی پایان رسید و به ، عربی ترجمه گردید با دعوت عمومی برنامه زائران با شعارهای وحدت و برائت بطرف مسجد الحرام براه افتادند شکوه و عظمت این راهپیمائی رافقط باید بچشم دید، با تعریف و سخن نمیشود وصف کرد.

صفوف منظم راهپیمایان با شعارهای کوبنده و مشت های گره کرده از مقابل بعثه حضرت امام گذشت و بعد از دقایقی به نزدیکی پل حجون رسید که یکباره جمعیت از حرکت باز ایستاد و ما که تقریباً پشت سر خواهران بودیم فریاد زدیم حرکت کنید و از بلندگو نیز اعلام شد که .

بمحض شنیدن اذان مغرب شعار ندهید و پلاکاردها را جمع کرده و به نماز بایستید. صدای حرکت کنید! خواهران حرکت کنید! از همه سوبگوش میرسید که یکباره شنیدیم گفتند:

برگردید! برگردید! کشتند! قتل عام کردند؟ باور نمی کردم بنظرم شایعه می آمد که دیدم عزیزانی خونین با پیراهن هائی پاره پاره از میان خواهران به عقب برگشتند و بطرف بعثه و در مانگاه رفتند، چیزی نگذشته بود که شرطه های سعودی اطراف ما را محاصره کردند و از عقب نشینی خواهران استفاده کرده و میدانی به وسعت ۲۰۰ متر برای خود تهیه کردند و با مسلسل های سبک بطرف جمعیت نشانه رفتند، ابتدا رگبار هوایی بستند زائران فریاد زدند نترسید هوائیه! برگردید! خونسرد باشید! ولی فاجعه بدستور فرزندان ابی سفیان ها تحقق یافت و رگبار مسلسل ها جمعیت را چون برگ خزان رویهم ریختند فریادها پر خروش شد. ۱۷ شهریور تکرار گردید و فریاد حسین، حسین شعار ماست بالا گرفت.

تعدادی به ساختمانهای نیمه تمام هجوم بردند که در پناه باشند ولی شرطه های آل سعود اقدام به تیراندازی و پرتاب گاز اشک آور نمودند، از ساختمان مجاور :

پارکینک چند طبقه نزدیک پل حجون همه چیز بیابین پرتاب می کردند. سنگ، سطل

به زیاله ، شیشه نوشابه ، چوب های داربست ضخیم و حتی آجرهای سفالی و سیمانی ، راه فرار و نبود هرپناهی که می یافتی مقابلش سدی بود از یزیدها و ساواکی های سعودی نیز با نظامیان » : همکاری میکردند دیگر چاره ای نبود باید کمک میکردیم و این زخمی ها و خواهران را به جایی \* میرساندیم آمبولانس هیئت پزشکی حج را به رگبار بستند و از حرکت ایستاد، اتومبیل امداد را بود که بلندگوروی آن بسته بودند با سنگ و چماق به آهن پاره ای تبدیل و زخمی ها را که دنبال جان :

پناهی بودند مجدد میزدند، با تعدادی از بچه های بعثه و انتظامات ستونی تشکیل دادیم که دور زخمی ها و خواهران حلقه زدند، وقتی در هجوم آخر دژخیمان آل سعود که می خواستند مجدداً این حلقه و ستون دفاعی برادران ما را بشکنند زخمی شدم و بر روی زمین افتادم و از باطرمهائی که بر سرم فرود میآمد گیج و منگ شده بودم و شهادتین میگفتم و این تعدادی از خواهران قهرمان و مبارزما بودند که به کمکمان آمدند و حماسه شجاعت و شهادت زینب (س) را در روز عاشورزنده کردند، این خواهران عزیز فریاد میزدند برادرها بلند شوید! شما حیف است کشته شوید! و خطاب به مزدوران آل سعود نیز فریاد برمیآوردند که نامردها ما را بزنید! ما را بکشید ای نامردها! چرا بچه های ما را می کشید؟ بله این ایثار و از خود گذشتگی خواهران زینب گونه ما که خود را بخطر انداختند باعث شد که ما جان سالم بدر بریم و در این لحظات هم برادران راه فراری یافتند و باتفاق همین شیرزنان به کوچه ای پناه بردیم در حالی که این خواهران عزیز همگی برای دفاع از ما زخمی شده بودند و در جواب این سؤال که خواهرها شما چرا اینکار را کردید جواب دادند مگر خون ما رنگین تر از خون شماست مگر ما امت حسین نیستیم و مگر شهادت افتخار ما خانواده های شهدا نیست.

ساعتی طول کشید که از چند کوچه پس کوچه گذشتیم و در نزدیکی بعثه از کوچهای بیرون آمدیم، پلیس مسلح سعودی در نزدیکی بعثه مستقر بود و مسیر را حتی برای آمبولانس ها بسته بود بطوریکه آمبولانس های ایرانی که اکثراً شیشه های آنها شکسته بود میدان مقابل بعثه را دور .

میزدند و مجروحین را به بیمارستانها و درمانگاههای ایران انتقال میدادند.

شب غمگین و دردناکی بود هر کس به مقابل بعثه امام میرسید یا مجروح بود یا گمشده بود و یا و گمشده داشت و من تا ساعت ۱۱ شب در مقابل گمشده ها و مجروحین و جنازهها، خسته و مجروح و گیج بدنبال پدر و مادرم بودم همه جا را جستجو کردم لیست اسامی مجروحین را که در چند ساعت قبل بستری و یا سرپائی پانسمان شده بودند بارها و بارها خواندم و عاقبت نا امید در حدود ساعت ۱۲ شب بطرف منزل براه افتادم .

خیابان مسجد الحرام از مقابل پل حجون تا یک کیلومتر بطرف پائین و بالا مملو از چادر زنان و قمقمه و سنگ و کفش و چوب و پلاکاردهای خونین که بجرم ندای براءت از مشرکین علمدارانش را به شهادت رسانده بودند و ماموران شهرداری مکه با عجله مشغول جمع آوری از این آثار جنایت و قتل عام بیسابقه زائران بیت الله الحرام بودند و تعدادی نیز خونهای مطهر شهیدان عزیز ما را می شستند غافل از اینکه این خونها نه تنها با ریختن آب زمزم و کوثر بدست سقایت الحاج فهد بن عبدالعزیز خائن الحرمین پاک نمیشود بلکه از قطره قطره آن لاله هائی شکفته خواهد شد که حکومت جور ستم و هابیون را منقرض خواهد کرد همانگونه که خون شهدای ۱۷ شهریور تهران حکومت برادر حرامزاده فهد آریامهر ملعون را منقرض ساخت.

و وقتی به منزل رسیدم اعضای کاروان را دیدم که نگران در مقابل درب اجتماع کرده اند و وقتی و مرا دیدند صلواتی فرستادند و سر و رویم را بوسیدند و شکر خدا بجای آوردند و اولین سؤال من این بود که از پدر و مادرم چه خبر؟ با اطمینان خاطر جواب دادند هر دو سالم بازگشته اند، من بلافاصله به درمانگاه نزدیک منزل مراجعه کردم و زخم انگشت دستم را که بشدت آسیب دیده بود و خون لخته شده بود پانسمان کردم و به منزل بازگشتم. ناگفته نماند که پدرم کتک زیادی خورده بود ولی شکستگی الحمدالله نداشت و فقط کبودی فراوانی در تمام بدنش بچشم میخورد دو میگفت با کمک یکی از خدمه های زحمت کش کاروان به منزل بازگشتم و مادرم هم تعریف میکرد که من قمقمه و چادرم و حتی کفش هایم را گم کردم و با مقنعه باتفاق گروهی از خواهران گمشده به ستاد گمشدگان مراجعه کردم و در آنجا چادری بمن دادند و سپس برادران پر تلاش و ایثارگر ستاد امداد گمشدگان ما را به منزل رساندند.

جمشید کرمی روزنامه جمهوری اسلامی چهارشنبه ۸ مهر ۱۳۶۶ شرطه های چاقوکش راهپیمائی براءت از مشرکین در حالی آغاز شد که بنا به گفته برخی از مسئولین ستاد احتمال هیچگونه درگیری داده نمیشد. بما گفته بودند در رابطه با این راهپیمائی همه گونه هماهنگی با دیگر مسئولین حکومتی آل سعود صورت گرفته و امسال تنها سالی خواهد بود که هیچگونه درگیری پیش نخواهد آمد. در طول راهپیمائی زوار ایرانی و سایر زائرین خانه خدا از کشورهای آفریقائی، آسیائی با ملیتهای مختلف با نظم و هماهنگی بی نظیری شعارهای ضد

در مسیر راهپیمایی یکی از حجاج مسلمان که از امارات متحده بود و نزدیک من حرکت میکرد بمن رو کرد و گفت: مواظب خودتان باشید امروز صبح بما گفتند در راهپیمایی ایرانیها شرکت نکنید که قتل عام میشوند. این زائر عرب که فارسی را با روانی خاصی ادا میکرد بیش از این توضیح نداد و از صف خارج شد. من منظور او را نفهمیدم و فکر کردم که او میترسد کشته می شود، لذا قصد دلداری او را داشتم و میخواستم به او بگویم که امسال از درگیری خبری نیست ولی خیلی سریع خودش را از صف بکناری کشید. همینجا بگویم که من در مراسم حج سال گذشته هم شرکت کرده بودم و انتظار برخوردارهای پراکنده و ناسزاگونی از سوی شرطه ها را میدادم و تنها چیزی که بخاطرم خطور نکرد کشتار بود.

در طول مسیر از بلندگوها بطور مکرر اعلام میشد که به فتوای امام و برای حفظ وحدت با مامورین درگیر نشوید. دیگر مسیری تا خانه خدا نداشتیم و سر راهپیمایی از پل «الحجون» به گذشته و به پل کوچکتري آنطرف الحجون رسیده بودیم که با سر و صداها و فریادهائی از سمت :

چپ صف روبرو شدیم. برای ما که در صفوف پشت سر جانبازان قرار گرفته بودیم خیلی آسان بود که ته و توی قضیه را در بیاوریم. موقع رفتن به آن سمت بود که متوجه شدیم از بالای ساختمان یک پارکینگ چند طبقه سطلهای سنگ و ماسه، کپسولهای سنگین آتش نشانی و سنگهای بزرگ مثل تگرگ روی سر حجاج ریخته میشود. تنها کاری که از دست ما بر می آمد این بود که خیلی سریع حجاج را دعوت میکردیم که بسمت وسط خیابان بیایند اگر چه همانجا با پیکرهای خونین تعدادی از حجاج که بشدت زخمی شده بودند روبرو شدیم.

در همین حال متوجه هجوم مامورین امنیتی عربستان با دستارهای قرمز از سمت راست شدیم، هنوز ما نمیدانستیم تکلیفمان چیست و بعضی ها که از دست مامورین عربستان کتک بهم میخوردند عکس العملی نشان نمیدادند تا اینکه از جلو، گارد مخصوص فهد که نمیدانیم از کجا پیدایشان شد، جلو راهپیمایان را گرفتند بعد مقداری عقب رفتند و آنموقع تازه من برق سلاحهایشان و قیافه منحوسشانرا که کف از دهان بعضی هایشان میریخت و بزبان خودشان .

فحاشی میکردند دیدم. حالا صفوف راهپیمایان از سه طرف محاصره شده بودند: جلو، گارد مخصوص فهد مسلح با سلاحهای مختلف، از سمت راست مامورین امنیتی که باباطومهای میخدار به سر و صورت حجاج میکوبیدند و از سمت چپ که از روی پارکینگ سنگ و شیشه آجر پاره میریخت، فشار جمعیت بسمت عقب شروع شد و این عقب نشینی همزمان بود با بلند

شدن صدای رگبار گلوله، خیلی ها گفتند تیراندازی هوایی است و ما را دعوت به نشستن روی زمین میکردند ولی اولین شهید خون آلودی که لاله الاالله گویان روی دست حجاج به سمت ما .

آمد. تمام جریان را روشن ساخت. ما از صفوف جلوخبر نداشتیم، نمیدانستیم در آنجا چه میگردد تا اینکه در یک آن دیوار گوشتی که بین ما و صفوف جلو فاصله انداخته بود کنار زده شد و من با منظره ای روبرو شدم که برایم بسیار هولناک بود ... من جنازه هائی را دیدم که مثل فواره خون از آنان به روی آسفالت گرم میریخت انسانها را دیدم که مثل گوسفندانی که به مسلخ برده میشوند در هم فرو رفته بودند و مانند تپه گوشتی در وسط خیابان جدا جدا تشکیل شده بود. من در آن چند لحظه بوضوح دیدم که از پائین این تپه های گوشت خون روی آسفالت روان شده بود.

در مقابل چشمم صف گارد فهد را دیدم که بزانو بسمت ما نشانه میرفتند و صدای رگبار که در هوا میپیچید. عقب نشینی آغاز شد در حالیکه فریاد استغاثه مجروحان بویژه جانبازان بگوش میرسید. غیرت تعدادی از حجاج باعث شد در حالیکه باران گلوله میبارید تعدادی از جانبازان مجروحان را خیلی سریع به عقب انتقال دادند پشت سر ما زنها قرار داشتند.

فشاری که بسمت زنان وارد شده بود سبب گشت که تعداد زیادی از زنان زیر دست و پا قرار بگیرند. دیدن این صحنه باعث شد که همه چیز را فراموش کرده و برای نجات آنان اقدام کنیم . در یک مورد تعداد زیادی جمعیت آنچنان روی هم ریخته بودند که من وقتی خواستم پیرزنی را از میان آنان بیرون بکشم با زحمت و بسختی موفق به اینکار شدم و در همانحال دیدم که چند نفر نیز زیر این فشار خرد کننده جان سپرده بودند. در همان حال که برای نجات مجروحان اقدام میکردیم و در چندین نوبت آنان را به عقب هدایت کرده و دوباره برمیگشتیم مواظب گاردیها بودیم . بخدا قسم با چشمان حیرت زده ام دیدم که یک مامور آل سعود به پیرزنی که زخمی کف خیابان افتاده بود نزدیک شدو من دیدم که دست آن نابکار به کمرش رفت و به اسلحه کمریش را بیرون کشید و بسمت سر آن پیرزن شلیک کرد.

گریه میکردیم و همینطور که مجروحان را منتقل میکردیم فریاد یا محمدا، یا ابوالفضل و یامهدی سر میدادیم. تمام آن سمت ناله بود . ناله مجروحان و گریه و زاری کسانی که آنها را از صحنه خارج میکردند و چه بسا در همانحال گلوله میخوردند و دیگر بلند نمیشدند. در این حالت ها بود که یکدفعه متوجه شدم نمیتوانم نفس بکشم. حالت خفگی و ریزش اشکها نشان میداد که نوعی گاز در اطرافم متصاعد میشود. وقتی دقت کردم دیدم از بالا توسط هلیکوپتر و از پائین مامورین آل سعود با تفنگهای مخصوص گازهای خفه کننده شلیک میکنند. تعدادی از



برادران بلافاصله با آتش زدن کاغذ و لاستیک سعی در خنثی کردن این گازها نمودند ولی نمیدانم فرمول این نوع گاز چه بود که به انسان حال خفگی دست میداد .

تعدادی از برادران که وضع را اینطور دیدند با فداکاری و ایثار بی نظیر راه را باز کردند تا بقیه و بتوانند مجروحان و کشته های صفوف اول را از صحنه خارج کنند. در یک مورد دیدم یکی از افراد کاروان با یک شرطه چاقو بدست که حجاج را با آن بشدت زخمی میکرد درگیر شد و موفق شد چاقو را از دست او خارج کند وقتی به عقب برگشت من دیدم که در اثر گلاویز شدن یکی از انگشتهایش تا مرز قطع شدن زخمی است و خون از آن جاری است، ولی او اعتنائی به انگشتش نداشت و سرگرم حمل مجروحان بود. آمبولانسهای ما که برای حمل مجروحان آمده بودند مورد حمله مامورین وحشی آل سعود قرار می گرفتند، آنها بسمت آمبولانسهای مستقیم شلیک میکردند و من دیدم راننده آمبولانسی که برای بلند کردن چند مجروح از ماشین بیرون آمده بود توسط چند شرطه محاصره شد و آن بیرحمها آنقدر او را با ضربات باطوم و قنداق تفنگ زدند تا بشهادت رسید دو مورد نیز بچه ها خبر دادند که جلوتر از آن صحنه راننده را بشهادت رسانده بودند. حالا دیگر دست ما از مجروحان کوتاه شده بود و ما تنها توانستیم شاهد صحنه های دردناکی باشیم که مجروحان را دسته دسته بلند میکردند روی هم در کامیونها و یا آمبولانسهایشان میریختند و چه بسا تحت آن شرایط تعداد زیادی از مجروحان مابشهادت رسیدند.

ساعت دوازده و نیم میشد که شروع کردند به پاک کردن خیابانها و خواستند سندهای رسوائی شان را از بین ببرند. این یک توطئه بود، در موقع تیراندازی بلند گوهایشان فریاد میزدند :

بکشید رافضی ها را خونشان مباح است، آمده اند مثل اصحاب فیل خانه خدا را خراب کنند!! ما آمده بودیم دوری خود از دین شرک و کفر را فریاد کنیم. آمده بودیم برای رهائی قدس فریاد بزنیم و مسلمانان را برای آزادی قدس هشدار بدهیم تنها جرممان این بود و بس.

حاج حسین نمازی - بندرعباس روزنامه جمهوری اسلامی پنجشنبه ۲۶۶ شهریور ۱۳۶۶

شکست قداست حرم با شلیک گلوله کعبه عظیم ترین سمبل ثبات و استواری آنانی که در جستجوی خدا بوده و با بندگی او از:

آزادی لذت می برند، مکه و حواشی آن شاهدیک تاریخ بسیار غنی بوده است. قریب به یکهزار پیامبر خدا تنها در مسجد خیف در منی دفن هستند. کعبه باستانی است و در عین حال به اندازه کافی مدرن و امروزی است که استثنائی ترین گردهمایی را بخود جلب کند. هر ساله حدود دو میلیون نفر از بیش از ۶۰ کشور در مکان مقدس مکه گرد هم می آیند. در سالهای اخیر بزرگترین گروه حجاج از ایران آمده اند.

در گذشته این سفر پر مخاطره توأم با تلفات سنگین جانی و سختی و مشقت فراوانی همراه بود. ابن جبیر که در قرن سیزدهم زیارت حج را انجام داده بود اسکلت بدن آنهایی که در بیابان از تشنگی مرده بودند را مشاهده کرده بود. زائرین غالباً با تلفات وحشتناکی مواجه میشدند.

آنهایی که از شدت گرما، سرما، گرسنگی، تشنگی و یا حملات راهزنان بادیه نشین جان سالم بدر می بردند اغلب گرفتار طاعون میشدند. در قرن گذشته زمانیکه یک کاروان از قاهره به نیمه راه صحرای سینارسید ۱۵۰۰ نفر از مسافران و ۹۰۰ شتر آن مرده بودند. در سال ۱۲۰۳ حدود یک پنجم از یک کاروان بیست هزار نفره سوری بر اثر تشنگی جان باختند. در سال ۱۲۰۵ دوازده هزار نفر بر اثر تندبادهای موسوم به «باد سامون» مردند.

در سال ۱۲۲۵ پانصد زائر در راه بازگشت از مدینه به دمشق در گذشتند بیماری وبا نیز تلفات سنگینی از زائران گرفت. بین سالهای ۱۲۱۰ و ۱۲۸۱ - ۲۷ مورد بیماریهای واگیردار در دره مقدس ولی بد آب و هوای مکه شیوع پیدا کرد. اما تراژدی امسال مکه یک طبیعت بسیار متفاوتی داشت ...

قرنهاست که حج کانون توجه مسلمین سراسر دنیا می باشد. اما ژوئیه امسال نه بخاطر جلوه برادری اسلامی بلکه بعنوان نشانه اختلاف سیاسی که جهان امروزی اسلام را تقسیم کرده بخاطر آورده خواهد شد.

مکه، خانه اسلام و سمبل وحدت اسلامی مبدل به یک میدان رزم برای مبارزه بین انقلابیون اسلامی و مدافعین وضعیت فعلی گردید. با رو در رو شدن پلیس سعودی با زائران ایرانی در یک نمایش قدرت در خیابانهای مکه مسلمان خون مسلمان را ریخت.

اختلافات بین سعودیها و زائران ایرانی در طول سلطنت شاه ظاهر شده بود اما از آنجائیکه

هر دو دولت پادشاهی طرفدار آمریکا بوده و از نیروهای رادیکال و تندرو واهمه داشتند این مشکلات بسادگی حل می شد. اما از انقلاب سال ۱۳۵۷ امام خمینی اصطکاک بین سعودیها و ایرانی ها خصوصا در مورد جنبه های سیاسی حج که شاید حتی کمک های اقتصادی عظیم سعودی به عراق در جنگ خلیج «فارس» را تحت الشعاع خود قرار داده توسعه و گسترش یافته است.

در مراسم حج سال ۱۳۶۱ مقامات سعودی سعی کردند از تماس زائران ایرانی و دیگر حجاج ممانعت بعمل آورند. علیرغم تلاش آنان، دو تظاهرات در مدینه در حمایت از آیت الله خمینی سازماندهی شد. حجت الاسلام خوئینی ها نماینده آیت الله خمینی پس از ملاقات با مقامات سعودی گفت: «در طول مذاکراتمان نکته اصلی و مهم تنها یک کلمه بود: به عقیده آنان مذهب از سیاست جداست در حالیکه بنظر ما دین از سیاست تفکیک ناپذیر است.» در سال ۱۳۶۱ دولت سعودی بقدری از ورود سیاست ایرانیان به حرمین شریفین وحشت زده شده بود که شروع به ایجاد موانع برای جلوگیری از ورود یکصد هزار زائر ایرانی جهت تشریف به حج نمود. امام خمینی شخصاً دولت سعودی را مخاطب قرارداد: «این اجازه را بخودتان ندهید که فکر کنید کعبه تعلق به شما دارد و یا شما رئیس خانه خدا هستید زیرا کعبه به تمام مسلمین جهان تعلق دارد. در حالیکه مستشاران آمریکایی در عربستان سعودی در راحتی و آسایش بسر می برند و بطور نامحدود از منابع مردم محروم در آن کشور بهره می جویند، دولت سعودی چشم دیدن زائران ایرانی در آنجا را ندارد ...

متعاقبا دولت سعودی به زائران ایرانی اجازه ورود داد و به این ترتیب بحران رفع شد.

اما ایرانی ها انتقاد از سعودیها را متوقف نساختند. یک مجله ماهانه چاپ سفارت در لندن بنام «امام» نوشت: در حالیکه فهد بعنوان مدافع و حامی منافع آمریکا عمل می کند رژیم بن سعودی تبدیل به مرکز اعصاب سیاست های آمریکا شده است خانواده سلطنتی سعودی که خود را بعنوان متولی حرمین تلقی میکند طبیعتا احساس ناراحتی نمود. در جریان تظاهرات در حج سال ۱۳۶۲ آژانس های امنیتی سعودی با تظاهر کنندگان ایرانی درگیر شده و عده زیادی مجروح گردیدند اما گلوله ای شلیک نشد و خودروهائی که برای متفرق ساختن تظاهر کنندگان آب می پاشید هیچ کسی را مجروح نساختند در همان موسم حج توسط نیروهای امنیتی سعودی ۵ دوربین از زائران ایرانی ربوده شد اما آنگونه حوادث جزئی بدلیل آنکه سعودیها معمولا مخالف عکسبرداری از مسجدالحرام هستند می تواند برای هر کسی در محدوده

مسجدالحرام پیش بیاید. در سال ۱۳۶۴ یک خودروی پلیس سعودی سه تظاهرکننده ایرانی را تم را مجروح ساخت اما با بهره جویی از امتیاز شک و تردید میتوان آنرا بعنوان یک حادثه بفراموشی سپرد. در همان تظاهرات یک گروه از تظاهرکنندگان ایرانی جدا شده و به محاصره آژانس های امنیتی در آمد و پلاکاردهایشان گرفته شد. در آن لحظه شدیداً احساس بک درگیری کوچک منجر به خرد شدن یک مدل چوبی بزرگ بیت المقدس که تظاهرکنندگان هر سال آنرا روی شانه هایشان حمل می کنند گردید. اما تا سال ۱۳۶۶ هیچ کسی در تظاهرات هاجان نباخت و علیرغم ناراحتی ایرانیان از رفتار سعودیها در طول تظاهرات و نیز نگرانی سعودیها در خصوص ایرانیان فاجعه ای تا حج سال ۱۹۸۷ رخ نداد.

در میان تنوعات، حج بک سکوی وحدت را فراهم می آورد. اسلام یک دین بین المللی است که چنین سکویی نیاز دارد. یک گردهمایی قریب به دو میلیون نفر می تواند در جهت مباحثه وقایع و بنمایش گذاردن سیاست ها علیه دشمنان مشترکی نظیر اسرائیل مؤثر باشد.

ایرانیها می گویند: «اگر جهاد علیه ابرقدرتها و صهیونیسم مبنای روابط بین ایران و سایر ملل باشد، حج بهترین زمان برای توسعه روابط بین مردم مسلمان است.» از زمان انقلاب به اینطرف، ایران بر جنبه سیاسی حج تأکید نموده و تظاهرات در مکه و مدینه از سال ۱۳۶۱ که تعدادی تظاهر کننده که در بین آنان غیر ایرانی ها هم بودند دستگیر و سپس آزاد شدند، تبدیل به سیمای معمولی ایام حج شده است. اما تظاهرات بعد از ظهر جمعه ۹ مرداد خود را بعنوان یک واقعه دارای مشخصه بین المللی عالی و تاسف تثبیت نمود.

این علاقه نه تنها برای یک مدت طولانی مورد بحث قرار خواهد گرفت بلکه پذیرش خواسته فعلی بین المللی کردن این دو مقدس ترین شهرهای اسلام - یک خواسته که تابحال هم سرافکنندگی قابل توجهی را متوجه رژیم سعودی ساخته است را تشدید خواهد نمود.

این خواسته در چندین مناسبت ابراز گشته است. انستیتوی اسلامی لندن یک سمینار بین المللی حج برگزار نمود که نمایندگان نخبه گروههای متنوع جغرافیائی و نژادی سراسر جهان اسلام در آن شرکت جستند. این سمینار لغو کلیه مقررات روادید را توصیه نمود. این سمینار به این نکته که صهیونیست ها نقشه ای تهیه کرده که مدینه را جزئی از اسرائیل بزرگ، نشان می دهد توجه خاصی مبذول داشت و ابراز نمود که یک تهدید عمیق بالقوه متوجه دفاع حرمین است. این سمینار همچنین پیرامون موانع اداری و بوروکراتیکی فزاینده بر سر راه

دسترسی آزاد به حرمین ابراز نگرانی نمود. با تأسف عمیق به این مطلب اشاره شد که بناهای یادبود تاریخی زیادی در حجاز برای همیشه تخریب و ناپدید شده است و از دولت سعودی خواسته شد تا بناهای یادبود باقیمانده را حفظ کند. سه سمینار مشابه در سالهای ۶۲-۱۳۶۱ در پاریس، فری تاون «سیرالئون» و دهلی برگزار شد. یک سمینار حج در ژوئن در سال ۱۳۶۶ در اسلام آباد برگزار شد که طی آن خواسته بین المللی کردن مکه و مدینه قویا تکرار شد. یک سخنران پاکستانی بنام اکبر ساقی فاش ساخت که او یکی از ۲۱ نفر پاکستانی است که ورودشان به حجاز به وسیله سعودیها ممنوع شده است سمینار اسلام آباد همچنین خواستار رفع محدودیت ها و موانع برای حج شده و از دولت های پاکستان و سعودی بخاطر افزایش هزینه به حج انتقاد بعمل آورد.

پنجمین و آخرین سمینار حج بدون شرکت سعودیها و با حضور رهبران انقلابی اسلامی از سراسر جهان در مکه تشکیل جلسه داد جلسات متعددی از این سمینار با حضور میهمانان ویژه برجسته از سراسر جهان اسلام برگزار می شد. قطعنامه سمینار تفکیک ناپذیری مذهب و سیاست بعنوان مبنای اصلی یک جنبش جهانی اسلامی را اعلام می داشت. یک قطعنامه خواهان نابودی کامل اسرائیل بود و قطعنامه دیگر تخریب اماکن تاریخی اسلامی خصوصاً در مکه و مدینه را محکوم می ساخت. قطعنامه نوزدهم سمینار از بهره برداری از شهرهای مقدس مکه و مدینه بعنوان مکان بازاریابی جهت کالاهای تولیدی کشورهای غیر اسلامی ابراز تاسف کرده و بر ضرورت توسعه تفاهم دوجانبه بین مسلمین در رابطه با قابلیت های اقتصادی و صنعتی خود تاکید ورزیده است. سازمان دهندگان سمینار امیدوار به برگزاری یک سمینار با حضور میلیونها نفر شرکت کننده در دامن مسجد الحرام بودند. همین ایده ممکن است افکار خانواد سلطنتی سعودی را مغشوش و نگران کرده باشد. در حاشیه زمینه این وقایع است که بایستی تراژدی امسال را ملاحظه نمود. ایرانیان همه ساله پیش از انجام راهپیمائی مجوز رسمی از مقامات سعودی اخذ می نمایند. آنها امسال نیز مجوز را قبلاً دریافت کرده بودند.

دولت سعودی در جریان مذاکرات طرفین این اجازه را عطا نمود. نقطه شروع تظاهرات از میدان موحدونقطه ختم آن در یک مایلی محدوده بیرونی مسجدالحرام و در چند متری بک پارکینگ چند طبقه کنار خیابان دوخطه الحاجون مورد توافق قرار گرفت.

مقامات سعودی خواهان کاهش تعداد ایرانیان شرکت کننده در تظاهرات مکه شدند اما ایرانیان نپذیرفتند. سعودیها همچنین درخواست کردند که به هیچ تبعه سعودی اجازه شرکت در

تظاهرات داده نشود و هیچ غیر ایرانی تبعه هر کشوری دعوت به شرکت در راهپیمائی نگردد.

هیچ توافقی پیرامون این نکته تعیین کننده بعمل نیامد. نماینده ایران گفت: «وظیفه ما اعلام ب یک، فراخوان است و این بستگی به غیر ایرانی ها دارد که آیا در تظاهرات شرکت کنند یا خیر.

در این مقطع دو طرف بدون هیچ نشانه ای حاکی از اینکه در صورت اجازه داده شدن به غیر ایرانیان برای پیوستن به تظاهرات مقامات سعودی چه کاری خواهند کرد صندلی های خود را ترک کردند طرف ایرانی که نمایندگی حجت الاسلام کروبى را بعهدہ داشت و طبیعتاً بدون ترس و دارای اعتماد بنفس است پس از آنکه مذاکره کنندگان سعودی شامل وزیر حج عبدالواسع و آقای هاشم قاشقچی صریحاً هشدار نداده و تهدیدی هم بعمل نیاوردند تصور لّو نمود که مسئله حادی رخ نخواهد داد.

سکوت خشک از سوی ایرانیان بعنوان یک علامت «عدم خطر» تعبیر شد. خصلت .

ایرانی نترسیدن از مرگ بقدر کافی معلوم است که چنین تهدیدهای پوشیده ای را درک نکرده یا حتی مورد تصور قرار ندهد هر چند ناخرسندی و نارضایتی سعودیها می بایستی روی صورتشان نوشته می شد. بالاخره خواسته انجام یک راهپیمائی از دید خانواده سلطنتی سعودی که بر یک جامعه ظاهر غیر سیاسی و بر مکانی که ثروت خیلی از مخالفانشان را ساکت کرده حکومت دارد تا حدی غیر معقول بنظر میرسد و هیچ نوع خطری، حداقل در داخل کشور که بتواند خانواده سلطنتی را سرنگون سازد وجود ندارد. زمانی خطرانی از ناحیه انقلابی های بعثی عراق وجود داشت ولی پشتیبانی های سیاسی و اقتصادی سعودی از صدام حسین در جنگ خلیج فارس، این تهدید و خطر را رفع کرده است. اما حالا آنها با تظاهرات ضد آمریکائی دارای شکوه و عظمت گیج کننده، خصوصیت چنین ملیتی و سازماندهی شده از سوی روحانیت بشدت مبارز ایران مواجه هستند.

در آن روز غم انگیز به همراه دو نفر از دوستانم بطرف مسجد الحرام میرفتیم ما متوجه تحرکات غیر معمول هم در هوا و هم بر روی خیابانهای منتهی به مسجد گردیدیم . یک هلیکوپتر بطور مستمر بالای سرمان دور می زد و منطقه مورد توجه آن محوطه ای در سه کیلومتری محدوده خارجی مسجد و جایی که تعداد حجاج تدریج افزایش می یافت بود. تعداد خودروهای پلیس نیز تدریج در آن محل افزایش می یافت بود. هلیکوپتر ارتفاع خود را با ساختمانی که نماینده حج امام خمینی در آن اقامت داشت کم کرد. بعداً یک هلیکوپتر دیگر به او ملحق شد. این ها هلیکوپتر واقعا به ارتش سعودی تعلق داشت در حالیکه اولی بک هلیکوپتر پلیس بود. ساعت

۴/۳۰ بعد از ظهر تعداد تظاهر کنندگان به بیش از یکصد هزار نفر رسید. هر کسی می توانست غیر ایرانی هائی از ملیت های مختلف را مشاهده کند. بنگلادشی ها، هندی ها، پاکستانیها، افغانستانها، لبنانی ها، حداقک یک سیاه آمریکائی ، دو یوگسلاوی، به عده ای سودانی شامل دو برادر نخست وزیر آن کشوری و نمایندگان جبهه ملی آزادی بخش موروی فیلیپین .

تعدادی سعودی هم در این جمعیت بودند. عوامل مخفی دولت سعودی . من بوضوح یکی از عوامل سعودی را از طرز رفتار و لباسش تشخیص داده و در مورد نیروی فزاینده انقلاب ایرانی ها صحبت کردم. او تمبرهای پستی ایرانی که عکس حرمین شریفین را داشت در دست یک تظاهر کننده دید و جدی شد و با فارسی دست و پا شکسته از او پرسید اهل کدام کشور است. این پاکستانی بحرینی پاسخ داد که او هم مثل تعداد زیاد دیگری که آنجا ایستاده اند اور پاکستانی است. آن پاکستانی سپس در شعار دادن به دریای مردم تظاهر کننده پیوست. یک تظاهر کننده پتان شعاری منحصر بفرد داد: «فهد دشمن خداست، که ایرانی ها بسرعت متوجه آن شده و به آن پتان گفتند که نمی خواهند در دسری با دولت سعودی پیدا کنند و بهمین به دلیل نباید شعاری که سعودیها را رنجیده خاطر می کند داده شود. آن عامل سعودی که نگران ثم هم بنظر نمی رسید نگاهی به نیروهای پلیس که غیر مسلح و بدون سلاح و مهمات در یک و فاصله معقول آنطرف تظاهر کنندگان ایستاده بودند انداخت. من تا بحال هیچ تظاهراتی که با .

در این دقت سازماندهی شده باشد ندیده بودم. این برایم تعجب آور بود که چنین تظاهراتی با حضور عده زیادی پیر مرد و پیرزن زیر آفتاب سوزان مکه برگزار میشد. شگفت آورترین تظاهر کنندگان جوانان معلول جنگی بودند که در پیشاپیش جمعیت روی صندلی های چرخدار و حرکت می کردند. نماینده حج ایران آقای کروی با حرارت انقلابی زیادی سخنان خود را به ایراد کرد. او مواضع ایران در خصوص مسایل جهانی شامل افغانستان، لبنان و فلسطین و په راتشریح کرده و به آمریکا هشدار داد چنانچه اشتباهی را در خلیج فارس مرتکب شود پشیمان خواهد شد. یکصد و پنجاه هزار نفر تظاهر کننده منطقه ای بوسعت دو کیلومتر را پوشانیده ای اگر بودند. شعارهای بدقت تنظیم شده آنان با احساس و حرارت بوسیله آقای مرتضائی فرواز هم طریق بلندگوهای قوی که به تناسب بین جمعیت پخش بود داده می شد. دلیل ظاهری برای ظن وشک نسبت به اینکه حادثه غیر عادی اتفاق خواهد افتاد وجود نداشت. تظاهر کنندگان از و این خوشحال بودند که آیت الله خمینی این شانس را به آنان داده تا امپریالیسم را در قلب اسلام

محکوم کنند. آنها عمره را بجای آورده بودند و شکی در اذهان آنها وجود نداشت که تظاهرات به نتیجه مطلوبی خواهد رسید. در سالهای قبل برخوردهائی با پلیس سعودی در جریان تظاهرات به وجود آمده بود اما اتفاق جدی حادث نگردیده بود. به این ترتیب هر کسی .

می توانست مشاهده کند که نگرانی در چهره ها وجود نداشت. حتی نیروهای پلیس بدون هر گونه سلاح که تظاهر کنندگان را تماشا می کردند اما برای آنان مزاحمتی فراهم نکرده و دخالتی نمی نمودند آرام و بدون ناراحتی بنظر میرسیدند. دو ردیف پلیس سلاحی نداشتند حتی باطوم، تا اینکه تظاهر کنندگان به مسجد جن رسیدند. در آنجا عدم حضور پلیس توی چشم می زد و ناظرین را بر آن می داشت تا فکر کنند همه چیز بخوبی پیش می رود و بالاخره آن یک تظاهرات صلح آمیز بود و شعارهایی علیه اسرائیل، ایالات متحده و روسیه شوروی و بنفع وحدت مسلمین داده میشد و بدین صورت به هیچوجه نیازی به نیروهای پلیس وجود نداشت این فرضیه بزودی اشتباه از آب در آمد. ارگانهای امنیتی تا بن دندان مسلح، پلیس، عوامل مخفی سعودی و دسته های ارتشی دور تا دور جلوی تظاهر کنندگان را گرفته و مصمم بودند تا از پیشروی راهپیمائی صلح آمیز ولی عظیم که ابعاد آن برای ترسانیدن هر قدرتی کافی بود جلوگیری بعمل آورند. راهپیمایان علیرغم آنکه بخوبی منظم بودند شعارهای بلندی می دادند. در این زمان یک پارکینگ چند طبقه سمت چپ تظاهرات قرار داشت و ایرانی ها مصمم بودند تا نقطه مورد توافقی خاتمه تظاهرات که حدود پانصد متر جلوتر بود پیش بروند اما سعودیها هم به همان حد مصمم بودند تا تظاهرات را متوقف نمایند. تظاهر کنندگان غیر مسلح بودند و طرف دیگر جدا از مسلح بودن مصمم به کاربرد زور هم بود. سپس روحانی ایرانی برای راهپیمایان در خصوص مشکلات اصلی سیاسی جهان اسلام سخنرانی نمود.

اگر چه سعودیها مستقیماً مورد انتقاد قرار نگرفتند اما در عوض دوستان آنها، آمریکائی ها بخاطر حضورشان در خلیج فارس بکار گرفته شدند. ترجمه عربی سخنرانی به گوش عده زیادی سعودیها غیر حاضر در تظاهرات که در داخل آپارتمان های چندین طبقه با تهویه مطبوع خود بیرون را تماشا می کردند میرسید. در آخر تظاهرات شعارهای عربی وحدت اسلامی و علیه آمریکا، اسرائیل و شوروی که بدقت از سوی این تظاهرات بین المللی ولی عمدتاً ایرانی در بخاطر سپرده شده بود و شعار دادن های بخوبی هماهنگ شده یک احساس مطبوع وحدت اسلامی را در مقدس ترین شهر اسلام بوجود آورده بود. واضح بود که برگزار کنندگان رسمی تظاهرات تمام مهارت های کسب شده در طول انقلاب را با کاربرد بلندگوها و شعارهای روان و



علیه دشمن، یعنی اسرائیل و حامی آن آمریکا را بخدمت گرفته بودند. مکه با این گردهمایی پیروز بود. دو ایرانی جوان به بالای اداره تلفن سعودی رفته و عکس های آیت الله خمینی را در بر آنجا نصب کردند. سپس یکی از آنها کاری بی سابقه در خیابانهای مکه انجام داد. او پرچم آمریکا را سوزاند. احساسات تظاهرکنندگان به حد اعلی رسید. یکصد و شصت هزار جریب یک گردهمایی کوچک نیست و سوزنیدن پرچم آمریکا کاری بود که خود ایرانیها در هر سالهای اخیر انجام نداده بودند. یک ایرانی دیگر از تیر چراغ برق بالا رفته و دومین پرچم آمریکا را سوزاند.

تعداد زیادی از مقامات سعودی با دوربین های فیلمبرداری ویدئویی از دو ساختمان مختلف از تظاهرات فیلمبرداری می کردند یکی با دوربین چشمی تظاهرات را نگاه میکرد و دیگری واضحاً برای مقاصد اطلاعاتی عکس برداری می کرد. یک مامور دیگر با استفاده از آئینه بزرگ سائز حمام مشغول مختل کردن فیلمبرداری ایرانی ها از طریق انعکاس نور خورشید به دوربین های آنان بود.

پس از آتش زدن پرچم های آمریکا، گنبد عظیم بیت المقدس از بین جمعیت بیرون آورده شد و تظاهرکنندگان که در پیشاپیش آنها زنان و معلولین جنگی روی صندلی های چرخدار حرکت می کردند شروع به پیشروی نمودند. وقتی راهپیمایان به ۵۰۰ متری نقطه پایان مورد توافق رسیدند، عوامل مخفی شروع به پرتاب سنگ از پارکینگ چند طبقه سمت و چپ، تظاهر کنندگان نمودند. پلیس ضد شورش، گاردهای ملی، ارتش و عوامل امنیتی لباس شخصی مسلح به باطوم تپانچه و تفنگ های خودکار راه تظاهرکنندگان را بستند. تظاهر کنندگان عمدتاً ایرانی شروع به جروبخت با نیروهای امنیتی کردند. شور و غیرت ضد آمریکائی آنان شدیدتر ابراز می شد.

و سپس تیراندازی آغاز شد و برای یکساعت و پانزده دقیقه کامل ادامه یافت. هزاران گلوله به هوا و نیز به راهپیمایان غیر مسلح شلیک شد شواهد تیراندازی روی نوارهای ویدئویی، عکس ها و عکسبرداری های اشعه ایکس موجود است که بیانگر تصویر کامل حوادث غم انگیز آن جمعه سیاه می باشد من شاهد مردان و زنان مجروح بودم. یکبارہ چشمان من متوجه نرده های پل روی خیابان الحجون گردید. من یک سعودی را دیدم که با تمام قوای بدن خود در شرف پرتاب کردن یک قطعه الوار بر سر تظاهرکنندگان بود. من تصور کردم که آن چوب گردن هر کس را خواهد

شکست. شروع به فریاد زدن با فارسی دست و پا شکسته خود کردم «مواظب باشید، از آن پر چوب بزرگ حذر کنید» عده ای از تظاهرکنندگان برگشته و مرا نگاه کردند. هر دو دست من سعودی را نشان می داد. من نمی دانم آیا آن چوب کسی را مجروح کرد یا نه اما همین موجب آن شد که یک گلوله از روی پل بطرف من شلیک شود که از فاصله یک اینچی پیشانی من در گذشت. من صدای آنرا که از نزدیک سر من هوا را می شکافت شنیدم. یک گلوله دیگر در سمت چپ من بزمین نشست برای یک لحظه خون در رگهای من منجمد شد. اینقدر نزدیک به مرگ بدون ارتکاب جرمی. من مجبور شدم که رفتن به مسجدالحرام برای نماز مغرب را هم فراموش کنم زیرا اگر سعی در انجام آن میکردم به قیمت جانم تمام می شد.

که در همین حال تعداد مجروحینی که به پشت تظاهرات حمل می شدند افزایش یافت. دو نفر از آنها گلوله خورده بودند ولی هنوز زنده بودند. یک ایرانی جوان از ناحیه باسن مجروح شده بود و می لنگید. من به او پیشنهاد کمک کردم ولی او پس از نگاه به من و دریافتن این نکته که غیر ایرانی هستم نپذیرفته و گفت می تواند راه برود. من می دانستم که او بخاطر خونریزی از پا می افتد و پافشاری کردم. او نپذیرفت که دستش را روی شانه و گردن من بگذارد و خون او و لباس سفید مرا قرمز کرد. من به آهستگی به امید رسیدن به جایی که کمک های اولیه به او و بشود چند صد متر جلو رفتم. من به چهره او نگاه کردم. او جوان و خیلی خوش قیافه و بخوبی.

لباس پوشیده بود. در سمت چپ خود یک ایرانی دیگر دیدم که مردان و زنان ایرانی او را کشیده و میبردند. او از ناحیه شکم گلوله خورده بود و حالش وخیم بود اما هیچ کمک اولیه ای در دسترس نبود. آنها او را بکجا می بردند؟ راهی هم برای فرار وجود نداشت زیرا تظاهرکنندگان محاصره شده بودند.

صدای گلوله باران از حرم می آمد. فشنگ، چوب و آبجوش با فشار از یک لوله بزرگ از و همان طرف می بارید. در سمت راست مردمی که فرار می کردند یک دیوار وجود داشت و سمت چپ ساختمان بود و از طرف مخالف مسجد الحرام، کپسول گاز اشک آور آمد. جایی برای فرار و عقب نشینی وجود نداشت. پلیس سعودی گردهمائی را محاصره کرده و عقب هم نشینی ممکن نبود. آنطرفی که تظاهرکنندگان فکر می کردند امن و بی خطر است پر از گازی هم ناشناخته بود. یک کپسول گاز اشک آور تنها اشک می آورد اما این گاز باعث سوزش شدید پوست و خفگی می شد. به این صورت بعضی تظاهرکنندگان فکر کردند بهتر است دوباره برگشته و ترجیحاً بطرف آن بخشی که صدای گلوله از آن شنیده میشد و موجب عقب نشینی

آنان شده بود بروند. بیش از یکصد هزار نفر مرد و زن و افراد زخمی یکبار دیگر فشرده شدند.

خفگی گاز غیر قابل تحمل بود و وضع بعضی زنان پیر رقت بار بود. هر کسی که زمین می افتاد .

له می شد. بعضی ها بطرف یک مغازه رفته و یخچال آن را که پر از آب و نوشابه بود باز کرده و شروع به پاشیدن آب روی صورت‌هایشان کردند تا پوست در حال سوزش خود را تسکین دهند.

حض اینکه گاز تمام شد و گلوله باران قطع گردید من شروع به بررسی منطقه کردم.

خیابان عریض الحجون نمای وحشتناکی داشت. بیش از پنجاه هزار چادر و مقنعه زنان بجای مانده بود. بلدوزرها وارد خیابان شدند تا آنرا باز و تمیز کنند. تعداد کفش، فلاسک آب و پلاکارد با آیه های قرآن، عکس ها و شعارهای ریخته شده روی خیابان آنقدر زیاد بود که عبور و آمبولانس های سعودی و ایرانی را غیر ممکن ساخته بود. من در یک نقطه سی و چهار جنازه را شمردم که همگی زن بودند من به کمک یک دکتر ایرانی بعضی از این اجساد را برداشته و داخل آمبولانس گذاشتم. عده زیادی از تظاهرکنندگان از فرار خودداری کرده و با نشستن در وسط خیابان ترافیک را بند آورده بودند. آنها نمی دانستند چکار کنند. یک ایرانی جوان گفت ربه ؟ دفتر نماینده امام برویم « دیگری گفت «نه بنشین»، مرد جوان پیشنهاد خود را تکرار کرد که در جواب او بک پیر مرد که می خواست تظاهرات را ادامه دهد گفت:

ا برو آمریکا. حتی در آن اوضاع غم انگیز من نتوانستم از لبخند خود جلوگیری کنم.

بزرگترین توهین به یک انقلابی ایرانی این است که به او گفته شود به آمریکا برود. آن گروه از و ایرانیان به نشستن روی خیابان مثل یک سنگ ادامه دادند .

هوا تاریک میشد. من در حالیکه به بلدوزرهای که خیابان را پاک می کردند نگاه می کردم بطرف مسجد الحرام براه افتادم. من در جستجوی پوکه گلوله ای بودم که بطرفم شلیک شده بود اما هوا بسرعت تاریک شد و سعودیها مشغول باز و تمیز کردن خیابان بودند. خونها با آب شسته می شد. علیرغم تاریکی من موفق به یافتن یک پوکه گلوله شدم و آنرا در جیبم گذاشتم. من یکبار دیگر گنبد زیبای بیت المقدس را دیدم اما شکسته شده بود و زیبائیش را از دست داده بود. تعدادی صندلی چرخدار جوانان معلول جنگی بوسیله بلدوزرها برداشته میشد.

در روز بعد یعنی ۱۰ مرداد ۱۳۶۶ روزنامه های عربستان سعودی پر از جملات عجیب غریب بود. یک بیانیه رسمی اعلان می کرد: حتی یک گلوله هم شلیک نشد. روزنامه انگلیسی زبان سعودی عرب نیوز» گزارش کرد ۴۰۲ نفر و از جمله ۸۵ سعودی کشته شده اند. و یک روزنامه سعودی بنام «عکاظ» که به زبانهای گوناگون و از جمله اردو آزادانه در منی توزیع

می شد اتهام عجیبی علیه زائران ایرانی وارد ساخته بود. شماره ۶ اگوست آن نوشت:

ایرانی ها می خواستند کعبه را آتش زده و قم را بعنوان کعبه اعلام کرده و حجاج را تشویق کنند که دیگر به مکه نیایند و در عوض از قم دیدار کنند آنها می خواسته اند درهای مسجد الحرام را بسته و کلیه حجاج و شهروندان را بگروگان بگیرند و سعودیها توقع داشتند حجاج این حرفها را باور کنند. عرب نیوز نوشت: فهد یک پیام از اسرائیل دریافت کرده که طی و آن اسرائیل تظاهرات ایرانیان را محکوم کرده است. سعودیها همچنین پیام ایتالیائی ها مبنی بر محکوم کردن آمیخته نمودن حج با سیاست را مورد تبلیغ قرار دادند.

سعودیها می گویند سیاست و مذهب جدای از هم هستند. اما هنوز سرتاسر خطبه نماز جمعه در مسجد الحرام و مسجد نبوی مبنایش سیاست های ضد ایرانی بود.

یک در مسجد الحرام به اسم حضرت ابراهیم نامگذاری شد و دیگری بنام ملک عبدالعزیز ب این مسئله که آیا حج و سیاست بایستی جدا از هم باشد یا خیر محتاج گفتگوهای بیشتر است. .

نقطه نظر ایرانیها این است که اسلام همواره خواهان انجام هرگونه تلاش ممکن جهت گرد هم آوردن مسلمین جهان شده است تا مسلمانان نسبت به سرنوشت یکدیگر بی تفاوت نباشند.

آنها بایستی قادر به حل مشکلات خود از طریق مشاوره و تشریک مساعی باشند از این رهگذر به ایده جامعه اسلامی که توسط پیغمبر (ص) بیان شده جامه عمل پوشانیده شود و به این دلیل است که مسایل و مشکلات گوناگون مسلمین نمی توان از حج منفک گردد.

یکی از مشکلات مرتبط با حج سیاست و مسائل سیاسی است. اگر تلاش در جهت کنار گذاردن سیاست از حج بعمل آید آنچه که از حج باقی خواهد ماند تنها پوسته خارجی و ظاهری آن است و از محتوای داخلی تهی خواهد ماند. ایرانیان خاطر نشان می سازند که نه حج و نه ما هیچ مراسم اسلامی و یا ارگانی نمی تواند جدای از سیاست باشد. آنها می گویند که پیغمبر (ص) نمازش را در مسجد بجا می آورد و در همان مکان طرحهای جنگی را برای رزمندگانش توضیح می داد. به این ترتیب بر خلاف کلیسا، مسجد محلی نیست که تنها برای عبادت طراحی شده باشد.

از زمان انقلاب اسلامی، رهبری ایران شاهان سعودی را «خادمین خود انتصاب کرده حرمین شریف خطاب کرده اند. خواسته آنان مبنی بر بین المللی کردن مکه پی آمد این عقیده است تظاهراتائی که همه ساله از ۱۳۶۱ انجام شده تلاش جهت کامل کردن این گردهمائی برجسته، بر هم زدن چرت آرام ساکنین کاخ سفید و کرملین وغاصبین القدس بوده است. اما

امسال، خادمین حرم این نکته را واضح ساختند که آنان مبارزه برای برهم زدن وضعیت موجود اتحمل نخواهند کرد.

### شکسته شدن حریم خدا

دکتر تقی بنگاش . استاد دانشگاه پیشاور روزنامه جمهوری اسلامی ۶۶/۹/۵ شکسته شدن حریم خدا قبل از شروع راهپیمائی من در حاشیه راهپیمایی بعنوان یک زائر خارجی با عده ای که عموماً و از سعودیها بودند در خصوص راهپیمایی صحبت می کردم بینم نظرشان نسبت به راهپیمایی

ص: ۲۸۷

چیست که می گفتند اینها ایرانیها هستند که تظاهرات می کنند و مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل می گویند. اینها هر سال می آیند و چنین تظاهرات انجام می دهند و هیچ طور هم نمی شود و بطور کلی تظاهرات برایشان جا افتاده بود. البته با اختلاف تعبیرهایی که بود، مثلاً بعضی ها قبول داشتند و بعضی دیگر می گفتند فایده ای ندارد.

خلاصه پس از شروع راهپیمائی، جمعیت تقریباً به انتهای مسیر راهپیمائی نزدیک شد و من روی حساب سابقه ای که از سال گذشته داشتم احتمال درگیری در راهپیمایی بخصوص در انتها الیه مسیر هست (چون ایرانیها می خواستند بطرف مسجد بروند و سال گذشته منع می کردند) بنا گذاشتم که صد متری را از حاشیه بروم که جلوی جمعیت بیفتم. یک پارکینگی روبروی مسجد جن و مجاور همین مسجدی که منشاء درگیری اصلاً آنجا شده بود ما داخل پارکینگ رفتیم دیدیم عده ای دارند بسرعت از کوچه ضلع دیگر پارکینگ یعنی قرینه این ضلعی که ما داخل شده بودیم به طرف پارکینگ می آیند و مسیر را دور زده و به عقب بر می گردند و به همچنین دیدیم یک سری مامورها اصلاً توی پارکینگ آماده بودند برای اینکه به اینهایی که توی پارکینگ آمدند حمله کنند و شروع به زدن عده ای از جمعیت کردند که ما دور زدیم و دو مرتبه همین مسیر را که آمده بودیم از پارکینگ بیرون آمدیم. از اینجا که بیرون آمدیم دیدیم درگیری و شروع شده و از بالا سر همین ساختمان شاید شش طبقه، سنگ و بطری و چوب و هر چیز سنگینی که بود پرتاب می کردند و رفقای خودمان اولین کسانی بودند که با سر و وضع خونین به طرف ما می آمدند نگاه کردم دیدم تکه های آهن و سنگ و چوب و... روی تظاهر کننده ها پرتاب می کنند اولش هم به ایرانیها می گفتند، واکنش نشان ندهید بعضی ها می خواستند به برگردند، عده ای منعشان می کردند و می گفتند برنگردید و ما از همان بالا، پائین پریدیم و رفتیم به طرف قسمت جلوی تظاهرات که دیدیم سنگ از اینطرف و آنطرف می آید که بعضی هایشان هم شاید نصیب مامی شد ولی خوب آسیب عمده ای برای شخص من به نداشت، اما برای بقیه عمده اش سرشکستن بود که کلاً عرض بکنم رفقای دیگری که آمده بودند بعضی هایشان دیده بودند دکانهای نیمه کاره ای بود که در آن دکانهای نیمه کاره همچنین روی پشت بامهای اطراف دو طرف خیابان و روی این مسجدی که مقابل مسجد جن است کلاً سنگ آماده گذاشته بودند و اول شن و بعد ظرف شن را هم پرت می کردند.

آمدم اینطرف خیابان دیدم کف خیابان منظره خیلی فجیعی است و کاری از دست کسی بر نمی آید.؟ به این ترتیب که در فاصله حدوداً عرض خیابان ردیف اول زن ها و پیرزنهابه به

سینه و روی زمین خوابیده بودند و بعد روی اینها یک عده دیگر و روی اینها باز یک عده دیگر و یک نوس تشکیل می داد حدود ده متر که انتهای این قوس را افراد ایستاده تشکیل می دادند که بالطبع پشت اینها نزدیک کماندوها شده بود که در ابتدا با سنگ و بعد خود کماندوها باباطوم، فشار می آوردند. به آخرین نفراتی که روی زمین خوابیده و فقط توانسته بودند سرشان را بالا کنند منتقل می شد که بچه ها هر کاری کردند که اینها را بیرون بکشند نشد. منظره دلخراشی بود، بعضی ها دستشان را روی سرشان گذاشته بودند یامهدی یامهدی می گفتند، و بعضی ها یا حسین می گفتند و کاری هم از دست کسی بر نمی آمد چون نمیشد اینهارا بکشیم که اگر چنین می کردیم استخوانهایشان خرد می شد و هر لحظه هم فشار رویشان و بیشتر میشد. یک چند نفری آنجا با هم حرف زدند و بنام که یک عده ای جمع بشوند و از قسمت چپ، به کماندوها بزنند تا کماندوهای کمی عقب بروند تا این جمع را عقب کشیده و زنان را به عقب بیاورند که مقداری این کار موفق شد اما در عین حال تعداد زیادی آنجا لگدمال شدند ما بهر ترتیبی بود توانستیم خود را به جلوتر برسانیم که تازه دیدیم جانبازها آن جلو هستند چرخ و عصا و... رها شده بود و یکسری از جانبازها که عمدتاً دوتا پا نداشتند افتاده بودند روی زمین و همانجا مایکی دوتایشان را کشیدیم و الان که خودم نقل می کنیم خیلی ناراحتم ولی خب چاره ای نبود پای این بنده خدا را گرفته بودیم می کشیدیم وزورمان نمی رسید.

این بنده خدا التماس می کرد و می گفت من را پشت یکی از درختها بگذارید و خودتان برگردید و همان چند دقیقه قبلش تیراندازی شروع شده بود.

در این شلوغی ها یک مدت سردرگمی پیش آمد که چه باید بکنیم؟ بهر حال پس از مدتی پیکر شهدا یکی پس از دیگری بر روی دست مردم قرار می گرفت و به عقب منتقل می شد دو سه تا معلول بودند بچه ها آنها را برداشتند که خدا توفیق داد و یکی نصیب ما شد. ما او را هم آوردیم اولی یک نفر بود که یک پا داشت مادو دستش را گرفته بودیم و او پایش را به زمین میزد یک جهش پیدا می کرد، قدم دوم، قدم سوم و با فشار خیلی زیاد، همه اش هم التماس می کرد که شما بروید چون تیراندازی شروع شده بود (اول هم خیال میشد تیر هوایی است اما بعد دیدیم نه، تیرهای زمینی بود و یک آقایی که در کناری افتاده بود و از او خون می رفت و من همان شب نیز به بیمارستان رفتم و دیدیم پیرمردی یک تیری بهش خورده بود و هیچ خونریزی هم نکرده بود تقریباً شاید ۸۰ سالش بود و یک لبخندی هم روی لبش بود که من نتوانستم بگذرم و او را بوسیدم) بالاخره ما این برادر را عقب آوردیم نزدیک یکی از هتلها که مقداری از ایرانیها

بودند، یکجوری گذاشتیم پیش ایرانیها و در عین حال دو مرتبه به همان عقب برگشتیم.

وقتی دوباره برگشتم صحنه عجیبی را دیدم و آن صحنه این بود که برادرها با طناب دایره ای درست کرده بودند که نیمی از آن دایره را جنازه‌ها و نیمی دیگر را انبوهی از کفش و چادر و صندلی چرخ دار جانبازان و... پر کرده بود. و واقعا بک حالت بهت زدگی به همه دست داده بود چرا که جنازه‌ها یک طرف افتاده بود و زنها شیون می کردند و عده ای دیگر خویشان خود را صدا می زدند و فضا در اثر پرتاب گازهای مختلف مسموم شده بود و آمبولانس‌ها که عمدتاً از سعودی‌ها بودند بطور مداوم آژیر کشیده و به داخل جمعیت می آمدند و این حرکت و سعودیها جز آمادگی آنها برای کشتار چیز دیگری نبود.

مسئله به همینجا هم خاتمه نیافت و مأمورین سعودی بر سر هر کوچه و برزنی ایستاده بودند و هر کسی که وارد یکی از کوچه های مسیر می شد بدون استثنا مورد ضرب و شتم مأمورین سعودی قرار می گرفت و یکی از برادران تعریف می کرد که عده ای از ما را گرفتند و داخل یک اتوبوس فرستادند و شیشه های اتوبوس را بالا کشیده و ده دقیقه تمام بخاری آنها روشن کردند که اگر یک مقدار دیگر بخاری روشن می بود ما همگی از شدت حرارت جان می سپردیم.

همچنین عده دیگری را پس از دستگیری به مدرسه ای متروکه در جاده جده - مکه منتقل کردند و چ سپس آنها را بشدت کتک زده بودند و پس از مدتی عده ای از این افراد را آزاد کردند و باید بگویم افرادی که اینچنین دستگیر شدند کسانی بودند که با در راهپیمائی نبودند و یا در حاشیه راهپیمائی بودند و یا اینکه عقب افتاده بودند و...

یکی از آقایان تعریف می کرد که برادر خانم من که اهل خوزستان است توسط سعودی‌ها دستگیر و پس از ضرب و شتم فراوان چون هیچ مدرکی دال بر ایرانی بودن از ایشان بدست نمی آورند و از طرفی وی به عربی تکلم می کرده است ایشان را آزاد می کنند و از این لحظه به بعد برادران بعثه و همچنین مسئولان کاروانها زحمت بسیار زیادی کشیدند و کاروانها تا صبح مشغول گشت زنی در شهر مکه برای یافتن افراد گم شده خود بودند. پس از مدتی اعلام شد که مجروحین نیاز به خون دارند که هنوز چند لحظه ای نگذشته بود که بدلیل استقبال زیاد مردم مجدداً اعلام شد که خون به اندازه کافی دریافت گردید و دیگر نیازی نیست و داخل بیمارستان هیئت پزشکی حج هم صحنه ای دیدنی و بسیار عجیب بود و نکته دیگر اینکه بسیاری از آقایان روحانیون مثل آیت الله امینی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله سبحانی آقای غیوری، آقای فاضل هرنندی و حتی خود حاج آقا کروبی در محل درگیری و وسط جمعیت بودند و کتک خوردند



و از آخرین نفراتی بودند که صحنه را ترک کردند و حتی کماندوها چند بار به سمت حاج آقا کروی حمله کردند. در اینجا من چند نکته را باید متذکر شوم.

### شلیک گلوله ها - حاج آقا تقوائی

۱. آل سعود ادعا کرده است که حجاج ایرانی به هنگام بازگشت حجاج سایر کشورها از مسجد الحرام پس از نماز عصر با آنها درگیر شده اند در صورتی که نماز عصر در مکه در حدود ساعت ۴/۲۰ تمام می شود و حدوداً در عرض نیم ساعت، تمام مسجد الحرام تخلیه می شود و زوار سایر کشورها هم عمدتاً محل اقامتشان در اطراف حرم می باشد و ناحیه ای که درگیری پیش آمد عمدتاً تجاری بوده هر چند که محل اقامت اردنیها و فلسطینیها نیز در این ناحیه و است و حجاج ایرانی ساعت ۶/۳۰ الی ۷ به محل درگیری رسیده بودند.

۲- بسیار بچگانه است که تصور شود آل سعود مقدمات کشتار را از پیش فراهم نکرده بود و بهترین دلیل بر آمادگی آل سعود برای کشتار، انتقال انبوهی از قلوه سنگ، پاره آجر، چوب و... به ساختمانهای چند طبقه و هتلها می باشد.

۳- در ساعت ۴ بعد از ظهر جمعه ماشینهای سعودی با سرعت و نظم خاصی تعداد زیادی از مأمورین سعودی را در مکانهای خاصی پیاد می کرد و بسیار مشخص بود که این نیروها برای هدف خاصی که همان کشتار حجاج بود به این نواحی منتقل و مستقر شده اند.

یک طلبه حوزه علمیه قم روزنامه رسالت یکشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۶۶ شلیک گلوله ها پس از حرکت از محل کاروان که در «فیصلیه» بود با چند نفر از جوانان دانش آموز عرب که بما پیوسته بودند و شعارهای ما را تکرار میکردند برخورد کردیم که قیافه آنها مشخص بود از اهل مکه هستند. در مسیر راه میگفتند امروز جنگ میشود و من بایشان گفتم که ما جنگ نداریم. تا جلو بعثه امام که محل تجمع بود آمدیم در محل اجتماع جناب حاج آقا کروی نماینده حضرت و امام سخترانی کردند و بعد بزبان عربی ترجمه شد، مشهود بود که افراد غیر ایرانی در جمع مابا و شوق فراوان حضور داشته در راهپیمایی با ما همگام شده اند در حالیکه پشت ماکت قدس حرکت میکردیم بجائیکه پلیس با سپر و باطوم در مقابل راهپیمایان صف کشیده بودند و مشخص شد عبور از آنجا ممنوع میباشد و با عصبانیت و خشونت جلو میامدند. در این موقع

هم از حاج آقا کروی سئوال کردیم که چه کار باید بکنیم ایشان گفتند بارامی بمردم بگوئید هم برگردند. به آیت الله جوادی آملی برخورد کردیم فرمودند ناراحت نباشید صحنه همان صحنه زمان شاه است و زودگذر است، از زیر پل ایشان از ما جدا شدند.

پلیس مردم را بطرف میدان معابده سوق میداد و مشاهده کردم افرادی با لباس عربی جلوی هم پلیس با سنگ و آهن حمله میکردند و از دوطرف مسیر از درون ساختمانها سنگ بر سر مردم میریختند و از طرف میدان معابده پلیس زیادی آمده راه را برای مردم مسدود کردند. این هم جمعیت را در مقابل هم قرار دادند که خود نمایانگر طرح ویژه ای بود. در اثر فشار از دو طرف جمعیت روی همدیگر میافتادند که در این لحظه با پرتاب سنگها و با شلیک گلوله ها و با پرتاب گازهای خفه کننده جمعیت وضع دیگری پیدا کرد. در طرف چپ مسیر سه ساختمان بزرگ وجود داشت که در ساختمان اردنی و دیگری فلسطینی بود باتفاق حاج آقا سلیمانی امام جمعه بابلسر بعضی از جوانان را بداخل ساختمان اردنی هدایت کردیم.

در این زمان بود که هلیکوپتر بیشتر حمله میکرد و گازهای خفه کننده در وسط جمعیت منفجر پر میشد که زائران زیادی را از پا در آورد. بنده باتفاق یکی از برادران روحانی بطرف ساختمان و فلسطینی حرکت کردیم درب ورودی بزرگی داشت که زائران را بدرون هدایت کردیم. بکمک و برادران مردان و زنان را بطبقات بالا هدایت نمودیم. در این لحظه گازهای خفه کننده بشدت راه تنفس را از همه میگرفت. خود را آماده شهادت نمودم. چند نفر از خواهران و برادران را هم دیدم که با عمامه برادران روحانی بکمک مجروحین میشتافتند. در این هنگام برق ساختمان قطع شد گرمی هوا، فشار جمعیت، فشار گاز همه بر سر زائر خانه خدا آمده یکی از برادران فلسطینی با آوردن یخ و گذاشتن آن روی چشم کمک کرد مقداری چشم خود را باز کردم و برادران فلسطینی با آتش زدن کاغذ در خنثی کردن گاز مؤثر بودند یکی از برادران فلسطینی مرا باطاق خود برد، مدتی در آنجا ماندم و از پنجره وقتی بیرون را نگاه کردم دیدم پلیس در یک طرف قرار دارد و راه طرف معابده و فیصلیه باز است از برادران فلسطینی خداحافظی کردم و بمردم گفتم ۵ یا ۱۰ نفره بیرون بروید و همه از آن ساختمان خارج شدیم.

حاج آقا تقوائی - مسئول سازمان تبلیغات اسلامی سوادکوه روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۲۳ آبان ۱۳۶۶ ه

شهدا بر سنگفرش خیابان ما که از ساعت ۳ بعد از ظهر از (عزیزیه) بطرف بعثه امام جهت راهپیمایی عازم بودیم ۶ خواهر و یک برادر ایرانی سوار تاکسی حجازی شدیم. پشت قبرستان ابوطالب پیاده شدیم و مسیرها را محاصره شده توسط پلیس سعودی یافتیم و بزور به سمت بعثه رفتیم، من جزء انتظامات خواهران بودم، اطراف بعثه صف کشیدیم و سایر خواهران را راهنمایی میکردیم ما راهپیمایی را شروع کردیم و شعار «الله اکبر» «لا اله الا الله» - «محمد رسول الله» - «مرگ بر آمریکا» - «مرگ بر شوروی» - «فلسطین باید آزاد گردد» و «مرگ بر اسرائیل» سر میدادیم و با مزدوران آل سعود کاری نداشتیم، تا نزدیکی های پل دوم بطرف حرم رسیدیم و مشاهده کردیم که شعار «الله اکبر» شروع شد و سر برادران حجاج ایرانی خونی بود و بمامی گفتند خواهران برگردند. برادران جانبازمان نیز سراپا خونی شده روی دوش سایر برادران می آوردند و در همین حین گازهای خفه کن و اشک آور در میان مردم رها کردند و از طرفی آبجوش ماشین آب پاشها و سنگها را بطرف مردم پاشیده و پرتاب میکردند که بسیاری از خواهران و برادران مجروح و مصدوم و خفه و شهید شدند. و همینکه خواستیم بطرف حرم مطهر برای ادای نماز و برویم تیراندازی و فشار مردم توسط مأمورین سعودی در حالیکه برادران حجاج ایرانی را با باطوم میزدند شروع شد و ما بالاچاره به بعثه امام برگشتیم که موفق نشده و اجبار وارد ساختمانی شدیم من از پنجره ساختمان نگاه کردم دیدم مأمورین سعودی بطرف حجاج تیراندازی زمینی و مستقیم میکنند و دهها نفر روی زمین ریخته و شهید شده اند. در ساختمان که بودیم ناگهان برادران فلسطینی آمدند و فندک روشن کرده و احوال ما را جویا شدند. در بین ما یک جوان لبنانی بود که مجروح شده بود و ما به او باد میزدیم همه لحظه حال آقای کروی نماینده حضرت امام را می پرسید. وی می گفت من را فقط به بیمارستان ایرانی ببرید) در میان ما از زنان سیاه پوست هم پناه آورده و به جمعمان پیوسته بودند. وقتی از ساختمان نگاه کردم دیدم جنازه ها که رویشان پارچه سفید انداخته بودند روی سنگفرش خیابان ریخته شده اند.

ما از مسئولین کشور انتظار داریم ضمن محکوم کردن از جنایات به تمام دنیا و ملل جهان اعلام نمایند که آل سعود لیاقت خادم بودن حرمین شریفین را ندارند و حرمین باید بدست مسلمین با کفایت جهان اداره شود.

دادعلی مشهدی - شهر بار روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه ۸ شهریور ۱۳۶۶

واذ قال ابراهيم رب اجعل هذا البلد آمناً و اجنبی و بنی ان نعبد الأضنام» ابراهيم خليل الرحمن تعمیر کننده بیت توحید است (بیت توحید قبل از طوفان نوح و نخستین خانه ای است که برای اهل توحید ساخته شده و در طوفان نوح آسیب دید و ابراهيم خليل مأمور تعمیر این بیت شد) هنگامی که این بیت را تعمیر کرد به پیشگاه خداوند متعال چنین عرض کرد؛ درب اجعل هذا البلد امنای خدایا این شهر را شهر امن قرار بده و مرا و فرزندان مرا از اینکه بت ها را بیرستیم دور بدار . دودعا کرده است یک دعا اینکه این شهر شهر امن باشد و دوم اینکه فرزندان من از بت دور باشند. بحث ما فعلاً در بخش اول است که این شهر بعنوان شهر امن معرفی شده یکی از افتخارات ما مسلمین این است که این بلد را، بلد امن معرفی می کنیم و در اینجا م تمام مسلمین از امنیت کامل برخوردارند متأسفانه این آیه و کثیری از آیات در این شهر و در این و نظام سعودی به دست فراموشی سپرده شده است. البته این فراموشی نیست اینها خودشان به به این آیات توجه دارند اما آنجا که به نفعشان نباشد فراموش می کنند، خلاصه اینکه پس از هم قرائت و ترجمه پیام امام و اتمام سخنرانی جمعیت به سوی مسجد حرکت کردند، البته هدف و رسیدن به مسجد نبود هدف این بود که هر موقع اذان مغرب را شنیدند همانجا متوقف بشوند و به نماز مسجد الحرام یا مسجدی که در کنارش است اقتدا کنند این برنامه کاملاً روشن بود به چنانکه در مدینه هم جریان چنین بود. ما از بعثه امام راهپیمایی را شروع کردیم قرائن قطعی و روشن گواهی می داد که ضرب و شتم و قتل اینها یک مسئله پیش بینی و شده و یک مسئله حساب شده ای بود مثلاً از ساعت یک ، تمام این منطقه به وسیله پلیس در م محاصره بود هیچوقت از ساعت یک پلیس نمی آوردند و سابقاً موقع راهپیمایی پلیس هم می آوردند و اینها را در آن گرمای شدید نگهداشته بودند تا یک مقداری هم خشمگین شده و م بتواند برنامه را بهتر اجرا بکنند.

جمعیت با کمال آرامش حرکت می کرد و با رسیدن به نزدیکیهای پل حجون پرتاب سنگ و هم شیشه و خاک به طرف راهپیمایان شروع شد که آغاز کننده خود پلیس و افراد وابسته به آنها هم بودند، وقتی مقداری به عقب برگشتیم در یک فشاری قرار گرفتیم که واقعا می توانم بگویم حدود هزار نفر در یک فضای چند متری پرس شدیم از اینطرف پلیس فشار می آورد و پشت سر و

ما هم دیوار بود یعنی هزاران نفر در یک متر از بسیار کم قرار داشتند که نه می توانستند به جلوی عقب و یا راست و چپ بروند بالاخره به قدری فشار بر ما آمد که عده ای همانجا حالشان بهم خورد و بعد از اینکه فشار کم شد و ما راهمان را پیش گرفتیم که بیایم طرف بعثه و طرف کاروان خودمان، دو مرتبه پلیس با باطوم و چوب به ما حمله کردند و من برای اینکه باطوم به سرم نخورد با دستم مراقب سرم بودم ولی دستم را که بالا گرفته بودم آنچنان بر دستم زد که دیگر نتوانستم دستم را بالا نگهدارم و پنجمین باطوم به سرم خورد و اگر یک کوچه فرعی که من در آن پیچیدم نبود به وسیله چند باطوم دیگر جان می سپردم. در آنجا یکی از برادران که دید از سر من بشدت خون جاری است یک دستمالی به سر من بست بعد ما رفتیم توی کوچه دیدیم عده ای مجروح آنجا هستند و هیچ وسیله ای که جایی برویم وجود ندارد همانجا ماندیم بعد از مدتی جوانی آمد و گفت بک آمبولانس سر کوچه آماده است و مجروحها بیایند که من به اتفاق عده ای از مجروحین به وسیله آمبولانس به درمانگاه شماره ۱۳ منتقل شدیم که در بین راه عده ای از مجروحین به شهادت رسیدند.

آیت الله جعفر سبحانی عضو جامعه مدرسین روزنامه رسالت ۱۰ شهریور ۱۳۶۶ صبر حجاج ایرانی روز جمعه بود. قبل از روز جمعه پیام تاریخی امام (منشور انقلاب برای حجاج قرائت گردیده بود. چه کسی در مکه بود که خود را موظف به اطاعت از فرامین رهبری نداند. زن و مرد، پیر و جوان در حالیکه مشت های خود را گره کرده در هوا تکان میدادند و یکصد فریاد چاه برائت از مشرکین را سر میدادند، در مقابل بعثه حضرت امام جمع شدند. دستجاتی از زنان و گروهائی فشرده از مردان با پلاکاردهایی که روی آنها شعاری از قبیل «مرگ بر آمریکا»، و «مرگ بر اسرائیل»، و... نوشته شده بود، با نظم و ترتیب خاصی زیر گرمای طاقت فرسای پم حجاز در حرکت بودند. هر لحظه که میگذشت خشم و غضب نسبت به آمریکا و اسرائیل بیشتر و ومهلک تر میشد و مردم با نیروی تازه ای این شعارها را تکرار میکردند .

پس از نطق آتشین نماینده حضرت امام ، دریای عظیم برائت جویان از مقابل بعثه بحرکت و در آمد و مغفرت طلبانه بسوی مسجد الحرام میرفتند، برای لمس حجرالاسود . در حالی به هم

نزدیکی پل «حجون» رسیدیم که فریادهای الله اکبر بر خیابانها و کوچه ها طنین افکن بود.

شعارهای «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر اسرائیل» و «یا ایها المسلمون اتحدوا اتحدوا» همچنین و بر زبانها جاری بود. عده ای نزدیک شعب ابوطالب بودند و هر کس که در هر کجا بود تنفر و انزجار عمیق خود را از آمریکا (شیطان بزرگ ابراز میکرد که این خود برای رژیم آل سعود بسیار گران و غیر قابل تحمل بود. پلیس سعودی که از سرسپرده ترین افراد برای آمریکا بشمار میآید، بهترین موقعیت را برای ادای سرسپردگی و نوکری دیده و با اقدامات طرح ریزی شده به مقاصد شوم خود جامه عمل میپوشاند.

ناگهان صف اول تظاهر کنندگان مورد هجوم ناگهانی پلیس واقع شد و عده ای از زائرین خانه خدا مظلومانه بشهادت رسیدند. با انتقال شهدا در طول مسیر کلیه حجاج متوجه جریان شدند و سراسیمه به هر طرف می دویدند. ناگهان صدای شلیک گلوله از جلوی مسیر شنیده شد و مساله برای همه روشن شد. با دستور مقامات مردم خونسردی خود را حفظ کرده بودند. ولی آنها گویی که به یک لشکر مجهز به سلاحهای مدرن حمله کرده بودند. با شدت تمام سعی در افق سرکوب کردن ما داشتند. بر اثر تیراندازی، نیروهای امنیتی سعودی از جلوی صف، ناچار بطرف عقب برگشته و احساس میشد که قصد متفرق کردن را دارند و کسی تصور نمی کرد که اینچنین به محاصره پلیس بيفتند. ناگهان شاهد بسته شدن کلیه راههای خروجی شدیم که و این خود بسیار غیر منتظره بود.

آنچه در این محیط بسته و پر مخاطره بر حجاج گذشت قابل توصیف نیست مگر اینکه یک یک آنها بازگو کننده آن باشند که چطور بجرم نشان دادن خشم و انزجار خود از آمریکا شاهد به چنین منظره هولناکی شدند. منظره عجیبی را در پیش چشم دیدم.

زنان و مردانی که در معرض آجرهای پرتاب شده از بالای ساختمانها، گلوله های آتشین، آب جوش و گازهای خفه کننده قرار داشتند حتی یک لحظه از شور و حرارت آنها برای حمله به آمریکا تقلیل پیدا نمیکرد و حتی در موقعی که گاز آنها را خفه میکرد با صدای بسیار ضعیف، میگفتند «مرگ بر آمریکا»، «این کار آمریکاست»، دستور آمریکا به نوکران خود چنین بود.

نکته جالب اینکه در چنین جوی حجاج دریادل، با شنیدن اذان مغرب بدون اینکه کوچکترین دلهره ای داشته باشند صف نماز جماعت را تشکیل داده و در میان باران گلوله، تنها هدف را دنبال میکردند، حتی شهدایی در میان صف جماعت افتاده بودند که خود بر استقامت نمازگزاران می افزود. حجاج میدانستند که پلیس وحشی سعودی نسبت به آنها از هیچ

جنایتی فروگذار نخواهد کرد و این بدلیل فشار از سوی آمریکا نسبت به آنهاست، لیکن آیا آنها جز کشتن کار دیگری می توانستند بکنند؟ آیا کاری که حجاج ایرانی با صبر و بردباری و استقامت خود انجام میدادند آنها هرگز میتوانستند کاری مطابق با آن در برابر آنها بکنند؟ و آنها میدانند که صبر و بردباری ایرانیان بدان معنا نیست که باید دست روی دست گذاشت و هیچ کاری انجام نداد، آنها نگرانی هایی از این صبرها دارند که خواب راحت را تا ابد از چشمان آل سعود خواهد ربود و خوب میدانند که شکستن حرمت خانه امن خدا و ریختن خون صدها میهمان بیگناه خدا چه عذاب الهی برای آنها به ارمغان خواهد آورد.

آنها دیدند که با وجود باز شدن راههای خروجی هیچیک از حجاج با اضطراب و عجله محل حادثه را ترک نمیکردند، بلکه همگی سعی در کمک به یکدیگر و مجروحان و معلولین داشتند.

به آنها می دیدند که مصدومین ایرانی حتی برای معالجه حاضر نبودند از آنها کمک بگیرند و شهادت را بر کمک آنها ترجیح میدادند. ولی آنها بودند که از بدنهای خونین مصدومین در در خیابان احساس خطر میکردند و مانع ورود حجاج مصدوم به خیابانها می شدند. آنها ناچاراً از بالای کوههای مکه به منزلشان مراجعه کردند. آنها دیدند که در حمله به صف نماز جماعت که در خیابان خونین بسته شده بود، هیچیک از نمازگزاران حتی نگاهشان نکردند و صبورانه به نماز ادامه دادند.

آنها اگر روشنفکر باشند گلوله خوردن آمبولانس حامل مجروحان و شهدا را دیدند. اگر مسلمان باشند اقامه نماز به آن حالت را دیدند. اگر وحشی باشند باید صبر و بردباری را دیده هم باشند و از وحشیگری خود دست بردارند. اگر بی دین باشند لااقل آزادگی را پیشه کنند. و امیدواریم که جهان اسلام پاسخ چنین وحشیگری را به آنها بدهد و به آنها بفهماند که حسین (ع) حتی راضی به ریخته شدن پاکترین خونها در مکان مقدس حجاز نشد و عزیمت خود از مکه را با آن حالت هتک حرمت کعبه ترجیح داد و راضی نشد در اثر ریخته شدن خون خود حرمت کعبه از بین برود.

به امید تقاص خون شهدایمان از آل سعود .

محمد شیدا روزنامه جمهوری اسلامی پنجشنبه ۲ مهر ۱۳۶۶

ص: ۲۹۷

من زودتر از شروع راهپیمایی در میدان معابده بودم، پس از سخنرانی نماینده امام و دادن شعار، مردم برای اقامه نماز بسوی مسجد الحرام حرکت کردند، وقتی جمعیت نزدیک مسجد جن رسید از طبقات مختلف دو آپارتمان که روبروی هم بودند، یک عده شروع به پرتاب سنگ و پاره آجر و آهن شکسته بر سر حجاج نمودند، معلولین که در جلوی راهپیمایی بودند در اثر این عمل وحشیانه دست و پاهای مصنوعی خود را از دست داده و چرخشان روی زمین مانده بود که صحنه ای دلخراش بود و ما مقداری به آنها کمک کردیم وقتی جمعیت نزدیک پل حجون رسید از هر دو طرف فشرده شد و در آنجا مامورین آل سعود به دستور هلیکوپتر که بالای سر ما پرواز امر میکرد بر روی مردم آتش گشودند، تیرهای شلیک شده دوزمانه بود که در بدن منفجر میشد و بدن را متلاشی میکرد، عده ای از مجروحین تیر خورده و سنگ خورده و پیرمردها و پیرزنها زیر دست و پا افتاده و ناله میکردند تمام راهها را بر روی زائرین خانه خدا بسته بود بطوری که از هیچ طرفی راه گریز نبود پس از تیراندازی، مامورین سعودی گازهای خفه کننده در میان مردم پرتاب کردند که عده ای در اثر آن خفه شده و جان خود را از دست دادند.

ما چند تا از جنازه ها و مجروحین را کمک کردیم و برای رسیدگی به هتل زنجان می بردیم، کم در این میان یکی از سرپرستان کاروان زنجان می خیلی در انتقال مجروحین کمک میکرد و آنها :

را به بیمارستان می رساند.

از صحنه های دلخراش مجروحینی بودند که در حال جان دادن بودند و در همان موقع دنبال آشنایی می گشتند که پیام یا وصیت خود را به آنها بگویند و کسی را آشنا پیدا نمیکردند که پیام آنها را دریافت کند و مظلومانه با همان حالت جان میدادند و در این بین یکی از خواهران زائر دهر ایرانی در حالی که در حال جان دادن بود با دست دیگرش محکم چادر خود را گرفته بود تا به لحظه ای که جان داد آنقدر یا ابوالفضل گفت تا از دنیا رفت. یک لحظه یکی از دوستان همکارم؟ را دیدم که مجروح وارد هتل زنجان می شد، به کمک او شتافتم و بعد از مدتی نفهمیدم به کجا منتقل شده است وضع عجیبی بود، تا آنروز چنین حادثه غم انگیزی ندیده بودم، آمبولانس ها که وارد میشدند زنان و مردانی مسن را میدیدم که بشدت مجروح شده اند من معلولی را خود حمل کردم که از دو پا قطع بود و تمام پشت معلول از ضرب باطوم سیاه شده بود. خواهران



مظلومه را دیدم که با چه وضع رقت باری شهید شده بودند که آنها را به اتفاق همکاران به سردخانه منتقل نمودیم، در واقع باید گفت تحمل دیدن آنها را با آن وضع نداشتیم برادران برای عکسبرداری آمدند یک یک از آنها عکس گرفته شد که عده ای مستقیماً با گلوله شهید شده بودند و عده ای هم در اثر فشار جمعیت و خفگی از بین رفته بودند. جوان شهیدی را برای عکس گرفتن آماده کردند که درست قفسه سینه اش تیر خورده بود و دیگری را دیدم که از پشت سر هدف گرفته شده بود و مخچه اش متلاشی شده بود. هریک به شکلی جان سپرده بودند.

خلاصه فاجعه از آنچه فکر میکردم بیشتر بود یکی دو بار به مسئولین بیمارستان پیشنهاد کردم اگر صلاح میدانند از جایی و حتی از ایران برای درمان مجروحین کمک بگیرند که گفتند صلاح نیست بهر جهت متوجه نشدم که تا چه ساعتی از شب و یا صبح مجروح میآوردند من آمبولانسی را دیدم که به گلوله بسته شده بود، تمام شیشه هایش خورد شده بود. برادری از همکاران بیمارستان را دیدم که برای آوردن مجروح با آمبولانس به محل حادثه رفت و بعد از پانزده دقیقه مجروح برگشت. بالاخره شب خونینی را پشت سر گذاشتیم خسته و دل شکسته از دست جباران زمان به مظلومیت اسلام و مسلمین به جنایتهای در طول تاریخ فکر میکردم که آیا چنین جنایتی در طول تاریخ بدست مسلمانها و غیر مسلمانها اتفاق افتاده است یا خیر؟ باور کردنی نبود. انسانهایی چنین مظلوم و بجرم گفتن تکبیر و برائت از مشرکین بدست سفاکان و آل سفیان بخاک و خون در غلطیدند.

ساعت ۱۱ شب بود که تعداد زیادی جنازه در خیابانها مانده بود و نه تحویل کسی میدادند و نه میگذاشتند آمبولانسها آنها را ببرند و روسری و عینک و چادر خانمها روی زمین پخش شده بود و عده ای هم راه خود را گم کرده بودند.

از این بدتر وقتی بود که مدینه بعدی ها میخواستند به مدینه مشرف بشوند، جلوی پاسگاه پلیس سعودی مدت ۲۷ ساعت آنها را زیر آفتاب نگه داشته و اذیت می کردند بحدی که زائرین خانه خدا پاهایشان ورم کرده و آبشان هم تمام شده بود با این همه پلیس سعودی به تمام مقدسات حجاج توهین میکرد.

حاج روح الله صفری - اراک روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۹ آبان ۱۳۶۶

جمعه از صبح زود برادران جهت هر چه بهتر برگزار شدن مراسم، هماهنگی لازم را بعمل آوردند و هر کس وظیفه ای را که بعهدده او محول شده بود با شور و شوق فراوان انجام میداد و در کارها از یکدیگر سبقت می گرفتند ، پس از اذان ظهر هنگامی که برادران و خواهران انتظامات که از نیروهای جوان و شناخته شده کاروانها متشکل شده بودند و با بازوبندهای مخصوصی مشخص بودند در اطراف بعثه جهت راهنمایی راهپیمایان مستقر گردیدند هر کس مسئولیتش مشخص بود، ماکت عظیمی از قدس عزیز که بصورت قطعه قطعه و بسیار جالب و مبتکرانه درست شده بود توسط عده ای از برادران عزیز بهم متصل شده که شکوه خاصی به میدان معاوده داده بود.

کم کم راهپیمایان به میدان مذکور رسیده و به جمعیت مستقر در مقابل مقر نماینده امام ملحق میشدند در این جمع باشکوه حجاج غیر ایرانی بسیار بچشم میخوردند و آماده شنیدن پیام انقلاب ایران از زبان گویای سرپرست حجاج ایرانی و نماینده حضرت امام عزیز بودند، در بلوار میدان معاوده خیابان نزدیک بعثه ، محل استقرار خواهران و خیابان مجاور آن که نزدیک ساختمان شهرداری مکه بود، مخصوص برادران پیش بینی شده بود .

مراسم شروع و حضرت آیت الله کروی به ایراد سخنانی که دنیای اسلام تشنه آن بود پرداختند، در این هنگام من در طبقه اول ساختمان بودم. سخنرانی و ترجمه آن به زبان عربی پایان یافت، شعارها شروع و راهپیمایان بطرف مسجد الحرام حرکت کردند، هنوز چند دقیقه ای نگذشته بود که مسئول شعار گفتند: «توجه! توجه! به خبری که هم اکنون بدستم رسید به گوش فرا دهید سکوت عجیبی فضای گسترده مکه را احاطه کرد، ناگهان خبر سقوط هلی کوپتر آمریکائی بر روی ناو و کشته شدن چند آمریکائی را اعلام نمود که شور و شادی تمام شرکت کنندگان را فرا گرفت و همه با هم یکصدا فریاد «الموت لامریکاه را سر دادند و

هم همچنان به حرکت خود ادامه میدادند ما نیز از ساختمان بعثه به داخل تظاهرکنندگان آمدیم.

هنوز به محلی که قبلاً جهت متفرق شدن پیش بینی شده بود نرسیده بودیم که مشاهده کردیم از پارکینگ شش طبقه ای نزدیک مسجد جن - سنگ و چوب و بلوک سیمانی و سطلهای پر از شن و ماسه و... بطرف مردم پرتاب میشود، تظاهرکنندگان متحیر بودند که چرا؟ و برای چه؟ همه فریاد «یا رسول الله» سر میدادند جمعیت در محاصره واقع شده بود، اتومبیلهای پلیس بطرف مردم می آمد هر لحظه بر تراکم جمعیت افزوده و افراد پلیس از کنار اتومبیلها به مردم هم حمله ور میشدند، مدخل تمام کوچه ها توسط پلیس بسته شده بود، مردم بر روی هم می ریختند، گاز خفه کننده رها نمودند و با باطوم به مردم میزدند. بلندگوها قطع شده بود، مردم مات و مبهوت بودند، عده ای فریاد میزدند دستور نماینده حضرت امام مبنی بر آرامش است.

ناگهان صدای شلیک گلوله بلند شد بعد آمبولانسهای سعودی بحرکت در آمدند آمبولانسهای هلال احمر ایران نیز بطرف مجروحین میرفتند، ماموران جنایت پیشه آل سعود آنها را متوقف و سوئیچ اتومبیلها را بر میداشتند و از حمل مجروحین وشهدا جلوگیری میکردند چادرها، مقنعه ها، کفشها و دیگر وسائل مردم بر روی زمین افتاده بود، آتش گلوله بسوی مردم شعله ور بود، غروب خونین بود بارها واقعه شام غریبان کربلا و آتش زدن خیام اباعبدالله الحسین (علیه السلام، را شنیده بودیم ولی در غروب غمناک و خونین جمعه سیاه ثانی جنایت یزیدیان و حکام غاصب بلد امین را بعینه مشاهده نمودیم و بیاد مظلومیت خاندان اهل بیت عصمت و طهارت در صحرای کربلا بودیم . در این واپسین ساعات روز جمعه، بغض گلوی ما را گرفته بود، عده ای از خواهران که از کوچه های اطراف به بعثه رسیده بودند برای حجاب خود از پارچه ها، وروکش تشک های بعثه استفاده میکردند. از طرفی چون نماینده حضرت امام مورد اهانت واقع شده بودند و ایشان را به یکی از کاروانهای نزدیک ستاد گمشدگان برده بودند، من قصد داشتم به آن کاروان بروم و از بعثه بیرون آمدم، در مسیریکی از ماموران که در چند قدمی من بود بطرفم اشاره ای کرد و باتفاق یکی دیگر از شرطه هامرا دستگیر و شروع به زدن کردند که در حین درگیری دو برادر ایرانی وارد درگیری و مرا نجات دادند و من فرار کردم بطرف کاروان فوق الذکر، در همین حال نماینده حضرت امام قصد داشتند به بعثه تشریف ببرند، برادران تصمیم گرفتند که از این عمل جلوگیری نمایند، ولی ایشان فرمودند «من باید در جمع مردم باشم» و حتی از اتومبیل استفاده نکردند و با پای پیاده بطرف بعثه م

و امام حرکت کردند.

حدود دو ساعت بعد که محاصره شکسته شده بود، برادران و خواهران بطرف میدان معابده کاروانهایشان میرفتند، اکثراً با پای برهنه در حرکت بودند و بعضی از خواهرها قسمتی از چادرهای خواهران دیگر را برای پوشانیدن و حجاب خود استفاده میکردند، کارکنان و خدمه و کاروانها مرتباً فریاد میزدند و شماره گروه و نام مدیر کاروان خود را بر زبان جاری میساختند تا گمشده های خود را پیدا و به منازل ببرند.

آن شب مردم تا صبح در خیابانها بودند، ساعت ۶ صبح به بعثه آمدیم پس از ساعتی از به سوی نماینده حضرت امام، ماموریت یافتیم. که از محل اصابت گلوله ها بر روی پیکر شهدا، و عکس تهیه گردد، دوربین پلاویدی تهیه و به هلال احمر ایران واقع در خیابان منحنی رفتیم.

(لازم بتوضیح است که هر کسی جهت مشخص شدن گمشده اش به بیمارستانهای سعودی مراجعه میکرد او را میزدند و دستگیر میکردند) مقابل هلال احمر ایران سیل جمعیت بچشم و میخورد عده ای برای کمک و یا اهداء خون آمده بودند و عده ای دیگر دنبال گمشده هایشان پر بودند. به سختی از لابلائی جمعیت بداخل بیمارستان رفتیم، مجروحین در گوشه و کنار با چهره های خون آلود ولی روحیه ای قابل تحسین تحت مداوا و پانسمان بودند.

کادر پزشکی که بحق ایثارگری مینمودند فعالانه در خدمت مردم و از هیچ کوششی دریغ په نمی نمودند، ما با هماهنگی که با آقایان دکتر دلشاد، دکتر شفیعی جندقی و دکتر هاشمی بعمل آمد همراه با دکتر رحمانی که از صبح روز پیش تا آن ساعت استراحتی نکرده بود به سردخانه رفتیم تا آن موقع فقط یکی از شهدا شناسائی شده بود و بقیه گمنام بودند، عکس شهدا شبانه تهیه و به درب ورودی نصب شده بود منسوبین آنها با مشاهده عکسها به سردخانه میآمدند هر کس بر روی جنازه ای می افتاد و مشغول گریه و زاری میشد ما بسختی تا ظهر از محل اصابت گلوله ها عکس تهیه کردیم و توضیحات آقای دکتر رحمانی (جراح) را مبنی بر نحوه شهادت و ضایعات ناشی از گلوله در ذیل و یا پشت عکسها یادداشت میکردیم سپس با آمبولانس هلال احمر به بعثه برگشتیم.

در مسیر ملاحظه میشد که پلیس سعودی را چنان رعب و وحشت فرا گرفته بود که از عهده هم توصیف بر نخواهم آمد، هر روز صبحها و عصرها بین سی تاچهل نفربره را در خیابانهایم مکه براه می انداختند و از مقابل بعثه میبردند ولی فقط برای اهل سعودی وحشت انگیز بود و ایرانیها طبق معمول در رفت و آمد بودند و اصلاً توجهی نمی کردند، این جنایات برخلاف

مراد ابر جنایتکاران چنان بر مظلومیت ملت شهیدپرور ایران میافزود که قلم از نگارش آن عاجز است.

پس از این واقعه، حجاج کشورهای دیگر با محبت و علاقه بیشتری با ایرانیها برخورد میکردند، روز بعد از این جریان، چند جوان لبنانی که در مقابل درب ورودی بعثه به آنان برخورد کردم میگفتند اصلاً ناراحت نباشید جواب این وهابیها را ما خواهیم داده و یا قابل نقل است که چند روز بعد که به یکی از مغازه های سعودی (نزدیک پل ابن خلدون) که از سالهای قبل با صاحب مغازه آشنا بودم رفتم، ایشان از چند نفر دوستان و همسایگان خود دعوت کرد و درب مغازه را بستند و در مورد شخصیت والای رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی مدظله العالی و انقلاب اسلامی و نحوه تظاهرات و جنایت آل سعود و حتی ادعای دولت سعودی در زمینه بردن سنگ حجرالاسود بشهر خون و قیام (قم) توسط ایرانیان و بیعت گرفتن از مسلمین مبنی بر اقامه نماز بطرف قم و یا اضافه کردن سوره ای توسط شیعیان به قرآن مجید تحت عنوان «سوره ولایت» و... سؤال میکردند و هنگامی که پاسخ داده میشد در مورد نام شریف حضرت امام از خود احساسات نشان میدادند و یک جلد قرآن مجید که روی میز بود و جلد آن دولایه شده بود عکس حضرت امام را از بین لایه های جلد قرآن بیرون می آوردند و می بوسیدند و مرتب کلمه طیبه والله اکبره را بر زبان جاری می ساختند و یکی از آنان که احتمالاً طلبه علوم دینی بود میگفت: «هادم ابنیه الشرك والنفاق» - رهبر شماسست، این مرد اشاره به عکس امام محیی معالم الدین است که در دعاهای شماسست.

در اینجا اشاره ای به این موضوع مناسب است که در روز یازدهم ذیحجه در مسیر رمی مهم جمرات - در منی - یکی از برادران الجزائری بمن گفت: ای برادر از کدام سرزمین هستی؟ می گفتم: ایران گفت: آیا امام خمینی را می شناسی؟ با لبخندی تعجب آمیز گفتم: آری! مجدداً همین سؤال را مطرح کرد که من گفتم: ایرانی هستم چطور ایشان را نمی شناسم!! لحن تنیدی گفت: نه! نه! شما نمی شناسید! ایشان نعمتی است در بین شما ایرانیان که هنوز شناختی نسبت به معظم له پیدا نکرده اید بعد جهت تکمیل سخنانش گفت: والله امکان ندارد مانام این مرد بزرگ را بر زبان بیاوریم در حالی که وضو نداشته باشیم.

روزی دیگر در مسجد الحرام با چند نفر از اهل عراق که صحبت میکردیم یکی از آنها یکعدد کتاب دعای کوچک بمن داد و صفحه اول آن را امضاء نمود و گفت: مدیون هستی در هنگام و قرائت این کتاب برای سلامتی امام خمینی دعا نکنی و چند پیرمرد که در کنار او بودند چند عدد هم

تربت پاک ابا عبدالله الحسین (ع) (مهر نماز) را هدیه دادند و از انقلاب اسلامی ایران بعنوان منشاء نجات مسلمین جهان یاد میکردند.

آری علیرغم تمام تبلیغات سوء علیه ایران و انقلاب اسلامی که در سطح جهان از بوقهای بیگانگان و ابرقدرتهای جهانخوار انجام میشود، حمایت ملت‌های اسلامی و تحت ستم، از انقلاب اسلامی مشت محکمی است بر دهان یاوه سرایان شرق و غرب.

با آرزوی طول عمر برای رهبر کبیر انقلاب و پیروزی رزمندگان اسلام.

والسلام علی من اتبع الهدی .

محمد رضوانی محلاتی روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۲ آذر ۱۳۶۶ عطش خونخواری با سلام به آوازگر سرود وحدت مسلمین و مشعل دار صراط حق و حقیقت و طلایه دار به کاروان برائت از مشرکین « امام امت ارواحنا له الفداء و با سلام به منادیان ندای توحید و وحدت که همواره اعتصام به حبل الله را فریاد کردند و با سلاح «لا» تندیس های نفاق و جدائی را در هم شکستند و برای هشدار دادن به حجاج بیت الله الحرام که نمایندگان مسلمین جهان بودند خونشان را در کنار خانه اش، بر کف اخلاص گرفتند تا خود شاهد باشند بر جنایت مرتجعین غاصب و مستکبرین ظالم.

کلام از بیان عظمت جنایت آل سعود قاصر و قلم از نگارش عمق هتک حرمت به بیت خدا ناتوان است و جانیان مشهور تاریخ در برابر آل سعود خبیث روسفیدند که اینان به خاک و خون و و کشنده کسانی هستند که به صیانت سنت پیغمبر خدا آمده بودند آنروز اشک شوق در چشمان ضیوف الرحمن برق میزد و تلاقی نگاههای تشنه گان حقیقت به سخنرانی نماینده حضرت امام و شعارهای یا ایها المسلمون اتحدوا اتحادوا، جلب توجه میکرد ولی دستهای کثیف مزدوران سعودی از شدت خشم و ترس بر اسلحه های اهدایی شیطان بزرگ فشار می آورد و چشمان هم نگران آنها با خشمی نمایان عظمت شور و اشتیاق مسلمانان و پیروان پیر جماران را هم می نگریست که با خلوص نیت و طینت پاک صدای مرگ بر آمریکای جهانخوار را سرداده و

بودند و مسلمین جهان را به وحدت دعوت می نمودند، آنها عملاً ندا میدادند که ای پیروان مکتب توحید بیدار شوید و دستان متحد را مشت کرده بر تندیس غوطه ور در گرداب فساد و تباهی کفار بکوبید، ناگهان تاریخ تکرار شد چرا که یاران محمد(ص) در کنار خانه امن خدا بدست ابوسفیان و ابوجهل و ابولهب ها مورد حمله قرار میگرفتند که محمد(ص) با سنگ و خاکستر مورد حمله قرار گرفت و اینان با اصابت گلوله و سنگ و کیسول گاز و تکه های بتون، چوب و باطوم مورد حمله قرار گرفتند و مجروح گردیده یا بشهادت رسیدند. خواهران زیادی را دیدم که در اثر این حمله جنایتکارانه چادرهایشان افتاده بود، مزدوران به خون تشنه سعودی تظاهرکنندگان را از جلو، عقب و طرفین محاصره کرده و همه راههای اصلی و فرعی رابسته بودند و با گاز اشک آور، و خفه کن و رگبار مسلسلهاشان چنان عرصه را بر مسلمین بی پناه هم تنگ کرده بودند که حتی راه گریزی هم باقی نمانده بود و من که خود مجروح و بر زمین افتاده بودم و در اطراف خود صدها مرد و زن و پیر و جوان و معلول را می دیدم که با بدن مجروح و خون آلود درحالی که هنوز هم در معرض ددمنشی های سفاکان سعودی بودند فریاد میزدند الموت الامریکا، الموت لاسرائیل، لا اله الا الله و چه طنین زیبایی که رنج و درد را در آن حال از انسان می زداید و پس از فروکش کردن عطش خونخواری خونخواران آل سعود، مجروحان بر دوش ۴ پر دیگر یاران به بیمارستانها انتقال یافتند و بدینسان بیش از ۳۰۰ نفر از مهمانان خدا بدست نصابان چکمه پوش سعودی بمنظور پیشکشی به اربابانشان آمریکا و اسرائیل قربانی شدند والسلام.

حاج احمد صابری □ قاین روزنامه جمهوری اسلامی سه شنبه ۱۷ آذر ۱۳۶۶ عین واقعه کربلا بود ما کاروانیان ۳۰۲۲۴ از مسیر جاده شیشه در حدود چهار کیلومتر راهپیمائی نمودیم و به بعثه .

امام رسیدیم و به سخنرانی حاج آقا کروی نماینده حضرت امام و سرپرست حجاج ایرانی گوش فرا دادیم و سپس عبری خوانده شد.

پس از پایان سخنرانی حجت الاسلام کروی با شعار «الموت لامریکا، والموت و

الاسرائیل»، «الموت لروسيا، و با آتش زدن پرچم آمریکا راهپیمائی برائت از مشرکین را شروع م کردیم. در حدود ۱۵۰ متر راهپیمائی ادامه داشت و با شعار «الله اکبر، لا اله الا الله بجلو میرفتیم و بعد از مدتی ناگهان سنگ، آجر و شیشه از بالای ساختمان بر سر حجاج که برائت خود را از مشرکین اعلام می نمودند، ریختند، در همان لحظه پلیس فاشیست سعودی با هم باطوم الکتریکی، چوب و آهن به جان زائران بی دفاع خانه خدا که برای انجام فرایض الهی لبیک گفته بودند هجوم آورده و یکی پس از دیگری را بخاک و خون کشیدند، ناگهان چشمم بدو زائر پیر که بر اثر ضربه باطوم بزمین افتاده بودند و خون از سر و رویشان سرازیر میشد افتاد. من از هم دیدن آن صحنه خیلی متأثر شدم و بعد بر اثر فشار زیاد جمعیت و در حین تیراندازی پلیس بر سر ثم حجاج بزمین افتادم.

در این حال متوجه شدم که جان چهار تن از خواهران که یکی از آنها حاجیه خانم بنده بود در خطر است و با سعی و کوشش خودم را بلند کردم و آنها را بطرف کوجه ای هدایت کردم و بعد از آن چشمم بیکی از بستگانم که سرش بر اثر ضربه سنگ مجروح شده بود افتاد، او را به بیرون و محوطه بردم. خبثت رژیم آل سعود بحدی بود که منبع آبی که برای حجاج آب میآوردند و روی آن چندین کتری و لیوان بود پس از اینکه رگبار گلوله سنگ باطوم از همه طرف میبارید آن منبع را اول کرده بودند، پلیس کتری و لیوان را بر سر حجاج میزد آنها حتی اجازه نمیدادند که آمبولانس ها تردد نمایند و پس از پایان تیراندازی با گازهای خفه کننده و آب گرم از تمام سمت م به زائران حمله میکردند و کلیه راههای گریز حجاج را بستند. پلیس کثیف آل سعود بیشترین حملات خود را بر روی خانواده معظم شهدا، معلولین انقلاب برنامه ریزی کرده بود چرا که میدانست مقاومترین نیروها همانها میباشند و شرطها و پلیس بیشترین فشار خود را بر سر همین عزیزان آورده بودند، صحنه عین واقعه کربلا بود و شهدا و مجروحین رویهم در خیابان انباشته شده بود.

از خداوند متعال خواستاریم ریشه آل سعود را از زمین بر کند و حرمین شریفین را آزاد گرداند.

حاج قربانعلی امیری روزنامه جمهوری اسلامی سه شنبه ۲۲ آبان ماه ۱۳۶۶ م



به گزارش واحد مرکزی خبر از لندن، یک مسلمان ساکن انگلیس بنام احمد کتابی که در مراسم حج امسال شرکت داشته مشاهدات عینی خود را از جنایت رژیم آل سعود علیه زائران خانه خدا در مجله نیواستیتسمن به چاپ رسانده است.

وی در مقاله خود می نویسد: مقامات سعودی از ساعت ۴/۳۰ دقیقه بامداد روز جمعه خونین اقدام به پیاده کردن کامیون نیرو در اطراف حرم کرده بودند و آرایش نظامی آنها گواه این بود که مقامات سعودی قصد در هم شکستن ابهت صفوف راهپیمایی زائران را دارند.

احمد کتابی می نویسد تظاهرات با آرامش و در میان مأمورین انتظامات ایرانی و در میان شعارهای ضد آمریکائی و ضد اسرائیلی و ضد روسی آغاز و منطقه یکپارچه لبریز از شور انقلاب اسلامی ایران و هیجانات طرفداران آیت الله خمینی شد. در این مقاله آمده است:

ایرانیان، حج را یک حادثه سالانه اسلامی می دانند که باید طی آن همه مسلمین یکپارچگی خود را به نمایش بگذارند و مشکلات مشترک سیاسی خود را مطرح سازند.

در حالیکه مقامات سعودی حج را یک نمایش توریستی می دانند که میلیون ها نفر بدون آنکه به یکدیگر توجهی داشته باشند از حج به عنوان یک جاذبه توریستی استفاده کنند.

آنچه سعودیها را ترساند این بود که ایرانیان می کوشند از این جماعت عظیم حداکثر استفاده سیاسی را به نفع مسلمین بکنند. احمد کتابی می افزاید معلوم نیست سعودیها چرا حاضر نشدند تظاهرات امسال را هم با آرامش و مسالمتی که در سالهای گذشته برگزار می شد مانند تظاهرات مدینه تحمل کنند. تنها دلیل آن پیامی بود که آیت الله خمینی در آستانه حج برای حجاج فرستاده بود .

نویسنده سپس به قسمت هائی از پیام امام خمینی اشاره کرد می نویسد این پیام جوهر اندیشه های آیت الله خمینی است و نشان می دهد این مرد در دنیایی زندگی می کند که شهادت شکوهمندترین نهایی است که وجود دارد. به همین دلیل است که سعودیها از دعوت ایشان برای همبستگی مسلمین جهان علیه آمریکا به وحشت افتادند.

نویسنده سپس با اشاره به آغاز درگیری از سوی پلیس ملبس به لباس غیر نظامی سعودی و سپس تیراندازی مأموران مسلح آل سعود، می نویسد وقتی من قصد فرار از صحنه را

داشتم، دریافتم حمله مسلحانه پلیس سعودی از همه سو در جریان است و هیچ راهی برای فرار هم وجود ندارد.

وی می نویسد: جنازه ایرانیان در میان خیابان ها افتاد بود و من زنانی را دیدم که موهایشان بعد از یک عمر پوشش عفاف و حجاب به خون آلوده شده و در معرض دید نامحرم افتاده بود و هم نیروهای امنیتی سعودی بر سر آنها پا می گذاشتند و به شکار حجاج دیگر مشغول بودند.

احمد کتابی می نویسد: آن شب مکه بر ایرانیان غریبانه گذشت و مکیان با ایرانیان همان کردند که با پیغمبر اسلام در چهارده قرن پیش کرده بودند.

وی می نویسد: ره آورد من از سفر امسال خود به مکه یک پوکه گلوله است.

احمد کتابی - مسلمان روزنامه رسالت شنبه ۱۴ شهریور ۱۳۶۶ و فریاد استغاثه روز جمعه ششم ذیحجه الحرام راس ساعت ۳ بعدازظهر به همراه دیگر حجاج کاروان جهت شرکت در راهپیمایی در حالی که پلاکاردهایی مزین به عکس امام در دست داشتیم بسوی و بعثه امام حرکت کردیم. در همین حال موج مشتاق باشور ونوق فراوان بسوی بعثه در حرکت به بودند. به جلوی بعثه که رسیدیم نماینده امام پیام حضرت امام را قرائت نمودند و پس از آن پیام و امام به زبان عربی ترجمه شد، پس از پایان مراسم متصدی شعار شروع به شعار دادن نمود.

مردم نیز با شور فراوان شعارهای الموت لامریکا، الموت لروسيا و الموت لاسرائیل و... را سر میدادند و با نظم خاص خود و به طی مسیر مشغول بودند در این میان پرچم آمریکا به آتش کشیده شد و شعار مرگ بر آمریکای حجاج بالا گرفت، بعد از آتش زدن پرچم آمریکا دیدیم که در دو طرف راهپیمایان عده ای از ماموران مزدور سعودی با سپر و باطوم حضور یافته اند و گویا منتظر چیزی میباشد از قیافه های آنها و تحرکاتشان معلوم بود که قصد عملی را دارند.

راهپیمایان در همان حال به دادن شعار ادامه دادند از طرفی متصدی شعار نیز اعلام کرد به محض شنیدن اذان در هر جایی که هستید به اقامه نماز جماعت مشغول شوید. در همان حال در آسمان مکه تعدادی هلی کوپتر در حال پرواز بودند، در همین حال که به حرم نزدیک میشدیم دیدیم که مزدوران جنایتکار سعودی با حجاج درگیر شدند. آنان چنان به حجاج زن و مرد حمله کردند که دل هر بیننده ای را جریحه دار میکرد. آنان آنطوری حجاج را میزدند که گویا هم به همه و

جنایتکاری را به چنگ آورده اند آنها با باطوم به سروروی حجاج میزدند و شدت ضربات آنقدر بود که حجاج به زمین می افتادند، حجاج بیت الله الحرام که اجازه مقابله را نداشتند مجبور شدند برای نجات جان خود به عقب برگردند ولی آنها پیشروی میکردند و حجاج را مضروب هم میساختند، تعداد زیادی از حجاج بدلیل فشار زیاد در زیر دست و پا افتادند و با فریاد استغاثه مینمودند ولی کسی را یاری کمک به آنان نبود، مزدوران سعودی به زدن مردم با باتوم اکتفا نکرده بر روی حجاج آب گرم میریختند. تصور اینکه در هوای سوزان مکه که خود تشنگی آور هم است و از یک سو ترس مردم واقعا دلخراش است از سوی دیگر از آبهای صابونی، گازهای خفه کننده و بی حس کننده نیز استفاده نمودند و بدتر از همه از اسلحه گرم نیز برای سرکوب حجاج استفاده میکردند و تعدادی از حجاج را با تیر مستقیم به شهادت رسانیدند درحالی که رسانه های گروهی عربستان منکر استفاده از سلاحهای گرم بودند، واقعه بسیار تاجر آور بود زیرا از طرفی حجاج بیدفاع مرد و زن و معلولین جنگ را مضروب و شهید کردند و از طرف دیگر به ساحت مقدس خانه امن الهی جسارت کردند مزدوران سعودی از بالای ساختمانها سنگ، سیمان، سطل زباله و آجر که از قبل تهیه شده بود بر سر حجاج میریختند، تعداد زخمیها در آنروز بسیار زیاد بود واقعه دلخراشی را دیدم که بسیار متاثر کننده بود، زنی را دیدم که باردار بود و چادرش از سرش افتاده است، در همان حال یک مامور جنایتکار سعودی با باطوم به صورت آن زن کوبید که صورت او خونی شد. این خود گوشه ای از واقعه خونین مکه بود که بیان کامل آن مثنوی هفتاد من کاغذ میشود. و بر همه لازم است که هر ساله خاطره شهدای فاجعه خونین مکه را گرامی و دارند.

به امید اینکه اداره حرمین شریفین از سلطه حکام جنایتکار و وهابی مسلک سعودی خارج شود و این خانه امن الهی توسط علمای اسلامی اداره شود.

ومن الله توفیق سید عبدالله نور حسینی - آستانه اشرفیه روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه ۸ آذر ۱۳۶۶

فریاد مظلومیت والتین والزیتون و طور سینین و هذا البلد الامین با درود بر همه پیامبران الهی که خدمتگزار و خادم حرم الهی بودند و پیامبر اسلام که کعبه را از بت ها پیرایش کرد و بر علی (ع) که یکه تاز این میدان بود و بر فرزندان او که در راه کعبه خونه دادند، تا حرم الهی را امن نگه دارند. درود بر حضرت ولی عصر (عج) خادم واقعی کعبه و به انتقام گیرنده از غاصبین حرم الهی .

درود بر نایب بر حقش مدافع و دلسوز خانه معبود. سلام بر شهدای انقلاب خصوصاً شهدای جمعه خونین مکه با توجه به اینکه توصیه شده تا زائرین خانه خدا مشاهدات و وقایع جمعه خونین را بنویسند تا در صفحات تاریخ بماند و خیانت کاران حرمین شریفین به ملت ها و نسلهای آینده معرفی گردند. اینجانب که امسال سعادت تشریف را داشتم و در جمع راهپیمایان جمعه خونین و در معرکه و قتلگاه حضور داشتم، گوشه هائی از جنایت آل سعود را به اطلاع امت مسلمان ایران و مسلمانان جهان می رسانم.

مقدمتاً باید بگویم که این حادثه یک حرکت و اقدام اتفاقی و یا مقابله به مثل نبوده، بلکه ماهها روی آن کار شده بود و کارشناسان خارجی خصوصاً آمریکائیه طراحی نموده بودند، زیرا واقعاً یک عملیات حساب شده و با برنامه نظامی و سرکوب بود که نظیر آن در تاریخ بی سابقه بوده است. زیرا اگر با طرح قبلی نبود، در مدینه که با همین شکوه و عظمت راهپیمائی وحدت داشتیم با آرامی خاتمه یافت. و در پایان راهپیمائی مردم در نماز جماعت مسجد النبی شرکت نمودند. اما در مکه از روزهای قبل سعودیها آمادگی یک حمله وحشیانه را داشتند، زیرا در ساختمان اردنیها و هتلها اطراف و پل حجون مقادیر زیادی چوب و سنگ و شیشه و آهن جمع آوری کرده بودند که در راهپیمائی روی سر مردم مظلوم و بیدفاع بریزند. هم واقعا قلم توانائی ثبت این وقایع دردناک و هولناک را ندارد. اگر صدها کتاب و فیلم و حتی شاهدان حادثه مطلب نویسند و نمایش دهند و بگویند، حق مطلب ادا نشده و واقعیت برای مردم عیان نمی شود.

باید انسان در معرکه حضور می داشت تا می دید که چه جنایت وحشیانه ای رخ داد. قبل از شروع حمله من در چهره های شرطهها که نگاه می کردم ، یک لبخند با تمسخر بر لب داشتند گویا که خبر از جنایتی هولناک می داد خوب ، بهتر است به اصل ماجرا پردازم .

هر چند روزی بود که سرما خورده بودم و کسالت داشتم، روز راهپیمائی با اینکه حالم مساعد و نبود ولی مثل سایر امت مسلمان در راهپیمائی شرکت نمودم، ساعت چهار بعدازظهر بود که در جمع مردم آمدم، دسته، دسته راهپیمایان زن و مرد، پیر و جوان ایرانی و خارجی با پلاکاردها و تصاویر امام امت و شعارهای کوبنده الموت لامریکا. الموت لروسیا. و الموت الاسرائیل که در دست داشتند به سمت محل تجمع که مقابل بعثه نماینده امام بود، حرکت می کردند، راس ساعت ۴/۵ طبق برنامه قبلی که اعلام شده بود برنامه آغاز شد. ابتدا آیاتی از قرآن مجید تلاوت گردید، سپس پیام امام امت به زبان فارسی قرائت و سپس به زبان عربی با ترجمه شد، آنگاه نماینده حضرت امام به زبان فارسی سخنرانی کردند و به دنبال آن سخنرانی نماینده امام به زبان عربی ترجمه شد. پس از آن آقای مرتضائی فر چند شعار انقلابی و ضد آمریکائی و روسی و اسرائیلی دادند که مردم نیز تکرار می کردند. در همین هنگام طبق رسم سنواتی پرچمهای آمریکا و اسرائیل آتش زده شد، تقریباً در اینجا مراسم تمام شده بود. آقای مرتضائی فر از تریبون مراسم که در یکی از طبقات هتل مستقر بود اعلام نمود که برادران و خواهران با آرامش کامل و رعایت اخلاق اسلامی به سمت مسجد الحرام حرکت نمایند و هر کجا صدای اذان مسجد الحرام را شنیدند متوقف شوند و نماز جماعت را به امام جماعت مسجد الحرام اقتدا نمایند. درست چند دقیقه بعد خبر سقوط هلیکوپتر آمریکائی اعلام شد که مردم بسیار خوشحال شدند و شکر خدای را بجای می آوردند. تقریباً حدود ۱۰ دقیقه از حرکت راهپیمایان نگذشته بود که با دو چشم خود دیدم یک دفعه بدون هیچ مقدمه ای از هم بالای پل حجون سنگ و چوب و شیشه و آهن روی سر مردم فرود می آمد. در جلوی راهپیمائی خانواده معظم شهدا که معمولاً خواهران و عده ای از معلولین قرار داشتند که در همان لحظات اول مورد اصابت چوب و سنگ و آجر شیشه و آهن قرار گرفتند و عده ای از آنها به شهادت رسیدند یا زخمی شدند. جمعیت پشت سر اینها که احساس خطر کردند و برای نجات خود دنبال مکانی می گشتند، یک دفعه به عقب برگشتند که در این برگشت عده ای زیر دست و پا تلف شدند.

همزمان با این اقدام سعودیها، صدای تیراندازی از ساختمانهای اطراف و همچنین اطراف خیابان به گوش می رسید .

مردم خیال می کردند حالا که پلیس جلوی راهپیمائی را بسته حتماً از عقب راه برگشت وجود دارد، اما متأسفانه از چند متری بعثه نماینده امام ماشین های نظامی و نفربرها و

ماشین های آب پاش راه را بسته بودند. یعنی در این حالت جلو و عقب راهپیمائی را بسته و به مردم در محاصره قرار گرفتند و همزمان با حمله پلیس از جلو و عقب راهپیمائی، از هتلهای اطراف سنگ و چوب و آجرواشیاء دیگر بر سر مردم سرازیر میشد و به در اطراف دو خیابان اتوبان یک دیوار گوشتی از شرطه وجود داشته که راه فرار را می بست و مو اطراف کوچه ها و درب های هتلهای نیز در محاصره پلیس بود. و همه این اقدامات به وسیله هلیکوپتر از بالا هدایت میشد. تقریباً مردم مظلوم و بیگناه و بی سلاح در یک محاصره کامل و قرار گرفته بودند.

خواننده عزیز ترا به خدا صحنه را در ذهن مجسم کن بین چه وضعیتی بوده است، از جلو و راه بسته و شرطهها با چوب و باطوم و تیراندازی و گاز خفه کننده راهپیمایان را به عقب و می رانند، از عقب راهپیمایان درست همین وضعیت به اضافه ماشین های آب جوش و نفربرهای نظامی راه را مسدود نموده و از ساختمانهای اطراف سنگ و چوب و اشیای دیگر بر سر مردم می ریزند، ترا به خدا بگوئید این مردم به کجا می بایست پناه می بردند، تا در امان بر باشند، به نظر من یک قتلگاه بود، ما که اسلحه ای نداشتیم فقط وقتی کار سخت شد و عده ای می شهید و مجروح شدند، مردم توسط چوب پلاکاردها و قمقه هایشان از خودشان دفاع میکردند که م فایده ای هم نداشت زیرا آنقدر جمعیت بهم فشرده بود که دست انسان حرکت نمی کرد. لذا و چوب و هر سلاح دیگر بی اثر بود. هر چه زمان می گذشت محاصره تنگ تر، تیراندازیها بیشتر و شهدا و مجروحین اضافه میشدند، در هر حمله ای که شرطه ها به سمت مردم و می آوردند، علاوه بر اینکه عده ای تیر می خوردند و به زمین می افتادند، عده ای دیگر زیر دست و پا می ماندند، و مرتب صدای ضجه و شیون زنها بلند بود و هر کس به یکی از ائمه متوسل شده بود. یکی می گفت با فاطمه زهرا، یکی می گفت یا حسین، یکی می گفت یا رسول الله، حجاب زنها زمین افتاده بود. لباس اکثر مردها خون آلود بود. اکثر مردم کفشهایشان را از دست داده بودند، بعضی ها در موقعی که حرکت می کردند از بدنشان خون می ریخت و متوجه نبودند.

هرکس خم می شد برای نجات دیگری، خودش زیر دست و پا می رفت و معلوم نبود چه به هم سرش می آید. از همه بدتر گازهای خفه کننده بود که هر کسی تنفس می کرد یا در معرض آن قرار می گرفت حالت خفگی به او دست میداد.

در بین آب و خونها جنازه ها افتاده بود. عده ای هنوز جان داشتند و عده ای شهید شده بودند،

در میان آب و خونها لباس خانمها- کفش - ساعت مچی - پول و سایر اشیاء دیده می شد.

در این لحظات بود که فشار جمعیت و کشتاری که با چشم می دیدم را عده ای از خواهران هم نتوانستند تحمل کنند و به کوچه های اطراف و هتلها پناهنده شدند، واقعا چاره دیگری هم نبود.

اگر می ماندند شهید می شدند.

صحنه ها بسیار فجیع تر از آن است که بتوان بیان کرد. معلولین مثل گوشت قربانی از این طرف به آن طرف رانده می شدند نه پا داشتند فرار کنند و نه دستی که دفاع نمایند. لذا در زیر چوب و سنگ و تیر پلیس سعودی به شهادت رسیدند. و بعضی از آنها که معلول بودند مجروح گشتند و چرخهای آنها شکسته شده و در کف خیابان افتاده بود.

صحنه دیگر مادران و خانواده محترم شهدا بودند که اولین قربانیان را دادند، و واقعا سپر حادثه قرار گرفتند و عده ای از آنها به شهادت رسیدند. در اطراف خیابان فریاد یامحمدا، با حسینا، مردم کمک کنید عده ای را کشتند به گوش می رسید. صدای تیر گوش انسان را کر هم می کرد از هر طرف نگاه می کردی تیراندازی می شد.

صحنه دلخراش دیگر پیرمردان و پیرزنان بودند که واقعاتاً تاب حرکت و ایستادن را هم نداشتند و با یک هجوم شرطهها عده ای از آنها زیر دست و پا قرار می گرفتند و به علت سهولت و وضعیت بدنی توان مقاومت نداشتند و خفه می شدند. واقعاتاً صحرای محشر بود. در یک نقطه نزدیک ساختمان اردنیها شرطهها حمله کردند و جمعیت را عقب راندند، ناگهان پیر زنی ۶۰ یا ۷۰ ساله در زیر دست و پا جا ماند که شرطه های نامرد آنقدر چوب باطوم به سر او زدند که با صدای با فاطمه زهرا به لقاء الله پیوست. من که این صحنه را می دیدم، دیگر نتوانستم تحمل کنم و با آنکه کشته شدن حتمی بود برای نجات او به طرف شرطهها رفتم، وقتی خواستم خم شوم و جنازه او را حرکت دهم، شرطهها باطوم برقی به کمرم زدند که یک دفعه شوکه شدم هم مثل اینکه برق بدنم را گرفته باشد.

البته شاید به علت اینکه کف خیابان آب بود اینقدر اثر گذاشت، در همان موقع برای و پراکنده کردن مردم چند گاز خفه کننده رها کردند مردم یک دفعه به عقب برگشتند که از شر گازها در امان باشند که این موج جمعیت مرا حدود ۱۰ متری اختیار به سمت خود برد و در گوشه ای افتادم. چون چشمانم از شدت سوزش گازها می سوخت، مقداری آب از یک نفر که قمقمه ۴ داشت گرفتم و به چشمم مالیدم، وقتی چشمانم را باز کردم دیدم روی تپه ای از آدمها افتادم، که هر کسی در زیر دست و پا فریاد می زد و کمک می طلبید و بعضی ها همینطور به شهادت و

می رسیدند. وقتی این گازها به سمت من آمد و مقداری از آن تنفس کردم، مثل اینکه سرب مذاب خورده باشم تمام احشای داخل بدنم سوخت، گلویم بسته شد و نزدیک بود خفه شوم.

به نظر من بدتر از چوب و سنگ و تیر و اشپای دیگر و حتی ماشین های آب جوش، گازهای خفه کننده بود، البته من از اوائل راهپیمائی و شروع درگیری شهادتین را خوانده بودم، زیرا هیچ امیدی به زنده ماندن نداشتم، ولی وقتی گازها در نزدیکم پخش شد و به صورت و چشمم رسید و مقداری از آنها را تنفس کردم احساس کردم الان خفه می شوم، دیگر نمی توانستم حرف بزنم چشمهایم نمی دید، گوشهایم نمی شنید، پاهایم سست شده بود. دیگر توان راه رفتن نداشتم. مثل یک مرده به گوشه ای افتادم کمرم از ضربه باطومها درد می کرد، پابرنه بودم، به لباسهایم غرق خون بود که خیابان مفروش شده بود.

دیگر هوا تاریک شده بود، صحنه ها مثل عصر عاشورا و شام غریبان بود، هرکسی دنبال کر گمشده ای می گشت، مردها دنبال همسرانشان و زنهای دنبال شوهرانشان، یکی صدا می زد کاروان فلان را ندیده ای؟ دیگری می گفت شما اهل کدام شهر هستید؟ یکی دیگری می گفت زنها کجا رفتند؟ و هر کسی دنبال افرادش هراسان می دوید.

هر چند قدمی یک جنازه یا یک مجروح روی زمین افتاده بود، شرطه ها اجازه نمی دادند تاماشین های آمبولانس مجروحین را به بیمارستان برسانند که اگر زودتر منتقل می شدند قطعاً آمار شهدا کمتر از اینها بود.

رفته رفته با تاریک شدن هوا و پراکنده شدن مردم محاصره نیز فشرده تر می شد، و جمعیت مردم را تکه تکه کردند و هر قسمتی را در محاصره داشتند. من در یکی از این محاصرات بودم، در چند قدمیم آیت الله صناعی که معلوم بود ایشان هم مصدوم شده بودند و روی زمین نشسته بودند در این لحظات بعضی از برادران مردم را دعوت می کردند که دیگر شعارنهند و آرام روی زمین بنشینند و بعد از چند لحظه ای یکی از روحانیون به صلاحدید دیگران در جلوی جمعیت ایستاد و نماز مغرب را اقامه کرد، دیگران هم با همان وضع که داشتند، با لباس خون آلود، وبا دل شکسته خدا می دانند هر کسی در چه حالتی بود، به او اقتدا کردند، بعد از نماز با شرطهها صحبت کردند که اجازه بدهند تا مردم برگردند زیرا دیگر امکان رفتن به مسجد الحرام نبود. بعد از یک ربع ساعت شرطهها موافقت کردند. و از بین دو دیوار گوشتی از شرطه ها نزدیک ۱ کیلومتر که مردم را در محاصره داشتند مثل اسرای کربلا که پس از واقعه آنها را دست بسته به سمت کوفه و شام بردند، عبور کردیم در این فاصله نزدیک به چند صد متر شرطهها مثل



تونل ماشین ها را در کنار هم چیده بودند که مبادا ایرانیها اقدامی کنند. آنها همه مسلح به مسلسل بودند و عده ای از آنها نیز میله های تیزی را در دست داشتند که بسیار برنده به نظر می رسید.

خلاصه حدود میدان معاينه مردم متفرق شدند و تازه اول مصیبت و شام غریبان بود که هر کسی دنبال یکی از بستگانش می گشت.

بعضی از زنها که از کاروانهایشان جدا شده بودند به هتلهای نزدیک رفتند تا فردا صبح مسئولین کاروانها و بستگانشان دنبالشان آمدند. و خدا می داند آن شب به این خواهران چه گذشت، مردها سرگردان و هر کسی به دنبال اقوامش می گشت. جلوی بیمارستانهای ایرانی پ مملو از جمعیت بود و مردم آماده خون دادن بودند با اینکه اعلام می کردند دیگر کافی است و مردم که آماده کمک کردن بودند به توصیه مسئولین به هتلهایشان رفتند، در این لحظات مدیران کاروانها سراسیمه مشغول گرفتن آمار بودند، بعضی از مدیران تا آمارشان تکمیل نمی شد که قرار نداشتند و بغض گلوهایشان را گرفته بود.

آن شب گذشت، فردا صبح بعضی از برادران که به مسجدالحرام رفته بودند، تعریف می کردند که هیچ اثری از جنایات دیشب برجای نمانده، همه اشیاء را جمع کرده و همه جا را و شسته بودند تا مبادا فردا اوج جنایت آنها برای مسلمانان جهان عیان گردد. غافل از اینکه در مسیر راهپیمائی از اغلب کشورهای اسلامی حضور داشتند و جنایات آنها را لمس کردند و عده ای شهید و مجروح دادند.

روزهای بعد از حادثه کلیه مطبوعات و رادیو و تلویزیون سعودی با تبلیغات وسیع و ناجوانمردانه ایرانیها را شورشگر و عامل تخریب کعبه معرفی می کردند، وقتی بایک نفر سعودی بحث می کردم می گفت، «ایرانی دین مافی» می گفتی چرا، جواب می داد چون و هم می خواستید کعبه را خراب کنید. و به نظر من این مظلومیت سخت تر از شهادت هاو \* جراحتهای و حوادث روز جمعه خونین بود.

روزهای بعد ماشین های پلیس به صورت زوجی در خیابان گشت می زدند. و بابهای و مسجدالحرام در محاصره شرطه های چکمه پوش بود. گوئی که آماده جنگ هستند.

روزنامه مزدور عکاظ هر روز به چند زبان منتشر می شد و دروغهایی را جعل می کرد که شیطان هم شرمش می شد.

بعضی از مغازه ها حاضر به فروختن جنس به ایرانیها نبودند. عده ای از برادران که مجروح یا

هم شکستگی در بدن داشتند جرئت رفتن به مسجدالحرام را نداشتند زیرا به جرم حضور در راهپیمائی او را دستگیر می کردند. از فردای آن روز شرطهها و بعضی از سعودیهای مزدور وابسته با غضب به ایرانیها نگاه می کردند، اما ملتها و مسلمانان دیگر کشورها از این حادثه تأسف می خوردند و می گفتند آل سعود جنایتی کرد که دیگر در حرم الهی امنیت وجود هم نخواهد داشت. و حریم الهی شکسته شد. وقتی آمار شهدا و مفقودین را برای مسلمانان دیگر کشورها می گفتی گریه می کردند ولی آنها نیز چاره ای نداشتند. چقدر سخت است غربت در قربت، در خانه امن خدا که در تمام جهان فقط این نقطه است که انسان با آرامش خاطر با خدای خودش صحبت می کند و این خبیث ها این امنیت را هم گرفتند. خداوند و صاحب کعبه و میزبان انتقام زائرانش را از حکام آل سعود خواهد گرفت و انشاء الله بزودی شاهد آزادی حرمین شریفین خواهیم بود.

ناصر جان نثاری - سنندج قربانگاه خونین روز جمعه بود، و روز راهپیمائی براءت از مشرکین، اکثریت قریب به اتفاق حجاج ایرانی با شور و شوق در راهپیمائی براءت از مشرکین شرکت داشتند، وقتی مقابل بعثه امام حجت الاسلام کروبی نماینده امام سخنرانی میکردند بسیاری از حجاج سایر کشورها از هر ننگ و نژادی یا به صفوف راهپیمایان ملحق شده و یا در پیاده روها و ساختمانهای اطراف محل اقامت خود، به سخنان آقای کروبی و شعارهای کوبنده ملت انقلابی و مسلمان ایران گوش می دادند. من دیدم که با آینه نور به ساختمان بعثه و صورت نماینده امام می انداختند، البته من متوجه این حقیقت نشدم که آینه و نور برای چیست و شرطه ای در بالای طبقه آخر ساختمان که ماروبروی آن ایستاده بودیم و نزدیک همان جا که پرچم شیطان بزرگ آمریکا را به آتش کشیدند، فیلم برداری میکرد، در این موقع و چه در مدینه منوره اینقدر حجاج ایرانی با نظم و با اشتیاق و با قیافه های مصمم و با جان و دل شعار می دادند که واقعاً تحسین برانگیز بود و همین هم موجب ترس آل سعود و وهابیان ضد اسلام شده بود .

بعد از بیانات حجت الاسلام کروبی حجاج بطرف حرم شریف بر راهپیمائی ادامه دادند. از بلندگو اعلام شد هر جا که بانک اذان را شنیدید دیگر شعار ندهید و پلاکاردها را جمع کنید و با

و همان نظم بحرم بروید و نماز جماعت را با سایر برادران حجاج اقامه نموده و بمنازل خود به برگردید. ناگفته نماند که نزدیک غروب بود و اذان مغرب هم نزدیک.

وقتی از پل رد شدیم، بنده و سایر رفقایم حدود سی قدم با ابتدای صف راهپیمایان فاصله هم داشتیم که ماشین ایرانی بادو بلندگو از میان صف راهپیمایان میگذشت که ناگهان هم ساواکی های سعودی صف شرطه ها را شکافت و همان هائی که لباس بلند و سفید عربی بتن داشتند و چفیه سفید و قرمز رنگ بسر، با چوب و چماق به حجاج حمله نمودند و متعاقب آن و شرطه ها با باطوم و سپر حمله کردند، از بالای ساختمان که هنوز پنجره آن را نیانداخته بودند همان ساواکی های سعودی سنگ و سطل آشغال بسر راهپیمایان میریختند و عده زیادی را زخمی کردند.

در همین حال که حجاج با سرشکسته و لباسهای خون آلود بر می گشتند که به درمانگاه به بروند و مردم همچنان با شعار کوبنده «الله اکبر، پیش میرفتند. شرطه ها با باطوم و آب جوش و گاز اشک آور و خفه کننده حمله مینمودند در یک آن صف خواهران در هم ریخت و عده زیادی و زیر دست و پا ماندند و هم چنین معلولین عزیزمان. این مکان نزدیک مسجد جن بود که ناگهان و به تعداد زیادی شرطه صفوف اول را محاصره و شروع به تیراندازی نمودند و تعداد زیادی را :

مجروح کردند و یک لحظه صدای تیر قطع نمی شد. من خود شاهد شهادت چند نفر از برادران بودم . یکی از آنها که بکمک سایر برادران بطرف منزل میرفت از شدت جراحت وارده به وخونریزی زیاد بزمین افتاد تا آمبولانس رسید و آن مجروح را برد.

همسر من هم داخل صف خواهران که بزمین افتاده بودند قرار داشت و وارد شدن هم در هم صف خواهران مشکل بود چون امکان لگدمال شدن خواهران خیلی زیاد بود و کمکی نمی توانستم بکنم، واقعا ناراحت بودم .

کم کم حجاج هم همراه زخمی ها بطرف منازل خود حرکت کردند و صحنه بتدریج خلوت می شد و شرطه های پلید وهابی انگار که فتح بزرگی کرده اند. با وقاحت به مضروب و مجروح نمودن برادران و خواهران ادامه میدادند و حتی از تیراندازی بسوی خواهران هم مضایقه به نمی کردند.

با این ترتیب عده ای از مسلمانان مومن را که جریشان گفتن «الله اکبر» و «لا اله الا الله» و مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» و «یا ایها المسلمون اتحدوا» بود مظلومانه به شهادت هم

رساندند و هزاران تن رامجروح نموده و حر خانه خدا را بخون آغشته کردند.

## قطع دست - حسن وردیانی

علی رحمانی - ابهر روزنامه جمهوری اسلامی سه شنبه ۱۷ شهریور ۱۳۶۶ قطع دست مراسم حج امسال از ویژگیهای خاصی برخوردار بود بخصوص صحنه های خاطره انگیزی که در راهپیمائی مدینه و مکه معظمه بوجود آمد برای شیفتگان پویندگان راه حق و حقیقت بسیار مهم و قابل توجه بود گوشه ای از این دریای موج معنویت را با این زبان الکن شرح می دهیم.

راهپیمائی در مدینه و راهپیمائی براءت از مشرکین در مکه معظمه، بوی معطر خون شهدای صدر اسلام را بر مشامها می رساند، گوئی اکنون صدر اسلام است، حرکت گروهی از مهمانان خدا که فریاد براءت از مشرکین را سر می دادند، وارثان ابوسفیانها و ابوجهلها آنها را با تمام خشونت و قساوت قلب به خاک و خون کشیدند، وقتی در سخنرانی ها می شنیدیم و هم در کتابها می خواندیم که این قوم پیامبر را در بدترین شرایط قرار داده بودند و خاکستر و شکمبه گوسفند از پشت بام بر روی سر ایشان می ریختند و بر پیشانی مبارک او سنگ می زدند، احساس می شد در مطلب مقداری اغراق شده باور کردنی نبود که اینها این چنین کرده باشند و یا اینکه در روز عاشورا مگر ممکن است یزید و لشکرش در حق امام حسین (ع) و اهل بیت ایشان این همه جنایت کرده باشد، به هر حال باور آن برای بعضیها مشکل بود. ومن صحنه هائی که در راهپیمائی براءت از مشرکین دیدم، دیدم که رژیم آل سعود چقدر سفاکانه از پشت بامها سنگ، چوب و سطلهای پر از خاک ، بلوک آهن بر سر مردم بی گناه وعاشق (الله) می ریخت و به شهادت می رساند، در آن لحظه صحنه ریختن خاکستر برسر رسول الله در ذهنم تجسم می شد، وقتی تعدادی زن و پیر مرد در زیر دست و پا له شده بودند و فریادرسی نداشتند و با گلوله های آتشین به استقبال آنها می رفتند صدای ضجه ناله اطفال امام حسین (ع) در روز عاشورا که خیمه هایشان توسط لشکر یزید به آتش کشیده می شد در گوشم طنین انداز بود، رژیم آل سعود در راهپیمائی امسال تمامی صحنه ها را از زمان خلافت و خلفای جور و ستم در صدر اسلام تا شهادت امام حسین (ع) و حتی بعد از آن را یک جادر خیابانهای مکه برای مسلمانان به تصویر در آورد، و برای اینکه هر یک از سلاطین جوریک گوشه ای از این جنایت را انجام داده بودند و برای کسانی که این جنایات را باور نمی کردند، و عملاً نشان دادند که ما وارثان حجاجها و منصور دوانقیها هستیم. به هر حال جمعه خونین مکه و

نقطه عطفی در تاریخ انقلاب شکوهمند اسلامی ما خواهد ماند ولکه ننگی بر پیکر فرسوده رژیم وهابیت آل سعود خواهد بود و همان طور که بر پیکر کثیف رژیم آل امیه ماند و تا بشریت و انسانیت ها هست پاک نخواهد شد. در پایان حیفم می آید که این مطلب را از شهید عباس امینی که بدست دژ خمیان آل سعود به درجه رفیع شهادت نائل آمد متذکر نشوم. در روز جمعه خونین مکه در منزل خودمان را آماده می کردیم که به راهپیمائی براثت از مشرکین برویم، در همان بین یکی از برادران که همیشه در نماز جمعه و راهپیمائیها برای کمک به جبهه ها پول جمع آوری می کرد، در آن روز به شوخی گفت: (برادران قبل از رفتن به راهپیمائی کمک به و جبهه یادتان نرود) شهید عباس امینی گفت: کار خیلی خوبی است دست توی جیبش کرد و ۷۵۰ تومان در آورد و گفت: بفرمائید دارائی جیب من همین است، گفتم: بابا شوخی می کند اینجا جای جمع آوری کمک نیست! شما تا آخر مراسم حج به این پول نیاز دارید! گفت: شما این را حالا بگیرید برای آینده خدا بزرگ است. شاید ما در این مراسم و در این راهپیمائی به معبود خودمان رسیدیم.

### قلب سیاه آل سعود – سید محمد حائری

به هر حال راهپیمائی انجام شد و آن جنایات توسط آل سعود به وقوع پیوست. بعد از این ماجرا شهید عباس امینی به منزل نیامد پس از گذشت چند روز و با تلاش زیاد جنازه او را که یک دست در بدن نداشت در سردخانه شناسائی کردیم. روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

والسلام حسن وردیانی - بوشهر روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۴ مهر ۱۳۶۶ قلب سیاه آل سعود روز جمعه ششم ذی الحجه سال ۱۴۰۷ هجری شهر مکه در غوغای دیگری به انتظار نشسته و بود حجاج بیت الله الحرام هم در انتظار عید قربان، ( آری عید قربان بی تابی میگردند تا در آن روز حرکت ابراهیم خلیل را که حد اعلای ایثار و شهامت و تعهد برای تحقق کلمه حق ولییک به و ندای معبود بود یادآور شوند، هوا بسیار گرم و شهر از حجاج بیت الله الحرام که از اطراف و هم اکناف عالم ره به سوی خانه حق پیموده مملو بود طبق برنامه قبلی بعد از ظهر روز جمعه راهپیمائی براثت از مشرکین به دستور قرآن و فرمان ابراهیم بت شکن زمان امام امت انجام میشود، برادران و خواهران ایرانی که از کربلای عشق و ایثار ایران آمده بودند برای لیبیک به

ندای امام همه آماده، آری جمعه ششم ذیحجه در آستانه ورود به عید قربان مکه آستن حادثه ای بس ناگوار و دردناک بود. حادثه ای که در آن انسانهای پاک صرفاً به جرم دفاع از حریم حق و برائت و انزجار از کفار و به تعبیری مختصر به جرم مسلمان بودن در کنار حرم امن و در قرب شعب ابیطالب در مسلخ عشق قربانی گردیدند.

هتل محل اقامت کاروان مادر شارع تنعیم اول شارع حج قرار داشت، ساعت از سه بعد از ظهر گذشته بود که روحانی کاروان بایک بلندگوی دستی اعلام کرد که همه برای حرکت و بسوی میدان معابده (ساختمان محل بعثه امام) آماده باشند خواهان و برادران هم برای انجام امر فرمانده کل قوای اسلام امام امت خود را آماده کردند، عقربه های ساعت به چهار بعد از ظهر نزدیک میشد که کاروان ما که در پیشاپیش آن روحانی محترم کاروان بود بسمت بعثه امام حرکت با آغاز نمود. در مسیر خیابان حجون شعارهای ضد استکباری در فضای مکه طنین افکن شد به علت ازدحام جمعیت و کمبود جا کاروان ما با سایر کاروانها به هم پیوستند و همه باهم چون سیل بنیان کن و باخروش کفر برانداز «الله اکبر» حرکت کردیم با کمال وقار و شکوه از کنار شعب ابیطالب و پل حجون گذشته به معابده محل بعثه امام رسیدیم در مسیر حرکت حجاج غیر ایرانی از کشورهای مصر - اندونزی - مالزی - پاکستان - یمن و... با قلبی مملو از عشق به اسلام در کنار پیاده روها وارد جمعیت حق جوی حجاج ایران میشدند و بدینسان شعار ایها المسلمون اتحدوا اتحدوا را عملاً به منصفه ظهور رساندند.

علی ایحال در موعد مقرر ( ۴/۵ بعد از ظهر) تظاهرات با تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید و آغاز و بعد منشور آزادی بخش امام امت به زبانهای فارسی و عربی قرائت و پس از آن روحانی شجاع و نستوه حجت الاسلام کروبلی لب به سخن گشود و تمامی بیانات ایشان با تأیید و تکبیر حجاج همراه میشد، میدان معابده و خیابانهای اطراف آن تا پل حجون مملو از حجاج ایرانی و غیر ایرانی بود بعد از سخنان نماینده امام از طریق بلندگو اعلام شد جهت ایجاد وحدت و شرکت در نماز برادران و خواهان مسلمان بسوی مسجد الحرام حرکت کنیم آری تاریخ تکرار شد و حرکتی خونبار آغاز گردید حرکتی که عمال پلید آل سعود مصمم شده بودند که بخاک و خون بکشند از محل بعثه امام تا چهار راه نزدیک مسجد جن دو طرف خیابان سربازان اجیر شده آل سعود خاک ریزی تشکیل داده که تسخیر و در هم کوبیدن آنها وسیله جوانان مسلمان ایرانی سهل تر از تسخیر خاک ریزهای شکست خورده و صعب العبور صدام در شلمچه، هویزه و مهران بود اما چون بنای درگیری نبود و حجاج ایرانی قصد ایجاد درگیری را نداشتند با کمال و

اطمینان و وقار از کنار آنها گذشته و تا مسجد جن حرکت ادامه داشت.

من وعده ای از دوستان هم کاروان با هم حرکت میکردیم و تا رکن شمالی ساختمان که طبقه هم کف آن پارکینگ بود و مقابل مسجد جن قرار داشت آمدیم، بناگاه متوجه شدیم که از طبقه سوم سنگ و پاره آجر و کیسه های زباله و شیشه های خالی نوشابه وسائل اسقاطی از قبیل کولر به داخل خیابان و بر سر حجاج مسلمان به شدت پرتاب میکردند صفوف نامداران میدانهای جنگ یعنی برادران معلول و خواهران بی دفاع در خط مقدم مورد حمله مزدوران سیه دل سعودی قرار گرفت گازهای خفه کننده سنگ و چوب و چماق و آب پاش های بلدیه مکه از هر سوبسوی حجاج بی دفاع نشانه گرفته بودند غوغای عجیبی بود گوئی که عاشورا است رحم و مروت و عطف انسانی اسلامی از قلب سیاه آل سعود رخت بر بسته و حتی به خواهران بی دفاع ایرانی کوچکترین رحمی را نمودند دهها و صدها نفر بر اثر اصابت تیر مستقیم، چوب، چماق و سنگ بخاک و خون کشیده شدند.

وحشی گری سربازان آل سعود بحدی رسیده بود که مانند درندگان وحشی به هر کس که میدیدند حمله میکردند و این قساوت قلب و کینه ابوسفیانی حتی بر پیکرهای مجروح و نیمه جان زنان و مردان ایرانی ترحمی نکرده و با چوب و باطوم آنان را می زدند و همه در محاصره قرار گرفته بودیم . کوتاه سخن اینکه رژیم جنایتکار آل سعود با اجرای دستور آمریکا ماهیت ضد اسلامی خود را نشان داد، ارزیابی سخنان و اظهار نظرهای حجاج غیر ایرانی که بعضا بعد از جمعه خونین با آنان به بحث می نشستیم نشانگر حقانیت اسلام و مسلمانان ایرانی است و الهام حجاج زیادی از کشورهای مصر - اندونزی مالزی - آفریقا - پاکستان و غیره و این عمل ضد اسلامی فهد و اربابش را بشدت محکوم میکردند با ذکر جمله ای از یک مسلمان دلسوز افغانی .

که در کنار غار حرا در خلال بحثی که با وی داشتم سخن را به پایان میبریم. آن برادر افغانی با اشاره به روز جمعه خونین مکه اظهار داشت ما مسلمانان افغانی و غیر افغانی از این عمل فهد خیلی خشمگین شدیم.

الهم انصر الاسلام والمسلمین سید محمد حائری - ایلام روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۱۱ آبان ماه ۱۳۶۶

ص: ۳۲۱

قلب های سوخته راهپیمائی برائت از مشرکین در مسیر تعیین شده آغاز شد، از بلندگو تذکر داده میشد که سریع تر حرکت کنید که به نماز مغرب برسید و در مسجد الحرام کنار دیگر حجاج صفوف نماز را تشکیل بدهید و تذکرات دیگر از قبیل حفظ آرامش و نظم و همچنین حفظ نظافت در مسیر به راهپیمائی .

راهپیمایان از پل حجون گذشتند و ما نیز برادران انتظامات را در کنار زنان بصورت یک زنجیر متصل به حرکت در آوردیم، حدود بیست متر مانده بود که ابتدای جمعیت به چهارراه به هم برسد جمعیت متوقف شد، چرا که با خیل عظیمی از پلیس که راه را بسته بودند مواجه شدند، بر در اینجا برادری که داخل ماشین بعثه بود و از طریق بلندگوی نصب شده روی ماشین شعار میداد، شعارها را قطع کرد و از پلیس خواست که راه را باز کند، او گفت اجازه بدهید برادران مسلمان شما به نماز مغرب برسند و در نماز جماعت شرکت کنند ولی آنها نه تنها راه را باز نکردند بلکه بطرف جمعیت هجوم آوردند و همه با هم باطومها را بالا بردند و بر سر و روی مردم فرود آوردند و شیشه های اتومبیل بعثه را نیز با ضربات باطوم خرد کرده و بر سر و صورت و سرنشینان آن ریختند .

جانبازان عزیزی که جهت شکوه و عظمت بخشیدن به راهپیمائی در پیشاپیش مردم قرار داشتند نیز مورد ضربات باطوم قرار گرفتند و یکی یکی از روی چرخها بر زمین می افتادند و بعضی و از آنها که دست در بدن نداشتند با صورت به روی آسفالتها می افتادند وزیر چکمه های و بی رحمانه پلیس فریاد یا زهرا، یا حسین ، یا مهدی و یا ابوالفضل سر میدادند.

صحنه ها خیلی تکان دهنده بود، بعضی از زنها به زمین می افتادند و پلیس از روی بدن نیمه جان آنها عبور میکرد و همچنان مردم را مورد ضرب و شتم قرار میداد، پیرمردی را دیدم که از تمام سر و صورت و محاسن سفیدش خون می چکید، آری صحنه ها قابل توصیف نیست آنهائیکه حضور داشتند می دانند که آنروز چه گذشت بر ایرانیان مظلوم و بی دفاع، قریب یکساعت بی وقفه مردم را میزدند و نیز رگبار گلوله مسلسلها بود که از همه جابر زائران خانه و خدا می بارید، تیربارها و مسلسلها را از قبل داخل ساختمانهای اطراف تعبیه کرده بودند که کاملاً بر مردم مسلط باشند، و در همین حال افرادی که از قبل آماده شده بودند از یک ساختمان و پنج طبقه که پارکینگ اتومبیل بود، شروع کردند به پرتاب سنگ، شیشه، موزائیک، آجر و هر چه که دستشان میآمد، آنقدر این جانیان بغض و عداوت اسلام و جمهوری اسلامی ایران در ف



دلشان سایه افکنده بود که سطلهای شن و خاک را نیز بر سر مردم می ریختند و دیگر و نمی دانستند که چکار میکنند گوئی دیوانه شده بودند.

در اینجا ظاهراً درگیری تمام شده بود، برادران بعثه فریاد میزدند که مردم برگردید تا برویم جلوی بعثه حضرت امام و تحصن نمائیم، اما حرکت بسیار دشوار بود زیرا مردم که اکثره و بخاطر گرما با دمپائی راه می رفتند آنروز در اثر فشار جمعیت پا برهنه شده بودند و این در حالی در و بود که شیشه هائی که به طرف مردم پرتاب کرده بودند خرد شده و تمام خیابان را پوشانده بود و اکثراً در بازگشت پاهایشان مجروح شده بود.

به هر ترتیبی که بود بطرف بعثه حرکت کردیم ، اما جلوی قبرستان ابوطالب که رسیدیم، دیدم که آن خون آشامان پلید که هنوز از خون مظلومان ایرانی سیراب نشده بودند دوباره جلوی مردم ظاهر شدند و اینبار با غیظ و خشم بیشتری به جان مردم افتادند و دیگر اینجا به گلوله و باطوم و اکتفا نکردند بلکه ماشینهای آتش نشانی از پشت آب جوش به مردم گرفت و از جلو نیز به طرف مردم علاوه بر رگبار گلوله، گازهای اشک آور و خفه کننده پرتاب میکردند، در اینجا ساختمانهای زائران فلسطینی ، اردنی ، کویتی و... مستقر بودند مردم را به داخل ساختمانها راه دادند و بقیه هم که در اثر کثرت جمعیت نمی توانستند به داخل ساختمانها بروند، بعضی در اثر استشمام گازها خفه شدند، بعضی در اثر اصابت گلوله و جراحت زیاد شهید شده بودند و تعدادی نیز بی حال در گوشه و کنار افتاده بودند و همچنان جمعیت تار و مار شده مردم در محاصره نیروهای نظامی قرار داشت.

من در همین حال چشمم به قبرستان ابوطالب و در جوار آن شعب ابوطالب افتاد، قلبم آرام گرفت با خود گفتم خدایا، روزی در همین مکان محمد(ص) در محاصره و تحت آزار و اذیت ابولهب قرار گرفت حالا- چطور میشود که محمدیان نیز در محاصره و تحت ضرب و شتم ابولهبیان قرار گیرند؟ روزی در این شهر اصحاب ابولهب بر سر پیامبر خدا خاکستر ریختند، بگذار حالا هم اصحاب ابولهب زمان یعنی فهد ابن عبدالعزیز بر سر پیروان پیامبر سنگ و شیشه و شن و خاک بریزند، اینجا دندان پیامبر (ص) را شکستند، حالا- بگذار پیروانشان سر، دست و پای رهروان پیغمبر (ص) را بشکنند تا مظلومیت ما بر جهانیان ثابت شود و همه بدانند که ما پیرو محمدیم (ص).

ساعت از ۹ شب گذشته بود حدود چهار ساعت از درگیری می گذشت، پلیس که این به د ماسکهای ضد گاز مجهز شده بود پس از غارت کردن محتویات جیبهای شهدای به زمین افتاده، و

عقب نشینی کرد و به مردم اجازه داد که منطقه را ترک نمایند، نمی توانم بگویم از خونخواری سیراب شده بودند، بلکه بهتر است بگویم خسته شده بودند و به دنبال بهانه ای می گشتند که دوباره حمله کنند.

و به همین منظور راننده یکی از آمبولانسهای بعثه حضرت امام که جهت تخلیه شهدا و مجروحین به منطقه آمده بود را از اتومبیل بیرون کشیدند و با شلیک گلوله ای به مغز او وی را به شهادت رساندند.

اینجا صحنه کاملاً به عصر عاشورا شبیه شده بود، تمام خیابان را چادر، پیراهن، کفش، ساک و قمقمه و دیگر وسائل آغشته بخون مردم پوشانده بود، مردم در بین کشته ها می گشتند که شاید، شوهر، زن، برادر و یا فرزند خود را در بین آنها بیابند، تعدادی در بین شهداء که می گشتند یکمرتبه بر سر جنازهای زانو میزدند و با او به درد و دل می پرداختند و همه بادیدن ::

چنین صحنه هائی چون باران می گریستند و قلبشان آتش میگرفت و آری آنجا زمین کربلا و عصر عاشورا بوده.

من در روز جمعه خونین مکه، یک دوربین عکاسی به همراه داشتم که از صحنه های مختلف و نه تکان دهنده درگیری عکسبرداری کردم ولی متأسفانه پس از اتمام درگیری در حالیکه از جنازه های شهدا عکس میگرفتم یکی از پلیسهای مخفی آل سعود که در داخل مردم پراکنده هم بودند، دوربین را از دست من کشید و درب دوربین را بلادرنگ باز کرده فیلم را پاره کرد و این عکسی را که می بینید، اولین عکسی است که از درگیری گرفتم و چون کمتر نور دیده بود چاپ شد.

آری آنها به خیال خام خود می خواستند آثار و اسناد جنایت خود را محو کنند، غافل از اینکه هزاران مسلمان از نقاط مختلف جهان شاهد قضیه بودند و رفتند و حقایق را در جهان انشا نمودند.

حاج محمد نمازی زاده - اصفهان هم روزنامه جمهوری اسلامی سه شنبه ۱۲ آبان ۱۳۶۶

ساعت ۴/۳۰ دقیقه بعد از ظهر به وقت مکه بود که کم کم حضور گسترده زائران انقلابی ایران کوچه و خیابان مکه را نورانی ترمی کرد. پلاکاردها که بر آن نفرت اسلام از آمریکا و شوروی و اسرائیل نشان داده می شد بر دست تعدادی از زائران نمایان گردید. پوسته های بزرگ امام معظم زیبایی دیگری به خیابانهای مرده و بی رمق داده بود. هرچه به خیابان اصلی که انتهای آن به بعثه امام ختم میشد نزدیکتر می شدیم جمعیت فزونی می بافت تا جایی که هم بک طرف بلوار بر ورود و خروج وسائط نقلیه بسته شد. شعارهای اولیه زائران و راهپیمایان الله اکبر ولا اله الا الله بود. چون قرار بود شعارهای اصلی از بعثه پخش شود ما به همین دوشعار اکتفا کردیم در همین لحظه بود که شرطهها قیافه های خشمگینی بخود گرفتند. یادم هست در طول این سفر عبادی، سیاسی شرطه ای که از نظر قد و وزن متوسط باشد به چشم ندیدم آنها خیلی لاغر و ضعیف بودند و از ترس و وحشتی که از زائران ایرانی داشتند مرکز شرطه خانه مدینه را از دو روز قبل با جدولهای سیمانی بلند و باسیم خاردار محاصره کرده و قسمتی از خیابان را بسته بودند. سپرهای طلقی به آنها داده بودند بعضی از آنها حتی به اندازه سپر نبودند که لااقل سپر آنها را اذیت نکند، ولی در مکه بر عکس آن بود. هر چه به بعثه نزدیکتر میشدیم شرطه هایی ملاحظه میکردیم که تا بحال ندیده بودیم. امکان زیاد داشت که سودانی، اردنی، مصری و یمنی باشند.

ساعت حدود ۵/۳۰ دقیقه بود که از میدان معابده تا پل حجون مملو از جمعیت شده بود یادم هست در گوشه و کنار زائران ایرانی و زائران غیر ایرانی از کشورهای کویت، پاکستان، مالزی، لبنان، فلسطین، هند و ... دیده میشدند ولی اکثرا با لباسهای مبدل بودند چون از مزدوران سعودی وحشت داشتند.

حجت الاسلام کروبى سخنان خود را با نام خداوند و یکی از آیات شریف قرآن کریم شروع کرد. سخنان وی کلا علیه جباران تاریخ همچون آمریکا، شوروی، اسرائیل و ... بود که علیه اسلام عزیز نقشه میکشند و دعوت مردم بر وحدت و یکپارچگی بود و از اینکه منظور از برائت از مشرکین و بیزارى از دشمنان خدا چیست. سخنان ایشان کوتاه اما از معنویات خاص برخوردار بود. سخنرانی نماینده امام که تمام شد جمعیت به مدت ۱۵ الی ۲۰ دقیقه شعار مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل و ... سر دادند در همین حین از یکی از هلی کوپترهایی که از

در ابتدای راهپیمایی در آسمان مکه بالای سر راهپیمایان پرواز میکرد مقداری کاغذ رنگی بطرف .

زمین ریخته شد. این کاغذها رمزین ماموران گاردی بود که اعلام می کرد وقت حمله به زائران فرا رسیده است. تا کاغذها بطرف زمین ریخته شد حدود دو گردان نیروی زبده از داخل ماشینهایی که قبلاً کنار خیابان پارک شده بود پیاده شدند. هر کدام از آنها کلاه آهنین به سر، دو باتوم سیاه و سفید به کمر و یک باتوم در دست راست داشتند که به محض پیاده شدن از ماشین ها مارش زده شد. یادم هست اولین درگیری از سمت راست خیابان رو به سوی حرم خانه خدا داخل پیاده رو شروع شد. یکی از جنایتکاران سعودی با باتوم چوبی به یکی از زوار حمله کرد و از جلوسر او را مجروح کرد که خون از سر و روی این زائر جاری شد زوار دیگر بلافاصله به کمک وی شتافتند، ولی زائر دیگری از سمت چپ مجروح شد.

خلاصه یک مرتبه کلیه ماموران مزدور و از خدا بی خبر سعودی بطرف مردم حمله ور شدند .

اولین کسانی که زیر دست و پا ماندند، جانبازان بودند عمال سعودی اصلاً به این زائران عزیز که دست و پا نداشتند رحم نمی کردند، چرخ آنها را شکسته و سپس بخود آنها حمله کردند.

مامورین سعی داشتند جمعیت را بطرف پل حجون هدایت کرده و آنها را بحالت فشرده تری جمع کنند. دویست متر بالاتر از درگیری یک ساختمان چهار طبقه سفید بدون پنجره بود.

جمعیت زیادی در طبقه سوم و چهارم آن صحنه را تماشا می کردند. وقتی جمعیت بشدت متراکم شد این ستمکاران عرب از بالای همان ساختمان به طرف مردم سنگ، شیشه، یخ، نبشی واجاق گاز پرتاب کردند. دو نفر آنها قالب یخی را که حدود ۲۵ کیلو وزن داشت بطرف مردم انداختند و مقدار زیادی شن و ماسه که مخصوص آتش نشانی بود بر سر مردم ریختند.

شقاوت، خیانت و ناجوانمردی مزدوران سعودی بقدری بود که سخت ترین دلها را به رحم می آورد. درگیری لحظه به لحظه شدت می گرفت. در همین اثنا اطلاع دادند که بالای پل حجون یعنی جلوی هتل فلسطینیها مزدوران سعودی زنان را بی شرمانه به گاز خفه کننده و آب جوش بستند. من به اتفاق تعدادی جوان به کمکشان شتافتیم. تهاجم وحمله مزدوران سعودی بجانب آنقدر شدید بود که برادر، برادر خود را نمی شناخت هر کس بفکر این بود که چگونه آتش خشم ظالمان را خاموش کند. ولی آنها برعکس هر چند لحظه یکبار چندین کپسول گاز خفه کننده بطرف مردم پرتاب می کردند و تا مردم چشم های خود را می گرفتند، نامردان از و فرصت استفاده کرده و بطرف آنها حمله جدیدی را آغاز میکردند.

از حمله سعودیها یک ساعت گذشته بود و تعداد زیادی مجروح شده بودند و عده ای در اثر

صدمات سخت شهید و تعدادی بدلیل وارد شدن گاز خفه کننده در ریه هاشان در حال شهید شدن بودند. آمبولانس آمد و تعداد زیادی مجروح سخت را در خود جا داد، ولی مزدوران از و حمل و نقل مجروحان جلوگیری می کردند و حتی در آمبولانس گاز خفه کننده انداختند. دیدم که یک خارجی که خود را راننده اعزامی از ترکیه معرفی میکرد از شدت حمله سعودی ها به زائران و زنان که از هیچ نوع سلاح گرم و سردی برخوردار نبودند بشدت گریه میکرد و دست خود را رو به آسمان کرده بود و با خود و خدای خود حرف میزد. بتدریج شلیک رگبار گلوله ها از گوشه و کنار جمعیت و از بالای هتلها و ساختمانهایی که از قبل آماده شده بود بسوی مردم آغاز شد، به اول هوایی و بعد زمینی. چند نفری در اثر تیر مزدوران زمین افتاده و یا دردم شهید شدند و بعضی ها هم مجروح و به کناری افتادند.

به جرات می توانم بگویم اگر دستور امام نبود و جانبازان، پیرمردان، پیر زنان و مخصوصا به زنان در راهپیمایی حضور نداشتند، دنیا شاهد کشته شدن هزاران مزدور جیره خوار و اجیر شده آمریکایی سعودی بود.

شلیک گلوله از زمین و آسمان بر روی زائران شدت گرفت. ماشین آپاش با پاشیدن آب داغ به شقاوت خود ادامه میداد. در خیابانهای مکه سنگ پیدا نمیشد ولی ماموران بدستور آمریکای جنایتکار آنقدر سنگ و دیگر اشیاء آماده کرده و به روی مردم می ریختند که خیابان را از خون کرده بودند.

ماموران آنقدر شرور و ناجوانمرد بودند که به زنان با شدت هرچه تمامتر حمله میکردند.

سمت چپ و راست خیابان و بالای پل حجون تعداد زیادی ماموران امنیتی ایستاده بودند که اول به عنوان تماشاچی بودند ولی بعدا مردم را به سنگ بستند تمام کوههای اطراف خانه خدا به مظلومیت زائران بی سلاح که جهت براءت از مشرکین و صدای مظلومیت اسلام را سر داده بودند به فغان در آمدند و فریاد بیزاری از دشمنان خدا را به ارض و سماء رساندند. ولی گوش مزدوران سعودی کر و زبانشان لال و چشمانشان کور بود. جدا و هابیت تا بحال چه بر سر اسلام مسلمین آورده است. و هابیتها چگونه خادم حرمین شریفین شده اند؟ آنهایی که فقط ظاهره پنج بار نماز خواندن را به رخ مردم دنیا میکشند.

با ما در حال کمک به خواهران بودیم که دیدیم بک پیرمرد ۷۰ یا ۸۰ ساله از جلو خواهران آمد و میخواست بطرف پیاده رو برود که ناگهان دو تن از مزدوران سعودی این پیرمرد سالخورده را زیر: کتک گرفته و مثل اینکه با دشمنی خطرناک روبرو شده باشند بشدت او را مضروب کردند. هر چه

ماموران بیرحم سعودی این پیرمرد را می زدند او از خدا کمک می طلبد و نام پروردگار خود را بزبان جاری میساخت من که ناظر این صحنه آزار دهنده بودم دیگرطاعت نیاوردم وبه کمک وی شتافتم و در آنجا بود که مشاهده کردم حدود صد جنازه در کنار خیابان افتاده است.

در همین حال بک نیر از روبرو آمد و طرف چپ پیشانیم را هدف قرار داد. دستم را به پیشانی و جای تیر گرفتم و خون فوران میکرد. مزدوری آمد و یک باتوم برقی به پشت شانه ام زد. در اثر این ضربه یک مرتبه از زمین بلند شدم و دوباره با شدت زیادی به زمین خوردم و به محض اینکه به زمین افتادم آنها ریختند و با آنهمه خشم و کینه ای که از شیعه آل علی داشتند ضربات سختی بر من وارد کردند تا اینکه یکی از آنها به دیگری گفت «الموت، (چنین کلامی) یعنی مرده . منم مثل دیگران که جان داده بودند افتادم کنار دیگر شهداء و مجروحین و سه بار اشهد خود را گفتم و منتظر آخرین نفسهایم بودم. در همین موقع بود که از خدا خواستم. خدایا من تا آخرین لحظه که در صحنه هستم هر چه شدم بی هوش نشوم و خدا هم این لطف را عنایت کرد. با اینکه خون و درد ضربات دژخیمان همه اعضای بدنم را فرا گرفته بود چشمم همه چیز را می دید ولی حس و قدرت حرکت نداشتم. تا یکساعت شاید هم کمتر که حمله تمام شد من بین همان شهداء و مجروحین بودم.

کینه و خشم از خدا بی خبران و جنایت هولناک آنها جدا روی مغولان و یزیدیان را سفید کرد. فهد و مزدورانش خواستند ثابت کنند که خادم آمریکا و اسرائیل و تمام دشمنان خدا هستند. او دستور داده بود که ماکت قدس را که بین راهپیمایان بود پاره پاره کنند اینان با این عمل زشت و ناشایسته خود ثابت کردند که واقعا دشمنان سرسخت قبله اول مسلمین هستند و دست در دست اسرائیل نهادند. این خیانتکار همچنین دستور داده بود علیرغم اجازه ای که برای راهپیمایی به ایرانیان داده ایم. به محض اینکه نفرت خود را نسبت به آمریکا و شوروی و اسرائیل نشان دادند آنها را به گلوله ببندید. او دستور داده بود که اگر پرچم آمریکای خونخوار را آتش زدند زائران را بکشید.

ای فهد ننگی که تو با دست خود برای عرب و آل سعود بیار آوردی با هیچ آبی پاک نخواهد شد ولعن و نفرین خدا و خلق خدا را تا قیامت برای خود خریدی . ما شنیده بودیم وهابیه خون شیعه آل علی (ع) را حلال میدانند، ولی حالا با چشم خود آنها دیدیم. اینان واقعا ریختن بناحق خون شیعه را بر خود واجب میدانند، طرح سرکوب زائران از نزدیک مسیر راهپیمایی را نقشه برداری کرده بود و در همان مکانی که دژخیمان از جلو و عقب تظاهر کنندگان را محاصره

کردند در کوچه بود که یک کوچه توسط یک ماشین بزرگ شهرداری بسته شده بود و دومی با تخته و چوب مسدود گردیده بود، حتی سمت چپ پل حجون را ماموران صد قدمی بسته بودند. یک کانال در کنار جاده بود که با برق آنرا روشن کرده بودند و مردم را به آن طرف هدایت میکردند، ولی خوشبختانه مردم به سمت این کانال نرفتند زیرا اگر وارد آن میشدند ماموران سعودی با خاموش کردن برق میتوانستند همه را بکشند. خدشاهد و ناظر جنایات هولناک و وحشتناک وهابی ها بود.

آنها در نظر داشتند همه را بخاک و خون بکشند. خدشاهد است که ما اگر بخاطر احترام به دستور واجب امام نبود که اطاعت آنرا بر خود واجب و لازم میدانستیم در همان مرحله اول با آنها مقابله میکردیم.

تا ساعت ۹/۳۰ دقیقه بین شهدا و مجروحین بودم تا اینکه طبق گزارش ظالمان خواسته بودند مرا ببرند، ولی با مقاومت زنان قهرمان نیمه جان روبرو شده بودند و از حمل من جلوگیری شده بود و در این ساعت به بیمارستان ایرانی منتقل و در روز بستری بودم. چون دست و پای چپم موبرداشته بود. بقیه مدت را در منزل بستری بودم و اعمالم را برادرم انجام داد. امیدوارم اگر خدا دعوت کند برای بار دیگر لیبیک گویان بطرف خانه اش بشتابیم و اگر دشمنی از دشمنان خدا را دیدم با او مبارزه کنم و این جان بی رمق را فدای اسلام عزیز بنمایم. الان که چندین روز از آن واقعه میگذرد هنوز بحال اول خود بر نگشتم و همه اعضای بدنم درد میکند دوریه ام از تاثیر گازهای سمی دچار ناراحتی شده و نفس کشیدن برایم مشکل است.

اگر لشکر خونخوار آل سعود گذاشته بودند فیلمبرداران ایران تا پایان هجوم از صحنه های هولناک بنحو احسن فیلم و عکس تهیه کنند. صحنه درست عین جنگ تن به تن عاشورای ۶۱ و اسارت آل رسول الله بود. آنقدر چادر و کفش و فلاسک آب و دیگر وسایل مردم در خیابان ریخته شده بود که دل سنگ بحال این مردم میسوخت.

جلوی هتل زائران فلسطینی حدود یکصد جنازه پاک شهدا که ۹۰ درصد آنها را خواهران تشکیل می دادند بحالت مظلومانه ای بر زمین افتاده بود. دژخیمان و جنایتکاران سعودی حتی به جنازه ها هم رحم نکردند. خلاصه به یاد دارم که رژیم سفاک پهلوی هم در روز جمعه سیاه ۱۷ شهریور همینگونه با مردم رفتار کرد و همان نقطه عطفی شد در تاریخ اسلام. حال رژیم سعودی با این عمل ننگین پرونده کثیف آل سعود را بست. پس از راهپیمائی مدینه، معاون ریگان از فهد خواسته بود که از راهپیمائی مکه جلوگیری کند، چون زائران ایرانی پرچم آمریکا

را آتش میزنند. سعودی ها از حضور زائران خارجی ناراحت و خشمگین بودند سعی میکردند زائران خارجی در راهپیمایی شرکت نکنند خوشبختانه شرکت کردند و حتی شهید هم دادند.

توطئه ای که از سوی آمریکا ترسیم و از طرف ابوجهل و ابولهب های سعودی عنوان و توسط و شریح قاضی زمان ، امام جماعت دست نشانده اسرائیل در مسجد الحرام به تائید رسیده بود با یورش ناجوانمردانه پلیدیان سعودی این مارتین ، ناکتین ، قاسطین و اشعث بن قیس های قرن بیستم که از سودان ، یمن و مصر و اردن زیر دست عمرو عاص های یهود اسرائیل آموزش باشد دیده بودند به اجرا گذاشته شد و جمعه خونین را در تاریخ بنام خود و حکام مزدور سعودی، فهد ملعون ضبط کردند.

فهد، این خائن حرمین شریفین خواست که افکار عمومی جهان را نسبت به مانور شهادت که به سه روز در آبهای نیلگون خلیج فارس با موفقیت کامل دریادلان لشکر اسلام انجام شد لوث کند، کور خوانده بود.

این یاغیان حتی آمبولانس مجروحین را به گلوله بستند. در کجای دنیا مامورین به مجروحین هم تعرض میکنند؟ چه کسانی به این عمل تبریک گفتند؟ در شب آخر که میخواستیم مکه مکره خانه امن خدا را بسوی ایران ترک کنم. با دوستان و همان مجروحیت از ناحیه پابه مسجد ام الحرام رفتیم. ولی باند پیچی و پانسمان بدنم را باز کردم چون اطلاع دادند مزدوران مجروحان را دستگیر میکنند . در خانه خدا دیدم جنایتکاران همگی با حالت خشمگین و ناراحت با سلاحهای گرم و آماده آتش، حرم را محاصره کردند. کوچه و خیابانها پر از ماموران گارد بود.

آنها لحظه به لحظه عبور و مرور زائران ایرانی و خارجیان موافق ایران را زیر نظر داشتند. جز دستشوییها، پلیس همه مکانها را کنترل میکرد. وقتی از مکه به جده حرکت کردیم ابتدای جاده به پلیس راه رسیدیم به حالت آماده باش در آنجا بودند. فردی ایست داد ولیست بسیاری از زائران ایرانی را بداخل ماشین های ما آورد و گفت اسامی را می خوانم نام هرکس بود از ماشین پائین بیاید. اسامی را خواند هیچ کس پائین نیامد معلوم بود منافقین اسامی افراد را به پلیس داده تا آنها را دستگیر کنند. چون در عرفات اطلاع پیدا کردیم یک نفر در حال سئوال و جواب از زائران بوده که به وی مشکوک شده و او را دستگیر و لیستی از وی بدست آوردند که نام دهها کاروان و دهها زائر از مسئولین و غیر مسئولین را نوشته بود. حال با او چه کردند من نمی دانم. آمدیم جده در فرودگاه جده ۱۵ ساعت معطل شدیم پرواز ما ساعت ۸ صبح بود که .

دولت خائن سعودی بخاطر ناراضی کردن مردم و عدم همکاری با هواپیمائی تا ساعت ۱۲ شب



ما را پشت سالن، در انتظار گذاشت.

### کعبه محل قیام مسلمین جهان - محمد حسن دلیر

از سالن حدود ساعت ۲/۵ خارج شده و دیدیم که طرف راست و چپ ما را ماموران مسلح اجیر شده که ظاهراً اردنی بودند زنجیروار گرفته اند و ما را سوار ماشین کرده و تا پای پله هواپیما هم بردند و دور تا دور هواپیما هم افراد مسلح بودند و حتی یک خودرو و نفربر که بالای آن تیربار و نصب شده بود روبروی درب هواپیما مستقر بود. سوار هواپیما شدیم. تا از باند فرودگاه خارج نشدیم ماموران صحنه را ترک نکردند. فرودگاه را به قصد تهران ترک کردیم. در تهران وقتی از هواپیما پیاده شدیم همگی شکرخدا را بجا آوردیم. و حتی یکی از زائران به زمین بوسه زد و گفت خدایا قربان خاک وطن اسلامی خودمان روح شهدای عزیز شاد باد، عمر امام عزیزمان طولانی، پیروزی رزمندگان اسلام نزدیک باد.

اکبر سلیمانی - مجروح حادثه روزنامه کیهان یکشنبه ۸ شهریور ۱۳۶۶ و روزنامه کیهان دوشنبه ۹ شهریور ۱۳۶۶ روزنامه کیهان سه شنبه ۱۰ شهریور ۱۳۶۶ کعبه، محل قیام مسلمین جهان جعل الله الکعبه البیت الحرام قیاما للناس - مائده ۹۷ فریضه حج در بین فرائض الهی از ویژگیهای خاصی برخوردار است و شاید جنبه های سیاسی و اجتماعی آن بر جنبه های دیگرش غلبه داشته باشد با آنکه جنبه های عبادی نیز ویژگیهای خاص دارد که انسان با داشتن معرفت و شناخت به انگیزه های وقوع حوادث تاریخی و فلسفه احکام مناسک حج، تغییرات روحی و انقلاب درونی همراه با احساس تعهد در مقابل خدا و رسولش بصورت گفتگو با پیغمبر اسلام (ص) انی اتیتک مستغفرا تائبا من ذنوبی وانی اتوجه بک الی الله ربی وربک لیغفرلی ذنوبی یعنی ای رسولخدا با حالت استغفار و توبه از گناهانم بسوی تورو آوردم تا در نزد خدا واسطه شوی، گناهانم آمرزیده شود، و مصافحه با خدا، بوسیدن حجرالاسود و طواف بیت در انسان ایجاد می شود، بیان امام سجاد(ع) در اینمورد: «من صافح الحجر الاسود فقد صافح الله تعالی، یعنی کسی که حجرالاسود را دست زد و بوسد، با خدا دست داده و مصافحه کرده است.

خداوند کعبه را بیت الله و محل نهضت و قیام مسلمین جهان میداند، مسلمین در این

اجتماع باشکوه اما بدور از تشریفات که همه تشخصات ریخته و همه بایک کفن و یادو جامه مختصر در این مواقف حاضر می شوند و راجع به مصالح اسلامی می اندیشند، حج با .

عظمت ترین عبادت دستجمعی است که وحدت مسلمین را تقویت مینماید و با این گردهمائی ملتهای گوناگون و نژادهای مختلف یکدیگر را می بینند و نسبت بیکدیگر شناخت پیدا می کنند، همه موحد و برادران دینی هستند «انما المؤمنون اخوه» - همه فریاد لا اله الا الله و محمد رسول الله سر میدهند. کعبه خانه خدا و حرم امن الهی و یا بعبارت دیگر خانه مردم است، کعبه محل عبادت و خضوع و خشوع انبیاء است، کعبه پناهگاه است. آنجا تشخصات و تعینات فرو می ریزد، آنجا محل گریه و تضرع اولیاء است، امام باقر(ع) وقتی وارد مسجد الحرام شد همینکه چشمش بخانه خدا افتاد، گریه کرد بطوریکه صدایش در میان مسجد بلند شد، یکی از غلامان امام گفت: پدر و مادرم فدای تو باد مردم شما را با این حال مینگرند. خوبست آهسته گریه کنید. حضرت فرمود: وای بر تو! برای چه گریه نکنم، همانا امید می رود خداوند بسبب گریه کردن من نظر رحمتی بمن فرماید و فردای قیامت در نزد او رستگار باشم. آنجا محل شکستن بتها بدست حضرت ابراهیم (ع) است و آنجا باید مردم از مرکز بت شکنیها بتهای بزرگ که بصورت قدرتهای شیطانی در آمده اند حرکت نمایند و زیر بار حکومتهای طاغوتی نروند و همه قدرتهای غیر الهی را نفی نمایند. آنجا مهمترین مکانی است که مسلمین می توانند درباره مشکلات جهان اسلام و گرفتاریهاییکه از ناحیه ظالمین برای آنها بوجود آمده است بیاندهند و خوابهاییکه جهانخواران و دشمنان اسلام برای مسلمین دیده اند چارچوئی نمایند و با پیوند اتحاد و همبستگی و تکیه بر نیرو و قدرت اسلام برای مبارزه با توطئه های طرح شده قیام نمایند، آنجا مناسبترین محلی است که از ظلمهای استکبار جهانی و تجاوزهای شیطان بزرگ آمریکای جنایتکار می توان پرده برداشت و از شرارتهای رژیم عفلقی صدام سخن گفت و مکان مناسبی است برای اعلام براءت از مشرکین و دشمنان اسلام و قرآن .

حادثه خونین کعبه از نگاه پیام مهم امام:

سالهای طولانی بود که اشتیاق فراوان داشتم که توفیق پیدا کنم بر زیارت خانه خدا و قبر مطهر رسول خدا(ص) و ائمه بقیع مشرف شوم، مخصوصا در زمان حاکمیت جمهوری اسلامی، و بالاخره این عنایت از جانب خداوند متعال باینجانب مشمول گردید، چون مدینه .

اول بودم با فرصت زیاد شاهد یک راهپیمائی عظیم وحدت در مدینه و دو دعای کمیل در کنار به

قبرستان بقیع بودم، که هر سه مراسم باشکوه تمام انجام یافت و پلیس سعودی هیچگونه دخالتی نداشت و هیچ مسئله ای هم بوجود نیامد، البته بهره برداریهای زیادی بنفع جمهوری اسلامی از قبیل سخنرانی و ابلاغ پیام امام و جزوه های روشنگرانه از طرف جمهوری اسلامی در ارتباط با تجاوزهای صدام و آمریکا و مسائل مختلفی بزبانهای گوناگون در میان حجاج توزیع می شد، وقتی بمکه آمدم پس از انجام اعمال عمره، شایعه ای در میان روحانیون و مدیران کاروانها بود که از طرف رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی بنا است که پیام مهمی برسد و حدود و یکصد و بیست صفحه است هر روز از بعثه امام و دیگر برادران روحانی جویا می شدم که آیا این پیام رسیده است یا نه؟ تا اینکه روز پنجشنبه نزدیک ظهر پیام امام بوسیله ناظرین کاروانها بدست من رسید، بسرعت نهار خورده شد، بلافاصله این پیام را خواندم، متوجه شدم مسائل زیادی مطرح شده دوباره خواندم، که در حدود سه ساعت طول کشید، دریافتم این بود که، امام بزرگوار رسالت عظیمی را بر دوش کسانی که در کنار خانه خدا قرار گرفته اند، گذاشته اند، با روحانی کاروان در میان گذاشتم و گفتم از محتوای این پیام بدست می آید که راهپیمایی اعلام براءت فردا مسئله و حادثه خواهد داشت، زیرا شکل این پیام بیانگر این موضوع است، مخصوصاً این جمله ها: که حکایت از هجرت، جهاد، ترک خانه وزن و فرزند و بالاخره شهادت و استقامت و پایداری و مبارزه با قدرتمندان و استکبار جهانی آمریکای جنایتکار، مخصوصاً اشاره بحرکت سیدالهداء در مکه معظمه داشت: ابا عبدالله الحسین از احرام حج به احرام حرب و از طواف کعبه و حرم به طواف صاحب بیت و از توضع زرمزم به غسل شهادت روی آوردند. ایشان روحانی کاروان چون کسالت داشتند و سینه ایشان کاملاً گرفته بود، بخاطر تبلیغات، بمن فرمودند: پس آنچه لازم است در رابطه با راهپیمایی اعلام براءت، فردا روز جمعه به برادران و خواهران حجاج توصیه فرمائید. آن شب در میان همه کاروانها سخن از پیام مهم امام بود، جلسه مناسک بر پشتبام ده طبقه تشکیل شد، آیه ای را که برای حجاج محترم عنوان کردم، آیه شریفه استقامت بود (فاستقم کما أمرت و من تاب معک) گفتم ای برادران و خواهران شکل پیام امام نشان میدهد که ما باید در مقابل هر حادثه صابر باشیم، ممکن است برای ماهجرت، اسارت، شهادت، اذیت و آزار و شکنجه پیش آید. در همین رابطه اشاره کردم که در همین مکه عمار یاسرها و سمیه ها و بلال حبشیها شکنجه شدند و به شهادت رسیدند و در همین مکه در شعب ابی طالب، پیغمبر اسلام (ص) تا سه سال در محاصره نظامی و اقتصادی بود و این محاصره هیچ تأثیری در اراده پیغمبر و کسانی که به

رسول خدا(ص) ایمان آورده بودند نگذاشت، آنها استقامت و پایداری از خود نشان دادند، البته نمودارستم حادثه فردا در همین شعب ایطالب بوجود می آید. حجاج با شنیدن پیام امام اظهار و اعلام آمادگی بیشتر نمودند. افراد فعال و حزب الله از چند روز پیش از کاروانها به بعثه امام معرفی شده بودند و در حدود پنج هزار نفر انتظامات راهپیمائی را با عالیترین تدارکات هدایت مینمودند.

با توجه به اینکه هتلها کاروانهای ایرانی در دورترین نقاط مکه داده شده بود که اینها اجتماع نداشته باشند و یکدیگر را کم ببینند و تلافی نداشته باشند و آنروز اتوبوس واحد، در خیلی از و خیابانها کار نمیکردند و این کار به ضرر سعودیها تمام شد، چون وقتی اتوبوس واحد نبود مردم و بناچار پیاده از خیابانها راه افتادند، و خیابانهای مکه پر شد از زائرین ایرانی، تقریباً از ساعت ۳ کاروانها از هتلها بیرون آمدند، باید از تأثیر سخن امام بزرگوار بگویم که بسیاری از کسانی که بیمار بودند و طواف ویاسعی و صفا و مروه را نتوانسته بودند شخصاً انجام دهند در این راهپیمائی شرکت کرده بودند، جمعیت از هر طرف سرازیر شدند بخوابانها و این حرکت از ناحیه زائرین ایرانی شکوه خاصی بمکه داده بود و تابلوها، پلاکاردها، شعارها و ماکت عظیم قدس و عکسهای امام و شرکت بسیاری از کشورها مانند، افغانستان پاکستان، سوئدانیها، لبنان، مصر در این راهپیمائی دیده میشد گوئی این حرکت معلمی بود که یاد میداد به همه کسانی که تحت حکومتهای طاغوتی قرار دارند اطاعت نمایند و دولتهای بظاهر اسلامی اما وابسته به استکبار جهانی مانند آل سعود بشدت از این عمل نگران بودند آنها به این نتیجه رسیده اند که اگر این روش حجاج ایرانی ادامه یابد قطعاً در بلاد اسلامی و مردم حجاز حرکتی بوجود خواهد آمد که رژیم آل سعود پایگاه نخواهد داشت، بالاخره اجتماع پر شکوه مقابل بعثه امام بوجود آمد. پس از استماع سخنان نماینده امام حجت الاسلام آقای و کروبی و ابلاغ پیامهای امام امت و به آتش کشیدن پرچم آمریکا و اسرائیل، از طرف بعثه امام دستور داده شد که بطرف مسجد الحرام حرکت نمائیم و در هر جا که اذان شد به نماز بایستیم.

وقتی جمعیت حرکت کردید مرتبه دیدم، ماشینهای ارتشی مانند تانک، نفربر و تیربار، و شرطه‌های زیادی در کنار خیابانها با فاصله چند متر ایستاده اند گفتم خدایا اینهمه ماشین و تانک و و نفربر برای چه آورده اند، من با خود گفتم شاید جنبه تشریفات دارد، در حدود پانصد متر از بعثه امام، فاصله گرفتیم بمحض اینکه زیر پل حجون رسیدیم ناگهان متوجه شدم که بشکه های بزرگ و شیشه ها و سطلهای شن و آهن پاره و سنگ و آجر از طبقات پنجم و روی پل به سرو و

صورت مردم ریخته میشود، بعد از چند لحظه سرهای شکسته و خون آلود دیدم، اولین درگیری در همین جا بود که شدیداً جلوی راهپیمائی را سد کردند مردم بناچار به عقب رانده شدند، چون استقامت کردند برای رفتن به مسجدالحرام، برای اولین بار گاز خفه کن و اشک آور تیراندازی بوجود آمد، در همان مرحله اول تعدادی کشته شدند، جمعیت بطرف بعثه امام برگشت. از طرف بعثه راه را قطع کردند، مردم بین دو کوه که به شعب ابی طالب شهرت دارد بصورت فشرده محاصره شدند، از چهار طرف گاز خفه کن و آب جوش بر روی مردم ریخته شد و تیراندازی شروع شد، بسیاری از خواهران و مادران در همان لحظه اول خفه شدند و در و حالیکه زیر دست و پا لگد مال می شدند به شهادت رسیدند و بعضی از بدنهای خواهران به و اندازهای زیر پاها لگد مال شده بودند که صورتهایشان پوست شده و شناخته نمیشدند، منم دچار خفگی شدم و پس از چند قدم بطرف ساختمان اردنیه در گوشه خیابان ضعف نموده ته وافتادم. چشمم کور شده بود رجائی را نمی دیدم، برادری مقداری از قمقمه آب بصورتم ازد، من چشمم را باز کردم کشته های زیادی را دیدم، از زن و مرد که اکثر خانمها بودند و از فقها و علمای بزرگوار چندین نفر را دیدم که آنها نیز بزمین افتاده بودند و متوجه شدم که خواهران چادرهایشان از سر افتاده، مقنعه ها از بین رفته و باحالت رقت باری گاهی به ساختمان اردنیه پناه میبردند و گاهی به ساختمان فلسطینیها و لبنانیها پناه میبردند و از آنجا بیرون می آیند و بجای دیگر حرکت میکنند بسیار منظره دلخراشی بود تا ساعت ۹/۵ در وسط خیابان در محاصره داده بودیم، در این موقع متوجه شدم ماشینهای آب پاش برای شستن خیابانهای حادثه آمده اند، حرکت کردم از گوشه خیابان از لابلای جنازهها عبور کردم و خیابان پر بود از چادر و کفش و عبا و قمقمه و وسایل زینتی خواهران و تنها خیابانی که به طرف منی و عزیزیه میرفت باز بود، مردم از به زن و مرد با چهره های خون آلود با پای پیاده و برهنه حرکت میکردند، حادثه غارت خیمه گاه امام حسین(ع) را تداعی میکرد، آنشب اتوبوسهای واحد یا کار نمیکردند یا سوار نمیکردند، وقتی به هتل رسیدم ساعت ۱۲ شب بود، یعنی ۳ ساعت پیاده آمدیم تا به هتل رسیدیم، گریه و زاری لّو در میان کاروان شروع شده بود تعدادی از برادران در کاروانها نبودند که بعد از یکی دو روز اطلاع حاصل شد که در بیمارستانها بستری هستند.

مکر و تزویرهای آل سعود پس از حادثه خونین مکه ۱- روزنامه ها - تابلوها شروع کردند به تبلیغات سوء که در روز بعد حادثه در روزنامه عکاظ خواندم که یکی از علماء دربار سعود استمداد جسته از همه علماء بلاد اسلامی، خواسته تا

حرکت کنند و دستور خدا را اجرا نمایند و بفریاد اهل مکه برسند و بیایند و ببینند که شورشیان و مشرکان ایرانی چه مصیبتی بر سر آنها آورده اند. از این سخن بیاد جنایت یزید ابن معاویه و افتادم که خاندان پیغمبر (ص) را کشت و در تبلیغات بعنوان مرد خارجی معرفی کرد.

### کعبه مذبح عشاق - فتوت نصیری

۲- امام جمعه درباری مسجد الحرام روز جمعه در نماز، بعد از حمد سوره فیل را خواند و گفت خانه خدا در طول تاریخ دو موقع در معرض خطر انهدام قرار گرفته، یکی موقعیکه ابرهه با فیلها برای خراب کردن کعبه آمدند که با طیرا ابابیل از بین رفتند و دیگر هجوم مشرکین سرسخت ایرانی بودند که در جمعه گذشته میخواستند کعبه را ویران نمایند و قبله گاه مسلمین را پیر جهت دهند و این نوار را در بعضی از خیابانها پخش میکردند.

۳- هر شب تلویزیون آل آمریکایک قسمت که حجاج ایرانی از خود دفاع میکردند را نشان ، میداد و تبلیغ سوء میکردند ولی هیچ وقت فیلمی از آن خیابان که بصورت قتلگاه بود و تانکها و و نفربرها و تیراندازیهائیکه انجام شده نشان نمیداند.

۴- در فرودگاه رژیم آل سعود خیلی سعی داشت قرآنهائی که از طرف فهد پادشاه سعودی خریداری شده بود تا بعنوان هدیه به حجاج ایرانی بدهند، وقتی وارد فرودگاه شدیم، قرآنها را دادند ولی هیچکس قبول نکرد در نتیجه خشمناک شدند و مدت ۲ ساعت حجاج را متوقف کردند و دیدند که نتیجه ای ندارد، دربها را باز نمودند، سوار هواپیما شدیم اطراف هواپیما را شرطهها حراست میکردند. که مبادا مسئله ای بوجود آید.

والسلام محمد حسن دلیر - گرمسار روزنامه جمهوری اسلامی سه شنبه ۱۰ آذر ۱۳۶۶ روزنامه جمهوری اسلامی چهارشنبه ۱۱ آذر ۱۳۶۶ کعبه مذبح عشاق از طرف مسئولین محترم حج اعلام راهپیمائی براثت از مشرکین برای ساعت ۴ بعدازظهر روز جمعه ۶۶/۵/۹ برابر ۶ ذیحجه الحرام سال ۱۴۰۷ ه. ق شده بود. از آنجا که خداوند نهار در سوره توبه برای روز حج اکبر در اعلام انزجار و براثت از مشرکین امر فرموده بود: (واذان من الله ورسوله الی الناس یوم الحج الاکبران الله بری من المشرکین ورسوله) و نیز رهبر گرانقدر امت اسلامی ایران در پیام مهم و تاریخی مورخه اول ذیحجه الحرام سالجاری اعلام

برائت از مشرکان را از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج دانسته اند، لهذا زائران ایرانی با استقبال بی سابقه براهپیمائی مذکور روی آورده اند. شعارها مشتمل بر لااله الا الله، و الله اکبر، عموماً علیه ابرقدرت های شیطانی شرق و غرب و اسرائیل غاصب و نیز در مورد اتحاد بین مسلمین و تعلق قدس به مسلمانان جهان و اعلام انزجار و برائت از مشرکین و سرانجام «خیبر خیبر یا صهیون» جیش محمد قادمون» بوده و قبلاً در خبرنگار چاپ و باطلام زائرین رسیده بود، برنامه این روز و مسیر راهپیمائی همراه با کروکی آن مشخص شده و قبل از موعد مقرر حرکت زائرین کاروانها با نظم و ترتیب بسوی محل تجمع آغاز شده بود البته این راهپیمائی با موافقت قبلی مقامات مسئول سعودی بوده است. | ما از اقامتگاه خود واقع در «حی الفیصلیه از طریق شارع «المنحنی والروضه» در ساعت ۳/۳۳ بعد از ظهر حرکت و جلو بعثه حضرت امام مستقر شدیم، موج جمعیت یادآور راهپیمائی های بزرگ در ایران اسلامی ما بود، چند فروند هلیکوپتر و یک فروند هواپیما در بالای سر راهپیمایان مدام در گردش و پرواز بودند، به پیام حضرت امام که از بلندگو پخش میشد گوش فرا میدادم، قسمت هائی از پیام به عربی قرائت شد، جمعیت رو به فزونی میرفت وزائرین کشورهای دیگر نیز در میان راهپیمایان دیده میشدند، آنگاه حجت الاسلام آقای کروی شروع به سخنرانی کردند که قسمت هائی از آن به عربی قرائت شد، سپس طبق برنامه تنظیمی قبلی حرکت آرام زائرین بسوی حرم بقصد اقامه نماز مغرب از شارع قسمت راست استانداری مکه و سه راهی شارع السقاف و شارع الحرم و نهایتاً شارع عبدالله بن زبیر آغاز شد.

شرطه های مسلح با انواع سلاح و باطوم و گاز در حال آماده باش کامل دیده میشدند، و دوربین های فیلمبرداری منصوبه در مسیر خیابان بخوبی دیده میشد، در این زمان خبر واصله ز این ایران مشعر به سقوط یک فروند هلیکوپتر آمریکایی در خلیج فارس باطلام راهپیمایان رسید که صدای بلند والله اکبر» آنان فضای مکه را عطر آگین کرد و خشم شیطان بزرگ و اذتاب وی را افزون ساخت.

طلایه داران جمعیت مشتمل بر معلولین و جانبازان انقلاب اسلامی و خانواده معظم شهدا تقریباً در زیر پل «حجون» و انتهای جمعیت در اوایل خیابان «سقاف» بودند، بدون اینکه زائرین :

راهپیما عمل خلافی انجام داده باشند با هل دادن و برخورد زشت و ضربات باطوم و پرتاب سنگ و اشیاء سنگین از بالای پل و ساختمان و پارکینگ چند طبقه کنار خیابان روبرو شدند

متدرجا اشیاء برنده و ثقیل بروی زائرین بی سلاح و بی پناه ریخته میشد، در این هنگام به بخصوص در صفوف جلوزنان جهت گریز از وضعیت خطرناکی که پلیس و مامورین امنیتی سعودی عمداً پیش آورده اند. فشار جمعیت و افتادن به زیر دست و پا موجب شهادت تعدادی از زائرین شد و آنان که نیمه رمقی داشتند با رها شدن گاز خفه کننده و زیر ضربات باطوم و چوب بشهادت رسیدند. که سرعت مجروحین صفوف جلو را که از سر و روی آنان خون جاری بود به از پشت سر میبردند وقتی به عقب نگاه کردم شرطهها با صفی طولانی راه را بستند و با چرخاندن باطوم حمله خود را از پشت سر به جمعیت شروع کردند که بنابر این در این مقطع زمانی در جلو پشت سر درگیری ایجاد شده بود و راههای خروج بوسیله سعودی ها بسته شده بود، اندکی بعد هم با تجهیزات و نیروی بیشتر و مامورین امنیتی آنان با چوب های بلند حمله ور شده شروع به سرکوب زائرین کرده اند، یورش وحشیانه و حملات آنان از دوسو به وسط نزدیک میشد، انسداد خیابانها و راهها دلالت دارد که برنامه آنان جهت سرکوبی این حرکت اسلامی از پیش تدارک دیده شده و بمنظور کشتار زائرین بیدفاع بوده است.

قبل از شروع تیراندازی از پنجره هتل های چندین طبقه اطراف خیابان که مربوط به زائرین فلسطین و اردن و پاکستان و چند کشور دیگر بود نور (فلاش) دوربین های عکاسی و دوربین فیلمبرداری مشهود بود البته زائرین این کشورها درب هتل را باز کرده و زائرین ایرانی را پناه میدادند.

با پرتاب گاز اشک آور ما به طرف سمت چپ نزدیک پل حجون رفتیم شرطهها با باطوم و مامورین امنیتی آنان با چوب و چماق بجان زائرین محصور افتاده بودند و بیرحمانه و بی جهت هر که را می دیدند می زدند، عرصه بر زائرین مظلوم و بیدفاع تنگ شده بود صدای «یا الله»، یا صاحب الزمان»، «یا محمد، بگوش میرسید با توجه به گرمی هوا پیر مردان و پیرزنان افتان و خیزان و بقیه بالبی تشنه و تنی خسته باین طرف و آنطرف میدویدند. گوئی پانزده خردادیا هفده شهریور و یا روزهای اول انقلاب اسلامی را یاد می آورد که دژخیمان جلادشاه معدوم علیه مردم هم مسلمان و پیاخاسته ایران موضع داشتند و عمل میکردند. ماشین آب پاش با آب گرم بسوی زائرین آب میپاشید، اول صدای تک تیر و کم کم صدای گلوله های ممتد بگوش رسید. و عده ای زیر دست و پا افتاده و تعدادی بعلت خفگی ناشی از گاز خفه کننده و عده ای بعلت هم ضربات وارده و اصابت گلوله بشهادت رسیده و اجساد مطهر آنان و نیز کسانی که مجروح شده ام ولی از هوش رفته اند در خیابان و پیاده رو افتاده بود، پیرمردی که بعلت ضربه بسرش افتاده بود و :



توان حرکت نداشت با ضربه دیگر باطوم پلیس که به پیشانی سمت راست وی وارد شد نقش زمین گردید و چهره نورانی و محاسن سفیدش با خون گلگون شده بود.

ما در حدود صد نفر بداخل کوچه بن بست که حدود ۱۰ متر طول داشت وارد شدیم و دقایقی در اینجا توقف کردیم ، صدای رگبار گلوله گوشها را کر میکرد، تعدادی پلیس با باطوم و یک مامور امنیتی با چوبی بلند باین کوچه یورش آوردند و بیرحمانه با کوبیدن به سر و بدن این عزیزان لطمه مارا بطرف خیابان راندند، من شهادتین را گفته خودرا جدا آماده شهادت کرده بودم، در اینجا م علاوه بر سوزش گاز اشک آور، گاز خفه کننده رها شده بود که نفس ها را در سینه حبس کرد بمن و تعدادی دیگر خفگی دست داده بود، کمی به جلوتر دویده و به زمین افتادم گرچه رمقی نمانده بود برای نجات اما چهار دست و پا و با زحمت زیاد خود را بکوچه دیگر رساندم که بعداً معلوم شد به «جبل عامر» منتهی میشود، مقدار کمی آب یخ که در قمقمه باقی مانده بود به سرو صورت زده و کمی نوشیدم و نفسم تازه شد.

اکنون هوا تاریک شده بود با تعداد زیادی از زائرین زن و مرد از دامنه بیراهه سنگی جبل به بالای کوی عامر رفتیم، از آنجا سطح رقت بار خیابان بخوبی دیده میشد، چادر، قمقمه، عمامه و عبا و چرخ مچاله شده برادران معلول و لوازم و وسائل دیگر زائرین سطح خیابان را پر پوشانده بود، صدای آژیر آمبولانس ها پیاپی بگوش میرسید و زائرین مجروح و مغموم، خسته باین طرف و آنطرف میرفتند، در بالای جبل از کوچه پس کوچه های تنگ و تاریک طی طریق میکردیم و در دو راهی یا سه راهی مسیرها را از سیاهپوستان ساکن آنجاسئوال میکردیم و آنان ما را از کوچه های منتهی به حرم با شوارع اطراف آن منع میکردند، ساعتی بعد با راهنمایی یک پیرمرد سیاه پوست به طرف «شعب عامر» رفته و در تاریکی شب از بالای کوه بسوی این دره سرازیر شدیم و با ورود به یک خیابان فرعی در شرق جبل و پیمودن از کوچه های پر متعدد به خیابان اصلی رسیدیم و با دیدن ساختمان ستاد حج جمهوری اسلامی ایران، موقعیت جغرافیائی خود را باز یافته و سرانجام ۱۰/۵ شب به هتل محل اقامت خود در فیصلیه ۶ باز گشتم.

بقیه زائرین تا پاسی از نیمه شب گذشته و بعضاً تا صبح خسته و سرگردان و بعضی با بدن بم مجروح و لباس خون آلود به هتل بازگشتند.

این بود اعمال وحشیانه پلیس و مامورین امنیتی سعودی با «ضیوف الرحمان» در حرم امن الهی که در برنامه سرکوبی خود با زائرین بیدفاع و بری از مشرکین، با سنگ و کلوخ و باطوم و

چوب میخ دار و گاز خفه کننده و گلوله ها پذیرائی کرده اند. وقیحانه تر اینکه عمل سعودی با همیاری استکبار جهانی در مطبوعات وابسته و رسانه های گروهی خود ما را خوارچ ایرانیون» یا درافضی» و «مجوسی» و «مخرب» معرفی کرده و آخوند درباری وهابی حرم نیز در خطبه نماز خود با قرائت سوره فیل ما را واصحاب الفیل» وجلادان بیدین و خون ریز و سعودی را «طیره ابابیل» و با تمهید این مقدمات ما را از «بغاه، معرفی کرده اند و با سانسور فیلم جمعه خونین و ادعای اینکه گلوله ای شلیک نشده خود را بیگناه و آمن کعبه و حافظ حرم جا زده اند.

### **کعبه یکتا مرکز شکستن بتها – سید احمد هاشمی نژاد**

این واقعه جانسوز اگر چه قلب زائرین بیت الله الحرام را شکست و موجب انکسار خاطر همه شد ولی زائرین با حفظ روحیه به تکالیف شرعی و الهی خود ادامه داده اند.

بعد از این واقعه خونین بود که حجاج دریافته اند که چرا حضرت امام خمینی رهبر گرانقدر امت اسلامی در پیام تاریخی خود آیه : (ومن یخرج من بیته مهاجرا الی الله ورسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله ) که بوی شهادت میداد سر آغاز پیام قرار دادند.

حاجی فتوت نصیری روزنامه جمهوری اسلامی سه شنبه ۵ آبان ماه ۱۳۶۶ کعبه یکتا مرکز شکستن بت ها و من یخرج من بیته مهاجرا الی الله ورسوله، ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله .

سلام بر ابراهیم (ع) خلیل الله و بنیانگذار دین حنیف و سلام بر محمد(ص) آخرین پیام آور توحید، و سلام بر کعبه این هیئت همیشه بر پای توحید و مشعل هماره فروزان عشق و آزادی انسان و قبله دل و عمل جهان اسلام، سلام بر بیت الله و حریم آن، سلام بر مدینه و بقیع آن. و سلام بر همه آیات بزرگ و خاطره انگیز این وادی مقدس و سلام بر آنجا که دیار اسماعیل است و سلاله پاک و برحمت او، محمد(ص) و سلام بر آنجا که مهبط وحی و مهد قرآن است. سلام بر آنجائی که در همیشه تاریخ صحنه های پیکار حق و باطل بود . سلام بر حجی که قربانی در راه خدا پیش از آنکه جنبه توحیدی و عبادی داشته باشد جنبه های سیاسی و ارزش های اجتماعی دارد. ابراهیم خلیل بما و همه آموخت که عزیزترین نمره حیات خود را در راه خدا بدهید و عید بگیرید. بما آموخت که خود و عزیزان خود را فدا کنید و دین خدا و عدل الهی را برپا نمائید . ابراهیم خلیل و محمد(ص) بما آموختند بت ها هر چه هست باید شکسته شود و کعبه تا آخرین روز جهان باید از لوث بت ها تطهیر شود، این بت ها چه

خورشید باشد، چه ماه و چه حیوان و چه انسان و چه بتی بدتر و خطرناکتر از طاغوت ها در طول مگر ابرقدرت‌های زمان ما بت های بزرگ نیستند که جهانیان را به اطاعت و کرنش و پرستش خود میخوانند و با زور و تزویر خود را به آنان تحمیل می نمایند؟ و امروز کعبه شاهد این بت هاست و باید شکسته شوند زیرا کعبه یکتا مرکز شکستن این بت هاست. و مگر قرآن کریم بما نفرموده است که: «وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ مِنْ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ، أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ؟» و مگر ما نباید با فریادها و دعوت ها و تظلم ها و افشاگریها و اجتماعات زنده و کوبنده در مجمع مسلمین در مکه مکرمه بت ها را بکنیم و طرد نمائیم، تا حجبی که ابراهیم خلیل و محمد(ص) میخواستند بجا آوریم والا در حق ما خواهند گفت، ما اکثر الضحیح و اقل الحجیح.

و اگر چنین است و بر اساس وظیفه خطیر اسلامی و انقلابی مردم ما برای تحقق این آرمان فریاد مرگ بر آمریکا و مرگ بر شوروی و مرگ بر اسرائیل سر دادند چرا باید آنها را بخاک و خون: بکشند؟ چرا باید آنچنان وحشیانه و مغولانه عمل کنند که دل هر انسان آزاده ای را بدرد آورد، راستی این ابولهب ها و ابوجهل های زمان و عروسکهای کوکی یعنی ارتجاع حاکم بر منطقه که چرا اینگونه عمل کردند.

من که خود بعنوان یکی از شاهدان عینی در پیشاپیش صفوف راهپیمایان در حرکت بودم و عکس و تصویر بزرگ رهبر انقلاب امام خمینی را حمل میکردم به کمک یکی از دوستانم و بعنوان یکی از روحانیون کاروان ویژه خانواده های شهداء و جانبازان انقلاب حرکت میکردیم.

از نزدیک شاهد جنایات هولناک ابولهب ها و حاکمان ملحد و وهابی بر حجاز بودم، به گوشه ای از آن صحنه های دلخراش اشاره میکنم باشد که مورد رضایت پروردگار واقع شده و به وظیفه اسلامی و انقلابی خود عمل کرده باشم.

با ما پس از سخنرانی نماینده حضرت امام در حرمین شریفین بدستور مسئول خانواده های شهداء و جانبازان جناب آقای احمد آقا حسینی مسئول روابط بین الملل بنیاد شهید بطرف حرم حرکت کردیم که طبق برنامه تعیین شده پیشاپیش تظاهر کنندگان قرار بگیریم و قرار گرفتیم و حرکت را آغاز کردیم.

راهپیمایان با آرامش خاص و نظم انقلابی بحرکت خود همراه با شعارهای برائت از مشرکین ادامه میدادند تا اینکه نزدیک پل «حجون» که رسیدیم وضع را غیر عادی دیدیم،

لحظاتی که گذشت تعداد زیادی جلوی صف ما قرار گرفتند، البته در اثر فشردگی جمعیت قبل از اینکه به نقطه تعیین شده کاملاً برسیم، پلیس فاشیست و آمریکائی سعودی به راهپیمایان یورش آورد و لحظه کوتاه نگذشته بود که باچوب و چماق و باطوم های عادی و برقی بر سر و روی مردم حمله ور شدند و بشدت مردم را کتک زدند. جمعیت در اثر فشار و حمله پلیس هر بطرف عقب برگشتند، طبیعی است آنهمه جمعیت در یک فشار خاصی قرار گرفت و پلیس آنها را روی هم می ریخت که تعداد زیادی را در این لحظه بشهادت رساند. بخصوص زنان مسلمان مارا.

من که وضع را خیلی وخیم دیدم از مردم خواستم، چون جانبازان و خانواده های شهدا زیر دست و پا قرار گرفتند مقداری فشار را کمتر کنند که چون عملاً امکان نداشت، بهمراهان جانبازان انقلاب گفتم که جانبازان را بغل کنند و از صحنه خارج نمایند و چرخها را رها کنند، چون عملاً چرخها در آن فشار جمعیت مانع حرکت برادران بود، توانستیم بدین ترتیب عده کثیری از برادران جانباز را نجات بدهیم ولی تعدادی زیر دست و پا ماندند که عده ای زخمی و دو نفر شهید شدند. وبعد خود من که عبا و عمامه و کفشهایم را از دست داده بودم در این گیرودار بشدت زخمی شده و از چند ناحیه مورد حمله پلیس واقع شدم، اما برای جلوگیری از طولانی شدن مطلب گزارش جنایات سعودیها را بطور فهرست وار عرض می نمایم.

۱- استفاده از باطوم و چوب های تراشیده شده که از قبل آماده شده بود.

۲- استفاده از سنگ، آجر - پاره های آهن - سطل های شن که از ساختمانها و هتل های مرتفع و از بالای پل ها بر سر و روی مردم می ریختند.

۳- پرت کردن کولرهای کهنه، و تخته سنگ ها از ساختمانها و پارکینگ اتومبیل .

۴- استفاده از گاز اشک آور و بخصوص گاز خفه کن که عده زیادی بشهادت رسیدند و خود من بشدت آسیب دیدم و لحظه ای بیشتر با مرگ فاصله نداشتم.

۵- استفاده از ماشین های آب جوش که بر روی مردم می پاشیدند.

۶- رگبار شدید مسلسل و استفاده از انواع سلاحهای جنگی در کشتار مردم ۷- استفاده از تیغ های موکت بری و چاقو که بیشتر در دست ساواکی های پیراهن سفید بوده که یکی از آنها در حالیکه این ابزار را در دست داشت بطرف خود من حمله کرد که از دست او فرار کردم.

۸- حمله با سنگ و چوب و تیراندازی بطرف آمبولانسهای ما که شهداء و مجروحین را حمل

میکردند و تیراندازی بداخل یک آمبولانس بسوی مجروحین که تعدادی را در داخل آن به آمبولانس بشهادت رساندند.

## کودکان انقلابی - دکتر عروجی

۹- و خلاصه جنایات هولناک و وحشی گریهایی را انجام دادند که روی پهلوی ها، و جانیان تاریخ را سفید کردند و در این حادثه حدود ۴۰۰ نفر را بشهادت رساندند و هزاران نفر را هم مجروح کردند که خدا انتقام خون این شهداء را از آنها خواهد گرفت و بر مسئولین نظام اسلامی ماست که با درایت و برنامه ریزی کوتاه مدت و درازمدت خود، انتقام خون شهیدان را از آل سعود ملحد و وهابی و آمریکائی بگیرند.

سیداحمد هاشمی نژاد - قم روزنامه جمهوری اسلامی سه شنبه ۳ آذر ۱۳۶۶ کودکان انقلابی من در هنگام درگیری، فوری خودم را به بیمارستان رساندم و چون در جبهه های جنگ تجربه هم داشتم و میدانستم در این شرایط آنچه نیاز فوری است، خون میباشد و ما هم از قبل پیش بینی چنین صحنه های هولناکی را نکرده بودیم، بلافاصله شروع کردیم از دوستان خون بگیریم.

ولی بزودی متوجه شدیم همین فکر را زائران دیگر کرده و گروه گروه برای اهداء خون به هم بیمارستان مراجعه میکنند بطوریکه ما ۵ نفر این قسمت از عهده کاربر نمی آمدیم و مردم میگفتند ما را روی زمین بخوابانید و خون بگیرید و بعد از چند ساعت اعلام نمودیم که خون نیاز نیست.

مطلب جالبی که من شاهد آن بودم این بود که یک مادری با دختر خود به آنجا آمده بودند و با به گریه و التماس میگفتند باید از ما خون بگیرید ما اگر نتوانستیم جان بدهیم خون ناقابل را باید بدهیم و بالاخره ما مجبور شدیم کمی از خون آنها را بگیریم. دیگر اینکه هر کس بدنبال شهداء یا مجروحین خود می آمدند و با توجه باینکه از گمشده خود مضطرب بودند ولی میگفتند چون ابعاد فاجعه بسیار است فعلا از ما خون بگیرید تا بعد ببینیم چه میشود .

در زمان خون گیری و بعد آن بارها برادران لبنانی ، فلسطینی و چند نفر از مجاهدین عراقی و به بیمارستان مراجعه کرده و میگفتند اگر ما پولی را برای کمک بشما نداریم برای مجروحین ایران از ما خون بگیرید و ما این کار را کردیم و عملا خون ایرانیها باخون مبارزین لبنانی، فلسطینی و عراقی عجین شد.

ده روز بعد از حادثه من داشتم از یکی از خیابانهای مکه بسمت مسجد الحرام میرفتم دیدم در قسمت پیاده رو گروهی از کودکان حجازی از ۱۰ الی ۱۵ ساله بازی میکنند، یکی از آنها آمد جلو و گفت «خمینی» گفتم «نعم» در همین لحظه دوستانش را صدا کرد و گرد من جمع شدند و با ریتم خاص شروع کردند با مشت گره کرده شعار دادند الموت آمریکا. الموت اسرائیل - قائدنا خمینی من شوکه شده بودم و نمیدانستم چکار کنم از یک طرف می ترسیدم یک مرتبه شرطه ها از راه برسند و این بچه ها را اذیت کنند از طرف دیگر اشک شوق مرا گرفت و ۱۵ خرداد سال ۴۲ را برایم تداعی بخشید که امام فرمودند سربازان من این کودکان هستند .

دکتر عروجی - اصفهان روزنامه جمهوری اسلامی ۷ آذر ۱۳۶۶ گلوه باران حجاج بی دفاع در روز ۹ مرداد ۶۴ ذی حجه روز جمعه راس ساعت ۵ بعدازظهر در جلوی بعثه امام زائرین خانه خدا جمع شدند برای این امر واجب و اطاعت خدا و رسول الله که فریاد برائت از مشرکین بود.

حاج آقا کروی نماینده حضرت امام سخنانی ایراد فرمودند و بعد از ترجمه عربی راهپیمایی به طرف خانه خدا آغاز شد.

طبق معمول هر ساله جانبازان و معلولین و خانواده های شهداء صفوف اول را تشکیل داده بود و در حین راهپیمایی و دادن شعار «مرگ بر آمریکا □ شوروی □ اسرائیل» و شعار یا ایها المسلمون اتحدوا اتحدوا عزیزان براه افتادند. زائرین تمام کشورها همگام با زائرین ایرانی در داخل راهپیمایی دوش به دوش مسلمانان ایرانی حرکت می کردند و در همان محلی که پیامبر اسلام و یارانش را به سنگ بستند و شن به سر آنها ریختند، یعنی شعب ابوطالب، فرزندان و امت \* رسول الله را هم در همان محل به سنگ و چوب بستند و بر سر آنها شن ریختند و آنها را غرقه به خون کردند. مزدوران آل سعود تنها به سنگ و چوب زدن اکتفا نکردند بلکه با کمال بی رحمی و در کنار حرم امن الهی زائرین خانه خدا را به گلوه بستند و حتی گلوه آنها را قانع نکرد و مجبور به به انداختن گاز خفه کننده شدند و خیابانهای اطراف خانه خدا را از خون مسلمانان جهان رنگین کردند و نگذاشتند آمبولانس های جمهوری اسلامی مجروحین را به بیمارستان برساند و حتی این از خدا بی خبران آمبولانس ها را هم به گلوه بستند.

بله عزیزان! امت حزب الله ایران حتی نتوانستند به دفاع از خود و دفاع از جانبازان و مجروحین برخیزند ای مسلمانان جهان! تکلیف در مکه معظمه در تاریخ ۹ مرداد روز جمعه بر شما تمام شد. از اسلام و قرآن دفاع کنید و هر ساله براءت از مشرکین در مکه انجام دهید تا انشاء الله ظالمین و ستمگران و دشمنان اسلام از بین بروند.

و خداوند را قسم میدهم به خون شهدای مکه و کربلا و جنگ تحمیلی هرچه زودتر رزمندگان اسلام را به پیروزی کامل نایل بفرماید و ما منتظر هستیم تا امام عزیز دستور بفرماید تا انتقام و حق شهدایمان را از خائنین الحرمین شریفین بگیریم و تا آخرین قطره خون می گویم لبیک یا خمینی .

محمد حسن اجاقی - باختران روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۱۸ شهریور ۱۳۶۶

ص: ۳۴۵

گزارش جنایت احتراماً اشعار میدارد در سال جاری برای ادای مناسک حج به مکه مکرمه سفر کردیم. در روز ششم ذیحجه بعد از ظهر روز جمعه مثل سالهای گذشته جهت اعلام براءت از مشرکین تمام زائرین ایرانی در مقابل ساختمان مقر مندوب امام جمع شده به سخنان مسئولین گوش دادند و به بعد از پایان سخنان حاج آقا کربوبی به طرف شارع حرم به حرکت در آمدند. قبلاً مسئولین حجاج ایرانی با مقامات سعودی درباره راهپیمائی و مسیر آن و ابتدا و انتهای آن گفتگو نموده، پر توافق رسیده بودند و حجاج ایرانی شعار براءت از مشرکین خصوصاً آمریکا و روسیه و اسرائیل به میدادند و مسلمانان جهان را به اتحاد و اتفاق و مقاومت در مقابل کفار و جهانخواران دعوت می کردند.

پر زائرین ایرانی و غیر ایرانی با نظم و ترتیب به طرف شارع حرم در حرکت بودند. در مقدم به صف معلولین و زنان در حرکت بودند ناگاه پلیس سعودی قبل از رسیدن به هدف تعیین شده راه ی را بر شرکت کنندگان بستند و نگذاشتند به مکان تعیین شده برسند در همان وقت پلیس به زائرین حمله کردند در اولین لحظه دهها نفر از معلولین و زنان بی دفاع را به شهادت رساندند و و مجروح کردند حتی از بالای ساختمانها سنگ پرتاب کردند و با گاز اشک آور مردم را خفه کردند و بوسیله باطوم شروع به زدن کردند و صدها تن از زائرین را به خاک و خون کشیدند. حتی معلولین و زنان را از دو طرف محاصره کردند و راه فرار را بر آنان بستند و صدای شلیک گلوله هم شنیده می شد.

زائرین ایرانی قصد هیچگونه حمله و هجوم را نداشتند و جلو بودن معلولین و زنان بی دفاع بزرگترین دلیل واضح و روشن می باشد اگر قصد هجوم داشتند در اول صف جوانان مبارز و شهادت طلب را قرار می دادند. با این عمل غیر اسلامی و غیر انسانی پلیس سعودی حرمت حرم امن الهی پاره شد و مصیبت بزرگی به عالم اسلام وارد گردید. لذا اینجانب جنایت پلیس سعودی را محکوم و از دولت جمهوری اسلامی ایران تقاضا می کنم قضیه را دقیقاً بررسی و تدابیر لازم را اتخاذ نمایند تا مزدوران آمریکای جنایتکار دیگر اینگونه جنایت را و تکرار نکنند.

من الله التوفیق - حاج محمد آخوند عابدی کر - امام جمعه شهرستان بندر ترکمن روزنامه جمهوری اسلامی پنجشنبه ۷ آبان ۱۳۶۶ و



لباس مهمانی عصر جمعه بود، جمعه سرخ سرخ جامگان در مسلخ عشق، ایشار، ایمان و خروش حجاج و فریاد برائت از مشرکان، و جمعه سیاه سیاه رویان کوردل وهابی و گرگ صفتان زشت خوی آل سعود.

حضور حجاج در پی فرمان و اجابت ندای امام عزیز امت اسلام در ابلاغ پیام، نمایش و عظمت اسلام، حضوری پر صلابت، متین و گسترده شعارها بر طنین در بلدامین و در جوار مزار شریف حضرت خدیجه کبری ام المومنین علیها سلام و آباء و آبنا رسول الله (ص) دقائقی پس از ترجمه سخنان نماینده ارجمند حضرت امام مدظله العالی و اعلام خبر مسرت انگیز سقوط هلیکوپتر آمریکایی در خلیج فارس و بانک تکبیر وهلهله شادی و توصیه مکرر برادر مرتضائی فرمینی بر ادامه راهپیمائی تا مسجد الحرام و شرکت در نماز جماعت که اولین مجروح را مشاهده نمودم، با سری شکسته و چهره ای خون آلود درحالیکه تکبیر گویان و دوان دوان میآمد، او را به محل استقرار برادران امدادگر هدایت کردیم ضمن اینکه از وی سؤال شد چه شده و کجا مضروب گردیده وی در پاسخ از پارکینگ و پرتاب سنگ از بام بر سرش میگفت.

مجروحین دیگر نیز چنین گفتند مجروحین که بعضاً بلحاظ کثرت و شدت جراحات بر روی دست و دوش آورده میشدند. با مشاهده این وضع غیر منتظره و تاسف بار ناگزیر از بازگشت شدیم که اوضاع رو به تشنج گذاشت و مردم سراسیمه و وحشت زده آهنگ مراجعت نمودند، از دور و در فاصله تقریباً ۳۰۰ متری بوسیله ماشین آب پاش راه بسته شده بود و با شیلنگ و با فشار + زیاد از همان ماشین بطرف حجاج آب پاشیده میشد و مردم را به عقب میراند، و در این حال به تیراندازی اول بصورت تک تیر سپس رگبار شروع شده و پلیس با خشونت وارد عمل شد و با باطوم حجاج را مورد ضرب قرار میدادند.

جمعیت در محاصره در آمد و دو طرف خیابان بسته شد و هر چه از آغاز حمله میگذشت پلیس مسلط تر عمل میکرد و حجاج بیشتر در تنگنا قرار میگرفتند تا جائیکه قسمت چپ خیابان منتهی به حرم بکلی تخلیه شد و حجاج به قسمت راست خیابان رانده شدند از نظر موقعیت به مقابل ساختمان اردنی ها قرار گرفتیم، آنچه در این بین در اعمال خشونت و ایراد ضرب پلیس را با بیشتر می کرد. محدودیت حوزه عمل وعدم راه فرار، کثرت غافلگیری و نتیجتاً وحشت حاکم و بر حجاج بود و از سوی دیگر حضور مشتاقانه مردان و زنان مسن، بیماران و عزیزان جانباز به

وجود منابع آب و یخدانها و مجروحین اورژانسی چنان وضعی را پدید آورده بود که اگر تا ساعتی دیگر ادامه می یافت و در آن وضعیت دو ساختمان اردنیها و فلسطینیها ( که در مجاورت همدیگر بود و مورد استفاده حجاج قرار گرفت و پناهگاه مناسبی شد و در نهایت اگر عنایات و الطاف پروردگار نمیبود و شامل حجاج نمیشد فاجعه بمراتب عظیم تر و دردناکتر میشد.

در این گیرودار و فشرده گی خانمی خود را به من رساند و محکم آستینم را بدست گرفت و در حالیکه ناآرام بود و گریه میکرد و با لهجه آذری سخن میگفت خود را مادر شهید معرفی کرده گفت آقا چرا اینها شرم از خدا نمیکنند! از جان ما چه میخواهند؟ مگر ما چه کرده ایم؟ آخر ما مهمان خدائیم زائر پیغمبریم! و هم چنان گریه میکرد و ملتسانه ادامه داد آقاسید ترا بجدت مرا رها نکن ترا بخدا مرا تنها نگذار من دست از دامنتم نمیکشم میخواهم اگر کشته شدم در کنار شما باشم افتخار میکنم کشته شوم بدست این خدانشناسها. سعی کردم او را آرام کنم و دلداریش دهم که یک مرتبه فشار جمعیت ناشی از حمله مجدد پلیس، او را به سمت دیگری برد و کوشش در نگهداشتن او بی ثمر ماند. نمیدانم بر او چه گذشت چون دیگر او را ندیدم امیدوارم جز خیر بر او نگذشته باشد.

در آن میان جز بنده و یک روحانی محترم سالمند. روحانی دیگری در آنجا نبود که این به روحانی بزرگوار بلحاظ کبرسن در زحمت بود و توانائی لازم را در تحمل فشار نداشت و توانست خود را روی منبع آب وسط خیابان که ما هم در کنارش ایستاده بودیم برساند و چند لحظه از نشستن ایشان بروی منبع نگذشته بود که بخاطر فشار زیاد آقاو منبع، بر زمین افتادند و با کمک حجاج جان سلامت برد در این لحظه یک برادر توصیه کرد همه بزمین بنشینیم ولی هرگز میسر نشد.

و در این هنگام بود که بر سر و گردنم احساس سوزش شدیدی کردم و بسرفه افتادم و تنفس برایم مشکل شد و حجاج در کنار و اطراف من هم به چنین حالتی دچار شدند و یک فشار دیگر باعث شد تعادلم را از دست دادم و نقش بر زمین شدم، این فشار هم ناشی از حمله همراه با ضرب و خشونت پلیس بود در یک لحظه چنان وضعی پیدا کردم که دیگر بین خود و مرگ فاصله نمیدیدم که اینجا هم کمک برادران در نجاتم از آن ورطه مؤثر افتاد.

با کاسته شدن از فشار و باز شدن راه به طرف ساختمان اردنیها رفتیم، در طبقه هم کف سمت انتهای راهرو که نسبتاً عریض بود و به پاساژ بی شباهت نبود و کمی حالت متروکه داشت

چون گرد و خاک سیاه و غلیظی کف راهرو را پوشانده بود مردوزن در گوشه و کنار بیحال و نالان و وحشترده ایستاده و نشسته و افتاده بودند، چند دقیقه ای از ورود مانگذاشته بود که ماموران امنیتی سعودی از پشت ساختمان با چوب حمله ور شدند و ما را که در آن حال بودیم تهدید کردند و وادار به خروج نمودند از طرفی مقابل در اصلی پلیس مستقر و کانون بحران بود و حجه الاسلام آقای کثیری نیز در کناری نشسته بود و آثار گاز گرفتگی در ایشان مشهود بود و آیه الله جوادی آملی را هم چند نفر همراهی کرده و به همان جا آوردند، گویا پلیس تصمیم به ورود به ساختمان داشت که هر کس سعی میکرد در آن فضای تاریک جایی پیدا کند و پناه گیرد حتی پشت یکدیگر پناه میگرفتند و بعد از چند دقیقه دیگر و دریافت وضع وخیم حجاج و با آن همه آشفتگی و پریشانی خدا لطفی کرد که از تصمیمشان منصرف شدند حجاج را در آن حالت به استثنائی بخود واگذاشتند.

صدای ضجه وناله لحظه ای قطع نمیشد و بیماران قلبی وضع بدتری داشتند حدودیک ساعت بدینگونه گذشت و آنها که نزدیک در ورودی ساختمان بودند خبر از آرامش نسبی میدادند و عقب نشینی پلیس و قطع حمله، کم کم از شدت بحران کاسته شد، خود را نزدیک درمانگاه اردنیا دیدم تنها چراغ درمانگاه روشن بود و نور از پنجره به بیرون میتابید در محوطه جلوی درمانگاه صحنه ای تکان دهنده و دردناکی نظرم را جلب کرد چشمم به یک حاجیه شهیده بخون طپیده افتاد، لباس مهمانی در برداشت، همان لباس سفید مهمانان لیبک گوو مقنعه سفیدی سر و رویش را کاملاً پوشانده بود که تنها گردی رخسارش با چشمانی که به نقطه ای خیره مانده نمایان بود، گویا ضربه شدید سنگ یا باطوم به قتلش منجر گردیده چون خون فراوانی از سر تا قدم و به بلندای قامتش نقشی از غربت و مظلومیت و دلدادگی در کنار سمت راست پیکر مطهره اش ترسیم کرده بود .

چنان حالتی را از آن شهیده بخون غلطیده مشاهده کردم که گوئی ایستاده چشم به جانب و آسمان دارد و دست بدعا برداشته و بر لب زمزمه دارد الهی مسکینک ببابک و عیدک بفنائک ...

حکایتی عجیب بود، صحنه چنان پر شور و درد که درد و رنج خود را از یاد بردم و با چشمی و گریان صحنه را ترک کردم و از ساختمان بیرون آمدم چون آنطور خاطریم هست آن ساختمان گویا دری نداشت نگاهم بخیابان افتاد، صف طویلی از پلیس را دیدم با سپر و باطوم بردست و ماسک بر صورت خیابان هم تاریک بود یا تاریک کرده بودند همان تاریک دلان که هنوز هم تشنه خون بودند، عده ای از حجاج مقابل قبرستان ابوطالب نشسته و پلیس در حالیکه ایستاده بود و

دورادور آنها را گرفته و تحت نظر داشت و تک تک حجاج با تهدید و اشاره پلیس بطرف معاهده به میرفتند.

در این وقت چشمم به کف خیابان افتاد آسفالت دیده نمیشد آنچه دیدم چادر بود عبا، و عمامه، شال، کفش، دمپائی، تسبیح، قمقمه، ساعت، عینک، بلندگوی دستی، کتری، هم یخدان، پلاکارد، صندلیهای چرخ دار در هم شکسته و چیزهای دیگر نیز بود و آن چیزها آثار جنایت سعودیان وهابی در کنار حرم امن خدا بود، اجساد رویهم انباشته بود همه زن بودند با این و همه جنایت چه میگویند و چه میخواهند اجساد، قربانیان منی را تداعی میکرد و قربانی حجاج برای تقرب جستن به پروردگار و اینجا حجاج قربانی شده برای قرب شیطان، در مسیر مجروحین بر دوش و دست حجاج و برادران امدادگر حمل میشدند چرا که وسیله حمل مجروحین را هم متوقف کرده و اجازه ورود به معرکه را نمیدادند.

صحنه های دیگر را نیز شاهد بودم که بلحاظ اطاله کلام از نوشتن صرف نظر میکنم.

د ودر اینجا سخن بلند و تمام امام امت را بخاطر می آورم که این جنایت تمام عیار را لکه ننگی بر دامان آل سعود و وهابیان تیره بخت سی روزگار دانستند که به آب کوثر و زمزم شسته نمیشود و واین ننگ تا ابد بر دامان یزیدیان آل سعود ماندنیست و خائنین حرمین که حرمت خانه را و شکستند و چنان که این فاجعه در نظر صائب معظم له تحمل ناپذیر آمد.

دفتر جمعه خونین را حکام آل سعود بستند در حالیکه دفتر دیگری را گشودند که این دفتر نیز ما برآستی سیاه و چرکین است، دفتر بسیج تبلیغاتی با بهره گیری از وسایل ارتباط جمعی داخلی و و خارجی بصورت گسترده، پیوسته، هم زمان، هم آهنگ و پر صدا بر علیه حجاج ایرانی و به ایراد اتهامات و نسبت های کذب و ناروا و مقصر جلوه دادن ایرانیان در فاجعه خونبار مکه، اعمال تضییقات و محدودیت، فشار و وارد آوردن آزار و اذیت فراوان و ایجاد جو رعب و از وحشت و اهانت و تحقیر که با ذکر نمونه ای شما را بخدای بزرگ میسپارم:

ما مدینه بعد بودیم در یکی از روزهای اقامتمان بحرم مشرف شدیم، خانمی را که با متانت و به خلوص به زیارت مشغول بود بی جهت مورد اهانت پلیس نامحرم حرم قرار گرفت و سیلی بصورت خانم زد چنان بشدت که اثر انگشت کثیف او بر چهره آن خانم کاملاً مشهود بود و با او تهدید آن خانم را امر به سکوت کرد جواب آن خانم چه بود چهره افروخته چشمی گریان و شکوه برسول الله (ص) و بلحاظ گشودن دفتر دوم کسی را جرأت حمایت و دفاع نبود چرا که به قضیه شکل حادی بخود میگرفت و به گرفتاری های بیشتر می انجامید





محاصره برای قتل عام زائران تظاهرات امسال همانند سالهای گذشته آغاز شد و پیش بینی می شد که مانند سالهای گذشته نیز پایان پذیرد، ولی پیش بینی نمی شد که پلیس سعودی به صورت وحشیانه و با هدف قتل عام به راهپیمایان هجوم برد.

حتی مسئولین انتظامات راهپیمائی نیز به شدت توجیه شده بودند که به هیچ عنوان حق برخورد با پلیس را ندارند. و به آنها توصیه شده بود که مدارا هم بکنند اگر چه ممکن است پلیس هم از خود خشونت نشان دهد ولی آنها توجیه شده بودند که جواب این خشونتها، خشونت نیست. چون ارزیابی که از این خشونتها می شد این بود که حداکثر همانند سال های به گذشته چند دست و پا با سرشکسته داشته باشد ولی در عمل خلاف سالهای قبل اتفاق افتاد و تمام زوار و مسئولین با یک عمل انجام شده مواجه گشتند که به هیچ عنوان از قبل پیش بینی نشده بود. لازم است به این نکته در همین جا اشاره کنم که دولت سعودی هرساله اخطارهایی می کرد که تظاهرات حرام است و نباید کسی این کار را انجام دهد و ما از تظاهرات جلوگیری می کنیم، اما راهپیمائی برائت از مشرکین هرساله بانظم و آرامش خاص خود انجام می گردید. امسال هم راهپیمائی برائت از مشرکین شروع شد و با هوای خوبی که مکه در آن به روز داشت، فضای بسیار شورانگیزی بر تظاهرات حاکم بود، بطوری که روی تپه های اطراف اهالی مکه و دیگر زائران ایستاده بودند و تماشا میکردند و تاثیر عجیبی روی آنها گذاشته بود.

مساله دیگری که عظمت راهپیمائی را افزایش داده بود این بود که پرچم های آمریکا در چند به نقطه با قهر انقلابی و شکوه خاصی که تظاهرات داشت، به آتش کشیده شد خلاصه همه فکر می کردند که راهپیمایی مانند سالهای قبل و شاید با یک مقدار اعمال خشونت از سوی پلیس ام سعودی انجام شود و جمعیت در نهایت متفرق شده و به نماز خواهند پیوست اما راهپیمایان ناگهان با برنامه ای مواجه شدند که به هیچ عنوان فکرش را نمی کردند و به تعبیر حضرت امام به حجاج ایرانی و غیر ایرانی را غافلگیر کردند. یعنی در ابتدا آنها ظواهر برخورد را به هیچ وجه از و خودشان بروز ندادند.

هنوز اولین صفوف راهپیمائی به محل خاتمه راهپیمائی نرسیده بود که ناگهان صفوف متشکل پلیس که کاملاً تهاجمی داشت به زوار حمله کردند. منظور از حالت تهاجمی این است که در سالهای قبل اینها فقط تجهیزات دفاعی با خود داشتند در حالی که امسال عمدتاً

به تجهیزات تهاجمی مسلح بودند و نیروهای امنیتی و گارد را در اتومبیل های مخصوص سازماندهی کرده و به انواع سلاحهای سرد و گرم مسلح کرده بودند. در اطراف مکان هایی که امکان جایگزینی نیروها بود، نیروهای پلیس سعودی مستقر شده بودند و با سنگ، چوب، خاک - و انواع وسایل بخصوص اسلحه های سرد و گرم و حتی با ساطورهای قصابی به مردم هجوم بردند و خیلی ها را مجروح کردند.

من خودم یک چوپان بوشهری را در بیمارستان سعودی دیدم که از ناحیه سر و دست با ساطور شدیداً مجروح شده بود، خلاصه اینکه اینها امسال اساساً قصد نداشتند که تظاهرات را بشکنند یا متفرق کنند، بلکه عمدتاً می خواستند قتل عام راه بیندازند چون اگر هدف شکستن تظاهرات بود راه گریزی برای تظاهر کنندگان باز میگذاشتند. تجربه سالهای گذشته پلیس سعودی هم همین بود، ولی امسال یک محاصره کامل و صد در صد بود. در قسمت جلو و عقب با و پلیس مستقر بود و تیراندازی می کرد در ساختمان های اطراف و مشرف بر راهپیمائی نیز نیروهای گارد و امنیتی مستقر بودند.

در تمام معابری هم که امکان فرار از آنها وجود داشت با حضور پلیس سد شده بود و به هیچ : عنوان امکان خروج از منطقه نبود. البته همه اینها را ما بعد از درگیری پلیس متوجه شدیم.

و پلیس سعودی با این فضا هجوم خود را شروع کرد. صحنه و فضایی که بعد از شروع هجوم با پلیس سعودی بوجود آمد دقیقاً فضایی بود که در جریان روز ۱۷ شهریور تهران در میدان شهدا رخ داد. منتهی بامظلومیت بسیار زیاد. در ۱۷ شهریور مردم آمده بودند تا بجنگند و و می دانستند که درگیری می شود و در وطن خودشان بودند. درهای همه خانه ها بر روی مردم باز بود. اما این جا برعکس بود و مضاف بر اینکه در مکه خیلی از حجاج بسیار مسن بودند و این ها قبل از اینکه صف راهپیمایان به محل خاتمه راهپیمائی که مقابل مسجد جن بود برسد یک مرتبه هجوم را همزمان از روبرو، چپ و بالا شروع کردند و نیروهای انتظامی ما دائم مردم را می دعوت به آرامش می کردند تا کوچکترین بهانه ای بدست پلیس ندهند. با این تصور که اینها و حداکثر چند سر و دست و پا خواهند شکست و بالاخره راه باز می شود تا جمعیت متفرق شود. و ولی به هیچ عنوان اینگونه نشد و با تیراندازی، ضربات چاقو و سنگ ، صف نیروهای انتظامی با راهپیمائی را شکستند و در همان لحظات اول فشار و تیراندازی شدیدی که به سمت زنها انجام شد بسیاری از زنان زیر دست و پا له شدند. بعد از حدود ۱۵ دقیقه از شروع هجوم فشار آنقدر زیاد بود که یک سری از زائران بانگ تکبیرهای تهاجمی را بلند کردند و در اثر آن پلیس سعودی .



حدود ۱۰۰ متر عقب نشست و این صد متری که اینها عقب نشستند موجب شد که فضای پشت خانمها یک مقدار باز شود و عده زیادی از زائران توانستند خود را نجات بدهند. البته مدت زیادی طول نکشید (حدود ۲ دقیقه) که پلیس مجدداً هجوم خود را از سر گرفت و صحنه آنقدر مظلومانه بود که روی زوار ایرانی و خارجی اثر گذاشت.

حمله پلیس و تهاجم ماموران امنیتی حدود دو ساعت ادامه داشت و غیر از اسلحه از گازهای اشک آور نیز استفاده کردند و مردم برای اینکه اثر این گازهای اشک آور کم شود یک مقدار کاغذ و آتش زدند. چون من زخمی شده بودم و متوجه نشدم ولی آنطور که دوستان بعداً گفتند، حتی از و گازهای سمی و خفه کننده نیز استفاده کردند.

چون پلیس شدیداً مراقب بود برخی از زائران را به ساختمان محل استقرار زائران فلسطینی بردند که فلسطینی ها هم الحق آنجا کمک می کردند درهای خانه هاشان را باز گذاشته بودند و از هر نظر به زخمی ها و مجروحین و خستگان کمک رسانی کردند. من در اینجا از حجاج فلسطینی و ترک و حجاج دیگری که در ساختمان هایشان به تظاهر کنندگان کمک کردند تشکر می کنم.

حتی یکی از فلسطینی ها می گفت قسم میخورم کاری که پلیس سعودی باشما کرد، اسرائیل با فلسطینی ها انجام نداده است. و چهار نقطه بدن من مورد اصابت گلوله قرار گرفته بود که عمدتاً در ناحیه بالای ران و بالای و لگن قرار دارد و تیرها، تیرهای ۹ میلی متری بود که به احتمال زیاد به وسیله کلت تیراندازی شده بود این تیرها دو زمانه بود و در درون پا منفجر می شد. زمانی که من تیر خوردم بلافاصله درون پایم احساس انفجار کردم بعد فهمیدم که گلوله دو زمانه بوده است یکساعتی در آنجا بودیم و بعد بخاطر اینکه خونریزی زیاد نشود ما را آوردند بیرون. هنوز فضای درگیری بر خیابان حاکم بود شب شده بود و برای آنکه آمبولانس مرا ببرد، ما را کنار مجروحین و اجساد شهدا گذاشتند منتهی پلیس سعودی به هیچ وجه اجازه نمی داد آمبولانسهای ایران نزدیک شوند و به محض حضور آمبولانسهای ایران به آنها حمله می کردند. این بود که مجروحین و شهدا را بوسیله آمبولانسهای سعودی به بیمارستان خودشان منتقل کردند و بدین ترتیب من به بیمارستان ملک عبدالعزیز منتقل شدم و حدود ۴ روز در بیمارستان بودم. از آخر روز ششم ذی الحجه تا و تقریباً آخر روز نهم در این مدت فقط یکبار هلال احمر توانسته بود به بیمارستان وارد شود و آمار بگیرد و بعد از آن مانع آنها شده اند. محیط بیمارستان بشدت پلیسی بود. و هر از گاهی

بازجویی انجام میشد و از مجروحین سؤال و جوابهای بعمل می آمد. مجروحین بستری شده در آن بیمارستان عمدتاً تیر خورده بودند و مساله قابل توجه این بود که بک تعارضی برای کادر درمانی آنجا که عمدتاً از ملیت های دیگر بودند پیش آمده بود. چون پلیس رژیم سعودی به شدت تبلیغ میکردند که اینها آمدند که قبله را به قم ببرند و میگفتند که ما به هیچ وجه تیراندازی نکردیم. غیر از تبلیغات وقیحانه و زشت و غیر انسانی که اینها میکردند تاکید من روی تیر به خورده هاست. اینها میگفتند که تیراندازی نشده است. از طرف دیگر تعداد زیادی از کادر درمانی آنجا که مصری، سودانی و حتی سعودی هم بودند می دیدند که بیماران و کسانی که بعنوان مجروح به آنجا آورده بودند با گلوله مجروح شده اند. حتی کسانی بودند که بر اثر اصابت گلوله دستشان را قطع کرده بودند.

کسانی نیز بودند که نخاع آنها قطع شده بود و نیز کسانی بودند که در اثر اصابت گلوله به استخوانهایشان کاملاً شکسته شده بود. و این تعارض، سئوالات و ابهامات زیادی برای کادر درمانی آن بیمارستان ایجاد کرده بود که این خود موجب نزدیکی بین کادر درمانی و مجروحین شده بود. زمانی که پلیس سعودی محیط را بشدت پلیسی کرده و مجروحین را ممنوع الخروج، و ممنوع الملاقات نموده بود و با سرنیزه و مسلسل جلوی اتاق ها مستقر شده بود و هر چند دقیقه یکبار اتاق ها را چک و بازرسی میکرد، کادر درمانی آنجا یک احساس غریبی و بیگانگی با نیروهای امنیتی و پلیس داشتند.

بچه ها نیز آنجا دست از بحث با اینها بر نمی داشتند و سئوالشان این بود که آیا جواب شعار مرگ بر آمریکا گلوله است؟ و چرا دولت شما که این همه روی حرام و حلال تاکید میکند آشکارا دروغ میگوید؟ شما گلوله را در پای ما می بینید آنوقت دولت شما میگوید که تیراندازی نکرده است. استدلال ما این است و استدلال دولت شما آن، کاملاً معلوم بود که کادرهای درمانی نیز تحت تاثیر قرار گرفته بودند.

فرار مجروحین از دست مزدوران رژیم سعودی بعد قرار شد که عده ای از مجروحین پس از انتقال به عرفات و مشعر و منی به ایران منتقل شوند. البته با فضایی که ساخته بودند در دو روز اول حدس ما این بود که آنها میخواهند بچه ها هم را به زندان منتقل کنند. و بچه ها خودشان را آماده بازجویی در درون زندان میکردند. برداشت ما این بود که انتقال مابه عرفات بیشتر برای بازی دادن هلال احمر ایران است. این بود که به هنگامی که ما را به عرفات آوردند (ساعت ۹/۳۰ شب) و از موقعش هم گذشته بود هرچه ما

اصرار کردیم که در آنجا توقیفی داشته باشیم قبول نکردند. در دو سه لحظه ای که آنها برای بازرسی اتومبیل ایستادند. ما در همانجا نیت وقوف کردیم. ما ۳۲ نفر در آن بیمارستان بودیم که با مجموعه ای از ماشین ها و اسکورت پلیس به آنجا منتقل شدیم و وقتی به مشعر رسیدیم، بواسطه شلوغی و ترافیک شدید آرایش نیروهای پلیس و کادر درمانی بهم خورد و بعضی از برادرها توانستند با ایرانی ها تماس بگیرند و خوشبختانه بعضی از اعضای یکی، دو کاروان ایرانی تا قضیه را فهمیدند آمدند و توانستند ۱۲ نفر از برادران را قبل از رسیدن پلیس روی دوش گرفته و در کاروانهای مختلف مخفی کنند. چون بهر حال بیم آن میرفت که آنها بخواهند اذیت هر کنند. همه اینها مجبور شدند برای اعمالشان نایب بگیرند. بعد پلیس سعودی حدود ۱۲ نفر را گروگان گرفت و گفت باید این ۱۲ نفر تحویل پلیس سعودی شوند. ۱۲ نفر را گروگان گرفته بودند که در ازای اینها باید تحویل داده شوند. بهر حال بین هلال احمر وبعثه و ستاد حج و پلیس وهلال احمر آنجا مذاکراتی در جریان بود.

و فضای منی و مکه بعد از این حادثه بشدت حزن انگیز بود نفربرهای آنها بشدت در خیابانها رفت و آمد داشتند. ماشینهای گشت پلیس زیاد شده بود و نیروهای زرهی را در خیابانها مستقر کرده بودند.

پلیس برخوردهای کور بازوآر میکرد و حتی در حرم و در پشت مقام ابراهیم بعضی از برادران او را دستگیر کردند. و در حوالی حرم به زندان منی بردند. نکته ای که اینجا لازم است توضیح بدهم موضوع پیام امام بعد از حادثه است که تاثیر بسیار عظیمی روی حجاج ایرانی و غیر ایرانی داشت.

و با وجودیکه حجاج غمگین و ناراحت بودند پیام امام کوه سنگینی را از دوش همه حجاج برداشت حجاج احساس سبکی خاصی میکردند و بدون اغراق باید گفت که آن پیام نفس مسیحایی بود. پیام امام در آن روز همانند پیامشان در ۱۷ شهریور ۵۷ بود.

پیام امام یک پیام حیاتبخش و جهت بخش به جلو بود. نه اینکه حالا در مقابل این کشتار باید محزون باشیم. نه ما باید جهت اصلی را که مقابله با آمریکاست حفظ کنیم. اینها به عنوان نوکران آمریکا اینکار را انجام دادند. ما نباید جهت مبارزاتی خودمان را در مساله برائت از مشرکین به هیچ وجه از دست بدهیم .

شمس - مجروح حادثه کیهان روز دوشنبه ۲ شهریور ۱۳۶۶ کیهان روز سه شنبه ۳ شهریور ۱۳۶۶

محاصره در بین مأمورین جمعه ۹ مرداد مطابق با ۶ ذیحجه ۱۴۰۷ ساعت ۱۶/۳۰ دقیقه بعد از ظهر به اتفاق جمعی از دوستان و هم کاروانیا بسمت میدان معاينه محل راهپیمائی - حرکت نمودیم، در بین راه ی از هر سوی خیابان جمعیت پلاکارد بدست آرام و متین با فریادهای «الله اکبر، ولا اله الا الله»، الموت لامریکا و الموت لاسرائیل، و الموت الروسیه» در حال حرکت بودند.

در این روز ما بنا به دستور حضرت امام و تکلیف شرعی وبا در پیش گرفتن خط تولی، نسبت به مؤمنین و تبری از کفار و منافقین در این راهپیمائی شرکت نمودیم، راهپیمائی برائت پس از سخنرانی نماینده محترم حضرت امام و سرپرست حجاج ایرانی در ساعت ۱۸/۳۰ دقیقه بعد از ظهر بطرف مسجدالحرام این حرم امن الهی آغاز گردید، شعارها بطور هماهنگ از طریق بلندگو پخش میشد و راهپیمایان بطور منظم در حال حرکت بودند، در این روز راهپیمایان و مؤمن شدیداً به نظم و آرامش پایبند بودند، ولی رژیم آل سعود بدستور آمریکا خود را آماده درگیری کرده بود و تمامی مغازه داران را مجبور به بستن مغازه هایشان در مسیر راهپیمائی فر کرده و به آنها دستور داده بود تا فوراً منطقه را ترک کنند تا شاهدی بر این جنایت نماند، غافل از به اینکه دهها هزار حاجی غیر ایرانی در راهپیمائی شرکت داشته و این جنایت هولناک را مشاهده مینمودند.

به هر حال با توجه به ضیق وقت و ازدحام شدید جمعیت جهت ادای نماز مغرب، از و دوستانم جداشده و خارج از صفوف راهپیمایان بطرف مسجد الحرام حرکت نمودم. به نزدیک پل دوم که حجون نام دارد بناگاه مشاهده کردم عده ای از برادران شرکت کننده در راهپیمائی در در حالی که خون از سر و روی آنها جاری بود بسمت عقب بر میگشتند و بعضاً استمداد کمک داشتند، ابتدا تصور کردم درگیری کوچکی بین مزدوران آل سعود و برادران ایرانی بوجود آمده، لذا به راه خود ادامه داده و کمی جلوتر مشاهده نمودم از پارکینگ چند طبقه و ساختمان مجاور آن که در ضلع جنوبی خیابان قرار داشت بطرف حجاج بیت الله الحرام بطور وحشیانه ای سنگ پرتاب میشود و به دلیل حجم زیاد جمعیت اکثر سنگها به سر و صورت و راهپیمایان اصابت می نمود. تقریباً بعد از این قضیه بود که مزدوران آل سعود بطرف حجاج و آتش گشودند، بطوریکه حجاج بطرف مخالف مسجدالحرام عقب نشینی کردند ولی کار به اینجا، ختم نمی شد چرا که مزدوران رژیم از پشت سر نیز ما را قیچی نمودند لازم به توضیح است که و

رژیم آل سعود با استقرار دسته های مختلف مزدوران امنیتی در ساختمان ها و خیابانهای اطراف و همچنین استقرار پلیس در ارتفاعات و با تهیه سنگ و آهن پاره و سلاحهای گرم از قبل خود را آماده درگیری کرده بود، از طرفی جمعیت برای پرهیز از هرگونه درگیری بر روی زمین نشستند ولی ارتش سعودی با همکاری سازمان امنیت تظاهرات را از همه طرف به محاصره در آورده و اقدام به تیراندازی و شلیک گازهای خفه کن بسوی جمعیت نمود .

آه... در اینجا ما شاهد یک قتل عام واقعی و وقوع یک فاجعه هولناک بودیم و از طرفی بخاطر تراکم بیش از حد و صف ناشدنی جمعیت و با پرتاب گاز خفه کن از سوی مزدوران بین جمعیت احساس خفگی می نمودم در این بین بسیاری از حجاج مظلوم و بی دفاع رویهم ریخته و دست و پا می زدند و بعضاً در حال جان دادن بودند و هیچ راهی هم برای نجات آنها نبود، صحنه بسیار عجیبی بود شاید چندین نفر در اثر خفگی و افتادن زیر دست و پابه لقاء الله پیوستند، گذشته از همه این حقایق، واقعیت را میتوان از تحركات بیش از حد تبلیغات کفر جهانی و خود آل سعود بدست آورد. زیرا رژیم آل سعود چه در تفسیر علل واقعه و چه در ارائه آمار و ارقام در پنج روز اول پس از حادثه هر روز تغییراتی بوجود میآورد و چگونگی حادثه را به شکل دیگری بیان میکرد و ما که شاهدان عینی این کشتار دسته جمعی حجاج و زائرین بیت الله الحرام بودیم در شگفتیم که چگونه ابزارهای تبلیغاتی جهان اینقدر پست و رذل هستند که براحتی حقایق آشکار و روشن را وارونه جلوه میدهند مع الوصف بر هیچکس پوشیده نیست که امروز خاندان سعودیها بزرگترین خاکریز و بزرگترین پایگاه استکباری غربی در منطقه است و همگان نیک میدانند که تمامی مزدوران منطقه بطور مستقیم و غیر مستقیم از سوی عربستان تغذیه مالی میشوند و پشتیبانی آل سعود از رژیم بعثی صهیونیستی صدام کافر بهترین گواه این مطلب است و ما تکلیف داریم که در برابر این جنایت آشکار آل سعود ساکت نشینیم. این جنایت که در تاریخ اسلام نمونه نداشته بطوریکه تاکنون جنایتهای وسیعی در حرم امن الهی در طول تاریخ انجام گرفته است ولی این جنایت با در نظر گرفتن حجم و زمان آن و در برابر انظار نمایندگان تمامی ملل مسلمان جهان بسیار هولناک و عظیم میباشد و در تاریخ حکومت جباران و به ستمگران بر این سرزمین سابقه ندارد) مسلمین را نسبت به عمق این فاجعه که حرمت - بیت الله الحرام را هتک کرده آگاه و قدمی جهت روشنگری افکار مسلمین داشته باشیم.

وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون عزت الله عبدالله خانی - تهران با روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۶۶ -

محبت های یک خانواده عرب به در پیشاپیش ما معلولین در حال حرکت بودند و پشت سر ما برادران قرار داشتند، ماموران سعودی در مقابل مسجد «جن» جلوی حرکت ما را گرفتند و با فشاری که میآوردند، از جلو و عقب راهپیمایان و با بستن کلیه راههای فرار ما را در منگنه قرار دادند، لحظه به لحظه فشار بر ما زیادتر می شد و هر لحظه تعدادی از خواهران بر زمین می افتادند و زیر دست و پا می ماندند و دیری نگذشت که وارثین یزید با چوب و چماق و تبر به ما هجوم آوردند آنها به هیچ کس رحم نمی کردند و به این هم بسنده نکردند و با ماشینهای آب پاش با آب جوش و گازهای اشک آور و وخفه کننده و سنگهای نوک تیز بر پیکر نحیف حجاج تاختند و آن چنان جنایتی کردند که سلاطین جور در طول تاریخ نکرده بودند.

ما واقعه کربلا را شنیده بودیم اما چندین برابر آن را در حریم امن الهی به چشم مشاهده کردیم، من بچشم میدیدم که این جانیان با تبر و چاقو مردم را تکه تکه میکردند و با رگبار مسلسل مردم را بر زمین می ریختند، من در آن زمان امید زنده ماندن را نداشتم و دائم بر زمین با تلاش زیاد بر میخاستیم.

اذان مغرب بود و هواداشت تاریک میشد، من با دوتن از خواهران بدون اینکه بدانیم به کجا میرویم، هراسان و سرگردان در خیابانها به راه افتادیم، مجلد، نیروهای پلیس سعودی شروع به تیراندازی کردند به هر طریق بود خودمان را به آن طرف خیابان رساندیم و به یک ساختمان پناه .

بردیم که یک مرتبه درب منزلی باز شد و ما را دعوت به داخل کردند، ما بدون اینکه عواقب کار را بدانیم وارد منزل شدیم، چند زن عرب به پیشواز ما آمدند و ما را دلداری دادند، آنها گفتند نترسید! شما مهمان و حبیب خدا هستید! آنها بخوبی از ما پذیرایی کردند و مختصر جراحاتی که داشتیم پانسمان کردند و خیلی اصرار داشتند که تا صبح پیش آنان بمانیم . شب را در آن .

منزل به صبح رساندیم. صبح ما را سوار بر اتومبیل شخصی خود کردند و به کاروانهای ایرانی رساندند. وقتی داخل کاروان خودمان شدیم خلیها از دیدن ما خوشحال شدند و ما داستان آن در خانواده را برای خواهران کاروان تعریف کردیم، تازگی نداشت، چون اظهار میداشتند که بر خیلی از زنان ما توسط بندگان مؤمن و مخلص خدا این چنین مداوا شده و به کاروانها رسانده شده بودند. رژیم آل سعود بداند که مردم مسلمان عربستان دشمن آنها هستند و دیر یا زود به همان بلانی را بر سر آل سعود خواهند آورد که ما بر سر شاه مدفون آوردیم.

به یک خواهر بوشهری روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۷ شهریور ۱۳۶۶

مردم حجاز بیدارند از کاروان که حرکت کردیم، زنان با ماشین جداگانه و ما مردان با ماشین دیگری به سوی مقر و مراسم (پیرامون بعثه امام، خیابان معاویه...) حرکت کردیم و قبل از رسیدن به آنجا پیاده شدیم و با شعارهایی از قبیل مرگ بر آمریکا، شوروی و اسرائیل، و اتحاد مسلمین آزادی قدس \* شریف و... سرداده و به سوی بعثه حرکت کردیم که از بلندگو صدای قرآن بلند شد، همه و سکوت کردیم تا به محل استقرار رسیدیم و توقف کردیم، تقریباً در خیابان روبروی بعثه بودیم و مراسم با پخش پیام امام به زبان عربی شروع شد، پس از آن جناب آقای کروی سخنانی هم کردند، بعد سخنانی آقای کروی به زبان عربی پخش شد در تمام این مدت مراسم بسیار خوب اجرا گردید اثرش هم محسوس بود از برادران لبنانی و فلسطینی و افغانی و دیگر کشورها و هم حضور داشتند.

ناگفته نماند که ساختمان بزرگی در قسمت جنوبی خیابان بود که از قبل نیمه سوخته بنظر میرسید از آن سو بطور مداوم بوسیله آئینه ای به جایگاه سخنانی که در بعثه بود نور می انداختند و مزاحمت ایجاد میکردند که بحمدالله چندان مؤثر نبود... پس از پایان سخنانی اعلام کردند که به طرف مسجد الحرام حرکت میکنیم و نماز مغرب را در آنجا با برادران اهل سنت برگزار میکنیم. با شعارهای قبلی به راهپیمائی ادامه دادیم (ضمناً پرچم آمریکا طبق معمول و به عنوان سمبل اعتراض و برائت از آمریکا و شیطان بزرگ، بت بزرگ زمان به آتش زده شد) کما اینکه در مدینه در راهپیمائی وحدت چنین کردیم و خبر سقوط هلیکوپتر آمریکا در ناو جنگی خلیج فارس هم خوانده شد.

در این موقعیت ما از بعثه گذشته و در محوطه میدان مانندی که به طرف پل ادامه داشت هم بودیم، تاکنون درگیری نبود، که دقایقی پس از اعلام خبر سقوط هلیکوپتر ناگهان دیدیم سرو دست شکسته و مجروحینی است که روی دستها آورده میشود که بوسیله مامورین سعودی از بالای ساختمانها و پلیس و گارد سعودی بوسیله سنگ، چوب، شیشه سلاحهای گوناگون زخمی شده اند، چند دقیقه ای طول نکشید که این حمله ها از همه جا (که از قبل طرحش ریخته شده بود) شروع شد، جمعیت عظیم راهپیمائی را به چند قسمت از هم جدا به میان گرفتند و به بن بست و محاصره قرار دادند و از هر طرف حمله میکردند، حتی راههای فرار (گر و چه موقعیت شهر و کوچه های آن و راههای فرار برای ما آشنا بود، ولی اگر به کوچه ای هم جمعیت هجوم میآورد آنرا بوسیله پلیس مسلح و مهاجم بسته میدید.

من در قسمت خواهران بودم . پلیس و مامورین مزدور سعودی با چوب ، میله ، باطوم و سنگ نو و مجموعه وسایل سقاییت و هر آنچه که بدست میآمد حمله میکرد و به قصد کشتن میزد، لذا جمعیت مثل برگ خزان روی هم می ریختند، خود من، در لحظه ای که زیر دست و پای جمعیت بودم لحظه مرگ را واقعا احساس کردم که ناگهان جمعیت موجی خورد و من از زیر دست بلند شدم، تازه افتادم جلو چوب مامورین سعودی که بی رحمانه و بی شرمانه می زدند.

نزدیکیهای مغرب بود که صدای رگبار و تک تیر سلاحهای مختلف را شنیدم واقعا جای تعجب است که رژیم خونخوار آل سعود ابتدا اعلام کرد تیراندازی نشده اما مکه یک شهر کوهستانی است و صدای رگبار و تک تیر گلوله که در کوه می پیچید هر گوش کری را متوجه خود میکرد، باید چنین باشد تا رسوا شوند، بقول امام سجاد(ع) : خدایا، تو را سپاس میگذاریم که دشمنان ما را از حمقاء (احمقها) قرار دادی . تصور میکردم که تیرها هوایی است که جمعیت متفرق بشود. (بعدا کشته ها و شهدا گواهی دادند که تیر مستقیم بوده و به قصد کشتن) ماشین آبجوش جمعیت را زیر باران آتش خود گرفته بود، گازهای اشک آور و گاز خفه کننده بی وقفه بر سر ضیوف الرحمن در بلد امن الهی می بارید.

پس از مدتی که چنین وضع وحشتناک و اسفناکی را تحمل کردیم ساختمان بزرگی بود (فکر میکنم کاروانهایی از لبنانیها و مصریها و یا فلسطینی دقیق نمیدانم چهره ها چنین قضاوتها را گواهی میدادند...) که تعدادی از جمعیت، به داخل آن ساختمان رفتیم و این درحالی بود که زخمیها و مجروحین را به داخل میآوردند، البته اگر میتوانستند (چون چنین توانایی و چنین فرصت و اجازه بی نبود). کمتر کسی بود که توانسته باشد که اشیاء شخصی ، کفش، کیف، قمقمه آب، چادر، دستمال ، چفیه، عینک و... خود را داشته باشد همه چیز حتی جان آدمها آنهم مهمانان خدا در کنار حرم امن خدا در حمله وحشیانه مامورین سعودی (البته بفرمان آمریکا شیطان بزرگ نمی توانست سالم بماند).

در این زمان که هنوز حمله ها و هجومهای وحشیان و فریاد مظلومیت زنان و مردان بی دفاع بگوش می رسید، برق ساختمان ما خاموش شد، (نمیدانم چرا شاید برای استتار) با لباس خونین و وضع اضطراب آمیز خاصی که در آنجا بود، نماز را با بعضی آقایان خواندیم، اثر گازهای اشک آور و خفه کننده حتی در داخل ساختمان هم محسوس بود که ظاهراً از طرف همان ساکنین ساختمان آب و پیاز برای خنثی کردن اثر گازها داده میشد .



حدود یک ساعت با یک ساعت و نیم در آنجا بودیم تا اندکی، سرو صدا کم شد، از ساختمان پائین آمدم، خیابان مملو از کفشها و دمپائیها و قمقمه های آب، و عینکها و چوب شکسته ها و باطومها و سنگ و آجر مخصوصاً چادر مشکیهای زنان بود، در بلوار وسط خیابان و هم جسدهای فراوانی بود که کنار هم چیده شده بود و بیشترشان خانمها بودند، ابتدا تصور کردم که مجروحند و منتظر آمبولانس، وقتی که بعضی را با دقت نگاه کردم (آخر همسر خودم هم نیز در میان همین جمعیت بود و از ایشان بی خبر بودم) دیدم همه قبل از عرفات و مشعر و منی خود قربانی شده اند. شهید شده اند، صحنه عجیبی بود، گاهی تلویزیون فیلمی از بمبارانهای جنگ جهانی را نشان میدهد که واقعاً دلخراش است، مانند چنان صحنه ای که بارانی از آتش آبخوش نیز بر آن بارانده باشند آنهم با ابعاد و تفاوتی بیشتر.

با لباسی خونین و پای برهنه از میان اینهمه صحنه رقت بار بسوی بعثه امام سرازیر شدم، جمعیت متوحش بود و مضطرب هر کس دنبال گم شده خود بود آمبولانس و ماشین که روی آن به بلندگو بود و فیلمبردار از حمله و هجوم مصون نمانده بود، همه را کوبیده بودند، حتی گروهی هم از زنان و مردان به کوه پناهنده شده بودند آنها را نیز در کوه به گاز اشک آور و گاز خفه کننده و گلوله بسته بودند همسر با گروهی از خانمها که در همین منطقه بوده اند میگویند پس از اینهمه حمله ها و هجومها و گاز اشک آور و خفه کننده و رگبار و تک تیر گلوله و ماشین آبخوش ما در حالت مرگ بودیم وعده ای هم به حال اغماء و مجروح شده بر زمین افتاده بودند که مردی ما را راهنمایی کرد و به داخل کوچه و محوطه ای برد و از کوچه ها و بی راهه مارا به بعثه رساند، خاطره جالب بین راهش این بود که وقتی از کوچه ها عبور می کردیم مردم با آب و نوشابه و خوردنی از ما استقبال می کردند، میگفت حتی بعضی جلوتر میآمدند پس از مقداری توجه به ما رو به بزرگترهای خودشان میکردند و میگفتند: آیا این ها که میگویند: لا اله الا الله، محمد رسول الله و... آیا جز ایشان این است؟ این تشخیص خیلی مسرت بخش بود.

البته دامنه فاجعه بسیار بسیار گسترده تر از آن است که من شاهد بودم و این کمی از بسیار بود که من به اختصار و بدون تحلیل و ریشه یابی و ارتباط آن با سایر قضایا و مسائل جنگ اشاره کردم.

عباس بدخشان روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۱۶ آبان ۱۳۶۶

## مسئله اصلی ادای وظیفه است

مسئله اصلی ادای وظیفه است بنا بر وظیفه شرعی بنده نیز مثل سایر حجاج در راهپیمایی شرکت کردم و راهپیمایی با قدرت و صلابت و در عین حال آرامش کامل در حال انجام بود که ناگهان پلیس سعودی به صفوف تظاهرکنندگان حمله ور شد و بسیاری از برادران و خواهران ما مجروح شدند و من یکی از مجروحین را بر پشت خود گذاردم و آن را به عقب بردم و داخل آمبولانس گذاشتم که متوجه با شدم آمبولانس در محاصره پلیس می باشد و اجازه حرکت به آمبولانس را نمی دادند. سپس به من متوجه شدم پلیس به جمع زیادی از خواهران (حدوداً دو سه هزار نفر) در یک نقطه جمعی شده بودند حمله ور شد که ما در این هنگام برای دفاع از خواهران بی دفاع خود به مقابله با پلیس و پرداختیم که در همین نقطه من از ناحیه سر و صورت و پا مجروح شدم که باید بگویم این مسئله ای نیست و مسئله اصلی ادای وظیفه است و خدا را شکر می کنیم که ما را موفق به ادای وظیفه مان (که همان امر امام مبنی بر براءت از مشرکین و کفار بود) نمود.

خدا همه عمر ما را فدای یک لحظه عمر امام نماید و انشاء الله امام سلامت باشند که اینها :

همه اش حل می شود .

عبدالله خدائی یکی از مجروحین روزنامه رسالت سه شنبه ۱۷ شهریور ۱۳۶۶

ص: ۳۶۴

ساعت چهار بعد از ظهر روز جمعه ۶۶/۵/۹ بود باتفاق دیگر زائرین حرم خدا می رفتیم تا از محل موعود، راهپیمائی برائت و انزجار درونی خویش را علیه کفر جهانی، بخصوص به آمریکا و اسرائیل این دو والد و ولد پلید جنایت پیشه به تصویر کشیده، شاید که گوش و ذهن خفته جهان اندکی بیدار گردد.

و من کمی تندتر حرکت کرده و تا مقابل جایگاه درست روبروی بعثه حضرت امام پیش رفتم.

پس از استماع سخنرانی حجت الاسلام کروی، در حالی که بایکدست حاملین ماکت قدس را یاری می نمودم و دست مشت کرده دیگرم بسان قطره ای از سیلی خروشان بهمراهی قلب و زبانم علیه کفر جهانی فریاد می کشید، به سوی مسجدالحرام این جایگاه عروج ملکوتی انسان به پیش می رفتیم. در جلوی حجون ناگهان متوجه شدیم که جنود شیطان بزرگ یعنی پلیس آل سعود خائن به حرم خدا و رسول و خائن به آنچه که نشان از اسلام دارد با سنگ و چوب و باطوم به زنان و مردان بیدفاع حمله ور شده اند. ابتدا زنان را به عقب راهنمایی نمودیم، نزدیک غروب بود و هر لحظه شدت پرتاب سنگ و شلیک گلوله از سوی مزدوران بیشتر می شد و یا به روی مردم آب جوش می ریختند.

در همین لحظات ناگهان متوجه برادری شدم که از ناحیه سر شدیداً مجروح شده بود او را بدوش گرفتم و به طرف عقب حرکت می کردم که متوجه شدم یکی از خواهران می گوید:

برادر چه کنیم؟ به کجا برویم؟ به او گفتم: صبر کن! احساس کن در جبهه شرکت داری! در جوابم گفتم: بخدا قسم از کشته شدن باکی ندارم. و این در حالی بود که خون گرم این زائر خدا که بر پشتم گرفته بودم از پشت گردن به زیر چانه ام جاری و به روی زمین می ریخت.

مزدوران آمریکائی با ضرب و شتم شدید حجاج هرلحظه حلقه محاصره را تنگتر می نمودند به وجهی که کسی قادر به کنترل خود نبود. در این هنگام ناگهان چشمها و صورتم شروع به سوزش کرد، با تنفس اول ورود گاز به داخل نای انگار شعله آتش تنفس کردم و یک لحظه شهادت خود را در پیش روی دیدم.

فریاد و غریو مردان و زنان به آسمان می رفت و هیچکس قادر به کمک به یکدیگر نبود. پس از مدتی شکستن محاصره پلیس خود را به داخل ساختمانهای اردنیه کشیدیم جنازه های شهدا هم در راهروها قرار داده شده بود عده ای از زنها در حال اغما و بیهوشی بودند، پس از اینکه مقداری کاغذ و چوب را در جلوی ساختمان آتش زدیم و کمی دید چشمهایمان بیشتر شد نزدیک

به هشتاد جنازه در مقابل ساختمان مشاهده کردم که اکثر این شهدای عزیز را مردان و زنان سالخورده یافتیم، افرادی به احتمال هنوز زنده بودند اما جنایتکاران سعودی از رسیدن آمبولانسها ممانعت می کردند و امکان نجات این عزیزان نبود. افرادی در میان شهدا می گشتند تا گمشده خویش پیدا کنند. راستی که تاریخ تکرار میشود. توگویی که عاشورائیم دگر بوده و زمین کربلا- و زینب و شهدا. مردی را دیدم که چادر از روی اولین جنازه که برداشت دید همسر خودش هست. دستهایش را به آسمان بلند کرده و بی اختیار و فریاد کنان گریست.

با عده ای از برادران حاضر مشورت کرده و حائلی از طناب به دور جنازهها ایجاد نمودیم تا مانع دخالت پلیس از دست یافتن به جنازه ها شویم. با آمدن یکدستگاه آمبولانس تعداد هشت جنازه را انتقال دادیم و مجدداً پلیس با حمله به ما، جنازه ها را بردند و بدینسان شاهد یکی از بزرگترین و بی سابقه ترین جنایت تاریخ بشر بودیم. به امید آن روز که صاحب کعبه خود از این جنایت پیشگان انتقام گیرد.

اما در مدینه بعد از فاجعه ای که در مکه از سوی خادم الحرمین انجام گرفت با دلی پر درد برای زیارت حرم حضرت رسول(ص) و چهاره امام معصوم علیهم صلوات الله به سوی مدینه منوره حرکت کردیم که مدخل شهر ضمن بازرسی سختی که از حجاج بعمل آمد اتوبوسهای حامل حجاج را از ساعت یازده صبح الی شش بعد از ظهر در آن آفتاب سوزان معطل نگه داشتند. روشن بود که رژیم آل سعود ضمن اینکه به مزدوران خود دستور داده بود که حجاج را اذیت و آزار نمایند علاوه اینکه تبلیغات مسموم آنها خود عامل بزرگی بود که حجاج ایرانی را آشوبگر معرفی نماید. تبلیغات به شکل گسترده ای روی افکار مردم مدینه اثر گذاشته بود در هر کجای شهر به زوار حمله می شد. استقرار نیروهای نظامی و تانکها شهر را بصورت یک شهر نظامی بدل کرده بود. مشرکین آل سعود از برقراری دعای کمیل در شب پنجشنبه در کنار بقیع ممانعت کردند و حجاج عزادار و دلسوخته بناچار در محلهای سکونت خود به برپائی دعای کمیل پرداختند. مردم و احتمالاً پلیس سعودی در لباس مخفی به حجاج حمله ور می شدند.

افسوس! آیا اینها همان نوادگان انصار هستند که با مهاجرین آنگونه رفتار کردند. دلها پر از درد و چاره جز صبر نبود. یک روز جوان تنومندی را دیدم که به چند حاجی ایرانی پرخاش

می کرد و میگفت شما حجاج را کشتید! اندکی با وی گفتگو کردم. وقتی گوشه ای از حقایق برایش روشن گشت اشک از چشمانش سرازیر گردید و گفت مظلومیت شما را به دوستان و آشنایانم خواهم گفت.

علی بلوکی یزدی روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۴ آبان ۱۳۶۶ مقتل مکه از کمرکش کوههای منتهی بمنی در طول خیابان عزیزیه بدرزای کیلومترها راه رودخانه ای پر جوش از انسانها پیش می آمد، سیاه و سفید زنان با چادر مشکی و مردان در جامه سفید با هزاران پرچمهای سرخ و سبز لاله الااله و محمد رسول الله و کتیبه هائی از قرآن انگار که جریان :

تاریخ است از ابراهیم تا محمد(ص) و از محمد(ص) تا حال و از سوی جنوب هم، شرق و غرب رانوردیده جریانهای دیگر جوشان بانندای تکبیر، و این رودخانه در میدان معابده بهم می پیوست و موج میخورد و سر پس میزد و تا عمق دره های مکه پیش میرفت و ریزش اینهمه آبشار در کنار بعثه امام متوقف میکرد و باز گردابی عظیم پدید می آورد و سر بر صخره های شهر میکوفت و فریاد تکبیر تا بلندای کوه حراء پایگاه وحی پیامبر سر میکشید و زلزله ای سخت مکه را میلرزانید و هزاران تن حاجی سر از پنجره ها میکشیدند تا شکوه سپاه محمد(ص) را بنگرند. از لشگر ابوسفیان با چهره ای زشت و عبوس و سلاح سرد و گرم صف کشیده بودند بارنگی پریده و زانوانی لرزان ، از جایگاه بعثه امام آیات برائت تلاوت شد و نماینده امام در انفجار فریاد حاجیان قهرمان بسخن ایستاد و اعلام برائت کرد، از آمریکا که دشمن اسلام و انسان است و مسلمین را در مذب لبنان و ایران و شرق دور و نزدیک و میانه و آفریقا بخون میکشد، از روسیه که مسلمانان مجاهد را در افغانستان بمسلخ مرگ میکشاند از اسرائیل که فلسطین و قدس را بزیر چکمه تجاوز کشیده و فلسطینی ها را مقتول و آواره ساخته و از دولت هند که مسلمانان را بخاک و خون می تپاند، و فریادهای تکبیر در آسمان مکه منفجر شد و هیجانی عظیم این شهر خفته در سایه سنگین ارتجاع و شرک را فرا می گرفت و اسلام دوباره سر بر میافراشت و ندای برائت قرآنی دوباره از حلقوم پاک علی (ع) همه جاطنین می افکند و ناگهان سیلاب اجتماعی مؤمن براه افتاد تا با سلاح ایمان و عشق و در کسوت مظلومیت و شعار بیداری و قدرت و عزت و وحدت

اعلام حیات کند و ندای توحید محمدی را سردهد، پیشاپیش این جریان پرشور، جانبازانی که کمر به دست و پا و چشم در راه جنگ با کفر و نفاق باخته بودند بعنوان پرچم ستمدیدی امتی انقلابی و بر روی چرخهای دستی به حرکت آمدند و پس از آن موجی از زنان مومن و عفیف در حجاب تم سیاه عفاف و ایمان براه افتادند، مادران چهار شهید داده و همسر از دست داده فرزندان سمیه و خدیجه و فاطمه مظلومان تاریخ و شکوفه های باغ سرخ تشیع و بدنبال آنان انسانهای پاکیزه جان وارسته دل بخدا داده .

می رفتند تا بر آستان مسجد الحرام سربراک عبودیت نهند و از خدای توانا برای استقرار توحید مدد جویند با سلاح دعا و حربه اشک و استغاثه، نه چوبی و نه چماقی نه کاردی و نه سلاحی و نه مواد منفجرهای بلکه فقط قمقه آبی و بادبزی و قرآن و کتاب دعائی.

مسیر حرکت با توافق وزیر حج سعودی و معاونش مشخص بود و پایان مسیر هم مثل سالهای پیش نزدیک ساختمان پست و تلگراف که مسافتی بعید تا بازار ابوسفیان دارد و بازار هم تا حرم فاصله ای طولانی دارد و اعلام شد که در آنجای پرچمها را پائین آورند و بنماز مغرب بایستند.

جمعیت چنان فشرده بود که امکانی برای حرکت نبود، حاجیان دیگر کشورها بصف برادران ایرانی پیوسته بودند، از لبنان، فلسطین، آفریقا، هند و پاکستان و بالاخره از خود عربستان سعودی و این همان خطری بود که استکبار آمریکا را بوحشت می انداخت که اگر بر همه مسلمانان بیدار شوند مجالی برای جنایات شیطان بزرگ باقی نمی ماند. کنار خیابان را حاجیان مختلف پر کرده بودند و آنها هم هماهنگ با ماشعار میدادند و هزاران سر از پنجره به تایید ما بیرون آمده بود.

ماکت قدس باعظمتی حیرت انگیز بر دوش جوانان پیش میرفت و فریاد فلسطینی های محروم را بر می انگیخت علمای اسلامی در صفی منظم پیش می رفتند و نماینده امام در قلب فشرده مردم قرار داشت و من در پشت ماکت قدس پیش میرفتم و از این همه هیمنه و شکوه گرم شوق بودم گلویم گرفته بود و اشک اشتیاق از چشمانم می چکید ناگاه دیدم که جمعیت بهم خورد و طلیعه اجتماع سر پس زد و هوا غبار آلود شد، از بالای ساختمان دولتی که پارکینگ پنج طبقه ای بود، چوب و سنگ و آهن بر سر مردم فرو ریخت و صدای شلیک گلوله بیشتر از آنچه در جبهه بصره و هویزه و کنجان چم شنیده بودم همراه با انفجارهائی سهمگین بگوش رسید فریاد تکبیر بلند بود و ضجه زنان فضا را پر میکرد و دود و غبار و شعله آتش هوا را فرا گرفته بود گروههائی که صداها را به یاالله بلند کرده بودند پیکره هایی خونین را بدوش داشتند ولی راه عبور

نمود، جمعیت از بالا سرازیر پائین بود و از پائین هم زن و مرد باسروتن های خون آلود بسوی به بالا هجوم می آوردند و زنها فریاد یا زهرا می کشیدند و روی هم میریختند، از روی پل حجون هم که مسیر تظاهرات بود جمعیت به مسلسل بسته شد، تیری صفیر کشان از بیخ گوشم رد شد و به و پایه پل اصابت کرد گردابی از مردم سراسیمه که اجساد کشته گان را بر سر داشت میچرخید و راه رهائی نداشت، گروهی بسوی شعب ایطالب، آنجا که خدیجه و ابوطالب خفته بودند بالا-، رفتند که با سنگباران دژ خمیان مواجه شدند و بروی جمعیت ریختند، همه جا از بالای کوهها و بام ساختمانها، افرادی که لباس عربی به تن داشتند گلوله و سنگ بر روی مردم می ریختند، و عاشورائی بود که صدای وامحمدا و واحسینا را فریاد میکرد.

انبوه، انبوه زنان سراسیمه روی هم می ریختند و آخرین ضجه ها با نام یا زهرا بر میکشیدند آرام می خفتند، عبا و کفش و عرقچینم افتاده بود و دو نفر همراه هر کدام بسوئی مرا می کشیدند صدای شلیک مسلسلها قطع نمی شد و قتل عام بیرحمانه ای را ناظر بودم، مرا بر روی پل حجون بالا کشیدند که ناگهان صفی از پلیسهای مسلح فرا رسیدند و از روی پله ها بزمین افتادم، پیکرها روی هم انباشته بود بسوی خیابانی که خلوت تر بود کشانده شدم که سنگباران و ماموران مرا به قتلگاه باز گردانید آقای کروبوی را دیدم که در موج جمعیت به عقب باز می گشت فریاد زدم متوجه باشید، مشخص نشود که ایشان را می کشند، دو موج از بالا و پائین مرا در گردابی فرو گرفته بود، مردم بسوی ساختمانهای کاروانهای ترکیه و فلسطینی ها و اردنی ها هجوم آوردند ولی در اولین موج همه جا پر شد، ساختمان نیمه کاره ای بود که مردم بسوی آن تاختند ولی جمعیت روی هم می ریخت، ناگهان آمبولانسی صفیر کشان آمد که سعودیها آنرا در هم کوبیدند و یک تیر در مغز راننده اش خالی کردند، جمعیت از بالا به پائین به موج افتاد و از پایین بیالا در فرار بود و شرق و غرب را بسته بودند و انبوه دوپست هزار نفری را بر طبق یک سیستم ضدشورش کماندوئی قیچی کردند، آرنجها به سینه ام فرو می رفت و بازوها حلقومم فشرده می شد ناگهان صدای دو انفجار شنیدم، دود همه جا را گرفت گفتند گاز اشک آور است ولی اشکی در نیامد اما حلقها خفقان گرفت، گویاسرب گداخته بگلویم ریخته اند، گاز سمی بود، زنها روی هم ریختند و فریادها خاموش شد زیر پایم نرم بود و جنازه های گرم زیر پایم لیز میخورد چشمم سیاهی رفت و پایم زیر فشار شدید پیچید و رگها پاره می شد و خونی گرم را بر پوستم احساس کردم، نفسم بند آمده بود، دو نفر در پهلویم افتادند و پر اور مردند و من...

و من هم در میان اجساد افتادم، کار تمام شده بود، مرگ حتمی و قطعی بود دیگران هم که من را مرده پنداشته بودند راحت از رویم می گذشتند، ارواح همچون کبوترانی به آسمان پرواز میکردند ولی کلاغ روح من یارای چنان پروازی را نداشت، پیرزنی همچنان نشسته مرده بود و من در آخرین دقایق شهادتین را بر دل میگذراندم، دو جوان حرکت من را احساس کردند و رفیقم آخرین تلاش را کرد، گفتم تمام شده ام که آبهارا برویم ریختند لباسم غرق خون بود و گاز سمی گلویم را میفشردم رالب ساختمان نیمه تمام بردند زنها افتاده بودند و مجروحین، انباشته برق را قطع کرده بودند و گاز سمی را در میان ساختمان انداخته بودند، من را باد میزدند و گفتند آقای جوادی آملی در طبقه بالاست، آقای کروی را که عینکش شکسته و عبا و عمامه اش افتاده پشتش مجروح شده و از چنگ دژخیمان در برده اند.

صدای شلیک همراه با ناله مجروحان همه جا را پر کرده بود، سربازان سیه روز و بی عرضه سعودی که در عمرشان یک گلوله شلیک نکرده بودند حالا شیر شده بودند و دیوانه وار می کشتند، صدای امام جماعت مسجد جن از بلندگو بلند بود که می گفت اقتلوا المشرکین، اقتلوا الیهود و اقتلوا المجوس مردم در قتلگاه به نماز ایستادند و هنگامیکه مرا به خیابان آوردند قتلگاه و شام غریبان را به معاینه دیدم آنچه بود چادر سیاه بود و کفش و قمقمه و قرآن و خیابانها تاریک و گازها و دودها متصاعد.

بیاد شام غریبان کربلا افتادم ولی عمر بن سعد به سربازانش که به اردوگاه حسینی تاخته بودند گفته بود کسی متعرض زنان نشود ولی آل سعود این جانیان از ابن سعد و شمردی الجوشن جانی تر دستور قتل زنان را داده بود یکی از زنان شهید نامش خدیجه بود مادر چهار شهید و همسر شهید که او در مقتل مکه در کنار خدیجه ام المؤمنین در خاک افتاد و به خدیجه پیوست.

این را بگویم آنچه را که در مقتل مکه دیدم در هیچ کجای تاریخ حتی در بدر و احد و صفین و کربلا هم سراغ ندارم و هیچکدام از جانیان تاریخ با زنان بیدفاع آنها در حرم امن خدا چنین نکردند این حقیقتی است که باید انتقام گرفت، اینجا تنها جایی است که خون را باید با خون شست و آل سعود آن مشرکان پست شهوتران خونخوار باید تاوان این جنایت را به بهای مرگ فزایند بار همیشگیشان که عوامل شیطان استکبارند پردازند و اکنون باید بر مزار شهیدان مقتل مکه زیارت عاشورا را بخوانیم و بگوئیم: اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آن محمد و آخر تابع له علی ذالک فخرالدین حجازی کیهان

۶۶/۵/۲۶۶

ص: ۳۷۰



## مکه چگونه به خون رنگین شد؟ - گزارشگر ویژه العالم

مکه چگونه به خون رنگین شد؟ مجله العالم طبق سنت هر ساله، برای انتقال تصویری زنده از زندگی حجاج و مراسم حج و آگاه شدن از مشکلات و مسائل اصلی امت اسلام، گزارشگر خود را به مکه می فرستد. در سال جاری نیز به این کار مبادرت ورزید.

به هنگام وقوع فاجعه مکه در روز جمعه خونین، گزارشگر ما در محل حادثه حضور داشت و و مشاهدات خود را از طریق تلفن با ما در میان گذاشت که بدون هیچ دخل و تصرفی آن را به چاپ می رسانیم.

نمی دانم از کجا شروع کنم! از تعداد تلفات بگویم که صدها نفر هستند، یا از زخمی ها به که هزاران نفرند یا مفقودین که بی حسابند؟ یا از صحنه نبرد بگویم. بله، صحنه ای که پوشیده از خون و کومه های عصا و سنگ و آب و پوکه و سپر و باطوم و کلامه آهنی بود و اجساد در آن از بعد از ظهر تا آخرهای شب بر زمین مانده بود؟ یا از رویدادهای خونینی که پی در پی اتفاق می افتاد و اگر خودم شخصا از بالای یک ساختمان بلند که مشرف بر صحنه بود، با چشم نمی دیدم، هرگز باور نمی کردم آنجا صحنه نبردی به تمام معنا بود.

قضیه از این قرار بود که هر ساله تظاهراتی برپا می شود که حجاج ایرانی آن را «راهپیمائی براءت» می نامند. روز جمعه گذشته هم پس از اقامه نماز عصر حدود ۲۰۰ هزار نفر در خیابان «مسجد الحرام» با حمل پلاکارد و سردادن شعارهای براءت از مشرکین و ظالمین و دشمنان امت اسلام و در راس آنها آمریکا و شوروی و اسرائیل راه افتادند. در همین موقع یکنفر به بالای یکی از ساختمان های آن خیابان که ساختمان کوچکی و متعلق به اداره پست و تلگراف بود رفت و پرچم آمریکا را آتش زد. راه پیمایان با شعارهایشان خواستار تحقق وحدت و یکپارچگی امت اسلام و عدم فرمانبری از شرق و غرب و سکوت نکردن در برابر دشمنان خدا شدند.

گذشته از این، از آنجا که هزاران حاجی دیگر از کشورهای پاکستان، هند، افغانستان، لبنان و تعداد دیگری از کشورهای خلیج فارس و آفریقا و اروپا به راهپیمایان پیوسته بودند، در میان تظاهر کنندگان پلاکاردهائی به زبان های غیر عربی هم دیده می شد.

زمانی که راهپیمایان به سوی مسجد الحرام به راه افتادند، ماکت بزرگی از مسجد الاقصی بن و پشت سر آنها دهها نفر از معلولین جنگ ایران و عراق و صدها روحانی از کشورهای مختلف، پیشاپیش جمعیت می رفتند.

"ظهر همان روز مسئولین عربستان هزاران سرباز و پلیس و نیروی فوق العاده و افراد گارد ملی ما را با سلاح و خودرو و کامیون هایشان در خیابان های منتهی به حرم مستقر ساختند. علاوه بر اینها، افرادی را نیز بر بالای ساختمان های اطراف گماردند و بسیاری از مأموران را هم برای ردگم کردن با لباس مبدل به خیابان فرستادند.

وقتی راهپیمایان به پای پل «الحجون» که نزدیک حرم است رسیدند، از بالای پل افرادی با لباس شخصی که بعد معلوم شد مأموران امنیتی عربستان هستند، سیل سنگ و چوب و آهن وسطل های پر از شن را که معمولاً- توسط آتش نشانی برای خاموش کردن آتش سوزی ها به کار می رود، بر سر راهپیمایان ریختند. بعد بلافاصله نیروهای مبارزه با هرج و مرج با باطوم های بلند خود وارد کارزار شدند و به تظاهر کنندگان یورش بردند. وقتی هم اینها کاری از پیش نبردند و نتوانستند از ادامه راهپیمائی به سوی حرم جلوگیری به عمل آورند، ماشین های با آب پاش پلیس شلنگها را به طرف آنها گرفتند و در همین موقع دهها نارنجک اشک آور بسوی :

تظاهر کنندگان پرتاب شد. اما تمامی این اقدامات نتوانست از فشار راهپیمایان برای ادامه راهپیمائی جلوگیری کند و سربازها هم از فرصت استفاده کرده، به تیراندازی روی تظاهر کنندگان پرداختند.

بعد، خیابان پهناور مسجد الحرام به میدان نبردی حقیقی تبدیل شد. جنگ و گریز، تهاجم و عقب نشینی ... بعد هزاران سرباز به میان راهپیمایان رخنه کردند و آنها را به چندین قسمت تقسیم کردند و از تمام اطراف آنها را به محاصره خود در آوردند و فاجعه به شلیک گلوله های پلاستیکی (که از فاصله نزدیک کشنده است) و گلوله های حقیقی که از تپانچه ها و مسلسل ها با استفاده می شد، آغاز گردید. بسیاری از آنها هم باطوم به دست ضربه های محکمی بر سر راهپیمایان فرود آوردند و طبق اظهار پزشکان دهها نفر از کسانی که ضربه بر سر آنها فرود آمده به دلیل آسیب شدید جمجمه در خواهند گذشت. نیروهای سعودی با حملات مکرر خود ب هزاران نفر بخصوص زنان و افراد مسن را به زمین انداختند و آنچه تعداد قربانیان را افزایش داد، بستن تمام راه های اصلی و فرعی منتهی به محل حضور راهپیمایان و شلیک بی دربی

نارنجک های اشک آور بود.

تنها سلاحی که بعضی از راهپیمایان با خود داشتند چوبهائی بود که برای عکس ها و پلاکاردها و پرچم ها استفاده شده بود. آنچه بعد از این زمان رخ داد چیزی شبیه به هیستری ضد راهپیمایان بود. راهپیمایان راه گریز نداشتند. برخی به ساختمان های نزدیک محل واقعه که متعلق به حجاج فلسطینی، اردنی، ترک و خلیجی بود پناه بردند و آنها هم به پناهندگان کمک کردند. بعضی هم توانستند از معرکه بگریزند و در خیابان های دور دست سرگردان شوند. و شاید روز بعد باز گردند یا هرگز باز نیایند.

اما اکثریت عظیم راهپیمایان خاصه زنان و افراد مسن و معلولین در جای خود خشکشان زد و در معرض گلوله و نارنجک و چماق و آب نشستند. آمبولانس های بعثه حجاج ایرانی از نزدیک شدن به اجساد و صحنه خونریزی منع شدند و من خودم شاهد بودم وقتی یکی از این آمبولانس ها تلاش می کرد از سد نیروهای مبارزه با هرج و مرج و سپر و کلاه آهنی و باطومهایشان بگذرد و به کمک آسیب دیدگان برسد، این نیروها به آمبولانس یورش بردند و تمام شیشه های آن را شکستند و باطوم بر سر دکترها و پرستارها کوبیدند و نگذاشتند پیشتر بروند.

بسیاری از این آمبولانس ها که توانسته بودند از سد نیروها بگذرند و تعدادی زخمی رابه سوی بیمارستان جمهوری اسلامی منتقل کنند، نیروهای سعودی راه را بر آنها بستند و به زور زخمی ها را از اتومبیل ها بیرون کشیدند و با خشونت تمام آنها را مجدداً بر زمین انداختند، بطوریکه تعداد زیادی از این زخمی ها به دلیل خونریزی و آسیب دیدگی ها و شکستگی های مجدد فوت شدند. چهار ساعت بعد، یعنی حدود ساعت ده شب، نیروهای سعودی به بازماندگان راهپیمائی اجازه دادند از صحنه درگیری دور شوند و با خالی شدن صحنه، تعداد زیادی از اجساد شهدا و مجروحین (که برخی از آنان از ساعت ها پیش زخمی بودند) بر زمین ماند تا اینکه اتومبیل های امداد عربستان سعودی آمدند و همه را که تعدادشان معلوم نیست به بیمارستان منتقل کردند.

برق خیابان را قطع کرده بودند و کاروان هائی از سرگشتگان با وضعی دردآور باز هم گرد می آمدند و در میان آنها کسی بود که در پی مادر خود می گشت، کسی در بی پدر، کسی به دنبال همسر، دیگری به دنبال همسایه و دیگران و دیگرانی به دنبال همکاروانی هایشان و غیره .

تشنگی و خستگی در گرد آمدگان هویدا بود و چهره ها انباشته از غبار و گل و لای و دود . چشمها

از شدت گریه سرخ شده بود و بدن هائی که وقتی می خواستند تکانی به خود بدهند از درد به ناله در می آمدند. نمی دانم چگونه این گزارش سریع را به پایان برسانم. خون های ریخته علی رغم گرمای سوزان هنوز خشک نشده است. زخمها بهبود نیافته و هرگز نخواهد یافت .

مقامهای امنیتی عربستان هنوز اجساد دهها شهید را تحویل نداده اند و هنوز هیچکدام تشییع نشده اند .

۹۸ درصد ضربه هائی که راهپیمایان از باطومهای نیروهای امنیتی دریافت کردند در ناحیه جمجمه بود و این امر رقم شهدا را تا این حد بالا برد.

بیمارستان حجاج ایرانی پر از اجساد شهدا و زخمی هاشد بطوریکه اجساد در تمام راهروها، کنج ها و حتی جاهائی مانند انبارها که معمولاً نمی تواند جائی برای مداوا باشد، پر بود. این امر مسئولین بیمارستان را وادار کرد که هزاران نفر از آنها را به مراکز درمانی کاروانهای دیگر منتقل کنند.

مشاهده گردید که حجاجی از کشورهای مختلف به زخمیان کمک می کردند و به آمبولانس های ایرانی منتقل می کردند.

هلی کوپترهای عربستان سعودی از همان آغاز گرد آمدن حجاج برای راهپیمائی بر فراز سر آنها در پرواز بود.

صحنه بازگشت ویلچرهای معلولین جنگی از میدان نبرد، کمی پیش از نیمه شب ، صحنه ای غم انگیز بود و بسیاری از حجاج را که جزئیات فاجعه را دنبال می کردند، به گریه انداخت .

حجاج افغانی که در راهپیمایی شرکت کرده بودند، بیشترین سهم گلوله و باطوم و نارنجک نیروهای سعودی را به خود اختصاص داده بودند. نیروهای سعودی علی رغم مشخص بودن هویت افغانی ها، تنها به این بهانه که افغانی ها طرفداران امام خمینی هستند، آنها را مورد تهاجم قرار می دادند.

شب پیش از فاجعه ( که به دقت برنامه ریزی شده بود) صدها تن از نیروهای امداد عربستان سعودی قصد داشتند به محل اقامت سرپرست حجاج ایرانی نفوذ کنند که با شکست مواجه شدند و بعد پانزده نفر را بازداشت کردند که وقتی هزاران نفر از حجاج روبروی این محل گرد آمدند و تا نصف شب به شعار دادن پرداختند، نیروهای سعودی ناچار شدند بازداشتی ها را آزاد کنند.

بسیاری از حجاجی که در جلوی راهپیمایان بودند تاکید کردند که نخستین سلاحی که نیروهای سعودی استفاده کردند گلوله های واقعی بود که از تپانچه ها و مسلسل هاشلیک می شد، بعد از گازهای اشک آور و چماق و باطوم استفاده کردند .

و وقتی راهپیمایان به نزدیک نیروهای سعودی که راه را سد کرده بودند، رسیدند، یکی از روحانیون به افسری که پیشاپیش سربازان ایستاده بود نزدیک شد و برای اینکه نشان دهد راهپیمائی مسالمت آمیز است عمامه خود را از سر در آورد، اما افسر سعودی با گلوله ای در و قلبش او را پاسخ داد.

مشاهده گردید که سعودی ها در اطلاعیه رسمی خود تلاش کردند وانمود کنند که حجاج ایرانی هنگام راهپیمائی با دیگر حجاج درگیر شده اند و نیروهای امنیتی این کشور «به ناچاره دخالت کرده اند. این طرز برخورد، اعتراض شدید بسیاری از حجاج را که شاهد واقعه بودند، برانگیخت.

برخی از نجات یافتگان گفتند که به هنگام گریز از روی اجساد شهدا و زخمی های بسیاری که مساحت گسترده ای از صحنه کشتار را گرفته بود، گذشته اند .

بوق آمبولانس ها در تمام شب به گوش می رسید و حکایت از انبوه زخمیانی می کرد که پس از باز شدن راه به سوی ساختمان بیمارستان حجاج ایرانی می آمد.

حجت الاسلام کروبی سرپرست حجاج ایرانی در سخنرانی که پیش از راهپیمائی ایراد و کرد، گفت: «به یاری خداوند دندانهای آمریکا را در درون دهانش خواهیم ریخته اوبه آمریکائی ها هشدار داد که چنانچه به خلیج فارس وارد شوند و در آن یک گلوله شلیک کنند، خلیج فارس «گورستان آنها خواهد شد» او هم چنین به کسانی که برای ابرقدرتها در این منطقه در راه باز کرده اند حمله کرد و گفت: اینان قبر خود را با دست خود کنده اند.

حجت الاسلام کروبی اضافه کرد: چه ننگی! چگونه به پرچم آمریکا اجازه می دهند که روی نفتکش های مسلمین افراشته شود. وی سپس پرسید پس قول خداوند تعالی که می فرماید لاتتخذوا عدوی وعدوکم اولیاء» (دشمنان مرا و خود را به دوستی نگیرید) کجا رفت؟ و سربازان سعودی برای ایجاد اختلال در فیلمبرداری دوربین های ایرانی که پیش از آغاز لم راهپیمایی به فیلمبرداری از مراسم پرداخته بودند، آینه هائی در دست داشتند که اشعه خورشید را به روی عدسی دوربینها منعکس می کرد و آن را از ادامه کار باز می داشت.

حجاج هم در مقابل، با دوربین های دستگاههای امنیتی عربستان که روی بسیاری از ساختمانهای در مسیر راهپیمائی مستقر شده بود، همین کار را انجام دادند.

حج خونین امسال در شرایطی به پایان رسید که آغشته در غم و اضطراب و انتظار بود. مکه فی معظمه پس از گذشت چند هفته از کشتار هولناکی که نیروهای امنیتی عربستان سعودی علیه حجاج بی دفاع، در شهر امن خدا و در نزدیکی خانه امن او راه انداختند، هنوز، از پریشانی رها نشده است.

عید قربان طعم تلخی داشت. زیرا امسال قربانی ها به گوسفند و شتر محدود نشد، بلکه بر صدها شهید از کشورهای مختلف نیز شامل شد که با گلوله و با ضربه باطومهای برقی که بر سرشان فرود آمد، در چند متری خانه کعبه از پای در آمدند.

دهها هزار حاجی بی گناهی که هرگز اندیشه اینکه کمینی در انتظار آنهاست در سر نداشته اند و مکه نیز تاکنون همانندی برای آن ندیده است، چگونه مورد هجوم قرار گرفتند؟! ریختن خون هزاران زائر خانه خدا که دلایل نشان می دهد، از قبل برنامه ریزی شده بود، به و به نفع چه کسی است خونهایی که در خیابان مسجد الحرام بصورت برکه های کوچکی در آمد، و اما برای باقی نماندن اثری از فاجعه، با شتاب از روی زمین پاک شد. بسیاری از حجاج ایرانی هم هنوز هم باور ندارند که کسانی که خود را حامی حرمین می نامند تا این حد گستاخ شده که با و زیر پا گذاشتن توافق قبلی با مسئولین ایرانی پیرامون مسیر راهپیمائی، نقشه نظامی حساب - شده ای برای کشتار صدها پناهنده به مقدس ترین خانه بر روی زمین، اجرا کرده و «جمعه سیاهی» راه انداخته باشند. اکنون تا زمان ارسال این گزارش، مقامهای عربستان به دلیل ترس از برملا شدن علل فوت صدها نفر، اجساد بسیاری را که خودروهای نظامی و پزشکی با خشونت تمام از محل شهادت برداشته اند، تحویل صاحبان آن نداده و به تحویل تعداد کمی اکتفا کرده اند.

غمنامه از مناسک حج چگونه سخن بگویم. انتقال به عرفه در نهم ذی حجه و ماندن در آن مقام از ظهر تا مغرب سپس به مزدلفه رفتن شبانه و ماندن تا طلوع آفتاب روز بعد آنگاه رفتن به سوی منی در روز دهم که روز عید است. سپس رمی جمره عقبه کبری و سپس قربانی کردن و و تراشیدن سرو بیرون آمدن از احرام. از بازگشت به مکه در روز بعد که از آن آمده بودم چه بر

در آن روز طواف مجدد دور کعبه، بعد سعی و سپس نماز طواف و بعد طواف نساء و باز هم نماز طواف انجام شد و پیش از آن هم بازگشت به منی و رمی جمره صغری و وسطی و کبری و به پایان بردن مناسک حج در دوازدهم ذی الحجه قرار دارد.

چگونه می توان جنبه عبادی را توصیف کنم در حالیکه خودم شاهد ترس در چشم گروه های حجاج پیدا است. آنها با شتاب مناسک حج و طواف و داع را انجام می دهند گوئی می خواهند پیش از آنکه در چنگال دام خونین دیگری گرفتار آیند، به کشورشان بازگردند.

و چگونه از ماجراهای شیرینی که معمولاً هر سال در این مراسم اتفاق می افتد، سخن : بگویم، در حالیکه به جای خوشحالی و احساس راحتی و تبریک گفتن حجاج به همدیگر و و آرزوی قبول طاعات برای یکدیگر، در چهره ها اندوه و در گلوها حق هق گریه پر است .

راهپیمائی هائی که توسط حجاج ایرانی هر سال برپا می شد و در آن علیه شیاطین (ایالات متحده و اسرائیل دشمن مسلمانان) شعار داده می شود، امسال به هنگام رمی جمره، طبق دستور حجت الاسلام کروبى سرپرست حجاج ایرانی انجام نشد، مبادا مسئولین امنیتی عربستان از آن برای انجام کشتار دیگری سودجوئی کنند.

به نظر می رسد که بیشترین دلمشغولی حجت الاسلام کروبى پس از کشتار مکه، بازگرداندن سالم حجاج ایرانی و دیگر حجاج کشورهای اسلامی به کشورهايشان بود؛ هر چند که این امر به قیمت دست کشیدن از بسیاری از فعالیت های هر ساله این حجاج بوده باشد.

: حجت الاسلام کروبى در یک کنفرانس مطبوعاتی که در مکه برگزار کرد خشم خود را از نیرنگ خونین مقام های عربستانی ابراز داشت و تأکید کرد که «با وزیر اوقاف و امور حج عربستان و معاون وی که قبلاً به محل اقامت او آمده بودند بر سر مسیر راهپیمائی توافق کرده بوده .

وی افزود : راهپیمایان پیش از رسیدن به مرزی که روی آن توافق شده بود، مورد محاصره و و تهاجم قرار گرفتند و مأموران با شلیک گلوله و فرود آوردن ضربه از باطوم های برقی به کشتار حجاج پرداختند.

حجت الاسلام کروبى گفت: راهپیمائی پارسال همانطور که توافق شده بود و پیش از هم رسیدن به مرزهای مشخص شده به آرامی پایان یافت.

وی تأکید کرد که اجساد شهدا باید تحویل داده شود و «خون آنها هیچوقت هدر نخواهد هم رفت» و «دروغ هایی که در اطلاعیه های عربستان سعودی پیرامون کشتار آمده بود آنقدر رسوا و

، بود که هیچکس باور نکرد». وی هم چنین گفت: ملت ایران بسیار خشمگین شده است و در برابر این فاجعه هرگز ساکت نخواهد نشست.

نامبرده تاکید کرد: این کشتار کشور او را پایدارتر کرده است و گفت: مقامهای امنیتی عربستان برای چنین واقعه ای برنامه ریزی کرده بودند، زیرا می ترسیدند این راهپیمائی سال به سال با پیوستن حجاج دیگر به آن گسترده تر شود. حجت الاسلام کروبوی اضافه کرد: یک احتمال دیگر نیز وجود دارد و آن هماهنگی مقام های عربستان با ایالات متحده برای اجرای این کشتار است که در این میان ایالات متحده بتواند از شکست خود در جنگ عراق با ایران انتقام گرفته باشد. حجت الاسلام کروبوی مسئولیت تمام آنچه که اتفاق افتاده و پیامدهای آن را متوجه عربستان سعودی کرد. وی به سفیریک هیأت ایرانی به عربستان و بازگشت آن به تهران بدون اینکه در فرودگاه جده از هواپیما خارج شده باشد، اشاره کرد و توضیح داد که هیأت یاد شده گفتگو با معاون وزیر امور خارجه عربستان که دوبار به فرودگاه جده برای مذاکره آمده بود را رد کرد و آنها هم اجازه ندادند که هیأت مذکور، مأموریت خود را که بررسی اوضاع حجاج ایرانی و تماس با سرپرست آنها آمده بود، انجام دهد.

اما بعد چه؟ در محافل حجاج این اجماع وجود دارد که جزئیات مساله روز به روز و حتی ساعت به ساعت روشن تر خواهد شد. و در حال حاضر نیز «شکاف بزرگتر از توانائی پینه دوز» شده است. زیرا و مقامهای امنیتی عربستان بجای اینکه سروه قضیه را هم بیاورند و به آرام سازی اوضاع پردازند، حمله تبلیغاتی گسترده ای را برای انداختن مسئولیت رویدادهای مکه به گردن حجاج و ایرانی - در داخل و خارج کشور - آغاز نمودند. آنها ادعا کردند که «حجاج ایرانی قصد داشتند ب کعبه را به اشغال در بیاورند، مسجدالحرام را آتش بزنند، به حجاج دیگر حمله کنند و به زور برای امام خمینی بیعت بگیرند و قبله مسلمانان را به سوی قم منتقل کنند!» ایرانی ها این بهانه ها را آنقدر قبیح دانستند که پاسخی به آن ندادند، زیرا می دانستند برای لوٹ کردن اصل پ قضیه یعنی کشتار حجاج مطرح شده است. اما در مورد ادعای عربستان باینکه حجاج ایرانی که ب نسبت آنها یک پنجم تعداد کل حجاج است (یکصد و پنجاه و هفت هزار نفر) اکثرأ از نیروهای سپاه پاسداران» و «گروههای انتحاری» و «نیروهای آموزش دیده برای هرج و مرج» هستند، و بنی ادعائی که با یک نگاه به حجاج ایرانی که در خیابان ها راه می روند و اغلب آنها از زنان و از کار افتاده ها هستند عکس آن ثابت می شود .



ایرانی ها می گویند: حقیقت آنچه که روی داده رفته رفته معلوم می شود. زیرا حجاج دیگر کشورها به وطنشان خواهند رفت و از کشتار بزرگی که در خیابان مسجد الحرام اتفاق افتاده برای خانواده و همسایه و خویشاوندان خود بازگو خواهند کرد شاید هم بارانی که عصر روز دوازده ذی حجه در مکه باریدن گرفت برای زدودن آثار کشتاری که در ماه حرام، حرمت بیت الله را لکه دار کرده بود باشد.

شایان توجه است که با باریدن باران، در خیابانهای مکه سیل راه افتاد و تمام گل و لای و آشغالهای خیابانها را با خود برد و هر گاه کامیون با اتوبوس یا اتومبیلی از میان آنها رد می شد آنها به موج می افتاد و لباسهای سفید بسیاری از حجاج را سیاه می کرد و آنها هم از روی گودال ها و برکه ها می گذشتند.

در سطح اسلامی و بین المللی می توان به اختصار گفت آنچه که در محلی که آیات الهی قداست آن را تصدیق کرده و حتی حیوانات هم در آن در امان هستند، اتفاق افتاد بر به درخواست چند ساله ایران برای تشکیل یک هیأت عالی از کشورهای مختلف اسلامی برای نظارت بر اماکن مقدس در عربستان صحه می گذارد.

به نظر می رسد پیامدی که مساله کشتار حجاج در بسیاری از پایتختهای اسلامی پدید آورد و اشکال مختلفی بخود گرفت (از جمله اظهارات اعتراض آمیز، بیانیه های هشدار دهنده، تظاهرات تهدید آمیز و غیره) نگرانی مسئولین عربستان که این حادثه را برنامه ریزی کرده اند و در راس آنها وزیر کشور و به همیاری یک افسر آلمانی بنام «الریخ ویکمر» که اخیرا به پست مسئول امنیت مکه گمارده شده است را بیشتر کرده است.

تنگنای عربستان، آنطور که تعدادی از مسئولین هیأتهای حجاج کشورهای اسلامی برای من گفتند، بزرگتر از تصویر خود مقامهای سعودی است. این تنگنا به مسائل متعددی مربوط می شود از جمله فراهم کردن امنیت حجاج کشورهای مختلف اسلامی، اداره حرمین شریفین، و ارائه دلایل کافی و بدور از هر گونه حساسیت نژادی و مذهبی برای رویدادهای مکه می باشد. دیگر اینکه اعتقاد می رود که جدل میان جهان اسلام حتی پس از پایان مراسم حج آن زمان که حجاج کشورهای مختلف از مشاهدات خود خواهند گفت ادامه پیدا کند. و به د نظر می رسد که آنچه رخ داده آغازی برای بحرانی است که به مسائل یاد شده در بالا مربوط م می شود و این آغاز پایانی هم ندارد.

مشاهدات عینی

امام مسجد الحرام» در نماز عشاء روز جمعه خونین «سوره الفیل» را تلاوت کرد که تنفر بوم وسیعی را در میان کسانی که من دیدم ایجاد کرد. به نظر می رسد که ایشان قصد داشت مقایسه ای نابجا میان محتوای آن سوره شریفه و عمل نیروهای امنیتی عربستان سعودی در قلع و قمع «راهپیمائی براءت» بعمل آورد. اما او این مساله اساسی را فراموش کرده که «اصحاب فیل» قصد داشتند خانه کعبه را منهدم کنند، در حالیکه همه از دور و نزدیک می دانند که حجاج شرکت کننده در راهپیمایی قصد دارند نقش اصیل کعبه را احیا کنند و از تمام مشرکین و کفار براءت جویند.

مقام های عربستان سعودی به برخی از پزشکان مکه پرسشنامه هائی دادند که به امضاء برسانند. در این پرسشنامه نوشته شده بود که آقای فلان حاجی ایرانی بر اثر شدت ازدحام در طواف کعبه فوت شده است. اما برخی از پزشکان وقتی شک کردند که نامهای ثبت شده روی پرسشنامه ها مربوط به قربانیان کشتار مکه است که در سردخانه های بیمارستان سعودی بسر می برند، از امضای پرسشنامه های یاد شده خودداری می کردند.

یک حاجیه خانم ایرانی که به شدت زخمی شده بود و چند حاجی قصد داشتند او را به یک آمبولانس عربستانی منتقل کنند، از سوار شدن امتناع ورزید و آنقدر منتظر ماند تا اینکه فرصت شد و با یک آمبولانس ایرانی او را منتقل کردند.

هم کانال یازده تلویزیون آمریکا بدون ذکر نام، اظهارات یک مقام مسئول سعودی را نقل کرد.

این مسئول گفته بود: یورش به حجاج و کشتار آنها به دلیل اهانت آنها به آمریکا و سوزاندن .

پرچم این کشور و سردادن شعار ضد آمریکائی صورت گرفته است.

در محل اقامت حجاج ایرانی در مکه تا زمان بازگشت حجاج به کشورشان همچنان پرچمهای سیاه افراشته شده بود و صدای تلاوت قرآن پخش می شد.

روز شانزدهم ذی حجه ده تانک مشاهده گردید که در خیابان های امن مکه راه افتاده بود جلو و پشت سر آن خودروهای پلیس و نیروهای امنیت داخلی در حرکت بود. تعداد زیادی هم سرباز با لباس و تسلیحات کامل رزمی در برابر ساختمان های مهم و سرپل ها و خیابان ها خاصه درهای حرم پاس می دادند، علاوه بر این، صدها عنصر نظامی مسلح در داخل حرم به گشتزنی مشغول بودند.

یک حاجی تر دیده شد که به شدت گریه می کرد. وقتی علت گریه او را جویا شدند، هم گفت: دو نفر از دوستانش که در راهپیمائی براءت شرکت کرده بودند به شدت زخمی شده و در

وضع وخیمی به سر می برند.

هم در آغاز کنفرانس مطبوعاتی حجت الاسلام کروبی، تعدادی از عکسهای قربانیان (خاصه معلولین جنگ ایران و عراق که فاقد دست و یا پا بودند) به خبرنگاران ارائه شد که آثار گلوله کلت و مسلسل روی سر و سینه و قلب آنها کاملاً مشخص بود.

و تعدادی از حجاج دیده شدند که در برابر شعب ابوطالب ایستاده اند. وقتی سؤال شد معلوم گردید که آثار گلوله هائیکه در موقع حادثه شلیک شده و به دیوارهای این نقطه اصابت کرده را به همدیگر نشان می دهند. این درحالی است که وزارت کشور عربستان شلیک حتی یک گلوله و اشتباهی را تکذیب کرده است؟ شعارهایی که حجاج روی برخی دیوارها و سردرها و تیرها به زبان های عربی، انگلیس و اردو چسبانده بود و در آن جمله هائی از قبیل: «لا اله الا الله، امریکاعدوالله». «الموت م لامریکا، الموت لروسیا، الموت لاسرائیل»، «یا ایها المسلمون اتحدوا»، «لا شرقیه ولا غربیه وحده وحده اسلامیه، و غیره به چشم می خورد. توسط پلیس عربستان سعی می شد که از بین برود و بر برخی هم رنگ پاشیده بودند. هنوز اثر خود را داشت و بخصوص آنچه که در نزدیکی پی محل اقامت سرپرست حجاج ایرانی، کاملاً پا بر جا مانده بود.

محافل حجاج فلسطینی اعلام کرد که حداقل دو حاجی فلسطینی به شهادت رسیده اند و تعداد نامشخصی هم زخمی هستند.

یک شاهد عینی برای گروهی از حجاج تاکید کرد که حداقل دو سه تن از معلولین جنگ ایران و عراق را دیده است که روی ویلچرهایشان بودند و به دلیل فقدان اعضا نمی توانستند از جای به خود حرکت کنند و با گلوله از پای در آمدند.

نیروهای پلیس از انواع مختلف گاز استفاده کردند: یکی اشک آور، دیگری گاز اعصاب و و سومی گاز خفه کننده بود. معلوم شد که عناصر اطلاعاتی عربستان سنگ های بزرگ و تخته چوب و آهن و ظرف های شن و آشغال و غیره روی سر حجاج می ریختند. این کار از بالای ساختمان های نزدیک منطقه بخصوص ساختمان بزرگی که بعنوان توقفگاه اتومبیل استفاده به می شد، انجام می گرفت.

در خلال طواف وقتی ازدحام بیشتر می شد، حجاج صدای ناله های بسیاری می شنیدند که بعد معلوم شد از کسانی بوده است که مورد ضرب باتوم های پلیس بر سر و بدنشان قرار و گرفته بودند. آنها علی رغم مضروب شدن با سر و روی باندپیچی شده آمده بودند که بقیه به

مراسم حج را به اتمام برسانند.

کومه های زباله و بوی مشمئز کننده آن، همه جا به چشم می خورد و استشمام می شد. آب آشامیدنی بسیار کم بود. اتومبیل های حمل و نقل کافی نبود. ازدحام شدید و خفه کننده و کشنده بود. هیاهو اعصاب خوردکن بود. توالی تقریباً پیدا نمی شد و در «مزدلفه» یک امر عادی شده است که هزارها حاجی بدون هیچ پوششی به قضای حاجت مشغول می شوند.

به نظر می رسد که مالیاتهای روزافزون از تعداد زائران حج از کشورهای فقیر آفریقائی و آسیائی کم کرده است.

هم بسیاری از حجاج معتقدند که دفاتر رسمی که جهت رسیدگی به امور طواف حجاج برقرار شده است بیشتر به «دفاتر کلاهبرداری» شبیه است. زیرا نخستین دل مشغولی مسئولین این دفاتر چاپیدن هرچه بیشتر حجاج ساده لوح است و حتی بجای کمک به آنها برای حل مسائشان، با آنها رفتار زننده هم دارند.

من خود شاهدیک صحنه غم انگیز در یکی از دفاتر تابع یک کشور کوچک عربی بودم قضیه از این قرار بود که یکی از «قلدران» این دفتر از دست یک حاج خانمی که جرأت کرده و با نوم او مجادله کرده بود، بسیار عصبانی بود، یک حاج خانم دیگر هم با گریه و زاری دست او را گرفته و می بوسید واز می خواست که هر چه زودتر او را به کشورش برگرداند.

آن آقا هم پیش روی دهها حاجی قسم می خورد که آن خانم مجادله کننده را به مدت یکماه هم زندانی خواهد کرد.

یک حاجی به من گفت که این دفاتر مانند مافیا عمل می کنند و حجاج را به عنوان گروگان به حساب می آورند و به خود اجازه هر کاری را می دهند و این درحالی است که مبالغ هنگفتی از بد که به آنها خدمت کنند.

گزارشگر ویژه العالم از مکه مکرمه روزنامه اطلاعات ۴ شهریور ۱۳۶۶

ص: ۳۸۲

مهر و تسبیح کربلا طبق معمول هر ساله ما راهپیمایی برائت از مشرکین را به دستور ولی امرمان امام امت آغاز کردیم. پس از عبور از چند خیابان و سخنرانی حجت الاسلام کروبلی به سوی حرم در حرکت بودیم که یکباره پلیس سعودی جلوی راهپیمایی را گرفت و عده ای از این اوباشهای سعودی با چوب و چماق به صفوف منظم راهپیمایان حمله ور شد. از طرفی از بالای ساختمانها سنگ و له پاره آجر مثل باران بر سر ما فرود می آمد.

پلیس همچنان حلقه محاصره را تنگتر میکرد و فشار بر روی مردم بیشتر میآمد در همین اثنا بود که صدای رگبار مسلسل‌های اهدایی آمریکا توسط عمال آل سعود شنیده شد که پیامد آن بخاک و خون کشیدن عده ای بی گناه از حجاج بود. در این فاجعه اسفناک عده ای زن معصوم و بیگناه راه فرار نداشتند زیر دست و پا و گازهای خفه کننده جان دادند و وقتی ماشینهای اورژانس هر ایرانی وارد صحنه شدند آنان را هم به رگبار بستند و حتی راننده آمبولانس را هم بشهادت و رساندند.

اما نکته ای که در اینجا قابل توجه است اینکه: رژیم سرسپرده آل سعود در این خوش رقصی برای اربابش چه سودی عایدش شد؟ من معتقدم که آل سعود سودی نبرد، بلکه خوی گرگ صفتی و درندگی آنان برای ملل اسلامی روشنتر شد. آنان خودشان را خادم حرمین می نامند ولی با این حرکت سفاکانه همه درک کردند که اینان خائن حرمین هستند و به فرموده هم امامان «اگر میخواستیم رژیم آل سعود را به دنیا معرفی بکنیم باید خیلی کار میکردیم و آن وقت به این اندازه که اکنون آنان به خواری و ذلت افتاده اند نمیتوانستیم» و ما نمونه عینی آن را در مکه بعد از راهپیمایی مشاهده کردیم که حجاج دیگر کشورها چقدر به ایرانیان علاقه پیدا کرده اند. من خودم در من که نماز میخواندم چند نفر از حجاج عرب هم دور بر من نشسته بودند، من همین طور که مشغول نماز بوده دو نفر از آنان متوجه شده بودند که من ایرانی هستم، آنها یک مهر و تسبیحی کنار من گذاشتند و در گوشی به من گفتند «مهر و تسبیح کربلا، رفتند، بعد هم متوجه شدم که اینان عراقی بودند. نمونه دیگر با دو نفر زن و مرد اهل اندونزی برخورد کردم و یک مقداری انگلیسی که میدانستم با آنان صحبت کردم، آنان میگفتند «ایرانیان شجاع استوار و قوی هستند و این حرکات شما برایمان الگو است ما میرویم از کارهای شما در کشورمان با مسلمانان صحبت میکنیم، و آنان هم اولین چیزی که از ما میپرسیدند اینست که

هم‌شه و به خود به ره که ی جنایت وهابیت و میگویند از ایرانیان بگوئید، آنان چه میکردند» و همین طور اهل سنت که امسال بطور بی سابقه ای در صفوف حجاج ایرانی بودند، شب هم دعای کمیل چند نفر از آنان دور ما نشسته بودند و به دعای کمیل گوش میدادند و پس از گذشت مدتی دیدم یک پارچه ای روی سرشان انداخته اند بخاطر آنکه کسی آنان را نشناسد، و آنها بلند [و] دعای کمیل میخواندند. به هر حال حرکت بی‌شرمانه رژیم منفور آل سعود در واقع تیشه ای \* بود که بر ریشه خود زدند و جای این ضربه انشاء الله در تاریخ خواهد ماند.

محمود امیری - بوشهر هم روزنامه جمهوری اسلامی ۱۰ شهریور ۱۳۶۶

ص: ۳۸۴

ندامت یک شرطه بعد از سخنرانی نماینده امام و سرپرست حجاج و ترجمه آن به زبان عربی راهپیمائی شروع هر شد، مقصد این بود که برای نماز و زیارت به مسجدالحرام برویم. شعارهای راهپیمائی الموت لامریکا - «الموت لاسرائیل» - «الله اکبر و لا اله الا الله» بود. راهپیمائی بانظم و آرامش تمام ادامه داشت تا اینکه به شعب ابی طالب رسیدیم در اینجا بود که مورد حملات وحشیانه پلیس فاشیست آل سعود قرار گرفتیم.

حلب های ۵ کیلویی و بزرگتر را پر از ماسه کرده بودند و از بالای ساختمانهای چند طبقه پائین می انداختند و شیشه خرده و آب جوش را به طرف ما می ریختند و میپاشیدند. و از طرفی شرطه ها که در چند صف در جلو راهپیمائی قرار داشتند و در جلو آنها پلیس های ضد شورش که مسلح به باطوم و سپر بودند بطور خصمانه بطرف معلولین که در صف جلو قرار داشتند حمله ور شدند. پلیس ها معلولین را در حالی که بعضی ها دو پا نداشتند و بعضی دو به دست و بعضی دست و پا نداشتند مانند برگ درخت بطور دلخراش و مظلومانه به زمین و می ریختند و بالا سرشان قرار میگرفتند و با باطوم بی رحمانه شهیدان زنده را مورد ضرب و شتم قرار میدادند. در این حال من که در کاروان ویژه بنیاد شهید بودم یکی از شرطهها در حالی که اشک از چشمانش جاری شده بود دیدم جلو آمد و فریاد برآورد و گفت :

(من شیعه هستم و مرا نجات دهید! من نمی خواهم برادر مسلمان را بکشم!) ما بلافاصله چادر یکی از خواهران را بر روی او کشیدیم. ما که در جلو قرار گرفته بودیم سعی مان این بود به که معلولین را نجات دهیم هر کس میتوانست جلو میرفت و دو دست خود را به ویلچر معلولین میگرفت و آنها را از صحنه خارج میکرد.

و جمعیت از عقب حرکت میکرد و جلوهم ما با حملات پلیس در فشار قرار گرفته بودیم و ازدحام جمعیت به حدی بود که اگر در جائی که مثلاً جای پنج نفر بود پنجاه نفر قرار گرفته بودند. به و فریاد و ناله زنان که مورد تهاجمات پلیس قرار میگرفتند بلند بود. دیگر صف زن و مرد با هم یکی شده بود. در این حال زنی را دیدم که به زمین افتاده بود و فریاد میزد مرا نجات دهید، آه و ناله آن و مادر پیر که میگفت هشت تا بچه دارم! هنوز در دلم طنین افکنده است و صدای مظلومیتش قلبم را فشار میدهد. میخواستم بلندش کنم. اینقدر فشار بر من آمد که نمیتوانستم از زمین بلندش کنم ناچار موج و سیل جمعیت مرا به عقب راند و دیگر ندانستم سرنوشت آن مادر پیر چه شد.

معلولین که از چرخهای خود مثل برگ درخت به زمین افتادند مظلومیت ما را بیشتر نمایان و میساخت ، صحنه خیلی عجیبی بود، حالا بخوبی درک می‌کردم که بر حسین (ع) و یارانش و [و فرزندش چه گذشت. اگر تا حال صحنه کربلا و غربت زینب (س) و بند زنجیر خونی به پای امام و سجاد(ع) را می شنیدیم و یا میخواندیم، حال بود که عینیت ظلم عدو بر ما نشانگر ظلم وارده و بر حسین (ع) و یارانش بود.

در این حال لحظه ای به این فکر افتادم که اگر چند هزار سال پیش پیامبر و یارانش در شعب ابی الطالب در محاصره ابوسفیان بودند، حالا نیز یارانش در همان مکان منتهی باگذشت زمانی در محاصره آل سعود قرار گرفته اند.

بعد از چند لحظه بطرف ما تیراندازی شد و قدر مسلم بود که هدفشان قتل عام ما بود .

تیرهایی که بعضی دو زمانه بودند یعنی وقتی وارد بدن میشدند منفجر میشد، بطرف ما شلیک شد.

در این حال عده کثیری به شهادت رسیدند. و حتی به مجروحین ما هم رحم نمی کردند و امدادگران را میزدند و مانع از برداشتن زخمیها میشدند. عده ای جانباز هم به زمین افتاده و مجروح شده بودند .

من برادران لبنانی را دیدم که با قمقمه هائی که همراه خود داشتند به جانبازان آب میدادند و به خون را از سر و صورتشان پاک میکردند و اعلام میداشتند خدایا تو شاهدی خانه امن برای او مسلمانان نا امن گشته .

بعد از شهادت و زخمی شدن جمعی کثیری از زائرین کاروانها پارچه های سیاه در مقابل هتل خود نصب کرده بودند و مشغول عزاداری بودند. وقتی با حاجیان کشورهای خارجی برخورد میکردیم همه بیان میکردند، ایران حق است خمینی حق است، خمینی مظلوم است و هم خونشان از این عمل زشت بجوش آمده است.

حاج احمد متقی روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۳۰ تیر ۱۳۶۶



وحشت شرطه ها از شعار روز جمعه ششم ذی الحجه که اعلام راهپیمائی برائت از مشرکین و دشمنان خدا شده بود کار ما در ارتباط با بلندگو و صوت رسانی در بعثه حضرت امام بود. بعد از اینکه سخنان حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای کروبی به اتمام رسید پرچم آمریکای جنایتکار به آتش کشیده شد و توسط مسئول شعار اعلام راهپیمائی گردید.

جمعیت انبوه به طرف مسجدالحرام حرکت نمودند، قسمت ما نیازی به صوت نبود، بلندگوها را جمع کردیم و بسرعت با استفاده از بازوبندهای عبور آزاد که داشتیم از لابه لای جمعیت عبور کردیم و بلندگوها را در بعثه گذاشتیم و از پشت بلندگوها اعلام شد. که با شنیدن صدای اذان مغرب پلاکارتها را جمع و با سکوت کامل به طرف مسجدالحرام حرکت نمائید

و ما بسرعت به طرف جلو در حرکت بودیم، حدود ۲ کیلومتری از بعثه گذشته بودیم که برادرانی باسرهای شکسته دیدیم سؤال کردیم، چه شده است؟ گفتند سنگ و باتوم زدند، ۲۰ یا ۳۰ متری راه را ادامه دادیم، دیدیم که جمعیت زنان در حال برگشتن هستند و از طرف دیگر پلیسها به سرعت میدویدند و جمعیت حجاج را تعقیب میکردند و نزدیک ماریسند با حالت وحشتناک، و با هم صدای مانند سگهای ولگرد از خود خارج میکردند و با آن باتومها و وسایل ایمنی که داشتند به جان مردم افتادند و جمعیت بخصوص خواهران این صحنه وحشتناک را که میدیدند فرار میکردند و چادرهایشان مانع دویدن آنان میشد و به زمین میخوردند هم ولگدمال میشدند، خلاصه صحنه بسیار دلخراش بود. کاری از دست کسی بر نمی آمد همه و فریاد میزدند، با امام زمان، و اشهد خود را میخواندند، در این هنگام صدای اذان مغرب از مسجدی که با ما ۵۰ متر فاصله داشت شنیده میشد. به طرف مسجد رفتیم تعدادی وارد مسجد شدیم، دیدیم که مسجد درب دیگری هم در یک خیابان دیگر دارد، از آن طرف هم جمعیت وارد میشد. پلیس رسید و ما درب را بستیم.

از دریچه های مسجد که مشرف بر خیابان بود شاهد جنایتهای پلیس آل سعود بودیم که با چه وحشیگری به جان میهمانان خدا افتاده بودند، جمعیت به سرعت متفرق میشدند و آنانی که زیر پا و دست و پا مجروح شده بودند به روی آسفالتهای خیابان می ماندند. شرطهها پلاکارتهایی که شعارهای از قبیل «الموت لامریکا»، «الموت لروسیا»، و «الموت لاسرائیل»، و «لا اله الا الله»، یا ایها المسلمون اتحدوا اتحدوا». روی آنها نوشته شده بود با چنگ و دندان پاره میکردند.

حدود سه ساعت از نماز گذشته بود و جمعیت نمازگزار که میخواستند از مسجد خارج شوند، هر کدام که ایرانی بودند مورد حمله باتوم پلیس های دژخیم قرار میگرفتند و هر کدام که عرب بودند پلیسها با اشاره دست آنها را رد میکردند، قدری سر و صدا کمتر شده بود ما از کنار خیابان، از مقابل پلیس گذشتیم و به طرف بعثه آمدیم، برادران مجروح یکی یکی میآمدند و نقل میکردند که افراد زیادی آنجا هستند که اگر به آنها نرسید به شهادت میرسند ۵۰ نفری از برادران جوان که بلندگوی دستی داشتند آمدند و به زبان عربی به پلیس اعلام کردند که میخواهیم برویم مجروحین را بیاوریم، پلیس حدودا ۱۵ ردیف بود و خیابان را بند آورده بود، یکی از برادران رفت با فرمانده پلیسها صحبت کرد و جواب شنید که امدادگران بیایند بروند.

۱۰ نفر رفتند یکی دو نفر برگشتند گفتند مجروحینی هستند که اگر بخواهیم با دست آنها را بیاوریم شهید میشوند، تعداد مجروحین بسیار زیاد است به یک آمبولانس اجازه داده شد که برود. بعد از ۱۵ دقیقه ای پر از مجروح برگشت گفت باید آمبولانس زیاد برود. شرطه ها هم اجازه نمیدادند که دیگر آمبولانس برود اما یک آمبولانس رفت و شهدا و مجروحین را به مقر آورد.

غلامعباس میرزائی روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۹ آذر ۱۳۶۶ \*

و من دخله كان آمنا پنجم ذیحجه بوقت حجاز بود که برای رفع گرفتگی حنجره و صدا به درمانگاه مراجعه کردم، پس از معاینه و گرفتن فشار خون آقای دکتر فرمودند چون فشار شما پائین است حق صحبت کردن و منبر ندارید، عرض کردم بنده آمده ام که شما کمکی بفرمائید، فردا که روز هم براءت از مشرکین و استکبار جهانی وروز تاریخی است که هر سالی یکبار بیشتر اجرا نمیشود، قطعاً شرکت باید کرد، چون آیات براءت فقط در صدر اسلام بیشتر عمل و اعلام نشده و یکی از و بزرگترین برکات انقلاب اسلامی ما که نصیب ما و زائرین بیت الله الحرام شده و میشود اعلام بر براءت در کنار خانه خدا و در حضور صدها هزار نفر از زن و مرد مسلمان که از اقصی بلاد \* اسلامی آمده اند می باشد، گفتم جناب آقای دکتر این اعلام براءت تکلیف الهی و وظیفه شرعی و اسلامی و انسانی است.

کاروان خود را در جریان راهپیمائی تظاهرات گذاشته و آماده میشدیم، نزدیک ساعت چهار بعدازظهر روز جمعه بود که با پرچم و شمائل به اتفاق کلیه برادران و خواهران زائرین خانه خدا و حالا آنهائیکه واقعاً عذر شرعی داشتند) از منزل خارج شده و در حالیکه با فریاد کوبنده:

لا اله الا الله محمد رسول الله (ص) آمریکا عدو الله ، روسیا عدو الله ، اسرائیل عدو الله . تبت یدی الأمریکا من بلد المسلمین  
تبت یدی الروسیا من بلد المسلمین، تبت یدی الاسرائیل من هم بلد المسلمین ، یا ایها المسلمون اتحدوا اتحدوا بحبل رب  
العالمین اعتصموا لبنان لبنان، ضد الظلم والعدوان ، افغان افغان ضد الروس والعدوان.

با ملحق شدن بعضی از کاروانهای مجاور به حرکت خود ادامه دادیم تا رسیدم به میدان معابده ، پس از استماع ترجمه پیام حضرت امام روحی له الفداء عربی که انصافا برادر مترجم خوب ترجمه عربی کرده بود و خوب هم قرائت کردند بعد از آن نماینده حضرت امام مدظله العالی حجه الاسلام والمسلمین حاج آقای کروی دامت افاضاته سخنرانی فرمودند و مترجم سخنان ایشان را ترجمه فرمودند، نوبت به شعارهای آتشین دلنشین و پرشور حاج مرتضائی فر فرارسید که شنوندگان حال دیگری پیدا کردند، مخصوصا هنگامی که خبر سقوط هلیکوپتر آمریکا و آتش زدن پرچم آمریکا را دادند که صدای الموت لامریکا الموت لاسرائیل الموت لروسیا گوش فلک را کر میکرد . دستور حرکت صادر شد و در ضمن یادآور شدند هر جایی که صدای اذان نماز مغرب را شنیدید همانجا نماز بخوانید، بسمت حرم مطهر

میرفتیم قریب ۱۵۰ متر به پل حجون داشتیم که آقائی گفتند سر چهار نفر از زائرین را شکستند ، گفتم شایعه نکنید! خبری نیست ، سابقه نداشته! شصت و هفتاد متر جلوتر که رفتیم دیدیم درست میگوید باسرها شکسته و بدنهای و مجروح و خون آلود برادران و خواهران می آیند. در عین حال به تظاهرات و رفتن بسمت حرم ادامه دادیم ولی صدای تیر و گلوله میامد و هر چه جلوتر می رفتیم صدا بیشتر می شد و جمعیت فشرده تر میشد، به شعب ابوطالب که رسیدیم صحنه غم انگیزی را دیدم که واقعاً متأثر شدم و جای تأثر هم بود، دهها نفر از برادران و خواهران از مجروح و غیر مجروح روی هم ریخته بودند هر چه کردم خدمت شایانی بکنم نشد، هر چه فریاد زدم برادران! اینجا برادران و خواهران افتاده اند مجروحند، گوش کسی بدهکار نبود و فشار جمعیت زیادتر میشد.

ما هم نتوانستیم در مقابل موج جمعیت و فشار آن استقامت کنیم ما را هم انداختند روی آنها، آماده شهادت و کلمات فرج را بر زبان جاری کردیم ولی شهادت کجا و ما کجا؟ بعد از مدتی با زحمت بلند شدم حقیقتاً زبان و قلم عاجز است، از منعکس کردن آن صحنه ها، از هر گوشه ای صدای یا الله یا مهدی یا صاحب الزمان یا زهرا و ... بلند بود عده ای از شهداء و مجروحین و مصدومین را حمل میکردند و عده ای هم بروی زمین و آسفالت داغ افتاده بودند و صدای صفیر گلوله ها بود که سرها و بدنها و دیوارهای ساختمانهای سر بفلک کشیده را میشکافت و گازهای اشک آور و خفه کننده و کشنده بسختی قلبها را میفشرد که عده ای از خواهران سمیه گونه و پدران و برادران یاسر صفت به فیض شهادت نائل و از حرکت باز ایستادند.

در همین مقطع زمین بوده است که صناید قریش و مشرکین مکه پیغمبر اسلام و یاران صمیمیش عمار و یاسر و سمیه و بلال حبشی و... را مجازات و سنگ باران میکردند که فرزندان خلف آنها اعمال پدران خود را تکرار کردند به اضافه سلاحهای گرمیکه اکنون مسلحند. بعبارت دیگر در سالهای گذشته فقط مسلح به باطوم و سپر بودند ولی امسال باطوم، سپر، کلت، ژ-۳ و مسلسل و سلاحهای دیگری که بنده آنها را نشناختم آب م سرد، آب داغ، گاز اشک آور ، گاز خفه کن ، چوب و چماق بلوک شکسته ، شیشه شکسته و... خلاصه هر وسیله ای که بدستشان میرسید استفاده میکردند خدا را گواه میگیرم صدای گلوله و رگبار مسلسلها حکایت از عملیات میکرد، منتها فقط یک طرفه بود، آنها در کنار حرم ام

امن الهی که حتی نباتات و حیوانات مصنوعیت و امنیت قانونی دارند ولی بچه های شیطان بزرگ این گناه بزرگ را انجام دادند و باطن کثیف آل آمریکا را آشکار کردند و درون متعفن آنان که سالیان طولانی در لباس تزویر و ریایک سلسله اعمال ظاهر اسلامی را انجام میدادند منت خدایرا که آشکار شد. در مقابل دیدگان میلیونی مسلمانانی که از اقصی بلاد اسلامی و غیر اسلامی آمده بودند ثابت کردند که خائن الحرمین هستند نه خادم الحرمین .

و بقول امام باقر علیه السلام که فرمودند (بنی شبیه دزدان کعبه و مسجدالحرام هستند نه خدمتگزار، اگر قدرت پیدا کنیم دستهای خائن آنها را قطع خواهم کرد و به مردم نشان خواهم داد) و مغرب شد، فاصله ما تا لشگریان شیطان بزرگ ۲/۵ متر الی ۳ متر بیشتر نبود به بنده پیشنهاد شد آیا نماز جماعت میخوانید؟ گفتم: آری: آماده نماز میشدم یادم از نماز عاشورای حضرت سیدالشهدا علیه السلام افتاد در باطن خود گفتم خدایا ممکن است در حین نماز سعادت شهادت نصیبم شود ولی...! نماز خواندم نشستم به برادران گفتم بنشینید ولی دژخیمان حین نماز و بعد از نماز معترض ما نشدند آنقدر نشستیم که از طرف بعثه حضرت امام یکی از برادران آمدند فرمودند از این مسیر خبری نیست بعد از آنکه مشخصات ایشان برای ما روشن شد گفتم بفرمائید و رفتند.

و برادران و خواهران نویسنده گزارشات ، عموماً جنایات مزدوران آل سعود را منعکس کردند اگر چه صد در صد صحیح است ولی میخواستیم به چند نمونه اشاره کنم که همه مردم سرزمین حجاز خائن نبودند بلکه عده زیادی عاشق امام و انقلاب اسلامی هستند .

۱- از برادری که خود ناظر بود نقل میکرد شرطه ای یکی از خانمهای ایرانی را با گلوله میزند، افسر آنها ناراحت میشود و او را ملامت می کند. بعد از ملامت او را با کلتش میزند و میکشد و و خود در لابلای جمعیت پنهان میشود.

۲- برادر دیگری نقل می کرد که ما هفت مرد بودیم به اتفاق خانمها عصر روز جمعه درب منزلی بروی ما باز شد، بعد از احترام و شربت، لباسی بلند مردانه عربی و چادرهای عربی برای زنها آوردند. هرچه کردیم وجه آنها را بگیرند قبول نکردند و ما را راهنمایی کردند و خارج شدیم.

۳- یکی از دوستان مدیر کاروان بود نقل میکرد صاحب هتلی که ما در آن بودیم، اطاق باطاق

می آمد اظهار انزجار خود را نسبت به حکومت آل سعود و عذرخواهی از زائرین ایرانی م می کرد.

۴- به اتفاق دو نفر از برادران بسمت مشعر میرفتیم قریب ده نفر از شرطه ها را دیدیم و یک نفر و هم در حضور آنها افتاده و وقتی که رفتیم نزدیک به کارت شناسائی او نگاه کردیم و دیدیم زائر ایرانی است و آثار خون و جراحت در قیافه این مرد ایرانی مشاهده میشود و این پیرمرد دعوت حق را لیبیک گفته است . رو کردم به شرطهها و گفتم این سند جنایت حکومت آل سعود است! و چیزی نگفتند با اینکه همه امکانات و قدرت داشتند مجدداً این آیه را خواندم (ومن قتل مظلوما و فقد جعلنا لولیه سلطانا) سرها را پائین انداختند و چیزی نگفتند و آثار انفعال از قیافه آنها آشکار بود.

۵- برای عمره مفرده بسمت مسجد تنعیم میرفتیم از راننده ماشین که اهل طائف بود سؤال د کردم آیا اخبار ایران به اینجا هم میرسد؟ گفت آری. گفتم حضرت امام خمینی را می شناسید؟ گفت می شناسم و او را دوست هم میدارم. برادر کوچکتر او گفت همان آقائی له را میگوئی که فرمودند اگر مسلمانها نفری یک سطل آب بریزند اسرائیل را آب میرد؟ گفتم \* آری همان آقا را میگویم. هر دو برادر در حالیکه خنده بر لب داشتند گفتند آری او را می شناسیم و دوستش هم میداریم. آری جوانهای حجاز و غیر حجاز کلمات حضرت امام را چون قرآن کریم حافظند و حفظ میکنند.

در پایان عرایضم نظر گرامی شما را به نکته ای جلب میکنم : احتمال می دادیم که امسال هم چون سالهای گذشته آل سعود ریاکار چون گذشته قرآن و امثال قرآن به زائرین ایرانی اهداء کند. زائرین کاروان خود را در جریان گذاشتیم و خوشبختانه آنها این قرآنهارا و هم نپذیرفتند. وقتی که وارد هواپیما شدم به برادران و خواهران کمک می کردم به پیرمرد محاسن سفید محترمی برخورد کردم که قرآنی در کنار دارد، بعد از سلام گفتم بابا چرا قرآن آل سعود را گرفتی؟ این قرآن مانند قرآن معاویه و پهلوی است، این جنایت بزرگ را در خانه امن و خداوندی انجام دادند، حالا قرآن هم به ما میدهند و به ریش ما و شما می خندند، نامهای نوشتیم به مسئول بلندگوهای هواپیما که میخواهم چند دقیقه ای با زائرین محترم صحبت کنم، بعد از مدتی موافقت فرمودند بعداً... گفتم زائرین عزیز و محترم شما توجه دارید تعداد ۱۵۷ و هزار زائر ایرانی امسال مشرف شدند که تعداد پانزده هزار و هفتصد نفر از بهترین خانواده های شهداء ، اسرا، مفقودین و مجروحین جز زائرین هستند، شما پیامبران انقلاب و خون و شهادت و

و... هستید و مزدوران کثیف آل آمریکا قریب چهار صد نفر از برادران و خواهران زائر مارا و شهید کردند و قریب چهار هزار نفر را مجروح کردند و حالا در زیر لوای قرآن کریم قرآن اهداء هم میکنند، به قرآن قسم این قرآن چون قرآن معاویه و قرآن محمدرضای پهلوی است، با نام قرآن بجنگ قرآن و اسلام آمده است، گرفتن قرآن خیانت به خون شهداء و انقلاب مخصوصاً و شهدای مظلوم کنار خانه خدا است. اگر برادری و خواهری توجه نداشتند تجدید نظر کنند....

از هواپیما پیاده شدم همان پیرمرد محترم را دیدم، گفتم: بابا از حرف ما ناراحت نشدید؟ فرمودند قرآن را در هواپیما گذاشتم و روحانی ما به ما چیزی نگفته بود. برادر دیگر آمد فرمودند از تذکر شما متشکرم قرآن را در هواپیما جا گذاشتیم.

خداوندا به همه اخلاص عطا فرما خداوندا پیر پیروزمند جماران را بر استکبار جهانی پیروزی نهائی عنایت فرما؟ والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته سیدمحمد حسین حسینی - امام جمعه قادر آباد فارس روزنامه جمهوری اسلامی پنج شنبه ۷ آبان ۱۳۶۶ هجوم وحشیانه من به عنوان یک شاهد عینی گوشه ای از فاجعه جمعه خونین خانه امن الهی را که از نزدیک پر مشاهده کرده و در متن جریان آن قرار داشته ام را عرض می نمایم. البته هیچکس جز خدای دانا نمی توانست تمام جریان را از نزدیک ببیند. زیرا محل حادثه بقدری وسیع و گسترده بود که در بعضی قسمتها بر اثر هجوم وحشیانه سعودیها بزرگترین فاجعه پدید آمد در حالی که مردم در قسمتهای دیگر بی خبر و با کمال آرامش مشغول شعار دادن بودند. لذا چیزی را که عرض میکنم گزارش کوتاهی از یک قسمتی است که شخصاً در آن حضور داشتم.

عصر روز جمعه ششم ماه ذیحجه الحرام سال ۱۴۰۷ هجری قمری هنگامی که وارد میدان معابدهی شدیم نماینده امام حضرت حجت الاسلام آقای کروبى شروع به سخنرانی کرده بودند ما در گوشه ای برای استماع سخنرانی نشستیم سخنرانی و ترجمه آن به زبان عربی خاتمه بافت سپس متصدی شعار مردم را آماده برای شعار دادن نمود. شعارها با کمال متانت شروع مسلمین شعار براءت از مشرکین را سر دادند و فریاد میکشیدند: «والموت لامریکا» - و الموت

لروسیا» - «الموت لاسرائیل» و به زبان فارسی نیز شعار «خلیج فارس ایران محل دفن ریگان» را و میدادند. در این هنگام از طرف برادران مسئول اعلام شد تا جوانهای انتظامات باز و به بازوی به هم داده و یک خط زنجیره ای در عرض خیابان بوجود آورند همچنین اعلام شد تا راهپیمایان در قسمت پشت این خط قرار گیرند این خط در سمت جنوبی پل بزرگی که بر روی قبرستان ابوطالب و شارع حرم کشیده شده تشکیل داده شد و اکثر راهپیمایان پشت این خط قرار گرفتند.

گروه زیادی از حجاج نیز در قسمت جلوی خط زنجیره‌های راهپیمائی میکردند که بنده نیز جزء این و گروه بودم .

و راهپیمایی بسیار آرام و با نظم و آرامش انجام میگرفت ما فکر نمی‌کردیم پلیس سعودی راه را به از جلو بسته و آماده ممانعت از راهپیمائی باشند چون راهپیمائی در مدینه منوره بسیار باشکوه و با نظم خاص انجام گرفته بود و در مکه نیز حرکت حجاج و زائران خانه خدا از منازل خود تا محل و راهپیمایی بسیار جالب و بدون مزاحمت صورت گرفته بود فکر میکردیم اینجا نیز تا حرم بهمان و شکل انجام خواهد گرفت غافل از اینکه دشمن تمام عقده‌ها را در دل گرفته و همانند گرگ زخم خورده مترصد فرصت است. مخصوصاً وقتی که از نزدیک شاهد به آتش کشیده شدن و پرچمهای اربابانش یعنی آمریکا و اسرائیل در منظر هزاران زائر ایرانی و غیر ایرانی بوده است گویا این آتش در قلب این مزدوران اثر گذاشته است و قلب کثیفشان همچون پرچمها سوخته شده است.

اما چون در قسمت جلو و خط مقدم تظاهرات برائت از مشرکین بودیم کم کم به نزدیکی کی مسجد «جن» رسیدیم و از آن حدود پنجاه تا شصت قدم گذشتیم ناگهان سینه به سینه به پلیسهای بسیاری برخوردیم . آنها که با یک دست باطوم و با دست دیگر سپر داشتند در مقابل ما تمام عرض خیابان را اشغال کرده بودند و از چهره شان نشان آمادگی برای درگیری مشاهده میشد. زائران در حالی که شعار برائت از مشرکان را سر میدادند قصد ادامه مسیر را داشتند که یکباره با حمله وحشیانه پلیس سعودی روبرو شدند آنها با باطوم به سرعت بر سر و روی مردم می زدند. حجاجی که هرگز چنین برخورد وحشیانه را در حرم امن الهی ، حرمی که حتی حیوانات وحشی در آنجا مصونیت دارند انتظار چنین عمل را نداشتند لذا بهت زده مجبور شدند تا به عقب برگردند و از چنگال گرگان خون آشام فرار کنند. هجوم وحشیانه پلیس باعث وحشت مردم شده و زائران دست و پای خود را گم کرده و اقدام به فرار نمودند و رویهم ریختند از دیگران برای نجات جان خود و فرار از معرکه چون سراسیمه بودند از روی ما عبور کردند



همزمان با اولین حملات پلیس، سنگباران از پشت بامهای چند طبقه شروع شد. هیچ آجری مستقیماً بر روی زمین فرود نیامد زیرا انبوه جمعیت بشکلی بود که می بایست این سنگها و و آجر پاره ها بر روی سر و صورت و شانه مردم فرود می آمد و باعث مرگ یا مجروح شدن حجاج بیت الله الحرام میگردد وقتی که ماروی آسفالت داغ رویهم ریختیم و بدلیل هجوم جمعیت یکمرتبه متوجه ضربه شدیدی شدم که سبب جراحت بدنم گردید که پس از عکس برداری در هم یکی از بیمارستانهای متعلق به ایران در کشور حجاز معلوم شد که حداقل یک دنده ام خم شده و هم شکسته است که هنوز هم پس از مدتی از آن واقعه از آثار آن ضربه احساس ناراحتی میکنم .

پس از لگد مال شدن نوبت به مزدوران سعودی رسید که با باطوم به جان حجاج افتادند.

ما در حالی که نیمه جان افتاده بودیم مجبور شدیم جهت نجات جان خود بلند شویم من با زحمت بسیار از جا بلند شدم و مانند سایرین به طرف مسجدجن حرکت کردم. در این حال یکی از پلیسهای سعودی نزدیک من آمد و با شدت باطوم محکم بر شانه و بازویم زد که دردم را هم فزونی بخشید . بهنگام برگشت نزدیک مسجد جن حادثه بسیار تلخی را دیدم. جوانی را دیدم که سمت چپ پیشانیش شکسته شده و خون، صورت و قسمتی از پیراهن سفیدش را رنگین کرده بود. این جوان تظلم میکرد و به پلیسها میگفت مگر ما مسلمان نیستیم مگر ما چه کردیم که ما را اینگونه میزنید. مگر ما میهمان شما نیستیم در همین حال یک مامور که لباس پلیس به تن نداشت با کابل دولایی که بدست داشت چنان بر شانه آن جوان زد که کمرش خم شد احساس کردم که این ضربت دردناک بیشتر مرا آزرده است و اشک از دیدگانم جاری شد این جریان نمونه ای از بیرحمیهای مزدوران آل سعود بود «تو خود بخوان حدیث مفصل از این مجمله از آنجا گذشتم و بطرف مسجد جن حرکت کردم و قسمت پشت مسجد روبروی قبرستان ابوطالب سکوئی پیدا کرده برای لحظه ای تنفس و استراحت روی آن نشستم . در این هنگام که در یک حالت سرگردانی بسر میبردم و فکر میکردم که به کجا بروم و سرنوشت حجاج بی دفاع به کجا منتهی میشود ناگهان چیزی در سمت جنوبی مسجد جن منفجر شد اول دود خاکستری رنگ از آن متصاعد شد هر چه بالاتر میرفت سیاه تر میشد و یک قسمت از فضا سیاه و قیرگون گردید متأسفانه باد خفیفی که میوزید تمام این دود را بطرف مردم برد ظاهر این دود و گاز همان گازهای خفه کننده یا لاقط همان گازهای بی حس کننده بود چنانچه بعداً حجاج برای مائل میگردند که گاز بقدری ناراحت و بی حس کننده بود که حتی چادرها را از سر خانمها می افتاد اما دستشان قدرت نداشت تا چادر را بر سر خود بگذارند. من چند دقیقه روی آن سکونشستم و

و با توجه به اینکه قبرستان ابوطالب در برابرم بود پیوسته در اندیشه مرگ خود و شهادت حجاج و دیگر بودم. صدای ضربات چوبها و باطوم ها، فریاد و ناله حجاج - استغاثه از خدا و رسول و هم امامان بسیار دلخراش بود.

بالاخره بازحمت بسیار خود را تا به منزلی رساندم در حالی که سر و پایم برهنه بر اثر تابش آفتاب داغ و سوزان میسوخت. بطرف پل حجون حرکت کردم و راه منزل را که در خیابان «نزهه» واقع بود پیش گرفتم. همینطور آرام که میرفتم یکباره صدای شلیک تفنگها به گوشمان رسید.

با ناراحتی گفتم که ای وای تیراندازی میکنند حتما درگیری شدیدتر شده است و حجاج را به رگبار بسته اند. در همین حال آمبولانسهای سعودی به راه افتاده و پشت سرهم مقتولین و مجروحین را حمل میکنند. خلاصه پس از چند ساعت راه پیمودن به منزل رسیدم حدود یک و ساعت و نیم از شب گذشته بود. ضعفایی از زنان و مردان که نمی توانستند در راهپیمایی شرکت کنند جلوی درب ساختمان، اجتماع کرده بودند همه شان در حال انتظار و نگرانی برای حجاج دیگر بودند. همینکه مرا با آن وضع دیدند که نه عمامه بر سر داشتم و نه کفش در پا یکباره صدای گریه و ناله شان بلند شد. تو گویی بهترین عزیز را از دست داده اند. آن شب شام هم عزا و شام غریبانی داشتیم. طوفان غم و اندوه بر گروهها هجوم کرده و دنیا در نظرشان تیره و تار شده بود زیرا تعدادی از کاروان برنگشته بودند و احتمال داده میشد که اصلاً برنگردند چنانچه بعداً معلوم شد که چهار نفر از آنها (دو مرد و دوزن) بشهادت رسیده بودند.

بالاخره شب را با شدت ناراحتی بسر بردم و چون درد پهلویم قابل تحمل نبود مجبور شدم به دکتر مراجعه کنم بعد از عکس برداری مشخص شد که حداقل یک دنده ام از طرف راست خم شده و شکسته است اما وقتی که در بیمارستان چشم من به پیرمردهای قد خمیده و سر و دست شکسته که سر و رویشان خونی بود افتاد درد خود را فراموش کردم. و بر حال آنها رفت و دعا میکردم.

چند روز از وقوع حادثه گذشته بود روز هشتم ذیه حه مه که روز «ترویه» است فرا رسیده است روزی که باید احرام ببندیم و به عرفات برویم اما وضع شهدا و مفقودین ما روشن نشده بود هم پیوسته فکر میکردیم که آیا زنده اند یا در بیمارستانها بستری شده اند و یا شهید گشته اند. عصر به همین روز بود یکباره دیدم یکی از مفقودین باصورت مجروح و چشم بسته و سینه و پهلوی شکسته از بیمارستان آمد از دیدارش بسیار خوشحال شدم. پس از احوال پرسی گفتم کجا و بودی؟ اظهار داشت در بیمارستان سعودی بودم و امروز ما را مرخص کردند و نزدیک بعثه ما را هم

پیاده کردند. گفتم انشاء الله تا غروب همسرتان هم خواهد آمد. گفت: ای وای خانم من نیامد؟ حتما شهید شده است سپس شروع کرد به گریه. من او را امیدوار میکردم که همسرش خواهد برگشت ولی او گفت که خیر من الان یقین به شهادت همسرم دارم چون با هم در یک قسمت بودیم. در اثر هجوم پلیس همه ما روی زمین ریختیم، در حال فرار ما را لگد میکردند.

هم من با زحمت زیادی از جا بلند شدم میخواستم خانم را بلند کنم ناگهان یک تکه آجری از بالای پشت بام ساختمانی آمد و مستقیماً به پیشانیم و صورتم خورد. دنیا بنظم تیره و تاریک شد هم و نقش بر زمین شدم دیگر چیزی نفهمیدم. پس از ساعتها به هوش آمدم دیدم توان بلند شدن و ندارم همانطور ماندم تا نیمه های شب که آمبولانس آوردند و ما را جمع کردند و به بیمارستان پی بردند و تا امروز در آنجا ماندم. حالا نمی دانم چشم ناقص شده است یا نه؟ سپس جمله ای بسیار دلخراش گفت: وی افزود: چشم من هیچ من اگر به گیلان بروم جواب دخترهایش را چه بگویم. هنگام حرکت از رشت یک دخترم برای فراغ مادرش گریه میکرد من چهار بار از ماشین پیاده شدم و او را ساکت کردم و به او قول دادم که مادرش را صحیح و سالم به او برخواهم گرداند. حالا نمی دانم چگونه با دست خالی برگردم و جوابش را چه بگویم.

بالاخره اگر بخوام حادثی را که از نزدیک دیده ام وقایعی که از مجروحین و غیر مجروحین شنیده ام را نقل کنم «مثنوی هفتاد من کاغذ شود».

در این جا نکته ای را باید متذکر شوم و آن این است که :

جراحات السنان لها التیام ولا یلتام ما جرح اللسان». یعنی زخمهای تیرها و شمشیرها التیام هم می پذیرد اما زخمهای زبانها و تهمت ها درمان نمی پذیرد اینهمه کشتارها، شکستن سر و دستها و لگد مال کردن حجاج بی پناه و ... یکطرف اتهامات و افترااتی که بر دامن مقدس م و ایرانیان و جمهوری اسلامی ایران میزدند یک طرف دیگر، آل سعود همانند پیشوایان خود ابوسفیان و معاویه میخواهند با دروغ پردازیها و تهمت های ناروا و تبلیغات زهر آگین غبار ضد و مذهب و ضد اسلام بر چهره پاک مسلمین ایران بنشانند. اما هرگز باین آرزو نخواهند رسید .

مگر ابوسفیان پیامبر گرامی اسلام را بعنوان یک فرد خرابکار و دیوانه مکار معرفی نمیکرد؟ مگر پیغمبر را از وطنش بیرون نکرد و آنهمه آتش افروزی علیه پیغمبر نکرد مگر دندان و پیشانی منورش را نشکست اما بالتیجه کی پیروز شد؟ مگر معاویه تا سر حد قدرت خود علیه امیر المؤمنین تبلیغات مسموم نکرد؟ و آنهمه خرجها برای نابودی نام علی (ع) و محو آثار و گفتار آنحضرت و بی اعتبار کردن موقعیت ایشان متحمل نشد؟ اما در نتیجه کی فانی شد

## هدف رژیم سعودی قتل عام بود - ایوب صلاح - ترکیه

کی باقی ماند؟ «محو شد آثار او پاینده شد آثار من». آل سعود (یهود) نیز با تبلیغات دروغین و هم خرجهای گران و تهمت های ناروا نمی توانند چهره تابناک جمهوری اسلامی را لکه دار کنند.

آل سعود به روزنامه های خود دستور داد تا هر چه میتوانند علیه ایران دروغ پردازی کنند. آنها نیز عنوان داشتند که ایرانیها قصد داشتند که کعبه شریفه را تخریب کرده و حجرالاسود را به «قم» ببرند و قم را مرکز اسلام و کعبه مسلمانان قرار دهند! اینان میخواهند با این تبلیغات مسلمانان ایران را همانند «قرامطه غیر مسلمان معرفی کنند.» | سلاحهایی که توسط حکام سعودی برای سرکوب حجاج بکار برده شده عبارتند از: ۱- باطوم لاستیکی - چوبی - برقی) ۲- سنگ و آجر و خاکروبه، بطریهای نوشابه و غیره ۳- کابلهای ضخیم و شلاقهای سیمی ۴- میله گرد ۵- آب سرد و گرم و آب آغشته به صابون بوسیله ی ماشینهای آب پاش ۶- گاز اشک آور و بی حس کننده و خفه کننده ۷- انواع مختلف اسلحه.

والسلام علی من اتبع الهدی - محمد علی امینان (امام جمعه آستانه اشرفیه) روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۱۳ مهر ۱۳۶۶ هدف رژیم سعودی قتل عام بود برای خوب فهمیدن و تشریح قتل عام جمعه خونین مکه قبل از هر چیز باید چند نکته را متذکر شوم.

ما کجا بودیم؟ برای چی رفته بودیم؟ آنجا چکار داشتیم؟ مخاطبین ما کی ها بودند؟ و دشمنان ما کی بودند؟ خطرها برای ما چه بودند؟ علیه ما به لحاظ فرهنگی اجتماعی چه چیزهایی طرح کرده بودند؟ برای چی تظاهرات میکردیم؟ ندای برائت از مشرکین که فریاد می کردیم چه معنی داشت؟ مرکز قیام به چه معناست؟ حرم چیست؟ محیطهایی که شامل هم حرم است کجاست؟ بله برای فهمیدن مسأله حجاز و جمعه خونین مکه باید پاسخ مطالب گفته شده را نیز در نظر و بگیریم. مکه قدیمی ترین نقطه مسکونی در تاریخ بشریت است و کعبه اولین بنایی است که هم و توسط بشر ساخته شده است. و در روایت است که اولاً کعبه از طرف حضرت آدم ساخته شده به

است و بعد از طرف ابراهیم خلیل الله و پسرش اسماعیل ذبیح الله دوباره ساخته شده است.

و بیت الله با حکم قرآن مرکز قیام است. قیام در مقابل کی و چی؟ هم آیات نشان میدهد که قیام علیه ظالمان و ستمگران از طرف مظلومان و ستمدیدگان و مستضعفان است. در تاریخ بشریت اهمیت کعبه را ظالمان و مستکبران هم فهمیده اند و برای منحرف ساختن اذهان مردم این مرکز را به مرکز بتها هم تبدیل کردند.

البته اکثر انبیائی که در مکه زندگی کرده اند این مکان را دائما از بتها پاک کرده اند، ماهم و رفتیم آنجا سنت انبیاء الله را احیاء کنیم.

و ما برای ایستادن در مقابل همه بتها به مکه رفتیم، بتهای عقیدتی، فکری، جسمانی، نفسانی و هر نوع بت.

در آن منطقه که بلد امین بود ما موظف بودیم که صدای مظلومیت خودمان را به همه اعلام و کنیم، در آن جا که حتی کشتن حشرات مورد سؤال است با این روش فکری که آنجا محل امن هم قرار داده شده صدای مظلومیت خودمان را بلند کرده بودیم و الان هم بر آن عقیده ایم که آنجا باید محل امن باشد. گرچه احترام حرم و محل امن الهی را شکستند و احترام این مکان مقدس به کرات توسط یزیدیان تاریخ شکسته شده است.

هم در مکه جایی که آمدن مشرکین و کافران از نظر شرع مقدس اسلام ممنوع شده، رژیم آل سعود از کماندوهای فرانسوی برای کوبیدن قیام کعبه استفاده کرده بود و قیام کنندگان توسط مشرکین در حرم امن الهی بشهادت رسیدند.

از این جا استنباط می شود که رژیم آل سعود چون یزیدیان تاریخ با خون ریزی خو گرفته است حتی در حرم شریف.

در راهپیمائی سالهای گذشته در مکه مکرره حادثه ای بزرگ پیش نیامده بود.

رژیم آل سعود نماینده مشرکین و کفار در مناطق اسلامی است. این رژیم با دست امپریالیسم انگلیس در این منطقه مستقر شده ولی خود را با عنوان یک خانواده شریف و مقدس و خادم الحرمین شریفین اعلام کرده است حتی برای حفظ ظاهر، القاب عوامفریبانه اش هم انتظار نداشتیم این چنین وقیحانه دست به خونریزی بزنند، لکن در مقابل انقلاب اسلامی ایران همه استکبار و همه قدرتهای شیطانی ناچار شده بودند وحدت کنند.

وقتی که نهضت انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی در ایران به پیروزی رسید ضربه سنگینی بود بر امپریالیزم جهانی و این پیروزی برای بیداری همه مسلمانان جهان وسیله ای بزرگ

بود. لذا امپریالیست ها در این نقطه حساس شروع به توطئه هائی کردند تا جلوی نفوذ و و گسترش این انقلاب عظیم را بگیرند و به همین مناسبت مساله شیعه و سنی و عرب و عجم را مطرح کردند تا مسلمانان مساله فلسطین را رو به فراموشی بگذارند و همیشه میان خود، اختلاف و دعوا داشته باشند.

برای اجرای چنین توطئه ای، امپریالیسم جهانی از مساله قومیت خیلی استفاده کرد و در ابتدا هم که به دستور آمریکا عراق به ایران حمله کرد، اکثر رژیمهای عرب با آب و تاب از قهرمانی عراق سخن گفتند بگونه ای که عرب را خواستند جبهه مقابل عجم بحساب آورند و امروز هم حتی آنها به تبلیغات سوء خود علیه ایران اسلامی ادامه میدهند.

دیروز که صدام به ایران حمله کرد خیال داشت با این کار به اصطلاح قهرمانی خود رهبریت به عرب را بعهده بگیرد، اما امروز سعودیها از این موضوع استفاده کردند و وقتی که فهمیدند به نفس های رژیم بعث به شماره افتاده و در آستانه تمام شدن است کاری کردند که رهبریت عرب را خود بدست بگیرند.

و البته سعودیها میخواستند با یک سنگ چند تا گنجشک را بزنند یکی این بود که نوکری امپریالیزم را بجا بیاورند و لیاقت نوکر بودن خود را به آنها نشان دهند، دوم اینکه رهبریت عرب را بدست بگیرند، سوم اینکه از وجود حرمین شریفین که زیر سلطه آنهاست سوء استفاده کنند و با رهبریت مسلمانان جهان را هم بعهده بگیرند.

مسأله خادم الحرمین شدن فهد این مسأله خادم الحرمین شدن تازگی دارد، همین چند سال پیش بود که بیاد فهد افتاد که خود را خادم الحرمین شریفین اعلام کند. قبلا اینها کجا بودند؟! چون متوجه شدند که هم مسلمانان جهان نتایج و تأثیرات جالبی از انقلاب اسلامی ایران دریافت کرده اند و این را خطری بزرگ میدانند در این موقع با برنامه ریزی امپریالیزم جهانی چند راه را در مقابل انقلاب میری امپریالیزم جهانی چند راه را در مقابل انقلاب اسلامی ایجاد کردند یکی از آن راه ها محکم تر ساختن ناسیونالیزم عرب بود، اینها حتی ذلت وجود استکبار و و نوکری آنها را در مقابل قومیت عربی ناچیز میدانند.

پر داخل پراتر عرض کنم که ابولهب که از نظر قرآن لعنت شده است نام بعضی از خیابانهای هم مکه را بنام او کرده اند ، حتی جایش را بگویم در منطقه القبع یک خیابان هست که اسم آن هم «شارع ابول .. ۹۰ هم منتها.

حتی برادران ایرانی که میدانند هتل منصور در کجای مکه است در همانجا دو تونل هست که یکی «السلیمانیه» است و اسم دیگری «ابولهب» است.

مطرح کردن اسم اینها بخاطر مطرح کردن عرب است .

از طرف دیگر در بعضی مساجد و رادیو تلویزیون هم مطرح می کنند که شیعیان دشمن اسلام هستند و بزرگترین دشمن اسلام، ایران بوده است و امثال اینها را دائماً مطرح می کنند.

شیخ ابوبکر الجزایری در مسجدالنبی در مدینه منوره و در بیت الله الحرام هر سال به اصطلاح به موعظه مردم می نشست و مردم را نصیحت میکرد و هر شب موضوعی را علیه شیعیان مطرح میکرد و به اصطلاح خودش کافر و یا مشرک بودن شیعیان را مطرح می نمود، امسال الحمدلله قبل از موسم حج مریض شد و برای معالجه به فرانسه رفت.

غیر از اینها در کتب دانشگاهی آل سعود، تهمت و افترا علیه شیعیان وجود دارد.

بعنوان مثال بگویم که ۲۵ دانشجوی اهل ترکیه که در عربستان درس میخوانند آمده اند هم و گفته اند که ما تقریباً چهار سال است که در اینجا هستیم و در این چهار سال هر هفته چهار ساعت درس عقاید برای ما قرار داده اند که در آن کافر بودن و یا مشرک بودن و یادشمن اسلام بودن ایرانیها را بما دائماً تلقین می کنند و به اصطلاح خود برای ما اثبات می کند و حقیقت را هم اگر بخواهید ما از آن اطلاعی نداریم.

این دانشجویان میگویند اگر ما بایک ایرانی تماس گرفته باشیم و سعودیها از این مساله هم اطلاع پیدا کرده باشند ما را از دانشگاه بلافاصله اخراج می کنند.

در اینجا باید عرض کنم که مسأله مبارزه با وهابیت از طریق انتشار کتب و سخنرانیها متأسفانه کاهش یافته و یا به فراموشی سپرده شده است .

رژیم سعودی با استفاده از دلارهای نفتی ، پرچم مخالفت با انقلاب اسلامی را علم کرده و هم در این راه از همه امکانات استفاده کرده و می کند.

مهمترین عامل تجاوز رژیم بعث عراق به ایران اسلامی مساله قومیت بود که رژیم صدام کارش نیز راه به جایی نبرد و به نفس نفس افتاد.

رژیم سعودی که یار صدام بود منتظر فرصت مناسب بود که از ایرانیها انتقام بگیرد. برای و اجرای این کار مهمترین مکان را حرم مکه انتخاب کرده بود چون راهپیمائی حجاج ایرانی در در سالهای قبل نشان داده بود که از آرامش و متانت خاصی برخوردار است و حتی تأکیدات هر و هر ساله امام خمینی هم بر این بود که در صورت کتک خوردن جهت حفظ حریم کعبه باز هم مقابله





نکنید و این مسائل باعث سوء استفاده سعودیها شد که از همین موضع به ایرانیهای بی سلاح حمله کنند و آنان را به قتل برسانند و سپس دروغ سازی کنند که آنها قصد داشته اند به کعبه حمله کنند و آتش سوزی راه بیاندازند و حجرالاسود را بلند کنند ببرند قم و...

سعودیها با این کارشان به اصطلاح قصد روحیه دادن به قومیت عرب را داشته اند که مثلاً ما و اینگونه قدرتمندیم و اینگونه انتقام قومیت عرب را میگیریم، وقتی که فاجعه جمعه خونین مکه پیش آمد چندین تن از روسای ارتجاعی عرب عمل فهد را تایید کردند و به او تبریک گفتند؟ از طرف دیگر فهد خود را خادم الحرمین شریفین اعلام کرده بود و در همه دنیا میخواست همه فعالیتهای اسلامی را به کنترل خود بگیرد، با قدرت نفت و دلار و با کمک همه رژیمهای طاغوتی براحتی میتوانست اکاذیب خود را نسبت به جمعه خونین مکه به سمع مردم دنیا برساند و با اصطلاح خود اینکار را هم کرد.

زمینه این کار را هم قبلاً فراهم کرده بود بطوریکه همه رژیمهای دست نشانده امپریالیزم جهانی تبلیغ می کردند که ایرانیها در مراسم حج میخوانند زد و خورد کنند و به اصطلاح شلوغ پر د کنند.

اینطور هم شد تبلیغات کاذب به گونه ای اثر گذاشته بود که حجاجی که از دیگر کشورهای و جهان آمده بودند. قبل از تظاهرات منتظر درگیری و تشنج آفرینی از سوی ایرانیان بودند.

رهبران و علمای مسلمانان جهان هم بعد از انقلاب اسلامی ایران در اطراف دو قطب جمع شده بودند یک قطب که از انقلاب اسلامی ایران تغذیه فکری و اصولی می شدند و قطب دیگر هم از رژیم سعودی از طریق رابطه العالم الاسلامی تغذیه می شدند این قطب اخیر بخاطر اینکه از پول سرشاری برخوردار بود با وسعت زیاد تلاش میکرد.

با توجه به تبلیغات وسیع قطب اخیر علیه انقلاب اسلامی ایران اکثر علمای مسلمان کشورهای دیگر به این امر واقف بودند که این امام خمینی و انقلاب اسلامی ایران بود که صدای اسلام را در جهان بلند کرد و ما مدیون آنها هستیم.

قبل از تظاهرات امام جمعه بیت الله مطالبی را در خطبه های نماز عنوان کرد از جمله گفت فارسها می خواهند شکایات و اعتراض خود را علنی در بین مسلمانان هم مطرح کنند، ما شکایات خود را فقط در حضور خدای تعالی مطرح می کنیم. اینطور فهمیده می شد که آن هم ملای درباری علیه تظاهرات آن روز مردم را آماده می کرد. بعد از نماز دیدیم که در هرجا از جمله شارع المسجد الحرام (خیابان مسجد الحرام) تدابیر امنیتی شدید گرفته شده بود، همه

دکانها بسته شده بودند با اینحال به محل آغاز راهپیمائی رسیدیم . پیام حج که از طرف حضرت امام خمینی فرستاده شده بود به زبان عربی خوانده میشد در حالیکه هزاران پلیس، هزاران سرباز در مکانهای مختلف گمارده شده بودند، مسلمانان دیگر که در حاشیه ایستاده بودند و قصد داشتند در تظاهرات شرکت کنند به آنها هم اجازه نمی دادند. روزهای قبل خواسته بودند که جمعیت راهپیمائی کم باشد، حجاج دیگر کشورها شرکت نکنند و کسی هم از اتباع حجاز شرکت نداشته باشد اینها همه نشان دهنده ترس و وحشت زیاد رژیم سعودی از اصالت و نفوذ معنوی تظاهرات برائت از مشرکین بود.

و وقتی که پیام امام خوانده شد بعد از آن صدها هزار حجاج باندامی الله اکبر والموت لامریکا، الموت لروسیه و الموت لاسرائیل به طرف مسجد الحرام اقدام به راهپیمائی کردند.

از جلوی ساختمانهای فلسطینی ها ما که گذشتیم شنیدیم که زنان فلسطینی جمع شده هم بودند و فریاد می زدند : عاش الامام الخمينی (زنده باد امام خمینی).

جوانان فلسطینی هم که در تظاهرات همراه ما بودند هنگامیکه به جلوی ساختمان خودشان رسیدند رو به آنها کرده و با صدای بلند فریاد می زدند فلسطین فلسطین جیش محمد قادمون (فلسطین - فلسطین ارتش محمد می آید). زنان فلسطینی را دیدم که این شعار را که می شنیدند ضمن اینکه اشک از دیدگانش جاری بود همه می گفتند: انشاء الله انشاء الله . .

از زیر پل «حجونه گذشتیم در روی پل هم هزاران نفر جمع شده بودند همه فریاد می زدیم دیا ایها المسلمون اتحدوا - اتحدوا به بازاری بنام ابوسفیان داشتیم نزدیک می شدیم که در آنجا هزاران پلیس مسلح با باطوم و گازهای اشک آور و خفه کننده و ... بدون هیچ اختطاری هجوم آوردند به طرف ما. در جلوی راهپیمائی ، مجروحان جنگ در یک طرف بودند و زنان در طرف دیگر بودند.

در حمله اول مجروحان جنگی از روی صندلیهای چرخدار خود به روی زمین افتادند و زنان هم با شدت و فشار زیاد مضرّب و مجروح شدند.

ما با صدای الله اکبر از مردم خواستیم که متواری نشوند و همانجا بنشینند که در همان لحظه از بالای ساختمان پارکینگی که نیمه تمام بود و در کنار مسجد الحرام بود پاره آجرهای بسیاری از سوی افرادی با لباسهای معمولی به پائین پرتاب شد.

از رفتارشان معلوم بود که پلیس مخفی سعودی بودند، ماموران سعودی نه تنها پاره آجر بلکه و تخته پاره های بزرگ را به سمت مردم پرتاب می کردند که در یک لحظه چهار یا پنج نفر بر اثر

اصابت آن کشته می شدند. جمجمه هایی را جلوی چشمانم دیدم که از هم متلاشی و می شد، احساسم این بود که ما در حرم الهی هستیم و بهتر است که حفظ حرمت حرم کنیم و بهم مقابله نکنیم.

مادر حرم امن الهی بودیم جایی که حتی کشتن حشرات ممنوع است و مابدستور شرع با آرامش حرکت می کردیم چون ما برای دعوا و زدو خورد نیامده هم بودیم و تمام حواس ما بر این امر معطوف بود که حرکتی غیر مشروع انجام ندهیم والا اگر اجازه شرعی داشتیم بر مقابله، با مشتی محکم اسلحه سربازان سعودی را از کفشان خارج میکردیم و بر حق آنها را کف دستشان می گذاشتیم.

از همه بیشتر کسانی که صدمه دیدند زنان و مجروحان جنگ بودند، افراد جلو راهپیمایی متحمل بیشترین صدمات شدند و بیشتر شهیدان جمعه خونین مکه را پیشتازان راهپیمایی و تشکیل میدادند، در بین مسیر هم افراد بسیاری توسط پاره آجرها و اشیاء دیگر که از بالای به ساختمانها انداخته می شد مجروح و یا شهید می شدند.

همه راهها و سرکوچه ها هم بسته شده بود و همه در محاصره پلیس سعودی بودیم جهت اینکه فشار بر جمعیت زیاد آمده بود از تحمل خارج شدیم و جهت دفاع از خودمان از یک جناح به سمت پلیس هجوم بردیم، هجوم ما عملی دفاعی بود نه تجاوزکارانه.

پلیس ها با یورش ما فرار کردند، و رفتند به کوچه ها و روی تپه ها، ما هم به تعقیب آنها رفتیم به کوچه ها، داخل این کوچه ها اکثر حجاج اهل ترکیه بودند و متأسفانه تمام درها بسته بود و جلوی هر دری نگهبانی ایستاده بود و از ورود ما به داخل منازل جلوگیری میکردند زنان و مردان هم داخل ساختمانها از نگهبانان تقاضا میکردند که به ما اجازه ورود بدهند مع الاسف این درها و اکثر باز نشد. پلیس سعودی از فرصت استفاده کرد و بسوی مردم گازهای اشک آور پرتاب کرد به و نفراتی را هم به ضرب گلوله از پا در آورد. مردم دو مرتبه برگشتند به خیابان مسجد الحرام. م من در آنجا خانه ای از حجاج ترکیه ای را یافتم که اهل کردستان ترکیه بودند و به زبان کردی و صحبت می کردند از آنها خواستم اجازه بدهند پیراهنم را بشویم وقتی که متوجه شدند به زبان به ترکیه ای حرف می زنم گفتند بیا آقا بیا شما هم مجروح شدید؟ درها را باز کردند البته متأسفانه به با احساسات میهنی نه با مسئولیت اسلامی. پیراهنم را شستم، ۲۰ دقیقه گذشت تا پیراهنم و خشک شد و تأثیر گازها هم از بین رفته بود. دو مرتبه به خیابان آمدم. در خیابان افراد ضد و انقلاب را که به فارسی فصیح صحبت میکردند دیدم که فریبکارانه حجاجی را که نشانی از پر

تظاهرات از جمله وجود لکه خونی بر لباس داشتند جمع میکردند که به اصطلاح خودشان به جای امنی ببرند ولی دیدم که همه را تحویل پلیس می دادند.

من جلو رفتم و به یکی از آنها گفتم آقا شما چرا اینها را جمع می کنید مگر تقصیر اینها هم چیست؟ همان لحظه یکی از پلیسهای سعودی پیش آمد و گفت شما که ایرانی نیستید دخالت نکنید! حتی پیر زنان و پیر مردانی را که از حرم بر می گشتند و از حادثه خبر نداشتند با زبان های فریبندهای همچون آقا شما ایرانی هستید؟ خانم شما ایرانی هستید؟ بیائید بیائید. با این شکل ایرانی ها را جمع می کردند و در بین کوچه ها مأمورانی در لباس مردم، ایرانیها را بی انصافانه کتک می زدند.

در سر هر کوچه تانکر آبی بود که ماموران سعودی با فشار زیادی به روی مردم می پاشیدند، آنها بسیار داغ بود که پوست بدن را می سوزاند این هم یکی از روشهای متلاشی کردن مردم بود که توسط حاکمان حجاز صورت گرفت.

هنگامیکه تیراندازی شروع شد مردم به طرف پل حجون برگشتند و اما بواسطه محاصره راه گریزی نداشتند.

در قتل عامی که جمعه خونین اتفاق افتاد بیشتر زنان قربانی جنایت آل سعود شدند در کنار مسجد جن جنازه بسیاری از زنان شهیده جمع آوری شده بود.

یکی از استادان تاریخ دانشگاه پیشاور آقای محمد دامغش را آنجا دیدم در حالی که گریه م می کرد به من گفت: من فقط با دست خودم ۳۳ جنازه مطهر شهیدان را به کنار مسجد گذاشتم.

برادرانی را دیدم که مادر یا همسر و یا همشیره خود را از دست داده بودند و برای شناسائی به آنجا آمده بودند که اینها هم یک مرتبه مورد هجوم بیشرمانه دژخیمان آل سعود قرار گرفتند و دهها نفر دیگر از برادران شهید شدند و نفرات بسیاری مجروح گردیدند .

باچوب باطومها وميله های آهنی مخصوص که در دست داشتند چنان بر مغز برادران فرود می آوردند که در جاجمجمه را متلاشی می کرد و شخص بصورت جسمی بی جان به روی زمین می افتاد.

خیابان مسجد الحرام بیشتر شبیه به یک میدان جنگ بود، پلاکاردها، چوبهای پلاکاردها، و پر دم پائی ها و چادرها و جنازه های شهیدان در خیابان پراکنده بود.

آنهايي که زخمي شده و حالت وخيمي داشتند آنها هم در گوشه و کنار خيابان در حال بهم احتضار بودند.

جالب اينجاست که هزارها نفر از حجاج کشورهای ديگر تماشاچي صحنه بودند.

آمبولانسهای هلال احمر جمهوری اسلامی می آمدند زخمي ها و جنازهای شهيدان را جمع آوری می کردند اما اين نيروهای سعودی به اين آمبولانسها اجازه حرکت نمی دادند، به حداقل ۷ يا ۸ آمبولانس را من خودم دیدم که سوراخ سوراخ کردند و زخمي ها و شهيدان را به پائين انداختند و آنهايي که زخمي بودند آنها را در همانجا کشتند، در اين لحظه هم با اينکه مردم حزب الله احتمال شهادت و مردن را میدادند باز هم دست از ندای ملکوتی الله اکبر و فریاد مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائيل و ... بر نداشتند.

مردم متوجه شده بودند که هدف رژيم آل سعود جلوگیری از راهپيمايي نيست بلکه قتل عام راهپيمايان است مردم حزب الله هم در اين لحظه حساس با توکل کامل منتظر عاقبت خود بودند و تکبير و صلوات می فرستادند و هوا هم رو به تاریکی گذاشته بود و بعد از نماز مغرب نيروهای امنیتی سعودی فشار خود را بر مردم زيادتر کرده بودند.

حجاج فلسطينی، کويتي، بحرينی، اردنی و حتی حجاجی ها در های منازل خود را به روی هم مردم باز کرده بودند. شهر در محاصره تانکها و نيروهای امنیتی قرار گرفته بود.

و با اينکه زمانی از شب گذشته بود در ميدان معاينه عده ای از عمال سعودی بسوی مردم هم گازهای اشک آور و گازهای خفه کننده پرتاب می کردند و مردم مجبور می شدند بسوی پل اور حجون برگردند تا از تأثير گازها در امان بمانند در همين لحظه از طرف مقابل هم مورد هجوم گازهای اشک آور و خفه کننده و در بعضی لحظات مورد تيراندازی دژخيمان آل سعود قرار گرفتند و مردم مجبور می شدند بالعکس به طرف عقب برگردند، اما کجا فرار کنند دورتادور در محاصره پليس بودند در اين رفت و برگشت جمعيت بسياری از زنان و مردان کهنسال زیر دست و پای مردم ملتهب مجروح و مصدوم و حتی شهيد شدند.

آنها قصد عمدی داشتند که به اينصورت تظاهرکنندگان براءت از مشرکين را از بين ببرند.

یکی از حجاج ترکیه ای که ريش سفید هم بود از اين قضایا بسيار متأثر شده بود و بی تاب از پر جمعيت جدا شد و به جلوی نيروهای سعودی رفت و خواهشانه و ملتمسانه دستهایش را بالا گرفت و از آنها خواست ترا به خدا ديگر از اين کارها نکنيد، قلب رسول خدا را که شما بدرد آوردید و... هنوز خواهش آن ريش سفید تمام نشده بود و هنوز دستهای ملتمسانه اش به پائين

و نیامده بود که با گلوله‌های او را نقش بر زمین ساختند .

رژیم سعودی در مقابل این مردم بی سلاح و بی دفاع به اصطلاح خودش به قدرت نمائی پرداخته بود، از آسمان هلیکوپترها و از زمین هم ماشینهای پلیس با صداهای دلخراش در حال حرکت و ایجاد جنگ روانی بودند و مردم با حالت توکل عاقبت خود را منتظر بودند.

به فضای مکه با بوی خون و باروت و گازهای اشک آور و خفه کننده و با صداها و طنین های دلخراش پر شده بود .

نیروهای سعودی از یک طرف مردم را می کشتند و از یک طرف هم خیابانها را پاکسازی و می کردند، لباسها، کفشها، چادرهای آغشته به خون و جنازه شهیدان را جمع آوری می کردند و در کامیونهای مخصوصی می ریختند و از صحنه خارج می کردند و خیابانها را با و ماشینهای مخصوصی می شستند.

از پل حجون به طرف بازار ابوسفیان و به طرف مسجد الحرام کاملاً پاک شده بود اما بالاتر از که پل حجون به طرف میدان معابده هنوز ضرب و شتم مسلمین ادامه داشت.

رژیم سعودی زیاد سعی کرد آثار جنایت خود را از بین ببرد تا مورد توجه حجاج دیگر کشورهای هم قرار نگیرد.

ساعت ۱۰/۵ یا ۱۱ شب بود که شهر کاملاً از تظاهرکنندگان خالی شده بود و نیروهای امنیتی سعودی با ژست ظفرمندان به صحنه آمدند تا مابقی آثار جرم خود را از صحنه خیابانها کنند.

یکی از حجاج ترکیه ای که چهار اتاق برای افرادش در اختیار داشت تمام اتاق های خود را از تظاهرکنندگان ایرانی پر کرده بود چون زبان فارسی بلد نبود از من خواست جهت فهمیدن و زبان آنها و ارتباط بهتر با آنها به یاریش بشتابم.

بدانجا رفتم اتاقها را از تظاهر کنندگان پریافتم، زنان در اتاقی و مردان در اتاقی دیگر پناه گرفته بودند.

بعضی ها مجروح شده بودند و بعضی ها در اثر فشار جمعیت در حال فرار له شده بودند گریه و ضجه و ناله بود که از میان آنها شنیده می شد. در میان آن ناله ها و اشک ها صداهایی می شنیدم «مادرم رفت - خواهرم رفت. همسرم رفته آنها هیچ نمیدانستند وابستگانشان شهید شده اند یا مفقود گردیده اند.

به به آرامی با ذکر بسم الله الرحمن الرحیم زبانم را گشودم و جهت تسلی آنها گفتم: برادران و

خواهران اسلامی، شما کسانی هستید که تحمل حدود ۱۰ سال مخاطرات انقلاب و جنگ را نموده اید، شما در تاریخ الگویی بزرگ دارید و آن حضرت سیدالشهداء است حضرت م سیدالشهدا(ع) برای همه ما در مقابل مصیبتها یک الگوست.

و وقتی که نام حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام را بر دم نفسها به آرامی گزینید و پس از سکوتی زمزمه هایی از میان جمعیت بگویم رسید، زمزمه ها با نام حسین (ع) همراه بود.

\* اشکهای شکسته دلان همراه با نداها یا حسین مظلوم به جریان افتاد.

و به اتاقی که زنها در آنجا بودند رفتم صحنه ای بسیار عبرت انگیز و در عین حال حیرت انگیز به نظرم را جلب کرد.

و زنان حجاج ترکیه ای هم خدمت میکردند و هم گریه میکردند، افرادی از زنان ایرانی که ترکی بلد بودند آنها را تسلی میدادند و دعوت به صبر می نمودند.

بنده از آنها خواستم نام کاروانها و شماره کاروانهای خود را بگویند و پس از اینکه پرسیدم و نوشتم به آنها گفتم ناراحت نباشید شما اینجا که هستید در میان خواهران ترکیه ای خود هستید.

۱/۵ ساعت از نیمه شب گذشته بود که به جایگاهی از ایرانها تلفن زدیم و آنها را مطلع ساختیم.

نیم ساعتی نگذشته بود که متوجه شدیم شخصی زنگ در را بصدا در می آورد، پیش رفتیم و در باز کردیم بعد از سلام گفتند: متوجه شدیم که چند نفر از خواهران ایرانی ما اینجا هستند میخواهیم آنها را تحویل بگیریم.

آنها گرچه از برادران ایرانی بودند گفتیم کارت شناسائی دارید گفتند نه. گفتیم ببخشید ما هم از اینکار معذوریم علت جواب کردن آنها هم این بود که منافقینی را دیده بودیم که با رژیم سعودی همکاری داشتند و اینان برای ما ناشناخته بودند که از گروه حزب الله هستند یا از گروه حزب الشیطان.

آن اشخاص رفتند و ساعت حدود ۲ و سی دقیقه نیمه شب باز آمدند و با خود کارت و شناسائی آورده بودند پس از تحقیقات و اطمینان - اول گروه مردها را تحویل دادیم سپس گروه زنها را به آنها تحویل نمودیم.

جالب اینجاست که زنان از ما سؤال میکردند چند نفر بشهادت رسیده اند ما برای تسلی آنها به می گفتیم حدود ۲۰ نفر که تازه آنها مجروح شده اند. زنان قبول نکردند و گفتند فقط ۲۰ تا ۲۵ نفر را خودمان دیدیم که جمجمه هایشان خرد شده بود و به شهادت رسیده بودند ما دیگر جوابی هم

هم نداشتیم و آسمان را سکوت غم فرا گرفته بود .

وقت سحر بود . جهت رفتن به مسجدالحرام پیاده به راه افتادم در هر طرف پلیس ها و سربازانی را می دیدم که عده ای در خواب و عده ای بیدار بودند. آنها به عابرین زیاد توجه داشتند که مبادا ایرانی باشد.

چند تن از سربازان سعودی مرا پیش خواندند و سؤال کردند شما ایرانی هستید گفتم نه من مسلمان هستم گفتند همه ما مسلمان هستیم گفتیم پس این همه مسلمانها را چرا کشتند؟ چند جمله ای به عربی گفت که دقیقاً متوجه نشدم ولی از لابلای صحبتهایش جملاتی را متوجه شدم که می گفت اینها می خواستند بروند بیت الله الحرام را تخریب کنند لذا این حادثه پیش آمد.

آل سعود به اصطلاح خودشان را حافظ بیت الله هم می دانستند باحالت محزونی که داشتم وارد مسجد الحرام شدم، صدها پلیس را دیدم که حرم را به اشغال خودشان در آورده و بودند، حجاجی که از کشورهای دیگر بودند آنها هم یواش یواش برای اقامه نماز صبح وارد به حرم و صحن بیت الله الحرام می شدند و می دیدند که سربازان در خیابانها و حومه بیت الله الحرام صف کشیده اند.

به گروهی از حجاج ترکیه ای نزدیک شدم و ماجراهائی را که آنها از جمعه خونین مکه در تصویر ذهن داشتند سؤال کردم عده ای از آنها گول تبلیغات دروغین رژیم سعودی را خورده و بودند و علیه ایرانی ها که چرا مرگ بر آمریکا می گویند و یا چرا تظاهرات می کنند حرف می زدند از آنها سؤال کردم شما معنای حرم را بلدید؟ در جواب سخنان جاهلانه می گفتند و اکثراً از حکمت حج بی خبر بودند و عده قلیلی هم بودند که ضمن تأسف از کشتار مکه اظهار می داشتند که سربازان سعودی مقصر نیستند چون هرچه فرمان میدهند آنها باید انجام دهند.

من سؤال کردم که در نظر شما فقط فرعون مجرم بود؟ یا سربازانش هم مجرم بودند؟ سوره قصص را بخوانید متوجه می شوید که سربازان فرعون هم مجرم بودند. اگر این سربازان سعودی از رژیم اطاعت نمی کردند حادثه جمعه خونین هم اتفاق نمی افتاد. وقتی که این را هم مطرح میکردیم اینها مسأله اولوالامر را پیش می کشیدند و می گفتند جامعه باید یک اولوالامر داشته باشد و بدون آن هم نمی شود. اینها یک قاعده درست اسلامی را در جای ناصحیح و به و نفع ظالمان استفاده می کردند.



آنها افکاری ناصحیح داشتند و دولت را مقدس تر از احکام اسلامی میدانستند دیگر ادامه صحبت را با آنها جایز ندانستیم.

بعد از رفتن به مسجدالحرام در پشت بام مسجد بکناری نشسته بودم و هزاران نفر را در حال طواف بیت الله می دیدم که فریادهای الله اکبر - لا اله الا الله و محمد رسول الله را سر میدادند .

من تعجب می کردم که خدایا اینها همه طواف می کنند بیت الله را برای چی ؟ تکبیر می گویند برای چی ؟ ولا- اله الا- الله و محمدرسول الله را میگویند برای چی ؟ دعا میخوانند برای چی ؟ اصلاً روح اعمالشان برای چیست ؟ آفتاب در آستانه طلوع بود که به خانه برگشتم. دیدم افراد خانه منتظر برادرانی هستند که تا در آن ساعت نیامده بودند، ۳ نفر از افراد آن خانه بشهادت رسیده بودند و یک فلسطینی هم که مربوط به آن خانه بود آنرا هم دیده بودیم که جلوی چشممان بشهادت رسیده بود.

صبح از خانه بیرون رفتم که عکس العمل مردم حجاز را در مقابل ایرانیان ببینم. خوشبختانه و آنها را متأثر و ناراحت از اعمال زشت سعودی هایافتم و خوشحال شدم که تحت نفوذ و ، تبلیغات سوء رژیم قرار نگرفته بودند، البته میان آنها افرادی خبیث هم بودند که از رژیم و به با اعمال ننگینش حمایت می کردند و با حرکات دست اشاره میکردند که ما شما را کشتیم.

و این رژیم خونخوار سعودی یک ضعف بزرگ خود را هم نشان داد، هم این انسانهای مظلوم و و بی دفاع را کشت و هم تبلیغات سوء کرد و هم مردم حجاز را در کنار خود نیافت.

و جمعی از مردم حجاز اکثراً به کار خرید و فروش هستند و در بازار ابوسفیان از صبح تا نیمه شب دست از فروش بر نمیدارند و بازار ابوسفیان یک پایگاه امپریالیزم جهانی است.

و از این مسائل استنباط میشود که یک بی فرهنگی در قلب و مرکز توحید حاکمیت دارد و فکرشان خشک شده است و فقط برای پول از خود حساسیت نشان میدهند و برای اسلام دلشان شور نمی زند.

از جنایات آشکار رژیم سعودی معلوم می شد که اینها انتقام صدام و رژیم بعث را از و ایرانیان گرفته اند.

انگیزه دیگری که رژیم سعودی را به این کار وادار کرد وابستگی آنها به استکبار جهانی بود، و آنها میدانستند که ایران اسلامی، استکبار جهانی را به ذلت کشانده است و همه نیروهای په آزادیبخش اسلامی روی انقلاب اسلامی و توان و نفوذ آن در جهان حساب می کنند. لذا هر سعودیها که نوکر امپریالیزم جهانی هستند خواستند با سرکوب نمودن تظاهرات براءت و

از مشرکین، ایرانیان را از آن قدرت و اقتدار جهانی بیندازند.

آنها فکر میکردند از نظر ناسیونالیزم عرب کاری بزرگ انجام داده اند که البته همه این ها از تفاخرات شیطانی نشأت دارد. باند قاتلان سعودی با کشتار مردم بی سلاح و بی دفاع در جمعه خونین مکه تمامی کفر را خوشحال کردند.

قبل از تظاهرات تبلیغات علیه ایرانیان از طریق رادیو و تلویزیون می شد اما بعد از کشتار مکه نه تنها تبلیغات بلکه افتراهای بسیاری هم علیه تظاهر کنندگان صورت می گرفت .

مثلاً- پرچم آمریکا را که به آتش کشیده بودیم عکسی از آنرا گرفته چاپ کرده بودند که پرچم دیگر وجود نداشت و همه اش سوخته بود و فقط چوب سوخته پرچم مانده بود و این را سندی از روشن کردن آتش فتنه بدست چماقداران می دانستند.

یا جمله ای دیگر از امام را که به زبان عربی بر روی پلاکاردی نوشته شده بود بهانه قرار دادند و آنرا خصمانه تلقی کرده بودند. بر روی پلاکارد فرمایش امام علیه اسرائیل غاصب نوشته شده بود: امام فرموده بودند در مقابل اسرائیل برای جهاد آماده شوید، سلاح و تدارکات دیگر را آماده کنید آنها این جمله را عکس گرفته و قسمت اسرائیل آنرا حذف کرده بودند و جهت دلیل و خود گفته بودند ببینید (آیت الله خمینی) چه چیزی گفته بود، او علنا به ایرانیها دستور قیام داده بود.

رژیم منفور آل سعود جنایات بزرگی را مرتکب شدند و برای پوشاندن خباثت خود و دروغ ها و افتراهای بزرگی را هم ساختند و شهرت شیطانی خودشان را بدتر از قبل ترویج دادند.

بعد از چند روز از واقعه مکه تدابیر شدیدی از سوی رژیم حاکم بر حجاز اعمال شده بود سربازان بسیاری بیت الله الحرام و حومه آنرا اشغال کرده بودند در حالیکه اسلحه در دست و بمبهای گاز اشک آور و خفه کننده به کمرهایشان آماده داشتند .

در علوم و حقوق یک قاعده هست که منطق قاتلان همین است، یعنی هر قاتل برای زورمند نشان دادن خودش جنایات دیگری را هم مرتکب می شود اینها هم همینگونه بودند.

والسلام ایوب صلاح - زائر خانه خدا و از برادران اهل سنت ترکیه روزنامه جمهوری اسلامی از دوشنبه ۱۸ آبان تا پنج شنبه ۲۱ آبان ماه ۱۳۶۶ بن

یکشب در اسارت وهابیان ساعت چهار بعد از ظهر روز جمعه ۶ ذیحجه الحرام ۱۴۰۷ هجری قمری به اتفاق زائران گروه ۱۷۱۸۲ که اینجانب سمت روحانیت آنان را داشتم بطرف محل برگزاری مراسم راهپیمایی حرکت کردیم.

زائرانی که در مراسم شرکت کرده بودند با قلبهایی که از عشق به اسلام و لبانی متبسم که کاشف از خشنودی آنها بود زیرا می دیدند که بعد از گذشت چهارده قرن از طلوع خورشید عالمتاب اسلام در این سرزمین مقدس امروز ندایی را که پیامبر بزرگوار اسلام در این مکان مقدس سر می داد «لا اله الا الله» و جامعه بشریت را دعوت به توحید و یکتاپرستی و مبارزه و برائت جستن از مشرکین و ملحدین و طواغیت زمان می فرمود: «واذان من الله ورسوله و الی الناس یوم الحج الأكبر ان الله بری من المشرکین و رسوله (سوره توبه آیه ۲)» هم یاران واقعی آن حضرت به رهبری فرزند عزیز و جانشین بر حق آن بزرگوار حضرت خمینی ادام الله بقائه سر می دهند و این نقطه امیدی است برای مسلمانان جهان .

ساعت حدود ۵ بود که به محل برگزاری مراسم رسیدیم گوینده ای پیام حضرت امام را به زبان عربی قرائت می کرد همان پیامی که امیدوار کننده مستضعفان و مأیوس کننده مستکبران بود همان پیامی که از یک دل آگاه و قلب مطمئنی برخاسته و بر دلها و قلبها حرارت می بخشید، گویی نفس مسیحا بود که مردگان را زنده می کند بعد از قرائت پیام امام سخنرانی نماینده حضرت امام شروع گردید و چندین بار با احساسات مذهبی شنوندگان و گفتن تکبیر تأیید گردید سپس شعارهایی در رابطه با وحدت مسلمین و برائت از مشرکین (لا اله الا الله ، محمد رسول الله ، الموت لامریکا، الموت لروسیا و الموت لاسرائیل ) داده شد و جمعیت به آرامی و متانت به طرف مسجد الحرام براه افتادند نزدیک پل حجون یکی از دوستان اصفهانی را دیدم با ناراحتی گفت فلانی برگرد که درگیری بسیار شدید است و عده ای را کشتند در اینحال برگشتم ولی کجا بروم؟ خیابانهای اصلی از جمعیت موج می زد راههای فرعی بوسیله پلیس بسته شده بود زد و م به خورد شدت یافته تیراندازی بدون وقفه ادامه داشت و لحظه ای قطع نمی شد از ساختمانهای بلند عده ای از جنایتکاران اقدام به پرتاب سنگ و آجر و شیشه نوشابه و حتی کوزه گل بر سر از زائران بی پناه می کردند و جمعی از پلیس مخفی که با لباس عربی بودند با چوب و چماق به او

جان مرد وزن زائر افتاده بودند و شدت بر سر و بدن آنها می زدند جانبازان انقلاب را که در م چرخهای خود نشسته بودند با لگد بر زمین می زدند و چرخهایشان را بر روی آنها می انداختند و به آن عزیزان مظلوم اهانت می نمودند.

وی در این حال کجا بروم و به چه کسی پناه ببرم! دادرسی غیر خدا و فریاد رسی جز میزبان نیست اینجا بود که معنی مضطر را درک کردم و با تمام وجود آیه شریفه امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء را خواندم .

بالاخره بعد از چند دقیقه خود را در خیابان حجون در امتداد قبرستان ابوطالب دیدم و به مسجدی که در اول خیابان بود و صدای اذان مغرب از بلندگو پخش می شد وارد شدم در آن مسجد عده زیادی از برادران و خواهران ایرانی بودند که بسیاری از آنان مجروح و مصدوم شده بودند چند نفر از روحانیون اصفهان با بدنهای خسته و خون آلود و لباسهای پاره در وسط مسجد بیحال دراز کشیده بودند و به شدت می نالیدند نماز مغرب و عشا را خواندم و از مسجد بیرون آمدم و بطرف منزل حرکت کردم زیرا از افراد گروه خبری ندارم و برای آنها شدید نگران هستم آیا بر سر زنان و مردان همسفر چه آمده و کجا هستند؟ باید هر چه زودتر بروم و از آنها خبری بدست آورم شاید بتوانم کمکی کنم.

لذا در حالی که عبا و عمامه را زیر بغل گذارده بودم به طرف خیابان اصلی شارع مسجد الحرام که منتهی به معابده و شیشه و عزیزیه می شود حرکت کردم در بین راه جوانی مرا و تعقیب کرد و شروع به سخن و دلجویی از من شد و ظاهر آراسته و متین بود و کم کم خود را به من نزدیک کرد بحدی که دست مرا گرفت و می گفت شما ضعیف و خسته هستید می خواهم به شما کمک کنم و به اتفاق زیر پل حجون رسیدیم آه که چه دیدم که تا آخر عمر آن مناظر و دلخراش را فراموش نمی کنم خیابان مملو از سنگ و آجر و شیشه بود که هر کدام از آنها بر سر هم مظلومی و بی پناهی رسیده و با او را کشته و یا مجروح کرده است چادرهای زنان و عبا و م عمامه ای خون آلود کف خیابان را پوشانیده بود کمتر گوشه ای از خیابان بود که به خون عزیزی از هم عزیزان خدا آلوده نباشد کنار خیابان بر روی آسفالتهای داغ بدنهای مردان و زنانی را دیدم که غریبانه جان داده بودند و کسی نبود بدن پاک آنها را بردارد تنها چند نفری از همشهریانشان اطراف آنها گریه و ناله می کردند مجروحان و آسیب دیدگانی را در پیادهرو و خیابان دیدم که خون از بدن و صورت آنها جاری بود و اگر دکتر و دارو به آنان می رسید ممکن بود از مرگ هم نجات پیدا کنند ولی وسیله مطمئنی که آن بندگان خدا را بجای امنی برساند نبود و در نتیجه کنار

خیابان مظلومانه و غریبانه جان می دادند و به شهادت می رسیدند.

در همین حال هوای مکه از آتش پرتاب گازهای اشک آور و خفه کننده بسیار آلوده و مسموم شده بود بطوریکه تنفس بسیار دشوار بود و گروههایی از پلیس فاشیست عربستان با تجهیزات سلاح کامل بطور دستجمعی رژه می رفتند و قدرت نمایی می کردند گویی که به فتوحی بزرگ دست یافته اند در همین حال با این شرایط که گویی از خرمی از آتش عبور می کردم ناگهان از پشت سر شخصی که با لباس عربی بود ولی از ماموران مخفی بود مرا مورد ضرب و شتم قرار داد و دست راست مرا گرفت در همین حال شخص دیگری دست چپ مرا گرفت و چنان سیلی بصورت من زد که خون از گوشم جاری شد و با دست بند دستهای مرا از پشت بستند و عبا و عمامه مرا پاره کردند و مرا تحویل پلیس دادند دو نفر پلیس چندین بار بصورت و دهان من کوبیدند که گوش و دهان و چشم من مجروح گردید در این حال من را در جمع اسرا که حدود پانصد نفر بودند و کنار خیابان نزدیک مسجد جن آنها را نشانیده بودند و حلقه محکمی از به پلیس اطراف آنها را محاصره کرده بودند و اکثر آنان را پیرمردان و پیر زنان و جانبازان انقلاب هم تشکیل می دادند نشانیدند و سه جمله را تکرار می کردند و مرا می زدند. انت تحب الخمینی ، انت عالم، انت ایرانی در آن موقع بیاد این شعر شاعر عارف افتادم : بیگناهی کم هم گناهی نیست در میدان عشق - یوسف از دامان پاک خود به زندان رفته است.

منظری که در آن حال مرا بسیار رنج داد یکی دیدن چند نفر از جانبازان انقلاب بود که با پای قطع شده بر روی چرخهای خود نشسته بودند و دستهای آنها را هم از عقب بسته بودند و مرتباً به و آنان فحاشی و اذیت می کردند و دیگر دستگیری چند نفر از خواهران بود که چادر از سر آنها کشیده بودند و آنها را با باطوم می زدند و من فکر می کردم خواهران را هم قصد اسارت دارند ولی بعد از چند دقیقه فرمانده پلیس آمد و دستور آزادی خواهران را داد و گفت هن حرمه و آنها م را آزاد کردند ولی همه برادران اسیر را با دستهای بسته و اکثر بدنهای مجروح سوار ماشین کردند و حرکت نمودند (ما را بعنوان خارجی به دور شهر گرداندند) اتوبوسها که گنجایش چهل نفر به مسافر را داشت بیش از هفتاد نفر سوار کردند وسط ماشین بندگان و میهمانان خدا را با دستهای بسته به روی هم انداخته بودند در هر اتوبوسی شش نفر پلیس بود که با اسلحه کمری و با باطوم ما را همراهی می کردند و شیشه های اتوبوس بالا کشیده بود شدت گرما طاقت فرسا بود و غیر قابل تحمل بود هر کدام از این برادران عزیز اظهار تشنگی می کردند با باطوم بر سر آنها می زدند و حتی از ناله و فریاد آنها هم مخالفت می کردند اتوبوسها بسیار آهسته می رفتند و

در جاهای پر جمعیت توقف طولانی می کردند در جلو اتوبوسها چند دستگاه ماشینهای راهنمایی و پلیس در حرکت بود ماشین پلیس که بلندگو داشت مرتباً مطالبی می گفت و مردم را هر از جریان باخبر می کرد صدای او را می شنیدم ولی کلمات را تشخیص نمی دادم در پشت سر چند ماشین پلیس ما را بدرقه می کردند و در اطراف مکه محله های قدیمی که معمولاً ایرانیان سکونت نداشتند ما را گردانیدند مردم عرب مرد و زن اطراف خیابانها صف کشیده بودند و گوش به سخنان گوینده می دادند و ما را تماشا می کردند از چهره بعض آنها آثار ناراحتی و تأثر دیده می شد ولی کاری از دستشان بر نمی آید و کمی از آنان را هم خوشنود و خندان می دیدیم که مسلماً یا از عوامل عربستان بودند و یا از بعثیهای عراقی و گرنه هیچ مسلمانی از شنیدن و دیدن این مناظر دلخراش مسرور نخواهد شد بالاخره بعد از دو ساعت اسارت و گردش در شهر مکه و شکنجه های روحی و جسمی ما را به خارج مکه شارع مدینه و بردند.

هم در یک خیابان تاریکی کنار ساختمانی که ظاهراً بازداشتگاه بود ما را پیاده کردند و در آنجا ما را حبس کردند.

در زندان چه گذشت در زندان شکنجه بدنی نبود دست بندها را هم از دست ما باز کردند و این عمل بالاترین مت بما بود زیرا بستن دو دست آنهم از پشت سر با دست بندهای فلزی بسیار ما را شکنجه می داد بطوری که بعد از باز کردن ، دستهای من سیاه شده بود و ورم شدید کرده بود و تا مدتی قدرت حرکت نداشت که من فکر کردم دستهایم از کار افتاده ولی پس از معالجه و مداوا بعد از دو سه روز به حال اول برگشت ولی شکنجه روحی و روانی فراوان بود.

در زندان آب و غذا به ما ندادند و بسیار اهانت می کردند حتی از خواندن نماز ما را ممانعت می نمودند و می گفتند انتم مسلم نعوذ بالله از پشت دیوار زندان ظاهر شخصی را شکنجه همه می دادند داد و فریاد او بگوش ما می رسید و ما را متأثر می کرد و هر چه لحظه ای برای خود هم چنین مصائبی را پیش بینی می کردیم برادر پیر مردی را دیدم که پیراهن او پاره بود و سینه او مجروح بود بسیار ناراحت به نظر هم می رسید از او سؤال کردم شما کی و اهل کجا هستید؟ آن مرد محترم جواب داد من پدر دو شهید و دو جانباز انقلاب هستم امسال به اتفاق عیالم از طرف بنیاد شهید به مکه آمده ام خودم را به این صورت که می بینی کتک زدند و اسیر و زندانی نمودند و از عیالم هم هیچ خبری ندارم.

این بود رفتار غیر انسانی حکام سر سپرده عربستان که حتی با کفار چنین رفتاری نمی شود

که خود را خادم الحرمین می دانند و در حقیقت خائن الحرمین هستند و در حق زائران بی پناه و میهمانان خدا که جز انجام وظیفه دینی و عشق به خدا و اطاعت از رهبر و ولی فقیه چیز دیگری محرک اینها نبوده و شعاری جز کلمه توحید و نفی شرک و برائت از مشرکان و ملحدان و طواغیت زمان که همان شعارهای مسلمانان صدر اسلام و رهنمودهای پیامبر بزرگوارشان بود که در این شهر مقدس سر می دادند نمی گفتند این چنین معامله کنند؟ بالاخره بعد از گذشت یکشب توأم با اذیت و آزار و شکنجه روحی و جسمی که دیدن آن به مناظر تاریخ صدر اسلام و شکنجه شدن مسلمانان عزیز و پیروان راستین پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام را در ذهن ما تداعی می کرد و آنچه را در کتب تاریخ و حدیث خوانده و بودیم به چشم دیدیم و مسموعات ما به محسوسات و ملموسات تبدیل گردید. در ساعت ۶ صبح بعد از بازجوئی مختصری ما را سوار کردند و درب ابراهیم (ع) مسجدالحرام پیاده کردند.

دعای عاشقان کنار خانه معشوق در آن حال که چشمان ما به درب مسجد الحرام افتاد و مناره های نورانی را دیدیم گریه راه گلوی ما را گرفت و بشدت تحت تاثیر آن فضای روحانی قرار گرفتیم و چون از تشریف به مسجد الحرام ممنوع بودیم (بواسطه خون آلود بودن بدن و سر و صورت و نجاست بدن و لباس) لذا درب مسجد با دلهای شکسته و بدنهای مجروح و قلبهای پریشان مخصوصاً که چند نفر از و پدران شهدا و مفقودان و جانبازان در جمع ما بودند این دعای شریفه را که همه چیزها در اوست و خواسته اولیاء حق و مقربان در خانه خداست خواندیم اللهم انا نرغب الیک فی دوله کریمه تعزبها الاسلام و اهله و تذلل بها النفاق و اهله واللهم انا نشکوا الیک فقد نبینا و غیبه ولینا و کثره و عدونا و قله عددنا و تظاهر الزمان علینا.

و پس از آن هر دسته ای از زائران بطرف منزل خود رفتند وقتی من وارد منزل شدم و در بستر بیماری افتادم عده ای از همسفران بدیدار من آمدند و مطالبی را نقل کردند که آنچه را خود دیده بودم فراموش کردم و فوق العاده متأثر گردیدم برادری گفت دیدم از بالای پل حجون زائری را از سر به زمین انداختند و شهید نمودند شخص دیگری نقل کرد که آمبولانس ایرانی حامل عده ای از مجروحان و جانبازان بود که آنها را هر چه زودتر به بیمارستان برساند پلیس جنایتکار عربستان با آمبولانس را به آتش کشید و تمامی سرنشینان را شهید کردند اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له علی ذلک سید باقر میردامادی

## فصل دوم: اخبار – تحليلها موضع گيریها سخنرانیها و پیامها

اشاره

ص: ۴۱۷





مقدمه فصل دوم با اعلام خیر کشتار بیگناهان، مردم مسلمان ایران و امت اسلامی با پارچه در سوگ فرو رفت و فریادها به خشم برخاست همه شور و نواوغوغا و فریاد علیه ستم و ستمگران بود.

بیانیه ها، موضعگیریها و سخنرانیها، پیامها همه و همه بیانگر بیداری و هشیاری ملت رشید ایران و جهان اسلام در برابر این توطئه بود.

امام امت قدس سره و مسئولان نظام بخروش آمدند و این خروش بهمراه سیل بنیان کن ملت علیه منافع مستکبران شکل گرفت.

آنچه در این فصل می خوانید گزارش موضعگیریها و واکنش های جهان اسلام از مسئولین نظام و مردم و علماء اسلام شیعه و سنی می باشد .



پیام نماینده امام به حجاج نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی در پیامی به زائران خانه خدا از حضور گسترده و یکپارچه آنان در راهپیمایی براءت تقدیر کرد متن پیام بدین شرح است بسم الله الرحمن الرحيم - انالله و انا اليه راجعون حجاج محترم خانه خدا و زائران معظم حرمین شریفین برادران و خواهران شجاع و با ایمان سلام علیکم بما صبرتم .

حضور یکپارچه و گسترده شما مردم خداجوورشید در راهپیمایی بزرگ براءت که با متانت و نظم خاصی همراه بود جای تقدیر بسیار و سپاس فراوان دارد.

و وفاداری شما ملت صبور و مقاوم نسبت به اسلام و قرآن و رهبری معظم انقلاب اسلامی و زبانزد همه مردم دنیاست و نیازی به اثبات ندارد و حماسه خونین و قهرمانانه تظاهرات براءت سند دیگری بر این مدعا و در عین حال شاهد گویائی از مظلومیت شماست. فریاد پرطنین مرگ بر آمریکا، مرگ بر شوروی و مرگ بر اسرائیل که در اعلام براءت و ابراز تنفر آن بتها و بت پرستی های زمانه از حلقوم شما و هزاران مسلمان موحد دیگر از سایر کشورهای اسلامی بر می خاست تکرار فریاد براءت ابراهیم و محمد علیه الصلاه والسلام بود و شما زائران خانه خدا راه این دو پیامبر بزرگ خدا را در حج خود طی کردید ولی این راهپیمایی شکوهمند به کام آمریکای خون آشام تلخ بود و گر چه همه ساله با شرکت دهها هزار نفر از حجاج ایرانی و غیر ایرانی برگزار میشد، اما این بار که اعلام براءت با رسوائی های نظامی و فضاحت های سیاسی آمریکا همراه بود برخورد دولت سعودی شکل وحشیانه ای داشت این مدعیان دروغگوی خدمت به میهمانان خدا در شهر مقدس مکه در حرم امن خدا و در کنار کعبه و مسجدالحرام به صفوف منظم و آرام مردم حمله کردند و با نیروهای انتظامی و امنیتی خود حجاج بیگناه و بی دفاع را به خاک و خون کشیدند، صدها تن را شهید و هزاران نفر را مصدوم و مجروح هم ساختند. حکام جنایتکار آل سعود با این عمل سبعانه نوکری خود را برای آمریکا و اسرائیل به اثبات رساندند و گرنه شلیک گلوله های آمریکائی به سوی فریادگران مرگ بر آمریکا چه معنائی جز این دارد؟ برای اینجانب تردیدی نیست که این تهاجم وحشیانه که بدستور مقامات نادان و مزدور

سعودی صورت گرفت با توافق و هماهنگی قبلی آمریکای جنایتکار بوده است و این قتل عام \* فجیع که تاریخ مکه نظیر آنرا سراغ ندارد ضمن اینکه نقض آشکار امنیت حرم و حریم خدا و قبله مسلمین است روشن می سازد که مسلمین جهان و اندیشمندان اسلامی باید چاره ای بیندیشند و اداره حرمین شریفین را که متعلق به همه مسلمانهاست به دست گیرند و امنیت حرم را برای میهمانان خدا به این خانه امن بازگردانند.

اینجانب ضمن تبریک و تسلیت این شهادتهای مظلومانه به پیشگاه مقدس حضرت بقیه الله الاعظم ولی عصر ارواحنا له الفدا و رهبر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی مدظله و همه ملت‌های مسلمان خصوصا ملت بزرگ و شهیدپرور ایران و بازماندگان شهدا از خداوند متعال برای همه مصدومین و آسیب دیدگان شفا و بهبودی و برای شهدا رحمت و مغفرت و برای خانواده محترمشان صبر جمیل و اجر جزیل آرزو دارم.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته مهدی کربوبی نماینده حضرت امام و سرپرست حجاج ایرانی پیام حجت الاسلام کربوبی به محضر امام بسم الله الرحمن الرحیم محضر مقدس رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی بر اساس تکلیف شرعی و احساس وظیفه دینی حجاج محترم ایرانی و میهمانان معظم خدا پر و رسول خدا دوشادوش سایر برادران و خواهرانی که از سراسر جهان در حرمین شریفین گرد و آمده اند پس از برگزاری شکوهمند راهپیمائی وحدت در مدینه منوره با اجتماع عظیم و چشمگیر خود در مکه معظمه ضمن قرائت و استماع پیام مهم و تاریخی حضرت تعالی آرام و منظم در صفوف فشرده با فریاد مرگ بر آمریکا، مرگ بر شوروی و مرگ بر اسرائیل، بسوی خانه خدا حرکت کردند تا برائت و تنفر خود را از سردمداران کفر و شرک ابراز دارند با نهایت تأسف حکام مزدور سعودی به صفوف میهمانان خدا حمله کردند و حریم حرم را شکستند و امنیت کعبه و خانه خدا را نقض کردند و صدها نفر را با گلوله و گازهای خفه کننده به شهادت رساندند و هزاران تن را مضروب و مصدوم ساختند و وقاحت را به جایی رساندند که حتی مجروحین و بستگان آنان

را نیز در بیمارستانها مورد تهاجم قرار دادند و بسوی آمبولانسهای حامل مجروحین و شهدا نیز و تیراندازی کردند.

حمله وحشیانه رژیم آل سعود که نمیتواند بدون هماهنگی و همفکری آمریکای جنایتکار صورت گرفته باشد دلیل روشنی است بر سرسپردگی این رژیم به آستان کاخ سیاه که این روزها برای جبران شکست های نظامی و رسوایی سیاسی خود خون میطلبد.

اینجانب ضمن ابلاغ سلام و دعای خیر صدها هزار زائر ایرانی و غیر ایرانی و تبریک و تسلیت شهادت ها به محضر جنابعالی اطمینان میدهم که مردم ما محکم و مقاوم ایستاده اند و ه ما تا آخرین نفر و آخرین قطره خون به راه حق و اصول الهی خود پافشاری خواهیم کرد و منتظر هستیم تا جان خود را سخاوتمندانه در معبد عشق و حریم رستگاری به خدای خویش تقدیم داریم.

و از خداوند متعال برای آن امام عزیز سلامت و طول عمر و برای رزمندگان اسلام پیروزی و نصرت برای مجروحین شفا و عافیت و برای شهدا رضوان و رحمت و برای بازماندگان آنان و صبر و کرامت و برای امت اسلام صلاح و حسن عاقبت خواستارم.

والسلام علیکم ورحمت الله و برکاته دهم مرداد ۱۳۶۶ - مهدی کربوبی

ص: ۴۲۳

حکم تاریخی امام امت آل سعود برای تصدی امور کعبه و حج لیا ندارد امام خمینی در پاسخ به پیام حجت الاسلام مهدی کروی نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی پیامی به این شرح خطاب به زائران بیت الله الحرام فرستادند:

بسم الله الرحمن الرحيم والذين هاجروا في سبيل الله ثم قتلوا وماتوا اليرزقنهم الله رزقاً حسناً ان الله لهو خير الرازقين .

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروی دامت افاضاته پیام استقامت و مظلومیت شما و زائران عزیزتر از جانمان را از کنار کعبه مظلوم و حرم خون آلود خدا شنیدم.

سلام خالصانه اینجانب و همه ملت ایران را به همه عزیزانی که در کنار خانه خدا و حرم امن و خدا مورد تهاجم و گستاخی اجیر شدگان شیطان بزرگ یعنی آمریکای جنایتکار قرار گرفته اند ابلاغ کنید.

این حادثه بزرگ نه تنها احساسات و عواطف ملت ایران را که یقیناً دل همه آزادگان جهان و به ملت‌های اسلامی را جریحه دار و متألم ساخته است ولی برای ملت بزرگ و قهرمانی همچون مردم عزیز کشورمان که تجربه چندین ساله انقلاب را دیده اند و نقاب از چهره‌ها و نیرنگ‌های ایادی آمریکاجون شاه و صدام را در حمله به عزاداران حسینی و آتش زدن قرآن‌ها و مساجد برداشته اند این حوادث غیر مترقبه و شگفت آور نیست که دوباره دست کثیف آمریکا و اسرائیل از آستین ریاکاران و سردمداران کشور عربستان و خائنین به حرمین شریفین بدر آید و قلب و بهترین مسلمانان و عزیزان و میهمانان خدا را نشانه رود و مدعیان سقایت حاج و عمارت مسجدالحرام . خیابان‌ها و کوچه‌های مکه را از خون مسلمانان سیراب کنند.

اما در عین حال که شدیداً متأثر و عزادار از این قتل عام بی سابقه امت محمد(ص) و پیروان ابراهیم حنیف و عاملین به قرآن کریم گردیده ایم ولی خداوند بزرگ را سپاس می گذاریم که دشمنان ما و مخالفین سیاست اسلامی ما را از کم عقلان و بی خردان قرار داده است. هم چرا که خودشان هم درک نمی کنند که حرکت‌های کورشان سبب فوت و تبلیغ انقلاب ما و

معرف مظلومیت ملت ما گردیده است و در هر مرحله ای سبب ارتقاء مکتب و کشورمان را فراهم کرده اند که اگر از صدها وسیله تبلیغاتی استفاده می کردیم و اگر هزاران مبلغ و روحانی را به هم اقطار عالم می فرستادیم تا مرز واقعی بین اسلام راستین و اسلام آمریکایی و فرق بین حکومت عدل و حکومت سرسپردگان مدعی حمایت از اسلام را مشخص کنیم به صورتی چنین زیبا نمی توانستیم و اگر می خواستیم پرده از چهره کریه دست نشانندگان آمریکا برداریم و ثابت هم کنیم که فرقی بین محمدرضا خان و صدام آمریکایی و سران حکومت مرتجع عربستان در اسلام زدایی و مخالفتشان با قرآن نیست و همه نوکر آمریکا هستند و مامور خراب کردن مسجد محراب و مسئول خاموش نمودن شعله فریاد حق طلبانه ملت‌ها باز به این زیبایی میسر هم نمی گردید. و همچنین اگر می خواستیم به جهان اسلام ثابت کنیم که کلیدداران کنونی کعبه لیاقت میزبانی سربازان و میهمانان خدا را ندارند و جز تأمین آمریکا و اسرائیل و تقدیم منافع کشورشان به آنان کاری از دستشان بر نمی آید بدین خوبی نمی توانستیم بیان کنیم و اگر هم می خواستیم به دنیا ثابت کنیم که حکومت آل سعود این وهابی های پست بی خبر از خدا بسان خنجرند که همیشه از پشت در قلب مسلمانان فرو رفته اند به این اندازه که کارگزاران ناشی و بی اراده حاکمیت سعودی در این قساوت و بی رحمی عمل کرده اند موفق نمی شدیم و حقا هم که این وارثان ابی سفیان و ابی لهب و این رهروان راه یزید روی آنان و اسلاف خویش را سفید کرده اند.

جمهوری اسلامی ایران الحمدلله در میان زائران خانه حق از ملیتها و نژادها و کشورها رحنی در خود عربستان طرفداران بسیار زیاد و دوستان صادق و وفاداری پیدا نموده است که برای گواه شهادت حقانیت ما و معرفی قتل عام خونبار مسلمانان بدست خادم الحرمین وانتقال حقایق تلخ روز حادثه به مردم جهان ما را یاری دهند. و چه بهتر که بلافاصله و درحالیکه اجساد عزیزان ما بر و زمین افتاده اند صدام و حسین اردنی و حسن مراکشی به حمایت از جنایت آل سعود اعلام همبستگی نمایند.

گوئی عربستان سنگر بزرگی را فتح نموده است و در کشتن صدها زن و مرد بی دفاع مسلمان و به رگبار مسلسل بستن آنان و عبور از روی اجساد مطهر آنان به پیروزی نظامی بزرگی نائل آمده است که به یکدیگر تبریک می گویند و حال آنکه جهان در این مانم نشسته و دل پیامبر خانم شکسته است و چه کسی است که نداند توسل به زور و سرنیزه و لشگرکشی در برابر زائران خانه حق و تهیه آن همه مقدمات و توسل به بهانه های پوچ برای درگیری با زنان و مردان و



جانبازان و مادران و همسران شهیدان چیزی جز استیصال و خشم و ضعف آمریکا و عجز ناامیدی سرسپردگان آنان نخواهد بود.

یقیناً آمریکا و عربستان از شرایط خلع سلاح مسلمانان در حرم خدا و احترام مؤمنین به احکام د قرآن و پرهیز از جدال در کنار خانه خدا سوء استفاده کرده اند و با وسایل از پیش فراهم شده و نقشه های دقیق روبه صفتانه به صفوف شیر مردان و شیر زنان ما حمله نموده اند و آنان را غافلگیر کرده اند.

حکومت سعودی مطمئن باشد که آمریکا لکه ننگی بر دامنش نهاده است که تا قیام قیامت هم با آب زمزم و کوثر باک نمی شود و خونی که از دل اقیانوس بزرگ ملت ما بر سرزمین حجاز جاری شده است زمزم هدایتی برای تشنگان سیاست ناب اسلام گردیده است که ملتها و غم نسل های آینده از آن سیراب و ستمکاران در آن غرق و هلاک میشوند و ما همه این جناینها را به حساب آمریکا گذاشته ایم و به یاری خدا و در موقع مناسب به حساب آنان خواهیم رسید و انتقام فرزندان ابراهیم را از نموردها و شیاطین و قارون ها خواهیم گرفت.

مجدداً تاکید می کنم که اینها بهای گران حاکمیت نه شرقی و نه غربی و استقلال و آزادی خواهی ماست و اینک از فرصت استفاده کرده به یکی از آیات کتاب کریم اشاره می کنم آنجا که فرموده است: «اجعلتم سقایه الحاج و عماره المسجد الحرام کمن امن بالله و الیوم الاخر و جاهد فی سبیل الله لایستوون عند الله والله لا یهدی القوم الظالمین» گویی آیه کریمه در همین عصر نازل شده و گویی برای آل سعود و امثال آل سعود در طول تاریخ و برای ملت مجاهد بزرگ ایران و حجاج بیت الله الحرام در عصر حاضر و امثال آنان در همه اعصار آمده است.

خداوند تعالی می فرماید: شما کوردلان آب رسانی به حجاج و تعمیر مسجد الحرام را با ارزش آنانی که ایمان به خدا و به روز جزا آورده و در راه خدا مجاهده می کنند مساوی قرار داده اید. حاشا که اینان با شما مساوی نیستند و خداوند ستمگران را هدایت نمی کند.

آیا سعودیها و امثال آنان در طول تاریخ ارزش خود را برای تهیه آب در مواقع حج و زرق و برق تعمیرات مسجد الحرام را با ارزش های مسلمانانی که به خداوند و روز جزا ایمان دارند و با نثار خون خود و جوانان مجاهد خود در راه خدا و برای دفع دشمنان خدا از حریم اسلام و حرم خداوند تعالی بپاخاسته اند مقایسه نکرده اند و سعودیهای عصر حاضر پا را فراتر از آن نگذاشته و بر مسلمانان افتخار نمی کنند و با مجاهدان راه خدا آن را نمی کنند که روی آمریکای جهانخوار و ارباب خود را سفید کرده است. و جالب توجه این که خداوند در این آیه

ایمان به خدا و روز جزا را ذکر فرموده و از میان تمام ارزش های اسلامی و انسانی مجاهده در راه خدا را با دشمنان خدا و بشریت انتخاب کرده است و در این انتخاب به همه مسلمانان تعلیم فرموده است که ارزش جهاد فوق همه ارزشهاست و آیا خداوند با ذکر «والله لا یهدی القوم الظالمین» نمی خواهد بفرماید خداوند، سعودیهای عصر را و تمام اعصار تاریخ را ستمگرانی بیش نمی داند که قابل هدایت نیستند و خداوند آنان را هدایت نمی فرماید؟ و آیا ستمکاری بر حق و خلق و بر رسول خدا و امت بزرگوار حضرت رسول خاتم بالاتر از آنچه و آل سعود با کعبه و حرم امن الهی و با زائران مجاهد آن که همه چیز و همه کس خود را در راه دوست و آرمان اسلام تقدیم کردند می توان تصور کرد؟ آیا جرم این مجاهدان که به فرمان خداوند تعالی ندای برائت از مشرکین را انجام دادند جز برائت از خدایان آل سعود و سعودی های عصر حاضر و شاه حسین و شاه حسن و مبارک نامبارک و صدام علفی است؟ پر آیا سکوت در مقابل این ستمگریها که در طول تاریخ سابقه نداشته است چیزی جز رضای به به این جرم و شرکت در ظلم و ستم ظالمین و ستمگران است؟ و در هر صورت آل سعود برای تصدی امور کعبه و حج لیاقت نداشته و علما و مسلمانان و هم روشنفکران باید چاره ای بیندیشند.

و زائران شریف ایرانی امسال پیام انقلاب و برائت خود را با خونشان به جهان و به امت اسلام ابلاغ نمودند و با تقدیم شهدای بزرگ به پیشگاه مقدس حق از سازندگان و بانیان سیاست نه به شرقی و نه غربی کعبه خداوند گشتند.

و ملت بزرگ ایران نیز با تجلیل گسترده خود از شهداء و شرکت میلیونی خود در راهپیمائی و اعلان برائت از کفر خصوصاً آل سعود به وظیفه انقلابی و الهی خود عمل نموده اند که در اینجا لازم است از حضور گسترده آنان و همه اقشار و خواهران و برادران تشکر کنم.

و اکنون نوبت زائران دیگر کشورها و خصوصاً علما و روشنفکران و گویندگان است که پیام مظلومیت ما را به جهان ابلاغ کنند. انشاء الله زائران محترم ایرانی با مقاومت و صبر بقیه اعمال خود را به اتمام برسانند و با گامهای محکم و دلی آرام و قلبی سرشار از رضایت و لبی خندان، شادی پیروزی خون بر شمشیر و شهادت در کنار خانه خدا را جشن بگیرند و افرادی که به مدینه منوره مشرف می شوند سلام شهیدان به خون خفته کعبه و مجروحین خانه امن را به رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام ابلاغ کنند و این موفقیت بزرگ را به محضرشان تبریک بگویند و به راه

خود با صلابت و اطمینان ادامه دهند و مشکلاتی که آمریکا و عربستان بر آنان تحمیل نموده اند به حساب خدا و دفاع از پیامبر بگذارند.

و از اینکه خداوند هدیه ها و قربانیان هاجروار و اسمعیل گونه این ملت بزرگ را در کنار خانه خود به پذیرفته است سپاسگزار و شاکر باشند که انشاء الله خداوند شهدای بزرگ ما را با شهدای صدر اسلام محشور و به بازماندگان آنان صبر و اجر و به مصدومین و مجروحین شفا عنایت و فرماید و شر متجاوزان را به خودشان بازگرداند و آنان را به عقوبت خود کیفر دهد. و از خداوند مسئلت می کنم که در این زمان که همه کفر و همه شرک دست به دست هم داده اند و تصمیم و عزم خود را برای شکست امت اسلام جزم کرده اند و همه ضربه ها را بر علیه و ما بکار گرفته اند خود ما را در حصار محکم خود و در لوای مرحمت و لطف خود حفاظت فرماید .

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته و هفتم ذی الحجه سال ۱۴۰۷ هجری قمری به روح الله الموسوی الخمینی روزنامه جمهوری اسلامی سه شنبه ۱۳ مرداد ۱۳۶۶

ص: ۴۲۸

پیام رئیس جمهور محضر مبارک رهبر عالیقدر انقلاب، حضرت امام خمینی مدظله العالی .

فاجعه خونین مکه و نقض حریم امن بیت الله و قتل عام زنان و مردان خداجوی و لیبک گوی هم را به ساحت مقدس ولی الله الاعظم ارواحنا له الفدا و به حضور حضرت عالی تسلیت عرض می کنم.

این جنایت بی سابقه که با طراحی رژیم آمریکا و بدست مزدوران پست و پلید آنها انجام گرفته و بی شک ناشی از کینه خشم آلود استکبار نسبت به امت انقلابی ما و حاکی از بغض و عناد عمیق آنان نسبت به اسلام و قرآن و شعائر زنده اسلامی است که استکبار از ملت ماو انقلاب ما دریافت کرده است و در عین حال این ناشی از ضعف و آسیب پذیری شدید جناح استکبار و ارتجاع در برابر موج کوبنده و قهرآلود اسلام انقلابی و ملت زنده ماست.

ملت و مسئولان جمهوری اسلامی ایران این حرکت زبونانه مزدوران را امتداد حرکات خباثت آمیز دیگر استکبار در جنگ تحمیلی و در خلیج فارس و در دیگر جبهه های سیاسی و هم اقتصادی و تبلیغاتی بشمار می آورند.

هم اکنون مسئولان ذیربط در حال تحقیق و بررسی کامل این حادثه اند و به فضل الهی هر اقدام لازم و شایسته را به هنگام انجام خواهد داد.

ارادتمند. سیدعلی خامنه ای رئیس جمهوری اسلامی ایران روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۱۲ مردادماه ۱۳۶۶

و پیام رئیس قوه قضائیه بسم الله الرحمن الرحيم محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی.

هنگامیکه فرزندان دلیر ورزمنده شما در آبهای نیلگون خلیج فارس نیرنگهای شیطان بزرگ آمریکای جنایتکار را نقش بر آب کردند، دست خیانتکار ایادی آمریکا در عربستان زائران بیت الله الحرام را که فریاد برائت از مشرکین سر می دادند و با شعار مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل خواهان وحدت امت اسلامی بودند به خاک و خون کشیدند تا از این طریق خدمتی به اربابان آمریکائی خود کرده باشند و راهی برای بیرون آوردن استکبار جهانی از مخمصه و هم رسوائی شکستش در خلیج فارس جستجو کرده باشند حکام سعودی حرم دین الهی را با شلیک گلوله شکستند و با این عمل در مقابل فرمان قرآن کریم در مورد ایمن بودن حرم الهی قرار گرفته و عملاً ثابت نمودند که لیاقت، توان و شایستگی حراست حرم امن الهی و خدمت به حجاج و هم زائران بیت الله الحرام را ندارند.

اینجانب ضمن تبریک و تسلیت شهادت فرزندان شما از زائران ایرانی و غیر ایرانی در مکه \* مکرمه به پیشگاه مبارکتان از خداوند اعزالی میخواهم به همگی ما توفیق خدمتگزاری هر چه م بیشتر به اسلام و امام عزیز عطاء فرماید تا ذلت و خواری کفار و منافقین و مجد و عظمت مسلمین را شاهد باشیم.

ده مرداد شصت و شش - عبدالکریم موسوی اردبیلی روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۱۲ مرداد ۱۳۶۶

فاجعه کشتار زائران از زبان سرپرست حجاج ایرانی حجت الاسلام والمسلمین مهدی کروی نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی در گفتگویی با خبرنگار واحد مرکزی خبر درمکه مکرمه، چگونگی تهاجم مامورین امنیتی و پلیس سعودی به صفوف شرکت کنندگان در راهپیمائی برائت که باعث شهید و مجروح شدن صدها هم تن از آنان گردید را تشریح کرد. وی اظهار داشت:

راهپیمائی وحدت و برائت سالهای گذشته بصورت بسیار مطلوبی انجام میشد و نیروهای انتظامی ما و مردم حزب الله بگونه ای مراقبت و مواظبت می کردند که کوچکترین حادثه ای پیش نیاید. مامورین و برخی مسئولین عربستان سعودی که با ما تماس داشتند اعتراف و اقرار می کردند که همه جهاتی که باید رعایت بشود بوسیله نیروهای ما رعایت شده و راهپیمائی سال گذشته هم از همین مکان مقدس انجام شد و خیلی هم آرام خاتمه پیدا کرد.

در مدینه هم در هر سه سال راهپیمائی انجام شد و طی آن راهپیمایان نزدیک مسجد النبی ایستادند و پس از شرکت در نماز مغرب، آرام برگشتند امسال هم مجدداً راهپیمائی در مدینه هم همانطور که همه مستحضرند برگزار شد.

قبلاً مذاکراتی با مسئولین عربستان سعودی بخصوص مسئولین حج و زیارت آن کشور و انجام و در رابطه با راهپیمائی صحبت شده بود. معاون رئیس دفتر وزیر حج و اوقاف هم آمدند و و با مسئولین ما نشستند و حتی صحبت شد که مسیر راهپیمائی تا کجا باشد. بعد از تعیین مسیر، بهم \* راجع به جمعیت هم ما گفتیم جمعیت ما همان جمعیت سابق است. مردم خودمان همه می آیند، تعدادی از زائرین سایر کشورها هم احتمالاً شرکت می کنند. لذا برنامه راهپیمائی و و بصورت آرام آغاز شد. پس از شروع راهپیمائی معلوم شد که یک برنامه حساب شده و تنظیم شده ای دارند.

بنده خودم همه ساله تا آخر مراسم در راهپیمائی حضور دارم برای اینکه مراقب اوضاع بوده م و صحنه را از نزدیک شاهد باشم.

راهپیمائی روز جمعه که شروع شد و یک مقدار جلو رفتیم دقیقاً معلوم شد که برنامه تنظیم شده ای برای برخورد با حجاج ریخته شده است. اولاً- بسیاری از راهها را بسته بودند ثانیه پلیسهای بدون اونیفورم نظامی و مامورین بصورتی هماهنگ با داشتن وسایل فراوان گمارده و شده بودند و سنگ و چوب و شیشه های از قبل آماده شده را مثل باران بر روی جمعیت

می ریختند. مردم هم بدون اینکه عکس العملی نشان بدهند (چون اگر میخواستند عکس العمل نشان بدهند این همه زن، جانبازان، خانواده های شهدا و این همه افراد مسن که در پیشاپیش جمعیت در حرکت بودند قادر به عکس العمل نبودند) فقط تکبیر می گفتند.

در کنار این سنگ و چوبهایی که مامورین بدون لباس فرو می ریختند، پلیس هم با باطوم به راهپیمایان حمله کرد.

حالا- کامیونهایی که در حواشی خیابانها بودند و مامورینی که به موقع چوبهای آماده شده را هم برداشتند و حمله را شروع کردند جای خود دارد، طولی نکشید که تیراندازی هم شروع شد.

پس از شروع تیراندازی، مردم ماقصد مقاومت نداشتند و دستور هم بود که مقاومت به نکنند، خود من در آن حدی که مردم تماس می گرفتند و می گفتند: چکار کنیم؟ می گفتم هیچ عکس العملی نشان ندهید و با گفتن تکبیر راهتان را ادامه بدهید.

طبعاً از جلو جمعیت که فشار فوق العاده ای وارد شد و عده ای را به شهادت رساندند، به جمعی از مجروحین، جانبازان و زنهای عقب نشینی کردند جمعیت هم بخاطر اینکه این مردم عادی و این زنهای در فشار قرار نگیرند شروع به عقب نشینی کردند این عقب نشینی باز یک روزنه \* نجاتی بود یک مقدار که عقب نشینی کردند در یک لحظه دیدیم پشت سر را هم بشدت بسته اند و با ضرب و شتم فشار می آورند و بدینگونه از سمت جلو که به حرم ختم میشد و همچنین از عقب که به سمت بعثه منتهی بود جمعیت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و به نظر من تلفات در \* سمت جلو و عقب صف راهپیمایان خیلی زیاد بود برای اینکه از دو طرف جمعیت را مورد تهاجم قرار دادند و گاز خفه کننده هم پرت کردند که جمعیت در میان این گاز پرپر می زد و بهم عده ای در اثر گاز خفه کننده بر روی زمین ریختند تنها روزنه نجات برای زنان و کهنسالان. م علیرغم حرفهای مسئولین جنایتکار و کذاب عربستان سعودی که می گویند مردم با اینها برخورد کردند. همین ساختمانهای زائرین غیر ایرانی بود که باز کرده بودند و مردم ما وارد آنجا هم میشدند و مورد پذیرائی زائرین غیر ایرانی قرار می گرفتند.

بنابر این اولاً باید گفت راهپیمایی همانند راهپیمایی سال گذشته آرام شروع شد و قطعاً اگر عربستان تهاجم را شروع نکرده بود هیچ حادثه ای رخ نمی داد.

ثانیاً اینکه عربستان این برنامه را حساب شده شروع کرد و حتی نظرش متفرق کردن جمعیت هم نبود برای اینکه اگر می خواست متفرق کند آب می پاشید، تیراندازی هوایی می کرد و یا عده ای را از جلو می زد ولی راه گریز برای جمعیت می گذاشت. اما جمعیت مورد تهاجم به

هر طرف که می خواستند فرار کنند می دیدند از آنجا هم محاصره شده اند و مامورین سعودی و آنها را می زنند. اقلا در دنیا متداول است که هر وقت می خواهند یک تظاهرات را متفرق هم کنند راه فرار هم برای تظاهرکنندگان باز می گذارند که جمعیت بتوانند به راحتی متفرق شوند. اما اینها مدنی جمعیت را از همه طرف تحت فشار قرار دادند و هیچ روزنه گریزی وجود نداشت، که متاسفانه تلفات در اثر این برخورد زیاد بود.

و آقای کروبى در خاتمه ، پیرامون وضعیت فعلی کاروانها و روحیه زائرین گفت: وضع روحی مردم بسیار خوب است کاروانها هم با اینکه صدمه خورده و مجروحین و مفقودین آنها زیاد و مستند روحیه خوبی دارند و همین الان داخل اکثر کاروانها پرچم سیاه زده اند و آیات قرآن هم تلاوت می شود همان دیروز (پریروز) وقتی که ما نزد راهپیمایان متأثر بودیم، آنها هنگام مواجه شدن با ما می گفتند ما آماده و مصمم برای هر گونه فداکاری هستیم ولی ما مدام به آنها توصیه می کردیم که حتی اگر توی سر شما هم می زنند چون دستور امام است که با آنها برخورد نکنید شما چیزی نگوئید والا از لحاظ روحی مردم آماده اند طبق اخباری هم که می رسد سعودیها یک مقدار معترض بعضی حجاج میشوند و بعضی جاها هم ناراحتی برای آنان ایجاد کرده اند که مسئول همه این مسائل، دولت سعودی است.

روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۶۶ جزئیات کشتار مکه معظمه به گزارش خبرنگاران کیهان مکه. خبرنگاران اعزامی کیهان - بدنبال حمله ددمنشانه پلیس سعودی به صفوف و تظاهرکنندگان ایرانی در مکه مکرمه که منجر به شهادت و زخمی شدن جمعی از هموطنان ما گردید خبرنگار ما در گزارشی میگوید در حالی که تظاهرات پرشکوه براءت از مشرکین جریان داشت ناگهان از بلندگوئی اعلام شد که ایرانیها قصد دارند حرم را تصرف کنند و از این کار از آنها جلوگیری کنید و آنها را بکشید.

در این تظاهرات که با شعارهای مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل از سوی حجاج داده .

میشد. هنگامیکه تظاهرکنندگان طبق معمول همه ساله بسوی حرمین شریفین در حرکت بودند از یکی از بلندگوهای نصب شده بر روی یک پل نزدیک به حرم ناگهان اعلام شد که ایرانیها و قصد دارند حرم را بتصرف خود در آورند. و از این کار آنها جلوگیری کنید و آنها را بکشید. هم



بدنبال این درخواست اعلام شده از بلندگو که در اثر یک نقشه از پیش تعیین شده و برنامه ریزی گردیده عناصر و عوامل گارد سلطنتی نیروهای مخصوص و نیروهای امنیت کل که از سوی عناصر امنیتی عراق، اردن و پاره ای از افراد امنیتی مصر و تعداد قابل توجهی از عناصر منافقین مورد پشتیبانی قرار داشتند صفوف اولیه تظاهرکنندگان را بطور وحشیانه مورد حمله قرار دادند و در این میان سعی کردند که حلقه محاصره حجاج را تنگ تر کنند.

خبرنگار ما می افزاید ابتدا سنگ و پاره آجر از بالای ساختمانهای مرتفع به سر تظاهرکنندگان پرتاب شد سپس عناصر مزدور باباطوم های برقی، میلگردهای آهنی و گازهای اشک آور و خفه کننده و آب جوش به صفوف تظاهرکنندگان حمله کردند.

بگزارش خبرنگار ما شاهدان عینی گفتند افسران و ماموران سعودی لوله مسلسل های خود را گاهی به هوا و گاهی بطرف حجاج میگرفتند و پیپی شلیک میکردند.

همچنین این افسران و مامورین به سربازان تحت اوامر خود دستورات شدیدی میدادند از جمله میگفتند اینها را نابود کنید، به اینها رحم نکنید، در همین موقع یکی از وعاظ سلاطین سعودی از بلندگو از دیگر حجاج خواست ایرانیها را بکشند.

روزنامه کیهان ۱۳۶۶/۵/۱۱ قتل عام زائران خبرنگار اعزامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی گزارش داد:

مکه، شهر امن الهی در یک قتل عام بی سابقه به خاک و خون کشیده شد. عصر جمعه در حالیکه تظاهرات برائت از مشرکین باشکوهی کم نظیر از محل بعثه امام در مسیر مورد توافق با مقامات سعودی در حال انجام بود پلیس جنایت پیشه سعودی به جبران شکست های پی در پی آمریکا در منطقه و به خاطر انتقام از ملت سلحشور ایران بدستور آمریکا با سنگ و چوبهای از پیش تهیه شده صفوف موحدان حج گذار را مورد حمله قرار داد در این یورش سبعانه از رویروو بالای ارتفاعات اطراف مسیر راهپیمائی با سنگ های بزرگ بر سر و روی زائران خانه خدا زدند و زنان و جانبازان عزیز انقلاب نیز که در پیشاپیش صفوف راهپیمائی در حرکت بودند بوسیله باطوم مورد هجوم پلیس قرار گرفتند.

ماموران امنیتی سعودی به این بسنده نکردند و در ادامه این حمله ناجوانمردانه درحالیکه از

دو سو خیابان مسیر راهپیمائی را در محاصره کامل داشتند با گازهای خفه کننده و هر تیراندازی های مستقیم به زائران حمله کردند که در اولین لحظات این حمله تعداد بسیاری از زنان فداکار امت اسلامی در اثر خفگی و جمعی دیگر بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسیدند ولی پلیس حتی از ضرب و شتم شهدا نیز خودداری نکرد و با باطوم بدن های بی جان این عزیزان را مورد ضرب قرار داد.

در این صحنه دلخراش، سالخوردگان مرد و زن در خیابانها بر روی زمین ریخته بودند و در حالیکه زیر رگبار گلوله های مزدوران آمریکا هر گونه تلاشی برای نجات آنها امکان نداشت هم جان می دادند. شدت عمل این قتل عام مسلمانان که بقینا تاریخ مکه تا به امروز چنین جنایت وحشیانه ای را بخود ندیده به حدی بود که صدها کشته و تعداد بی شماری مجروح در خیابانهای مکه بر جای گذاشته بود.

مردم خداجویی که در میان آنها نماینده حضرت امام در حرمین شریفین و بسیاری از علما و شخصیت های کشور نیز حضور داشتند در حالیکه این همه قربانی را برای اعتلای کلمه حق و برائت از مشرکین تقدیم حضرت حق نموده بودند با یورش دوباره پلیس سعودی همه بر زمین ریخته و تعدادی از حجاج خصوصاً خواهران مسلمان زیر دست و پا به شهادت رسیدند.

پس از این واقعه هولناک وقتی آمبولانس ها و امدادگران ایرانی برای کمک به مجروحین و جمع آوری شهدا به خیابان آمدند پلیس سفاک سعودی تعدادی از امدادگران را نیز به شهادت رساند. بسیاری از مجروحین به بیمارستانهای سعودی منتقل شده اند ولی پلیس از عبادت و مجروحین ممانعت و از تحویل اجساد مطهر شهدا خودداری می کند.

روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه ۱۱ مردادماه ۱۳۶۶ به گزارش خبرنگار کیهان خبرنگار اعزامی کیهان به مکه که خود در جریان تهاجم وحشیانه پلیس سعودی به زائران ایرانی بوده اند در یک گزارش لحظه به لحظه می نویسد: بدنبال واقعه دیروز پلیس سعودی تا نخستین ساعات بامداد امروز خیابانها را ترک نکرده و شب گذشته شهر مکه به حالت غیر عادی و تعطیل در آمد.

این گزارش درباره حادثه دیروز شهر مکه که به گفته ناظرین بیطرف یکی از خونبارترین حوادث این شهر الهی بوده و طی آن صدها تن از زوار بیگناه و مظلوم ایرانی توسط پلیس وحشی

عربستان به خاک و خون کشیده شدند می افزاید:

حادثه زمانی بوقوع پیوست که راهپیمایان در صفوف منظم و با آرامش کامل مقابل بعثه حضرت امام تجمع و پس از سخنرانی حجت الاسلام کروبی نماینده امام و سرپرست حجاج و ایرانی بسمت بیت الله الحرام برای شرکت در نماز مغرب در حرکت بودند.

بنا باین گزارش راهپیمایان هنگامی که به پل «حجون»، در جنب قبرستان ابوطالب رسیدند و درحالیکه جانبازان در پیشاپیش راهپیمایان در حرکت بودند از روی پل و ساختمان پارکینگ چهار طبقه کنار آن از سوی پلیس مخفی و نیروهای امنیتی سعودی (الامن العام) با آجر و سنگ مورد حمله قرار گرفتند.

در این لحظه پلیس رسمی سعودی و گارد سلطنتی (قواه الطواری) که در خیابان حضور داشت با محاصره راهپیمایان ابتدا به شلیک گاز اشک آور پرداخت و سپس راهپیمایان را بگلوله بست که بسیاری از راهپیمایان شهید و مجروح شدند.

بدنبال آن پلیس سعودی به همراه چمانداران و عوامل مخفی خود به ضرب و شتم و در راهپیمایان پرداخت و در اثر ازدحام ایجاد شده بسیاری از راهپیمایان از جمله تعداد بسیاری از زنان زیر دست و پا مانده و شهید و مجروح شدند هنوز از آمار دقیق شهدا و مجروحین اطلاعی در دست نیست.

پلیس سعودی بدنبال این جریان بسیاری از جنازه ها و مجروحین را از محل حادثه آوری کرد که هنوز از سرنوشت آنان اطلاعی بدست نیامده است.

آمبولانسهای هیات پزشکی حج نیز به تخلیه مجروحین و شهدا از صحنه تظاهرات و انتقال آنان به بیمارستان پرداختند اما در چندین نقطه مورد هجوم و حمله مامورین سعودی قرار گرفتند و تعدادی از نیروهای امداد مصدوم و مجروح شدند.

آمبولانسهای نایم‌های شب آژیر کشان در خیابان های مکه در حال حرکت بودند. بعثه حضرت امام بشدت از سوی پلیس مسلح عربستان ماشینهای آپاش و زرهپوش های پلیس در محاصره قرار دارد.

بگفته برخی از مجروحین پلیس عربستان از قبل برای چنین عملیاتی برنامه ریزی کرده بود.

به و کلیه خیابانها و معابر را تحت کنترل خود در آورده بود .

پلیس عربستان وحشیانه به تظاهرکنندگان حمله میکرد و بسیاری از زنان نیز در اثر حمله

پلیس باسره‌های شکسته صحنه را ترک می‌کردند .

شاهدان عینی می‌گفتند راهپیمایان با آرامی بسوی بیت الله الحرام در حرکت بودند و حتی شعارها نیز قطع شده بود.

راهپیمایان بدنبال پرتاب سنگ و آجر از سوی عوامل سعودی به نماز نشسته ولی عوامل سعودی در این لحظه با پرتاب سنگ و آجر و ضرب و شتم راهپیمایان با چوب و باطوم به مجروح کردن راهپیمایان ادامه دادند و سرانجام با شلیک گاز اشک آور و شلیک گلوله فاجعه بار آوردند.

در حال حاضر کلیه بیمارستانها و درمانگاههای هیات پزشکی حج جمهوری اسلامی مملو پر از مجروحین است.

بگزارش خبرنگار کیهان بعداز ظهر پنجشنبه نیز پلیس سعودی به بعثه حضرت امام حمله ور شد و ۱۰ تن از اعضای بعثه را بازداشت کرد و با خود برد.

بدنبال این حادثه هنگامی که زائران ایرانی از این جریان مطلع شدند با اجتماع در مقابل بعثه و تحصن خواستار آزادی افراد بازداشت شده گردیدند .

و تحصن تا پاسی از نیمه شب ادامه داشت. تا اینکه بازداشت شدگان در میان صلوات های و تحصن کنندگان آزاد و به بعثه بازگشتند.

پلیس سعودی از نخستین ساعات بامداد دیروز با استقرار در خیابانهای مسیر راهپیمائی پرداخت. پلیس مسلح در تمام طول مسیر راهپیمائی با زرهپوشها و اتومبیل آبپاش استقرار یافته بود، تجمع پلیس در خیابانهای اطراف بعثه شدیدتر از سایر خیابانها بود .

بگزارش خبرنگار ما وزیر حج و اوقاف عربستان سعودی پس از حادثه خونین دیروز خواستار تماس تلفنی با نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی شد که این درخواست بشدت از سوی حجت الاسلام کروی رد شد.

بگفته برخی از شاهدان تنی چند از زائران دیگر کشورهای اسلامی نیز در اثر هجوم وحشیانه و پلیس سعودی مجروح گردیدند. یکی از شاهدان حادثه گفت: پلیس سعودی ابتدا از گاز خفه و کننده استفاده کرد.

بنا بگزارش رسیده عربستان سعودی در کمال بیشرمی و با وقاحت تمام اعلام کرده است که درگیری دیروز میان زائران ایرانی و زائران دیگر کشورها صورت گرفته است.

در همین حال گزارش صبح امروز خبرنگاران ما از جزئیات حادثه دیروز شهر مکه حاکی

است که حمله ماموران پلیس سعودی به زائران ایرانی یاد آور هجوم وحشیانه مزدوران رژیم و شاه در ۱۷ شهریور به مردم مسلمان ایران بود و این حادثه تأثر شدید هر بیننده ای را بر هم می انگیخت.

ماموران پلیس سعودی در حالی که مسیر راهپیمایان را از پشت بسته بودند در یک اقدام غیر پی انسانی و سبعانه به روی عده ای از زائران که جز قصد براءت از مشرکان و اعلام انزجار از سلطه پ کفار بر مسلمین هدفی نداشتند آتش گشودند و حتی به نماز و سجده آنان در محل حادثه که به م نشانه اجتناب از درگیری با پلیس انجام می شد اعتنایی نکردند.

به این گزارش می افزاید: که ماموران سعودی پس از ضرب و شتم و به شهادت رساندن زائران ایرانی مسیر راهپیمائی را که قبلاً مسدود کرده بودند گشودند و به این ترتیب سیل اتومبیل های متفرقه مانع از تردد آمبولانسها و انتقال مجروحان به بیمارستان میشد.

خبرنگار ما در گزارش خود مینویسد که پلیس عربستان در یورش وحشیانه خود به راهپیمایان از سلاحهای خودکار و مسلسل استفاده کرده اند و یک گزارش دیگر حاکی است که شاهدان عینی حجت الاسلام کروی را در حالی که بر روی نقاطی از لباسهایش لکه های خون دیده شده است مشاهده کرده اند، اما به وی آسیبی نرسیده است.

همچنین بدنال این واقعه فروشگاههای شهر مکه این روزها تقریباً تا صبح باز است و در هر ساعت از شبانه روز مملو از مشتری است، امروز به حالت تعطیل در آمده است.

روزنامه کیهان ۱۳۶۶/۵/۱۰

ص: ۴۳۸

گزارش صدای جمهوری اسلامی صدای جمهوری اسلامی ایران پریروز گزارش جزئیاتی از جنایت هولناک کشتار زائرین ایرانی در مکه معظمه را پخش کرد. گزارشگر واحد اطلاعات و اخبار واحد مرکزی خبر گوشه هایی از مشاهدات خود را این جنایت چنین تشریح کرد:

هم بک جمعه سیاه دیگر در تاریخ ثبت شد و دل مردگان پیرو ابلیس و مشرکان و کافران قداست حرمت خانه حق و کعبه معظمه مأمن و پناهگاه مسلمانان جهان را شکستند و تظاهرات پرشکوه برائت از مشرکین را که از ارکان توحید و واجبات سیاسی مراسم حج است به آتش و خون کشیدند و در حضور مسلمانهای سراسر جهان رگبار گلوله را بر روی کسانی گرفتند که تنها گناهشان زیارت معبد حق و آفریدگار بزرگ و پایداری و استواری در حفظ حکومت حضرت بقیه الله الاعظم (عج) و برائت جستن از مشرکان ، ملحدان استکبار جهانی و در راس آنها آمریکای جنایتکار بود، زائرین در حالیکه شعار لا اله الا الله و محمد رسول الله را بر لب داشتند، عده ای از آنها لباس مقدس احرام بر تن داشتند توسط پلیس رژیم فاشیست سعودی مورد حمله و هجوم وحشیانه قرار گرفتند، صحنه بسیار عجیبی بود، نیروهای امنیتی و پلیس خود فروخته سعودی ابتدا با چوب و سنگ به مردم حمله ور شدند و معلوم بود که از قبل تصمیم به این تهاجم گرفته بودند، چون از بالای ساختمانهای بسیار مرتفع اطراف مسیر راهپیمائی بطریهای بزرگ از آب و سطلهای آتش نشانی را بر سر و روی مردم رها می کردند، آنها به این هم اکتفا نکردند با گاز اشک آور و گازهای خفه کننده و رگبار مسلسل به زائرین حمله ور شدند. ناله و ضجه فضای منطقه مورد تهاجم عمال سعودی را فرا گرفته بود، صحنه هایی همانند کشتار جمعه سیاه میدان ژاله در سال ۱۳۵۷ بود. لحظه به لحظه پیکر مطهر شهدا بر روی هم انباشتهتر میشد، زنان و مردان سالخورده و جانبازان انقلاب اسلامی که از توان جسمانی کمتری برخوردار بودند اولین قربانیان این جنایت بی نظیر بودند، جانبازان انقلاب اسلامی که دستها پاهای خود را در جنگ بارزیم صدام علفی از دست داده بودند. مثل برگ خزان از روی صندلی های چرخدار بر زمین فرو می افتادند، همه جا خون بود و آثار این جنایت هولناک هیچکس را جز با لباسهای خونین نمی شد دید، عده ای به کوههای اطراف پناه می بردند، اما در آنجا هم از حمله و یورش ماموران در امان نبودند، نیروهای ارتش سعودی که از قبل در

ارتفاعات مشرف به صحنه جنایت مستقر شده بودند آنها را هدف گلوله قرار میدادند.

قمقمه ها، بادبزنها، چادرها و جواهرات بجای مانده از زنان زائر و صندلیهای چرخدار به خون آلوده جانبازان و دیگر لوازم خون آلود بجای مانده همینطور خونهای لخته شده روی آسفالت خیابانها دل هر رهگذری را به درد می آورد.

یک زن زائر که خواهرش در این جنایت هولناک به شهادت رسیده بود در حالیکه رو به خانه خدا دستهای خود را به آسمان بلند کرده بود می گفت: خدایا اگر اینها مشرک نیستند و اگر به .

یگانگی تو ایمان دارند، چرا از شعار لا اله الا الله میترسند، اینها اگر به عظمت تو معتقدند چرا شعار الله اکبر ما نشان را می لرزاند، اگر اینها هم دست هم پیمان و مزدور آمریکای خونخوار و نیستند. چرا با فریاد مرگ بر آمریکای ما، ما را به گلوله می بندند، اینها اگر دست در دست اسرائیل ندارند، چرا بر مایورش می برند و ماکت مسجد قدس که سمبل اهمیت آن برای مسلمانان است را بر سر ما می کوبند و خرد می کنند.

در صحنه دیگری از این جنایت وحشیانه عده ای دیگر از جوانان مسلمان کشور ما در کنار پیکر یکی از دوستان شهید خودرو به شعب ابوطالب کرده و می گفتند، ای محمد(ص) و ای رسول خدا، که سه سال در این وادی بی آب و علف در محاصره اقتصادی مشرکان، ملحدان و بت پرستان بودی و ای خلیفه خدا. ای ابوطالب و ای اصحاب با وفای پیامبر ببینید که چگونه یکبار دیگر ابوسفیانها، ابولهب ها، و ابو جهل ها پیروان شما را محاصره کرده اند و آنها را به گلوله می بندند.

در شب روز این جنایت مکه اصلاً شب نداشت و زائرین ایرانی لحظه ای خواب و آرامش نداشتند، زائرین ایرانی تا صبح بیدار بودند و مجروحان و شهدا را جابجا میکردند، و این در حالی بود که پلیس فاشیست سعودی حتی اجازه نمی دادند که ایرانیان پیکر شهدا را منتقل کنند، بر اساس این گزارش ساعاتی پس از جنایت کشتار زائرین ایرانی، حالت تاجر و غم عمیق بر کاروانهای ایرانی حاکم است و زائران دسته دسته با مراجعه به بعثه حضرت امام و دفتر حجت الاسلام کروبی نماینده حضرت امام در حرمین شریفین کسب تکلیف میکنند.

حجت الاسلام کروبی در پاسخ، همه آنها را به آرامش و حفظ منانت دعوت میکند، همانگونه که در لحظات واقعه ایشان ایرانیها را به تأمل و بردباری در مقابل عناصر معلوم الحال وابسته به امپریالیسم دولت سعودی به منانت دعوت میکردند.

روزنامه کیهان ۱۳۶۶/۵/۱۱

فیلم سیمای جمهوری اسلامی ایران از روز به خون نشستن مکه معظمه گوشه هائی از جنایت هولناک دژخیمان سعودی در حمله به زائرین خانه خدا و کشتار مردم بیدفاع از شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی به نمایش گذاشته شد.

در این فیلم پیکر پاک چند تن از زائرین شهید و نیز دهها تن از مجروحین این واقعه که مورد و اصابت گلوله ، سنگ و یا دیگر آلات قتاله قرار گرفته و خون سرخ آنها خیابانهای سیاه مکه را رنگین کرده بود به وضوح دیده میشود.

این فیلم با نمایش آغاز مسالمت آمیز و آرام یک راهپیمایی از سوی مشتاقان زیارت خانه خدا که عمدتاً ایرانی بودند آغاز شد و در پایان فیلم صحنه ها همه رنگی از خونی داشت که بدست نوکران آمریکا از بدنهای زائرین به زمین ریخته شده بود.

صدای تیراندازی با سلاحهای مختلف و نیز صدای پرتاب نارنجکهای گاز اشک آور که آحاد ملت ایران از زمان مبارزه با نوکر دیگر آمریکایعنی شاه آنها را میشناسد در چندین مورد و پر در صحنه های مختلف به طور کاملاً واضح شنیده شد.

زمانی که تصویر پیکر به خون آغشته یک شهید که در میان کفنی ساخته شده از پارچه و پلاکاردها پیچیده شده و حمل میگردد فریاد مرگ بر آمریکای یک خواهر زائر پیام خون او را در فضا طنین انداز میکرد.

صحنه غیر قابل باور دیگری از این فیلم معلول سوار بر چرخي رانشان میداد که پای او یکبار و دیگر و درجهه ای دیگر و بدست مزدور دیگری از آمریکا زخمی عمیق برداشته بود و خون سرتاسر روی او را فراگرفته بود.

در این فیلم نشان داده شد که با رسیدن راهپیمایان به پل حجون که بر فراز آن افراد بسیاری و ایستاده بودند ناگهان بارش سنگ و دیگر اشیاء بر سر زائرین آغاز شد و در همان ابتدا دهها تن از راهپیمایان عمدتاً از ناحیه سر و صورت زخم برداشتند.

مامورین دژخیم سعودی عرصه را چنان بر حاملین ماکت قدس شریف تنگ کردند که آنان را مجبور به زمین گذاشتن ماکت مسجدالاقصی و ترک شعار مرگ بر اسرائیل و مرگ بر آمریکا نمودند.

این فیلم مملو از صحنه هائی بود که زائرین هراسان و مبهوت از این همه ددمنشی به این سور آن سو میرفتند و با دستهای به خون آغشته خود خبر از عمق فاجعه و گستردگی جنایت عمال سعودی میدادند .



## گفتگو با نخستین گروه حجاج ایرانی در فرودگاه

در یکی از صحنه های فیلم که صدای تیراندازی شدید در آن بگوش میرسید مردم با پناه گرفتن در کنار دیواری سعی داشتند از تیر مستقیم سلاحهای مزدوران در امان بمانند.

و بینندگان تلویزیون مشاهده کردند ماشینهای آب پاش نیز با پاشیدن آب جوش بر روی و تظاهرکنندگان سعی در افزودن التهاب و بهم ریختن تظاهرات و جلوگیری از پیشروی زائرین را با داشتند.

در چندین صحنه از فیلم هلیکوپتری دیده شد که بر فراز منطقه راهپیمائی گشت میزد و به نظر میرسید که در حال کنترل اوضاع و یا احتمالاً فیلمبرداری از کل جریان است.

پشت بام ساختمانهایی که در تصویر مشاهده میشدند نیز مملو از افرادی بودند که لباس عادی بر تن داشتند و به نظر میرسید که حوادث خونین مقابل چشمانشان تاثیری در آنان نمی گذارد.

روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۱۷ مردادماه ۶۶ پر گفتگو با نخستین گروه حجاج ایرانی در فرودگاه پیرامون فاجعه مکه نخستین گروه از حجاج ایرانی در نخستین ساعات بامداد امروز با اندوه فراوان در حالیکه شال های سیاه رنگ به نشانه عزا در فقدان زائرینی که بدست پلیس رژیم سعودی بشهادت رسیده اند بر گردن داشتند به تهران بازگشتند و در فرودگاه مهرآباد تهران مورد استقبال قرار گرفتند.

نخستین گروه از حجاج کشورمان ساعت ۲ و ۲۰ دقیقه بامداد امروز با حزن و اندوه فراوان و و تنی رنجور از بی مهری های حکام سعودی به زائران خانه خدا به میهن اسلامیمان بازگشتند.

و این گروه شامل ۱۲۰ تن از حجاج ایرانی کشورمان از کاروانهای ۱۷۲۳۸ و ۱۷۴۷۷ بودند که طی دو پرواز جداگانه به میهن اسلامیمان بازگشتند و در فرودگاه مهرآباد تهران مورد استقبال قرار گرفتند.

و حجاج ایرانی به هنگام ورود به کشور در حالیکه شالهای سیاه رنگ به نشان عزادار بودن برای فقدان زائرینی که بدست عمال سعودی به شهادت رسیده اند بر گردن داشتند و خسته و کوفته از

رنج‌های متحمل شده در مکه و مدینه بنظر میرسیدند وارد فرودگاه مهرآباد تهران شدند. برخی از حجاج بمحض مشاهده بستگان خود گریه می کردند و از جنایات حکام سعودی در ضرب و هشم مسلمان سخن می گفتند.

مصاحبه حجاج خبرنگار کیهان بامداد امروز در فرودگاه مهرآباد با چند تن از حجاج گفتگو کرده است حاج احد مشایخی» در زمینه مشاهداتش از حمله پلیس سعودی به راهپیمائی زائران در مکه مکرمه گفت: «پس از انجام مراسم سخنرانی و قرائت پیام امام اعلام شد که به طرف حرم به برویم و هر جا که اذان گفته شد همانجا نماز بگذاریم. هنوز جمعیت در مقابل قبرستان ابوطالب بود که دیدیم از ساختمان های بلند اطراف و پل بزرگ مشرف به خیابان، به راهپیمائی حمله کردند. کسانی که آن بالا بودند و می گفتند که از خود سعودی ها بودند هر چه که دستشان می رسید را پرتاب می کردند و خود من چندین تکه سنگ سه پهلوی خطرناک دیدم که به مردم خورده بود. چند لحظه بعد پلیس رسماً وارد ماجرا شد و گاز اشک آور خیابان را فرا گرفت. و پلیس سعودی دو طرف خیابان را بسته بود و مردم را محاصره کرده و به آنان حمله می کرد. به صدای تیراندازی بطور شدیدی شنیده می شد. صف اول راهپیمائی جانبازان انقلاب بودند و که خیلی از آنها بر اثر تیراندازی و با ضربات باطوم به شدت مجروح شدند. پلیس سعودی حتی به چرخهای جانبازان هم رحم نکرد و آنها را خرد کرد من خودم ۱۰-۱۱ نفر را دیدم که جلوی من تیر خوردند و زمین افتادند بعد از این پلیس سعودی به جان مردم افتاد و هر کس از زن و مرد و پیر و جوان که دم دستش می رسید را با باطوم کتک می زد. خلاصه حمله خیلی شدید بود و مدت یکساعت و نیم مردم در خیابانی که پلیس دو طرف آن را بسته بود گیر کرده بودند. در این و میان حجاج کشورهای دیگر به کمک آمدند و مردم به ساختمانهای آنها رفتند.

وی اضافه کرد: واقعا اگر مسئولان اجازه می دادند مامقابلة کنیم می توانستیم آنها را از و بین ببریم ولی ما مجاز نبودیم که مقابله به مثل کنیم و فقط از زنان افراد مسن دفاع می کردیم و و آنان را نجات می دادیم.

وی در مورد برخورد پلیس سعودی در بقیه ایام حج اظهار داشت: اگر چه در منی و عرفات برخوردی پیش نیامد ولی پلیس سعودی بطور گسترده ای حضور داشت. در روزهای آخر پلیس پر سعودی در مکه به ایرانیان اجازه نمی داد قمقمه داخل حرم بیاورند. و پلیس سعودی در مقابل درهای حرم با اسلحه ایستاده بود.

«حاج علی قدیم» یکی دیگر از حجاجی بود که صبح امروز به تهران بازگشت. وی به خبرنگار ما گفت: حمله پلیس سعودی به مردم مقابل قبرستان ابوطالب شروع شد که پلیس سنگ و شیشه و بطری نوشابه را بر سر مردم خالی کرد. خیلی ها از جمله جانبازان و افراد مسن زیر دست و پا مانده و مجروح شدند بعد از آن پلیس سعودی با باطوم و چوب به جان مردم و و بخصوص مجروحین افتاد. بعد پلیس سعودی شروع به دستگیری مردم کرد و چون هر کس \* لباسش خونی بود را دستگیر می کرد من خودم زیر پیراهنم را به یکی از مجروحین دادم تا لباسش خونی نباشد.

خانم زهرا لطیفی یکی از حجاج ، در مورد حمله پلیس سعودی به مردم گفت : ما وظیفه خودمان می دانستیم که برای همبستگی به راهپیمایی برویم. نزدیک اذان مغرب بود که آماده برگزاری نماز بودیم که دیدیم از ساختمان نزدیک بعثه سنگ و آجر و شیشه و لیوان و حتی کولر روی مردم پرتاب می کنند. من از راه خانه خدا می آیم و دروغ نمی گویم، خودم دیدم که پلیس سعودی از زیر پل ماشینهای چوب را آورد و خالی کرد و پلیس با چوب به جان مردم افتاد \* و بعد تیراندازی کرد.

خانم لطیفی که بشدت متاثر شده بود اضافه کرد: خیلی ها شهید و زخمی شدند. مثلاً یک خانمی که خودش مادر سه شهید بود تیر خورد و زمین افتاد . کوجه ها را هم که پلیس بسته بود تا هیچکس فرار نکند ولی ساکنین ساختمانها درها را باز کردند و ما را راه دادند.

وی در مورد برخورد پلیس سعودی در بقیه مناسک حج گفت: ما در بقیه روزهای حج امنیت نداشتیم و پلیس مرتب ما را تهدید و تعقیب می کرد. حتی پریشب من خودم دیدم که پلیس در موقع طواف درخانه خدا چند نفر از ایرانی ها را دستگیر کرد.

«حاج بهروز طالبی» یکی دیگر از حجاج است که در جریان راهپیمایی مجروح شده بود. وی گفت:

راهپیمایی مکه و مدینه خیلی عظمت داشت و حکومت سعودی از این مساله خیلی ناراحت بود. وقتی قطعنامه خوانده شد و مردم به طرف بیت الله الحرام راه افتادند تا نماز مغرب و عشا و را بخوانند پلیس حمله کرد. برای حمله به راهپیمایی از همه چیز استفاده کرد و حتی به جانبازان و پیرمردها و پیرزنها هم رحم نکرد. خیلی ها زیر دست و پا ماندند و خود من به علت اینکه زیر دست و پا ماندم دچار تنگی نفس شدم و چند روز در بیمارستان بستری بودم .

کیهان ۶۶/۵/۱۷

ص: ۴۴۴

جلسه فوق العاده هیئت دولت با شرکت سران سه قوه پیرامون کشتار زائران ایرانی و هیات دولت در جلسه فوق العاده صبح دیروز خود که با شرکت رؤسای سه قوه و ریاست آیت الله خامنه ای رئیس جمهور تشکیل شد. جنایت ددمنشانه پلیس عربستان در حمله به زائران خانه خدا و راهپیمایان براءت از مشرکین که به تحریک آمریکا و بانقشه شیطان بزرگ به صورت گرفته بود را مورد ارزیابی و بحث و تبادل نظر قرار داد.

در این جلسه که در محل نهاد ریاست جمهوری برگزار شد رئیس جمهور، رئیس دیوانعالی کشور، رئیس مجلس شورای اسلامی، نخست وزیر و اعضای هیات دولت شرکت داشتند.

و آیت الله خامنه ای ریاست جمهوری وقت در پایان این جلسه طی گفتگویی با خبرنگاران اظهار داشت :

بسم الله الرحمن الرحيم این جلسه که با حضور روسای سه قوه تشکیل شد، بخاطر این فاجعه ای بود که دیروز در مکه معظمه بوجود آمد و جمعی از حجاج ایرانی در کنار خانه خدا و در حرم امن الهی و بوسیله آن کسانی که خودشان را مسئول امنیت مکه و مدینه و حرمین شریفین میدانند ، شهید و مجروح و شدند.

به جلسه هیات دولت تشکیل شد تا ابعاد این مسئله درست بررسی شود و تصمیمات لازم اتخاذ گردد.

برای اطلاع مردم عزیزمان لازم است من اجمالاً- وضع حادثه را تشریح کنم. هنوز حادثه بطور کامل برای ما روشن نیست، امروز هیاتی متشکل از نمایندگان امام امت، رئیس جمهوری، نخست وزیری و وزارت خارجه رهسپار عربستان سعودی خواهند شد تا از نزدیک وضعیت را بررسی و گزارش آنرا ارائه نمایند. اما با تماس مستمری که از دیشب تاکنون داشتیم آنچه معلوم شده این است که: در راهپیمائی حجاج ایرانی در مکه ناگهان عده ای که معلوم بوده از پیش سازماندهی داده شده بودند با سنگ و چوب به حجاج ایرانی حمله میکنند و بعد از و آنکه درگیری بوجود می آید پلیس سعودی هم وارد میشود و با تیر مستقیم بطرف حجاج شلیک میکند و تعداد قابل توجهی از مردم به شهادت میرسند و گروهی نیز مجروح میشوند. تعداد

اجساد شهدائی که در اختیار بعثه حضرت امام در مکه است حدود ۶۰ نفر است، لاکن غیر از اینها هم عده ای شهید شده اند که هنوز از تعداد دقیق آنها اطلاعی نداریم در این حادثه عده زیادی از مردم مجروح شده اند و بقرار آنچه که ما شنیده ایم حتی نسبت به شخص نماینده حضرت امام هم ضرب انجام گرفته است.

این حادثه در تاریخ حج بی سابقه است بنده به یاد ندارم در تاریخ چنین حادثه ای دیده ، خوانده باشنیده باشم در مکه که محل امن و خانه امن الهی است عده ای از حجاج آن هم از بهترین حجاج که همه مردم دنیا تعبد، اخلاص، و عبودیت آنها را نسبت به انجام مراسم حج می بینید، موردیک چنین اهانتی قرار گیرند. البته اگر چه این فاجعه بوسیله پلیس سعودی انجام گرفته، لاکن ما شکی نداریم که توطئه ابعاد وسیعتری دارد و یک توطئه آمریکائی است.

با این حادثه ناشی از خشم استکبار جهانی و ایالات متحده آمریکا از مسائلی است که اخیراً پیش آمده از جمله فضاحت و خجلت آمریکا در خلیج فارس و شکست افتضاح آمیزی که در ماجرای خلیج فارس بر رژیم آمریکا وارد آمد و یک عکس العمل عاجزانه در مقابل پیام کوبنده امام، یعنی بیان قرآنی که یقیناً در دنیای اسلام طنین شایسته خودش را خواهد داشت و تا امروز هم داشته، میباشد.

بنابر این توطئه یک توطئه آمریکائی است و ما شک نداریم که مسئول و مجرم اول در این حادثه آمریکاست البته دولت سعودی هم بلاشک مسئول است و باید پاسخگو باشد، زیرا که بدست سعودی و بوسیله پلیس آنها و یقیناً با کمک قبلی و تسهیلات آنها این کار انجام گرفته است و این جلسه ابعاد گوناگون این حادثه بررسی شد و تصمیماتی نیز در این زمینه اتخاذ گردید. که تصمیمات در موقعیت مناسب بمورد اجراء گذارده خواهد شد.

آنچه که من لازم است قطعاً بگویم این است که دولت سعودی علاوه بر اینکه باید نسبت به این حادثه پاسخگو باشد باید نسبت به امنیت و حفظ سلامت جان حجاج و حرمت و احترام آنها نه در باقیمانده ایام حج نیز باید بشدت مراقبت کند و اگر کوچکترین حادثه ای برای حجاج در روزهای آینده پیش بیاید، بلاشک عکس العمل ما شدید خواهد بود و ما تحمل نمی کنیم که حجاج ایرانی مورد اهانت یا نا امنی در بقیه ایام حج قرار گیرند و دولت سعودی حتماً باید مواظبت و مراقبت کند که چه در منا و عرفات و مشعر و چه در خود مکه و چه کسانی که مدینه بعد هستند در شهر مدینه منوره کمال حفاظت از حجاج ایرانی بشود.

آقای خامنه ای سپس در پاسخ به این سؤال که عکس العمل دولت جمهوری اسلامی نسبت

به این حادثه چیست، گفت: آن تصمیماتی که فعلاً ما اتخاذ کرده ایم اولاً دولت جمهوری اسلامی از امروز بمدت سه روز در سراسر کشور عزای عمومی اعلام کرد و پرچمهای جمهوری اسلامی در داخل کشور و همچنین مراکز و سفارتخانه های وابسته به جمهوری اسلامی در خارج از کشور پرچمهای افراشته خواهد بود.

همچنین فردا راهپیمائی عمومی و گسترده ای در سراسر کشور برگزار خواهد شد که برنامه راهپیمائی متعاقباً اعلام خواهد شد. من از این فرصت استفاده میکنم و تسلیت خودم را نسبت به این حادثه بحضور امام عزیزمان عرض میکنم، چون ایشان پدر این امت هستند و یقیناً اولین کسی که بایستی در این مورد سرسلامتی داده شوند و به او تسلیت گفته شود، حضرت امام امت هستند امیدواریم که خداوند وجود شریف ایشان را محفوظ بدارد. ما همه ملت مان پای پیام انقلاب ایستاده و ملت ما اینجورتاوانها را برای حرکت عظیم انقلاب داده اند و باز هم خواهند داد، اما آن کسانی که عاملین این چنین حوادثی هستند باید بدانند که انقلاب جدی است و ملت ایران جدی هستند.

از همین امروز صبح دیروز) که مردم در جریان این حادثه قرار گرفتند بشدت خشمگین شدند آنطور که وزارت کشور بما گزارش داد از حدود ساعت ۷ صبح از ۱۰۰ نقطه تهران راهپیمائی سازماندهی نشده و خودجوش مردم بصورت بسیار خشمگین انجام شد. البته دولت اعلامیه ای داده و برای فردا (امروز) برنامه راهپیمائی اعلام کرده است. در آن اعلامیه از مردم خواسته شده که اجازه ندهند که کار بی رویه انجام شود و احیاناً خدای ناکرده ممکن است کسانی هم در این میان باشند که بخواهند از آب گل آلود ماهی بگیرند و کارهای نسنجیده انجام دهند. بنابر این مردم در قالب همان راهپیمائی که انجام خواهد گرفت حضور خودشان را نشان خواهند داد.

اعلام عزای عمومی از سوی دولت بمناسبت کشتار فجیع زائران خانه خدا توسط رژیم عربستان سعودی میرحسین موسوی نخست وزیر طی اطلاعیه ای ضمن اظهار تأسف نسبت به این فاجعه دردناک و اعلام خونخواهی از شهدا و مجروحین این جنایت از امروز سه روز عزای عمومی و فردا یکشنبه را تعطیل رسمی اعلام کرد.

بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی من اطلاعیه نخست وزیر بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم همانطوری که ملت مبارز ایران اطلاع یافتند پلیس وحشی عربستان سعودی با حمله به تظاهرات مسلمانان در مکه مکرمه بیش از ۲۰۰ زائر ایرانی و غیر ایرانی را به شهادت رسانده و هم تعداد بسیار زیادی از آنان را مجروح کرده است.

دولت جمهوری اسلامی ایران با ابراز خشم شدید خویش از این وقاحت تاریخی ایادی آمریکا اعلام میکند که بانیان این جنایت عظیم بهای گرانی برای آن خواهند پرداخت.

جنایت هولناک آل سعود در کشتار بی رحمانه حجاج، جهان را در حیرت و عالم اسلام را به در ماتم فرو برده است. در حرم امن الهی که صید بیابان از گزند ایمن است خون زائران خانه خدا به جرم انجام واجب دین و اعلام براءت از مشرکین و مخالفت با آمریکا و اسرائیل بر زمین م ریخته میشود (انالله وانا الیه راجعون).

دستی که دیروز به خون زائران بیت الله الحرام آغشته شد دست آمریکا بود. مباحران این فاجعه حقیرتر و ضعیف تر از آنند که به تنهایی جرأت چنین جسارتی را به خود بدهند و یا در پی برابر عواقب سنگین آن ایمن باشند.

شهیدان حادثه دیروز، قربانیان گرانقدری بودند که پیروان ابراهیم علیه السلام در راه مبارزه با شیطان بزرگ تقدیم نمودند و جوشش این خونهای گرمی، حج سرخ امسال را به نقطه عطفی چم در تاریخ جهان اسلام تبدیل خواهد کرد. برای مبارزان در راه خدا چه توفیقی از این عظیم نرم که در خانه خداوند به دیدار او بشتابند و برای سرسپردگان بیگانه چه ننگی از این شوم تر که ابزار انتقام جوئی ملحدین از میهمانان بی پناه بیت الله شوند.

حاشا که این جانهای عزیز برای شیطان بزرگ و دست نشانندگان ارزان تمام شود. هم دولت جمهوری اسلامی ایران به خونخواهی رادمردان و شیرزنان کشورمان در حریم امن خانه خدا به نوبه خویش از تمام امکانات خود استفاده خواهد کرد و ضمن اعلام تعطیلی رسمی روز یکشنبه (امروز) و سه روز عزای عمومی ملت انقلابی را جهت مقابله با توطئه های جدید به هم آمادگی می خواند .

میرحسین موسوی نخست وزیر روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۶۶

## احضار کاردار سعودی در تهران به وزارت خارجه

احضار کاردار سعودی در تهران به وزارت خارجه در پی حمله وحشیانه پلیس سعودی به راهپیمایی براءت از مشرکین زائران بیت الله الحرام در مکه مکرمه که منجر به شهادت تعدادی از زوار بیگناه و مجروح و مصدوم شدن تعداد بسیاری از زائران ایرانی شد جمعه شب کاردار عربستان در تهران به وزارت امور خارجه فراخوانده شد و اعتراض شدید جمهوری اسلامی ایران نسبت به چنین جنایت وحشیانه ای به وی ابلاغ شد در این پیام اعتراض ضمن محکومیت شدید این جنایت مسئولیت کشتار زائران بعهدہ دولت سعودی گذاشته شد و اشد مجازات برای جنایتکارانی که چنین فاجعه ای را بوجود آوردند خواسته شد.

## اظهارات سخنگوی وزارت خارجه

روزنامه کیهان ۱۳۶۶/۵/۱۰ اظهارات سخنگوی وزارت خارجه و در همین حال سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان در ارتباط با کشتار بی رحمانه \* گروهی از زائران ایرانی توسط پلیس سعودی گفت: بر اساس اطلاعات رسیده از مکه مکرمه راهپیمایی براءت از مشرکین زائران ایرانی امسال به علت دخالت پلیس عربستان و تهاجم وحشیانه آنان به راهپیمایان سبب کشته و مجروح شدن عده زیادی از زائران بیگناه ایرانی شده هم است. زائران ایرانی که در حال برگزاری راهپیمایی عادی و بدون درگیری خود بودند با تهاجم بیرحمانه پلیس سعودی مواجه و مردان و زنان مسلمانی که فریاد براءت خود را از کفر جهانی سر داده بودند توسط مزدوران استکبار جهانی به خاک و خون کشیده شدند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی سخنگوی وزارت امور خارجه افزود: برای ما قابل تحمل نیست که دولت سعودی علیرغم وظیفه ای که در قبال امنیت حجاج ایران دارد در مقابل راهپیمایی براءت از مشرکین که از قبل برنامه ریزی شده و از قبل نیز به اطلاع دولت سعودی هم رسیده بود چنین واکنش زشت و جنایت باری نشان دهد.

راهپیمایی سالهاست که برگزار میشود و اولین بار نیست که دولت و پلیس سعودی بایک چنین راهپیمایی مواجه می شوند لذا این جنایت را نمی توان ناشی از واکنش غیرمسئولانه عدهای پلیس یا ماموران امنیتی ناآگاه دانست و مشخصا دولت سعودی باید پاسخگوی این جنایت باشد. سخنگوی وزارت امور خارجه اضافه کرد: در شرایطی که ملت ایران یکی از حساسترین مراحل رویارویی خود با دشمنان قسم خورده اسلام یعنی آمریکا و دیگر قدرتهای



استکباری را در خلیج فارس می گذرانند چنین حرکات جنایتکارانه ای که بصورت برنامه ریزی به شده علیه زائران ایرانی به اجرا در آمد، نشان می دهد که ابعاد توطئه علیه جمهوری اسلامی و ایران بسیار وسیع بوده و این فاجعه را صرفاً یک حادثه نمی توان تلقی کرد.

سخنگوی وزارت امور خارجه در پایان اظهار داشت: دولت سعودی می بایست قاطعانه از چنین جنایتی فاصله بگیرد و مسببین آن را به اشد وجه مجازات کند در غیر این صورت تردیدی و باقی نخواهد ماند که در مجموعه توطئه های آمریکا و اذنباش بر علیه جمهوری اسلامی ایران هم نقشی نیز به عهده دولت سعودی گذارده شده و زائران بیگناهی که به خاک و خون کشیده شده م بودند قربانیان این بخش از دسیسه آمریکا بوده اند. روزنامه کیهان ۱۳۶۶/۵/۱۰ به ملاقات گروهی از مجاهدین افغانی با آقای کروبی گروهی از مجاهدین افغانی در منا با حجت الاسلام کروبی نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی در محل بعثه امام دیدار و گفتگو کردند.

بگزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی در این دیدار ابتدا نماینده این گروه ضمن هم تبریک و تسلیت شهادت حجاج جمعه خونین مکه مراتب انزجار و تنفر مجاهدین افغانی از این جنایت هولناک را اعلام کرد و گفت: این جنایت دو انگیزه داشت یکی اینکه صهیونیسم بوسیله ی عربستان از مسلمانان انتقام گرفت و دیگر اینکه رژیم مرتجع منطقه وحشت خود را از هر گونه تظاهرات و راهپیمایی آشکار کرد. وی در پایان از جمهوری اسلامی و نماینده امام در حرمین شریفین که هر ساله در ایام حج مسئله افغانستان را عادلانه مطرح می کنند قدردانی کرد.

سپس حجت الاسلام کروبی ضمن تشکر از حضور او مجاهدین افغانی بر لزوم وحدت و انسجام نیروهای مبارز افغانستان تاکید کرد و گفت: دشمن همیشه از تفرقه و تشتت شما بیشترین استفاده را برده است. وی افزود: چون رژیم دست نشانده کابل در بین مردم پایگاه و ندارد و ضد اسلامی است و سرانجام شکست خواهد خورد، لذا شوروی تلاش می کند در صفوف شما اختلاف بیاندازد.

وی آنگاه با اشاره به فاجعه خونین مکه گفت: حجاج با مسئولیتی که بر عهده دارند خود را پر برای سختیها آماده کرده اند و از هیچ فداکاری در راه اسلام کوتاهی نمیکنند.

وی مسئول اصلی این جنایت را عربستان خواند و گفت: برادران افغانی در این راهپیمایی براءت در کنار ما قرار داشتند و پس از شروع درگیری نیز زائرین سایر کشورها نیز با پناه دادن زائرین ما برای آنها اشک ریختند. روزنامه جمهوری اسلامی شنبه

۱۷ مرداد ۱۳۶۶

## آیت الله خامنه ای: انتقام حادثه خونین کشتار حجاج

آیت الله خامنه ای در خطبه های نماز پر شکوه عید قربان :

انتقام حادثه خونین کشتار حجاج هم متوجه عربستان خواهد بود و هم متوجه آمریکا نماز عید قربان امسال باشکوه هر چه بیشتر به امامت آیت الله خامنه ای، ریاست محترم جمهوری در دانشگاه تهران برگزار گردید و این در حالی بود که نماز گزاران بادلپایی اندوهگین از فاجعه خونین مکه مکرمه، با چشمانی اشک آلود فریاد: «تبت یدای لیب، بریده باد به دست فهد، و «خامنه ای، خامنه ای به انتقام، انتقام، سر میدادند.

امام جمعه تهران پس از خواندن نماز عید خطبه های آن را بشرح ذیل ایراد نمودند :

خطبه اول، تشریح ابعاد فاجعه خونین مکه بسم الله الرحمن الرحيم وَمَكْرُوا مَكْرًا وَمَكْرَنَا مَكْرًا وَهَمَّ لَا يَشْعُرُونَ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مُكْرِهِمْ أَنَا دَمَّرْنَاهُمْ وَقَوْمُهُمْ أَجْمَعِينَ فَتَلَكَ لِيَوْمِهِمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ .

حادثه تلخ و مصیب باری که در این ایام در خانه خدا اتفاق افتاد در حقیقت عید مردم ما را به عزا کرد، و دلها را غمگین و آزرده و مصیبت زده کرد. امام اعلام فرمودند که امروز عید ندارند و نماز گزاران هم بجای شعار عید و شادی فریاد زدند که «عزا عزاست امروز روز عزاست امروزه یقیناً این غم و مصیبت در چارچوب احساسات ملت ایران هم محدود نخواهد ماند و علیرغم میل عاملین و مسببین و کسانی که خوشحالی کردند از این حادثه، موج برخواید داشت و به دنیای اسلام خواهد رسید. این حادثه همانطوری که در این چند روزه بارها گفته شد، یک حادثه کم نظیر در تاریخ ما و در تاریخ اسلام است و حقیقت آن وحشگیری و سبیت و قساوتی که و موجب شهادت عده ای از حجاج خانه خدا گردید، آنهم با این شکل دسته جمعی، در گذشته ما، در تاریخ حج سابقه نداشته است. من در خطبه اول فقط راجع به این حادثه حرف خواهم زد و عمده مطلب دو نکته است: یک نکته اینکه انگیزه و عامل اصلی برای این حادثه چه بود؟ نکته دوم اینکه حوادث و پیامدهایی که این حادثه در بر خواهد داشت بطور اجمال چیست؟ در مورد عوامل و انگیزه های تحلیل روشنی وجود دارد که عرض می کنم، البته بعد از آنکه حجاج بیایند و شهود آن منظره تلخ و دردناک در میان ما باشند و جزئیات مشاهدات

خودشان را بگویند، چیزهای بیشتری هم فهمیده خواهد شد.

المطلب این است که استکبار بعد از آنکه از سرکوب کردن انقلاب در داخل ایران و در میان ملت ما نا امید شد و احساس کرد که نظام جمهوری اسلامی تثبیت شده و قابل از بین رفتن نیست همت خودش را بر جلوگیری از گسترش انقلاب گماشت. زندانی کردن یک انقلاب در محدوده یک ملت در حکم مرگ آن انقلاب است ولودر دراز مدت . و استکبار جهانی، این کسانی که در طول سالیان دراز تجربه برخوردار با ملت‌ها و سرکوب کردن ایده‌ها آرزوها و حرکت‌های انقلابی را دارند، خیلی خوب می دانند که اگر بتوانند یک انقلاب را در داخل چهار دیواری آن کشور و آن ملت محصور کنند و نگذارند که هدف‌های انقلاب و ایده‌های انقلاب و حرف‌های گفتنی انقلاب به دیگر ملت‌ها برسد و دنیا از او بی خبر بماند این بتدریج موجب نابودی و مرگ انقلاب خواهد شد. آنها این را می دانستند.

از طرفی فکر می کردند که از هر جایی که آتش را بتوانند مهار کنند باز مغتنم است، و مهم می دانستند که اگر ایده‌های انقلابی و فکر اسلام برانگیزاننده ای که در ایران این حادثه بزرگ را براه انداخت به هر کدام از کشورهای اسلامی برسد و در میان مردم آنها جاگیر بشود و در ذهن و آنها رسوخ کند و مردم آن را بفهمند عین همین خطری که در ایران آنها را تهدید کرد در آن به کشورها هم همان خطر وجود خواهد داشت؛ لذا همت گماشتند نگذارند که پیام انقلاب از و مرزها و دروازه های کشور ما آنطرفتر برود. البته طبیعی است که سخن و حرف و پیام حق چیزی و نیست که بشود آنرا جلوگیری کرد، می رود، به گوشها و به دلها می رسد، این را آنها هم به می دانستند، راهی که آنها در مقابله با حرکت و پیام انقلاب در دنیا اتخاذ کردند راه کاملاً ساده، روشن و بسیار قاطع بود و او عبارت بود از تبلیغات.

این تبلیغاتی که شما می بینید ده‌ها رادیو بطور مستقیم و چند برابر او بطور غیر مستقیم در هر اور دنیا علیه انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و نظام اسلامی و مسئولان کشور و رهبر هم عظیم الشان انقلاب و ملت ایران و اخلاقیات ما و عادات ما و همه چیز ما تبلیغات می کنند. و مقصود اصلی از این تبلیغات همین است که چهره این ملت و این جمهوری و این نظام و در نهایت اسلام را در چشم ملت‌ها زشت جلوه بدهند. و از گرایش ملت‌ها به اسلام و اسلام واقعی، مهم آن اسلامی که الگوی نظام اجتماعی چیزی مثل جمهوری اسلامی است جلوگیری کنند؛ این هدف استکبار از این همه تبلیغات بوده است.

تبلیغات جزو پرخرج ترین کارها در دنیا است و امروز در اقطار دنیا با روزنامه، روزنامه های

به کثیرالانتشار، مجلات، روزنامه های محدود، روزنامه های محلی، با رادیوها، با تلویزیونها با هر وسیله ای که در اختیار استکبار جهانی قرار بگیرد با تحریک فلان نویسنده، فلان عالم نما، فلان روشنفکر نما، فلان سیاستمدار، فلان مسئول یک کشور آنچه بتوانند روز بروز علیه انقلاب و علیه نظام اسلامی حرف می سازند، جعل می کنند و در ترسیم زشت سیمای جمهوری اسلامی در دنیا همکاری و همدستی می کنند. این کاری است که امروز هشت، نه سال است که شروع کرده اند، تازه هم نیست. مربوط به ضعفها و مشکلات جمهوری اسلامی .

هم نیست، ما نمی گوئیم ماضعفی نداریم، مانمی گوئیم در جمهوری اسلامی هیچ عیبی وجود ندارد، اما اگر عیبی هم وجود نداشت آنها می ساختند. کما اینکه دارند صدها برابر آنچه که وجود دارد می سازند و تازه آن چیزهایی که از نظر ما عیب است بعضیهایش از نظر به آنها حُسن است. خوبیها و زیباییهای جمهوری اسلامی را زشت ترسیم می کنند و به دنیا منعکس می کنند. این خلاصه ای بود در باب تبلیغات .

البته حالا جمهوری اسلامی یک نیروی طبیعی و ذاتی دارد، یعنی چه مسئولان ما، چه مردم + ما، چه سخنگویان ما، چه حرفهای این نظام هر جا که در دنیا برود و منعکس بشود و به گوشها و برسد و چشمها او را ببینند در یک دایره محدودی می تواند حرفهای دشمنان را خنثی کند. اما و آن چیزی که از همه وسائل برای استکبار ناخوشایندتر و تلخ تر است آن تریبون عظیمی است که اسلام و جمهوری اسلامی و ملت ما در او و بهتر از همه جا می توانند چهره نظام جمهوری اسلامی و چهره ملت ایران را، نه به حرف بلکه در عمل، تصویر کنند و در مقابل چشم تمام ملت های اسلامی قرار بدهند و آن عرصه حج خانه خداست. در جاهای دیگر ما حرف می زنیم، اما در حج مردم دنیا واقعیت را می بینند، در جاهای دیگر ما از دور برای مردم دنیا روایت می کنیم، حکایت می کنیم، در حج مردم مسلمین دنیا هم نظام جمهوری اسلامی و انسان معتقد به انقلاب را از نزدیک مشاهده می کنند. اینها با هم خیلی فرق دارد. در جاهای دیگر یک زبان ایده ها و آرمانهای جمهوری اسلامی و انقلاب را فریاد می کند، در حج هزاران و دهها هزار انسان از اعماق دل، از صمیم قلب شعارهای انقلاب و شعارهای اسلام را فریاد می کنند. در حج نظم مردم ما، ادب مردم ما، ایمانشان، استقامتشان، شجاعتشان، هوشمندیشان، آگاهیشان از مسائل سیاسی، گستاخیشان در مقابل قلدرهای پوшالی دنیا، جراتشان در محکوم کردن همه بتها و اُنداد الله در همه جای جهان اسلام در مقابل چشم مردم در صحنه بسیار شورانگیز و پر هیجان نمایش داده می شود.

حج بزرگترین تربیون برای اسلام انقلابی و نظام اسلامی است، و این به طور طبیعی بوجود آمد. از سال ۵۸ که اولین حج در نظام جمهوری اسلامی شروع شد همه مسلمانهای دنیا متحیر بودند که این چه حادثه عظیمی است که اتفاق افتاده، بنده آن سال خودم حج بودم، در مکه، در عرفات، در منی و در همه جای مراسم وقتی که ایرانیها حرکت می کردند و می رفتند (البته آن هم روز این حرکت عظیم، هماهنگی که چند سال است وجود دارد، به صورت راهپیمایی به این عظمت نبود)، مردم قهرمان ایران مذهب و آیتی بودند از قدرت ایمان، شجاعت، علاقمندی، اخلاص، فداکاری، خستگی ناپذیری در راه هدفشان و این چشم مسلمانها را خیره می کرد، در دل آنها اثر می گذاشت، آنها را نسبت به اسلام، پایبندتر می کرد، آنها را نسبت به ایده انقلاب مؤمن می کرد.

بسیاری از کسانی که تا قبل از سفر حجشان نسبت به ایران و جمهوری اسلامی و مردم ما هم آشنائی ندارند با نظر موافقی ندارند وقتی می آیند حج، آن کاروان عظیم انسانهای مؤمن و :

شجاع را می بینند، آن فریادهای کوبنده، و تکان دهنده الله اکبر را می بینند، شعار وحدت مسلمانها را که امروز قرنهایست که دشمنان دارند کوشش می کنند این شعار را از بین ببرند از زبان صد هزار، صد و پنجاه هزار، دویست هزار مسلمان، با یک آهنگ واحد، آنها با منش و حرکتی که خودش نشان دهنده همان وحدت و انسجام است می شنوند، شعار نه شرقی و نه غربی را که امروز حتی گردن کلفتها و قهرمانهای دنیای سوم هم جرأت نمی کنند با صراحت و شجاعت و قاطعیت بگویند از زبان آنها با این صراحت و روشنی می شنوند، وقتی این چیزها را می بینند و می شنوند، متحول می شوند، می فهمند یک حادثه عظیمی در این گوشه دنیا، در این نقطه از عالم اتفاق افتاده و این حادثه منبعث از اسلام است و مهم این است .

می فهمند معجزه گری اسلام را در ساختن یک ملتی ، می فهمند دست قدرتمند اسلام را در دمیدن روح قدرت در انسانهای ضعیف، می بینند که دولتها و کشورها ونظامها در دنیا بعضی به شرق متکی هستند و بعضی به غرب، اما حتی به اتکاء اربابهایشان هم آن شجاعت و قدرت را ندارند که بتوانند تصمیم گیری کند و از حقوق ملتشان دفاع کنند. اما یک ملتی در دنیا پیدا شده ، یک نظامی بوجود آمده ، یک انسانهایی ساخته شده اند که بدون اتکاء به شرق و غرب و فقط با اتکاء به خدا احساس قدرت می کنند، احساس شخصیت می کنند، از قدرتها نمی ترسند این در درون مسلمانهایی که این منظره را می بینند یک تحولی بوجود می آورد.

آنها بر می گردند به کشورهایشان و جزو نقلها و داستانها و خبرهای رایجی که از حج خانه هم

خدا، حجاج کشورهای اسلامی برای اهل خودشان و همشهریه‌های خودشان می‌برند قاعدتاً یکی همین منظره عظیم و باشکوهی است که بوسیله حجاج ایرانی در مکه و مدینه بوجود می‌آید.

کدام تربیون بهتر از این، کدام صحنه برای نشان دادن خلوص نظام اسلامی و قدرت نمائی و معجزه گری اسلام در ساختن انسان مؤمن از این بهتر، و کدام انگیزه برای تشویق مسلمین و عالم به وحدت و بازگشت به اسلام و به ایمان به قرآن از این مؤثرتر است؟ این وضعیت حجبی است که ما در این هشت سال، نه سال تا امروز داشتیم، استکبار جهانی و در مقابل یک چنین حادثه عظیمی چه موضعی باید بگیرد؟ خیلی روشن است، آن کسانی که میلیاردها خرج می‌کنند تا بتوانند دور جمهوری اسلامی یک حصار فولادین غیر قابل نفوذ و بکشند که ایده‌ها و فکرهايش از او عبور نکند و به ملتها نرسد و این شعله مقدس در دیگر کشورها هم نگیرد، اینها تحمل نمی‌کنند که ببینند این ملت آمده در این عرصه عظیم جهان اسلام، اینجور دارد خودش را نشان می‌دهد. معلوم است که عکس‌العمل نشان می‌دهند و این عکس‌العمل را از سال دوم، سوم نشان دادند. هر سال یک مشکلی بوجود آوردند، هر سال یک حادثه‌ای درست کردند، حوادثی که اگر غیر از ملت ما ملت دیگری بود و غیر از ایمان و انقلابی انگیزه دیگری بود ممکن نبود که حجاج سالهای بعد بتوانند به همان روش و همان .

ترتیب عمل کنند، منتهی برای مردم ما این چیزها مانع به حساب نمی‌آید. مردمی که سالهای پیش از انقلاب را دیدند، دوران انقلاب را از نزدیک آزمایش کردند، مشکلات این هشت، نه سال طول پیروزی انقلاب را با همه وجودشان لمس کردند، مگر اینها از این مشکلها و می‌هراسند، مگر وقتی که یک چنین موانعی برایشان پیش آمد کرد پشت می‌کنند، هر سال هم از سال قبل بهتر، باشکوه‌تر، قوی‌تر و پر تپش تر شد. بالا-خره دیدند با یک عکس‌العمل قاطع نشان بدهند و این عکس‌العمل قاطعشان بود.

این حادثه امسال آن طوری که تا حالا- قرائن نشان می‌دهد تا بعد جزئیات بیشتری معلوم بشود و ابعاد حادثه بیش از این بدست بیاید، برای جلوگیری از حج اسلامی ملت ایران و برای هم جلوگیری از شعار الله اکبر ولا اله الا الله و وحدت اسلامی و لاشرقی ولاغربی که برای مسلمین جاذبه دارد، از قبل طراحی شده بود.

طراح و خط دهنده اصلی این حادثه استکبار آمریکا است طراح حادثه را لازم نیست خیلی زحمت بکشیم تا پیدا کنیم، همه کسانی که با گسترش هم و انقلاب مخالفند و همه کسانی که از اسلام می‌ترسند و همه کسانی که از شعار لا اله الا الله به

خود می لرزند اینها در این حادثه به نحوی شریکند. البته طبیعی است که آن کسانی که در خود صحنه حضور داشتند، عاملین حادثه بودند و ممکن است حتی در انجام این فاجعه هولناک از ب دیگران هم کمک گرفته باشند و طراح قضیه و خط دهنده اصلی و تشویق کننده هم آن کسی به است که بیش از همه می ترسد یعنی استکبار آمریکائی، لذا شما می بینید دولت سعودی و پلیس سعودی مردم ما را به رگبار بستند و به شهادت رساندند، اما در تمام این تظاهرات اظهار و نفرتها و انزجارهایی که از این عمل از مردم ما سر زد از اولین و قویترین و پرشورترین شعارها به مرگ بر آمریکا است.

بطور خلاصه استکبار جهانی و رژیم آمریکا که نه سال است با تبلیغات دارد با جمهوری و اسلامی می جنگد، هفت سال است که جنگ تحمیلی را علیه نظام اسلامی شروع کرده و به در تمام طرق و شیوه های ممکن برای سرکوب انقلاب یا برای جلوگیری از گسترش انقلاب متوسل شده، حالا ناگهان می بینید از یک مظهر روشن صریح بلندی این زلال جمهوری اسلامی و خودش را آشکار کرده و در معرض دید و احساس تمام مسلمین دنیا قرار داده است. طبیعی است که احساس خشم و عجز می کند و در صدد بر می آید مقابله کند دو مکر و مکرماً این مکر می بود که با انقلاب اسلامی کردند این مکر آن توطئه ای بود که علیه انقلاب اسلامی در که روزهای حج طراحی کردند.

و هر کسی که در این جریان بعد از حادثه فعالتر و خوشحالت تر بنظر می آید این تهمت که او هم که در طراحی دست داشته نسبت به او موجه تر جلوه می کند، این فکر که او هم دخیل است و در هم گناه بزرگ این حادثه بوده بیشتر منطقی جلوه می کند. ببینید مرتجعین منطقه همه خوشحالی و کردند، همه با قاتلینی که حمام خون به راه انداخته بودند همدردی کردند، در حقیقت به او و تبریک گفتند که توانسته یک چنین کاری را انجام بدهد. هو مکر و مکرماً، همه با هم همدست هم شدند تا این توطئه را انجام بدهند. آیه قرآن خیلی گویاست و مکر و مکرماً آنها مکر کردند اما و مکرناً خدا می گوید ما هم، مقام قدرت ربوبی الهی هم، علیه مکر کنندگان مکر کردیم اما روهم لایشعرون، آنها خودشان نمی فهمند که در دام خدا افتادند. در همان حالی که خیال می کنند انقلاب را در مشکل و در محصور قرار دادند در حقیقت به تدبیر الهی، خودشان در مشکل و در محصور قرار گرفته اند. در همان حالی که خیال می کنند ضربه زده اند در حقیقت ضربه را خورده اند و نتایج این ضربه شدید را که بدست قدرت الهی و با نابخردی به خودشان بر آنها وارد شده خواهند دید. «فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْرِمِ»، سرانجام و فرجام این هم گناه بزرگی که آنها انجام دادند گریبان آنها را خواهد گرفت و آنها را رها نخواهد کرد.

در تمام دوران انقلاب، ما این سنت الهی را تجربه کردیم، هر جایی که ضربه دشمن از نظر و هم خود او به ما شدیدتر بود برای انقلاب و پیشرفت انقلاب و زنده کردن اسلام و انگیزه دادن به هم مردم، همان ضربه مؤثرتر بود. در ماجرای هفده شهریور در تهران و در ماجراهای کشتارهای عمومی در سراسر کشور در سالهای ۵۶ و ۵۷ دستگاه نادان نابخرد ستم شاهی خیال می کرد دارد قاطعیت به خرج می دهد. اگر از او می خواستند که توچرا اینکار را کردی می گفت من می خواهم با این عده قاطعیت به خرج بدهم، مسئله را تمام کنم وغائله را ختم بدهم. و نمی دانست که همین چیزی که او آن را اعمال قاطعیت به حساب می آورد و می خواست به به خیال خودش آتش را با آن خاموش کند همان، هیزمی در این آتش خواهد شد و آن را هم شعله ورتتر خواهد کرد.

اینجا نیز همینطور است. درست است که یک عده مسلمان مظلوم غریب رابدون هیچگونه جرمی در مقابل خانه خدا قربانی کردند، درست است که عید قربان ما را به معنای واقعی عید هم و قربان کردند، ما امسال قربانیهایمان، قربانیهای ارزشمندی هستیم، امسال در روز عید قربان ما می توانیم به ساحت پروردگار عالم عرض کنیم بارالها این چند صد نفر زن و مرد مظلوم هم حاجی، قربانی راه تو هستیم، اینها قربانی خانه خدا هستند، اینها قربانی حج هستند، اینها قربانی قرآند، اینها قربانی لا اله الا الله هستند، اینها قربانی الله اکبر هستند، اینها همان کسانی هستند، که به فرمایش امام از چشمه زمزم عشق وضو گرفتند و به اقیانوس شهادت پیوستند.

اینها خوب مصداقهای شدند برای آن چهره ای که دست ماهر و هنرمند خدائی امام عزیزمان در آن پیام به آن زیبایی ترسیم و تصویر کرد. بله این قربانیها رامادادیم اما درست مثل همان حوادثی که دشمنان خدا خیال کردند که با آن حادثه مشکل خودشان را برای همیشه حل کردند اما همان مشکل طوقی می شد، به گردنشان می افتاد و آنها را به خاک فرود می آورد، این حادثه همانطور خواهد شد. اینهم طوقی خواهد شد بر گردن قاتلان وجنایتکاران و آنها را خم خواهد و کرد و به زانو در خواهد آورد و به خاک سیاه خواهد نشانند.

البته امروز با کمال دستپاچگی عمال استکبار جهانی و خود رژیم سعودی دارند تبلیغات می کنند شاید بتوانند از آثار تلخ این حادثه برای خودشان جلوگیری کنند. می دانند که این خونها در دنیا هیجان خواهد آفرید، می دانند مسلمانها آرام نخواهند ماند و خون اثر خودش را خواهد کرد، دارند توجیه درست می کند از جمله حرفهایی که در دنیا رایج می کنند این است که به جنگ شیعه و سنی مربوط است، این دروغ محض است. ما مسئله شیعه و سنی به جنگ مذهبی را در کشور خودمان حل کردیم، در سطح دنیا هم هر جانفس ما رسید حل شد.



آنجائی که مشکل هست دستهای استکبار است که مشکل را درست می کند. در همین بار راهپیمائی از برادران غیر ایرانی و بسیاری از دنیای اسلام که شیعه هم نیستند شرکت داشتند.

در همان وقتی که این حادثه برای حجاج ایرانی پیش آمد و زنهای مجروح، مردهای مجروح، پرنسپالهای خسته و زخم دیده محتاج پناه بودند از کشورهای اسلامی، از پاکستان، از ترکیه، از بسیاری کشورهای دیگر اسلامی در خانه هایشان را باز کردند، در مسافرخانه ها را باز کردند بغل و زدند این مجروحین را به خانه های خودشان بردند، از آنها حمایت کردند، به آنها آب دادند، لطم زخمشان را بستند و کمک کردند. دنیای اسلام ولا اله الا الله، می خواهد، «وحدت» را هم می خواهد. مسئله، مسئله جنگ مذهبی نیست. بله جنگ است، جنگ بین دو بینش است در این شکی نیست، جنگ بین بینش انقلابی اسلام و بینش آمریکائی اسلام است، در این بحثی بی نیست. اما این جنگ بین تظاهر کنندگان و آن کسانی است که به آنها حمله کردند. کی به آنها حمله کرد؟ آن تفنگ بدستها و چماق بدستهای که با اسلام آمریکائی خو گرفتند و از این دو کلمه اسلام و آمریکائی باز آمریکائی اش را می خواهد، اسلامش هم نبود، نبود. جنگ بین اسلام انقلابی و اسلام آمریکائی هست، جنگ بین اسلام حقیقی و اسلام دروغین هست، اما به جنگ بین شیعه و سنی مطلقاً نیست.

عده ای از روحانی نمایان در بعضی از کشورهای اسلامی و خود عربستان، راهپیمائی و سیاست را در حج بدعت می دانند! عده ای از روحانی نمایان در بعضی از کشورهای اسلامی و در خود عربستان انطوری که شنیدیم، قبل از ایام حج و بعد از او در روزنامه ها، در نوشته ها تبلیغ می کردند که راهپیمائی بدعت است، سیاست بدعت است و این درحالی است که خانه خدا و مکه مکرمه و ایام حج بزرگترین جایگاهی بوده که همیشه در طول تاریخ اسلام و در صدر اسلام خلفای اسلام، هم زمامداران اسلام از این اجتماع عظیم برای رساندن حرفهایشان به مردم استفاده می کردند.

خود پیغمبر خدا اولین پیامی که برای حج فرستاد و امیر المؤمنین را فرستاد که بخواند، پیام برائت از کفار و مشرکین بود. پیام برائت از کفار و مشرکین جزو ذات حج است، جزو طبیعت حج است. بدعت کار آن روحانی نمایانی هستند که می خواهند به بعضی از احکام خدا ایمان هم و به بعضی از احکام دیگر پشت کنند، می خواهند نماز و روزه و حج باشد، اما جهاد و امر به معروف و آگاهی نباشد. می خواهند اسلام و عبادت و مراسم حج و هر چیز دیگری در خدمت مطامع اربابان آنها باشد. بدعت آن است. یک عده ای هم شروع می کنند به بزرگ کردن و

خدمات رفاهی دولت سعودی که البته وظیفه هر دولتی که میزبان مسلمانهاست و خودش را آنجا متولی آن دستگاه می داند همین است. اینها آن مقداری که استفاده می کنند یقیناً خیلی و کمتر از آن را مصرف می کنند. آن مقداری که تو جیب می ریزند به مراتب بیشتر از آنی مهم است که اینها در راه رفاه حجاج مصرف می کنند و هر کاری که کردند البته وظیفه شان است، اما این رفاهی که در آن اینجور کشتار هم در بیاید فایده اش چیست؟ کاش آنهمه تأسیسات بظاهر با عظمت و باشکوه را درست نمی کردند و خانه خدا را و مدینه منوره را در همان حال صفای معنوی اش نگه می داشتند و به همان شکل محقر می گذاشتند باشد، اما به حجاج بیت الله منعرض نمی شدند که شکوه و عظمت حقیقی، شکوه و عظمت انسانهاست نه ساختمانها و بناها. این چه رفاهی است که در کنارش خونریزی حجاج مظلوم ایرانی است.

بنابر این ماشک نداریم که حوادث و دنباله ها و پیامدهای این حادثه به زیان استکبار جهانی است و ما آنچه وظیفه مان در این مورد باشد بلاشک انجام خواهیم داد و ما در مقابل این حادثه و فاجعه فقط هم عربستان سعودی را مجرم نمی دانیم بلکه همانطوری که گفتیم اگر چه آمریکائیاها منکر شدند که در این حادثه دست داشته باشند و گفتند ما دخالتی نداشتیم، البته اگر منظور این است که آنها سرباز نفرستادند که مردم را بکشند این را ما می دانیم که آنها سرباز نفرستادند و آنها هرگز این کار را نمی کنند، سربازان سعودی برای آنها کافی هستند، اما دخالت آنها به معنای طراحی، توطئه سازی و زمینه سازی و تشویق دولت سعودی به این کار است و کمک به عاملین این حادثه است و اینکه سیاست گذاری اساس سیاست گذاری و آمریکائی است در این هیچ تردیدی نیست، طرف مقابل بنابر این سعودی نیست. عربستان طرف قویتر و بزرگتر نیست بلکه آمریکا طرف قویتر و بزرگتر است و ما در مقابله با این حادثه و در گرفتن انتقام این خونها همان چیزی که ملت ایران آن را فریاد می کند و می خواهد که انتقام هم گرفته شود، یقیناً این انتقام هم متوجه سعودی خواهد بود و هم متوجه آمریکا.

همه شما برادران و خواهران عزیز نمازگذار را توصیه می کنم و دعوت می کنم به اینکه باد خدا را فراموش نکنید، به خدا توکل کنید، به لطف الهی اعتماد داشته باشید و بدانید که با ایمان و بانقوی و با استمداد از خداست که انسان می تواند بر این مشکلات فائق بیاید و دشمنان را سر جای خود بنشانند و من همه شما را به تقوی و ذکر الهی توصیه می کنم.

بسم الله الرحمن الرحيم، قل هو الله احد، الله الصمد، لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً روزنامه رسالت شنبه ۱۷ مرداد ۱۳۶۶

پیام وزیر کشور ایران به وزیر کشور عربستان بسم الله الرحمن الرحيم آقای نايف بن عبدالعزيز وزير کشور دولت عربستان سعودی ان لم یکن لکم دین و کنتم لاتخافون المعاد فکونوا أحرارا فی دنیاکم» طبق اخباری که تاکنون بدست ما رسیده پلیس و نیروهای امنیتی تحت امر شما به دستور آمریکا صدها تن از زائرین و حجاج بیت الله الحرام را به شهادت رسانده و هزاران تن از آنان را مجروح و مصدوم کرده اند و این درحالی است که بدلیل برخورد غیر انسانی عوامل شما تاکنون آمار دقیقی از شهدا و مجروحین در دست نیست، ولی قطعاً عمق فاجعه بیش از آن است که در رسانه ها منعکس گردیده است.

طبیعی است که مسئولیت مستقیم این فاجعه بر عهده دولت سعودی و شخص شما بعنوان به وزیر کشور عربستان میباشد شما نه تنها امنیت حجاج و راهپیمایانی که بعنوان یک وظیفه اسلامی چون سالهای گذشته ندای برائت از کفار و مشرکین را سر داده بودند تامین نکردید بلکه هم خود به طرفداری از ائمه کفر و شرک یعنی آمریکا و شوروی و صهیونیسم و به دستور شیطان بزرگ آمریکا دستان به خون حجاجان بیت الله آغشته گردید و پلیس سعودی این شرم ابدی را بر خود و خرید که همچون مشرکین صدر اسلام که در همین مکان مقدس پیامبر اسلام را با سنگ آزدند و به سنگباران حجاجان حریم خدا در کنار شعب ایطالب پرداخت و سپس با محاصره جمعیت و هم حمله به زنان، مردان، سالخوردگان، جانبازان انقلاب و سایر راهپیمایان آنچنان سبیت نشان داد که روی کماندوهای مزدور رژیم شاه در واقعه ۱۷ شهریور سال ۵۷ تهران را سفید نمود. این حرکت فاجعه آمیز شما در برخورد با زائران حرمین شریفین توطئه ها و اقدامات مشرکین را پس از نزول سوره برائت به پیامبر اکرم (ص) و اعلان آن بوسیله حضرت علی بن ایطالب (ع) در کنار خانه کعبه تداعی میکند. و در حالیکه رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام هم خمینی به پیروی از پیامبر خدا برائت از کفار و مشرکین به سردمداری آمریکای جهانخوار را هم اعلام میکنند، شاهد همان توطئه ها از سوی استکبار جهانی و بدست پلیس سعودی هستیم.

و پیام جهان شمول حضرت امام مبنی بر برائت از مشرکین چیزی نبود که استکبار جهانی به پر و سرکردگی آمریکا و دولت شما بعنوان عامل وی تحمل شنیدنش را در سرزمین وحی و در کنار هم خانه خدا داشته باشید.

برخورد رسانه های امپریالیستی و صهیونیستی با پیام برائت رهبر انقلاب اسلامی از کفار و مشرکین در چند روز گذشته بگونه ای حاکی از این بود که آمریکا آن را خطری بسیار جدی و نزدیک برای خود و منافعش احساس نموده و دیگر چون گذشته تحریف و برخورد تبلیغاتی را با آن مؤثر ندانسته است و بخوبی دریافته است که با حلول این پیام در قلوب مسلمین جهان در هم آینده ای نه چندان دور طومار استکبار در تمام کشورهای اسلامی و غیر اسلامی در هم خواهد پیچید لذا توطئه برخورد با پیام برائت از مشرکین توسط کارشناسان آمریکائی طراحی و بدست شما و پلیس سعودی محقق گردید تا به فکر خام آمریکا این ندا در نطفه خفه شود، غافل از اینکه این جنایت هولناک عامل تسریع در انتشار ولیک مستضعفین جهان به این پیام شده و حجاج بیت الله الحرام هریک به رسولی از خون برخاسته بدل شدند تا این ندا را از خانه خدا به خانه دل مستضعفین عالم در اقصی نقاط ممالک اسلامی برسانند و مانع از آن شوند که آمریکا همانگونه که قبله اول مسلمین را توسط عامل خود اسرائیل غضب نموده قبله دوم خانه کعبه را توسط خائنین به حرمین شریفین در چنگال خون آلود خود قرار دهد.

جنایاتی که به دستور مستقیم آمریکا و در سایه حکومت سعودی بدست شما و عواملتان در جمعه خونین مکه مکرمه واقع شد بخوبی ثابت کرد که شما مسئول امنیت هستید و در ایفای مسئولیت خویش با جدیت عمل نموده اید اما امنیت چه کسانی و به چه اهدافی؟ شما ثابت کردید که حافظ امنیت آمریکا هستید چرا که دستتان به خون انسانهایی آغشته شد که در دل یاد خدا و کینه آمریکا و برب فریاد برائت از مشرکین را داشتند. البته ملت های مسلمان و امت حزب الله در سراسر جهان با حمله مستقیم به منافع و موجودیت آمریکاجواب وی را خواهند داد و دلاور مردان بسیجی ما در خلیج فارس تقاص خون پاک حجاج خانه خدا را هم از نیروهای آمریکایی خواهند گرفت، لکن من در اینجا قول فرزند گرامی پیامبر خدا حضرت حسین بن علی (ع) را که خطاب به لشکر فرزند ابوسفیان ایراد فرمود به شما متذکر میشوم که بهر حال اگر ایمان به صاحب کعبه ندارید و از روز جزا و قیامت نمی هراسید لاقول در دنیای تان آزاد مرد باشید. این چنین اعمالی شما را حتی از خشم ملت مسلمان حجاز در امان نمی دارد بترسید از روزی که فرزندان جزیره العرب تقاص خون پاک حاجیان مظلوم و مظلومه خانه خدا را از سردمداران حکومت آل سعود بگیرند که الیس الصبح بقریب.

آنچه از این پس برای ما و دیگر مسلمانان جهان بطور جدی مطرح و دنبال خواهد شد عدم صلاحیت شما و بواقع آمریکای دشمن اسلام در اداره حرمین شریفین است و ما این موضوع را

## اردن مراکش و عراق از جنایت رژیم فهد حمایت کردند

به اشکال تازه و جدی تری با ملت های مسلمان مطرح و پیگیری خواهیم نمود تا انشاء الله در آینده نزدیک این اماکن مقدسه بدست مسلمین جهان اداره شود .

در خاتمه من بعنوان وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران در این شرایط که خون پاک مسلمانان بدست مزدورانی در کشور شما به زمین ریخته شده ، اولاً : از شما میخواهم که سریعاً نسبت به به تحویل اجساد مطهر کلیه شهدای ایرانی جهت انتقال آنان به ایران اسلامی اقدام و نیز ضمن برخورد انسانی با مجروحین و مصدومین این فاجعه تسهیلات لازم جهت عیادت از آنان فراهم گردد.

ثانیاً به شما بعنوان وزیر کشور دولت عربستان سعودی جدا اخطار میکنم که به هر شکل مسئولیت حفظ امنیت حجاج بیت الله الحرام با شما بوده و هست جنایات و فجایعی که رخ داده قطعاً بدون پاسخ نخواهد ماند ولی در ارتباط باحجاج ایرانی متذکر میشوم که این عزیزان هم و می بایست با آرامش خاطر و در امنیت کامل اعمال و مناسک حج را بجا آورند و به ایران و اسلامی بازگردند.

بدیهی است هر گونه عدم ایفای مسئولیت در این خصوص عواقب کار را بر شما و دولت عربستان و آمریکای جهانخوار در سراسر جهان سخت تر خواهد نمود.

سید علی اکبر محتشمی وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۱۲ مردادماه ۱۳۶۶ اردن ، مراکش و عراق از جنایت رژیم فهد حمایت کردند در حالیکه جهان اسلام، جنایات آل سعود در کشتار حجاج بیت الله الحرام در حریم حرم هم امن خدا را به شدت محکوم می کند، شاه اردن، شاه مراکش و صدام ضمن اعلام همبستگی با آل سعود، از جنایات آنان حمایت کردند.

ملک حسین شاه اردن در یک گفتگوی تلفنی با ملک فهد پادشاه عربستان ضمن اظهار تأسف به و از اقدامات آشوبگرانه ایرانیها در مکه مکرمه بدون رعایت حرمت و تقدس مراسم حج بر هم حضور دولت و ملت اردن در کنار عربستان برای رویارویی با مزدوران آشوبگر رژیم ایران ! تأکید

کرد.

## تأمین امنیت توسط یک ژنرال آلمانی !!

موضع مراکش شاه مراکش طی تلگرامی به شاه فهد همبستگی کشور خود با عربستان سعودی در رویارویی با اعمال آشوبگرانه! و دفاع از امنیت و ثبات کشور عربستان در برابر عملیات خرابکارانه ایران! را اعلام کرد.

عراق هم حمایت کرد بگزارش فرانس پرس عراق همبستگی خود با عربستان را اعلام و اقدامات خرابکارانه ایرانیان را در درگیریهای خونین مسجد الحرام محکوم کرد. شورای انقلاب عراق که بریاست صدام حسین تشکیل جلسه داده بود، طی این نشست همبستگی خود با برادران سعودی بخاطر اخذ تدابیر امنیتی برای زائران و قداست مراسم حج را اعلام کرد.

در ضمن به گزارش خبرگزاری رسمی عربستان علی صالح رئیس جمهور یمن شمالی نیز به حادثه مکه را محکوم کرده و برای فهد پیام فرستاده است.

روزنامه کیهان ۱۳۶۶/۵/۱۱ تأمین امنیت توسط یک ژنرال آلمانی!! واحد مرکزی خبر به نقل از منابع آگاه می نویسد:

ژنرال راولریخ و گنر، افسر ۵۸ ساله آلمان فدرال فرمانده کل پیشین گروه کماندوئی ضد تروریستی این کشور از جانب ریاض به سرپرستی نیروهای ویژه امنیتی سعودی منصوب شد تا امنیت زائران خانه خدا را تأمین کند.

گزارش خبرگزاری فرانسه بک سخنگوی وزارت کشور آلمان فدرال گفت و گنر در ماه سپتامبر آینده به محل ماموریت خود عزیمت خواهد کرد.

ژنرال و گنر معروفیت خود را هنگامی کسب کرد که در اکتبر سال ۱۹۷۷ مسافران یک هم هواپیمای ربوده شده لوفت هانزارا که توسط چند فلسطینی به مگادیشو در سومالی برده شده بود آزاد ساخت.

روزنامه کیهان ۱۳۶۶/۵/۱۱

ص: ۴۶۳

م آل سعود سربازانی را که از تیراندازی بسوی خانه خدا خودداری کرده اند دستگیر کرد بیروت - خبرگزاری جمهوری اسلامی: تعدادی از سربازان سعودی که در جریان فاجعه مکه از تیراندازی به سوی حجاج خانه خدا خودداری کرده بودند توسط رژیم آل سعود زندانی شده اند.

به جبهه آزادی بخش جزیره العرب با ارسال نامه ای به دفتر خبرگزاری جمهوری اسلامی در بیروت با افشاء این مطلب مینویسد این تعداد از سربازان عربستان در فاجعه مکه از دستورات هر فرماندهان خود در تیراندازی علیه حجاج خانه خدا تمرد کردند و پس از فاجعه خونبار مکه از به سوی رژیم آل سعود بازداشت شدند.

بر اساس این اطلاعیه به نقل از افرادی که اخیراً از مکه بازگشته اند آمده است از تعداد دقیق سربازان بازداشتی اطلاعی در دست نیست اما رژیم آل سعود به دلیل مسائل امنیتی و ترس از هم افشای واقعه مکه توسط این سربازان آنان را به زندان های شرق عربستان منتقل کرده است. به گفته همین افراد در جریان کشتار خونین حجاج خانه خدا پنج تن از اهالی شرق عربستان که در راهپیمایی شرکت داشتند نیز مفقود شده اند.

جبهه آزادی بخش جزیره العرب در اطلاعیه خود می افزاید بر اساس اطلاعات رسیده از داخل عربستان سعودی پلیس آل سعود شهرهای شیعه نشین شرق عربستان را تحت تدابیر شدید امنیتی قرار داده است به گفته افرادی که اخیراً از عربستان بازگشته اند رژیم آل سعود این تدابیر را از بیم عکس العمل شیعیان شرق عربستان اتخاذ کرده است و به شدت این شهرها را تحت نظر دارد.

بر اساس این گزارش پلیس آل سعود در همین راستا تعدادی از زائرین این شهرها را نیز بازداشت کرده است که از سرنوشت آنان اطلاعی در دست نیست .

## استفاده پلیس سعودی از کلت، تفنگ و گلوله های انفجاری

استفاده پلیس سعودی از کلت، تفنگ و گلوله های انفجاری سرپرست امور پزشکی حجاج ایرانی در مکه مکرمه اعلام کرد پلیس جنایتکار سعودی برای حمله به زائران بیت الله الحرام از گلوله های کلت، تفنگ و گلوله های انفجاری استفاده کرده و است.

وی که با خبرنگار واحد مرکزی خبر سخن می گفت اظهار داشت: گلوله های انفجاری مهم بدترین آسیبها را به بدن شهدا و مجروحین وارد آورده است. این گلوله در داخل بدن منفجر شده و تبدیل به چندین گلوله مستقل شده است و آسیبهای فراوانی به بدن شهدا و مجروحین وارد کرده و استخوان این عزیزان را کاملاً متلاشی کرده است.

دکتر دلشاد افزود: گلوله هائی که به جمجمه اصابت کرده مغز را متلاشی نموده است و گلوله هایی که وارد سینه شده بلافاصله باعث شهادت گشته است. بعضی از این گلوله ها که به شکم زائران اصابت کرده آسیبهای فراوانی وارد آورده که منجر به شهادت شده است. اما خوشبختانه مجروحینی هم وجود دارند که با اینکه گلوله خورده اند زنده مانده و جان خود را از دست نداده اند.

در قسمت دیگری از این گفتگو وی در مورد وضع کلی مجروحین گفت: ما قصد داشتیم امروز (دیروز) حدود ۱۰۰ مجروح را به ایران اعزام کنیم اما چون اغلب آنها اصرار داشتند در مکه بمانند تا اعمال حج را بجا آورند تنها حدود ۲۶۶ نفر را اعزام خواهیم کرد. وضع عمومی به این مجروحین خوب است اما چون شکستگی های مختلفی به خاطر اصابت گلوله و باضربه مستقیم باطوم دارند آنها را اعزام می کنیم دکتر دلشاد وضع کلی بقیه مجروحین را خوب توصیف کرد و گفت: آنها اغلب از بیمارستان مرخص شده اند و در کاروان های خود بسر میبرند این مجروحین دیروز (پریروز) در عرفات بودند و دیشب (پیشب) به مشعر حرکت کردند و امروز (دیروز) در منا هستند و از لحاظ پزشکی هم نگرانی وجود ندارند.

روزنامه جمهوری اسلامی چهارشنبه ۱۴ مردادماه ۱۳۶۶



## اظهارات سرپرست بیمارستان ایرانی در مکه

اظهارات سرپرست بیمارستان ایرانی در مکه سرپرست بیمارستان ایرانی مستقر در مکه مکرمه در گفتگویی پیرامون حمله سبعانه پلیس عربستان سعودی به زائران ایرانی و معالجه مجروحین در این بیمارستان اظهار داشت: هم‌ا‌ما تعداد زیادی مجروح داشتیم که اغلب آنها مستقیماً مورد ضرب و لگدمالی خود پلیس جروح شده بودند.

در مورد استفاده از گازهای خفه‌کننده متأسفانه تعداد زیادی از مراجعین بر اساس علائمی که اظهار کردند نشان می‌دهد که علاوه بر گازهای اشک‌آور از گازهای خفه‌کننده نیز استفاده شده و احتمال داده می‌شود که تعدادی از شهدای ما به‌همین علت بشهادت رسیدند.

وی افزود: مجروحین ما اغلب بصورت سرپایی درمان شدند و مرخص گردیدند و تعدادی که در بیمارستان بستری هستند خوشبختانه با امکاناتی که در بیمارستان وجود دارد وضع خوبی دارند و دیشب تا صبح همکاران ما در اتاق عمل مشغول درمان این عده بودند و الحمدلله الان وضعیتشان خوب است و جای نگرانی نیست. البته در بیمارستانهای سعودی نیز تعداد زیادی مجروح وجود دارد و همچنین تعدادی از شهدای مادر سردخانه‌های آن بیمارستان نگهداری شدند.

سرپرست بیمارستان ایرانی درباره تعداد شهدا و مجروحین گفت: بعلت پراکندگی و انتقال هم مجروحین و شهدا به بیمارستانهای مختلف فعلاً- دقیقاً هنوز آماری در دست نیست جز آماری که در اختیار خودمان است و مربوط به بیمارستان هیات پزشکی حج جمهوری اسلامی ایران است و فعلاً نمیشود آماری را ذکر کرد. انشاء الله بمحض اینکه آمار کامل شهدا و مجروحین تهیه شد اعلام خواهیم کرد.

روزنامه کیهان ۱۳۶۶/۵/۱۱

ص: ۴۶۶

در گفتگوی تلفنی نیمه شب گذشته با سرویس سیاسی کیهان عنوان شد ارش مسئول ستاد حج مکه پیرامون وضعیت حجاج ایرانی، آخرین آمار شهدا و مجروحین و ادعاهای دولت سعودی سرویس سیاسی کیهان - «محمدعطریان» مسئول ستاد حج و زیارت مستقر در مکه مکرمه در و آخرین ساعات شب گذشته در یک تماس تلفنی با سرویس سیاسی کیهان ضمن ارائه آخرین آمار شهدا، مجروحین و مفقودین جنایت عمال سعودی، وضعیت فعلی حجاج ایرانی و روند مناسک حج در منی و عرفات و نیز تلاش ستاد حج و زیارت مکه برای عادی سازی اوضاع زائران ایرانی را تشریح کرد.

وی در این گفتگو در مورد برخی شایعاتی که پیرامون چگونگی وقوع این جنایت جریان دارد و نیز ادعاهای دولت سعودی توضیح داد.

وی گفت تعداد آن دسته از پلیس سعودی که در جریان این درگیری کشته شده قطعاً بیش از ۲۰ نفر نیست و دلیل آن استفاده پلیس از لباس مبدل برای حمله به حجاج بوده که زیر آتش هم پلیس رسمی سعودی قرار گرفته و در نتیجه کشته شدند.

و مسئول ستاد حج و زیارت مکه اخطار کرد که اگر دولت سعودی در مناسک حج قصد تکرار جنایات خود را داشته باشد با مقاومت و مقابله به مثل زائران ایرانی مواجه خواهد شد.

وی همچنین با اعلام این مساله که شش روز از طول سفر حجاج ایرانی «مدینه بعد» کاسته خواهد شد گفت که هیچگونه ارتباط سیاسی با دولت عربستان نداریم زیرا اساساً این ارتباط را حرام می دانیم.

«عطریان» همچنین با اشاره به اینکه عربستان از ۵۰۰ زندانی ما همه را غیر از ۲۰ تا ۳۰ نفر آزاد کرده تأثیر «جمعه سیاه عربستان» بر حجاج غیر ایرانی را سازنده و موثر توصیف کرد.

وی وی همچنین پیام حضرت امام به حجاج ایرانی را روح بخش و باعث تقویت روحیه حجاج دانست.

متن کامل مصاحبه بدین شرح است:

وی در پاسخ به این سؤال که دولت عربستان عنوان می کند ۸۵ تن از افراد پلیس آن کشور

در این درگیریها جان خود را از دست داده اند، این مساله تا چه حد صحت دارد؟ گفت:

این رقم صرفاً آماری است که از طرف مقامات رسمی عربستان سعودی در روزنامه های این کشور اعلام شده و بهیچ عنوان صحت ندارد. البته ممکن است چیزی حدود ۱۰ الی ۲۰ نفر از افراد پلیس سعودی کشته شده باشند اما این مساله بهیچ عنوان به ایرانیها مربوط نمی شود و ممکن است در یک شرایطی زائرین ما برای دفاع از جان خویش مقابله بسیار جزئی کرده باشند هم که آنهم طبیعی است زیرا وقتیکه یک انسانی در تنگنا قرار بگیرد و از هر سو به او حمله شود \* مسلماً در صدد دفاع از خود بر می آید.

البته لازم است تذکر بدهم که در بین افرادی که از سعودیها ممکن است کشته شده باشند هم اساساً پلیس رسمی که با اونفورم مشخص نظامی و وسائل مجهز پلیس باشد دیده نمی شود بلکه تعداد زیادی از پرسنل پلیس سعودی با لباس شخصی و مسلح به سلاح گرم در بین راهپیمایان بودند که یکمرتبه شروع به حمله به زائرین کردند و بدنبال آن با هماهنگی قبلی بین هم مامورین عربستان، پلیس آن کشور نیز به زائرین حمله کرده و به احتمال بسیار قوی سعودیهایی که کشته شدند بر اثر ضربه متقابل پلیس عربستان و با گلوله سعودیها بوده است.

وی در مورد تعداد شهدای غیر ایرانی و ملیت آنان گفت: در مورد تعداد شهدای ملیتهای دیگر سعودیها رقم ۴۲ با ۴۳ نفر را اعلام کرده اند. لیکن یکی از برادران ما که امروز (دیروز) موفق شد از بیمارستان الزاهر دیدار کند، حدود ۶۰ شهید از ملیتهای مختلف را مشاهده کرده است که این شهدا بیشتر لبنانی، افغانی و کشورهای آفریقایی می باشند که بدون اینکه در هر درگیری شرکت داشته باشند توسط پلیس یا کسانی که با لباس مبدل و در ساختمانهای بلند مستقر م بودند با سنگ و چوب و گلوله به شهادت رسیده اند. این برادران بهیچ عنوان در ماجرا شرکت نداشتند و چون دامنه عملیات و برخورد پلیس وحشیانه و گسترده بود این برادران هم که در هم حاشیه خیابان بودند مضروب و شهید شدند. مسلمانان دیگر کشورها هم مثل بسیاری پیر زنان و هم پیرمردان ما بدون هیچگونه برخوردی به شهادت رسیدند.

سرپرست ستاد مکه در مورد وضعیت حجاج ایرانی در منی و ادامه مناسک زائران گفت: ما هم پیش بینی می کنیم که احتمالاً هیچ مشکلی در منی بوجود نخواهد آمد. اگر کوچکترین حادثه ای اتفاق بیفتد اصولاً از سوی خود سعودیها خواهد بود که قابل کنترل نیست. البته این و مساله را ما رسماً به «مطوفین» اعلام کردیم و گفتیم که بروند و به مسئولین سعودی بگویند که با توجه به اینکه وحشیانه ترین برخوردها را پلیس سعودی و افراد زیردستان و مسئولین بالاتر شان

با زائرین ما داشته اند اکنون زائرین ایران آگاه و هوشیار می باشند و آمادگی کامل دارند در این زمینه ما اعلام کردیم اگر کوچکترین حرکت مثل آتش سوزی یا حمله به زائرین و یا ... از طرف ارادل و اوباش و پلیس عربستان در منطقه صورت بگیرد زائرین ما قابل کنترل نخواهند بود و برخورد متقابل صورت میگیرد و دامنه این برخوردها ممکن است به مراحل خطرناکی بکشد. ما به آنها همچنین گفتیم، از طرف جمهوری اسلامی تعهد هیچگونه برخوردی نیست و مادر در برنامه حج به فرمان امامان بیش از دو راهپیمائی نداریم. البته اگر روزی لازم شود و امام هم عزیزمان بفرمایند زائرین ما هر روز هم آماده اند تا راهپیمائی کنند.

وی افزود: ما کلاً هیچگونه ارتباط سیاسی با دولت عربستان نداریم چون آنها را مسئول این فاجعه میدانیم و گفتگو با آنها را حرام میدانیم. در حال حاضر ما صرفاً با «موسسه مطوفین حجاج ایرانی» که یک موسسه تجربی است و جدای از دولت کار می کند ارتباط داریم.

عطریان، در پاسخ به این سؤال که شایع شده قبل از وقوع این فاجعه برخی اطلاعات مبنی هم بر قصد حمله پلیس عربستان به مسئولین ایرانی رسیده بود. آیا این مساله صحت دارد یا خیر؟ گفت: صرفاً آنچه که قبل از تظاهرات مطرح بود ملاقات وزیر حج و اوقاف سعودی با نماینده حضرت امام بوده که وی عنوان کرد مقامات بلند پایه با این کار مخالفند و باید تظاهرات محدود باشد. که به وی جواب داده شد ما تظاهرات برائت از مشرکین را وظیفه خود میدانیم و هم انجام وظیفه هم محدودیت ندارد.

شما اگر به اخبار توجه کنید می بینید اولین کسی که نظم را برهم زد پلیس عربستان بود.

نکته ای که باید اضافه کنم این است که آنطور که از پیام حج امسال امام بر می آید ما انتقام خون شهدا را می گیریم و اعتقاد کلی ما این است که این حرکت با دخالت مستقیم آمریکا و هم بدست عمال نظام سعودی انجام گرفته و البته خوش رقصی بعضی از مقامات عربستان از جمله «عبدالوهاب احمد عبدالواسع» وزیر حج و اوقاف آن کشور با آن خیانت و کینه ای که از هم ایرانیها دارد کاملاً روشن و ملموس میباشد. او مسئول مستقیمی است که در رابطه با ما بوده و باید جواب های ما را به مسئولین عربستان می رساند، لیکن این کار را انجام نداد والا ما عنوان کردیم که تظاهرات مسالمت آمیز خواهیم داشت.

هم اگر کسی جز آقای عبدالوهاب که یکی از وزرای سابقه دار کابینه سعودی است بر سر کار بود عمق فاجعه اینقدر نبود.

وی در مورد زمان پروازهای بازگشت حجاج اظهار داشت: تلاش ما بر این است که به هم

مجموعه اسکادران هواپیمائی ایران اضافه شود، و انشاء الله با اینکار امسال ۶ روز از سفر حج کاسته میشود، البته این مساله شامل حال افرادی که در چند روز اول به عربستان رفته اند نمیشود. و عمدتاً حجاج مدینه بعد امسال ۶ روز زودتر به ایران باز خواهند گشت و پروازها از شنبه شروع میشود.

سرپرست ستاد مکه در ادامه در رابطه با تعداد شهدا و وضعیت مجروحین ایرانی گفت: در حال حاضر حدود ۳۲۰ شهید و حدود ۳۰ مفقود داریم. وظیفه ما این است که اسامی را با اجساد تطبیق دهیم. اینکار به این دلیل است که بسیاری از شهدا، در بیمارستان و یا در معرکه به شهادت رسیدند و کارت شناسائی آنها مفقود شده و یا به دلیل لطامات وارده امکان شناسائی آنها نیست. هر زمان هر تعداد از شهدا با اسامی تطبیق پیدا کنند اسامی آنها را اعلام می کنیم.

وی گفت: از مجموعه کاروانهای ایران حدود ۸۳۰ کاروان هیچگونه آسیبی ندیده اند ولی و حدود ۲۴۰ کاروان مابین یک تا پنج شهید یا مفقود داشته اند. در جدولی که بهمین منظور تهیه شده آمار شهدای استانهای مختلف بشرح زیر میباشد. استان اصفهان با حدود ۴۰ کاروان آسیب دیده تعدادی حدود ۸۰ شهید و مفقود دارد. استان خراسان با ۴۰ کاروان حدود ۷۰ شهید، تهران با رقمی کمتر از این تعداد، فارس با حدود ۲۷ کاروان تعداد ۴۰ الی ۵۰ شهید وهم مازندران که رقمش خیلی کمتر از اینهاست.

وی افزود: البته هنوز تعدادی از برادران ما مفقود هستند و در زندانهای سعودی بسر میبرند.

سرپرست ستاد مکه ادامه داد: دیروز صبح در شرایطی که ایرانیان و سایر حجاج مکه را ترک کرده بودند سعودیها به ما اعلام کردند میتوانید شهدا را شناسایی کنید و ماحدود ۱۳۰ نفر را شناسایی کرده ایم که با تلاشی که از طرف ستاد صورت می گیرد امیدواریم حتی المقدور تمام عملیات شناسایی را در مکه انجام بدهیم. همچنین قرار است حدود ۷۴ نفر از مجروحین نیز به ایران اعزام شوند.

وی در مورد زندانیان آزاد شده گفت: مجموعه نیروهایی که سعودیها دستگیر کرده بودند ۵۰۰ نفر بودند که بخش عمده ای از آنها که عمدتاً پیر بودند همانشب اول آزاد شدند ولی هم نیروهای جوان را نگه داشتند. البته دیروز عصر (پریروز) نیز جمع دیگری برای انجام اعمال آزاد شدند و در حال حاضر ما حدس می زنیم، ۲۰ الی ۳۰ نفر زندانی داشته باشیم و به احتمال بسیار زیاد خواهر زندانی نداریم.

عطریان در مورد وضعیت عمومی شهر مکه و تاثیر این فاجعه بر روی سایر حجاج گفت: در و مجموعه ملاقاتها و برخوردها و مصاحبه هائی که بطور فردی صورت گرفته تعداد بسیاری از حجاج غیر ایرانی با گریه و زاری اعلام همبستگی کردند و حتی بعضاً دست زائرین ما را بعنوان هم اینکه بار شهید بوده اند می بوسیدند و به چشم خود می مالیدند و در مواردی اعلام آمادگی برای کمک به ایرانیها می کردند.

وی در مورد نحوه حضور نظامی عربستان در منی گفت: منی و عرفات مملو از جمعیت‌های و متمرکز پلیس است. پلیس عربستان با تشکیل جوخه های ۵ تا ۱۰ نفره و اجتماعات ۱۰۰ نفره و در حالیکه باتوم در دست و اسلحه بر دوش دارند قصد ارباب مسلمین را دارند. آنها تیربارها را آماده کرده اند و ما گفتیم شما اگر تمام زائرین را به شهادت برسانید ملت ما دست از مقابله با آمریکا بر نخواهد داشت. و از سال آینده راهپیمائی براثت را به شکل بسیار باشکوهی برگزار خواهد کرد. اینها می خواهند مسلمین سایر کشورها را از ما جدا کنند، اما حجاج کشورهای ترکیه، اردن، مصر، فلسطین، قطر، امارات و پاکستان بطور مشخص هم در روز حادثه و هم بعد از آن و در ملاقاتهای فردی اظهار حمایت کردند. آنان در روز حادثه بطور علنی پیرمردها و پیرزنهای ما را پناه دادند. که ما از آنها تقدیر و تشکر می کنیم و این حرکت را در راستای هم بیداری و هشیاری ملل مسلمان می دانیم.

مسئول ستاد مکه سپس گفت: با عمده برادران مجروح که در بیمارستان بستری هستند ملاقات کرده ایم و بقیه زائرین هم اکنون مشغول انجام مناسک حج هستند. البته حدود ۱۵۰ نفر قادر به انجام مناسک نبودند.

وی در پایان در مورد مسئولین جمهوری اسلامی که مجروح شده اند گفت: برخی از مسئولین جمهوری اسلامی از جمله نماینده محترم حضرت امام و سرپرست حجاج ایرانی، حجت الاسلام نوری نماینده امام در جهاد، استاد جعفر سبحانی و آیت الله جوادی آملی جزء مجروحین فاجعه اخیر می باشد از روزنامه کیهان مورخ سه شنبه ۱۳ مرداد ۱۳۶۶

مصاحبه با نماینده امام حجت الاسلام مهدی کروی در مصاحبه با خبرنگار واحد مرکزی خبر گفت:

بعثه حضرت امام و برادرانی که به آنجا تشریف آوردند از طرف بنده برنامه ریزی کرده بودند و برای اینکه دعای کمیل را انجام بدهند، طبق معمول که همه ساله انجام می شد اما متأسفانه و نیروهای عربستان باز به شرارت‌های خودشان ادامه دادند و مانع برگزاری دعای کمیل شدند و به پر شروع کردند مردم را کتک زدن و متفرق کردن. طبق گزارش‌هایی که می‌رسد حتی بعضی را هم به آنجا بازداشت کردند و اطلاع دادند حدود بعثه تابعی را نیرو مستقر کردند. افراد نظامی که و و حول و حوش ستاد حج آوردند به ساز و برگ جنگی و حتی وسائل سنگین مجهز هستند و به هر به به صورت نگذاشتند که دعای کمیل برگزار شود.

سؤال شد رادیو تلویزیون و مطبوعات عربستان سعودی طی چند روز گذشته در تبلیغات و خودشان ادعا کردند که شهدائی که به تهران منتقل شده اند در بدنشان گلوله نبوده و به جنازه‌ها و در تهران تیر زده شده و یا اصلاً مربوط به اتفاقات مکه نبودند لطفاً در این مورد توضیح بفرمائید.

وی در پاسخ گفت: فکر می‌کنم در این مورد بنظر من عربستان از ابتداء یک دروغ بسیار بزرگی و گفته و می‌دارد دست و پا می‌زند و هر چه هم دست و پا می‌زند قضیه دارد بدتر می‌شود. از پ ابتدا گفتند که ما اصلاً تیراندازی نکرده ایم خوب این همه انسان در مکه بودند و این شهر که م بخصوص در دل کوه صغیر صدای گلوله اصلاً شهر را فرا گرفته بود. اینها را همه شنیده اند.

حالا دنباله دروغ ناگزیر است که دست و پا بزند هر روز یک چیزی می‌گویند یک وقت و می‌گویند ما نزده ایم یک وقت می‌گویند که اجساد را بردند تهران گلوله به آنها زده اند یک وقت لگو می‌گویند که اینها در حال جنگ هستند از اجساد جبهه آوردند و می‌گویند اینها همه اجساد است که در مکه بوده اند ما می‌پرسیم آنهاست که به تهران برده اند آیا زنها را از جبهه آورده اند اینها پاسپورتشان مشخص و معین است و همه دنیا هم می‌دانند حالا برای اینکه مطلب خوب روشن بشود من از خبرگزاریها و خبرنگاران دعوت می‌کنم عربستان اجازه دهد خبرنگاران بیایند جده و بینیم کی راست و کی دروغ می‌گویند.

ماجر وحینی از زن و مرد داریم که گذرنامه دارند و با اجازه عربستان سعودی وارد عربستان سعودی شدند کاروان‌های آنها معین و مشخص است همینجا افرادی را ارائه بدیم که تیر در بی بدنشان است و بعضی شان عفونت کرده و حالشان خوب نیست. ایمان ۲۴ مرداد ۱۳۶۶

گزارش واحد تحلیل و خبر بعثه امام خمینی از حج خونین سال ۶۶ و چگونه آل سعود برای کشتار زائران خانه خدا آماده و حج که از بزرگترین و اصولی ترین فرائض الهی است از مجموعه عباداتی است که عمده اعمال آن برای تصحیح روند سیاسی و اجتماعی ملت های مسلمان و ایجاد یک جامعه مستقل اسلامی و رها شده از سلطه شرک و کفر و نفاق جهانی واجب شده است و به طور مشخص تنها در حج حضرت حق بندگان را در یک سیر منطقی با مجموعه ای سمبلیک از مظاهر وحدت امت اسلامی و برائت از مشرکان با استمداد از قدرت لایزال الهی آشنا مینماید. احرام بعنوان اولین گام در فرایض حج لباس حرام کردن همه شخصیتها و منیت ها است تا انسان گم شده در لجن مادیت و ماشین و قدرت که هرگز فرصتی پیدا نمیکند تا خودش را بیابد به دور هم از همه تبعیضها به خودش بازگردد و وقتی خود را یافت به طواف خانه خدا که خانه مردم است برود و با گردش بدور محور خدائی جوامع متشتت اسلامی یکی شوند و بایگانگی و وحدت که یکی از دو پایه اصلی فلسفه حج است در صحرای عرفات این یکرنگی را به نمایش بگذارند تا هم خود قدرت واحد اسلامی خود را بشناسند و هم بدنیای شرک والحاد توان رزمی متحد اسلامی را به نمایش بگذارند و وقتی خوب همه اتحاد اسلامی و یکدلی مسلمین را نظاره کردند دومین فصل اصلی حج که هجوم یکپارچه سمبلیک علیه مظاهر شرک و نفاق است را با حضور شبانه و تاکتیکی در مشعر و جمع آوری سنگهایی که بناچار باید بر فرق شیاطین بزرگ و کوچک در روز عید قربان فرود آید آغاز می نمایند و در روز عید قربان و روزهای بعد از آن بطور متوالی جمرات که مظهر قدرتهای استکباری و نموده های شرک است باید رمی شود تا قویترین برائت سمبلیک از مشرکین برای همیشه در زندگی جامعه متحد اسلامی نقش بندد. بنابر این فلسفه بلند حج (باتوجه به نص صریح آیه ۹۷ سوره مائده که خداوند خانه خودش را خانه دعوت به قیام ها و فراخوانی رهایی بخش به استقلال میداند: جعل الله الکعبه البیت الحرام قیاما للناس).

بر دو پایه وحدت و برائت از مشرکان بنا نهاده شده است.

امام خمینی رهبر مستضعفان جهان بعد از انقلاب اسلامی ایران همواره به مراسم عبادی و سیاسی حج توجه بسیاری مبذول داشته اند و هر سال با اعزام نماینده ویژه ای از طرف خود و



مسلمانان را بنا به فلسفه حج دعوت به دوراهیمایی بزرگ می نموده اند .

اولین راهپیمایی در مدینه با عنوان راهپیمایی وحدت جامعه اسلامی انجام می گرفت. این به راهپیمایی علاوه بر آنکه از فلسفه اتحاد مسلمین در حج الهام میگیرد در شرایط امروزین جامعه اسلامی که مسلمانان در بسیاری از کشورها دچار اختلافات شدیدی شده اند و سران کفر و شرک جهانی با ابراز حکومت‌های بعضی از کشورهای اسلامی توانسته اند پیکره واحد ملت های مسلمان را قطعه قطعه نمایند و قدرت تصمیم گیری و تفاوت را از آنها سلب نمایند. بیش از همه زمانها ضرورتش احساس میشود و راه را بر هر نوع جدالی در درون جامعه اسلامی به می بندد. قرآن در سوره بقره آیه ۱۹۷ یکی از واجبات حج را نفی جدال در جامعه اسلامی و می شناسد : لأرث ولا جدال ولا فسوق فی الحج . و تظاهرات وحدت بلندترین دعوت اسلامی است به کنار گذاشتن جدالها در درون جامعه اسلامی و آمادگی یکپارچه برای برائت هر چه و قویتر از قدرتهای استکباری جهانی .

این تظاهرات همه ساله علاوه بر شعارهای لا اله الا الله و محمد رسول الله با شعارهای طنین انداز یا ایها المسلمون اتحدوا اتحدوا در مدینه منوره انجام میپذیرد.

تظاهرات دوم در مکه با نام تظاهرات برائت از مشرکین برگزار میشد که در آن مسلمانان دنیا به در تنها کنگره بین المللی اسلامی که بدعوت خدایشان گرد هم آمده اند الهام گرفته از فلسفه په رمی جمرات و استناد به آیه شریفه «واذان من الله ورسوله الی الناس یوم الحج الأكبران الله بری من المشرکین ورسوله» در خیابانهای مکه برائت خود را از شرک و نفاق جهانی که امروز بسرکردگی آمریکا و شوروی با ابزاری مثل اسرائیل منافع مسلمین را نابود میسازند و به مقابله با اسلام برخاسته اند فریاد میکنند.

این تظاهرات که هر سال با آرامش کامل و با تسلط قوی نماینده امام و کارگزارانش بر بد جمعیت و مقابله جدی با هر نوع خرابکاریهای احتمالی در مکه و مدینه انجام میشد علیرغم همه به فشارهایی که سران مزدور کشورهای مختلف اسلامی و غیر اسلامی علیه انقلاب اسلامی وارد ساخته بودند و تنها رژیم وابسته عراق با تهاجم نظامی خود به خاک کشور اسلامی ۱۳ استان و حساس کشورمان را مورد تجاوز قرار داد و تعداد بی شماری از مردم مسلمان ما را به شهادت به رساند و خانه ها و مراکز صنعتی و نظامی ایران را به آتش کشید و با استفاده از سلاحهای شیمیائی و نقض تمامی قوانین بین المللی همه گونه ستم را بر مردم مسلمان ایران رواداشت

بنا به اصرار نماینده امام در راهپیمائی هائی مکه و مدینه تنها علیه آمریکا و شوروی و اسرائیل به عنوان اهرمهای اصلی شرک و نفاق جهانی شعار داده میشد.

هر سال که از عمر این تظاهرات میگذشت تعداد زیادتری از دل‌های نگران و قلبهای مضطرب امت اسلامی که در کشورهاشان جا پاهای سنگین سلطه سیاسی و اقتصادی و نظامی آمریکا و شوروی را بر دوش خود احساس میکردند به طرف رهایی فرا خوانده میشدند. ابرقدرتها که در طول سالیان دراز با کمک حکومت‌های مزدور بسیاری از کشورهای مسلمان نشین برای خود ابهت فراوانی کسب کرده بودند و کمتر فردی جرات حتی اندیشیدن علیه منافع ابرقدرتهای شرق و غرب را بخود میداد یکباره با شعارهای همزمان الموت لامریکا و روسیا و اسرائیل توسط حجاج در مکه فرو می ریخت و قوی ترین شکل شجاعت و قدرت مقاومت علیه منافع آمریکا و شوروی در رگهای جامعه اسلامی تزریق میشد.

حکومت غاصب حجاز که از مهره های کهنه و دیرین آمریکا و منطقه محسوب میشود. هر سال زیر فشار آمریکا و اقمار آن در منطقه بنحوی عدم رضایت خود را از برپایی تظاهرات اعلام و مینمود. ولی با تصمیم قاطع مسلمانان تظاهرات برائت از مشرکین بدون کوچکترین برخورد و انجام میگرفت. امسال نیز بنا به رویه قبلی تصمیم به برگزاری راهپیمائی از طرف نماینده امام چه گرفته شد که تظاهرات وحدت عصر روز سه شنبه ۲۴ ذی‌قعدة در مدینه برگزار شد و برای تظاهرات برائت از مشرکین نیز عصر جمعه ۶ ذی‌الحجه از مسلمانان دعوت بعمل آمده و بود. بموازات این حرکت رژیم عربستان بخاطر شکستهای آمریکا در منطقه خلیج فارس که آمریکا را مواجه با شدیدترین بحرانهای کاخ سفید کرده بود و بخاطر ذلت کشورهای اطراف خلیج فارس مثل کویت که علیرغم دعوت آمریکا نتوانسته بودند ضربه مورد نظر خود را به پیکره انقلاب اسلامی وارد سازند و نیز بخاطر احساس شکست قطعی که پیشاروی رژیم عراق قرار گرفته بود و آمریکا در تحلیل خود برای جلوگیری از روابط سالم بین ایران و کشورهای منطقه در فردای بعد از صدام میبایست ارتباط ایران و منطقه را تیره نماید رژیم عربستان را ماموریت داد تا هم در یک تهاجم وسیع طراحی شده از قبل با سرکوب و کشتار مسلمانان برائت جوی از مشرکان به کمک آمریکا و مزدورانش بشتابد و آنها را در بلد امن الهی و حریم حضرت حق در یکی از بیرحمانه ترین یورش ها و تهاجم های تاریخ به خاک و خون بکشد .

و بدنبال اعلام روز راهپیمایی در سطح شهر مکه و دعوت بعثه امام از مسئولان عربستان

سعودی و امیر مکه برای شرکت در راهپیمایی برائت از مشرکان که این عمل هر سال انجام میشد وزیر حج و اوقاف عربستان تقاضای ملاقات با نماینده امام کرد که این ملاقات در روز ۴ و ذی الحجه در بعثه حضرت امام انجام شد و در آن پس از اصرار نماینده امام مبنی بر انجام راهپیمایی در مقابل مخالفت‌های وزیر حج و اوقاف توافق شد نماینده وزیر حج به همراه نمایندگان بعثه امام محل پایان راهپیمایی را مشخص نمایند.

بدنبال این توافق صبح روز ۵ ذی الحجه نمایندگان بعثه امام به همراه آقای «حسام و قاشقچی» قائم مقام وزیر حج و اوقاف عربستان در محل حاضر شدند و قرار شد تا ابتدای خیابان عبدالله زبیر راهپیمایی ادامه پیدا کند و از آنجا مردم بدون پلاکارد برای اقامه نماز مغرب به طرف مسجد الحرام بروند و باقیمانده جمعیت نیز در خیابان مسجدالحرام اقامه جماعت نمایند. بدنبال این قرار روز ۶ ذی الحجه پس از استقرار جمعیت راس ساعت ۴/۳۰ دقیقه مراسم با تلاوت آیاتی از قرآن آغاز شد، پس از آن مردم شعارهای الموت لامریکا، الموت لروسيا الموت لاسرائیلیا ایها المسلمون اتحدوا اتحدوا تبت یدا المشرکین من و بلد المسلمین ، سردادند و بعد ترجمه عربی قسمتهایی از پیام حج سال ۶۶ امام خمینی قرائت شد. پس از آن نماینده امام پیرامون مشکلات جهان اسلام و ضرورت اتحاد و برائت از و مشرکان سخنرانی ایراد کرد که بعد از ترجمه آن در ساعت ۶/۱۰ دقیقه مردم به طرف پایان و مراسم در صفوف یکپارچه راهپیمایی را آغاز کردند.

در پیشاپیش تظاهرات سه صف از نیروهای انتظامات که دستها را در یکدیگر زنجیر کرده و بودند، تشکیل شد. پس از آنها تعدادی در حدود ۵۰۰ نفر از برادران حرکت میکردند و پس از این عده در باند سمت راست جانبازان و پشت سر آنها بخشی از خواهران و در باند سمت چپ برادران قرار داشتند.

تظاهرات با پاسخ دادن به شعارهای بلندگوی مرکزی در حدود ساعت ۶/۴۰ به اول سه راهی عبدالله بن زبیر رسید، در اینجا جهت شنیده شدن صدای بلندگوی ماشین، بلندگوی مرکزی قطع شد و مردم جمع آوری پلاکاردها و عکس ها را شروع کردند. در همین حال پلیس از موضع قبلی خود چند متری جلوتر آمد و در جلوی صفوف مقدم تظاهرات آرایش و گرفت . و شروع به هل دادن مردم در باند سمت چپ کرد و همزمان با این عمل با بالا و پائین بردن باطوم مردم را تحریک و چند نفر را مضروب کرد. بفاصله چند لحظه پلیس مستقر در باند

سمت چپ شروع به ضرب و شتم شدید مردم کرد و بلافاصله صدای دست زدن و سوت زدن و هلهله نیروهای چماقدار که از قبل در پشت نیروهای پلیس مستقر شده بودند، شنیده شد و همزمان با آن در باند سمت راست نیز پلیس به همراه نیروهای امنیتی که به چوبهای میخ دار و میله های آهنی مجهز بودند، شروع به ضرب و شتم شدید حجاج نمودند.

نیروهای پلیس در اینحال جهت ارباب بیشتر صدایی شبیه هوهو در آورده و به مردم حمله میکردند .

همزمان با این جریان بارش سنگ، شیشه نوشابه، سطلهای محتوی شن، کپسول آتش نشانی ، کولر خراب شده، میل گرد، آئینه قدی بزرگ، تکه های بزرگ بتن از بالای پارکینگ واقع در سمت چپ بر سر جمعیت شروع شد. بدلیل فشردگی شدید جمعیت این وسایل بیشتر بر سر مردم اصابت میکرد و باعث شهادت آنها میشد.

بعنوان مثال در یک مورد یک تکه بزرگ بتن بر سر یکی از حجاج اصابت کرد و وی را تقریباً له هم کرده و در دم به شهادت رسانید. در اثر این عمل ناجوانمردانه هجوم مردم به عقب و نیز بطرف م باند سمت راست خیابان باعث افزایش شدید فشار و زیر دست و پا افتادن عده زیادی از زنان و نبالان و پیرمردان ناتوان شد. همزمان با این فشار کشنده تعدادی از چماقداران سعودی از خیابان پشت مسجد جن شروع به حمله به قسمت خواهران کردند و با این عمل فشار وارد بر این و قسمت افزایش یافت و عده ای از افرادی که زیر دست و پا افتاده بودند و اکثریت آنها را زنان و به تعدادی جانباز تشکیل میدادند به شهادت رسیدند. پلیس با آرایش مجدد در دو باند خیابان شروع به حمله بطرف مردم کرد و همزمان با هجوم وحشیانه ، تیراندازی را بطرف حجاج آغاز م هم نمود. اولین تیرها بوسیله تفنگهای ضد شورش (ساجمه ای انفجاری) شلیک شد و بفاصله من کمی شلیک رگبار گلوله های جنگی آغاز شد.

تیراندازی و شهادت عده ای از حجاج باعث شد جمعیت بشدت متفرق شده و به عقب هجوم آورند. تعدادی از مردم به کوچه های اطراف و از آنجا به دامنه کوهها پناه بردند که در دامنه کوه نیز بسیاری از مردم با چماقداران مواجه شدند و شهید و مجروح گشتند. تعداد زیادی و هم از مردم نیز به طرف پل حجون هجوم آوردند که پلیس پس از چند لحظه این راه فرار را نیز در پر مسدود کرد. این نکته حائز اهمیت است که قبل از شروع تیراندازی و همزمان با هجوم اولیه و پلیس به صف جلوی تظاهرات انتهای جمعیت نیز در اول خیابان السقاف (مقابل کلبه چوبی)

توسط پلیس مسدود شد و عملاً هرگونه راه فرار برای جمعیت بسته شده بود. در اینحالت جمعیت محاصره شده از دو طرف توسط پلیس بطرز وحشیانه ای مورد هجوم و تیراندازی قرار گرفت. پلیس حتی به مجروحین و معلولینی که توان حرکت نداشتند و بر روی زمین افتاده بودند، رحم نمیکرد و پس از رسیدن به این افراد چندین نفر از افراد پلیس و چماقدار به یک نفر حمله کرده و به قصد کشت وی را مضروب میکردند... همچنین اجساد مطهره زنان شهیدی که در اثر هجوم پلیس در وسط خیابان باقی مانده بود، از تعرض ماموران سعودی مصون نمی ماند و به منظور دزدیدن طلا و وسایل زینتی آنها مورد بازرسی قرار میگرفت. در این شرایط هم که مردم با دادن شهید و مجروح بطرف عقب برمیگشتند و به افراد پلیس بدون تجهیزات که از هم آغاز مراسم در حاشیه شعب ابی طالب مستقر بودند، تعرض نمیکردند و حتی تعدادی از حجاج صفی را در جلوی آنها تشکیل داده و فریاد میزدند اینها گناهی ندارد و جالب توجه بود که به مردم با اینکه شهدا و مجروحین خود را بر دوش میکشیدند با متانت و صبر از کنار این افراد میگذشتند. اما پس از عبور جمعیت و رسیدن نیروهای کماندو و تیرانداز سعودی به این قسمت همین افراد پلیس چوبها را برداشته و بطرف مردم حمله ور شدند. صف پلیس تا مقابل شعب ابی طالب جلو آمده و در همانجا ثابت شد. از این قسمت به بعد چماقداران در لباس ماموران امنیتی و پلیسهای چوب بدست گاه به گاه به جمعیت حمله کرده و عده ای را مضروب میساختند.

در این شرایط از زیر پل حجون و ساختمانهای اطراف پل حجون بسمت مردم شلیک میشد و تعدادی از حجاج در اثر همین تیراندازها شهید و مجروح شدند.

همزمان با عملیات پلیس در جلوی تظاهرات در قسمت عقب حمله پلیس به مردم ادامه داشت. مردم از همه طرف در فشار بودند و عده ای از زنان در اثر همین فشار در حوالی ساختمان اردنی ها به شهادت رسیدند. در این هنگام حجاج اردنی و فلسطینی درب ساختمانهای خود را باز کردند (در بها قبل از مراسم توسط پلیس بسته شده بود و مردم و مجروحین و شهدا را به هم داخل ساختمان انتقال دادند. حجاج اردنی و فلسطینی نیز در حالیکه تعدادی از آنها به شدت و منقلب شده و اشک میریختند، در مداوای مجروحین و انتقال شهدا همکاری میکردند (برق ساختمان پس از چند دقیقه توسط پلیس قطع شد). با فشرده تر شدن جمعیت و هجوم مجدد، پلیس اقدام به پرتاب گاز خفه کن از دو طرف به وسط جمعیت کرد.

عده ای از مردم که زیر دست و پا مانده بودند در اثر فشار بیحد و تنفس گاز به شهادت رسیدند. و مجروحینی که بر روی زمین افتاده بودند در اثر ممانعت پلیس از ورود آمبولانس به فی

محل محاصره به شهادت میرسیدند. مردم برای خنثی کردن اثرات گاز کاغذ و پارچه های موجود را آتش میزدند و مجروحین را بسمت عقب حمل میکردند. در همین حین یکی از آمبولانسهای هلال احمر جمهوری اسلامی با روشن کردن چراغها و کشیدن آژیر با سرعت از طرف بعثه به سمت صف پلیس حرکت کرد وصف آنها را شکافته و خود را به نزدیک ساختمان اردنی ها رسانید. در حین عبور آمبولانس از صف پلیس کلیه شیشه های آن توسط پلیس شکسته شد. آمبولانس تعدادی از مجروحین را سوار کرده و با سرعت مجدد صف پلیس را شکافته و به سمت بیمارستان حرکت کرد. پس از عبور این آمبولانس، دو آمبولانس دیگر بهمین شیوه وارد معرکه شده و پس از سوار کردن مجروحین از معرکه خارج شدند که البته شیشه های آنها توسط پلیس شکسته شد. پلیس همچنان به حملات خود در مقابل ساختمان اردنی ها ادامه میداد. مردم که در زیر رگبارهای گلوله و سنگهایی که از روی کوه ها فرود می آمد و گاز خفه کن که امکان تنفس را گرفته بود و از همه طرف در محاصره بودند در حالیکه زیر پای آنها به تعداد زیادی مجروح مشغول جان دادن بودند و تعدادی شهید افتاده بود و تعدادی از شهدا و مجروحان در حد فاصل بین پلیس و مردم بود در کمال استیصال روی زمین نشستند و اعلام کردند قصد دارند نماز مغرب بخوانند باز مورد هجوم مزدوران رژیم قرار گرفتند. پس از این هجوم پلیس از سه طرف راه را در حالیکه بشدت مردم را کنترل میکرد بست و اجازه نمیداد مردم حتی مجروحان را با خود ببرند و در برابر دیدگان مضطرب و نگران خواهران و برادران مسلمان مجروح که در خیابانها افتاده بودند و تقاضای کمک میکردند خیابان از جمعیت تخلیه شد.

بعد از تخلیه محل محاصره از جمعیت بلافاصله نیروهای از قبل تعیین شده در حالیکه خیابان از دو سو بسته بود به خیابان ریختند و با فاصله یکساعته تمام سطح خیابان که مملو از شهدا و مجروحین و چادر زنان و قمقمه آب ، عبا و عمامه روحانیون و کفش حجاج بود را با بولدوزر جمع آوری کردند و تعداد بسیاری از مجروحین در این مرحله به شهادت رسیدند. البته در این سیر حادثه آمادگی وسیع عربستان برای سرکوب و از آن فجیع تر آمادگی و اصرار عربستان برای کشتار حجاج بیت الله الحرام بخوبی آشکار است و تبلیغات وسیع رژیم عربستان که حتی صدای گلوله که تمام شهر مکه شاهد آن بود لااقل دو میلیون از بهترین و متدین ترین مردم روی زمین با گوش خود صدای آن را شنیده بودند را تکذیب کرد نمیتواند در و گواه بودن آن دلایل کوچکترین شکی ایجاد نماید.

و آمادگی رژیم عربستان برای سرکوب ما در مرحله اول به بعضی از دلایل آمادگی عربستان برای سرکوب اشاره میکنیم :

۱- قبل از عزیمت نماینده امام به عربستان سعود الفیصل وزیر خارجه در ملاقات با کاردار پر ایران در پاسخ به جمله امام که فرموده بودند امیدوارم عربستان کاری نکند که مشکلاتی برای .

خودش و ما ایجاد نماید گفته بود پادشاه و وزارتخارجه از حضرت امام تشکر میکنند که امسال میخواهند مراسم با آرامش برگزار شود تا شاید از این راه برای فردایی که کشتار صورت میگردد و مستمسکی بدست آورده باشند.

امام خمینی در سخنرانی خود فرمودند:

هیچ سابقه نداشت در سالهای سابق قبل از اینکه حجاج بروند ملک سعود برای من پیام به بفرستد و از من تشکر کند که شما گفتید اینجا آرامش باشد و آنها به این وسیله میخواستند بگویند بنابر این نبود، امسال این اتفاق افتاد و گرنه برای چی ایشان پیام برای من فرستاد برای پر اینکه بعد بگوید که من حسن نیت دارم این یک نمایش بود.

۲- در ملاقات تلخی که روز ۴ ذی الحجّه وزیر حج و اوقاف عربستان در بعثه امام خمینی با حجت الاسلام والمسلمین کروی نماینده امام داشت رسماً اعلام کرد دوستان فهد او را تحت فشار قرار داده اند که امسال از تظاهرات شما جلوگیری نمایند.

۳- قبل از رسیدن به محل توافق شده برای پایان راهپیمائی بلندگوهای متعددی از هم وطنان سعودی و حجاج غیر ایرانی دعوت کرد تا محل را ترک نمایند.

۴- مغازه های مسیر درگیری از قبل از ظهر تعطیل بود. این درحالی است که اکثر مغازه های مکه در این ایام ۲۴ ساعته فعالیت دارند.

۵- به تمامی بیمارستانها در روز ۵ ذی الحجّه اعلام شده بود. روز ششم ذی الحجّه از پذیرفتن مجروحان ایرانی خودداری نمایند.

۶- دربهای سه ساختمان بزرگ حاشیه محل درگیری که در آن حجاج فلسطینی و اردنی مستقر بودند توسط پلیس یکساعت قبل از تظاهرات بسته شده بود.

۷- بالای پشت بام اکثر منازل مسیر دست چپ راهپیمائی از قبل سنگ و پاره آجر تعبیه شده بود که بعد از شروع درگیری تقریباً از بالای اکثر مغازه ها و منازل سنگ های یک شکل بسر روی حجاج فرو میریخت.

۸- در سالهای گذشته پلیس آل سعود جهت جلوگیری از شکوه مراسم نیروهای ضد شورش و

مجهز به وسائل را در طرفین را همپیمان مستقر می نمود تا با ایجاد رعب و وحشت مانع از ورود حجاج غیر ایرانی گردند ولی امسال استقرار نیروهای غیر مسلح در طرفین راهپیمائی محدودتر از سال پیش مشهود بود.

در حالیکه در قسمت جلو (سه راهی عبدالله بن زبیر) و انتهای راهپیمائی (مسجد ملا- نیروهای حرس الوطنی و نیروهای مخصوص به منظور اجرای طرحی از پیش تعیین شده و قتل اور عام مردم بی دفاع آرایش یافته بودند.

۹- همه ساله پلیس با قرار دادن چهار ردیف نیروی مسلح در مقابل ماشینها از حرکت دسته جمعی راهپیمایان به سمت حرم مطهر جلوگیری مینمود در حالیکه امسال فاصله پلیس با راه بندان مصنوعی بیش از ۸۰ تا ۱۰۰ متر نبود و تنها یک ردیف پلیس مجهز به باطوم بلند و هم سپری کوتاه در جلو جمعیت صف آرائی کرده و چندین گردان نیروی احتیاط در خیابان عبدالله بن زبیر، شارع منتهی به تونل و پشت سر نیروهای پلیس مستقر بودند.

هم این فاصله زیاد و محوطه نسبتا وسیع و نوع آرایش پلیس زمینه قدرت مانور برای سرکوب و کشتار مردم را فراهم نموده بود، و چه بسا پلیس اگر هدفی جز این را دنبال مینمود میتواند همچون سالهای گذشته عمل کرده و مانع از حرکت راهپیمایان به سوی حرم گردد.

۱۰- طی سالهای (۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵) هنگامی که راهپیمایان به اداره برق و برید وهاتف (صدمتر جلوتر از صف پلیس در امسال) میرسیدند، فرمانده آنها به جلو آمده و پس از مذاکره با مسئولین راهپیمائی راه باریکی را جهت عبور جمعیت باز مینمود. در حالی که امسال فرماندهان و در پشت سر نیروهای سرکوب گراستاده بودند و از صحبت و مذاکره با مسئولین مراسم خودداری نموده، به همین دلیل به محض رسیدن جمعیت، پلیس یورش و هجوم وحشیانه خود را به سمت راهپیمایان آغاز نمود.

۱۱- طی سالهای گذشته یکی از وسائل پلیس جهت برهم زدن مراسم و یا راهپیمائی حرکت و ماشینها در صفوف به هم فشرده راهپیمایان بود.

در حالی که امسال تمام راههای منتهی به محل مراسم حد فاصل مسجد ملک (ابتدای ملاوی) تا تقاطع شارع مسجد الحرام با عبدالله بن زبیر از هر گونه ماشین تخلیه شده بود. این هم برای ما جای شگفتی بود که چگونه پلیس از این امکان جهت کم کردن شکوه تظاهرات استفاده نکرده و کل محوطه را از ماشین خالی نموده است. اما پس از هجوم وحشیانه پلیس بسوی مردم بیدفاع و مظلوم رمز این توطئه برای ما آشکار شد. پلیس به این دلیل محوطه را از ماشین خالی



کرده بود که اولاً قدرت مانور داشته باشد، ثانیاً مردم نتوانند از ماشین به عنوان سنگر در مقابل به تیراندازی پلیس فاشیست استفاده کنند. ثالثاً با بودن ماشین در وسط خیابان امکان آتش سوزی آن از سوی مردم بیدفاع کم نبود و یا ممکن بود از ماشینها بعنوان مانع در عرض خیابان جهت و جلوگیری از حمله پلیس استفاده شود. رابعه آثار گلوله بر ماشینها سندی آشکار بر جنایات روز افزون آل سعود می گردید.

۱۲- همه ساله نیروهای امنیتی در اطراف محل مراسم و در میان جمعیت به جمع آوری و اطلاعات و ممانعت از پخش اعلامیه و پیام حضرت امام می نمودند ولی امسال تعداد بسیار زیادی از این نیروها که چندین برابر سالهای گذشته تخمین زده میشد در ابتدا و انتهای مسیر راهپیمایی یعنی سه راهی عبدالله بن زبیر و پشت مسجد جن و همچنین در خیابان السقاف و مستقر بوده و در طول مراسم هیچ تحرکی از خود نشان ندادند ولی به محض رسیدن راهپیمایان پلیس و شروع درگیری وارد معرکه شده و با چوبهای میخ دار (همانند گرز) و گرز در پناه پلیس و به مردم بیدفاع حمله ور شدند. حتی تعدادی از آنان با کمال جسارت و گستاخی کلت کمری ب خود را از رو بسته بودند. البته این نیروها نقش بیشتری در سرکوب و کشتار مردم داشتند که با پلیس با نظمی سازمان یافته و متشکل یورش آورده و با تیراندازی مردم را متفرق مینمود. در این زمان که مردم در جستجوی راه گریز بودند نیروهای امنیتی عربستان با حمله به مردم بیدفاع و با یه هر وسیله ای اعم از چوب و باطوم بر سر مردم میکوبیدند.

۱۳- آمادگی وسیع مطبوعات و رادیو تلویزیون عربستان برای تبلیغات از قبل تعیین شده و ج استفاده زیاد از آرشیو سوژه های چند سال گذشته در شبهای اول بعد از حادثه.

۱۴- هماهنگی قبلی با سران مزدور بعضی کشورهای اسلامی بنحویکه قبل از ۲۴ ساعت به دهها رهبر و دولت سپاسگزاری دلارهای عربستان را نموده و به فهد بخاطر کشتار مسلمانان تبریک گفتند.

البته لازم بذکر است رژیم غاصب حجاز سعی داشت در حالی زمینه را برای کشتار فراهم به کند که ما در شرایطی غافلگیر شده قرار داشته باشیم و لذا همه آنچه که به آن بعنوان دلائل آمادگی سرکوب اشاره رفت بعد از ماجرا و درگیری روشن شد و قبل از آن هرگز احتمال در نمی رفت زیرا کل برپایی تظاهرات بنحویکه انجام شد بهترین دلیل عدم آمادگی نیروهای ایرانی برای هر گونه درگیری ولوسطحی است حضور زنها و جانبازان ۲ پا قطع در صفوف مقدم و نیز حضور شخصیتهای اصلی کشور در میان تظاهرکنندگان که هر حکومتی حتی در مواقع

احتمال خطر سعی میکنند آنها را از معرکه دور نماید و مجروح شدن تعداد زیادی از آنها و مضروب گشتن شخص نماینده امام و بسیاری از شخصیتها و به شهادت رسیدن ۷ روحانی کاروان و بالا- بودن تعداد شهداء زن و مشخص شدن پایان راهپیمائی توسط قائم مقام وزیر حج و نمایندگان بعثه در قبل از تظاهرات همه حکایت از آن میکنند که کوچکترین آمادگی در نیروهای ایرانی وجود نداشته است. البته بعد از گذشت ۷ سال تجربه جنگ تحمیلی و با توجه به اینکه به کشور ایران جوانترین کشور دنیاست و بیش از همه کشورها با رقم ۱۵۰ هزار زائر در مراسم حج داشت نبودن تلفات جدی در نیروهای ترسو و زبون عربستان که تا بحال تجربه حتی درگیری خیابانی نداشته اند بهترین دلیل بر عدم درگیری ما و حرمت شناسی حرم توسط نیروهای اسلامی و ایرانی است.

البته آنچه که از همه مسائل مهمتر است و جامعه اسلامی را تحت تاثیر قرار داده اصراری بود که حکومت مزدور غاصب حجاز برای کشتار مسلمین در بلد امن الهی ونه متفرق کردن صفوف تظاهرات داشت. خداوند متعال در قرآن کریم :

واذجعلنا الیبت مثابه للناس وامناً واتخذوا من مقام ابراهیم مصلی وعهدناالی ابراهیم و اسمعیل أن طهر ایتی للطائفین والعاکفین والرکع السجود اذقال ابراهیم رب اجعل هذا بلدا آمنا وارزق اهله من الثمرات من آمن منهم بالله والیوم الاخر.

بقره آیات ۱۲۵-۱۲۶ هجوم به قصد کشتار بود نه متفرق کردن مردم بنا به فتوای علمای مسلمان اعم از سنی و شیعه صید حیوانات در حرم جائز نیست و حتی گیاه حرم را نمیتوان کند و علیرغم این حساسیت جهان اسلام رژیم عربستان سعودی هرگز و سعی نکرد تظاهرات را متوقف و راهپیمایان را متفرق نماید بلکه تلاش داشت تمام امکانات به خود را برای کشتار مسلمانان بکار گیرد دلایل اصلی ما بر این مهم عبارت است از:

۱- پلیس میتواندست از تجمع اولیه برای برپایی تظاهرات جلوگیری کند همچنانکه در مدینه و منوره بعد از اعمال حج مانع برپائی دعای کمیل شد بخصوص با تبلیغاتی که بعدها کردند و و گفتند ایرانی ها میخواسته اند کعبه را آتش بزنند صرف اطلاع از این مسئله عربستان را میبایست وادارد که از تظاهرات ممانعت بعمل آورند.

و ۲- ادعای پلیس جهت تفرق و پراکنده نمودن مردم و ممانعت از ورود به مسجدالحرام ایجاب و کرد که حمله از قسمت جلو آغاز گردد و در عین حال راه های زیادی را جهت مقرر مردم در نظر

بگیرند در حالیکه کلیه راههای گریز را مسدود نموده و جمعیتی را که از زیر پل حجون به قصد خروج به بالای پل می رفتند با تمام توان از حرکت آنان ممانعت بعمل آورده و در همان حال عده اوپاش و ارادل چماق بدست را در کوچه های اطراف مستقر نموده و به ضرب و شتم مردم هم پرداخته است.

۳- پلیس اگر اندک تضمینی در جهت تفرق مردم داشت بجای استفاده از گاز اشک آور، گاز خفه کننده بر آنها شلیک نمی نمود .

هنگامی که پلیس فشار را از دو طرف (جلو و عقب راهپیمایی) بر مردم زیاد کرد، جمعیت بسیار زیادی در یک محوطه کوچک متراکم شدند و در اثر همین تراکم بود که عده ای تعادل خود را از دست داده و به حالت نیمه جان بر روی زمین افتادند پلیس فاشیست سعودی در محوطه ای محدود که مردم بطور متراکم روی هم ریخته بودند گاز خفه کننده شلیک کرد و همین مسئله باعث به شهادت رسیدن بسیاری از مردم خصوصاً خواهران مسلمان گردید.

۴- پلیس از قبل برای تیر اندازی توجیه شده بود و این امر چیزی نبود که پلیس از روی ناچاری و بدون برنامه به آن اقدام کرده باشد بعد از هجوم اولیه پلیس به مردم و فشار بیش از حد به عده ای از جمعیت در مقابل مسجد جن و به شهادت رسیدن عده ای از مردم بیدفاع پلیس مجدداً با یک آرایش حساب شده به سوی مردم حمله ور شد و مردم را به عقب راند درست در زمانی که م پلیس کاملاً بر اوضاع مسلط شده بود تیراندازی به سمت مردم آغاز شد. و با تیر مستقیم تعداد هم زیادی از مردم به شهادت رسیدند آثار گلوله ها بر روی ساختمانهای مکه مشخص بود که فیلم آن موجود است در همین رابطه برای جلوگیری از هرگونه تحریف افکار توسط حکام آل سعود و حجت الاسلام کروی نماینده امام از دفاتر خبری دنیا دعوت کرد در جده (قبل از اعزام به ایران) اجساد را معاینه و از آثار گلوله فیلم و عکس تهیه نمایند .

۵- اصرار بر زدن باطوم به سر راهپیمایان که در این رابطه دهها شهید با اصابت باطوم به سر به شهادت رسیده اند .

۶- پرتاب سنگهای بزرگ از بالای ساختمانها به صفوف فشرده راهپیمایان بنحویکه با اصابت سنگها امکان زنده بودن متصور نبود .

۷- عدم اجازه کمک رسانی به آمبولانسهای ایرانی و غیر ایرانی و به شهادت رساندن راننده م اولین آمبولانس که به صحنه درگیری آمده بود و نپذیرفتن دبیر کل هلال احمر جمهوری اسلامی چه ایران برای تحقیق از وضع مجروحان که همه خلاف تمامی قوانین بین المللی است .

۸- مضروب ساختن وحشیانه مجروحین که منجر به شهادت آنها میشد .

۹- جمع آوری مجروحان نیمه جان حادثه که بصورت رقت باری لابلای انبوه چادرها و عمامه ها و عباها و قمقمه های آب قرار گرفته بودند توسط بولدوزر و انتقالشان به بیابانهای اطراف که همان شب تعداد اندکی که قوت بیشتری داشتند توانستند از میان انبوه وسائل به بیابان ریخته شده خود را نجات دهند و تعداد زیادی خصوصا پیر زنان و پیرمردان به شهادت به رسیدند ما معتقدیم این اصرار مقامات غاصب حجاز بر کشتار مسلمانان و حرمت شکنی خانه کعبه بزرگترین فاجعه ای است که تا بحال تاریخ اسلام بر خود ندیده و بخاطر همین مهم است که و جهان اسلام سعی دارد انتقام این حرمت شکنی را از کسانی که در زیر عنوان بزرگترین دروغ خود را خادم الحرمین می نامند بگیرند.

امام خمینی در این رابطه فرمودند:

«مکه جائی است که همه انبیاء خدمتگزار آن بودند و حالا مبتلا شده بدست یک عده اشخاص ملحد. مسئله حجاز ابعاد مختلف دارد منتهی بزرگترین بعدش همین است که احترام یک محل مقدس از بین رفت و مسلمین ساکت نخواهند نشست بعدها فهد و امثال فهد خواهند فهمید که چه چیزی تحمیلش کردند و مسلمین خودشان تکلیفشان را میدانند. حجازی ها هم همه میدانند. اگر این کشتار که در حرم واقع شد اگر در طائف واقع میشد خوب باز قابل تحمل بود برای اینکه کشتار بود فقط اما در حرم واقع شده است حرمی که خداوند از اول آنرا امن قرار داده.»

اما آنچه که امروز در برابر ما است این واقعیت است که از یکطرف در جمعه خونین ۲۱۰ نفر نو ۱۱۴ نفر مرد از حجاج ایرانی به شهادت رسیده اند و تعداد زیادی از طرفداران انقلاب اسلامی نیز جان خود را در کنار حرم امن الهی از دست داده اند و از طرف دیگر فریضه الهی حج تمامی مسلمانان دنیا را به اقامه هر چه پرشکوهترش دعوت میکند و باید حجاج بدون هیچ قید و هم شرطی بدعوت خدایشان به گرد خانه خودشان که «ان اول بیت وضع للناس للذی بیکه مبارکاو :

و هدی للعالمین» است طواف نمایند و این امکان پذیر نیست مگر آنکه حرمین شریفین از سلطه حکومت حجاز که لیاقت اداره حرمین شریفین را ندارد آزاد شود، زیرا حکومتی که نمی تواند امنیت حرم را حفظ کنند و با دستور آمریکا و بخاطر حفظ هیبت بزرگترین شیطان و قویترین دشمن جهان اسلام چنین متعمد در کشتار مسلمانان است و براءت جویان از شرک و کفر را با د چنان قساوتی به خاک و خون می کشد و بعد از آن با ارباب حجاج و تانک و توپ به آنها نشان

دادن و سرقت از کاروانهایی امنی را اثبات می کنند و اساساً از لحاظ اعتقادی با اتکاء به نظرات فرقه وهابیت در برابر جهان اسلام اعم از سنی و شیعه ایستاده و بر خلاف نظر همه هم مسلمانان عالم بلکه بر خلاف عرف پذیرفته شده بین المللی که همه تلاش خود را برای حفظ آثار فرهنگی و اعتقادیشان دارند به نحو آثار اسلامی پرداخته و در مقابل چشمان نگران مسلمانان تمامی آثار اسلامی را در سرزمین حجازیکه مبدأ وحی بوده است و جای جای آن دارای والاترین ارزشهای تاریخی و فرهنگی است نابود می کند که تنها در هر قبرستان بقیع اش بیش از ۴ هزار از اصحاب پیامبر که یاد هر کدام از آنها در دنیای امروز می تواند منادی بلند رهائی باشد مدفونند و علیرغم نظر جهان اسلام با فتوای آخوندهای درباری وهابیت آنرا خراب کرده و قبر پدر پیامبر خدا را با خاک یکسان کرده اند و از آثار جنگهای هم اسلام اعم از احد و خیبر و تبوک چیزی باقی نگذاشته اند و دلسوختگان سنی و شیعه را از تبرک جستن و الهام گرفتن از قبور امامان و پیامبر بزرگ منع می کند چگونه می تواند لیاقت اداره و حرمین شریفین را داشته باشد؟ امروز شرایطی است که همه متفکران و روشنفکران دنیا به این نتیجه رسیده اند که برای باقی ماندن فرهنگی که به آن پایبند هستند ولو بصورت جعلی باید سابقه و تاریخ بتراشند اسلامی که در میان همه ادیان بصورت معجزه آسایی ریزترین حوادث قرن با دقیقترین هم مشخصات مکانی آن بوسیله تلاش تک تک مسلمانان در طول تاریخ هزار و چهارصد ساله محفوظ مانده و کشورهای اسلامی حتی برای حفظ یک تار موی پیغمبر و یاشمشیر منتسب به علی (ع) موزه ساخته اند چگونه می تواند سرزمین حجازش در اختیاریک حکومت قرار گیرد تا به امکان هر نوع کاری را داشته باشد چنانکه عربستان انجام داد لذاست سخن امام امت را متذکر می شویم که فرمودند: آل سعود برای تصدی امور کعبه و حج لیاقت نداشته و علما و مسلمانان و روشنفکران باید چاره ای بیندیشند و این کار با توجه به بیداری امروز مسلمانان کار هم دشواری نیست . جهان اسلام و غیور مردان مسلمانان در کشورهای مختلف دنیا و خصوصاً شور آفرینان جزیره العرب بهترین مخاطبها برای پیامهای رهائی بخش اسلام هستند.

وقتی که بعد از ماجرای فاجعه خونین مکه رژیم مزدور عربستان سعودی در خیابانها مکه و مدینه و شبه کوه های میانه چادرهای منی را مبدل به صحنه جنگ کرده بود و کاروان های تانک و نفربر را رژه می داد و برای ورود به مسجدالحرام که خانه خداست آنقدر نیروی امنیتی گذاشته بود و مزدوران حکومتی از هیچ آزاری نسبت به ایرانیان دریغ نمی کردند و حتی آنها را هم

با لباس رسمی دستگیر می کردند و به بیابانها می بردند و پس از کتک کاری مفصل آزادشان می کردند و به کسانی که زن، خواهر، مادر و یا برادرشان مفقود بود اجازه نمی دادند حتی جنازه های داخل بیمارستانها را ببینند و در گرمای تابستان کسانی که میخواستند به مدینه مشرف شوند را تا ۲۰ ساعت مثل اسرا در کنار بیابان نگه می داشتند که یکی از پیرزنان مسلمان ایرانی از شدت گرما جان داد و هواپیماها در جده و حجاج عازم ایران با شدیدترین آرایش نظامی ماسکورت می شدند و روزنامه های وقیح عربستان هر چه خواستند و توانستند علیه ما نوشتند و گفتند ایرانیان میخواستند کعبه را به آتش بکشند و آنرا به قم بیاورند و با آنکه صدها نفر را کشته بودند ادعا می کردند حتی یک گلوله شلیک نکرده ایم و این ایرانیان بودند که حمله را آغاز کرده بودند و هر روز و بلکه هر ساعت تلگرام تبریکی برای این فتح بزرگ در پاسخ دلارهای فراوانی که قبلاً از عربستان دریافت کرده بودند از سوی رهبران دنیا به فهد مخابره می شد در چنین فضائی و در حالی که اطراف بعثه امام قدم بقدم ماموران رسمی و غیر رسمی ایستاده بودند سیل مردم دردمند بودند که دسته دسته از کشورهای مختلف دنیا با نماینده امام ملاقات می کردند و ابراز همبستگی با مظلومیت انقلاب ایران می کردند و از جنایت آل سعود تبری می جستند و تقاضا داشتند از آنها بعنوان شاهد در برابر انظار مردم مسلمان دنیا بهره جوئیم و این را کوچکترین کاری می دانستند که می توانند برای شهدای مظلوم جمعه خونین انجام هم دهند.

و این همان بیداری است که با تکیه به آن جهان اسلام را دعوت می کنیم برای آزادی حرمین شریفین تلاش کند و این ننگ را بگور نبرند که در زمان زندگی آنها خائنین به حرم چنین فاجعه ای را کرده باشند و آنها پاسخی ندهند و از همه دلهای آگاه و روشنفکران و خبرنگاران و روزنامه نگاران آزاد و کسانی که گرفتار دلارهای عربستان نشده اند و آزاد از حکومتهای چم گرفتارشان می توانند فکر کنند صمیمانه می خواهیم صدای حق خواهانه مظلومیت حجاج بیت الله الحرام را بگوش جهانیان برسانند و از آنها بخواهند بخاطر فاجعه شکست حرمت اور بیت الله تمام تلاش خود را بهر نحو که صلاح میدانند به کار برند تا انشاء الله در آینده ای نه چندان دور شاهد انتقام دست های قدرتمند مسلمانان از قاتلین حجاج خانه خدا باشیم و هم در همین جا از همه کسانی که مرعوب پول و زور عربستان نشده اند و بخشی از حقایق را به دنیا رسانند تشکر میکنیم و از طرف همه آنها و همه درد کشیده های جهان و امت اسلامی ایران به

روح پرفتوح احرام حرب بستگان خانه خدا و وضوی شهادت گرفته گان طواف بیت الله درود می فرستیم و برای  
بازماندگانشان صبر و اجر خواهانیم.

واحد تحلیل و خبر بعثه امام خمینی روزنامه کیهان دوشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۶۶

ص: ۴۸۸

کتمان جنایات و تحریف حقایق توسط رادیو تلویزیون سعودی تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی: بدنبال حمله ناجوانمردانه و غیر انسانی پلیس رژیم سعودی به صف زائران ایرانی و غیر ایرانی خانه خدا و شهید و مجروح شدن تعداد زیادی از مشتاقان زیارت حرم امن الهی، جمعی از خبرنگاران، دبیران، فیلمبرداران و عکاسان خبری ایران طی نامه ای به مسئولان رادیو تلویزیون سعودی فیلم پخش شده از حادثه مذکور را عاری از حقیقت دانسته آنرا یک فیلم سانسور شده بمنظور تحریف حقایق و کتمان جنایات حکام آل سعود اعلام داشتند. متن نامه بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم تلویزیون عربستان شب یکشنبه ۱۱/۵/۶۶ هجری شمسی برابر با ۲/۸/۸۷ میلادی، یک فیلم کوتاه پخش کرده است و مدعی شده است که این فیلم نشان می دهد که در فاجعه جمعه خونین مکه، حق با مأمورین مسلح عربستان بوده است. فیلم مذکور دارای این ویژگیهاست:

۱- صحنه شلیک مستقیم پلیس سعودی به مردم در این فیلم نشان داده نشده است.

۲- دوربین فیلمبرداری سعودی از یک زاویه بسته در پشت مسجد جن در یک مدار ۴۵ درجه ای حرکت کرده و صحنه های اصلی تظاهرات که در مقابل مسجد جن و نزدیک پل حجون و پائین قبرستان ابوطالب جریان داشته را نشان نداده است.

۳- در فیلمی که تلویزیون عربستان نشان داده حتی یک تصویر از یک زن زائر ایرانی بچشم نمی خورد در حالیکه همانطور که وزیر اطلاعات رژیم سعودی اعتراف کرده است اکثر شهدا از خواهران بوده اند و تاکنون ۷۰ درصد آمار شهدائی که نامشان اعلام شده از خواهران هستند. اگر خواهران در صحنه درگیری نبودند پس کجا هدف گلوله باران قرار گرفتند و اگر بودند چرا تلویزیون رژیم سعودی آنها را نشان نداده است.

۴- در فیلم سعودی ماجرا بطور معکوس نشان داده شده، تلویزیون سعودی صحنه را نشان می دهد که در آن تظاهر کنندگان بدنبال مأمورین نظامی و امنیتی سعودی حرکت می کنند و مأمورین سعودی فرار می نمایند. اگر واقعاً تظاهر کنندگان به مأمورین سعودی حمله کردند پس



چرا خود تظاهرکنندگان بشهادت رسیدند و اگر مامورین سعودی به تظاهرکنندگان حمله کردند پس چرا تلویزیون سعودی آنرا نشان نداده است؟ در مجموع آنچه از فیلم سعودی نتیجه می شود یکی از این دو فرض است:

فرض اول: تظاهرکنندگان اکثراً از خواهران بوده اند ولی لباس مردانه پوشیده بودند و گریم کرده بودند و به پلیس سعودی حمله کردند و چون پلیس سعودی فرار کرد تظاهرکنندگان نیز با اسلحه هائی که از دست پلیس سعودی از شدت ترس به زمین افتاده دسته جمعی خودکشی کرده اند.

فرض دوم: رژیم سعودی برای اینکه اعماق دشمنیش با اسلام و میزان وابستگی به صهیونیسم افشا نشود یک فیلم سانسور شده را بمنظور تحریف حقایق و کتمان جنایاتش از تلویزیون سعودی نشان داده و این فیلم عیناً از تلویزیون رژیمهای مرتجع عربی پخش شده است هم که البته واضح است که فرض دوم واقعیت دارد.

تلویزیون سعودی با چنین سانسور و تحریفی شرف حرفه خبررسانی را ملکوک کرده و به حیثیت کار خبرنگاری و خبررسانی ضربه زده است. و برای پوشاندن جنایت هولناک خود طرحهای تبلیغاتی متفاوت و بعضاً متناقضی را به اجرا در آورده است.

گفته می شود بعضی از زائران ایرانی تحت شکنجه قرار گرفته اند و بعضی از مجروحین که هدف گلوله های انفجاری قرار گرفتند در بیمارستان بشهادت رسیدند دولت سعودی از تحویل و آن دسته از مجروحینی که در بیمارستانهای سعودی قرار دارند و در بدن آنها جای گلوله های متعدد بچشم می خورد به مسئولین ایرانی سرباز می زند و معلوم نیست که سرانجام بر سر آنها چه خواهد آمد.

البته روشن است تهیه این فیلم تبلیغاتی برای پرده پوشی بر این همه جنایت و خونریزی، با هم ناشیگری صورت گرفته که از آن جمله اند: صحنه های مربوط به شرکت خواهران در هم تظاهرات، حذف تصویر معلولین انقلاب اسلامی، حذف صحنه های اصلی تهاجم پلیس و سعودی به تظاهرکنندگان در مقابل مسجد جن و زیر پل حجون را می توان نام برد بگونه ای که هم این فیلم از زیر تیغ سانسور در آمده تلویزیون سعودی با اظهارات وزیر اطلاعات سعودی نیز هم تناقض دارد.

اصل درگیری همانطوری که می دانید در منطقه پل حجون اتفاق افتاده است. در این منطقه و پلیس سعودی تظاهرات را گلوله باران کرده است و راه را بر عده ای که می خواسته اند از پائین و

مسجد جن از صحنه فرار کنند بسته است و صحنه ای که تلویزیون سعودی نشان داده دقیقاً مربوط به همین راه فرار می شود، بهمین دلیل در این صحنه یک نفر از زائران زن و معلولین انقلاب دیده نمی شوند زیرا زائران زن و معلولین انقلاب قادر به فرار نبودند.

همانطوری که گفته شد تلویزیون سعودی صحنه ای را نشان داده است که در آن مأمورین نظامی سعودی و بدنبال آنها عده ای از حجاج که در میان آنها مأمورین امنیتی سعودی با لباس شخصی وجود داشته اند از کنار مسجد جن بطرف پائین یعنی بطرف بازار ابوسفیان حرکت می کنند، این صحنه دقیقاً مربوط به لحظه ای است که تیراندازی مستقیم مأمورین جوخه آتش سعودی از منطقه حج چون افزایش یافته و شدت آتش به اندازه ای بود که حتی مأمورین سعودی در معبر زیر مسجد جن نیز پا بفرار گذاشته اند اگر چه مأموریت داشتند که راه را همچنان بسته نگهدارند تا دامنه قتل عام گسترش پیدا کند.

تهیه این فیلم تحریف شده تلویزیون سعودی نشان می دهد که حکام رژیم سعودی از هم جنایت خود پشیمان نشده اند و حاضر به اظهار ندامت از این جنایت هولناک نیستند زیرا رژیم سعودی مانند آمریکائیا معتقد است اگر وجود کعبه سبب سلب قدرت این رژیم و تهدید منافع آمریکا شود کعبه نیز باید با خاک یکسان شود.

بعبارت دیگر دلیل مخالفت رژیم سعودی با براءت از مشرکین دقیقاً حفاظت از منافع آمریکاست. متأسفانه تبلیغات رژیم سعودی که شما مسئولیت آنرا بر عهده دارید با تبلیغات رژیم صهیونیستی کامل شده است و همانطوری که خبرگزاریها نیز اعلام کردند وزیر ادیان رژیم صهیونیستی طی بیانیه ای ضمن حمایت از سیاست رژیم سعودی در کشتار شرکت کنندگان در تظاهرات براءت از مشرکین در مکه گفته است: همبستگی موجود بین مذاهب گوناگون در اسرائیل باید الگو قرار بگیرد. با کمال تأسف این تذکر وزیر ادیان رژیم صهیونیستی به رژیم سعودی با توجه به گزارشاتی که در مورد یهودی الاصل بودن آل سعود وجود دارد معنی بیشتری پیدا می کند.

ما خبرنگاران، دبیران، عکاسان و فیلمبردارانی که در ایران توفیق خدمت به اسلام و قرآن را داشته و قلم و هنرمان در خدمت به اسلام و مستضعفین و افشای حقایق و مبارزه با سانسور و استعمار فرهنگی و امپریالیزم خبری است، این تبلیغات تحریک آمیز که کپی ناقصی از تبلیغات صهیونیستی و آمریکاست را مطرود می دانیم و محکوم می کنیم و بشما یادآوری می کنیم که پسندیده نیست حرکت قلم و هنر و تعهد حرفه خبر رسانی برای خدمت به

## نقش گردان ۱۰۱ ویژه اردن در قتل عام مکه فاش شد

سیاستهای خودکامه و خوش آیند سلاطین وطن فروش بیش از این خدشه دار گردد.

روزنامه رسالت دوشنبه ۱۹ مرداد ۱۳۶۶ در گزارش تایمز مالی نقش گردان ۱۰۱ ویژه اردن در قتل عام مکه فاش شد لندن - خبرگزاری جمهوری اسلامی: یک گردان ۳۰۰ نفره از نیروهای ویژه اردنی در سرکوبی تظاهرات نهم مرداد مکه که منجر به شهادت صدها تن از حجاج ایرانی و غیر ایرانی و شد به نیروهای سعودی کمک کرده اند.

گزارشگر تایمز مالی از بیت المقدس به نقل از منابع آگاه که با دربار شاه حسین تماس به نزدیکی دارند نوشت، گردان ۱۰۱ متشکل از سربازان عشایر بدوی که در آمریکا تعلیم دیده اند در جلوی تظاهرات و در برابر مسجدالحرام صف آرائی کرده بودند.

. افراد این گردان با چماق و باطوم به ضرب و شتم تظاهر کنندگان پرداختند و معاینات اولیه به پزشکان ایرانی در مکه نشان داد که بسیاری از جان باختگان این واقعه از ناحیه سرجراحات سختی متحمل شده بودند.

در این گزارش اشاره ای به احتمال کاربرد سلاحهای خودکار توسط نیروهای اردنی نشده و است، اما به نقل از حجاج فلسطینی ساکن کرانه غربی رود اردن نقل شده است که افراد پلیس به سعودی در لباس های رسمی و عادی به تیراندازی مبادرت کردند.

برخی از ۴۰۰۰ هزار حجاج فلسطینی که از مکه بازگشته اند همچنین گفتند که سربازان و بدوی اردنی را از لهجه به خصوص آنان تشخیص دادند.

اندرو ویتلی نویسنده این مقاله یادآور می شود که این اولین باری نیست که گردان ۱۰۱ ضد تروریستی که جزو تیپ مخصوص اردن می باشد به مکه اعزام شده اند.

در پی پخش شایعات دخالت نیروهای اردنی در حوادث مکه بک تظاهرات ضد اردنی در روز هم جمعه ۱۶ مرداد در مسجدالاقصی برپا شد در این تظاهرات مسلمانان فلسطینی ساکن نوار غزه \* در سومین مکان مقدس مسلمانان جهان شعارهای ضد اردنی و ضد آمریکایی سردادند.

روزنامه کیهان ۱۳۶۶/۵/۲۵ هم

سخنگوی وزارت خارجه سير تبليغات رژيم سعودي برای توجیه فاجعه خونين مکه را تشریح و کرد سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان ديروز با تشریح مراحل مختلف تبليغاتی که رژيم سعودي پس از فاجعه خونين مکه معظمه به آن توسل جست، گفت: بررسی این تبليغات نشان میدهد که سعودي سراسيمه به هر دروغ و ناروایی متوسل میشود تا ارتکاب به این جنایت فراموش نشدنی در تاريخ اسلام را بنوعی توجیه کند. در حالیکه وجدان جهان اسلام و زائران و مسلمانی که شاهد يورش مسلحانه و وحشیانه سعودي بوده اند بهترین گواه برای اعمال ننگين سعودي هاست.

سخنگوی وزارت خارجه مراحل سير تبليغات سعودي پس از فاجعه خونين مکه را به این شرح برشمرد.

سعودی ها در نخستین واکنش سعی کردند فاجعه را کوچک و بی اهمیت نشان دهند وزارت کشور سعودي چند ساعت پس از فاجعه، بیانیه ای منتشر کرد و اعلام داشت که در و در درگیری بين دو گروه از زائران ۱۹ زائر ایرانی و شش زائر غير ایرانی کشته شده اند چند ساعت هم پس از روشن شدن ابعاد حادثه ، سعودي ها به تلفات بیشتری اعتراف کردند اما در عين حال براندازی را نفی کردند.

در همین بیانیه سعودیها اعتراف کردند که حدود ۴۰۲ تن در این حادثه کشته و ۶۴۹ تن مجروح شده اند.

در مرحله بعد پس از آنکه سعودي متوجه بالا بودن رقم تلفاتی شد که خود اعلام کرده بود به شیوه دیگری را در پیش گرفت زیرا هر کس می توانست دچار این شبهه شود که در جریان یک تظاهرات آرام چگونه این همه کشته می تواند بر جای بماند سراسيمگی دولت سعودي بخصوص از این جهت بود که اولاً تظاهرات هر سال انجام میشود و هر سال خود سعودي ها بر آن نظارت داشتند ثانياً راهپیمائی برائت از مشرکين در جهت محکومیت جهانخواران و بدون ذکر نامی از سعودي انجام شده است. ثانياً این تعداد کثیر کشته و مجروح خود نشانگر هم بی لياقتی سعودي ها در اداره جریان حج است . در این مرحله دروغهای بزرگی را جعل

کردند. از جمله اینکه زائران ایرانی قصد اشغال کعبه را داشتند، یا می خواستند آنرا منفجر سازند یا مثلاً قم را جایگزین کعبه کنند.

آنها حتی مدعی شدند که اکثر راهپیمایان عضو سپاه پاسداران با بسیج بوده اند و با خود هم سلاح حمل می کرده اند و به این جهت نمیتوان آنان را زائر دانست در واقع سعودی ها هم می خواستند در افکار عمومی این فاجعه را تا حدیک درگیری مسلحانه نظامی تغییر جهت بدهند.

دروغ دیگری که سعودی ها برای توجیه عمل فجیع خود مطرح ساختند این بود که ما مورد حمله با چاقو و دیگر سلاحهای برنده قرار گرفتیم و آنگاه مجبور به دفاع شدیم اما حتی در این مرحله هم حاضر نشدند اعتراف کنند که بسوی زائران تیراندازی کرده اند.

در مرحله بعدی وقتی حجاج ایرانی و خارجی بوطن خود بازگشتند برای سعودی ها امکان تکذیب فاجعه و تیراندازی نماند. از طرفی حجاج کشورهای دیگر در موارد متعدد اعلام کردند که تیراندازی سعودی را دیده اند یا صدای تیراندازی در مکه را شنیده اند. از سوی دیگر حجاج هم و ایرانی بازگشت به کشور که بر اثر اصابت گلوله به بدنشان زخمی شده بودند ادعاهای سعودی را نفی می کردند آثار گلوله بر بدن شهدا و مجروحان ایرانی در واقع جای هیچگونه انکاری را هم برای سعودی ها باقی نمی گذاشت.

سعودی ها برای توجیه این اسناد غیر قابل انکار به دروغ مسخره و بزرگ دیگری متوسل به شدند. آنان گفتند که ایرانی ها خود بسوی شهدا و مجروحان تیراندازی کرده اند تا سعودی را متهم کنند.

در آخرین مرحله و پس از آنکه هیچ جایی برای تکذیب یا انحراف افکار عمومی جهان باقی نماند، سعودی ها به آخرین حربه متوسل شده و طی تبلیغات هدایت شده ای وانمود ساختند و تیراندازی مأموران سعودی بسوی ایرانیان بخاطر حمله مسلحانه آنان با سلاح گرم به سعودی ها بوده است.

این تبلیغات مدعی بود که در واقع مأموران سعودی برای دفاع از خود به تیراندازی مبادرت کرده اند.

سخنگوی وزارت امور خارجه آنگاه گفت: در بررسی این مراحل تبلیغاتی روشن میشود که عمال سعودی به دو نکته بی توجه بوده اند. اول اینکه افکار عمومی در جهان اسلام هرگز چنین جنایت وحشتناک با متنب بعد وسیعی را نمی پذیرند اگر چه موجه ترین رؤسای کشورها هم به

آنان تبریک بگویند. دوم آنکه چون سعودی نتوانسته است توجیه قانع کننده ای از جنایت جمعه خونین مکه ارائه کند بی کفایتی حکام سعودی به اثبات میرسد.

وی سپس تصریح کرد افکار عمومی مسلمانان جهان اکنون در برابر خود مدعیان خدمت به حرمین شریفین را می بیند که طی چند روز به انواع دروغ ها و تهمتها متوسل شده است تا با اتکاء به این دروغها جنایت خود را توجیه کنند. حکامی که از سویی نتوانسته اند یک تظاهرات آرام بر ضد دشمنان خدا را در حرم امن خدا نظارت کنند و از سوی دیگر به بدترین وجهی این تظاهرات را به خاک و خون کشیده و با رسواترین دروغهای ممکن سعی در توجیه آن کرده اند.

این مقام وزارت امور خارجه در زمینه موضع گیری سازمانهای بین المللی اسلامی و جهانی گفت: بیشترین تأثیر این جنایت بر روی ذهن مسلمانانی است که اعمال عبادی، سیاسی و عمومی حج را بجای می آورند. سعودی ها هم که از این تأثیر با خبر هستند به دروغ پردازی درباره این فاجعه پرداخته اند تا بر افکار عمومی در جهان اسلام تأثیر بگذارند.

وزارت خارجه مجامع بین المللی را در جریان گذاشت اما سازمانهای بین المللی دارای به و محدودیت ها و ضعف هایی هستند این سازمان بر اساس معادلات سیاسی موضع میگیرند، سازمانهای بین الملل هرگز نتوانسته به صورت ارگانی بین المللی در جهت حق و عدالت و وظائف خود، موضع گیری کنند. بهمین جهت ما خیلی از این سازمانها انتظار نداریم.

سخنگوی وزارت امور خارجه همچنین در زمینه دخالت آمریکا در فاجعه گفت: سیر تحرکات آمریکا در منطقه نشان میدهد که این حوادث با مسایل جاری خلیج فارس و شرایطی که آمریکا در منطقه بوجود آورده مربوط است.

وی افزود آمریکا پس از سفر شکست خورده مک فارلین به تهران دچار مشکلات عمده ای در مریکا و منطقه شده است.

در منطقه، هیات حاکمه آمریکا میکوشد اعتماد سران کشورهای منطقه را بار دیگر جلب د کند. به همین جهت دست به تحرکاتی می زند که سیاستمداران خود آمریکا هم با آن موافق و نیستند مثل اسکورت کشتی ها با حضور متراکم نیروی دریائی آن کشور در منطقه اما این حرکات که با هدف جبران شکست سفر مک فارلین صورت میگیرد مبدل به شکست و فضاحت کتری برای آمریکا در منطقه شده است .

به آمریکا باوجود آوردن مسایلی در نظر دارد او کانون توجه را از شکست خود در خلیج فارس منحرف سازد و ثنیا با اجرای سیاستهایی با همکاری هم پیمانان خود چنین

وانمود سازد که دیگر کشورها هم با جمهوری اسلامی ایران مسأله دارند و تنها آمریکا و دیگر سلطه گران نیستند که با این کشور دچار مشکلاتی هستند.

وی فشارهای اخیر آمریکا، انگلیس و فرانسه یعنی متفقین که آلمان را اشغال کردند بر هر کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در برلن غربی را در راستای همین فشارها ارزیابی کرد.

به سخنگوی وزارت امور خارجه آنگاه گفت که دلیل شرکت آمریکا در فاجعه مکه از مذاکره وزیر حج و اوقاف سعودی با نماینده امام در حج مشخص است. این وزیر سعودی در ملاقات هم یاد شده گفته بود که راهپیمایی ۱۵۰ هزار نفری ایران و سردادن شعار مرگ بر آمریکا برای ما قابل پذیرفتن نیست در واقع آمریکا به کمک سعودی انتقام شکست خود را در خلیج فارس از زوار ایرانی گرفت .

روزنامه جمهوری اسلامی پنجشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۶۶

ص: ۴۹۶

سرپرست ستاد پزشکی حج ابعاد دیگری از جنایت جمعه خونین مکه را تشریح کرد بخش خبری جمهوری اسلامی: معاینات پزشکی و عکسهای رادیولوژی نشان میدهد که اکثر مجروحین و شهدای جمعه خونین مکه بر اثر گلوله های تفنگ، گازهای خفه کننده، گلوله های انفجاری، ضربات آهن، باطوم و سنگ دچار جراحات و شکستگی شدید استخوان به شده و برخی از آنها به لقاء الله پیوسته اند آقای دکتر دلشاد سرپرست هیات پزشکی حج جمهوری اسلامی ایران که پیش از ظهر دیروز در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی و شرکت کرده بود ضمن اعلام مطلب فوق به تشریح ابعاد مختلف جنایات رژیم آل سعود در جمعه خونین مکه پرداخت. وی ابتدا با بیان این مطلب که از سوی هیات پزشکی حج جمهوری و اسلامی ایران یک درمانگاه شبانه روزی در جده، یک بیمارستان ۱۲۰ تختخوابی و ۶ درمانگاه و در مدینه، یک بیمارستان ۱۴۰ تختخوابی و ۱۴ درمانگاه در مکه مکرمه، یک بیمارستان ۸۰ تختخوابی و ۱۴ درمانگاه در عرفات و همچنین یک بیمارستان ۹۰ تختخوابی به اضافه ۱۴ درمانگاه صحرائی در منا بطور شبانه روزی در خدمت زائرین ایرانی و غیر ایرانی قرار گرفته بود و اظهار داشت:

در طول ایام حج تعداد ۱۹۲۴۹۴ نفر از زائرین به مراکز درمانی جمهوری اسلامی ایران مراجعه کرده اند که ۱۸۳۱۲ نفر آنها از ملیتهای خارجی بوده اند. گروههای بهداشتی هیات پزشکی حج نیز امسال علاوه بر کلرینه نمودن ۲۸۳۵۶ لیتر آب مصرفی، کشف و معدوم کردن ۱۵۲۰ کیلوگرم مواد غذایی مشکوک، تحویل ۱۱۲۰ کیلوگرم پودر پرکلرین به کاروانها، توزیع ۱۶۸۲۰ نشریه بهداشتی آموزش بهداشت به ۱۹۸۸۳۰ نفر، ۱۲۵۷۹۹ متر مربع از محل زیست زائرین ایرانی را نیز ضد عفونی کرده است بعلت شیوع بیماری متزیت در مدینه منوره ۸۱ نفر از زائرین ایرانی به این بیماری مبتلا شدند. که ۱۱ نفر از آنها قبل از رسیدن به مراکز درمانی و فوت شدند. علیرغم اینکه دولت سعودی اجازه ترخیص داروهائی را که از ایران به مقصد عربستان ارسال شده بود نداد، با تلاش گروه بیماریابی هیات پزشکی حج جمهوری اسلامی ایران کپسول ریفام پیسین به مقدار کافی تهیه و در اختیار کلیه زائرین و نیروهای ستاد حج قرار گرفت.

آقای دکتر دلشاد سپس به تشریح جزئیات تازه ای از جنایات حکام آل سعود در جریان



و حادثه جمعه خونین مکه پرداخت و ضمن آن گفت:

هیات پزشکی حج طبق روال همیشگی در طول مسیر راهپیمایی برائت از مشرکین ۳ درمانگاه و چند آمبولانس را تجهیز کرده بود تا در صورتی که راهپیمایان دچار گرمزدگی و یا بیماری خاص دیگری گردند آنها را مورد مداوا قرار دهد. بر خلاف انتظار در همان آغاز حرکت راهپیمایان گروهی از مامورین امنیتی سعودی که لباس شخصی بر تن داشتند با سنگ، چوب و آهن به زائرین حمله ور شدند. بلافاصله گروههای مسلح اعم از نیروهای کماندو و نیروهای به ویژه گارد عربستان راهپیمایان را محاصره و بطرف آنها تیراندازی کردند.

بسیاری از زائرین ایرانی و خارجی مورد اصابت گلوله های تفنگ، گلوله های انفجاری، گازهای اشک آور، گازهای خفه کننده، و بمبهای آتش زار قرار گرفته و شهید و مجروح هم هم شدند. تعدادی از خواهران بر اثر بمبهای آتش زار شدت سوخته و بسیاری از زائرین بر اثر ضرباتی که بر سر آنها وارد شده بود دچار شکستگی جمجمه و نیمه فلج شده و جهت عمل و جراحی به کشورمان اعزام گردیدند.

وی افزود: مامورین سعودی از حمل مجروحین بوسیله آمبولانسهای هیات پزشکی حج جلوگیری کرده و تعدادی از امدادگران و پرستاران را نیز مورد ضرب و شتم قرار دادند.

همچنین پلیس عربستان با تیراندازی بسوی آمبولانسهای حامل مجروحین، ۶ آمبولانس را هم توقیف کرده آمبولانسهای عربستان و هلال احمر این کشور پس از کشتار وحشیانه زائرین خانه م خدا وارد کار شده و در هر آمبولانس ۱۰ تا ۲۰ نفر اعم از شهید و مجروح را بصورت انباشه شده روی هم قرار داده بودند، برخی از مجروحین بر اثر سهل انگاری مقامات و پزشکان هم عربستان به شهادت رسیده اند.

شهید عباس امینی یکی از مجروحینی بود که یک بازویش قطع شده بود و بعلت خونریزی شدید و عدم رسیدگی پزشکان بیمارستانهای سعودی به لقاء الله پیوست. مامورین سعودی یکی از کارشناسان هیات پزشکی را که برای تحویل مجروحین به یکی از بیمارستانهای مکه مراجعه کرده بود به قصد کشت کتک زده و حتی از ورود رابطین هیات پزشکی که دارای کارت مجاز ورود به بیمارستانهای سعودی بودند جلوگیری کردند.

به آقای دکتر دلشاد سپس نظامی کردن دو بیمارستان ملک عبدالعزیز و ملک فیصل در مکه و پر اشغال آنها بوسیله نیروهای مسلح، عدم اجازه به پزشکان ایرانی جهت ورود به بیمارستانهای مذکور، وجود تعدادی آمبولانسهای بدون سرنشین عربستان در محل حادثه خونین مکه را از و

جمله دلایل طرح ریزی شده قتل عام زائرین بیت الله الحرام ذکر کرد و اظهار داشت:

در بیمارستانهای سعودی با مجروحین ایرانی مانند اسیر برخورد کرده و حتی امانات و پول آنها را بسرقت بردند.

تعداد ۲ هزار تن از مجروحین در مراکز درمانی هیات پزشکی جمهوری اسلامی مورد مداوا هم قرار گرفته و بعلت ازدیاد مجروحین حتی سالنهای غذاخوری تبدیل به بخش بیمارستان شد و دو لقمه اطباق عمل نیز جهت انجام عمل جراحی تجهیز گردید.

تاکنون پیکرهای مطهر ۲۶۵ نفر از ۳۲۴ تن شهید جمعه خونین مکه در ۴ نوبت به کشورمان هم انتقال یافته است تعداد ۵۹ جسد در بیمارستان محجر سعی که اکثراً بعلت جراحات زیاد و ورم به چهره شناسائی نشده اند موجود است و پیکری شهید بنام محمد حسین مودب نیز در بیمارستان الشاطی نگهداری میشود برخی از شهدا از روی نوع لباس و کفش شان شناسائی شده اند.

سرپرست هیات پزشکی حج جمهوری اسلامی ایران آنگاه در ادامه این مصاحبه با تاکید بر این نکته که بیش از ۳۰ تن از نیروهای گارد عربستان از سردخانه هائی که اجساد شهدا در آن هم قرار داشت حفاظت میکردند و گوئی آنها از پیکرهای مطهر شهدا هم وحشت داشتند، با اشاره به گزارش دولت عربستان که علل شهادت زائرین را کوفتگی و فشار جمعیت ذکر نموده و این به گزارش به تائید هیاتهای پزشکی حج مصر، اندونزی، کویت، اردن، ترکیه، مالزی و یکی از مهم کشورهای حوزه خلیج فارس رسیده است اظهار داشت:

چنانچه این هیاتها گزارش مذکور را بدون دیدن اجساد شهدا و یا علیرغم مشاهده آثار گلوله بر پیکرهای مطهر آنها امضاء کرده باشند به حرفه پزشکی خیانت کرده اند و در صورتی که در جریان رویت اجساد شهدا فریب خورده باشند نشانگر عجز و عدم کفایت آنها میباشد و بایستی به اشتباه خود اعتراف کنند، در غیر اینصورت این لکه ننگ برای همیشه بر دامن آنها باقی خواهد ماند.

گزارش خبرنگار ما حاکیست در پایان این مصاحبه یکی از مسئولین بخش رادیولوژی هیات پزشکی حج عکسهای رادیولوژی که از شهدا و مجروحین تهیه شده بود و نشانگر محل دقیق اصابت مستقیم گلوله های تفنگ، گلوله های انفجاری و شکستگی های استخوان این عزیزان میباشد را به خبرنگاران ارائه نمود.

روزنامه جمهوری اسلامی سه شنبه ۱۰ شهریور ۱۳۶۶

مدرسین حوزه علمیه قم خواستار خلع ید حکام آمریکایی آل سعود از حرمین شریفین شدند بسم الله الرحمن الرحيم محضر مقدس رهبر کبیر انقلاب بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دام ظلّه العالی.

پس از سلام و تحیت، خبر جانگداز شهادت صدها زائر جهان اسلام در حرم امن الهی و در راهپیمائی براءت از مشرکین که در راس آنها آمریکای خونخوار و جنایتکار قرار دارد، ملت شهیدپرور به ویژه حوزه علمیه قم را بسیار متاثر کرد. پیام تاریخی آن حضرت خطاب به زائران و بیت الله الحرام چنان روحی در کالبد مسلمانان جهان دمید که چون پتکی بر سر دشمنان خدا و مسلمین فرود آمد. نوکران سرسپرده آمریکا به تصور اینکه ابر جنایتکار را تا حدی دلخوش و امیدوار به ماندن نمایند، چون گرگان خون آشام به جان هزاران نفر که به خانه امن خدا پناهنده به شده بودند، با سنگهای بزرگ و چوبهای از پیش آماده شده و گاز خفه کن حمله ور شده و حتی از و ضربه زدن به جنازههای عزیزان ما خودداری نکردند همانطور که گرگان صحرای کربلا- از بدن عزیز زهرا (س) سیدالشهدا فروگذار نکردند «کانی با وصالی نتقطعها اسلان الفلواه ما این مصیبت و فاجعه بزرگی که به جهان اسلام وارد شده را به محضر مقدس آن امام بزرگوار تبریک و تسلیت گفته و وقوع چنین جنایتی را دلیل بر شکست قطعی آمریکا و مرتجعین منطقه و پیروزی انقلاب جهانی اسلام تلقی میکنیم.

حوزه علمیه قم به پیروی از ملت شهید پرور به ویژه بازماندگان شهدا در عزای عمومی هم شرکت میکند و برای اعلان براءت از مشرکین و تسلیت بازماندگان و اظهار تنفر از این عمل زشت و ننگین در مرکز انقلاب مدرسسه قضیه قم دور هم جمع میشویم و مجلس عزا و سوگواری و و با شرکت مردم شهر خون و قیام را بر پا میکنیم.

ای امام عزیز به مقتضای آیات شریفه «و من دخله کان امنا و المسجد الحرام الذی جعلناه و للناس سواء العاکف فیه والباده مسلمین جهان انتظار دارند جهت سپردن امنیت حرم امن خدا به کسانی که لیاقت و کفایت حفظ امنیت آنرا دارند اقدام فرمایید و ما با زبان همه مسلمانان ممتعهد جهان از حضرت عالی درخواست میکنیم که بعنوان یک وظیفه قرآنی اسلامی دستور خلع ید حرمین شریفین مخصوصاً بیت الله الحرام را صادر فرمایید تا مناسک اصلی از دست آل سعود و از چنگال آمریکای مشرک و خونخوار برای همیشه نجات یابد که قدرت اسلام و به

مسلمین این مشکل را حل خواهد کرد.

دوام عزت و رهبری جهان مستضعفین را از خداوند متعال تا انقلاب دادگستر جهان خواستاریم.

### بیانیه علماء و طلاب عربستانی مقیم قم

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اطلاعیه دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه در مورد اقدام وحشیانه پلیس سعودی بسم الله الرحمن الرحیم آیا نمی بینید که ما کعبه را حرم امن قرار دادیم سوره عنکبوت . باز هم دست خون آلود آمریکا از آستین حکومت سعودی بیرون آمد بیرحمانه ضیوف الرحمان را به خاک و خون کشیدو به آتش فتنه استکبار پروانگان حریم کعبه را بال و پر سوخت. درود و سلام بر عاشقان به خون خفته و زائران دلسوخته که با شهادت مظلومانه خود چهره رژیم که خود را خادم حرمین معرفی و میکرد افشاء نمودند اگر براثت از مشرکین در اسلام جرم بود چرا پیامبر اسلام دستور داد سوره هم براثت را در اجتماع مکه قرائت نمایند چرا حکام سعودی توان شنیدن این فریادهای حق طلبانه م را نداشته با استکبار جهانی از امواج کوبنده پیام احساس خطر کرده و عجولانه دست به این فاجعه هولناک زد و این لکه پاک نشده را به پرونده حکومت سعودی افزود دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه ضمن اعلام تأثر عمیق خود از این حادثه رقت بار مراتب تبریک و تسلیت خود را به پیشگاه مقدس کعبه و اسلام و امام زمان و رهبر انقلاب و خانواده های شهدا تقدیم میدارد که این مظلومیت طلیعه پیروزی خشم امت اسلامی و به تعیین سرنوشت حرمین بیانجامد دبیرخانه از ائمه محترم جمعه و جماعات سراسر جهان اسلام میخواهد که به افشاگری این جنایت هولناک از پرداخته و صدای مظلومیت این عزیزان را به گوش جهانیان برسانند.

والله علی نصرهم لقدیر دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه علماء و طلاب عربستانی مقیم قم در مورد حوادث اخیر مکه طی اطلاعیه ای اعلام داشتند:

با امام خمینی پیمان می بندیم از کسانی که خون مسلمانان خانه خدا را ریخته اند انتقام بگیریم بسم الله الرحمن الرحیم و جعل الله الکعبه البیت الحرام قیاما للناس فیه آیات بینات مقام ابراهیم ومن دخله کان امنا

با نهایت تأسف خبر یورش پلیس سعودی به حجاج خانه خدا و شهادت و زخمی شدن عده ای از حجاج ایرانی و غیر ایرانی را دریافت کردیم و ما معتقدیم جنایتی که بدست مقامات سعودی صورت گرفت به نیابت از شیطان بزرگ آمریکا بوده است.

ما ضمن حمایت از راهپیمائی حجاج ایرانی در سرزمین مقدس مکه سؤال میکنیم آیا سر دادن شعارهای مرگ بر آمریکا، مرگ بر روسیه، مرگ بر اسرائیل و دعوت برای اتحاد مسلمانان علیه استکبار جهانی جرم است.

آیا پاسخ به ندای خداوند متعال که فرموده است: ان الله بری من المشرکین جرم است؟ در بخش دیگری از این اطلاعیه اضافه شده است:

ای مسلمانان جهان حرمت اماکن مقدس و حرمت مسلمانان مورد تجاوز قرار گرفت و مقامات سعودی خیابانهای شهر امن مکه را به کشتارگاه مسلمانان بدل کرده اند پس بنا بر این :

سکوت در قبال اهانت به حرمت خانه خدا جایز است؟ علما و طلاب مقیم قم در اطلاعیه خود از تمامی مسلمانان جهان و ایران خواستار آزادسازی و و اماکن مقدسه به ویژه حرمین شریفین در مکه و مدینه از چنگال مزدوران و سرسپردگان استعمار ؟ با استفاده از قدرت آهن و آتش شده اند.

و در این رابطه مینویسند: آیا قرار گرفتن اماکن مقدس اسلامی زیر دست استکبار جهانی برای مسلمانان ننگ نیست، چرا خون حجاج ایرانی و غیر ایرانی بیت الله الحرام در این مکان هم مقدس ریخته شد؟ علما و طلاب حجازی حوزه علمیه قم در پایان اطلاعیه خود ضمن محکوم کردن جنایت فجیع مزدوران سعودی نسبت به حجاج ایرانی مینویسند: مصیبت وارده را به امام مهدی عجل الله فرجه و نایب برحقش امام امت اسلامی امام خمینی حفظه الله و به تمامی مسلمانان و هم جهان تبریک و تسلیت میگوییم. و با امام خمینی پیمان میبندیم تا برای حمایت از اماکن مقدس م اسلامی از جان و مال ارزشمند خویش دریغ نوزیم و انتقام خود را از کسانی که به ما ظلم و ستم روا داشته اند و خون مسلمانان خانه خداراریخته اند روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۶۶

تلگرام آیت الله ملکوتی بسم الله الرحمن الرحيم محضر رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی مؤسس جمهوری اسلامی ایران و مرجع عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی.

در پی پیام تاریخی اصولی اسلامی حضرت عالی مبنی بر برائت از مشرکین مسلمانان به شرکت کننده در کنگره بزرگ اسلامی حج از کفار و مشرکین تبری جستند و دخالت استکبار را در سرنوشت مسلمین محکوم و شکستشان را در خلیج فارس اعلام نمودند. کفر نتوانسته شکست خود و حرکت عظیم مسلمین را تحمل نماید بار دیگر حادثه خونین و هولناکی آفرید و این بار دست جنایتکارش از آستین رژیم مرتجع عربستان سعودی بر آمد در بیت الله الحرام که حرم م امنی است جمعی از حجاج را با هماهنگی قبلی شهید و مجروح ساختند و حرمت بیت خدا را هنک نمودند و حمام خون راه انداخته اند اینجانب به نمایندگی از طرف روحانیت و مردم غیور خطه آذربایجان این حادثه دلخراش و تأسف بار و اسف انگیزی که به امت مظلوم و ستم دیده \* جهان اسلام به خصوص ایران وارد شده و منجر به شهادت جمعی از حجاج گشته به پیشگاه \* حضرت ولیعصر و آن نایب بزرگوارش تبریک و تسلیت عرض می نمایم مردم قهرمان و آذربایجان منتظر دستور و اوامر و اقدامات سریع مسئولین هستند. و مکروا و مکر الله والله خیر

تلگراف آیت الله خاتمی بسم الله الرحمن الرحيم محضر مبارک رهبر کبير انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دام ظلّه الوارف.

پس از اهدای سلام شهادت جمعی از زائران بیت الله الحرام که به جرم بیزاری جستن از مشرکین و منافقین بدست حکام جنایتکار سعودی بوقوع پیوست به محضر مبارک آن امام عزیز و قلب تپنده امت اسلام تبریک و تسلیت عرض می کنم.

اینجانب از طرف خود و اهالی متعهد استان یزد به حضرت مستطاب عالی اطمینان میدهم که همگان در اجرای اوامر مبارک آن حضرت در جهت مقابله جدی باجنایتکاران شرق و غرب و اذتاب کثیف و مرتجعشان در منطقه آمادگی کامل دارند.

### بیانیه جمعیت زنان جمهوری اسلامی

سلامت وجود مبارک را جهت ادامه رهبری امت اسلام از خدای تعالی مسئلت دارم والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته روح الله خاتمی ۶۶/۵/۱۰ رسالت ۱۳۶۶/۵/۱۱ بیانیه جمعیت زنان جمهوری اسلامی پیرامون فاجعه خونین مکه بسم الله الرحمن الرحيم خون میراث داران سمیه و یاسر، باز بر خاک داغ مکه روان شد. جاهلیت عرب که یک روز بر سر پیامبر (ص) و یاران او سنگ میریخت، بار دیگر با پیروان آن بزرگوار، اینگونه کرد. در بولهب ها، بوسفیانها، بوجهل ها پس از ۱۴۰۰ سال هنوز، در پس خونخواهی کشتگان خود، در بدر و حنین اند و پیرمردان و زنان و معلولان را با تیرهای کینه خود به خاک و خون میکشند. آنها بازگشته اند و اسلام نیز با شمشیر مظلومیت، بر دوش، بازگشته است تا از نقش خون سرخ پیروان محمد(ص) بویژه زنان قهرمان بر شنهای تفتیده حرم، داستان محو آثار بت و پرستی نوین، از مهبط وحی را باز گوید، ... فاطمه (س) برای این گل بوته های سرخ و محمدی سوگوار است.

زنان مسلمان ایران که به یرکت اسلام، رهبری امام خمینی و خون شهداء بیدار گشته اند و سهم برتر را در گسترش امواج انقلاب اسلامی داشته اند، بارها و اینبار نیز نشان داده اند که از سنت خاندان پیامبر (ص) درس خون دادن و رساندن پیام خونهای بناحق ریخته را آموخته اند، آنها مثل همیشه از این فاجعه هولناک، برای رسیدن به فرازی بالاتر، در انقلاب جهانی اسلام دست خواهند یافت. و آمریکای جنایتکار و حکام خود فروخته سعودی بزودی خواهند دید که خون زائران بیت الله الحرام که در جمعه خونین مکه و در حرم امن خدا بر زمین ریخته شد چگونه بصورت سیلی بنیان بر افکن برای نابودی آنها در خواهد آمد. ماضمن محکوم کردن در این جنایت از پیش طراحی شده، شهادت زنان و مردان قهرمان را به پیشگاه رهبر کبیر انقلاب حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی و امت مسلمان جهان تبریک و تسلیت عرض نموده و خواستار اداره حرمین شریفین توسط نیروهای متعهد جهان اسلام میباشیم.

هم و از برادران رزمنده تقاضا میکنیم که انتقام این جنایت را در خلیج فارس و سایر جبهه های جنگ از آمریکا و آل سعود و صدام بگیرند.

نیز تمامی مردان و زنان حق طلب و اندیشمند عالم و سازمانهای بین المللی و سازمانهای اسلامی را به افشای این جنایت خونبار فراخوانده و از تمامی انقلابیون جهان دعوت میکنیم که با لیبک به فرمان رهبر انقلاب اسلامی ایران آماده انتقامی دردناک از آمریکا و ایادی سعودی و جمعیت زنان جمهوری اسلامی اذنازش باشند.

۱۳۶۶/۵/۱۲ اطلاعیه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در رابطه با قتل عام زائرین خانه خدا انالله و انا الیه راجعون بالله وبالللمسلمین : امسال قربانی حج زودتر از اضحی انجام گرفت و منی به کعبه تغییر مکان داد خیابانهای اطراف کعبه با خون زائران مخلص و طائفان عاشق لاله گون شد وادی امن هم وحشیانه مورد هجوم قرار گرفت و آهوان حرم هدف تیر صیادان سنگدل شدند. فرزندان :

ام القری در آغوش مادر قطعه قطعه گردیدند ضیوف رحمان از طرف مدعیان میزبانی با گاز خفه کننده و سنگ و چماق پذیرائی گشتند مهمانداران حرمین هنوز نه جنازه های مهمانهائی را او که کشته اند تحویل داده اند و نه اجازه ملاقات با مجروحین ، چرا حکومتی که خود را خادم لّو



الحرمین میدانند نتوانست برائت از آمریکا و اسرائیل را تحمل نماید مگر این مرد وزن زائر که اکثر آنها را طبعاً افراد سالخورده تشکیل میدهند غیر از این جرمی داشتند.

آری پیش بینی میشد که با پخش پیام کوبنده حضرت امام که بیش از هر بمب و انفجاری کاخهای جنایت کاران را تهدید به انفجار میکرد استکبار و مزدورانش دست به چنین حرکات دیوانه واری بزنند ولو بقیمت نابودی آبرو حیثیت، آرامش و امنیت رژیم حاکم بر حرمین تمام شود.

ولی این بی خردان بی خبر چه کسی را از چه چیزی میترسانند ماهی را از دریا، پرنده را از اوج فضا یا حاجی را از ملاقات با خدا. مگر رهبر محبوب و مطاع این است در همان پیام طوفان زان نفرمودند ما آماده ایم با دست همدیگر را در پیروزی بفشاریم با همه به فیض شهادت و نائل شویم و در هر حال پیروزیم مادست و همدستی منافقین و بعث عراق و پیوند مرموز کفر و نفاق را در این فاجعه خونین می بینیم و آمادگی امت حزب الله را برای تحمل مصائب بالا-ترو و استقامت در راه اعلامی کلمه توحید و دفاع از حریم مقدس اسلام اعلام میداریم این حادثه جرقه ای بود که بر خشم متراکم در سینه ها زده شد و آتش فشان قهر امت را شعله ور ساخت حکومت سعودی که حاضر شد تا این حد مجری فرمان آمریکا و مدافع جنایات بعث باشد کوچکتر از آن است آتشی که نابخردانه افروخت خاموش نماید. سلام بر رهبر عزیز امام امت که تا آخر در کنار پابرهنگان ایستاده است و سلام بر این عزیزانی که در حال مناسک حج دور از خانه و خانواده مظلومانه جان باختند و ان الله عزیز ذو انتقام.

روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۶۶

ص: ۵۰۶

جنایت آل سعود در جمعه خونین مکه از دیدگاه د روحانیون اهل سنت پیام امام جمعه سندج به امام جمعه مدینه منوره بسم الله الرحمن الرحيم : أن الذین کفروا ویصدون عن سبیل الله والمسجد الحرام الذی وجعلناه للناس سواء العاکف فیہ والبادو من یرد فیہ بالحاد بظلم نذقه من عذاب الیم حضور محترم امام جمعه مدینه اسلام علیکم، بی شک حضرتعالی خیر اسف بار کشتار مسلمانان و مؤمنین زائر خانه امن الهی محل نزول وحی، آنجا که پیامبر اکرم مبعوث به رسالت گردید را شنیدید. دشمنان خدا با انجام این هم خیانت بزرگ حرمت خانه امن الهی را شکستند، خانه ای که جای جای آن با قدوم پیامبران و ذکر ذاکران و قیام قائمین، رکوع راکعین، وسجود ساجدین و نزول ملائکه خدا آشناست.

### پیام امام جمعه سندج به امام جمعه مدینه منوره

خانه ایکه ابراهیم خلیل الرحمن با کمک اسمعیل ذبیح الله آنرا بنا کردند و آنجا که گواه بت شکنی های خاتم الانبیاء و اصحابش می باشد، آنجا که طنین جاوید آیه شریفه «واذان و من الله ورسوله الی الناس یوم الحج الأ-کبر ان الله بری من المشرکین ورسوله، فضا را معطر کرده است. آری همانجا که خدا فرمود: «جعل الله الکعبه البیت الحرام قیاما للناس، آری حرمت آنجا شکست و جهان اسلام را عزادار کرد. اعوذبالله من غضب الرحمن اگر مؤمنین بواسطه این جسارت بمیرند قابل ملال نیست.

راستی چه کسانی حرمت خانه خدا را شکستند و گناه آنانکه قربانی شدند چه بود؟ و آیا فریاد الله اکبر و فریاد الموت لامریکا و الموت لاسرائیل، وحده وحده اسلامیه، لاشرقیه لاغریبه واعلام براءت از مشرکین گناه است؟ کیست که امروز ندانند بت های بزرگی او که در برابر ربوبیت حضرت باریتعالی ادعای ربوبیت می کنند وحق خود می دانند که سرنوشت ملت ها را رقم بزنند به منافع خلق های مظلوم تجاوز کنند و فریاد وامحمدای مسلمین را در گلو خفه می کنند، آمریکا شوروی واسرائیل واذناب آنان هم هستند؟ پاکست که نداند امروز منافع خلقهای مظلوم و منابع کشورهای آن توسط مستکبرین ودر رأس آنان

آمریکا، غارت می شود و آمریکاست که پنجه خونین خود را در همه شئون فرهنگی □ اقتصادی - سیاسی و ملی خلقهای مستضعف و مسلمین جهان فروبرده است. یا کیست که نداند مسئول عقب افتادگی ملت‌های مسلمان و سرکوب جنبشهای اسلامی در این کشورها آمریکا و روسیه هستند که بدست عمال سرسپرده خود صداها را در سینه ها حبس و اقدام مجاهدین فی سبیل الله را می شکنند؟ آیا معاهده ننگین کمپ دیوید که در آن اسرائیل بزرگترین دشمن اسلام به رسمیت شناخته می شود و بر جنایت او در جنگ ۶۷ و ۷۰ و قبل از آن، مهر تائید می خورد، آمریکا و رژیم سرسپرده سادات و در ادامه آن حسنی نامبارک نمی باشند؟ آیا مسئول کشتار فلسطینیها در سپتامبر سیاه شاه حسین تحت فشار آمریکا نمی باشد؟ آیا شاه حسن با اسرائیل غاصب مرتبط نیست؟ و به اصطلاح و به عنوان رئیس کنفرانس اسلامی با هم هیئت اسرائیلی ملاقات نمی کند و تحت الحمایه آمریکا نیست؟ آیا در این کشورها ولایت خداوند جاریست با ولایت آمریکا؟ آیا اینان اولیاء شیطان نیستند؟ آیا همه این طواغیت تحت ولایت آمریکا ویا روسیه ، با اسلام نمی جنگند؟ برادر عزیز :

آیا با توجه به این مظلومیت و محرومیتها ملت اسلامی ایران که خود سالیان سال قربانی توطئه آمریکا بوده است و هزاران نفر از زنان و مردان و کودکان و جوانان این کشور به دستور مستقیم آمریکا و بدست رژیم شاه به شهادت رسید. ملتی که میلیاردها دلار سرمایه های و کشورش، سالیان سال توسط آمریکا به غارت رفته است، ملتی که بعد از ساقط نمودن حکومت طاغوت بازم از توطئه های آمریکا مصون نبوده و بی دلیل از زمین و هوار و دریا مورد تهاجم م مزدور دیگر آمریکا، صدام قرار گرفته است. دهها شهر و صدها روستایش با خاک یکسان شده ام بعضی صنایع اقتصادی او منهدم گردیده است، ملتی که مورد وحشیانه ترین حملات شیمیائی بمبارانهای هوائی ، و موشکهای زمین به زمین قرار گرفته است، ملتی که برای جلوگیری از صدور نفت، کشتی هایش را مورد حمله قرار داده اند و ... آیا این ملت در کنار خانه خدا و در پناه خدای متعال حق ندارد شکایت مستکبران را به خدا برد و از دشمنان خدا اظهار برائت کند؟ حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور نفرت از مشرکین و منافقین میسر نشود و کدام خانه سزاوارتر از کعبه و خانه امن و طهارت و ناس که به هر چه تجاوز و ستم و استثمار و بردگی و بادون صفتی و نامردمی است، عملاً وقو پشت شود و در تجدید میثاق الست بربکم» بت الهه ها و اربابان متفرقون شکسته شود، و اگر مسلمانان در خانه ناس و خانه و

خدا از دشمنان خدا اظهار براءت نکنند، پس در کجا میتوانند بکنند؟ واری جرم ملت ما این بود که اظهار براءت از مشرکین نمود و سزای این جرم گلوله های آتشین و بهای براءت ما جاری شدن خون صدها تن از مردان و زنان و جانبازان انقلاب و بدست مزدوران حکام سعودی بود.

برادر عزیزم:

خطر فراگیری غده چرکین و سرطانی صهیونیزم در کالبد کشورهای اسلامی وجود دارد، جرم زائران کشور ما این بود که حمایت بی دریغ رهبری معظم حضرت امام خمینی، ملت و دولت و مسئولین ایران از تمامی مبارزات اسلامی ملتها و جوانان غیور و مسلمان در راه آزادی و قدس اعلام نمودند و تشکر رهبری را از جوانان عزیز لبنان که موجب سرافرازی امت اسلام و خواری و ذلت جهانخواران گردیدند ابلاغ نمودند و از اسرائیل براءت جستند.

آری ملت ایران در مبارزه مستمر خود به خوبی دریافته است که برای هدفی بزرگ و آرمانی اسلامی - الهی باید بهاء سنگینی پرداخت نماید شهداء گرانقدری را تقدیم نماید و جهانخواران ما را راحت و آرام نخواهند گذاشت و با استفاده از ایادی داخلی و خارجیشان به ماشیخون زده و هم و خون عزیزان ما را در بستر کوچه ها و خیابانها و مرزهایمان جاری می کنند.

به شما بگویم جنایت اخیر آمریکا در به شهادت رساندن عده ای از زائران ایرانی و غیر ایرانی خانه خدا ناشی از خشم و نفرت آمریکا نسبت به اسلام، شکستهای اخیر او در جنگ و خلیج فارس است که ملت ما را بدون تکیه به شرق و غرب، در برابر حکومت بعثی صدام مجهز و مقاوم نموده و ملت ما را تا مرز پیروزی نهائی پیش برده است. اسلام است که آمریکا را در خلیج فارس رسوا نموده و هیبت او را شکسته، اسلام است که در ماجرای مک فارلین آبروی سیاست مزورانه آمریکا را برد. امروز آمریکا و ایادی او خشمگین و متنفر از مسلمین و اسلام محمدی هستند.

کشتار زائران خدا التیامی ظاهری بر دلهای مغلول و قلبهای محجوب آنان و انتقامی از ملت پر اسلامی ایران بود. اما ملت ما مصمم است که صدام و حزب بعث را که مظهر دو بت آمریکا و به شوروی است به لطف خدا ساقط نماید، و ذرهای تردید در مبارزه با آمریکا و سایر بت های جهانی به خود راه نخواهد داد.

برادر عزیزم:

اکنون که علت براءت را برای شما شمردم از آنجا که حکومت دست نشانده سعودی با

ص: ۵۰۹

تبلیغات نادرست سعی دارد زائران را عامل درگیری و تشنج معرفی کند، برای اینکه ابعاد جنایت آل سعود در کشتار زائران خانه خدا معلوم گردد، نکاتی را به عرض می‌رسانم: همه قرائن و شواهد بیانگر آن است که طرح کشتار میهمانان خدا از قبل طراحی شده بود است.

ماجرا از این قرار بود که :

بعد از تجمع زائران خانه خدا به همراه تعدادی دیگر از مسلمانان در میدان معاودة پیام تاریخی امام خمینی خطاب به زائران خانه خدا قرائت می‌گردد، بعد از آن حجاج فریاد هم الله اکبر، لا اله الا الله ، الموت لامریکا و الموت لاسرائیل، الموت لروسیه، اتحادوا، اتحادوا، ایها المسلمون اتحاد اتحاد، وحده وحده اسلامیه، لاشرقیه لاغربیه ، به راهپیمائی آرام دست هم می‌زنند، بعد از طی مسافت اندک عده ای از ماموران رژیم سعودی از بالای ساختمانهای مرتفع اقدام به پرتاب بطری شکسته و سنگ و سطل زباله و غیره می‌نمایند. این عمل خاطره اهانت به پیامبر و فروریختن خاکستر را بر سر مبارک ایشان یادآوری می‌نماید . سپس عده ای از مأمورین از کوچه های فرعی مسیر خیابان و از جلو و عقب راهپیمایان به صفوف حجاج تکبیرگوی حمله می‌نمایند و بعد از مضروب نمودن آنان عده ای دیگر از مامورین که بر روی پل و معابر و ساختمانهای مجاور کمین کرده بودند با گازهای خفه کننده و گلوله های انفجاری که م و بعضاً به کارگیری آن در جنگ ها مورد تردید است و با گلوله های جنگی به حجاج حمله جنان می‌نمایند و صدها نفر را به خاک و خون می‌کشند.

و برادر عزیزم:

به شما بگویم که قساوت و سنگدلی ماموران سعودی تا آنجا بود که اولین قربانیان این همه فاجعه، معلولین انقلاب بودند که بر روی چرخهای مخصوص خود نشسته و به عنوان مظهر مظلومیت ملت اسلامی ایران در جلوی صفوف راهپیمائی حرکت می‌کردند و بعد از معلولین زنان قهرمان و مادران شهداء بودند که مورد تهاجم وحشیانه قرار می‌گیرند، و بر سنگفرش خیابانها در خون خود می‌غلطند، آمار نشان می‌دهد که بیشتر شهیدان زنان هستند.

بعد از حادثه امدادگران ایرانی برای کمک به مجروحین می‌شتابند، با آمبولانس ها به محل درگیری می‌رسند اما پلیس فاشیست سعودی آنان را نیز از گلوله های آتشین خود در امان هم نمی‌دارد و عده ای از آنان نیز به خاک و خون می‌غلطند و به اینصورت مجروحین و شهداء، م مدتی در کف خیابانها می‌مانند.

برادر عزیزم:

ص: ۵۱۰

رژیم سعودی در پی این فاجعه زائران ایرانی را متهم به راهبندان و درگیری با حجاج دیگر می کند و مدعی می شود تیراندازی به حجاج نکرده است. اگر چنین بوده است، چرا هم اکنون که یک هفته از فاجعه خونین جمعه سیاه می گذرد از حدود ۳۰۰ پیکر پاک شهیدان تنها هم قریب ۱۱۰ نفر را تحویل داده است و بر اندام بعضی از همان شهدا، همچنانکه خبرنگاران در و ایران رویت کردند آثار گلوله دیده می شود. خبرنگاران خارجی و ایرانی از نزدیک و ما خود نیز از نزدیک در صفحه تلویزیون مشاهده کردیم که پزشک ایرانی با شکافتن اندام یک شهید گلوله سربی را از آن بیرون آورد؟ تاخیر در تحویل پیکرهای پاک شهیدان بدین منظور است که جنایات حکام سعودی در تیراندازی به زائران خانه خدا افشا نگردد. به شما بگویم که این اقدام حکام سعودی با توجه به آنچه گفته شد و تأیید بعضی سران مرتجع کشورهای نظیر اردن، کویت، تونس نشان می دهد که مسبب اصلی حادثه آمریکا و این عمل در راستای سیاست شیطان بزرگ طرح ریزی و اجرا شده است. شما فکر می کنید با وقوع این فاجعه بدست حکام سعودی چه چیز روشن می شود؟ آیا آل سعود که خود را بدروغ خادم حرمین شریفین می دانند و همواره کوشیده اند خود را هم پرده داران راستین کعبه نشان دهند با دست زدن به این فاجعه لیاقت تصدی حرمین شریفین را دارند. در طول ۱۴ قرن اسلام حتی سفاک ترین حکام جور جرئت نکرده اند که حریم خانه خدا را بشکنند اما این مدعیان اسلام شکستند. این حکام همان متعصبین متحجرینی هستند که به نام مبارزه با شرک بهترین آثار اسلامی را در مدینه منوره و در مکه مکرمه با خاک یکسان نمودند. آنان احترام به قبور اصحاب پیامبر که همواره الهام بخش مسلمانان در جهاد و مبارزه است و یادگار تاریخ پر عظمت اسلام شرک می دانند، آنان تخریب محله بنی هاشم در مدینه هم را که گویای خاطرات دلنشین صدر اسلام و آل البیت پیامبر(ص) است را مبارزه با شرک \* می دانند، اما تخریب منابع ملی مردم حجاز را توسط آمریکا توحید دانسته و حاضرند که آمریکای جنایتکار میلیونها تن نفت سرزمین حجاز را به غارت ببرد و منابع اقتصادی حجاز سرزمین اسلام را به یغما ببرد و این را نه تنها مخالف اسلام نمی دانند بلکه تا آنجا در مسیر امیال شیطانی بزرگ حرکت می کنند که، در عید کریسمس با تقلیل یک دلار در قیمت هر هر بشکه نفت آنرا هدیه ای برای آمریکا تبلیغ می کنند.

آنان با این عمل خود روزانه ۲۰ میلیون دلار خسارت به کشورهای مسلمان و مستضعف م و صادر کننده نفت، وارد کردند. آیا تعمیر مسجد الحرام و آب دادن حاجیان با کشتن مجاهدان

وزوار در کنار خانه خدا چه ارتباطی می تواند داشته باشد اجعلتم سقایه الحاج و عماره المسجد الحرام کمن آمن بالله والیوم الآخر وجاهد فی سبیل الله لایستون عند الله والله لایهدی و القوم الظالمین به قول امام امت حضرت امام خمینی گویی آیه کریمه در همین عصر نازل شده و وگویی برای آل سعود و امثال آل سعود در طول تاریخ و برای ملت مجاهد و بزرگ ایران و حجاج بیت الله الحرام در عصر حاضر و امثال آنان در همه اعصار آمده است. آیا سعودیها و امثال من آنان در طول تاریخ ارزش خود را برای تهیه آب در مواقع حج و زرق و برق تعمیرات مسجد الحرام را با ارزشهای مسلمانانی که به خداوند و روز جزایمان دارند و با ایثار خون خود و جوانان مجاهد خود در راه خدا و برای دفع دشمنان خدا از حریم اسلام و حرم خدای تعالی بیاب خاسته اند، مقایسه نکرده اند و سعودیهای عصر حاضر پارا فراتر از آن نگذاشتند و بر مسلمانان افتخار نمی کنند و با مجاهدان راه خدا آن نمی کنند که روی آمریکای جهانخوار و وارباب خود را سفید کرده است؟ و جالب توجه این که خداوند در این آیه ایمان به خدا و روز جزا را ذکر فرموده و از میان تمام ارزشهای اسلامی و انسانی مجاهد در راه خدا را با دشمنان خدا و و بشریت انتخاب کرده است و در این انتخاب به همه مسلمانان تعلیم فرموده است که ارزش و جهاد فوق همه ارزشهاست و آیا خداوند با ذکر (والله لا یهدی القوم الظالمین) نمی خواهد به بفرماید، خداوند سعودیهای عصر را و تمام اعصار تاریخ را ستمگرانی بیش نمی داند که قابل هدایت نیستند و خداوند آنان را هدایت نمی فرماید .

برادر عزیزم:

با این اوصاف آیا رژیم آل سعود، صلاحیت دارد که متصدی کعبه باشد؟ اینجانب به عنوان امام جمعه مردم سنندج که اهل تسنن هستند از شما تقاضا دارم که ابعاد و جنایت هولناک شکسته شدن حرمت خانه خدا را که همه جهان اسلام را به عزا نشانده است به برای خواهران و برادران در کشورتان تشریح فرمائید و پیام مظلومیت ملت اسلامی ایران و بالاخص زائران شهید و مجروح خانه خدا را به مردم خود ابلاغ فرمائید و به اندیشمندان، علما صاحب نظران کشور خود، خطر صهیونیسم بین الملل، و امپریالیسم جهانخوار را به سرکردگی آمریکا و اسرائیل گوشزد فرمائید و از آنان بخواهند تا در صورت امکان با برپائی و کنفرانس ها و سمینارها برای تصدی و اداره حرمین شریفین، بدست نمایندگان مسلمانان در کشورهای مختلف چاره اندیشی نمایند و خط اسلام انحرافی و چهره نفاق حکام سعودی را که تحت لوای وهابیت به مهمترین و مقدسترین امکنه شریفه و مشاهد متبرکه اسلامی چنگ

ص: ۵۱۲

## پیام روحانیون اهل سنت دهگلان

انداخته اند، گوشزد فرمائید و به مسلمین ابلاغ فرمائید که سکوت در قبال این ستمگریها که در طول تاریخ سابقه نداشته است چیزی جز رضای به این جرم و شرکت در ظلم و ستم ظالمین و ستمگران نمی باشد. توفیق اسلام و مسلمین را در اجرای احکام و تعالیم عالیه اسلامی و در و پیروزی بر دشمنان، شکستن بتهای جهانی و همچنین سربلندی و عزت حضرت تعالی را از خدای متعال مسئلت دارم، متشکر خواهم بود که ما را از نظرات و راهنمایی های خود بهره مند فرمائید.

هم والله العزه و لرسوله وللمومنین امام جمعه اهل سنت سنندج - کردستان سید صلاح الدین حسامی پیام روحانیون اهل سنت دهگلان محضر مبارک زعیم عالیقدر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی ما امام جمعه و شورای روحانیت دهگلان بنمایندگی از جامعه روحانیت اهل تسنن و منطقه دهگلان شهادت مظلومانه جمعی از عاشقان الله را در خانه امن الهی به پیشگاه آن امام بزرگوار تبریک و تسلیت عرض نموده ضمن محکوم نمودن اعمال جنایتکارانه رژیم وابسته و سرسپرده آل سعود و پلیس وحشی و خون آشام آن رژیم که بی شک عمال آمریکای جنایتکار و استکبار جهانی میباشند بدینوسیله عدم کفایت رژیم سعودی را که در محو آثار اسلامی کوشش میکند اعلام داشته و از جامعه اسلامی تقاضا داریم که سقایت و پرده برداری حرمین شریفین به وسیله عده ای از علمای متعهد و مومن کشورهای اسلامی انجام پذیرد.

## پیام سرپرست حوزه علمیه اهل سنت خواف

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه ۱۰ آبان ۱۳۶۶ پیام سرپرست حوزه علمیه اهل سنت خواف محضر مبارک زعیم عالیقدر رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی مدظله العالی جنایت حکام رژیم آل سعود نسبت به زائرین بیت الله الحرام که در اسلام بی سابقه بود مورد تنفر و انزجار عموم مسلمین واقع گردید و قلوب همه خداخواهان را جریحه دار کرد.

بدینوسیله علما و روحانیون اهل سنت منطقه خواف نسبت به آنچه در جهان اسلام از وابستگی رژیمهای مرتجع نسبت به مسلمین روامیدارند اظهار تاسف نموده و از خداوند متعال آزادی



مسلمین و دوام طول عمر آن قائد عظیم الشان را جهت بیداری مسلمین مسئلت مینمائیم و برای هم شهدای بیت الله الحرام غفران کامل و برای مجروحین شفای عاجل خواهانم و از تمام مسلمین و سفرای کشورها تمنا داریم در این مورد بی تفاوت نباشند.

پیام روحانیون تربت جام بسمه تعالی محضر رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی مدظله العالی پس از حمد خدا و اهداء سلام و تحیات و آرزوی طول عمر توام باعزت برای آن امام بزرگوار، دیگر بار حادثه غم انگیز قتل عام حجاج ایرانی و غیر ایرانی در خانه امن الهی بدست پلیس فاشیست آل سعود و بدستور مستقیم ابر جنایتکار آمریکا بجرم اعلام برائت از مشرکین که عالم اسلام و مسلمانان سراسر جهان را به ماتم نشانند، حضور حضرت خاتم الانبیاء (ص) و مقام معظم رهبریت جهان اسلام و عموم مسلمانان جهان تسلیت عرض نموده و ضمن محکوم نمودن این عمل وحشیانه حکام آل سعود لیاقت اداره حرمین شریفین را توسط مشتی وهابی ضد لایم اسلام که با بی شرمی نام کثیف خاندان آل سعود را بر کشور حجاز گذارده و غاصب حرمین شریفین شده اند را رد و بیزاری و انزجار خود را از عاملین کشتار بیرحمانه حجاج بیت الله الحرام بویژه آمریکا اعلام و خواهان اداره حرمین شریفین توسط هیئتی مرکب از علمای جهان اسلام می باشیم.

از طرف روحانیون و علمای اهل سنت شهرستان تربت جام

پیام روحانیون سرخس محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب حضرت آیت الله العظمی امام خمینی شهادت مظلومانه جمعی از زائرین مسلمان در حرم امن الهی توسط آل سعود این سرسپردگان آمریکای جنایتکار که با نقشه قبلی آمریکا صورت گرفت به پیشگاه امام امت و امت شهید پرور تبریک و تسلیت عرض نموده و نابودی کفر جهانی را از بارگاه خداوند توانا مسئلت دارد.

### پیام روحانیون مرکز بخش در میان

روحانیون و جامعه اهل سنت و جماعت سرخس پیام روحانیون مرکز بخش در میان ان اول بیت وضع للناس للذی مکیه مبارکا وهدی للعالمین فیه آیات بینات مقام ابراهیم و من دخل کان آمنا اول خانه ای که بنا شد برای پرستش خداوند کریم خانه کعبه است که آن خانه مبارکه و راهنمای عالمیان است. و در آن نشانه ای است از جمله مقام حضرت ابراهیم و هر کس داخل حرم کعبه مبارکه گردد از گزند حوادث در امان است.

ضمن عرض تبریک و تسلیت شهادت و مجروح شدن صدها نفر از زائرین بیت الله الحرام در جمعه خونین گذشته در مکه مکرمه اعم از ایرانی و سایر حجاج کشورهای اسلامی به پیشگاه امام امت معروض میدارد و بدینوسیله جامعه روحانیت و اهالی اهل سنت بخش در میان و شهرستان بیرجند تنفر و انزجار خود از حمله ناجوانمردانه عمال و سرسپردگان آمریکائی آل سعود به زائرین بیت الله الحرام را به عرض میرساند و پشتیبانی خود را از دولت جمهوری اسلامی بمنظور گرفتن انتقام از خائنین آل سعود و اعلام داشتن آمادگی اهالی منطقه را در به جهت برگزاری راهپیمائی علیه این حرکت وحشیانه اعلام میداریم.

### اطلاعیه حوزه علمیه حضرت بلال اهل سنت مشهد

اطلاعیه حوزه علمیه حضرت بلال - اهل سنت مشهد قوله تعالی «من دخله کان آمنا». آن خالق بی نظیر و آن حاکم با بصیرت و آن قدوس بی همتا مکه مکرمه را محل امن معرفی نمود که اگر شخصی جانی بحریم کعبه شود باید مورد مزاحمت قرار نگیرد. نظر بفرموده آن هادی سبیل و آن پیشوای جزء و کل ابوالقاسم محمد(ص) «اکرموا الضیف و لو کان کافر» که مطلق مهمان را صاحب کرامت ولایق پذیرائی نشان داده است و نظر بگفته ادبا مهمان روزی خود می آورد و آن گناه میزبان را می برد. با علم و هم بیقین از اوامر ذکر شده و وقوع وضع بی اندیشه آل سعود این حادثه دلخراش و جانگداز و تکان

دهنده را اگر بفکر خود کرده باشند بی سابقه و لاحقه مخالف قرآن، حدیث، گفته علما و ادبا، اگر بدستور مقتدا از بشر باشد جای غور و اندیشه است. بر آن سردمداری که مخالف قرآن و حدیث و علماء دین باشد. بناء پوشیده نیست که این عمل نادرست به آن مکان مقدس بدستور شیخ نجدی و شاگردان لامذهب آن میباشد. این ملحدان توانستند که بعد از ۱۴۰۰ سال و اندی قضیه دارالندوه را به شهادت زائرین خانه امن خدا (ج) تمثیل کنند. کور خوانده و بودند که محفل از سران قریش برای قتل سرور کائنات تشکیل داده بودند. خداوند پاک آنها را به روسیاه، تبا و برباد داد و حییب خود را حفاظت، دین آنرا ترویج و پیروان آنرا قوی و قویتر به انتقام نمود. با تأسف حوزه علمیه حضرت بلال اهل سنت رویه مخالف آل سعود را در ماه حرام و و به محل حرم که به زائرین مسلمان نموده از روی اخلاص تقبیح میکند و به آواز بلند میگوید به نفرین باد به فاعلین و محرکین این عمل خلاف قرآن و اسلام، پیروز باد جهان اسلام در پرتو آگاهی به قرآن .

روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۹ آبان ۲۱۳۶۶ و

ص: ۵۱۶

## قطعنامه پایانی کنگره بررسی قداست و امنیت حرم

در قطعنامه پایانی کنگره بررسی قداست و امنیت حرم :

علمای کشورهای اسلامی خواستار مجازات حکام آل سعود و تشکیل هسته های حزب الله برای انتقام از آمریکا شدند کنگره جهانی «بررسی قداست و امنیت حرم» صبح دیروز با ارائه گزارش کمیسیونهای چهارگانه کنگره و تصویب قطعنامه ای در ۱۲ ماده بکار خود پایان داد.

گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی در آخرین جلسه که به ریاست حجت الاسلام کروی نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی برگزار شد، بترتیب آقایان سیدعارف حسینی از پاکستان ، دکتر محمد مهدی الطیب از سودان ، شیخ سعید شعبان رهبر حرکت هم توحید اسلامی لبنان و استاد ابراهیم پنجوانی از آفریقا گزارش کمیسیونهای ارتباط حج و امنیت حرم ، قداست و امنیت حرم، فاجعه خونین مکه و وظیفه امت اسلامی در رابطه با حرمت حرم را به اجلاس عمومی کنگره ارائه دادند.

شیخ سعید شعبان رئیس کمیسیون بررسی دقیق فاجعه خونین مکه در بخشی از گزارش خود گفت: رژیم سعودی قبلاً آماده ارتکاب این جنایت بود. این یک جنایت غیر مترقبه نبود و این و کمیسیون آنرا بزرگترین جنایت تاریخ اسلام میدانند و حتی بزرگتر از حمله فیل سواران ابرهه به هم حرم بود حکام آل سعود اگر حرم مکه را خراب میکردند از این جنایت بهتر بود، چرا که حرمت خون یک مسلمان مهمتر از خود کعبه است. وی ادامه داد ارتکاب این جنایت عدم لیاقت آنها را و ثابت کرد. رژیم آل سعود موظف بود خون مسلمانان را حفظ کند.

و بنابر این گزارش سپس قطعنامه کنگره توسط دکتر محمد علی هادی نماینده مجلس شورای اسلامی قرائت شد و با تکبیر حاضران مورد تأیید قرار گرفت.

در مقدمه این قطعنامه با اشاره به اینکه آمریکای جنایتکار و دست نشاندهانش سعی دارند تا حج قیاما للناس نگردد و رشد سیاسی جمهوری اسلامی ایران توطئه جنگ تحمیلی را شکست و داده آمده است: دژخیمان آل سعود مومنانی را که هیچ گناهی جز اعلام براءت از مشرکین نداشتن بخاک و خون کشیدند چیزی که در عرف بین المللی نیز توجیه پذیر نیست.

همین گزارش حاکیست مواد قطعنامه کنگره جهانی بررسی قداست و امنیت حرم بدین شرح است.

۱- کنگره جمهوری اسلامی ایران را به عنوان تنها نماینده شرعی و قانونی امت مسلمان و دانسته و حضرت امام خمینی را بعنوان یگانه رهبر جهان اسلام که قادر است امت اسلامی را نجات داده و وحدت امت اسلامی را تأمین نماید میشناسد.

۲- کنگره ضمن دعوت جهان اسلام به رفع موانع وحدت و توجه به نقش تفرقه افکنان اسلام آمریکائی حمایت خویش را از حرکت‌های اسلامی از جمله فلسطین، لبنان، حجاز، جزیره ب‌العرب، تونس، مغرب، فیلیپین، افغانستان، عراق، کویت، مصر، اردن، هند و آفریقای و جنوبی اعلام از حجاج بیت الله می‌خواهد که در سال آینده مسائل آنها را مورد دقت و اهتمام قرار و دهند.

۳- بیت الله الحرام خانه ناس است و انجام فریضه حج یک واجب شرعی است و در آن و دوری جستن از مشرکان و نیز تبادل افکار در کلیه زمینه های مذهبی و اقتصادی و سیاسی که و منافع مردم را تأمین کند حق، بلکه تکلیف مسلم مردم مسلمان است و هیچ نیرویی حق جلوگیری از آن را ندارد. ضمناً راهپیمائیهای وحدت که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران در حجاز برگزار میگردد است ادای تکلیف الهی بوده و هر نوع مخالفت مورد تقبیح کنگره است .

۴- جنایت هولناک ششم ذیحجه ۱۴۰۷ در مکه ثابت نمود که اداره حرمین شریفین بدست علمای صالح اسلام اجتناب ناپذیر است، ولی باید برای بحث در جزئیات، علمای بزرگ از و مذاهب اسلامی در آینده نزدیک در یک گردهمایی بزرگ شرکت کنند.

۵- به منظور اعتراض به جنایت آل سعود در حرم امن الهی و بزرگداشت خاطره شهدای م و جمعه خونین که بموجب اسناد منتشره حجاج محاصره گردیده اند و سپس با گلوله و گاز سمی بشهادت رسیدند، کنگره روز ششم ذیحجه هر سال را در تمام جهان بعنوان «روز براءت از هم مشرکین» اعلام می نماید تا تمام جهان به هر شکل تبری و نفرت خویش را بویژه در مکه اعلام نمایند.

۷- برای پیشبرد اهداف جهانی اسلام و گرفتن انتقام فاجعه خونین مکه از آمریکای جنایتکار تشکیل هسته های حزب الله و بسیج عمومی در همه کشورهای اسلامی یک ضرورت اجتناب هم ناپذیر و تکلیف الهی است .

۷- مسئله اصلی جهان اسلام موضوع فلسطین و مبارزه با صهیونیزم بین المللی است و اقدام خائنانه آل سعود در جنایت مکه نباید موجب فراموش شدن جهاد مسلحانه در آزادسازی هر قدس شریف گردد لذا هر گونه سازشکاری که به منظور تثبیت رژیم اشغالگر قدس صورت گیرد محکوم و موضع گیری خیانت بار ارتجاع عرب در اجلاس سران در امان را تقبیح مینمائیم.

۸- جنگی که از سوی آمریکا و با همکاری مالی ارتجاع منطقه به ایران اسلامی تحمیل شد تقبیح و دفاع مقدس جمهوری اسلامی ایران در مقابل عراق و خروج نیروهای بیگانه از خلیج فارس مورد تاکید کنگره میباشد. ۹- تخریب اماکن مقدسه و نیز قبور بزرگان صدر اسلام و ائمه اهل بیت رسول الله در سرزمین هم حجاز عملی ضد اسلامی و در نهایت بر خلاف فرهنگ و اصول و موازین انسانی است.

۱۰- کنگره معتقد است نامگذاری یک کشور اسلامی بعنوان خاندان مفسد آل سعود و اهانتی بزرگ به دین میباشد.

۱۱- کنگره ضمن محکوم کردن امپریالیزم خبری که حداکثر تلاش خود را برای فریب افکار عمومی در قبال قتل عام حجاج خانه خدا انجام داد از آن گروه از وعاظ السلاطین که ناخود و آگاهانه دین خود را به آنها فروخته اند میخواهد اظهار توبه کنند تا باشد مورد عفو خداوندی قرار گیرند.

۱۲- کنگره بر تشکیل دبیرخانه دائمی به منظور اجرای مصوبات ویژه پیگیری امر کیفیت اداره حرمین و امر کیفر مجرمین از طریق تشکیل محکمه عادلانه اسلامی تاکید می نماید.

همین گزارش حاکیست حجت الاسلام کروی در پایان کنگره جهانی بررسی قداست و امنیت حرم طی سخنان کوتاهی از میهمانان خواست پیام مردم ایران را به ملتهای خودشان برسانند وی گفت: مردم ما به مبارزه ادامه میدهند و در چنین میدانی باید همه نیروهای اسلامی هم در کنار هم قرار بگیرند و چنین وحدتی بوجود نمی آید مگر با آگاهی و حاکمیت اسلام واقعی مومنین باید به اسلام برگردند و مبانی و دستورات اسلام را رعایت کنند.

وی در پایان سخنان خود گفت: به فضل پروردگار افق روشن است و آینده نوید بخش و در جهان اسلام حرکتی در حال انجام است و همه جا مبارزات اسلامی با کفر وجود دارد.

سفر میهمانان کنگره جهانی بر رسی قداست و امنیت حرم به قم اعضای شرکت کننده در کنگره جهانی بررسی قداست و امنیت حرم که عصر پنجشنبه به شهر مقدس قم سفر کرده، مرقد مطهر حضرت معصومه (س) را زیارت کردند.

بگزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی در صحن حرم حضرت معصومه (س) میهمانان خارجی بر مزار شهدای محراب، شهید آیت الله مطهری و شهید حجت الاسلام محمد منتظری حضور یافتند و نسبت به مقام والای شهدای انقلاب اسلامی ادای احترام کردند.

سخنان رئیس مجلس شورای اسلامی در کنگره اگر علمای اسلامی دنیا حاضر به تقبل مسئولیت اداره مکه مکرمه باشند جمهوری اسلامی آمادگی دارد که برای آزادی این مکان مقدس بجنگد و به این طریق برای قوام جوامع اسلامی تلاش کند.

آقای هاشمی رفسنجانی روز پنجشنبه با شرکت در چهارمین روز کنگره جهانی بررسی قداست و امنیت حرم ضمن اعلام این مطلب رژیم آل سعود را فاقد صلاحیت اداره مکه به مکرمه خواند.

وی در این زمینه گفت: باید قدرتی که تاثیرپذیری از قدرتهای خارجی نداشته باشد و از لحاظ مذهبی نیز با عقاید مختلف کاملاً آزاد برخورد کند متصدی امر خانه خدا شود.

آقای هاشمی متذکر شد: در صورتی که حکومت سعودی از کردار گذشته خود توبه کند و از سلطه آمریکا خارج شود صلاحیت اداره کعبه را خواهد داشت و در غیر اینصورت باید مکه بصورت یک شهر آزاد و توسط علمای جوامع مختلف اسلامی دنیا اداره شود.

وی خاطر نشان ساخت: در این صورت کلیه مخارج این مکان مقدس نیز از مسلمانان و حجاج دنیا تأمین خواهد شد و امکاناتی بدور از هر گونه تبعیض و بی عدالتی برای حجاج مختلف تأمین می گردد.

آقای هاشمی با اشاره به عبادی - سیاسی بودن مناسک حج گفت: در حال حاضر هیچ استفاده صحیحی از مناسک حج نمی شود و جمهوری اسلامی ایران برای آزادی این مکان مقدس از قدرتها و حکومتهای مرتجع عرب ترس و واهمه ای ندارد.

وی افزود: عامل اصلی رشد عقیده آزادی مکه خود حاکمان سعودی هستند که با تعرض به حجاج خون آنها را بخاطر منافع آمریکا به زمین ریختند و احتمالاً با این روش سعودیهادر "جریانات اخیر سیاسی از منافع اسرائیل نیز بطور علنی و مستقیم حمایت خواهند کرد. به وی در این زمینه افزود: با توجه به سلطه قدرتهای خارجی بر حکام سعودی به هیچوجه به انتظار شیوه صحیح اداره اماکن مقدس مکه از آنها نمیروود و این مکان از امنیت لازم برخوردار

هم نخواهد بود .

آقای هاشمی با اشاره به نقش خانه کعبه در قوام بخشیدن به جوامع اسلامی دنیا گفت:

خداوند این مکان را بعنوان ستون فقرات پیکر عظیم جوامع اسلامی دنیا قرار داده و کعبه نقطه عطفی در دنیا می باشد که مسلمانان روزانه با آن سر و کار دارند و نماز خود را به سمت آن بر پا می دارند.

هم بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی وی همچنین افزود: این مکان بهترین مرکز برای نزدیکی مسلمین و بیان حرف یک میلیارد مسلمان جهان می باشد و بدون شک باید مسئله امنیت مکه حل شود و علمای اسلامی جهان برای اداره آن راه حل مناسبی بیاندیشند.

روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۷ آذر ۱۳۶۶

ص: ۵۲۱



## امام: جنایت تاریخی شکستن احترام حرم امن الهی

امام امت مجدداً حجت الاسلام کروبی را بعنوان سرپرست حجاج ایرانی منصوب فرمودند و امام: جنایت تاریخی شکستن احترام حرم امن چیزی نیست که بتوان تا ابد آنرا فراموش کا و یاساکت بود حجت الاسلام کروبی نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی در نامه ای که به محضر امام امت ارسال داشت در مورد ادامه کار رسیدگی به امور حجاج کسب تکلیف کرد.

متن نامه به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم محضر رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی و مرجع عالیقدر جهان اسلام حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی .

ضمن عرض سلام و تحیات لازمه خدمت حضرت مستطاب عالی و تشکر فراوان از حجاج عزیز ایرانی به عشق اسلام و تبعیت از اوامر مطاع آن رهبر بزرگوار در طول مراسم حج، خصوصاً پس از فاجعه خونین مکه مکرمه که با روحیه ای مقاوم و اراده ای وصف ناشدنی، ایثارگرانه آماده هرگونه جانبازی در راه صیانت از اسلام و احکام حیات بخش قرآن کریم بوده اند و تقدیر از زحمات دست اندرکاران در امور حج که زحمات زیادی را در حج امسال هم متحمل شده اند به استحضار آن امام عزیز میرساند از آنجا که همه ساله پس از پایان مراسم حج از حضرت عالی جهت ادامه کار کسب اجازه میشد لذا با توجه به اینکه برنامه ریزیهای سالانه و حج از هم اکنون باید شروع شود استدعا دارد اوامر مقتضی را آن رهبر معظم صادر فرمایند.

و خداوند سبحان وجود پر برکت آن امام بزرگوار را تا حضور امام عصر، عجل الله تعالی فرجه \* الشریف برای مسلمین و مستضعفین جهان اسلام به سلامت نگهدارد و مسلمین و مستضعفین را از شر دشمنان اسلام و انسانیت، خصوصاً شیطان بزرگ آمریکا نجات دهد.

مهدی کروبی هم

ص: ۵۲۲

متن پاسخ امام امت به نامه حجت الاسلام کروبی چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروبی دامت افاضاته پس از تشکر از مقاومت اسلامی و وصف ناپذیر حجاج مظلوم و محترم بیت الله الحرام در مقابل هجوم آل سعود، این روسیاهان تاریخ و عمال چشم و گوش بسته آمریکای جهانخوار و و نیز تشکر از مقاومت متعهدانه و شجاعانه جنابعالی که با وجود گرفتاری در چنگال خون آشام و آل سعود با پیامها و مصاحبه های آتشین پرده از روی چهره کریه این جنایتکاران تاریخ برداشته و کوس رسوائی فراموش ناشدنی آمریکای جنایتکار و عمال خبیث آن را در عالم بصدرا در آوردید جنابعالی را که بحمدالله در صف اول مجاهدان اسلام بوده و هستید چون سالهای بر گذشته بنمایندگی از طرف خود به سرپرستی حجاج بیت الله الحرام منصوب می نمایم.

به جنایت تاریخی شکستن احترام حرم امن الهی که دل مسلمانان متعهد جهان را آتش زد چیزی نیست که تا ابد بشود آن را فراموش کرد و یا ساکت بود.

هم در این جا لازم میدانم که از زحمات تمامی دست اندرکاران و مسئولین حج و از جناب حجت الاسلام آقای امام جمارانی دامت افاضاته که با تعهد و مقاومت خود موجب سرافرازی جمهوری اسلامی ایران گردیده اند و باعث شادی روح شهدا شده اند تشکر کرده و توفیق هرچه و بیشتر همه را در خدمت به اسلام و احکام نورانی آن از خداوند خواستارم و برای شهدای گرانقدر مکه خونین مان که با اهداء خون خود پرچم سرخ توحید، رسالت و امامت را در آسمان و زمین به اهتزاز در آوردند، طلب رحمت و مغفرت نموده و برای بازماندگان آنان که افتخار بزرگی نصیبشان شده است صبر و اجر مسئلت می نماید.

والسلام علیکم ورحمه الله هجدهم شهریور ۶۶ روح الله الموسوی الخمینی روزنامه جمهوری اسلامی پنجشنبه ۱۹ شهریور

۱۳۶۶

ص: ۵۲۳

## آیت الله خامنه ای: جمعه خونین مکه یک عاشورا و محرم دیگری است

آیت الله خامنه ای در هیئت دولت:

جمعه خونین مکه یک عاشورا و محرم دیگری است بخش خبری: هیأت دولت صبح دیروز بریاست آیت الله خامنه ای رئیس جمهور وقت و با حضور آقایان مهندس میرحسین موسوی نخست وزیر و حجت الاسلام والمسلمین مهدی کروبی نماینده حضرت امام و سرپرست حجاج ایرانی تشکیل جلسه داد.

بگزارش خبرنگار ما، در این جلسه اطلاعات و گزارشهای مربوط به چگونگی وقوع فاجعه خونین مکه و انگیزه های آمریکا و حکومت غاصب آل سعود در بوجود آوردن این جنایت هولناک مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت و سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران در این مورد و تعیین شد.

در ابتدای این جلسه رئیس جمهور با اشاره به آغاز ماه محرم و تقارن آن با هفته دولت و معانی بسیار زیاد و عمیقی که در جامعه انقلابی ما از این ماه و این هفته وجود دارد خطاب به اعضای هیأت دولت اظهار داشت: تقارن این ایام برانگیزاننده و خط دهنده با هفته دولت برای تمام کارگزاران نظام جمهوری اسلامی و خصوصا شما عزیزان که در راس نظام اجرایی کشور و قرار دارید یادآور وظایف وارثان آن عزیزانی است که جان خود را در راه حق باختند و راه و انقلاب را هموار کردند.

رئیس جمهور افزود: دستور جلسه ما که بحث درباره جمعه خونین مکه است و در حد خود یک عاشورا و محرم دیگری است ابعاد بسیار گسترده ای دارد و نیز در تقارن با این مناسبت ها خط ما در برخورد با این جنایت هولناک و انتقام از مسببین آن روشن شده و برخورد متناسب و همه جانبه ای را بر ما واجب میکند در این جلسه عکس العمل حکومت آمریکا در مقابل ضربه های گجج کننده ای که از جمهوری اسلامی دریافت کرده است و همچنین وحشت حکام سعودی و با دیگر مرتجعین از استقبال رو به گسترش مسلمین جهان از اسلام اصیل که در مراسم حج سالهای اخیر و بخصوص امسال در راهپیمائی برائت از مشرکین در مکه و مراسم دعای کمیل در مدینه متجلی گردیده بود بعنوان عوامل اصلی در طراحی این جنایت بزرگ مورد تاکید قرار گرفت و از حجاج کشورهای مسلمان افغانستان، لبنان، بحرین، کویت و ترکیه بخصوص فلسطین که به کمک حجاج مورد ضرب و شتم قرار گرفته شده شتافتند تقدیر بعمل آمد. و روزنامه جمهوری اسلامی پنجشنبه ۵ شهریور ۱۳۶۶

متن کامل پیام امام امت به ایثارگران بسم الله الرحمن الرحيم ومن يقاتل في سبيل الله فيقتل او يغلب فسوف نؤتيه اجرا عظيما  
این اجر عظیم که بقلم با عظمت عظیم مطلق وعده داده شده است چگونه آنرا با فکر ناچیز بشر میتوان تحلیل کرد.

گوئی این اجر عظیم همان حب خداوند تعالی است که در سوره مبارکه صف آمده است:

ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفا كانهم بنیان مرصوص . محبوبیت نزد بارگاه م احدی را کدام فیلسوف توانایا عارف علمی بزرگ دانا میتواند درک کند، تا از آن سخن گوید ویا به سخن قلم در آورد. آیا این حب نافله است که در نتیجه تقرب به آن بنده خاکی پا بر سر ملک ملکوت اعلانهد و حق جل وعلا با جاذبه غیبی خویش سمع و بصر و قلب او شود و آنچه بشنود یا به بیند یا ذوق عرفانی کند با سمع و بصر و قلب حق جل وعلا باشد و نه بیند جز به بصر حق و نشنود جز به سمع حق و نداند جز به علم حق و حجابها مرتفع شود و جهان را آنچه که هست مشاهده کند که «اللهم ارني الأشياء كما هي» یا قرب فریضه است که در آن شخص و .

شخصیت محو شود و صعق رخ دهد و خود و خودی از میان برود و کثرت به تمام معنی رخت بر و بندد و نه چشمی باشد و نه گوشی و نه باطنی و نه ظاهری «هو الاول والاخر والظاهر والباطن».

دیگر سبیل الهی در کار نیست و اسم و رسمی بجا نمی ماند اینان از خانه خارج شدند و موت آنان را ادراک نموده و قدمها و قلمها شکسته شده است. بارالها این وصف مجاهدان .

فی سبیل الله و اجر عظیم آنان است که در صحنه های کارزار با دشمنان تو و دشمنان رسول معظم تو و دشمنان قرآن کریم توبه شهادت رسیده اند یا در این راه پیروز گردیده اند و تو خود شم شاهدهی که در این سال ما جانبازان و مهاجران و مجاهدانی داشتیم که بسوی تو و بسوی خانه امن و تو که از صدر خلقت تا کنون مامن هر موجودی بوده است هجرت کردند و در پیش چشمان حیرت زده مسلمانان کشورهای جهان بدست پلید آمریکا که از آستین آل سعود بدر آمده به خاک و خون کشیده شدند و در آستانه عاشورای ولی الله اعظم (سلام الله علیه) عاشورائی دیگر با ابعاد مختلف در جوار تو و خانه امن تو در جمعه خونین پدید آوردند که ای کاش نبودم تا آنرا بینم ویا هم بشنوم نه برای شهادت عزیزانی مجاهد و مهاجر که شهادت امری است که آرزوی عزیزان ما است و شهادی است آشنا برای زنان و مردان و کودکان ما که در یورشهای مغولانه صدام عفلقی شدیدتر و فجیع تر آنرا چشیده اند و دیده ایم بلکه برای مصیبتی است که نه تنها برای پیغمبر

اسلام (صلوات الله عليه) که برای تمام انبیاء و مرسلین از آدم تا خاتم پیش آمد و بفرمان کاخ سیاه بدست ناپاک آل سعود این شقی ترین جانیان عصر بالاترین مقام قدس الهی شکسته شد. اگر در عاشورای حسینی ولی خدا با یارانش در راه تو جنگیدند و شهید شدند در عاشورای و جمعه خونین مکه با تو و رسول تو و زائران ما این رسولان مکتب رسول تو که بخاطر دین تو هیچگونه وسیله ای حتی برای دفاع از خود نداشتند چنان کردند که تنها از دست آمریکا شیطان بزرگ و اذنباش میسر بود. آمریکا و دست نشاندگانش در این کشتار سبعانه انتقام از اسلام عزیز مهبط وحی و محل امن خدا باز گرفتند. اسلامی که در آینده ای نه چندان دور مکتب تمامی کشورهای زیر یوغ شرق و غرب میگردد.

خداوندا امروز تمامی قدرتها و ابرقدرتها مصمم شده اند تا ریشه اسلام ناب رسول و گرامیمان «صلی الله علیه و آله و سلم» را قطع کنند. بارالها امروز صدایان با کینه ای که از دین تو دارند دست در دست تمامی شیاطین جهان داده اند. تا صدای اسلام محمدی را خاموش سازند. از تو میخواهم تا ما را در راهت صبورتر و شکیبائی خانواده های عزیز و بزرگوار شهدا، جانبازان، مفقودین و اسرامانرا بیشتر گردانی. پروردگارا شهدای ما را با سید الشهداء «علیه السلام» محشور فرما و جانبازان عزیز و مقتدر انقلاب اسلامی خودت را شفا عنایت فرما. اسرا و مفقودین ما را هر چه زودتر به اوطانیشان باز گردان. خداوندا به تمام ملت‌های اسلامی خصوصاً ملت شجاع و حماسه ساز ایران تحمل بیشتر فشارهای نظامی استکبار از زمین و دریا و هوا و فشارهای اقتصادی و سیاسی روزافزون کانونهای فساد را عنایت فرما. خداوندا باطن دل‌های معتقدان به دین رسول اکرم (ص) را تنها از رضایت خود لبریز گردان. انک مجیب و الدعوات.

روح الله الموسوی الخمینی ۱۳۶۶/۶/۳۱

## امام: این ننگ است برای مسلمین که حرمت کعبه شکسته شود و...

امام: این ننگ است برای مسلمین که حرمت کعبه \* شکسته شود و مسلمانها ساکت باشند در آستانه هفته دولت، حضرت آیت الله خامنه ای «رئیس جمهور وقت»، مهندس میر حسین موسوی نخست وزیر به اتفاق هیات وزیران به حضور امام خمینی رسیدند.

در این دیدار نخست حضرت آیت الله خامنه ای سخنانی به این شرح ایراد کرد:

بسم الله الرحمن الرحيم بنده از طرف برادران هیات دولت و خودم، از اینکه لطف فرمودید و در آغاز هفته دولت اجازه فرمودید که جمع ما به حضورتان برسیم و از زیارت و فرمایشات شما استفاده کنیم، صمیمانه تشکر می کنم.

این ششمین سالی است که بحمدالله دولت با استفاده از رهنمودها و ارشادات و کمکهای که فرمودید، بار سنگین اداره کشور را بر عهده گرفته و علیرغم فشارها و مشکلات و صعوبات استثنائی و کم نظیر، توانسته با تلاش زیاد، باهمت بلند و با استعانت از پروردگار، کارهای مثبت فراوانی را انجام دهد و تکالیف مهمی را که در این برهه از تاریخ ما که بسیار حساس است، بر عهده دارد بحمدالله به انجام برساند.

ما آنچه را که انجام گرفته و آنچه را که بوسیله برادران انجام شده، اولاً وظیفه و تکلیف و لازمه خدمتگزاری خودمان می دانیم و هریک از برادران بر تلاشی که کرده اند، مفتخرو سرافراز هستند که توانستند برای این ملت و این کشور اقدامی بکنند و کاری بکنند. ثانیاً همه هر آنچه را که انجام پذیرفته، لطف پروردگار و هدایت او و کمک او به حساب می آوریم. یقیناً و اگر کمک های الهی نمی بود، و لطف ویژه ای که خدای متعال نسبت به این ملت و این کشور اسلامی مبذول می کند نمی بود، عمل به عسری از اعشار آنچه که انجام پذیرفته ممکن یا و آسان نبود.

: ثالثاً احساس می کنیم که آنچه که انجام شده بوسیله برادران دولت هر چند که حجم زیاد و با کیفیت خوبی بحمد الله داشته است، اما این همه کار دولت و مسئولین و خدمتگزاران نیست و باز هم راه طولانی و کار بسیاری در پیش است. بنده از این مناسبت می خواهم برای دو و به یاد آوری در حضور رهبر عزیزمان استفاده کنم. یکی یاد آوری دو شهید بزرگوارمان که این روزها هم به یاد آور شهادت آنها و یادآور ارزشهایی است که در وجود آن دو عزیز بود، مرحوم شهید رجائی و

یادآوری دوم در باره قشر عظیم کارگزاران دولت است. این خانواده بزرگی که مجموعه بدنه عظیم دولت را تشکیل می دهند، جزء اقشاری هستند که با سختی ها و مشکلات ساختند و هم بارهای سنگین را تحمل کردند و یکی از آن قشرهایی بودند که سختی های دوران جنگ را به م معنی واقعی کلمه لمس کردند.

امیدوارم که خدای متعال توفیق و فضل خود را باز هم مبذول بفرماید و وجود شریف و وجود هم مبارک شما را که دقیقاً برکت و میمنت برای ما و کشور ما ، انقلاب ما و این دوره از زمان ماست، هم برای اسلام و مسلمین محفوظ بدارد. ولطف و فضل خود را بر شما انشاء الله نازل کند و آرزوهای بلند شما را تحقق ببخشد. انتظار داریم که امسال هم مثل سال های گذشته آغاز هفته دولت را با رهنمودها و بیانات و ارشادات خودتان مزین و منور بفرمائید.

سخنان نخست وزیر پس از سخنان ریاست جمهوری، مهندس میر حسین موسوی نیز به مناسبت هفته دولت گزارش کوتاهی را به شرح زیر به محضر امام امت معروض داشت:

بسم الله الرحمن الرحيم برای اعضای دولت، باعث افتخار است که در سالگرد شهادت دو شهید بزرگوار شهید رجائی و شهید باهنر خدمت رهبر انقلاب می رسند و از رهنمودهای ایشان بهره می گیرند.

سال گذشته را ما در حقیقت یک سال استثنائی از نظر اوجگیری توطئه های دشمنان علیه انقلاب هم اسلامی باید بدانیم و در عین حال سال گذشته را سال مقاومت همه ملتمان و آبدیده تر شدن نظام اجرائی کشور بدانیم. اگر دولت سال گذشته توانسته مقاومت بکند، یقیناً به دلیل مقاومت خود مردم است.

قدرت و قوت دولت برخلاف سایر دولتها از نیروی سرکوب و نیروی سر نیزه نشأت نمی گیرد، بلکه از قدرت مردم نشأت می گیرد. ایستادگی مردم، ایثار مردم، این مردم مومن و خوب که هم صبر انقلابی و اسلامی و هم مقاومت دارند و کمک کردند، اصلی ترین عامل پیروزی ملت ما بوده و دولت هم به عنوان قطره ای از این اقیانوس عظیم، در خدمت این مردم بوده است. در عین حال جا دارد که بنده، اینجا از مجموعه خدمتگزاران تشکر کنم. امروز نظام اجرائی پر و مملو از نیروهای مومن حزب اللهی ، متخصصین خوب که به اسلام عشق می ورزند، به انقلاب عشق می ورزند و به کشور خودشان می خواهند خدمت بکنند است و

همه خودشان را برای حرکت در راه آرمانهای بزرگ و بلند انقلاب اسلامی تنظیم کرده اند که انشاء الله با این حضوری که مردم در صحنه ها دارند و فراوانی نیروی حزب الله در مجموعه نظام اجرائی که دولت جزئی از آن است، بتوانیم در خدمت رزمندگان، در خدمت اهداف بلند انقلاب، باز هم حرکت و مقاومت خودمان را انشاء الله ادامه دهیم.

فرمایشات امام امت در ادامه این مراسم، امام امت سخنان مشروحی به شرح زیر ایراد فرمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم اما خدای تبارک و تعالی را شکر میکنیم که با این همه مشکلاتی که برای جمهوری اسلامی پیش آوردند و پیش خواهند آورد، جزذات مقدس او پناهی نداریم.

هر چه هست، از اوست و هر چه خواهد شد هم از اوست و ما جزیک خدمتگزاری که باز هم توفیقش از اوست چیزی نیستیم و باید همه ما توجه داشته باشیم به اینکه ما خودمان چیزی نیستیم، هر چه هست، اوست.

اگر عنایات او نبود، ما هیچ بودیم. چنانچه از ازل هم هیچ بودیم و بعدها هم از حیث حیثیت خودمان هیچیم. منتهی ما هیچ ها اشتباه داریم. خیال میکنیم، یک چیزی هستیم. و این بک حجابی است بین ما که امیدوارم خدای تبارک و تعالی این حجاب را بردارد و ما بفهمیم کی هستیم.

اللهم ارنا الاشیاء كما هو. «ارنا الاشیاء كما هو» یعنی به حسب احتمال قوی اینکه آنچه هستند که صرف تعلق به او هستند، آن را نشان بدهد که اگر او را نشان بدهد، معرفت خدا حاصل میشود. و اگر آن چیزی که ما همه در حجاب آن هستیم، آن حجاب برداشته بشود.

معلوم میشود که غیر از او کسی نیست و چیزی نیست و همه اشکالات در حجابی است که ما داریم. گمان میکنیم که چیزی هستیم و من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی به همه توفیق معرفت عنایت کند و توفیق خدمت به خلق الله .

البته من از مشکلات دولت، از مشکلات کارمندان دولت، از مشکلات همه قشرهایی که در بین دولت کار می کنند، آگاهم . چنانچه شماها بهتر آگاهید و من میدانم که این دولت و این اقشاری که مربوط به آن دولت هستند، در عین حالی که محرومترین قشرها هستند، با - به اخلاص ترین آن قشرها هستند و در عین حالی بایک زندگی درویشانه می گذرانند، و بحمدالله قدرت معنوی دارند و هر چه زندگی زیادتربشود، قدرت روحی کمتر میشود. این به



و مسلم است هر قدمی که دنیا برای آدم بر میدارد، انسان عقب می‌رود. آنهایی که در کاخ‌های بسیار مجلل زندگی میکنند، نگرانشان بیشتر است از اینها که در ویشند و در محله‌ها زندگی می‌کنند.

پس ما از این جهت هم شکر گزار هستیم که ما را در لباس درویشها در آورده است، نه به هم معنای درویش به معنای اصطلاحی، درویش واقعی و ما خدمت به خدا و خدمت به خلق خدا را وظیفه خودمان میدانیم و همه را هم از او میدانیم، و مشکلات را هم انشاء الله پشت سر می‌گذاریم و همانطوری که تاکنون ایستادگی کردیم همه ایستادگی کردند، در مقابل همه مشکلات، از این به بعد هم بین همه مشکلات ایستادگی خواهند کرد. و من دعا میکنم که خداوند به ما توفیق بدهد. و اشخاصی که خارج ایستاده اند و اشکال می‌کنند از باب اینکه خودشان در گود نیستند، اشکال کردن یک چیز آسانی است. اما حل اشکال، مشکل است. هم خوب البته اشخاصی که در خارج نشسته اند، می‌گویند چرا چه شد؟ چرا نشد؟ چه باید بشود، فلان کار باید بشود، باید بکنید، لکن وارد نیستند، بینند که مشکلات چی هست. در یک همچو زمانی که دولت و ایران مبتلای به همه گرفتاری‌هایی که می‌بینند، هستند و همه دولت‌ها، همه جهان باستانی ملت‌هاشان در صدد محو جمهوری اسلامی هستند، یعنی در صدد محو اسلام هستند، در عین حال خدای تبارک و تعالی تائید کرده است و ما استقامت کرده ایم، مقاومت کردیم و بعدها هم خواهیم کرد. انشاء الله . .

آن چیزی که من امروز خیال دارم عرض کنم، قضیه اسفباری است که در مکه اتفاق افتاد.

ما از اول قیام ( انشاء الله برای خدا و برای نجات ملت )، شهداء خیلی داشتیم چه قبل از اینکه انقلاب واقع بشود در زمان ستم شاهی شهدای بزرگ داشتیم و چه بعدش که می‌بینید ما شهدای بسیار ارزشمند داشتیم. لکن مسئله حجاز مسئله دیگری است، غیر مسائل است، ما و آنوقت هر چه بوده اینکه کتک می‌خوریم، یا گاهی می‌زدیم، گاهی می‌خوردیم، بعد هم هم همینطور، از این بی‌بعد هم همینطور، ما شهدا خیلی دادیم و در همه جا شهید دادیم، در زمان رضا شاه آنهمه رنج، هر کس یادش هست می‌داند چه خبر بود. در زمان محمدرضا هم که همه یادتان هست چه بساطی داشتیم، چه داشتند و چه شهدائی در آنوقت دادیم و چه شهدائی هم در بین این وقتها، لکن همه قضیه شهادت بود، قضیه بزرگ بود، لکن قضیه، قضیه مسئله حجاز نبود. مسئله قدس مسئله بزرگی است، روز قدس هم دیدید که چه، اما روز قدس مسئله ای است و روز جمعه خونین مکه مسئله دیگری است، روز قدس ما برای اینکه نجات

دهیم قدس را از دست عاصب، لکن آنها اینطور نبود که قدس را توهین بهش بکنند از بین ببرند. آنها مدعی بودند که ما قدس را می خواهیم و چه می کنیم، البته نباید قدس دست از آنها باشد، اما اینطور که روز قدس ما برای خاطر اینکه اسلام آنطور صدمه دیده ما برای خاطر و هم اینکه قدس باید دست صاحبانش باشد. غاصب آمده غصب کرده است، در این انفجارها که و حاصل شد در این ترورها که شد بسیار عزیزان، بزرگ ما از دست دادیم که هر خاک پای آنها بر این کاخ نشینان ارزشش بیشتر بود، (اگر آنها ارزشی داشتند که ندارند)، لکن همه این بود که ما کتک می خوردیم و می زنیم در جنگ با صدام هم که تحمیل به ما کردند، ما خیلی از دست دادیم، شهید از دست دادیم، خیلی ضرر بردیم لکن ماضرر بردیم، مسئله، مسئله، مسئله حجاز نیست .

به مسئله حجاز مسئله ای است که ما باز خواب هستیم ، دنیا هم باز خواب است که چه شد، به مسئله حجاز مسئله بزرگترین مقامات قدس اسلامی و دنیائی شکسته شد. کعبه احترامش پیش ما تنها نیست، پیش مسلم تنها نیست، کعبه را همه ملل محترم می شمارند همه مللی که به دین اعتقاد دارند. کعبه، کعبه ای است که از زمان اول خلقت بوده است و همه انبیاء در او هم خدمتگزار بوده اند. شکستن کعبه مسئله ای نیست که بشود از آن همینطوری گذشت. اگر ما از مسئله قدس بگذریم، اگر ما از صدام بگذریم، اگر ما از همه کسانی که به ما بدی کردند بگذریم، نمی توانیم از مسئله حجاز بگذریم. مسئله حجاز یک باب دیگری است. غیر مسئله جای دیگر و آنچه لازم است زنده نگه داشتن این روز است روزی که خیانت شد به اسلام و الان ماه محرم نزدیک می شود ماه محرم برای ما خیلی عزا هست لکن سیدالهداء سلام الله علیه هم فدا شد برای اینکه در مکه نماند که مبادا به ساحت قدس مکه جسارت بشود و همه فدای مکه هستند .

مکه جائی است که همه انبیاء خدمتگزار آن بودند و حالا گرفتار شده مکه بدست یک دسته اشخاص ملحد که اصلاً نمی فهمند باید چه بکنند و نمی فهمیدند و نمی دانند چه تحمیلی شان شد. و یک ننگی هست الان برای همه مسلمین دنیا که مکه محل قدس الهی محلی که دس ترین مقامات الهی است، اینطور شکسته بشود و مسلمان ها نشسته باشند تماشا هم کنند. مسلمان ها خودشان تکلیف خودشان را می دانند، مسئله را باید زنده نگه داشت.

در ماه محرم تمامی کسانی که منبر می روند، واعظ هستند، نوحه خوان هستند، تمام دستجات باید در راس امورشان این مسئله قرار داده شود. سید الشهداء برای این بود . شهادتش

برای این بود که اقامه بشود عدل الهی، اقامه بشود خانه خدا، محفوظ باشد خانه خدا و در این کم زمان ما که همه نشسته ایم و تماشا می کنیم ما تماشاچی هستیم؟ چه باید بکنیم؟ البته این معنی را من تذکر بدهم که معنی اینکه ما باید با این مسئله برخورد داشته باشیم، این نیست که کسانی که الان در اینجا از سعودی هستند یا از سایر، از کویت و از جاهای دیگر، اینها هم راما کاری داشته باشیم اینها در پناه هستند، باید محفوظ باشند و جوان های ما البته حسن نیت و دارند. لکن من بهشان عرض می کنم که در بین شما ممکن است اشخاصی باشند که م حسن نیت نداشته باشند، بخواهند مملکت ایران را بخواهند دولت ایران را آلوده کنند. تم شما متوجه باشید که اینها چیزی نیستند که ما به اینها کاری داشته باشیم. مسئله بالاتر از این ها است و باید ما با همه قوایی که داریم، مسلمین با همه توانی که دارند و دنیا، آنهائیکه به خدا اعتقاد دارند با همه توانی که دارند باید با این مسئله محاربه کنند هر طور که خودشان ص لاج می دانند. این ننگ را نباید ما بگور ببریم که ما بودیم، دیدیم، در حضور ما بزرگترین جنایت واقع شد و حالا هم آنها طلبکار هستند از ما ...

این توطئه بی اشکال یک توطئه سابق بود. هیچ اشکالی در این نیست که بک سابقه ای داشت این توطئه بنا داشتند بر اینکه این امر واقع بشود تحمیل کرده بودند بر آل سعود احمق که یک همچنین کار احمقانه ای بکنند و خودش را در تمام دنیا منحنط کنند، با اینکه منحنط بود، منحنط خواهد بود و ما واقعا متحیریم که باید چه بکنیم. خدای تبارک و تعالی خانه خودش را حفظ می کند. ان الله بیتا یحمیه و خواهد سیلی را خورد از مسلمین، از مؤمنین، از حجازی ها، خود حجازی ها که در این امر وارد نبودند الا- دستجاتی که مربوط به این حزب باطل و این دولت باطل است. توطئه سابق بود هیچ سابقه نداشت که در سالهای سابق قبل از اینکه حجاج بروند، ملک سعود برای ما پیام بفرستد و از من تشکر کند که شما گفتید که اینجا آرامش باشد و آنها چه بکنند و اینها. بنابر این نبود امسال این اتفاق افتاد برای چی؟ برای چی ایشان پیام برای من فرستاد؟ برای اینکه بعد بگوید که من حسن نیت دارم، چه دارم، فلان، یا یک نمایشی بود. جم بهترین دلیل بر اینکه این مسئله، مسئله توطئه بود، همین کیفیت عملشان بود. خودشان اقرار کردند به این معنی می گویند که ایرانیان میخواستند بیایند کعبه را آتش بزنند و قم را کعبه قرار دهند. یک همچنین حرف احمقانه، خوب معلوم میشود که از اول بنا داشتند این کار را.

بکنند به بهانه اینکه ایرانیها آمدند کعبه را خراب کنند ما هم مهیا شدیم که راهشان را ببندیم:

قضیه کشته شدن نیست، قضیه هتک احترام است، مسئله حجاز، مسئله ابعاد مختلف دارد

منتهی بعد بزرگترش همین است که احترام یک محل مقدس از بین رفت و مسلمین ساکت و هم نخواهند نشست.

بعدها فهد و امثال فهد خواهند فهمید که چه چیزی تحمیلش کردند و چه قضیه ای واقع شد و مسلمین خودشان می دانند تکلیف خودشان را، حجازی ها هم می دانند. اگر این کشتار که در حرم واقع شده بود اگر در «طائف» واقع میشد خوب باز قابل تحمل بود، برای اینکه طائف بود، کشتار بود فقط، ما کشته خیلی داریم ما در جنگ ها کشته داریم، قبلش هم داشتیم، بعدها هم داریم. اگر در طائف واقع شده بود، این یک مسئله ای بود، می گفتیم کشتند یک، عده ای را، اما در حرم واقع شده است. حرمی که خدا از اول امنش قرار داده است. و الان حرم مصلوب است در دست اینها از اول هم اینطور بود برای اینکه اینها چکاره اند که آمده اند خائن الحرمین شدند؟ کی آنها را «خادم الحرمین» قرار داده است؟ با چه وجهی اینها اسم مملکت اسلامی را تغییر دادند از اینکه بود حجاز را مملکت سعودی قرار دادند؟ مملکت سعودی به چه مناسبت؟ اینها مسائلی است که همه اش بغرنج است و ما نمی دانیم که از این عار چطور خارج بشویم. من واقعاً در مسائل خیلی تحمل داشته ام در مسائل جنگ در همه اینها تحمل داشتم اما این بی تحمل کرده مرا، مسئله غیر از این مسائل است. آنچه ما امیدوارم، این است که خدای تبارک و تعالی با قدرت خودش حل کند مسائل را و امیدواریم خداوند به همه ما تم توفیق بدهد که در این باره بی تفاوت نباشند، در این ماه محرم بی تفاوت نباشند مسلمین در ب دنیا بی تفاوت نباشند، خداوند انشاء الله همه شما را توفیق بدهد. و امیدوارم که خدمتگزار باشید به این بندگان خدا که مظلوم هستند و مظلوم بوده اند. و حفظ کنید این شیوه خدمتگزاری و به اینها را و بحمدالله شما خودتان از آن طبقه هستید، از طبقه بالا نیستید بعضی از طبقه پائین تم شما از طبقه ممتاز هستید آنهایی که آن وقت ها متکفل حکومت بودند از طبقه ای بودند که ناشیه بودند و خداوند شما را موفق کند که همیشه خدمتگزار باشید.

والسلام علیکم ورحمه الله برکاته روزنامه اطلاعات دوشنبه ۲ شهریور ۱۳۶۶

ص: ۵۳۳

## بخشی از سخنرانی آیت الله خامنه ای در سازمان ملل متحد

بخشی از سخنرانی حضرت آیه الله خامنه ای رئیس و جمهوری وقت ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد اینها بخشی از ادعانامه ی ملت ما علیه رژیم ایالات متحده آمریکا است. ادعانامهائی که می تواند کلیهی ادعاهای صلح طلبی و اظهارات سران این رژیم در مورد حسن نیت نسبت به جمهوری اسلامی را - که ظاهراً هدفی جز حل مشکلات داخلی شان ندارد مورد تردید جدی به قرار دهد.

آخرین نمونه از طومار خصومت‌های آمریکا با ملت‌مان فاجعه ی خونینی است که نسبت به حجاج بی دفاع و مظلوم در سرزمین مقدس مکه و در حرم امن الهی آفریده شد و در آن نزدیک به چهارصد نفر ایرانی و غیر ایرانی که اکثر زنان بودند به شهادت رسیدند و چندین برابر مجروح و مصدوم و مضروب شدند. بنا به قرائنی دست آمریکا در این فاجعه ی بی نظیر و تاریخی، مؤثر بوده است.

آیا رژیم آمریکا و دست نشانده‌گان سعودی اش برای کشتار این تعداد زن و مرد مظلوم و بی گناه پاسخ قانع کننده ئی می توانند ارائه دهند؟ ابی شک فاجعه آفرینان برای توجیه عمل خود ناگزیرند بهانه ئی بتراشند و تهمتهائی بزنند، اما طبیعت حادثهئی که یک طرف آن قریب چهارصد تن مسافر کشته و بیشتر بانوان - است و یک طرف پلیس محلی مسلح به مسلسل و چماق و گاز سمی ، راه هر بهانه را می بندد.

درست است که خون - خونی که به ناحق و از سر ظلم و قساوت ریخته شود. پیام رسائی را، نه فقط برای امروز، که برای همه ی زمانها با خود حمل می کند و دست خونریز را افشاء م می کند. اما حادثه ی مکه ، از این جهت که هماهنگی سیاست آمریکا با ارتجاع عرب را نشان و می دهد و پرده از پنهانکاریهای این دو، در منطقه خلیج فارس بر می دارد ، دارای ابعادی به جهانی است و در خور آن که در مجامع بین المللی به دقت در آن نگریسته شود .

مشابَهت جنایات آل سعود و یزیدیان حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی در خطبه اول نماز جمعه ۶۶/۶/۱۳ چنین گفت:

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين . والصلاه والسلام على رسول الله وعلى آله الأئمه المعصومين .

قال العظيم في كتابه :

ومن الناس من يعجبك قوله في الحيوه الدنيا ويشهد الله على ما في قلبه .

در خطبه ای که دو هفته پیش ایراد شد، یکی از ویژگیهای استکبار را مطرح کردیم که نفاق و هم هم دورویی و تفاوت دل و زبان آنهاست که آن خطبه را اختصاصاً از مصداق لشکرکشی شیطان بزرگ و رئیس مستکبرین در خلیج فارس صحبت شد و امروز که عاشورای حسینی است و همه دلها و احساسات ملت ما متوجه عاشورا و کربلاست، من فکر کردم باز هم مناسب است یکی از صحنه های آثار همین روحیه استکبار را در رابطه با حوادث عاشورا و حوادث جمعه خونین کعبه مطرح کنم و این دو جریان را در کنار هم بگذاریم و مطالبی که می شود در یک خطبه کوتاه و مناسب روز مطرح کرد، بگوئیم.

قبل از اینکه وارد این بحث شوم، خواهران و برادران مسلمان را به تقوا و حفظ روحیه اطاعت در مقابل فرامین الهی و اجتناب از نواهی و کارهای نامتناسب دعوت می کنم که اگر جامعه ما در این مسیر حرکت داشته باشد همه این حوادث ریز و درشتی که می بیند مثل نسیمی است که بر کوهساری بوزد. در رابطه با این روحیه مستکبران در آن خطبه عرض کردم که خاصیت اینها این است که به اصول پایبند نیستند. در زبان روی اصول و معیارها تکیه می کنند و شعار اصول گرائی می دهند و ادعای ارزشهای مقبول جامعه انسانی را دارند، اما در دلشان چیز دیگری است که با تعبیر قرآن بهترین تعبیر را ما از زبان وحی داریم.

ومن الناس من يعجبك قوله في الحيوه الدنيا و برخی از مردم هستند (که از مجموعه آیات قبل و بعد معلوم می شود منظور طبقه مستکبران است که ادعای آنها انسان را به اعجاب و می دارد، اما در دلشان چیز دیگری است و در دلشان یکپارچه کینه و دورویی است. وقتی به آنها مسئولینی واگذار شود و دستشان به جایی برسد، در عمل فهمیده می شود که اینها کی هستند و ادعایشان سازگار نیست.

شیوه برخورد مستکبرین با حق طلبان این ویژگی را ما امروز در استکبار زمان خودمان می بینیم و امروز ما آنرا در جامعه خودمان و در رابطه با استکبار ملموس و محسوس می بینیم ، مکه معظمه بهترین مصداقش را با و می توانیم معرفی کنیم و در کربلا- متناسب با استکبار آن زمان یکی از صحنه های گویا را ، که من این مطلب را باز می کنم شیوه مستکبرین است که هرگاه بخواهند یک جنایتی را انجام دهند، اعتراف نمی کنند که ما می خواهیم زور بگویم و ستم کنیم و خودشان را نمی شکنند، طرف را و مظلوم را می شکنند و مقصر معرفی می کنند. هر کاری که به منفعت خودشان باشد، و هیچ اصلی از اصول اخلاقی و اجتماعی و معیارها نمی تواند مانع آن شود و طرف را به چیزی که خودشان استحقاق دارند که آن صفت را به آنها بگوئیم متهم می کنند .

در زمان حضرت موسی که قرآن از اعماق تاریخ حرف می زند، فرعون هم وقتی □ می خواست با حضرت موسی مظلوم و عدالتخواهی که برای نجات مردم مظلوم بنی اسرائیل آمده بود مبارزه کند، به همین شیوه عمل کرد.

قال الملا من قوم فرعون انذر موسی وقومه لیفسدوا فی الارض» اشراف اطراف فرعون به او گفتند تو موسی و دار و دسته او را همینطور آزاد گذاشته ای که در همه زمین افساد کنند. ببینید تعبیر با افساد آن هم از یک گروه مظلومی که فرعون آن همه مصیبت را بر سر یک نسل آنها آورده بود . اشراف و مستکبرین دستگاه فرعون می گویند موسی دارد در زمین فساد می کند. این خیلی حرف است. همین حرفها منتها با تعبیر دیگری دیروز گفته می شد و امروز گفته می شود. جنایتکار زبان دارد پر مدعا وقتی می خواهد حرفی بزند هیچگاه نمی گوید که ما زدیم و کشتیم، می گوید طرف اینجور بود و طرف استحقاق این ها را داشت . فرعون خودش هم همین تعبیر را دارد که در سوره مؤمن آمده است.

انی اخاف ان یبدل دینکم وان یظهر فی الأرض الفساد» .

فرعون می گوید من می ترسم موسی دین شما را از بین ببرد و یا در زمین ایجاد فساد کند .

خوب ، بامفسد چگونه باید برخورد کرد معلوم است که دنبال این چه جنایتی می شود در داستان هم کربلا- تعبیراتی که دستگاه یزید نسبت به امام حسین (ع) می کند شبیه این تعبیرات است و می گوید شما آمده اید که شق عصای مسلمین کنید. وحدت مسلمین را بر هم بزنید. خودش بزور از مردم بیعت می خواهد امام حسین که بناحق حاضر نیست زیر بار جرثومه فساد مثل یزید بعنوان والی و حاکم اسلام برود، متهم به افساد و تفرقه جامعه می شود و با این حربه تا

آخر با امام حسین می جنگند و حتی وقتی بچه های پیغمبر را در کاخ ابن زیاد و یا یزید آورده بودند، آنجا هم به بچه های امام حسین می گفتند که مردان شما خواستند وحدت مسلمین را بر هم بزنند و این هم سزای آنهاست. وحدت شعار مستکبرین است. در مکه زائرینی که با دست خالی و لباس احرام برای اظهار نظرشان آن هم به عنوان یک فریضه اسلامی بدستور پر رهبرشان می آیند دشمنان اسلام را مورد تعرض کلامی قرار می دهند و علیه اسرائیل و آمریکا شعار می دهند، ما می بینیم باز سعودیها همین مسائل را مطرح می کنند و می گویند اینها آمده بودند کعبه را تصرف کنند و آمده بودند در مردم آشوب ایجاد کنند خوب، اگر کسی هم هیچ حیائی نداشته باشد و برای خودش هیچ حسابی قائل نباشد و هیچ معیاری نداشته باشد و از خدا و تاریخ هم شرم نداشته باشد این شیوه استکبار است که وقتی دستش به زمین بند می شود و آن موقع تلاشش این است که حرث و نسل را از بین می برد و این از ویژگیهای قشر مستکبر است. ما امروز در صحنه را بنا داریم بعنوان صحنه های تاریخی آثار این ویژگی مستکبرین و بم ستمکاری آنها عرض کنیم که قسمت عمده را از حادثه کربلا و بخشی را از حادثه خونین مکه و نقل می کنیم. این قدر که اسلام و انبیاء از عدالت دم می زنند و این همه شرط که برای متولیان امور جامعه شده و این دقتها که در این امور شده و ولایت را نمی شود، به هر کس و ناکسی داد، سرش این که این بلاها بر سر مردم نیاید .

و این حادثه ای که در مکه اتفاق افتاد، اگر نبودند کسانی که آنجا بودند و ما آنها را قبول داریم و مشاهدات آنها را الان می شنویم، باور کردن آن صحنه مشکل است، همانطور که آدم وقتی حالا به ۱۳۰۰ سال پیش بر می گردد و این همه قساوت قلب از لشکر ابن سعد در کربلا و رفتاری که با فرزندان پیغمبر در دوران اسارت می شنود، سخت است که باور کند که مگر آدم هر چقدر باید گرگ، ظالم، ستمگر و قسی القلب باشد که این کار را بکند حالا این حادثه در زمان خود ما اتفاق افتاد .

گوشه ای از حادثه جمعه خونین مکه به این عربهایی که این کار را کردند، اینها ۱۳۰۰-۱۴۰۰ سال از آن زمان بر نسلهایشان به گذشته و باید حالا خیلی متمدن تر و عاقلتر از آن زمان باشد و ما این منظره را دیدیم که این کار را انجام می دهند. آن تعبیر خیلی زننده قرآن که به اینها می گوید: «الاعراب اشد کفراً و نفاقاً و اجدر الا يعلموا حدود ما انزل الله» ما خوب داریم مصداق آنرا می بینیم.

در مکه صحنه بگونه ای است که آدم خجالت می کشد ترسیم کند. بنده هم الان در صدد



این نیستم که صحنه را ترسیم کنم. فقط اشاره می‌کنم و شما می‌توانید بفهمید که چه صحنه‌ای بوده و اینها چه عناصری هستند خب می‌شود فهمید که پدران اینها در کربلا بدتر از این کارها را انجام داده‌اند. صحنه اینجوری بوده که آن قسمتی که جانبازان و خانمها حضور داشتند و آنهم عمدتاً خانواده‌های شهدا که در جلو جمعیت بودند، آنجا یکی از کانونهای قساوت آل سعود و وهابی بوده که مطلع هستید هم از بالا بر روی آنها سنگ ریخته و هم گلوله به آنها زده‌اند و هم چوب، باطوم و گاز خفه‌کننده زدند که جوانهای نیرومند که حالا ما با آنها حرف می‌زنیم می‌گویند وقتی آن گاز در محیط پخش شد برای ما تنفس بسیار دشوار بود و بعضی‌ها می‌گویند که دیگر دستهایمان کار نمی‌کرد. یکی از خانمهای جوان می‌گوید روسری و چادر من افتاده بود، ولی گاز خفه‌کننده اینقدر بی‌حالم کرده بود که دستهایم کار هم نمی‌کرد که روسری را بر سرم بکشم و به یک مردی گفتم که روسری را بر سرم اندازد و او تعجب کرده بود من که اینقدر سالم هستم چرا این حرف را می‌زنم آنوقت این جمعیتی که از بعد از ظهر در آن خیابان گرم و اسفالت‌های داغ و ساختمانهای سربفلک کشیده آمده و شعار داده و تشنه بوده، اینها یک دفعه روی هم می‌ریزند. خیلی از اینها لباس احرام داشته‌اند، خب، لباس احرام زود باز می‌شود و یا بخاطر گرما لباس زیر نداشتند وقتی چند نفر روی هم بریزند و دست و پا بخورد معلوم است که لباسها می‌رود و زنهای محترمه، عقیقه و محجبه در آن حالی که بیهوش و توی دست و پا افتاده‌اند، چه منظره‌ای در آنجا بوجود می‌آید؟ آنوقت پلیس آل سعود آنجا ایستاده بوده و نمی‌گذاشته که مردم بیایند و از اینها حمایت کنند. آمبولانس برای بردن مجروحین می‌آمده و به آمبولانس تیراندازی می‌کردند و آنرا بر می‌گرداندند و با راننده آمبولانس را می‌کشتند. ساعتها این صحنه در منظر حکام آل سعود بوده تا دیگر بروند و خیابان خلوت شود و مامورین خودشان بیایند و این جنازه‌ها را بردارند و بروند، بیش از ۲۰۰ زن شهید شد و این منظره مربوط به پیکرهای مقدس این خانمها، این و مادران شهدا و مهمانان خداست.

حکام سعودی بچه‌های شمر و یزیدند این صحنه در این زمان واقعا چگونه می‌شود باور کرد. اینها چه جور مردمی هستند؟ اصلاً آن مأموری که آنجا بعنوان حافظ امنیت کعبه ایستاده، بخاطر اینکه زائرین خانه خدا آنجا امن می‌باشند و مسئولیت پذیرفته و این صحنه را نسبت به زائرین می‌بیند، این چه ماهیت، قلب و

## حجت الاسلام والمسلمین هاشمی : همدستی آمریکا و عربستان در فاجعه

احساسی دارد؟ اینها بچه های شمر، خولی ویزیدند و خون همانها در رگهای اینهاست.

روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۱۴ شهریور ۱۳۶۶ سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی همدستی آمریکا و عربستان در فاجعه مکه حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی در خطبه دوم نماز جمعه تهران در تاریخ ۶۶/۵/۳۰ چنین گفت : مسأله سومی که داریم و مسأله مهمی است اشاره ای به حادثه تلخ مکه و این جمعه خونین است که چهره تاریخ اسلام را لکه دار کرد و لکه ای به تاریخ مکه و کعبه انداخت که برای ما خیلی گران است این عمل شیعی که آل سعود انجام دادند. البته چون طرف مستقیم ما آل سعود بوده بیشتر به آنها می گوئیم ولی واقعا اگر آل سعود خودش تنها بود بعید بود این کار را بکنند. این کار آنقدر کثیف و زشت و عداوت بار است که فکر نمی کنیم یک عنصر شومی غیر از شیطان بزرگ آمادگی داشته باشد که دستش به این آلودگیها آلوده شود .

کار خیلی زشتی انجام دادند. من در یک سخنرانی همان روزهای اول آن نقاط زشت اینرا ترسیم کردم ولی اصلاً زبان و قلم و تصویر نمی تواند اینرا بگوید چون این عمق دارد. هم آنقدر این زخم بر پیکر امت اسلامی کاری است که آدم فقط میتواند با وجود و احساس آنرا لمس کند .

اگر احساس در انسان باشد ولی سعودیها روی این کار خیلی ضرر کردند. آنها نمی فهمند هم که چکار کردند. شاید حالا دیگر کم کم بفهمند. درست مثل داستان کربلاست. حادثه کربلا که اتفاق افتاد یزید و ابن سعد و ابن زیاد و شمر و خولی و اینها فکر میکردند که پیروز شدند یک و و زهر چشمی از مخالفان دولت گرفتند و یک دق دلی از آل پیغمبر در آوردند و انتقام پدران کشته شده خودشان را در جنگ بدر و جاهای دیگر گرفتند یک چنین تشفی داشتند.

ولی برای این طرف قضیه روشن بود که چه دارد اتفاق می افتد، هم برای امام حسین روشن هم بود و هم برای حضرت زینب و اسرایی که آن همه خفت را بصورت ظاهر تحمل میکردند روشن بود. آن حادثه صحنه عصر آن روزی که حرکت میکردند پیش از ظهری که حرکت هم کردند بچه های پیغمبر از کربلا و آمدند جلو قتلگاه و حضرت زینب دید که امام سجاد بیمار که م

پایش زیر شکم شترها بستند و از تشنگی و مرارت مرض حال بسیار وخیمی دارد و چشم امام به سجاده به این بدنهای قطعه قطعه شده بی کفن و خونین بی دست و سر افتاده و غبار زمین کربلا- این خونها را گرفته ، خوب منظره خیلی رقت بار بود. حضرت سجاده نگاه میکرد و سخت متأثر بود حضرت زینب یک دفعه توجه کرد که ممکن است این ناراحتی به بیمار صدمه بزند حضرت سجاده را تسلیت داد و گفت پسر برادرم ناراحت نباش . این منظره زودگذر است و اینجور نمی ماند. افرادی از بندگان صالح خدا می آیند و این جسد های قطعه قطعه را بر میدارند اینها را دفن میکنند اینجا بارگاه و گنبد میشود. اینجا مردان صالح خدا از اطراف دنیا می آیند و اینجا مرکز نور میشود اینقدر گفت تا دل حضرت سجاده را هم آرام کرد.

من همین را عرض میکنم ما آن منظره را که می بینیم که پیرزنان و پیرمردان زائر تشنه در خیابانهای داغ مکه افتاده بودند و لگدمال شده بودند و خون از بدنهای اینها می ریخت خوب خیلی متأثر میشویم ولی ما میدانیم آن منظره ها آنجا دفن نمیشود اینها در تاریخ خودش را نشان میدهد. اینها فیلم و تئاتر و سرود و شعر و کتاب و مقاله و خطابه میشود و به داخل جامعه میرود همین حالا دارد میرود. الان اینطوری است همانطوری که از عصر عاشورا در خود کربلا علیه م یزیدیهها قیام شد در خود مکه شروع شد و اعتراضات بلند شده است در پاکستان، لبنان، فلسطین ، در کشورهای کفر ، در کشورهای اسلامی مردم دارند میگویند عربستان سعودی اول به اشتباه کرد و چون دستپاچه بود اعلام کرد ما تیراندازی نکردیم. احمقی کرد چون صدای تیر چیزی بود که به گوش همه رسیده بود خوب حالا- چیزهای دیگرش را مردم ندیدند ممکن است در هتلها و خیابانهای آن طرف بودند و منظره را ندیده بودند اما صدای تیر را که همه شنیدند و صدای رگبار تیر تا قسمتهای دور مکه هم رفته بود آنهايي هم که بودند کم نبودند آنهايي که منظره را دیده اند کم نیستند. اگر يك حادثه ای مثل آن پنجاه شاهد داشت امروز مخفی نمی ماند چند صد هزار چشم به این حادثه نگاه کرده است و بعد از این زبانهایی که دیدنیهای خودشان را به مردم منتقل میکنند این بصورت تصاعد هندسی جلو میرود بصورت وسیعی مردم دنیا مطلع میشود و تاریخ از این جریان مطلع میشود .

آل سعود ریشه خودش را زده است. آنها خیال نکنند که فقط ما هستیم که انتقام اینها را میگیریم امروز هزارها دل در دنیا شکسته است . میلیونها چشم بر این حادثه گریه کرده است.

صدها هزار جوان الان عصبانی است خشمگین است اصلاً از دست سعودیها خشمگین بوده و حالا خشمگین تر شده است . سند انتقام پیدا کرده اند.

خودشان احساس کردند قوم و خویشان‌شان که در جنوب فرانسه عیاشی میکردند یک دفعه دستور دادند صدتا از آن شاهزاده‌ها زود به عربستان برگردند برای اینکه می‌فهمند، آسان به و نیست و مردم نمی‌توانند اینرا تحمل بکنند. لازم نیست دیگر جمهوری اسلامی انتقام بگیرد. و انتقام را مردم خواهند گرفت (شعار قسم به خون شهدا عهد ترا می کشیم از طرف نمازگزاران).

آمریکا هم ضرر کرد تنها عربستان سعودی ضرر نکرده البته عربستان ضرر آمریکا هم هست. مصلحت آمریکا و عربستان این بود که این وضع ریاکارانه خودشان را ادامه بدهند همینجور کج دار و مریض بگذرانند عربستان در این پنج، شش سالی که زوار ما میرفتند تظاهرات میکردند و برمیگشتند چه ضرری کرد، بایکوت میکردند، خبرها را خیلی پخش نمی‌کردند یک جاهایی مردم می‌فهمیدند، یک جاهایی نمی‌فهمیدند، یک قدری هم بعضی‌ها می‌فهمیدند و منصف بودند می‌گفتند خوب عربستان تحمل کرده یک قدری - تخفیف بود برای جنایات سعودیها، ولی امسال یک ضرر عمده ای که کردند این بایکوت را به ر دست خودشان شکستند یعنی امروز این خبر به اندازه مهمترین اخبار دنیا مثل خبر یک جنگ بزرگ در کل دنیا مطرح است خوب اینجا که مطرح است بحث میشود بعضی‌ها میگویند خوب کرد، بعضی‌ها میگویند بد کرد و آنهایی که در نهایت به قضاوت می‌رسند و منصفانه میخواهند قضاوت کنند میگویند بد کرد. هیچکس نمی‌گوید که کسی که میزبان این مردم بوده و خادم الحرمین بوده کار خوبی کرده که ۲۰۰، ۳۰۰ نفر پیرزن و پیرمرد را زیر پا له کرده و با گلوله اینها را از پای در آورده است یا سنگ از بالای عمارات چند طبقه انداخته توی سر آنها زمین گیرشان کرده است. چه کسی این منظره‌ها را قبول می‌کند. حالا چهار نفر قسی مثل خودشان ممکن است قبول بکنند.

اگر آمریکا مقصر هم نبود عربستان که شکست بخورد آمریکا شکست خورده چون در منطقه مهمترین پایگاه آمریکا عربستان است. آمریکا هم به خودش، هم به عربستان و هم به مردم در این کار بد کرد و همه شان ضرر کردند این ضرر زود روشن نمیشود. یزید هم آن روز اول جشن گرفته بود، تا آن موقعی که بچه‌های پیغمبر به شام رسیده بودند آن جلسه جشنی که گرفته هم بودند بسیاری از همین کله گنده‌های کشورهای دیگر بودند. اصلاً جشن رسمی بود. خوب و همانجا اعتراضات شروع شد و کم کم سر و صداها نفوذ کرد تا حکومت یزید را از این خاندان و اموی به خاندان مروانی منتقل کردند. اینها همان راه پدران‌شان را رفتند. همان فرزندان آنها

هستند و این کار را کردند سرنوشتشان هم همان است. آن موقع یک حکومتی مثل حکومت ایران پشتوانه قضیه نبود حالا دیگر این ملت ایران هم پشتوانه قضیه هستند، ملتهای دیگر هم هستند.

در آنجا فلسطینی ها بودند، خوشبختانه فلسطینی ها خیلی خوب رفتار کردند. زوار ما از فلسطینی ها ممنون هستند که آنجا در هتلها و مسافرخانه های خود این مردم مظلوم را پناه دادند و اینها را پذیرائی کردند البته رؤسای آنها نه زیرا آنها با سعودیها همزبان هستند، اینها یک عده شهید هم دادند. این شهدایشان که باید با اسرائیل در داخل خاک فلسطین اشغال شده بجنگند در عربستان در گیر شدند. این زوار که به شهرهای خود برگشتند چه اثری خواهد داشت؟ لبنان \* و فلسطین مقدار زیادی شهید دادند. زوار پاکستان برگشتند و در مورد این قضیه افشاگری هم کردند.

در هندوستان الان قسمت عمده علما و وعاظ دارند ابراز تنفر می کنند، جاهای دید هم اینجور است و تازه شروع شده است. کار ما آرام آرام جلو می رود. این یک کار بزرگ است.

روزنامه های دنیا، رادیوهای دنیا و سیاستهای دنیا اینها در دست ما نیست، آمریکا آنها را وادار می کند به نفع عربستان حرف بزنند ولی حرکت آرام توده ای و مردمی و مذهبی کار خودش را می کند و انشاء الله این باعث شود که یکی از پایگاههای آمریکا در منطقه انشاء الله سقوط م روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۳۱ مرداد ۱۳۶۶

ص: ۵۴۲

آیت الله صانعی در خطبه های نماز جمعه شهر خون و قیام (قم):

در برابر جنایت آل سعود، وظیفه ما پر کردن جبهه ها و بسیج نیروها برای پیروزی در جنگ است آیت الله صانعی در خطبه دوم نماز جمعه گفت:

اگر انسان متقی باشد در عالم برزخ و درجهان بعد از مرگ و روز قیامت هر لحظه او همراه با آسایش و رحمت خداوند است ولی انسان تقوای زبانی و با تقوای بدنی، قلمی و یا عملی را از دست بدهد در هر مرحله ای از مرگ تا برزخ و روز قیامت، گرفتار عذاب و کیفر خداوند خواهد شد. حتماً شما انتظار شنیدن مسائلی را در رابطه با سفر حج دارید زیرا خود یکی از کسانی بودم که برای دعا کردن به شما مسلمانان موفق به سفر حج شدم، انگیزه سفر حج من دو امر بود، اول، شرکت در تظاهرات و راهپیمایی زیرا نماینده محترم امام جناب حجه الاسلام والمسلمین آقای کروبی از امام نقل کردند که امسال هم تظاهرات داریم. دوم، زیارت قبور ائمه بقیع (ع). زیرا قبلاً درب قبرستان بقیع بسته بود البته علاقه به سفر حج، دارای ارزش و فضیلت فراوان و زیادی است.

و کمتر کسی بود که در تظاهرات شرکت نموده و صدمه ای به او نرسیده باشد و کمتر کسی بود که در این تظاهرات متوجه صحنه باشد و شهادتین را بر زبان نیاورده باشد. چون آنها در صدمه به زائرین، شرطی نداشته، با گلوله ها، با گازهای خفه کن، با چوبها، پاره آهنها و حتی با پرتاب بشکه ها از طبقه های دوم و سوم روی سر ملت مسلمان، با ریختن آب جوش و انواع و اقسام وسایل به حجاج صدمه زدند. هیچ شرط و قیدی هم نبود آنها پیش از این نمی توانستند بکشند بیش از چهار صد و ده نفر نمی توانستند شهید کنند و گرنه بیش از این شهید می کردند. به نظر بنده اینها از یک الی دو ماه قبل برای این قضیه، برنامه ریزی کرده بودند اینها می خواستند ملت را بکشند و جلو تظاهرات را بگیرند. چون تظاهرات برای آنها خیلی گران تمام می شد. آتش زدن پرچم آمریکا در مقابل چشم بیش از یک میلیون و نیم جمعیت که از اطراف بلاد اسلامی آمده بودند کار ساده ای نبود حزب اللهی ها و مسلمانهایی که خود در حال جنگ هستند از ایران آمده و پرچم آمریکا را جلوی چشم بیش از یک و نیم میلیون جمعیت که هر کدام یک رادیو و تلویزیون یک روزنامه محسوب می شوند ساده تمام نمی شود. الموت الامریکا و الموت لاسرائیل که از زبان بیش از صدها هزار جمعیت مسلمان که برای لیبیک به

ندای ابراهیم و اذان ابراهیم آمده اند برای آمریکا و اسرائیل و آل سعود سرسپرده ارزان تمام نمی شود.

مردم تظاهرات کردند در جلوی بعثه جمع شدند آنها که می خواستند با ملتی مبارزه کنند که از یک دیار مقاوم و شهید پرور آمده است آنها تصور نمودند که می توانند مردم را کشته و چه بگویند که حجاج سایر بلاد به حجاج ایرانی حمله کرده همدیگر را زدند!! آنها در حد قدرت از ب گلوله ها استفاده کردند هر چه شما به این جنایت بزرگ بیشتر می نگرید، آبروی آمریکا و آل سعود بیشتر می رود. تظاهرات به اندازه ای به ضرر آنها تمام شد که آنها حاضر شدند که تن به چنین ننگی بدهند اما از این جنایت ننگی بر دامن آل سعود ماند که هیچ چیز نمی تواند این ما ننگ را از بین ببرد.

آل سعود اعلام کرده که ما دیگر در این مورد تبلیغ نمی کنیم زیرا هر چه تبلیغ کردند و دروغ گفتند، دریافتند که فایده ای ندارد مگر چقدر میتوان دروغ گفت: روزنامه جمهوری اسلامی فصلی را در روزنامه تحت عنوان «فنجعل لعنه الله علی الکاذبین» باز نموده که دروغهای آنها را بازگو می کند دست فروشها نیز از دست حاجیان ایران آرامش نداشتند و حاجیان ایرانی به دستفروشها نیز حمله کردند. در حالی که در عکس، تصویر ظرف آبی است که ایرانی ها با لیوان مشغول گرفتن آب از آن می باشند و سعودی ها که موضوعی را برای تبلیغ بدست نیاورده اند آب خوردن حجاج را حمله به دستفروشها معرفی می کنند!! آنها گفتند که مایک تیر نیز رها نکردیم بلکه به جان هم افتادند! آنها گفتند که نه اصلاً اینها می خواستند خانه خدا را خراب کنند و حجرالاسود را از اینجا ببرند همان داستانی که سر اصحاب فیل آمد دروغهایی که آنها گفتند گویای کمال عجز و ناتوانی آنها بود زیرا پس از مدتی حتی رسانه های گروهی سرسپرده آنها نیز گفتند که تیراندازی شده است. عده ای از زائران غیر ایرانی به حجاج ایرانی و منزل و ماوا دادند، آنها برای خنثی کردن آثار گاز آتش روشن کردند آنها ترحم کردند، پزشکان آنها به کار افتادند و هر کسی از زائران غیر ایرانی که حال ایرانی را می دید به حال او دلسوزی می نمود عظمت تظاهرات از بزرگی جنایت آل سعود و ننگی که آل سعود به دامن خود و ما آمریکا گذاشت نمایانگر است.

هر کس در تظاهرات شرکت کرد صدمه ای دید منتها به اختلاف مرتبه، بعضی خیلی والا بودند و به شهادت رسیده اند. اگر زندگی شهدای جمعه خونین را انشاء الله بنویسند معلوم می شود که آنها انسانهای والایی بودند در میان این شهدا زنانی بودند که گفته اند کار آنها به

آموزش خیاطی بوده و از حقوقی که می گرفتند ابتدا خمس آنرا پرداخت نموده و سپس بقیه را برای جبهه می فرستادند. یعنی یک ریال از در آمد کار خود را مصرف زندگی خود هم نمی کرد در میان آنها مادران سه شهید، چهار شهید و پنج شهید وجود داشت در میان آنها جوانان پاکی بودند که وقتی گلوله به آنها اصابت می کند اظهار اطمینان می کنند که ما شهید می شویم، بعضی از این شهدا قبل از رفتن به تظاهرات غسل شهادت کرده بودند زیرا همچون سالهای گذشته احتمال در گیریهای وجود داشت، غسل شهادت کرده اند و با غسل شهادت رفته اند .

شهدای ما، به سخن ابراهیم خلیل با خون مجروحین، صدمه دیدگان و کلیه کسانی که در تظاهرات شرکت نمودند آنها نیز افراد والایی هستند البته قابلیتها، استعدادها و مصلحت اندیشی های خداوند تفاوت دارد اما آنچه که هست، شهداء والایی بودند که در اثر حمله ضد اسلام و ضد قرآن ، در کنار خانه خدا به شهادت رسیدند. اما قرآن درباره آقای فهد و آل سعود به ما نوید و مژده ای می دهد. قرآن در باره آنها می گوید (آیه ۲۵ از سوره حج) آنهائیکه جلوی خانه خدا را سد می کنند (و نمی گذارند که مردم برای نماز جماعتی بروند که امام جماعت آن معلوم الحال و وضع نمازشان نیز مشخص است . اول غروب است و اذان می گویند اما باز می کشند. و انسانها را به شهادت می رسانند ظلم و جنایت در کنار خداست راه خداست). ما او را از عذابی دردناک می چشانیم گویا منظور چنین است که ما دست ها و انسانهایی را می پرورانیم که در داخل حجاز و عربستان، آل سعود را به نیستی و نابودی بکشانند خداوند اینچنین انسانهایی را وسیله و فراهم خواهد کرد که آثار آنان را نیز یکی پس از دیگری در جریانها می بینیم.

وظیفه داریم که در مقابل این جنایت، پاسخ مناسب را در جبهه های جنگ تحمیلی و با پیروزی بر دشمنان خود بدهیم که قضیه عربستان نیز وابسته به آن است. مسئولین وظیفه ای دارند که خود می دانند وظیفه ما پر کردن جبهه ها و بسیج نیروها برای پیروزی است پیروزی ما در جنگ، عربستان و آل سعود را بیشتر به سوی بدبختی و نابسامانی می کشاند.

روزنامه رسالت یکشنبه اول شهریور ۱۳۶۶

ص: ۵۴۵



عزیمت حجاج ایرانی به مدینه پس از رفع ممانعت رژیم سعودی آغاز شد مکه به خبرنگار اعزامی کیهان :

بدنبال تضيیقاتی که دولت عربستان سعودی برای اعزام زائران ایرانی به مدینه منوره قائل شده بود عزیمت این دسته از زائران پس از دو روز تاخیر از ۳۶ ساعت قبل آغاز شد.

محمد عطریان سرپرست ستاد حج جمهوری اسلامی ایران مستقر در مکه مکرمه در گفتگو با خبرنگار ما ضمن اعلام این خبر افزود: هم اکنون روزانه ۸ هزار تن از زائران ایرانی از مکه به مدینه اعزام می گردند که این رقم بتدریج افزایش یافته و طی یکی، دو روز آینده به ۱۰ هزار بن نفر در روز خواهد رسید.

وی افزود: البته زائران ایرانی در هنگام ورود به مدینه بشدت از جانب ماموران سعودی بازدید بدنی و کنترل میشوند. و هر کاروان بیش از ۳ الی ۴ ساعت، به هنگام ورود به این شهر برای بازرسی معطل میگردد.

سرپرست ستاد حج در رابطه با اعزام زائران به ایران گفت: همزمان با اعزام زائران به مدینه روزانه ۷ هزار نفر از مکه به جدّه و از جدّه به ایران منتقل میشوند، پیش بینی میشود تا روز ۲۶۶ با ۲۷ مرداد ماه آخرین گروه از زائران ایرانی مکه مکرمه را ترک گویند. زائران مدینه بعد نیز از روز .

۲۶۶ مرداد ماه به تهران منتقل میشوند و در مجموع مدت اقامت زائران مدینه بعد در این شهر ۷ الی ۸ روز خواهد بود .

وی در پاسخ به سؤال خبرنگار ما که پرسید آخرین آمار شما از وضعیت شهدا، مفقودین و مجروحین جمعه خونین مکه چیست؟ گفت : آخرین اطلاعات و آمار جمع آوری شده عبارتند از ۱۹۴ شهید معلوم (۸۸ مرد و ۱۰۶ زن)، ۱۴۱ مفقود (۵۱ مرد و ۹۰ زن)، ۲۲ مجروح (۱۷ مرد و ۵ زن) و حداقل ۷ زندانی شناسایی شده در زندانهای سعودی بسر می برند. که اطلاع به خاصی از وضعیت زندانی ها نداریم و این ۷ نفر نیز بر حسب اطلاعاتی که زندانیان آزاد شده :

در اختیار ما گذاشته اند بدست ما رسیده است به احتمال قوی پیش بینی می کنیم که تعدادی از و کسانی که جزو مفقودین اعلام شده اند زندانی باشند. وی افزود از آمار ۳۳۵ شهید و مفقودالاثرا استخراج شده است و ما در حال حاضر ۲۲۲ جسد در اختیار داریم که از این تعداد ۱۹۴ شهید آن

## جلوگیری رژیم سعودی از عزیمت سرپرست حجاج ایرانی

با اسم مشخص و ۱۴۱ نفر مفقودالاثرا هستند. ۱۳ نفر نیز وضعیت نامشخص دارند که با مجروح و در بیمارستانهای سعودی هستند و یا واقعاً مفقودالاثرا نند.

طبق اطلاعات استخراج شده بیشترین شهدای حادثه خونین مکه به ترتیب از استان های زیر بوده اند:

اصفهان با ۹۱ شهید، خراسان با ۷۶ شهید، فارس با ۴۳ شهید، قزوین با ۱۷ شهید .

عطریان افزود: در تلاش هستیم که اجساد مجهول الهویه را شناسائی نمائیم تا از لیست و تعداد مفقودالاثرا کاسته گردد و وضعیت شهدا مشخص شود .

پیگیریهای سیاسی هم برای آزادی زندانی ها و اعزام مجروحین بستری در بیمارستان های سعودی به ایران در حال انجام است.

وی در پایان اضافه کرد تاکنون ۲۲ مجروح ایرانی در بیمارستانهای سعودی شناسائی شده اند.

کیهان سه شنبه ۱۳۶۶/۵/۲۰ گفتگوی کیهان با مسئول ستاد مکه درباره جلوگیری رژیم سعودی از عزیمت سرپرست حجاج ایرانی به مدینه وانتقال شهدا و زائرین زندانی مکه مکرمه، خبرنگاران اعزامی کیهان - محمد عطریان مسئول ستاد مکه دیشب در گفتگو با خبرنگار کیهان در مورد تضییقات و جلوگیری رژیم سعودی نسبت به اعزام زائرین به مدینه منوره و همچنین کسب موافقت مقامات سعودی برای انتقال اعضای پزشکی و خدمه کاروانها به په مدینه و ممانعت از برگزاری دعای کمیل در مدینه مطالبی بیان داشت .

وی در مورد عزیمت به مدینه گفت: اساساً این را باید عنوان کرد که از طرف مقامات سعودی تضییقات بسیار زیادی در رابطه با عزیمت زائرین به مدینه وجود داشت. مخصوصاً برای اعضای ستاد مدینه، دولت سعودی حتی با گروه خدماتی که باید می رفتند و خدمت می کردند مخالفت داشت که با تلاش بسیار زیاد موفق شدیم در سه مرحله برای ۸۰۰ نفر مجوز ورود به مدینه را بگیریم که اینها شامل هیات پزشکی و خدمه کاروانها می باشند.

عطریان در مورد مشکلات زوار ایرانی هنگام ورود به مدینه گفت: ماموران سعودی با آنها

برخوردهای موهنی دارند، آنها و اثاثیه اشان مورد بازدید قرار گرفته و ساعتها معطل می شوند، حتی زن و شوهری که دارای گذرنامه مشترک می باشند اگر یکی از آنها شهید شده باشد فرد دوم که به مدینه نرفته از ورودش ممانعت بعمل می آید.

مسئول ستاد مکه در رابطه با برگزاری دعای کمیل اظهار داشت: در خیابان اباذر که محل اجتماع زائران مابرای برگزاری دعای کمیل می باشد آنها آنجا را کنده بودند که زائران نتواننده بنشینند و روز پنجشنبه نیز تعداد بسیار زیادی از نیروهای ضد شورش عربستان در آنجا مستقر و برخوردهای بسیار بدی داشتند. که طبق اطلاعات رسیده این تعداد نیرو به مراتب بیشتر از نیروهایی بود که روز تظاهرات برای برخورد با زائرین تدارک دیده شده بود. آنها حتی در طول مسیر تیربارهای بزرگی را مستقر کرده بودند.

این اطلاعات حاکی از آن است که روز پنجشنبه از ساعت ۵ بعداز ظهر به بعد هر گروه ایرانی که در اجتماع بیش از ۳ یا ۴ نفر بسوی حرم میرفتند مورد حمله پلیس واقع شده و به متفرق می شدند. و در مجموع با حصارى که دور منطقه بقیع و خیابان اباذر کشده شده بود از ب برگزاری مراسم دعای کمیل ممانعت بعمل آمد.

وی گفت تا فردا (امروز) کلیه زائرینی که مدینه بعد هستند از مکه به مدینه منتقل خواهند شد.

در واقع صبح روز یکشنبه ما هیچگونه زائری در رابطه با اعزام به جده و هم در رابطه با اعزام به مدینه در مکه نخواهیم داشت. و درست از روز بیست و پنجم و شب بیست و ششم و پروازهای متعارف و روال عادى انتقال زائرین از مدینه به جده شروع خواهد شد. وزائرین مدینه بعد در واقع اولین گروه شان روز دوشنبه از جده بسمت تهران پرواز خواهند کرد. و در روز بطور متوسط این رقم از مکه حدود ۷ هزار الی ۸ هزار نفر زائر به جده انتقال پیدا کرده و حدود ۹ هزار نفر از مکه به مدینه. اما در مجموع همانطور که گفتیم با توجه به اینکه تعدادی از پروازها اضافه و شده امید می رود طول سفر زائرین خصوصاً زائرین مدینه بعد ۳ روز از کل سفرشان کاسته شود.

مسئول ستاد مکه در رابطه با ورود حجت الاسلام کروبى به مدینه گفت: با وجود مخالفت دولت سعودی ایشان همچنان مصر به رفتن به مدینه هستند اگر شده برای یک روز. چرا که نماینده امام مسئولیت حجاج را بعهده دارند. وفعلاً حجت الاسلام کروبى در مکه یا جده " مستقر خواهند بود و آخرین فردی هستند که با پرواز آخر به ایران عزیمت می کنند.

وی در رابطه با باز بودن قبرستان بقیع گفت: قبرستان باز است ولی اطراف آنجا و حرم پیغمبر بشدت متشنج بوده و حالت رعب و وحشت در آنجا حاکم است. و زائرین ایرانی در یک وضع بسیار بدی در مدینه بسر می برند. در مکه نیز وضعیت چیزی شبیه مدینه است. و شاید به .

مراتب بدتر. و در حالی که مکه خلوت می شود زائرین ما در خیابانها مورد حمله اراذل و اوباش و عوامل ایادی وابسته به دولت عربستان قرار گرفته و بعضا دستگیر می شوند. کوچکترین حرکت ایرانی ها در حرم که به نظر آنها مشکوک بیاید موجب تعقیب و دستگیری و بازجویی میشود .

عطریان همچنین گفت: شب گذشته نماینده امام از ستاد عملیات حج در مکه مکرمه بازدید کرد و در اجتماع اعضای ستاد مکه از آنها تشکر و قدردانی نمود.

وی گفت: هنگام ورود نماینده امام منطقه ستاد توسط پلیس علنی و پلیس مخفی سعودی در محاصره بود که هنگام خروج ایشان این مجموعه پلیس حجت الاسلام کروی را تا مقصد بعدی تعقیب کردند.

مسئول ستاد مکه در مورد انتقال شهدا به تهران گفت: این انتقال در چهار مرحله به تعداد ۲۲۸ مورد انجام شد. که بعضی از این تعداد در تهران مشخص شد که اسامی منطبق بر شهید نبوده است و مسئول این هم دولت عربستان می باشد. چرا که ما تلاش زیادی برای در اختیار گرفتن اجساد برای شناسایی داشتیم لکن دولت سعودی با نامهای مخالفت رسمی خودش را هم اعلام داشت و اعلام داشت که ابتدا باید اجساد شناسایی شده و بعد تحویل بگیرند. که البته این کار با عکسی از شهید مشکل بود بالاخره ما با سختی زیاد اجازه گرفتیم تا برادران ستاد و اعضای هیات پزشکی به سردخانه های سعودی رفته و حتی المقدور از نشانه ها و علائم آنها را شناسائی کرده و به تهران انتقال دهند. اگر چه موارد زیادی نیز بوده که دولت سعودی با وجود شناسائی باز از دادن اجساد خودداری کرده است.

وی افزود: هنوز تعدادی شهید روی زمین داریم که دو سوم آنها شناسائی و یک سوم باقیمانده کسانی هستند که باید شناسایی شوند.

عطریان افزود: ما لیستی حدود ۲۲۵ نفر از مفقودین را تهیه و برای مقامات سعودی فرستاده و از آنها خواستیم که هر چه سریعتر اسامی زندانیانی را که اسمشان جزو مفقودین است را اعلام کنند. ما هم اکنون احتمال می دهیم که حیات و زندگی زندانیان ما در اثر شکنجه و بازجوییهای تند و خشن پلیس عربستان در خطر باشد و چه بسا تعدادی از آنها به شهادت رسیده

## مأموران رژیم سعودی وسائل پزشکی هیات ایرانی را ضبط و توقیف کردند

مسئول ستاد حج در پایان گفتگو اظهار داشت کلیه خانواده های شهدا و مفقودین می توانند تا مشخص شدن وضعیت شهید یا مفقودشان از کاروانشان جدا شده و در ستاد بمانند.

وی گفت: اطلاعاتی بدستمان رسیده که منافقین در جریانات اخیر دست داشته و هم اکنون ب در دادن خط سیاسی و نوشتن مقالات با روزنامه «عکاظ» همکاری می کنند. عطریان در رابطه با انتشار خبرنامه گفت: از طرف بعثه حضرت امام آخرین شماره خبرنامه پریروز منتشر شد.

مسئول ستاد حج پیرامون اوضاع جوی عربستان اظهار داشت که چند شب پیش بارندگی شدیدی مثل هر ساله در مکه شروع که پس از مدتی خاتمه یافت.

گزارش ظهر امروز خبرنگار کیهان از مدینه مأموران رژیم سعودی وسائل پزشکی هیات ایرانی به را ضبط و توقیف کردند مدینه به خبرنگار اعزامی کیهان: دولت عربستان سعودی در پی ادامه اقدامات خصمانه خود علیه حجاج ایرانی از ورود حجاج به مدینه مشکلات عدیده ای را فراهم نموده و بدون دلیل و به بهانه های واهی کاروان های حامل حجاج را حداقل ۸ ساعت در جاده ها معطل و پشت کلیه دروازه های مدینه نگاهداشته اند.

بگزارش خبرنگار کیهان مأموران سعودی هنگام ورود پرسنل ستاد و همچنین هیات پزشکی هم حامل دکتر، بهیار و سایر پرسنل هیات پزشکی برخورد کرده تمام وسائل آنها را مورد بازرسی و هرگونه وسائل فلزی و حتی وسائل پزشکی نظیر «پنس»، «گوشی»، «قیچی و سایر وسائل احی را ضبط کردند.

پلیس سعودی همچنین سایر وسائل حجاج را به وسط خیابانها میریزند تا اتومبیل از روی آنها عبور کند و از بین ببرد.

هیات پزشکی از ساعت ۵ صبح تا ۶ بعد از ظهر بدون آب و غذا و هیچگونه امکاناتی در پشت دروازه های مدینه همچنان معطل نگاهداشته شده است.

بطور کلی برخورد اهانت آمیز توام با خشونت و بیرحمی نسبت به زائران حرم پیامبر خدا

## مقامات سعودی از سفر سرپرست حجاج ایرانی به مدینه جلوگیری کردند

برخورد دشمنان صدر اسلام و نهایت سبیت و هایت نسبت به مسلمانان را نشان می‌دهد.

در حالیکه کاروانهای بسیاری از پیر مردان و پیر زنان در مقابل چشمان پزشکان دچار گرمزدگی هم میشوند متأسفانه هیچگونه امکاناتی که بتواند بیماران را نجات بدهد در دسترس پزشکان روزنامه کیهان یکشنبه ۲۵ مرداد ۱۳۶۶ در ادامه اعمال فشار نسبت به زائران ایرانی سعودی از سفر سرپرست حجاج ایرانی به مدینه جلوگیری کردند مقامات رژیم عربستان دیروز رسماً اعلام کردند که از سفر حجت الاسلام کروب‌ی نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی به مدینه جلوگیری خواهند کرد.

حجت الاسلام کروب‌ی همه ساله پس از انجام مناسک حج بمنظور سرپرستی حجاج ایرانی قبل از فرا رسیدن عید سعید غدیر عازم مدینه منوره می‌شد.

در همین حال سخنگوی وزارت خارجه روز گذشته ضمن تأیید دخالت آمریکا در ماجرای خونبار مکه گفت: که مقامات عربستان سعودی قبلاً به نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی گفته بودند راهپیمائی ۱۵۰ هزار نفری ایران و سر دادن شعار مرگ بر آمریکا برای ما قابل پذیرش نیست.

ممنوعیت تظاهرات برای حجاج ایرانی یک گزارش واحد مرکزی خبر حاکی است وزارت کشور سعودی دیروز به هیات نمایندگی ایران در مکه اطلاع داده که هر گونه اجتماع یا تظاهرات که از سوی مسلمانان ایرانی در عربستان سازمان یابد مطلقاً ممنوع میباشد.

خبرگزاری عربستان سعودی به نقل از بیانیه وزارت کشور سعودی می‌افزاید مقامات این کشور نسبت به آنهاییکه به امنیت اماکن مقدسه در عربستان سعودی خدشه وارد آورند شکیباً نیست. از سوی دیگر در این بیانیه از مسلمانان در مکه خواسته شده به اعمال مذهبی خود ادامه دهند.

روزنامه کیهان ۱۳۶۶/۵/۱۱

## حجت الاسلام والمسلمین کروبی به کشور بازگشت

در پی تعیین ضرب الاجل ۲۴ ساعته از سوی رژیم سعودی شت الاسلام کروبی نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی به کشور بازگشت حجت الاسلام والمسلمین کروبی نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی که با تعیین ضرب الاجل ۲۴ ساعته از سوی دولت عربستان سعودی مجبور به ترک این کشور شده است عصر دیروز وارد تهران شد.

حجت الاسلام توسلی به نمایندگی از سوی امام امت و همچنین مهندس موسوی نخست وزیر از سرپرست حجاج ایرانی استقبال کردند.

بر پایه این گزارش وزرای فرهنگ و آموزش عالی، صنایع، کشاورزی، آقایان منافی و مظاهری معاونین نخست وزیر معاونین وزیر امور خارجه. عده زیادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی - رئیس ستاد مشترک - رئیس کل بانک مرکزی نمایندگان امام در واحدهای نظامی و انتظامی و نیز جمع بسیاری از مقامات کشوری و لشگری در مراسم استقبال از حجت الاسلام کروبی در فرودگاه مهرآباد حضور داشتند و چند تن از فرزندان شهدا به وی و شاخه های گل اهدا کردند.

و حجت الاسلام کروبی در فرودگاه مهرآباد در یک گفتگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت که دولت عربستان کتباً به وی ابلاغ کرده است تا خاک این کشور را ترک کند و وی را با اسکورت نظامی به فرودگاه جده برده اند.

دولت عربستان سعودی در یک اظهار نظر رسمی که دیروز در ریاض اعلام شد گفته بود که حجت الاسلام کروبی به میل خود و بنا بر برنامه تنظیمی بازگشت حجاج به تهران برگشته است.

حجت الاسلام کروبی در فرودگاه مهرآباد همچنین گوشه هائی از قتل عام زائرین خانه خدا را تشریح کرد. وی که دهها خبرنگار خارجی ورود ایشان به تهران را برای سازمانهای خبری خود گزارش میکردند شرح داد که چگونه به رغم هماهنگیهای انجام شده با مقامات عربستان، پلیس سعودی صدها زائر خانه خدا را به شهادت رساند.

سرپرست حجاج ایرانی تأیید کرد که صدها زائر خانه خدا را پلیس سعودی با شلیک گلوله به شهادت رسانده است.

نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی همچنین گفت که پس از قتل عام زائرین خانه خدا توسط پلیس سعودی، محل اقامت وی در مکه و جده تحت محاصره نیروهای نظامی و امنیتی عربستان سعودی قرار داشته است.

حجت الاسلام کروبى همچنین گفت من همه ساله و پس از انجام مناسک حج به مدینه میرفتم اما امسال دولت عربستان اجازه نداد که به مدینه بروم. تا در آنجا بر امور حجاج ایرانی نظارت کنم.

وی افزود: در زمان اقامت در مکه نمایندگان از سوی امیر مکه نامه ای را تسلیم همراهانم کردند که بر اساس آن میبایستی مکه را ترک میکردم، از آن رو من هم در روز یکشنبه این هفته پس از آنکه روزها محل اقامت در مکه تحت محاصره آشکار و پنهان نیروی نظامی و امنیتی سعودی بود از مکه به جده آمدم تا در آنجا بر کار برگشت حجاج نظارت کنم.

نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی ادامه داد که از زمان حضورم در مکه و جده مامورین بن سعودی بهیچوجه اجازه ندادند تا با حجاج ایرانی ملاقات کنم.

حجت الاسلام کروبى مجدداً ادعاهای دولت عربستان مبنی بر اینکه وی به میل خود عربستان را ترک کرده است نوپا رد کرد و آنرا دروغ محض خواند.

وی گفت که دولت عربستان رسماً به او ابلاغ کرده بود تا ظرف مدت ۲۴ ساعت خاک عربستان را ترک و به وی حتی اجازه داده نشد تا در جده به کار برگشت حجاج ایرانی نظارت وی افزود: دولت نیز تمامی سعی خود را بکار گرفته تا حجاج سریعاً به کشور بازگردند. از حجت الاسلام کروبى سؤال شد که با بازگشت شما امور حجاج ایرانی در مکه را چه کسی هماهنگ خواهد کرد که نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی پاسخ داد که نمایندگان از سوی وی در جده و مدینه بر امور حجاج ایرانی نظارت خواهند کرد.

بر پایه این گزارش حجت الاسلام کروبى بنا دارد در یک کنفرانس مطبوعاتی که پنجشنبه این هفته برپا خواهد شد شرح کاملی از کشتار زائرین خانه خدا را بازگو کند.

به همراه حجت الاسلام کروبى ، حجت الاسلام امام جمارانى نماینده امام و سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و نیز تنی چند از مسئولین بعثه امام به تهران بازگشتند.

روزنامه جمهوری اسلامی ۲۸ مرداد ۱۳۶۶



نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی ابعاد جدیدتری از فاجعه خونین مکه را برای خبرنگاران تشریح کرد بخش خبری: حجت الاسلام والمسلمین مهدی کروبی عصر دیروز طی یک کنفرانس و مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی که با حضور خبرنگاران داخلی و خارجی در محل هتل لاله تهران تشکیل شد مسائل مختلف مربوط به جمعه خونین مکه را تشریح کرد و به سئوالات گوناگون با خبرنگاران در این زمینه پاسخ گفت.

بگزارش خبرنگار ما نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی ابتدا لزوم برپایی راهپیمائی برائت از مشرکین، اعلام برائت و بیزاری مسلمین از کفار و نیز بررسی مسائل جهان اسلام در ایام حج را مورد تأکید قرارداد و گفت: راهپیمائی برائت از مشرکین در مکه مکره چند سال است که بصورت منظم و آرام انجام شده و امسال نیز ابتدا راهپیمائی وحدت خیلی آرام و منظم در مدینه برگزار شد. سپس زائرین بیت الله الحرام در شهر مکه شروع به راهپیمائی برائت از مشرکین کردند، وجود نظم و آرامش راهپیمایان گویای این نکته بوده است که زائرین و شرکت کنندگان سایر کشورها در راهپیمائی به هیچ وجه نمی خواستند درگیری صورت گیرد و تنها شعارهای معینی داده میشود که مورد تأیید مقام رهبری انقلاب بوده است و ایشان مکرراً و گوشزد کرده اند که به هیچ وجه درگیر نشوید.

وی گفت: امسال نیز همچون سالهای گذشته در مورد نحوه برگزاری و مسیر راهپیمائی با مسئولین حجاز به توافق رسیده بودیم. در مذاکراتی که با وزیر حج حجاز داشتیم مقرر شد مسیر راهپیمائی همان مسیر سال گذشته باشد.

همچنین در ملاقاتی که وزیر حج و اوقاف آل سعود با من داشت اعتراف کرد که دوستان ملک فهد، ملک فهد را شدیداً تحت فشار قرار داده و می گویند چرا عربستان سعودی اجازه راهپیمائی و فعالیت سیاسی در مکه را می دهد.

وی گفت: در راهپیمائی برائت از مشرکین، مزدوران آل سعود زائران و راهپیمایان را در محاصره قرار دادند. اگر آنها قصد متفرق کردن راهپیمایان را داشتند پس چرا آنها را کاملاً در محاصره خود در آورده بود و از تمام نقاط با استفاده از باطوم، گاز خفه کننده و اسلحه بر آنها

هجوم آورده است.

این هجوم وحشیانه پلیس از مقابل تظاهرکنندگان که عمدتاً معلولین و جانبازان و حتی جانبازان قطع دو پا و همچنین صف خواهران بودند حمله کرده و با گلوله مستقیم آنها را به به شهادت رساندند. و پس از حمله و فشار به تظاهرکنندگان و حمله وابستگان آنها از پشت بامها از آخر صف راهپیمایان نیز به آنها حمله شد که نتیجه آن به شهادت رسیدن عده کثیری از و زائرین بود.

و نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی در ادامه گفت: نشر اکاذیب همچون قصد اشغال و به آتش کشیدن حرم امن خدا توسط ایرانیان با آوردن قسمتی از حرم به شهر قم و حمل چائو، پر نیچی، کارد و سیخ کباب با واقعیت کار به هیچ وجه مطابقت ندارد چرا که ما مسیر راهپیمائی را قبلاً با توافق آلی سعود اعلام کردیم و حتی درگیری در محل ۲۰۰ متر قبل از پایان مسیر صورت گرفت. از طرف جانبازان و معلولین و زنان در پیشاپیش راهپیمایان قرار داشتند، یعنی و پیشقراولان و طلایه داران ما نه تنها قدرت تهاجم نداشتند، که قدرت حرکت بعضی از آنها نیز هم سلب شده بود و سلاحهای همگی آنها شعارهای رایا ایها المسلمون اتحدوا اتحدوا و مرگ بر و آمریکا و اسرائیل بود.

هم آقای کروی گفت: دلایل ذکر شده مشخص می کند حکام آل سعود برنامه ریزی و طراحی دقیقی جهت کشتار مسلمین انجام داده اند و حتی در صورتیکه به یقین رسیده بودند ایرانیان قصد اشغال حرم خدا را دارند براحتی می توانستند مانع راهپیمائی شوند، خیابانها او را ببندند، همانگونه که مانع از برگزاری دعای کمیل نوبت سوم ایرانیان شدند و از عزیمت مسئولین ایرانی به مدینه جلوگیری نمودند.

آقای کروی سپس به حضور مسلمانان سایر کشورها در راهپیمائی براثت از مشرکین اشاره هم کرد و متذکر شد: برخی از شهدا و مجروحین حادثه جمعه خونین مکه متعلق به کشورهایی بودند که زائرین آنها حضور فوق العاده ای در صفوف راهپیمایان داشتند و پس از این حادثه دلخراش نیز با ما ابراز همدردی می کردند. حتی تعدادی از حجاج این کشورها به ما مراجعه و کرده و یا با نامه به ما آدرس و نشانی داده اند که اگر برای بررسی جنایت خونین مکه دادگاه به صالحی تشکیل شود ما حاضریم در این دادگاه شهادت بدهیم که زائرین شما با ضرب گلوله به پلیس سعودی به شهادت رسیده اند.

وی افزود: تنها پناهگاه راهپیمایان محاصره شده و تحت فشار پلیس سعودی نیز همین

ساختمانهای محل سکونت حجاج کشورهای نظیر اردن، فلسطین، قطر، بحرین، پاکستان و غیره بود که هزاران زائر را از شر پلیس سعودی نجات دادند.

آقای کروبی سپس به بیان اعمال زشت دولت سعودی پس از قتل عام زائرین بیت الله الحرام پرداخت و از جمله گفت: پلیس سعودی زائرینی را که بعد از مناسک حج به مدینه می رفتند را ۱۶ تا ۱۸ ساعت در هوای گرم کنار مراکز پلیس نگه میداشتند و در این جریان نیز یک خانم بر اثر و فشار گرما فوت کرد.

نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی آنگاه به بیان آمار شهدا و مفقودین جمعه خونین مکه پرداخت و گفت: تعداد کل شهدا ۳۲۴ نفر شامل ۲۱۰ زن و ۱۱۴ نفر مرد می باشد. پر جنازه هایی که تاکنون بدست ما نرسیده و در اثر تغییر چهره شناسانی نشده است ۵۹ جسد شامل ۴۲ زن و ۱۷ مرد است که انشاء الله در روزهای آینده نسبت به شناسائی آنها اقدام خواهد شد.

وی افزود: غیر از ۵۹ نفر شهید فوق ۲۹ نفر مفقود داشتیم که ۲۲ نفر آنان زندانی بودند طی ها سه، چهار روز گذشته آزاد شده و به ایران بازگشتند، ۷ نفر دیگر شامل ۳ زن و ۴ مرد فوت شده و - در همانجا دفن گردیده اند. ولذا هیچگونه مفقودی که بی اثر باشد نداریم.

آقای کروبی تأکید کرد: یکی از دلایل ما که بنای درگیری نداشتیم این است که ما جانبازان و زنان خودمان را در جلو جمعیت قرار داده بودیم زیرا می خواستیم راهپیمایی بصورت باشکوه و به آرامی برگزار شود.

آقای کروبی سپس به سئوالات مطرح شده از سوی نمایندگان رسانه های گروهی داخلی و خارجی پاسخ گفت وی در پاسخ به سئوال واحد مرکزی خبر در زمینه چگونگی زنده نگهداشتن خاطره جمعه خونین مکه گفت: همانگونه که امام امت اشاره فرمودند باید کلیه امکانات تبلیغی و مذهبی جهت زنده نگهداشتن وثبت فجایع مکه به کار گرفته شود و همه رسانه های گروهی، نویسندگان، سخنرانان و مداحان نیز بمناسبتهای مختلف، این قضیه را مد نظر داشته باشند تا همیشه در اذهان زنده بماند.

وی در پاسخ به سئوال مجله والصوت الاسلامیه، چاپ لندن که پرسید وزیر کشور عربستان سعودی ادعا می کند که قبل از درگیری در راهپیمایی به مقامات ایرانی هشدار داده شده راهپیمایی را متوقف کنند، آیا گفته ایشان صحیح است یا نه؟ گفت: همانطور که گفته شد به آنها قبل از راهپیمایی توافق کرده بودند راهپیمایی انجام شود و حتی مسیر راهپیمایی نیز با نظر

خود آنها تعیین شده بود اما آنها قبل از اینکه راهپیمایان به پایان مسیر تعیین شده برسند درگیری را شروع کردند.

وی در پاسخ به سؤال مجله ژون آفریک چاپ فرانسه که پرسید: گفته میشود مقامات عربستان سعودی به علت عدم قدرت پذیرائی قصد دارند برای سال آینده تعداد حجاجی که از ایران به حج میروند را محدود کنند گفت: اگر مسئولین عربستان سعودی بگویند قدرت پذیرائی هم نداریم این خود یکی از دلایل عدم لیاقت آنان برای زمامداری کعبه است زیرا باید وضع بگونه ای باشد که تمام افراد مستطیع بتوانند به حج مشرف شوند.

خبرگزاری یونایتدپرس در مورد تاثیر حادثه مکه بر روی روابط ایران و عربستان و نیز راه پر حل‌های موجود برای رفع این مساله سؤال کرد که آقای کروبی پاسخ داد: عمل آل سعود هنک حرمت کعبه و مقدسات اسلامی است و مساله ای که به کل جهان اسلام مربوط میشود و باید همه مسلمین پاسخ مناسبی به این شرارت بدهند. به نظر من راهی برای کنار آمدن با رژیم سعودی هم و ندیده گرفتن این جنایت وجود ندارد همچنین روزنامه تهران تایمز در زمینه نقش منافقین در قبل بعد از حمله پلیس سعودی به زائرین بیت الله الحرام سؤال کرد و نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی جواب داد: طبق اخبار واصله منافقین قبل از درگیری فعالیتهای منافقانه ای هم داشتند و علیه جمهوری اسلامی سمپاشیهایی می کردند، اما بعد از درگیری فعالیت گسترده ای را خصوصا از طریق روزنامه های عربستان شروع کردند.

خبرگزاری رویتر پرسید: جنابعالی فرمودید مسلمین جهان باید به هر طریق ممکن در اعتراض به جنایات رژیم عربستان سعودی در مکه، اقداماتی انجام دهند. آیا ایران در نظر دارد حادثه مکه را تلافی کند، اگر چنین است چگونه تلافی خواهد کرد آیا شما روابط دیپلماتیک با عربستان را قطع خواهید کرد؟ آقای کروبی پاسخ داد: اعتراض به جنایت آل سعود یک وظیفه اسلامی است و ایران هم یک کشور اسلامی می باشد و مسلما از همه امکاناتش برای برخورد با این جسارتی که به حرم امن خدا شده استفاده خواهد کرد در مورد مساله قطع رابطه با عربستان نیز مساله خیلی بالاتر از اینها و مسئولین کشور باید روی این مساله تصمیم بگیرند آقای کروبی در پاسخ به سؤال مجله زن روز پیرامون تأثیر فاجعه خونین مکه بر مردم عربستان و حجاج سایر کشورها اظهار داشت: این حادثه تأثیر بسیار مثبتی بر روی سایر مسلمین داشت و از اظهار همدردی آنان مشخص بود که علاقه شان به انقلاب اسلامی بیشتر

وی در پاسخ به سؤال خبرگزاری صداقت از هندوستان که پرسید طبق فرموده امام خمینی به ایران از حادثه مکه نخواهد گذشت اقدام جدی ایران در قبال این حادثه چه خواهد بود گفت:

اقداماتی که در آینده انجام خواهد شد نشأت گرفته از اعتقادات مذهبی است و مسلمانان جهان - موظف هستند به هر نحو ممکن با این قضیه برخورد کنند و برخورد خواهند کرد.

کیهان انگلیسی نیز پرسید: بسیاری از علمای جهان اسلام پیشنهاد تشکیل دادگاه بین المللی اسلامی برای رسیدگی به جنایات جمعه خونین مکه را کرده اند. نظر جمهوری اسلامی ایران در این مورد چیست؟ آقای کروبی پاسخ داد: اصل جرم ثابت است، منتهی برای اینکه برای جهانیان هم ثابت شود لازم است این قضیه مورد بررسی قرار گیرد البته ما نمی خواهیم ادله ای برای اثبات جرم آل سعود نشان دهیم، زیرا بسیاری از زائرین سایر کشورها در مورد این قضیه شهادت خواهند داد.

نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی در پایان سخنان خود یادآور شد: حکام غاصب حجاز فیلم مونتاژی را پخش می کردند و گوشه ای را نشان می دادند که مردم دارند به پلیس سعودی حمله می کنند. آنها خوب است تمام صحنه ها را پخش کنند تا قضیه روشن بشود.

البته احتمال می رود در گوشه ای هنگامی که پلیس زنان را مورد ضرب و شتم قرار داده چند نفر برای حفظ آنان به مقابله برخاسته باشند اما این به آن معنا نیست که زائرین ایرانی به پلیس حمله کرده اند یا قصد اشغال کعبه و... را داشته اند.

وی افزود: حکام غاصب حجاز قصد داشتند با این عمل حرکت سیاسی در حج را سرکوب کنند، اما این جنایت آنان موجب شد که حرکت سیاسی حج عمیق تر وریشه دارتر شود و به فضل الهی راهپیمایی براءت از مشرکین در سال آینده هر چه باشکوهتر برگزار خواهد شد.

گزارش خبرنگار ما حاکیست در پایان این کنفرانس خبری، مسیر راهپیمایی زائرین بیت الله الحرام و چگونگی حمله پلیس سعودی به حجاج، از روی نقشه برای خبرنگاران تشریح شد روزنامه جمهوری اسلامی سه شنبه ۳ شهریور ۱۳۶۶





مردم مسلمان ایران و امت اسلام به مجرد آنکه در جریان جنایت هولناک کشتار بیگناهان قرار گرفتند به حرکت در آمدند و به راهپیمایی و عزاداری پرداختند.

مردم خشمگین ایران در مان صبح اولین روز با هجوم به مزدوران سعودی و همپیمانان جهانی وی خشم خود را ابراز کردند و در روزهای بعد با کنترل دولت اسلامی به راهپیمایی های خود ادامه دادند این مراسم از فردای فاجعه تا اربعین شهدا ادامه یافت و بزرگداشت شهداء و مجروحان در جای جای میهن اسلامی شکل گرفت و تعظیم شعائر اسلامی شد.





مردم خواستار قاطعیت در برابر کشتار حجاج توسط آل سعود شدند حکام سعودی که مدعی پرده داری قبله گاه مسلمانان هستند و به خود نسبت خادم حرمین شریفین را داده اند روز جمعه دستور شکستن حریم این خانه خدا را صادر کردند و پلیس سعودی فلسفه حج ابراهیمی را به مسخره گرفت و زائران خانه خدا را در پیش پای اربابان آمریکایی خود قربانی کرد.

سردمداران رژیم سعودی جهان اسلام را عزادار کردند و صفحه دیگربر تاریخ ننگین خاندان خود افزودند و راهپیمائی مسلمین جهان را که میخواستند برائت خود از مشرکین را به جهانیان اعلام کنند و مستضعفان را به بازپس گرفتن حقوق ربوده شده خود فراخوانند به خاک و خون کشیدند.

غارتگران سرزمین های اسلامی سرانجام نتوانستند قامت برافراشته زن و مرد مسلمان را در زادگاه اسلام تحمل کنند. برشکستن قامت اوپورش آوردند و فریاد مسلمانان را در گلو شکستند. پیکر اسلام را به خون کشیدند و حتی بر شهدا نیز رحم نکردند و پیکر آنها را به زیر لگد و باطوم خود گرفتند.

با این وجود این جنایتکاران هرگز نتوانستند و نیک میدانند که نمی توانند آرمان جهان شمول اسلام و امید رهایی جهان را در هم بشکنند.

مسلمانان سراسر جهان خبر حمله پلیس سعودی به زائران بیت الله الحرام در خانه امن خدا و به پناهگاه مسلمین و در جایی که هر مسلمانی از تعرض در امان است را با ناباوری شنیدند. با این با وجود آنها هنوز نیز نمیتوانند باور کنند که در این اقدام وحشیانه صدها تن کشته شده و هزاران نفر مجروح گردیده اند.

مسلمانان جهان به خوبی میدانند که پلیس سعودی و حکام این کشور به پشتگرمی حمایت قدرتهای جهانی و بخصوص آمریکا و تائید حکام کشورهای وابسته و مرتجع منطقه دست به هم این جنایت فجیع زده اند، چه، حکام سعودی به تنهایی جرئت دست زدن به چنین کم سفاکی هائی را ندارند.

بی شک جهان اسلام و وجدانهای آگاه بشریت هرگز این جنایت را بر حکام سعودی و حامیان و همدستانش نخواهند بخشید و این عمل آنان را بی جواب نخواهند گذاشت.

صبح دیروز انبوه مردم مسلمان تهران که از خبر کشتار زائران خانه خدا به خشم آمده و جونم خواستار قاطعیت بیشتر مسئولین نسبت به این جنایت و عاملین آن بودند سفارتخانه های سعودی و کویت در تهران را علیرغم تلاش ماموران انتظامی به اشغال خود در آوردند.

حمله به سفارت سعودی دربی یورش ناجوانمردانه پلیس فاشیستی رژیم آل سعود به صفوف حجاج ایرانی در کنار خانه خدا و در راهپیمائی عظیم برائت از مشرکین که منجر به شهادت و زخمی شدن جمع کثیری از زائران بیت الله الحرام گردید مردم خشمگین تهران در اولین ساعات بامداد دیروز در اعتراض به این حمله وحشیانه با هجوم به خیابانها و حرکت بسوی سفارت رژیم سعودی خشم و نفرت عمیق خود را نسبت به این اقدام جنایتکارانه اعلام داشتند.

بر پایه گزارش خبرنگار ما خیابانهای تهران از اولین ساعات صبح دیروز شاهد انبوه جمعیتی بود که با پای پیاده و موتور و با سردادن شعارهای انقلابی بسوی سفارت رژیم سعودی در حرکت بودند.

آنها در هنگام حرکت با سردادن شعارهای «مرگ بر سعودی»، «مرگ بر پلیس فاشیست سعودی»، «مرگ بر سعود آل صدام»، «عزا عزاست امروز-روز عزاست امروز-خمینی بت شکن صاحب عزاست امروز»، «قسم بخون شهدا، نهدترامی کشیم، کشتار جنایتکاران سعودی را محکوم کردند.

برپایه این گزارش ساعت ۹/۲۰ صبح دیروز در حالیکه تظاهر کنندگان در صدد عزیمت به محل اقامت کارکنان سفارت عربستان سعودی در خیابان احمد قصیر (بخارست سابق) بودند پلیس با استفاده از نیروهای جدید، این سفارتخانه را در حلقه محاصره خود در .. آورد.

گزارش خبرنگار ما از مقابل سفارت عربستان حاکمیت در ساعت ۹/۳۵ دقیقه و تظاهر کنندگان به حلقه زنجیری نیروهای انتظامی که با باطوم مسلح بودند هجوم برده و با شکستن حلقه محاصره پلیس از دیوار سفارت سعودی بالا رفتند و آنرا اشغال نمودند. وبدنبال آن پلاکاردهائی که حاوی مطالبی در محکومیت جنایت حکام سعودی بود از سوی دانشجویان در و[] مسلمان رزمنده بر در و دیوارهای سفارت نصب گردید. در جریان اقدام کانال های کولر و نرده های سفارتخانه از جای خود کنده شد و کلیه شیشه های ساختمان در هم شکسته شد. هم چنین آرم سفارت که بر سر در آن نصب گردید بود از جای کنده و عکس های فهد نیز به آتش

هم کشیده شد.

بر اساس این گزارش پس از حدود نیم ساعت، اشغال کنندگان از سفارت خارج شده سپس توسط شخصی که خود را سخنگوی دانشجویان مسلمان رزمنده معرفی میکرد هر قطعنامه ای قرائت گردید در بخشی از این قطعنامه آمده است:

شرارتهای کویت، آمریکا، انگلیس و فرانسه در خلیج فارس شدیداً سرکوب خواهد شد.

رژیم فاشیستی آل سعود، این جنایتکاران تاریخ، کاری کردند که در طول تاریخ اسلام بی سابقه بود آنها در حقیقت انتقام اربابان خود را گرفته اند. ای خائنین و ای کسانی که به اسلام مسلمین خیانت کرده اید ما دانشجویان و امت حزب الله شما را بخاطر ریختن خون پاک حجاج قصاص خواهیم کرد.

در خاتمه این قطعنامه از مسئولین جمهوری اسلامی، خصوصاً وزارت امور خارجه کشورمان خواسته شد که جنایت رژیم سعودی در کشتار زائران خانه خدا را شدیداً پاسخ دهند.

همچنین بر پایه گزارش رسیده از خبرنگاران ما پس از قرائت قطعنامه پایانی، تظاهرکنندگان در دسته های چندین هزار نفری همراه با سردادن شعارهای تند و انقلابی در خیابانهای تهران به حرکت در آمدند. تظاهرکنندگان که در پیشاپیش آنان جمعی از موتورسواران و تعدادی از معلولین و جانبازان انقلاب در حرکت بودند به هنگام عبور از هم خیابانهای شهید بهشتی، ولی عصر، میدان ولی عصر، طالقانی، فردوسی، میدان فردوسی و خیابان شیخ عبدالمجید کوشک مصری با سردادن شعارهای تبت یدا ابی لهب بریده باد سر فهد»، «مکه بخون کشیده شد. فریادیا محمداه، آمریکا آمریکا مرگت باد. فهد فهد ننگت باد»، «شیخ کویت، آل سعود بداند جنگ ادامه دارد»، «نهد فهد مرگت باد، آل سعود ننگت باد»، «مسئولین محترم - پاسخ قاطعانه بار دیگر خشم و انزجار عمیق خود را نسبت به این کشتار وحشیانه اعلام داشتند.

بر اساس این گزارش تظاهر کنندگان در مقابل وزارت امور خارجه تجمع کرده و مجدداً از مسئولین درخواست نمودند که این جنایت وحشیانه رژیم سعودی را به شدیدترین وجهی پاسخ دهند. آنگاه یکی از مشاورین آقای ولایتی وزیر امور خارجه کشورمان در جمع حاضرین حضور یافت و در مورد جنایت وحشیانه رژیم سعودی مطالبی بیان داشت.

وی ابتدا با بیان اینکه تا بحال و تا این لحظه آماری که بدست ما رسیده حدود ۲۰۰ نفر از حجاج ایرانی شهید و ۲۰۰۰ نفر مجروح شده اند به نحوه شهادت رساندن حجاج توسط پلیس

ص: ۵۶۵

فاشیست رژیم سعودی اشاره کرد و گفت: تعدادی از زائران ما در اثر ماندن زیر دست و پا بشهادت رسیده اند و عده ای نیز در اثر بکار بردن گازهای سمی از سوی پلیس خفه شده اند همچنین عده ای دیگر توسط تیراندازی مستقیم پلیس عربستان شهید گردیده اند.

وی در پایان، این فاجعه اسفناک و دردناک را به امام امت و امت مسلمان ایران تبریک و .

تسلیم گفت: در پایان این راهپیمایی بار دیگر قطعنامه ای قرائت گردید.

تسخیر سفارت کویت تظاهر کنندگان مسلمان بدنبال اشغال سفارت سعودی حوالی ساعت ۱۱ صبح دیروز به محل سفارت کویت در تهران نیز هجوم برده و آنرا به نشانه همکاری و مساعدت رژیم کویت با عربستان به اشغال خود در آوردند.

خبرنگار ما گزارش داد سفارت کویت واقع در خیابان دهکده مورد هجوم کثیری از مردم خشمگین قرار گرفت و بسیاری از اموال و مدارک داخل آن از سوی مردم به آتش کشیده شد.

این واقعه حدود یک ساعت پس از اشغال سفارت عربستان در تهران و قبل از آنکه نیروهای انتظامی به محل برسند انجام گرفت.

در هنگام هجوم مردم به سفارت کویت بجز کاردار این کشور در تهران بقیه کارکنان در محل سفارت حضور داشتند که نیروهای انتظامی پس از حضور در محل، آنان را به نقاط امن منتقل نمودند.

تظاهر کنندگان مسلمان آنچنان از کشتار مظلومانه هموطنان زائر خود در مکه معظمه به خشم آمده بودند که پس از ورود به داخل سفارت کویت در تهران اقدام به وارد کردن خسارت به اثاثیه و اوراق موجود در سفارت نمودند.

شاهدان عینی به خبرنگار ما گفتند مردم از داخل اطاق های سفارت نقشه هائی را از ایران و عراق بدست آوردند که حاوی اطلاعات و تصاویر کاملاً نظامی بود. بگفته مردم این نقشه ها به همراه دیگر اسنادی که بدست آمده است حکایت از جاسوسی اعضاء سفارت کویت بنفع رژیم عراق دارد.

مردم همچنین از داخل سفارت کویت مقادیری مجلات مبتذل، مشروبات الکلی و عکسهائی از شاه معدوم بدست آوردند که آنها را در محوطه حیاط سفارت به آتش کشیدند.

آخرین گزارش رسیده حاکیست نیروهای انتظامی متشکل از افراد شهربانی و کمینه، سفارت عربستان سعودی و کویت را از اشغال تظاهر کنندگان خارج کردند.

## کشف مشروبات الکلی از سفارتخانه های کویت و عربستان

بر اساس این گزارش هم اکنون ماموران کمیته و شهربانی ساختمان دو کشور را به محاصره بر خود در آورده اند و از ورود مجدد تظاهرکنندگان به داخل آن بشدت جلوگیری بعمل می آورند.

### حمله به سفارت فرانسه

کشف مشروبات الکلی از سفارتخانه های کویت و سعودی با کشف عکسهائی از شاه معدوم و چندین کارتن مشروبات الکلی از داخل سفارت عربستان و کویت در تهران کوس رسوائی این سرسپردگان آمریکا در منطقه به زمین زده شد.

بگزارش خبرنگاران حاضر در اطراف سفارتخانه های کویت و سعودی، تظاهرکنندگان با بیرون آوردن چندین بطری مشروبات الکلی از داخل سفارت، آنها را به طرف خیابان پرتاب می کردند.

### هجوم به سفارت رژیم عراق

تظاهرکنندگان در مقابل سفارت عربستان با بیرون آوردن هزار نسخه از پوستره های رهبران آل سعود و به آتش کشیدن آنها در مقابل سفارت خشم خود را از جنایات این خاندان در ضربه زدن به اسلام و هتک حریم حرمین شریفین نشان دادند.

بر اساس گزارش رسیده، از محل سفارت کویت در تهران نیز تظاهرکنندگان با کشف مقادیر معتدبهی مشروبات الکلی و تصاویری از شاه معدوم در داخل سفارت اقدام به بیرون آوردن این وسائل و سوزاندن آنها در مقابل سفارت کردند. مقدار مشروبات الکلی موجود در سفارت کویت بحدی بود که پس از تخلیه و آتش زدن آنها بوی الکل اطراف سفارتخانه را پر کرده است.

حمله به سفارت فرانسه بگزارش خبرنگار ماتظاهرات مردم حزب الله از این نقطه به سایر خیابانها کشیده شد و عازم سفارت فرانسه شدند.

بر اساس این گزارش عده ای از مردم تهران تکبیر گویان و پرخروش ضمن محکوم کردن فرانسه در کمک کردن به سران مرتجع عرب به سفارتخانه این کشور در تهران هجوم بردند.

هجوم مردم دشمن شکن مقارن ساعت دوازده ظهر دیروز صورت گرفت و طی آن مردم شهیدپرور و حزب الله که سفارت کویت را قبلا مورد هجوم قرار داده بودند با تجمع و هجوم به سفارتخانه فرانسه تنفر و انزجار خود را با پائین کشیدن پرچم این کشور نشان دادند.

هجوم به سفارت رژیم عراق مقارن ساعت ۱۳ دیروز نیز سفارت رژیم صهیونیستی عراق در تهران مورد حمله تعداد و

کثیری از تظاهرکنندگان تهرانی قرار گرفت.

## تظاهرات میلیونی مردم خشمگین

در این تظاهرات که به نشانه خشم و اعتراض نسبت به اعمال فاشیستی رژیم سعودی و شریک همیشگی عراق در شهید و مجروح کردن تعداد بیشماری از زائرین ایرانی بیت الله الحرام در مکه معظمه صورت گرفت مردم با پرتاب سنگ و هجوم بر در و دیوارها قصد ورود و تسخیر سفارت عراق را داشتند که با کنترل شدید نیروهای انتظامی و نظامی از جمله شهربانی از انجام این کار ممانعت بعمل آمد.

روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۶۶ و تظاهرات میلیونی مردم خشمگین سرویس اجتماعی کیهان: غرش سهمگین و خشم آلود میلیونها تن مردم کشورمان طی راهپیمایی پرشکوه امروز ضمن محکوم کردن جنایت رژیم آمریکایی آل سعود، به مرتجعین منطقه و حامیان آنان هشدار داد که جواب هر اقدامی را با اقدامی متقابل اما کوبنده تر خواهند داد. مردم تهران، شهرها، بخش ها و حتی روستاهای کشورمان در پی اعلام راهپیمایی سراسری برای محکوم کردن کشتار زائران خانه خدا توسط رژیم وابسته و سلطنتی آل سعود با هم آمدن به خیابانها و تجمع در محلهای از پیش اعلام شده، بانگ نفرت خود را از این اقدام رژیم آمریکائی سعودی اعلام داشتند.

راهپیمایان تهران نیز همچون دیگر هموطنان با راهپیمایی پرشکوه خود از مسیرهای هفتگانه در خیابان امام خمینی و اطراف مجلس شورای اسلامی گرد آمده و به سخنان حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و سخنگوی شورای عالی دفاع گوش فرا دادند.

در پایان، قطعنامه راهپیمایی قرائت شد.

در زیر گزارش خبرنگاران سرویس اجتماعی کیهان از این تظاهرات پرشکوه را در تهران می خوانید:

به گزارش خبرنگار کیهان از میدان امام حسین گروه کثیری از مردم شرق تهران که از اوایل به صبح امروز، عزادار و خشمگین در میدان امام حسین اجتماع کرده بودند، در ساعت ۸/۱۲ دقیقه با شعارهای کوبنده رتبت یدا ابی لهب، بریده باد دست فهد، فریاد یا محمدا، کشتند به حجاج خدا و شعار کوبنده روای اگر خمینی حکم جهادم دهد، ضمن محکوم کردن جنایت

بی شرمانه رژیم سعودی در مکه معظمه و کشتار زائران خانه خدا به طرف مجلس شورای اسلامی به حرکت در آمدند.

تظاهرکنندگان که عکس هائی از امام امت و پلاکاردهایی با مضامین مرگ بر رژیم فاشیست سعودی □ مرگ بر آمریکا و ایادی مزدورش در دست داشتند در طول راه با خواندن نوحه و اشعار مذهبی به عزاداری پرداختند .

بر پایه همین گزارش هنوز دقایقی از شروع راهپیمائی از مبدا میدان امام حسین نگذشته بود که دسته ها و گروههای مختلف عزادار، در حالیکه فریاد می کردند اعزاز است امروز، روز عزاست امروز، حجاج بیت الله الحرام پیش خداست امروزه از خیابان های فرعی اطراف خیابان انقلاب به صفوف در هم فشرده راهپیمایان پیوستند و شور بی سابقه ای از اشک و عزاداری سراسر خیابان انقلاب را در بر گرفت.

یکی از راهپیمایان که دو کودک نوزاد کفن پوش کرده و به راهپیمائی آورده بود، در حالیکه اشک از چشمانش جاری بود، ضمن اعلام انزجار از این جنایت بی شرمانه گفت:

استکبار جهانی پس از دل سرد شدن از توطئه های مکررش و ضربه زدن به امت مسلمان ایران، اینبار حجاج بیت الله الحرام وزوار محمد(ص) را هدف قرار داده و عمال دست نشانده خود را به چنین جنایاتی واداشته است. ما در همه حال برای خون دادن آماده هستیم، همانطور که براستی نیز این خونها در کنار خانه خدا برای اثبات حقانیت انقلاب ما لازم بود. اما آنها باید بدانند که تمام مکر دشمنان ما به وجود کثیف خودشان برخواهد گشت.

احمد حسنی یک راهپیمای دیگر گفت: ما به همه دشمنان و همه مراکز کفر هشدار میدهیم و اخطار می کنیم که دیگر این منطقه جای امنی برای آنان نخواهد بود.

ما از مسئولین میخواهیم که قاطعانه به این جنایت فجیع رژیم مزدور عربستان سعودی پاسخ هم دهند و بدانند که امت شهیدپرور و همیشه در صحنه نیز همچنان پشتیبان آنان خواهد بود.

احمد سعیدی یکی دیگر از راهپیمان که به شدت از این عمل جنایتکارانه حکام سعودی خشمگین می نمود، و پیاپی فریاد می زد و مشتهای خود را به سوی آسمان میگرفت در گفتگو و با خبرنگار ما گفت: ما باید انتقام خون شهیدانمان را بگیریم و آرام و قرار را از جهانخواران بگیریم.

وی افزود: من دیروز صبح که خبر کشتار حجاج را از رادیو شنیدم بسیار متأثر شدم و آرام و قرار خود را از دست دادم. همه می دانند که مکه مکان مقدسی است که حتی دشمنان خدا هم



در آنجا باید امنیت داشته باشند. اما عمال آمریکا در عربستان سعودی نشان دادند که در حج مسلمانان جانی ندارند و با این اقدام جنایتکارانه سرسپردگی خود به آمریکا را به اثبات رساندند.

به گزارش خبرنگاران کیهان در ساعت ۹ صبح امروز سیل جمعیت عزادار درحالی که با اتوبوس و موتورسیکلت به سمت خیابان های منتهی به مجلس شورای اسلامی می شتافتند، خیابانهای انقلاب، میدان فردوسی و خیابان فردوسی، را پر کرد. ساکنین خانه های اطراف به یاد سنت زیبای راهپیمایی های پرشکوه گذشته به راهپیمایان آب و شربت تعارف می کردند.

گزارش یکی از خبرنگاران سرویس اجتماعی کیهان از جنوب تهران حاکیست هزاران تن از اقشار مختلف مردم از میدان راه آهن به سوی مجلس شورای اسلامی دست به راهپیمایی زدند. راهپیمایان که از مسیر خیابان ولی عصر به سوی مجلس در حرکت بودند، هر لحظه بر تعدادشان افزوده می گشت بطوریکه در ساعت ۹/۳۰ دقیقه صفوف آنان فشرده تر و به یکدیگر متصل و حرکت به سوی مجلس میسر نبود.

راهپیمایان با شعارهای «زائر خانه خدا، رسید به محضر خدا، فریاد یا محمد، کشتند زائر خدا - تمام لاله های پرپر ما، فدای مکتب پیغمبر ما - «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر رژیم به فاشیست سعودی، و نیز حمل پلاکاردهائی مبنی بر محکومیت رژیم صهیونیستی آل سعود به توطئه های ایادی امپریالیسم جهانی در به شهادت رساندن حجاج ایرانی و دیگر زائران خانه خدا را محکوم کردند.

در غرب تهران یکی دیگر از خبرنگاران سرویس اجتماعی کیهان در گزارش خود از خیابان های غرب تهران می نویسد: از نخستین ساعات صبح امروز، در پاسخ به اعمال ننگین عمال رژیم و جنایتکار عربستان سعودی، خیل عظیم جمعیت از کوچه و پس کوچه های غرب تهران به حرکت در آمد.

مردم خشمگین درحالیکه به سر و سینه خود می زدند و یکصد شعار مرگ بر آمریکا، مرگ و بر شوروی، مرگ بر فهد در صفوف فشرده از طریق خیابانهای منتهی به میدان انقلاب، خیابان - کارگر، میدان حر، خود را به جلوی مجلس شورای اسلامی رساندند.

راهپیمایان که اکثراً لباسهای سیاه بر تن داشتند، تصاویری از امام امت را با خود حمل می کردند با فریاد عزاست عزاست امروز روز عزاست امروز، خمینی بت شکن صاحب

عزاست امروز، و مرگ بر آمریکانفرت خود را از اعمال ننگین جنایت پیشگان سعودی اعلام می کردند.

خبرنگار کیهان می نویسد: حضور گسترده زنان مومن در پیشاپیش صفوف مردان، چو دمای برافروخته جوانان از اعمال غیرانسانی رژیم سعودی، اشک پیرزنان و پیرمردان از کشتار مظلومانه حجاج بی دفاع حکایت از عمق ناراحتی و نهایت نفرت مردم همیشه در باند داشت.

رشید کشاورز که پنجاه ساله بنظر میرسید در حالیکه در کنار دونوه هفت و هشت ساله و دیگر اعضای خانواده اش در این راهپیمائی شرکت کرده گفت: ابرقدرتها بدانند، این قبیل کارها و جلوی ما را نخواهد گرفت، و در یک کلام ما را از میدان بدر نخواهد کرد. ما تا جان داریم پشت سر امام خود ایستاده ایم و نخواهیم گذاشت خون عزیزانمان بدست سرسپردگان کفر جهانی پایمال شود.

در ساعت ۹/۳۰ دقیقه، خبرنگار ما از مقابل مجلس شورای اسلامی گزارش داد. در این هم ساعت طول مسیر این خیابان از جمعیت موج می زند حرکت مستمر پرچمهایی که جمله لا اله الا الله در آنها نقش بسته، و چهره های مصمم و خشمگین مردم که سربندهای قرمز و مشکی بر سر دارند، چهره خاصی به محوطه بخشیده است. فغان یکپارچه فریاد یا محمدا کشتند زائر خدا یک لحظه قطع نمی شود.

پیر و جوان، خرد و کلان، با فریادهای خود و اشکهایی که بر چهره روان ساخته اند، انزجار خود، از توطئه سعوامل مزدور آمریکا در کشتن مظلومانه حجاج بیگناه نشان می دهند.

محمود صابری که در مقابل مسجد کودک دو ساله ای روی دوش خود گذاشته، و اشک روی چشمانش جاری بود. به خبرنگار ما گفت: مسئولین مملکتی باید انتقام خون این عزیزان را از عمال رژیم سعودی بگیرند. ما امروز در راهپیمائی خود بار دیگر می خواهیم ضمن اعلام بیعت با امام، بکصد بگوئیم که اگر امروز امام عزیزمان رخصت دهند، درس خوبی به عروسکان پنبه ای و خیمه شب بازان آمریکا نشان دهیم.

قطعه‌نامه تظاهرات میلیونی در شش بند تصویب شد در پایان راهپیمایی امروز، قطعه‌نامه ای در شش بند قرائت شد که با فریاد تکبیر راهپیمایان مورد تایید قرار گرفت .

در بخشی از مقدمه قطعه‌نامه آمده است: ما امت محمدی و ادامه دهندگان راه شهیدان بنا

اسلام بزرگ در این مقطع حیاتی و سرنوشت ساز که جهان استکبار با تمامی توان و امکانات شیطانی خود و با استفاده از تمامی حیثیت ایادی و عمال جیره خوارش برای مقابله با امواج توفنده و شکننده انقلاب اسلامی پیام آور رسالت اسلام در قرن کنونی، ایستاده است، بار دیگر با امام امت بت شکنان و شهیدان خونین کفنمان هم پیمان می شویم تا ادامه دهنده راه سرخشان باشیم و تا افراشتن پرچم لا اله الا الله - محمد رسول الله بر کاخهای ظلم و کفر از پای ننشینیم.

۱- امت اسلام ادامه دفاع مقدس تا برکناری رژیم صدام و نابودی حزب منحوس بعث را تنها راه و قطعی ترین شرط پایان جنگ دانسته و با حمایت بی دریغ از رزمندگان اسلام تمام همه دسایس و توطئه های دشمن را که جهت انحراف اذهان عمومی از این وظیفه الهی طراحی شده با استمداد از قدرت لایزال حق تعالی خنثی خواهد نمود.

۲- پیام تاریخی و سرنوشت ساز امام امت با عنوان منشور نظام جمهوری اسلامی برای جهان اسلام و مسلمین و مستضعفین در ابعاد گوناگون صادر گردیده است، ملاک وضابطه ابدی حرکت انقلاب اسلامی است و تا ظهور حضرت بقیه الله الاعظم مورد عمل قرار خواهد گرفت.

۲. ما امت امام، توطئه ایادی استکبار در خلیج فارس و هجوم سنشانه عوامل استکبار و مزدوران پادشاهی آل سعود به زائرین بیت الله الحرام را جزئی از مجموعه توطئه های مستکبران جهت سرکوبی حرکت جهانی دانسته آمادگی همه جانبه خود را برای دفاع از اسلام هم عزیز و در هم شکستن نقشه های شوم دشمنان اعلام می نمائیم ۴- امت بپاخاسته ایران به یاری خداوند متعال براءت از مشرکان، حمایت از مستضعفان و محرومان غارت زده و گرسنگان ستمدیده را در راس برنامه های خود قرار داده، تا سرکوبی و تمامی ستمگران چپاولگر و جباران جهانخوار از پای نخواهیم نشست.

هما، شهیدان مکه مکرمه و مهمانان خداوند را که بجرم اعلام براءت از مشرکان و پیروی از ابراهیم خلیل و پیامبر بزرگ اسلام، بدست مزدوران آمریکا و پلیس وحشی عربستان سعودی و وارثان نمرود و ابوجهل و ابولهب در حرم امن الهی بخاک و خون غلطیدند پرچمداران حرکت جهانی اسلام برای نابودی کفر جهانی و عمال استکبار در ممالک اسلامی دانسته و با خون پاکشان پیمان می بندیم که تا انتقام این خونهای مقدس را از جنایتکاران سنگدل نگیریم از پای و ننشینیم.

۶- ما از همه مسلمانان بیدار و آزاده و همه روحانیون راستین جهان اسلام میخواهیم که به جهت آزاد ساختن حرمین شریفین، مهبط وحی، خانه توحید، حرم پیغمبر بزرگ اسلام و ائمه هدا(ع) و عبادتگاه بندگان مخلص خدا از سلطه بت سازان و بت پرستان زمان و جلادان قرن تلاش کرده و اجازه ندهند نگهبانی خانه ابراهیم در دست نمود باشد و پاسداری روضه رسول اکرم به ابوجهل سپرده شود.

روزنامه کیهان مورخ یکشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۶۶ تظاهرات صدها تن از علماء و طلاب غیر ایرانی در اطراف سفارت سعودی جمعی از علماء و طلاب غیر ایرانی حوزه علمیه قم طی تظاهراتی در خیابانهای اطراف سفارت سعودی در تهران اعتراض و انزجار خود را نسبت به کشتار خونین زائرین مکه مکرمه با اعلام کردند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی پیش از ظهر دیروز صدها تن از علماء و طلاب و کشورهای عراق - هند. افغانستان - پاکستان و سایر کشورهای اسلامی طی تظاهراتی در نزدیکی سفارت عربستان در تهران ضمن دادن شعارهایی مبنی بر محکومیت آمریکا و عمال مرتجع آن در منطقه، آمریکا را بعنوان عامل اصلی کشتار جمعه خونین مکه معرفی کردند.

این گزارش حاکیست در حالیکه تظاهر کنندگان قصد نزدیک شدن به سفارت سعودی را داشتند مأمورین انتظامی شهربانی از این اقدام آنها جلوگیری کردند.

تظاهر کنندگان در پایان راهپیمائی خود ضمن قرائت قطعنامه ای همراه با سردادن شعارهای مرگ بر آمریکا و مرگ بر آل سعود آدمک فهد را به آتش کشیدند.

در قطعنامه مذکور ضمن محکوم کردن حمله دژخیمان رژیم سعودی به حجاج بیت الله الحرام آمده است: این دسیسه ضد بشری بدستور شیطان بزرگ، آمریکای و جنایتکار و بدست حکام رژیم سعودی صورت گرفته و بر این اساس وظیفه مسلمین جهان هم میباشد که در آزادی حرمین شریفین از چنگال حکام دست نشانده استکبار جهانی تلاش کنند.

یکی از طلاب شرکت کننده در این تظاهرات طی گفتگویی با خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت: جنایت جمعه خونین مکه تنها به ایرانیان مرتبط نمی گردد بلکه این امر مسئله تمامی و و مظلومین جهان است وی در زمینه حادثه خونین مکه گفت: این اقدام جنایتکارانه، برگ سیاه

دیگری در دفتر تاریخ آمریکا میباشد که همواره هر حرکت حق طلبانه ای را به خاک و خون میکشد.

بر اساس این گزارش تظاهر کنندگان پس از قرائت قطعنامه در حالیکه به شعارهای خود به ادامه میدادند به طرف محل برگزاری نماز جمعه دانشگاه تهران حرکت کردند.

لازم به توضیح است طی این تظاهرات مامورین پلیس تلاش داشتند از نزدیک شدن و تظاهرکنندگان خشمگین به سفارت جلوگیری کنند در جریان این تظاهرات بدفعات معترضین و قصد شکستن دیوار دفاعی مامورین پلیس را داشتند که در هر بار مامورین پلیس ضمن آنکه تلاش داشتند برخورد جدی روی ندهد از نزدیک شدن آنان به سفارت نیز جلوگیری کردند.

روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۱۷ مرداد ۱۳۶۶

ص: ۵۷۴

راهپیمایی بزرگ مردم تهران بخش خبری: روز جمعه حرم امن و مهبط وحی الهی یکبار دیگر خروشید. مکه بار دیگر گریست و این بار اسوه های استقامت از استکبار تازیانه خوردند. اما ملت ما به این تازیانه ها عادت دارد و در مقابل این تازیانه سالهاست که ایستاده و با مشت محکم خود با رشادت و ایثار و شهادت خود همه ترندهای استکبار جهانی را بر ملا کرده است.

دیروز ملت استوار ایران اسلامی در راهپیمایی عظیم چند میلیونی شرکت کردند و تنفر و انزجار خود را از اعمال ضد انسانی و فاشیستی حکام آل سعود در کشتار بی رحمانه حجاج و بیت الله الحرام اعلام داشتند.

تهران دیروز یکبار دیگر شاهد اقتدار پرچم توحید بر بیرق کفر بود و مردم حزب الله تهران به پیروی از امام بیدار دل خود نشان داد که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین میسر نمیشود.

دیروز تهران بزرگ و بویژه خیابانهای منتهی به مجلس شورای اسلامی شاهد حضور توده های میلیونی حزب الله با فریادهای آتشین و ارادههایی آهنین از قتل عام زائرین بیت الله الحرام توسط عمال سعودی بود.

دیروز میلیونها سرو ایستاده و حماسه سازان موحد تهرانی در حمایت از زائران قوی دل بیت الله الحرام با شرکت در راهپیمایی اعلام کردند که زمان شکستن بت الهه ها و اربابان متفرقون فرا رسیده است و اعلان برائت کهنه شدنی نیست.

راهپیمایی دیروز تهران تجدید میثاقی بود با خونهای بناحق ریخته شده در مکه مکرمه و اعلام حمایتی بود از زائران ایرانی مهبط وحی الهی که با عظمت راهپیمایی امسال برائت از مشرکین معنای واقعی حج را به جهانیان نشان دادند.

راهپیمایان تهرانی که از ساعات اولیه دیروز از مسیرهای هفتگانه اعلام شده دست به راهپیمایی زده بودند با شعارهایی چون «لا اله الا الله، و تبت یدای لیب بریده باد دست فهد، و عزمی راسخ با شهدای مظلوم جمعه خونین مکه که از طواف کعبه و حرم به طواف صاحب بیت و از وضوی زمزم به غسل شهادت رو می آوردند، پیمان بستند که انتقام خون بناحق ریخته شده آن عزیزان را از استکبار جهانی و حاکمان خود فروخته آل سعود بگیرند.

گزارش خبرنگاران ما راهپیمایان پس از طی مسیر راهپیمایی در مقابل مجلس شورای

اسلامی تجمع کردند و به سخنان حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس و نماینده امام در شورای عالی دفاع گوش فرا دادند.

گزارش خبرنگار ما از این راهپیمائی عظیم در مسیر میدان امام حسین حاکیست هزاران نفر از اقشار مختلف مردم موحد و حزب الله شرف تهران که از اولین ساعات صبح دیروز در میدان امام حسین اجتماع کرده بودند درحالیکه تمثالهایی از حضرت امام و پرچمهای جمهوری اسلامی و بیرقهایی به رنگ سیاه با خود داشتند و جمع کثیری از نیروهای ارتشی مرکز آموزش صفریک کادر، نیروهای انتظامی، جانبازان و روحانیون در پیشاپیش آنان قرار گرفته بودند با پیمودن خیابانهای انقلاب، فردوسی، میدان امام خمینی و خیابان امام خمینی به توده های میلیونی راهپیمایان در خیابانهای منتهی به مجلس شورای اسلامی پیوستند.

این گزارش حاکیست راهپیمایان که اکثرا در غم شهادت مظلومانه زائرین خانه خدا و مجروح شدن تعدادی از حجاج، توسط جنایتکاران سعودی، سیاهپوش بودند در مسیر حرکت خود با دادن شعارهایی چون: «مهمان خدا را کشتند، یاران خدا را کشتند» - «مرگ بر سعودی قسم به خون شهدا، سعود ویران میکنیم»، «فهد کیه، مزدور آمریکائیه - ابر شهدای ما درود، مرگ بر آل سعود». اگر امام فرمان دهد، زنده نمیماند فهد.. «فریاد یامحمدا، کشتند زائر خدا - «ما اهل کوفه نیستیم امام تنها بماند». «حزب الله پیروزند، مشرکین نابودند. اعزا عزاست امروز، روز عزاست امروز، خمینی بت شکن صاحب عزاست امروزه شدت انزجار و تنفر خود را از جنایت ددمنشانه رژیم آمریکائی عربستان سعودی در شهادت رساندن زائران حرم امن الهی ابراز داشتند و خواستار برخورد شدید مسئولین جمهوری اسلامی با حکومت آل سعود شدند.

این گزارش میافزاید: گروهی از مبارزان جزیره العرب در قالب سازمان انقلاب اسلامی و جامعه روحانیت مبارز جزیره العرب در میدان فردوسی تجمع نموده و در حالیکه ماکت نسبتا بزرگی از کعبه و پلاکاردهایی با شعارهای فارسی و عربی با خود حمل میکردند و شعارهایی بزبان عربی میدادند به صفوف مستحکم راهپیمایان در این مسیر پیوستند. همچنین از سوی سازمان انقلاب اسلامی و جامعه روحانیت مبارز جزیره العرب اطلاعیه های جداگانه ای بمناسبت قتل عام حجاج بیت الله الحرام توسط رژیم سعودی در خانه امن خدا، انتشار یافته بود که هزاران نسخه تکثیر شده این اطلاعیه ها بین مردم حزب الله پخش شد.

تظاهر کنندگان هنگام عبور از مقابل سفارت سوئد در تهران (حافظ منافع انگلیس با دادن

شعار مرگ بر انگلیس تنفر خود را از دولت استکباری این کشور ابراز داشتند.

طنین شعارهای جمع کثیری از خواهران حزب الله در حالیکه اکثرا کودکان خود را به همراه داشتند، در پشت سر راهپیمایان، شکوه خاصی به راهپیمائی بخشیده بود.

در همین حال انبوهی از موتورسواران حزب اللهی با دادن شعارهای ضد امپریالیستی و اعلام آمادگی برای قصاص خون شهدا از جنایتکاران خود فروخته سعودی، راهپیمایان را مشایعت می نمودند.

همچنین راهپیمایانی که از میدان شهدا حرکت کرده بودند در میدان امام خمینی به صف راهپیمایان این مسیر پیوستند و در میدان امام خمینی ازدحام جمعیت به گونه ای بود که حرکت به سمت مجلس شورای اسلامی بسیار دشوار می نمود و انبوه راهپیمایان در اثر تراکم جمعیت، درحوالی میدان امام خمینی و میدان حسن آباد متوقف شدند.

بنا به همین گزارش تعداد زیادی از مردان و زنان سالخورده در بین راهپیمایان حضور داشتند و سالمندان و افرادی هم که قادر به شرکت در راهپیمائی نبودند در پیاده روهای مقابل منازل خود حضور یافتند و همگام با راهپیمایان با تکرار شعارهای مختلف، همدردی خود را با بازماندگان شهدا و مجروحین راهپیمائی برائت از مشرکین در مکه مکرمه و سایر مسلمین جهان اعلام داشته و جنایت هولناک پلیس فاشیست سعودی را محکوم کردند.

مارش عزا که از طریق رادیوی اتومبیلها طنین انداز شده بود و نوحه سرایی راهپیمایان به خشم آمده از فجایع آل سعود، در نقاط مختلف شهر، بیشتر صحنه عزاداریهای محرم حسینی را در ذهن تداعی می نمود.

در گوشه ای از خیابان امام خمینی آدمکهایی از صدام جنایتکار در حالیکه دست مذلت بر سر نهاده، وفهد خائن که با دستهای بریده و چهره ای کریه طراحی شده بود بر روی وانتهی حمل بللر میشد.

همچنین آدمکهایی از شاه سعودی در طول مسیر راهپیمائی توسط مردم خشمگین به آتش کشیده شد.

جمعی از نیروهای مجلس اعلاء انقلاب اسلامی عراق نیز که بسیار پرشور علیه مزدوران آل سعود شعار می دادند و به زبان عربی نوحه سرایی و سوگواری می کردند در میان انبوه جمعیت راهپیمائی کننده مشاهده میشدند. گزارش خبرنگار ما حاکیست در لحظات پایانی راهپیمائی دیروز، مارش مخصوص حمله رزمندگان اسلام از رادیو پخش شد که به



راهپیمایان شوری تازه بخشید و خستگی بوجود آمده در اثر گرما و پیاده روی در مسیرهای طولانی را مرتفع نمود.

مردم حزب الله با شنیدن مارش عملیات دیروز (نصر ۶) ضمن گفتن تکبیر و شعار رزمندگان اسلام تشکر تشکر از سپاهیان توحید خواستند با رزم بی امان خویش زمینه پیروزی نهایی حق بر باطل و سرنگونی کفر جهانی را فراهم سازند.

گزارش خبرنگار دیگر ما از خیابان امام خمینی و در مسیر غرب حاکیست: از اولین ساعات صبح دیروز صدها هزار زن و مرد و پیر و جوان در دسته های چند صد نفری از گوشه و کنار شهر عازم مجلس شورای اسلامی شدند.

استقبال مردم از راهپیمائی بحدی بود که خیابانهای منتهی به مجلس شورای اسلامی تا کیلومترها مملو از جمعیت و فضای خیابانها آکنده از شعارهای تبت یدا ابی لهب بریده باد سر و فهد، فریاد یا محمدا کشتند زائر خدا، ما اهل کوفه نیستیم - امام تنها بماند و مرگ بر آمریکا و بود.

حضور گسترده اقشار مختلف مردم در راهپیمائی دیروز نشانگر حرکت خود جوش آنان در دفاع از آرمانهای انقلاب اسلامی و مقابله با توطئه های استکبار جهانی بود .

در بین راهپیمایان که صفوف اول آن را روحانیون و ائمه جماعات مساجد تشکیل میدادند ، خواهران کفن بر تن که فرزندان کفن پوش خود را نیز در آغوش گرفته بودند، اعضای بسیج، افراد مسن، اقلیتهای مذهبی و دیگر اقشار مردم حضور داشتند.

ساکنین خیابانهای واقع در طول مسیر راهپیمایی با پاشیدن گلاب و آب خنک بر سر راهپیمایان مقدم آنان را گرامی میداشتند.

راهپیمایان دیروز مراسم برائت از مشرکین در طول مسیرهای راهپیمانی با مراجعه به صندوقهای کنار خیابان کمک های نقدی خود را برای جبهه های جنگ تحمیلی به صندوق میریختند.

بر اساس این گزارش حضور گسترده و کم نظیر مردم مسلمان در خیابان امام خمینی و خیابانهای منتهی به آن که از قبل برای راهپیمائی پیش بینی شده بود، خیابانها را کاملاً مسدود ساخته بود و این درحالی بود که حرکت مردم به سوی مجلس شورای اسلامی جمعیت را در و اطراف مجلس فشرده تر میساخت.

همچنین حضور گروه کثیری از مسئولین اجرائی کشور در راهپیمائی دیروز که همصدا با

مردم شعارهای نشأت گرفته از انقلاب اسلامی را سر میدادند نیز نمایانگر هم سوئی مردم و مسئولین در تداوم آرمانهای انقلاب اسلامی بود.

این گزارش می افزاید: یکی از راهپیمایان بنام محمدرضا عبدالله زاده که همراه با یک گروه چند هزار نفری راهپیمایان در حرکت بود به خبرنگار ما گفت: رژیم آمریکائی سعودی با انجام جنایت اخیر در مکه مکرمه باید به میز محاکمه کشیده شود و این رژیم خود فروخته آمریکائی باید جوابگوی خونهای به ناحق ریخته ای باشد که در جوار حرم امن الهی بر زمین ریخته است.

وی افزود: آمریکا و سایر کشورهای استکباری باید بدانند که ملت مسلمان و مقاوم ایران تا آخرین نفس در مقابل آنها ایستاده است و ریگان و تاجر و سایر قدرتهای پوشالی باید بدانند که این ملت در مقابل توطئه های آنها، مردانه مقاومت خواهد کرد.

هم برادر دیگری که وی نیز همگام با دیگر راهپیمایان شعار تبت یدای لیب - بریده با سر فهد سر میداد گفت: بنظر من اتفاقی که جمعه گذشته در مکه مکرمه بدست مزدوران عربستان پر سعودی رخ داد یک واقعه اتفاقی و ساده نیست که از برخورد غیرمسئولانه گروهی از مامورین چه دولتی ناشی شده باشد بلکه دقیقاً یک توطئه حساب شده و از قبل برنامه ریزی شده است که باید مورد تأمل بیشتری قرار بگیرد.

پروی گفت: درخواست من بعنوان یک مسلمان ایرانی از دولت این است که دولت باید برخوردی قاطع با قضیه کشتار و ضرب و شتم زائران بیت الله الحرام داشته باشد و یک بار برای همیشه به این توطئه های مزورانه پایان دهد.

گزارشگر ما در گزارش خود می نویسد: خانمی که کودک خردسال خود را بر روی یک چرخ دستی گذارده بود و همراه خیل عظیم راهپیمایان به سمت مجلس شورای اسلامی حرکت میکرد به گزارشگر ما گفت: آمریکا بداند که اذتاب خونخوارش را در منطقه شکست خواهیم داد و قدرت پوشالی او را محو خواهیم نمود.

وی خطاب به آمریکا گفت: آمریکا بدان که شکست خواهی خورد و از کشورهای مرتجع منطقه هیچ کاری ساخته نیست خون شهدای انقلاب اسلامی وزائران بیت الله الحرام مشت خواهد شد و در دهان استکبار شرق و غرب کوفته خواهد شد.

بر اساس گزارش خبرنگاران ما از مقابل مجلس شورای اسلامی به هنگام حضور آیت الله خامنه ای رئیس جمهور و رئیس شورای عالی دفاع و حجت الاسلام والمسلمین هاشمی

رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و نماینده امام در شورایعالی دفاع در این مکان، انبوه میلیونی امت حزب الله با فریادهای انتقام، انتقام، رئیس جمهور ما انتقام انتقام، رئیس مجلس ما انتقام انتقام، مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، مرگ بر شوروی خواستار برخورد قاطعانه مسئولین کشور با مسببین و عاملان قتل عام زوار ایرانی بودند که در پاسخ به فریاد انتقام؟ انتقام مردم خشمگین تهران، نماینده حضرت امام در شورایعالی دفاع اظهار داشت: انشاء الله انتقام گرفته خواهد شد.

بر پایه همین گزارش در مراسم باشکوه صبح دیروز که در مقابل مجلس شورای اسلامی برگزار گردید، جمعی از وزراء و نمایندگان مجلس، فرماندهان نظامی و انتظامی حضور داشتند در میان شعارهای کوبنده امت حزب الله قطعنامه ای در بند انتشار یافت که مواد آن با تکبیر حاضرین مورد تأیید قرار گرفت.

حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی در مراسم راهپیمائی میلیونی مردم تهران:

ما خود را موظف می دانیم انتقام خون شهدای مکه را از آمریکا و حکام سعودی بگیریم پس از قرائت قطعنامه آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و نماینده حضرت امام در شورایعالی دفاع در میان شعارهای کوبنده امت حزب الله که شعار میدادند هاشمی هاشمی انتقام انتقام، ما اهل کوفه نیستیم امام تنها بماند، عزا عزاست امروز روز عزاست امروز، خمینی بت شکن صاحب عزاست امروز- بت یدا ابی لهب، بریده باد دست فهد طی سخنان مبسوطی با اشاره به خباثت استکبار غرب و عمال آل سعود که طراحان اصلی این جنایت فجیع بودند اظهار داشت: هر چه فکر کردم که در تاریخ بشریت یک نمونه ای برای م این جنایت و این فاجعه پیدا کنم بجائی نرسیدم، بدون شک ما باید این فاجعه را یک فاجعه منحصر به فرد در تاریخ بشریت بحساب آوریم و طراحان این فاجعه را که کسی غیر از استکبار « غرب و مخصوصا آمریکا نیست و مجریان فاجعه را که حکام خبیث آل سعود هستند در کل؟ تاریخ بشریت از لحاظ قساوت و جنایت در راس قساوت پیشه گان و جنایتکاران تاریخ بحساب آوریم.

خوشبختانه صحنه بگونه ای اتفاق افتاد که کل امپریالیسم خبری هم اگر تلاش کند نمی تواند حقایق این صحنه را ببوشاند چراکه این حادثه در منظر صدها هزار انسان اتفاق افتاده است.

وقتی انسان این حادثه را با جنایات جنایتکاران بزرگ تاریخ مثل هیتلرها و مغولها و جنایتکارانی که شامل حکام قدرتمند امروز دنیا هم میشوند مقایسه میکند در می یابد که حتی جنایات آمریکا در کشورهایی مثل ویتنام و جاهای دیگر با خصوصیتی که در این جنایت وجود دارد این از همه جلوتر است.

کسانی که در این واقعه مورد تعرض قرار گرفته اند جمعیتی انبوه از زوار و حجاج بیت الله الحرام و میهمانان خداوند در خانه خدا و حرم امن الهی بودند، کسانی که مجری این جنایت هستند کسانی که اسم خودشانرا خادم الحرمین گذاشته اند و لقب میزبان میهمانان الهی را برای خودشان یدک میکشند.

صدها هزار انسان در آفتاب گرم مکه مکرمه و در خیابانهای مکه، در حالیکه انبوه جمعیت حرارت شدید خورشید، داغی زمین و همه عواملی که می تواند یک جمعیتی را در حال فشردگی و رنج و در نهایت فشار قرار دهد در آن منطقه حاکم بود. خواسته هائی که این انسانها مطرح می کردند هیچ ربطی به حکام سعودی بعنوان هیئت، حاکمه کشور نداشت حالا- به اربابانشان وریشه های آنها به حامیان آنها مربوط میشده اینها خبرهائی است که با ادعاهای سعودیها نمی خوانند. اینها می گفتند مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، مرگ بر استکبار، حتی مرگ بر ارتجاع نمی گفتند که سعودیها خودشان را نمونه آن میدانند.

صحبت از استکبار و اسرائیل و صهیونیسم و جنگ افروزان منطقه بوده است. شعارها، شعارهای اسلامی و انسانی، جمعیت خالی از هرگونه سلاح تعرضی و خالی از هرگونه تعرض نسبت به حاکمان سعودی که آنجا مسئولیت نظم مکه و پذیرائی از زوار را بعهده داشتند.

اکثریت جمعیت را مردم مستضعف از ایران، کشورهای آفریقائی، کشورهای آسیائی و مخصوصاً اعراب متدین کشورهای اسلامی و مردم مظلوم و مجاهد و متعهد افغانستان تشکیل میدادند.

در چنین صحنه ای که بک تظاهرات مسالمت آمیز آرام و بدون خشونت و با مقدمه ای که از پیام جاوید حضرت امام شروع میشود که در همان پیام حضرت امام زائران بیت الله را نصیحت

میکنند که سعی کنید نظم منطقه را حفظ کنید و بهانه ای بدست اخلال گران ندهید و با سخنان نماینده امام شروع میشود که باز مردم را دعوت به آرامش و نظم میکند.

حرکت جمعیت بطرف بیت الله بوده که بعنوان نماز مغرب میخواستند خودشانرا به آنجا برسانند. شما این صحنه را در نظر بگیرید و ببینید تعرض به این جمعیت یعنی چه و حکام سعودی چه از جان این جمعیت میخواستند و چرا این قساوت در این صحنه و با این شدت و با این عمق بروز کرده است.

شکی ندارم که این مسئله و این فاجعه نمی تواند بدون دستور و بدون خواست ابرقدرت آمریکا در این منطقه اتفاق افتاده باشد. سعودیها تحقیقا محاسبه کرده اند و تشخیص داده اند که این فاجعه ریشه آنانرا خواهد زد و آنها را در تاریخ آنچنان رسوا میکند که نمی توانند سرشان را بلند کنند و این آمریکاست که برای او تبدیل نوکر و تبدیل عامل کار معمولی است.

ریشه جنایت هرکس که باشد سعودیها بعنوان مجری و عامل نمی توانند از زیر بار این مسئولیت شانه خالی کنند. ماضمن اینکه ریشه اصلی را برای انتقام انتخاب خواهیم کرد ولی از جنایت سعودیها هم صرف نظر نخواهیم کرد.

در جمعه ۱۷ شهریور، قساوت دربار پهلوی همپالگی نهد در کشتار انسانها عمیق بود اما صحنه فرق دارد اینجا مردم بعنوان مبارزه با شاه و دربار پهلوی جمع شده بودند و اگر اوبامردم طرف میشد بعنوان یک طرف که مخاطب مردم است و آنها با او طرف شده بودند درگیر شد و گرچه جنایت کرد، گرچه قساوت کرد، گرچه حق مردم بود که این خواسته را داشته باشند ولی تفاوت دارد.

در آنجا این مردمیکه مورد تعرض واقع شدند میهمانان دربار سعودی بودند اینها میهمانان به خدا بودند، آنها شعار علیه کسی میدادند که سعودیها به دروغ خودشان هم آن شعاررا میدهند. علیه اسرائیل شعار دادن، مرگ بر صهیونیسم گفتن، دعوت مردم به اتحاد چیزهایی است که خود سعودیها بصورت ظاهر هم میگویند.

شاه اگر در اینجا این جنایت را کرد برای این بود که دید اینها مستقیما در آن میدان دارند مرگ و برشاه میگویند، درگیری است جنگ است یک طرف حق و یکطرف باطل، دستور داد که قساوت کنند، اما در آنجا عربستان به چه دلیلی با این مردم اینطور مواجه میشود و چطور و مامورین سعودی این مردم را به گلوله می بندند و از بالای پشت بام قطعات بزرگ سیمان و آجر - و چیزهای دیگر به سر انبوه مردم می ریزند چطور قابل مقایسه است. ابعاد قضیه با دیربازین

هم فرق می کند در دیرپاسین اسرائیلی ها وقتی بخشی از فلسطین را غصب کردند برای اینکه ملت فلسطین را بترسانند مردم بک روستا را جمع کردند، زنها را از مردها جدا کردند و در میدان مردها را جلوی چشم زنها به آتش کشیدند و بعد زنها را سوار کامیونها نمودند و در شهرها گرداندند، در نظر بگیرید که در آنجایک طرف حکام تروریست اسرائیلی هستند و طرف دیگر مردم فلسطین که داشتند با اشغالگران می جنگیدند صحنه جنگ است در عین حال حادثه دیر یاسین با همه سانسوری که آن زمان شد دنیا را تکان داد و مدتی حامیان اسرائیل را به انفعال کشاند اما آیا واقعا حادثه ای که در جمعه خونین سیاه مکه اتفاق افتاد ابعادش مثل آنست؟ اینجا میهمانان خدا، میهمانان حکام سعودی، میهمانان کسی که خودش را ریاکارانه خادم الحرمین معرفی کرده، کسانی که او متعهد شده امنیت آنها را حفظ کند، کسانی که سعودیها از اینها پول گرفته تا نیازهای رفاهی آنها را تامین کند، کسانی که آنجا برای نجات اسرائیل و نجات کشورهای عربی و نجات افغانستان و نجات اسلام بصورت ظاهر لاقبل همراه با شعارهای دروغین و ریاکارانه حکام سعودی و ارتجاع عرب هستند در حرکت بودند قابل قیاس با حادثه دیرپاسین است؟ شیوه قساوت بگونه ای است که نشان از یک برنامه ریزی همه جانبه و فقط به منظور کشتار وسیع زوار ایرانی دارد. همه راههای ورودی و خروجی به روی تظاهر کنندگان بسته شده بود، تمام خیابانهای فرعی و کوچه ها بسته بود تا کسی نتواند از مهلکه فرار کند.

هنگامیکه تهاجم شروع میشود فقط از دو طرف که امکان فرار و عقب نشینی از میدان وجود دارد دژخیمان سعودی وارد معرکه میشوند از جلو که عمدتاً خانم ها و معلولان و جانبازان و از عقب که عمدتاً متصدیان و مسئولان بودند تهاجم شروع میشود و از روی بام ها و پنجره های ساختمان های مشرف که از پیش ماموران جلاد سعودی موضع گرفته بودند باهمه امکاناتی که بنوان جمعیت بی سلاح را مورد تعرض قرار داد به اینها هجوم آوردند مأموران خشمگین سعودی با سنگ و چوب و بطری حاوی مواد منفجره و مواد آتش زا و سلاح گرم و سرد و حتی مسلسل به مردم حمله ور شدند.

حتی گاز خفه کننده که در چنین اجتماعی به هیچ نحوی و در هیچ جای دنیا استفاده نشده برای متفرق کردن مردم بجای گاز اشک آور بکار گرفته میشود.

آنها دو طرف را بسته بودند که مردم متفرق نشوند. زدن گاز خفه کننده صرفاً بخاطر این است که مردم را هم بیشتر بترسانند و عده ای را با همین گاز از بین ببرند .

مجروحانی که روی زمین مانده بودند و کسانیکه زیر لگدبی حال شده بودند وقتی که کمی میدان خلوت میشود و نیروهای امدادگر می آیند تا اینها را ببرند بجای اینکه راه را برای آنها باز کنند ماشین های امدادگر را به گلوله می بندند و آنها را نیز در ردیف اینهاروی زمین می ریزند.

حتی بعضی از خانه های مجاور که مردم مکه خودشان بودند و رحمشان به جوش آمده بود درب خانه ها را باز کردند و مردم به این خانه ها پناه بردند، مأموران عربستان به این خانه ها حمله کردند و گاز خفه کننده به داخل خانه ها انداختند و احیاناً در داخل خانه تیراندازی کردند.

شما چنین حادثه ای را کجا سراغ دارید، عربستان سعودی و آمریکا که طراح این حادثه می باشند چه مقصودی از آن داشتند، چه هدفی را دنبال می کردند که اینگونه قساوت می کنند.

یکی از ادله ای که برای همه روشن است شکست افتضاح آمیز آمریکا در خلیج فارس، رسوائی جبران ناپذیر سفر قاجاقی هیات آمریکایی به ایران، افتضاح آمریکا به جریان رزم ناو استارک و بدترین افتضاح آمریکا در تاریخ نظامیش در جریان اسکورت کشتی های نفت کش کویتی و حمل پرچم آمریکائیه که آخرین پرده اش روز قبل از حادثه اتفاق می افتد که هلی کوپتر نظامی آمریکا باخفت در آبهای خلیج فارس فرو می رود.

این افتضاحات آمریکا را محتاج کرد که بک حادثه فجیعی در دنیا در رابطه با جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی و آن هم در کنار خلیج فارس بوجود آورد.

آمریکا محتاج به این حادثه است ولی اینطور نیست که این طرحی که آمریکائیه طراحی کردند بنفعشان تمام شود.

حالا خواهیم دید که چه بر سرشان بعد از این خواهد آمد. آمریکائیه به این فاجعه احتیاج داشتند رجائی در دنیا آماده تر از عربستان سعودی و کعبه مکرمه و خانه خدا نبود.

آنجا بود که ۱۵۰ هزار زوار بی سلاح، بی دفاع ایرانی و دهها هزار نفر دیگر از دوستان مسلمان ایران با دست خالی در اختیار حکام و جلادان سعودی بودند. آنجا بود که میشد فاجعه ای از این قبیل درست کرد.

زمان و مکان از لحاظ آنها مناسب بود و دست نیروهای مدافع ایرانی، مسلمانان جهان، نیروهای انقلابی مسلح از آنجا کوتاه بود و آنجا دستشان باز بود که هر کاری که بخواهند بکنند ولی عواقب آنرا فکر نکردند و خیال کردند همین یکروز اتفاق می افتد.

برای اینکه افکار عمومی دنیا را از افتضاح آمریکا دور کنند، برای اینکه ضربه ای به انقلاب اسلامی بزنند که جوابی باشد به ضربه هایی که آمریکا در طبرستان و لبنان و خلیج فارس و در میدانهای سیاست بین المللی از دست انقلاب اسلامی ایران خورده و برای اینکه جواب عملی به پیام بسیار عظیم و سرنوشت ساز رهبر انقلاب و امام امت بدهند که پایه های حکومت های استکبار و ارتجاع را لرزاند اینها نیاز داشتند که چنین حادثه ای را بوجود آورند ولی مثل سایر مواقع احمقانه برخورد کردند و اشتباه بزرگی را مرتکب شده اند.

وی سپس به تشریح جنایات آل سعود و وهابیها در طول تاریخ پرداخت و گفت: سعودیها در تاریخ کوتاه خودشان بیشترین خونریزی را در طول تاریخ نسبت به سایر جریانهای از این قبیل کرده اند.

اینها سابقه کشتارهای وسیع را در همین مکه، در مدینه، در روستاهای اطراف مکه و مدینه، برخیر، در منطقه شرقی عربستان سعودی، در کربلا و نجف غارت کردن منابع فرهنگی، آتش زدن کتابخانه ها، خراب کردن ابنیه تاریخی اسلامی، خانه های بسیار با ارزش که ارزش باستانی اسلامی و فرهنگی از زمان پیغمبر داشته است، دارند.

حکام سعودی در مدت عمرشان نشان داده بودند که با شعار خاصی که قساوت پیشه های وهابی جلوی سربازانشان گذاشته بودند هر جنایتی را اینها مرتکب میشدند که من خواهم می کنم از این به بعد یک مقدار بیشتر به تاریخ این گروه شوم رسیدگی شود که اینها چه عناصر شومی در تاریخ اند.

رئیس مجلس شورای اسلامی در ادامه افزود: آمریکائیه اینها را آدم های مناسبی برای اینکار دانستند و هیچ کس دیگر غیر از اینها آمادگی نداشت در مکه مکرمه و در کنار خانه خدا میهمانان خدا را اینگونه مظلومانه تحت اینگونه حملات و این جنایات قرار دهد و طراحی این حادثه فقط از عهده مستکبری مثل آمریکا و اجرای آن هم فقط از کسی که یک چنین تاریخ سیاهی پشت سر دارد بر می آید.

این اولین و آخرین جنایت وهابیها و آل سعود نیست اما قطعاً فجیعترین جنایت آنهاست .

حال باید چه کرد، الاین دنیا فکر میکند که دنیای اسلام، دنیای آزاد، روشنفکران دنیا، قلم بدستان دنیا، مراکز خبری دنیا، کنفرانس های جهانی، مراکز حقوق بشر، سازمان ملل و دیگر کسانی که به اسم اینگونه عناوین عوام فریب بجان مردم افتاده اند با این حادثه چطور برخورد خواهند کرد و آینده برخورد چیست؟



از همین حالا پیداست از دیشب که عربستان سعودی بر خودش مسلط شد و برنامه های تبلیغاتی خودش را شروع کرد مراکز خبری دنیا ناجوانمردانه قضیه را دارند به یک مسیر دیگری می برند و می گویند که زوار ایرانی چون راه عبور سایر حجاج را بسته بودند درگیری بوجود آمد و نیروهای عربستان بعنوان ایجاد امنیت وارد جریان شدند و آمار میدهند که در این جریان یک عده از زوار غیر ایرانی کشته شده اند. همه میدانند که ایرانیها دست از آستین بیرون نیاوردند، همه میدانند که اکثریت شهدا و مجروحان را خانم ها تشکیل میدادند، زنهای چادری که اهل دفاع نبودند، جمعی از جانبازان شهید و مجروح شدند که روی چرخها بدون دست و پا در کنار و جلوی جمعیت بودند.

عربستان به دروغ و با خباثت اعلام میکند که چند نفر از ماموران آنها هم کشته شده و همین را هم به بوق های تبلیغاتی میدهند و کسانی هم در دنیا مثل شاه حسن، شاه حسین و صدام هستند که جنایت عربستان سعودی را تأیید میکنند و به او تبریک می گویند که چنین قساوتی را مرتکب شده است. حالا رسانه های گروهی جهان چه می خواهند بکنند اینجا چند صد هزار چشم حجاج شاهد قضیه بوده اند و اینها به شهرهایشان باز می گردند، اینها جزئیات حادثه را دیده اند، اینها بدنهای قطعه قطعه شده و لگد مال شده حجاج ایرانی را روی زمین دیده اند اینها تا فردا چادرها و روسری ها و لباس های افراد شهید شده در کف خیابانها را دیده اند اینها خیابان مملو از خون شهدا را دیده اند اینها صدای رگبار گلوله ها را چند بار شنیده اند و این نامردهای سعودی باز اعلام میکنند که ما گلوله ای شلیک نکرده ایم. وقتی قساوت یک انسان از حد می گذرد دیگر اینجوری برخورد میکند. دنیا میخواهد با این مسئله چطور برخورد کند.

من شک ندارم که الان بانکهای سعودی در سراسر دنیا پولهایشان را به روی روزنامه ها و رادیوها و تلویزیونها و قلم بدستان مزدور دنیا سرازیر خواهند کرد برای اینکه این تصویر را رتوش کنند.

امروز کل جریانات خبری و تبلیغاتی در معرض یک آزمایش قرار گرفته اند، خبرنگاران، دنیا، روزنامه های دنیا، مجلات دنیا، رسانه های تبلیغی و مراکز خبری و خبرگزاریها و خطیب ها و گویندگان همه در معرض یک آزمایش مهم قرار گرفته اند.

آیا میخواهید این چهره کثیف را گریم کنید یا میخواهید بخشی از این حقیقت را به اطلاع مردم برسانید.

شما ممکن است با باجی که می‌گیرید تلاش کنید این جنایت را بپوشانید ولی بدانید این چند صد هزار چشمی که ماجرا را دیده‌اند وقتی برگردند هیچ کس سکوت نخواهد کرد غیر از ادم‌هائی که آمریکائی‌ها آنها را بخرند و یا جان آنها را تهدید کنند ولی این قصه قضیه‌ای نیست که بشود در دنیا رویش سرپوش گذاشت.

جمعه خونین مکه جمعه پیش از عید قربان از این به بعد هر سال بعنوان یادگار شهدای تظاهرات مسلمانان در مکه یک تریبون آزاد وجهانی علیه حکام آل سعود خواهد بود.

ما ضمن اینکه میدانیم مراکز خبری امپریالیستی برای پوشاندن این واقعه برنامه‌ریزی کرده‌اند اطمینان داریم که در سراسر جهان و در مراکز اسلامی انسانهای شریف همه این خبرها او را گرفته‌اند و گوششان به صدای ما است و واقعیتها را از زبان ما خواهند شنید و نمی‌گذارند این حقایق در تاریخ وارونه جلوه داده شود.

احکام سعودی پروژی را به آنجا رسانده‌اند که هیاتی که از طرف ایران وارد عربستان شده‌اند در برمی‌گردانند و به آنها میگویند که شما اگر میخواهید اجازه بگیرید و به مکه بروید باید اول با مقامات سعودی ملاقات کنید، اینها میگویند ما با چه کسی ملاقات کنیم ما با اینهائی که این همه فرزندان اسلام را کشته‌اند چه حرفی داریم بزنیم.

ما آمده‌ایم تا از مجروحین این حادثه احوالپرسی کنیم و این پروها از ترس اینکه اینها در بازگشت واقعیتها را روشن کنند میگویند ما اجازه نمیدهیم و هیات را برمیگردانند در چنین شرایطی ما چه خواهیم کرد.

با حوادث انحرافی که مردم ما دیروز هیجان زده و ناراحت و نگران عزیزانشان در مکه، به سفارتخانه‌های عربستان و کویت هجوم بردند حالا رسانه‌های امپریالیستی این را علم کرده‌اند که ایرانیها به سفارتخانه‌ها ریخته‌اند و کاغذ پاره کرده‌اند و فلان کس را ربوده‌اند در حالیکه اگر ماموران انتظامی ما اینها را از دست مردم نجات نمیدادند خدا میداند که چه بر سر اینها می‌آمد و الان اینها در جایی حفاظت میکنند حالا رسانه‌های تبلیغی دنیا این را مساله اصلی کرده‌اند.

نامردها، درباره‌ها تن که در مکه بخون خود آغشته شده‌اند و هزاران تن که مجروح شده‌اند و بجای مداوا به آنان لگد زده‌اند حرفی نمیزنید ولی در مورد این حادثه کوچک اینطور هیاهو بپا میکنید گستاخهای بی‌رحم و بی‌وجدانی که میخواهید با حقایق تاریخی دنیا اینگونه برخورد کنید حالا- دیگر آن دوره گذشته است حالا همه دنیا، منتظرند ببینند که سازمان ملل،

حقوق بشر، کنفرانس اسلامی، علمای اسلام و روحانیون سراسر جهان چه خواهند کرد.

مسئله از چند ایرانی، افغانی، لبنانی گذشته است قضیه هتک حرمت خانه خداست، اینجا جایی است که یک مگس را نمیشود به این صورتی که شما برخورد کردید از میان برد، اینجا خراش به بدن کسی نمیشود وارد کرد. مردم منتظرند ببینند که این بی احترامی که به مقدسات اسلام شده، این هتک حرمتی که در تاریخ شده این فاجعه ای که برای اولین بار در تاریخ کعبه به این قساوت و در برابر هزاران دوربین اتفاق افتاد، این رگبار گلوله هائی که فضای عربستان را گرفته بود در دنیا چگونه پاسخ داده خواهد شد.

مجامع خبری، مجامع سیاسی، کنفرانسها و شوراهاى شوم همکاری خلیج فارس که اگر خودش را تبرئه نکند شریک این جرم ممکن است قلمداد شود اینها همه باید جواب دهند.

اینکه چند شاه برای تشویق فهد پیشقدم میشوند خیال میکنند مسئله را حل کرده اند تصمیم بر روی این مسئله را مسلمانان خواهند گرفت، کعبه متعلق به سعودیها نیست متعلق به عربها نیست کعبه تعلق به همه مسلمین دارد.

من این فاجعه را به امام امت و خانواده معظم شهدا تبریک و تسلیت می گویم. شما افتخار بزرگی را کسب کرده اید، بچه های شما، شوهران شما، مادران و خواهران شما برای زیارت خانه خدا رفتند و از خانه گذشتند و به ملاقات صاحب خانه شتافتند، از خیابانهای گرم و سوزان یکسره پرواز کردند و در فردوس اعلاء و در کنار انبیاء و اولیاء در ردیف شهداء به میهمانی خدا رفتند.

اینها میهمانان عزیز و عظیم خدا هستند و خون اینها در آینده تاریخ هرجا که باشد الهام بخش است اینها حاجی واقعی هستند و حج و زیارت اینها مقبول است و خداوند بیشک انتقام خون اینها را خواهد گرفت.

خدایا می دانی که آمریکائیهها و حکام سعودی این حرمت خانه تراشکستند، میدانی که این ظلمی که تو منع کردی اینها مرتکب شدند و میدانی که مسلمانانی که شعار مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل می دادند غیر از رضایت تو در آن هوای گرم هیچ چیز نمی خواستند و تو باید انتقام خون این شهدا و این عزیزان و این مصدومان را به وعده ای که به ما فرموده ای می باید بگیری.

ما بعنوان سربازان خدا، بعنوان کسانی که مجری احکام خدا هستیم خودمان را موظف میدانیم انتقام خون این شهدا را هم از آمریکا و هم از حکام سعودی بگیریم .

انتقام خون این شهدا این نیست که به اندازه اینها از باطلانشان کشته شوند، انتقام خون این شهدا این است که ریشه حکام سعودی از منطقه برکنده شود.

انتقام این خونهای مقدس این است که حرمین شریفین وبقیع مقدس از لوٹ وجود وهابی های شرور و خبیث پاک شود.

انتقام خون این شهدا این است که ثروتهای عظیم و عزیز دنیای اسلام که در زیر خاک های جزیره العرب و در جنوب خلیج فارس خوابیده است از دست این جنایت پیشه های عالم استعمار گرفته شود و در مصارف مسلمین واسلام و برای عظمت جهان اسلام در مبارزه با کفر و الحاد و استکبار مصرف شود و اینکار از پیروز عصر شروع شده و دیگر کسی هم نمی تواند جلوی این حرکت را بگیرد.

اگر دنیاداران کم حوصله اند، سربازان و رهروان راه خدا باید صبر و متانت داشته باشند و با برنامه ریزی، به اهداف مقدس اسلام برسند و راهی که خود این شرورها و خبیث هاشروع کردند با هل دادن اینها در همین دوره راهی که انتخاب کرده اند ما اینها را به جهنم و مرگ حتمی برسانیم انشاء الله .

آقای هاشمی رفسنجانی در پایان سخنانش از امت خداجوی در سراسر کشور و همچنین مسئولین که در راهپیمائی های براءت از مشرکین و اعتراض به جنایت حکام سعودی شرکت کرده بودند تشکر کرد و اعلام نمود که رزمندگان اسلام برای جواب به حکام سعودی و صدام و آمریکا، عملیات پیروزمندانه ای را انجام داده اند.

روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۱۲ مرداد ۱۳۶۶

راهپیمایی مردم سراسر کشور علیه جنایت آل سعود کشتار زائران خانه خدا یعنی کسانی که خود را برای دیدار با خدایشان، از هر چه غیر اوست پاک کرده و خالص و ناب به دیدار دوست شتافته اند، جنایتی بس عظیم است و قاتلین آمریکائی مهمانان خداوند نه تنها از عقوبت شدید حق تعالی مفری ندارند، بلکه در پیشگاه خلق خدا نیز مغضوب و منفورند و روسیاهی آنان در صفحات تاریخ جهان و اسلام ثبت و ضبط شده است.

مسلمانان جهان نیز این ددمنشی حکام جور و دست نشانندگان وهابی آل سعود را که یقیناً از سوی آخوندهای درباری و علماء سوء تایید میشود، بی پاسخ نخواهند گذاشت و مترصد فرصتند تا هر جا که مقدور و لازم باشد، به نحوی انتقام خون بندگان مخلص خدا، که حریم امن خانه خدا زمین پر خاطره مکه معظمه را گلگون ساخت را از خونخواران آل سعود بگیرند. اگرچه این خونهای مقدس بیش از یک میلیون حجاج مختلف جهان را وادار خواهد کرد که پیام مظلومیت این شهدا را از یک طرف و مظلومیت انقلاب و جمهوری اسلامی را از طرف دیگر برای مردم دیار خود به ارمغان برند و موجب گسترش صدور انقلاب اسلامی در میان ملتهای تحت ستم گردند.

راهپیمایی عظیم مردم تهران و دیگر شهرها و بخشهای کشور که یادآور تظاهرات باشکوه روز قدس بوده و نمایانگر انزجار و نفرت فزون از حد مردم از اقدام وحشیانه نوکران حلقه بگوش آمریکاست، خود نوعی پاسخ دندان شکن به حکام جور آل سعود و توجیه گران مطالب آنها بوده و گامی هماهنگ و استوار و منسجم و قوی در جهت نابودی دست نشانندگان استعمار و استکبار محسوب میشود که انشاء الله بزودی دست جنایتکار این ناپاکان مشرک بظاهر مسلمان و مدعی خادم حرمین شریفین» را از سر حرمین شریفین کوتاه خواهد کرد.

گزارشاتی که در ذیل می آید نمایانگر گوشه هایی از حرکت کم سابقه مردم مسلمان کشور اسلامی مان است که در پی اقدام وحشیانه پلیس عربستان سعودی در کشتار حجاج بیت الله الحرام، جهت محکوم کردن آن بدنبال اعلام عزای عمومی و بنا به دعوت دولت خدمتگزار در نقاط مختلف میهن اسلامی انجام شده است .

اصفهان راهپیمائی برائت از مشرکین با شرکت گسترده قریب به یک میلیون نفر از مردم شهید پرور

اصفهان به خونخواهی قتل عام وحشیانه حجاج بیت الله الحرام در مکه مکرمه این شهر امن الهی با شعارهای کوبنده برگزار شد.

در این راهپیمائی بیسابقه راهپیمایان با مشت‌های گره کرده فریاد می‌زدند قل هو الله احد، مرگ بر ملک فهد، محیط امن حزب الله ، شد قتلگه حزب الله مرگ بر آل سعود و مرگ بر آمریکا و رزمندگان اسلام انتقام و درحالیکه شور انقلابی غیر قابل توصیف و خشم از کفار ملحدین و مشرکین در چهره آنان مشهود بود پس از طی نمودن مسیرهای از پیش تعیین شده در میدان امام گرد آمدند و پرچم پر فضاقت آمریکا را در میان فریادهای خشمگینانه مردم به آتش کشیدند.

در این مراسم آیت الله طاهری نماینده امام و امام جمعه اصفهان ضمن بر شمردن فزاینده‌ای از پیام امام امت در رابطه با جنایات آمریکا و آل سعود مطالبی بیان نمود.

وی در قسمتی از سخنانش گفت: چه خوب آمریکا انتقامش را توسط آل سعود از مردم ما گرفت این فرزندان ابولهب و ابوجهل و ابوسفیان نه فکر حرمت حرم خدا را کردند و نه ماه مبارک را که حتی زائرین غیر ایرانی را بخاک و خون کشیدند.

وی افزود: ما با این جمعیت کثیر اعلام می‌کنیم یک همچون عنصر بیگانه و ضد اسلام و بیدین بعنوان کلیددار حرمین شریفین و میزبان میهمانان خداوند رحجاج بیت الله الحرام به هیچوجه صلاحیت ندارد و بایستی از کار برکنار شود .

در پایان مراسم قطعنامه ای در هشت ماده قرائت شد و با تکبیر حاضرین تائید گردید. در قسمتی از این قطعنامه ضمن درخواست برخورد قاطع با مجریان این جنایت بزرگ، توطئه قتل عام زائرین بیت الله الحرام را جنایت آمریکا دانسته و آمادگی جهت هر گونه جانبازی در ضربه زدن به منافع آمریکا در منطقه را اعلام نمودند .

در پی اعلام عزای عمومی و مراسم راهپیمائی از سوی دولت جمهوری اسلامی بمناسبت شهادت جمعی از زائران خانه خدا توسط مزدوران آمریکایی آل سعود، مردم خداجوی و شهیدپرور شهر مقدس مشهد در یکی از بی سابقه ترین راهپیمائیهای سالهای اخیر شرکت نمودند، راهپیمایان با تجمع در میدان شهدا پس از طی چند خیابان با فریادهای «فهد با آمریکا و هماهنگ شده، امکه به خون مسلمین رنگ شده، «فریاد یا محمداه ، کشتند زائر خدا»، نفرت و انزجار خود را از مزدوران خود فروخته و سفاک آل سعود اعلام نمودند. زنان و مردان و و خشمگین شرکت کننده در راهپیمایی با تجمع در صحن امام به سخنان حجت الاسلام

فردوسی پور نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی گوش فرا دادند.

ایران‌شهر بدنبال به شهادت رسیدن صدها تن از زائرین خانه خدا در مکه معظمه توسط مزدوران و حاکمان بی لیاقت آل سعود که به تلافی شکستهای پیاپی و جبران ناپذیر آمریکا در خلیج فارس انجام گرفته و جمعه خونین دیگری را در تاریخ ایران ثبت کرد، مراسم راهپیمائی باشکوهی با حضور روحانیون اهل تشیع و تسنن، مسئولین ادارات و نهادها، نیروهای نظامی و انتظامی و اقشار مختلف مردم تشیع و تسنن از مسجد آل رسول شهرستان ایران‌شهر، برگزار گردید. راهپیمایان در طول مسیر با سردادن شعارهای مرگ بر آل سعود، مرگ بر آمریکا، کعبه غرق خون است،، فهد سرنگون است، در چهارراه آزادی ایران‌شهر اجتماع نموده و به سخنان حجت الاسلام شمالی امام جمعه ایران‌شهر گوش فرا دادند. در پایان قطعنامه در ۵ ماده قرائت و با تکبیر حضار تایید گردید.

سمنان مردم مسلمان سمنان با مشت‌های گره کرده انزجار خود را از کشتار وحشیانه حجاج بیت الله الحرام اعلام داشتند. به گزارش خبرنگار ما بدنبال کشتار حجاج بیت الله الحرام بدست عمال استکبار جهانی و پلیس جنایتکار سعودی صبح دیروز مردم شهیدپرور سمنان اعم از مرد وزن کوچک و بزرگ به خیابانها ریختند و با مشت‌های گره کرده انزجار خود را از کشتار وحشیانه حجاج بیت الله الحرام در حرم امن خداوند اعلام داشتند. مردم شهیدپرور سمنان در حالیکه استاندار، امام جمعه مهدی شهر، امام جمعه موقت سمنان و جمعی از مسئولین پیشاپیش ..

جمعیت در حرکت بودند در میدان هفتم تیر سمنان تجمع نموده و با سردادن شعارهایی از قبیل نبت یدا ابی لهب ، بریده باد دست فهد،، و عزا عزاست امروز روز عزاست امروز»، «حاجی گلگون کفن پیش خداست امروز، مرگ بر آمریکا مسیر چند خیابان را طی کردند و در مقابل مسجد امام این شهر قطعنامه بازده ماده ای این راهپیمایی را با تکبیر تایید کردند در این قطعنامه ضمن ابراز انزجار این عمل وحشیانه ، مقابله و عکس العمل هماهنگ و حساب شده مسئولین را خواستار شدند.

بهشهر بدنبال کشتار مسلمانان در بیت الله الحرام بدست مزدوران آمریکا و درنده خوبان آل سعود هزاران نفر از مردم حزب الله شهر بهشهر دریک راهپیمائی عظیم شرکت نموده و با سردادن

شعارهای مرگ بر استکبار، مرگ بر فهد براثت خود را از مشرکین و حمایت خود را از امام امت تا آخرین قطره خون اعلام داشتند.

شاهروود و بدنبال تهاجم وحشیانه پلیس آل سعود به راهپیمایی بزرگ براثت از مشرکین در مکه مکرمه و شهید و مجروح شدن عده کثیری از مهمانان خدا و رسول اکرم (ص) به همراه مردم سایر شهرهای کشور در محکوم کردن اعمال جنایتکارانه آل سعود، اقشار مختلف مردم حزب الله همیشه در صحنه شهرستان شاهروود در یک راهپیمایی بی نظیر با سردادن شعارهای نه سازش، نه تسلیم، تبت یدا ابی لهب» «بریده باد دست فهده اعمال وحشیانه عمال مزدور آمریکا و آل سعود را محکوم کردند و پرچم آمریکا را به آتش کشیدند. در پایان این راهپیمایی مسئول حوزه علمیه شاهروود پیرامون ابعاد این فاجعه سخنانی ایراد نمود.

همدان مردم همدان همچون مردم دیگر شهرهای کشور اسلامیمان با اعلام عزای عمومی بار دیگر راهپیمایی روز قدس را تکرار نمودند و به طور یکپارچه و منسجم از اوایل بامداد روز یکشنبه در خیابانهای شهر حضور یافتند و با یک راهپیمایی باشکوه عمل وحشیانه پلیس سعودی در به شهادت رساندن حجاج ایرانی را محکوم کردند و پس از عبور از خیابانهای اصلی شهر در مسجد جامع همدان گرد آمدند و به سخنان امام جمعه همدان پیرامون کشتار وحشیانه حجاج گوش فرا دادند. آنگاه مراسم نوحه خوانی و سینه زنی انجام شد و در پایان قطعنامه ۱۰ ماده ای براثت از مشرکین و همبستگی با شهدای مکه معظمه قرائت و مورد تائید حاضرین قرار گرفت.

در پی حمله وحشیانه پلیس فاشیست رژیم آل سعود به صفوف فشرده حجاج بیت الله الحرام در راهپیمایی بزرگ براثت از مشرکین در خانه امن الهی و به خاک و خون کشیدن گروهی از حجاج، مردم خشمگین و عزادار یزد همگام با سراسر کشور در اولین ساعات بامداد دیروز به نشانه اعتراض به قتل عام حجاج بیت الله الحرام بدست نوکران حلقه بگوش آمریکا به خیابانها آمده و ضمن تجمع در میدان آزادی این شهر دست به یک راهپیمایی باشکوه زدند. بر اساس این گزارش راهپیمایان با سردادن شعارهای مرگ بر آل سعود»، «مرگ بر آمریکا، و تبت یدا ابی لهب بریده باد دست فهد»، «قسم بخون شهدا فهد ترا میکشیم، ضمن



عبور از خیابانهای فرخی و امام خمینی در کنار تربت پاک سومین شهید محراب آیت الله صدوقی اجتماع نمودند.

در این مراسم آیت الله خاتمی امام جمعه و نماینده امام، استاندار و جمعی از مسئولین حضور داشتند راهپیمایان ضمن محکوم نمودن رژیم سفاک سعودی، به سخنان مسئول عقیدتی سیاسی شهربانی گوش فرا دادند. در پایان قطعنامه راهپیمایی در ۱۲ ماده قرائت شد که با تکبیر حاضرین مورد تایید قرار گرفت.

گرمسار در اعتراض به عمل ضد انسانی پلیس فاشیست سعودی و عمال استکبار جهانی در حمله نشانه به حجاج بیت الله الحرام که منجر به شهادت صدها تن از زائرین خانه خدا شد مردم قهرمان گرمسار به همراه خانواده شهدا، روحانیون، فرماندار در راهپیمایی بی نظیری شرکت کرده و با شعارهایی از جمله نبت یدای لیب، بریده باد دست فهد، ضمن محکوم نمودن اعمال جنایتکارانه حکام آل سعود، اعلام نمودند تا آخرین قطره خون خویش در مبارزه بامشرکین و منافقین و ملحدین از پای نخواهند نشست. در ادامه این مراسم حاضرین به سخنان فرماندار گرمسار گوش فرا دادند.

در پایان این مراسم مردم با به آتش کشیدن پرچم آمریکا و مجسمه فهد عامل استکبار، انزجار خود را از استکبار جهانی اعلام نمودند.

بجنورد بدنبال حمله وحشیانه و ددمنشانه رژیم خود فروخته آل سعود که منجر به شهادت جمع کثیری از بهترین زائرین خانه خدا شد، مردم حزب الله و شهید پرور بجنورد با حضور گسترده و عظیم خود در راهپیمایی اعتراض آمیز، جنایت فجیع حکام سعودی را محکوم کردند و بار دیگر با فریاد پر خروش خود و با شعارهای کوبنده لرزه بر اندام استکبار شرق و غرب انداخته و حمایت همه جانبه خود را تا آخرین قطره خون از پیام تاریخی امام عزیز اعلام نمودند. به راهپیمایان با شعارهای الله اکبر، لا اله الا الله، محمد رسول الله و مرگ بر آمریکا و مرگ بر فهد ضمن عبور از چند خیابان در میدان شهید این شهر اجتماع نمودند و به سخنرانی حجت الاسلام ایوبی نماینده مردم بجنورد در مجلس شورای اسلامی گوش فرا دادند. در پایان قطعنامه ای در شش ماده قرائت که با تکبیر حضار تأیید گردید.

کوهبنان بدنبال شهادت حجاج بیت الله الحرام توسط پلیس عربستان سعودی و اعتراض به این عمل دمنشانه راهپیمایی باشکوهی با حضور گسترده مردم حزب الله و شهیدپرور کوهبنان انجام شد. راهپیمایان پس از طی خیابانهای اصلی شهر در مسجد امام خمینی این شهر اجتماع نموده و با سردادن شعارهای کوبنده مرگ بر آمریکا و مرگ بر فهد انزجار و نفرت خود را از حکام بی لیاقت سعودی اعلام داشتند. در این مراسم حجت الاسلام اسلام پناه امام جمعه مفوت فومنات پیرامون شهادت این عزیزان مطالبی بیان نمود.

شهريار مردم حزب الله شهريار جهت اعتراض به جنایات مزدور آمریکای خون آشام و رژیم خود فروخته آل سعود که در مکه معظمه و بیت الله الحرام زائران خداجوو عارفان مخلص و بیدفاع حجاج مظلوم را به خاک و خون کشاند دست به یک راهپیمایی باشکوه زدند.

در این راهپیمایی که بسیجیان خط شکن کفن پوش و مسئولین نیز حضور داشتند مردم حزب الله با شعارهای مرگ بر آل سعود از رزمندگان غیور خداجویمان خواستند تا انتقام خون حجاج شهیدمان را از آمریکائیان و مزدوران منطقه بگیرند.

در پایان امام جمعه سخنانی بیان نمود و آنگاه قطعنامه قرائت و مورد تأیید حاضرین قرار گرفت.

قم در اعتراض به کشتار وحشیانه حجاج بیت الله الحرام توسط مزدوران رژیم وابسته آل سعود که با اجرای طراحی آمریکا صورت گرفت، مردم حزب الله شهر خون و قیام قم با برپائی راهپیمایی باشکوهی خشم و انزجار خود را نسبت به عاملین این جنایت هولناک اعلام داشتند.

در این راهپیمایی که اقشار مختلف مردم، طلاب پاکستانی، بحرینی، لبنانی، حجازی، عراقی، کوینی، مجاهدین عراقی و افغانی مقیم حضور داشتند با سردادن شعارهای عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز مرگ بر آمریکا و مرگ بر صدام پس از طی نمودن مسیرهای را از پیش تعیین شده در صحن مطهر حضرت معصومه (س) تجمع نموده و پس از اجرای مراسم نوحه خوانی و استماع سخنان فرمانده سپاه پاسداران ناحیه ویژه قم با صدور قطعنامه ای در نه ماده ضمن تجدید بیعت با امام امت، عمل وحشیانه حکام آمریکایی آل سعود را محکوم نموده و از مسئولین نظام جمهوری اسلامی خواستار برخورد قاطع با حکومت سعودی شدند.

در قسمتی از این قطعنامه آمده ما مردم شهر خون و قیام تا آخرین نفر و آخرین قطره خون و تا آخرین منزل در بیعت با امام بزرگوار خویش همچنان مصمم و استوار ایستاده و یک لحظه در اطاعت و پیروی از ولایت فقیه کوتاهی نخواهیم کرد ما از مسئولین خدمتگزار نظام جمهوری اسلامی میخواهیم جنایت وحشیانه و ددمنشانه مزدوران آمریکائی آل سعود را بی جواب نگذاشته و قاطعانه با آنان برخورد نمایند.

در قسمتی دیگر از این قطعنامه آمده است ما اعلام میکنیم انتقام خون شهدای مظلوم و بیدفاع جمعه خونین مکه را که در حرم امن الهی مورد هجوم سبعانه مزدوران سرسپرده شیطان بزرگ قرار گرفتند در جبهه های نبرد و بویژه در خلیج فارس خواهیم گرفت.

ما اعلام میکنیم که حمله وحشیانه حکام آل سعود به زائرین بیت الله الحرام نه تنها در اراده امت اسلام خللی وارد نساخت بلکه در هم آمیخته شدن خون حجاج همه کشورهای اسلامی موجب وحدت هرچه بیشتر صفوف مسلمین گردید تا در مبارزه با کفر جهانی با اراده ای پولادین و هرچه کوبنده تر شرکت داشته باشند.

منجیل در پی حمله دژخیمان آل سعود به زائران بیت الله الحرام در حریم کبریایی خانه خدا و به شهادت رسانیدن جمع کثیری از راهپیمایان براءت از مشرکین، اقشار مختلف مردم حزب الله منجیل و روستاهای تابعه بهمراه جمعی از روحانیون و مسئولین ادارات، نهادهای بک راهپیمایی باشکوه عزم راسخ خود را بار دیگر به نمایش گذاشتند و با شعارهای کوبنده فریادیا محمداکشتند حجاج خدا آمادگی خود را جهت مقابله با استکبار جهانخوار آمریکا اعلام داشتند.

آستانه اشرفیه در پی اعمال ددمنشانه پلیس مزدور عربستان سعودی و مجروح و شهید شدن عده کثیری از زائران بیت الله الحرام این خانه امن الهی مردم خداجوی شهرستان آستانه اشرفیه با انجام راهپیمایی باشکوهی خشم و نفرت خود را از این عمل حکام عربستان سعودی که بدستور آمریکای جنایتکار بوقوع پیوسته است را به نمایش گذاشتند.

در این راهپیمایی که با حضور جمعی از مسئولین و اقشار مختلف مردم همیشه در صحنه برگزار گردید. راهپیمایان پس از طی مسیر از جلوسبیج سپاه پاسداران تا صحن مطهر حضرت سید جلال الدین اشرف در حالیکه شعار فریادیا محمدا، کشتند زائر خدا را سر میدادند در

در این مراسم فرماندار آستانه اشرفیه سخنانی بیان نمود در پایان قطعنامه ای در ۷ ماده قرائت گردید.

بیرجند بدنبال حمله سنشانه رژیم آمریکایی آل سعود به زوار ایرانی در مراسم راهپیمایی برائت و از مشرکین در مکه مکرمه و بخاک و خون کشیدن جمعی از زائرین بیت الله الحرام، مردم همیشه در صحنه بیرجند همگام با سایر شهرهای کشور با در دست داشتن پلاکاردهایی مبنی بر محکوم نمودن جنایات استکبار جهانی دست به یک راهپیمایی باشکوه زدند. راهپیمایان ضمن تجدید میثاق با امام امت و حمایت از رزمندگان پیروزی آفرین اسلام اعمال وحشیانه رژیم سفاک و مزبور آل سعود در مکه معظمه را محکوم نمودند و بر تداوم جنگ تا پیروزی نهایی تاکید کرده و خواستار خلع ید آل سعود از حرمین شریفین شدند در این مراسم دادستان انقلاب اسلامی بیرجند پیرامون پیام تاریخی امام و حمله دژخیمان حکام سعودی مطالبی بیان نمود.

در پایان قطعنامه ای در چند ماده قرائت و با تکبیر حاضرین تائید شد.

خرم آباد بمنظور محکوم نمودن جنایات آل سعود و مزدوران جنایت پیشه آمریکا و ایادی آنها در منطقه مردم قهرمان استان لرستان با لباسهای عزاداری دست به یک راهپیمایی باشکوه زدند.

مردم حزب الله در حالیکه دست به یک راهپیمایی کم نظیر زده بودند و استاندار لرستان و حجت الاسلام حسینی میانه جی نماینده امام در استان لرستان، جامعه روحانیت و دیگر مقامات سیاسی نظامی استان در پیشاپیش آنها در حرکت بودند خشم و نفرت خود را از دولت آل سعود و مزدوران جنایت پیشه آمریکا و صهیونیسم بین المللی اعلام داشتند.

بگزارش خبرنگار ما در این مراسم استاندار لرستان پیرامون جنایت آل سعود سخنانی بیان نمود و از مردم خواست به بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بپیوندند تا به یاری خدادر فرصت مناسب ضربات مهلکی بردولت سعودی و نوکران سرسپرده آن و آمریکای جنایتکار وارد سازند، نظیر این مراسم در شهرهای درود، الیگودرز، نورآباد، پل دختر، ازنا، سپیدشت، کوهدهشت، الشتر و دیگر بخشهای استان برگزار شد.

رودبار در پی حمله وحشیانه پلیس مزدور و فاشیست آل سعود از مکه مکرمه به راهپیمایان برائت از

مشرکین زائران ایرانی و غیر ایرانی خانه خدا که منجر به شهادت و زخمی شدن تعداد کثیری از مسلمانان گردید اقشار مختلف مردم مسلمان و همیشه در صحنه شهر رودبار و روستاهای تابعه به همراه روحانیون و مسئولین ادارات و نهادها و ارگانها همانند سایر امت حزب الله در سراسر کشور از نخستین ساعات صبح روز یکشنبه دست به یک راهپیمایی باشکوه زده و با شعارهای کوبنده، مکه شده قتلگه مسلمین، محل امنی شده بر مشرکین، خانه کعبه قلب مسلمین است چرا کنون بدست مشرکین است، اعمال پلیس مزدور عربستان سعودی را محکوم کردند و آمادگی کامل خویش را جهت مقابله با استکبار جهانی و مزدوران آنها در کشورهای اسلامی اعلام داشتند.

روزنامه جمهوری اسلامی در شبانه ۱۲ مرداد ۱۳۶۶ راهپیمایی و اجتماع زنان بسیجی در اعتراض به جنایات اخیر حکام سعودی در مکه معظمه و قتل عام جمع زیادی از زائران خانه خدا صبح چهارشنبه جمع کثیری از خواهران مسلمان و بسیجی تهران ضمن گذشتن از چندین خیابان و شرکت در راهپیمایی مقابل نمایندگی سازمان ملل متحد در تهران اجتماع کردند.

بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی اقشار مختلف زنان مسلمان تهران که خشمگین از اعمال ننگین آل سعود بودند در این اجتماع با فریادهای الله اکبر، لا اله الا الله محمد رسول الله، فریاد یا محمدا کشتند زائر خدا، حسین حسین شعار ماست شهادت افتخار ماست و تبت یدا ابی لهب بریده باد دست فهد مرگ بر آل سعود مرگ بر آمریکا مراتب انزجار و نفرت خود را از اعمال جنایت بار به اصطلاح خادمین حرمین و پلیس فاشیست سعودی که بدستور آمریکا انجام شده است اعلام کردند.

بر اساس همین گزارش خانم دباغ نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی طی سخنانی با تشریح جنایات ددمنشانه پلیس فاشیست آل سعود و به شهادت رساندن مظلومانه مدافعان انقلاب اسلامی تاکید کرد: مجامع اسلامی و انسانهای آزاده دنیا باید سکوت خود را بشکنند و پرده از جنایات ابرقدرتها و عمالشان بردارند و با افشای جنایت های حکام ملت های مسلمان آنانرا سوا نمایند.

همین گزارش حاکیست که شرکت کنندگان در اجتماع افشاگری جنایت های آل سعود

ضمن نوحه خوانی و مرثیه گوئی در گرامیداشت شهدای اسلام خواستار سرنگونی نوکران آمریکا بویژه آل سعود شدند و اعلام کردند که انتقام خون بناحق ریخته شهدا را با دست قهر انقلابی امت اسلام از آمریکا و آل سعود خواهند گرفت.

بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در پایان این گردهمایی از سوی خواهران شرکت کننده در راهپیمائی جهت اعلام انزجار از قتل عام جمعه خونین و حمایت از خون شهدای مکه معظمه قطعنامه ای در هشت ماده قرائت شد. که متن کامل آن به شرح زیر است:

اما به این وسیله حمایت خویش را از حرکت عزیزانمان در براءت از مشرکین در مکه معظمه اعلام میداریم و تا آخرین نفر و آخرین سنگر برای انتقام خون این بانیان سیاست نه شرقی و نه غربی کوتاهی نکرده و بر بیزاری از ظالمان و ستمگران استوار خواهیم ماند.

۲- مامقصر اصلی جمعه خونین را آمریکای جنایتکار میدانیم و جواب او را به همراه رزمندگان عزیزمان در خلیج فارس و در جبهه های نبرد خواهیم داد.

۳- ما خواستار تشکیل هیئتی از حضرات علمای اعلام و شخصیت‌های متعهد جهان اسلام به برای پرده داری حرمین شریفین هستیم.

۴- دنیا باید بداند که این حوادث برای ما تازگی نداشته و خللی در اراده ما برای حصول پیروزی نهائی وارد نمیکند و پرشورتر از همیشه فرزندان و همسران خود را به جبهه های نبرد حق علیه باطل گسیل خواهیم نمود.

۵- مانیز برای دفاع در پشت جبهه های نبرد راسخ ترشده، لباس رزم می پوشیم و در صورت اذن رهبر عزیزمان همچون نسبیه در میادین نبرد حضور خزاهیم یافت.

۶- همانگونه که حرکت انقلاب اسلامی به پیشتازی و خون زنان شهید نیاز داشت، حرکت انقلاب اسلامی جهان نیز با برکت خون این عزیزان شروع شده است، لذا از همه ی خواهران میخواهیم که برای ادامه ی راه آنها در سطح جهانی آنچنان حضوری در صحنه از خود نشان دهند تا بتوانیم این حرکت را بارورتر کنیم و از مسئولین نیز میخواهیم که زمینه های لازم راجهت حضور هرچه بیشتر بانوان در امور سیاسی - اجتماعی کشور، فراهم نمایند.

۷. ما خواستار تحویل اجساد مطهر همه ی شهیدان جمععی خونین و مفقودین و مجروحین آن حادثه بوده و تضمین سلامتی بقیهی زوار ایرانی را تا بازگشت به کشورمان خواهانیم.

په ۸ بسیج خواهران سراسر کشور که همچنان جهت اجرای فرمایشات امام گرانقدر مبنی بر

حفظ آمادگی های دفاعی، نظامی بانوان کشور با تمام توان فعالیت مینماید و برای حسن اجرای برنامه ها و اهداف و وظایف خود از مسئولین و مقامات محترم توجه و عنایت بیشتر را انتظار دارد تا انشاء الله بتواند در کنار آموزش بانوان کشور جهت تشکل و سازماندهی زنان مسلمان دنیا در بسیج جهانی به رهبری امام خمینی نیز اقدام نماید.

بنابر این گزارش همچنین در گردهمائی خواهران عضو واحد بسیج مستضعفین سپاه پاسداران پیامی خطاب به سازمان ملل متحد خوانده شد که متن این پیام به آقای راج کمار نماینده این سازمان در تهران ارائه شد در پیام خواهران متعهد و انقلابی ایران به سازمان ملل متحد آمده است: ما زنان ایرانی بعنوان خانواده های شهدای بخون خفته انقلاب اسلامی ایران بمناسبت فاجعه اخیر جمعه خونین مکه معظمه شما را مخاطب قرار میدهیم تا بلکه صدای حق طلبی ملت موحد و آزاده ایران اسلامی نسبت به اهداف توطئه آمیز و سیاستهای شوم تجاوزگرانه شیطان بزرگ آمریکا و عوامل سرسپرده و مزدور آنها در منطقه بگوش جهانیان رسانده شود در بخش دیگر از این پیام به امنیت مشتاقان زیارت خانه خدا که از ابتدائی ترین حقوق دین مبین اسلام میباشد اشاره شد و آمده است آیا میتوانید تصور کنید هنگامی که مسیحیان در کلیساهای خود مشغول انجام مناسک مذهبی هستند و یا کلیمیان که مشغول دعادر معابد خود میباشند مورد هجوم گروهی تا دندان مسلح قرار گیرند.

جنایات جمعه خونین در مکه مکرمه برای همیشه لکه ننگی بر چهره آمریکا و حکام سعودی و . نقطه عطفی در مبارزات حق طلبانه مستضعفین جهان خواهد بود در این روز گروهی از مزدوران به اتفاق گارد و پلیس مسلح سلطنتی آل سعود با توسل به انواع وسائل قتاله نظیر مسلسل، گازهای خفه کننده، سرنیزه، چماق، شیشه و سنگ، صف تظاهرات آرام براثت از مشرکین را که معلولین جنگ و زنان بی دفاع را پیشاپیش خود داشت هدف قرار داده و صدها تن از آنان را به شهادت رسانده و هزاران تن دیگر را مصدوم و مضروب نمودند در بخش دیگر از این پیام خطاب به دبیر کل سازمان ملل آمده است آقای دبیر کل شما تمام این واقعیتها را میدانید پس بیائید برای یک بار هم که شده به ندای حق طلبانه امتی پیاخته برای کسب حقوق حقه خود و پاسخ دهید و پیام ما زنان ستم کشیده را به تمامی زنان جهان برسانید.

در پایان این پیام از دبیر کل سازمان ملل خواسته شده است حقوق پایمال شده خواهران شهیدمان در سازمانها و کنفرانسهای مدافع حقوق زنان در دستور کار قرار گیرد و هیتی مرکب از نمایندگان سازمانهای بین المللی مربوطه برای بررسی ابعاد جنایت و وضعیت قربانیان آن

اعزام شده و نسبت به مسبین آن مجازاتهایی اعمال گردد. همچنین از دبیر کل سازمان ملل متحد خواسته شده است تا رژیم سعودی را برای تحویل مجروحین و اجساد مطهر عزیزان . قربانی شده تحت فشار قرار دهد.

روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۱۷ مرداد ۱۳۶۶

ص: ۶۰۱



## واکنشهای گسترده جهانی علیه جنایت هولناک

واکنشهای گسترده جهانی علیه جنایت هولناک گارد فهد سرویس خارجی کیهان یورش ناجوانمردانه گارد سلطنتی فهد به زائران خانه خدا بازتاب های گسترده ای در محافل خیری - سیاسی جهان داشت و واکنش های گوناگون هنوز در قبال این رویداد ادامه دارد. عمده ترین محورهای فعل و انفعالات ناشی از فاجعه مکه را در زیر میخوانیم.

موضع حزب الله لبنان حزب الله لبنان کشتار صدها تن از حجاج بیت الله الحرام راتجاوزی آشکار به خانه خدا دانست و تاکید بعمل آورد که امنیت و سلامت حجاج بایستی بر عهده افراد مؤمن قرار گیرد و ودیگر جایز نیست خادمان آمریکا و فرانسه در جوار کعبه باقی بمانند.

در بیانیه صادره از سوی حزب الله تأکید بعمل آمده است استکبار جهانی پس از دلسرد شدن و از ضربه پذیری انقلاب اسلامی این بار قرآن کریم و امت محمد(ص) را هتک حرمت کرده و به خدمتگزاران خود را به ارتکاب چنین جنایت وحشتناکی واداشته است ما به آمریکا اخطار میکنیم که دیگر جایی در بلاد اسلامی ندارد و این که اسلام پیا خاسته تایوغ استعمار و زنجیر بردگی را بگسلد.

شیخ صبحی طفیلی از علمای حزب الله لبنان نیز طی پیامی این جنایت وحشیانه را محکوم و آنرا در جهت حمله گسترده استکبار علیه امت پیا خاسته اسلام توصیف کرد.

در بخشی از پیام مسئول حزب الله آمده است : هماهنگ بودن قتل عام حجاج بیت الله الحرام توسط حکام یهودی الاصل حجاز با تحرکات توطئه آمیز ناوگان های استکبار در خلیج فارس چیزی جز یک تلاش هماهنگ استعماری برای محو کلمه لا اله الا الله نبوده و بر همه مسلمانان جهان است که از مقدسات خود که بیش از هر زمان مورد هجوم دشمن قرار گرفته دفاع نمایند.

در بیانیه تجمع علمای مسلمین لبنان تجمع علمای مسلمین نیز طی بیانیه مشابهی این جنایت هولناک را یکی از بدترین جنایات تاریخی علیه مقدسات و شعائر اسلامی دانسته و گفته است بدون شک این خونریزی مسلمین در حرم امن الهی به عنوان برگ سیاهی در پرونده جنایتکار آل سعود ثبت خواهد شد.

فصل سوم جنبش امل اسلامی همچنين حسين موسوي رئيس جنبش امل اسلامي لبنان در بيانيه اي بدین مناسبت شهادت میهمانان خدا را به امام امت تسلیت و تبریک گفته و حکام سعودی را به ابي جهل و ابوسفیان های زمان تشبیه نموده است که از بت های فعلی یعنی آمریکا و اسرائیل تبعیت پر می کنند .

با جنبش امل نیبه بری رئیس جنبش امل نیز طی اظهاراتی این عمل وحشیانه را تقبیح کرد و گفت در حالیکه خداوند مسلمانان را از هر گونه جدال در حریم کعبه منع کرده چگونه حکام سعودی و به خود این اجازه را میدهند که میهمانان خدا را به گلوله بسته و در برابر راهپیمائی مسالمت آمیز به آنها این چنین قتل و کشتار را به راه اندازند.

در همین رابطه جنبش امل امروز را روز اعتصاب عمومی اعلام کرده است در حالیکه به همین مناسبت مراسم عزاداری در بسیاری از مساجد بیروت و جنوب لبنان با قرائت قرآن از و بلندگوها از دیشب آغاز شده و کلیه مناطق مسلمان نشین لبنان غرق در عزاداری شده اند .

در ضمن موسسات سعودی در جنوب بیروت، بانکهای وابسته به سعودی ها و ساختمان و هم خانی سفارت این کشور به دژهای مستحکمی تبدیل شده و نیروهای سوری با احداث په سنگر بندیهایی در اطراف آن حفاظت آنرا تشدید کرده اند .

پاکستان رهبر شیعیان پاکستان خواهان اعتراض علیه عربستان در رابطه با درگیری بین زائرین شیعه ایرانی و پلیس عربستان در شهر مقدس مکه شد. عارف الحسینی گفت ساکت ماندن در باره بیرحمیها) یک جنایت خواهد بود.

وی افزود: دولت سعودی برای این دستور قتل عام را داد که تحمل چیزیکه وی از آن به بعنوان (تحقیر) متحدش آمریکا نام برد را نداشت.

انگلیس اتحادیه های انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا با صدور بیانیه ای ضمن محکوم کردن جنایات آل سعود در کشتار حجاج بیت الله الحرام اعلام کرد.

طراح و مقصر اصلی آن آمریکای جنایتکار میباشد که در پی شکست های مفتضحانه خود کا در خلیج فارس به دولت سعودی دستور میدهد که دست باینکار ضد بشری بزند و مسلمین را در بود و

جائی که خانه امن الهی است بشهادت برساند. در همین حال (موسسه اسلامی) در لندن کشتار حجاج شرکت کننده در تظاهرات مکه را بشدت محکوم کرد و آمریکا و عراق را مسئول اصلی این جنایت خواند.

دانشجویان عراقی نیز در انگلیس در این رابطه گفتند، اجتماعی در اعتراض به اقدام رژیم و ریاض برپا خواهند کرد آنها از جانب مسلمانان ستمدیده عراق این کشتار وحشیانه را محکوم کردند. در همین رابطه کانون توحید لندن نیز در سمیناری که از سوی گروهی از مسلمانان مقیم انگلیس در کانون توحید لندن برگزار شد، اعلام کرد توطئه کشتار زائران بیت الله الحرام چیزی ای جز تلاش آمریکا و آمریکائیان برای گرفتن انتقام شکست ها و فضاحت های خود در خلیج فارس نیست و بی تردید این فاجعه اراده ملت مسلمان و فرزندان خلف آنها را بر واحدهای شهادت خلیج فارس برای دادن پاسخ لازم به آمریکا و شکستن دندان های پوسیده آمریکا بر دهان خون آلودش راسخ تر خواهد کرد.

سوئد، مسلمانان مقیم سوئد علیه جنایات آمریکا و رژیم عربستان سعودی که در کشتار زائران پر بیت الله الحرام در مقابل خانه خدا تجلی کرد در برابر سفارت آمریکا در سوئد دست به تظاهرات زدند.

در این تظاهرات اعلام شد که خاندان سعودی با دست زدن به جنایت بیسابقه ای در کنار خانه خدا بر روی حجاج ایرانی و غیر ایرانی مسلسل گشودند. و سعودیها با به خاک و خون کشیدن صدها تن درخانه خدا اینگونه مراتب نوکری خود را به شیطان بزرگ به نمایش گذاردند .

از سوی دیگر امام جماعت مسجد شیعیان «ترول همتان، سوئد، امام جماعت مسلمانان مهاجر اوگاندا، پاکستان و هندوستان، امام جماعت مرکز اسلامی انجمن حسینی نروژ با محکومیت شدید جنایات رژیم آل سعود اعلام کردند.

دست نشانندگان آمریکا روز جمعه در ماه حرام و در بیت الله الحرام دستشان را به خون مسلمانان آغشتند مسلمانانی که تجمع کرده بودند تا با پیمان با الله از مشرکین اعلام برائت نمایند. وابولهب زمان بار دیگر به دستور آمریکا خون بهترین مسلمانان زمان را در خانه خدا به زمین ریخت.

یونان مسلمانان مقیم یونان در نخستین واکنش نسبت به قتل عام زائرین ایرانی توسط پلیس

عربستان در مکه از این اقدام ابراز شگفتی کردند .

محمد آقا، مفتی مسلمانان در اگزانتی واقع در شمال یونان اعلام کرد این واقعه بسیار دردناک است .

وی افزود : مطرح کردن امور سیاسی یکی از وظایف مسلمین در طول حج است و حجاج ایرانی عمل غیر شرعی مرتکب نشده اند .

همچنین «محمدحسین» از وکلای مسلمانان این شهر گفت این واقعه باید مسلمانان خواب الود در سراسر جهان را بیدار سازد.

بیانیه کمیته سمینار حج هند در حالیکه زوار خانه خدا از جمهوری اسلامی ایران به همراه مسلمانان سودانی ، لبنانی، ترک، بنگلادشی و افغانی و بعضی دیگر از کشورهای اسلامی در حال انجام یک راهپیمایی صلح آمیز غیر مسلحانه و اعتراض آمیز بر علیه دشمنان اسلام بودند نخست از سوی ماموران پلیس سعودی در لباس غیر نظامی از بالای بام ساختمان ها مورد هجوم سنگ و سپس شلیک - گازهای اشک آور قرار گرفتند.

با اینکه زوار صبورانه این مزاحمتها را تحمل کردند و عکس العمل نشان ندادند پلیس سعودی به سوی آنان آتش کور گشود.

بیانیه مذکور سپس با تاکید بر اینکه تیراندازی به زوار زن خلاف کلیه قوانین اسلامی است اضافه کرد، غیر انسانی تر و شرم آورترین جنایت در این جریان هدف قرار دادن زنان بی پناه و به شهادت رساندن صدها تن از آنان است.

در ادامه بیانیه مذکور آمده است ما ضمن تقبیح شدید این جنایت ضد اخلاقی برای این شهدا و دیگر زواری که زندگیشان را در جوار خانه خدا از دست دادند مقامی رفیع و درجه ای .

شامخ مسئلت می کنیم و از دولت سعودی مصرانه می خواهیم جنایات بی رحمانه و تنفر انگیز خود بر علیه زوار و میهمانان حرم شریف را فوراً متوقف کند.

کمیته برگزار کننده سمینار سراسری حج هند در خاتمه با استناد به آیات و روایات مقدس قرآن و سنت تاکید کرد کسانی که به بهانه قرآن و سنت زنان مسلمان را هدف گلوله قرار دهند پیرو اسلام نیستند بلکه براستی پیروان شیطان یزید و دشمنان اسلامند.

این انسانهای حیوان صفت شبیح زشتی برنام مقدس و زیبای اسلام می افکنند و تاریخ اسلام نیز هرگز این عناصر پلید را فراموش نخواهد کرد.

سیرالئون گروه‌های مختلف مردم، ائمه جمعه و جماعت و انجمنها و سازمان های اسلامی سیرالئون با مراجعه مستقیم به رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در این کشور و ارسال پیام های تلفنی ضمن ابراز تاسف شدید خود از مصیبت دردناک فوق و انزجار از این عمل وحشیانه عوامل استکبار جهانی و دشمنان اسلام، مراتب همدردی خویش و عرض تسلیت به حضور و مسلمانان جهان بخصوص امام امت و ملت ایران و بازماندگان این فاجعه را اعلام کردند. و در این میان (الحاج بنگورا) به نمایندگی از طرف فدراسیون اسلامی اعلام داشت در نامه ای که فدراسیون مذکور به حضور نماینده محترم امام در حج ارسال نموده و همچنین اعتراض و برنامه ای که به رژیم عربستان نگاشته است، این عمل وحشیانه را محکوم کرده است.

م ابراهیم منصاری و کیل اعلام داشت ما می دانیم تظاهر کنندگان تنها ایرانی نبوده اند و حرمین شریفین تنها متعلق به عربستان نیست و این حق مسلمانان است که در مکه حرف خود را بزنند و از کفار تبری جویند من اطمینان دارم که مردم علیه عربستان شعار نداده اند.

شیخ سلیمان سواری در ملاقات خود اظهار داشت که این مصیبتی است که در حقیقت بر و همه ما و تمام مسلمین جهان وارد شده است. | روزنامه نگاران محکوم کردند قتل عام مسلمانان در مکه از سوی جمعی از خبرنگاران مسلمان آفریقای جنوبی نیز محکوم کلی و جنایت غیر قابل تحمل صافی ناز کاظم) خبرنگار برجسته مصری در مصاحبه ای تلفنی با خبرگزاری جمهوری اسلامی قتل عام زائرین ایرانی در مکه را (جنایتی غیر قابل تحمل) توصیف کرد.

روزنامه کیهان ۶۶/۵/۱۹ انعکاس فاجعه قتل عام مکه توسط حکام سعودی و در جهان اسلام بیروت - واحد مرکزی خبر :

شهادت صدها تن از زائران خانه خدا توسط عمال رژیم سعودی، با موجی از نکوهش و

اعتراض گسترده محافل اسلامی لبنان مواجه شده است. بهمین مناسبت در منطقه جنوب لبنان امروز عزای عمومی از سوی جنبش امل اعلام گردیده است. حزب الله لبنان نیز کشتار صدها تن از حجاج بیت الله الحرام را تجاوزی آشکار به خانه خدا دانسته و تاکید به عمل می آورد او که امنیت و سلامت حجاج بایستی بر عهده افراد مؤمن قرار گیرد و دیگر جایز نیست خادمان آمریکا و فرانسه در جوار کعبه باقی بمانند.

در بیانیه صادره از سوی حزب الله، تاکید به عمل آمده است که استکبار جهانی پس از دلسرد شدن از ضربه پذیری انقلاب اسلامی، این بار قرآن کریم و امت محمد(ص) را هنک حرمت کرده و خدمتگزاران خود را به ارتکاب این چنین جنایت وحشتناکی واداشته است. ما به به آمریکا اخطار میکنیم که دیگر جایی در بلاد اسلامی ندارد و اینکه اسلام بیا خواسته تایوغ استعمار و زنجیر بردگی را بگسلد.

حزب الله نیز کشتار زائران خانه خدا را طراحی آمریکا دانسته است و خطاب به مسلمانان به هشدار می دهد که دشمن از کلمه «لا اله الا الله» به هراس افتاده و در صدد سرنگونی آن حتی در کعبه شریفه میباشد و لذا مزدوران در حجاز دهها تن از مسلمانان را بشهادت میرسانند. از هم اینرو مسلمانان بایستی با فشرده ساختن صفوف و تحکیم وحدت خود به این حمله آشکار کفار پاسخ دهند. سید حسین موسوی رئیس جنبش امل اسلامی نیز ضمن تبریک و تسلیت شهادت و تعداد زیادی از حجاج بیت الله الحرام به پیشگاه امام زمان و نایب برحقش امام امت، در به یادداشتی تاکید میدارد که آمریکا و فرانسه و دیگر قوای ظلم در آب های خلیج فارس مجبور به شکست بوده و به همراه آنان مزدورانی مانند «شاه حسن مراکشی» و «حسین اردنی» و حکام سعودی که بجای تمسک به حبل الله المتین به بت های جدید متوسل شده نابود میشوند.

همچنین سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت با صدور بیانیه ای این فاجعه شیطان را در چهار چوب جنگ کفر علیه اسلام و مسلمانان دانسته و هشدار می دهد، جنایت آنان که احساسات مسلمانان را جریحه دار ساخته بی جواب نخواهد ماند. در این بیانیه از امت حزب هم الله لبنان دعوت شده که در روزهای یکشنبه و دوشنبه با حضور در مقر سفارت در مجلس عزاداری شرکت نمایند. دیگر مؤسسات جمهوری اسلامی ایران در لبنان نیز همراه با امت سلحشور ایران در برپایی مجالس عزاداری مشارکت دارند.

ابراز همدردی امام جماعت مسجد دهلی هندوستان با مصیبت دیدگان جنایت آل سعود از جانب دیگر، در بی پخش خبر فاجعه بشهادت رسیدن زائران ایرانی خانه خدا، مولا و

عبدالله بخاری، امام جماعت مسجد دهلی عصر دیروز برای ابراز همدردی با خانواده و شهدای ایرانی، مردم، دولت و رهبریت جمهوری اسلامی ایران به سفارت جمهوری اسلامی ایران در دهلی نو آمد و پیام ذیل را برای مردم مسلمان ایران فرستاد: هدف من اتحاد بین مسلمین است لیکن خبر امروز بی نهایت دلشکن و مایه افسوس است که در حریم پاک مکه معظمه بیش از دویست حجاج ایرانی و غیر ایرانی را شهید کردند. «أنا لله و انا الیه راجعون»، از یک طرف کوششهایی برای ایجاد اتحاد بین مسلمانان جریان دارد و از طرف دیگر پلیس و عربستان سعودی بسوی حجاج تیراندازی میکنند. عملی که در این کوشش، وقفه بی انتها و بوجود آورده است، من فکر میکنم در این اعمال غم انگیز دست دشمنان بزرگ، مسلمانان در کار است. بهر حال این حادثه دلها را می خراشد. و من مراتب همدردی و غم بزرگ خود را به حجاج زخمی و مصدوم خانواده شهدا، مردم و حکومت اسلامی ایران اعلام میدارم. و برای مغفرت شهدا دعا میکنم. این عمل اندوهناک از نظر من شدیداً محکوم است.

روزنامه اطلاعات ۱۳۶۶/۵/۱۱ سرویس خارجی کیهان: کشتار حجاج ایران به دست نیروهای مزدور فهد همچنان از سوی محافل مختلف محکوم می شود.

لبنان نظر ۵۰ شخصیت روحانیون برجسته لبنانی، علمای دانشگاه دولتی الازهر مصر را متهم ساختند که در صدد ایجاد اختلافات فرقه ای بین مسلمانان هستند.

به گزارش خبرگزاری فرانس پرس حدود ۵۰ تن از شخصیت های سنی و شیعه لبنان اعلام کردند موضعگیری الازهر در قبال جنایاتی که آل سعود در روز جمعه گذشته مرتکب شد در جهت ایجاد تفرقه در بین مسلمانان و تضعیف وحدت مسلمین می باشد.

علمای لبنان از این که الازهر بدون آنکه منتظر تشکیل یک کمیته تحقیق اسلامی بشود، حجاج جمهوری اسلامی ایران را محکوم کرده، اظهار شگفتی کردند. روحانیون لبنانی همچنین از علمای مسلمان مصر و سایر نقاط دنیا دعوت کردند تا حافظ وحدت مسلمانان بوده و به وظیفه خود مبنی بر حمایت از مظلومین عمل کنند.

سیرالئون صدها تن از مسلمانان سیاه پوست سیرالئون از نقاط مختلف این کشور صبح شنبه ضمن بر

اجتماع در محل سفارت جمهوری اسلامی ایران در فری تاون پایتخت سیرالئون ضمن اظهار حمایت از راهپیمایی حجاج ایرانی عمل فاشیستی پلیس سعودی را محکوم کردند. در این تجمع که یکی از گویندگان سیاه پوست و با احساسات بسیار شدید و تألم سخن میگفت، اظهار داشت: این عمل ضد اسلامی و فاشیستی رژیم عربستان سعودی و کشتار زائرین خانه خدا بدستور اربابش آمریکا روشنگر حقانیت انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی و باطل بودن اسلام نماهای سعودی وهابی است .

آفریقای جنوبی، جنبش جوانان مسلمان رئیس جنبش جوانان مسلمان در آفریقای جنوبی ضمن محکوم کردن رژیم آل سعود تلاش رسانه های غربی در پی فاجعه مکه برای ایجاد نفاق در میان جهان اسلام را شدیداً مورد انتقاد من قرار داد.

وی تاکید کرد ما از پیروان اهل سنت هستیم و علیرغم داشتن اختلافات عقیدتی با برادران شیعه حقیقت را انکار نمی کنیم و در کنار برادران و خواهران ایرانی خود می ایستیم.

امام حافظ عبدالرشید عمر سه شنبه در یک مصاحبه تلفنی از شهر کیپ تاون آفریقای جنوبی با خبرگزاری جمهوری اسلامی در لندن افزود ما معتقدیم برادران و خواهران ایرانی مورد بی حرمتی واقع شده اند و به هیچ وجه با خانواده فاسد آل سعود احساس همدردی نمی کنیم، این جنبش ۱۷ سال پیش تشکیل و مرکز آن در شهر کیپ تاون می باشد.

کنیا و سریلانکا گروههای مختلف مردم کشورهای کنیا، وسریلانکا با مراجعه مستقیم به رایزنی فرهنگی ایران در این کشورها و همچنین با ارسال پیامهای تلفنی ضمن ابراز تاسف شدید از این مصیبت مراتب انزجار خود را از این عمل وحشیانه عوامل استکبار و دشمنان اسلام اعلام کردند.

در مجلس یادبودی که به همین مناسبت در کنیا برگزار شد سخنرانان ضمن برشمردن اهمیت حریم خانه خدا که حتی مردم در عهد جاهلیت نیز حرمت آنرا نگاه میداشتند جنایت هولناک پلیس سعودی را محکوم کرده و مراتب همدردی خود را با مردم ایران ابراز داشتند.

جنبش صراط المستقیم سریلانکا نیز طی اطلاعیه ای قتل عام زائران در مکه معظمه توسط رژیم سعودی را به شدت محکوم کرد.

بر اساس گزارش رسیده در اطلاعیه صادره از سوی این جنبش آمده است ما مسلمانان



سريلانكا قتل عام حجاج در مکه توسط پليس وحشى رژيم سعودی را محکوم می کنيم و با اندوه فراوان به خانواده های داغدار اين حادثه تسليت می گوئيم و اميدواريم که خون پاک آنها موجبات سرنگونی حکام وهابی وحشى حجاز را فراهم آورد.

ماهنامه «الاسلام» نشریه مسلمانان سريلانکا نیز طی خبری تحت عنوان خادم حرمين شريفين نگهبان منافع صليبيون در عربستان با چاپ عکس فهد پادشاه عربستان در حالی که قيد هم بندگی صليبيون را به گردن دارد ضمن درج مطلب فوق می نويسد: فهد بن عبد العزيز پادشاه عربستان در سفر اخير خود به آمريکا و انگليس طی مراسمی مفتخر به دريافت مدال صليبي از و سوی ملکه اليزابت گرديد.

ماهنامه الاسلام می افزايد: شادی پادشاه عربستان از دريافت مدال صليبي از ملکه به اليزابت بحدی بود که موافقت خود را با امضاء يک قرارداد بازرگانی يک ميليارد پوندي بين عربستان و انگليس اعلام کرد.

آرژانتيں بيش از صد نفر از مسلمين آرژانتيں از فرقه های مختلف در اجتماعي که در مسجد التوحيد هم بوينوس آيرس ترتيب دادند، نسبت به کشتار زوار خانه خدا توسط عمال آل سعود ابراز تنفر وانزجار کردند.

در اين مراسم چند تن از نمايندگان گروه ها و انجمن های مسلمانان عرب تبار آرژانتيں سخنرانی کردند.

از سوی اتحاديه انجمن های اسلامی دانشجويان در اروپا، شاخه انگلستان، تظاهراتی در برابر سفارت عربستان سعودی در لندن برپا شد.

در اين تظاهرات گروهی از مسلمانان غير ايرانی از کشورهای اسلامی ، مسلمانان انگليس و آفريقائی نیز شرکت داشتند .

روزنامه کيهان ۱۳۶۶/۵/۹۴

ص: ۶۱۰

دعوت حجت الاسلام والمسلمین کربوبی برای برگزاری اربعین شهدای مکه بسم الله الرحمن الرحیم ومن یخرج من بینه مهاجرا الی الله ورسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله چنانچه ملت معظم و عزیز ایران و مسلمانان جهان مستحضرند روز ششم ذیحجه سال ۱۴۰۷ هجری قمری رژیم غاصب حجاز در یکی از وحشیانه ترین یورشها که در تاریخ کم نظیر و و بود به صفوف متحد و یک پارچه موحدانی که با شعارهای الموت لامریکا - الموت الروسیا و الموت لاسرائیل از سردمداران و ائمه کفر اعلام براءت میکردند، حمله کرد و با استفاده از گلوله های جنگی گازهای خفه کننده با ضربات سخت چوب، سنگ و باطوم صدها تن را شهید و هزاران نفر را مجروح کرد و از آن دردناکتر آنکه حرمت خانه خدا و حرم امن الهی نیز شکسته هم شد و خائنین به حرمین شریفین به نمایندگی از سوی آمریکای جنایتکار با این جسارت عظمائی که بر حرم روا داشتند مسلمین دنیا را داغدار و خود را در معرض سختترین انتقام جهان اسلام قرار دادند.

این جانب ضمن تبریک و تسلیت به پیشگاه امام عصر عج و مقام معظم رهبری که در این مصیبت اسف بار بی تاب شده اند و به مردم مسلمان جهان و خانواده های معظم شهدای مکه هر که ایام چهلم شهادت این عزیزان مصادف شده است با ایام سوگواری اسوه و الگوی همه شهیدان انقلاب اسلامی حضرت حسین بن علی (ع) با تقدیر از مردم مقاوم و همیشه در صحنه که در ایام حج در تظاهرات کم نظیر حمایت خود را از حجاج مظلوم اعلام کرده اند و با تشکر از حج گزاران حج خونین امسال که در میهمانی خدا و در کنار خانه خدا که خانه خودشان بود با روحیه ای وصف ناشدنی بیشترین مقاومت را داشته اند از همه اقشار مختلف مردم در سراسر میهن اسلامی دعوت می کنم به خاطر بزرگداشت یاد شهدای گرانقدر مکه در این شرایط حساس کشور که حماسه سازان عاشورا می روند تا ضربات سختی به پیکر نیمه جان رژیم حاکم بر عراق وارد آورند با حضور در راهپیمایی بزرگ روز جمعه بیستم شهریور ماه یکبار دیگر سراسر فضای ایران را تبدیل به فریاد یکپارچه علیه آمریکا و حکام آل سعود نمایند تا با کمک فکری روشنفکران و علمای جهان اسلام که باید برای اداره حرمین شریفین فکر نمایند و در راه آزادی آن از دست حکام بی لیاقت آل سعود با پشتیبانی هسته های مقاومت حزب الله در

سراسر دنیا تلاش کنند در آینده ای نه چندان دور شاهد برپائی حج اسلامی بدور خانه ای که متولی آن بجای غاصبان امروز مسلمین جهان باشند باشیم.

مهدی کروی روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۱۴ شهریور ۱۳۶۶

ص: ۶۱۲

## دعوت حجت الاسلام والمسلمین کروی برای برگزاری اربعین

اعلام آمادگی گسترده اقشار مختلف مردم جهت و شرکت در راهپیمائی عظیم اربعین شهدای جمعه خونین مکه بخش خبری : در آستانه چهلم شهدای گرانقدر جمعه خونین مکه، اعلام حمایت همه جانبه اقشار ملت، ائمه جمعه و جماعت، روحانیون، انجمنها، جمعیتها، نهادهای انقلاب اسلامی و ارگانهای مختلف برای شرکت گسترده در راهپیمائی سراسری اربعین شهدای مکه که روز جمعه بیستم شهریور ماه برگزار میشود ابعاد گسترده تری یافت.

بیش از ۴ هزار تن از ائمه جمعه و جماعت و علمای اهل تسنن چهارده شهر کردستان با امضا و ارسال طومارهایی به محضر امام امت رژیم آمریکایی آل سعود را بخاطر بی حرمتی به حرمین شریفین و کشتار بیرحمانه حجاج بیت الله الحرام محکوم کردند.

### اعلام آمادگی گسترده اقشار مختلف مردم

ائمه جمعه و جماعت، روحانیون، علما و شورای روحانیت و اعضاء شعب مرکزی بزرگ و اسلامی شهرهای سنندج، مهاباد، سقز، ارومیه، پاوه، مریوان، بانه، روانسر، بوکان، سلماس، ثلاث باباجانی، کامیاران، اشنویه، نقده و جوانرود با امضاء این طومارها ضمن محکوم کردن جنایات رژیم آل سعود در فاجعه جمعه خونین مکه، آمادگی خود را برای حضور در راهپیمائی گرامیداشت اربعین شهدای جمعه خونین مکه اعلام کردند.

شورای مرکزی مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور نیز ضمن تجدید میثاق با امام امت و محکوم کردن جنایات رژیم آل سعود در جمعه خونین مکه مکرمه، اقشار مختلف مردم بخصوص علمای متعهد منطقه را به شرکت در راهپیمائی گرامیداشت اربعین شهدای جمعه خونین مکه فراخواند.

جامعه روحانیت مبارز تهران ضمن اعلام شرکت گسترده خود در راهپیمائی سراسری چهلم شهدای جمعه خونین مکه اعلام کرد: کشتار بیرحمانه زائران بیت الله الحرام و شکستن حرمت حرم امن الهی حادثه ای نیست که بتوان از آن گذشت و آنرا بدست فراموشی سپرد.

امام جمعه گرگان نیز در تلگرامی به محضر امام امت اعلام کرد: ائمه جمعه و جماعات و مردم شهید پرور منطقه گرگان و دشت، ضمن شرکت گسترده در راهپیمائی جمعه آینده، اعلام میدارند برای انتقام خون شهدای حادثه مکه منتظر اوامر مطاع آنحضرت هستند.

امام جمعه ایلام نیز در تلگرامی به محضر امام امت آمادگی اهالی شهیدپرور و مقاوم استان ایلام را برای شرکت در راهپیمایی مراسم بزرگداشت اربعین شهدای مظلوم و بیدفاع مکه اعلام و هم کرد.

جامعه انجمنهای اسلامی بازار و اصناف تهران، اطاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، مجمع امور صنفی و شورای مرکزی اصناف تهران با انتشار اطلاعیه مشترکی اعلام کردند:

اصناف، بازاریان و بازرگانان تهران ضمن گرامیداشت اربعین شهدای مظلوم جمعه خونین مکه در راهپیمایی سراسری روز جمعه بیستم شهریور ماه شرکت خواهند کرد.

روابط عمومی اداره عقیدتی سیاسی شهربانی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: پرسنل به شهربانی جمهوری اسلامی ایران همگام با امت شهیدپرور و در کنار سایر نیروها در راهپیمایی اربعین شهدای فاجعه خونین مکه مکرمه شرکت خواهند کرد.

همچنین حجت الاسلام موسوی نماینده امام در منطقه کردستان با ارسال تلگرامی به ه محضر امام امت آمادگی جامعه روحانیت منطقه کردستان را برای شرکت در راهپیمایی روز هم جمعه اعلام نمود.

همچنین قائم مقام نماینده امام در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طی اطلاعیه ای به محضر امام امت اعلام کرد: از سوی کلیه فرماندهان، مسئولین و اعضاء سپاه و بسیج معروض میدارد که به منظور اعلام آمادگی کامل برای انتقام از خون شهدا و تنبیه متجاوزین به حریم کعبه و جانبازی در این راه به هر صورت ممکن، در راهپیمایی پرشکوه روز جمعه ۲۰ شهریور ماه که هم بدعوت نماینده حضرت امام برگزار میشود به اتفاق خانواده های خود شرکت خواهند کرد. و در همین رابطه وزارتخانه ها، ارگانها، نهادها و موسسات مختلف کشور طی اطلاعیه های جداگانه ای ضمن بزرگداشت اربعین شهدای فاجعه جمعه خونین مکه، حمایت خود را از راهپیمایی گسترده مردم حزب الله جهت افشای اعمال ننگین جنایتکاران آل سعود در روز و جمعه ۲۰ شهریور و گرامیداشت شهدا اعلام کردند .

## شعارهای راهپیمایی اربعین شهدای مکه مکرمه

شعارهای راهپیمایی اربعین شهدای مکه مکرمه شد اربعین شهدای حرم شد عامل اجرای طرح ریگان قربانیان جان فدای حرم آن خائن الحرم فهد به دوران شد اربعین عاشقان کعبه قل هو الله احد یاد آور قربانیان کعبه مرگ بر شاه فهد قدرحرم شکسته شد مسلمین تبت یدای لیب عدالت خسته شد مسلمین بریده باد دست فهد حریم امن کردگاری چون فریاد یا محمدا و از خون میهمانان حق شد گلگون کشتند زائر خدا مکه اسیر چنگ شیطان شده بر شهدای مکه از حق درود قتلگه صدها مسلمان شده لعنت جاوید بر آل سعود حریم امن کعبه الهی امروز اربعین عاشقانست مظلومی ما را دهد گواهی از چشم زمزم سیل خون روانست آن جمعه خونین که عاشورا بود شعار هر مسلمان، آزادی و رهایی است یک صحنه از صحنه کربلا بود اسلام آل سعود، اسلام آمریکائی است امسال دلها پر زمانم گردید ای اهل ایمان، کعبه در زنجیر است ذیحجه ما هم محرم گردید مدینه در بند ستم اسیر است

ص: ۶۱۵

حریم امن کردگار و دود ما در جهان شور بیا می کنیم گردید جولانگاه آل سعود کعبه و قدس را رها می کنیم خون شهید کربلا می جوشد در پنجه صهیونیان گرمسجدالاقصی بود در بیت حق خون خدا می جوشد کعبه و مسجد نبی در دست آمریکا بود کشتار زائران بیت الحرام ای پیروان قرآن این ذلت و ننگ ماست با طرح شیطان بزرگ شد انجام که پرده دار کعبه فرمانبر آمریکاست شد اربعین کشته راه دین ای مسلمین، امروز اربعین است قربانی برائت از مشرکین یادآور آن جمعه خونین است در حرم امن خدا خیانت چون گل شدند پرپر در کعبه اهل تقوی آل سعود نموده اند جنایت نفرین به شیخ نجدی این نوکر آمریکا کشتند مردان و زنان زائر ای فهد، خصمت امت اسلام است حکومت سفیانیان جائر فریاد ماناقوس انتقام است لعنت حق بر دشمنان اسلام ای زاده بولهب، ای فهد آمریکائی ریگان دون، آل سعود و صدام هر جاروی نیابی از خشم مارهائی نفرت مسلمین ز آل سعود قدس بود نوحه گر از طاغیان یهود خدمتگزار صهیونیست و یهود کعبه بود اشک ریز از جور آل سعود برائت از مشرکین پیش فهد گناه است این نوکر آمریکا تیره دلی گمراه است روزنامه جمهوری اسلامی

چهارشنبه ۱۸ شهریور ۱۳۶۶

## راهپیمائی میلیونی اربعین شهدای مکه

در راهپیمائی میلیونی اربعین شهدای مکه در سراسر کشور به نمایش گذاشته شد :

اعلام آمادگی ملت برای رهاسازی کعبه از سلطه آمریکا و آل سعود ایران دیروز در اربعین شهدای خونین مکه بیت الله الحرام یکصدافریاد از خشم و نفرت و انتقام جوئی علیه آمریکا و ددمنشی جابران آل سعود در کشتار زائرین خانه خدا در کنار حرم امن الهی بود.

ملت مقاوم و ایثارگر ایران دیروز با اعلام انزجار از خائنین حرمین شریفین به جهانیان مجدداً تفهیم کردند که حکام حاکم بر حجاز چون خنجری بر قلب مسلمین جهان فرو رفته اند و وصلاحت کلیدداری حرم الهی را ندارند.

ایران دیروز به رغم گذشت چهل روز از قتل عام زائرین خانه خدا همچون روز اول فریاد انتقام برآورد. فریاد میلیونی ملت ایران در راهپیمائی گرامیداشت اربعین شهدای خونین کعبه نشان داد که مسلمین هرگز در برابر فاجعه شکسته شدن حرمت و امنیت آن سکوت نخواهند کرد.

سمبولهای خونینی از کعبه که دیروز زینت بخش صفوف مقاوم انتقام جویانه میلیونها انسان موحد در تمامی ایران اسلامی بود حکایت میکرد که مسلمین عزم خود را به نابودی آل سعود و پیوستن آنها به صف اسلافشان در جهنم خشم الهی جزم کرده اند.

در فضای ایران اسلامی دیروز فقط فریاد انتقام از مستکبرین زمانه و جاهلان آل سعود بوده دریائی از انسانهای موحد و کفن پوش و آماده شهادت که فریاد میکردند «حرم امن الهی را به مسلمین باز خواهند گردانند و دوران در بند بودن حرمین شریفین به پایان رسیده است».

بر اساس این گزارش از نخستین ساعات بامداد دیروز مردم تهران با انجام یک راهپیمائی کم نظیر که بی شک راهپیمائیهای میلیونی ملت ایثارگر در روزهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی را یادآوری میکند اربعین شهدای مکه مکرمه را گرامی داشتند.

توده های میلیونی مردم حزب الله دیروز در گرامیداشت اربعین خونین کفنای بیت الله الحرام از نقاط مختلف تهران به دعوت حجت الاسلام والمسلمین کربوبی نماینده حضرت امام و سرپرست حجاج ایرانی با انجام یک راهپیمائی بزرگ و کم نظیر رو به سوی میعادگاه موحدان و خداجویان نماز جمعه آوردند و با این حضور عاشقانه بار دیگر بر این یقین دیرینه تأیید



گذارند که حکام جابر و جاهل آل سعود صلاحیت اداره حرمین شریفین مکه و مدینه را نداشته و مسلمین حرم الهی را از زنجیر اسارت و هابییون ساخته صهیونیسم و استکبار خواهند رهانید.

هم دهها هزار پلاکارد که بر روی آنها جملات و شعارهای گوناگونی در محکومیت عمل جابران آل سعود در کشتار زائرین خانه امن الهی نوشته شده بود و صدها ماکت از کعبه که در خون طپیده بود و فریادهای مشترک «مرگ بر آمریکا» - «مرگ بر اسرائیل» «مرگ بر آل سعود» مرگ بر فهد عامل یهود» - «مرگ بر آل سعود» خلفای یهوده از ویژگیهای راهپیمایی کم نظیر گرامیداشت خاطره شهدای جمعه خونین مکه بود.

حضور مجاهدین و مبارزین عرب از گروههای مبارزی چون جزیره العرب، جبهه آزادیبخش بحرین - مجاهدین مسلمان افغانی و مجاهدین عراقی که همچون دیگر راهپیمایان به گونه ای سنتی به عزاداری شهدای بیت الله الحرام پرداختند نیز از دیگر ویژگیهای راهپیمایی بزرگ مردم تهران بود.

مجاهدین و مبارزین مسلمان در حین راهپیمایی با سر دادن شعارهایی به عزم خود برای رهانیدن حرمین شریف تاکید کردند و با پخش اطلاعیه ها و اعلامیه هائی پرده از بخشی وابستگی ها و سرسپردگیهای آل سعود به استکبار جهانی برداشتند.

جمعیت میلیونی تظاهر کننده فریاد میکردند که «اگر امام فرمان دهد کعبه رها میشود» و «تبت بدا ابی لهب بریده باد سرفهد» و

...

گزارش خبرنگاران حاکیست زیباترین صفوف را در صفوف گسترده و متراکم راهپیمایان تهرانی، کودکان و نوجوانان بازمانده شهدای فاجعه جمعه خونین مکه تشکیل میدادند که با هم لباس احرام گونه عکسهای از مادران و پدران شهید خود را در حلقه ای از گل قرار داده بودند عزم خود را در استمرار بخشیدن به حرکت براهت جویانه شهدای خود از مستکبرین به نمایش گذاشتند.

شخصیت های سیاسی و مذهبی کشور و نیروهای نمونه نظامی و انتظامی نیز با پیوستن به صف گسترده و فشرده راهپیمایان و همگامی با آنان، درخواست راهپیمایان مبنی بر انتقام گرفتن از حکام آل سعود، بواسطه جنایت بزرگ مکه که منجر به شکسته شدن قداست مکه شد تاکید و گذاردند.

در راهپیمایی تجلیل از شهدای بخون طپیده مکه دهها پرچم آمریکا به نشانه همکاری در قتل

عام زائرین خانه خدا به آتش کشیده شد.

همین گزارش حاکیست که تا زمان ایراد اولین خطبه نماز توسط آیت الله خامنه ای امام جمعه تهران هنوز دریائی از جمعیت بسوی دانشگاه تهران در حرکت بود. نماز جمعه امروز تهران را فقط میشد با نماز جمعه ای که در روز قدس دو سال پیش اقامه شد مقایسه کرد.

صدها تن از راهپیمایان که محلی برای اقامه نماز در محوطه دانشگاه نیافته بودند نماز جمعه را در خیابانهای اطراف دانشگاه که این هفته تا تقاطع ولی عصر در خیابان طالقانی حوالی فلسطین در بلوار کشاورز امتداد یافته بود بجا آوردند.

هزاران موتورسوار که پرچم های مزین به کلمات طیبه «لا اله الا الله محمد رسول الله» بر هم روی آنها نوشته شده بود حمل میکردند با حرکت در خیابانهای اطراف دانشگاه تهران و به به شعارهای مرگ بر فهد و آمریکاشکوهی خاص به راهپیمائی تهران داده بودند و آدمکهایی از فهد وریگان که سر در گوش هم دارند حکایت از همپالگی این دو مفسد میکرد.

راهپیمائی میلیونی در تهران با قرائت قطعنامه ای که در آن به ضرورت اداره حرمین شریف به توسط کشورهای اسلامی و تصمیم قاطع مسلمین به خلع ید از حکام جابر آل سعود از اداره حرمین شریفین و سرنگون ساختن آنان از اریکه قدرت و غضب سرزمین مقدس حجاز تاکید داشت در حالی پایان یافت که هنوز صدها هزار نفر از راهپیمایان در خیابانهای اطراف دانشگاه هم در تهران در حال پیوستن به صفوف نماز گزاران جمعه بودند.

در پایان راهپیمایی بزرگ اربعین شهدای مکه قطعنامه ای قرائت شد که با تکبیر نماز گزاران مورد تایید قرار گرفت.

روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۲۱ شهریور ۱۳۶۶

ص: ۶۱۹

طی یک راهپیمایی باشکوه در اربعین شهدای جمعه خونین مکه میلیونها مسلمان عدم صلاحیت حکام آمریکائی حجاز را برای اداره حرمین شریفین اعلام کردند سرویس اجتماعی کیهان - میلیونها مسلمان همصدا و هم آهنگ با مشت‌های گره کرده در صفوف به هم فشرده با فریادهای اعتراض علیه آمریکای جنایتکار، خواستار سرنگونی هر چه سریعتر حکام غاصب حجاز شدند. دیروز صفوف بهم فشرده مردم که همچون رودی از اوائل م روز آغاز شد، به دریای خروشان تبدیل شد که بر انتقام خون شهدای جمعه خونین مکه عهد بست.

تهران، شهرستانها، بخشها و حتی روستاهای کشورمان دیروز یکصدا فریاد بود. فریادهای اعتراض علیه آمریکا و غاصبان کعبه حرم امن الهی. دیروز مردم مسلمان بار دیگر با حضور یکپارچه خود در صحنه به جهانیان نشان دادند که در دفاع از اصول انقلاب اسلامی همچنان یکپارچه بوده و بر هر چه که بوی شرک و استکبار بدهد، خروشان خواهند تاخت.

خروش امت دیروز همچون طوفانی بود که بی گمان اثرات آن در آینده ای نه چندان دور به منصفه ظهور خواهد رسید. حضور میلیونها مسلمان در راهپیمایی دیروز بار دیگر همبستگی دامت امام را با امام مستضعفین جهان نشان داد و این همبستگی، خروش و یکپارچگی تیغی دیگر در چشم استکبار جهانی خواهد بود.

گزارش خبرنگاران کیهان از سراسر کشور حاکی است که دیروز از ابتدای صبح، مردم همیشه در صحنه کشورمان گروه گروه به محلهائی که برای راهپیمایی تعیین شده بود، و می آمدند. در برخی مراکز آغاز راهپیمایی جمعیت پس از نماز صبح بتدریج گرد آمد. دیروز اعتراض با زمزمه آغاز شد و با خروش یکپارچه، با فریادهای جمعی که هر گوش ناشنوائی را نیز به شنیدن وا می داشت، خاتمه یافت امت مسلمان مادیروز بار دیگر نشان داد که اهل کوفه نیست. چهلمین روز شهادت شهدای جمعه خونین فرصتی دوباره شد تا میلیونها مسلمان عدم صلاحیت حکام حجاز را برای اداره حرمین شریفین اعلام کنند و رای کبود خود را به این حکام، به جهانیان نشان دهند.

تهران نیز دیروز همچون دیگر شهرها، بخشها و روستاهای کشور یکپارچه فریاد بود و شور.

خشم توفنده مردم تهران با راهپیمایی دیروز بار دیگر شکل ظاهری یافت. گزارش خبرنگاران

کیهان از نقاط مختلف حاکیست که جمعیت دسته دسته پس از طلوع آفتاب به سمت مراکز راهپیمایی براه افتادند. مردان، زنان، بچه ها، همه و همه آمده بودند تا ضمن اعتراض به مداخلات آمریکای جنایتکار در امور کشورهای مسلمان، رای کبود خود را به آل سعود به جهانیان رسماً نشان دهند.

در زیر فشرده گزارشهای خبرنگاران ما را از نقاط مختلف تهران میخوانید:

گزارش خبرنگار کیهان از میدان قزوین حاکی است: صبح دیروز میدان قزوین رنگ دیگری به خود گرفته بود. مردم انقلابی و مسلمان جنوب شهر در این محل گرد هم آمده بودند، تا انزجار خویش را نسبت به قصابان مکه و آمریکای غارتگر نشان دهند. در این میدان، بر روی یک وانت مکت مکه قرار داشت که با پارچه خون آلودی پیچیده شده بود و مردم با دیدن این مکت به گریه افتاده و فریاد می زدند: «تبت یدای لیب، بریده باد دست فهد»، «مکه آزاد هم باید گردد»، «فریاد یا محمدا، کشتند زائر خدا».

از دسته های مختلف که از محلات نازی آباد، عباسی، یاغچی آباد و دیگر مناطق جنوب تهران گرد آمده بودند در میدان قزوین مجتمع شدند و بعد به سمت دانشگاه تهران حرکت کردند. حضور زنان و کودکان در این میدان پیش از هر چیز جلب توجه می کرد. مریم مبارکی یکی از راهپیمایان به خبرنگار ما گفت: فاجعه مکه نشان داد که بین کفر و ایمان، اسلام انقلابی و اسلام آمریکائی، هیچ تشابهی وجود ندارد. و حضور هریک نفی دیگریست و این حادثه پرده های فریب و نیرنگ را پاره کرد و نشان داد که بین ریگان و فهد، صدام حسین و رهبران خائن کویت، مراکش، اردن و مصر هیچ تفاوتی وجود ندارد و آنها همگی نوکرو سرسپرده و حافظ منافع غارتگران جهانی هستند و ملت انقلابی ما باید بداند که جنگ با آمریکا، یعنی جنگ با فهد، صدام و دیگران.

وی ادامه داد: زنان ما در مکه وقتی در حجاز به خون کشیده شدند، نشان دادند که وقتی اسلام در برابر کفر قرار می گیرد، بر زن و مرد مسلمان واجب است که ایستادگی کند و با تقدیم جان خود اسلام را یاری دهد.

یک نوجوان نازی آبادی به خبرنگار ما گفت: تا وقتی بسیجی ها هستند، آمریکا و فهد هیچ غلطی نمی تواند بکنند. آرزوی من این است که در خلیج فارس سربازان مزدور آمریکائی و باصطلاح تفنگداران تعلیم دیده آنها را به درک واصل کنم. بگذار ما با آمریکا وارد جنگ بشویم، تا نشان دهیم که اسلام انسان ها را چه قدرتمند می کند.

صفوف راهپیمایی مردم جنوب شهر تهران هر چه به سمت دانشگاه نزدیک می شد، گسترده تر و بهم فشرده تر می شد. در میدان حر تعدادی زن که کفن بر تن داشتند، به صفوف و راهپیمایان پیوستند. در میان جمعیت و در دست کودکان پوستری به چشم می خورد که در آن بک کاریکاتوریست چهره زبون ملک فهد را تصویر کرده بود که بصورت مضحکهای دشمنی در دست داشت. مردم جنوب شهر در میدان انقلاب به دریای جمعیت پیوستند. و برای خواندن نماز آماده شدند.

خبرنگار دیگر کیهان از میدان امام حسین گزارش می دهد: دقیقی بعد از آغاز راهپیمایی، خیابان انقلاب تا محدوده وسیعی مملو از جمعیت بود. به طوری که امکان تردد در آن وجود هم نداشت و پل های ماشین رو از جمعیت موج میزد. مردم شرق تهران نیز ماکت های کعبه را تهیه دیده بودند و بعضی از مردها لباس سفید احرام به تن داشتند. این راهپیمایان نیز با و شعارهای کوبنده خود خشم و نفرت شان را از غاصبان مکه اعلام می کردند.

یکی دیگر از خبرنگاران کیهان می نویسد: در ساعت ده صبح، طول مسیر خیابان انقلاب از جمعیت خمشگین موج می زد، و دریای انسانها به سوی دانشگاه خیابانهای اطراف در حرکت بود.

شعارهای مردم این بار رنگ و بوی دیگری داشت. چهره ها برافروخته، مشت ها گره کرده و طنین فریاد رسای مردم، طول مسیر خیابان ها را پر کرده بود که:

بر شهدای مکه از حق درود، لعنت جاوید بر آل سعود»، «ای مسلمین امروز اربعین است.

یادآور آن جمعه خونین است»، «دای زاده ابولهب، ای فهد آمریکائی، هر جا روی نیابی از خشم مارهائی»، اندر حرم شکسته شد مسلمین، روح عدالت خسته شد مسلمین»، «مکه اسیر چنگ شیطان شده، فتلگه صدها مسلمان شده»، «آن جمعه خونین که عاشورا بود، یک صحنه از صحنه کربلا بود»، «خون شهید کربلا میجوشد، در بیت حق خون خدا میجوشد، شد اربعین کشته راه دین، قربانی برائت از مشرکین»، «در حرم امن خدا خیانت، آل سعود نموده اند جنایت»، «لعنت حق به دشمنان اسلام، ریگان دون، آل سعود و صدام».

گزارش خبرنگاران کیهان حاکی است: در پایان راهپیمایی باشکوه اربعین فاجعه مکه که به دعوت حجت الاسلام والمسلمین کربوبی نماینده حضرت امام و سرپرست حجاج ایرانی صورت گرفت، راهپیمایان موارد ذیل را به عنوان قطعنامه این مراسم کم سابقه، اعلام کردند.

روزنامه کیهان شنبه ۲۱ شهریور ۱۳۶۶ هم

قطعه‌نامه راهپیمائی بسم الله الرحمن الرحيم و من يخرج من بيته مهاجرا الى الله ورسوله ثم يدرکه الموت فقد وقع اجره على الله چهلم فاجعه خونين مکه مکرمه که بدستور آمریکای پلید و عمال مزدورش آل سعود در شریف ترین نقطه زمین بوقوع پیوست در شرایطی فرا میرسد که ابعاد عظیم این حادثه هولناک و دردناک و هتک حرمت حرم امن الهی اندوه و ماتم حاکم بر جهان اسلام را افزون تر از پیش می سازد و احساس خشم پاک مسلمانان را نسبت به مسببین این رخداد عظیم و خائنین حرمین شریفین می انگیزاند.

درد جانکاه این فاجعه عظمی که عرش الهی را لرزاند و قلب امام زمان (عج) و نائب بر حقش امام خمینی را به درد آورد و جهان اسلام را مات و مبهوت ساخت و در غم و اندوهی فراموش ناشدنی فروبرد می رود تا پدید آورنده حرکت‌های توفنده و خشم آگین توده های مسلمان و موحد در محو و نابودی مظاهر کفر و ظلم و ستم و شرک و نفاق در جهان گردد و زمینه ساز انقلاب جهانی اسلام در صبحی نه چندان دور باشد و دیری نخواهد پائید که جوشش خون پاک میهمانان و خدا چهره جهان ظلمت گرفته کنونی را دگرگون سازد و ارزشهای اسلامی با حاکمیت خویش بر به سراسر گیتی نور و فروغ الهی را در دل و جان انسانها بیفشاند.

اینک در پایان راهپیمایی باشکوه اربعین شهدای فاجعه خونین مکه مکرمه که به دعوت حجت الاسلام والمسلمین کربوبی نماینده حضرت امام و سرپرست حجاج ایرانی صورت گرفت ما ملت مسلمان ایران موارد ذیل را بعنوان قطعه‌نامه راهپیمایی اعلام می نمائیم:

۱- ما پیام تاریخی و سرنوشت ساز رهبر کبیر انقلاب اسلامی و مرجع عالیقدر تقلید در جهان اسلام حضرت آیت الله العظمی امام خمینی را که بعنوان منشور انقلاب اسلامی نامیده شد تا همیشه تاریخ، اساس حرکتها، سیاستها، برنامه و سمتگیری امکانات مادی و معنوی کشور دانسته و لزوم اتخاذ تدابیری از سوی مسئولین کشور جهت عینیت بخشیدن و عملی ساختن این فرمایشات که همچون مائده الهی منشاء خیرورکت برای امت اسلام و مستضعفین جهان هم میباشد را مورد تاکید قرار میدهیم.

۲- ما فاجعه خونین مکه مکرمه را تعیین کننده و تمیز دهنده خط اصیل اسلام محمدی (ص) و از اسلام آمریکائی دانسته و طراحی این فاجعه را در راستای مجموعه توطئه ها و مکرهای

استکبار جهانی در به انحراف کشیدن حرکت توفنده انقلاب اسلامی و تلاشی در جهت جلوگیری از نفوذ و صدور معنویت آن بین ملل مسلمان خصوصا در کنگره الهی حج دانسته و اعلام میداریم که همگام با هسته های حزب الله در سراسر جهان انتقام هتک حرمت خانه خدا را از عاملین و آمرین این فاجعه با تهاجمات بی امان علیه منافع آمریکا در سراسر جهان خواهیم گرفت و تا قطع دست خاندان فاسد آل سعود از حرمین شریفین از پای نخواهیم نشست.

۳- ما فاجعه خونین مکه مکرمه را که حرمت امن خانه خدا توسط رژیم پلیس حاکم بر حجاز در آن شکسته شد یک مسئله اسلام و متعلق به تمام جهان اسلام میدانیم و بر لزوم اقدامات عملی مسلمانان چه شیعه و چه سنی برای محکومیت و نابودی حکام خائن سرزمین حجاز به حکم وظیفه دینی و شرعی به هر وسیله ممکن تاکید مینمائیم.

۴- با توجه به بسیج کلیه امکانات تبلیغی جهان استکبار که با صرف خزائن و دلارهای ملت تحت ستم حجاز در تحریف واقعیت فاجعه مکه مکرمه و بهره برداری از آن در جهت مطامع استعماری بکار افتاده است از تمامی بنگاههای خبری و تبلیغی مستقل و خبرنگاران مسلمان و آزاده جهان میخواهیم در ادای تکلیف اسلامی و انسانی و ایفای وظیفه کاری و حرفه ای خویش واعاده حیثیت کار خبری در انعکاس ابعاد این فاجعه عظیم با استفاده از تمامی ظرفیتهای هنری و تبلیغی حرکتی موثر و روشنگر را در پیش گیرند.

۵- ما فاجعه مکه مکرمه رانمود عمیق کینه و سبوعیت استکبار جهانی در دشمنی با مسلمانان ونهایت خودباختگی و مزدوری عمال مرتجع حاکم بر منطقه و بارزترین نشانه بی لیاقتی حکام آل سعود و خائنین به حرمین شریفین دانسته و خواستار اداره حرمین توسط نمایندگان جهان اسلام بوده و از کلیه مجامع فرهنگی و تبلیغی اسلامی در سراسر جهان میخواهیم تا با برگزاری کنگره ها و سمینارها با شرکت علما و اندیشمندان جهان اسلام زمینه های عملی تحقق این آرمان الهی را فراهم سازند.

۶- با توجه به هتک حرمت حرم امن الهی در فاجعه خونین مکه مکرمه که از مهمترین مصائب وارده بر اسلام و شدیدترین آلام قلبی مسلمین وموحدین جهان در طول تاریخ است و با ایمان به این مطلب که میبایست هر چه زودتر حرمین شریفین از سلطه عمال آمریکا آزاد گردد بر حضور قدرتمند زائرین ایرانی در کنگره عبادی سیاسی حج و برگزاری هر چه باشکوهتر راهپیمائی براءت از مشرکین تحت هر شرایطی تاکید مینمائیم.

۷- شیطان بزرگ آمریکا این عامل اصلی حیات نامشروع رژیم صهیونیستی و اشغالگر

قدس و محرک و حامی تمامی اقدامات ضد انسانی در سراسر جهان بدانند توطئه خلیج فارس و استمداد از قدرتهای بازی خورده اروپایی مبنی بر حضور نظامی در منطقه حساس و استراتژیک خلیج فارس که با اتکا به دلارهای نفتی حکام مرتجع منطقه تدارک میشود هیچگونه اثری در اراده استوار و مصمم امت اسلامی ایران در ادامه نبرد تا سقوط حزب بعث عراق نداشته و امت حزب الله با اعزام هر چه گسترده تر نیروهای رزمنده همچون حماسه سازان عاشورا به جبهه های نبرد پیروزی نهائی را در جبهه ها نصیب اسلام بزرگ، مستضعفین جهان و ملت مظلوم و تحت ستم عراق خواهد کرد و ما به مجامع بین المللی و ملل آزاده جهان نسبت به عواقب وخیم حضور نظامی آمریکا در منطقه هشدار داده و عامل تشنج و نا امنی را این ام الفساد قرن میدانیم ۸- ما خاطره شهدای فاجعه خونین مکه مکرمه را برای همیشه زنده نگاه داشته و آنان را پرچمدار حرکت جهانی اسلام دانسته و جهت زنده نگاه داشتن فاجعه ۶ ذی الحجه مکه مکرمه هدایت و استفاده از تمامی امکانات فرهنگی، هنری، تبلیغی و مذهبی را خواستار بوده و حج سال ۱۴۰۷ هجری قمری را بعنوان حجاجی تاریخی که حجاج بیت الله الحرام با صبر و در و متانت، طمانینه و روحیه انقلابی با ادای تکلیف شرعی آنها در تاریخ حماسه آفرینیهای خود به ثبت رسانده دانسته و خاطره آنها همواره گرامی خواهیم داشت و همدوش مسلمانان جهان انتقام خون فرزندان ابراهیم را از نمودیان خواهیم گرفت.

روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۲۱ شهریور ۱۳۶۶

ص: ۶۲۵



## آیت الله خامنه ای: ایجاد فاجعه مکه به منظور مبارزه با انقلاب اسلامی بود

آیت الله خامنه ای: ایجاد فاجعه مکه به منظور مبارزه با انقلاب اسلامی و اسلام بود.

در پایان راهپیمایی عزاداران اربعین شهدای مکه، حضرت آیه الله خامنه ای رئیس جمهور وقت ایران در خطبه دوم نماز جمعه چنین گفت:

دو مسأله اصلی امروز در خطبه دوم مورد بحث ما است. یکی مسأله فاجعه مکه است و یکی حوادث و شرارت‌هایی که در این ایام به پشتیبانی آمریکا بوسیله رژیم بعثی در خشکی و دریا انجام می‌گیرد و نظر جمهوری اسلامی در مقابله این حوادث که باید در شرایط کنونی مجدداً با قاطعیت و صراحت جمهوری اسلامی مواضع خودش را برای اعلام به دنیا تکرار و بیان کند.

در مورد مسأله مکه سخنان زیادی شنیده‌اید و همه مطالب در این مورد گفته شده است. آنچه که من بطور اجمال می‌خواهم عرض کنم این است که حادثه ای که در مکه اتفاق افتاد، حادثه جدا از حوادث قبل و بعد خود نبود، یک حلقه ای بود در سلسله خباثت‌های استکبار جهانی در مقابله با انقلاب اسلامی و در حقیقت مبارزه با اسلام بود. دنیای اسلام این مطلب را باید به روشنی درک کند که مبارزه رژیم سعودی با راهپیمایانی که شعارهای اسلامی و وحدت و برائت از دشمنان اسلام را می‌دادند، یک مبارزه حقیقی و جدی با اسلام است و بی‌خود سعی می‌کنند مسأله را جور دیگری در اذهان مردم دنیا منعکس کنند.

راهپیمایانی که در مکه با آن عظمت و شکوه چشمگیر حرکت می‌کردند اساساً فلسفه این حرکتشان و مضمون شعارهایشان چه بود؟ این چیزی است که دنیا باید روی آن تأمل کند. این حرف‌های بی‌پایه و نامربوط و سستی که تبلیغات چی‌های سعودی و از قول آنها تبلیغات چی‌های استکبار در دنیا گفتند برای هیچ کس در دنیا حتی یک لحظه قابل قبول نیست. مسأله تخریب مکه، اشغال مسجدالحرام و انتقال قبله مسلمین از مکه به قم حرف‌هایی است که ساده‌ترین مردم به آنها می‌خندند و آن را تمسخر می‌کنند و خود ایادی سعودی نیز این را می‌دانند منتها حرف دیگری برای گفتن نداشتند و این حرفها را گفتند. پس اینها دلیل و انگیزه حرکت وحشیانه پلیس سعودی به راهپیمایان نیست. پس قضیه چیست؟ چرا به یک عده مسلمانی که بدون هیچگونه تعرضی و داشتن کوچکترین سلاحی در خیابانها راه می‌رفتند، حمله کرد؟ این یک دلیل می‌خواهد. تاریخ در آینده و افکار عمومی در همین امروز دنبال یک دلیل می‌گردد. مردم دنیا را نمی‌شود برای بلند مدت فریب داد.

خیلی طبیعی است که مردم اگر بخواهند علتها را جستجو کنند یک نگاهی به شعار راهپیمایان کنند و ببینند که اینها چه می گفتند. حرف، شعار و انگیزه حرکتشان چه بود؟ وقتی که معلوم شد حرف این عذره چه بوده خیلی روشن خواهد بود که آن حمله علیه این حرف، فکر هم و شعار انجام گرفته است.

آن روز مردم مثل همیشه ای که این راهپیمائی ها انجام می گرفت شعار می دادند یا ایها المسلمون اتحدوا، اتحدوا. یعنی ای مسلمانان عالم متحد شوید و دست هایتان را به هم بدهید. حقیقتاً هم شعار خطرناکی است اگر مسلمین عالم اتحاد پیدا کنند و دست در دست هم بگذارند دیگر استکبار جهانی چه کسی مثل خاندان سعودی را خواهد توانست بر این مردم یا بخشی از این مردم حاکم کند؟ اگر مسلمانها هویت اسلامی خودشان را پیدا کردند و فهمیدند که یک قدرت عظیم هستند، مگر سلطه‌های جهانی قادر خواهند بود بر این جمعیت عظیم که حساس ترین مناطق دنیا نیز محل سکونت آنهاست. مگر قادر خواهند بود بر اینها تسلط پیدا کنند و اموال اینها را به غارت ببرند. یقیناً اتحدوا - اتحدوا یک شعار فوق العاده خطرناک برای استکبار جهانی است.

خوب، پس تکلیف این شعار معلوم شد. شعار، یک شعار جاذبه دار برای مسلمانها است و و برای ملت‌های اسلامی شیرین اما برای استکبار جهانی و قدرتهای سلطه طلب بسیار تلخ و هم خطرناک.

هیچ مسلمانی از حضور اسرائیل در جهان اسلام راضی نیست یک شعار دیگر اینها «الموت لاسرائیل» بود. این هم شعار خطرناکی است. تشکیل حکومت اسرائیل غاصب صهیونیستی و غضب فلسطین در دنیایک مسئله عادی نبود، مثل تصرف سرزمین یک کشور بوسیله یک کشور دیگر نبود، این یک حرکت کاملاً سیاسی و استراتژیک و بلند مدت برای سلطه بر جهان اسلام است، بوسیله بودن اسرائیل مسلمانها را و تحقیر کردند، با ایجاد دولت اسرائیل دولتهای اسلامی را تضعیف کردند، بوسیله حضور اسرائیل در منطقه اتحاد اسلامی را با روشهایی که استکبار از چهل سال پیش تا امروز پیموده و تعقیب کرده مشکل کردند، مسئله اسرائیل و حضور اسرائیل در قلب کشورهای اسلامی یعنی قدرت و سیطره استکبار بر دنیای اسلام و مظهر ضعف مسلمانها که این ضعف را میخواهند به رخ مسلمانها بکشند، مگر برای استکبار تحمل «الموت لاسرائیل» آسان است، البته برای مسلمانها این شعار هم بسیار جاذبه دار است، شما در دنیای اسلام هیچ مسلمانی را پیدا

نمیکنید که حقیقت ایمان و اعتقاد به اسلام داشته باشد و حضور اسرائیل برایش رنج آور و نباشد. همه میخواهند که اسرائیل نباشد، البته ممکن است تزه‌های مختلف و سلیقه‌های مختلفی باشد، اما هیچ کس از حضور اسرائیل به این شکل در دنیای اسلام راضی نیست (تکبیر نماز گزاران).

پس برای مسلمانها و ملتها جاذبه دار است، اما برای استکبار، برای قدرتها سلطه گر و برای آمریکا بخصوص خطرناک است. پس این موضوع هم به استکبار و آمریکا بر می گردد.

آمریکا مظهر سلطه‌های غاصبه دنیاست یک شعار دیگرشان «الموت لامریکا» است، مرگ بر آمریکا، مرگ بر آمریکایک معرزه و در مقابله ساده با یک دولت نیست اینکه ملت ما هم اینجور شعار «مرگ بر آمریکا» را حفظ کردند و در سرود بچه ها، در مراسم عبادت، در نماز جمعه، در راهپیمایی همه جا تکرار میکنند، این به آن معنا نیست که ما فقط با یک دولتی در دنیا مخالف هستیم نه، آمریکامظهر سلطه‌های غاصبانه دنیاست، آمریکا ضمن اینکه خودش یک سلطه قهار، جبار هست نمونه کامل سلطه گری است، نمونه کامل تقسیم دنیا به سلطه گر و سلطه پذیر است. نمونه کامل همان تبعیض ناروایی است که امروز بر بشریت تحمیل شده است، در حقیقت یک سیاست است، یک سیاست معارضة با استکبار است، خوب این درباره شعارها.

از این شعارها چه کسی آسیب می بیند، هر کس از این شعارها آسیب می بیند که گلوله ها از تفنگ او خارج می شود. حالا گلوله تفنگ در دست هر کسی می خواهد باشد.

گلوله گلوله اوست، تفنگ تفنگ اوست، این دست پست حقیر رذلی هم که گلوله را پرتاب می کند در حقیقت سرانگشت مطیع و تسلیم و ذلیل همان قدرت اوست، مسئله این است.

این تحلیلی است که مردم دنیا با اندکی مطالعه در حادثه مکه به آن خواهند رسید، جای شکی باقی نیست. همه مردم دنیا چه کسانی که موافق این سیاست هستند و چه کسانی که مخالف این سیاست هستند. این نتیجه را خواهند گرفت. خود صهیونیستها هم می فهمند اگر از قبل .

و در توطئه شریک نباشند که حمله ای که به حجاج ایرانی شد، حمله ای از سوی استکبار جهانی بود منتهی عامل و مجرم حادثه خاندان آل سعود بودند. اما طرف قضیه استکبار جهانی بود، این روشنگر است که همه مسلمانهای دنیا تحلیلشان این خواهد بود. ولذا این حادثه زبان دار است، حادثه فراموش نشدنی است خیال کردند که میتوانند با دو سه روز جو تبلیغاتی درست کردن به مقدسات انقلاب اسلامی در رادیوهایشان اهانت کنند، قضیه را لوث کنند و سرپوش

بر رویش بگذارند و از بین ببرند. خیال کردند میتوانند ملتها را فریب دهند، در تمام دنیای اسلام یقین بدانید در محافل روشنفکری اسلامی، در محافل مبارزین، در محافل هوشمندان، در محافل کسانی که اهل تحلیل حوادث هستند امروز این قضیه مطرح است و رویش بحث میکنند، تحلیل میکنند، ریشه یابی میکنند و استنتاج میکنند، مگر این حادثه تمام خواهد شد، آنوقت هم نتیجه چه میشود، نتیجه درست همان چیزی خواهد شد که سعودی از ترس آن نتیجه تسلیم توطئه استکبار جهانی شد و این جنایت بزرگ را مرتکب شد. آنها چون خودشان هم در خطر بودند، کشورهای مرتجعی که سردریک آخور با آل سعود داشتند همه از اجتماع عظیم ایام پر حج در مکه و مدینه و آن شعارها واهمه داشتند و میترسیدند، میدانستند که هر کس به مکه بیاید هر سال وقتی برمیگردد با کوله باری از شهادت، از آگاهی، از درسهایی که از انقلابیون اسلامی در ایران آموخته به کشور خودش برمیگردد، لذا بعضی از سران مرتجع منطقه به آل سعود گله کرده بودند، شکایت کرده بودند که در ایام حج که مردم ما به مکه می آیند جور دیگری بر می گردند، با احساسات دیگری بر می گردند، مخصوصاً روشنفکران، مخصوصاً آگاهان، لذا در بعضی از کشورها با رفتن جوانها را به حج ممنوع کردند.

تأثیر حادثه مکه در موضعگیریهای جمهوری اسلامی علیه استکبار بخاطر ترس از این پیامدهای خطرناک بود که آل سعود تسلیم توطئه استکباری شدند و این جنایت را کردند اما نتیجه ای که عاید میشود همان چیزی است که آنها از آن میترسیدند. اگر تا دیروز در شعارهای حج مردم میآمدند و یاد میگرفتند و بر میگشتند اما امسال آمدند و فقط یاد گرفتن نبود با احساساتشان، با ایمانشان، با یقینی که از خون بی گناهان عایدشان شد برگشتند، و انقلاب اسلامی ایران مفتخر و سربلند شد، ما شهدای زیادی داشتیم اما در نماز جمعه هرگز سابقه نداشت که عکس خانمهای محجبه و مظلومه را بعنوان شهدا اینجا ردیف کنند و بچینند. امروز در نماز جمعه ما بمناسبت چهلم شهدا عکس یک عده خانمها را که بسیاری از آنها را خانمهای مسن، مادران شهدا، همسران شهدا، خانواده های شهدا تشکیل میدهد در این اینجا ردیف کردند، این مسئله یک رنگ دیگری اصلاً به انقلاب ماداد، و همین چیزی است که در دنیا منعکس خواهد شد، و ما به نوبه خودمان حادثه مکه را فراموش نمیکنیم و این حادثه در سیاست ما و در موضعگیری ما چه در مقابله با استکبار و چه در مقابله با

ابادی خبیث و پلید استکبار از قبیل آل سعود یقیناً اثر تعیین کننده ای خواهد گذاشت (تکبیر نماز گزاران).

روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۲۱ شهریور ۱۳۶۶

ص: ۶۳۰

اربعین شهدای مظلوم مکه در گوشه و کنار جهان جنایت آل سعود در کشتار بی رحمانه مسلمانان بی دفاع در کنار حرم امن الهی قلوب مؤمنین گیتی را بدرد آورده و عالم اسلام در اربعین این شهدا به سوگ نشست.

پاکستان: مردم مسلمان پاکستان روز جمعه با برپائی اجتماعات چندین هزار نفری خود ضمن بزرگداشت اربعین شهدای مکه معظمه براءت خود از مشرکین و خاندان منحوس آل سعود را اعلام کردند.

بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در مجلس باشکوهی که با شرکت هزاران تن از روحانیون اهل تسنن، و تشیع، اساتید، حقوق دانان و اقشار مختلف مردم در شهر راولپندی و برگزار شد پس از ارائه گزارشی از سوی مسئول خانه فرهنگی جمهوری اسلامی در این شهر یکی از روحانیون شهر راولپندی که اخیرا از حج بازگشته است به تشریح عمق جنایت سعودی ها پرداخت و گفت دولت سعودی علیرغم اینکه خودش اجازه راهپیمائی را صادر کرده بود زائرین و به خانه خدا را به خاک و خون کشید و اثر ننگینی از خود در تاریخ به یادگار گذاشت.

مولانا قمر هاشمی یکی از روحانیون اهل تسنن پاکستان نیز که خود شاهد جنایت سعودی ها بوده است طی سخنانی گفت رژیم سعودی نوکر آمریکا است و ما مسلمانان پاکستان این رژیم را به رسمیت نمیشناسیم.

این عالم سنی اضافه کرد مکه، مدینه و حجاز مقدس ارث پدری آل سعود نیست بلکه یک سرزمین اسلامی است که باید به دست مسلمانان اداره شود نه یک مشت مزدور آمریکا. وی و افزود آمریکا که تاکنون به دلیل پیروزی و مقاومت انقلاب اسلامی ایران خفت و خواری زیاد را هم متحمل شده، دست به این جنایت هولناک زد ولی سردمداران کفر بدانند که دیر یا زود انتقام بی حرمتی به حرم امن الهی و خون شهدا از مسببین آن گرفته خواهد شد.

بیروت: بمناسبت چهلمین روز شهادت صدها تن از حجاج گلگون کفن بیت الله الحرام توسط مزدوران آل سعود عصر جمعه مراسم باشکوهی در بخش غربی بیروت با حضور هزاران تن از اقشار مختلف مردم مسلمانان لبنان برگزار شد.

بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در این مراسم که هیات بلندپایه جمهوری اسلامی به

ریاست حجت الاسلام امام جمارانی نماینده امام در سازمان حج و زیارت، علامه سید محمد حسین فضل الله از علمای برجسته لبنان و جمع کثیری از علما و روحانیون لبنانی، نمایندگان حزب الله و جنبش امل، گروهی از پزشکان و اساتید دانشگاههای لبنان و کارکنان نهادها و ادارات جمهوری اسلامی ایران در بیروت نیز شرکت داشتند پس از قرائت آیاتی از کلام الله مجید شیخ صبحی طفیلی طی سخنانی ضمن بی سابقه توصیف نمودن فاجعه کشتار زائران خانه خدا گفت: قتل عام حجاج بیت الله الحرام در کنار خانه امن الهی یکی از فجیع ترین حوادث در طول تاریخ خونین اسلام بشمار میرود که علیرغم ظلم و ستم حکام جائر علیه مسلمین در ادوار مختلف، مشابه چنین جنایتی را نمیتوان در طول تاریخ اسلام جستجو کرد.

وی گفت: فاجعه مکه بزرگتر از آن بود که حکام آل سعود قدرت فرمان اجرای آنرا داشته باشند و بدون شک دستور اصلی اجرای این جنایت از سوی آمریکا صادر شده است.

شیخ صبحی طفیلی اضافه کرد: حرکت ددمنشانه عوامل استکبار در قتل عام علنی زائران خانه خدا که همراه با تحرکات تجاوزگرانه استکبار در منطقه صورت میگیرد گویای دامنه وسیع و وحشت استعمار از جنبش اسلامی و قیام مسلمین است و همزمانی تجاوزات صهیونیستی و بمباران مناطق مسکونی جنوب لبنان توسط رژیم اشغالگر قدس نیز در همین جهت و بخشی از در این طرح دامنه دار استکباری است.

وی تأکید کرد اکنون بیش از هر زمان، تفاوت میان خط اسلام راستین با مزدوران مدعی اسلام آشکار شده و دیگر جای تعلل نیست و هر کس خود را در کنار سپاه اسلام قرار ندهد بدون اشک در شمار لشکریان کفر محسوب خواهد شد و ما اعلام میکنیم که جزء لاینفک انقلاب؟ اسلامی و دشمنان واقعی حکام آل سعود و نوکران آمریکا هستیم.

سخنران بعدی این مراسم آقای علی حسینی معاون هیأت حج لبنان و رئیس دفتر تشکیلاتی جنبش امل بود که طی سخنانی فاجعه مکه را در راستای مبارزه میان حق طلبان اسلام و کفر پرستان زمان توصیف کرد.

دمشق: مراسم گرامیداشت اربعین شهدای جمعه خونین مکه روز جمعه در حرم مطهر حضرت زینب (س) با شرکت اقشار مختلف مسلمانان مقیم سوریه برگزار شد.

در این مراسم ضمن افشاگری جنایت رژیم آل سعود در به شهادت رساندن مهمانان خدا، از شهدای جمعه خونین مکه تجلیل بعمل آمد. حجت الاسلام فهری نماینده امام در سوریه و لبنان در خطبه های نماز جمعه در بزرگداشت شهدای مکه اظهار داشت:

امروز چهلمین روز شهادت مسلمانان است که در حرم امن الهی که حتی وحوش نیز در آنجا باید در امان باشند بدست دژخیمان آل سعود که مدعیان خادمی آن مکان مقدس هستند به گلوله بسته شده و به خاک و خون کشیده شدند.

آقای فهری ضمن یادآوری خاطره شهدای ۱۷ شهریور ۵۷ تشبیه جنایات شاه سعودی باشاه اور معدوم بعنوان نوکران امپریالیست در منطقه بر عدم لیاقت رژیم سعودی در تولیت اماکن مقدس وی تاکید کرد و خواستار خلع ید آنان از مکه و مدینه شد.

در قطعنامه ۷ ماده ای شرکت کنندگان در مراسم بزرگداشت اربعین شهدای مکه ضمن تجدید بیعت با امام امت و پیروزی از راه شهدا تاکید شده است که مسلمانان حج سال آینده را با به همان روحیه امسال انجام خواهند داد.

هند: نماز گزاران مسجد جامع شیعیان هند بعد از اقامه نماز وحدت بخش جمعه چهلمین این روز شهادت حجاج بیت الله الحرام را گرامی داشتند.

بگزارش خبر گزارش جمهوری اسلامی در این مراسم باشکوه مولانا سید علی نقوی امام جمعه مسجد جامع هند با تاکید بر اینکه گناه کسانی که میهمانان خدا را در خانه امن وی بشهادت میرسانند، بسیار سنگین و نابخشودنی است گفت عظمت این گناه بهنگامی روشنتر میشود که به توجه کنیم این زوار مطابق سنت رسول خدا و آیات قرآن مجید بابر پائی تظاهرات صلح آمیز برائت از دشمنان اسلام، قصد مشخص کردن صف دشمنان خدا و رسول خدا از دوستانشان را داشتند.

استکهلم: علیرغم مخالفت پلیس سوئد با برگزاری تظاهرات گسترده در مقابل سفارت رژیم حاکم بر حجاز در استکهلم، مسجد وحدت اسلامی در این شهر با استفاده از قوانین کشور سوئد اربعین شهدای مکه را با برگزاری پنج ساعت تظاهرات در دسته های هشت نفره در مقابل سفارت سعودی در استکهلم گرامی داشت.

مسلمانان مقیم استکهلم با استفاده از تبصره های قوانین تظاهرات در سوئد درحالی که پلاکاردهایی که بر آنها عکس امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی و همچنین شعارهایی علیه حکام بی کفایت آل سعود و شعار مرگ بر آمریکا با خود حمل میکردند، در دسته های هشت نفره به راهپیمایی در مقابل سفارت پادشاهی سعودی پرداختند.

در این تظاهرات خاص علیرغم محدودیتهای تحمیل شده مسلمانان با پخش اعلامیه های تحت عنوان فراخوان جنایات رژیم سعودی را محکوم کنید. توجه عابران و مراجعه کنندگان به .



سفارت آل سعود را بخود جلب کردند. در اعلامیه مسلمانان مسجد وحدت اسلامی ضمن افشای ماهیت ددمنش و ضد اسلامی حکام آل سعود آمده است کشتار حجاج بیت الله الحرام در کنار خانه امن خدا دست عوامل رژیم سعودی در اداره حرمین شریفین را برای مسلمانان جهان آشکار کرد.

سیرالئون: مراسم باشکوه بزرگداشت اربعین شهدای مظلوم مکه بعد از ظهر جمعه با هم حضور صدها تن از مسلمانان شهر فری تاون در جامعه الشریف این شهر برگزار شد.

هم در این مراسم دکتر کارکیو که خود شاهد جنایت آل سعود در کشتار زائران بیت الله الحرام بوده طی سخنانی به شرح واقعه و چگونگی تظاهرات آرام حجاج و شعارهای براهت از مشرکین به آنها پرداخت.

وی گفت که خود شاهد بوده است چگونه پلیس عربستان سعودی از همه سوحجاج را محاصره کرده و با گلوله و گازهای اشک آور و خفه کننده و همچنین چوب و سنگ به آنان حمله هم برده و صدها تن را شهید و هزاران تن را مجروح ساخته است. وی با اشاره به قداست حرمین و شریفین و تعلق آنها به کلیه مسلمین بر بی لیاقتی آل سعود برای اداره مکه و مدینه تاکید کرد.

سپس سرپرست رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سیرالئون طی سخنانی گفت:

رژیم سعودی با این عمل خود عدم لیاقت خویش را در اداره حرمین شریفین به اثبات رسانیده و از این پس بایستی متقی ترین افراد اداره این اماکن مقدسه را به عهده بگیرند.

بانکوک: بمناسبت اربعین شهیدان فاجعه مکه و در ادامه اعتراضات مسلمانان جهان علیه جنایت آمریکا و مزدوران آل سعود مسلمانان تایلند نیز با تجمع در مقابل سفارت رژیم سعودی در بانکوک انزجار خود را از هتک حرمت حرمین شریفین بدست عمال حاکم بر حجاز اعلام داشتند.

بنابر گزارش رسیده از بانکوک خواهران مسلمان با شرکت در تظاهرات روز جمعه و سردادن شعارهایی علیه رژیم حاکم بر حجاز، نقش فعالی در این تظاهرات بر عهده گرفته بودند. م یونان: مراسم بزرگداشت چهلمین روز شهادت حجاج بیت الله الحرام روز جمعه در محل سفارت جمهوری اسلامی ایران در آتن برگزار شد.

هم در این مراسم که جمعی از ایرانیان و مسلمانان سایر کشورهای اسلامی شرکت داشتند هم کاردار جمهوری اسلامی ایران طی سخنانی ابعاد مختلف حج را از جنبه های سیاسی، عبادی و اجتماعی تشریح کرد و توطئه رژیم آل سعود را برای خارج کردن حج از مسیر واقعی خود افشاء

نمود.

وی تاکید کرد رژیم آل سعود با انجام کشتار فجیع زائران بیت الله الحرام در حرم امن الهی که شعارهای ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی سر میدادند و برائت خود را از مشرکین اعلام می نمودند ثابت کرد که آل سعود در صف دشمنان اسلام قرار دارد.

در این مراسم فیلمی از جنایات آل سعود در بشهادت رساندن زائرین حرم امن الهی برای حاضرین به نمایش گذاشته شد.

کویت: بمناسبت اربعین شهادت فاجعه آمیز حجاج ایرانی در مکه مکرمه دیروز مراسم ویژه ای در محل سفارت جمهوری اسلامی ایران در کویت با حضور جمعی از ایرانیان مقیم این کشور برگزار گردید.

در این مراسم سخنرانان طی سخنانی ضمن محکوم کردن جنایت رژیم سعودی در قتل عام زائران خانه خدا تصمیم مسلمانان جهان بر سرنگونی رژیم آل سعود و قطع دست حکام فاسد حجاز را از حرمین شریفین مورد تأکید قرار دادند.

بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از کویت در پایان مراسم فیلمی از عمق جنایت کشتار زائران خانه خدا بدست عوامل و پلیس عربستان در مکه در روز جمعه خونین به معرض نمایش گذاشته شد.

نایروبی: مراسم بزرگداشت چهلمین روز شهادت شهدای مکه مکرمه با حضور علماء، هم دانشجویان و هواداران انقلاب اسلامی در نایروبی برگزار شد.

بر پایه این گزارش در این مراسم شرکت کنندگان ضمن شرح واقع، جمعه خونین در مکه اقدام رژیم وابسته حجاز را محکوم کردند و خواستار اداره حرمین شریفین توسط یک شورای اسلامی شدند.

آنکارا: بمناسبت اربعین شهدای مظلوم مکه و هفتمین روز شهادت شهدای کربلا- مراسم باشکوهی با شرکت کارکنان و کارمندان ارگانها و نهادهای جمهوری اسلامی و ایرانیان مقیم آنکارا و نیز جمعی از برادران و خواهران ترک مقیم این شهر در محل خانه فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برگزار شد.

بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در این مراسم پس از برگزاری مراسم روح بخش و دعای کمیل شرکت کنندگان با اجرای مراسم نوحه خوانی و سینه زنی باد حضرت اباعبدالله الحسین سرور آزادگان جهان و ۷۲ تن از یاران باوفای ایشان در فاجعه کربلا و نیز

ص: ۶۳۵

شهدای مظلوم بیت الله الحرام که توسط جنایتکاران آل سعود در حرم امن الهی بخون غلتیدند را گرامی داشته و در سوگ آن عزیزان به عزاداری پرداختند.

اسلامبول: صدها تن از مسلمانان ترک و ایرانی مقیم اسلامبول روز جمعه با شرکت در مراسم عبادی سیاسی نماز جمعه که در محل مسجد ایرانیان این شهر برگزار شد و اجرای مراسم دعاخوانی ضمن گرامی داشت خاطره شهدای خونین مکه تنفر و انزجار خود را از اعمال وحشیانه و غیر انسانی رژیم آل سعود و کشتار حجاج بی دفاع ایرانی و غیرایرانی در حرم امن الهی اعلام داشتند.

روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۶۶ داده

ص: ۶۳۶

## فصل چهارم: شهدا و جانبازان

### اشاره

ص: ۶۳۷



ارزش انقلاب اسلامی به خونهای گرانبھائی است که در راه آن ریخته شده و موجب تناوری درخت پرثمر آن گردیده است.

جریان حج خونین با شهدای مظلومش که غریبانه در شعب ایطالب به شهادت رسیدند برگ زرینی از این ارزش هاست.

شهداء و مسائلی پیرامون آنان، ربودن جنازهها توسط آل سعود، کارشکنی های دولت سعودی، تلاشهای مسئولین ایرانی، جانبازان شهید، مادران، همسران و پدران شهداء که به شهادت رسیدند تشییع جنازه های پرشکوه مردم و تجلیل از این ایثارگران و... نکات جالبی در تاریخ حج خونین است که با جمع آوری از صفحات پراکنده روزنامه ها در اختیار شما قرار می گیرد.



## تشکیل ستاد پیگیری وزارت خارجه

تشکیل ستاد پیگیری در وزارت خارجه استاد پیگیری وزارت امور خارجه طی اطلاعیه ای ضمن تبریک و تسلیت بمناسبت شهادت زائران بیت الله الحرام که در حمله ددمنشانه پلیس سعودی به خاک و خون کشیده شده اند اعلام کرد: این ستاد با کمال جدیت و دلسوزی بانجام وظیفه شبانه روزی مشغول بوده و پاسخی که :

هم میتواند در اختیار امت حزب الله قرار دهد می بایست بر اساس اطلاعات دقیق و تایید شده باشد تا نگرانی بیشتر خانواده های محترم زائران بیت الله الحرام را فراهم نیاورد.

## تعلل و کارشکنی حکام سعودی از انتقال شهدا و

استاد پیگیری وزارت امور خارجه جهت اطلاع هم میهنان عزیز تذکر این نکات را ضروری و میداند:

۱- با توجه به اینکه اکثر اجساد شهدای گرانقدر ما در این جنایت بیسابقه در اختیار ماموران سعودی است و از تحویل آنها به بعثه حضرت امام خودداری شده لذا شناسائی مقذور نبوده و آمار موجود در وزارت امور خارجه در این زمینه کامل نیست.

۲- این ستاد در تماس تلفنی مستمر با مسئولان جمهوری اسلامی ایران مستقر در مکه و جده بوده و به محض شناسائی حتی یک نفر از شهدا اسم و مشخصات آنها در اختیار رسانه های همگانی قرار خواهد داد.

استاد پیگیری وزارت امور خارجه همچنین اعلام کرد خانواده های محترم زائرین ایرانی جهت کسب اطلاع بیشتر میتوانند با شماره های زیر تماس بگیرند.

۳۲۱۳۹، ۳۲۱۳۳۰، ۳۲۱۳۶۳، ۳۲۱۳۶۰، ۳۲۱۳۶۲ روزنامه کیهان ۱۳۶۶/۵/۱۱ تعلل و کارشکنی حکام سعودی از انتقال شهدا و مجروحین مکه به ایران حکام سعودی با کارشکنی های خود که تمام طول مدت دیروز ادامه داشت از انتقال پیکر پاک شهدای مکه مکرمه به ایران ممانعت بعمل آوردند.

بگزارش خبرنگار ما رژیم سعودی بر اساس هماهنگیهای انجام شده با استکبار جهانی از و بامداد دیروز از انتقال پیکر پاک و مطهر عده ای از شهدای جمعه خونین فاجعه مکه به هواپیما و



## کاردار جمهوری اسلامی ایران در عربستان علت تأخیر

خودداری کرده این عمل حکام سعودی که بر خلاف تمام قوانین و مقررات بین‌المللی انجام می‌شود تا نیمه شب دیشب ادامه داشت و مامورین امنیتی با محاصره هواپیمایی که از صبح دیروز بمنظور بازگرداندن اجساد در فرودگاه جده به زمین نشسته از انتقال شهدا به بهانه‌هایی از قبیل عدم آمادگی و خراب بودن برخی از دستگاههای فرودگاه جده خودداری کرد.

خبرنگار ما همچنین کسب اطلاع کرد که قرار است با این پرواز تعدادی از مجروحین نیز به ایران منتقل شوند و در بیمارستان برای ادامه معالجات بستری شوند ولی حکام سعودی این عده از مجروحین را نیز در یک درمانگاه در حوالی فرودگاه بلا تکلیف نگه داشته است.

یک مقام مطلع در آخرین ساعات دیشب گزارش داد که تلاش مسئولین ایرانی برای رفع موانع و کارشکنی‌های رژیم سعودی بی‌وقفه ادامه دارد و امید می‌رود در آینده نزدیک به نتیجه برسد و شهدای عزیز انقلاب به میهن بازگردانده شوند.

روزنامه جمهوری اسلامی چهارشنبه ۱۴ مردادماه ۱۳۶۶ در گفتگویی دیشب با کیهان کاردار جمهوری اسلامی ایران در عربستان علت تأخیر و تعلل رژیم سعودی برای تحویل شهدا و مجروحین را اعلام کرد سرویس سیاسی:

طارمی، کاردار جمهوری اسلامی ایران در عربستان سعودی ساعت ۹/۳۰ شب گذشته در گفتگویی تلفنی با خبرنگار سرویس سیاسی کیهان علت تأخیر در تحویل شهدا و مجروحین و از سوی رژیم سعودی برای انتقال به تهران را تشریح کرد.

وی گفت: ما هنوز هم علت این مساله را نمی‌دانیم، قبل از اینکه هواپیما به جده بیاید می‌گفتند که در فاصله یک ساعت ۳ فرود هواپیما می‌تواند بیاید و شهداء و مجروحین را به د ایران انتقال دهد ولی از زمانیکه اولین هواپیما بامداد امروز (دیروز) وارد فرودگاه جده شده مقامات این کشور این مساله را ساعت به ساعت به تاخیر انداخته‌اند آنان ابتدا می‌گفتند که اجساد شهدا از اختیار بیمارستان و بهداری خارج شده و در اختیار پلیس قرار گرفته است و بعد

مساله تابوت را بهانه کردند و گفته اند که در صدد تهیه تابوت هستند. تعداد شهدا و مجروحینی که قرار بود با این هواپیما به تهران انتقال یابند شامل ۷۵ شهید و ۲۸ مجروح بود که تا این ساعت ( ۹/۳۰ شب) ۵۸ شهید و ۲۸ مجروح تحویل شده است .

وی اضافه کرد: تعدادی از شهدا نیز با اتومبیل دیگری از مکه عازم جده بوده که گویا بعلت نقص فنی دچار خرابی و در نتیجه متوقف شده است و تا این ساعت ما از سرنوشت آن و تعداد شهدایی که همراه دارد اطلاع نداریم.

طارمی در مورد آمار شهدا اظهار داشت: تا این ساعت جمعاً ۱۵۶ شهید شناسایی شده اند و عملیات برای شناسایی بقیه شهدا ادامه دارد که این مساله با توجه به این که حجاج در منی و عرفات هستند مشکلاتی را همراه دارد. در این رابطه عکسهای از شهدا تهیه شده که در اختیار مدیران کاروانها گذاشته می شود تا مفقودینی را که قبلا اعلام کرده بودند از روی این عکسها شناسائی کنند. تعداد کل شهدا را سعودی ابتدا ۲۷۵ نفر اعلام کرده بود که با توجه به ۲۳۳ جسد شهیدی که در هلال احمر موجود است جمع شهدا به ۳۰۸ نفر می رسيد ولی بعدا از جنازه ها عکسبرداری شد متوجه شدیم تعداد جنازه هایی که در اختیار سعودی است ۲۸۲ یا ۲۸۳ جسد می باشد، که با این حساب آمار به ۳۱۵ یا ۳۱۶ شهید می رسد.

وی اضافه کرد: آمار دقیق را بخش پزشکی هلال احمر تشخیص خواهند داد، ولی بهر حال می دانیم که این آمار در حال حاضر دقیق نیست، زیرا ما پانصد زندانی در زندانهای سعودی داشتیم که تعدادی از آنها آزاد شده اند و از بقیه زندانیان آماری نداریم، به همین دلیل هم نمی دانیم مفقودینی که از سوی کاروانها اعلام شده جزو شهدا یا اینکه زندانیان هستند .

زمانی که تمام زندانیها آزاد شوند می توانیم دقیقاً مشخص کنیم که آیا آمار مفقودیهای ما با لیست شهدا انطباق دارد یا خیر.

وی در مورد انتقال شهدا و مجروحین اظهار داشت: قرار است کلیه شهدا بتدریج که شناسائی شوند به تهران انتقال یابند و قرار بود شهدایی که تاکنون شناسائی شده اند و تعداد آنها به ۱۵۶ نفر می رسد با سه فروند هواپیما انتقال یابند ولی اولین هواپیما از ساعت ۵ بامداد که به جده آمده همچنان در فرودگاه جده منتظر می باشد.

طارمی همچنین گفت: یکی از تحلیل هایی که در رابطه با علت عدم همکاری عربستان سعودی برای انتقال شهدا و مجروحین می شود این است که چون تعدادی از این اجساد و نیز مجروحین بر اثر گلوله آسیب دیده اند لذا این کشور از در اختیار گذاشتن این موارد خودداری

می کند، بهر حال این مساله ای است که پس از انتقال اجساد شهدا و مجروحین قابل تحقیق بهم است.

کاردار سفارت کشورمان که برای پی گیری مساله انتقال شهدا و مجروحین در مکه بسر می برد در مورد وضعیت حجاج ایرانی و روند مناسک حج در منی و عرفات اظهار داشت: تا این ساعت در منی و عرفات مساله ای پیش نیامده و زائرین طبق روال عادی مناسک حج را انجام می دهند و عید قربان را گرامی داشتند.

وی تاکید کرد که مناسک حج در منی و عرفات با حضور گسترده نیروهای پلیس سعودی برگزار شد.

طارمی اظهار امیدواری کرد که انتقال اولین سری شهدا و مجروحین به تهران تا یک ساعت دیگر ( ۱۰/۳۰ شب) انجام پذیرد.

تماس با سفارت ایران در جده از سوی دیگر خبرنگار سرویس سیاسی کیهان ساعت ۹ شب گذشته با سفارت جمهوری اسلامی ایران در جده تماس گرفت تا آخرین اخبار مربوط به انتقال شهدا و مجروحین را کسب کند.

مقدم، سرپرست کنسولگری سفارت گفت: هواپیما ساعت ۵ بامداد وارد فرودگاه جده شد و پس از ساعتها انتظار و بهانه جوئی های رژیم سعودی، بالاخره ۵۷ شهید و ۲۸ مجروح به فرودگاه جده انتقال یافته و در حال حاضر برادران ما در فرودگاه جده مشغول سوار کردن آنها به هستند.

تا این ساعت، بقیه شهدا را تحویل نداده اند و گفته میشود یک اتومبیل حامل شهدا در بین راه مکه - جده خراب شده ولی ما را از سرنوشت این اتومبیل بی اطلاع گذاشته اند.

همچنین ما نمی دانیم در این اتومبیل چه تعداد شهید وجود دارد.

روزنامه کیهان ۱۴ مرداد ۱۳۶۶

ص: ۶۴۴

اظهارات نخست وزیر پیرامون انتقال شهدای حج آقای میرحسین موسوی نخست وزیر در یک گفتگوی تلفنی با خبرنگار واحد مرکزی خبر پیرامون تعلل مقامات سعودی در اجازه پرواز هواپیمای حامل اجساد زائران بیت الله الحرام و دیگر توطئه های احتمالی حکام سعودی توضیحاتی داد.

### اظهارات نخست وزیر پیرامون انتقال شهدای حج

وی گفت: بر طبق گزارشات موجود بعد از مجوز پرواز انتقال اجساد شهدا از سوی مقامات سعودی متأسفانه اولین هواپیما مدت چند ساعت است که در فرودگاه آن کشور در محاصره و پلیس مسلح سعودی است و برخلاف تمام قوانین، خدمه و خلبان این هواپیما اجازه خروج پیدا به نکرده اند.

وی گفت: با اینکه قرار بود جنازه ها در فرودگاه باشد و تحویل گرفته شود مقامات سعودی این هر کار را نکردند و اعلام داشتند مشغول انتقال اجساد به فرودگاه هستند.

وی افزود: از آنجائی که پلیس و مامورین عربستان تاکنون مانع رویت پیکر شهدای این مهم فاجعه که با گلوله به شهادت رسیده اند توسط مسئولین ایرانی شده اند لذا این احتمال وجود دارد هم که تعلل و عقب انداختن تحویل شهدا به نمایندگان ایرانی برای جدا کردن این جنازه ها از دیگر شهدا باشد.

آقای موسوی در ادامه افزود: بر اساس آخرین گزارشات تظاهر دیروز پیکر شهدا در حال و حمل از مکه میباشد که تا زمانی که به هواپیما نرسیده و تحویل مسئولین ایرانی نشده اند ما و نمی توانیم از این مسئله اطمینان داشته باشیم.

وی تصریح کرد هم اکنون تماسهایی از طریق وزارتخارجه کشورمان، هلال احمر و برادران ما در عربستان در جریان است که اگر مسئولین سعودی مشکلی ایجاد نکند. انشاء الله به نتیجه خواهد رسید.

نخست وزیر با اشاره به تناقض گوئیهای رژیم سعودی در توجیه فاجعه مکه اظهار داشت :

حکام آل سعود در بدو امر مدعی بودند که تنها چهارده الی پانزده نفر در این جنایت هولناک به قتل رسیده اند ولی بخاطر اینکه صدها چشم شاهد این جنایت بوده و چهره خونین حجاج ما را دیده اند و گوشها شرح واقعه را شنیده بودند لذا مجبور شدند بقیه مسائل را بتدریج مطرح کنند.

آقای موسوی در خاتمه تاکید کرد مایقین داریم که عربستان هر چقدر تلاش کند نخواهد

## گزارش لحظه به لحظه از هواپیمای حامل شهدا و مجروحین

توانست این مسئله را بیوشاند و این فاجعه از آن اتفاقاتی نیست که بتوان آنرا مخفی کرد و انشاء الله روز به روز ابعاد قضیه بیشتر روشن خواهد شد.

روزنامه جمهوری اسلامی چهارشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۶۶ گزارش لحظه به لحظه خبرنگار کیهان از پرواز رفت و برگشت هواپیمای حامل شهدا و مجروحین «جمعه خونین» هواپیمای حامل شهدا و مجروحین جنایات حکام سعودی بالاخره پس از چند روز انتظار و بیست و چهار ساعتی که از پرواز آن از فرودگاه مهرآباد می گذشت، مجدداً در تهران به زمین نشست و ۵۹ شهید و ۳۴ مجروح را به کشور منتقل کرد.

با خبرنگار کیهان گزارش لحظه به لحظه ای از پرواز رفت و برگشت این هواپیما تهیه کرده است که می خوانید:

روز شنبه که هیات متشکل از نمایندگان حضرت امام، رئیس جمهور، نخست وزیر و وزیر امور خارجه به عربستان رفت تا ضمن تفقد زائران و مجروحان با نماینده حضرت امام نیز ملاقات کنند، سه هواپیما در فرودگاه مهرآباد آماده شده بود تا در صورت موافقت با انتقال شهدا به و مجروحین بلافاصله به جده اعزام شود. این هواپیماها تا ساعت ۲۴ همچنان منتظر بودند تا به اینکه با بازگشت هیات ایرانی مساله منتفی شد.

بعد از ظهر دوشنبه مجدداً اعلام شد که با هماهنگی هائی که به عمل آمده مقرر شده که م شهدا و مجروحین امشب به تهران انتقال یابند. در تماس ساعت ۱۹ دوشنبه با فرودگاه مهرآباد به کسب اطلاع شد که یک فروند هواپیما برای این منظور اختصاص یافته و در صورتیکه به مجوزهای لازم برای پرواز صادر شود، ساعت ۱/۳۰ بامداد سه شنبه به سوی جده پرواز خواهد ب کرد. یکی از مسئولان فرودگاه در این زمینه اظهار داشت که این مجوزها شامل ویزا برای خدمه هواپیما و کادر پزشکی که پرواز را همراهی خواهند کرد میباشد. همچنین باید مجوزهای لازم برای هماهنگی های مربوط به پرواز و فرود هواپیما در فرودگاه جده از سوی مقامات سعودی داده شود که تاکنون علیرغم تماسها و تلاشها به نتیجه نرسیده است. تماس بعدی با فرودگاه ام مهرآباد ساعت ۲۲/۳۰ دوشنبه صورت گرفت که اعلام شد: تا این ساعت لوازم پزشکی از

جمله ۱۵۰ عصای زیر بغل داخل هواپیما بارگیری شده و ۹ نفر کادر پزشکی همراه هواپیما همچنان منتظر جواب دولت سعودی برای ویزا هستند. یکی از مسئولان فرودگاه در پاسخ به این سؤال که اگر سعودی برای کادر پزشکی ویزا صادر نکند، مساله به چه صورت خواهد بود، گفت:

در این صورت کادر پزشکی در جده از هواپیما پیاده نخواهند شد و خدمات خود را پس از سوار شدن مجروحان ارائه خواهند داد. ساعت ۱/۳۰ بامداد سه شنبه مجدداً با فرودگاه مهرآباد تماس گرفتیم که اعلام شد مجوزهای لازم برای پرواز گرفته شده و هواپیما احتمالاً -دقیقی دیگر به سوی جده پرواز خواهد کرد. در تماسی که ساعت ۲/۱۵ با فرودگاه مهرآباد گرفته شد کسب اطلاع گردید که هواپیما همراه با کادر پزشکی پنج دقیقه قبل (ساعت ۲/۱۰ بامداد سه شنبه) فرودگاه مهرآباد را به سمت جده ترک کرده و احتمالاً -پس از چهار ساعت پرواز، در فرودگاه جده به زمین خواهد نشست. تماس بعدی با فرودگاه مهرآباد ساعت ۶ بامداد صورت گرفت که مسئولان فرودگاه اعلام کردند پرواز بدون هیچگونه اشکالی پایان گرفته و هواپیما دقیقاً قبل در فرودگاه جده به زمین نشسته است.

دو ساعت بعد تماس دیگری با فرودگاه مهرآباد نشان داد که ظاهراً اتفاق جدیدی در جده رخ نیفتاده و سرنشینان هواپیما هنوز خارج نشده اند. مقامات فرودگاه از علت این مسأله اظهار بی اطلاعی کردند. در ساعت ده صبح سه شنبه از یک مقام آگاه کسب اطلاع شد که هواپیما در فرودگاه جده تحت اقدامات شدید امنیتی و نظامی قرار گرفته و نظامیان سعودی با سلاح و سبک و سنگین هواپیما را به محاصره خود در آورده اند. این مقام آگاه گفت: که عربستان سعودی به دلیل نامعلومی از تحویل اجساد شهدا و مجروحین به هواپیما خودداری میکند و برخی گزارشها حاکیست که شهدا و مجروحین هنوز در مکه هستند. در همین حال مهندس موسوی نخست وزیر ساعت ۱۱/۳۰ در یک گفتگوی رادیویی علت عدم تحویل شهدا و مجروحان را تشریح کرد.

مهندس موسوی در این مورد گفت: خبری که ما داریم، این است که بعد از مجوزهایی که عربستان برای پرواز هواپیماهایی جهت انتقال مجروحین و جنازه های شهدای ما داد این هواپیماها به آنجا رفتند. متأسفانه اولین هواپیمایی که رسید حدود ۵ ساعت است که در آنجا نشسته و در محاصره پلیس مسلح عربستان در جده است و برخلاف عرف جهانی به خدمه و خلبان هواپیما اجازه خروج ندادند و آنها در داخل هواپیما هستند و این مسأله خستگی زیادی

را به‌مراه دارد و با اینکه قرار بود جنازه‌ها و مجروحین در فرودگاه جده تحویل بشود، ولی آنها این کار را نکردند و همچنین چند دقیقه پیش با خبر شدیم گفته‌اند دارند جنازه‌ها را از مکه منتقل می‌کنند، ولی تا موقعی که به هواپیماها نرسیدند و تحویل داده نشدند ما نمی‌توانیم از این مسأله، اطمینان داشته باشیم. تماس بعدی ساعت ۱۴ صورت گرفت یکی از دست‌اندرکاران قضیه تصریح کرد که تا بحال در این چند ساعت، سعودی چند بار قول داده که در مدت زمان کوتاهی مسأله حل می‌شود ولی تا بحال تغییری رخ نداده است. وی گفت که مشکل انتقال شهدا و مجروحین از مکه به جده همچنان وجود دارد. در تماس ساعت ۱۵/۳۰ با مقامات مطلع کسب اطلاع شد که هنوز درهای هواپیما بسته است و نشانی از این مسأله که ی عربستان شهدا و مجروحین را منتقل کرده باشد، نیست ولی احتمال آن افزایش یافته است. در تماس ساعت ۱۶/۳۰ به ما اطلاع دادند که عملیات انتقال شهدا و مجروحین آغاز شده و پرواز در فاصله کوتاهی انجام خواهد شد، ولی نیم ساعت بعد تماس دیگری این مسأله را منتفی و به ساخت.

انتظار شدت می‌گیرد انتظار، محافل خبری و نهادهای رسمی و فرودگاه را در خود فرو برده است. خبرهایی که در و این ساعات به ما منتقل می‌شود، متناقض است. یک بار ساعت ۱۷ اعلام شد که هواپیما پرواز کرده ولی بعدا تکذیب شد. محافل رسمی ساعات را حساس و سرنوشت ساز و می‌دانند. تلاشهای گسترده‌ای از سوی مقامات سفارت برای حل این مشکل جریان دارد. و آخرین خبرهایی که در این زمینه بدست ما رسیده نشان می‌دهد که قرار شد. جمعا ۷۵ شهید و هم تعدادی مجروح با این پرواز به تهران انتقال یابند.

ساعت ۱۸ محافل رسمی از پیشرفت تلاش سخن می‌گویند و اظهار می‌دارند که مقامات سعودی ظاهرا شهدا و مجروحین را از مکه انتقال داده ولی در فرودگاه جده هیچ چیز این را تائید نمی‌کند.

در ساعت ۱۹/۳۰ کسب اطلاع شد که شهدا و مجروحین به فرودگاه رسیده‌اند ولی از تعداد آنها خبری در دست نیست. در ساعت ۲۰/۳۰ رسماً اطلاع داده شد که درهای هواپیما باز شده و عملیات انتقال شهدا و مجروحین به داخل هواپیما آغاز شده است. یک ساعت بعد مطلع شدیم که جمعا ۵۸ شهید و ۳۴ مجروح در حال انتقال به هواپیما هستند و یکی از و مجروحین بدلیل تعلل بیش از حد دولت سعودی به خیل شهدا پیوسته است.

## ورود نخستین کاروان شهداء و مجروحین

در ساعت ۲۱ با سفارت ایران در جده تماس گرفتیم. یک مقام مسئول تایید کرد که در حال حاضر انتقال شهدا و مجروحین به داخل هواپیما ادامه دارد. وی گفت: یک اتومبیل حامل شهدا در بین راه جده و مکه به دلیل نقص فنی خراب شده که از سرنوشت آن بی اطلاع هستیم.

در ساعت ۲۲/۱۰ از مقامات مسئول که با هواپیما در جده در تماس هستند کسب اطلاع شد که عملیات انتقال، مراحل آخر خود را می گذرانند. عملیات در آخرین دقایق ساعت ۲۲ پایان گرفت و مسئولان اعلام کردند که هواپیما برای پرواز آماده‌گی دارد. در ساعت ۲۳/۱۵ مطلع شدیم که موتورهای هواپیما روشن شده و احتمالا تا چند دقیقه دیگر پرواز خود را آغاز خواهد کرد.

ساعت ۲۳/۳۰ اطلاع یافتیم که هواپیما هفت دقیقه پیش (۲۳/۲۲) از زمین فرودگاه جده هم جدا شده و حرکت خود را به سوی تهران آغاز کرده است. هواپیمای حامل شهدا و مجروحین هم در ساعت یک بامداد امروز (چهارشنبه) وارد حریم فضائی ایران شد. هواپیما در ساعت ۲/۲۰ م بر فراز آسمان تهران قرار گرفت و در ساعت ۲/۲۵ بامداد بر زمین فرودگاه مهرآباد نشست.

کیهان ۶۶/۵/۱۴ ورود نخستین کاروان شهدا و مجروحین تین کاروان شهدا و مجروحین جنایات حکام سعودی ساعت ۲ و ۳۰ دقیقه بامداد چهارشنبه بایک پرواز اختصاصی وارد تهران شد و از سوی مهندس میرحسین موسوی نخست وزیر مورد استقبال قرار گرفت.

نخست وزیر در مراسم استقبال از زائرین مجروح و شهید خانه خدا که در فرودگاه تهران برگزار شد از مقام والای زائرین شهید و مجروح بیت الله الحرام تجلیل کرد.

در جریان این مراسم که آقایان معیری معاون سیاسی نخست وزیر و وزیر ارشاد اسلامی، راه و ترابری، سپاه، بهداشت، صنایع و کشاورزی، و چند تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تنی چند از مقامات وزارت امور خارجه کشورمان حضور داشتند.

ابتدا آقای موسوی نخست وزیر در جمع مجروحین اعزامی به تهران در داخل هواپیما حضور یافت و طی سخنانی از آنان دلجویی کرد و شاخه های گل به آنان اهداء نمود و جوانب جنایات



حکام سعودی را برای مجروحین تشریح کرد و آثار آنرا در جهان اسلام بازگو نمود.

آقای موسوی نخست وزیر سپس در اجتماع خبرنگاران حضور یافت و به سئوالات آنان پاسخ گفت: آقای موسوی اظهار داشت: پس از کارشکنی های بسیار زیاد بالاخره هواپیمای حامل مجروحین و شهدا به تهران رسید و سرانجام تعلق رژیم آل سعود سبب شد که یکی از مجروحین به شهادت برسد.

در بین مجروحین انتقالی به تهران افرادی بودند که در شرایط عمومی بسیار نامناسب قرار داشتند و با وجود این رژیم سعودی در انتقال آنان کوتاهی میکرد که این اقدام رژیم سعودی را متوجه مسئولیت سنگین تری میکند اگر چه اصل این جنایت مسئولیت سنگین تر بردوش رژیم سعودی گذاشته است.

البته مجروحین ما بسیار روحیه بالایی دارند که این نشاندهنده ایمان خوبی است که در آنان وجود دارد.

آقای موسوی نخست وزیر اظهار داشت: گروهی از مجروحین به ضرب گلوله مجروح شده اند و در موردی بک زائر خانه خدا را با گلوله ای مضروب کرده بودند که کاربرد آن حتی در جنگ هم محل تردید است.

این بی ایمانها به سمت انسانهای بیگناهی بجرم اینکه آنها مخالف آمریکا و اسرائیل هستند تیراندازی کرده اند. وی افزود: آثار ضرب و شتمها و جنایت عمال سعودی بر بدن شهدا کاملاً فجیع و باور نکردنی است نخست وزیر اظهار داشت: هنوز شماری از شهدا و مجروحین ما در دست حکام سعودی هستند که تلاش برای بازگرداندن آنان ادامه دارد.

آقای موسوی افزود: کسانی که در اولین پرواز به تهران منتقل شده اند از جمله مجروحینی هستند که قادر به ادامه اعمال حج نبوده اند و برای مجروحینی که در عربستان باقیمانده اند پیش بینی های لازم برای ادامه مناسک حج صورت گرفته است.

نخست وزیر با اشاره به بازتاب جهانی جنایت رژیم عربستان گفت: ما باید افشاگری کنیم و هر چه بیشتر عمدی بودن آنرا که روز بروز اسناد مربوط به آن آشکار میشود را بیان کنیم.

آقای موسوی با استناد به دلایلی که حاکی از اطلاع قبلی آمریکا و رژیم عربستان از وقوع درگیری در راهپیمایی براءت از مشرکین بوده است گفت: این درگیری دقیقاً با ماجرای شکست فضاحت بار آمریکا در خلیج فارس مرتبط بوده است این توطئه نمیتواند ما را عقب بزند و هر کدام از این ضربه ها باعث بیداری بیشتر روحیه انقلابی در بین ملت ما خواهد شد و همانطور که

امام امت در پیام خود فرمودند رنج هایی که ملت ما متحمل میشود به واسطه اسلام است و برای همین این رنج ها در نظر مردم ما شیرین می باشد و امیدواریم انشاء الله این رنجها پایان خوشی برای مردم مظلوم جهان داشته باشد نخست وزیر اظهار داشت: تمام این جنایات بخاطر این است که ما در آرمانهای خود کوتاه بیائیم، اما ما در راه اسلام نمیتوانیم کوتاه بیائیم و مساله بجایی رسیده است که نه تنها عقب ننشسته ایم بلکه منافع آمریکا را در سطح دنیا ضربه پذیر ساخته ایم.

آقای موسوی تاکید کرد تحلیل گران غربی و شرقی نمیتوانند نشانه ها و آثار مثبت این جنایات در جوامع اسلامی را درک کنند مادر عین حال بوضوح می بینیم که تمام این رنجها در جهان اسلام اثر مطلوب خود را گذاشته است و نقش عمده ای در رساندن پیام امت مظلوم مابه مردم جهان دارا بوده است.

در پایان این مراسم آقای موسوی نخست وزیر به اتفاق سایر مستقبلین در کنار پیکرهای پاک شهدای این جنایت حضور یافتند و با خواندن فاتحه از مقام والای آنان تجلیل کردند. از جریان این مراسم خبرنگاران و نمایندگان ده رسانه خارجی مقیم تهران گزارش، فیلم و عکس تهیه کردند و با مجروحین جنایت عمال سعودی به گفتگو پرداختند.

روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۱۷ مرداد ۱۳۶۶

ص: ۶۵۱

## نخست وزیر: حادثه عظیم مکه مقدمه اتفاقات تازه است

نخست وزیر: حادثه عظیم مکه مقدمه اتفاقات تازه به است سرویس سیاسی: «مهندس میرحسین موسوی» نخست وزیر که ساعت ۲/۵ بامداد امروز برای استقبال از شهدا و مجروحین به فرودگاه مهرآباد رفته بود در یک گفتگوی اختصاصی با خبرنگار کیهان به سئوالات وی پاسخ گفت نخست وزیر در پاسخ به سئوال خبرنگار کیهان درباره مشاهداتش در هواپیما که جنازهها در آن قرار داشتند گفت: این جنایات نشان میدهد که رژیم سعودی جنایات هولناکی مرتکب شده هم که ما کم کم باید به ابعاد آن پی ببریم. یکعه ای از مجروحین هستند که یقیناً شما با آنها مصاحبه کردید که اینها با گلوله مجروح شدند. و بعضی از برادران هستند که با گلوله هائی که در بدن انسان منفجر میشود مجروح هستند از جمله آقای «خانی» است که بنده در اینجا دیدم که م حتماً با ایشان مصاحبه بشود. قبلاً هم گفتم که در جنگها هم از این گلوله ها استفاده هم نمیکند. و همچنین مجروحینی که در حال «کوما» بودند که نمیتوانستند صحبت بکنند و آنهایی هم که تا اندازه ای هوشیار بودند من در آن ها احساس روحیه انقلابی و حالت برانگیختگی و و انگیزه های قوی دیدم که نشان دهنده آنست که اینها در موضع مظلومیت و حقی قرار داشتند.

در عین حال آنچه که مهم است و بنده در این مصاحبه گفتم یکی از مجروحین مابخاطر همین دیر رساندن و مشکلاتی که ایجاد کردند شهید شد که اینهم بر مسئولیت های سنگین رژیم سعودی می افزاید.

خبرنگار ما پرسید آقای موسوی ما هر سال نظیر این قبیل راهپیمائی ها را در مکه داشتیم چرا امسال عربستان تصمیم گرفت که با این راهپیمائی مقابله بکند و هدفش از این برخورد چه بوده است؟ نخست وزیر در پاسخ گفت: اگر به حوادث خلیج فارس به شکست های مفتضحانه آمریکا نگاه کنید قضیه روشن میشود. آمریکا بشدت بر سر مسأله خلیج فارس ضربه خورد و حیثیتش و اور خدشه دار شد و دنبال گرفتن انتقام از انقلاب اسلامی و ضربه زدن باین انقلاب بود تا بلکه در هم غوغای آن شکست خودش را پنهان بکند و ما این اقدام را در این راستا می بینیم و نشانه های بسیار روشنی هم برای دخالت آمریکا در این زمینه داریم.

و نخست وزیر در پاسخ باین سئوال که شما حرکت اخیر انگلیس، فرانسه، آمریکا و عربستان و

را چگونه تحلیل می کنید، گفت: معمولاً حرکت آمریکا و فرانسه در جهان هم سوئی دارد و با هم حرکت می کنند، گرچه در ظاهر اختلاف سلیقه هائی دارند، الان چنین حالت هائی وجود دارد. منتها نسبت به سیاست های ریگان یکنوع اعتراض در جهان غرب است. بخاطر اینکه ریگان کارهایش هوشمندانه نیست و از روی کینه و گرایشهای فردی و احساسات قلبی دست بکارهائی میزند که نمونه اش همین مساله مک فارلین است که الان روشن شده که خود آمریکائی ها میگویند یک کار غیر حرفه ای و بچه گانه است و در این زمینه هم کارها باین ترتیب م پیش رفته است و در خود جهان غرب نسبت باین مساله اعتراض هست. برای همین است که ضمن اینکه منافع مشترکی که در جهان غرب است و کشورها را بهم ربط میکند و آنها را در یکسو قرار میدهد ولی در عین حال ما باید متوجه باشیم که در خود همین بلوک ظاهراً متحد اعتراضاتی نسبت به سیاستهای واقعا بی اصالت و سست وجود دارد که افشاگریهای ما و مقاومت و ایستادگی و حالت تهاجمی ما یقیناً این مسأله را بیشتر در این کشورها دامن خواهد زد و روشن خواهد کرد. برای افکار عمومی مردم غرب که چگونه مسئولین کج اندیش آنها و کسانی که فقط به منافع خودشان فکر می کنند، منافع واقعی آنها را در سراسر جهان بخطر می اندازد.

نخست وزیر در پاسخ باین سؤال خبرنگار ما مبنی بر اینکه آیا پیام اخیر امام به حجت الاسلام کروی سیاست دولت را در ارتباط با عربستان سعودی تبیین میکند یا خیر؟ گفت: خط اصلی سیاست خارجی ما همیشه منبعث از فرامین و دید حضرت امام بوده و دولت هم پیرو خط امام همیشه حرکت کرده و معمولاً در رابطه با اصلی ترین مسائل بین المللی بخاطر ارتباطش با سرنوشت مسلمانها و انقلاب اسلامی حضرت امام همیشه نظریاتی دارند که دولت تابع آنهاست. در این رابطه هم نظریات صریحی از طرف حضرت امام داریم که دولت قدم بقدم از آنها تبعیت خواهد کرد و در جهت تحقق آنها حرکت خواهد کرد.

خبرنگار ما سؤال کرد مساله ای که در مکه پیش آمد چه پیامدها و تأثیراتی داشته و موضعگیری کشورهای مختلف درباره این مسأله را چگونه ارزیابی میکنید؟ نخست وزیر در پاسخ گفت: ما مصادف با یک حادثه بسیار عظیمی بودیم که الان تازه مقدمه یک اتفاقات تازه ای است برای همین است که قضاوت و داوری در این زمینه بسیار زود و بصورت ابتدائی میتوانم بگویم که مسأله دارد در میان طرفداران انقلاب اسلامی باز و میشود و مسأله اسلام انقلابی و اسلام متعهد و اسلامی که استکبار جهانی را قبول ندارد در و

مقابل آخوندهای درباری که یکی از آنها همین آخوندی است که در بیت الله الحرام در مکه حرفهای مزخرفی را علیه انقلاب اسلامی زده است. این حرکت در مقابل آن حرکت قرار میگیرد و این حرکت انقلابی یقیناً مورد استقبال جوانان نیروهای پیشرو و در حال جستجو قرار خواهد گرفت و بشدت در تمام جهان اسلام اثر خواهد گذاشت. همانطور که حضرت امام و فرمودند این چیزی است که قدرت استکبار بدست خودشان امکان آنرا فراهم کردند و ما باین به زودی باین مرحله نمیرسیم ولی جای این جریان باز شد.

• روحیه بالای مجروحان از سوی دیگر مهندس موسوی نخست وزیر در گفتگوی دیگری با واحد مرکزی خبر اظهار داشت: مجروحین روحیه ای بسیار خوب و بالائی داشتند و این نشان دهنده قدرت ایمان آنها در برابر هر نوع اعمال خشونت آمیز رژیم سعودی نسبت به حجاج ایرانی است. چند نفر در به میان مجروحین ما وجود دارند که شما میتوانید با آنها مصاحبه کنید تا از زبان خود آنها بشنوید که آثار جراحات گلوله بر بدنشان دیده میشود. گلوله هائی که به بدن این برادران ما اصابت کرده شاید در جنگ هم از نظر کنوانسیون بین المللی مورد تردید باشد. این برادران ما بجرم - و راهپیمائی و تظاهرات در روز جمعه گذشته این چنین مورد حمله وحشیانه پلیس سعودی و افراد امنیتی قرار گرفته و مضروب و مجروح شده اند و آثار جنایات آل سعود بخوبی در اینجا دیده میشود. مایک تعدادی هم مجروح داریم که اینها بعلت جراحات شدید قادر به انجام مناسک حج نبودند که به تهران انتقال داده شدند. برخی دیگر که جراحات کمتری داشتند در بیمارستانها و درمانگاههای هیأت پزشکی ایران در مکه تحت درمان و مداوا قرار گرفته اند.

نخست وزیر در پاسخ به سؤال خبرنگار واحد مرکزی خبر در مورد اینکه جمهوری اسلامی ایران چه اقدامی در مقابل این جنایات رژیم سعودی بعمل خواهد آورد گفت: ما باید افشاگری بکنیم و روز بروز ابعاد این مسأله روشن تر میشود و هر چه بیشتر عمدی بودن آنرا که روز بروز اسناد مربوط به آن آشکار میشود بیان کنیم.

نخست وزیر با استناد بدلائلی که حاکی از اطلاع قبلی آمریکا و رژیم عربستان از وقوع درگیری در راهپیمائی براءت از مشرکین بوده است گفت: این درگیری دقیقاً با ماجرای شکست فضاخت بار آمریکا در خلیج فارس مرتبط بوده است. این توطئه نمیتواند ما را عقب بزند و هر کدام از این ضربه ها باعث بیداری بیشتر و ایجاد روحیه انقلابی در بین ملت ما خواهد شد.

نخست وزیر گفت: پس از کارشکنی های بسیار زیاد بالاخره هواپیمای حامل مجروحین و

شهدا به تهران رسید و سرانجام تعلق رژیم آل سعود سبب شد که یکی از مجروحین به هم شهادت برسد. در بین مجروحین انتقالی به تهران افرادی بودند که در شرایط عمومی بسیار نامناسب قرار داشتند و با وجود این رژیم سعودی در انتقال آنان کوتاهی میکرد که این اقدام و رژیم سعودی را متوجه مسئولیت سنگین تری میکند. اگرچه اصل این جنایت مسئولیت و سنگین تری بر دوش رژیم سعودی گذاشته است.

مهندس موسوی افزود: آثار ضرب و شتم و جنایات عمال سعودی بر بدن شهدا کاملاً فجیع و باور نکردنی است. وی اظهار داشت: هنوز تعدادی از شهدا و مجروحین ما در دست حکام سعودی هستند که تلاش برای بازگرداندن آنان ادامه دارد.

کیهان ۱۳۶۶/۵/۱۴ پیکر پاک ۴۹ شهید دیگر جمعه سیاه مکه به تهران منتقل شد پیکر پاک ۴۹ تن دیگر از شهدای جمعه سیاه مکه که در حین راهپیمایی براثت از مشرکین توسط پلیس عربستان سعودی به شهادت رسیده اند بامداد امروز طی مراسم ویژه ای در فرودگاه مهرآباد تهران تشییع شد.

بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در این مراسم که وزرای فرهنگ و آموزش عالی، بازرگانی، امور اقتصادی و دارایی و سرپرست وزارت نیرو حضور داشتند و مارش عزای نواخته میشد پیکر پاک شهدای جمعه سیاه بوسیله گارد تشریفات از هواپیما خارج و به پزشکی قانونی منتقل گردید.

در این گزارش حاکیست حدود ۱۶۰ تن دیگر از شهداء طی دو روز آینده قرار است به تهران منتقل شوند، بعضی از این شهدا بعلت کثرت جراحات قابل شناسائی نیستند و توسط خانواده هایشان شناسائی خواهند شد.

روزنامه کیهان سه شنبه ۲۰ مرداد ۱۳۶۶

کاروان ویژه بنیاد شهید با تقدیم ۶ شهید و ۵ مفقود از حج خونین امسال بازگشت تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی: حجاج کاروان ویژه بنیاد شهید انقلاب اسلامی، متشکل از خانواده های شهید و جانباز انقلاب اسلامی، بعد از ظهر دیروز (دوشنبه) وارد تهران هم شدند و طی مراسم ویژه استقبال باشکوهی از آنان بعمل آمد. | به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، کاروان مذکور در حالی به کشورمان بازگشت که ۶ نفر از زائران آن شهید و پنج نفر دیگر در حال حاضر مفقود بوده و از سرنوشت آنان اطلاعی در دست نیست.

در این گزارش حاکیست: کاروان مذکور که در بین آن بسیاری از جانبازان انقلاب اسلامی سوار بر صندلی چرخدار، مشاهده می شدند، به هنگام ورود به ترمینال فرودگاه مهرآباد، با و پر استقبال انبوه جمعیت که بسیاری از آنان از شوق اشک در چشم داشتند، روبرو گردید و جمعیت و استقبال، اقدام به گلباران و اهداء شاخه های گل به حجاج کردند.

در بین جمعیت استقبال کننده، جمعی از خانواده های زائرین شهید نیز دیده می شدند که ضمن دادن شعارهایی در جهت نابودی حکام آمریکا و سعودی و انتقام گرفتن از خون شهدای جمعه خونین مکه، از حجاج استقبال بعمل آوردند.

این گزارش حاکیست در مراسم مذکور سه صندلی چرخدار مشاهده می شد که بر روی هر یک از آنها دسته گلی بود به نشانه سه جانبازی که در جمعه خونین مظلومانه به شهادت رسیده اند، این صحنه احساسات بسیاری از حجاج و استقبال کنندگان را بر می انگیخت.

در جریان ورود حجاج کاروان ویژه بنیاد شهید، خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی با چند نفر از حجاج این کاروان گفتگوهایی داشت که حاکی از برنامه از پیش تعیین شده رژیم سعودی برای کشتار زائرین ایرانی و تبلیغات سوء گسترده این رژیم در سطح داخل و خارج از عربستان می باشد.

یکی از جانبازان انقلاب اسلامی به نام مهدی شکوری که هر دو پای خود را در راه انقلاب اسلامی هدیه کرده است، با اشاره به شدت جنایت پلیس سعودی در جریان جمعه خونین مکه مکرمه گفت: کلیه شواهد و ظواهر امر قبل از بروز حادثه، حاکی از تدارک و برنامه ریزی رژیم

سعودی برای چنین جنایتی بود.

وی افزود: طی برخورد خشونت آمیز ماموران سعودی با مردم، کوچکترین رحمی به زنان و معلولین نمی شد و آنها با خشونت شدیدی با مردم برخورد کردند و این درحالی بود که از روی ساختمان ها و پل ها نیز مأمورین که لباس مبدل پوشیده بودند، سنگ و شیشه و اجسام دیگری که از قبل آماده شده بود را بر سر حجاج می ریختند.

وی افزود: برای اینکه برادران و عکاسان ایرانی بخوبی نتوانند از صحنه های راهپیمائی عظیم براثت از مشرکین و نیز سرکوب زائرین فیلم و عکس تهیه کنند، مأمورین سعودی از روی ساختمانها نور آفتاب را بوسیله آینه بر روی دوربین ها می انداختند.

حجت الاسلام سیداحمد هاشمی نژاد یکی دیگر از حجاج کاروان مذکور نیز با اشاره به تبلیغات دروغین رژیم سعودی در رابطه با کشتار زائرین خانه خدا گفت: پس از این جنایت غم هولناک، کلیه مطبوعات و رسانه های خبری سعودی تلاش هماهنگ و گسترده ای را آغاز کردند تا بوسیله آن راهپیمائی آرام زائرین را تلاشی در جهت فتح خانه خدا قلمداد کنند.

وی افزود: در این زمینه شاهد فیلم ها و عکس های متعددی هستیم که با واقعیات کاملاً تفاوت داشته و حاکی از یک حرکت تبلیغاتی دروغین می باشد.

وی نیز با اشاره به حضور بیش از حد نیروهای پلیس سعودی در اطراف محل راهپیمائی و دیگر شواهد، آنرا نشانه هائی از تدارک قبلی رژیم سعودی در جهت سرکوب راهپیمائی عنوان کرد.

محمود صفیاری یکی دیگر از حجاج کاروان ویژه بنیاد شهید، با اشاره به صحنه هائی از سرکوب حجاج بیت الله الحرام گفت: پلیس سعودی در تقاطع مسجد «جن ضمن مسدود کردن کلیه راهها، برخورد را با زائرین ایرانی آغاز کرد و بدنبال آن، ضمن تیراندازی به حجاج بسیاری از آنها را به شهادت رساند.

وی گفت: بستن راههای عبور و مرور آمبولانسها و نیز جلوگیری از فعالیت امدادگران، بهترین گواه بر مقاصد شوم رژیم سعودی می باشد که به هیچ نحو قابل توجیه نیست.

روزنامه اطلاعات سه شنبه ۲۰ مرداد ۱۳۶۶

ص: ۶۵۷



گفتگوی کیهان با چند تن از جانبازان به گزارش خبرنگار ما چند تن از جانبازان انقلاب اسلامی امروز در بازگشت از مکه معظمه طی گفتگویی با خبرنگار کیهان در زمینه فاجعه خونین مکه و جنایت بی رحمانه حکام سعودی مطالبی را عنوان کردند که از نظر خوانندگان میگذرد.

جانباز امام قلی کاویانی پدر دوشهید که سال گذشته در یکی از حملات رزمندگان اسلام دو پایش را از دست داده است و امسال نیز در جریان راهپیمایی مکه همسرش شاه زنان زمانی به شهادت رسید، ضمن توضیحاتی پیرامون چگونگی وقوع جنایت ددمنشانه حکام سعودی گفت: همانطور که همه می دانیم و جهان نیز به آن واقف است، آمریکا از اسلام می ترسد و می داند که عراق سقوط میکند (که سقوطش هم انشاء الله نزدیک است). مرتجعین منطقه نیز در پی او به سقوط کشیده خواهند شد، اینست که برای حفظ منافعش می خواهد اینها را برای خود نگهدارد و در حفظ آنان از چنین جنایاتی نیز ابائی ندارد.

وی سپس گفت: بعد از این جنایت خونبارتن مجروح مرا به بیمارستان منتقل کردند. در آنجا یکی از ماموران امنیتی سعودی از من بازجویی کرد. من به او گفتم من یک مسلمانم و آمده ام که پیام انقلابم را به جهانیان برسانم. گناهم این بود که فریاد زدم مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل آیا این فریادها برای شما که مسلمان و هم کیش ما هستید باید گران تمام شود و دست به چنین جنایت بی رحمانهای بزنید.

وی در ادامه حرفهایش گفت: جلوی چشمان من چهار نفر را به شهادت رساندند. همسر من نیز از ناحیه سر و کتف تیر خورد و در همان محل راهپیمایی به شهادت رسید.

وی در پایان با اعلام این که ۶ فرزند دیگرش را نیز در راه اسلام قربانی و تقدیم خواهد کرد خطاب به مردم شهیدپرور گفت: اگر چه فرزند بازوی پدر است اما حفظ قرآن از آن بازو مهم تر است. از مردم می خواهم حافظ ولایت فقیه باشند. جبهه ها را خالی نگذارند و انتقام خون شهدا به ویژه خونین کفنان مکه را از آمریکا و ایادیش بگیرند.

امیر گرامی یکی دیگر از جانبازان در مورد همکاری سایر زائرین بیت الله الحرام با حجاج ایرانی گفت: راهپیمایی که تمام شد و پرچم آمریکا را به آتش کشیدیم. مزدوران سعودی گارد ویژه بخصوص ساواکی های (ماموران مخفی) مستقر در اطراف خیابان به خشم آمدند و ابتدا باباطوم و چوب و سنگ حمله کردند بعضی ها حتی سطل های شن آتش نشانی را هم به

طرف جمعیت پرتاب می کردند.

وی افزود: ما جانبازان که در پیشاپیش راهپیمایان حرکت می کردیم بیشتر از سایرین در معرض ضرب و شتم مزدوران سعودی قرار گرفتیم. سر من از دو ناحیه شکاف برداشت و یک پای مصنوعی من را هم خرد کردند. در این میان گروهی از مردم که نمیدانم از اهالی مکه بودند یا اینکه افغانی با فلسطینی و لبنانی بودند به کمک ما آمدند و مجروحین را بوسیله آمبولانس به بیمارستان رساندند. مدت سه روز در بیمارستان بودم و هیچ ارتباطی با بیرون نداشتم تا اینکه دکتر حریری از هلال احمر آمد و ما را به محل اسکان خودمان انتقال داد.

امیر گرامی جانباز دیگری در مورد رفتار توهین آمیز مزدوران سعودی در روزهای بعد از راهپیمائی گفت: بعد از این فاجعه خونین مزدوران سعودی فشار و کنترل خود را نسبت به زائرین ایرانی افزایش دادند، هر جا که می رفتیم ما را تفتیش و جستجوی بدنی می کردند، به ویژه هنگام ورود به حرم که از سایر مراکز شلوغتر بود، پیش چشم زوار دیگر کشورها ما را جستجوی بدنی میکردند و ما را در مقابل آنان به عنوان یک خرابکار جلوه می دادند.

آنان برای خنثی کردن این جنایت وحشیانه در روزنامه هایشان هم نوشته بودند که ایرانی ها قصد داشتند کعبه را تصرف کنند که ممانعت ماموران باعث درگیری شد.

قاسم علی اکبری جانباز اهل شمال کشور نیز در گفتگویی با خبرنگار ما گفت: در حمله وحشیانه مزدوران سعودی من از سه ناحیه بدنم مجروح شدم و به یکی از بیمارستانهای سعودی انتقال یافتم. در بیمارستان علیرغم سخت گیری های شدیدی که وجود داشت، تعدادی از دکترها و پرستارها با ما رفتار خوبی داشتند و این نشان میداد که مردم عربستان با وجود تبلیغات وسیع غربی هنوز هم خوی مسلمانی خود را حفظ کرده اند. حتی من خودم یک شرطه را دیدم که سپرش را جلوی جانبازان می گرفت تا آنان کمتر آسیب بینند. ولذا من معتقدم اگر مسئولین کشور ما تبلیغات خارجی را وسعت بیشتری ببخشند، مردم مسلمان کشورهای منطقه به زودی از شر حکام مرتجع خلاص خواهند شد.

روزنامه کیهان سه شنبه ۲۰ مرداد ۱۳۶۶

ص: ۶۵۹

گزارش روزنامه جمهوری اسلامی کاروان ویژه بنیاد شهید انقلاب اسلامی متشکل از جانبازان و خانواده های شهدا دیروز به هم میهن اسلامی بازگشت و توسط حجت الاسلام والمسلمین توسلی بنماینده گی از سوی حضرت امام و جمعی از امت حزب الله و خانواده های شهدا، مفقودین، اسرا و جانبازان مورد استقبال هم قرار گرفت.

بر پایه این گزارش حجت الاسلام والمسلمین توسلی ضمن دیدار با یکایک معلولین و ابلاغ سلام حضرت امام و تجلیل از مقاومت و پایمردی خانواده های معلولین و تمامی حجاج در برابر هم ددمنشی های رژیم سفاک آل سعود طی سخنانی اظهار داشت: پیرو امر حضرت امام، بنده و تعدادی از برادران ماموریت یافتیم تا در مکه از شما و مجروحین دیدار کنیم ولی از آنجا که و رژیم سعودی از ما تقاضاهائی داشت که با عزت اسلام و انقلاب منافات داشت موفق به زیارت به شما عزیزان نشدیم.

آنگاه در جریان این ملاقات حاضرین ضمن تقاضای ملاقات با امام امت اعلام کردند تا آخرین قطره خون در کنار حضرت امام خواهند بود.

سپس جانبازان انقلاب اسلامی در سالن ترمینال حجاج در مراسم باشکوهی که با شرکت نماینده امام، خانواده های شهدا، اسرا، مفقودین و جانبازان، پزشکان و کارکنان بنیاد شهید انقلاب اسلامی و امت حزب الله تهران ترتیب یافته بود شرکت کردند که نخست معاون امور بین المللی بنیاد شهید طی سخنانی با بیان نقش جانبازان انقلاب اسلامی در صدور انقلاب، چگونگی فاجعه جمعه خونین مکه معظمه را تشریح کرد.

سپس حجت الاسلام والمسلمین توسلی بنماینده گی از سوی امام امت طی سخنانی گفت:

شما پیشگامانی هستید که برای این انقلاب جان خود را در اختیار خدا قرار دادید و استکبار جهانی امروز نه انقلاب ما را شناخته و نه ملت ما را درک کرده زیرا اگر می شناخت دست به چنین جنایتی نمی زد و اینطور حرکات مذبحخانه ای انجام نمیداد.

وی افزود: امسال، سال برائت از مشرکین بود و شما جانبازان عزیز از نزدیک مشاهده کردید به آنهاییکه خود را خادم الحرمین می نامیدند چه صحنه های را بوجود آورده و این چنین جنایتی را مرتکب شدند و رسانه های گروهی دنیا میخواهند این جنایاتی که رژیم آل سعود مرتکب شده وارونه جلوه دهند اما زائران ایرانی و غیر ایرانی جنایات آل سعود را مشاهده کردند.

وی در پایان سخنان خود با اشاره به اینکه مکه امسال فراموش نشدنی است برای پیروزی رزمندگان اسلام و طول عمر حضرت امام دعا کرد.

بر اساس این گزارش چند تن از جانبازانی که دیروز از سفر حج بیت الله الحرام به میهن اسلامی بازگشته اند در گفتگویی با خبرنگار واحد مرکزی خبر در زمینه حمله ددمنشانه پلیس فاشیست سعودی به حجاج بیت الله الحرام در روز جمعه خونین مکه معظمه که منجر به شهید پر مجروح شدن جمعی از زائران خانه خدا شد مطالبی بیان داشتند.

یکی از جانبازان که خود را ایرج نوری معرفی کرد در مورد حمله ددمنشانه پلیس سعودی به راهپیمایان براءت از مشرکین در مکه معظمه گفت: ما که در کاروان جانبازان بنیاد شهید بودیم در این راهپیمائی در صف جلو قرار داشتیم در زمینه این فاجعه فقط می توانم بگویم که دشمنان چون دیدند مردم با راهپیمائی منظم خود بسوی حرم و برای اقامه فریضه واجب نماز در حرکت هستند و کاری دیگر از دست آنها ساخته نیست اقدام به تیراندازی بسری صفوف راهپیمایان کردند که در این جریان جمعی از هموطنان بیگناه ما را بشهادت رساندند.

یکی دیگر از جانبازان صریحا اظهار داشت که حجاج بیت الله الحرام باگلوله پلیس فاشیست رژیم آل سعود شهید و یا مجروح شده اند.

بر پایه این گزارش یکی دیگر از جانبازان که دیروز از سفر حج به تهران بازگشته است ضمن عرض سلام به محضر امام امت و ملت شهید پرور ایران و رزمندگان کفر ستیز کشورمان خود را امامقلی کاویانی معرفی کرد.

وی که در عملیات کربلایم به جمع جانبازان میهن اسلامیان پیوسته است و پدر دو شهید نیز می باشد اظهار داشت در حمله وحشیانه پلیس عربستان سعودی به راهپیمایان براءت از مشرکین در فاجعه خونین مکه معظمه همسر من نیز به خیل شهدا پیوست.

وی در مورد برگزاری راهپیمائی براءت از مشرکین و جنایت رژیم آل سعود در ایجاد فاجعه خونین مکه گفت: پس از سخنرانی در مقابل بعثه حضرت امام در مکه راهپیمائی براءت از مشرکین حجاج بیت الله الحرام آغاز شد و بدلیل آنکه ما جزو جانبازان انقلاب اسلامی بودیم و در صف مقدم راهپیمائی قرار داشتیم در حین گذر از مقابل یک پل درست روبروی مسجدی بنام جن ماموران پلیس سعودی راه را بر راهپیمایان سد کردند و با انواع سلاح ها نظیر دوشکازرس و چوب و چماق درگیری را آغاز کردند که در جریان این درگیری علیرغم مضروب شدن از ناحیه سر بدلیل برخورداری از روحیه ای مناسب به سایرین می گفتم که از این مسائل ترسی بدل راه

ندهید زیرا شهادت در راه اسلام هدیه ای از جانب خداوند است.

یکی دیگر از جانبازان حمله پلیس سعودی به زائران خانه خدا در مکه معظمه را طرح آمریکا را از قبل طراحی شده دانست و عامل وجود تعداد زیاد شهدا و مجروحین این فاجعه را استفاده رژیم سعودی از سلاحهای سرد و گرم و بکارگیری گازهای خفه کننده و شلیک های مستقیم بسوی راهپیمایان بیدفاع ذکر نمود.

همین گزارش حاکیست که از کاروان ویژه بنیاد شهید شش نفر به نامهای حجت الله شجاعی جانباز، منور کفائی زاده تهرانی (مادر سه شهید)، ناهید فولادی، شرافت خسروی (همسر و مادر ۴ شهید)، شاه زنان زمانی (مادر دوشهید) و غلامرضا رحمانی سیاه کو از جمله شهدای حادثه خونین مکه می باشند.

لازم بیادآور است که تعداد ۵ نفر از جانبازان و خانواده شهدا در اثر حمله ددمنشانه پلیس سعودی به حجاج بیت الله الحرام مفقودالاثربوده که تاکنون هیچ گزارشی از وضعیت آنان بدست نیامده است .

روزنامه جمهوری اسلامی ۲۰ مرداد ۱۳۶۶ در گفتگوی کیهان با محمد عطریان رئیس ستاد مکه اعلام شد ۲۰۳ تن از شهدای فاجعه مکه شناسائی شدند تاکنون ۲۰۳ تن از شهدای فاجعه خونین مکه شناسایی شده اند و پیکرهای پاک ۹۰ شهید دیگر آماده انتقال از عربستان سعودی به تهران است و این مسئله بستگی به این دارد که دولت عربستان کلیه امکانات را در اختیار ستاد مکه برای انتقال پیکرهای شهدا بگذارد. در بین شهدا ومفقودین فاجعه مکه نام هیچیک از شخصیت های مملکتی به چشم نمی خورد و با اینکه مقامات زیادی مورد ضرب و شتم در مکه قرار گرفته اند ولی اسامی شخصیت ها در بین شهدا نیست. همچنین دولت عربستان سعودی در چند روز اخیر برای در فشار قرار دادن حجاج بیانیه های جدیدی صادر کرده است از جمله طی یک بیانیه رسمی اعلام کرده که کسانی که برای من یکبار به مدینه رفته اند حق سفر مجدد را به مدینه ندارند. این دولت همچنین مشکلاتی را در و ارتباط با فعالیت بعثه امام به وجود آورده است. ضمنا مراسم حج امسال بدون هیچ درگیری و ۳۶ حادثه ای برگزار شد.

مطالب فوق را محمد عطریان رئیس ستاد مکه در گفتگوی تلفنی ساعت یک بامداد امروز با .

کیهان اظهار داشت. وی ابتدا در زمینه نحوه انتقال پیکرهای شهدائی که تاکنون به تهران انتقال نیافته اند گفت تا ساعت ۸ جمعه شب تعداد شهدائی که شناسایی شده اند و عکس آنها با جسد تطبیق داده شده است به رقم ۲۰۳ عدد می رسد. تاکنون ۱۰۸ شهید به تهران انتقال داده یا شده اند که پیکر ۹۰ شهید دیگر آماده انتقال به تهران است.

وی در همین زمینه افزود: از ۱۲۷ جسدی که مجهول الهویه هستند عکسبرداری شده است و این تصاویر در محل هیات پزشکی در محل مناسب قرار داده شده است تا خانواده هائی که از حجاج خود بی اطلاع هستند به این مرکز مراجعه کرده و شهدای خود را شناسائی کنند. ضمناً شب گذشته یک خواهر ویک برادر زندانی که اسیر بودند توسط پلیس سعودی آزاد شده اند اما نوز حدود ۵۰ نفر از زائران ایرانی در اسارت پلیس سعودی هستند.

ام محمد عطریان در زمینه نبودن اسامی شخصیت ها در بین شهدا اظهار داشت مقامات زیادی مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند که نام آنها در اسامی شهدا و مفقودین نیست .

وی در مورد برنامه های چند روز آینده حجاج افزود طبق روال هر ساله که برنامه حج ۳۰ روز است و حجاج ۲۰ روز در مکه و ۱۰ روز در مدینه خواهند بود ولی امسال به دلیل فشارهای روحی زیادی که به حجاج وارد شده است سفر حجاج ۳ الی ۴ روز تقلیل پیدا کرده است.

امسال به برنامه پروازهای بازگشت حجاج ۴ پرواز در روز اضافه شده است که روزانه قرار است ۱۵۰۰ الی ۲۰۰۰ نفر به تعداد حججی که قصد بازگشت به ایران را دارند اضافه شود. طبق این برنامه قرار است که حجاج مدینه بعد به مدت یک هفته در مدینه باشند که طول سفر آنها بین ۲۶۶ الی ۲۷ روز خواهد بود.

وی ادامه داد برنامه پروازهای بازگشت حجاج از شب قبل شروع شده است و اعزام به مدینه از امروز صورت می گیرد.

بیانیه دولت عربستان سعودی رئیس ستاد مکه در مورد اعمال فشارهای تازه دولت عربستان سعودی نسبت به حجاج ایرانی هم به مساله صدور یک بیانیه از سوی این دولت اشاره کرد. وی گفت: عربستان سعودی طی یک بیانیه رسمی اعلام کرده است که زائران ایرانی که از مدینه بازگشته اند مجدداً حق رفتن به مدینه را ندارند که ما به این دولت اعلام کرده ایم که هیات پزشکی ، اعضای بعثه و اعضای ستاد مجدداً می باید به مدینه مراجعت نمایند و اگر این عده نتوانند به مدینه بروند ۷۰ هزار زائر

ایرانی در مدینه بدون سرپرست خواهند بود و دولت عربستان باید پاسخگوی مسائل و مشکلات به حجاج ایرانی در مدینه باشد.

وی در همین باره اضافه کرد: ما اعلام کرده ایم که اعضای هیات پزشکی و دیگر مسئولان باید دوباره به مدینه بروند تا کار مردم را حل و فصل کنند و ما تا حدی موفق شده ایم که امکانات رفتن ۲۰۰ نفر از اعضای اجرائی ستاد را به مدینه فراهم کنیم و امیدواریم که مجوزهای لازم را به برای سفر بقیه اعضا کسب کنیم.

وی در زمینه سایر اعمال فشارهای دولت عربستان سعودی افزود: سعودیها در رابطه با بعثه امام نیز موضع سختی دارند و اعلام کرده اند که باید به مسائل اجرائی بعثه وزارت کشور عربستان سعودی رسیدگی کند و بهمین دلیل هیچکس در شرایط کنونی پاسخگوی مسائل بعثه امام نیست.

وی ادامه داد: با توجه به این اعمال فشار دولت عربستان سعودی ما به آنها فشار آورده ایم که تیم پزشکی و اعضای ستادی و اداری برای سرپرستی و رسیدگی به امور حجاج می باید حتماً در مدینه مستقر شوند و آنها مرتباً با اینکار مخالفت می کردند و خلاصه راضی شدند که فعلاً ۲۰۰ نفر از اعضای ستاد اجرائی به مدینه بروند و در مورد اعزام بقیه گفته اند که رفتن سایر اعضا به دلیل اینکه مساله امنیتی است و به وزارت حج و زیارت عربستان مربوط نمی شود و مقامات امنیتی باید در این مورد تصمیم بگیرند.

رفع محدودیت در ارتباط با سفارت ایران رئیس ستاد مکه در جواب این سؤال که برخورد فعلی دولت عربستان سعودی با محاصره سفارت و کنسولگری ایران در ریاض و جدّه چیست گفت: خبر جدیدی در این رابطه کسب هم کردیم که محدودیت در مورد سفارت و کنسولگری ایران برطرف شده است. پلیس سعودی سفارت ایران و کنسولگری جدّه را محاصره کرده بود و ۲ نفر از پرسنل ستادی کادر هواپیمائی:

که قرار بود به کنسولگری مراجعه نمایند دستگیر شده بودند که این دو نفر آزاد شده اند. البته و هم احتمال می رود که دولت عربستان مجدداً در ارتباط با سفارت و کنسولگری جدّه محدودیت هائی ایجاد کند.

وی اضافه کرد: در حال حاضر در خیابانها و اطراف خانه خدا هر جوان ایرانی که برای زیارت و انجام کار می رود مورد بازجویی و سؤال قرار می گیرد و او را تفتیش کرده و در برخی همه موارد هم ایرانی ها را دستگیر می کنند که البته باید گفت این اعمال فشارها تخفیف پیدا کرده

است.

اعزام زائران به مدینه با توجه به برخی از اعمال فشارها که در زمینه اعزام زائران به مدینه صورت گرفته است رئیس ستاد مکه اظهار داشت که دولت ایران امیدوار است که وسیله اعزام کلیه ۷۰ هزار زائر ایرانی را که باید به مدینه اعزام شوند فراهم کند.

وی افزود: موانعی را که برای اعزام حجاج به جده و مدینه فراهم کرده اند مشکلات زیادی را برای ما ایجاد کرده است که ما سعی می کنیم که این مشکلات را بر طرف نمائیم. یکبار می گویند پاسپورتهای کلیه زائران باید به موسسه مطوفین داده شود تا آنها برای اعزام زائران اتومبیل در اختیار ما بگذارند و از طرف دیگر پلیس سعودی برای تهیه مقدمات سفر درخواست پاسپورت می کند که در زمینه واگذاری پاسپورت اعمال فشارهایی صورت می گیرد هنگامیکه کاروانها به مطوفین (شرکتهای خدماتی برای اخذ پاسپورت مراجعه می کنند متوجه می شوند که پاسپورتهای شهدا و مفقودین و اسرا از سوی پلیس اخذ شده است و خلاصه برای به انجام کارهای ستادی تضییقات زیادی را ایجاد می کنند. اوی در مورد این سؤال که آیا حجاج ایرانی در ارتباط با انجام مناسک حج با مشکلی روبرو بوده اند یا نه گفت: در مورد انجام مناسک حج خوشبختانه ما با مسئله ای روبرو نبوده ایم. قبل از انجام این مناسک گفته می شد که ممکن است ارادلی ایجاد حریق کرده و مشکلاتی را به وجود بیاورند. در همین زمینه ما با موسسه مطوفین در زمینه حفظ امنیت حجاج تماس گرفتیم و آنها و پس از مذاکره با مقامات عربستان سعودی توانستند نوعی امنیت را در مراسم حج برقرار کنند.

آنطور که از محتوای کلام دست اندرکاران موسسه مطوفین بر می آمد آنها امنیت نسبی را برای ما در نظر گرفته بودند و باید گفت که مناسک حج با توجه به هشیاری مدیران کاروانها و رعایت مسائل حفاظتی از سوی کاروانها به خوبی برگزار شد و هیچگونه مسئله ای پیش نیامد.

وی افزود: با توجه به رعایت نکات ایمنی و فعالیت چشمگیر امدادگران تعداد گمشدگان بسیار کم بود و موارد اندک گمشده ها سریع از سوی امدادگران اطلاع داده میشد و سریعاً در این رابطه اقدام می شد و حجاج گمشده به کاروان های خود معرفی می شدند.

وی در مورد تعداد زائرانی که در مراسم حج در گذشته اند افزود: خوشبختانه بر خلاف سالهای گذشته تعداد مرگ و میر زائران که بخصوص در منی و عرفات زیاد بود بسیار کم بود و امسال ما کمترین تلفات را داشتیم طبق آمار رسمی منتشره از طرف سعودیها از کل حجاج

ص: ۶۶۵



## تشییع جنازه باشکوه اولین شهیدان مکه

حاضر در مراسم حج ۳۴ نفر فوت کرده اند که حدوداً ۶ نفر آنها طبق آمار هلال احمر از ایرانی ها بودند. وضع هوای امسال نیز به نسبت سال گذشته بهتر بود و امکانات رفاهی زیادی نیز در اختیار زائران قرار گرفته بود، از جمله تعداد ۵ هزار پنکه در مواقف شریفه بر اساس توافق ستاد مکه و موسسه مطوفین به حجاج ایرانی اختصاص یافته بود .

روزنامه کیهان شنبه ۱۷ مرداد ۱۳۶۶ تشییع جنازه باشکوه اولین شهیدان مکه معظمه پیکرهای مطهر اولین کاروان شهیدان کشتار بی رحمانه حکام آمریکایی سعودی در مکه معظمه، روز گذشته در میان اشک و اندوه و خشم بی حدنماز گزاران تهرانی در خیابانهای تهران تشییع شد.

به گزارش خبرنگار سرویس اجتماعی کیهان نماز گزاران تهرانی ، دیروز پس از پایان نماز پرشکوه جمعه با شعارهای مرگ بر آل سعود مرگ بر آمریکا و تبت یدا ابی لهب بریده باد دست فهد پیکرهای مطهر شهدا را از محل برگزاری نماز جمعه تهران تشییع کردند.

بنا به همین گزارش پس از پایان مراسم، پیکرهای شهدای شهرستانی جهت خاکسپاری به موطن اصلی خودشان انتقال داده شد.

روزنامه کیهان ۱۷ مرداد ۱۳۶۶ تشییع شهداء جمعه خونین مکه در شهرستانها بخش شهرستان : پیکرهای مطهر شهیدان جمعه خونین مکه مکرمه پس از انتقال به ایران در شهرستانهای مربوطه با شکوه بسیار تشییع گردید.

## تشییع شهداء جمعه خونین مکه در شهرستانها

مردم حزب الله شهرها و روستاهای اطراف که در مراسم تشییع آن عزیزان شرکت داشتند ضمن فریادهای کوبنده مرگ بر آمریکا، و مرگ بر اسرائیل و مرگ بر فهد، براثت و بیزاری خود را از مشرکین و رژیم آل سعود و همپیمانانش ابراز داشتند خلاصه اخبار رسیده به قرار زیر است:

اصفهان : مردم قهرمان و شهیدپرور اصفهان پیکرهای پاک بیش از سی تن از شهدای جمعه خونین مکه را تشییع کردند گلگون کفنان شهر شهیدان، زائران خانه خدا بودند که در روز جمعه چهارم ذیحجه در حرم امن الهی در مکه مکرمه بخاطر اعلام براثت از مشرکین و دادن شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل هدف گلوله ها و گازهای خفه کننده آل سعود قرار گرفتند

در آغاز مراسم تشییع شهدای مکه که آیت الله طاهری نماینده امام و امام جمعه اصفهان و جمع کثیری از علما و مسئولین استان حضور داشتند یکی از روحانیون اصفهان که خود شاهد جنایت فجیع عمال سعودی در مکه مکرمه بود پیرامون این فاجعه عظیم سخنانی کرد و گفت استکبار جهانی که روز بروز اوج و عظمت حرکت برائت از مشرکین را میدید از طریق آل سعود دست به این کار زد وی افزود: وقایع امسال مکه در عین حال افتخاری برای شهر شهیدان اصفهان بود که گوی سبقت را از دیگران ربوده چرا که یک سوم از جمع شهداء مکه متعلق به اصفهان هستند. در ادامه این مراسم پیکرهای پاک شهدا که همراه چند تن از شهدای جبهه های جنگ در حالیکه مارش عزا نواخته میشد باشکوه خاصی بر دوش مردم حزب الله و قهرمان اصفهان و در حالیکه فریاد تبت یدا اُبی لهب بریده باد دست فهد و مرگ بر آمریکا، فضای شهر را پر کرده بود بسوی گلستان همیشه جاوید شهدای اصفهان تشییع و در کنار دیگر گلگون کفن ان انقلاب اسلامی بخاک سپرده شد و جمعی دیگر از این شهدا به زادگاههایشان خمینی شهر، النجان ، کاشان ، علویچه ، اردستان و نطنز و زرین شهر انتقال یافتند.

شیراز : شهیدپروران شیراز با شرکت در مراسم ویژه تشییع پیکرهای گلگون هفت تن از قربانیان فاجعه خانه خدا که در جمعه خونین بیت الله الحرام مظلومانه آماج سنگ و چوب و گلوله های آتشین مزدوران آمریکای جنایتکار در عربستان سعودی قرار گرفتند دگر بار با امام امت پیمان بستند که همواره گوش به فرمان رهبر کبیر انقلاب اسلامی بوده و تا قطع ریشه کفر و فی الحاد در منطقه از پای ننشینند بگزارش رسیده در مراسم تشییع شهدای خونین مکه مکرمه شهیدان قربان مرادی، مفتول نجفی ، عبدالعلی غلامی، ایراندخت نماینده ، درویش جهانگیری، مرتضی حدادی و منیژه کریمی امت حزب الله و همیشه در صحنه شیراز، روحانیون و پرسنل نظامی و انتظامی و جمعی از مقامات استان شرکت داشتند پیکرهای مطهر شهدا در میان فریادهای مرگ بر آمریکای انبوه شرکت کنندگان در مراسم پس از طی کیلومترها مسافت مسیر تشییع در قطعه شهدا گلستان دارالرحمه شیراز بخاک سپرده شد.

مهاباد : پیکر پاک یکی از شهدای فاجعه خونین مکه در میان انبوه فراوان مردم مهاباد تشییع و به خاک سپرده شد به گزارش واحد خبر در مراسم تشییع جنازه شهید حاج محمد وطمانی مردم مسلمان و همیشه در صحنه مهاباد که جمعی از روحانیون پیشاپیش آنها در حرکت بودند بار دیگر با شعارهای طنین انداز برائت از مشرکین نفرت و انزجار خود را از رژیم وهابی آل سعود آمریکای جنایتکار ابراز داشتند .

گراش: مردم شهیدپرور گراش با تشییع پیکر پاک بانو حاجیه خزاجی که در کنار خانه امن خدا و در سنگر عفاف بشهادت رسیده بود براءت خود را از مشرکین و آل سعود ابراز داشتند.

تالش: پیکر پاک و مطهر شهید حاج عباس مختاری که در فاجعه خونین مکه بدست عوامل آمریکا و پلیس فاشیست آل سعود در محل امن الهی به درجه رفیع شهادت نائل آمده بود به همراه شهیدی از پیکارگران جبهه نور سرباز رشید اسلام محمودلی آقاجانی تشییع و جهت خاکسپاری به زادگاهشان انتقال یافت.

زنجان: پیکرهای پاک دوتن از شهدای گرانقدر بنامهای طاهره طاهری که بدست عمال آمریکائی سعودی و عباس محمدی که در جبهه های نور علیه ظلمت به درجه رفیع شهادت نائل م آمده بودند باشکوه بسیار تشییع و بخاک سپرده شدند.

سمنان: پیکرهای پاک و گلگون دوتن از زائران خانه خدا بنامهای زهرا همتیان و زهرا مداح هم که در جمعه خونین مکه مکرمه به دست پلیس فاشیست و مزدور آل سعود شربت شهادت نوشیدند طی مراسم پرشکوهی در سمنان تشییع شد.

نطنز: پیکر پاک شهید کعبه حاج محمد کریمی خبرنگار روزنامه اطلاعات در نطنز طی و مراسم باشکوهی توسط مردم شهیدپرور نطنز تشییع و در گلزار شهدای این شهر بخاک سپرده شد.

دزفول: پیکر پاک سردار رشید اسلام شهید حاج عبدالحمید بادروج که توسط عمال آمریکایی آل سعود در حرم امن الهی به شهادت رسیده بود با فریاد مرگ بر آمریکا و فریاد یا محمدا کشتند زائر خدا از بقعه متبرکه سبزقبا تا شهید آباد این شهر تشییع گردید، وی در هم جبهه های مختلف نبرد افتخار آفریده بود. در رابطه با شهادت ایشان لشکر ۷ حضرت ولی عصر (عج) طی پیامی ضمن تقدیر از خدمات آن شهید بزرگوار، شهادت وی را به امام و امت و خانواده اش تبریک و تسلیت گفت.

قم: پیکرهای پاک دوتن از شهدای جمعه خونین مکه مکرمه که به دستور رسوای قرن و آمریکای جنایتکار توسط پلیس فاشیست آل سعود در راهپیمائی براءت از مشرکین به شهادت و رسیده اند بهمراه اجساد عطر آگین چند تن از شهدای سپاه اسلام در میان انبوه مردان و زنان شهر قیام تشییع و طی مراسم ویژه ای در گلزار علی بن جعفر این شهر بخاک سپرده شدند.

بابل، فریدونکنار و آمل: پیکرهای مطهر چهار تن از زائرین بیت الله الحرام به اسامی برادران شهید حجت الله بابائی، اسماعیل غنی پور از بابل و حسین مجیدی از فریدونکنار به

## ۵۹ نفر از بستگان شهدای فاجعه خونین مکه برای شناسائی

وام هانی نیکبخت از آمل که در جریان راهپیمائی براءت از مشرکین در جمعه خونین مکه معظمه بدست پلیس سفاک رژیم آمریکائی آل سعود مظلومانه به شهادت رسیده اند بر روی دستهای انبوه اقشار مختلف مردم متعهد و شهیدپرور شهرهای بابل و فریدونکنار و آمل تشییع شدند.

کاشان: پیکر پاک و مطهر شهید بانو ملک راعی که در جمعه خونین مکه بدست عمال سعودی به شهادت رسیده بود در میان اندوه فراوان مردم کاشان به این شهر انتقال یافت و طی مراسم باشکوهی در گلزار شهدای کاشان بخاک سپرده شد.

روستای قلعه نوخرقان شاهرود: پیکر پاک و مطهر شهید زیبا شریعتی که در جریان راهپیمائی عظیم براءت از مشرکین در مکه مکرمه بدست پلیس جنایتکار آل سعود بشهادت رسید در میان غم و اندوه اقشار مردم حزب الله شاهرود بطرز باشکوهی تشییع و در گلزار شهدای روستای قلعه نوخرقان بخاک سپرده شد.

صائین دژ: پیکر مطهر مادر نمونه، شهید شرافت خسروی مادر چهار شهید و همسر شهید که بدست مزدوران امپریالیسم جهانی عمال آل سعود در مکه مکرمه به شهادت رسیده بود با حضور یکپارچه اقشار مختلف مردم حزب الله صائین دژ و امام جمعه و مسئولین و کارکنان و ادارات دولتی و ارگانهای انقلابی صائین دژ با شعارهای کوبنده از مقابل سپاه پاسداران صائین دژ تشییع و به اقامتگاهش حمل و در گلزار شهدا بخاک سپرده شد.

روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۲۴ مرداد ۱۳۶۶ عصر دیروز به اتفاق یک هیأت ویژه ۵۹ نفر از بستگان شهدای فاجعه خونین مکه برای شناسایی اجساد شهدای خود عازم جده شدند به رغم کارشکنی های مکرر دولت حجاز، عصر دیروز ۵۹ نفر از بستگان شهدای فاجعه جمعه خونین مکه برای شناسائی اجساد شهدای خود عازم جده شدند. ایران میگوید اجساد ۵۹ شهید از شهدای قتل عام زائرین خانه خدا در بیمارستانهای حجاز نگهداری میشود و دولت حجاز مدعی است تنها ۵۴ شهید در حجاز است.

به گفته آقای محمد حسین رضائی سرپرست امور حج و زیارت در سازمان حج و اوقاف و

## اجساد مطهر ۵۹ تن از شهدای جمعه خونین مکه به تهران انتقال یافت

امور خیریه، از سرنوشت مجموعاً ۵۹ نفر از زائرین ایرانی که امسال به خانه خدا مشرف شدند اطلاعی در دست نیست و از این عده ممکن است تعدادی زندانی شده باشند. وی گفت در هر حال از دولت حجاز در مورد سرنوشت ۵۹ زائر ایرانی اطلاعات خواهد خواست.

آقای رضایی که با خبرگزاری جمهوری اسلامی گفتگو میکرد، مقامات حجاز را متهم کرد که به رغم توافقات قبلی و تعهد کتبی وزیر حج دولت ریاض این دولت تا چند روز پیش به انحاء مختلف با سفر خانواده شهدا به جده برای شناسائی اجساد بستگان خود مخالفت میکرد. آقای رضائی ادامه داد چند روز پیش دولت ریاض رسماً اطلاع داد که با عزیمت اعضای خانواده شهدا برای شناسائی شهدایشان به جده موافقت کرده و سازمان حج و زیارت و امور خیریه نیز به سرعت ترتیب سفر این عده را داده است. بنابر اطلاع، دو مجروح حادثه خونین مکه، هنوز در نه بیمارستانهای حجاز بستری هستند.

از آقای رضائی سؤال شد که چرا تاکنون برای انتقال این دو نفر اقدامی نشده است، وی و گفت این دو مجروح در حالت اغماء بودند و بنابر صلاحدیدهای پزشکی امکان انتقال آنان ب وجود نداشت. هر دو مجروح بستری بنابر گزارشات رسیده مرد هستند و سرپرست امور حج و زیارت در سازمان حج و اوقاف و امور خیریه میگوید که هیئت پزشکی اعزامی به جده ترتیبی خواهد داد که این دو نفر نیز برای ادامه درمان به کشور منتقل شوند.

هیئتی از وزارت خارجه، سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و هلال احمر جمهوری اسلامی و ایران و هیئت پزشکی حج همراه خانواده های شهدای فاجعه «جمعه خونین» مکه هستند تا ترتیب انتقال اجساد شناسائی شده را بدهند.

روزنامه جمهوری اسلامی سه شنبه ۲۱ مهرماه ۱۳۶۶ اجساد مطهر ۵۹ تن از شهدای جمعه خونین مکه به تهران انتقال یافت بخش خبری اجساد پاک و مطهر ۵۹ تن از شهدای جمعه خونین مکه که بدست پلیس رژیم ان سفاک و مزدور آل سعود، حین راهپیمائی برائت از مشرکین در مکه مکرمه به درجه رفیع شهادت :

نایل آمده بودند عصر دیروز از عربستان سعودی به تهران منتقل شد.

در مراسم ویژه ای که به منظور ادای احترام و تجلیل از مقام شهدای جمعه خونین مکه عصر دیروز در فرودگاه مهرآباد برگزار شد نماینده امام و سرپرست بنیاد شهید انقلاب اسلامی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، سپاه پاسداران و راه و ترابری، معاون سیاسی نخست وزیر، قائم مقام وزارت خارجه، نماینده امام و سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، مسئولین بنیاد شهید و خانواده های معظم شهدا حضور داشتند.

گزارش خبرنگار ما حاکیست در پایان مراسم فوق در حالی که مارش عزا توسط دسته موزیک دژبان نواخته میشد اجساد شهدا جهت انتقال به پزشکی قانونی، به ستاد تخلیه شهدا منتقل شد.

هم بنابه همین گزارش اجساد مطهر شهدای مکه ساعت ۱۰ صبح امروز از مقابل مسجد ارک تشییع میشود.

حجت الاسلام والمسلمین کربوبی نماینده امام و سرپرست بنیاد شهید انقلاب اسلامی طی گفتگویی با خبرنگاران در فرودگاه مهرآباد ضمن اشاره به اینکه جنایت هولناک آل سعود در مورد زائرین خانه خدا، جنایتی فراموش نشدنی است گفت از زمان وقوع این حادثه دلخراش، تلاش جمهوری اسلامی ایران برای انتقال اجساد شهدا به کشور شروع شد اما حکومت آل سعود به منظور سرپوش نهادن به این جنایت وقیح خود از تحویل اجساد خودداری نموده و به انحاء مختلف کارشکنی می نمود. سرانجام بر اثر فشارهای پی در پی جمهوری اسلامی، دولت حجاز مجبور شد اجازه سفر یکی از بستگان درجه یک هر شهید را بدهد تا برای شناسایی اجساد و سپس انتقال آنان به کشور به جده عزیمت کنند که الحمدلله این اجساد هم شناسائی و به تهران انتقال یافتند.

وی گفت: با انتقال ۵۹ شهید جمعه خونین مکه، دیگر هیچ جسدی از شهدای این فاجعه در حجاز باقی نمانده است.

آقای کربوبی یادآور شد که دو تن از مجروحین ایرانی بستری در بیمارستانهای عربستان ام سعودی که بر اثر شدت صدمات و جراحات وارده توسط پلیس سعودی در حال اغما بودند به همراه اجساد شهدا، جهت مداوا به تهران انتقال داده شدند. سرپرست بنیاد شهید و سرپرست حجاج ایرانی تاکید کرد: فهد و آل سعود در آینده متوجه خواهند شد که انجام چه کار زیانباری از سوی اربابانشان به آنها تحمیل شده است. وی گفت: موج خشم و نفرتی که پس از فاجعه

خونین مکه در دنیا نسبت به آل سعود در حال شکل گرفتن است در آینده انتقام خون شهدای مکه را از حکام سعودی خواهد گرفت و سردمداران سعودی باید منتظر عواقب جنایت و قیح خود باشند.

روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه ۲۶۶ مهر ۱۳۶۶

ص: ۶۷۲

## اجساد پاک و مطهر ۵۴ تن از شهدای فاجعه جمعه ... تشییع شد

با حضور بیش از هزاران تن از امت حزب الله :

اجساد پاک و مطهر ۵۴ تن از شهدای فاجعه جمعه خونین مکه باشکوه فراوان تشییع شد انبوا کثیر امت حزب الله تهران صبح دیروز با فریادهای «کشتند زائر خدا، فریاد یا محمده پیکرهای پاک ۵۴ تن از شهدای فاجعه جمعه خونین مکه را از مسجد ارک تهران تشییع کردند.

در این مراسم باشکوه حجت الاسلام کروبی نماینده امام و سرپرست بنیاد شهید، چند تن از وزراء، تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، فرماندهان نظامی و نیروهای نظامی و انتظامی شرکت داشتند.

کسبه و بازاریان تهران نیز با تعطیل محل کسب خود در مراسم تشییع پیکرهای پاک شهداء شرکت کردند.

در این مراسم پس از تلاوت آیاتی از قرآن مجید پیکرهای مطهر شهداء بر روی دوش مردم حزب الله تهران و نیروهای مسلح از خیابان پانزده خرداد تا چهار راه مصطفی خمینی حمل ودر آنجا به وسیله تعدادی آمبولانس جهت خاکسپاری در گلزار شهدا به بهشت زهرا انتقال یافت.

در جریان تشییع شهداء مردم همیشه در صحنه تهران با شعارهایی کوبنده این گل پرپر از کجا آمده، از سفر بیت خدا آمده - فریاد یا محمدها، کشتند زائر خدا تبت یدا ابی لهب بریده باد دست فهد. حسین حسین شعار ماست، شهادت افتخار ماست. مرگ بر رژیم فاشیست سعودی، مرگ بر آمریکا ولا-اله الا-الله و نفرت و انزجار خود را از کشتار زائران بی دفاع توسط دژخیمان آل سعود در حرم امن الهی اعلام نموده و خواستار گرفتن انتقام خون پاک شهداء از رژیم بی کفایت آل سعود شدند.

همچنین مردم حاضر در این مراسم با حمل تصاویری از شهداء و پلاکاردها و آدمکهای سردمداران رژیم آل سعود بار دیگر شقاوت این رژیم آمریکایی را محکوم کردند.

لازم بیادآور است که رژیم سعودی برای سرپوش نهادن بر جنایت خود از تحویل اجساد ۵۶ پیکر شهید مذکور خودداری می کرد لیکن دولت حجاز بر اثر فشارهای جمهوری اسلامی مجبور شد برای شناسائی اجساد شهداء به یکی از وابستگان آنها اجازه سفر به جده را بدهد که در پی آن سمد شناسائی شده و عصر شنبه به تهران انتقال یافتند.

روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۲۷ مهر ۱۳۶۶ (



داستان مظلومیت زنان آزاده ما در حرم امن الهی، حماسه ای است که دنباله در تاریخ حماسه های زنان صدر اسلام دارد. داستان خدیجه، زهرای مرضیه (س)، زینب (س)، سمیه، سوده و ... داستان زنانی که ظلم ها را بجان خریدند و در برابر کفر و شرک و نفاق سرور تسلیم فرود نیاوردند.

زنان مسلمان و آزاده ما از آغاز انقلاب نقش آفرین رشادتها و ایثارهای عظیم بوده اند. در صحنه های مختلف حضور گسترده و فعال داشته اند و در تحمل سختیها و مشکلات انقلاب و جنگ همواره یابوری قوی برای اسلام و دولت جمهوری اسلامی بوده اند.

در این عرصه های حماسه و ایثار، زنان بارها از سوی دشمنان خدا مورد ظلم و تعدی قرار گرفته اند. خانه هایشان بمباران شده، فرزندانیشان را در پیش چشمانشان با بمب های ویرانگر و شیمیایی به شهادت رساندند، همسرانشان و جوانانشان را در جبهه های نبرد حق علیه ظلم و کفر به اسلام هدیه کرده اند، در تجاوزات دشمن کافر به شهرها و روستاهای کشورمان سخت ترین و دلخراش ترین مصائب را تحمل کرده اند و این در حرم امن خداوندی، در کنار خانه مقدس خدا، به دست دشمنان دین خدا مظلومانه و معصومانه در خون خود غلطیدند و به وحشیانه ترین شکل به شهادت رسیدند.

حماسه شجاعت و غیرت و در عین حال مظلومیت این زنان مسلمان و آزاده ما که در مکه به مکر مه به شهادت رسیدند، گر چه در جامعه اسلامی خودمان و در میان مسلمانان دیگر کشورها که خود شاهد این جنایت عظیم و نفرت بار بودند، بازگو شده ولی همچون موارد دیگر ایثارها و حماسه های این ملت از سوی بوقهای تبلیغی کفر در جهان، تحریف شده و از گوش جانها پنهان باقی مانده است.

واقعیت این است که هر چه درباره فاجعه بیشتر گفته می شود، ابعاد ننگین و تأسف بار آن و بیشتر مشخص می شود. هنوز نکته های ناگفته بسیاری در متن این حادثه وجود دارد که بازگو کردن آنها دل هر آزاده ای را بدرد می آورد.

و مطلبی که در زیر می خوانید، بخشی از وصیت نامه یکی از شیرزنان آزاده ای است که شهادت در راه خدا را به جان خرید و همچون آزاد زنان صدر اسلام، بیزاری و نفرت خود را و از مشرکین زیاد کرد. محتوای این وصیت نامه روشنگر روح شجاعت، ایمان و ایثار این

شیر زنانی است که اسلام محمدی را با خون خویش آبیاری می کنند و در راه اعتلای کلمه الله از مال و جان خود و عزیزان خود براحتی می گذرند. توجه کنید:

بسم الله الرحمن الرحيم بنام آنکه هستی بخش کائنات و وجود بی انتها و غایت آمال عارفین و نهایت آرزوی مشتاقین و معشوق عاشقان شب زنده دار و روشنی بخش دل سالکان و خالق یکتای عالمین و معبود بی نیاز بندگان و روزی دهنده آمرزنده مرزوقین و برانگیزنده بر حق ۱۲۴ هزار پیامبر و .

فرستنده دین کامل و کتاب آسمانی کامل قرآن کریم و رسول ختمی مرتبت پیامبر اسلام (ص) و عطا کننده مقام عصمت به چهارده معصوم علیهم السلام است. و بنام او که شهدا در نزدش به روزی خوار اویند و او که معامله با او بهترین معامله هاست بنام آن ارحم الراحمین، آن خالق المخلوقین و آن اکمل الکاملین و اصدق الصادقین و رب العالمین که تنها او را داشتن و با او بودن و او را دیدن و به عشق او نفس کشیدن به دنیا و زندگی در دنیا معنا میدهد و در راه او جان دادن، به مرگ طراوت و به شوق وصالش جان باختن تلخی و داع دنیا را مبدل به حلاوت حیات تازه یافتن میکند.

الهی تورا هزاران بار شکر میکنم که مرا شیعه اثنی عشری قراردادی با ولایت اهل بیت و عشق به خاندان رسالت ظلمتکده قلبم را منور سازد و باز هزاران بار تو را شکر می کنم که مرا از آنانی قرار ندادی که با دوری گزیدن از صاحبان امر که قرآن کریم از آنان به اولی الامر یاد میکند، راه ضلالت بیمایم . چرا که بدون توسل به ائمه و بدون عبور از شاهراه ولایت چگونه میتوان به جانان رسید؟ ایزدا، چگونه توانم لب به ثنا و سپاست باز کنم در حالیکه باران نعمت و رحمت را بر این بنده ضعیف و ذلیل و گناهکار فرستادی و نعمت عظمای زندگی در زیر چتر ولایت فقیه و صرف قسمت مهمی از عمر گرانبها را در ظل حکومت اسلامی به این بنده حقیر و مسکین ارزانی داشتی در حالیکه نتوانستم مسئولیت و حق عظیمی را که بواسطه این موقعیت شریف بر دوشم آورده بود به نحو شایسته ادا کنم.

الهی چگونه این بنده بی حیا در محکمه عدالت پاسخگوی اعمال و گفتارش باشد؟ در هم حالیکه رهبری عظیم الشان همچون امام خمینی داشته است؟ چگونه در صحرای محشر حاضر شوم در حالیکه در زمانی زندگی میکردم که عاشقان و شیفتگان و مخلصان کثیری در راه تو و در راه دین تو و در کارزار بادشمن توشهد شهادت را

در زمانی زندگی میکردم که میبایستی پیام آور خون گلگون کفنان عزیزی می بودم .

یارب نکند که در یوم القیامه در زمره کسانی باشم که فریاد میزنند: «بالبتنی کنت ترابا» «ایکاش که خاک می بودم». آه از ساعات ولحظاتی که در غیر عبادت تو صرف شد و هزاران افسوس از زمانی که گذرگاه دنیا همچون غفلتکدهای آدمی را می فریبد آنچنان که می انگارد مرگ به سراغ او نمی آید. هر چه از مقام و رحمت و گذشت و عدل تو، خالق یکتا و هر چه از پستی غفلت دنیا و هر چه از بی حیائی و ضعف و خسران انسان گفته شود اندک است.

این حقیر رقیه رضائی فرزند پدر بزرگوارم محمد علی رضائی و مادر مهربانم سکینه بن حنفی ها عمری را بسر کردم. ایکاش لحظه ای از آن را در غیر عبادت مولا سر نمی کردم ولی با اقرار به سختی روز جزا و عدل الهی و با وجود بار سنگین گناهانم نمی خواهم از رحمت و مغفرت و گذشت خالقم ، پروردگار جهانیان لحظه ای غافل باشم و عاجزانه و ملتسمانه از کلیه از اقوام و دوستان و آشنایان و نزدیکان و پدر و مار عزیزم می خواهم که به خون پاک اباعبدالله این ده گناهکار را حلال کنید.

انشاء الله دوستان در دعاهای خیرشان و در مجالس دعا حقیر را فراموش نکنند. التماس دعا.

هم روی ترا طاقت دیدار کم است هم چشم مرا جرأت این کار کم است من کمتر از آنم که ترا درک کنم آگاهی من زعشق بسیار کم است خداوندا: در آن لحظه که چشم دل ما به غیر تو خواهد بنگرد و از جهت محبت تو انحراف م گیرد، کورش کن تا جز تو کس را نبیند و جز به مال و جلال تو چشم اندازی دیگر نگاه تماشا و نیفکند. ما آن دست و پا را نخواهیم که به معصیت تو بجنبید و آن جان و دل را نپسندیم که جز به عشق جانان زنده باشد و سعادتی عنایت فرمای چشمان ما جز در جستجوی رضای تو روشن نباشد و جز لقای تو و رضای تو دیگری را نبیند.

پروردگارا: روا مدار که سر بدنبال هوس بگذارم و در ظلمات جهل و ضلال از چراغ هدایت بدور افتم و بیغوله را از شاهراه باز شناسم و مگذار دامن وجودم به پلیدیهای گناه بیالاید و نسبت به ملامتی و مناهی بی پروا باشم پروردگارا از هیجان حرص و صولت خشم و حمله

حسد و ضعف صبر و عصبیتهای ناهنجار که حرمت انسانیت پاس ندارد بذات اقدس تو پناه می برم .

ای خدا: ای قدرت علیا که دامن افق را با طراز فلق بیاراستی و گریبان شب را که به روز روشن چاک زدی ، ای نام مبارک که بیاد تو فشار بلیات آرام می گیرد و ای کسی که به ارادت عظامت قلم تقدیر بر لوح قضا امضای محو و اثبات می گذارد، تو پشت و پناه ما باش تا خفت و خذلان نیابیم و تو دوست باش تا اگر کائنات سردشمنی گیرند از دشمن نهراسیم و تو بسوی ما رو کن تا اعراض در جهان را به هیچ بشماریم.

خدای من : در آن هنگام که بسوی تو سر بر میدارم ملکوت اعلائی ترا از دیدگان خویش در پوین و ورای سه پرده پنهان می بینم و این سه پرده را هم خود با دست خویشتن بر آویخته ام نخستین پرده ای که نگذارد دیده به دیدار تو بگشایم عصیان من از فرمان تست و پرده دوم، پرده ایست که هم در ارتکاب منهیات و ملامتی به روی خویش کشیده ام و پرده غفلت من است. غفلتی که در ادای شکر و سپاس تو ورزیده ام . موهبت دیده ام و از سپاس موهبت بازمانده ام.

پروردگارا: این دیونابکاری یعنی شیطان رجیم راهمچون سگی که در برابر سنگ و عصا رانده شود از محراب عبادت ما بران و خورشید عشق خویش را در دل ما آنچنان بدرخشان که چشم ناپاک بین شیطان کور و از کنارمان دور گردد، کرامتی فرمای که با بندگان صالح و پرهیز کار .

تو در ملکوت مقدس تو همسایه باشیم و در ردیف پرهیز کاران و پارسایان قرار گیریم.

ای رب العالمین وای ارحم الراحمین : از من آن مال و مقام که کبر و یانخوت افزایش بدور دار و مگذار که مال دنیا به من طغیان آموزد و از سعادت و سلامت بازماند و آنچه مرا روزی ما همی فرمائی چنان کن که بر من حلال باشد و تهی دستان را همدم من فرمای و این همدمی را در کام من مطبوع و گوارا بدار . پروردگار من، چنان خواهم که ثروت و مکنت دمبدم روح مرا بتو نزدیک سازد و آنچه مقدر فرموده ای که از دست من به خواهندگان رسد، چنان کن که به نیکو کاری انفاق شود.

خداوندا: بدانسان که در چشم مردم به مقام من می افزائی در چشم من از مقام من بکاه و میزان عزتی که در اجتماع به من ارزانی همی فرمائی مرا به ذلت نهائی ام آشناساز تا شخصت خویش را هرگز فراموش نکنم و پای از گلیم خویش فراتر نگذارم و توفیقی ده که حق بگویم هر چند بر من گران باشد و عطایای خود را بدیگران اندک شمارم هر چند بیشتر بخشنده دانم هر چند اندک باشد و مقدر فرمای که من همه را دوست بدارم و در حق همه نیک اندیش و

پروردگارا: زبان مرا به هدایت گویا کن و قلبم را به تقوی الهام فرمای چنان کن که از صراط مستقیم به جانب توراہ گیرم با دین مبین تو بمیرم و با دین مبین تو سر از خاک بردارم .

خداوندا بر پیشانی مادیهیم قناعت گذار و سیمای ما را با جمال ولایت بیارای و به ما در به هدایت صداقت عطا فرمای. فتنه ثروت را از ما بدور دار و آرامش خاطر و آسایش ضمیر را به ما ارزانی کن و به من صحتی کرامت فرمای که به عبادت تو برخیزم و فراغتی نصیب کن تا به زهد پارسائی پردازم و نور دانشی در ضمیرم بر افروز که عمل خویش را با علم توأم دارم .

ای پروردگار متعال: در سایه لطف خویش بر نیت پاک من توسعه و توفیر ارزانی فرمای و یقین مرا نسبت به عقیدت من با صحت و سلامت بیارای و از رفتار و گفتارم آنچه دستخوش فساد شده است از اصلاح خویش بی نصیب مگردان .

خداوندا تا آنروز که توانم به عبادت تو بر خیزم زنده ام دار و تا آندم که از تو یاد همی کنم دم گرم از سینه ام بر آور و اگر به انحراف گرائیدم مرا هر چه زودتر بسوی خویش فراخوان .

پروردگارا آنچنانکه در واقعه بدر سربازان اسلام را با افواج ملائکه پشتیبانی کرده ای همچنان فرشتگان ظفرمند خویش را با سربازان ما همراه ساز تا یکباره قوای کفر و شرک را از هم بشکافند و شوکت دشمن را درهم شکنند و تراکمشان را پریشان سازند تا در بسیط زمین جز بندگان عابد و مطیع تو کس زنده نماند و جز بدرگاه تو کس پیشانی بر خاک نگذارد.

ای آفریدگار بزرگ که بزرگی شگفت انگیز تو در وسعت خیال ننگجد و عظمت علیای ترا لفظها ولغتها تعبیر کنند.

ای سلطان وجود که تخت سلطنت تو بر عرش برین استوار باشد، ای نور اعلی و اقدس ، ای روشنی بخش روشنیها و منبع رحمتها و نعمتها، ای جلال و جلیل ، ای شکوه بی مانند وای دانای رازها و رمزها که سایه اندیشه ها را در مغزها میشناسی، ما را بدین گریزگاه راه بنمای .

والسلام هم روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۱۳ مهر ۱۳۶۶

الف : همسران، مادران، پدران شهدا و جانبازان ردیف اهل شیروان اهواز بندرعباس لنجان قزوین برخوردار قزوین تهران نام و نام خانوادگی نذر آغاسلیمان دخت زهرا چپ چاپ فاطمه نیک حاجیه ربابه رنجبر ریزی صفیه خانم گنجینه حاجیه فاطمه فتاحی دولت آبادی رقیه مردانی زهرا کلا-غ نشین عذرا باب فاطمه ورشابی لیلا حسنی صدیقه قصابی خلیل آباد شرافت خسروی هاچه سو سن ۷۹سال ۶۹سال ۶۶سال ۶۴سال ۶۴سال ۶۴سال ۶۲سال ۶۱سال ۶۰سال ۶۰سال ۵۸سال خانه دار خانه دار خانه دار خانه دار خانه دار خانه دار خانه دار خانه دار توضیحات مادر شهید مادر شهید مادر شهید مادر شهید | مادر شهید» مادر شهید مادر شهید مادر شهید ر مادر شهید مادر شهید مادر شهید مادر شهید مادر شهید مادر شهید همسر شهید مادر شهید مادر شهیده مادر ۳ شهیده قزوین اصفهان طبس کاشمر ۵۸سال صائین دژ | ۵۷سال م کو کم گوهر سراجی رقیه سلطان پریشانی فروشانی منور کفائی زاده تهرانی ۵۷سال ۵۷سال ۵۶سال خانه دار خانه دار خانه دار اهواز اصفهان مامازند ورامین مشهد قزوین و م ی خانه دار شهر بانو قویدل طاهره کبایان ۵۶سال ۵۶سال تهران همسر شهید خانه دار ارمادر شهید معلم قرآن « خانه دار مادر شهید مادر اسیره مادر شهید مادر شهید پروین کوثری بی بی طاهره سروری خاتون عقیقی اقدس استوار چولایی مشهد ۵۵سال ۵۵سال ۵۴سال ۵۴سال خوانسار رشت خانه دار خانه دار خانه دار

جنایت و هایت اردیف سن شغل نام نام خانوادگی حافظه سلیمان شاهی حاجیه بیگم اسلامی کبری تلخ آبادی اهل مشهد  
فریدن ۲۴ ۵۳ سال ۵۱ سال ۴۹ سال خانه دار خانه دار کبری سبزی علی قلعه میر زمانی صدیقه موسویان خدیجه محمدنیا  
حاجیه فرح زوربخش زهرا صادق زادگان محترم اخلاقی صدیقه جلوانی خوزانی صغری وطن دوست سر مزده اصفهان ۴۸  
سال نجف آباد | ۴۸ سال مشهد ۴۸ سال ۴۸ سال ۴۸ سال اصفهان ۴۷ سال اصفهان ۴۶ سال مشهد ۴۵ سال توضیحات مادر  
شهید مادر شهید مادر شهید و همسر شهید مادر شهید مادر ۲ شهید مادر شهید مادر شهید مادر شهید مادر شهید  
مادر و همسر خانه دار خانه دار خانه دار خانه دار خانه دار خانه دار شیراز قزوین نرو بن مشهد زهرا  
دادرسان هاجر حائری عراقی سکینه عسگری باقرآبادی سکینه احمدی ربابه اکبرزاده رضائی شاهزنان زمانی بافق ۴۵ سال ۴۵  
سال ۴۳ سال ۴۳ سال ۴۱ سال خانه دار خانه دار خانه دار خانه دار تهران مادر شهید مادر شهید مادر  
شهید مادر شهید مادر شهید مادر ۲ شهید و همسر جانباز دوپا مشهد کرج قطع ۴۱ سال خدیجه مارنانی زهرا حسینی اصفهان  
تربت حیدریه خانه دار خانه دار مادر شهید مادر شهید خانه دار تهران عصمت حسینی اقدس حسن زاده محمدابراهیم فخرائی  
رضا محمدزاده محمدحسن متولی امامی علی اکبر کثیری حاج در ویش جهانگیری شیراز همدان اصفهان آستارا شیراز ۳۸ سال  
۳۷ سال ۷۱ سال ۷۰ سال ۶۴ سال ۶۱ سال ۶۰ سال مادر مفقودالآثره خانه دار همسر شهید بازنشسته پدر شهید مغازه دار پدر  
شهید» پدر شهید بازنشسته ا «پدر شهید بازنشسته پدر شهید شرکت نفت نقاش

فصل چهارم ۶۸۱ ردیف اهل شغلی نام نام خانوادگی محمد ابراهیم پور مانده علی پورقاسمیان یوسف اسماعیلی سن کازرون  
۶۰ سال نجف آباد ۵۷ سال قزوین ۵۷ سال آزاد آزاد قماش توضیحات پدر اسیره پدر شهید پدر شهید نائین فروش کشاورز  
روحانی جهادگر نجفعلی اشکستانی سیدحسین حسینی جهانگیر حسین مجیدی احمد زائری امیرانی مجید بابازاده حجت الله  
شجاعی بابلسر اردستان ۵۶ سال ۴۰ سال ۴۲ سال ۲۵ سال ۲۰ سال ۱۹ سال پدر شهید پدر شهید جانباز قطع نخاع جانباز قطع دو  
پا، جانباز قطع دوپا، جانباز قطع دوپا، بابل

ص: ۶۸۱



ب: مردان شهید اهل سن ۲۳ شغل مشهد شیراز بازنشسته بازنشسته کشاورز فردوس کاشان کشاورز یزد همدان آرایشگر  
همدان خدابنده تهران بازنشسته کشاورز کشاورز بازنشسته نظنز بهشهر کاشمر گناباد کشاورز کشاورز کشاورز نام نام  
خانوادگی رضا صالحی دشت بیاض نعمت الله نعمتی حجبی قربان مجردنرم رجبعلی رضانی محمدحسین برهان حمدالله  
احمدی وحید غلامعلی یعقوبی اکبر لطف الله علیمرادی علیجان رحیمی محمد ماندنی بادی حسن یونسی کلاکی | رضا  
رضادوست حسین مودب بیلندی علی محمد معینی کربه کندی محمودعلی علیپور امیرحسین نصیری اردلی حسنعلی اسماعیلی  
عوض باز آمده سید محمد پور حقیقی محمود مؤمن براتعلی کاخکی طرقی احمد شایسته سیدحسین حبیب نژاد دشتی  
سیدرضا مدرس زمانی سیدمحمدتقی امامی دره بیدی عبدالحسین عابدین باجگیران رضا فروغی طالخونچه میر عزیز سیادت  
ابوالقاسم راستگوم وه غه چه غه ۸۵ سال ۸۲ سال ۸۲ سال ۷۶ سال ۷۴ سال ۷۴ سال ۷۳ سال ۷۱ سال ۷۱ سال ۷۱ سال ۶۹  
سال ۶۸ سال ۶۸ سال ۶۸ سال ۶۷ سال ۶۷ سال ۶۷ سال ۶۶ سال ۶۶ سال ۶۵ سال ۶۵ سال ۶۴ سال ۶۴ سال ۶۴ سال ۶۳  
سال ۶۲ سال ۶۲ سال ۳۲ اصفهان قزوین شهرکرد اردکان برازجان شیراز خمین کشاورز کشاورز کارمند کاسب و خه وه مه  
چه بازنشسته مشهد / کارگر کشاورز مشهد کشاورز کارگر رهنان فریدن شیر وان کاسب کاسب کاسب خوی فریمان کارگر  
کشاورز

ص: ۶۸۲

شغل نام خانوادگی سیدمحمدباقر امامی دریدی عبدالصاحب سقازاده احمد دیانت کاشانی عباس مختاری روحانی فریدن  
کازرون کاشان هشتپر کشاورز ۶۲ سال ۶۱ سال ۶۱ سال ۶۱ سال مغازه دار کشاورز طولش کاسب علی ابراهیمی سیدابوالحسن  
موسوی رمضانعلی اسماعیلی شادیر سید مصطفی موسوی قربان بشگرد سیدذبیح الله یاسینی حسن رحمانی مطلق سید کمال  
موسویان اکبر سلحشور لنجان سفلی ۶۱ سال زنجان ۶۰ سال بندرانزلی ۵۰ سال النجان سفلی ۵۹ سال رشت ۵۰ سال خوانسار |  
۵۸ سال اصفهان | ۵۷ سال زرین شهر | ۵۵ سال اصفهان ۵۴ سال روحانی مغازه دار کشاورز بازنشسته کشاورز کشاورز کارگر  
ذوب بازنشسته ارتش روحانی نگهبان کشاورز نجار کشاورز مغازه دار شیراز بازنشسته کشاورز مشهد محمد مهدی مندین  
طوسی احمد محمودیان کلهرودی ابوالقاسم عباس زاده صنوبری علی اکلیلی محمود شمسانی ترک محمد علی عالمی مرتضی  
حدادی محمدصادق ابراهیم زاده نظام صنعی حسین فرخ آشتیانی گنجعلی بخشی علی اکبر معافیان مرتضی حمصیان عباس  
امینی رحمانعلی درتومی محمد اصغری مشهد ۵۴ سال تهران ۵۴ سال مشهد ۵۳ سال شاهین شهر ۱ ۵۳ سال مشهد ۵۳ سال تهران  
۵۳ سال ۵۳ سال ۵۳ سال دزفول ۵۳ سال آشتیان ۵۳ سال همدان ۵۲ سال مشهد ۵۲ سال اصفهان ۵۲ سال بوشهر ۵۲ سال بجنورد  
۵۰ سال ۵۰ سال کارمند سرپرست معمار نقاش مغازه دار آزاد کاسب کشاورز

اهل شغل مغازه دار کاسب معمار راننده روحانی ۱۲۱ آزاد ردیف نام نام خانوادگی ۱۱۶ مرتضی مسیحیان نشروودی ۱۱۷  
مصطفی علی پور غلامرضا کتابی قربان مرادی آل یوسد انواری محمد بهنامی فر عباس کلامی هیبت الله ترکی حسین رسولی  
نیا عبدالعللی غلامی محمود کاراندیش سیدجمال غنی پور صفرعلی مرادی قهدریجانی محمدعلی مهدوی پاک محمد  
محمدباغبان آل محمد وطمانی ملایر رشت ۵۰ سال قیروکارزین ۵۰ سال همدان ۴۰ سال شیراز ۴۰ سال همدان ۴۸ سال سبز اور  
۴۸ سال سمنان ۴۷ سال ۴۷ سال کرج ۴۶ سال شیراز ۴۶ سال شیراز ۲۶۶ سال ۴۶ سال قهدریجان ۴۶ سال مشهد ۴۵ سال مشهد  
۴۵ سال سردشت ۲۴ سال راننده آزاد کارمند چوبدار کارگر مکانیک کشاورز بابل کاسب کارمند روحانی اهل سنت)  
روحانی کشاورز کاسب سیدجعفر حسینی صفت الله محمدخانلو الله قلی شرفی فرد غلامعلی کاورزیان کلیشادی سرفراز پور  
رشید حسن مهتدی ۴۴ سال ۴۳ سال ۴۲ سال ۴۱ سال ۴۱ سال ۴۰ سال ۱۳۵ بجنورد قزوین فسا اصفهان شیراز تهران ۱۳۷ بقال  
کشاورز مدیر شرکت هادی برق کارگر عضو سپاه ۱۳۸ | سیدرضا اسدی شکار اسطخل علیرضا دیودار محمدجواد دهقانی  
کلیشادی عبدالله حسن اعلائی رضا حاجی صفری ابوالقاسم تیموری نژاد رشت ۴۰ سال بهشهر ۳۰ سال النجان سفلی ۳۹ سال  
۳۸ سال اصفهان ۳۸ سال مشهد ۳۷ سال تهران روحانی همافر آزاد کارمند صدا و سیما آبادان حسین علی یاس ۱۴۵ | محمد آقا  
کریمی ۳۷ سال ۳۷ سال نطنز کاسب

نام نام خانوادگی سیدمهدی عندلیب مقدم عبدالحسین سالاری بیرجند اصفهان ۳۶ سال ۳۵ سال ۱۴۸ مشهد براتعلی کلالی  
غلامرضا عطوفی ۳۵ سال ۳۵ سال ۳۴ سال مدیر کاروان کارمند شرکت نفت آزاد کشاورز عضو سپاه پاسداران استا دانشگاه  
جوشکار محسن ارومی تهران حسن ابراهیمی پورسیایی حسین گورکی محمدصادق رفیعی خیر آبادی عبدالحمید بادروج  
تهران دشتستان شیروان دزفول ۳۲ سال ۳۲ سال ۳۱ سال ۳۱ سال ۲۹ سال احمدشهریاری رجبعلی عزیزی سید کمال الدین کامروا  
حسین نقیبنی نستری رسول اشرف پائین دروازه غلامرضا رحمانی سیاهکوهی تهران ۲۹ سال همدان آبادان ۲۸ سال مشهد ۲۸  
سال اصفهان ۲۷ سال صومعه سرا | ۲۷ سال عضو سپاه پاسداران کارمند کارمند کشاورز روحانی بافندگی کارمند بنیاد شهید  
کارمند تهران عزت الله شعبانلو محمدعلی بشارت ۲۷ سال ۲۷ سال سرپرست بنیاد شهید اسلام آباد غرب ۲۷ سال ۱۶۴ کارمند  
فیض الله شیخی حسین حاتمی علیرضا وقار عبد الکریم وحید مشهد سوسنگرد د ۲۶۶۱ سال تهران ۲۲ سال ۲۰ سال ملایر  
دانشجو آزاد

ص: ۶۸۵



ردیف اهل سن شغل خوانسار خانه دار شیراز نام نام خانوادگی سیده خانم ذوالفقاری رقیه حق نگهدار زهرا پسندیده طاهره  
لعل شهبازی فاطمه ملائی هرندی فاطمه خباز توکلی خاتون عییدی کنیز رضا صفدرنیا حمیده طالب زاده سروستانی ماه سلطان  
اسماعیلی تزنگی عشرت رحیمیان قم اصفهان اصفهان کاشمر نیشابور ۶۳ سال ۶۳ سال ۶۲ سال ۶۲ سال ۶۲ سال ۶۲ سال ۶۲ سال  
۶۲ سال ۶۲ سال ۶۱ سال ۶۱ سال ۶۱ سال خانه دار خانه دار خانه دار خانه دار خانه دار خانه دار خانه دار خانه دار  
تربت جام سروستان شیراز تربت حیدریه اصفهان استهبان کاشان فاطمه قربانی سینی سکینه خانم رعیتی | ۶۱ سال ۵۹ سال ۵۹  
سال ملک خانم راعی خانه دار خانه دار خانه دار و قالیباف خانه دار عصمت هنر ورزاده تربت ۵۹ سال و و و حیدر به ساری  
خانه دار خانه دار خانه دار زنجان ام هانی نیک بخت صفیه هاشمی جمیله یوسفی میر آبادی مریم دهقانی حبیب  
آبادی بتول تحویلیان طاهره طاهری توران کیان افراز فاطمه چرخکار صدیقه ابراهیم نیا نجف آبادی احترام ملاحیان فضه  
خاکپور فاطمه گنجی رقیه بیگم موسوی اشترجانی ۲۲۱ صفیه مطیعی دهنوی خاتون مهدیان ۵۹ سال تهران ۵۹ سال اصفهان ۵۸  
سال اصفهان ۵۸ سال اصفهان ۵۸ سال اصفهان ۵۷ سال اهواز اصفهان ۵۶ سال هرات ۵۶ سال بروجرد ۵۶ سال  
لنجان سفلی ۵۵ سال اصفهان | ۵۵ سال ۵۵ سال خانه دار خانه دار خانه دار خانه دار خانه دار ۵۷ ۲۱۶ Affairs سال  
خانه دار ه خانه دار خانه دار و به ته د ن خانه دار







اهل سن توضیحات ه ج اصفهان ۳۰ سال نام نام خانوادگی عفت شفیعی فروشانی بتول شیخ العارفین بافقی عفت السادات  
میرمحمدی سرور شجاعی بور آبادی ه بافق ۳۰ سال خانه دار خانه دار خانه دار خانه دار ۳۰ سال ص ح بالعالم مدها ،  
فهد مسند اصفهان تربت حیدریه نجف آباد نجف آباد همدان عدد ۱ العداء زهرا بیگم افلاکیان خدیجه بیگم آیت مهین حبیبی  
نرگس آهن آهنچیان مهین السادات محقق مطلق لیلا- ناصری خانه دار خانه دار خانه دار خانه دار خانه دار مریب علوم دینی  
اصفهان ناصریه عراق اصفهان اصفهان خانه دار ه ۳۶ سال ه ه نجف ۳۶ سال صغری حبیب الهی نصرت اعظمی الهام  
مهدوی بتول اعلائی فتانه امینی منیژه کریمی خدیجه جمشیدی حاجیه بیگم شفیعی خوزانی معصومه غفوریان زهرا مداح ناهید  
فولادی سمنانی فاطمه پروین روحی ابرقوئی خدیجه ژاله حلاجی پروین مغاره عابد سرور داورپناه زهرا محمد مرادپور قمر  
کاظمی برجی خواندی مهری رعنائی حورا صفریان زهرا بسکابادی شهین کاظمی خانه دار خانه دار خانه دار خانه دار خانه دار  
دار خانه دار خانه دار مریب کودک مهندس خانه دار خانه دار خانه دار خانه دار خانه دار خانه دار خانه دار  
خانه دار خانه دار که شوشتر ۳۶ سال ۳۵ سال ۳۵ سال ۳۴ سال خمینی شهر ۲۴ سال اصفهان ۳۲ سال سمنان ۳۲ سال تهران  
۳۱ سال ابرقو ۳۱ سال ۳۰ سال اصفهان ۲۰ سال اصفهان ۲۰ سال شیراز ۲۹ سال اصفهان ۲۹ سال ۲۹ سال کهک قم ۲۹ سال مشهد  
۲۹ سال اصفهان ۲۹ سال

ردیف نام نام خانوادگی ۳۱۷ زهرا همتیان ۳۱۸ طیبه بنی حسن عزت وکیلی سهر فروزانی البلاقارداش پر وین آقا کوچکی  
صغری پورشعبانی ملیحه کدیور مهین فاخر منش ۳۲۵ رقیه رضائی سمنان | ۲۰ سال ۲۷ سال النجان سفلی ۲۷ سال قوچان ۲۷  
سال آبادان ۲۵ سال رفسنجان ۲۵ سال ۲۴ سال ۲۲ سال قزوین ۲۲ سال خانه دار خانه دار خانه دار خانه دار

ص: ۶۹۱

مقدمه .... ۱

فصل اول : روایت شاهدان عینی .... ۳

آتش گلوله برای حجاج - سید رضا موسی کاظمی .... ۵

آثار توطئه - سید عبدالله نورحسینی .... ۸

آمادگی پلیس سعودی برای کشتار - مهدی پاکدل .... ۱۰

آنچه من دیدم .... ۱۳

آن روز از میان دریای خون گذشتیم - عباس خ .... ۲۶

آنها به همه ظلم می کنند - مهدی صداقتی .... ۳۴

آل سعود یا آل آمریکا؟ - سید اسدالله نبوی .... ۳۶

آن شیرزن که بود؟ - ماشالله غریب .... ۴۰

ابولهب خادم حرمین - غلامحسین اکرادلو منجیلی .... ۴۵

اثر لکه های خون پاک نمی شود - فهمی کورو- روزنامه زمان ترکیه .... ۴۹

اعلام خبر سقوط هلی کوپتر ... - محسن انسی .... ۹۹

افشاگری علماء مسلمین لبنان .... ۱۰۵

انتخاب خوب ایرانیان - حاجی اسدالله - هند .... ۱۰۷

اهانت به مقدسات وهابیهها - سیدحسن میردامادی .... ۱۱۱

برای پلیس سعودی همه چیز ... - محمد مهدی پور اردبیلی .... ۱۱۶

به آتش کشیدن پرچم آمریکا وحمله پلیس - عبدالرضا ابراهیم .... ۱۲۱

بیداری حجاج خارجی - احمد رضا یمینی .... ۱۲۲

بیداری مسلمین - محمد کاظم کمال - قاین .... ۱۲۴

بی رحمی بیداد می کرد - محمد هادی اینانلو .... ۱۲۵

به هیچکس رحم نکردند .... ۱۲۸

ص: ۶۹۲

بیست شب در زندان .... ۱۳۰

پاهای گمشده - جانباز احسان بهرامی .... ۱۳۳

پدر سه شهید - رحمان تیموری همدان .... ۱۳۵

پرتاب زباله بر سر مردم - تقی مهدیه نجف آبادی .... ۱۳۷

پیام پلیس سعودی - علی اکبر خالقی .... ۱۳۸

پیش بینی سعودیها برای محو آثار جنایت، - حجت الاسلام احمدی .... ۱۴۱

توطئه ارباب و نوکر - حسین رحمتی - مرند .... ۱۴۴

توطئه همه جانبه - دکتر حسین مظفری .... ۱۴۵

جرم مسلمانان در مکه... - مولوی حافظ .... ۱۵۸

جمعه خونین - احمد رضا کریمیان .... ۱۵۹

جنایت آل سعود - حجت الاسلام معصومی .... ۱۶۳

جنایت پلیس سعودی - علی آبادی مجروح .... ۱۶۳

حجاج در میدان شکار تک تیراندازان ... - حسام الدین معمار .... ۱۶۹

حج مادریک شهید .... ۱۸۲

حریم خونین حرم - علی اصغر نادری .... ۱۸۵

حماقت های تبلیغاتی آل سعود - مصطفی رجائی .... ۱۸۹

حمایت آل سعود از مجاهدین ... - هاشمی لولنجی .... ۱۹۲

حمله پلیس علت ازدحام جمعیت - کرامت نیکنام .... ۱۹۵

حیله سعودیها - عزت الله فنائی .... ۱۹۶

خادم کاخ سفید - اسماعیل گندمی .... ۱۹۷

- خشم حجاج غیر ایرانی - اصغر رضانی .... ۱۹۸
- خیابان پر از جنازه - فاطمه مرادخانی .... ۱۹۹
- خیابان غم انگیز - سیدجواد رضوی پور .... ۲۰۰
- در میدان معاویه و شارع حرم همه ... ۲۰۵
- در زندان آل سعود - محمدرضا هدایتی .... ۲۱۳
- دفاع از منافع شیطان - حسن باقری .... ۲۱۷
- روایت فاجعه - احمد مجیدی پیرسقا - دانشجو .... ۲۲۰

ص: ۶۹۳

- روایت فاجعه - یک زائر فیلیپینی مجروح .... ۲۶۰
- سمیه ها - فاطمه فخاریان - سمنان .... ۲۶۲
- شام غریبان - مصطفی کواکیان .... ۲۶۵
- شجاعت زنان ایرانی - جمشید کرمی .... ۲۶۹
- شرطه های چاقوکش - حسین نمازی - بندرعباس .... ۲۷۲
- شکست قداست حرم با شلیک گلوله - دکتر تقی بنگاش - پیشاور .... ۲۷۶
- شکسته شدن حریم خدا .... ۲۸۷
- شلیک گلوله ها - حاج آقا تقوائی .... ۲۹۱
- شهدا بر سنگفرش خیابان - دادعلی مشهدی .... ۲۹۳
- شهر امن - جعفر سبحانی .... ۲۹۴
- صبر حجاج ایرانی - محمد شیدا .... ۲۹۵
- صحنه های دلخراش - روح الله صفری .... ۲۹۸
- عاشقان امام امت - محمد رمضان محلاتی .... ۳۰۰
- عطش خونخواری - احمد صابری .... ۳۰۴
- عین واقعه کربلا بود - قربانعلی امیری .... ۳۰۵
- فاجعه خونین - احمد کتابی .... ۳۰۷
- فریاد استغاثه - سید عبدالله نورحسینی .... ۳۰۸
- فریاد مظلومیت - ناصر جان نثاری .... ۳۱۰
- قربانگاه خونین - علی رحمانی .... ۳۱۶
- قطع دست - حسن وردیانی .... ۳۱۸

قلب سیاہ آل سعود - سید محمد حائری .... ۳۱۹

قلب های سوخته - حاج محمد نمازی .... ۳۲۲

کاغذ رنگی رمز عملیات خونین مکه - اکبر سلیمانی .... ۳۲۵

کعبه محل قیام مسلمین جهان - محمد حسن دلیر .... ۳۳۱

کعبه مذبح عشاق - فتوت نصیری .... ۳۳۶

کعبه یکتا مرکز شکستن بتها - سید احمد هاشمی نژاد .... ۳۴۰

کودکان انقلابی - دکتر عروجی .... ۳۴۳

گلوله باران حجاج بی دفاع - محمد حسن اجاقی .... ۳۴۴

ص: ۶۹۴



گزارش جنایت - محمد آخوند عابدی .... ۳۴۶

لباس مهمانی - .... ۳۴۷

محاصره برای قتل عام زائران - شمس - مجروح حادثه .... ۳۵۳

محاصره در بین مأمورین - عزت الله عبدالله خانی .... ۳۵۸

محبت های یک خانواده عرب - .... ۳۶۰

مردم حجاز بیدارند - عباس بدخشان .... ۳۶۱

مسئله اصلی ادای وظیفه است .... ۳۶۴

مظلومیت محض - علی بلوکی یزدی .... ۳۶۵

مقتل مکه - فخرالدین حجازی .... ۳۶۷

مکه چگونه به خون رنگین شد؟ - گزارشگر ویژه العالم .... ۳۷۱

مهر و تسیح کربلا - محمود امیری .... ۳۸۳

ندامت یک شرطه - احمد متقی .... ۳۸۵

وحشت شرطه ها از نماز - غلامعباس میرزائی .... ۳۸۷

ومن دخله کان آمنا - سید محمد حسین حسینی .... ۳۸۹

هجوم وحشیانه - محمدعلی امینیان .... ۳۹۳

هدف رژیم سعودی قتل عام بود - ایوب صلاح - ترکیه .... ۳۹۸

یکشب در اسارت وهابیان - سیدباقر میردامادی .... ۴۱۲

فصل دوم

اخبار-تحلیلهای - موضع گیریها - سخنرانیها و پیامها :

مقدمه فصل دوم .... ۴۲۰

پیام نماینده امام به حجاج .... ۴۲۱

پیام حجت الاسلام والمسلمین کروی به محضر امام .... ۴۲۲

حکم تاریخی امام امت .... ۴۲۴

پیام رئیس جمهور .... ۴۲۹

پیام رئیس قوه قضائیه .... ۴۳۰

فاجعه کشتار از زبان سرپرست حجاج ایرانی .... ۴۳۱

جزئیات کشتار مکه معظمه - خبرنگار کیهان .... ۴۳۳

قتل عام زائران به خبرنگار صدا و سیما .... ۴۳۴

ص: ۶۹۵

- گزارش خبرنگار کیهان .... ۴۳۵
- گزارش صدای جمهوری اسلامی .... ۴۳۹
- فیلم سیمای جمهوری اسلامی .... ۴۴۱
- گفتگو با نخستین گروه حجاج ایرانی در فرودگاه .... ۴۴۲
- جلسه فوق العاده هیئت دولت .... ۴۴۵
- اعلام عزای عمومی از سوی دولت .... ۴۴۷
- احضار کاردار سعودی در تهران به وزارت خارجه .... ۴۴۹
- اظهارات سخنگوی وزارت خارجه .... ۴۴۹
- ملاقات گروهی از مجاهدین افغانی با حجت الاسلام کروی .... ۴۵۰
- آیت الله خامنه‌ای: انتقام حادثه خونین کشتار حجاج .... ۴۵۱
- پیام وزیر کشور ایران به وزیر کشور عربستان .... ۴۶۰
- اردن مراکش و عراق از جنایت رژیم فهد حمایت کردند .... ۴۶۲
- تامین امنیت توسط یک ژنرال آلمانی !! .... ۴۶۳
- رژیم آل سعود سربازانی را که ... ۴۶۴
- استفاده پلیس سعودی از کلت، تفنگ و گلوله های انفجاری .... ۴۶۵
- اظهارات سرپرست بیمارستان ایرانی در مکه .... ۴۶۶
- گزارش مسئول ستاد حج مکه .... ۴۶۷
- مصاحبه با نماینده امام .... ۴۷۲
- گزارش واحد تحلیل و خبر بعثه امام .... ۴۷۳
- کتمان جنایات و تحریف حقایق توسط رادیو تلویزیون سعودی .... ۴۸۹

نقش گردان ۱۰۱ ویژه اردن در قتل عام مکه فاش شد .... ۴۹۲

سخنگوی وزارت خارجه سیر تبلیغات رژیم سعودی... ۴۹۳

سرپرست ستاد پزشکی حج ابعاد دیگری از جنایت..... ۴۹۷

مدرسین حوزه علمیه قم خواستار خلع ید حکام آمریکائی ... ۵۰۰

اطلاعیه دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه .... ۵۰۱

بیانیه علماء و طلاب عربستانی مقیم قم .... ۵۰۱

تلگرام آیت الله ملکوتی .... ۵۰۳

تلگراف آیه الله خاتمی .... ۵۰۴

بیانیه جمعیت زنان جمهوری اسلامی .... ۵۰۴

اطلاعیه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم .... ۵۰۵

ص: ۶۹۶

دیدگاه روحانیون اهل سنت .... ۵۰۷

پیام امام جمعه سنندج به امام جمعه مدینه منوره .... ۵۰۷

پیام روحانیون اهل سنت دهگلان .... ۵۱۳

پیام سرپرست حوزه علمیه اهل سنت خواف .... ۵۱۳

پیام روحانیون تربت جام .... ۵۱۴

پیام روحانیون سرخس .... ۵۱۵

پیام روحانیون مرکز بخش در میان .... ۵۱۵

اطلاعیه حوزه علمیه حضرت بلال اهل سنت مشهد .... ۵۱۵

قطعنامه پایانی کنگره بررسی قداست و امنیت حرم .... ۵۱۷

سخنان رئیس مجلس شورای اسلامی در کنگره .... ۵۲۰

امام: جنایت تاریخی شکستن احترام حرم امن الهی ... ۵۲۲

آیت الله خامنه ای: جمعه خونین مکه یک عاشورا و محرم دیگری است .... ۵۲۴

پیام امام امت به ایثارگران .... ۵۲۵

امام: این ننگ است برای مسلمین که حرمت کعبه شکسته شود و... ۵۲۷

بخشی از سخنرانی آیت الله خامنه ای در سازمان ملل متحد .... ۵۳۴

رئیس مجلس: مشابهت جنایات آل سعود و یزیدیان .... ۵۳۵

حجت الاسلام والمسلمین هاشمی: همدستی آمریکا و عربستان در فاجعه .... ۵۳۹

سخنان آیت الله صانعی .... ۵۴۳

عزیمت حجاج ایرانی به مدینه .... ۵۴۶

جلوگیری رژیم سعودی از عزیمت سرپرست حجاج ایرانی .... ۵۴۷

مأموران رژیم سعودی وسائل پزشکی هیات ایرانی را ضبط و توقیف کردند .... ۵۵۰

مقامات سعودی از سفر سرپرست حجاج ایرانی به مدینه جلوگیری کردند .... ۵۵۱

حجت الاسلام والمسلمین کروی به کشور بازگشت .... ۵۵۲

نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی ابعاد جدیدتری از .... ۵۵۴

فصل سوم

راهپیمائی و مراسم .... ۵۵۹

مقدمه فصل سوم .... ۵۶۱

مردم خواستار قاطعیت در برابر .... ۵۶۳

تسخیر سفارت کویت .... ۵۶۶

ص: ۶۹۷

کشف مشروبات الکلی از سفارتخانه های کویت و عربستان .... ۵۶۷

حمله به سفارت فرانسه .... ۵۶۷

هجوم به سفارت رژیم عراق .... ۵۶۷

تظاهرات میلیونی مردم خشمگین .... ۵۶۸

قطعه نامه تظاهرات میلیونی .... ۵۷۱

تظاهرات صدها تن از علماء و طلاب غیر ایرانی .... ۵۷۳

راهپیمایی بزرگ مردم تهران .... ۵۷۵

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی در راهپیمایی .... ۵۸۰

راهپیمایی مردم سراسر کشور علیه جنایت آل سعود .... ۵۹۰

راهپیمایی و اجتماع زنان بسیجی .... ۵۹۸

واکنشهای گسترده جهانی علیه جنایت هولناک .... ۶۰۲

انعکاس فاجعه قتل عام مکه در جهان اسلام .... ۶۰۶

لبنان نظر ۵۰ شخصیت .... ۶۰۸

دعوت حجت الاسلام والمسلمین کربوبی برای برگزاری اربعین .... ۶۱۱

اعلام آمادگی گسترده اقشار مختلف مردم .... ۶۱۳

شعارهای راهپیمایی اربعین شهدای مکه مکرمه ۶۱۵

راهپیمایی میلیونی اربعین شهدای مکه .... ۶۱۷

میلیونها مسلمان عدم صلاحیت حکام آمریکائی آل سعود را .... ۶۲۰

قطعه نامه راهپیمایی .... ۶۲۳

آیت الله خامنه ای : ایجاد فاجعه مکه به منظور مبارزه با انقلاب اسلامی بود .... ۶۲۶

مراسم اربعین شهدای مظلوم مکه در گوشه و کنار جهان .... ۶۳۱

فصل چهارم

شهداء و جانبازان .... ۶۳۷

مقدمه فصل چهارم .... ۶۳۹

تشکیل ستاد پیگیری وزارت خارجه .... ۶۴۱

تعطل و کارشکنی حکام سعودی از انتقال شهدا و .... ۶۴۱

کارداد جمهوری اسلامی ایران در عربستان علت تأخیر .... ۶۴۲

اظهارات نخست وزیر پیرامون انتقال شهدای حج .... ۶۴۵

گزارش لحظه به لحظه از هواپیمای حامل شهدا و مجروحین .... ۶۴۶

ص: ۶۹۸



ورود نخستین کاروان شهداء و مجروحین .... ۶۴۹

نخست وزیر: حادثه عظیم مکه مقدمه اتفاقات تازه است .... ۶۵۲

بیکر پاک ۴۹ شهید دیگر .... ۶۵۵

کاروان ویژه بنیاد شهید با تقدیم شش شهید و ۵ مفقود .... ۶۵۶

گفتگوی کیهان با چند تن از جانبازان .... ۶۵۸

گزارش روزنامه جمهوری اسلامی از ورود کاروان ویژه .... ۶۶۰

۲۰۳ تن از شهدای فاجعه مکه شناسائی شدند .... ۶۶۲

تشییع جنازه باشکوه اولین شهیدان مکه .... ۶۶۶

تشییع شهداء جمعه خونین مکه در شهرستانها .... ۶۶۶

۵۹ نفر از بستگان شهدای فاجعه خونین مکه برای شناسائی .... ۶۶۹

اجساد مطهر ۵۹ تن از شهدای جمعه خونین مکه به تهران انتقال یافت .... ۶۷۰

اجساد پاک و مطهر ۵۴ تن از شهدای فاجعه جمعه ... تشییع شد .... ۶۷۳

جوان ترین شهید جمعه خونین مکه .... ۶۷۴

شهداء فاجعه .... ۶۷۹

ص: ۶۹۹

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

